

القرآن
الحكيم







سوره فاتحه / ۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی (۱)

اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ② اَلرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

همه ستایش ها ویژه خدا، پروردگار جهانیان است (۲) رحمتش بی اندازه

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ ③ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِيَّاكَ

است و مهربانی اش همیشگی (۳) تنها او فرمانروای روز پادش و کیفر است (۴) پروردگار!!!

نَسْتَعِينُ ⑤ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ⑥

فقط تو را می پرستیم، و ادر همه امورمان! تنها از تو یاری می خواهیم (۵) ما را به راه

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ

راست راهنمایی کن (۶) راه کسانی که نعمت های مادی و معنوی را عطایشان کردی.

عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ⑦

که نه بر آنان خشم گرفتی و نه گمراهند. (۷)

سوره بقره / ۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

الرَّ ۱ ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى

الف، لام، میم (۱) در اوحی بودن این کتاب ابعظمت هیچ تردیدی نیست، اهمیتش اراهنمای

لِّلْمُتَّقِينَ ۲ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ

بر همکاران ایهسوی سعادت دنیا و آخرت است (۲) آنان که غیب را پور دارند، و نماز را اباشر ابطویر دانش می خوانند.

وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ۳ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا

و از هر نعمت امدادی و معنوی اکه روزی آنان کر ده ایم ادر راه خدا ا هزینه می کنند (۳) و به آنچه بر تو و به آنچه

أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ

پیش از تو نازل شده ایمان دارند، و اینانند که به آخرت

يُوقِنُونَ ۴ أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَ

یقین دارند. (۴) آنانند که از سوی پروردگارشان بر ابلندای هدایتند.

أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۵

و آنانند که ابر موانع راه سعادت ا پیروزند. (۵)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَعَذَّرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ

مسلمان برای منکران حقایق که بر انکارشان با فشاری می کنند، مساوی است که از عذاب دور خ | هشدارشان دهی یا نه می

لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٦﴾ خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى

قطعا ایمان نمی آورند (۶) خداوند ایه کفر انکارشان بر دل ها و گوششان مهر اعدم فهم حقایق زده، و بر

أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٧﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ

چشم های قلبشان پرده ضخیمی است که مشعل هدایت را نمی بینند، و برای آنان عذاب بزرگی است (۷) برخی از مردم (که منافقند) می گویند:

إِمْتَنَّا بِاللَّهِ وَيَا أَيُّهَا الْآخِرُ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٨﴾ يُخَادِعُونَ اللَّهَ

ما به خدا و روز قیامت ایمان آوردیم، درحالی که مؤمن نیستند (۸) ایه گمان باطلشان | خداوند

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يُخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٩﴾

و مؤمنان را مورد دین رنگ قرار می دهند درحالی که جز به خودشان دین رنگ نمی زنند، و از این نیرنگ رانسبت به خود | درک نمی کنند (۹)

فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٠﴾

در دل هایشان بیماری | سختی از نفاق، و دشمنی با خدا و پیامبر است، پس خدا ایه کفر انحرافشان ابر بیماری دل هایشان افزود، و برای آنان

كَانُوا يَكْذِبُونَ ﴿١١﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا

به سبب آن که همواره دروغ می گفتند عذاب دردناکی است (۱۰) چون به آنان گویند: در زمین تبهکاری و فتنه انگیزی نکنید، می گویند:

إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ ﴿١٢﴾ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن

فقط ما در مقام اصلاح گری هستیم (۱۱) آگاه باشید! خود اینان اهل تبهکاری و فتنه انگیزی اند؛ ولی

لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٣﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا

این مسئله را نمی فهمند (۱۲) چون به آنان گویند: شما هم آن گونه که دیگر مردم ایمان آوردند ایمان آورید، می گویند:

أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ ﴿١٤﴾

آیا ما نیز مانند ابلهان ایمان آوریم؟ آگاه باشید! یقیناً خود اینان ابلهاند؛ ولی | از شدت کوردلی به ابلهی خود | آگاه نیستند (۱۳)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ امْكُفِّرُوا قُلُوبَكُمْ قَالُوا لَا يَكْفُرُ الْقَلْبُ

هنگامی که با مؤمنان دیدار کنند می گویند: ما ایه خدا و پیامبر | مؤمن شدیم، و زمانی که با شیطان هایشان | که سران شرک و کفرند | در خلوت بنشینند

إِنَّمَا نَحْنُ مُسْلِمُونَ ﴿١٥﴾ اللَّهُ يَسْهُزُّ بَهُمْ وَيُمِدُّهُمْ

می گویند: به یقین ما با شما ایم، جز این نیست که ما ایه ظاهر به ایمان، | آنان را مورد ریشخند قرار می دهیم (۱۴) خداوند آنان را ایه کفر این عمل منافقانه |

فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١٦﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الصَّلَاةَ

دچار عذاب دنیا و آخرت می کند، و در تجاوز کردنشان مهلت می دهد تا | همواره در وادی نفاقشان | سرگردان بمانند (۱۵) آنان مردمی هستند که گمراهی را

بِالْهُدَىٰ فَمَا رََبَحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿١٧﴾

به جای هدایت خریدند، | در نهایت | تجارتشان هیچ سودی نکرد، و از راه یافتگان | به سوی سعادت | نبودند (۱۶)

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ

سرگذشتشان چون سرگذشت کسانی است که [در شب بسیار تاریک میانان، آتشی افروختند] اندر پرتو آن خود را از خطر برهانند، چون آتش پیرامونشان

اللَّهُ يَنْوْرِهِمْ وَيَتْرَكُهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ ﴿١٧﴾ صُمُّ بُكُمْ

و روشن ساخت، خداوند [با توفانی سهمگین، نورشان را نابود کرد، و آنان را در تاریکی هایی که جایی را نمی دیدند] حیران و سرگردان [رها ساخت (۱۷) آنان را روشن ساخت،

عُمْى فَمَا لَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿١٨﴾ أَوْ كَصَيْبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَ

[از شنیدن حقایق] کر، و [از گفتن واقعیات و پرسش از حقایق] لال، و [از دیدن آثار حق و آیات الهی] کورند؛ به این سبب [از مسیر شیطان به راه مستقیم]

رَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ

باز نمی گردند (۱۸) یا [سرگذشت آنان] مانند [دچارشدگان به] رگباری شدید از آسمان است که در آن رگبار، تاریکی های مژگام و رعد و برق [خطر را] است،

وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿١٩﴾ يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ

انگشتانشان را از [صدای هولناک] صاعقه ها به علت بیم از مرگ در گوش هایشان می گذارند [در حالی که راه گریزی از خطر مرگ برای آنان نیست، و خداوند به

لَهُمْ مَشْوَافٍ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ

منکران [حقایق] احاطه [همه جانبه] دارد (۱۹) نزدیک است که آن برق [بسیار درخشان، روشنی] چشم هایشان را برباید، هنگامی که بر آنان بتابد در پرتو آن راه

وَأَبْصَارَهُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٠﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ

میروند، و چون فضا را بر آنان تاریک کند می ایستند، و اگر خدا می خواست [شنوایی] گوش و [بینایی] چشم آنان را به کلی نابود می کرد [تا برای همیشه از شنیدن

اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

حقایق هدایتگر و دیدن آثار الهی محروم گردند؛ زیرا [خداوند بر هر کاری تواناست (۲۰) ای مردم! پروردگارتان را که شما و پیشینیانتان را آفریده بندگی کنید تا

﴿٢١﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ

به [روحیه] اطاعت از خدا و پرهیز از محرماتش آراسته شوید (۲۱) پروردگاری که زمین را به سود شما بستری گسترده، و آسمان را سقفی برافراشته قرار داد،

السَّمَاءِ مَاءً فَآخَرَجَ بِهِ مِنَ الشَّجَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ

و از آسمان آبی [سودمند] فرستاد و به وسیله آن از میوه های فراوان، روزی [ثمربخشی] برای شما پدید آورد، پس برای خدا

أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٢﴾ وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ

همتایی قرار ندهید در حالی که می دانید [برای خداوند در آفریدن و روزی دادن همتایی نیست] (۲۲) اگر در [وحی] بودن [قرآنی] که ما بر بنده خود

عَبْدِنَا فَاتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ

[امحمد ﷺ] [نازل کردیم شک دارید پس سوره ای مانند آن بیاورید، و برای این کار ایاران همفکران از متخصصان بزرگ زبان و ادبیات عرب را در برابر

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٣﴾ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا

خداوند دعوت کنید چنانچه در ادعای خویش راستگوید (۲۳) و اگر یک سوره مانند قرآن را نیاورید، که هرگز موفق به آوردن آن نخواهید شد، نهایتاً [با ایمان]

النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ﴿٢٤﴾

آوردن به وحی بودن قرآن، [خود را از دچار شدن به] آتشی که هیزش انسان ها و سنگ ها بایند حفظ کنید؛ آتشی که برای منکران وحی آماده شده است (۲۴)

وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي

و به آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته چون بندگی حق و خدمت به خلق کرده اند نوید ده مسلماً بهشت هایی ویژه آنان است

مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا

که از زیر درختانش نهرها جاری است، هر زمان که از آن بهشت ها میوه آماده ای به آنان دهند،

هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ

گویند این همان است که پیش از این روزی ما کردند. و از میوه های گوناگون که در طعام و گوارایی و زیبایی اشبیه یکدیگر است نزد آنان آورند. و در آن جا

فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا

همسرانی که از هر آلودگی پاکیزه اند در اختیار ایشان است، و در آن جایگاه پُر نعمت بی نظیر جاودانه اند (۲۵) بی تردید خداوند

يَسْتَجِيبُ أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةٌ فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ

برای تفهیم مطلبی به مردم از این که به پشه و فراتر از آن در کوچکی مثل بزند پروا ندارد، اما مؤمنان

آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنََّّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا

می دانند که آن مثل از سوی پروردگارشان حق است، و اما کافران

فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا

با حالتی تمسخر آمیز می گویند: خداوند از این مثل چه اراده ای کرده است؟ خداوند بسیاری را با آن مثل ا به سبب مسخره کردن حق ا به بیراهه می اندازد،

بِهْدَى بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ ﴿٢٦﴾ الَّذِينَ

و بسیاری را با آن مثل ا به علت پذیرفتن حق ا هدایت می کند، و جز گنهکاران نافرمان را با آن مثل به بیراهه نمی اندازد (۲۶) آنان

يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ

مردمی هستند که پیمان خدا را که توحید و نبوت و تکالیف است پس از استواری اش ا بدلائل عقلی و علمی، به سبب عمل نکردن به آن می شکنند، آنچه را خداوند

أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

پیوند برقرار کردن با آن فرمان داده است چون پیوند با پیامبران، قرآن، اهل بیت علیهم السلام و خویشان قطع می کنند، اوبه جدایی از آنان می گریند، اودر زمین به تباهی کاری

﴿٢٧﴾ كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ

و فتنه انگیزی بر می خیزند: آنان تپاه کنندگان همه سر مایه و جودی خویش اند (۲۷) چگونه به خداوندی که ذاتش جامع همه کمالات است ا کفر می ورزید؟ در حالی که پیش از

ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٨﴾ هُوَ

دیده شدن روح به کالبدتان، ترکیبی از عناصر ا مرده بودید، پس خداوند به شما حیات بخشید، سپس شمار ا به کام مرگ می اندازد، آن گاه پس از مرگ بر شما لباس حیات

الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَىٰ

می پوشاند، آنگاه همه شمار ا به سوی اوباز می گردانند (۲۸) آن خداوندی که همه آنچه را در زمین است به سود شما آفرید، آن گاه آفریدن آسمان

السَّمَاءِ فَسَوَّيْنَهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٩﴾

را اراده کرد، و آن را به صورت هفت آسمان ا محکم و استوار، و منظم و هماهنگ ا قرار داد، و اوبه ا قوانین و محاسبات ا همه چیز داناست (۲۹)

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا

وایه یاد آرا زمانی که پروردگارت به فرشتگان گفت: من قرار دهنده جانشینی ابا استعدادهای ویژه در زمین هستم، گفتند:

أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ

ایا موجودی را در زمین قرار می دهی که در آن به تبهکاری و فتنه انگیزی برخیزد، و دست به خون ریزی زند؟! در حالی که ثوابی پست و همراه با سباست به

بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۳۰﴾ وَعَلَّمَ

باک بودن از هر عیب و نقصی می ستاییم و تقدیس می کنیم، خداوند فرمود: من از وجود این جانشین و مایه های گرامش اسراری می دانم که شما به آن

آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي

آگاه نیستید (۳۰) خداوند اسامی همه حقایق را به آدم آموخت، آن گاه هویت حقایق را به فرشتگان ارائه کرد و فرمود: مرا از اسامی اینان

بِأَسْمَاءٍ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۳۱﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ

خبر دهید اگر ادراد عای خود نسبت به پرکردن خلأ جانشین با حمد و تسبیح و تقدیس اراستگوئید (۳۱) فرشتگان گفتند: تواز هر عیب و نقصی پاک و عزیز می

لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿۳۲﴾ قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ

ما را دانشی جز آنچه خود به ما آموخته ای نیست، مسلماً تو بی نهایت دانا و حکیمی (۳۲) خداوند گفت: ای آدم!

بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ

فرشتگان را از اسامی حقایق خبر ده! چون اسامی آن ها را به فرشتگان خبر داد، خدا فرمود: آیا به شما نگفتم که من قطعاً غیب آسمان ها و زمین را می دانم، و به آنچه شما

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿۳۳﴾

اشکارا انجام می دهید و به اعمالی که همواره پنهان می داشتید دانایم؟ (۳۳) وایه یاد آرا زمانی که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید، همه فرشتگان سجده کردند

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى

مگر ابلیس که از فرمان حق سرپیچی کرد، و تکبر ورزید، و نهایتاً از کافران شد (۳۴) و گفتیم: ای آدم! تو و همسرت در این بهشت معین (که باغی از باغ های بسیار آباد و

وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿۳۴﴾ وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ

پر نعمت دنیا بود) سکونت کنید، و از هر جای آن که خواستید بی دغدغه و با آسایش بخورید، و به این درخت نزدیک نشوید؛ که اگر نزدیک شوید از ستمکاران (بر خود)

الْجَنَّةِ وَكُلُوا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا

خواهید شد (۳۵) پس شیطان هر دورا از طریق حرص زدن بر خوردن میوه آن درخت از بهشت دور ساخت، و آنان را از آنچه در آن بودند (چه آن باغ پر نعمت و چه مرتبه

مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿۳۵﴾ فَازْهَمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ

معنوی) بیرون کرد، گفتیم: ای آدم و حوا و ابلیس! در حالی که دشمن یکدیگرید اوتا ابد میان شما صلحی نخواهد بود، از این جایگاه (فرود آید) که برای شما در زمین

وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى

فرزگاهی (جهت زندگی)، و تا مدتی معین مایه بهره وری اندکی خواهد بود (۳۶) پس آدم (بعد از دور شدن از بهشت و قرار گرفتن در زمین) کلماتی را (چون کلمه استغفار

حِينَ ﴿۳۶﴾ فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿۳۷﴾

و کیفیت توسل به اهل بیت (علیهم السلام) که راهی به سوی توبه بود) از پروردگارش دریافت کرد، نهایتاً پروردگار توبه اش را پذیرفت؛ زیرا او بسیار توبه پذیر و مهربان است (۳۷)

قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ تَّبِعَ هُدَايَ

گفتیم: همه از آن مقام فرود آیند! چون از سوی من هدایتی کامل برای شما آمد [بدانید] آنان که از هدایت من پیروی کنند

فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٣٨﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

نه بعضی بر آنان است و نه اندوهگین شوند (۳۸) آنان که منکر حقایق شدند و آیات ما را

أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٣٩﴾ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا

مکذیب کردند اهل آتشند و در آن جاودانه اند (۳۹) ای بنی اسرائیل! نعمت هایم را که به شما عطا کردم به خاطر آورده، [قلباً مورد توجه قرار دهید،]

نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أَوْفٍ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ

و به پیمانم [که سفارش به بندگی و ایمان به همه پیامبران به ویژه محمد ﷺ و قرآن است] و فاکندید تا من هم به پیمان شما [که عمل به تورات و پاداش آن است] وفا کنم،

فَارْهَبُونِ ﴿٤٠﴾ وَأَمِنُوا بِمَا آنَزَلْتُ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ

و فلفظ از من ترسید (۴۰) و به آنچه از من نازل کرده ام که گواهی دهنده [حقانیت تورات] است که با شماست ایمان واقعی آورید، و نخستین کافر به آن نباشید [که نسل های پس از شما]

كَافِرِيهِمْ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ ﴿٤١﴾ وَلَا

به پیروی از شما به آن کافر شوند، و آیاتم را در تورات که در برخی از آن ها اوصاف محمد ﷺ و قرآن است با تغییر دانشان ادب را بر بهایی اندک نفروشید، و تنها از من بپروا کنید (۴۱) و حق را با

تَلِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْفُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٤٢﴾ وَ

باطل را با سبیل زان باری و حقه گری مخلوط و مبهم سازید [تا تشخیص آن بر جویندگان حق دشوار گردد،] و حق را که قرآن و پیامبر است از مردم پنهان نکنید در حالی که به آن داناهستید (۴۲)

أَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴿٤٣﴾

و نماز را با شریک و بی‌دانش بخوانید، و زکات بپردازید، و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید؛ [که نماز خواندن با جماعت دارای ارزش بیشتری است] (۴۳)

اتَّامُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ نَسِّوْنَ الْكِتَابَ

با هم در امر نیکی کردن فرمان می دهید و [وظیفه] خود را در این زمینه [به فراموشی می سپارید؟] در حالی که تورات را [که به نیکی کردن دعوتان کرده] اقرات می کنید،

أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٤٤﴾ وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا

آیا به امروز و فردای خسارت بار خود [ندیده نمی کنید؟] (۴۴) از روزه شبیهایی [در برابر حوادث] و از نماز برای حل مشکلات خود و پاک شدن از آلودگی ها و رسیدن به رحمت حق]

عَلَى الْخَاشِعِينَ ﴿٤٥﴾ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ

باری می خواهند، انجام این کار جز بر کسانی که [در برابر حضرت حق] دلی فروتن دارند آسان نیست (۴۵) [دارندگان دل فروتن] کسانی هستند که یقین دارند ملاقات کنندۀ

رَاجِعُونَ ﴿٤٦﴾ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي

بروردگارشان خواهند بود، و مسلماً به سوی اوباز می گردند (۴۶) ای بنی اسرائیل! نعمت هایم را که به شما عطا کردم به خاطر آورده، [قلباً مورد توجه قرار دهید،] و اینکه شمارا

فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٤٧﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْعًا

بر جهانیان از من خودتان به معجزات موسی و نزول تورات [برتری دادم] به یاد آرید (۴۷) و خود را از [خطر] ها و خسارت های [روزی] حفظ کنید که نه کسی از کسی عذابی را بر طرف

وَلَا يَقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةً وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ﴿٤٨﴾

می کند، و نه از کسی در مورد گناه پیشگان شفاعتی می پذیرند، و نه از کسی برای بخشیده شدن گناهانش عوض می گیرند، و نه برای نجات از عذاب دوزخ [حمایتشان می کنند] (۴۸)

وَإِذْ نَجَّيْنَاكَ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكَ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ

وای بنی اسرائیل ایه یاد آرید از زمانی که شمار از حکومت ظالمانه فرعونیان نجات دادیم؛ آنان که همواره شمار ایه شدیدترین وضع شکنجه می کردند،

أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ

پسران آنان را سر می بریدند و زنان آنان را ابرای بیگاری و خدمت گاری زنده می گذاشتند، برای شما در آن بلاها، آزمائشی بزرگ

﴿٢٩﴾ وَإِذْ فَرَقْنَا بَيْنَكُمُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَ

از سوی پروردگارتان بود (۲۹) و ایه یاد آرید هنگامی که ایه قدرت خود را دریا را برای شما شکافتیم، و شما را نجات داد،

أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿٥٠﴾ وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ

ایه خشکی رساندیم، او فرعونیان را در حالی که تعاشامی کردید غرق کردیم (۵۰) و ایه یاد آرید از زمانی که با موسی ابرای نزول نورات، اچهل شب وعده گذاشتیم، آن گاه

الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ﴿٥١﴾ ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ

شما بعد از رفتن ایه صیافت الهی، اگوساله را معبود خود قرار دادید در حالی که ابا این کار بسیار زشت، استمکار بودید (۵۱) آن گاه پس از آن [عمل استمکارانه] از شما گذشتیم

ذَٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٢﴾ وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ

برای آن که انعمت قبول توبه و بازگشت به توحید را [سپاس گزاری کنید] (۵۲) و ایه یاد آرید هنگامی که به موسی کتاب

لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿٥٣﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ

و میزان [جدا کننده حق از باطل] عطا کردیم تا هدایت یابید [و به سعادت ابدی برسید] (۵۳) و ایه یاد آرید از زمانی که موسی به قومش گفت: ای قوم من!

ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا

مسلمان شما با معبود قراردادن گوساله، به خود ستم کردید، پس به سوی آفریننده خود بازگردید،

أَنْفُسَكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ

و افرادی از خودتان را که به پرستش گوساله پرداختند بکشید که این [کار] برای شما در پیشگاه آفریدگارتان بهتر است. خداوند [پس از آن] توبه شمار پذیرفت؛

التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿٥٤﴾ وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ

زیرا او بسیار توبه پذیر و مهربان است (۵۴) و ایه یاد آرید زمانی که به موسی گفتید: ای موسی! هرگز به تو ایمان نمی آوریم مگر این که

اللَّهُ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿٥٥﴾ ثُمَّ

خدا را با چشم خود به صورتی آشکار بینیم. پس ایه سبب این درخواست بیجا [در حالی که نظاره می کردید صاعقه مرگبار شمار گرفت] (۵۵) آن گاه

بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٦﴾ وَظَلَلْنَا

شما را بعد از مردنتان برانگیختیم تا سپاس گزاری کنید (۵۶) و ادر صحرای سوزان سینا ابر را

عَلَيْكُمْ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَىٰ كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ

بر بالای سرتان سایبان قرار دادیم، و برای شما انگبین و پرند سلوی فرستادیم او گفتیم: از خوراکی های دلپذیر

مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٥٧﴾

که روزی شما کردیم بخورید. آنان ابا طغیان و ناسپاسی در برابر الطاف ما [بر ما ستم نکردند؛ بلکه همواره بر خود ستم می ورزیدند] (۵۷)

وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا

وایه یاد آرید! هنگامی که به شما گفتیم: به این شهر ایست مقدس! وارد شوید و از نعمت هایش از هر جای آن که خواستید بی دغدغه و با آسایش بخورید.

الْبَابِ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ

و فرشتانه را در واز شهر در آید و بگوید: پروردگار! خواهی که ما را از همه گناهان و خلاف کاری های ما است! انگاهانتان را بیا مریزم، و ما قلمها

الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٨﴾ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ

بر پاداش نیکوکاران می افزایم (۵۸) ولی ستمکاران سخنی را که باید به فرمان ما می گفتند پس از ورود به شهر! به سخنی دیگر

لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا

اگر درخواست امور مادی و مسائل نیست بود! تغییر دادند، ما هم بر ستمکاران به سبب آن که همواره نافرمانی می کردند عذابی از آسمان

بَفْسُقُونَ ﴿٥٩﴾ وَإِذْ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ

فرود آوردیم (۵۹) و ایه یاد آرید! آن گاه که موسی برای قومش درخواست آب کرد، گفتیم:

بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ

عصابت را بر این سنگ بزن! در نتیجه دوازده چشمه از آن جاری شد که هر تیره ای

أُنَاسٍ مَشْرَبَةً كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا

از دوازده تیره بنی اسرائیل! چشمه مربوط به خود را شناخت، گفتیم: از روزی ویژه خداوند بخورید و بیاشامید

فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٦٠﴾ وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ

و در زمین فتنه نکنید و به فساد ادامه ندهید! (که بسیار زشت و ناپسند است) (۶۰) و ایه یاد آرید! زمانی که گفتید: ای موسی! ما هرگز

طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ

بر یک نوع غذا! (که سال هاست خدا در بیابان برای ما می فرستد! شکیبایی نمی کنیم، از پروردگارت درخواست کن تا از آنچه زمین می رویند از

بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ

سبزی، خیار، سیر، عدس و پیازش را برای ما آماده کنند؟! موسی گفت: آیا شما

الَّذِي هُوَ آدَنِي بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ أَهْبَطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ

می خواهید غذای بهتر را به غذای نیست تر تغییر دهید؟! باین خواسته بیجا و رویگردانی از نعمت ویژه حق! به شهری در آید که در آن آنچه را خواهید

مَا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُ وَبِغَضَبٍ

برای شما آماده است. نهایتاً خواری و مسکنی فراگیری بر آنان مقرر شد، و به خشم خداوند! (که مستحق آن بودند)

مِنَ اللَّهِ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ

دچار شدند، این! (سه کیفر! برای این بود که آنان همواره منکر آیات خدا می شدند، و ستمکارانه

النَّاسِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٦١﴾

بیا مبران را می کشند، سبب این همه جنایاتشان این بود که از فرمان های من! سرپیچی داشتند، و پیوسته از حدود حق! تجاوز می کردند (۶۱)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ

مسلمان کسانی که از یابی و به ظاهرا ایمان آوردند، و نیز یهودی ها و نصرانی ها و صابئی ها، هرکدامشان

آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ

اقلبا به خدا و روز قیامت مؤمن شوند و کار شایسته انجام دهند بر آنان نود

رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾ وَإِذَا خَذْنَا مِيثَاقَكُمْ

پروردگارشان پاداشی شایسته است، نه بیمی بر آنان است، و نه اندوهگین شوند (۶۲) و [شما ای بنی اسرائیل! به یاد آرید] هنگامی که

وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمْ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ

از شما بر پیروی از حق ایمان گرفتیم، و کوه طور را بالای سرتان برافراشتیم، او گفتیم: آنچه را [برای هدایتتان چون تورات] به شما داده ایم با قوت فراگیرید [و با قدرت عمل کنید]

لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ

و ایاتی که در آن است [برای به کار بستن، اقلبا] مورد توجه قرار دهید تا به روحیه اطاعت از خدا و پرهیز از محرماتش آراسته شوید (۶۳) آن گاه بعد از

عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٦٤﴾ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ

ایمان گرفتن، از وفای به آن سرپیچی کردید، و اگر احسان و رحمت خدا بر شما نبود قطعاً از تباه کنندگان [همه سرمایه وجودی خود] بودید (۶۴) بی تردید

اعْتَدُوا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ

شما به سرگذشت گروهی از هم مسلمانان خود که در روز شنبه از فرمان خدا در مورد حرمت صید ماهی [سرپیچی کردند] آگاه بودید، که ما [به کیفر سرپیچی کردنشان]

﴿٦٥﴾ فَجَعَلْنَاهُمْ نَكَالًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً

به آنان نهیب زدیم: به صورت بوزینگانی نست ورنده شده در آید! (۶۵) در نهایت، آن کیفر را درس عبرتی برای آنان که شاهد حادثه بودند و کسانی که پس از آنان می آیند،

لِلْمُتَّقِينَ ﴿٦٦﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا

و پندی برای آنان که از خدا اطاعت می کنند و از محرماتش می پرهیزند قرار دادیم (۶۶) و [به یاد آرید] هنگامی که موسی به قومش گفت: خداوند به شما فرمان می دهد

بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُؤًا قَالِ أَعِزُّ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ

گاوی را ذبح کنید، گفتند: آیا ما را به ریشخند گرفته ای؟! گفت: به خداوند پناه می برم

﴿٦٧﴾ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا

از این که از بی خبران [از حدود ادب] باشم (۶۷) گفتند: از پروردگارت بخواه برای ما توضیح دهد که آن، چه گاوی باشد؟ موسی گفت: خداوند می فرماید:

بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا يَكْرُ عَوَاتٌ بَيْنَ ذَلِكَ فَافْعَلُوا مَا

آن گاوی است نه پیر از کار مانده، و نه تازه جوان، بلکه گاوی است میان این دو نوع، پس آنچه را به شما فرمان داده اند

تُؤْمَرُونَ ﴿٦٨﴾ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْ نُهَا قَالَ إِنَّهُ

انجام دهید (۶۸) گفتند: از پروردگارت بخواه برای ما توضیح دهد رنگش چه باشد؟ موسی گفت:

يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النََّاظِرِينَ ﴿٦٩﴾

خداوند می فرماید: گاوی است به رنگ زرد روشن که رنگش بینندگان را شاد می کند (۶۹)

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن

گفتند: از پروردگارت بخواه برای ما توضیح دهد نهاننا آن چگونه گاوی است؟ زیرا اویرگی های آن گاوی بر ما مشتبه و مبهم شده، و اگر

شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ ﴿٧٠﴾ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا ذَلُولٌ تُثِيرُ

خدا بخواهد به ایشانرا آن هدایت خواهیم شد (۷۰) موسی گفت: خداوند می فرماید: گاوی است که نه رام است

الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَّا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْآنَ جِئْتُ

تاریمین را شمار کند، و نه آبیاری زراعت بر عهده اش باشد، گاوی است سالم، رنگش از درویشی یکدست، [بنی اسرائیل] گفتند: اکنون حق را برای ما

بِالْحَقِّ فَذَبْحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ ﴿٧١﴾ وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ

آنکه ساختی در تسبیح به حسن و خوبی گوهر خسته [آن را یافته و اندیج کردند] در حالی که نزدیک بود اثر لعنت شدید و خردگی بر او ان فرمان خدا را به کار نبندند (۷۱) و [به یاد آرید]

فِيهَا وَاللَّهُ مَخْرُجٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿٧٢﴾ فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بَعْضَهَا

مستحق که شصت و یک باره قتل او به اختلاف و نزاع دچار شدید، و خداوند آنکار کند و العقیبتی بود که در این حادثه اینها می کردند (۷۲) پس گفتیم: باری از آن آگاه و دخیج شده را

كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَرُبُّكُمْ أَيْتَاهُ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٧٣﴾

به مقتول برزند [تا زنده شود و قاتلش را معرفی کند]، خداوند این گونه، مردگان را زنده می کند، و دلایل [قدرت و ربوبیت] خود را به شما نشان می دهد تا

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارِ أَشَدُّ قَسْوَةً

ایرای درک حقایق [بندیدید] پس دلهای شما بعد از آن [همه معجزه شگفت انگیز] چون سنگ یا

وَإِنْ مِنْ الْحِجَارِ لَمَّا يَنْفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنْ مِنْهَا لَمَّا يَشَقُّ

سختتر از سنگ دچار قساوت شد، [آری سختتر از سنگ] زیرا از برخی سنگها نهرها جاری می شود، و بعضی از آنها

فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنْ مِنْهَا لَمَّا يَغْطُطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ

می شکافد و از آن آب بیرون می آید، و بارهای از آنها از ترس خدا از بلندی سقوط می کند، [امثالهای شما از هیچ معجزه و موعظه ای اثر نمی گیرد، ولی بدانید]

بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٧٤﴾ أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ

که [خداوند از آنچه انجام می دهید بی خبر نیست] آیا [شما مردم مؤمن] امید دارید که [یهودیان سخت دل روزگارتان که دنبال هر و گذشتگان شما هستند]

كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا

به [اسلام] شما ایمان می آورند؟ در حالی که گروهی از آنان انوارات کلام خدا را همواره می شنیدند، سپس بعد از آن که مفهومش را درک می کردند [به سبب دنیا طلبی و هوا پرستی]

عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾ وَإِذْ الْقَوَّالُ الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا

به دلخواه خود [تغییرش می دادند، در صورتی که می دانستند] به کلام خدا و مردم جوای حق خیانت می کنند [۷۵] هنگامی که [این سخت دلان] با اهل ایمان دیدار کنند

وَإِذَا اخْلَافُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا اتَّخَذُوا ثَوْنًا مِمَّا فَتَحَ اللَّهُ

می گویند: ما ایمان آوردیم، و چون با هم در خلوت می نشینند از روی اعتراض به یکدیگر می گویند: آیا حقایقی که خداوند [در تورات در باره محمد ﷺ] برای شما توضیح داده به

عَلَيْكُمْ لِيُحَاجَّوْكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٧٦﴾

اهل ایمان خبر می دهد تا [روز قیامت] در پیشگاه پروردگارتان بر ضد شما استدلال کنند؟ آیا نمی اندیشید [که نبایدز مینه استدلال بر ضد خود را در اختیار مؤمنان گذارید]؟ (۷۶)



أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٧﴾ وَمِنْهُمْ

ایا این سخت دلان نمی دانند که خداوند آنچه را از حقایق پنهان می دارند و آنچه را آشکار می کنند می داند؟ (۷۷) گروهی از یهود،

أَمْيُونَنَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِي وَإِنَّهُمْ إِلَّا

اشخاص می سودای هستند که ایه علت عدم تحقیق در امر دین، تحریف ها و دروغ های وارد شده در تورات ایه وسیله عالمان دنیا پرستان از ایه عنوان کتاب اسمعی

يَظُنُّونَ ﴿٧٨﴾ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ

می شناسند، و اینان جز خیال پردازانی [سبک سر] نیستند (۷۸) پس وای بر کسانی که نوشته ای را از نزد خود ایه عنوان آیات تورات می نویسند، سپس می گویند:

هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا

این آیات از سوی خداست، تا با این [کار زشت] خائنانه! بهایی اندک به دست آورند! پس عذاب شدید بر آنان از آنچه

كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ ﴿٧٩﴾ وَقَالُوا لَنْ

دست هایشان [با تکیه بر هوای نفسشان] نوشت او حسرت هلاکت بر آنان از آنچه [از رشوه و مال حرام] به دست می آورند! (۷۹) و [یهودیان] گفتند:

نَمَسْنَا النَّارَ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً قُلْ آتَّخَذْتُ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا

آتش دوزخ جز چند روزی به ما نمی رسد. بگو: آیا ابر این عقیده خود! از نزد خدا پیمانی

فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨٠﴾

تخلفتن پذیر گرفته اید؟ یا از روی نادانی چیزی را به خداوند نسبت می دهید؟ (۸۰)

بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ

اِنَّ چنین است که می گوید! بلکه آنان که مرتکب گناه شدند و گناه سراسر وجودشان را فرا گرفت

أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٨١﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

اهل آتشند، و در آن جاودانه اند (۸۱) و آنان که ایمان آوردند و کارهای

الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٨٢﴾

شایسته انجام دادند اهل بهشتند، و در آن همیشگی اند (۸۲)

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ

و ایه یاد آرید! زمانی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر

بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ

و خوبشان و یتیمان و از کار افتادگان نیکی کنید، و با مردم

وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ

با خوش زبانی سخن گوید، و نماز را ابا شرایط و بزمه اش! بخوانید، و زکات بپردازید. سپس

تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٨٣﴾

همة شما جز اندکی، از پیمان خدا! رویگردان شدید، و شما [عادتا] رویگردان هستید (۸۳)

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ

و ایله یاد آرید! زمانی که از شما پیمان استوار گرفتیم که خون یکدیگر را نریزید، و همدیگر را

أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ﴿٨٤﴾ ثُمَّ أَنْتُمْ

از خانه‌های خود آواره نکنید. آن گاه ایله پیمانتان اقرار کردید، و خود بر آن گواهی می‌دهید (۸۴) سپس این شما هستید که

هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ

یکدیگر را می‌کشید و گروهی از خودتان را از خانه‌هایشان

دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ

آواره می‌کنید، درحالی‌که به سبب گناه و تجاوز یکدیگر را بر ضد آوارگان یاری می‌دهید، و اگر آنان

أَسَارَى نُبَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ

در حال اسارت نزد شما آیند با پرداخت عوض، آزادشان می‌کنید در صورتی‌که آواره‌کردنشان بر شما حرام بود. آیا

بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ

به بخشی از آیات و احکام انوارات مؤمن هستید و منکر بخشی دیگر می‌باشید؟ [به طوری‌که حرام بودن جنگ با یکدیگر و آواره نمودن مردم را که قانون خداست

ذَلِكَ مِنْكُمْ الْآخِزِيُّ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَبَوْمَ الْقِيَامَةِ

مردود دانسته، و وجوب از کردن اسیران را قبول دارید! پس کیفر کسانی از شما که تبعیض در آیات خدا را و می‌دارند جز خواری در زندگی دنیاست، و روز قیامت

يُرَدُّونَ إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٨٥﴾

به سوی سخت‌ترین عذاب بازشان می‌گردانند، و خداوند از آنچه انجام می‌دهید بی‌خبر نیست (۸۵)

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يَخَفُ

اینان کسانی هستند که زندگی ازودگذا دنیا را به ابدی از دست دادن [آخرت ابدی] خریدند، از این جهت نه عذابشان

عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُبْصَرُونَ ﴿٨٦﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ

سنگ می‌گردد، و نه برای نجات از عذاب حمایتشان می‌کنند (۸۶) به یقین ما به موسی کتاب دادیم،

وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَ

و پس از او پیامبرانی به دنبال هم فرستادیم، و به عیسی بن مریم دلایل آشکار عطا کردیم،

آيَاتِنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى

و او را به وسيله روح القدس پس چرا هر گاه پیامبری این خدا را که دلخواه و هماهنگ با خواسته‌های نامعقولتان نبود برای شما آورد سرکشی کردید؟ و نه اینها

أَنْفُسَكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ ﴿٨٧﴾ وَ

انبوت اگر و هرگز انکار شدید، و گروهی را کشتید؟! (۸۷) و ایهودیان به پیامبر گفتند: دل‌های مادر پوششی سخت است [به این سبب قرآن و کلام تو را درک نمی‌کنیم. ولی

قَالُوا اقْلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾

چنین نیست، بلکه خداوند به سبب کفرشان آنان را از عرصه توفیق و رحمتش رانده، [در نتیجه از پذیرفتن اسلام سرپیچی می‌کنند، پس اندکی از شما ایمان می‌آورند (۸۸)

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ

چون برای آنان از سوی خداوند کتابی [هدایتگر که] تصدیق کننده [حقانیت] تورات همواره آنان است آمد، و همواره

قَبْلُ يَسْتَفْهِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَكَّرُوا

پیش از نزولش به خودشان ادر سایه ایمان به آن [مژده پیروزی بر کافران می دادند،] با این وصف [چون قرآن که قبل از نزولش آنرا] ابایش گویی تورات [می شناختند] به سوشان آمد

كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٨٩﴾ بِسْمَا اشْتَرَوْا

آن را انکار کردند، پس لعنت خدا بر منکران باد! (۸۹) بد چیزی است آنچه خود را به آن فروختند!

بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ

و آن کفرورزی از روی حسادت به کتابی است که خدا [بر محمد ﷺ] نازل کرده، [معتزانه می گویند: چرا] خداوند

مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاءٌ وَبِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ

از باب احسانش به هر که از بندگانش بخواهد کتاب آسمانی نازل می کند؟! پس آنان به خشم پی در پی خداوند که مستحق آن بودند دچار شدند،

وَاللَّكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ ﴿٩٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ امْنُوا بِمَا

و برای منکران [قرآن و پیامبر] عذابی خوارکننده است (۹۰) چون به آنان گویند: به قرآنی که خداوند [بر پیامبر اسلام] نازل کرده

أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ

ایمان آورید! می گویند: فقط به توراتی که بر خود ما [یهودیان] نازل شده ایمان داریم و به غیر آن،

وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ

که کتابی حق و گواهی دهنده حقانیت توراتی است که با آن ها است کفر می ورزند، بگو: اگر شما [از روی حقیقت و راستی] مؤمن [به تورات] بودید

مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٩١﴾ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَى

پس چرا پیش از این پیامبران خدا را می کشتید؟! (۹۱) همانا موسی برای شما

بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ﴿٩٢﴾

معجزات و دلایل روشن آورد، سپس شما بعد از [رفتن] او [به کوه طور] گوساله را معبود خود قرار دادید در حالی که ستمکار بودید! (۹۲)

وَإِذَا أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا

و [به یاد آرید] زمانی که از شما [برای پیروی از حق] پیمان گرفتیم و کوه طور را بر فرازتان بالا بردیم [و گفتیم: آنچه را [از کتاب و نبوت] به

مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَأَسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا

شما عطا نمودیم با قدرت فراگیرید و [با گوش پذیرش] بشنوید! گفتند: شنیدیم و [اما شنیدنشان جدی و واقعی نبود و عملاً] اعلام عسیان

وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِسْمَا

و نافرمانی کردند، [آری] به سبب کفرشان [دوستی] گوساله در همه زوایای دلشان رسوخ کرد، بگو:

يَا مَرْكُكُمْ بِهِ إِيْمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٩٣﴾

اگر شما اهل ایمان هستید [این چه ایمانی است که این همه ظلم و فساد ایجاد می کند؟! پس بد چیزی است آنچه ایمانتان به آن فرمان می دهد!] (۹۳)

قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ

بگو: اگر آن گونه که می‌پندارید! سرای ابر نعمت! آخرت در پیشگاه خداوند ویژه شماست

النَّاسِ فَتَمَتُّوا أَلْمُوتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٩٤﴾ وَلَنْ

نه مردم دیگر، چنانچه در این ادعا راستگوید آرزوی مرگ کنید (۹۴) آنان

يَتَمَتُّوهُ أَبَدًا إِمَّا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٩٥﴾

به سبب گناهی که مرتکب شده‌اند هرگز آرزوی مرگ نمی‌کنند، و خدا به همه اعمال و حالات ستمکاران داناست (۹۵)

وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ عَلَىٰ حَيَاتِهِمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ

هرآنکه آنان را حریص‌ترین مردم، حتی حریص‌تر از مشرکان به زندگی بسیار طولانی خواهی یافت،

أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحَّزِحٍ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ

هریک از آنان آرزو مند است که ای کاش هزار سال عمرش دهند! ولی عمر هزار ساله [به فرضی که به دست آورد] دورکننده او از عذاب نیست،

يُعَمَّرُوا بِاللَّهِ بِصِرِّ مَا يَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾ قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا

و خداوند به آنچه انجام می‌دهند داناست (۹۶) [آنان با جبرئیل به خاطر این که وحی را بر تو نازل می‌کند دشمنند،] بگو: هر که دشمن جبرئیل است

لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَىٰ قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ

[دشمن خداست؛ زیرا او قرآن را به خواست خدا بر قلب تو نازل کرده است درحالی که گواهی‌دهنده حقانیت کتاب‌های آسمانی]

وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٩٧﴾ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ

پیش از خود، و هدایتگر و مژده‌دهنده [به فرجام نیک] برای مؤمنان است (۹۷) هر کس با خداوند

وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ

و فرشتگان و رسولانش و جبرئیل و میکائیل دشمن باشد [یقیناً کافر است] و قطعاً خدا دشمن

لِلْكَافِرِينَ ﴿٩٨﴾ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ

کافران است (۹۸) همانا به‌سوی تو آیاتی روشن نازل کردیم، و به آن آیات

بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ ﴿٩٩﴾ أَوَكَلَّمَا عَاهَدُوا عِمْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ

جز منحرفان نافرمان، کافر نمی‌شوند (۹۹) آیا چنین نیست که هرگاه [یهودیان] پیمانی [با خدا و پیامبرانش] بستند گروهی

مِنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠٠﴾ وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ

از آنان پیمان را شکستند؟ [آنان نه فقط پیمان شکنند، بلکه بیشترشان ایمان نمی‌آورند] (۱۰۰) و هنگامی که پیامبری [چون محمد ﷺ] را

عِنْدَ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا

از جانب خداوند به‌سویشان آمد که تصدیق‌کننده [حقانیت] کتاب آسمانی همراه آنان است، گروهی از عالمان یهود،

الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَانُوا لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٠١﴾

آیات تورات را [که بیانگر اوصاف پیامبر اسلام بود] ترک کرده، [و به آن چنان بی‌اعتنا شدند] که گویی خبر ندارند [که ویژگی‌های پیامبر در تورات است] (۱۰۱)

وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سَلِيمٍ ۖ وَمَا كَفَرَ

وایهودیان بی تقوا از علم سحری که شیاطین بر ضد حکومت سلیمان برای مردم می خواندند، و نیز خود آن حضرت را متهم به ساحری می کردند، پیروی کردند،

سَلِيمٍ ۖ وَلَٰكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ ۖ

سلیمان هرگز سراغ سحر نرفت تا کافر شده باشد، مسلماً سلیمان کافر نشد؛ این شیاطین بودند که به سبب آموزش سحر به مردم کافر شدند.

مَا أَنزَلَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ

و نیز یهودیان از آنچه بر دو فرشته هاروت و ماروت در شهر بابل نازل شد، پیروی کردند، در حالی که آن دو فرشته به هیچ کس

مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ ۖ فَيَتَعَلَّمُونَ

علم سحر نمی آموختند مگر آن که ایه او می گفتند: ما فقط مایه آزمائشیم، و علم سحر را برای ابطال سحر ساحران به تو تعلیم می دهیم، پس ایه کارگیری آن در موارد

مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ

حرام، کافر مشاوی آنان از آن دو فرشته مطالبی از سحر می آموختند که به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی می انداختند، در حالی که آنان به وسیله آن سحر

بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۖ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ

جز به خواست خدا قدرت زیان رساندن به کسی را نداشتند. یهودیان همواره چیزی را می آموختند که به آنان آسیب می زد

وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ

و سودی نمی بخشید، و یقیناً می دانستند که هر که خریدار سحر باشد هیچ بهره ای در آخرت ندارد؛

وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿١٠٢﴾

اگر دانای به حقایق بودند می دانستند بد چیزی است علم سحری که خود را به آن فروختند (۱۰۲)

لَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّوْكَانُوا

چنانچه یهودیان از روی راستی و درستی مؤمن می شدند و از روی آوردن به سحر و ساحری اجتناب می کردند مسلماً پاداشی که از سوی خدا

يَعْلَمُونَ ﴿١٠٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا

مقرر است برای آنان بهتر بود، اگر دانا بودند قطعاً پاداش الهی را انتخاب می کردند (۱۰۳) ای اهل ایمان! به پیامبر کلمه «راعنا» را که نزد یهود

وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٠٤﴾

دشنام است و نزد شما به معنای مهلت دادن است، و انگوید او ایه جای آن انگوید: «انظُرْنَا» که به همان معنای مهلت دادن است، و دستورهای خدا و

مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ

پیامبرش را به نیت اطاعت کردن، بشنوبید! یقیناً برای کافران عذابی دردناک مقرر شده است (۱۰۴) نه کافران از اهل کتاب و نه مشرکان دوست ندارند

أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ

که مطلقاً خیری از سوی پروردگارتان بر شما نازل شود، اما خداوند ابر خلاف خواسته آنان

بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿١٠٥﴾

رحمتش را به هر که خواهد اختصاص می دهد، و خدا دارای احسان بزرگی است (۱۰۵)

مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ

هر حکمی از احکام که [بنا بر مصلحتی از دایره تکلیف و مسئولیت انسان حذف و ملغی کنیم، یا آن را [به علتی] به تأخیر اندازیم، بهتر از آن یا مانندش را می آوریم، آیا

أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٠٦﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ

ندانسته ای که خداوند بر هر کاری تواناست؟ (۱۰۶) آیا ندانسته ای که فرمانروایی

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَالِ الْكُفْرِ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا

بر آسمان ها و زمین فقط در سبط او است؟ [و به این علت، تفسیر و تأخیر احکام در حیطه مصلحت خواهی و حکومت اومی باشد،] و شعار ادر برابر خدا [که همه امور به دست او است] هیچ سرپرست

نَصِيرٌ ﴿١٠٧﴾ أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سَأَلَ مُوسَى

و یاوری نیست (۱۰۷) آیا [با علم به حاکمیت مطلق حق و مصلحت خواهی او] می خواهید از پیامبران [اموری] نامعقول [درخواست کنید؛ همان گونه

مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَتَّبِدِلِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَلَّ سَوَاءَ

که پیش از این از موسی درخواست شد؟ و هر کس کفر را جایگزین ایمان کند قطعاً راه راست را

السَّبِيلِ ﴿١٠٨﴾ وَكَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُّوْكُمْ

کم کرده است (۱۰۸) بسیاری از اهل کتاب پس از آن که حق برای آنان

مِنْ بَعْدِ إِيْمَانِكُمْ كَفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا

روشن شد به سبب حسدی که در وجودشان شعله ور است دوست دارند

تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهَ بِأَمْرٍ إِنَّ

شمارایی از ایماننان به کفر باز گردانند، اکنون [الزنازع و جدال با آنان] گذشت کنید، و [از آنان] روی بگردانید تا خدا فرمایش را [به جنگ یا جریه] اعلام نماید، یقیناً

اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٠٩﴾ وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ

خدا بر هر کاری تواناست (۱۰۹) نماز را [با شرایط و ویژه اش] بخوانید و زکات بپردازید!

وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا

و آنچه از کار نیک [چون عبادت و خدمت به خلق] برای خود پیش فرستید آن را نزد خداوند خواهید یافت؛ مسلماً خداوند

تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٠﴾ وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ

به آنچه انجام می دهد بیناست (۱۱۰) و [اهل کتاب] گفتند: هرگز کسی وارد بهشت نمی شود مگر آن که

هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ

یهودی یا نصرانی باشد. این آرزوهای [بی پایه] باطل! آنان است، بگو: اگر ادر ادعای خود!

كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١١١﴾ بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ

راستگوید دلیل خود را بیاورید (۱۱۱) [سخن مستدل و استوار این است:] آری، کسانی که وجودشان را تسلیم خدا کنند در حالی که

فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١١٢﴾

نیکوکارند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی [شایسته] است، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند (۱۱۲)

وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَىٰ

یهودیان گفتند: نصرانی ها بر آیین درست و استواری نیستند. و نصرا نی ها گفتند: یهودیان را آیین درست و استواری نیست. در حالی که همه آنان تورات و انجیل را

لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ

می خوانند اومی دانند بر اساس آن دو کتاب، اتهامشان بر یکدیگر باطل است چون هر دو آیین، پیش از تحریف و پیش از آمدن اسلام، درست و استوار بوده. و نیز کسانی

لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ **فَاللَّهُ** يَحْكُمُ بِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا

ا چون مشرکان! که حقایق را نمی شناسند! در باره همه ادیان تو حیدی! سخنی مانند یهود و نصاری گفتند، نهایتاً خداوند در قیامت بین آنان درباره آنچه همواره

فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١١٣﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ

بها هم اختلاف داشتند داوری می کند (۱۱۳) چه کسانی ستمکارتر از مردمی هستند که با منع ورود مسلمانان به مساجد خدا از بزرگداشتن نام خدا! در آن مکان های معنوی

فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا

جلوگیری کردند، و در ویرانی آن ها کوشیدند؟ آنان را شایسته نیست که در آن مساجد جز

الْأَخَافِيفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ

در حال ترس از انتقام خدا و خشم و کيفر مؤمنان! در آیند، برای آنان در دنیا خواری و در آخرت عذابی

عَظِيمٌ ﴿١١٤﴾ **وَاللَّهُ** الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ

بزرگ است (۱۱۴) مالکیت شرق و غرب فقط ویژه خداست پس به هر کجا رو کنید آن جا به سوی خداست، مسلماً

اللَّهُ وَاسِعٌ عَلَيْهِ ﴿١١٥﴾ وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ لَهُ مَا فِي

خدا بسیار عطا کننده و داناست (۱۱۵) و ایهود و نصاری گفتند: خدا فرزندی برای خود انتخاب کرده، در حالی که او از داشتن فرزند منزه است، بلکه

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَهُ قَانِتُونَ ﴿١١٦﴾ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ

آنچه در آسمان ها و زمین است مخلوق و مملوک اوست، و همه موجودات در برابر او فرمانبردارند (۱۱۶) بدون سابقه ماده و نقشه و ابزار، ایدید آورنده آسمان ها

وَالْأَرْضِ وَإِذَا اقْضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿١١٧﴾ وَقَالَ

و زمین است، و زمانی که ایه وجود آمدن چیزی را اراده کند، فقط به آن می گوید: باش! پس بی درنگ موجود می شود (۱۱۷) کسانی که

الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ

دانای به حقایق نیستند گفتند: چرا خداوند با ما سخن نمی گوید یا آیه ای برای ما نمی آید؟ گذشتگان شان نیز

قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ

مانند سخن اینان را گفتند، دل هایشان ادر قساوت و لجابت و خواسته های نامعقول! شبیه یکدیگر است،

قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿١١٨﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ

بدیقین ما ایه اندازه لازم و در حد هدایت شدن! آیات را برای اهل باور بیان کرده ایم (۱۱۸) قطعاً ما تو را

بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ ﴿١١٩﴾

بر بایستی و راستی بشارت دهنده و بیم رسان فرستادیم، و تو ا پس از ابلاغ پیام خداوند! مسئول! ایمان نیاوردن و وضع و حال! دوزخیان نیستی (۱۱۹)

وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ فَمَا لَبَسَ

یهود و نصاری هرگز از تو راضی نمی‌شوند مگر آن که از آیین آنان پیروی کنی بگو: بیهوده

هُدَىٰ اللَّهُ فَمَا لَبَسَ هُتًىٰ وَلَئِنْ تَبِعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنْ رَبِّكَ فَتَكُنَ مِنَ الْخَاسِرِينَ

هدایت خدا فقط هدایت واقعی است. اگر پس از دانش کاملی که [چون قرآن] برایت آمده از خواسته‌های ناعشروع آنان پیروی کنی

الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١٢٠﴾ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ

در برابر [کفر] خداوند هیچ یار و یابوری برایت نخواهد بود (۱۲۰) کسانی که کتاب آسمانی عطایشان کرده‌ایم

يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ

و آن را به گونه‌ای که شایسته آن است تلاوت می‌کنند؛ [نلاوتی باند نیز به قصد عمل،] آنان مؤمن واقعی [به آن هستند] و کسانی که منکر آن می‌شوند.

الْخَاسِرُونَ ﴿١٢١﴾ يَا بَنِي إِسْرَٰئِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ

تبار کنندگان [همه سرمایه وجودی خویش] اند (۱۲۱) ای بنی اسرائیل انعمت‌هایم را که به شما عطا کردم به خاطر آورده، [قلب‌امور د توجه قرار دهید]

وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿١٢٢﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ

و این که شمارا بر جهانیان از من خودتان به معجزات موسی و نزول تورات [برتری دادم] به یاد آرید (۱۲۲) و خود را از [خطر ها و خسارت‌های] روزی حفظ کنید که نه کسی

نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يَقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

از کسی عذایی را دفع می‌کند، و نه از کسی برای بخشیده شدن گناهانش عوض می‌پذیرند، و نه کسی را شفاعتی سود دهد، و نه [برای نجات از عذاب دوزخ]

﴿١٢٣﴾ وَإِذْ بُنِيَ إِبْرَٰهِيمُ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ

حاجتشان می‌کند (۱۲۳) و [به یاد آرید] هنگامی که ابراهیم را پروردگارش به تکالیفی بسیار مهم [از انواع اوعر و نواهی و حوادث] آزمایش کرد، پس او همه را به طور کامل انجام داد.

لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ ﴿١٢٤﴾ وَ

پروردگارش به سبب سزاوارتی بیرون آمدنش از امتحان به او فرمود: من تو را برای همه مردم پیشوا قرار دادم. ابراهیم گفت: از دودمانم [نیز پیشواییانی برگیرم]. خداوند فرمود: عهد من

إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَٰهِيمَ مُصَلًّٰی

[که مقام اولای امامت است] به ستمکاران نمی‌رسد (۱۲۴) و [به یاد آرید] زمانی که ما خانه کعبه را برای همه مردم محل دیدار و اجتماع و جایگاه امن قرار دادیم و [گفتیم]: از مقام ابراهیم

وَعَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَٰهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَ ابْنَتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ

جایگاه نماز انتخاب کنید و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که خانهم را برای طواف کنندگان و

وَالزُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿١٢٥﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَٰهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا

معتکفان و اهل رکوع و سجده گزاران از هر الودگی ظاهری و باطنی پاکیزه بدارید (۱۲۵) و [به یاد آرید] آن گاه که ابراهیم گفت: ای پروردگارم! این [مکان] را

وَأَرْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ

شهری امن قرار ده، و از اهل آن کسانی را که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشند از هر نوع میوه، روزی عنایت کن. خداوند فرمود:

كَفَرْنَا مَتَّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّوهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٢٦﴾

دعايت را در باره مؤمنان اجابت کردم، اولی هر که به کفر گراید بهره‌اندکی به او می‌دهم، آن گاه او را به عذاب آتش می‌کشانم، و آتش عاقبت بدی است (۱۲۶)

وَإِذْ تَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا

و ایه یاد آرید هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه های خانه کعبه را بالا می بردند، ادر آن حال به پیشگاه خداوند می گفتند: پروردگارا! این عمل را از ما بپذیر

إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٢٧﴾ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ

که تو شنوا ای دعا و دانا ای به حقیقت عمل هستی. (۱۲۷) پروردگارا! ما را ابا همه وجود! تسلیم خود قرار ده، و نیز

ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ

از دودمان ما امتی که تسلیم تو باشی ایدید اورا، و راه و رسم عبادت من را به ما نشان ده! و توبه ما را بپذیر که تو

التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٢٨﴾ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ

بسیار توبه پذیر و مهربانی (۱۲۸) پروردگارا! در بین آنان که در این منطقه قرار می گیرند پیامبری از خودشان برانگیز که آیات را بر آنان

آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ

تلاوت کن، و کتاب و معارف استوار و سودمند تعلیمشان دهد، و از هر نوع آلودگی پاکشان سازد؛ زیرا تو توانای شکستناپذیر

الْحَكِيمُ ﴿١٢٩﴾ وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ وَ

و حکیمی (۱۲۹) از آیین ابراهیم چه کسی رویگردان می شود جز آن که خود را به ابله می واداشته؟! و

لَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٣٠﴾ إِذْ

بمیقین ما ابراهیم را در دنیا به عنوان بنده ای خالص انتخاب کردیم، و او مسلماً در آخرت از شایستگان است (۱۳۰)

قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمُ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٣١﴾ وَوَصَّي بِهَا

ایه یاد آرید زمانی که پروردگارش به او گفت: تسلیم باش! گفت: تسلیم پروردگار جهانیان شدم (۱۳۱) و ابراهیم

إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا

و یعقوب پسرانش را به تسلیم بودن در برابر خداوند سفارش کردند که: ای پسران من! یقیناً خداوند این دین را برای شما برگزیده، پس

تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٣٢﴾ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ

شما باید جز در حالی که تسلیم او باشید نمیرید (۱۳۲) آیا شما یهودیان که ادعای کنیدی یعقوب پسرانش را به آیین یهودیت سفارش کرد! هنگامی که مرگ

يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا

یعقوب فرارسید کنار او حاضر بودید؟ آن گاه که به پسرانش گفت: پس از من چه چیزی را می پرستید؟

نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَاللَّهُ أَبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهُهَا

گفتند: معبود تو و معبود پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را

وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿١٣٣﴾ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا

که معبود یگانه است می پرستیم، و ما تسلیم او هستیم (۱۳۳) آنان گروهی بودند که درگذشتند،

كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَنْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٣٤﴾

آنچه از عمل بدست آوردند و پاداش خود آنان است، و آنچه شما به دست آوردید اختصاص به خودتان دارد، و شما در برابر آنچه آنان انجام می دادند مورد بازخواست نخواهید بود (۱۳۴)

وَقَالُوا كُنُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا

و اهل كتاب به مسلمانان ثابت قدم گفتند: يهودى يا نصرانى شويد تا هدايت يابيد. اى پيامبر! توبه هر دو طايفه بگو: اخواسته باطل شمارا هرگز نمى پذيريم، بلكه از اين ابراهيم

وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٣٥﴾ قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا

يكتايرست كه / مشركان نبوديم وى مى كنيم. او پايانده آن دين خالص توحيدى هستيم (۱۳۵) اشمائ اهل ايمان اباصدائ رسا بگويد: ما به خداوند آنچه به سويمان نازل شده،

أَنْزَلَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا

و به آنچه به ابراهيم و اسماعيل و اسحاق و يعقوب و نوادگان اراسته به مقام نبوت انا نازل گشته،

أَوْتَى مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ

و به آنچه به موسى و عيسى و آنچه به پيامبران از ناحيه پروردگارشان عطا شده ايمان آورديم، بين هيچ يك از آنان ادر ايمان به اين كه پيامبر خدايند تفاوتى قائل نيستيم، و ما

أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿١٣٦﴾ فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ

در برابر خداوند تسليم هستيم (۱۳۶) پس اگر اهل كتاب به مانند آنچه شما ايمان آورده ايد مثل ايمان به خدا، پيامبران و كتاب هاى الهى ايمان بياورند قطعاً هدايت يافته اند،

فَقَدْ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ

و اگر از حقايق الهى اروى برتابند جز اين نيست كه در ستيز و دشمنى ابا حق هستند، پس به زودى خداوند شر آنان را اباكشته شدن يا آوارگى از خانه و شهر از تو دفع خواهد كرد،

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٣٧﴾ صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَ

و خداوند شنواى دعا و دانايى به همه امور است (۱۳۷) اى اهل كتاب بگو: به ا رنگ خدا اكه همان دين واقعى است پاييند باشيد، و چه كسى رنگش نيكتو

نَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ ﴿١٣٨﴾ قُلْ أَتُحَاكُمُونَنِي فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ

از رنگ خداست؟ ما فقط پرستش كنندگان او هستيم (۱۳۸) اى اهل كتاب بگو: آيا با ما در باره خداوند گفت و گو اى نادرست و بى دليل امى كنيد؟ در حالى كه او

وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ ﴿١٣٩﴾

پروردگار ما و شماست، اعمال ما ادر پيشگاه او ا ويژه ماست، و اعمال شما مخصوص به خود شماست، و ما ادر ايمان و عمل ا براى او

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ

اخلاص مى ورزيم (۱۳۹) يا مى گوييد: ابراهيم و اسماعيل و اسحاق

وَالْأَسْبَاطُ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ ءَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ وَ

و يعقوب و نوادگان اراسته به مقام نبوت انا، يهودى يا نصرانى بودند. بگو: آيا شما داناتر يد

مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ

يا خداوند؟ و ستمكارتر از كسى كه گواهي بر حقيقتى را كه از جانب خدا نزد اوست پنهان كند كيست؟

عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٤٠﴾ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ

و خداوند از آنچه انجام مى دهيد بى خبر نيست (۱۴۰) آنان گروهى بودند كه درگذشتند، آنچه ا از عمل ا به دست آوردند

مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤١﴾

ويژه خود اناست، و آنچه شما به دست آورديد اختصاص به خودتان دارد، و شما در برابر آنچه انا انجام مى دادند مورد بازخواست نخواهيد بود (۱۴۱)

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا

بمزودی برخی از مردم ابله می گویند: چه چیزی مسلمانان را از قبله ای [چون بیت المقدس] که [در عباداتشان] به سوی آن بودند، برگرداند؟

قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٢٢﴾

بگو مالکیت مشرق و مغرب فقط ویژه خداست، هر که را بخواهد به راه مستقیم هدایت می کند (۱۲۲)

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ

ایمان گونه که مزودی کعبه اقبله شما می گردانیم تا به راه راست هدایتان کنیم، [همچنین شمارا امتی معتدل و میانه رو قرار دادیم تا] بادیوری از اقراط و تغریط در

يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ

همه امور تان ابر مردم گواه و حجت باشید، و پیامبر هم گواه و حجت بر شما باشد، و ما قبله ای [چون بیت المقدس] را که [در عبادات] به سوی آن بودی قرار ندادیم

عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ

مگر برای این که کسی را که از پیامبر پیروی می کند از کسی که [با تغییر قبله] از اسلام باز می گردد و بر تعصب جاهلانهاش اصرار دارد [مشخص نماییم، قطعاً این تغییر قبله]

كَانَتْ لَكِبْرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضْئِعَ

جز بر کسانی که خداوند هدایتشان کرده گمراه و سخت بود، و خداوند بر آن نیست

إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿١٢٣﴾ قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ

که عمل کرد ایمانی شمارا [که یکی از ثمراتش سال هائماز خواندن به طر فبیت المقدس بود] تباه کند؛ زیرا خداوند به مردم بسیار مهربور و مهربان است (۱۲۳) عاروی آوردن

وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ

ایسار! تو را به سوی آسمان [به امید نزول فرشته وحی برای تغییر قبله] می بینیم، مسلماً تو را به سوی قبله ای که به آن خشنود شوی بر می گردانیم، اکنون رویت را

الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ

به سوی مسجد الحرام بگردان، و [شما ای مسلمانان!] هر جا که باشید روی خود را به سوی آن بگردانید،

الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لِيَعْلَمُونَ أَنََّّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ

قطعاً اهل کتاب می دانند که تغییر قبله از سوی پروردگارشان کاری بر حق است؛ [زیرا در تورات و انجیل خوانده بودند که پیامبر اسلام به سوی دو قبله نماز خواهد خواند،]

بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٢٤﴾ وَلَئِنْ أَتَيْتَ الَّذِينَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ

و خداوند از آنچه [برای پنهان نگاه داشتن آیات تورات و انجیل در مسئله تغییر قبله] انجام می دهد بی خبر نیست (۱۲۴) سوگند [به حق] اگر برای اهل کتاب

بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُمْ

هر دلیل روشنی بیاوری از قبله تو [به علت لجابت و عنادشان] پیروی نمی کنند،

بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ

و تو نیز پس از قبله شدن کعبه [پیرو قبله آنان نخواهی بود، و یهود و نصاری] که هر یک مدعی قبله خاصی برای خود هستند [از قبله یکدیگر پیروی نخواهند کرد،]

مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٢٥﴾

اگر پس از دانش کاملی که [چون قرآن] برایت آمده از خواسته های [انامشروع] آنان پیروی کنی مسلماً از ستمکاران خواهی بود (۱۲۵)

الَّذِينَ اتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبَاءَهُمْ وَإِنَّ

اهل كتاب همان گونه که پسرانشان را می شناسند پیامبر اسلام را بر اساس اوصافی که از او در تورات و انجیل خوانده اند می شناسند، بقیه

فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٢٦﴾ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ

مگر وی از آنان حقی را در حالی که به آن آگاهند پنهان می دارند (۱۲۶) ای امت اسلام این دستور حق [که تغییر قبله از بیت المقدس به سوی کعبه است] از سوی

فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُتَرَبِّينَ ﴿١٢٧﴾ وَلِكُلِّ وُجْهَةٍ هُوَ مَوْلَاهَا

پروردگار شما است؛ بنابراین از تردید کنندگان به آن مباشید (۱۲۷) برای هر گروهی قبله ای است که خداوند گرداننده روی آنان به سوی آن قبله است.

فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِنَّ مَا تَكُونُوا يَاتٍ بِكُمْ **اللَّهُ** جَمِيعًا إِنَّ **اللَّهَ** عَلَى

پس به جای نزاع و کشمکش درباره قبله [به سوی کارهای خیر پیشی جوید، خداوند همه شمارا هر جا که باشید] به صحرای محشر [می آورد، مسلماً خداوند

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٢٨﴾ وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ

بر هر کاری تواناست (۱۲۸) از هر جا برای سفر یا کار دیگر بیرون رفتی در حال اقامه نماز رویت را به سوی

الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَمَا **اللَّهُ** بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

مسجد الحرام بگردان! بی تردید این فرمان از نزد پروردگارت حق است، و خداوند از آنچه [شما مردم] انجام می دهید

﴿١٢٩﴾ وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ

بی خبر نیست (۱۲۹) [از] ای پیامبر! از هر جا بیرون شدی رویت ارا برای اقامه نماز به سوی مسجد الحرام بگردان.

حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوْا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ

و [شما ای مسلمانان!] هر جا که باشید رویتان را [در حال نماز] به سوی آن بگردانید تا برای مردم [که بر اساس تورات از تغییر قبله خبر دارند]

حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تُتِمَّ

بر شما حجت و نهانی نباشد. جز کسانی از آنان که [به آیات خدا] ستم ورزیده اند؛ بنابراین از تبلیغات ناروای متعصبان و متکبران اهل کتاب [بر ضد خود و احکام حق و به ویژه تغییر قبله] ترسید

نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥٠﴾ كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا

بلکه از مخالفت با احکام [من] ترسید و [تغییر قبله] برای آن است که نعمتم را بر شما کامل کنم تا به هدایت [و هدایت] (۱۵۰) همان گونه [که تغییر قبله کامل کردن نعمتم بر شما بود، این حقیقت هم نوع

مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ

دیگری از کامل کردن نعمتم بر شماست] که در بین شما رسولی از خودتان فرستادیم که همواره آیات ما را بر شما تلاوت می کند، و شما را [از آلودگی های اعتقادی و اخلاقی و عملی] پاک می سازد.

الْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿١٥١﴾ فَاذْكُرُونِي

و قرآن و معارف استوار و سودمند را به شما تعلیم می دهد، و آنچه را [از علوم انمی] دانستید به شما می آموزد (۱۵۱) [چنانچه خوش بختی دنیا و آخرت را می خواهید] مرا [به عنوان معبود

أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ ﴿١٥٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

حقیقی قلباً] مورد توجه قرار دهید، تا [با پاداش و پاداش] شما را امور دعاتیت خاص خود قرار دهم، و نیز مرا [که نعمت رسالت پیامبر و تغییر قبله را به شما دادم] سپاس گزاری کنید، و به کفران

اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ **اللَّهَ** مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٣﴾

[نعمت] را [روی نیابرد] (۱۵۲) ای اهل ایمان! برای حل مشکلات خود و مصونیت از آلودگی ها و رسیدن به رحمت خداوند [از صبر و نماز کمک بخواهید؛ زیرا خداوند با صابران است] (۱۵۳)

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ

و به آنان که در راه خدا کشته می شوند مرده نگوئید، بلکه [شهیدان] زنده اند ولی شما [کفایت زنده بودنشان را]

لَا تَشْعُرُونَ ﴿١٥٤﴾ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ

درک نمی کنید (۱۵۴) مسلماً شما را به چیزی از ترس، گرسنگی، کاهش بخشی از اموال و جان ها و نیز محصولات نباتی، [یا نعمات باغ زندگی چون پسران و دختران] از عیش می کنیم [یا]

مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٥﴾ الَّذِينَ

مستحق گردیده کسی در برابر هجوم بلاهای از مایشی در مدار دین می ماند، و چه کسی طاقت نیاورد، دین گریزی می شود، [و انوای پیامبر] صبر کنندگان را بشارت ده (۱۵۵) همان کسانی که

إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿١٥٦﴾ أُولَٰئِكَ

چون مصیبتی [سخت] به آنان رسد می گویند: [إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ] ما مملوک خداییم و بی شک به سوی او باز می گردیم (۱۵۶) آنان هستند

عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴿١٥٧﴾

که درودها و رحمتی [ویژه] از سوی پروردگارشان برای آنان [ثابت و قطعی] است، و هم آنان راه یافتگان [به صراط مستقیم] اند (۱۵۷)

إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلَا

مسلماً صفا و مروه از نشانه های خداست، پس کسی که حج خانه کعبه کند یا عمره انجام دهد

جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرٌ فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ

بر او باری نیست که فاصله میان آن دور ایستاید، و کسی که [بنابه خواست خودش افزون بر واجبات حج،] کار نیکی [چون طواف بیت و سعی مستحب] به جای آورد، قطعاً خداوند

عَلَيْهِمْ إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ

[در برابر عمل او] پاداش دهنده، و [به وضعیت او] داناست (۱۵۸) یقیناً کسانی که آنچه را ما از دلائل آشکار و مایه هدایت نازل کردیم،

مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ

پس از آن که همه آن ها را در کتاب آسمانی برای مردم روشن ساختیم پنهان می کنند [تا مردم به قرآن و پیامبر و معارف دینی و احکام الهی ایمان نیاورند،] خداوند لعنتشان می کند

يَلْعَنُهُمُ اللَّامِعُونَ ﴿١٥٩﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَٰئِكَ

و لعنت کنندگان هم آنان را لعنت می کنند (۱۵۹) مگر کسانی که روی به توبه آوردند و [مفاسد خود را] اصلاح کردند، و [آنچه را از حقایق پنهان کرده بودند برای مردم] روشن ساختند،

أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٦٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَ

در نتیجه توبه آنان را می پذیرم؛ زیرا من بسیار توبه پذیر و مهربانم (۱۶۰) آنان که

هُمْ كُفَّارٌ أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

منکر خدا و پیامبران و قیامت شدند و در حال انکار از دنیا رفتند، لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ﴿١٦١﴾

بر آنان باد (۱۶۱) در آن لعنت [که محرومیت از رحمت خداست] جاودانه اند، نه عذاب از آنان سبک می شود، و نه مهلتشان می دهد [تا عذرخواهی کنند]

وَاللَّهُمَّ إِلَهُ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿١٦٢﴾

(۱۶۲) معبود شما معبودی یگانه است، جز او هیچ معبودی وجود ندارد، رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی (۱۶۲)

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

مسلمان در آفرینش آسمان ها و زمین، و رفت و آمد شب و روز.

الْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ

و کشتی هایی که در دریاها ایا جابه جاکردن مسافر و کالایا به سود مردم روانند، و بارانی که خداوند از

السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ

آسمان به زمین فرود آورده و به وسیله آن زمین را پس از مردنش زنده ساخته، و در آن از هر نوع

دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ

جنبنده ای بخش کرده، و جابه جاکردن بادها و ابرهای به کار گرفته شده میان آسمان

لَايَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٦٤﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ

و زمین، نشانه هایی است از قدرت و ربوبیت و رحمت خدا برای گروهی که می اندیشند (۱۶۴) برخی از مردم به جای

أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ

خدای یگانه معبودهایی را برای پرستیدن انتخاب می کنند که آن ها را چنان دوست دارند که سزاوار است خدا را آن گونه دوست داشته باشند اولی مؤمنان

يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ

محبشان به خداوند چون او را امید آحقایق و کلید دار هستی و مالک همه چیز می دانند از هر چیز بیشتر است. آنان که با انتخاب معبودهای باطل و بوج استمرواداشتند وقتی عذاب

شَدِيدُ الْعَذَابِ ﴿١٦٥﴾ إِذْ تَبَرَّءَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا

را ببینند قاطعانه خواهند فهمید که همه قدرت ویژه خداست، و خداوند این را محجوب ماندگان از توحید، سخت کیفر است (۱۶۵) در آن هنگام پیشوایان شرک و بت پرستی

وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ ﴿١٦٦﴾ وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا

از پیروانشان بیزاری می جویند، و همگی عذاب را می بینند، و راه چاره بر آنان بسته می شود (۱۶۶) و آنان که ایه جای خدا از پیشوایان شرک و کفر ایزوی کردند می گویند:

لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّءَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ

ای گاش برای ما بازگشتی ایه دنیا بود ایا ما هم از آنان اوفر هنگ باطلشان ایزاری می جستیم، همان گونه که اینان ادر این عرصه قیامت ااز ما ایزاری جستند،

اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ ﴿١٦٧﴾

خداوند به این صورت اعمالشان را که برای آنان مایه حسرت هاست به ایشان نشان می دهد، و اینان هرگز

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا

از آتش بیرون آمدنی نیستند (۱۶۷) ای مردم از آنچه از انواع میوه ها و خوراک ها ادر زمین است در حالی که برای شما حلال و دلپذیر قرار داده شده بخورید،

خُطُواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿١٦٨﴾ إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ

و از گام های شیطان اکه انواع محرمات است ا پیروی نکنید؛ زیرا او دشمن آشکار شما است (۱۶۸) او شما را فقط

بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا نَعْلَمُونَ ﴿١٦٩﴾

به بدکرداری و کار های بسیار زشت فرمان می دهد، و این که اوارانان می کنند بر پایه عدم شناختن از حقایق دینی، اموری را ایه عنوان حلال و حرام ایه خدا نسبت دهد (۱۶۹)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا آَلَفَيْنَا عَلَيْهِ

هنگامی که به آنان گفته شود که کافرند و کافران گفته شود از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید، می گویند: اینها ابله که از آیینی که پدر امان را بر آن یافتیم پیروی می کنیم.

آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿١٧٠﴾

آیا اگر پدرانشان چیزی نمی فهمیدند، و راه حق را به سبب کور دلی نیافتند باز هم از آنان پیروی می کنند! (۱۷۰)

مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَ

مثل دعوت کننده کافران ابله ایمان مانند کسی است که بر حیوانی ابرای نجات دادنش از خطر ابله می زند، ولی آن حیوان جز آوا صدایی که معهودش را در کف می کند نمی شنود.

نِدَاءً صُمُّ بِكُمْ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٧١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

کافران از شنیدن حقایق، اکرواز گفتن واقعیات و پرسش از مسائل حق، لال و از دیدن آثار توحید و آیات الهی اکورند، به این سبب اهل اندیشه نیستند (۱۷۱) ای اهل ایمان!

كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ

از انواع میوه ها و خوردنی های دلپذیر که روزی شما کرده ایم بخورید، و از خدا سپاس گزاری کنید اگر

إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿١٧٢﴾ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ

فقط او را می پرستید (۱۷۲) جز این نیست که خداوند دانای مهربان برای مصون ماندن شما از زیان های جسمی و روحی امردار، خون، گوشت

الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهْلَ بِهِ لَعَبْرُ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ

خوک و حیوانی را که هنگام ذبح نام غیر خدا بر آن برده شده بر شما حرام کرده است، پس کسی که ابرای نجات جانش از خطر، به خوردن آن ها ناچار شود در حالی که خواهان لذت نباشد

فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٧٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ

و از حد لازم تجاوز نکنند گناهی بر او نیست؛ زیرا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۱۷۳) قطعاً کسانی که

مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ

آنچه را خداوند از احکام، معارف، حلال و حرام ابله عنوان کتاب آسمانی نازل کرده ابله خاطر سودنا مشروع خود، از مردم اینها می کنند، و در برابر این اینها کاری ابله ای اندکی

مَأْيَا كُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارُ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

به دست می آورند جز آتش در شکم های خود نمی ریزند، خداوند روز

وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٤﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ

قیامت با آنان سخن نمی گوید، و از گناهان و زشتی های مرتکب شده پاکشان نمی سازد، و برای آنان عذابی دردناک است (۱۷۴) اینانند که

اشْتَرَوْا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا

گمراهی را به جای هدایت، و عذاب را در عوض آمرزش خریده اند، اشگفتا! چه اندازه بر آتش دوزخ شکیبایند (۱۷۵) آن عذاب ابله علت است که خداوند کتاب

أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ ﴿١٧٥﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ

آسمانی را به درستی و راستی ابرای هدایت همه مردم نازل کرد، ولی اینان آن را از زندگی حذف کرده، و در انکارش کوشیدند و مایه اختلاف قرارش دادند،

بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿١٧٦﴾

و مسلمانان که در معانی و مفاهیم کتاب اختلاف کردند انا حقایق و احکام آن از مردم پنهان بماند ادر دشمنی عمیقی نسبت به حق و حقیقت اقرار دارند (۱۷۶)

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ

نیکی (محدود به) این نیست که روی خود را ابرای عبادت به سوی مشرق و مغرب کنید؛ بلکه نیکی

مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَآمَنَ بِالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ

وجود (اولی) کسانی است که به خدا، روز قیامت، فرشتگان، کتاب آسمانی و پیامبران ایمان استوار و ثابت آورده اند،

وَأَتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ

و دارای خود را با آن که دوست دارند به خویشان و یتیمان

وَابْنِ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى

و در ماندگان و در راه ماندگی زاد و تنوشه و تهیدستانی که درخواست کمک دارند و در راه آزادی بردگان می پردازند، و نماز را با شرایط ویژه اش

الزَّكَاةَ وَالْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ

می خوانند و زکات می پردازند، و چون پیمان ببندند به پیمان خود وفا می کنند، و در سختی ها و تنگدستی

وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ

و هنگام جنگ شکیبایند، اینانند که ادر ادعای دینداری راستگویند، و اینانند که به شدت

الْمُتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ

برهیز کنندگان از طغیان و تبهکاری اند (۱۷۷) ای مؤمنان! در مورد کشته شدگان، قصاص بر شما مقرر شده است؛

الْحَرْبِ بِالْحَرْبِ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَىٰ بِالْأُنْثَىٰ فَمَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ أَخِيهِ

آزاد در برابر آزاد، برده در برابر برده، زن در برابر زن، پس کسی که مرتکب قتل شده چنانچه از سوی برادر دینی اش (که ولی مقتول است)

شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَإَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ

مورد چیزی از عفو قرار گرفت (که در عوض قصاص، خون بهای بر دازد) پس رعایت کردن روش پسندیده (در باره وضع مادی قاتل که چه اندازه بپردازد، بر عهده عفو کننده از قصاص است) و اقبال،

رَحْمَةٌ مِّنْ أَعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابُ أَلِيمٌ ﴿١٧٨﴾ وَلَكُمْ

مسئول (پرداخت خون بهای یکی و خوشرویی است. این احکم خون بها تخفیف و رحمتی است از سوی پروردگاران، پس هر که بعد از چشم پوشی از قصاص، تجاوز کند (و به کشتن قاتل برخیزد)

فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٧٩﴾ كُتِبَ

برای او عذابی دردناک است (۱۷۸) ای خردمندان ابرای شما در قصاص مایه حیاتی ویژه است، و احکم قصاص ابرای این است که از هر گونه تعدی و تجاوز و امور غیر شرعی (بهریزید) (۱۷۹)

عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ

بر شما مقرر شده چون یکی از شما را مرگ فرا رسد اگر مالی از خود به جا گذاشته، به صورتی پسندیده

وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ﴿١٨٠﴾ فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا

برای پدر و مادر و خویشان وصیت کند، این حقی است بر عهده کسانی که از خدا اطاعت کرده، از محرماتش (بهریزند) (۱۸۰) آنان که

سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٨١﴾

پس از شنیدن وصیت، در آن تغییر دهند گناهش فقط بر عهده تغییر دهندگان است، یقیناً خداوند شنوای کلام وصیت کننده، و دانای به اعمال تغییر دهندگان وصیت است (۱۸۱)

فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَبْنِهِمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ

کسی که از انحراف سهوی و ناگاهانه وصیت کننده در مورد حقوق ورثه یا انحراف عمدی و آگاهانه او امینی بر وصیت به امور نامشروع و ناحق بترسد، وین ورثه

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۸۲) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ

ایاتیمیر دادن وصیت بر اساس احکام دین اصلاح دهد گناهی بر او نیست، همانا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۱۸۲) ای مؤمنان! روزه بر شما واجب شده

الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۸۳)

همان گونه که بر پیشینیان شما واجب شده بود، [الفلسفه و جوب روزه این است که] شما با اسباب در ماه رمضان [به ارواحیه اطاعت از خدا، و این چیز از محرماتش] آراسته شوید (۱۸۳)

أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ

از روزهای چندی و اندک [روزه بگیرد] پس هر که از شما بیمار یا در سفر باشد [به تعداد روزهای از دست رفته]

مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ

از روزهای غیر از رمضان [روزه بگیرد، و بر کسانی که روزه گرفتن برایشان طاقت فرساست، کفاره آن طعام دادن به یک نیازمند] در عوض هر روز از دست رفته است،

فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ

و هر کسی به خواست خودش [افزون بر کفاره واجب] به طعام نیازمند بپردازد برایش خیر [بیشتری] است، و روزه گرفتن [هر چند دشوار باشد] اگر

كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۸۴) شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ

ایاداش و آثار معنوی اش را [بدانید برای شما بهتر است] (۱۸۴) آن روزهای چندی و اندک که روزه در آن واجب گشته [ماه رمضان است؛ ماهی که قرآن در آن نازل شده؛] [قرآنی که همه لایق هدایتگر]

هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ

مردم و دربردارنده دلایلی روشن از هدایت، و میزان تشخیص حق از باطل است، پس کسی

مِنْكُمْ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ

که در این ماه [در وطنش] حاضر باشد باید همه ماه را روزه بگیرد، و آن که بیمار یا در سفر است [به تعداد روزهای از دست رفته]

فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ

روزهای غیر از رمضان را روزه بدارد، [حکم قضای روزه بر این است که] خداوند برای شما آسانی می خواهد

بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى

نه سختی، و برای این است که [با گرفتن روزه های از دست رفته،] تعداد [روزهای رمضان] را کامل کنید، و خدا را به پاس آن که شما را [به حقایق]

مَا هَدَىٰكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۸۵) وَإِذَا سَأَلَكَ

راهنمایی نموده به عظمت و بزرگی ستایش کنید، و نیز برای این که [به سبب نعمت کم نظیر ماه رمضان و روزه در آن] سپاس گزار باشید (۱۸۵) چون بندگانم

عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ

از تو درباره من بپرسد، [بگو:] یقیناً من نزدیکم! دعای دعاکننده را وقتی مرا بخواند اجابت می کنم!

فَلَيْسَ جَبِیُّوَالِیْ وَلِیُّوْمِنُوَالِیْ لَعَلَّهُمْ یَرْشُدُونَ (۱۸۶)

پس باید [برای تأمین خیر دنیا و آخرتشان،] خواسته های مرا [عملاً] اجابت کنند، و به من ایمان بیاورند تا [به رشد و صواب] راه یابند (۱۸۶)

أَحَلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ

آمیزش با همسرانتان در شب روزهایی که روزه دار هستید بر شما حلال شد، آنان برای شما لباس (عفاف معنوی)

وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنْتُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ

و شما هم برای آنان پوشش (عفاف معنوی) هستید، خدا آگاه بود که شما پیش از حلال شدن آمیزش در شب رمضان به خود حيله می زدید

أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالْآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا

ابه آمیزش روی می آوردید و توبه می کردید، پس توبه تان را پذیرفت و از شما گذشت کرد، اکنون (آزادید که) با همسرانتان آمیزش کنید،

مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ

و آنچه را خداوند (در این کار از ثواب، پاکدامنی و فرزند صالح) برای شما مقرر داشته از او بخواهید، و بخورید و بیاشامید

الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى

تا رشته سپید صبح از رشته سیاه شب برای شما آشکار شود، سپس روزه را تا شب به پایان برید

اللَّيْلِ وَلَا تَبَاشَرُوا هُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ

با همسرانتان درحالی که در مساجد معتکف هستید آمیزش نکنید! اینها حدود خداست،

اللَّهُ فَلَا تَقْرَبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

در حفظ آن هابگو شوید، خداوند به این صورت آیاتش را برای مردم بیان می کند تا با عمل به آن ها به ارواحیه اطاعت از خدا و ابرهیز از محرماتش آراسته شوند (۱۸۷)

﴿١٨٧﴾ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى

اموال یکدیگر را در بین خود به صورت نامشروع نخورید! و آن را ابه عنوان رشوه برای قاضیان دادگاهها نفرستید

الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٨٨﴾

تابخی از اموال مردم را با توسل به گناه عمدی که حکم ظالمانه قاضیان رشوه خوار است بخورید، درحالی که خرمتم رشوه و آخرمت به ناحق خوردن اموال دیگران را می دانید (۱۸۸)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ

از تو درباره هلال های ماه می پرسند، بگو: آن ها وسیله تعیین اوقات (برای نظام زندگی) مردم، و (تعیین زمان) مراسم حج است.

وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ

و نیکی آن نیست که به خانه ها ابرخلاف متعارف از پشت آن ها وارد شوید، آن گونه که اعراب جاهلی در حال احرام از دیوار پشت خانه وارد می شدند؛ بلکه نیکی

مَنْ اتَّقَى وَآتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ

(وجود و الای) کسی است که از فسق و طغیان و هر کار غیر متعارفی ابرهیزد، به خانه ها از درهای آن ها وارد شوید، و خدا را اطاعت کرده، از محرماتش ابرهیزد

تُفْلِحُونَ ﴿١٨٩﴾ وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ

تا ابر موانع راه سعادت! پیروز شوید (۱۸۹) و در راه خدا با کسانی که با شما می جنگند بجنگید،

وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿١٩٠﴾

و (هنگام جنگ از مقررات و احکام آن، که در قرآن و احکام دینی آمده) تجاوز نکنید که خدا متجاوزان را دوست ندارد (۱۹۰)

الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا

حج در ماه های معینی است [شوال، ذو القعدة و ذو الحجه، پس کسی که عمره نیت را از اول شوال تا آخر ذوالحجه، او حج نیت را از اول ذوالحجه تا اواخر ذوالحجه و از اواخر ذوالحجه تا اواخر ذوالحجه و از اواخر ذوالحجه تا اواخر ذوالحجه]

فُسُوقٍ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ

و تشبه گفتن امر خود واجب گردید که در حج آمیزش با همسران و خروج از اطاعت خدا و گفت و گوی توأم با نزاع و دشمنی جایز نیست، آنچه از کار خیر انجام دهید خدا

اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونِ يَا أُولِي

به آن داناست، و ایه سود خودا توشه بگیرید که بهترین توشه، اجتناب از فسق و طغیان است

الْأَلْبَابِ (۱۹۷) لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا

و ای خریدمندان از من اطاعت کرده، از محرماتم بپرهیزید (۱۹۷) بر شما باکی نیست که [در ایام حج] از پروردگارتان [یا پروردگارتان] بپرهیزید و داد و ستد

مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ

روزق و منافع مادی بطلبید، و چون از عرفات کوچ کردید

عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ

خدا را در مشعر الحرام یاد کرده، [قلباً مورد توجه قرار دهید، آری] او را یاد کنید همان گونه که شما را [با فضل و رحمتش] از هدایت برخوردار کرد

وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ (۱۹۸) ثُمَّ

گرچه پیش از این از گمراهان بودید (۱۹۸) آن گاه

أَفِضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ

از همان جایی که مردم [به سوی منی] می روند شما هم بروید، و از خداوند آمرزش بخواهید

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۹۹) فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ

زیرا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۱۹۹) چون مناسک خود را به پایان بردید

فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا

خداوند را آن گونه که پدرانتان را یاد می کنید یا بهتر از آن یاد کنید

فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي

[در این میان] گروهی از مردم که از مواهب معنوی و از آثار پایدار جهان دیگر غافل هستند [می گویند: پروردگارا! به ما در دنیا [کالا و متاع و مال] عطا کن]

الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ (۲۰۰) وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي

در حالی که آنان را [به سبب این غفلت و کوتاه نظری] در آخرت هیچ بهره ای نیست (۲۰۰) و گروهی از مردم می گویند: پروردگارا! به ما

الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (۲۰۱)

در دنیا از هر گونه خیر او خوبی، و در آخرت هم از هر نوع خیر او ثواب عطا کن، و ما را از عذاب آتش نگهدار (۲۰۱)

أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۲۰۲)

اینانند که از دست آوردشان [از انجام مناسک و دعای خالصشان] بهره [عظیم و فراوانی] دارند، و خداوند در حسابرسی سریع است (۲۰۲)

وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ

خدا را در روزهای معین (ایاز دهم، دوازدهم و سیزدهم ذو الحجه که ایام وقوف در منی است) یاد کنید (و قلباً مورد توجه قرار دهید). پس هر که در طول دوروز، (واجبات منی را انجام دهد) و به

فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى وَاتَّقُوا

کوتج کردن از آن اشتنا و رزد، گناهی بر او نیست، و هر که (تا روز سوم، کوچ کردنش را) به تأخیر اندازد بر او هم گناهی نیست، (اختیار کردن وقوف در منی چه در دوروز، چه در سه روز برای کسی

اللَّهُ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٠٣﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ

است که از همه محز مات احرام اجتناب کرده باشد. از خدا اطاعت کنید و از محز ماتش ابریزید و بدانید که همه شما مسلمان به سوی او محشور خواهید شد (۲۰۳) و از مردم کسی است که

يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهِدُ اللَّهَ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَ

گفتارش در باره زندگی دنیا (و نقشه های به ظاهر زیبایش برای اداره امور مردم و حکومت برای تو بسیار خوش آیند و قابل توجه است، او برای این که و انمود کند دلش بر خوردار از صداقت

هُوَ الَّذِي الْخَصَامُ ﴿٢٠٤﴾ وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ

است (خدا را بر آنچه در دل دارد شاهد می گیرد، در حالی که خداوند از دلش آگاه است که) او (قلباً) سرسخت ترین دشمن (تو و مسلمانان) است (۲۰۴) چون (چنین دشمن سرسختی را

فِيهَا وَبُهْلِكَ الْحَرْثُ وَالنَّسْلُ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ ﴿٢٠٥﴾

قدرت و حکومت بابد، می گوشت که در زمین تباهی و فتنه گری به بار آورد، و زراعت و نسل را (با ظلم و ستم) فراوانی که می کند (تا نبود سازد؛ خداوند تباهی و فتنه گری را دوست ندارد) (۲۰۵)

وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ

چون به او گویند: از خدا (اطاعت کن و از محز مات) بپرهیز، غرور و سرسختی اش وی را به گناه وامی دارد، پس دوزخ او را بس است،

وَلَيْئَسَ الْمُهَادُّ ﴿٢٠٦﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ

و قطعاً بد جایگاهی است (۲۰۶) و از مردم کسی (چون علی بن ابی طالب) است که جانش را

مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿٢٠٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

برای به دست آوردن خشنودی خدا می فروشد، و خداوند به بندگان بسیار مهربور است (۲۰۷) ای اهل

آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ

ایمان! همگی به عرصه تسلیم (در برابر خدا و اطاعت از او) درآید، و از گام های

الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٢٠٨﴾ فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ

شیطان پیروی نکنید که او بی تردید، دشمن آشکار شما است (۲۰۸) چنانچه

بَعْدَ مَا جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَاَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ

بعد از آن که دلایل روشن برای شما آمد بلغزید او به شرک و کفر و فرهنگ های شیطانی روی آرید (بدانید که خدا (در انتقام از شما،

حَكِيمٌ ﴿٢٠٩﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ

توانای شکست ناپذیر و حکیم است (۲۰۹) آیا (پیروان شیطان) جز این (مسائل را به عنوان محز ک ایمان آوردن به قیامت) انتظار دارند که (عذاب خدا

الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٢١٠﴾

و فرشتگان (امور عذاب) در سایبان هایی از ابر به سوی آنان آیند، و کار (تا نبودی آنان) پایان یابد (بدون شک همه کارها به سوی خداوند بازگردانده می شود) (۲۱۰)

سَلِّ بَنِي إِسْرَٰئِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ

از بنی اسرائیل بپرس اینا را که چند بار می آید از ایشان نعمت ها بر آید تا این که سعادتی دنیا و آخر نشان آید آنان عطا کردیم هر کس پس از این

مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢١١﴾ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا

این نعمت های و بر آن خداوند به او رسید آنرا ایه کفر و تحریف در دین و نافرمانی انگیز دهد بداند که خداوند سخت گیر است (۲۱۱) زندگی از او گذرد و از دست رفتنی است

الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ

برای کافران از استه جلوده دادند به این علت همواره مؤمنان از تهدید است از زور و زینت دنیا را مسخره می کنند در حالی که مؤمنانی که از خداوند اطاعت کرده از معجزات

يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢١٢﴾ كَانَ النَّاسُ أُمَّةً

الهی احتساب داشتند در روز قیامت از هر جهت از کافران برترند و خداوند هر کس را بخواهد بی حساب روزی می دهد (۲۱۲) مردم در شروع زندگی و گرد آمدن کناره ها را

وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ

واحد (و یکست) بودند اختلاف و نزاعی میانشان نبود پس از پدید آمدن اختلاف بر پایه تضاد افکار و منافع خداوند پیامبرانی مژده دهنده و بیم رسان برانگیخت و

الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ

بر پایه درستی و راستی کتاب نازل گرد تا در بین مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند کتاب های آسمانی وحدت آفرین را با تحریف و تفسیر نادرست عامل اختلاف جدید

فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ آوَوْهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ

پس از اختلاف پیش از بعثت پیامبران کردند و در (محتویات) آن اختلاف نکردند مگر کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد این اختلاف پس از دلایل روشنی بود که برای آنان آمد

فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ

و سبب کبر و حسد و تجاوزگری در بین خودشان بود در نهایت خداوند اهل ایمان را به خواست خود در باره حقی که مورد اختلاف بود هدایت کرد و خداوند

يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٢١٣﴾ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا

هر که را بخواهد در صورتی که لیاقت نشان دهد به راه مستقیم هدایت می کند (۲۱۳) آیا پنداشته اید در حالی که

الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ

هنوز (احادلهایی) مانند (احداث) زندگی گذشتهگان برای شما پیش نیامده وارد بهشت شوید؟! به آنان سختی و

وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى

و تنگدستی رسید تا جایی که پیامبر و کسانی که همراه او ایمان آورده بودند (در مقام دعا و درخواست کمک) می گفتند: یاری خداوند

نَصْرُ اللَّهِ إِلَّا أَنْ نَصْرَ اللَّهُ قَرِيبٌ ﴿٢١٤﴾ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ

چه زمانی خواهد بود؟ به آنان مژده داده شد که آگاه باشید یاری خداوند نزدیک است (۲۱۴) از تو می پرسند چه چیز انفاق کنند؟

قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ وَالْيَتَامَىٰ وَ

بگو: هر مال و کالای سودمندی که انفاق می کنید بهتر این است که به پدر و مادر، نزدیکان، یتیمان، نیازمندان

الْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٢١٥﴾

و در راه ماندگی بی زاد و توشه انفاق کنید و هر کار نیکی انجام دهید خداوند به آن داناست (۲۱۵)

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا

بر شما جنگ ایا دشمن! مقرر شده؛ گرچه برایتان خوشایند نیست، بسا چیزی را خوش ندارید درحالی که

وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ

برای شما خیر است، و بسا چیزی را دوست دارید و حال آن که برای شما مایه زیان است، خداوند ایا آگاهی فراگیرش بر همه چیز، مصلحت شما را در همه امور اسی داند

وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢١٦﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ

و شما نمی دانید (۲۱۶) از تو درباره جنگ در ماه حرام می پرسند،

فِيهِ قُلُوبُ قِتَالٍ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدُّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكَفَرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ

بگو: جنگ در آن ماه اگناهی بزرگ است، ولی اهر نوع بازداشتن مردم از راه خدا، و کفرورزی به او، و امانت شدن مردم از ورود به

الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ

مسجد الحرام و اواره کردن او و بیرون راندن اهلش از آن، نزد خدا بزرگتر از جنگ در ماه حرام است. قطع افتنه که کفر و شرک و تحمیل فرهنگ های ابلیسی به مردم،

مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ يُلْقُوا نَكَرًا حَتَّى يَصُدَّ عَنْ دِينِهِمْ

و سلب امنیت انسان ها و شکنجه کردن آنان به جرم دینداری است، از کشتار، بزرگتر او گناهی سنگین تر است، و مشرکان و کافران ا همواره با شما می جنگند تا

إِنْ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ

اگر بتوانند شما را از دینتان ا که دین خداست به کفر برگردانند، کسانی از شما که از دینشان برگردند و در حال

فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَٰئِكَ

کفر بمیرند همه اعمال ا خوب! شان در دنیا و آخرت تباه او بی اثر! گشته ابر باد می رود،

أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢١٧﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا

چنین مردمی ا که به آسانی دین حق را از دست می دهند و به فرهنگ کفر و شرک باز می گردند ا اهل آتشند، و در آن جاودانه اند (۲۱۷) یقینا اهل

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ

ایمان و کسانی که از دیار کفر به دار الإسلام هجرت کرده و در راه خدا به جهاد برخاستند

رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢١٨﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ

به رحمت خداوند امید دارند؛ و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۲۱۸) از تو درباره مست کننده ها

وَالْمَسْرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ

و قمار می پرسند، بگو: در آن دو ا به سبب زیان های مادی و معنوی و اجتماعی و عقلی و روانی ا گناهی بزرگ است، اوار تکابش شمار از فیوض الهی محروم می کند، ا

مِنْ نَفْعِهَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ

و سودهایی ا اندک از خرید و فروش خمر، و نبرد و باخت قمار ا برای مردم است، و گناه هر دو ا مخرب دنیا و آخرت و نظام زندگی انسان هاست ا از سودشان بیشتر

يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١٩﴾

است، و از تو می پرسند چه چیز اتفاق کنند، بگو: از آنچه افزون بر نیاز است، خداوند این گونه آیات ا احکامش ا روشن بیان می کند تا ا عمیقاً ببینید (۲۱۹)

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ

البدنه ادر باره اهدامور مربوط به دنيا و آخرت خود و از تو در باره یتیمان می پرسند بگو اصلاح امورشان که در جهت بهره مندی آنان از زندگی است بهتر از کار دیگر است

وَأَنْ تَحَالِطُوا لَهُمْ فَأَخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ

و اگر با یتیمان و ائین نگاه که برادران شما باشند معاشرت کنید [کاری خدا پسندانه است] برای خداوند فتنه گران ادر امور یتیمان او اصلاح گران مشخص هستند

شَاءَ اللَّهُ لَا عُنْتَكُمْ إِنْ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٢٠﴾ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ

و اگر خدای خواست شما را ادر مسئولیت نسبت به یتیمان ا به رحمت و مشقت می انداخت زیرا او توانای شکست ناپذیر و حکیم است (۲۲۰) با زنان

حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَلَا مَآئَةٍ مُّؤْمِنَةٍ خَيْرٌ مِنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ

آلوده به افرهنگ شرک ازدواج نکنید تا به دین خدا مؤمن شوند، مسلماً کنیز با ایمان از زن آلوده به شرک بهتر است

وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ

هر چند از سیاسی و ثروت و موقعیت او شمار اشیفته خود سازد، و زنان با ایمان را به ازدواج مردان مشرک در نیاورید تا مؤمن ا به اسلام ا شوند، قطعاً برده مؤمن

مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو

از مرد مشرک بهتر است هر چند ا جمال و مال و منال او شمارا خوش آید، آنان ا که اسیر فرهنگ شرک هستند نه تنها مردم بلکه زن و فرزند خود را بر حمانه ا به سوی آتش می خوانند، و خداوند

إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِآذِنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ

به مشیت خود به سوی بهشت و آمرزش دعوت می کند، و آیات را برای مردم بیان می کند

يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٢١﴾ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَاعْتَزِلُوا

تا همواره حقایق را به یاد آورند (۲۲۱) از تو درباره حیض می پرسند، بگو: حیض حالتی ناخوشایم او در آمیزش مایه آسیب و زیان است

النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ

پس در زمان حیض از آمیزش با زنان کناره گیری کنید و با آنان نزدیکی نکنید تا پاک شوند، چون

فَأَتَوْهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ

پاک شدند از جایی که خداوند به شما دستور داده با آنان آمیزش کنید، یقیناً خداوند آنان را که بسیار توبه می کنند

الْمُتَطَهِّرِينَ ﴿٢٢٢﴾ نِسَاءُكُمْ خَرَثُكُمْ فَاتُوا خَرَثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ

و کسانی که خود را به انواع پاکی ها می آریند دوست دارد (۲۲۲) زنان شما کشتزار شمایند، هر زمان و هر جا که خواستید به کشتزار

وَقَدْ مَوَّالَ أَنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُّلاَقُوهُ وَ

خود در آید و ا بر عایت حقوق یکدیگر و حفظ عفت و پاکدامنی و تولید نسلی پاک و صالح مایه های نیکی ا برای خود پیش فرستید و خدا را اطاعت کرده از محرماتش ابریزید، و بداند که او را ملاقات خواهد

بَشِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٢٣﴾ وَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَتُ

کرد، و مؤمنان ا به پادشاه های جاوید ا اشارت ده (۲۲۳) خدا را در معرض سوگندهای خود قرار ندهید به این که ا به خداوند سوگند بخورید که ا نیکی انجام ندهید و بر هیز گاری پیشه سازید و بین مردم صلح

تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٢٤﴾

اوصاف ا برقرار نکنید ا خداوند رحمت ندارد که نامش وسیله خودداری از کارهای خود شود که خودش انجام ا را بر شما لازم دانسته ا خداوند شنوای همه گفته ها ا و دانای به همه کارهای شما است (۲۲۴)

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ

خداوند شما را به خاطر سوگندهای لغو و غیر جدی مؤاخذه نمی‌کند، ولی شما را به سبب آنچه

قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿٢٢٥﴾ لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَاءِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةٍ

دل‌هایشان برای اجرای آن قصد جدی داشته به عقوبت چهار می‌سازد؛ خدا بسیار آمرزنده و بردبار است (۲۲۵) برای آنان که سوگند می‌خورند که (امیدش را) همسران خود را ترک کنند

أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٢٦﴾ وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ

چهار ماه مهلت است، چنانچه پس از این مهلت به آنچه مقتضای زناشویی است (باز) گشتند (گناهی بر آنان نیست) (از بر خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است) (۲۲۶) و اگر برای پایان یافتن مشکلاتشان

اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٢٧﴾ وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ

خداوند به جدایی گرفتند (در صورت رعایت شرایط طلاق معنی نیست)؛ یقیناً خدا (به گفتار و نیت و کردارشان) آشنوا و داناست (۲۲۷) زنان طلاق داده شده باید سه پاکی (پس از سه بار عادت ماهیانه)

وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمَنَّ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ

انتظار بکشند (و پیش از پایان یافتن سه پاکی، از ازدواج کردن اجتناب کنند)؛ و اگر به خدا و قیامت مؤمن هستند نباید آنچه را که خدا در رحم‌هایشان از حیض یا جنین

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبَعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَ

به وجود آورده پنهان کنند (تا با این پنهان کاری، زمان عده را بر خلاف حکم حق تغییر دهند)؛ و شوهر نشان در مدت عده چنانچه خواهان سازش و صلح باشند به بازگرداندن آنان (به زندگی دوباره)

لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ

مروار ترند، و حقوق شایسته‌ای برای زنان (بر عهده مردان) است؛ به مانند حقوقی که برای مردان (بر عهده زنان) است، و مردان را بر زنان (به علت کارگزاری و تدبیر امور زندگی، و ویژگی‌هایی که بر اساس

حَكِيمٌ ﴿٢٢٨﴾ الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَاِمْسَاكِ بِمَعْرُوفٍ اَوْ تَسْرِيحُ بِاِحْسَانٍ وَ

آفرینش و جود خود دارند، حقوق و ارثیه‌ای برتر است؛ خداوند (در قانون‌گذاری و استواری در کار،) توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است (۲۲۸) طلاق (که مرد در آن حق رجوع به همسرش را دارد) دوبار

لَا يَحِلُّ لَكُمْ اَنْ تَاْخُذُوْا مِمَّا اَتَيْتُمُوْهُنَّ شَيْئًا اِلَّا اَنْ يَخَافَا اَلَّا يَقِيْمَا

است، (شوهر در هر مرتبه از رجوع باید (همسرش را) به صورتی شایسته نگاه دارد، یا (با عدم رجوع،) او را با خوش‌فشاری رها کند، و پس گرفتن آنچه به عنوان مهر به آنان پرداخت کرده‌اید بر شما حلال

حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ اَلَّا يَقِيْمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا

نیست، مگر این که هر دو بترسند که (در ادامه‌دادن زندگی) حدود (و قوانین) خدا را رعایت نکنند، پس (اشمالی حاکمان و قضات شرع) اگر از رعایت نکردن مقررات حق از طرف آن دو نگران داشته باشید،

اَفْتَدَتْ بِهٖ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوْهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ

در مالی که زن (در عوض به دست آوردن طلاق و رهایی خود) بپردازد گناهی بر آنان نیست، این‌ها حدود خداست، از آن‌ها تجاوز نکنید

فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٢٩﴾ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّىٰ

که مسلمان متجاوزان از قوانین خداوند ستمکارند (۲۲۹) پس اگر (بعد از دو طلاق و رجوع، بار سوم از زن را طلاق داد،) دیگر پس از آن، (باز) گرداندن (از بی‌روی حلال نیست

تَتَكَحَّ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا اَنْ يَتَرَاجَعَا اِنْ ظَنَّا

مگر آن که با مردی غیر از او ازدواج کند، اگر (شوهر جدید) او را طلاق داد (بر زن و شوهر اولش) گناهی نیست که (با عقد و مهریه دوباره) به یکدیگر بازگردند، البته در صورتی که

اَنْ يَقِيْمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٢٣٠﴾

امید داشته باشند حدود خدا را (در روش همسررداری) رعایت کنند، این‌ها حدود خداست که برای دانایان بیان می‌کند (۲۳۰)

وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلْيُغْنِ أَجَلُهُنَّ فَامْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ

هنگامی که زنان را طلاق دادید و به پایان مدت عده رسیدند، آنان را ابراجوع کردن به صورتی پسندیده نگاه دارید، یا ابراسراعدن مدت عده

سَرَّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّلْعِتْدَةِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ

باخوش رفتاری رهایشان کنید و ابراجوع به همسر آنان به قصد ازار رساندن و زیان زدن و تجاوز به حقوق الهی و انسانی آنان نگاهشان ندارید، کسی که چنین کند

فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ

ابا در معرض قرار دادن خود در برابر عذاب دنیا و آخرت به خود ستم کرده است، آیات خدا را به مسخره نگیرید، و نعمت خدا را

عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ

بر خود و آنچه از کتاب و معارف استوار و سودمند بر شما نازل کرده که شما را به آن پند می دهد به خاطر آورده اقلبا مورد توجه قرار دهید،

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٣١﴾ وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ

و خدا را اطاعت کرده، از محرماتش ابرهیزید، و بدانید که خداوند به همه چیز آگاه است (۲۳۱) ای اولیای امور، و خویشان زن و شوهر! چون زنان را

فَلْيُغْنِ أَجَلُهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا

طلاق دادید و به پایان عده خود رسیدند، آنان را از ازدواج با شوهران اسبق خود

بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ

در صورتی که بین خودشان به روشی پسندیده توافق کردند باز مدارید! با این دستور و حکم، کسانی از شما که به خدا

الْآخِرِ ذَلِكُمْ أَزْكَى لَكُمْ وَأَطْهَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢٣٢﴾

و روز قیامت مؤمن هستند موعظه می شوند، این دستور ها و احکام ابرای شمارشدهنده تر و پاکیزه تر است، خدا ابرصالح شمار ادر همه امور می داند و شما نمی دانید (۲۳۲)

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ

مادران باید فرزندان خود را دوسال کامل شیر دهند، البته این دستور ابرای کسی است که بخواهد دوران

الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ

شیر خوردن کودک را کامل کند و اگر مایل باشد می تواند از دوسال بگاهد، تأمین خوراک و پوشاک مادران شیر دهنده به صورت شایسته بر عهده پدر فرزندانست، هیچ کس بیش از

إِلَّا وَسْعَهَا لَا تُضَارُّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ

مقدار طاقتش مکلف به کاری نمی شود، نباید مادری به خاطر فرزندش زیان ببیند، و نه پدری به خاطر فرزندش دچار ضرر شود ابر عهده پدر است که هزینه مادر و کودک را در حد متعارف

مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَ الْفَصْلُ عَنْ تَرَاخٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ

ببردارد، و بر مادر است که بیش از قدرت مالی شوهر از او در خواست هزینه نکند، و اوجناچه پدر کودک از دنیا رود اهماثندان ابر هزینه همسر و کودک ابر عهده وارث است، و اگر پدر و مادر بر

عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا

بایه توافق و مشورتشان بخواهند کودک را ابرایش از دوسال کامل ابر شیر بگیرند گناهی بر آنان نیست، و اگر بخواهید برای فرزندان دایه بگیرد بایک ابر شما نخواهد بود، البته در صورتی که

اتَّيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٣٣﴾

هزینه دایه را به طور شایسته ببرد اید، خدا را اطاعت کرده، از محرماتش ابرهیزید و بدانید مسلماً خدا به آنچه انجام می دهید بیناست (۲۳۳)

وَالَّذِينَ هُمْ يَتُوفُونَ مِنْكُمْ وَیَذَرُونَ أَزْوَاجًا یَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ

از شما مردانی که از دنیا می‌روند و همسرانی بر جای می‌گذارند باید همسرانشان

أَشْهُرَ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَیْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِی

چهار ماه و ده روز انتظار بکشند و این مدت را به عنوان عده و فوات حفظ کنند، چون به پایان عده و فوات رسیدند در آنچه در باره خود به طور شایسته

أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۝۲۳۲ وَلَا جُنَاحَ

برای ازدواج یا ترک آن انجام دهند بر عهده شما و اربابان متوفی و اقوام زنان گناهی نیست، خداوند بر آنچه انجام می‌دهید بیناست (۲۳۲) بر شما گناهی نیست

عَلَیْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكُنْتُمْ فِی

که با سخنانی کنایه آمیز چون: من خوش معاشرتیم، وفادار به زندگی خویم، زن دوستم از زنان [که در عده و فواتند] خواستگاری کنید، باین کار را

أَنْفُسِكُمْ عَلَّمَ اللَّهُ أَنْتُمْ سَتَدْرِكُونَهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ

در باطن خود تصمیم بگیرید، خداوند می‌داند که شما به زودی بر اساس میل فطری و به نیت تشکیل زندگی از ازدواج با آنان سخن خواهید گفت، ولی

سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْرُضُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ

در پنهان به آنان وعده ازدواج ندهید مگر این که گفتارتان [بدون صراحت و شایسته و] متعارف باشد، و تصمیم به بستن عقد ازدواج نگیرید

حَتَّىٰ یَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ یَعْلَمُ مَا فِی أَنْفُسِكُمْ

تا عده و فوات پایان یابد، و بدانید هر چه [نیت و تصمیمی] در دل دارید خدا می‌داند،

فَاذْكُرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ۝۲۳۳ لَا جُنَاحَ عَلَیْكُمْ

بس، از مخالفت با او بپرهیزید و بدانید که خداوند بسیار آمرزنده و بردبار است (۲۳۳) بر شما گناهی نیست

إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِیضَةً وَتَعُوهُنَّ

اگر زنان را [به دلایلی] پیش از آمیزش جنسی و عدم تعیین مهریه طلاق دهید، [در چنین وضعی بر شما لازم است] آنان را از کالای مناسب شانشان بهره‌مند سازید، توانگر

عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى

به اندازه توانایی‌اش، تنگدست به اندازه وضع مادی‌اش، این حق واجب

الْمُحْسِنِينَ ۝۲۳۴ وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ

بر عهده نیکوکاران است (۲۳۴) و اگر آنان را پیش از آمیزش جنسی درحالی که مهریه برای آنان

فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِیضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ یَعْفُوَا أَوْ

مقرر کرده‌اید طلاق دهید بر شما واجب است نصف مهریه تعیین شده [را به آنان بپردازید]، مگر خود آنان

یَعْفُوا الَّذِی بَیْدَهُ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ

یا کسی [چون ولی یا وکیل او] که پیوند ازدواج به دست اوست آن را بپاشد، و گذشت [و جوانمردی] شما [که همه مهریه را به زن بپردازید] به تقوا [این مایه

لَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَیْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝۲۳۵

عظیم و بی نظیر معنوی] نزدیک‌تر است، و گذشت و نیکوکاری بین خودتان را فراموش نکنید؛ یقیناً خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست (۲۳۵)

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ

بر همه نمازها به ویژه نماز میانه [که بنا بر بعضی از روایات، نماز ظهر است] محافظت کنید و [هنگام عبادت] فروتنانه برای خدا

قَانِتِينَ ﴿٢٣٨﴾ فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ

به [بخیزید] (۲۳۸) اگر از دشمن یا پیش آمدهای خطرناک [بترسید، نماز را] پیاده یا سواره [بخوانید] و چون امنیت یابید

فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿٢٣٩﴾

خدا را به شکر این که به شما آنچه را نمی دانستید آموخت یاد کنید او قلباً مورد توجه قرار دهید. (۲۳۹)

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً

کسانی از شما که مرگشان نزدیک می شود و همسرانی می گذارند [لازم است]

لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا

در مورد همسرانشان وصیت کنند که آنان را تا یک سال بدون بیرون اندن از خانه، از کالای مناسب زندگی [بهره مند سازند، اما اگر آنان] به اختیار خود [خانه را ترک کردند،

جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ وَاللَّهُ

در آنچه درباره خود [از ازدواج یا انتخاب شغل مشروع به صورتی شایسته] انجام دهند بر شما [و آنان به علت نپرداختن هزینه به آنان] گناهی نیست، خداوند

عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٤٠﴾ وَالْمُطَلَّقَاتُ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى

توانای شکستناپذیر و حکیم است (۲۴۰) [سزاوار است از سوی شوهران] به صورتی شایسته کالا [و وسایل زندگی] به زنان طلاق داده شده پرداخت شود، این حق است لازم

الْمُتَّقِينَ ﴿٢٤١﴾ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ

بر عهده کسانی که از خدا اطاعت کرده، از محرماتش [بپرهیزند] (۲۴۱) خداوند این گونه، احکام و قوانینش را به صورتی واضح بیان می کند تا [برای درک عمیق و

تَعْقِلُونَ ﴿٢٤٢﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ

شناخت دقیق آن ها] پندیشید (۲۴۲) آیا [داستان] کسانی [که در زمان های گذشته] از ترس مرگ از دیارشان بیرون رفتند در حالی که

أَلَوْفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ

هزاران نفر بودند آنستى؟ پس خداوند به آنان خطاب کرد: بمیرید! [و آنان بی درنگ مردند،] سپس آنان را زنده کرد [تا به قدرت خدا و زنده شدن

لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٢٤٣﴾

مردگان در قیامت و این که فرار از مرگ ممکن نیست یقین کنند،] خداوند به مردم دارای احسان است؛ ولی بیشتر مردم سپاس گزار نیستند (۲۴۳)

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٤﴾

در راه خدا بیکار کنید و بدانید که یقیناً خدا شنوای گفتار شما و دانای به کردار شما است (۲۴۴)

مَنْ ذَ الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا

کبست که برای [جلب خشنودی] خدا [به نیازمندان] قرض الحسنه بدهد تا خدا آن را برایش به چندین برابر

كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٤٥﴾

افزایش دهد؟ و خداست که روزی را تنگ کرده، و توسعه می دهد، و [همه شمار] برای دریافت پاداش این عمل خیر [به سوی او باز می گردانند] (۲۴۵)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَآئِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ

سایا اداستان آن گروه از سران و اشراف بنی اسرائیل را که پس از موسی بودند ندانستی؟ که به پیامبران گفتند:

لَهُمْ أُبْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ

برای ما زمامداری انتخاب کن تا در راه خدا بجنگیم، پیامبران گفت:

إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَا

آیا احتمال نمی‌دهید اگر جنگ بر شما واجب شود اقدام به جنگ نکنید او سر به نافرمانی بردارید؟! گفتند: ما را چه شده

نُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أَخْرَجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَاءِنَا فَلَمَّا

که در راه خدا نجنگیم! درحالی که ما را از دیارمان و نزد فرزندانمان رانده‌اند. ولی

كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ

چون جنگ بر آنان واجب شد همه آنان جز اندکی، از آن روی برتافتند، خداوند به اوضاع و حالا

بِالظَّالِمِينَ ﴿٢٤٦﴾ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ

ستمکاران آگاه است (۲۴۶) و پیامبران به آنان گفت: همانا خداوند طالوت را برای شما

طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ

به زمامداری انتخاب کرد، گفتند: [شگفتا] چگونه او را بر ما فرمانروایی باشد در صورتی که ما

أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ

به این منصب از او سزاوارتریم، و به او ثروت فراوانی هم داده نشده. پیامبران گفت: خداوند

اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ

او را بر شما برگزیده و وی را در دانش و قدرت جسمی فزونی داده،

وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٧﴾ وَ

و خداوند [با توجه به رعایت مصلحت مردم] زمامداری را [از طرف خود] به هر کس که بخواهد عطا می‌کند؛ خداوند بسیار عطا کننده و داناست (۲۴۷)

قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ

پیامبران [پس از این سخن] به آنان گفت: بی‌تردید نشانه زمامداری او این است که

التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِمَّا

صندوق عهد، نزد شما خواهد آمد که برای شما آرامشی از سوی پروردگارتان در آن است، و نیز میراث

تَرَكَ آلُ مُوسَى وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ

و یادگارهایی که خاندان موسی و هارون به جا گذاشته‌اند در آن می‌باشد، و فرشتگان آن را حمل می‌کنند،

فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٤٨﴾

یقیناً [امدن این صندوق و آنچه در آن است] اگر مؤمن باشید معجزه و نشانه‌ای برای شماست [تا در پرتو آن زمامداری طالوت را بپذیرید] (۲۴۸)

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ

پس هنگامی که طالوت با سپاهیان ابرای جنگ با دشمن بیرون رفت ایه آنان گفت: مسلماً خداوند شمارا به وسیله نهر آبی از عایش می گذرد.

فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي

هر که ایه وقت تشنگی از آن بنوشد از من نیست، و هر که از آن نخورد از من است، مگر کسی که

إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا

با دستش کفی آب برگرد اکه او نه از من است و نه مردود از لشکر، پس همگی جز اندکی از آنان آب نوشیدند، چون او

جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ

و همراهان مؤمنش از نهر گذشتند گفتند: امروز ما را قدرت

بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ

با جالوت و سپاهیان نیست، ولی آنان که به لقای خداوند یقین داشتند ایه کسانی که فزونی دشمن، آنان را از ورود به جنگ ترسانده بود گفتند

كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ

چه بسا گروه اندکی که به خواست خدا بر گروهی بسیار پیروز شدند.

وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٢٤٩﴾ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَ

و خدا با صابران است (۲۴۹) چون اطالوت و اهل ایمان با جالوت و سپاهیان روبرو شدند

جُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبَّتْ أقدامنا

گفتند: پروردگارا! بر ما صبری ویژه فروزیا و تمام هیمان را استوار ساز و ما را

وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٥٠﴾ فَهَكَزَ مُوْهُمُ

بر گروه کافران پیروز گردان (۲۵۰) پس اطالوت و لشکرش دشمن را به خواست خدا شکست دادند،

بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَاتَّاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ

و داود، اجوان مؤمن نیرومندی که در سپاه طالوت بود جالوت را کشت، و خداوند به او فرمانروایی و حکمت (یعنی مقام نبوت) بخشید

وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ

و از آنچه می خواست به داود آموخت، و اگر خداوند تجاوز و ستمکاری برخی از مردم را

بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَئِنْ

به وسیله برخی دیگر دفع نمی کرد قطعاً زمین را تباهی و فتنه فرامی گرفت؛ ولی خداوند

ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٢٥١﴾ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا

به جهانیان دارای احسان است (۲۵۱) این احادها از نشانه های اربوبیت و قدرت خداست

عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٥٢﴾

که به درستی بر تو می خوانیم، و مسلماً تو از جمله رسولانی (۲۵۲)

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ

از آن پیامبران بعضی را بر بعضی برتری بخشیدیم، از آنان کسی است که خدا [پی واصله] با او سخن گفت، و بعضی

بَعْضُهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ

از آنان را به مقام و درجاتی بالا برد، و عیسی بن مریم را معجزات روشن دادیم، و او را به وسیله

الْقُدُسِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا

«روح القدس» توانایی بخشیدیم، و اگر خدا می خواست ملت هایی که بعد از آنان ادر طول قرون و اعصارا وجود داشتند

جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا فَيَنْهَضُ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ

پس از آن که معجزات و دلایل روشن برایشان آمد با هم نمی جنگیدند، ولی ادر باره ایمان و کفر با هم اختلاف کردند، پس برخی از آنان اباتکیه بر آن دلایل روشن مؤمن شدند و برخی

كَفَرُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ (۲۵۳)

بهره کفر رفتند، و این اختلاف سبب جنگ شد، [مسلمانا] اگر خدای خواست نمی جنگیدند، ولی خدای این نیست که انجام دادن یا ترک کردن کاری را به اجبار بر بندگانش تحمیل

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا

کنند؛ [انما] بچهرامی خواهد ابا حفظ آزادی انسان، از روی حکمت و مصلحت [انجام می دهد] (۲۵۳) ای مؤمنان! از آنچه به شمار روزی داده ایم اتفاق کنید، بیش از آن که روزی سباید

بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۲۵۴)

که در آن نه دادوستدی است، و نه دوستی و نه شفاعتی، و تنها کافران به نعمت های خداوند ستمکارند (۲۵۴)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي

خداوند یکتا که جز او هیچ معبودی نیست، زنده جاوید و قائم به ذات است، هیچ گاه خواب سبک و سنگین او را فرامشی گیرد، آنچه در

السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ

آسمان ها و زمین است در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست، چه کسی است که جز به اجازه او در پیشگاهش شفاعت کند؟

مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا

خداوند آنچه پیش روی مردم می باشد [که مجموع حوادث و جریانات آینده است]، و آنچه پشت سر آنان است [که مجموع اتفاقات گذشته است] می داند، و آنان به چیزی از علم او

شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا

جز آنچه دانستنش را [برای آنان] بخواهد احاطه پیدانی کند، کرسی [علم و حکومت و قدرت] او آسمان ها و زمین را فرا گرفته، و نگهداری آن هابر او دشوار و خستگی آور نیست؛

وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (۲۵۵) لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ

او بلند مرتبه و بزرگ است (۲۵۵) در دین هیچ اجباری نیست، [بنابر این] هر کسی باید با آزادی و اختیار و بابه کارگیری عقل، دین را انتخاب کند؛ زیرا اراه هدایت

مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ

از ضلالت [به وسیله] وحی و پیامبر و امام معصوم [روشن و مشخص شده است]، پس هر که به طاغوت [و فرهنگش] کفر بورزد، و به خدا مؤمن گردد، مسلما

بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۵۶)

به محکم ترین دستگیره، که گسستنی برای آن نیست جنگ زده و خداوند شنوا و داناست (۲۵۶)

اللَّهُ وَلِىُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

خداوند سرپرست و یار مؤمنان است، آنان را از تاریکی‌ها ای جهل و شرک و فرهنگ‌های ضد اسلام به سوی نور که ایمان، عمل صالح، اخلاق

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ

حسنه و خیر دنیا و آخرت است! روانه می‌کند، و طاغیان! یعنی سران شرک و کفر و مکتب‌سازان ضد حق! سرپرستان کافرانند که آنان را از نور

إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥٧﴾

به سوی تاریکی‌ها حرکت می‌دهند، آنان اهل آتشند و یقیناً در آن جاودانه‌اند (۲۵۷)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ الْمَلَكُ

آیا (داستان) آن شخص را ندانستی که چون خداوند اورا پادشاهی داد (از روی کبر و غرور) با ابراهیم دربارهٔ پروردگارش به گفت و گوی نادرست و بی دلیل پرداخت؟ (آن گفت و گوی)

إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ

هنگامی بود که ابراهیم گفت: پروردگار من کسی است که حیات می‌دهد و می‌میراند. او گفت: من هم حیات می‌دهم و می‌میرانم (و برای مشتبه کردن مسئله بر مردم فردی زندگی

قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ

و از ازا کرد و محکومی را گفت). ابراهیم (برای بستن راه مغالطه و تزویر بر دشمن، و این که کسی فریب آن متکبر را نخورد) گفت: بی تردید خدا خورشید را از مشرق بر می‌آورد، تو را

الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٢٥٨﴾

از مغرب بر آورد! در نتیجه آن کافر، مبهوت و سردرگم شد، و خدا گروه ستمگر را (به کفر کبر و لجبازی) هدایت نمی‌کند (۲۵۸)

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى

یا (داستان) آن شخص را ندانستی! که بر قریه‌ای عبور کرد در حالی که (دیوارهای آن) ابر روی سقف‌هایش فرو ریخته بود، (و اجساد ساکنانش پوسیده و متلاشی به نظر

يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ

می‌آمد، (گفت: خداوند چگونه اینان را پس از مرگشان زنده می‌کند؟ خداوند او را به مدت صد سال می‌راند، آن گاه او را برانگیخت و مورد خطابش قرار داد که: چه اندازه

قَالَ كَمْ لَبِثْتُ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتُ

در این حال درنگ کرده‌ای؟ گفت: یک روز یا بخشی از یک روز درنگ داشتم، فرمود: بلکه صد سال در این حال بوده‌ای!

مِائَةَ عَامٍ فَانْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ

به خوراکی و نوشیدنی خود بنگر! که پس از گذشت صد سال و رفت و آمد فصول چهارگانه! تغییری نکرده،

وَانْظُرْ إِلَى جَارِكَ وَلِنُجْعَلَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانْظُرْ إِلَى

و به (آغ خود) نگاه کن! (که جسمش به کلی متلاشی شده است، مانور امیر اندیم و زنده کردیم تا به پاسخ پرستش برسی، و برای این که تو را ادلیلی (از قدرت خود در مورد زنده کردن

الْعِظَامِ كَيْفَ نُنْشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوها الْحُمَا فَلَمَّا

مردگان! برای مردم قرار دهیم، اکنون به استخوان‌های (آغ خود) بنگر که چگونه آن‌ها را بر می‌داریم و به هم پیوند می‌دهیم، سپس بر آن‌ها گوشت می‌پوشانیم، چون

تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٥٩﴾

(کیفیت زنده شدن مردگان! بر او روشن شد گفت: اکنون یقین کردم که قطعاً خداوند بر هر کاری تواناست (۲۵۹)

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ ارْنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ

به ایدار بد اهن گامی که ابراهیم گفت: پروردگار! به من بنمایان که مردگان را چگونه زنده می کنی؟ خداوند فرمود: آیا ایه قدرتم در مورد زنده کردن مردگان! مؤمن نیستی؟

قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِنْ لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ

گفت: چرا! ولی می خواهم ایا مشاهده کیفیت زنده شدن مردگان! دلهم آرامش یابد، خداوند خطاب کرد: چهار پرنده بگیر و ايس از ذبح کردن و پاره پاره نمودن آنها

إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ

مخلوطشان کن، آن گاه بر هر کوهی بخشی از آن را قرار بده، سپس آنها را فراخوان! خواهی دید که! شتابان

سَعِيًّا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦٠﴾ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ

زودت می آیند، و بدان که بی تردید خداوند توانای شکست ناپذیر و حکیم است (۲۶۰) مثل آنان که اموالشان را

فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ

در راه خدا اتفاق می کنند مانند دانه ای است که هفت خوشه برویاند، در هر خوشه

مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٦١﴾

صد دانه باشد، خداوند برای هر که بخواهد چند برابر می کند، و خدا بسیار عطا کننده و داناست (۲۶۱)

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا

آنان که اموالشان را در راه خدا اتفاق می کنند آن گاه به دنبال

مَتَاوَلَا آذَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

انفاسشان نه منتی ابر نیازمند! می گذارند، و نه کاری که سبب آزار و رنج اوست انجام می دهند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته است، نه بیمی بر آنان است.

بَحْزُونَ ﴿٢٦٢﴾ قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ

و نه اندوهگین می شوند (۲۶۲) گفتاری پسندیده [در برابر نیازمندان] و گذشتی کریمانه [نسبت به بدبختی و خشم آنان] بهتر از

يَتَّبِعُهَا آذَىٰ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ ﴿٢٦٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

بخشی است که به دنبالش آزار باشد، و خداوند بی نیاز و بردبار است (۲۶۳) ای مؤمنان!

لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ

صدقات خود را با منت نهادن ابر نیازمندان و آزار رساندن ایه او! باطل نکنید، [که این کار] مانند [کار] کسی است که مالش را برای

مَالِهِ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَثَلُهُ كَمَثَلِ

نمایاندن به مردم او جلب ثناگویی آنان! اتفاق می کند و به خدا و روز قیامت مؤمن نیست، مثل او مانند

صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ

سنگ صیقلی صافی است که بر آن ایشش بسیار نازکی از خاک قرار دارد! و در آن بیزی برای برداشتن افشاندن باشند!، که رگباری درشت و تند به آن برسد و آن را صاف اوبدون

عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿٢٦٤﴾

خاک و بیزر او گذارد، [بنابراین ایه هیچ پاداشی] در برابر اتفاقی که ریاکارانند داشته اند! دست نمی یابند! خداوند کافران را ایه کفر و ریاکاری شان اهدایت نمی کند (۲۶۴)

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا

و مثل کسانی که اموالشان را برای طلب خشنودی خداوند، و استواری نفوسشان ابر انفاق و اخلاص و خشنودی حق

مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَاتَتْهُ أَكْطَافُهَا

انفاق می کنند، مانند بوستانی است در جایی بلند که بارانی درشت قطره به آن برسد و دو چندان محصول دهد، و اگر باران درشت قطره ای به آن نرسد،

ضَعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

باران ریز قطره می رسد که برای شادابی بوستان و محصول دادنش کافی است، خداوند

بَصِيرٌ ﴿٢٦٥﴾ أَيَوَّدُ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ

به آنچه انجام می دهید بیناست (۲۶۵) آیا یکی از شما دوست دارد که برایش بوستانی

وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ

از درختان خرما و انگور باشد درحالی که از زیر درختان آن نهرها جاری است، و در آن بوستان

الْتَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ

برای او از همه گونه میوه و محصولی باشد درحالی که پیریش فرا رسیده و دارای فرزندان ناتوان است، پس گردبادی

فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ

که اگر آن آتش سوزانی است به بوستانش برسد و یکپارچه بسوزد؟! منت و آزار روحی دادن به نیازمند، و ریاضت گردباد آتش زایی است که انفاق را نابود

تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٦٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ

می کنید، این گونه، خداوند حقایق را برای شما توضیح می دهد تا بیندیشید (۲۶۶) ای مؤمنان از اموال خوب و پسندیده که از راه داد و ستد مشروع

وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ

به دست آورده اید، و آنچه از گیاهان و معادن برای شما از زمین بیرون می آوریم انفاق کنید، و به این قصد نباشید

مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْنُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا

که از اموال عیب دار و بی ارزش به تهیدستان ابد دهید، درحالی که اگر آن را به عنوان حق شما به خود شما می دهند جز با چشم پوشی و بی میلی نمی گرفتید،

أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٢٦٧﴾ الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ

و بدانید که خداوند بی نیاز و ستوده است (۲۶۷) شیطان شما را به هنگام انفاق به تهیدستی تهدید می کند او از نداری می ترساند،

بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ

و شمار به کار بسیار زشت چون بخل ورزی هنگام انفاق و صدقه و کمک به نیازمندان افرمان می دهد، و خداوند شمار از سوی خود و عده آموزش و فرزونی مال می دهد؛ خداوند

عَلِيمٌ ﴿٢٦٨﴾ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ

بسیار عطا کننده و داناست (۲۶۸) حکمت را که دانش و بینش به حقایق و دارای آثار عملی و فواید دنیایی و آخرتی است به هر کس بخواهد عطا می کند، و آن را که حکمت دهند

فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٢٦٩﴾

یقیناً به او خیر فراوانی داده اند، و جز خردمندان به این حقایق که از عنایت های ویژه خداست توجه نمی کنند (۲۶۹)

وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ

هر مالی را که انفاق کردید و هر نذری را که بر خود واجب ساختید مسلماً خدا آن را می داند! و در نتیجه خدا نیکوکار را پاداش می دهد و متجاوز را عذاب می کند!

يَعْلَمُهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ (۲۷۰) إِنَّ تَبْدُؤَ

و برای ستمکاران در قیامت هیچ یاری نیست (۲۷۰) اگر صدقات

الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ

را اشکارا پرداخت کنید کاری نیکوست، و اگر آن ها را از نگاه دیگران پنهان داشته و به نیازمندان بدهید

فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا

برای شما بهتر است! چون کاملاً از شائبه ریا پاک می ماند، خدا ا به سبب انفاق پنهانی بخشی از گناهانتان را محو می کند، خداوند

تَعْمَلُونَ خَيْرٌ (۲۷۱) لَيْسَ عَلَيْكُمْ هُدُومٌ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ

به آنچه انجام می دهید آگاه است (۲۷۱) ای پیامبر! هدایت آنان به خلوص ورزی در انفاق و ترک منت و آزار، پس از توضیح حقایق ابر عهده تو نیست، بلکه خداست

يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَا نَفْسٌ كُمْ

که هر کس را بخواهد چنانچه شایستگی نشان دهد! هدایت می کند، ای مؤمنان! هر مال با ارزشی را انفاق کنید به سود شماست، و این در صورتی است که!

وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ

جز برای طلب خشنودی خدا انفاق نکنید، و آنچه از مال با ارزش انفاق کنید ا پاداشش به طور کامل به شما داده می شود،

يُوفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (۲۷۲) لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ

و ا در این زمینه مورد ستم قرار نخواهید گرفت (۲۷۲) ا صدقات، حق نیازمندی است

أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي

که در راه خدا ا به عللی در سختی و تنگنا افتاده اند و ا برای کسب معیشت ا قدرت سفر کردن ندارند،

الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ

شخص بی خبر ا از حال آن ها، آنان را از شدت پاکدامنی و پارسایی ا که مانع از اظهار حاجت نزد این و آن است ا توانگر و بی نیاز می پندارد،

تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ الْحَافَا

ا توی پیامبر ا باذکوات و نیز بینی و زده ای که دارای آنان را از نشانه ها و علائمی که دارند می شناسی، از مردم چیزی را به اصرار درخواست نمی کنند، شما ای مؤمنان! آنچه از مال با ارزش

وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (۲۷۳) الَّذِينَ يُنْفِقُونَ

انفاق کنید مسلماً خداوند به آن داناست (۲۷۳) آنان که ا چون علی بن ابی طالب ا اموالشان را

أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ

همواره در شب و روز و پنهان و آشکار انفاق می کنند، برای آنان

عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲۷۴)

نزد پروردگارشان پاداشی شایسته است، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند (۲۷۴)

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا أَلَّا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي

آن که ربا می خورد برای معیشت و امور خود بر نمی خیزد مگر مانند کسی که شیطان او را با تمساح خود اشغله حال کرده، (و تعداد

بِتَخَبُّطِهِ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ

روانی و فکری اش را مختل ساخته است، این شیطان زدگی است که سبب این است که آنان قائل به این اینند که باطل شدند که داد و ستد نیز مانند

الرِّبَا وَاحِلَ اللَّهِ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ

و راست، هر حالی که خداوند خبر بد و فروش را حلال و ربا را به شدت حرام کرده است، پس هر که از سوی پروردگارش اندرز می آید که مایه خیر دنیا و آخرت اوست

فَأَنْتَهُيْ فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ

به او رسد و از مایه خیری پس از آگاهی از خیر مت ان باز ایستند، اسودهای گذشته از اوست و کارش با خداست، و آنان که پس از آگاهی از خیر مت ربا به آن کار و زشت باز گردند

أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٧٥﴾ بِمَحَقِّ اللَّهِ الرِّبَا وَ يُرْجَبُ

اهل آتشند و در آن جاودانه اند (۲۷۵) خداوند اثرات حاصل از ربا را ابی خیر و برکت می کند و نهایتاً نابودش می سازد، و صدقات را

الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ﴿٢٧٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ

فروزی می دهد؛ خداوند هیچ ناسپاس گناه کاری را دوست ندارد (۲۷۶) قطعاً کسانی که مؤمن شدند

عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَاقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ

و کارهای شایسته انجام دادند، و نماز را با شرایط ویژه اش خواندند و زکات پرداختند، برای

أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٧﴾

آن نزد پروردگارشان پاداشی شایسته است، نه بیمی بر آنان است، و نه اندوهگین می شوند (۲۷۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ

ای مؤمنان! خدا را اطاعت کرده، از محرماتش بپرهیزید! و اگر واقعاً مؤمن هستید آنچه را از (سود) ربا انزد مردم باقی مانده

مُؤْمِنِينَ ﴿٢٧٨﴾ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ

رها کنید! (۲۷۸) اگر (رها) نکنید او از مردم ربا خواستید! به جنگی (بزرگ) از سوی خدا و پیامبرش بر ضد خود یقین کنید، و اگر

تَبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ﴿٢٧٩﴾

توبه کردید اصل سرمایه بدون سود (شماره برای شماست، اسودهای گرفته شده را به مردم برگردانید) در این صورت انستم می کنید و نه موردستم قرار می گیرید (۲۷۹)

وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ

اگر (شخص) بدهکار، (اتنگدست بود) پس (بر شما لازم است) او را تا هنگام قدرت (بر داخت بدهی) مهلت دهید، و بخشیدن (همه وام) اگر نوابش را

لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٨٠﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ

بدانید برای شما بهتر است (۲۸۰) و خود را از (عذاب) روزی که شمارا در آن به سوی خدا باز می گردانند (باز آسته شدن به طاعت و عبادت و ترک محرمات) حفظ

إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٨١﴾

کنید (در آن روز) به هر کس عین همان عمل (یا عمل زشت) که انجام داده را به طور کامل (به صورت بهشت یا دوزخ) می دهند، و موردستم قرار نمی گیرند (۲۸۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَى آجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ

ای مؤمنان! چنانچه وامی تا سرآمد معینی به یکدیگر دادید لازم است آن را بنویسید!

وَلْيَكُتُبْ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكُتُبَ

و باید نویسنده‌ای اسند وام را در بین خودتان به عدالت بنویسد، و کسی که از قدرت نویسندگی برخوردار است

كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكُتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ

همان گونه که خداوند ابر اساس رحمتش این هنر را به او آموخته، نباید از نوشتن اسند میان دو مسلمان دریغ کند، پس لازم است بنویسد، و آن که حق اپرداخت وام را

اللَّهُ رَبَّهُ وَلَا يَبْخُسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا

بر عهده اوست باید اصل وام را جهت تنظیم سند برای نویسنده اقرار کند، و از خداوند بکتابت پروردگارش که ناظر بر همه چیز است ابرسد تا از حق وام دهنده اهنکام

أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ

تنظیم سند چیزی نکاهد! اگر کسی که حق اپرداخت ا به عهده اوست دچار ابلهی یا ناتوانی است، بابه علتی نتواند اقرار کند، باید سرپرستش یا رعایت عدالت اقرار کند،

وَأَسْتَشْهِدُ وَاشْهَدْ بَيْنَ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ

و دو نفر از مردانتان را که در جلسه حضور دارند بر این حق شاهد بگیرید، و اگر دو مرد نبود،

فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ

یک مرد و دو زن را از بین حاضرانی که مورد پسند شما هستند شاهد بگیرید،

إِحْدُهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَهُمَا الْأُخْرَى وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا

تا اگر یکی از آن دو زن حق را فراموش کرد، زن دیگر به او یادآوری کند. شاهدان، زمانی که

دُعُوا وَلَا تَسْمَؤْ أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَى آجَلٍ

ابرای ادای شهادت ا دعوت شوند از قبول دعوت ا سرتناهند، ا شما ای مسلمانان ا از نوشتن سند تا زمان معینش چه این که ا مقدار وام ا اندک باشد چه زیاد

ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا

دلگیر نشوید زیرا تنظیم سند نزد خدا با عدالت هماهنگ تر، و بر اقامه شهادت ا کمکی ا مؤثر تر، و به شک نکر دنتان ا در مورد جنس و انداز و زمان ا پرداخت ا نزدیک تر است، مگر

أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ

آن که دادوستد نقدی باشد به گونه‌ای که آن را بین خود دست به دست کنید، در این صورت بر شما

جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ

باکی نیست که آن را ننویسید، و هرگاه دادوستد کردید ا چه نقدی چه نسیه ا شاهد بگیرید، نباید به نویسنده سند

وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فَسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا

و شاهد زیان برسد، اگر زیان برسانید خروج از اطاعت خداست است که ضررش دامنگیر خود شماست، از خدا ا اطاعت کنید و از محرماتش ا

اللَّهُ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۲۸۲)

بهریزید! خداوند ا احکامش را به شما آموزش می‌دهد، و خدا به همه چیز داناست (۲۸۲)

وَأِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوحَةٌ

اگر در سفر بودید و نویسندگی نداشتید و لایق کسی که از بدهکار به جای سند و شاهد دریافت می شود [کافی است]

فَإِنْ آمَنَ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ فَلَْيُوَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتُهُ وَلِيَتَّقِ اللَّهَ

و اگر یکی بر دیگری ایمان داشته باشد و آنکه به او امانت داده شده امانت او بدی خود را به طرف مقابلش ابر ندارد و بدهکار را بداند

رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ اِثْمٌ قَلْبُهُ

خداوند نگه دار و در گواهی که ناظر بر همه چیز است ابر و نکند و اشمالی شاهدان در هیچ مولعینی اشیادت را پنهان نکنید که هر کس آن را پنهان کند بدون شک دلش گنهگار است

وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٢٨٣﴾

خداوند به آنچه انجام می دهید داناست (۲۸۳) آنچه در آسمان ها و در زمین است فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست

وَأِنْ تُبَدُّوْا مَالِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفُّوْهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ

و اگر آنچه از نیت های فاسد و حالات شیطانی در دل دارید آشکار کنید یا پنهان سازید، خداوند شما را به آن محاسبه خواهد کرد

فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

پس هر که را بخواد می آمرزد و هر که را بخواد عذاب می کند، و خداوند بر هر کاری

قَدِيرٌ ﴿٢٨٤﴾ آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ

تواناست (۲۸۴) پیامبر به آنچه از ناحیه پروردگارش بر او نازل شده ایمان آوردند

كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَأَتْ لَهُ كُتُبُهُ وَرُسُلُهُ لَا تَفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ

و همه مؤمنان به خداوند و فرشتگان و کتاب های آسمانی و پیامبرانش ایمان آورده اند، ابر پایه ایمان استوارشان می گویند: ما میان هیچ یک

مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانُكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ

از پیامبران او در این جهت که فرستاده خداوند تفاوتی قائل نیستیم، و ابراستی و درستی گفتند: ما همه دستور ها و فرمان های خدا را با گوش پذیرش شنیدیم، و اطاعت کردیم، پروردگارا!

الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ

از رزق را و ابراسب گوناگونی در بندگی خواهانیم، و باز گشت به سوی توست (۲۸۵) خداوند هیچ کس را جز به اندازه طاقتش تکلیف نمی کند، هر که کاری پسندیده انجام داده به سود خود اوست

وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا

و هر که کاری از دست ما رتک شده به زبان خود اوست، اؤمنان می گویند: ابروردگارا! اگر انجام دستوری را ابراموش کردیم، یا مرتکب اشتباه شدیم ما را امجازات مکن،

رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا اِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا

پروردگارا! تکالیف سنگینی آن گونه که بر عهده پیشینیان ما گذاردی بر عهده ما مگذار،

رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفُ لَنَا

پروردگارا! تکلیفی که طاقتش را نداریم بر ما واجب نکن! از ما بگذر، و ما را ببامرز،

وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٨٦﴾

و به ما رحم کن! تو سرپرست مایی، پس ما را بر کافران پیروز کن! (۲۸۶)

آیاتها
۲۰۰

سُورَةُ آلِ عِمْرَانَ

مَدَنِيَّة
دبیا
۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

الَمْ ۱ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ۲ نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابُ بِالْحَقِّ

الف، لام، میم (۱) خداوند یکتا که جز او هیچ معبودی نیست زنده جاوید و قائم به ذات [مدبر و نگهدارنده همه موجودات است] (۲) این کتاب را که گواهی دهنده [حقانیت]

مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ۳ مِنْ قَبْلُ هُدًى

کتاب های پیش از خود است و درستی به تدریج بر تو نازل کرد، و نیز تورات و انجیل را (۳) پیش از این برای هدایت

لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ ۴ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ

مردم فرستاد، و فرقان را [که معیار شناخت حق از باطل است از آسمان دانش بی نهایتش] افرو داد، و بی تردید برای منکران آیات خدا [به کیفر انکارشان] عذابی سخت است؛

وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ۵ إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي

خداوند توانای شکست ناپذیر و صاحب انتقام است (۴) مسلماً چیزی در زمین و آسمان بر خداوند

السَّمَاءِ ۵ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

پنهان نیست (۵) اوست که شما را در رحم های مادران آن گونه که می خواهد شکل می دهد، جز او

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۶ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ

هیچ معبودی نیست، توانای شکست ناپذیر و حکیم است (۶) او کسی است که این کتاب را بر تو نازل کرد، بخشی از آن آیاتی محکم اند [که دارای کلماتی صریح و مفاهیمی روشن هستند]

هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ

آن ها مایه و بنیاد این کتاب می باشند، و بخشی دیگر آیاتی متشابهند [که دارای کلماتی با معانی مختلف و مبهمند و جز با کمک آیات محکم تفسیر نمی شوند] اما آنان که دلی

مَانِشَابَهُ مِنْهُ ابْنِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْنِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا

منحرف دارند [و دچار گج اندیشی اند] برای فتنه جویی و طلب تفسیر آن [به صورت نادرست برای به تردید انداختن مردم و گمراه کردن آنان، از آیات متشابه پیروی می کنند،

اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَ

در حالی که تأویل [درست] آن ها را جز خدا و ثابت قدمان در دانش [که علمشان منطبق بر واقعیات هستی و غیر قابل تغییر است] نمی دانند، [راسخان در علم] می گویند: ما به قرآن

مَا يَذْكُرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ ۷ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا

ایمان آوردیم، همه آیاتش [چه محکم چه متشابه] از سوی پروردگار ماست، و [به این حقایق قرآنی] جز خردمندان [که همان راسخان علم اند] توجه عمیق نمی کنند (۷)

وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ۸ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ

[اینان] می گویند: [پروردگار] اادل هایمان را پس از آن که هدایتمان کردی منحرف مکن [و از سوی خود رحمتی بر ما ببخش؛ زیرا تو بسیار بخشنده ای]، (۸) پروردگار!

النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ ۹

قطعا تو جمع کننده مردم در روزی هستی که هیچ شکی در آن نیست، یقیناً خدا خلفا وعده نمی کند (۹)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَلَنْ تَغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ

مسکما اموال و فرزندان کافران، هرگز چیزی از عذاب خدا را از آنان برطرف نمی کند.

شَيْئًا وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ ﴿١٠﴾ كَذَّابٌ إِلٍ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ

اینان همیزم دوزخند (۱۰) | عادت این کافران | مانند عادت فرعونیان و کسانی است که

مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ

پیش از آنان بودند آیات ما را انکار کردند، پس خداوند هم آنان را به سبب گناهانشان دچار کیفر کرد؛ و خداوند سخت

الْعِقَابِ ﴿١١﴾ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سِتٌّ مِثْلُ مَا كَانَ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يُصْلِحُ

کیفر است (۱۱) | به کافران اعلام کن: بهزودی | در دنیا | شکست خواهید خورد، و | در آخرت | بهسوی دوزخ

إِلَى جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿١٢﴾ قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ

گردآوری خواهید شد و دوزخ بد بستی است (۱۲) | بی تردید برای شما در دو گروهی که | در عرصه نبرد | با هم روبهرو شدند

النَّتَافِئَةِ تَقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ

نشانه ای از قدرت خداوند و صدق نبوت پیامبر بود، گروهی در راه خدا می جنگیدند، و گروه دیگر کافر به حقایق بودند.

مِثْلِهِمْ رَأَى الْعَيْنُ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي

اینان مؤمنان را به چشم خود دوبرابر می دیدند؛ | به این سبب دچار ترس شده، شکست خورند؛ | خداوند هر که را بخواهد باری خود قدرت می دهد، بی تردید

ذَلِكَ لَعِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ ﴿١٣﴾ زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ

در این | حادثه |، پندی برای اهل بصیرت است (۱۳) | محبت به امور خواستنی چون

مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ

زنان، فرزندان، اموال فراوان از طلا

الْفِصَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ

و نقره، اسبهای نشاندار، چهارپایان و زراعت، برای مردم زیبا جلوه داده شده، اینها

مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَتَابِ ﴿١٤﴾

کالای از دست رفتنی | زندگی دنیاست، و خداست که سرانجام نیکو | که بهشت پُر نعمت است | نزد اوست (۱۴)

قُلْ أَوْفُوا بِعَهْدِكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكَ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ

بگو: ای شما را به بهتر از این | کالاهای از دست رفتنی | آگاه کنم؟ برای آنان که | در همه شئون زندگی از خداوند اطاعت کرده، و از محرماتش | پرهیز داشتند | بهشت هایی

جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ

نزد پروردگارشان است که از زیر | درختان | آن نهرها جاری است، در آن جاودانه اند، برای آنان | تفسیرانی | از هر جهت | پاکیزه،

مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بِصِيرٍ بِالْعِبَادِ ﴿١٥﴾

و | رضایتی | | کامل | از سوی خداست، و خداوند | به | بندگانش | بیناست (۱۵)



الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ

همان کسانی که می گویند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم پس گناهانمان را ببامرز، و ما را از عذاب آتش

النَّارِ ﴿١٦﴾ الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ

حفظ کن (۱۶) هم [آنان که] صبرکنندگان [در همه حوادث]، راستگویان [در همه امور]، فرمانبرداران [از دستورهای حق]، انفاق کنندگان،

وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ ﴿١٧﴾ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

و اهل استغفار در سحر هابند (۱۷) خداوند در حالی که [به کارگردانی در همه امور هستی] قائم به عدالت است، [بازبان وحی و نظام استوار آفرینش و وحدت حاکمیت در

وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ

خلقت، [گواهی می دهد که هیچ معبودی جز او نیست، و فرشتگان و دانشمندان نیز [گواهی می دهند که] جز او معبودی وجود ندارد، [معبودی که توانای شکستناپذیر

الْحَكِيمُ ﴿١٨﴾ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ

و حکیم است (۱۸) مسلمانان نزد خدا فقط اسلام است [اسلامی که در قرآن تجلی دارد]، اهل کتاب [چه یهود چه نصاری] درباره آن [به نزاع و کشمکش

الَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ الْأَمِنَ بَعْدَ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا

برخواستند مگر پس از آن که [به وسیله تورات و انجیل در باره حق بودنش] به آگاهی و یقین رسیده بودند، سبب [این نزاع و کشمکش، که مانع پذیرفتن اسلام از جانب آنان شد]

بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّكَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٩﴾

خوی تجاوزگری، حسد و فساد بین خودشان بود. آنان که منکر آیات حق شوند [محکوم به محاکمه در قیامتند]؛ خداوند حسابرسی سریع است (۱۹)

فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ

اگر بآید [در حقانیت اسلام] گفت وگوی نادرست و بی دلیل کردند [فقط در پاسخشان] بگو: من و پیروانم [همه] وجود خود را تسلیم خدا کرده ایم،

أوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيَّينَ أَسْلَمْتُ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدْ اهْتَدَوْا

و به اهل کتاب [یهود و نصاری] که آگاه به حق هستند [و بی سوادان] مشرک که آیات خدا را شنیده اند [بگو: آيا شما هم تسلیم می شوید؟ اگر تسلیم شوند مسلمانا هدایت یافته اند، و اگر

وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿٢٠﴾

روی برتواند [بر تو گران نیاید؛ زیرا] تکلیفی که بر عهده توست فقط ابلاغ [اسلام] است، خداوند به بندگانش بیناست (۲۰) آنان که

الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ

پیوسته منکر آیات خدا می شوند، و همواره پیامبران را ظالمانه می کشند،

وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ

و مردمی را که امر به عدالت می کنند به قتل می رسانند

بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢١﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ

به عذاب دردناک خبر ده (۲۱) آنان کسانی هستند که همه اعمال خوبشان

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَالُهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٢٢﴾

در دنیا و آخرت تباها گشته، و برای آنان هیچ یاور و حمایت کننده ای نخواهد بود (۲۲)

الْمَرَّةَ إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ

ایا وضع کسانی که بهره ای از کتاب انوار و انجیل به آنان داده شده ندانسته ای؟ چون به سوی کتاب خدا دعوت می شوند تا کتاب خدا در بین آنان

لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ وَهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿٢٣﴾ ذَلِكَ

در آنچه احکام و حقایق دینشان را حقایق اسلام اختلاف دارند داوری کند، گروهی از آنان به آن دعوت پشت می کنند، و از داوری کتاب خدا آرو می تابند (۲۳) این

بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ

ایشان گفتند که دعوت و روی بر تافتن از داوری کتاب به سبب آن است که ایا نگه بر اموری واهی گفتند: آتش دوزخ جز چند روزی به مانمی رسد، و مسائلی که همواره دروغ ایه خداوند

مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٤﴾ فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ

می بستند آنان را در دینشان (که آویخته با تخریب و بدعت بود) فریفت و تصور بی پایه اندک ماندن در دوزخ را برای آنان رقم زد (۲۴) پس اوضاع و حالشان چگونه خواهد بود هنگامی که

وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٥﴾ قُلِ اللَّهُمَّ

آنان را در روزی که هیچ شکی در آن نیست جمع کنیم، و به هر کس آنچه را که از خوب و بد انجام داده به طور کامل به صورت بهشت ابدی یا دوزخ همیشگی خواهند داد، و ادر یاداش و

مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ

عقاب مورد ستم قرار نمی گیرند (۲۵) ادر مقام دعا بگو: خدایا! ای مالک و فرمانروای همه موجودات! هر که را بخواهی حکومت می بخشی، و از هر که بخواهی حکومت ادا شده را

وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

می ستانی، و هر که را بخواهی عزت می دهی، و هر که را بخواهی خوار و بی مقدار می کنی، هر خیری به دست توست، مسلماً تو

قَدِيرٌ ﴿٢٦﴾ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ

بر هر کاری توانایی (۲۶) شب را در روز، و روز را در شب فرو می بوی،

الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرِزُقُ مَنْ تَشَاءُ

و زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می آوری، و هر که را اراده کنی

بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢٧﴾ لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ

بی حساب روزی می دهی (۲۷) مؤمنان نباید کافران را به جای اهل ایمان سرپرست و دوست خود انتخاب نمایند،

الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ

هر کس چنین کند از احسان و الطاف خداوند بی نصیب است، مگر آن که بخواهد برای دفع خطر و مشکلی که متوجه شماست با تظاهر به دوستی

تَتَّقُوا مِنْهُمْ نُفْسَهُ وَيُحَذِّرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴿٢٨﴾

آنان از آنان تقیه کنید، خداوند شمار از اکبر خود به سبب قبول سرپرستی و دوستی کافران ابر حذر می دارد، بازگشت، فقط به سوی خداست (۲۸)

قُلْ إِنْ تَخْشَوْنَ مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَبَعْلَمَ مَا فِي

بگو: اگر آنچه از نیت فاسد و افکار باطل درباره قبول سرپرستی کافران ادر سینه های شماست پنهان بدارید یا آشکار کنید خداوند به آن آگاه است،

السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾

و نیز آنچه را در آسمان ها و زمین است می داند، خداوند بر هر کاری تواناست (۲۹)

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ

إِله یاد آرید! روزی که هرکس آنچه از کار نیک انجام داده، حاضر شده خواهد یافت، و هرکس هر کار

نُودُ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ

زشتی مرتکب شده آرزوی گندای کاش میان او و کارهای زشتش فاصله از مانی ادوری بود، خداوند شمار از عصیان و نافرمانی اش بر حذر می دارد،

رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿٣٠﴾ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ

خداوند به بندگان بسیار مهربور است (۳۰) ای پیامبر! بگو: اگر خدا را دوست دارید پس [اطاعت] از من پیروی کنید تا خدا هم

اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣١﴾ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ

إِله باداش پیروی از من! شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببامرزد؛ خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۳۱) بگو: از خدا و پیامبر

وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ﴿٣٢﴾ إِنْ أَطِيعُوا اللَّهَ

اطاعت کنید، اگر روی برتابید بدانید که مسلماً خدا کافران را دوست ندارد (۳۲) همانا خداوند

أَصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٣٣﴾

آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را [به سبب شایستگی های ویژه ای که در آنان بود] بر جهانیان برگزید (۳۳)

ذُرِّيَّةَ بَعْضِهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٣٤﴾ إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ

همه فرزندان یکدیگرند، [که از نظر ایمان، پاکی، شایستگی و تقوا شبیه به هم هستند] خداوند شنوای هر دعا و سخن [و دانا]ی به حالات و شایستگی های مردم است (۳۴) [به یاد

رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ

آرید! هنگامی که همسر عمران گفت: پروردگارا! برای تونذر کرده ام آنچه را در رحم دارم [برای خدمت به خانه تو از سرپرستی من و هر کاری آزاد باشد، انفرم را از من بپذیر که توشنوا]ی دعا

الْعَلِيمُ ﴿٣٥﴾ فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا

و دانا [ی به نیت من] هستی (۳۵) زمانی که فرزندش را به دنیا آورد گفت: پروردگارا! من دختر زاییده ام. خدا به آنچه او زایید دانتر بود،

وَضَعْتُ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا

پسر ای که زاییدن او را آرزو داشت در کرامت و ارزش [مانند این] دختر نبود، و [همسر عمران به وقت نام گذاری فرزندش گفت: من نامش را مریم نهادم،

بِكَ وَذُرِّيَّاتِهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿٣٦﴾ فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ

او و فرزندان اش را از [خطرات مهلک و وسوسه های] شیطان رانده شده به پناه تو می آورم (۳۶) پس پروردگارش او را نیکو پذیرفت

وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا

و به خوبی وی را رشد و پرورش داد و زکریا را سرپرست او قرار داد، هر زمان که

الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّىٰ لَكَ هَذَا قَالَتْ

زکریا در محراب عبادت بر او وارد می شد رزقی ویژه نزد او می یافت، ایک بار گفت: ای مریم! این رزق ویژه از کجا برای تو رسیده؟

هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٧﴾

مریم پاسخ داد: این از سوی خداست، همانا خداوند هرکس را بخواهد رزق بی حساب می بخشد (۳۷)

هٰذَاكَ دَعَاكَ يَا رَبِّهِ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً

در آن جامه که زکر یا ایا دین کر امت و شخصیت مریم ایه پیشگاه پروردگارش دست به دعا برداشت و گفت: پروردگار! مرا ایا از سوی خود فرزندی پاک و دل پسند

إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ ﴿٣٨﴾ فَادْنُ إِلَيْكَ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي

عطا کن! می تردید تو شنوای دعایی (۳۸) فرشتگان ایه دنبال دعای زکریا در حالی که در محراب عبادت به نماز ایستاده بود

الْمِحْرَابِ إِنَّ اللَّهَ بِبَشِيرٍ لَكَ بِمُصَدِّقٍ لِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَنَبِيٍّ

اورا ندا دادند: خداوند تو را به یحیی مژده می دهد که گواهی دهنده احقائیت کلمه ای از سوی خدا اچون مسیح است، افرزندت است و نور

وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٣٩﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ

و بیشتر، اویه سبب زهد و حبایب حافظ خود از خواسته های نفسانی، او پیامبری از شایستگان است (۳۹) گفت: پروردگار! چگونه برای من پسری خواهد بود

وَقَدْ بَلَغَنِي الْكِبَرُ وَأُمْرَاتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ فَعَلْ مَا

در حالی که سالخورده شده ام و همسر من از ابتدا نابار بوده است؟ خداوند فرمود: چنین است که می گویی، ولی کار خداوند محدود به علل و اسباب طبیعی نیست، هر چه را بخواهد

يَشَاءُ ﴿٤٠﴾ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ الْأَنْتُكَ النَّاسُ

ا با قدرت و مشیت مطلقه اش انجام می دهد (۴۰) گفت: پروردگار! برای من نشانه ای ابر زمان انجام این بشارت اقرار ده خداوند فرمود: نشانه تو این است

ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْزًا وَادْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْ

که سه روز با مردم جز با رمز و اشاره سخن نتوانی گفت، پروردگارت را بسیار یاد کن، و او را شامگاه و بامداد از هر عیب و نقصی

الْأَبْكَارِ ﴿٤١﴾ وَادْقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ

پاک و منزّه بدار! (۴۱) ایه یاد آرید زمانی که فرشتگان گفتند: ای مریم! قطعاً خداوند تو را ایه عنوان بنده ای ویژه برگزیده

طَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ﴿٤٢﴾ يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي

و از همه عیوب و آلودگی ها پاک کرده و بر زنان جهانیان روزگار خود ابرتری داده است (۴۲) ای مریم! فروتنانه

لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴿٤٣﴾ ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ

در برابر پروردگارت مطیع باش، و سجده کن و با اهل نماز جماعت، نماز بخوان (۴۳) این احقائق از خبرهای

الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَقُولُونَ أَقْلًا مَهُمْ أَيْهَمُ

غیبی است که آن را به تو وحی می کنیم، و تو هنگامی که آنان قلم های خود را ابرای قرعه می انداختند که کدامیک

يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٤٤﴾

سرپرستی مریم را عهددار شوند، و نیز زمانی که برای کفالت او جدال و مشاجره داشتند نزد آنان نبود (۴۴)

إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ بِبَشِيرٍ لَكَ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ

ایه یاد آرید هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم! همانا خداوند تو را به کلمه ای از سوی خود که نامش

عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٤٥﴾

مسیح عیسی بن مریم است مژده می دهد، در حالی که در دنیا و آخرت ابرومند، و از مقربان است (۴۵)

وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٢٦﴾ قَالَتْ

و با مردم در گهواره ا به صورت معجزه آسا، و در میان سالی ابا زبان وحی سخن می گوید، و از شایستگان است (۴۶) مریم گفت:

رَبِّ أَنْي يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسَّ سَنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا

پروردگار! چگونه برای من فرزندی خواهد بود در حالی که هیچ بشری با من تماس نگرفته؟! خداوند فرمود: چنین است که می گوئی اولی کار خداوند محدود به علل و

يَشَاءُ إِذَا اقْضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٢٧﴾ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ

اسباب طبیعی نیست، خداوند هر چه را بخواهد ا با قدرت و مشیت مطلقه خود می آفریند، زمانی که ا به و جود آمدن چیزی را اراده کند فقط به آن می گوید: باش!

وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ﴿٢٨﴾ وَرَسُولًا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ

پس ا بی درنگ موجود می شود (۴۷) و به آن ا بر و مند مقرب، کتاب و معارف استوار و سودمند و تورات و انجیل می آموزد (۴۸) و او را ا با شان و منزلت ا پیامبری به سوی

أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ

بنی اسرائیل ا می فرستد که به آنان می گوید: من از سوی پروردگارتان برای شما نشانه ای ا بر صدق رسالتم آورده ام: از گل یونتان

كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ

چیزی به شکل پرند می سازم و در آن می دمم که به خواست خداوند پرند های ازنده و قادر به پرواز می شود،

الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَنْبِئُكُمْ بِمَا

و کور مادر زاد و مبتلای به جذام را به مشیت خداوند بهبود می بخشم، و مردگان را به دستور خدا زنده می کنم،

تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ

و شما را از آنچه می خورید، و آنچه را در خانه هایتان ذخیره می کنید خبر می دهم، مسلماً اگر مؤمن باشید

إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٩﴾ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ

این معجزات برای شما نشانه ای ا بر صدق رسالت من است (۴۹) و ا آمده ام تا ا علام کنم ا به حقانیت توراتی که پیش از من بوده گواهی می دهم،

وَلِأَحِلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ

و ا آمده ام تا برخی از چیزهایی که در گذشته ا به کیفر گناهاتان ا بر شما حرام شده حلال کنم، و از سوی پروردگارتان

رَبِّكُمْ فَأَتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۖ إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ

برای شما دلایلی ا بر صدق ادعایم آورده ام، پس ای بنی اسرائیل ا از خدا اطاعت کنید، و از من فرمان ببرید (۵۰) همانا خداوند بکتا پروردگار

هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٥١﴾ فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمُ

من و پروردگار شماست، پس اگر خواهان خیر دنیا و آخرت هستید ا او را بپرستید، این است راه مستقیم (۵۱) چون عیسی از آنان انکار ا رسالتش را احساس کرد

الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْخَوَارِثُونَ نَحْنُ

گفت: چه کسانی ا برای اقامه دین و سلوک در مسیر حق ا برای خدا یاران منند؟ خواریون گفتند: ما

أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٥٢﴾

یاران خداییم، به خدا ایمان آوردیم، و گواه باش که ما ا بی چون و چرا ا تسلیمیم (۵۲)

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ

پیروندگان آنکه آنچه از نزد خود می هدایت ما انزال کردی ایمان آوردیم و از این پیامبر یعنی عیسی مسیح پیروی کردیم پس ما را در زمره گواهی دهندگان ابره صدق نبوت عیسی و پیروی

الشَّاهِدِينَ ﴿٥٣﴾ وَمَكْرُؤًا مَكَرَ اللَّهِ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ ﴿٥٤﴾

بودن کتاب های اسمعی ایونس (۵۳) و (۵۴) او (کافران از بنی اسرائیل به عیسی و این او این رنگ زدند، خدا هم (کافر این رنگشان داد، خداوند بهترین کافر دهندگان رنگ زندگان است) و

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنِي إِسْرَءِيلَ مَتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ

اگر باد آید هنگامی که خداوند فرمود: ای عیسی! من تو را از روی زمین و بین مردم ابرمی گیرم و به سوی خود بالا می برم.

الَّذِينَ كَفَرُوا وَاجْعَلِ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ

از بودن در کنار کافران و همنشین با آنان نجات می دهم، و کسانی را که ابره درستی و راستی از تو پیروی کردند بر کسانی که کافر شدند

الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ

روز قیامت برتری می بخشم. آن گاه باز گشت شما فقط به سوی من است، و در میان شما مؤمنان به مسیح و منکران کتاب و این او ادر آنچه در باره اش اختلاف داشتید

تَخْتَلِفُونَ ﴿٥٥﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَاعَذِّبْهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي

اگر عدالت داوری می کنیم (۵۵) اما کسانی را که منکر انبوت عیسی و کتاب او شدند، در

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَالَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٥٦﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا

دنیا و آخرت به عذابی سخت عقوبت می کنیم، و برای آنان هیچ یاری (که از عذاب نجاتشان دهد) نخواهد بود (۵۶) و اما آنان که

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ الظَّالِمِينَ

مؤمن ابره آن حضرت و کتابش اشدند و کارهای شایسته انجام دادند خداوند پاداششان را به طور کامل می دهد؛ خداوند ستمکاران را (که منکر دین شدند)

﴿٥٧﴾ ذَلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ ﴿٥٨﴾

دوست ندارد (۵۷) این (سرگذشت هایی) که بر تو می خوانیم از نشانه های صدق نبوت تو و (حقانیت) قرآن حکیم است

إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ

(۵۸) (مسلمانان عیسی نزد خداوند از نظر کیفیت آفرینش مانند آستان آدم است که ابریکر او را از خاک آفرید، بعد از آن به او خطاب شد: موجود زنده باش پس بی درنگ موجود

لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٥٩﴾ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ

زنده شد (۵۹) آنچه از آن سرگذشت هایی تو گفتیم حق است؛ (حق) از ناحیه پروردگارت، پس ایا توجه به علمی که به حق بودن آن هایت حاصل شد از تردید کنندگان مباحث (۶۰)

الْمُتَّخِذِينَ ﴿٦٠﴾ فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ

بنابر این هر کس درباره عیسی بعد از آن که بر تو ابره واسطه وحی درباره ولادت و زندگی اش اگاهی کامل آمد گفت و گوی بی منطق کند، بگو: بیابید

نَعَالُوا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنفُسَنَا

ما پسرتان (حسن و حسین) و شما پسرتان را، و نیز ما زنانمان (فاطمه) و شما زنانتان را، و همچنین ما مردمان (علی بن ابی طالب) و شما مردمانتان را دعوت کنید،

وَأَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْهِلُ فَتَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٦١﴾

سپس یکدیگر را نفرین کنیم، آن گاه لعنت خدا را بر دروغ گویان قرار دهیم (۶۱)

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ

نزدیکترین حقایق که بیان شد همان داستان های حق و درست مسیح است، او الوهیت و معبود بودنش از دروغ های ساختگی نصاری است، هیچ معبودی جز خدا نیست، همانا خداوند توانای

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦٢﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلَيْهِ بِالْمُفْسِدِينَ ﴿٦٣﴾ قُلْ

شکستناپذیر و حکیم است (۶۲) چنانچه از دعوت به نفرین، و از حقایق مربوط به مسیح، و از پذیرفتن حق، و از انکار الوهیت عیسی روی برتابند ایقین کن که خواهان حق نیستند و دچار فسادند،

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ نَعَالُوا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ

مسلمانان خدا به اوضاع و حال افسردان آگاه است (۶۳) بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی کلمه ای که بین ما و شما یکسان است، او یکسان بودنش در تمام ادیان اسمانی و کتاب های نازل شده برای شما

إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ

روشن و ثابت است، بیایید بر آن توافق کنیم، و آن کلمه این است که: جز خدای یکتا را نپرستیم، و چیزی را شریک او قرار ندهیم، و برخی از ما بعضی دیگر را به جای خدا مالک و همکار خود نگیرد،

دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٦٤﴾ يَا

اگر از پذیرش این حقایق هم روی برتابند و تو پیروانت بگویند: شاهد باشید که ما با همه وجود تسلیم حق هستیم و شما از قبول حق روی برتافتید، (۶۴)

أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَحْجُجُونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنْزِلَتِ التَّوْرَةُ وَ

ای یهود و نصاری! چرا درباره ابراهیم گفت و گوی نادرست و بی دلیل می کنید، شما یهودی ها و ابراهیم و این یهودیت، و شما نصرائی ها و ابراهیم و این نصرایت می دانید در حالی که تورات

الْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٥﴾ هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ

و انجیل بعد از او نازل شده! آیا اندیشه نمی کنید [تا با تکیه بر اندیشه، سخن به راستی و درستی گویند؟] (۶۵) آگاه باشید! شما کسانی هستید

حَاجِّجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تَحْجُجُونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ

که درباره آنچه به آن آگاهی داشتید بحث و جدل کردید، [سخن شما یهودیان با نصاری این بود که عیسی فرزند خدا نیست، و سخن شما نصاری با یهود این بود که

وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾ مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا

مسیح فرستاده خداست، پس چرا درباره آنچه به آن دانان نیستید، و آن آیین ابراهیم است [گفت و گوی نادرست و بی دلیل می کنید؟! خداوند ابراهیم را به وضع و حال

نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٦٧﴾

ابراهیم [داناست و شما ابراهیم را ندانید] (۶۶) ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرائی، بلکه یکتاپرست و احق گرای مسلمان بود، و هرگز از مشرکان نبود (۶۷) یقیناً

إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ

نزدیکترین مردم به ابراهیم از جهت پیوند معنوی کسانی هستند که ابراهیم را درستی از او پیروی کردند، و این پیامبر اسلام و مؤمنانند [که از همه به او نزدیک ترند]،

آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٨﴾ وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ

خداوند سرپرست و یار اهل ایمان است (۶۸) گروهی از اهل کتاب آرزو می کنند کاش شما را همراه کنند در حالی که با انکار بشارت های تورات و انجیل، و

لَوْ يُضِلُّونَكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٦٩﴾ يَا

روی برتافتن از اسلام [جز خودشان را گمراه نمی کنند، و این واقعیت را از شدت کور دلی درک نمی کنند] (۶۹) ای اهل کتاب! چرا آیات خدا را [که در تورات و

أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ﴿٧٠﴾

انجیل درباره اوصاف پیامبر اسلام است] انکار می کنید [و به قرآن کفر می ورزید؟! در حالی که باور دارید این آیات از سوی خداوند نازل شده است] (۷۰)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ

ای اهل کتاب! در حالی که ادعای به حق هستید چرا حق را با باطل آمیخته می کنید! یا حق برای مردم مبهم و نامعلوم شود، و حق را پنهان می دارید.

أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٧١﴾ وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي

اگر پیروانان در گمراهی بمانند؟! (۷۱) گروهی از اهل کتاب اینه پیروان خود گفتند: ابتدای روز به آنچه از آیات قرآن

أَنْزَلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَكَفَرُوا بِالْآخِرَةِ لَعَلَّهُمْ

بر مؤمنان نازل شده اینه ظاهر ایمان آوردند و در پایان روز، منکر آیات شوید، شاید مؤمنان ابا این کارتان، به آیات خدا دچار تردید و تزلزل در عقیده گشته، از دینشان

بَرْجِعُونَ ﴿٧٢﴾ وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَى هُدَى

برگردند (۷۲) [و نیز گفتند: در بیان مسائل و اسرار، و آنچه درون گروهی است] جز به کسی که از دینتان [یهودیت] پیروی می کند اطمینان نکنید. بگو: مسلماً هدایت فقط

اللَّهُ أَنْ بُؤْتَى أَحَدٌ مِثْلَ مَا أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَاجُّكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ

هدایت خداست. [سپس به قوم خود گفتند: باور نکنید] آنچه به شما [اهل کتاب از نبوت، معجزه، قبله مستقل و کتاب آسمانی] داده شده به کسی [غیر از یهود] داده

الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٧٣﴾ يَخْتَصُّ

شود. با ایمان نکنید مؤمنان می توانند در قیامت نزد پروردگارتان با شما احتجاج منطقی کرده، حقانیت خود را ثابت کنند. ای پیامبر! در پاسخ سخنان یهوده آنان

بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾ وَمِنْ أَهْلِ

بگو: فضل او احسان که از جلوه هایش نبوت، کتاب، معجزه و حکمت است! فقط به دست خداست، به هر کس بخواهد می دهد، [چون امری انحصاری نیست،] و خداوند

الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنُهُ بِقِطَارٍ بُؤْدَةٍ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنُهُ

بسیار عطا کننده و داناست (۷۳) هر که را بخواهد به رحمتش اختصاص می دهد، و خداوند دارای فزون بخشی و احسان بزرگ است (۷۴) از اهل کتاب کسی است که اگر او را

بِدِينَارٍ لَا يُؤْدِي إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ

بر مال فلولانی که نزد او می گذاری امین بشماري همه آن را به تو باز می گردانند، و از آنان کسی است که اگر او را به دیناری که به او سپرده ای امین بدانی آن را به تو بر نمی گرداند،

عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ

مگر آن که پیوسته در کنارش بایستی و ابا قدرت از او بستانی، این ابا زنگردانند! به علت این است که آنان بر این عقیده اند که رعایت کردن حقوق غیر اهل کتاب اینا بر

يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾ بَلَى مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ وَاتَّقَى فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ﴿٧٦﴾

احکام دینمان ابر ما لازم نیست [و زبانی به ما نمی زند]، در حالی که ابا بل بودن گفتار خود را می دانند بر خدا دروغ می بندند (۷۵) آری! هر کس به پیمان خداوند اکه وحی و

إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ

نبوت و به عهده گرفتن اجرای احکام خداوند است! وفا کرد، و ادر همه شئون زندگی از خداوند اطاعت داشت، و از محرماتش ابر هیز کرد بداند که بی تردید خداوند مطیعان

لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ

بر هیزگار را دوست دارد (۷۶) مسلماً کسانی که پیمان خداوند و سوگندهایشان را ابرای مقاصد مادی ا به بهایی اندک می فروشند، برای آنان در آخرت هیچ نصیبی نیست،

يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٧﴾

و خداوند با آنان سخن نمی گوید، و در قیامت به سوی آنان نظر [الطف و رحمت] نمی اندازد، و از گناه و آلودگی ا پاکشان نمی سازد، و برای آنان عذاب دردناکی است (۷۷)

وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤُنَ الْأَسِنَّةُمْ بِالْكِتَابِ لِئَحْسَبُوهُ

از قوم یهود و گروهی هستند که هنگام قرائت کردن دست نوشته های دروغ و آیات تحریف شده، از آن خود را به صورتی بیخ و بوم می دهند تا شایعان کنند که

مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ

آنچه می خوانند از کتاب واقعی آسمانی است، در حالی که از کتاب نازل شده خداوند نیست، و ابایی شرمی می گویند: این [آیاتی که می خوانیم]

عِنْدَ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ

از سوی خداست، در حالی که از سوی خدا نیست. با آن که می دانند به خداوند

يَعْلَمُونَ ﴿٧٨﴾ مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ

دروغ می بندند (۷۸) برای هیچ انسانی شایسته نیست که خداوند به او کتاب و حکمت

وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ

و نبوت دهد سپس به مردم بگوید: به جای این که بنده خدا باشید بندگان من باشید! بلکه [مسئولیت الهی و انسانی او اقتضا می کند]

كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ ﴿٧٩﴾

که به مردم بگوید: [به دلیل این که کتاب الهی را از دیر باز فرامی گرفتید و آن را به دیگران تعلیم می دادید، الهی مسلک و کاملادر دین [باشید]، (۷۹)]

وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ

و انبیز بر او روا نیست که [به شما فرمان دهد فرشتگان و پیامبران را مالک و معبود خود انتخاب کنید، آیا چنین انسانی که دارای کتاب و حکمت و نبوت است [شما را]

بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿٨٠﴾ وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ

پس از آن که تسلیم [حق] هستید فرمان کفر ورزیدن [به حق] می دهد؟! (۸۰) [به یاد آرید] هنگامی که خداوند از پیامبران پیمان محکم گرفت که:

لَمَّا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ

آنچه از کتاب و حکمت به شما عطا کردم، [آن را تبلیغ کنید آن گاه به امت های خود بگویید که] چون در آینده پیامبری

لَمَّا مَعَكُمْ لَتَوُفَّيَنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ

برای شما آمد که حقانیت آنچه را از کتاب های آسمانی نزد شماست تصدیق کرد باید به او مؤمن شوید، و لزوماً او را یاری دهید، [آن گاه] خداوند فرمود: آیا اقرار کردید؟

عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ أَصْرِي قَالُوا أَأَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ

و پیمان محکم مرا [به شرط وفای به آن] پذیرفتید؟ گفتند: اقرار کردیم. خداوند فرمود: پس بر این پیمان گواه باشید، و من هم با شما

مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٨١﴾ فَمَنْ تَوَلَّى بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ

از گواهانم (۸۱) آن گروه [از اهل کتاب] که پس از این [پیمان محکم] گرفته شد از آن روی بر تافته [در نتیجه از ایمان به پیامبر و قرآن امتناع کردند]،

الْفَاسِقُونَ ﴿٨٢﴾ أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَئِنَّ أُسْلَمَ مَنْ فِي

منحرف و نافرمانند (۸۲) آیا [یهود و نصاری و مشرکان بعد از این همه دلایل روشن و نشانه های استوار بر حقانیت دین خدا،] غیر دین خدا را خواستارند؟ در حالی که هر کسی

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾

در آسمان ها و زمین است خواه ناخواه تسلیم خداوند است، و همه را به سوی او باز می گردانند (۸۳)

قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ

ای پیامبر! از طرف خود و پیروانت به همه بگو: ما به خدا و آنچه بر ما و آنچه بر ابراهیم

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ

و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگانشان اگر دارای مقام نبوتند نازل گشته، و آنچه به موسی

و عِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ

و عیسی و پیامبران از سوی پروردگارشان عطا شده ایمان آوردیم، و بین هیچ یک از آنان (در این که فرستاده خداوند) فرقی نمی گذاریم، و ما

مُسْلِمُونَ ﴿٨٤﴾ وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ

فقط در برابر خداوند تسلیم هستیم (۸۴) هر که جز اسلام دینی انتخاب کند هرگز از او پذیرفته نیست.

هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٨٥﴾ كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا

و او در آخرت از گروه نباه کنندگان (همه سرمایه وجودی خود) خواهد بود (۸۵) چگونه خداوند گروهی را هدایت کند

كَفَرُوا وَابْعَدُوا إِمَانَهُمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمْ

که پس از آن که مؤمن شدند و به حقانیت پیامبر (اسلام) شهادت دادند، و دلایل روشن برای آنان آمد

الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٨٦﴾ أُولَٰئِكَ جَزَاءُ

کافر شدند؟! خداوند گروه ستمکار را هدایت نمی کند (۸۶) اینان کیفرشان

أَنَّهُمْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَالْمَلَائِكَةُ وَالنَّاسُ أَجْمَعِينَ ﴿٨٧﴾ خَالِدِينَ

این است که لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر آنان باد (۸۷) در آن لعنت که در حقیقت مطرود بودنشان از رحمت الهی و عذاب خداست جاودانه اند.

فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا الَّذِينَ

نه عذاب از آنان سبک می شود، و نه (در عذاب برای اندکی استراحت) مهلتشان دهند (۸۸) مگر کسانی که

تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٨٩﴾

بعد از آن (آلودگی باطنی و اعمال زشت ظاهری) به خداوند بازگشته، و همه گذشته خود را اصلاح کردند؛ همانا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۸۹)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَابْعَدُوا إِمَانَهُمْ ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا لَنْ تُقْبَلَ

بی تردید کسانی که پس از ایمانشان کافر شدند، آن گاه بر کفرشان افزودند،

تَوْبَتُهُمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ ﴿٩٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَ

هرگز توبه آنان (پس از هدر رفتن همه فرصت ها) پذیرفته نخواهد شد؛ آنان گمراهان واقعی اند (۹۰) مسلماً کسانی که کافر شدند و در حال

هُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلَّةُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوْ

کفر از دنیا رفتند، گرچه به جای خود از عذاب به اندازه بُری زمین طلا بپردازند

اُفْتَدَىٰ بِهِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٩١﴾

هرگز از ایشان پذیرفته نخواهد شد، برای آنان عذابی دردناک است، و هیچ یابوری (برای نجاتشان) نخواهند داشت (۹۱)

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ

هرگز به نیکی واقعی نمی رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید، و آنچه از هر چیزی انفاق کنید خوب باشد، کم یا زیاد، به اخلاص یا ریا قطعاً

اللَّهُ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٩٢﴾ كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حَلَالًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا

خداوند به آن داناست (۹۲) همه خوراکی ها پیش از آن که تورات نازل شود برای بنی اسرائیل حلال بود جز آنچه

مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَةُ قُلْ فَاتُوا

اسرائیل، بر خود حرام کرد؛ بنابراین آنچه در تورات حرام شده به کیفر گناهان بنی اسرائیل است، و ربطی به آیین ابراهیم ندارد؛ بگو:

بِالتَّوْرَةِ فَاتَلَوْهَا أَنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٩٣﴾ فَمَنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ

اگر راستگو هستید او حقیقت غیر از این است که بیان شد، تورات را [که پنهان کرده اید] بیاورید و آن را بخوانید تا روشن شود که در نسبت دادن حرام های تورات به آیین ابراهیم و یعقوب دروغ

الْكُذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٩٤﴾ قُلْ صَدَقَ اللَّهُ

می بینید (۹۳) پس کسانی که بعد از این [مطالب واضح] بر خداوند دروغ بینند [و بگویند آنچه از خوراکی هادر تورات حرام شده از شریعت ابراهیم به عاریت است، و باطل است] یقیناً ستمکار

فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٩٥﴾ إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ

به معارف الهی (۹۴) ای پیامبر! به یهودیان [بگو: خداوند راست گفت] که خوراکی های مورد ادعای شما در آیین ابراهیم حرام نبوده است؛ پس [در حلال بودن آن ها] از آیین ابراهیم بگمارید

وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَيْكَةِ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ ﴿٩٦﴾ فِيهِ آيَاتٌ

پس برای کسی که آواز مشرکان نبود (۹۵) همان نخستین خاندانی که برای [نیایش و عبادت] مردم نهاده شد همان است که در مکه بر بركت قرار دارد، و وسیله هدایت برای جهانیان است (۹۶) در آن

بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ

نشانه های روشن [از ربوبیت و رحمت خدا] و [از جمله] مقام ابراهیم است و هر که وارد آن شود در امان است، خداوند را بر عهده مردم

الْبَيْتِ مَنِ اسْتِطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ

حق لازم است که [برای ادای مناسک حج] آهنگ آن خانه کنند، [البته وجوب آن برای کسانی است] که [با بر خور داری از سلامت جسمی و توان معنوی مالی] بتوانند

الْعَالَمِينَ ﴿٩٧﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ

بمسوی آن راه یابند، و هر کس منکر او [وجوب آن] شود [و از فرمان خدا در مورد این تکلیف] لازم روی بر تابد به خداوند زیان نمی رساند؛ زیرا [خداوند از جهانیان] و اعمال نیک آنان

شَهِيدٌ عَلَى مَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٨﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ

بی نیاز است (۹۷) بگو: ای اهل کتاب! چرا منکر آیات خدا هستید در صورتی که خداوند به آنچه انجام می دهید گواه است؟ (۹۸) بگو: ای اهل کتاب! چرا مؤمنان را از راه خدا

عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبِعُوا عَوْجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ

باز می دارید در حالی که [با وسوسه اندازی، خواهان کج نشان دادن آن هستید؟] ضمن این که شما [مستقیم بودن و حقانیت آن را] می دانید، خداوند

عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٩٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَطِيعُوا فَرِيقًا

از آنچه انجام می دهید بی خبر نیست (۹۹) ای مؤمنان! اگر از گروهی از اهل کتاب، [که یهودیان معاند و نصرانی های کج اندیش اند]

مِنَ الَّذِينَ آوَتْوَا إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ يُرِيدُكُمْ وَيُغَوِّدُكُمُ الْإِيمَانُ كَمَا فَرَّقَ

از ایمان شما را پس از ایمانتان، به کفر باز می گردانند (۱۰۰)

وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ

چگونه کفر می‌ورزید درحالی که آیات [کتاب] خداوند بر شما خوانده می‌شود و پیامبر او در بین شماست؟

رَسُولُهُ وَمَنْ يُعْصِمِ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٠١﴾ يَا أَيُّهَا

هر کس به خدا پناه جوید قطعاً به راه مستقیم هدایت شده است (۱۰۱) ای مؤمنان

الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٠٢﴾

ای خداوند به گونه‌ای که شایسته اوست [اطاعت کرده، و از محرماتش بپرهیزید، و نمیرید مگر درحالی که تسلیم] (۱۰۲)

وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

وهمگی به رسمان خدا [قرآن و اهل بیت] جنگ زنید، و برانگنده او گروه گروه نشوید، و نعمت خدا را بر خود یاد کرده [قلباً مورد توجه قرار دهید]

إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ

آن گاه که [ایش از] بعثت پیامبر [با یکدیگر دشمن بودید، پس میان دل‌های شما پیوند برقرار کرد، در نتیجه به سبب رحمت او با هم برادر شدید]

كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ

و بر لب گودالی از آتش بودید ولی شما را از آن نجات داد، خداوند این گونه،

آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٠٣﴾ وَلِتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ

نشانه‌های [لطف و رحمت] خود را برای شما توضیح می‌دهد تا هدایت شوید (۱۰۳) باید از شما گروهی باشند که همه مردم را

وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ

به خیر [یعنی عقاید پاک، اندیشه‌های درست، اعمال شایسته، اخلاق حسنه] دعوت کنند، و از همه زشتی‌ها و منکرات بازدارند، این گروه

الْمُقِلُّونَ ﴿١٠٤﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا

بر همه موافق و اسعادت [پیروزند] (۱۰۴) [شمالی مؤمنان] مانند کسانی نباشید که پس از آن که دلایل روشن برای آنان آمد [و حجت خدا بر آنان تمام شد] پراکنده او

جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٠٥﴾ يَوْمَ نَبِضُ وُجُوهَ

گروه گروه [شدند، و در امر دین و احکام حق] اختلاف پیدا کردند، برای آنان [به سبب تفرقه و اختلاف] عذابی بزرگ است (۱۰۵) [به یاد آرید] روزی [را] که چهره‌هایی

وَتَسْوَدُ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكَفَرْتُمْ بَعْدَ

سپید، و چهره‌هایی سیاه شود، اما به کسانی که دچار روسیاهی اند [گویند:] آیا پس از

إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿١٠٦﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ

ایمانتان کافر شدید؟! پس به کیفر آن که همواره [حقایق الهی را] منکر می‌شدید [این] عذاب را بچشید (۱۰۶) اما کسانی که

أَبْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٠٧﴾ تِلْكَ آيَاتُ

[راسته به] [رو سپید] ای هستند در رحمت خداوند و در آن جاودانه اند (۱۰۷) این‌ها [که سرگشت اهل کتاب، مزدها، بیم‌ها، و امور مربوط به مؤمنان و مسائل آخرت است] آیات

اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ ﴿١٠٨﴾

خداست که آن را به راستی بر تومی خوانیم، خداوند آهنگ هیچ ستمی را بر جهانیان ندارد [ازیرا قانون پاداش و کیفر حق عادلانه است] (۱۰۸)

وَاللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿١٠٩﴾

آنچه در آسمان ها و زمین است فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، و همه امور به سوی او بازگردانده می شود (۱۰۹)

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ

بهترین امتی که به سود همه جوامع انسانی و در جهت همه گونه خدمتی به آنان پدیدار شده شما هستید از برای دیگران را به کارهای پسندیده و می دارید،

عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ

و از همه کارهای ناپسند بازمی دارید، و از روی تحقیق و باتکیه بر معرفت و اخلاص به خداوند ایمان دارید، اگر اهل کتاب [به اسلام] مؤمن می شدند

خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿١١٠﴾

قطعاً برای آنان بهتر بود، [تنها] اندکی از آنان مؤمن [به اسلام] و بیشترشان منحرف و نافرمانند (۱۱۰)

لَنْ يَضُرَّوكُمُ إِلَّا أَذًى وَإِنْ يُقَاتِلُوكُمْ يُؤْلَوْكُمْ الْأَذْدَارُ ثُمَّ

اتبه کاران از اهل کتاب هرگز به شما جز آزاری اندک نمی رسانند، و اگر با شما بجنگند [با شکستی مفتضحانه] به شما پشت کرده [فرار می کنند]، و پس از آن [شکست، از طرف دیگران]

لَا يُبْصِرُونَ ﴿١١١﴾ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ أَهِنَ مَا نَقَفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ

باری نمی شوند (۱۱۱) هر زمان و هر کجا یافت شوند خواری و ذلت [فراگیری] بر آنان قرار داده شده، مگر آن که به پیوند

مِنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِنَ النَّاسِ وَبَاءُ وَبَغَضٍ مِنَ اللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ

با خداوند و پیوند با مردم [مؤمن تمسک جویند]، و به خشم خداوند [که مستحق آن بودند] دچار شدند،

الْمُسْكَنَةُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ

و مسکنت [فراگیری] بر آنان مقرر شد، این [خواری و خشم خدا و مسکنت] بدان علت بود که آنان همواره منکر آیات خدا می شدند،

الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿١١٢﴾

و ظالمانه پیامبران را می کشتند، سبب [این جنایاتشان] این بود که [از دستورهای من] سرپیچی داشتند، و پیوسته [از حدود حق] تجاوز می کردند (۱۱۲)

لَبُسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ

[همه] اهل کتاب در حالات باطنی و اعمال و اخلاق [یکسان] نیستند، گروهی از آنان [که به اسلام] گرویده اند [قیام] به طاعت و عبادت حق [دارند]، آیات خدا را

أَنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ ﴿١١٣﴾ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ

در ساعتی از شب [با دقت در محتوای آن] و به قصد عمل می خوانند، و [فروتنانه در پیشگاه خداوند] سجد می کنند (۱۱۳) [باتکیه به قرآن و نبوت] پیامبر [به خداوند] و روز قیامت

الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ

مؤمن هستند، و [مردم را] به کارهای شایسته دعوت می کنند و از اعمال زشت باز می دارند و به کارهای

فِي الْخَبَرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١١٤﴾ وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ

خیر می شنابند، اینان از شایستگان هستند (۱۱۴) هر کار خیری

خَيْرٌ فَلَنْ يُكْفَرُوا بِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُنْكَرِينَ ﴿١١٥﴾

انجام دهند هرگز [در باره آن] مورد ناسپاسی قرار نخواهند گرفت، خداوند به آنان که [اطاعت کرده و از محرمات] پرهیز داشتند داناست (۱۱۵)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ

بی تردید هرگز اموال و فرزندان کافران چیزی را از عذاب خدا را از آنان برطرف نخواهد کرد.

شَيْئًا وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١١٦﴾ مَثَلُ مَا

آنان اهل آتشند و در آن جاودانه اند (۱۱۶) داستان آنچه [کافران]

يُفْقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ

در این زندگی دنیا ابر باده هوا و هوس و اهداف شیطانی خود انفاق می کنند، مانند بادی امیخته با سرمای سخت است

حَرَّتَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَأَمْلَكَتْهُ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ

که به گشتزار قومی که به خود ستم کرده اند برسد و آن را از بیخوبی نابود کند، خداوند به آنان ستم نکرده ولی

أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١١٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً

آنان همواره به خود ستم می ورزند (۱۱۷) ای مؤمنان! از غیر خودتان که حقیقتاً شیطان مجسم هستند

مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ

برای خود محرم راز انتخاب نکنید، [ایگانان] از هیچ توطئه و فتنه ای درباره شما کوتاهی نمی کنند، گرفتاری و زیان شما را دوست دارند.

الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ فَدُبَّتْ أَلْكُمْ

بغض دشمنی با اسلام و مؤمنان از لایه های سخنانشان پیداست، آنچه در درونشان از کینه و نفرت پنهان می دارند بزرگتر است، مانشانه های دشمنی و آلودگی ظاهر و باطنشان را

الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تُعْقِلُونَ ﴿١١٨﴾ هَا أَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ

اگر اندیشه کنید برای شمارو شن ساختیم (۱۱۸) آگاه باشید این شما هستید که ابر علی چون همسایگی، خویشاوندی و هموطن بودن آنان را دوست دارید، و آنان یقیناً شمارا دوست ندارند

وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا الْقَوْمُ قَالَُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَصَوْا

شما به همه کتاب های آسمانی مؤمن هستید، ولی آنان منکر قرآن می باشند، چون با شما دیدار کنند ابر قصد فریب شما می گویند: به اسلام ایمان آوردیم. و هنگامی که

عَلَيْكُمْ إِلَّا نَامِلًا مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مَوْتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ

دروپنهان بایکدیگر ابر خلوت نشینند از شدت خشمی که ابر شما دارند سر انگشتان خود را بر ضد شما می گزند، بگو: به خشمستان بمیرید یقیناً خداوند به اسرار و نیت

الصُّدُورِ ﴿١١٩﴾ إِنْ تَسْأَلُهُمْ خَيْرٌ سَأَلُوا خَيْرًا وَخَيْرٌ لَهُمْ وَأَنْ تَسْأَلَهُمْ سَأَلُوا شَرًّا

باطن ها آگاه است (۱۱۹) اگر به شما خیری اچون پیروزی و غنیمت ارسد آنان را بد حال و افسرده می کند، و اگر سزی اچون حادثه ای ناگوار، زیان و ضرر مالی ابرای شما پیش

يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَاتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ

اید به سبب آن خوش حال می شوند، اگر شکیبایی ورزید و از خداوند اطاعت کرده، از محرماتش بپرهیزید نیرنگشان هیچ زیانی

شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١٢٠﴾ وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ

به شما نمی رساند، بی تردید خداوند به آنچه انجام می دهند احاطه دارد (۱۲۰) ابر یاد ارا زمانی که صبحگاهان

تَبَوَّءُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٢١﴾

برای آن که مؤمنان را در جهت جنگیدن در سنگرهای نظامی جای دهد، از بین خانواده ات بیرون رفتی، خداوند شنوای گفته ها و دانای به نیت ها است (۱۲۱)

إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيُّمَا وَعَلَى اللَّهِ

ایه بارید هنگامی که دو گروه از شما تصمیم گرفتند سستی کنند و از رفتن به میدان جنگ باز ایستند، خداوند یاورشان بود [که از این قصد شیطان بازشان داشت].

فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٢٢﴾ وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ

مؤمنان باید در همه امور بر خدا توکل کنند (۱۲۲) مسلماً خداوند در جنگ بدر شما را یاری داد در حالی که [در برابر دشمن به سبب نفرت اندک و ساز و برگ نظامی مختصر] ناتوان بودید،

فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُشْكُرُونَ ﴿١٢٣﴾ إِذْ نَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ

پس برای این که [انعمت پیروزی را] سپاس گزاری کنید از خداوند اطاعت کرده، از محرماتش بپرهیزید (۱۲۳) در آن زمان به مؤمنان می گفتی:

أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزَلِينَ ﴿١٢٤﴾ بَلَىٰ

ایا برای شما کافی نیست که پروردگارتان با سه هزار فرشته نازل شده شما را یاری دهد؟ پس ترس و دلهره از دشمن چرا؟ (۱۲۴)

إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ

آری، اگر [امروز هم] صبر و استقامت کنید و از خداوند اطاعت کرده، از مخالفت با او بپرهیزید، چنانچه دشمنان سریع با جوش و خروش بر شما تاختند پروردگارتان

الآلَافِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ ﴿١٢٥﴾ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ

با پنج هزار فرشته نشاندار شما را یاری خواهد داد (۱۲۵) خداوند، این اوعده یاری را جز

لَكُمْ وَلِنُظْمَئِنَّ قُلُوبَكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ

مژده ای برای [تقویت روحیه] شما و به خاطر این که دل هایتان به آن [از دغدغه و اضطراب] آرامش بگیرد قرار نداد، و یاری دادن جز از جانب خداوند توانای شکست ناپذیر

الْحَكِيمِ ﴿١٢٦﴾ لَيَقْطَعَنَّ طَرَفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتُنَّهُمْ فَيَنْقَلِبُوا

و حکیم نیست (۱۲۶) [یاری خداوند برای این بود] تا برخی از کافران را نابود کند یا خوارشان سازد، و نا امید [از عرصه جنگ]

خَائِبِينَ ﴿١٢٧﴾ لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ

بازگردند (۱۲۷) [زمان چیزی از امور] مشرکان و مسلمانان فراری از جنگ [در اختیار تو نیست، یا] خداوند [توبه آنان را] به شرط آن که توبه واقعی کنند [می پذیرد، یا در صورت عدم

فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ ﴿١٢٨﴾ وَاللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ بِغَفْرِ

توبه [عذابشان می کند] زیرا آنان [با این بازیگری] هایی که با اسلام و اهل ایمان دارند [استمکارند] (۱۲۸) آنچه در آسمان ها و زمین است فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست،

لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٢٩﴾ يَا أَيُّهَا

فقط اوست که هر که را بخواهد می آزرزد، و هر که را بخواهد عذاب می کند، خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است، [پس] شخص توبه کننده، لایق آمرزش اوست (۱۲۹) ای مؤمنان!

الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ

ربا را به چندین برابر سود روی سود نخورید، [و با این کار زشت خانواده ها را از هستی ساقط نکنید] خدا را [اطاعت کنید و از محرماتش

لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٣٠﴾ وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ

بدویزه سود نامشروع [با] بپرهیزید تا [بر موانع راه سعادت] پیروز شوید (۱۳۰) و از آتشی که برای منکران [خدا و احکامش] آماده شده خود را

لِلْكَافِرِينَ ﴿١٣١﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٣٢﴾

حفظ کنید! (۱۳۱) و از خداوند و پیامبر اطاعت کنید تا مورد رحمت قرار گیرید (۱۳۲)

وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا

و به سوی آمرزشی ویژه از سوی پروردگارتان و بهشتی که بهنایش، ابهتای

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٣﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي

آسمان ها و زمین است بشنابید: بهشتی که برای اطاعت کنندگان از خدا و پرهیز کنندگان از محرماتش آماده شده است (۱۳۳) هم آنان که

السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ

در رفاه و تنگدستی اتفاق می کنند، و خشم خود را فرو برده، آتش هیجانش را با یاد خدا خاموش می سازند، و از اخطای

النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣٤﴾ وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا

مردم می گذرند، خداوند نیکوکاران را دوست دارد (۱۳۴) هم آنان که چون کار

فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَ

رشتی مرتکب شوند یا بر خود به سبب غفلت از بارهای از امور دینی و اخلاقی استمورزند، و پیش از فرصت سوزی اخطار اید کرده اقلباً مورد توجه قرار می دهند، در نتیجه برای گناهانشان

مَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ

درخواست آمرزش می کنند؛ به راستی چه کسی جز خداوند گناهان را می آمرزد؟! و آگاهانه بر گناهی که مرتکب شده اند

يَعْلَمُونَ ﴿١٣٥﴾ أُولَٰئِكَ جَزَاءُ وَهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّاتُ

بافشاری نمی کنند (۱۳۵) پاداششان آمرزشی است ویژه از سوی پروردگارشان، و بهشت هایی که

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿١٣٦﴾

از زیر درختان آن نهر ها جاری است، در آن جاودانه اند، پاداش عمل کنندگان [به مسائل الهی، که آمرزش و بهشت جاوید است] لیکوست (۱۳۶)

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ

همایش از شمارش هایی چون فرمان های عذاب بر ضد ستمکاران، به وقوع پیوسته است، که هیچ جامعه ستمکاری از آن ها مستثنای نیست، پس در زمین بگردید و با تأمل بنگرید که

كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ﴿١٣٧﴾ هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَنُورٌ

باین زندگی منکران [حقایق الهی] چگونه بود؟ (۱۳۷) این [قرآن] روشنگر [حوادث و وضع و حال] جوامع برای همه مردم است، و [همه آيات] هدایت و انشروزی است برای اطاعت کنندگان از خدا، و

لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٨﴾ وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ

پرهیز کنندگان از محرمات او (۱۳۸) [در انجام فرمان های خدا و پیامبر و در عرصه نبرد با دشمنان] استی نکنید، و از پیش آمده های ناگوار و سختی ها اندوهگین نشوید، که شما اگر از روی راستی

مُؤْمِنِينَ ﴿١٣٩﴾ إِنْ يَمَسُّكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ

و درستی مؤمن باشد از همه برترید (۱۳۹) اگر [در جنگ] به شما آسیب و جراحتی رسیده به گروه دشمن نیز [در جنگ] بدر السبب و جراحتی مانند آن رسیده، مابین روز های پیروزی و شکست را

مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَّٰوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ

[به عنوان امتحان و مایه بیداری] در میان مردم می گردانیم [تا عبرت گیرند]، و خداوند کسانی را که از روی حقیقت و اخلاص ایمان آورده اند مشخص کند، و از میان شما گواهانی [در مورد پیروزی ها

آمَنُوا وَبَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٠﴾

که نتیجه طاعت و تقواست، و شکست ها که محصول نافرمانی و بی تقوایی است انتخاب کند، خداوند ستمکاران را [که با نافرمانی از خدا و پیامبر، بر خود و دیگران ستم می کنند] دوست ندارد (۱۴۰)

وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ ﴿١٤١﴾ أَمْ حَسِبْتُمْ

این پیروزی ها و شکست ها برای این است که خداوند مؤمنان را آباد کند؟ در غل پیروزی و شکست می کنند، از عیوب و کمبودهای معنوی و نقاط ضعف ارباب و خالص گردانند،

أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ

و کافران را نابود کند (۱۴۱) آیا پنداشته اید وارد بهشت می شوید؟ در حالی که هنوز خداوند جهاد کنندگان از شما و شکنجایان را مشخص نکرده است (۱۴۱)

الصَّابِرِينَ ﴿١٤٢﴾ وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ

همانا شما ایس از جنگ بدر و آگاهی از ارزش شهیدان، امرگ [در لباس شهادت] را پیش از آن که با آن روبه رو شوید به شدت آرزو می کردید، چون از مینا

فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿١٤٣﴾ وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ

آن را [در عرصه نبرد] دیدید [در حالی که به هراس افتاده بودید فقط] به تماشای [مقدمات] آن مشغول شدید، [و مشخص کردید که صادقانه در آرزوی

مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْ

شهادت نیستید] (۱۴۳) محمد [صلی الله علیه و آله] جز فرستاده ای از سوی خدا نیست که پیش از او هم فرستادگانی آمدند [و درگذشتند، آیا اگر او بمیرد یا

يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ

کشته شود [اسلام را رها کرده]، به [فرهنگ منحط جاهلی] نیاکان خود برمی گردید؟! هر کس به [فرهنگ جاهلی] گذشتگان خود برگردد هیچ زیانی

الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٤﴾ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ

به خدا نمی زند، مسلماً خدا سپاس گزاران را [که تحت هر شرایطی به اسلام وفادارند] پاداش می دهد (۱۴۴) هیچ کس جز به خواست خدا نمی میرد،

كِتَابًا مُوَجَّلًا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ

مردن سرنوشتی است معین شده، هر که پاداش دنیا را بخواهد اندکی به او می دهیم، و هر که خواستار پاداش

الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٥﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيِّ

آخرت باشد از آن پاداش به او عطا می کنیم، یقیناً سپاس گزاران را پاداش خواهیم داد (۱۴۵) چه بسا پیامبرانی

قَاتَلَ مَعَهُ رَبُّهُنَّ كَثِيرٌ فَمَاتُوا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا

که انبوهی از الهی مسلکان به همراه آنان با دشمنان جنگیدند، و در برابر آسیب هایی که در راه خدا به آنان رسید

صَعَفُوا وَمَا سُدَّكَ أَنْوَا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ ﴿١٤٦﴾ وَمَا كَانَ

سستی نکردند و ناتوان نشدند، و [در برابر دشمن] سر تسلیم فرود نیاوردند، خداوند صابران را دوست دارد (۱۴۶) و سخن آنان

قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبَّتْ

[در عرصه جنگ و سختی آن] جز این نبود که گفتند: پروردگارا! گناهان ما و زیاده روی در کارهایمان را بر ما ببخش! و قدم هایمان را

أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿١٤٧﴾ فَأَنشَأَهُمُ اللَّهُ

[در راه ایمان و عمل استوار ساز] و ما را بر کافران پیروز کن (۱۴۷) خداوند هم

ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٤٨﴾

پاداش این دنیا و نیک آخرت را به آنان عطا کرد؛ خداوند نیکوکاران را دوست دارد (۱۴۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا

بِرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ ﴿١٢٩﴾ بَلِ اللَّهُ

مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ ﴿١٣٠﴾ سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ

الَّذِينَ كَفَرُوا وَالرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ

سُلْطَانًا وَمَا لَهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ ﴿١٣١﴾

وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِأِذْنِهِ

حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ

بَعْدِ مَا آرَبَكُمْ مَا تَحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَ

مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ حَرَفَكُمْ عَنْهُمْ

لِيَبْلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَىٰ

الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٣٢﴾ إِذْ تَصْعَدُونَ وَلَا تَلُولُونَ عَلَىٰ

أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أَخْرَابِكُمْ فَأَتَابَكُمْ

غَمًّا يَغْمِرُ لِكَيْ لَا تَحْزَنُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَ

لَا مَا آصَابَكُمْ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٣٣﴾

وَبِهِ هِيَ كَسْ تَوْجِدُهَا شَتَّىٰ دَرِجَاتٍ فِي الْأَشْجَارِ وَأَعْلَىٰ السَّجَادِ

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَى طَآئِفَةً مِنْكُمْ

سپس بعد از آن اندوه ای در پی، خواب آرام بخشی بر شما فرود آورد که گروهی از شما را که با پشیمانی از فرار به سوی پیامبر امیدوار گرفت،

وَطَآئِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ

و گروهی و سوسه حفظ جان شان پریشان خاطر شان کرده بود [ناجایی که خوابشان نمی بود]، آنان در باره خداوند بر اساس [فرهنگ] مان [جاهلیت

الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ

برمان زان دست داشتند، [مانند این گمان که: چون پیرو حق هستیم باید خداوند بدون قید و شرط پیروزی را نصیب ما می کرد] اما با آن شکست، در حقانیت اسلام و وعده خدا به پیروزی، دچار تردید شده و

لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ

گفتند: [با این وضع اشفته ای که پیش آمده] آیا از پیروزی نصیبی به ما خواهد رسید؟! بگو: [سر رشته] همه امور به دست خداست، اولی این گونه نیست که چون خدا وعده پیروزی داده آن را بدون قید و شرط

الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُنِينَا هَهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ

به دست آورید، پیروزی میوه شیرین استقامت و اطاعت از پیامبر و داشتن تقواست، و شکست معلول سستی و مخالفت با اوامر حق و پیامبر است. آنان در دل هایشان چیزی را پنهان می کنند که برای تو آشکار

عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَ

نمی سازند، [در دل می گویند: اگر این سبب مسلمان بودنمان نصیبی از پیروزی داشتیم در این جا کشته نمی شدیم، بگو: اگر شمارد خانه های خود هم بودند کسانی که کشته شدن بر آنان مقرر شده بود مسلماً

لِيَمِخَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١٥٤﴾

بسیاری از امگانه های خود بیرون می آمدند، [این حوادث سخت] برای این بود که خداوند آنچه را از نیت درست و نادرست در سینه های شماست [در میدان عمل] بیازماید، و آنچه در دل هایتان از عیوب و

الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ النُّقْيِ الْجَعُانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ

ناخالصی ها است پاک سازد؛ و خداوند به اسرار و نیت باطن ها آگاه است (۱۵۴) همانا روزی که [در میدان] اخذ [دو گروه] مؤمن و مشرک [با هم] رو به رو شدند کسانی از شافق را از این قرار اختیار کردند، جز این نیست

يَبْعُضُ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ

که شیطان آنان را به سبب برخی از گناهانی که مرتکب شده بودند لغزانی، یقیناً خداوند از آنان درگذشت؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده

حَلِيمٌ ﴿١٥٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا

و بردبار است (۱۵۵) ای مؤمنان! مانند کفر پیشگان نباشید که درباره

لَا خُورَانِهِمْ إِذَا ضَرْبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا

برادران [ایمانی و نسبی] خود وقتی به سفری [برای امور دین] رفتند [و در سفر مُردند]، یا به جنگ رفته [و کشته شدند] برای متزلزل کردن افراد

مَامَاتُوا وَ مَا قَتَلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُحْيِي

گفتند: اگر نزد ما [مانده] بودند نمی کشته نمی شدند، [شما به گفتار واهی و باطل آنان اعتنا نکنید] [نا خداوند این گفتار را حسرتی در دل هایشان قرار دهد، [در آن زمان که برای

و يُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١٥٦﴾ وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

آنان ثابت شود سفر و جهاد، علت و عامل مرگ و کشته شدن نیست، بلکه [خداوند است که به] [از ده اش] زنده می کند و می میراند، و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست (۱۵۶)

أَوْ مِتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ ﴿١٥٧﴾

اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید یقیناً آمرزش و رحمتی که از سوی خداوند نصیب شماست از آنچه آنان [در همه عمر شان از مال و متاع دنیا] جمع می کنند بهتر است (۱۵۷)

وَلَيْنَ مُتَمَّمٌ أَوْ قِتْلَةٌ لِّأَلِي اللَّهِ تَحْشَرُونَ ﴿١٥٨﴾ فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ

و اگر بمیرد یا کشته شود به سوی خداوند محشورتان می‌کنند (۱۵۸) ای پیامبر! فقط به سبب رحمتی از سوی خداوند

لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَا تَقْضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ

به آنان امپریان و نرم خوی شدی، اگر درشت خوی و سنگدل بودی از پیرامونت پراکنده می‌شدند، پس از اخطا کاران آنان درگذر

وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ

و برای آنان آمرزش بخواه، و درکارها با آنان مشورت کن! و چون تصمیم ابر انجام کاری گرفتی بر خداوند توکل کن؛ زیرا

اللَّهُ يَحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٥٩﴾ إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ

خداوند توکل کنندگان را دوست دارد (۱۵۹) اگر خداوند شما را یاری کند هیچ کس بر شما چیره نخواهد شد، و اگر

يَخْذُ لَكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُم مِّنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ

شما را و گذارد چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد داد؛ مؤمنان باید فقط بر خدا

الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٦٠﴾ وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ

اعتماد کنند (۱۶۰) برای هیچ پیامبری [شایسته] نیست که [در اموال و غنایم و امور امت خود] خیانت کند، هر که به خیانت آلوده شود

بَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦١﴾

روز قیامت آنچه را در آن خیانت کرده یاورد، سپس به هر کس [عین همان] عمل [خائنانه] او را به طور کامل [به صورت عذاب دوزخ] می‌دهند، و در این زمینه [مورد دستم قرار نمی‌گیرند] (۱۶۱)

أَفَمِنْ أَتَّبَعَ رِضْوَانُ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخِطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَا وَدَّ جَهَنَّمُ وَ

ای کسی که [با ایمان و عمل صالح] به دنبال خشنودی خداست مانند کسی است که به خشم خدا [که مستحق آن بوده] دچار شده، و جایگاهش دوزخ است؟

يُسَّ الْمَصِيرُ ﴿١٦٢﴾ هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بِصِيرٍ بِمَا

و [دوزخ] عاقبت بدی است (۱۶۲) برای آنان، [چه خواهندگان خشنودی حق، چه دچار شدگان به خشم خداوند، بر حسب اعمالشان] نزد خدا درجات [متفاوتی] است،

يَعْمَلُونَ ﴿١٦٣﴾ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا

خداوند به آنچه انجام می‌دهند بیناست (۱۶۳) یقیناً خداوند به مؤمنان نعمتی عظیم و ارزشمند عطا فرمود آن گاه که در بین آنان پیامبری

مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ

از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان می‌خواند، و از هر نوع آلودگی پاکشان می‌کند، و کتاب

الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿١٦٤﴾

و معارف استوار و سودمند به آنان می‌آموزد، درحالی که مسلماً آنان پیش از بعثت پیامبر در گمراهی آشکاری بودند (۱۶۴)

أَوَلَمَّْا أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلِهَا قُلْتُمْ أَنِ هَذَا أَقْلُ

ایان زمان که [در جنگ] آید! سببی به شمار سید که یقیناً دوبرابرش را [در جنگ] بدر به دشمنان رسانید، [از روی بی‌صبری و بی‌توجهی به وضع خودتان]

هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٦٥﴾

می‌گویید: این [سبب] از کجاست؟ بگو: از ناحیه خود شماست [که به دنبال مخالفت با پیامبر و نزاع با یکدیگر به شمار سید، یقیناً خداوند بر هر کاری تواناست] (۱۶۵)

وَمَا آصَابَكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ فَيَا ذُنَّ **اللَّهُ** وَلْيَعْلَمْ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٦٦﴾

لجند در جنگ آمد، از روزی که دو گروه مؤمن و مشرک با هم روبرو شدند به شمار سید به خواست خدا بود تا مؤمنان را که در قطع حوادث و سختی هالاکت قندند مشخص نماید (۱۶۶)

وَلْيَعْلَمْ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ نَعَالُوا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ **اللَّهُ** أَوْ اذْفَعُوا

و نیز برای این بود که منافقان را در این عرصه مشخص کند، ایمان هابی که چون به آنان گفته شد نباید در راه خدا بجنگید، یا لا اقل برای حفظ خود و نوامیس خویش به دفاع برخیزید

قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَا تَتَّبِعُنَا كُمْ هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ

گفتند: اگر یقین داشتیم جنگی اتفاق می افتد مسلمانان شما می آمدیم چون یقین نداشتیم سرگرم امور دیگر شدیم و از جنگ باز ماندیم آنان در آن روز به کفر نزدیک تر بودند

مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ**اللَّهُ** أَعْلَمُ

تا به ایمان، به زبان شان چیزی می گویند که در دل هایشان نیست، خدا به آنچه پنهان می کنند

بِمَا يَكْتُمُونَ ﴿١٦٧﴾ الَّذِينَ قَالُوا لِلْإِخْوَانِ نَحْنُ وَفَعَدُوا وَالْوَاطِئَاتُ قَاتِلُوا

داناتر است (۱۶۷) هم آنان که از جنگ در راه خدا امتناع کردند و در خانه هایشان نشستند، و درباره برادران [ایمانی و نسبی] خود گفتند: اگر در نرفتیم به جنگ

قُلْ فَادْرَأُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٦٨﴾

از ما اطاعت می کردند کشته نمی شدند، بگو: اگر راست می گویند [که اختیار مرگ در دست شماست] پس آن را از خود دفع کنید (۱۶۸)

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ **اللَّهُ** أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ

هرگز آنان را که در راه خدا کشته شدند مرده مینداز؛ بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان

يُرْزَقُونَ ﴿١٦٩﴾ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ **اللَّهُ** مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ

متنعم به روزی ویژه ای هستند (۱۶۹) درحالی که به آنچه خداوند از فزون بخشی و احسان خود به آنان عطا کرده شادمانند،

بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

و برآی کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته اند [به سبب مقاماتی که در برزخ و قیامت برای آنان است] خوش حالتند، چون نه ییمی بر آنان است،

يَحْزَنُونَ ﴿١٧٠﴾ يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ **اللَّهُ** وَفَضْلٍ وَأَنَّ **اللَّهُ** لَا

و نه اندوهگین می شوند (۱۷۰) [کشتگان راه حق] به نعمت و فزون بخشی خاصی که از سوی خدا نصیب آنان است، و این که خداوند

بُضِيعُ أَجْرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٧١﴾ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا **لِلَّهِ** وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ

پادش مؤمنان را تباه نمی کند [شادمانند] (۱۷۱) برای نیکوکاران و تقوایبشگانی که دعوت خدا و رسول را

مَا آصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٢﴾

پس از آن که در جنگ آسیب و زخم به آنان رسیده بود، [برای جنگی دیگر بعد از جنگ آمد] اجابت کردند پاداشی بزرگ است (۱۷۲)

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ

هم آنان که مردم [منافق و عوامل نفوذی دشمن] به آنان گفتند: مردم [مکه] برای [حمله به] شما [لشگری انبوه] جمع کرده اند؛ بنابراین از آنان بترسید

فَزَادَهُمْ إِيْمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا **اللَّهُ** وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ﴿١٧٣﴾

او دوباره در جنگ شرکت نکنید! این سخن [بر ایمانشان افزود و گفتند: خداوند برای ما بس است، و او نیکو کارسازی است] (۱۷۳)

فَاتَّقِلُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلِ لِّمَسَسُهُمْ سُوءٌ وَاتَّبِعُوا رِضْوَانَهُ

این دعوی بود که بعضی منافقان و عوامل نفوذی در جنگ دوم در آنجا شرکت کردند پس باعث و احسانی بزرگ از سوی خدا از جبهه جنگ ابرار گشتند در حالی که هیچ آسیبی به ابرار

اللَّهُ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ﴿١٧٤﴾ إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ

فرستاده بود ابرار خالصه و صالحان و خداوندی خداوند ابرار احسانی بزرگ است (۱۷۴) لفظ این شیطان است که دوستانش را ابا کفار و حشمت و اشیاء و انسی از رفتن به جنگ و راه خود

أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٧٥﴾ وَلَا يَحْزُنكَ

می ترسند پس اگر مؤمن هستید از آنان ترسید از من بترسید که مبادا مورد عقوبت قرار گیرید (۱۷۵) کسانی که

الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَنُيْضِرُّوا اللَّهُ شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ

شما را خود را در دامن کفر می اندازند تو را غمگین نکنند آنان ابد هیچ زیانی به خدا نمی رسانند خداوند

يَجْعَلْ لَهُمْ حَظًّا فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ

اراده دارد به سزای کفرشان هیچ بهره ای در آخرت برایشان قرار ندهد و برای آنان عذابی دردناک است (۱۷۶) مسلماً کسانی که

اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَنُيْضِرُّوا اللَّهُ شَيْئًا وَلَهُمْ عَذَابٌ

کفر را به ایمانی از دست دادن ایمان خریدند هرگز به خداوند هیچ زیانی نمی رسانند و برای آنان عذابی

الِيمٌ ﴿١٧٧﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّ لَهُمْ خَبَرٌ لَا نَفْسَ لَهُمْ

دردناک است (۱۷۷) و کسانی که کافر شدند گمان نکنند مهلتی که به آنان می دهیم به سودشان خواهد بود

إِنَّمَا نُمَلِّ لَهُمْ لِيْزِدَ آثِمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿١٧٨﴾ مَا كَانَ اللَّهُ

جز این نیست که مهلتشان می دهیم تا بر گناه (خود) بیفزایند برای آنان عذابی خوارکننده است (۱۷۸) خداوند بر آن نیست

لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ

که مؤمنان را با مشرکان بر این افکند که هستید مخلوط و ناشناخته را هانند بلکه بر آن است تا به سبب آزمایش هایی در استای مسئولیت و تکلیف ابلیدر از پاک جدا سازد

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِيٰ مِنْ رُّسُلِهِ مَنْ

و خداوند بر آن نیست که شما را بر غیب آگاه سازد ولی خدا از میان فرستادگانش هر کس را بخواهد برای دریافت علم غیب انتخاب می کند

يَشَاءُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ

پس به خداوند و فرستادگانش که عالم به غیبند ایمان بیاورید اگر ایمان بیاورید و از خداوند اطاعت کرده از محرماتش بپرهیزید پاداش

عَظِيمٌ ﴿١٧٩﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ

بزرگی برای شما خواهد بود (۱۷۹) کسانی که به آنچه خداوند از احسانش به آنان عطا کرده بخل می ورزند گمان نکنند

خَبْرًا لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرُّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ

که این بخل ورزی به سود آنان است بلکه این به زیانشان خواهد بود به زودی آنچه را به آن بخل داشتند در قیامت گردن بند گردنشان می شود

لِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١٨٠﴾

میراث آسمان ها و زمین فقط در سیطره مالکیت خداست و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است (۱۸۰)

لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ

بی تردید خداوند سخن کسانی را که گفتند: «خداوند نیازمند است و ما بی نیازیم» شنید،

سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا

مسلمانان چه را گفتند و نیز آن گناه بسیار بزرگشان را که پیامبران را ظالمانه کُشتند، در پرونده اعمالشان می نویسیم، و امروز قیامت می گوئیم:

عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿١٨١﴾ ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ

عذاب سوزان را بچشید! (۱۸۱) این عذاب سوزان نتیجه کارهایی است که با دست خود پیش فرستادید، و [گرنه] خداوند

لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿١٨٢﴾ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَمِدٌ إِلَيْنَا

ستمگار به بندگان نیست (۱۸۲) کسانی را که گفتند: خداوند به ما سفارش کرده

أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ

که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا برای ما آیه نشانه صدق پیامبری اش یک قربانی بیاورد که آن را آتش غیبی بسوزاند،

قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالذِّی قُلْتُمْ فَلِمَ

آیه آنان! بگو: پیش از من پیامبرانی دلایل روشن و آنچه گفتید [برای صدق پیامبری شان] آوردند، اگر [در ادعای خود]

قَتَلْتُمُوهُمْ إِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٨٣﴾ فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَ

راستگو هستید پس چرا آنان را کشتید؟ (۱۸۳) اگر [یهودیان بهانه جو] تو را تکذیب کردند [غمگین مباش!] مسلمانا

رُسُلٌ مِّنْ قَبْلِكَ جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ﴿١٨٤﴾

رسولانی هم که پیش از تو دلایل واضح و نوشته‌های مشتمل بر پند و موعظه و کتاب روشنگر آورده بودند تکذیب شدند (۱۸۴)

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ

هرکسی مرگ را می‌چشد، و یقیناً روز قیامت پاداش هایتان را به‌طور کامل

الْقِيَامَةِ فَمَن زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا

می‌دهند، پس هرکس را از آتش دور دارند و در بهشت درآورند مسلمانا رستگار شده است،

الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ﴿١٨٥﴾ تَسْبُلُونَ فِي أَهْوَالِكُمْ وَ

و زندگی دنیا [بدون ایمان به خداوند و عمل صالح] جز کالای فریبنده نیست (۱۸۵) بی‌تردید در زمینه اموال

أَنفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ

و جان هایتان امتحان خواهید شد، و قطعاً از کسانی [چون یهود و نصاری]

مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَ

که پیش از شما کتاب [آسمانی] به آنان داده شد، و نیز از مشرکان، سخنان آزاردهنده بسیاری خواهید شنید،

إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿١٨٦﴾

اگر ادر برابر سخنان آزاردهنده آنان صبر کنید و از خداوند اطاعت کرده، از محضاتش بپرهیزید [برای شما بهتر است]، مسلمانان! صبر و پرهیز از کارهای استوار است (۱۸۶)

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ

واینها را که خداوند از کسانی که به آنان کتاب اسمانی عطا شد پیمان گرفت که باید احکام و معارف آن را برای مردم تبیین کنند.

وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا

و عادت شدند ایشان ابراهیم گفتند و پنهانش نساژند، پس آن ایمان را ترک کرده، به آن اعتنائی نکردند، و در عوض آنرا که آن بهای اندک می فروشند.

فَبُئْسَ مَا يَشْتَرُونَ ﴿١٨٧﴾ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا آتَوْا

بد چیزی است آنچه به دست می آورند (۱۸۷) البته گمان مبر کسانی که به سبب کارهایشان چون پنهان کردن حقایق مربوط به قرآن و پیامبر اشد می مانند.

وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ

و دوست دارند به آنچه انجام نداده اند ستایش شوند از عذاب خدا در امانند! آری هرگز گمان مبر که

الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٨٨﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

از عذاب نجات دارند؛ برای آنان عذاب دردناکی خواهد بود (۱۸۸) مالکیت و فرمانروایی آسمانها و زمین فقط در سیطره خداست.

وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٨٩﴾ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

و خداوند بر هر کاری تواناست (۱۸۹) مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین

وَإِخْلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿١٩٠﴾ الَّذِينَ

و رفت و آمد شب و روز نشانه هایی ابر قدرت، ربوبیت و رحمت خداوند را برای خردمندان است (۱۹۰) هم آنان که

يَذْكُرُونَ لِلَّهِ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ

همواره خداوند را در حال ایستادن و نشستن و خوابیدن یاد کرده، او قلباً مورد توجه قرار می دهند، و پیوسته در آفرینش

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا

آسمانها و زمین اندیشه می کنند، و از عمق دل می گویند: پروردگارا! این جهان با عظمت را بیهوده نیافریدی، تو از هر عیب و نقصی پاک و عزیز هستی، عارا

عَذَابِ النَّارِ ﴿١٩١﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخُلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَبْتَهُ وَمَا

از عذاب آتش نگاه دار! (۱۹۱) پروردگارا! هر که را تو در آتش اندازی به یقین او را رسوا کرده ای، و برای

لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿١٩٢﴾ رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ

ستمکاران هیچ یابوری وجود ندارد (۱۹۲) پروردگارا! به راستی ما صدای ندادهنده ای که مردم را

أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَأَمَّا رَبَّنَا فَأَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا

به ایمان فرامی خواند شنیدیم که [می گفت:] به پروردگارتان ایمان آورید. پس ما ایمان آوردیم، پروردگارا! گناهان ما را ببامرز!

سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ﴿١٩٣﴾ رَبَّنَا وَاتِّبَاعًا وَعَدُتُنَا عَلَىٰ

و بدی هایمان را از پرونده ما محو کن! و ما را در زمره نیکان بمران! (۱۹۳) پروردگارا! آنچه که به وسیله پیامبران

رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿١٩٤﴾

به ما وعده داده ای عطا یمن کن! و روز قیامت رسوایمان نساژ! زیرا تو هرگز از وعدهات تخلف نمی کنی (۱۹۴)

فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ

بهائنا پروردگارشان دعای آنان را مستجاب کرد؛ که یقیناً من عمل هیچ عمل کننده‌ای از شما مؤمنان را چه مرد

أَوْ أَنْثَى بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ

یا زن که همه از جهت انسانی و ایمانی از یکدیگر تبعید نمیشوند، مسلماً کسانی که هجرت کردند و از خانه‌هایشان رانده شدند

وَأُذِئُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتِلُوا وَقَاتِلُوا لَا كُفْرَانَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ

و در راه من آزار کشیدند و جنگیدند و کشته شدند، گناهانشان را محو می‌کنم،

وَلَا دُخْلَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ

و آنان را به بهشت‌هایی که از زیر درختان آن نهرها جاری است در می‌آورم، که پاداشی ویژه از سوی

وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ (۱۹۵) لَا يَغْرَنَّكَ الْقَلْبُ الَّذِينَ كَفَرُوا

خداوند است، و خداست که پاداش نیکو نزد اوست (۱۹۵) رفت و آمد کافران در شهرها با وسایل و ابزار به ظاهر فراوان و حالتی قدرتمندانه [تورا

فِي الْبِلَادِ (۱۹۶) مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَاؤُهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ (۱۹۷)

فریفته نکند] آنچه دارند [کالایی است اندک] و در سرآشیبی زوال و نابودی، پس از آن جایگاهشان دوزخ است که بد جایگاهی است (۱۹۷)

لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

ولی آنان که از پروردگارشان اطاعت کرده، و از محرماتش پرهیز داشتند، برای آنان بهشت‌هایی است که از زیر درختان آن نهرها جاری است،

خَالِدِينَ فِيهَا نُزِّلًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلَّابِرَارِ (۱۹۸)

در آن جاودانه‌اند، این [آغاز پذیرایی از سوی خداست، و آنچه برای آنان غیر از بهشت و نعمت‌هایش نزد خداست برای نیکان بهتر است] (۱۹۸)

وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ

مسلماً از اهل کتاب کسانی هستند که به خدا و آنچه به سوی شما

وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا

و آنچه به سوی خودشان نازل شده مؤمن‌اند، در حالی که در برابر خداوند، قلبی فروتن دارند، آیات خدا را [چون هواپرستان قومشان]

قَلِيلًا أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ

به بهای اندک نمی‌فروشند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته است، بی‌تردید خداوند

سَرِيعُ الْحِسَابِ (۱۹۹) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا

حسابرسی سریع است (۱۹۹) ای مؤمنان! در برابر حوادث و انجام عبادات و ترک گناهان استقامت کنید!

وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۲۰۰)

و دیگران را هم به استقامت وادارید! و با یکدیگر در مسائل انسانی و اجتماعی ارتباط داشته باشید! و از خداوند اطاعت کرده، از محرماتش پرهیزید تا ابر موافقت ابرو شویید (۲۰۰)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا

ای مردم! از پروردگارتان که شما را از یک حقیقت و روح آفرید و جفتش را از جنس او پدید آورد بپروا کنید.

زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ

و از آن دوش، مردان و زنان بسیاری را منتشر ساخت، و از خداوندی که به نام او از یکدیگر درخواست می کنید، و نیز از [قطع رابطه با] خویشاوندان او

وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ﴿١﴾ وَأَنْتُمْ الْيَتَامَىٰ أَمْوَالُهُمْ وَلَا تَنْتَبِذُوا

با مال کردن حقوقشان! و پروراداشته باشید! بی تردید خداوند همواره نگهبان و حافظ شماست (۱) اموال یتیمان را پس از بلوغ و رشدشان [در اختیارشان

الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا

بگذارید، و [جناس] کم ارزش خود را با [جناس] با ارزش آنان [عوض نکنید، و اموالشان را با مخلوط کردن به اموال خود نخورید؛ زیرا آن گناهی بزرگ است

﴿٢﴾ وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانْكُحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنْ

(۲) اگر می ترسید که در مورد دختران یتیم [در صورت ازدواج با آنان] نتوانید به عدالت رفتار کنید

النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ ۖ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ

از دیگر زنانی که مورد پسند شماست دو یا سه، یا چهار زن به همسری انتخاب کنید، چنانچه می ترسید [با آنان] هم [به عدالت رفتار نکنید] به یک زن، یا [به] کنیزی

أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا ﴿٣﴾ وَاتُّوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ

که مالک شده اید [تکفایت کنید]، این [قانون] از نزدیک ترین راه به اجتناب از ستم و انحراف از عدالت است (۳) مهریه زنان را به عنوان هدیه [در کمال رضایت خاطر] به خودشان بپردازید

طَبْنٍ لَّكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا ﴿٤﴾ وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ

چنانچه چیزی از آن را با رغبت به شما ببخشند آن را حلال و گوارا هزینه از زندگی خود [کنید] (۴) اموالتان را که خداوند

أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ

ماید قوام او تأمین زندگی شما قرار داده به ابلهان ندهید، ولی از [درآمد] آن خوراکشان دهید و لباسشان بپوشانید، و با آنان

قَوْلًا مَعْرُوفًا ﴿٥﴾ وَابْنِلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ

سخن پسندیده گوید (۵) یتیمان را تا زمانی که به سن ازدواج برسند [در امور زندگی و بلوغ فکری] آزمایش کنید، چنانچه در آنان

رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا

رشد لازم را یافتید اموالشان را در اختیارشان بگذارید، و آن را از ایمان آن که [امداد] به سن بلوغ و رشد برسند [و از شما بگیرند] به اسراف و شتاب نخورید

وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْعَفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ

[از سرپرستان یتیم] کسی که توانگر است باید [از تصرف در مال یتیم به عنوان حق الزحمه] اجتناب کند، و آن که نیازمند است به اندازه متعارف [در آن] انصرف کند

فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللهِ حَسِيبًا ﴿٦﴾

زمانی که اخوانستید اموالشان را به خودشان واگذارید بر آنان شاهد بگیرید، و خداوند برای حسابرسی بس است (۶)

لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا

برای مردان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندانشان پس از مرگ خود بر جای می گذارند سهمی است، و برای زنان هم از آنچه

تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا ﴿٧﴾

پدر و مادر و خویشاوندانشان بر جای می گذارند سهمی است؛ اندک باشد یا بسیار این سهمی واجب است (۷)

وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ

چون هنگام تقسیم ارث، خویشاوندان و یتیمان و مستمندان [که ارث بر نیستند] حاضر باشند،

مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا ﴿٨﴾ وَلِيَخَشِ الذِّينَ لَوْ تَرَكَوْا

چیزی از آن را به ایشان بپردازید، و با آنان سخن پسندیده گویند، (۸) کسانی که اگر پس از خود

مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا

فرزندانی ناتوان بر جای گذارند، بر آنان ترسند [که حقوقشان ضایع شود] باید از این که حقوق ایام دیگران را باطل کنند بیم داشته باشند، پس باید از خدا اطاعت کنید و از عجز ماتن

قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا

بهریزید، و ابا یتیمان! سخن به صواب گویند (۹) بی تردید آنان که ظالمانه اموال یتیمان را

إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا ﴿١٠﴾

می خورند جز این نیست که در شکم های خود آتش می ریزند، و به زودی در آتش فروزان در آیند (۱۰)

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلَّذِي كَرِهَ حَظٌّ الْأُنثَيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ

خداوند شما را درباره [ارث] فرزندان شما سفارش می کند که: سهم پسر مانند سهم دو دختر است، و اگر [وارثان آن عیت]

نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً

بیش از دو دخترند سهم آنان دوسوم میراث است، و اگر یک دختر است

فَلَهَا النِّصْفُ وَلَا بَوْلَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ

نصف میراث سهم اوست، و برای هر یک از پدر و مادر میت چنانچه فرزندی داشته باشد یک ششم میراث است،

إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ

و اگر بی فرزند است و وارث فقط پدر و مادر است برای مادرش یک سوم است او باقیمانده میراث، سهم پدر اوست،

فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا

و اگر میت برادرانی دارد سهم مادرش یک ششم است، [همه این سهام] پس از وصیتی [است] که [در مورد اموال خود] می کند،

أَوْ دَيْنٍ أَبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ

یا پس از ابدکاری [میت است] که باید پیش از تقسیم سهام پرداخت گردد، [شما نمی دانید پدران و فرزندان آن] که پس از مرگشان وارث اموالشان هستید] کدامیک برای شما

نَفْعًا فَرِيشَةٌ مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١١﴾

سودمندترند؛ بنابراین تفاوت سهام وصیت شده شمارانگران نکنند، [تقسیم میراث به این صورت] فریضه ای از سوی خداوند است؛ زیرا خدا همواره دانا و حکیم است (۱۱)

وَلَكُمْ فِي مَآثِرِكُمْ حَقٌّ وَإِنْ تُكِنُّ وُدَّكُمْ فَلَكُمْ فِيهَا حَقٌّ وَإِنْ تُكِنُّ وُدَّكُمْ فَلَكُمْ فِيهَا حَقٌّ

نصف میراثی که زنانتان به جای می گذارند چنانچه فرزندی نداشته باشند

وَلَكُمْ فِي مَآثِرِكُمْ حَقٌّ وَإِنْ تُكِنُّ وُدَّكُمْ فَلَكُمْ فِيهَا حَقٌّ وَإِنْ تُكِنُّ وُدَّكُمْ فَلَكُمْ فِيهَا حَقٌّ

سهیم شماست و اگر برای آنان فرزندی باشد، یک چهارم میراث

مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَكُمْ فِي مَآثِرِكُمْ حَقٌّ

حق شماست، [البته] پس از وصیتی که در مورد اموال خود می کنند یا پس از ادای دینی [که بر عهده آنان است]

مِمَّا تَرَكَ كُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ

و برای زنانتان اگر فرزندی نداشته باشید یک چهارم میراثی است که از شما باقی می ماند، و چنانچه

لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثَّمَنُ مِمَّا تَرَكَ كُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ

فرزندی برای شما باشد یک هشتم میراث شما برای آنان است، بعد از وصیتی که کرده اند

تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً

با ادای دینی [که بر کفو شماست] چنانچه مرد یا زنی که از او ارث می برند «کلاله» است، [یعنی پدر و مادر و فرزندی ندارد ولی]

أَوْ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ

برادر و خواهر دارد، سهم هر یک از آن دو نفر یک ششم [میراث] است، و اگر

فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ

بیش از این باشند در یک سوم [میراث] شریکند، [این سهام برادر و خواهر] پس از

مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ وَصِيَّةٌ مِنَ

وصیتی است [که در خصوص اموال صورت گرفته و یا پس از ادای دینی است که بر عهده میت است] [همه این امور در حالی است که وصیت میت، به وارثان از میان نرساند، این احکام]

اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ خَلِيمٌ ﴿١٢﴾ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ

سفاشی است از سوی خداوند، و خدا دانا و بردبار است (۱۲) اینها حدود خداست، کسانی که از خدا و پیامبرش

وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

اطاعت کنند خداوند آنان را به بهشت هایی که از زیر [درختان]

خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٣﴾ وَمَنْ

آن نهرها جاری است وارد می کند، در آن جاودانه اند، و آن کامیابی بزرگ است (۱۳)

يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ

و کسی که از خدا و پیامبرش سرپیچی کند و متجاوز از حدود خداوند باشد،

نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ ﴿١٤﴾

خداوند او را وارد آتش می کند در حالی که در آن جاودانه است، و برایش عذابی خوارکننده است (۱۴)

وَالَّتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاُسْتُشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ

هر کدام از زنانان مرتکب زنا شوند چهار مرد مؤمن را در مورد اقرار زشت

أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ

آنان شاهد بخواهید، اگر اربع مرتکب آن شهادت دادند، آنان را در خانه ها زندان ابد کنید

يَتَوَقَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا ﴿١٥﴾ وَالذَّانِ

تا مرگشان فرا رسد یا خداوند برای آنان راهی [قانونی] قرار دهد (۱۵) از میان شما

يَأْتِيَانِهَا مِنْكُمْ فَأَذْوُهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا

آن مرد و زنی که مرتکب زنا شوند [در صورتی که هر دو بدون همسر باشند] آنان را ادا اجرای حدود خداوند [عقوبت کنید] چنانچه از کار زشتشان توبه کنند و [مفسدان را] اصلاح سازند

إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا ﴿١٦﴾ إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ

از [عقوبت] آنان گذشت کنید؛ زیرا خداوند همواره بسیار توبه پذیر و مهربان است (۱۶) توبه واقعی در پیشگاه خداوند

يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَٰئِكَ يَتُوبُ

فقط برای کسانی است که کار زشتی را از روی نادانی انجام می دهند آن گاه بدون تأخیر [و از دست رفتن فرصت] توبه می کنند، مسلماً

اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١٧﴾ وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ

خداوند توبه آنان را می پذیرد؛ خداوند همواره دانا و حکیم است (۱۷) توبه

لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ

برای دو گروه نیست: کسانی که پیوسته کارهای زشت انجام می دهند تا

إِنِّي تُوبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَٰئِكَ

مردی یکی از آنان فرارسد، او در آن لحظه که عمر به پایان رسیده بگوید: اکنون توبه کردم! و نیز آنان که

أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ

در حال کفر او انکار حقایق می میرند، برای آنان عذاب دردناکی آماده کرده ایم (۱۸) ای مؤمنان!

لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِسَازِهِنَّ

برای شما ارث بردن از زنان در حالی که [از زندگی با آنان] خوشایند شما نباشد [و فقط به طمع به دست آوردن اموالشان پس از مرگشان یا آنان را زنده می گردید] حلال نیست، و آنان را در تنگنا

بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَ

مگذارید تا بخشی از آنچه را [به عنوان مهریه] به آنان داده اید پس بگیرید، مگر آن که کار زشت

عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ

اشکاری مرتکب شوند، [در هر صورت] با آنان [هر چند که زندگی با آنان خوشایند شما نیست] رفتاری پسندیده داشته باشید، چنانچه [به علتی] از آنان دچار نفرت او

أَنْ تَكْرَهُهُمَا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا ﴿١٩﴾

ناراضی بشوید [باز هم به گونه شایسته با آنان رفتار کنید]، چه بسا چیزی مورد خوشایند شما نیست ولی خداوند در [ادامه زندگی با] آن خیر فراوانی قرار می دهد (۱۹)

وَأِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَاتَّيْتُمْ

اگر خواستید همسری دیگر به جای همسری (که خوشایند شما نیست) انتخاب کنید، در حالی که

إِحْدَاهُنَّ قِنطَارٌ أَفَلَا تَأْخُذُ وَامِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُ وَنَهَ

مال فراوانی از عنوان مهر به او بر داخته اید چیزی از آن را پس نگیرید از بر اطلاق همسر اول مجوز پس گیری مهر به از او نیست، [البان را ادر صورتی که حلال نیست]

بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴿٢٠﴾ وَكَيْفَ تَأْخُذُ وَنَهَ وَقَدْ أَفْضَىٰ

می خواهید با توسل به نهعت زدن از به همسر او گناهی آشکار پس بگیرد؟ (۲۰) چگونه مهر به او پس می گیرید در حالی که بایکدیگر تماس (روحی و عاقلی و معاشرت)

بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا ﴿٢١﴾

داشتید، و آنان از شما به هنگام ازدواج پیمانی محکم (بر ادامه زندگی و حسن سلوک) گرفته اند؟ (۲۱)

وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ

با زنانی که پدرتان با آنان ازدواج کرده اند ازدواج نکنید! مگر ازدواجی که پیش از این انهی اکیدا انجام گرفته باشد.

سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا ﴿٢٢﴾

زیرا ازدواج با زنان پدرتان عملی بسیار زشت، و مورد خشم خدا و بد راهی است (۲۲) ازدواج با زنانی که نام برده می شوند!

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَ

پدر شما، حرام است: مادران، دختران، خواهران، عمه ها.

عَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ

خاله های شما: دختران، برادر، دختران، خواهر؛ مادرانی که

وَأُمَّهَاتُكُمْ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ

شما را شیر داده اند؛ خواهران رضاعی؛ مادران

الرَّحَاةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ الَّتِي فِي حُجُورِكُمُ

همسران، و دختران زنانان که در دامن شما پرورش یافته اند

مِنْ نِسَائِكُمُ الَّتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا

و با آن زنان آمیزش داشته اید، و اگر آمیزشی در کار نبوده

دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَالٌ أَبْنَاءُكُمْ

اگر ازدواج با دخترانشان بر شما باقی نیست؛ و نیز ازدواج با همسران پسرانتان

الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بِهِنَ الْأُخْتَيْنِ

که از نسل شما نیستند؛ و همچنین ازدواج با دو خواهر در یک زمان (بر شما حرام است).

إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٢٣﴾

جز ازدواج با دو خواهری که پیش از (اعلام این انهی اکیدا) صورت گرفته است؛ [این آسان گیری برای این است که] خداوند همواره بسیار آمرزنده و مهربان است (۲۳)

وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ

وغير ازدواج از زنان شوهر دار از هر ملت و قومی، بر شما حرام است. مگر زنانی که بر مسلمانان (که به سبب جنگ با شوهران کافرشان از طریق اسیر شدنشان) مالک آنان شده اند.

اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ

این قانون خداوند است که بر شما مغرور شده از زیر اسارت، بر اساس حکم حق به منزله طلاق است. به جز این زنان (که خیریت ازدواج با آنان بیان شد)، دیگر زنان با پرداختن

مُحْصَنِينَ غَيْرِ مُسَالِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ

بخشی از اموال آنان (به عنوان مهریه و هزینه هایی غیر آن) بر شما حلالند، در صورتی که قصدتان ازدواج با آنان باشد نه زنا. از هر یک از زنان که با ازدواج موقت بر خوردار شوید

أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَا ضَيْتُمْ بِهِ مِنْ

مهریه اش را به عنوان واجب مالی بپردازید و در آنچه پس از تعیین مهریه (نسبت به کم و زیاد کردن آن، یا کاستن و زیاد کردن مدت)

بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٢٤﴾ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ

با یکدیگر توافق کردید با کسی بر شما نیست؛ اوضاع قوانین و احکام آسان، برای این است که خداوند همواره دانا و حکیم است (۲۴) از شما کسی که

مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكَحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا

به سبب تنگدستی نتواند با زنان آزاد با ایمان ازدواج کند

مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَنِيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ

پس با کنیزان جوان مؤمنی که در اختیار شما مسلمانانند (ایمان از دواج ببندد)، (اقرار به ایمان از جانب کنیز برای مشروعیت ازدواج با او کافی است، خداوند به ایمان شما

بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ بَازْنٍ أَمْ لَكُمْ مِنْ بَازْنٍ

(در این که ظاهری یا باطنی است) دانایتر است، شخص آزاد و کنیز اعضای یک پیکرند، لذا در هویت و ارزش انسانی یکسانند، (با کنیزان با اجازه مالکانشان ازدواج کنید

أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسَالِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ

و مهریه آنان را به طور متعارف به خودشان بپردازید (مشروعیت این ازدواج مشروط به این است که قصد کنیزان ازدواج باشد نه زنا،

أَخْذٍ إِنْ فَازَ أَحْصَنٌ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا

و نه گرفتن معشوق (نا مشروع) در خلوت، چنانچه کنیزان پس از ازدواج مرتکب زنا شوند

عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ

نصف مجازات زنان آزاده بر آنان است. این (ازدواج با کنیز) برای کسی از شما (مناسب) است

وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٥﴾

که بترسد (در برابر غریزه جنسی) به مشقت (و نهایتاً به گناه) دچار شود، البته استقامت شما (در برابر فشار غریزه جنسی) بهتر از ازدواج با کنیزان است، خداوند بسیار آمرزنده

يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ

و مهربان است (۲۵) خداوند اراده دارد احکام حلال و حرامش را (برایتان توضیح دهد، و شما را به روش های ادرست و استوار)

قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦﴾

پیشینیان را هدایت نماید، و رحمت و آمرزشش را نصیبتان کند، خداوند دانا و حکیم است (۲۶)

وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ

و خداوند می خواهد آنرا که توبه کند و مغفرتش به شما توجه کند، و آنان که پیرو خواسته های

الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا ٢٧ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ

و تشوایع را می خواهد شما را در امور زندگی و مسائل جنسی و نری احکام خدا را به انحراف بزرگی دچار شوید (۲۷) خداوند می خواهد [با تشوایع احکام

وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا ٢٨ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا

و فوایس را، مشکلات و پیچیدگی های زندگی را بر شما آسان کند؛ زیرا انسان ناتوان آفریده شده است (۲۸) ای مؤمنان! اموال یکدیگر را بین خود

أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ

به حرام بخورید! مگر از راه تجارتی که با رضایتی [مشروع] میان خودتان

مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ٢٩ وَمَنْ

صوره گرفته باشد، و خودکشی نکنید! مسلماً خداوند همواره به شما مهربان است (۲۹) هرکس

يَفْعَلْ ذَلِكَ عَدُوًّا وَالًا وَظَلَمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ

ما تجاوز از حدود خدا و بر پایه ستم [بر دیگران] مرتکب خوردن مال حرام و خودکشی شود قطعاً او را در آتشی سوزان وارد می کنیم.

عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ٣٠ إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ

و این کار بر خدا آسان است (۳۰) اگر از گناهان کبیره ای که از آنها نهی می شوید اجتناب کنید

نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلَكُمْ مُدْخَلَ كَرِيمًا ٣١

بدی های [دیگر] شما را از پرونده شما محو کرده، و به جایگاه ارزشمندی

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ

و آرزوئان می کنیم (۳۱) ثروتی که خداوند به سبب آن برخی از شما را بر برخی دیگر برتری داده

لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا

آزاد کنید [مبادی] که چهار حد و طمع گردید تفاوت در داری های لازم زندگی دنیا و بر پایه محاسبات حکیمانه است. برای مردان از آنچه [به وسیله کسب مشروع] به

اَكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ

دست آورده اند بهر دای است و برای زنان [هم] از آنچه کسب کرده اند بهر دای است. افزون بخشی خداوند را با کمک تقوا و کسب حلال [در خواست کنید؛ چون خداوند همواره

عَلِيمًا ٣٢ وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِي مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَ

به همه چیز داناست (۳۲) برای هرکسی از اموالی که [برای بعد از خود] به جای گذارده و ارثانی قرار داده ایم که از میراث پدر و مادر

الْأَقْرَبُونَ وَالَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَانُكُمْ فَأَوْهَهُمْ

و نزدیکان ارث ببرند، و به کسانی که با آنان پیمان [شرعی و عرفی] بسته اید

نَصِيبَهُمْ إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا ٣٣

سهمشان را [از میراث] ببرد؛ زیرا قطعاً خداوند همواره بر همه چیز شاهد است (۳۳)

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى

مردان، کارگران و تدبیر کنندگان از زندگی از زنان هستند؛ این به سبب برتری‌هایی است که خداوند از نظر توان جسمی و مقاومت روحی و تحمل مشکلات برای مردان نسبت

بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ

به زنان قوال داده و نیز به سبب آن است که مردان از اموالشان هزینه زندگی زنان و به عنوان حقی لازم می‌پردازند، پس زنان شایسته ابار عایت جهات شرعی افر مایه دار شوهرند،

حَافِظَاتٌ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَالَّتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ

و در امر حقوقی که خداوند به نفع آنان بر عهد شوهرشان انهاد، حافظ حقوق و اسرار اموال شوهر و نگذاشتن خود در غیاب او هستند و آن زنانی که از نافرمانی و مخالفتشان با خود بیم دارند

فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ

در مرحله اول ایندشان دهید و در مرحله بعد از خوابگاهشان دوری کنید و چنانچه این دو کار مؤثر واقع نشود آنان را تنبیه کنید به گونه‌ای که منتهی به زاری بدنی موجب دفع نشود،

أَطَعَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا

ولی اگر از شما اطاعت کردند برای در مضیقه قراردادن آنان هیچ بهانه‌ای مجوید! بدانید خداوند بلندمرتبه

كَبِيرًا ﴿٣٤﴾ وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ

و بزرگ است و قدرتش فوق همه قدرت‌هاست ﴿٣٤﴾ شما ای بزرگان خانواده و حاکمان شرع اگر از اختلاف و ناسازگاری زن و شوهر بیم داشتید دآوری از

أَهْلِيهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِيهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا

خانواده مرد و دآوری از خانواده زن انتخاب کنید تا برای رفع اختلاف اقدام کنند، چنانچه دو داور نیت اصلاح داشته باشند

إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا ﴿٣٥﴾ وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ

خداوند میانه هر دو توافق در برای ایجاد می‌کند تا به مصلحت زن و شوهر حکم کنند، یقیناً خداوند همواره به نیات و اعمال شما آگاه است ﴿٣٥﴾ خداوند ابرستید و

شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ

چیزی را شریک و همتای او قرار ندهید و به اینان که برای شما بیان می‌کنیم نیکی کنید پدر و مادر، خویشاوندان، یتیمان،

وَالْمَسَاكِينِ وَالْأَجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ

نیازمندان، همسایه نزدیک، همسایه دور، همسایان،

بِالْجُنُبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ

در راه ماندۀ بی‌زاد و توشه و بردگانی که مالک آنان هستید، بی‌تردید خداوند

لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا ﴿٣٦﴾ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَ

کسی را که متکبر و خودستاست دوست ندارد ﴿٣٦﴾ آنان که از هزینه کردن اموالشان بخل می‌ورزند

يَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ

و مردم را به بخل ورزیدن دعوت می‌کنند و آنچه را خداوند از فزون بخشی خود به آنان داده

مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ﴿٣٧﴾

پنهان می‌کنند تا نیازمندان به سوزشان نیایند، کافران، و ما برای کافران عذابی خوارکننده آماده کرده‌ایم ﴿٣٧﴾

وَالَّذِينَ يُتَفَقُّونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

و آنان که اموالشان را برای خودنمایی به مردم انفاق می کنند و به خداوند

وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا ﴿٣٨﴾

و روز قیامت ایمان ندارند شیطان همدم آنان است، و هرکس شیطان همدم اوست بی تردید بد همدمی است (۳۸)

وَمَا ذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَانْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ

و به آنان چه زمینی می رسد اگر به خداوند و روز قیامت مؤمن می شدند و از آنچه خداوند به آنان عطا کرده انفاق می کردند؟

وَكَانَ اللَّهُ بِهَمِّهِمْ عَلِيمًا ﴿٣٩﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكُ

خداوند همواره دانای به اظهار و باطن آنان است (۳۹) مسلماً خداوند به اندازه وزن ذره ای ستم نمی کند، چنانچه

حَسَنَةً يُصْنَعُهَا وَيُوْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٤٠﴾ فَكَيْفَ إِذَا

کار نیکی اموزن ذره ای باشد آن را چند برابر می سازد، و از نزد خود پاداش بزرگی در برابر آن می دهد (۴۰) چگونه است

جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا ﴿٤١﴾

احال و وضع مردم هنگامی که از هر امتی گواهی آید پیامبر آنان است، بر اعمالشان بیاوریم، و تو را نیز

يَوْمَئِذٍ يَوْمَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصُوا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّى بِهِمُ

گواه بر آنان آوریم (۴۱) در آن روز کسانی که منکر احقاق بودند و از پیامبر نافرمانی کردند

الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا ﴿٤٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

آزموی گشت ای کاش! باز مین یکان می شدند و برای آنان وجودی نبود! و نمی توانند هیچ سخنی را که در دنیا در باره قرآن و پیامبر به باطل و ناروای می گفتند!

لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَ

از خداوند پنهان کنند (۴۲) ای مؤمنان! در حالی که هشیاری کامل ندارید به اقامه نماز نزدیک نشوید تا پس از هشیاری بدانید (در محضر حق) چه می گوید.

لَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى

و نیز در حال جنابت (بدن نماز نزدیک نشوید) تا غسل کنید، جز هنگامی که در سفر هستید (و دسترسی به آب ندارید، پس با تیمم نماز بخوانید) و اگر بیمار باشید یا

سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا

مسافر، یا فردی از شما قضای حاجت کرده، یا با زنان آمیزش داشته اید

مَاءً فَتَمَسُّوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ

و برای وضو و غسل آب نیافتید با خاک پاک تیمم کنید؛ (بدین صورت که) بخشی از صورت و دست هایتان را با آن مسح کنید؛

اللَّهُ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا ﴿٤٣﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ

مسلماً خداوند همواره گذشت کننده و بسیار آمرزنده است (۴۳) آیا وضع و حال کسانی که بهره ای اندک از کتاب انوار و انجیل به آنان عطا شدند انسته ای؟ که

الْكِتَابِ يَشْتُرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ ﴿٤٤﴾

(با پنهان کردن حقایق کتاب و تحریف برخی آیاتش) گمراهی می خردند، و به سبب حسادت و دشمنی می خواهند شما (هم) از راه مستقیم گمراه شوید (۴۴)

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا ﴿٢٥﴾

و خداوند به دشمنان شما که خود را خیر خواه نشان می دهند [از شما] است، خداوند از جهت سر پرستی و ولایت [برای شما] پس است، و از نظر باور بودن [برای شما]

الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمِعُوا لَنَا مِثْلَ مَا سَمِعْنَا

کافی است (۴۵) برخی از یهودیان، حقایق کتاب اسمانی تورات را با تفسیرهای نادرست از معانی اصلی اش تغییر می دهند، و [به پیامبر] می گویند: [دعوت را] شنیدیم،

عَصَيْنَا وَاسْمِعُوا لَنَا مِثْلَ مَا سَمِعْنَا وَاسْمِعُوا لَنَا مِثْلَ مَا سَمِعْنَا وَاسْمِعُوا لَنَا مِثْلَ مَا سَمِعْنَا

ولی [در باطن] می گویند: [تا] برای ما سخن ما را بشنو، که ای کاش [شنوی] و [می گویند:] [در اعنا، یعنی: ما را رعایت کن، اما با بیج و خیم دادن زبان] قصد

وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاسْمِعُوا لَنَا مِثْلَ مَا سَمِعْنَا وَاسْمِعُوا لَنَا مِثْلَ مَا سَمِعْنَا

می کنند معنی آن [در جهت توهین به پیامبر] و طعن زدن به دین [تغییر دهند] اگر اینان [به جای توهین و تحریف و باز یگری] می گفتند: [دعوت را] به گوش قبول [شنیدیم و] [باینده اطاعت

أَقُومَ وَلَكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٢٦﴾ يَا أَيُّهَا

شدیم، و [سخنمان را] [بشنو و] [مهلتمان ده، برای آنان بهتر و [را] استوار تر بود، ولی خداوند به سبب کفرشان لعنتشان کرده، و جز عده ای اندک مؤمن نمی شوند (۴۶) ای اهل کتاب!

الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمَنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلُ أَنْ

به آنچه [بر پیامبر] نازل کرده ایم که گواهی دهند [حقانیت تورات و انجیل] همراه شماست ایمان آورید، بیش از آن که

نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ

چهره های [از صورت واقعی] انسانی و انسانیت [محو کنیم، و] [به کفر تکبر در برابر قرآن و پیامبر] [به تاریکی باطن و گمراهی غیر قابل جبران] [پیشین آنان بازگردانیم، یا چنان که اصحاب

السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا ﴿٢٧﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ

سبت [روز شنبه] [را] لعنت کردیم لعنتشان کنیم؛ فرمان [او] خواست [خداوند] همواره شدنی است (۴۷) خداوند [معبود گرفتن بت ها و طاغوت ها که] [شرک ورزی به او] است [را] نمی آمرزد،

يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَى إِثْمًا

و غیر آن را برای هرکس که بخواهد می آمرزد؛ هرکس به خداوند شرک ورزد یقیناً گناه بزرگی

عَظِيمًا ﴿٢٨﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنْفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَنْ

مرتکب شده است (۴۸) آیا وضع و حال کسانی که خود را [بدون دلیل] می ستایند ندانسته ای؟ [این خود ستایی فاقد ارزش است، بلکه خداوند است که هرکس را بخواهد] [بر اساس] [علاک های

يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٢٩﴾ أَنْظِرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ

تعیین شده در اسلام] می ستاید، و [خود ستایان و آنان که] خدا ستایششان کرده در کفر و پاداش [به اندازه] [فرشته نازک میان] هسته خرما مورد ستم قرار نخواهند گرفت (۴۹) [بنگر که

وَكَفَى بِهِ إِثْمًا مُبِينًا ﴿٥٠﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ

در این خود ستایی و برتری جویی بر دیگران که آن را امتیازی از سوی خداوند برای خود می دانند] چگونه بر خدا دروغ می بندند، و همین گناه آشکار [برای استحقاق

الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ

عذاب آنان در دنیا و آخرت [کافی است (۵۰) آیا وضع و حال کسانی که بهره ای اندک از کتاب [تورات و انجیل] به آنان داده شده ندانسته ای که به هر معبود باطلی و هر

كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا ﴿٥١﴾

ظلمات گمراه کننده ای ایمان دارند، [و به شدت به آن ها وابسته اند، و در مورد کافران می گویند: اینان از کسانی که مؤمن [به قرآن و پیامبر] شده اند، راه یافته ترند؟ (۵۱) (۵۱)

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا ﴿٥٢﴾

واینها کسانی هستند که خداوند لعنت کرده و هر که را خداوند لعنت کند هرگز برای او یاری نخواهد یافت (۵۲) ای اهل بیت

لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَإِذَا يُوتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا ﴿٥٣﴾ أَمْ يَحْسُدُونَ

برای آن فرستاده‌ای و حکومت است این چیزی به مردم دهند و کار سازشان باشند اگر هم بپزدای بود به سبب تنگ نظری و انحصار طلبی و بخشنان چیزی به اندازه گودی پشت

النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ

همانکه حق ما به مردمی دادند (۵۳) بلکه آن به مردمی چون پیامبر و اهل بیت او به علت آنچه خداوند از فضل و احسانش به آنان عطا کرده حسد می‌ورزند. همانا ما به خاندان ابراهیم

وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا ﴿٥٤﴾ فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ

کتاب و معارف استوار و وسعت دادیم و به آنان فرمانروایی و حکومت با عظمتی عطا کردیم (۵۴) پس برخی از اهل کتاب به او و محمد ﷺ که آخرین فرستاده خدا و والاترین شخصیت

مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا ﴿٥٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا

از خاندان ابراهیم است ایمان آوردند و بعضی ابا گاهی به اوصاف او و یقین به صحت نبوتش از او روی گردانده و انکارش شدند دوزخ که آتشی بر آفر و خسته و سوزان است

سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا

ایرانی آنان پس است (۵۵) به زودی کسانی را که به آیات ما کافر شدند به آتشی [سوزان و شکننده] وارد می‌کنیم هرگاه پوستشان [در آن آتش] ابریان شود پوست‌های دیگری

لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٥٦﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَ

جایگزین آن می‌کنیم تا همواره عذاب را بچشند؛ قطعاً خداوند توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است (۵۶) و به زودی

عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

مؤمنان دارای عمل شایسته را در بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است درآوریم

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا ظِلِيلٌ ﴿٥٧﴾

در حالی که در آن جا همواره جاودانه‌اند، در آن جایگاه بارزش همسرانی پاکیزه ویزه آنان است، و ایشان را در زیر سایه‌های پایدار او آرام بخش

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ

وارد می‌کنیم (۵۷) خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش برگردانید، و چون میان مردم

بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ

به داوری نخستین به عدالت داوری کنید! فرمان بارگرددان امانت به کارگیری عدالت در داوری اینکو چیزی است که خداوند شمارا به آن موعظه می‌کند، همانا خداوند

سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿٥٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي

همواره شنوا و داناست (۵۸) ای مؤمنان! از خداوند اطاعت کنید، و نیز از پیامبر

الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ نَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ

و صاحبان امرتان (که اوصیای به حق پیامبرند و مثل او دارای مقام عصمتند) فرمان بپزید پس هرگاه درباره چیزی از احکام و امور مادی و مسائل خانوادگی و اجتماعی و جنگ و

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٥٩﴾

صلح [اختلاف] داشتید اگر به خداوند و قیامت مؤمن هستید برای خاتمه یافتن اختلاف [آن را به خدا و پیامبر] رجوع دهید این [اگر برای شما بهتر و از نظر عاقبت نیکوتر است] (۵۹)



أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا

ابا وضع و حال کسانی که ادعا دارند به آنچه بر تو و پیش از تو نازل شده مؤمن هستند

أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ

ندانسته ای که می خواهند [در مورد اختلافشان] داوری را نزد طاغوت [همان حاکمان ستمکار و فحشا شده خوار اینند؟ در حالی که فرمان یافته اند

أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا

به طاغوت کافر باشند، و شیطان [باسوق دادنشان به سوی طاغوت] می خواهد آنان را به گمراهی دوری [که هرگز در آن دسترسی به هدایت ندارند] دچار کند (۶۰)

﴿٦٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ

چون به آنان گویند: [برای داوری و آگاه شدن به حقایق الهی] به سوی آنچه خداوند نازل کرده، و به محضر پیامبر [اسلام] بیایید.

الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا ﴿٦١﴾ فَكَيْفَ إِذَا

منافقان را می بینی که به شدت از تو رویگردان می شوند (۶۱) پس وضع و حالشان چگونه خواهد بود

أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ

هنگامی که به سبب عمل زشت رفت و آمدشان با طاغوت حادثه ناگواری به آنان برسد؟ سپس

بِاللَّهِ إِنَّ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا ﴿٦٢﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ

در حالی که به خداوند سوگند می خورند به محضرت می آیند که ما [از داوری بردن نزد دیگران] آنتی جز صلح و توافقی [امیان طرفین اختلاف] نداریم (۶۲) آنان

يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ

کسانی هستند که خداوند آنچه [از نیت شوم و حسد و نفاق] در دل دارند می داند، [با این وضعی که دارند] اکنون [از مجازاتشان چشم پوش و پندشان ده،

لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا ﴿٦٣﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ

و با بیانی رسا که در دلشان اثر کند [عواقب کارشان را در دنیا و آخرت] برای آنان بیان کن (۶۳) هیچ پیامبری را

إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ

نفرستادیم جز آن که به خواست خداوند از او اطاعت شود، اگر آنان هنگامی که [با ارتکاب گناه و رفت و آمد با طاغوت] به خود

جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ

ستم کردند نزد تو می آمدند و از خداوند درخواست آمرزش می کردند، و پیامبر هم برای آنان خواستار آمرزش می شد

لَوْجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا ﴿٦٤﴾ فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ

مسلماً خداوند را بسیار توبه پذیر و مهربان می یافتند (۶۴) به پروردگارت سوگند! آنان مؤمن واقعی

حَتَّىٰ يُحَاسِبُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا

نخواهند بود مگر آن که تو را در آنچه میان خود اختلاف دارند به داوری بپذیرند، سپس

فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٦٥﴾

از داوریات در باطنشان احساس دلتنگی او ناراضیاتی نکنند و [کاملاً] تسلیم [احکم] توا باشند (۶۵)

وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنِ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ اخْرَجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ

اگر بر آنان ایامند بر کسی از امت های پیامبران پیشین واجب می گردید که این کار را بکنند یا از شهر و وطنشان [به نقطه ای دور دست] کوچ کنند.

فَقَطَّ أُنْكَرَ لِي أَنْ يَنْفَعَهُمْ أَوْ يَضُرَّهُمْ أَوْ يَكُونَ لَهُمْ نَصْرًا أَوْ يَكُونَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

فقط اندکی از آنان آن کارها را انجام می دادند، اگر به اندرزهایی که به آنان داده می شود عمل می کردند.

لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيثًا ﴿٦٦﴾ وَإِذْ آلَا تَيْنَاهُمْ مِنْ لَدُنَّا أَجْرًا

قطعاً برای آنان بهتر، و در جهت تثبیت ایمان و ثابت قدمی مؤثرتر بود (۶۶) ما نیز در آن صورت پاداش بزرگی از سوی خود

عَظِيمًا ﴿٦٧﴾ وَلَهَدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ﴿٦٨﴾ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ

به آنان می بخشیدیم (۶۷) و یقیناً به راه راست هدایتشان می کردیم (۶۸) آنان که [صادقانه] از خدا

وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ

و پیامبران اطاعت کننده در زمره پیامبران

وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءَ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ

صفيقان، شهدان و صالحانند که از نعمت های کامل حق برخوردارند، و این چهار گروه! برای آنان

رَفِيقًا ﴿٦٩﴾ ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيمًا ﴿٧٠﴾

نیکو همشینی هستند (۶۹) این [همشینی] احسانی از سوی خداست، و در استحقاق این پاداش بی نظیر [کافی است که خدا] به نیات و اعمال مطیعان [دانات (۷۰)]

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا

ای مؤمنان! [در برابر دشمن آماده باشید] سلاح و ساز و برگ جنگی خود را برگرفته، گروه گروه یا به صورت دسته واحد [به سوی دشمن]

جَمِيعًا ﴿٧١﴾ وَإِنْ مِنْكُمْ لَمَنْ لَيُبَطِّئَنَّ فَإِنْ أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ

کوچ کنید! (۷۱) از میان شما کسانی [چون منافقان] هستند که [از رفتن به جنگ] درنگ [و تخلف] دارند [و دیگران را هم به درنگ و تخلف تشویق می کنند]، اگر در

قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا ﴿٧٢﴾ وَلَئِنْ أَصَابَكُمْ

میدان جنگ به شما [از ماندگان، شکست و آسبی] برسد، می گویند: خدایه! مالتلف داشت که با آنان [در میدان جنگ] حضور نداشتیم؟! (۷۲) و اگر پیروزی و غنیمتی

فَضْلٌ مِنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَنْ لَمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِي

از سوی خداوند نصیب شما شود، چنان که گویی میان آنان و شما هرگز دوستی و رفاقتی نبوده [و او سردی می کشند] و می گویند: ای کاش

كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧٣﴾ فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

با آنان در جنگ حضور داشتیم، و در نهایت به پیروزی و غنیمتی بزرگ می رسیدیم؟! (۷۳) آنان که [بر اساس آگاهی و معرفتشان به حقایق، از زندگی ازود گذر و فانی]

الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي

دنیا را با آخرت [بر نعمت جاودانی] مبادله می کنند البته باید در راه خدا بجنگند، هر که در راه خدا بجنگد

سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٧٤﴾

و کشته شود یا بر دشمن پیروز گردد به زودی پاداش بزرگی به او عطا می کنیم (۷۴)

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ

شما را چه شده که در راه خدا و برای رهایی مردان و زنان و کودکانی که ابرار ستمکاری طاغوتیان در همه امور

وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا

و برنجبر استضعاف بسته شده اند و راه چاره بر آنان مسدود گشته انمی جنگید؟ آن مستضعفانی که همواره به پیشگاه خداوند ناله کرده، ای گویند: پروردگار! ما را از این

وَجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا ﴿٧٥﴾ الَّذِينَ

سپهری که اهلش ستمکارند خارج کن، و از سوی خود سرپرستی انجات بخش و یاری ادا سوزا برای ما قرار ده (۷۵) مؤمنان

آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ

در راه خدا می جنگند، و کافران در راه طاغوت یمنار می کنند

الظَّالِمِينَ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا ﴿٧٦﴾

بنابرین با یاران شیطان بجنگید! که یقیناً توطئه و نیرنگ شیطان در برابر اراده خدا و استقامت شما بی پایه و سست است (۷۶)

أَلَمْ نَرِ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ

ایا وضع و حال کسانی که ایش از نزول حکم جهاد به آنان گفته شد: دست از جنگ ایاز دارید، و افلا در این موقعیت، نماز را ابرایط و نه اش ابرخوابید و زکات بپردازید

فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ

ندانسته ای که به خاطر نبودن فرصت جنگ رنجیده خاطر شدند، و چون جنگ بر آنان واجب گشت ناگهان گروهی از آنان مانند ترس از انقبوت خدا،

أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كُنْتُ عَلَيْنَا الْقِتَالُ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَى أَجَلٍ

یا ترسی سخت تر از آن، از دشمن ترسیدند و [معتراضانه] گفتند: پروردگار! چرا جنگ را بر ما واجب کردی؟ و چرا ما را

قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى وَلَا تُظْلَمُونَ

تا زمانی نزدیک مهلت ندادی که به امور مان سر و سامان دهیم! بگو: کالای دنیا که به آن دل بسته اید و به این علت نمی خواهید از ترس کشته شدن به جنگ بروید! اندک اوفاتی است، و آخرت برای

فَنِيلاً ﴿٧٧﴾ أَيْمَاتُ كُونُوا بِرُكْمٍ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُشِيدَةٍ وَإِنْ

ان که از خدا اطاعت کرده و از معز مانش اجتناب داشتند بهتر است، و به انداز فرشته میان هسته خرما مورد ستم قرار نمی گیرند (۷۷) هر کجا باشید مرگ شعار ادر می باشد: هر چند در قلعه های

تُصِيبُهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا

محکم استوار باشید، اگر خبری اچون پیروزی و غنیمت به آنان [که منافق سستار اده و ترسوه ستند] برسد می گویند: این از سوی خداست، و اگر حادثه ای اچون شکست و ناگانی اچون چارشان گردد

هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ

می گویند: این از ناحیه اِسوء تدبیر و مدیریت اتوست، بگو: همه اچوبی ها و آسیب ها از ناحیه خداست که به صورت نتیجه اعمال درست و نادرست تحقق می یابد. این گروه را چه شده که

يَفْقَهُونَ حَدِيثًا ﴿٧٨﴾ مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ

نمی خواهند اعارف الهی و حقایق را بفهمند؟ (۷۸) ای انسان! اچیز اچوبی هابه تومی رسد از سوی خداست، و هر چه از آسیب ها ادا منگیر تومی شود

سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴿٧٩﴾

از ناحیه خودتوست، ای پیامبر! و از اچوبی هایی که از سوی ماست این است که اچون ابرای مردم به پیامبری فرستادیم، و شاهد بودند خدا ابر پیامبری تو ايس است (۷۹)

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ

هر که از پیامبر اطاعت کند در حقیقت از خداوند اطاعت کرده است، و هر که از پیامبر ابروی برتابد حساب کارش بر عهده اوست، اما تو را بر آنان به عنوان

حَضِظًا ﴿٨٠﴾ وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ

اعمالشان که به اخبار از تفرقه ای حفظشان کنی از فرستادیم (۸۰) آنان را در حضور تو می گویند: [وظیفه ما] اطاعت از توست. ولی چون از نزد تو بیرون می روند گروهی

مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ

از آنان در شب نشینی ها می مخفیانه بر خلاف آنچه تو ابر اساس وحی می گویی اظهار نظر کرده و تدبیر می کنند، خداوند آنچه را در شب نشینی ها می مخفیانه

تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿٨١﴾ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ

می گویند از پیرونده اعمالشان می نویسد. از آنان روی برتاب و بر خداوند توکل کن اگر سزا بودن خداوند ابرای بندگان ابراست (۸۱) آیا در [معانی] قرآن تأمل نمی کنند

وَلَوْ كَانُوا مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا ﴿٨٢﴾ وَإِذَا

او با دیدن بصیرت به آن نظر نمی اندازند؟ چنانچه از جانب غیر خدا بود مسلماً اختلافات فراوانی در آن می یافتند (۸۲)

جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ

چون خبری از ایمنی و ترس یا امنیت پیروزی و شکست به آنان [که مردمی سست ایمان یا عاقلند] برسد، آن را [تحقیق نکرده در میان مردم] شایع می کنند، در حالی که اگر [ایشان]

وَإِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلَّهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ

از شایع کردنش آن را به پیامبر و اولیای امورشان [که صاحبان درایت و بینشند] رجوع می دادند آنان [با دلایل و قرائن، درستی و نادرستی] امری را یافتند و [شمار] به اصل موضوع

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٨٣﴾

اگر آدمی ساختند چنانچه احسان و رحمت خداوند بر شما نبود جز عده اندکی همه از شیطان پیروی می کردند، [و از حق و انجام تکالیف به ویژه جهاد در راه خدا] فاصله

فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَأُنْكَفُ الْأَنْفُسَ وَخَرَضَ الْمُؤْمِنِينَ

می گرفتند (۸۳) اکنون که بسیاری از مردم به دنبال شایعات بی اساس و دلپراور، از رفتن به جنگ امتناع می کنند [خودت در راه خدا به جنگ برو و آن نسبت به خودت مکلف هستی]

عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكْفِ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ

مؤمنان را نیز به جنگ با دشمن [تشویق کن] امید است خداوند آسیب و گزند کافران را [از تو و مؤمنانی که به مسئولیت های خود پایبند هستند] باز دارد، خداوند قدرتش

نُنْكَيلاً ﴿٨٤﴾ مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ

شدیدتر و عذابش سخت تر است (۸۴) هر کس برای تحقق هر کار خیری [واسطی] نیکی کند

مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا وَكَانَ

بهره فراوانی از آن برایش خواهد بود، و هر کس برای انجام هر شری [واسطی] ناپسند به میان آورد سهمی از وزر و وبالش نصیب اوست،

اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرًا ﴿٨٥﴾ وَإِذَا حُيِّتُمْ بِبَحِيَّةٍ فَحَيُّوا

خداوند همواره نگهبان بر هر چیزی است (۸۵) هرگاه از جانب کسی سخن پسندیده ای

بِأَحْسَنِ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا ﴿٨٦﴾

[چون سلام با عمل نیکی] به شما می رسد، نیکوتر از آن با همانندش را برای او تلاقی کنید، همواره خداوند محاسبه کننده همه چیز [حتی سلام و گار نیکی] است (۸۶)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ

خدا ای بکناست که هیچ معبودی جز او نیست، یقیناً همه شما را در روز قیامت که در اقرار سیدن آن هیچ شک نیست برای محاسبه اعمال جمع می کند،

أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا ۝ (۸۷) ۞ فَاَلْكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنَةً وَاللَّهُ

راستگو تر از خداوند از جهت گفتار چیست؟ (۸۷) شما را چه شده که در مورد منافقین دو گروه شده اید اگر واهی طرفدار و دسته ای مخالف، در صورتی که خداوند

أَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَنْ

آن را به کفر اعمال انان پسند انان در چه گمراهی انگو نثار کرده، آیا شما طرفداران انان می خواهید کسانی را که خدا گمراه کرده هدایت کنید؟

يُضِلُّ اللَّهُ فَلَئِنْ تَجَدَّلْتُمْ فِي سَبِيلِ ۝ (۸۸) ۞ وَذُوالْوَتَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا

در حالی که ای پیامبر! خداوند هر کس را گمراه کند هرگز برای او راهی به سوی هدایت نخواهی یافت (۸۸) انان از خود دارند همان گونه که خود کافرند

فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يَهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ

شما هم کافر شوید تا در کفر و ضلالت با هم یکسان باشید؛ بنابراین از انان دوستانی انتخاب نکنید، تا این که در راه خدا برای پیروفتن دین هجرت کنند،

اللَّهُ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا

اگر از هجرت روی گردانند [دلیل بر این است که بر کفر و نفاق پایبندند] پس انان را هر کجا یافتید بگیرید و بکشید!

مِنْهُمْ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ۝ (۸۹) ۞ إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ

و از انان برای خود سرپرست و یاور نگیرید (۸۹) مگر کسانی که به گروهی پیوندند که بین شما و ایشان

مِيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصْرَتُ صُدُورُهُمْ أَنْ يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ

پیمانی [چون پیمان متارکه جنگ یا پیمان های دیگر] است، یا در حالی که سینه هایشان از جنگ با شما یا با قوم خود به تنگ آمده باشد

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُوكُمْ فَإِنْ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ

نزد شما آیند، اگر خدا می خواست انان را بر شما مسلط می کرد، در آن صورت با شما می جنگیدند، پس اگر از شما کناره گرفته،

يُقَاتِلُوكُمْ وَالْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ

جنگ نکردند و پیشنهاد صلح و آشتی دادند [به انان تجاوز نکنید! زیرا] خداوند برای تجاوز به انان به شما

سَبِيلًا ۝ (۹۰) ۞ سَنَجِدُونَ الْآخِرِينَ يَرِيدُونَ أَنْ يُبَايِعُوا قَوْمَهُمْ

اجازه نداده است (۹۰) به زودی گروهی دیگر را می یابید که می خواهند [با این رنگ] از ناحیه شما و قوم خود در امان باشند، [اما به سبب خیانت باطنشان مورد

كُلِّ مَا رَدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكَسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا

اطمینان نیستند، به همین علت] هر بار به فتنه [و آشوب و جنگ با مسلمانان] دعوت می شوند با سر در آن می افتند، اگر از [جنگ با] شما کناره نگیرند و پیشنهاد

إِلَيْكُمُ السَّلَامَ وَيَكْفُوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ

صلح ندادند و [بر ضد شما] دست از فتنه و آشوب برنداشتند هر جا انان را یافتید بگیرید و به قتل برسانید!

تَقْفُتُمُوهُمْ وَأُولَئِكَ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا ۝ (۹۱) ۞

انانند که ما برای شما در گرفتن و کشتن انان دلیلی روشن قرار داده ایم (۹۱)

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا

شایسته هیچ مؤمنی نیست که مؤمنی را به قتل برساند مگر این که از روی اشتباه اتفاق بیفتد و کسی که مؤمنی را

خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَّةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهَا إِلَّا أَنْ

به اشتباه به قتل برساند باید برده مؤمنی را آزاد کند و خون بهایی به وارثان مقتول بپردازد مگر آن که

يَصَّدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ

خون بها را ببخشند اگر مقتول از گروهی باشد که دشمن شمايند ولی خود مؤمن است

رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ

فقط آزاد کردن یک برده مؤمن ابر عهده قاتل است و اگر مقتول مؤمن از گروهی باشد که بين شما

مِيثَاقٌ فَدِيَّةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهَا وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ

و آنان پیمانی برقرار است باید قاتل خون بهای مقتول را به وارثانش بپردازد علاوه بر آن

فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً

یک برده مؤمن را آزاد کند و کسی که برده ای نیافت باید دو ماه پیاپی روزه بگیرد

مِنْ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٩٢﴾ وَمَنْ

این حکم به سبب پذیرش توبه قاتل رحمتی از سوی خداست و خداوند همواره دانا و حکیم است (۹۲) هرکس

يَقْتُلَ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فِجْرًا أَوْ هُجْرًا جَاهِلِيًّا خَالِدًا فِيهَا

مؤمنی را عمداً به قتل برساند کیفرش دوزخ است که در آن جاودانه

وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا ﴿٩٣﴾ يَا

خداوند بود و خدا او را مورد خشم و لعنت قرار داده و عذابی بزرگ برایش آماده ساخته است (۹۳) یا

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا

ای مؤمنان! زمانی که برای نبرد با دشمن در راه خدا سفر می کنید درباره شناخت مؤمن از کافر تحقیق کامل کنید

لِمَنْ الْقَى إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتُ مُؤْمِنًا تَبْغُونَ

و به کسی که نزد شما اظهار اسلام می کند نگویید: تو مؤمن نیستی

عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ

این برای به دست آوردن کالای اندک و ناپایدار زندگی دنیا و اگر غنیمت می خواهید برای شما نزد خداوند غنائم جاوید فراوانی است

كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ عَلَيْكُمْ

ایمان شما هم پیش از این زبانی و ظاهری بود خداوند بر شما منت نهاد اینا به ایمان قلبی و ثابت رسیدید

فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿٩٤﴾

بنابر این باید درباره اشخاص تحقیق کامل کنید تا در مورد آن ها مرتکب خلافی نشوید خداوند همواره به آنچه انجام می دهید آگاه است (۹۴)

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِّ وَالْمُجَاهِدُونَ

مؤمنانی که بدون بیماری جسمی او بدون عذر دیگری در خانه نشینند او به جهاد نرفتنند با مجاهدانی که

فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ

با اموال و جانشان در راه خدا جهاد کردند یکسان نیستند، خداوند جهادگران با مال و جان را به مرتبه‌ای

عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى

مهم بر خانه نشینان برتری بخشیده است، و هر یک از این دو گروه را به تناسب ایمان و عمل صالحشان اوعده پاداش نیک داده، و جهادکنندگان را

الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٩٥﴾ دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا

بر خانه نشینان ای عذر ایه پاداشی بزرگ برتری داده است (۹۵) آن پاداش بزرگ ایه‌هایی از سوی خدا است و آنان را به امرزشی اویه می‌آمزد و ایه بر حقی اخاص مورد رحمت قرار می‌دهد.

رَحِيمًا ﴿٩٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْتُمُ الْمَلَائِكَةَ ظَالِمًا لِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ

خداوند همواره بسیار آمرزنده و مهربان است (۹۶) مسلمان کسانی که ایه ترک هجرت و ماندن زیر سلطه کافران ایه خودستم کردند چون فرشتگان مشغول قبض روحشان شوند به آنان گویند:

قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً

از نظر زندگی و دینداری ادر چه وضع و حالی بودید؟ می‌گویند: مادر زمین مستضعف اوفاق قدرت ابودیم. [فرشتگان اعی گویند: آیه زمین خدا

فَتُهَا جَرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَا وَاعَدُكُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿٩٧﴾ إِلَّا

یهناور نبود تا در آن ازمحیط کفر به دیار ایمان ایه هجرت کنید؟ اینان اکه پاداشتن قدرت و زمینه هجرت، ترک هجرت کرده و با فرهنگ کافران زیستند ایاگاهشان دوزخ است.

الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا

و دوزخ عاقبت بدی است! (۹۷) مگر مردان و زنان و کودکان مستضعفی که ابرای نجات خود از سرزمین کافران اهیج چاره‌ای ندارند

يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ﴿٩٨﴾ فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُو عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا

و راهی ابرای هجرت ا نمی‌یابند (۹۸) امید است خداوند از آنان بگذرد، خداوند همواره

غَفُورًا ﴿٩٩﴾ وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَافِعًا كَثِيرًا

گذشت‌کننده و بسیار آمرزنده است (۹۹) هر کس در راه خدا هجرت کند اقامتگاه‌های فراوان اکه در آن بتواند به آسانی به وظایفش عمل کند و یبینی دشمن را به خاک بمالد.

وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ

و اینزا فراخی امعیشت اخواهد یافت، و آن که از خانه‌اش به قصد هجرت به سوی خدا و پیامبرش بیرون رود سپس

فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٠٠﴾ وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي

مرگ او را دریابد همانا پاداشش بر خداست، خداوند همواره بسیار آمرزنده و مهربان است (۱۰۰) هنگامی که در زمین

الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ

سفر می‌کنید اگر بترسید از این که کافران آسیبی به شما وارد کنند بر شما باکی نیست که از نمازهای چهار رکعتی، دو رکعت

يُفْسِدَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا أَلَكُمُ عَدُوًّا مُبِينًا ﴿١٠١﴾

بکامید؛ زیرا کافران همواره دشمنان آشکار شمایند او از آسیب‌زدن به شما در هر موقعیتی امتناع ندارند! (۱۰۱)

وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ

هنگامی که در عرصه نبرد و میدان خطر را در میان مؤمنان باشی و بخوامی برای آنان اقامه نماز کنی، باید گروهی

مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ

از روزندگان در حالی که لازم است به اسلحه های خود مسلح باشند همراه تو اقامه نماز ایستند، چون سجده کردند اورکت دوم خود را بدون اتصال به جماعت به پایان برده

وَرَأَيْكُمْ وَلَتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَىٰ لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا

باید برای حفاظت از دیگر روزندگان ایشست سرتان قرار بگیرند، و آن گروه دیگر که به سبب مشغول بودن به حفاظت، نماز نخوانده اند بیایند و بآن نماز

مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَذَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ

بخوانند، آنان باید در حال نماز از هوشیاری و احتیاط نسبت به دشمنان غافل نباشند، و به اسلحه های خود مسلح باشند؛ چون کافران دوست دارند

تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْنَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً

شما از سلاح و سازوبرگ جنگی خود غفلت ورزید تا بی محابا بر شما هجوم آورند.

وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ مَطَرٍ أَوْ

و اگر از باران در زحمت هستید یا بیماری دارید بر شما باقی نیست

كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ

که سلاحتان را بر زمین گذارید، ولی باید هوشیاری و احتیاط خود را حفظ کنید، مسلما

اللَّهُ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ﴿١٠٢﴾ فَإِذَا قُضِيَّتِ الصَّلَاةُ

خداوند برای کافران عذاب خوارکننده ای آماده کرده است (۱۰۲) چون نماز را [در میدان جنگ] به پایان بردید

فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ

خدا را در حال ایستاده، و نشسته و خوابیده یاد کرده، [قلبا مورد توجه قرار دهید] چون از ناحیه دشمنان اطمینان یافتید

فَأَقِمْوُا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا

[که هجومی در کار نیست] نماز را [به صورت معمولش] اقامه کنید؛ زیرا نماز همواره در اوقاتی معین و وظیفه ای واجب

مَوْقُوتًا ﴿١٠٣﴾ وَلَا تَهِنُوا فِي ابْنِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ

بر عهده مؤمنان است (۱۰۳) در تعقیب دشمن سستی نکنید! اگر شما با جنگ با دشمنان به درد و رنج دچار می شوید

فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ

آنان نیز چون شما گرفتار درد و رنج می گردند، و شما چیزی را [چون پیروزی و پاداش] از خداوند امید دارید که آنان این امید را ندارند.

اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١٠٤﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ

خداوند همواره دانا و حکیم است (۱۰۴) همانا این کتاب را بر اساس درستی و راستی بر تو نازل کردیم

بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا ﴿١٠٥﴾

تا بین مردم به آنچه خداوند به تو آموخته داوری کنی، و [در داوری خود] حمایتگر خائنان مباش (۱۰۵)

وَأَسْتَغْفِرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٠٦﴾ وَلَا تَجَادِلْ عَنِ

از خداوند آمرزش بخواید زیرا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۱۰۶) از آنان که

الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنْفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَانًا

خائن به خود هستند دفاع مکن زیرا خداوند خیانت‌پیشه گناه‌کار را

أَثِيمًا ﴿١٠٧﴾ يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ

دوست ندارد (۱۰۷) اخنان روش خائنانه خود را از مردم پنهان می‌کنند درحالی‌که نمی‌توانند از خدا پنهان بدارند،

مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَىٰ مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ

وهمگامی که در جلسه پنهان شبانه، نقشه‌های خائنانه طرح می‌کنند، و مطالبی که خدا به آن رضایت نداشت می‌گفتند خدا با آنان بود، خداوند همواره به آنچه انجام می‌دهند

مُحِيطًا ﴿١٠٨﴾ مَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ جَادَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَمَنْ

احاطه [کامل] دارد (۱۰۸) بدانید! این شما [عشیره خنان] هستید که در زندگی دنیا از آنان دفاع کردید،

يُجَادِلُ اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْ مَنْ يَكُونُ عَلَيْهِمْ

پس چه کسی است که بتواند در قیامت از آنان در برابر خداوند دفاع کند؟ یا چه کسی است که [برای نجاتشان از دوزخ]

وَكَيْلًا ﴿١٠٩﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ

کارسازشان باشد؟ (۱۰۹) هرکس کار زیان‌باری [بر ضد کسی] انجام دهد یا [با عمل خلافی] بر خود ستم کند، سپس [با توبه واقعی]

يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١١٠﴾ وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا

از خدا آمرزش بخواید خدا را بسیار آمرزنده و مهربان خواهد یافت (۱۱۰) هرکس مرتکب گناهی شود فقط

يَكْسِبُهُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١١١﴾ وَمَنْ يَكْسِبْ

به زیان خود مرتکب می‌شود، خداوند همواره دانا و حکیم است (۱۱۱) هرکس مرتکب

خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا

خطا یا گناهی شود سپس آن را به پاکدامن بی‌گناهی نسبت دهد یقیناً بهتان و گناهی آشکار بر دوش گرفته است (۱۱۲)

﴿١١٢﴾ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ أَنْ

اگر احسان و رحمت خدا بر تو نبود گروهی از عشیره خنان تصمیم داشتند تو را [از داوری عادلانه]

يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِنْ شَيْءٍ

منحرف کنند، [این سبک‌مغزان خیال‌باف] جز خودشان را منحرف نمی‌کنند و هیچ زبانی به تو

وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ

نمی‌رسانند، خداوند کتاب و معارف استوار و سودمند را بر تو نازل کرده،

مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا ﴿١١٣﴾

و آنچه را نمی‌دانستی به تو آموخت، و همواره احسان خداوند بر تو بزرگ است (۱۱۳)

لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ

مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ

مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (۱۱۲) وَمَنْ يُشَاقِقِ

الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ

نُؤَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ ۖ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (۱۱۵) إِنْ كُنْ

لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرْ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ ۚ وَمَنْ

يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا (۱۱۶) إِنْ يَدْعُونَ مِنْ

دُونِهِ إِلَّا إِنَاثًا وَإِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا (۱۱۷) لَعَنَهُ

وَقَالَ لَا تَخِذَنَّ مِنْ عِبَادِي نَصِيبًا مَفْرُوضًا (۱۱۸) وَلَا ضَلَّتْهُمْ

وَلَا مَنَّبَتْهُمْ وَلَا مَرَّتَهُمْ فَلْيُبَيِّنْ لَكُمْ آيَاتِي الَّتِي أَنْزَلْتُ

فِي الْقُرْآنِ ۚ فَلْيُحَذِّرُوا بَنِي إِسْرَءِيلَ أَنْ يَدْعُوا بِهِ آلِهَتَهُمْ ۚ

وَلْيَذَكِّرُوا أَنَّهُمْ لَكَاظِمَاتٌ وَمَا يُخَوِّفُونَ إِلَّا الْبَشَرُ ۚ

وَلْيَذَكِّرُوا أَنَّهُمْ لَكَاظِمَاتٌ وَمَا يُخَوِّفُونَ إِلَّا الْبَشَرُ ۚ

وَلْيَذَكِّرُوا أَنَّهُمْ لَكَاظِمَاتٌ وَمَا يُخَوِّفُونَ إِلَّا الْبَشَرُ ۚ

وَلْيَذَكِّرُوا أَنَّهُمْ لَكَاظِمَاتٌ وَمَا يُخَوِّفُونَ إِلَّا الْبَشَرُ ۚ

وَلْيَذَكِّرُوا أَنَّهُمْ لَكَاظِمَاتٌ وَمَا يُخَوِّفُونَ إِلَّا الْبَشَرُ ۚ

وَلْيَذَكِّرُوا أَنَّهُمْ لَكَاظِمَاتٌ وَمَا يُخَوِّفُونَ إِلَّا الْبَشَرُ ۚ

وَلْيَذَكِّرُوا أَنَّهُمْ لَكَاظِمَاتٌ وَمَا يُخَوِّفُونَ إِلَّا الْبَشَرُ ۚ

وَلْيَذَكِّرُوا أَنَّهُمْ لَكَاظِمَاتٌ وَمَا يُخَوِّفُونَ إِلَّا الْبَشَرُ ۚ

وَلْيَذَكِّرُوا أَنَّهُمْ لَكَاظِمَاتٌ وَمَا يُخَوِّفُونَ إِلَّا الْبَشَرُ ۚ

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ

مؤمنانی که کارهای شایسته انجام داده‌اند یقیناً در بهشت‌هایی که

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ

از زیر درختان آتان نهرها جاری است و در آن همواره جاودانه‌اند، و وعده خداوند [در باره بهشت و دوزخ] حتمی و تغافل‌ناپذیر است.

أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا (۱۲۲) لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ

و استغوث از خدا از نظر گفتار کیست؟ (۱۲۲) اباداش و کفر نه بر وفق آرزوهای ای دلایل برخی از شما

الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ

[مسلمانان] است، و نه بر وفق آرزوهای اوهای یهود و نصاری، هرکس مرتکب کار زشتی شود به آن کفر داده می‌شود.

وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۱۲۳) وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ

و در برابر خداوند سرپرست و یاری نخواهد یافت (۱۲۳) کسانی از مردان یا زنان که بخشی

أَنْتَ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ

از کارهای شایسته را انجام دهند، در صورتی که مؤمن باشند وارد بهشت می‌شوند.

نَقِيرًا (۱۲۴) وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ

و به اندازه فرورفتگی پشت هسته خرما مورد ستم قرار نمی‌گیرند (۱۲۴) دین چه کسی بهتر است از انسانی که همه وجودش را تسلیم خدا کرده.

وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا (۱۲۵)

خوبی‌ها را انجام می‌دهد [و از محرمات می‌پرهیزد، و پیرو آیین ابراهیم یکتاپرست است؟ خداوند ابراهیم را [به سبب یکتاپرستی و کمالاتش]

وَاللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ

به عنوان دوست خود انتخاب کرده است (۱۲۵) آنچه در آسمان‌ها و در زمین است فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، خداوند همواره

مُحِيطًا (۱۲۶) وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ

بر هر چیزی احاطه دارد (۱۲۶) درباره [حقوق] زنان از تو فتوا می‌خواهند، بگو: فقط خداوند درباره آنان

فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ

[مطابق احکامی که در اوایل همین سوره گذشت] به شما فتوا می‌دهد، و درباره زنان [جوان] یتیمی که

الَّتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ

حقوق مقرر آنان را نمی‌پردازید و به نیت خوردن اموالشان اتمایل به ازدواج با آنان دارید، ابرابر احکامی که در این کتاب بر شما خوانده می‌شود فتوا می‌دهد،

وَالْمُسْتَضَعْفِينَ مِنَ الْوِلْدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْبَيْتِ

و نیز درباره [کودکان مستضعف] فتوا می‌دهد احکامی است که در قرآن بر شما تلاوت می‌شود، [خداوند به شما سفارش می‌کند که] بایتمیان

بِالْقِسْطِ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا (۱۲۷)

به عدالت رفتار کنید، آنچه را [در باره زنان و زنان جوان یتیم و کودکان مستضعف] از هر گونه خیر و نیکی انجام می‌دهید مسلماً خداوند همواره به آن داناست (۱۲۷)

وَأِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ

اگر زنی از دلسازی و بی محبتی شوهرش را از روی برتافتن او از حقوق همسر داری ایمنگ است، اینای زندگی را منلاشی نکنند چون این دو گناه هی نیست

عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ

که باید که هر دو در صلح و آشتی در آیند اگر چه به چشم پوشی بخشی از حقوقشان باشد و البته صلح و آشتی بهتر است و بخل در طبیعت انفس مردم عجب است (۱ به این

الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا

عملت هر یک از دو زوج در سازش و گذشت و ادای حق بخل می ورزند و اگر اشما شوهران اینکی کنید و از سر کشی و ناسازی و روی برتافتن از ادای حقوق زنان بپرهیزید (از پاداش

تَعْمَلُونَ خَيْرًا ۝ ۱۲۸ وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ

حق می رسد می شود مسلم خداوند همواره به آنچه انجام می دهید آگاه است (۱۲۸) شما هر چند حریص بر عدالت باشید هرگز نمی توانید از نظر محبت و میل قلبی میان

حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوا مَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَ

زین هالی که در عقد خود در بداهه عدالت رفتار کنید پس شوق و رغبت خود را به طور کامل متوجه یک طرف انسانید تا دیگری را به صورت زنی اسیر گردان او محروم از شوهر او را کنید

إِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ ۱۲۹ وَ

اگر توافق و سازش به خرج دهید و از امور خلاف و ضد اخلاق در محیط همسر داری بپرهیزید امور دآمزش قرار می گیرید از بر خداوند همواره بسیار آمرزنده و مهربان است (۱۲۹)

إِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا

اگر از زن و شوهر راهی برای صلح و سازش نیافتند و از یکدیگر جدا شوند خداوند هر یک را از توانگری خود بی نیاز می کند، خداوند

حَكِيمًا ۝ ۱۳۰ وَاللَّهُ مَالِي السَّمَوَاتِ وَمَالِي الْأَرْضِ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا

همواره بسیار عطا کننده و حکیم است (۱۳۰) آنچه در آسمان ها و زمین است فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، البته

الَّذِينَ آوَوْا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ وَإِ

ما به کسانی که پیش از شما کتاب امانی عطا کردیم و نیز به شما سفارش کردیم که در همه امورتان از خداوند اطاعت کرده و از محرماتش بپرهیزید و هشدار دادیم که اگر

تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَالِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا

کفر ورزیده احقاقیر التکار کنید زانی به خدانمی رسانید زیرا آنچه در آسمان ها و زمین است فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، و خداوند همواره

حَمِيدًا ۝ ۱۳۱ وَاللَّهُ مَالِي السَّمَوَاتِ وَمَالِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ

بی نیاز و ستوده است (۱۳۱) آنچه در آسمان ها و زمین است فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، و خداوند برای کارسازی

وَكَلِيلًا ۝ ۱۳۲ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِالْآخِرِينَ وَكَانَ

ا همه امور جهان هستی پس است (۱۳۲) ای مردم اگر خداوند بخواهد همه شما را نابود می کند و گروه دیگری را (به جایتان) می آورد

اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ قَدِيرًا ۝ ۱۳۳ مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ

زیرا خداوند همواره بر این کار تواناست (۱۳۳) کسی که فقط غنیمت و پاداش دنیا را بخواهد دچار اشتباه و کوتاهی بینی شده؛ زیرا

ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ۝ ۱۳۴

غنیمت و پاداش دنیا و آخرت (که محصول ایمان و عمل و تقواست) نزد خداست، خداوند همواره شنوا و بیناست (۱۳۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ

آیا مؤمنان! در همه امور زندگی قیام کننده به اجرای عدالت، و گواهی دهنده برای خدا باشید هر چند

أَنفُسُكُمْ أَوْ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ

وهرمان خود یا پدر و مادر یا نزدیکان باشد، اگر یکی از دو طرف نزاع اتوانگر باشد، به سبب لحاظ کردن وضعشان، بر خلاف خدا گواهی ندهید از برای خداوند

أُولَىٰ بِهِمْ فَلَا تُتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوْا أَوْ تَعْرَضُوا

به احکامات از آنان سزاوارتر است پس در هنگام گواهی دادن از خواسته های نامشروع پیروی نکنید که اینها بنا بر حق منحرف شوید و اگر به انحراف روی آورید یا

فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٣٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا

از گواهی دادن امتناع کنید مسلماً خداوند همواره به آنچه انجام می دهید آگاه است (۱۳۵) ای مؤمنان! به خداوند

بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي

و پیامبرش و کتابی که به رسولش نازل کرده، و به کتابی که

أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ

پیش از این فرستاده، از روی صدق و حقیقت ایمان بیاورید هر کس به خدا و فرشتگان و کتاب های آسمانی و پیامبران او

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿١٣٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ

و روز قیامت کافر شود مسلماً به گمراهی دوری [که هرگز هدایت نخواهد یافت] دچار شده است (۱۳۶) کسانی که مؤمن شدند سپس

كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أَدُّوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ

کفر ورزیدند، باز مؤمن شدند و بار دیگر به کفر گراییدند، آن گاه بر کفر خود افزودند، خداوند بر آن نیست که آنان را بیامرزد،

وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا ﴿١٣٧﴾ بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٣٨﴾

و به راه [راست] هدایت کند (۱۳۷) منافقان را خبر ده که حتماً برای آنان عذابی دردناک است (۱۳۸)

الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيْبُنْغُونَ

همان کسانی که کافران را به جای مؤمنان سرپرست و دوست خود انتخاب می کنند، آیا قدرت را

عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ﴿١٣٩﴾ وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي

نزد آنان می طلبند؟ یقیناً همه قدرت فقط ویژه خداست (۱۳۹) همانا خداوند این حکم را

الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا

در قرآن بر شما نازل کرده است که: چون با خبر شوید [گروهی] آیات خدا را مورد انکار و مسخره قرار می دهند

تَقْعُدُوا أَمْعَمًا حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلَهُمْ

با آنان ننشینید تا در سخنی دیگر درآیند، اگر بنشینید شما هم [در به دوش کشیدن بار انکار، و مسخره کردن آیات، مانند آنان خواهید بود،

إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا ﴿١٤٠﴾

یقیناً خداوند همه منافقان و کافران را در دوزخ جمع خواهد کرد (۱۴۰)

الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ

هم آنان که به انتظار حوادث نقلی برای شما بودند، اگر از سوی خداوند پیروزی نصیب شما شود، می گویند: ما که

مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ

داران شما را جنگ است و این سهم ما را بخانه ببر دارد. و اگر برای کافران بهره ای باشد این امر می گویند: آیا ما که در جبهه مسلمانان و دشمنان

وَمَنْعَكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ

در شما تسلط نداشته ایم. اولی شعار از سوی مسلمانان باز داشتیم، پس سهم ما از غنیمت بدهید. خداوند روز قیامت بین شما داری می کند.

يَجْعَلُ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (۱۴۱) إِنَّ الْمُنَافِقِينَ

و خداوند هرگز هیچ سله ای را به سود کافران بر ضد مؤمنان قرار نداده است (۱۴۱) منافقان همواره به خدا

يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى

بزرگ می زنند در حالی که خداوند کفر دهنده او باطل کننده آنان است، چون به نماز مشغول شوند با کسالت نماز می خوانند

بُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا (۱۴۲) مُذَبْذَبِينَ بَيْنَ

و در برابر مردم صادقانی را کارانه انجام می دهند. و خدا را جز اندکی یاد نمی کنند (۱۴۲) در حالی که این دورویان تبه کار ایمان کفر و ایمان سرگردانند

ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَهُ

نه با مؤمنانند و نه با کافران، هر که را خدا ایه کفر نفاش در گمراهی بیندازد هرگز برای او راهی ایه سوی هدایت نخواهی یافت (۱۴۳)

سَبِيلًا (۱۴۳) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ

ای مؤمنان! کافران را به جای مؤمنان [ثابت قدم] به سرپرستی و یاری خود انتخاب نکنید!

دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا اللَّهَ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا (۱۴۴)

ایا می خواهید ایا این کارا در پیشگاه خداوند بر ضد خود برای عذابتان در دنیا و آخرت [دلیلی آشکار قرار دهید؟] (۱۴۴) قطعاً منافقان

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَهُمْ نصِيرًا

در پایین ترین طبقه از آتش دوزخند، و هرگز برای [نجات] آنان یآوری نخواهی یافت (۱۴۵)

(۱۴۵) إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا

جز کسانی که از گناه بزرگ نفاق توبه نموده و [مفسد ظاهری و باطنی خود را] اصلاح کردند، و به خداوند تمسک جستند و عبادتشان را

دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِ اللَّهُ

برای خدا خالص کردند، پس ایا این شرایط در زمره مؤمنانند؟ خداوند به زودی

الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (۱۴۶) مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ

به مؤمنان پاداشی بزرگ خواهد داد (۱۴۶) اگر سپاس گزار انعمت های بی شمار حق باشد

شَكَرْتُمْ وَأَمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا (۱۴۷)

و سادفانه ایمان بیاورید خدا را با عذاب شما چه کار؟ خداوند همواره پاداش دهنده و داناست (۱۴۷)

لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ

خداوند افشای بدی [های مردم] را دوست ندارد مگر [برای] کسی که مورد دستم قرار گرفته [و برای] دفع ستم چاره‌ای جز افسانیدن داشته باشد؛ [خداوند

سَمِيعًا عَلِيمًا ﴿١٤٨﴾ إِنْ تُبَدُّوْا خَبْرًا أَوْ تُخَفُّوْهُ أَوْ نَعْفُوْا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ

شنوای [بالاتر] است و دانای [به وضع ستمکار است] ۱۴۸ اگر کار خبری [الشکار انجام دهید] یا [را بنهان دارید] باز بدی [دیگران در حق خودتان] گذشت کنید

اللَّهُ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا ﴿١٤٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ

[اگر] می‌مورد رضای خدا انجام داده‌اید؛ [مسلمانا] خداوند همواره گذشت‌کننده و توانا است (۱۴۹) ای [تردید] کسانی که به خدا و پیامبرانش کفر می‌ورزند

يُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ

و می‌خواهند بین خدا و پیامبرانش [به این که برخی از اینان] فرستاده خدا نیستند [جدایی اندازند] و می‌گویند: به بعضی ایمان می‌آوریم

وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا ﴿١٥٠﴾

و منکر برخی دیگر می‌شویم، و می‌خواهند [ایمان کفر و ایمان] راه [سومی] انتخاب کنند [بسیار ابله‌اند] (۱۵۰)

أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا ﴿١٥١﴾

اینان کافر واقعی‌اند، ما برای کافران عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده‌ایم (۱۵۱)

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ أُولَٰئِكَ

آنان که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده و میان هیچ‌یک از آنان جدایی نینداختند خداوند

سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٥٢﴾ يَسْأَلُكَ أَهْلُ

پاداششان را عطا می‌کند؛ خداوند همواره بسیار آمرزنده و مهربان است (۱۵۲) یهودیان

الْكِتَابِ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا

از تو می‌خواهند از آسمان [علم خداوند] کتابی برای آنان نازل کنی، [این باز یگران زشت‌باطن] بزرگتر از آن را

مُوسَىٰ أَكْبَرُ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرَنَا اللَّهُ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ

از موسی خواستند، [خواستند آنان این بود] که گفتند: خدا را آشکارا به ما نشان بده. پس به کیفر ستمشان

بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ

صاعقه آنان را فراگرفت، سپس بعد از آن که [بر ضرورت پرستش معبودیگانه] دلایل روشن برای آنان آمد [گوساله] را [به عنوان معبود] انتخاب کردند،

فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ وَآتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطَانًا مُّبِينًا ﴿١٥٣﴾ وَرَفَعْنَا

و ما از این [گناه] زشت بعد از توبه آنان [درگذشتیم] و به موسی معجزات و دلایل آشکار دادیم (۱۵۳)

فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِثْقَالِ هَمِيمٍ وَقُلْنَا لَهُمْ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَ

و کوه طور را به خاطر پیمان استوارشان [برای پذیرفتن نبوت موسی و عمل به تورات] بر فرازشان برافراشتیم، و به آنان گفتیم: با فروتنی از دروازه شهر درآید،

قُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِثْقَالَ غَلِيظٍ ﴿١٥٤﴾

و نیز اعلام کردیم: روز شنبه [از حکم حرمت صید ماهی] تجاوز نکنید، و از آنان [برای اجرای این حکم] پیمانی محکم گرفتیم (۱۵۴)

فِيمَا أَنْقَضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ وَكَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ

پس به کفر و بیعت شکنی آنان و کفر و زنی شان به آیات خدا و ظالمانه کشتن انبیاء و کفر با این پایه باطل آنان امین بر این که دل هایمان در پوشش است و بوند

حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ

حقی کلام حق را نمی فهمیم از رحمت خود دور شان کردیم بلکه خداوند به سبب کفر شان بر دل هایشان مهر امحور و محبت از فهم حقایق ازل به این سبب

إِلَّا قَلِيلًا ۝ (۱۵۵) وَبَكَرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ نَحْنُ أَكْثَرُ ۝ (۱۵۶) وَ

جز قشکی عارض نمی شوند (۱۵۵) و بکفر و زنی شان است به نبوت عیسی او کفر شان در باره مریم ایاکدامن و وارسته که نهان بزرگی بود مستحق عذابان ساختیم (۱۵۶)

قَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ

و به سبب این کفر اسرار دروغ ایشان که گفتند ما عیسی بن مریم فرستاده خدا را کشتیم به خواری دنیا و آتش دوزخ محکومان کردیم در صورتی که او را نکشتند

وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ

و به صلیب نیاویختند بلکه اشخاص دیگری به جای عیسی بر آنان مشتبه شد و مشتبه شدند به صلیب کشیدند و آنان که در باره وضع او دچار اختلاف شدند در موردی در تردیدند

مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا ۝ (۱۵۷) بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ

و جز پیروی از گمان واهی هیچ آگاهی به اسرگشت عیسی ندارند و یقینا او را نکشتند (۱۵۷) بلکه خداوند او را به سوی خود

إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ۝ (۱۵۸) وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ

بالا برد خداوند هموار و توانای شکستناپذیر و حکیم است (۱۵۸) از اهل کتاب احدی نیست مگر آن که پیش از مرگش به عیسی ایمان می آورد که او فرستاده خدا و بنده او و مؤمن دهنده

بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا ۝ (۱۵۹) فَبِظُلْمٍ مِنَ

به ظهور محض است و حال آن که ایمان در آن لحظه سودبخش نیست و عیسی در قیامت بر باطل بودن عقاید و اعمال آنان شاهد است (۱۵۹) پس به کفر و ستمی که

الَّذِينَ هَادُوا وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدٍّ لَهُمْ عَنْ

یهودیان به آیات خدا و بر خود و بر دیگران و این آسمانی مسیح را روا داشتند و به سزای آن که بسیاری از مردم را از اسلام و راه خدا مانع شدند چیزهای پاکیزه دلپذیری

سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا ۝ (۱۶۰) وَأَخَذَهُمُ الرَّبُّوا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ

امانتدشیر به حیوانات جری و سیدهای در روز شنبه را که برای آنان حلال بود حرام کردیم (۱۶۰) و این به سبب این باگرفتند که اموکدا از آن نهی شده بودند و خوردن

أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۝ (۱۶۱)

اموال مردم از راه نامشروع احلال های خدا بر آنان حرام شد و ما برای کافران از آنان عذابی دردناک آماده کرده ایم (۱۶۱)

لَكِنَّ الرَّاكِبِينَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ

ولی در بین آنان ثابت قدمان در دانش که از برکت دانششان تسلیم حق شدند و مؤمنانی که به آنچه بر تو و آنچه پیش از تو

وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ

نازل شده ایمان دارند به ویژه خوانندگان نماز با شرایط ویژه اش و پرداخت کنندگان زکات

الْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَٰئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا ۝ (۱۶۲)

و ایمان آورندگان به خدا و قیامت همه و همه اجمعی هستند که بهزودی پاداش بزرگی عطایشان خواهیم کرد (۱۶۲)

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَ

ما به سویی تو وحی فرستادیم همان گونه که به نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم.

أَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ

انیزا به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و

وَعِيسَى وَآيُوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسَلِيمَانَ وَآتَيْنَا

و نوادگانشان اکه دارای مقام نبوتند، و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی کردیم.

دَاوُدَ زَبُورًا ﴿١٦٣﴾ وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا

به داود «زبور» بخشیدیم (۱۶۳) و [به] پیامبرانی [وحی فرستادیم] که سرگذشتشان را پیش از این برایت گفتیم.

لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا ﴿١٦٤﴾ رُسُلًا

و انیز به [پیامبرانی] [وحی کردیم] که داستانشان را برایت حکایت نکردیم، و خداوند بی واسطه و به صورتی ویژه با موسی سخن گفت (۱۶۴)

مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ

پیامبرانی که مژده رسان و بیم دهنده بودند تا برای مردم [چه در دنیا و چه آخرت] در پیشگاه خداوند پس از فرستادن پیامبران، حجت و عذری [برای کافر بودنشان]

الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٦٥﴾ لَكِنَّ اللَّهَ يَشْهَدُ بِمَا

نمایشد؛ خداوند همواره توانای شکست ناپذیر و حکیم است (۱۶۵) [معاندان اهل کتاب نزول وحی را بر تو قبول ندارند] ولی خداوند

أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ

به [حقانیت] آنچه بر تو به علم و دانشش نازل کرده گواهی می دهد، و فرشتگان [هم] گواه [نزول وحی بر تو] هستند؛ گرچه

شَهِيدًا ﴿١٦٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا

گواهی خداوند پس است (۱۶۶) آنان که آلوده به کفرند و [مردم را] از [قرار گرفتن در] راه خدا بازداشتند

ضَلَالًا لَابْعِيدًا ﴿١٦٧﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ

مستجاب گمراهی دوری [که هرگز در آن دسترسی به هدایت ندارند] افتاده اند (۱۶۷) بی تردید آنان که کفر ورزیدند و [به آیات خدا و خود و دیگران] استم کردند،

لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا إِلَهُ دِينَهُمْ طَرِيقًا ﴿١٦٨﴾ إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ

خداوند بر آن نیست که آنان را ببامرزد، و به راهی [که ضامن خیر دنیا و آخرت است] هدایتشان کند (۱۶۸) مگر به راه دوزخ،

فِيهَا أَبَدًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿١٦٩﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ

در حالی که در آن همواره جاودانه اند که این [جاودانه ساختنشان در دوزخ] بر خدا آسان است (۱۶۹) ای مردم!

جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ وَإِنْ تَكْفُرُوا

حقایمیری از سوی پروردگارتان به درستی و راستی به سویتان آمد، پس به او مؤمن شوید که به خیر شماست، و اگر کافر شوید [و نبوتش را انکار کنید] بدانید

فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١٧٠﴾

خدا [از شما و ایمانتان] بی نیاز است؛ زیرا [آنچه در آسمان ها و زمین است در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، و خداوند همواره دانا و حکیم است] (۱۷۰)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ

ای اهل کتاب! در دینتان غلو (او گرفته) گوی! ندانسته باشید، (و از چار چوب آيات حق و تعالیم پیامبران خارج نشوید) و درباره خداوند، جز

إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ

در راستی و در سنی سخن نگویید! (حقیقت) جز این نیست که مسیح عیسی بن مریم فرستاده خدا، و کلمه (یعنی مخلوق) اوست که او را به مریم القادری و

أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَأَمْنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ

این عبد صالح، (روحی از سوی خداوند است، پس به خدا و پیامبرش ایمان آورید، و نگویید خدا (ترکیبی از سه) عنصر «آب» و «آب» و «روح القدس» است)

إِنَّهُوَ أَخْبَرُ الْكُفْرِ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهُ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ

(از این عقیده باطل) (ایر) بپندید که به خیر دنیا و آخرت اشیاست، جز این نیست که خداوند معبود یکتاست، (و در ذات بی نهایتش ترکیبی وجود ندارد، (از این که دارای

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا (۱۷۱)

فرزندی باشد پاک و منزله است، آنچه در آسمان ها و زمین است فقط مملوک اوست، خداوند از نظر کارسازی (و تدبیر همه امور هستی) آیس است (۱۷۱)

لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ

مسیح از این که بنده و پرستنده خدا باشد هرگز امتناع ندارد، فرشتگان

الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ

مقرب هم (از بنده بودن) سر بر نمی تابد، آنان که رویگردان از بندگی خداوند، و (در برابر پروردگارا) متکبرند

فَسَيَحْشُرُهُمُ إِلَيْهِ جَمِيعًا (۱۷۲) فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

قطعاً خدا همه آنان را (برای جاسازی) به سوی خود جمع خواهد کرد (۱۷۲) اما آنان که مؤمن شدند و کارهای

الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَأَمَّا

شایسته انجام دادند پاداششان را به طور کامل می دهد، و از احسانش بر آنان می افزاید، ولی

الَّذِينَ اسْتَنْكَفُوا أَسْنُكُورًا فَيَعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

کسانی که (از ایمان و عمل صالح) امتناع ورزیدند و (در برابر پروردگارا) تکبر کردند به عذاب دردناکی عذابشان می کند،

وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۱۷۳) يَا أَيُّهَا النَّاسُ

و (برای نجات خود) (در برابر خداوند دوست و یاری نخواهند یافت) (۱۷۳) ای مردم!

قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا (۱۷۴)

به یقین از سوی پروردگارتان برای شما برهان و براهین آمده، و نیز نوری روشنگر (راهدایت) مانند قرآن (به جانب شما فرستادیم) (۱۷۴)

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي

در نتیجه آنان که به خداوند ایمان آوردند و به او تمسک جستند قطعاً

رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَبِهِدِيمٍ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا (۱۷۵)

در رحمتی ویژه و احسانی از نزد خود واردشان خواهد کرد، و به سوی خود به راه راست هدایتشان می کند (۱۷۵)

يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنْ امْرُؤٌ هَلَكَ

از تو درباره کلاله یعنی برادران و خواهران میراث را فتوا می خواهند، بگو: خداوند درباره کلاله به شما به این صورت فتوا می دهد:

لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ

اگر مردی بی فرزند از دنیا برود و خواهری داشته باشد، خواهر نصف میراث به جامانده ارث می برد، و اگر زنی بمیرد و جز یک برادر نداشته باشد:

لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الشُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَ

برادر، همه میراث به جامانده او ارث می برد، البته اگر زن فرزندی نداشته باشد، و اگر اورتان میت (دو خواهر باشند و سوم میراث او ارث می برند،

إِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلَّذَكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ

و اگر اورتان میت چند برادر و خواهر باشند سهم ارث هر مرد دو برابر زن است،

يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ تَضِلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٧٦﴾

خداوند احکامش را برای شما توضیح می دهد تا گمراه نشوید؛ خداوند به همه چیز داناست (۱۷۶)

سُورَةُ الْمَائِدَةِ

مَدَنِيَّةٌ
فِيهَا
۵ آيَاتٍ

آيَاتِهَا
۱۲۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ

ای مؤمنان! به همه قراردادهای خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نذرهای و سوگندها وفا کنید! گوشت چهارپایان دایمی،

إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرِ مُحْلِي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا

جز آنچه در آیات بعد حرام بودنش را بر شما خوانده می شود بر اینان حلال است، و در حالی که محرم به احرام حج یا عمره هستید نباید شکار را حلال بدانید، یقیناً خداوند آنچه را خواهد ابر اساس

بُرِيدٌ ﴿١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشُّهُرَ الْحَرَامَ

علم و حکمتش و در جهت مصلحت زندگی شما فرمان می دهد (۱) ای مؤمنان! اینک حرمت اشعار الهی (چون مناسک حج را بر خود مباح نشمارید) و نیز شکستن حرمت ماههای حرام،

وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ

قربانی بی نشان، قربانی نشاندار، و راهیان به سوی بیت الحرام را که خواهان احسان خشنودی

رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَتَائِنُ قَوْمٍ أَنْ

پروردگارشان هستند ابر خود را مدارید! چون از احرام درآمدید (در صورت تمایل می توانید) شکار کنید، و کینه توزی با گروهی که شما را

صَدُّكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا

از ورود به مسجد الحرام باز داشتند و ادارتان نکنند که به آنان ستم کنید (و حقوقشان را با ایمال سازید، و یکدیگر را بر انجام کارهای نیک و اطاعت از حق و ترک محرمات

تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢﴾

یاری کنید، و بر گناه و تجاوز از حدود الهی به یکدیگر کمک ندهید) و به فرمان بردن از خدا و اجتناب از محرماتش گردن نهید که خداوند سخت کیفر است (۲)

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهْلُ لَيْحٍ لِلَّهِ

وَالْمُنْخَفَقَةُ وَالْمَوْقُودَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا

مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَٰلِكُمْ

فِسْقٌ الْيَوْمَ يَمُوتُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَأَمِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ

الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْصَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ

غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝۳ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أَحَلَّ لَهُمْ قُلْ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتِ وَ

مَا عَلَّمْتُ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا

مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَانْقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ

سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝۴ الْيَوْمَ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتِ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا

الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ

وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ

أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ

بَكَفَرُ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ۝۵

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ

ای مؤمنان! هنگامی که بر ایستید، برای نماز بر روی بخشید صورت

أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى

دست‌هایتان را تا آرنج بشوید، و بخشی از سر و روی پاهایتان را

الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ

تا برآمدگی پشت آن‌ها مسح کنید، و اگر جنب باشید به غسل روی آورید و چنانچه بیمار هستید، یا

سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا

در سفر به سر می‌برید، یا یکی از شما از قضای حاجت آمده بود، یا با زنان آمیزش جنسی داشتید و آبی برای وضو و غسل نیافتید

مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ

به خاکی پاک تیمم کنید؛ به این کیفیت که بخشی از صورت و دست‌هایتان را به آن

مِنْهُ مَا بَرِيدٌ **اللَّهُ** لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَئِنْ بَرَدْتُمْ

مسح کنید! خداوند نمی‌خواهد [با تشریع احکامش] شما را به مشقت اندازد؛ بلکه می‌خواهد شما را

لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٦﴾

[از آلودگی‌ها] پاک کند، و نعمتش را بر شما تمام کند تا سپاس بگذارید (۶)

وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ **اللَّهُ** عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ

و نعمت‌های خدا را بر خود، و پیمان‌ش را [در لزوم اطاعت از او و پیامبرش] که شما را مؤکد به آن موظف داشته یاد کرده [قلباً مورد توجه قرار دهید]؛

إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاتَّقُوا **اللَّهُ** إِنَّ **اللَّهُ** عَلِيمٌ بِذَاتِ

آن‌گاه که گفتید: [به گوش قبول] شنیدیم و در مقام اطاعت برآمديم، از خداوند [اطاعت کرده، از محرماتش] بپرهیزید، قطعاً خداوند به اسرار و نیات

الصُّدُورِ ﴿٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ **لِللَّهِ**

باطن‌ها آگاه است (۷) ای مؤمنان! همواره [در همه امور] برای خدا قیام کنید

شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ

و بر اساس عدالت گواهی دهید و نباید دشمنی با گروهی شما را

أَلَّا تَعْدِلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا **اللَّهُ** إِنَّ **اللَّهُ**

از عدالت‌ورزی باز دارد، عدالت کنید که عدالت کردن به [اطاعت از حق و] پرهیز [از تجاوز از نزدیک‌تر است، از خداوند] فرمان برید، و از محرماتش [بپرهیزید]؛ زیرا

خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾ وَعَدَ **اللَّهُ** الَّذِينَ آمَنُوا وَ

خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است (۸) خداوند به آنان که ایمان آورده

عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٩﴾

و کارهای شایسته کرده‌اند وعده [حتمی] داده که برای آنان آمرزشی ویژه و پاداش بزرگی است (۹)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿١٠﴾

و کسانی که کفر کردند و آیات ما را منکر شدند اهل دوزخند (۱۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ

ای مؤمنان! نعمت خدا را بر خود یاد کرده، اقلبا مورد توجه قرار دهید! هنگامی که

قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ

گروهی قصد کردند برای نابود کردن شما به شما شبخون زنند نهایتا خداوند نوظنه آنان را از شما بازداشت.

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١١﴾ وَلَقَدْ

از خدا اطاعت کرده، از محرماتش بپرهیزید؛ و مؤمنان باید فقط بر خدا توکل کنند (۱۱) خداوند

أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَٰئِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ

از بنی اسرائیل ابر لزوم اطاعت از احکامش و پیروی از موسی! پیمان گرفت، و از آنان دوازده سرپرست

نَقِيْبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ

برائتکم خیمه اتا هر یک عهده دار امور قبیله ای باشد، و خداوند اعلام کرد: به یقین من باشمایم، اگر نماز را ابا شرایط ویژه اش بخوانید، و زکات

الزَّكَاةَ وَآتَيْتُمُ بَرُسُلِي وَعَزَرْتُمْهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا

سپردارید، و به پیامبران ایمان آورید و آنان را در اهدافشان یاری کنید، و برای اطلب خوشنودی! خداوند ابه نیازمندان وامی

حَسَنًا لَا تُكْفِرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَا دُخِلَنَّكُمْ

نیکیو عهد در این صورت گناهاتان را محو می کنم، و شما را

جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ

در بهشتی که از زیر درختان آن نهرا جاری است وارد می کنم، پس هرکس از شما

مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿١٢﴾ فِيمَا نَقَضْتُمْ

بعد از این پیمان به کفر روی آورد، قطعاً از راه راست منحرف شده است (۱۲) پس آنان را

مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ

به علت پیمان شکنی از رحمت خدا رانندیم، و دل هایشان را از پذیرش حق سخت او غیر قابل انعطاف!

الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ

قرار دادیم انا جایی که اوسته سخنان حق را از جایگاه های حقیقی اش برای گمراه اندن مردم تغییر می دهند، و بخشی از آنچه از معارف تورات را که

وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ

بوسیله آن پند داده شدیده فراموشی سپرده اوندیده گرفتند، و همواره از کارهای خائنه آنان جز اندکی از ایشان که وفادار به پیمان خدایند آگاه می شوی

فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣﴾

پس انا آمدن حکم جهاد از آنان بگذاشت! و از مجازاتشان چشم پوشی کن؛ زیرا خداوند نیکوکاران را دوست دارد (۱۳)

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا

از کسانی که مدعی نصرانیت بودند نیز بر لزوم اطاعت از احکام خود و پیروی از عیسی پیمان گرفتیم،

بِمَا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى

آنان بخشی از آنچه را از معارف انجیل که به وسیله آن بند داده شدند به فراموشی سپرده او نادیده گرفتند، بر این اساس بین آنان

يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنْذِرُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا

تا روز قیامت دشمنی و کینه انداختیم، و به زودی خدا آنان را از آنچه همواره انجام می دادند

يَصْنَعُونَ ﴿١٤﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا

آگاه می کند (۱۴) ای اهل کتاب! بقیما پیامبر ما به سوی شما آمد

يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ

در حالی که بسیاری از آنچه را شما از کتاب تورات و انجیل درباره نشانه های پیامبری او و قرآن همواره پنهان می داشتید

الْكِتَابِ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ

برای شما توضیح می دهد، و از بسیاری از مخفی کاری های ناروای شما هم چشم پوشی می کند، بقیما از سوی

اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ ﴿١٥﴾ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ

خداوند برای شما نور و کتابی روشنگر آمده است (۱۵) خداوند به وسیله آن

اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ

انور و کتاب، کسانی را که خواهان خشنودی او هستند به راه های سلامت هدایت می کند، و آنان را

الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ

به خواست خود از تاریکی ها (چون جهل، کفر، شرک و تکبر) به سوی نور (معرفت، ایمان، اخلاق و عمل صالح) می برد، و به راه راست

مُسْتَقِيمٍ ﴿١٦﴾ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ

هدایتشان می کند (۱۶) قطعاً آنان که گفتند: خدا همان

الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ

مسیح فرزند مریم است، بدون تردید کافر شده اند، بگو: اگر خداوند بخواهد

أَرَادَ أَنْ يَهْلِكَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَأُمُّهُ وَمَنْ

مسیح و مادرش و همه کسانی را که در زمین هستند

فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا

هلاک کند چه کسی می تواند در برابر اراده و قدرت او اختیار چیزی را داشته باشد [تا مانع این کار شود]؟ در حالی که مالکیت و فرمانروایی آسمان ها و زمین

بَيْنَهُمَا بِخُلُقٍ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٧﴾

و آنچه بین آن دو نیست فقط در سیطره خداست، هر چه را بخواهد می آفریند، و خداوند بر هر کاری تواناست (۱۷)

وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَ

یهود و نصاری گفتند: ما فرزندان خداوند و محبوبان اویم. بگو: اگر ادعای شما درست است! پس چرا عذاب میکند شما را به علت گناهانتان عذاب می کند! این گونه که می گویند نیست، شما هم بشری از جنس مخلوقات خداید، هر که را بخواهد می آمرزد.

يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَ

و هر که را بخواهد عذاب می کند، مالکیت و فرمانروایی آسمان ها و زمین و آنچه بین آن دناست فقط در سیطره خداست.

إِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿١٨﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ

و بازگشت به سوی اوست (۱۸) ای اهل کتاب! مسلماً پیامبر ما پس

عَلَىٰ فِتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ

سری شدن روزگاری از لفظاغ نبوت، در حالی به سوی شما آمده که آنچه را از احکام و معارف الهی به او وحی شده برای شما بیان می کند، که امروز قیامت در دادگاه

جَاءَكُمْ بِبَشِيرٍ وَنَذِيرٍ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٩﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ

خاسر سی انگیزید هیچ مرزدهنده و پیرسانی برای ما نیامد، بدون شک مرزدهنده و پیرسان به سوتان آمد، و خداوند بر هر کاری تواناست (۱۹) (به یاد آرید) هنگامی که

لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ

موسی به قومش گفت: ای قوم من! نعمت های خدا را بر خود یاد کرده، اقلباً مورد توجه قرار دهید، آن گاه که

وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَأَنْتُمْ كَمَا يُوتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿٢٠﴾

در بین شما پیامبرانی قرار داد و بعضی از شما را به پادشاهی رسانید، و آنچه به هیچ کس از جهانیان (روزگاران) نداده بود به شما عطا کرد (۲۰)

يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا

ای قوم من! به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقرر کرده درآیید، و (در برابر دشمن و رویارویی با اهل باطل) عقبگرد نکنید!

عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ ﴿٢١﴾ قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا

او تن به فرار ندهید! که از تپاده کنندگان (همه سرمایه وجودی خود) خواهید شد (۲۱) گفتند: ای موسی! همانا در آن جا مردمی

جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَنَنْدُخُلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا

زورگو و ستمگر هستند، و ما هرگز در آن جا وارد نمی شویم تا آنان از آن جا بیرون روند، اگر از آن جا بیرون روند

مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ ﴿٢٢﴾ قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ

البته ما وارد خواهیم شد (۲۲) دو مرد از کسانی که خدا ترس بودند

اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ

و خداوند به هر دو نعمت (ایمان و شهادت) داده بود گفتند: از این دروازه به آنان یورش برید! چون به آن جا درآید

غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٣﴾

بقیما بیروزید، و اگر مؤمن هستید فقط بر خداوند توکل کنید (۲۳)

قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَنَدُ خُلْهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَازْهَبْ أَنْتَ

گفتند: ای موسی! تا آنان در آنجا نمانند ما هرگز به آنجا وارد نمی‌شویم، پس تو و پروردگارت

وَرَبُّكَ فَقَانِلَا إِنَّا هُمُنَا قَاعِدُونَ ﴿٢٢﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ

بروید و با آنان بجنگید که ما [تا پایان کار و به دست آمدن فرصت ورود] در همین جا نشسته‌ایم (۲۲) [موسی] گفت: پروردگارا!

إِلَّا نَفْسِي وَآخِي فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٣﴾

من جز اختیار خود و برادرم را ندارم، پس بین ما و این گروه منحرف نافرمان جدایی [ندار] (۲۳)

قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتَيَهُونَ فِي الْأَرْضِ

[خداوند به کیفر نافرمانی بنی اسرائیل از پیامبرشان، حکم داد که: (و روزه) این سرزمین مقدس تا چهل سال بر آنان حرام شد، همواره در طول این مدت

فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٤﴾ وَآتِلْ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِ

در زمین [سینا] سرگردان خواهند بود، پس بر این گروه منحرف نافرمان غمگین مباش (۲۴) و داستان دو فرزند آدم را [که سراسر پند و عبرت است]

آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبِلُ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُقْبَلْ مِنْ

بر اساس درستی و راستی بر آنان بخوان، آن هنگامی که هر دو با انجام کار نیکویی [برای تقرب] به پروردگار اقدام کردند، از یکی پذیرفته شد و از دیگری قبول نشد، [آن که

الْآخِرُ قَالَ لَا فُتْلِكَ قَالَ إِنَّمَا يَنْتَقِبُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٢٥﴾

عملش مردود گشت از روی حسد و کینه به برادرش [گفت: (سوگند می‌خورم که) تو را احتمای کشم، (و در پاسخش] گفت: خداوند فقط از پرهیزگاران می‌پذیرد (۲۵)

لَنْ يَبْسُطَ إِلَيْكَ يَدَهُ لِنَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطِ يَدِي إِلَيْكَ لَا فُتْلَكَ

تو اگر برای کشتن من دست بگشایی من به قصد کشتن تو دست نمی‌گشایم؛

إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٦﴾ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ

[زیرا] از خداوند پروردگار جهانیان می‌ترسم (۲۶) من می‌خواهم به عوارض گناه [کشتن] من

فَتَكُونُ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ ﴿٢٧﴾

و گناه خود دچار شوی، و در نتیجه از دوزخیان باشی، و این کیفر ستمکاران است (۲۷)

فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٢٨﴾

پس به خود اجازه داد مرتکب قتل برادرش شود، در نتیجه او را کشت و از تباه‌کنندگان [همه سرمایه وجودی خود] شد (۲۸)

فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ بُوَارِي

نهایتاً [در کنار جسد برادرش سرگردان بود و فکرش به جایی نمی‌رسید، که] خداوند زاعی را برانگیخت که زمین را می‌کاود تا به او نشان دهد چگونه

سَوَاءَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَى أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا

جسد برادرش را دفن کند، [قاتل با دیدن عمل زاع] فریاد زد: وای بر من! آیا ناتوان از اینم که مانند این

الْغُرَابِ فَأَوَارِكُ سَوَاءَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ ﴿٢٩﴾

زاع باشم تا جسد برادرم را دفن کنم؟! سرانجام از پشیمانان شد (۲۹)

مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَءِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا

وہ این سبب یہ بنی اسرائیل سفارش کردیم: ہرکس انسانی را جز برای فحاشی

بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ

یا بدون این کہ در زمین بہ تہکاری و فتنہ انگیزی آلودہ شدہ باشد بہ قتل برساند چنان است کہ ہمہ انسان ہا را

جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ

بہ قتل رساندہ، و ہرکس شخصی را از مرگ برہاند و زندہ بدارد گویی ہمہ انسان ہا را زندہ کردہ است، ہمہ

جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ

پیامبران، دلائل روشنی برای بنی اسرائیل آوردند، آن گاہ بسیاری از آنان پس از آن

فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ ﴿٣٢﴾ إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ

در زمین بہ اسراف کاری او تجاوز از حدود الہی! برخاستند (۳۲) کفر آنان کہ با خدا و پیامبرش می جنگند

وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا

و در زمین بہ تہکاری و فتنہ انگیزی می کوشند فقط این است کہ بہ سختی کشتہ شوند، یا بہ دارشان بیاویزند

أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ

یا دست ہا و پاہایشان برعکس [یکدیگر؛ یعنی دست راست و پای چپ، یا دست چپ و پای راست] بریدہ شود، یا از وطن

الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ

تبعید شوند، این برای آنان در دنیا مایہ رسوائی و خواری است، و برای آنان در آخرت

عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٣٣﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ

عذاب بزرگی است (۳۳) مگر کسانی کہ پیش از دست یافتن آنان بہ آنان [بہ راستی و درستی] توبہ کنند،

فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ

بدانید کہ خداوند بسیار آمرزندہ و مہربان است (۳۴) ای مؤمنان!

وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ

از خداوند [اطاعت کردہ، و از محرماتش] بپرهیزید، و دستاویزی [چون ایمان و عمل صالح، و آبروی مقربان درگاہش را برای تقرب]

تُفْلِحُونَ ﴿٣٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَلَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا

بدستی او بخواہید، و در راہ او جہاد کنید تا [بر موانع راہ سعادت] پیروز شوید (۳۵) مسلماً کافران اگر

فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ

ہمہ آنچه در زمین است و همانند آن را مالک باشند تا آن را برای نجاتشان

يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٣٦﴾

از عذاب روز قیامت عوض دهند از آنان نپذیرند، و برای آنان عذاب دردناکی است (۳۶)

يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا لَهُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ

همواره می خواهند از آتش درآیند ولی از آن بیرون آمدنی نیستند، و برای آنان

عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٣٧﴾ وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا

عذاب پایدار است (۳۷) دزد مرد و زن دزد را به کیفر کار [زشتی] که انجام داده اند به عنوان مجازاتی

جَزَاءٌ بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٣٨﴾ فَمَنْ تَابَ

از سوی خداوند قطع کنید، خداوند [در تشویع احکام بر وفق مصلحت انسان ها] توانای شکست ناپذیر است (۳۸) کسی که

مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ

پس از ستم کردنش [چون عمل زشت نزدی، به اراده خودس و از روی صدق و درستی توبه کند، و] مفاصدهش را [اصلاح سازد، مسلماً خداوند توبه اش را می پذیرد؛

رَحِيمٌ ﴿٣٩﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

زیرا خداوند بسیار آموزنده و مهربان است (۳۹) آیا ندانسته ای که مالکیت و فرمانروایی آسمان ها و زمین در سیطره خداست؟

يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

هر که را بخواهد عذاب می کند، و آن را که بخواهد می آمرزد، خداوند بر هر کاری

قَدِيرٌ ﴿٤٠﴾ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ

تواناست (۴۰) ای پیامبر! کسانی که به سوی انکار حقایق می شتابند تو را غمگین نسازند،

فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنُ

چه آنان که به زیانشان اظهار ایمان کردند و دل هایشان ایمان نیاورده،

قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا وَاسْمَاعُونَ لَكَاذِبٌ سَمَاعُونَ

و چه آنان که یهودی اند و بسیار به سخنان دروغ گوش می دهند،

لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يَحْرِفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَا ضَعَبَ

و در برابر دیگر یهودیانی که از روی حسد و کبر نزد تو نیامده اند [برای جاسوسی آگوش به فرمانند،] هم آنان که [سخنان] اعدا در تورات را پس از استواری در جایگاه هایش

يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَ

[برای گمراه نمودن مردم] تغییر می دهند، و [به مقلدان و تابعان خود] می گویند: اگر [از جانب پیامبر، احکام و دستورهای] مطابق آنچه ما می گوئیم به شما داده شد

مَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا

پذیرید، و اگر [به مانند] آن به شما ابلاغ نشد از آن اجتناب کنید! کسانی که خداوند برای آنان عذاب بخواهد تو هرگز نمی توانی چیزی از [عذاب] اعدا را از آنان بر طرف کنی،

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي

اینان مردمی هستند که خداوند [به کیفر جنایاتشان] نخواست دل هایشان را از کفر و نفاق پاک کند،

الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٤١﴾

برای آنان در دنیا رسوایی و در آخرت عذاب بزرگی است (۴۱)

سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكْثَرُونَ لِلسَّحْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُمْ

آنان بسیار به سخنان دروغ گوش می دهند و با همه توان مال حرام می خورند، اگر نزد تو آمدند بین آنان در آنچه تو را داور قرار می دهند

بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَصُدُّوكَ

داوری کن، یا از آنان روی بگردان و اگر روی بگردانی هیچ زبانی به تو

شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ

نمی رساند، و چون بینشان داوری کردی به عدالت داوری کن زیرا خداوند عدالت پیشگان را

الْمُقْسِطِينَ ﴿٢٢﴾ وَكَيْفَ يُحْكُمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّورَةُ فِيهَا

دوست دارد (۲۲) اشکفتا چگونه تو را بین خود به داوری می پذیرند در حالی که تورات که در آن

حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ

حکم خداست نزد آنان است؟ آن گاه بعد از آن که بین آنان مطابق با تورات داوری کردی روی برمی تابند، و این روی برتابتن نشانه این است که آنان

بِالْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٣﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّورَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ

به تورات هم ایمان ندارند! (۲۳) مسلماً ما تورات را که در آن هدایتگری به سوی احکام و روشنگری نسبت به مسائل اعتقادی است نازل کردیم.

بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالشَّارِبَانِيُّونَ

بیاورانی که تسلیم خدا و وحی الهی بودند بر اساس تورات انا زمان ظهور مسیح بین یهودیان داوری می کردند، و نیز

وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ

انبوهی از الهی مسلکان که حفظ و حراست کتاب خدا از آنان خواسته شده بود، و بر درستی آن شاهد بودند

شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي

به وسیله آن به داوری می نشستند، پس ای دانشمندان یهود! از مردم بیم نداشته باشید، از من بترسید و آیات را

ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ

به بهایی اندک نفروشید! کسانی که بر اساس آنچه خداوند نازل کرده داوری نکنند

الْكَافِرُونَ ﴿٢٤﴾ وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ

فقطا کافرنند (۲۴) ما در تورات به بنی اسرائیل سفارش کردیم که در قانون کیفر! جان در برابر جان، چشم

بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ

به عوض چشم، بینی به جای بینی، گوش مقابل گوش و دندان در برابر دندان،

وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ

و زخمها را نیز کیفری است، پس هر که از کیفر دادن گذشت کند آن گذشت کفارهای برای گناهان اوست،

لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٥﴾

و آنان که بر اساس آنچه خداوند نازل کرده داوری نکنند مسلماً ستمکارند (۲۵)

وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ

و به دنبال پیامبران گذشته، عیسی بن مریم را فرستادیم درحالی که گواهی دهنده [حقانیت] تورات پیش از خود بود،

التَّوْرَةِ وَالْإِنجِيلِ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ

و انجیل را که در آن هدایتگری [به سوی احکام] و روشنگری [در مورد مسائل اعتقادی] بود؛ به او عطا کردیم، درحالی که به حقانیت

مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٢٦﴾ وَلِيَحْكُمَ أَهْلُ الْإِنجِيلِ

تورات نازل شده پیش از خود گواهی می داد، و برای پرهیزگاران هدایت کننده و موعظه گر بود(۲۶)، و باید اهل انجیل بر پایه

بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ

آنچه خداوند در آن نازل کرده داوری کنند؛ و آنان که بر اساس آنچه خدا نازل کرده داوری نکنند مسلماً

الْفَاسِقُونَ ﴿٢٧﴾ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ

منحرف و نافرمانند(۲۷) ما این قرآن را به درستی و راستی به سوی تو نازل کردیم

يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ

درحالی که گواهی دهنده کتاب های نازل شده پیش از خود، و گواه صادق بر [حقانیت همه] آن هاست، پس بین آنان بر اساس آنچه

اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ هُمُ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا

خداوند نازل کرده داوری کن! و با توجه به آنچه که از حق به سوی آمده از خواسته های نامشروع! آنان پیروی مکن، برای هر یک از شما

مِنْكُمْ شَرْعَةً وَمِنْهَا جَاوِلُوشَاءَ اللَّهِ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ

[امت ها] آیین و راه روشنی قرار دادیم، و اگر خدا می خواست همه شما را به صورت امت واحدی شکل می داد،

لَكِنْ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ

ولی می خواهد شما را با آنچه عطایان کرده بیازماید، پس به سوی کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید، بازگشت

مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٢٨﴾ وَأَنْ

همه شما به سوی خداوند است، نهایتاً شمارا به آنچه همواره در مورد آن اختلاف می کردید آگاه می کند، و بر پایه اعمالتان پاداش یا کیفر می دهد(۲۸) و بین آنان

أَحْكَمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ هُمْ وَاحِدُهُمْ أَنْ

بر پایه آنچه خداوند نازل کرده داوری کن! و از خواسته های [نامشروع] آنان پیروی مکن! و از ایشان بر حذر باش! مبدا این که

يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ

تو را از بخشی از آنچه خداوند به سوی تو نازل کرده منحرف کنند، پس اگر از داوری حکیمانه ات [روگردان شدند بدان که خداوند می خواهد

أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ ﴿٢٩﴾

آنان را به سبب پاره ای از گناهانشان مجازات کند، مسلماً بسیاری از مردم منحرف و نافرمانند(۲۹)

أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿٣٠﴾

آیا با وجود آیات نورانی قرآن و مشعل نبوت [جویای فرهنگ جاهلیت اند؟ برای قومی که یقین [به حقایق الهی] دارند چه کسی از نظر داوری بهتر از خداست؟(۳۰)]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ ۚ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ

ای مؤمنان! یهود و نصاری را سرپرست و دوست خود نگیرید، آنان دوستان یکدیگرند او فقط به روابط میان خود بر ضد شما وفادارند.

بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥١﴾

هرکس از شما سرپرستی و دوستی آنان را بپذیرد قطعاً در زمره آنان خواهد بود، بی تردید خداوند مردم ستمکار را هدایت نمی کند (۵۱).

فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَىٰ أَنْ تُصِيبَنَا

کسانی که در دل ایشان امر و پرور شدن اسلام بر دیگر فرنگ ها بیماری اشک و ترديد است می بیني که در مورد دوستی با یهود و نصاری شتاب می ورزند، او بر اساس خیال باطلشان

دَآئِرَةٌ فَخَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا

که عباد اسلام و مسلمانان تکیه گاه استواری نباشند می گویند: می ترسیم آسیب ناگهانی به ما برسد، پس لازم است با یهود و نصاری دوستی کنیم، ابد است خداوند از سوی خود پیروزی

أَسْرَوْا فِي أَنْفُسِهِمْ نَارِمِينَ ﴿٥٢﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا

باخبر دیگری ای برای مسلمانان اینش آرد تا این بیچاره دلان! بر آنچه در دل ایشان پنهان می داشتند بشیمان شوند (۵۲) مؤمنان! پس از پیروزی، به یکدیگر می گویند: آیا این افسار دلان!

بِاللَّهِ جَاهِدَ آيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَاصْبِرُوا خَالِسِينَ ﴿٥٣﴾

فان هستند که با سونگدهای مؤکدشان به خدا سونگند می خوردند که همراه او همراه از اشعاند؟! اولی روشن شد که دروغ می گفتند، و به سبب دوستی با یهود و نصاری اعمالشان نابود

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ

وایی اثر اگست، در نهایت از تباه کنندگان همه سرمایه و جودی خود! شدند (۵۳) ای مؤمنان! هرکس از شما از دین خود برگردد او به آیین های ضد اسلام روی آورد

يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي

زیانی به خدا و پیامبر نمی رسانند، خداوند به زودی گروهی را می آورد که محبوب خدایند و خداوند هم محبوب آنان است، در برابر مؤمنان فروتنند و در برابر کافران

سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ۚ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ

سر سخت او قدرتمند، همواره در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای نمی هراسند، این احسان

وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٥٤﴾ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ

خداست که به هرکس بخواهد می دهد؛ خداوند بسیار عطا کننده و داناست (۵۴) سرپرست و دوست واقعی شما فقط خدا و پیامبر اوست،

يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ﴿٥٥﴾ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ

و نیز مؤمنانی! چون ابی طالب! که همواره نماز را با شرایط ویژه اش می خوانند و در حال رکوع به تهیدستان صدقه می دهند (۵۵)

رَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ ﴿٥٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

و آنان که خدا و پیامبرش و مؤمنانی! چون امامان معصوم! را به سرپرستی و دوستی بپذیرند! حزب خدایند و! مسلماً حزب خدا فقط! همه جاوده هر زمان! پیروزند! (۵۶)

آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا

ای مؤمنان! کسانی که دین شما را به مسخره و بازیچه گرفته اند سرپرست و دوست خود نگیرید!

الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾

چه از اهل کتاب باشند و چه از کافران، اگر مؤمن هستید از خدا اطاعت کرده، از محزمتان! بپرهیزید! (۵۷)

وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوا هَاهُنَا وَأُولَٰئِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ

چون مردم را برای نماز فرا می خوانید آن را به مسخره و بازیچه می گیرند، این کار دشمنان این سبب آن است که آنان گروهی هستند که [در حقایق الهی و معارف وحی]

لَا يَعْقِلُونَ ﴿٥٨﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ نُنْقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ

اندیشه نمی کنند (۵۸) بگو: ای اهل کتاب! جز این را بر ما عیب می گیرید که ما به خداوند و آنچه از سوی او بر ما

وَمَا أَنْزَلَ إِلَيْنَا وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ ﴿٥٩﴾ قُلْ هَلْ أَنْتُمْ

مارال شده و آنچه پیش از ما بر پیامبران انزال گشته ایمان آوردیم؟! همانا این عیب جوئی شما به علت این است که بیشتر شما منحرف و فاجرمان هستید (۵۹) بگو: ای شما!

بَشِّرْ مَنْ ذَلِكَ مَثْوًى عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ

از کسانی خیر دهم که کفرشان از مؤمنانی که به گمانتان از ایمانشان عیب می گیرید، و سزاوار عذابشان می دانید [نزد خداوند بدتر است؟! آنان اقوامی از گذشتگان]

الْفِرْدَوْىٰ وَالْحَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتِ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ

خود شما هستند [که خداوند از رحمت خود طردشان کرده، و بر آنان خشم گرفته، و برخی از آنان را به صورت بوزینه و خوک در آورده، و این آنان که به جای خدا طاغوت]

السَّبِيلِ ﴿٦٠﴾ وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَفَدَّخَلُوا بِالْكَفْرِ وَهُمْ قَدْ

را بر ستیدند! اینانند که جایگاهشان بدتر، و از راه راست گمراه ترند (۶۰) چون نزد شما آیند می گویند: ایمان آوردیم، در حالی که با کفر بر شما وارد می شوند و با کفر

خَرَجُوا بِهِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ ﴿٦١﴾ وَتَرَىٰ كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ

بیرون می روند، خداوند به آنچه [از کفر و نفاق] که همواره پنهان می کنند داناتر است (۶۱) بسیاری از آنان را می بینی که به سوی

فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٦٢﴾

گناه و تجاوز از حدود خدا و حرام خواری می شتابند، هرآینه بد است اعمالی که همواره انجام می دادند (۶۲)

لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ

چرا الهی مسلمانان و عالمان یهود، آنان را از گفتار گناه آلود و حرام خواری باز نمی دارند؟

لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿٦٣﴾ وَقَالَتِ الْيَهُودُ يُدُّ اللَّهُ مَغْلُولَةً غَلَّتْ

قطعاً بد است سکوئی که همواره پیش می گرفتند! (۶۳) یهود گفتند: دست [قدرت] خدا [برای تأمین رزق و تصرف در امور آفرینش و تشریع بعضی از قوانین تکوینی]

أَيْدِيهِمْ وَلَعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَ

و تشریف [بسته است! دست های خودشان بسته باد] و بر آنان به سبب گفتار [باطل] ایشان لعنت باد! بلکه دست [قدرت] خداوند به صورت کامل و بی نهایت!

لَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَالْقَيْنَا

همواره گشوده و باز است، هرگونه که بخواند اتفاق می کند، مسلماً آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده بر سرکشی و کفر بسیاری از آنان می افزاید، مامیان آنان

بَيْنَهُمُ الْعُدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ

تا روز قیامت کینه و دشمنی انداختیم، هرگاه آتشی برای جنگ ایا مؤمنان! افروختند

أُطْفِئَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿٦٤﴾

خدا آن را خاموش کرد، همواره در زمین به تبهکاری و فتنه انگیزی می کوشند، خداوند تبهکاران فتنه انگیز را دوست ندارد (۶۴)

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ

اگر اهل کتاب ایمان اواقعی به خداوند و پیامبر اسلام می آوردند و از خدا اطاعت کرده، از محرماتش اجتناب می کردند، قطعاً گناهانشان را

وَلَا دَخَلْنَا لَهُمْ جَنَاتِ النَّعِيمِ ﴿٦٥﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ

محو می کردیم و در بهشت های برنعمت واردشان می ساختیم (۶۵) اگر آنان تورات و انجیل و

وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَا كُلُّوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ

آنچه را از سوی پروردگارشان به آنان نازل شده ابواب داشتند و به ایشان عمل می کردند، بی تردید از بركات آسمان

أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْنَصَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ ﴿٦٦﴾

و زمین بهره مند می شدند، از آنان گروهی میانبرو هستند و بسیاری از آنان آنچه را انجام می دهند بد است (۶۶)

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَا

ای پیامبر آنچه از سوی پروردگارت (ترجمه معرفی علی بن ابی طالب علیه السلام به مقام ولایت و امامت بر امت) بر تو نازل شده ابلاغ کن! اگر انجام ندهی

بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

پیام خدا را به مردم نرسانده ای! خداوند تو را از [گزند] مردم حفظ می کند، مسلماً خداوند قوم کافر را

الْكَافِرِينَ ﴿٦٧﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا

هدایت نمی کنید (۶۷) بگو: ای اهل کتاب! شما بر مسلک قابل اعتنائی نیستید تا زمانی که

التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَيْزِيدَنَّ

به تورات و انجیل و آنچه را از جانب پروردگارتان بر شما نازل شده عمل کنید، بی تردید آنچه [چون قرآن] از سوی پروردگارت بر تو نازل شده بر سرکشی

كَثِيرٌ مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى

و کفر بسیاری از آنان می افزاید، پس بر [سرکشی و کفر] قوم کافر

الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٦٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ

شگین مباش (۶۸) مسلماً کسانی که [به ظاهراً] ایمان آوردند، و یهودی ها و صابئی ها

وَالنَّصَارَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا

و نصاری هرکدامشان [قلباً] به خدا و روز قیامت مؤمن شوند، و کار شایسته انجام دهند

خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٩﴾ لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي

نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین شوند (۶۹) هرآینه ما از بنی اسرائیل

إِسْرَائِيلَ وَارْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا

اگر اطاعت از احکام و قوانین تورات و پیروی از موسی پیمان گرفتیم، و پیامبرانی به سوی آنان فرستادیم، هرگاه پیامبری

لَا تُهْوَى أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ ﴿٧٠﴾

آنچه دلخواهشان نبود برای آنان می آوزد گروهی را منکر می شدند و گروهی را می کشتند (۷۰)

وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةً فَعَمَّوْا وَصَمَّوْا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ

و پندارشان این بود که برای آنان [عذاب]ی در کار نیست. بر این اساس از دین و اعیان [کور] و از شنیدن آیات حق اگر شدند، سپس [بعد از آگاهی و توبه کردن] آن

ثُمَّ عَمَّوْا وَصَمَّوْا كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَاللَّهُ بِصِيرٍ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿٧١﴾

خداوند توبه آنان را پذیرفت، باز بسیاری از آنان کور و کر شدند، خداوند به آنچه انجام می دهند بیناست (۷۱)

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَ

آنان که از روی اعتقاد گفتند: خدا همان مسیح فرزند مریم است، مسلماً کافر شدند،

قَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ

درحالی که مسیح گفت: ای بنی اسرائیل! خداوند یکتا را که پروردگار من و پروردگار همه شماست بپرستید،

مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَا وَنَهُ النَّارُ وَمَا

مسلماً هرکس برای خداوند [در ربوبیت و خالقیت] شریک قائل شود خداوند بهشت را بر او حرام کرده، و جایگاهش آتش است،

لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿٧٢﴾ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ

و برای ستمکاران هیچ یآوری نخواهد بود (۷۲) آنان که گفتند: خدا یکی از این سه [عنصر: و

ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهِ هُؤُلَاءُ عَمَّا

پدر، پسر و روح القدس] است. قطعاً کافر شدند، درحالی که هیچ معبودی جز خداوند یکتا وجود ندارد، و اگر از آنچه می گویند

يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابُ الْيَمِّ ﴿٧٣﴾

باز نایستند قطعاً به کافران از آنان عذاب دردناکی خواهد رسید (۷۳)

أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونََهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٧٤﴾

آیا [توبه کردن از عقیده شرک الود تثلیث] به سوی خدا باز نمی گردند و از او درخواست آمرزش نمی کنند؟ درحالی که خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۷۴)

مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ

مسیح فرزند مریم جز فرستاده ای از سوی خدای یکتا نیست که پیش از او

الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَاكُلَانِ الطَّعَامَ

پیامبرانی آمدند و درگذشتند، و مادرش زن درست کردار و راست گفتاری بود، هر دو [مانند دیگر انسان ها] غذا می خوردند،

أَنْظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ انْظُرْ أَنَّى

با دقت بنگر چگونه دلایل را برای آنان بیان می کنیم [تا بدانند تولد یافتگان و نیازمندان به خوراک، خدا نیستند]، آن گاه با دقت بنگر

يُؤْفَكُونَ ﴿٧٥﴾ قُلْ اتَّعَبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ

که آنان را چگونه [از حق به سوی باطل] بازشان می گردانند؟ (۷۵) بگو: آیا به جای خداوند چیزی را می پرستید

لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٧٦﴾

که اختیار هیچ زیان و سودی را برای شما ندارد؟! درحالی که خداوند شنوای همه گفتارها و دانای به همه امورها است (۷۶)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ

بگو: ای اهل کتاب! در دینتان به ناحق غلو یا گزافه گویا نداشته باشید.

وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا

و از خواسته های [نامشروع] گروهی که پیش از این گمراه شدند و بسیاری را به گمراهی کشیدند.

وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ ﴿٧٧﴾ لَعْنُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ

و از راه راست به بیراهه رفتند پیروی نکنید (۷۷) کافران از بنی اسرائیل.

بَنِي إِسْرَءِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ

به زبان داود و عیسی بن مریم لعنت شدند، لعنت شدنشان بدین سبب بود که از فرمان های خدا و پیامبران.

بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٧٨﴾ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ

سرپیچی کردند، و همواره از حدود الهی تجاوز داشتند (۷۸) آنان یکدیگر را.

عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٧٩﴾ تَرَى

از کارهای زشتی که مرتکب می شدند باز نمی داشتند، هرآینه بد بود آنچه را پیوسته انجام می دادند! (۷۹)

كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا

بسیاری از آنان را می بینی با کافران رابطه دوستی دارند، مسلماً بد است.

كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٨٠﴾ وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

آنچه به دست خودشان برای قیامتشان پیش فرستاده اند، و نتیجه اش این است که خداوند بر آنان خشمگین شده، و هم آنان در عذاب.

وَالنَّبِيِّ وَمَا

جاودانه اند (۸۰) اگر به خداوند و پیامبر و آنچه بر او نازل شده ایمان می آوردند.

أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوا أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ

قطعا کافران را به عنوان دوست خود انتخاب نمی کردند؛ ولی بسیاری از آنان.

فَاسْقُونِ ﴿٨١﴾ لَنَجْذَبَنَّ النَّاسَ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ

منحرف و نافرمانند (۸۱) مسلماً سرسخت ترین مردم را در کینه و دشمنی با مؤمنان.

آمَنُوا بِالْهُدَى وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَنَجْذَبَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً

بهودیان و مشرکان خواهی یافت، و البته نزدیک تریشان را در دوستی.

لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ

با مؤمنان کسانی می یابی که گفتند: ما نصرانی هستیم. این دوستی آنان به سبب این است که.

قَسِيسِينَ وَرُهَبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٨٢﴾

گروهی از آنان کشیشان دانشمند و عابدان خدا ترسند، و آنان در برابر حق تکبر نمی کنند (۸۲).

وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ

این فرشتگان در برابر حق! چون آیاتی را که بر پیامبر اسلام نازل شده بشنوند می بینند که دیدگانشان به سبب شناخت حق

بماتر فوا من الحق يقولون رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ﴿٨٣﴾

بروز از اشک می شود، می گویند: پروردگارا! ما به پیامبر و قرآن ایمان آوردیم؛ بنابراین ما را در زمره گواهان ایه حقانیت پیامبر و قرآن اقرار ده! (۸۳)

وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا

ما بر اساس چه عذری به خداوند یکتا و حقی که به سوی ما آمده ایم شک میاوریم؟ در حالی که امیدواریم

مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ ﴿٨٤﴾ فَأْتَابَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ

پروردگاران ما در زمره شایستگان در آورد (۸۴) پس خداوند به پاس این سخنان ادرست و عقاید صادقانه آنان، به آنان بهشت هایی را پاداش داد

تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٥﴾

که از زیر درختان! آن نهرها جاری است، در آن جاودانه اند، و این است پاداش نیکوکاران (۸۵)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿٨٦﴾ يَا

آنان که ابا وجود روشن بودن حق! کافر شدند، و آیات ما را انکار کردند اهل آتشند! (۸۶)

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرَّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا

ای مؤمنان! پاکیزه های دلپذیری را که خدا برای شما حلال کرده ایه فتوای خود را بر خود حرام نکنید!

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿٨٧﴾ وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمْ اللَّهُ

و از حدود الهی که حرام ها و حلال های اوست تجاوز نداشته باشید؛ زیرا خداوند متجاوزان را دوست ندارد (۸۷) و از نعمت های حلال دلپذیری که

حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾ لَا يُولِخْذُكُمْ

خداوند به شما روزی کرده هزینه کنید، و از خداوندی که به او ایمان دارید اطاعت کرده، از محرماتش بپرهیزید! (۸۸)

اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ

خداوند شما را به سبب سوگندهای بیهوده او بی اختیاران! مجازات نمی کند، ولی به علت نادیده گرفتن سوگندهایی که

فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ

به صورتی جدی خورده اید کیفرتان می دهد، كفارة شکستن سوگندهای جدی، غذا دادن به ده نفر نیازمند است از غذاهای متوسطی که

أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ

به خانواده خود می خورانید، یا پوشاندن لباس به آن ده نفر، یا آزاد کردن یک برده، پس کسی که اقدرت هیچ یک از آن سه كفاره را در خود

ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا

نیاید كفاره اش سه روز روزه است، این است مجازات سوگندهای جدی، زمانی که سوگند می خورید او آن را می شکنید، لازم است

أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٨٩﴾

به سوگندهایتان بایند! این گونه، خداوند آیاتش را برای شما توضیح می دهد تا سپاسگزار باشید! (۸۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا الْخُرُوفَ الْمُبْسِرَ وَالْانْصَابَ وَالْأَزْلَامَ رِجْسٌ

ای مؤمنان! از این چیزها بپرهیزید که همه عذاب است: مفسر، و قمار، و نیت‌هایی که برای پرستش نصب شده، و نیرهایی که به آن نفاق زده می‌شود باید.

مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٩٠﴾ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ

و از کردار شیطان است، از همه آن‌ها دوری کنید تا این همه موانع راه سعادت پیروز شوید (۹۰) شیطان فقط می‌خواهد

أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخُرُوفِ الْمُبْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ

در (الوده) کردن میان شما دشمنی و کینه سخت اندازد، و از یاد

اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ﴿٩١﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ

خدا و نماز بازتان دارد، آیا از این امور ابا همه زبان‌هایی که دارد باز می‌ایستد؟ (۹۱) از خداوند و پیامبر اطاعت کنید.

وَاحْذَرُوا فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا إِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿٩٢﴾

و از مخالفت با آنان بپرهیزید، چنانچه روگردان شوید (سزاوار مجازات می‌شوید، و) بدانید بر عهده پیامبر ما فقط رساندن آشکار ایمان (و حق) است (۹۲)

لَبَسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا أَعْمَلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا

بر آنان که مؤمن شده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند در مورد آنچه [پیش از حکم] تحریم مسکرات و مال قمار خورده‌اند گناهی نیست.

وَأَمِنُوا أَعْمَلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَمِنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسِنُوا وَاللَّهُ بِحُبِّ

چنانچه تقوا پیشه کنند و ایمان [جدی‌تر] بیاورند، و [خالصانه] کارهای شایسته انجام دهند، سپس بپرهیزگاری را تداوم بخشند و بر ایمانشان استوار بمانند، و بر

الْمُحْسِنِينَ ﴿٩٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَبْلُوَنَّكُمْ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِنَ الصَّيْدِ

بپرهیزگاری ثابت قدم باشند و کار نیک به جا آورند [در زمرة نیکوکارانند]، و خداوند نیکوکاران را دوست دارد (۹۳) ای مؤمنان! قطعاً خداوند شمارا [در حال] احرام [به چیزی]

تَنَالَهُ آيِدٍ بِكُمْ وَرِمَا حُكْمٍ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَنْ اعْتَدَى

از شکار که دست‌ها و نیزه‌هایتان به آن می‌رسد آزمایش می‌کند، تا خداوند کسی را که در نهان از او می‌ترسد مشخص سازد، پس هرکس

بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٩٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ

بعد از این [از حدود الهی] تجاوز کند برای او عذاب دردناکی است (۹۴) ای مؤمنان! درحالی که در احرام هستید

وَأَنْتُمْ حُرُمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ

شکار را نکشد، هرکس از شما عمداً آن را بکشد کفاره‌ای همانند [جنس یا وزن یا قیمت] آنچه کشته

بِحُكْمٍ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْيًا بِالْغَنَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ

از نوع حیوانات دامی بر عهده اوست، [به شرطی که] همانند بودنش را دو عادل از بین خودتان گواهی دهند، و باید به عنوان قربانی به [حریم] کعبه رسد، یا به جبران آن،

مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلُ ذَلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا

[معادل قیمت شکار] به نیازمندان غذا دهد، یا به تعداد نیازمندانی که لازم است غذا دهد روز به بگیرد، تا پیامد تلخ و شوم کارش را بچشد، خداوند از [گناه] کشتن شکارهای [پیش از این] احکام

سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ﴿٩٥﴾

گذشت کرد، و هرکس [احکام] خدا را در حُرمت شکار در حال احرام نادیده بگیرد، و به شکار کردن [باز] گردد، خداوند از او انتقام می‌گیرد، خداوند توانای شکست‌ناپذیر و دارای انتقام است (۹۵)

أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ

برای بهره‌مند شدن شما و کاروانیان، شکار کردن از دریا و خوراکی‌های آن در حال احرام یا بر شما حلال است، ولی شکار

صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٩٦﴾

په‌بان و صحراناز مانی که محرم هستید بر شما حرام است، از خدایی که به سوی او محشور می‌شوید [اطاعت کرده، از محرماتش بپرهیزید! (۹۶)]

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ

خداوند بکتابخانه، کعبه، این خانه حرمت یافته و ماه‌های حرام

وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ ذَلِكَ لِنَعْلَمَ وَأَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا

و قربانی‌های بی‌نشان و قربانی‌های نشاندار را وسیله قوام او برایی معیشت دنیا و سعادت آخرت مردم قرار داده، این اشیاء و احکام برای آن است که بدانید یقیناً خداوند

فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٩٧﴾ أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ

انچه را در آسمان‌ها و زمین است می‌داند، و مسلماً خداوند به همه چیز داناست (۹۷) بدانید قطعاً خداوند

الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٩٨﴾ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ

ابه‌بندگان نافرمان سخت‌گیر، و اینکه ابه مطیع آنان بسیار آمرزنده و مهربان است (۹۸) بر عهده پیامبر جز

وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ﴿٩٩﴾ قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ

رساندن پیام خدا نیست، خداوند آنچه را آشکار انجام می‌دهید و آنچه را پنهان می‌دارید می‌داند (۹۹) بگو: ناپاک و پاک، آچون کافر و مؤمن، معصیت

وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ

و طاعت، و حرام و حلال یکسان نیستند؛ هر چند فراوانی ناپاک‌ها تورا به شگفتی اندازد، پس ای خردمندان! از خداوند [اطاعت کرده، از محرماتش]

لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ ﴿١٠٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ

بپرهیزید تا بر همه موانع راه سعادت [پیروز شوید (۱۰۰) ای مؤمنان! از چیزهایی از احکام و معارفی که شریعت اسلام از بیان آن خودداری می‌کند و خدا هم به خاطر آسان گرفتن

إِنْ تُبَدَّلَ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ وَإِنْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ

بر بندگان، نهی و امری نسبت به آن‌ها ندارد] بپرسید؛ که اگر برای شما آشکار شود غمگینتان کند، چنانچه هنگام نزول قرآن از آن‌ها پرسید برای شمار و شنیدن می‌شود [که چه

تُبَدَّلَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿١٠١﴾ قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ

وظیفه‌ای دارید، خداوند از این که شمار امکلف به مسائلی کند که سبب نارااحتی شما گردد گذشت کرد، خداوند بسیار آمرزنده و بردبار است (۱۰۱) هرآنکه گروهی از پیشینیان

مِنْ قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ ﴿١٠٢﴾ مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ

شما از مسائل و حقایقی پرسیدند، ولی چون به پاسخ دست یافتند از اجرائش سرپیچی کردند [سپس منکر آن‌ها شدند (۱۰۲) خداوند هیچ حیوانی را تحت عنوان

بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا

«بحیره»: ماده شتری که پنجمین حمل مادرش است، «و سائبه»: شتری که ده ماده زاییده، «و وصيله»: گوسفند ماده‌ای که هم‌ازد با بزرگ‌تر است، «و حام»: شتر نری که ده

يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَآكَثُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٠٣﴾

شتر از آن پدید آمده، [مقدس و ممنوع از ذبح و تصرف] قرار نداده است، ولی کافران [حرمت تصرف در آن‌ها را] بر خدا دروغ می‌بندند، و بیشترشان اندیشه نمی‌کنند (۱۰۳)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا

هنگامی که به آنان گویند: به سوی آنچه خداوند نازل کرده، و به جانب پیامبر ایستد، می‌گویند: اینی که

مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَّلُوكَ إِنْ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَ

پدرانمان را بر آن یافته‌ایم ما را پس است. آیا از پدران خود تقلید می‌کنند! هر چند پدرانشان چیزی نمی‌فهمیدند.

لَا يَهْتَدُونَ ﴿١٠٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ

و در مسیر هدایت قرار نداشتند! (۱۰۴) ای مؤمنان! مراقب ایمان و ارزش‌های معنوی خود باشید! اگر شما

مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ

هدایت یافتید گمراهی گمراه شده به شما زبانی نمی‌رساند، بازگشت همه شما به سوی خداست، پس شما را از آنچه انجام می‌دادید

تَعْمَلُونَ ﴿١٠٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةٌ بَيْنَكُمْ إِذَا حَضَرَ

آگاه خواهد کرد (۱۰۵) ای مؤمنان! چون مرگ یکی از شما فرارسد

أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ خِرَافٍ

لازم است هنگام وصیت دو عادل از همکیشان خود را گواه وصیت بگیرید،

مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ حَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَاصْلَابَتُكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ

چنانچه سفر کردید و حادثه مرگ شما فرارسید، (و شاهدانی از مؤمنان نیافتید) دو نفر از غیر همکیشان خود را گواه وصیت انتخاب کنید، اگر شما

تَحْبِسُوهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ أَرْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي

و اگر آنان در راست گویی آن دو گواه غیر مسلمان شک کردید هر دور پس از نماز نگاه دارید تا به خدا سوگند خورند که: ما حق را به هیچ قیمتی نمی‌فروشیم؛

بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذًا لَمِنَ

هر چند (مورد شهادت)، (خویشاوندان ما باشند، و گواهی خدا را) که تجلی علم و حضور او هنگام وصیت و وصیت کننده است) پنهان نمی‌کنیم؛ زیرا در این صورت

الْأَثِمِينَ ﴿١٠٦﴾ فَإِنْ عُثِرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا فَآخَرَانِ يَقُومَانِ

از گناه کاران خواهی بود! (۱۰۶) پس اگر اطلاعی حاصل شود که آن دو (شاهد غیر مسلمان) با شهادت دروغ خود امرت گناه شده‌اند دو شاهد دیگر از کسانی که به میت نزدیکتر، و تا حدی

مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلِيَانِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهِيدَانِنَا

از وصیت آگاه‌ترند به جای آن دو (شاهد خان) قرار گیرند، و به خدا سوگند بخورند که گواهی ما را گواهی آن دو نفر (که با شهادت دروغ به مال ورثه خیانت کرده‌اند درست‌تر و به حق نزدیکتر

أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتِهِمَا وَمَا عِنْدُنَا إِنَّا إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠٧﴾ ذَلِكَ

است، و اگر گواهی خود که خلاف گواهی آنان است (بنای تجاوز از حق را) نداریم، در غیر این صورت مسلماً از ستمکاران خواهیم بود (۱۰۷) این از روشی که خداوند برای شما بیان کرد (سبب

أَدْنَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ وَجْهِهَا أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ آيْمَانُ بَعْدَ

می‌شود که گواهان، گواهی خود را به صورتی صحیح و بر اساس حق ادا کنند، باعث می‌شود که بترسند (در و غشاش آشکار شود، و حق ادای سوگندشان را به دیگران برگردانند، (و نهائینا

إِيمَانِهِمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿١٠٨﴾

رسوا شوند) از خداوند اطاعت کرده، از محضاتش بپرهیزید، و ایندهای حکیمانه و وعظ‌های خدا را به گوش قبول بشنوید! خداوند گروه منحرف نافرمان را هدایت نمی‌کند (۱۰۸)



يَوْمَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ

از روزی که خداوند پیامبران را جمع می کند و به آنان می گوید: امت هادیر برابر دعوت شما چه پاسخی دادند؟ می گویند: ما را از این تو باشی تو که پس از مرگ

أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (۱۰۹) إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ

مادر مورد همه امور امت هادیر اگر بود هیچ دانشی نیست، نوی که به همه نهان ها آگاهی کامل و جامع داری (۱۰۹) از زمانی که خداوند گفت ای عیسی بن مریم

نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ

نعمت هایم را بر خود و مادرت یاد کن، او قلبا مورد توجه قرار ده، آن گاه که تو را به وسیله روح القدس توانایی دادم

النَّاسِ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ

که با مردم در گهواره و در میان سالی سخن می گفتی، و زمانی که به تو کتاب و معارف استوار و سودمند

وَالنُّورَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ خَلَقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِأُذُنِي

و تورات و انجیل آموختم، و هنگامی که به اذن من از گل مجسمه ای به صورت پرنده می ساختم

فَتَنْفَخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِأُذُنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ

و در آن می دمیدی و به اراده من پرنده ای زنده می شد، و کور مادرزاد، و جذامی را

بِأُذُنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِأُذُنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ

به خواست من شفا می دادی، و وقتی که مردگان را [به مشیت من از گور، زنده] بیرون می آوردی، و آن زمان که شر و آسیب بنی اسرائیل را

عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا

از تو بازداشتیم هنگامی که برای آنان دلایل و معجزات آوردی او نپذیرفتند، پس کافران از آنان گفتند: این [دلایل و معجزات]

إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ (۱۱۰) وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْخَوَارِجِ أَنْ آمِنُوا بِي وَ

جز سحری آشکار نیست (۱۱۰) و زمانی که به خواریون الهام کردم که: به من و فرستاده من

بِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (۱۱۱) إِذْ قَالَ

ایمان آورید، گفتند: ایمان آوردیم، گواه باش که ما تسلیم [خداوند] هستیم (۱۱۱) [به یاد آرید] زمانی که

الْخَوَارِجُونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ

خواریون گفتند: ای عیسی بن مریم آیا پروردگارت می تواند

يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ

برای ما از آسمان سفره ای [بر از غذا] بفرستد؟ [عیسی] گفت: اگر ایمان دارید از خداوند [نسبت به این خواسته] ناروا

مُؤْمِنِينَ (۱۱۲) قَالُوا أَنْزِلْهُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا

بروا کنید (۱۱۲) گفتند: می خواهیم از این [نعمت ویژه] بخوریم و دل های ما آرامش یابد،

وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ (۱۱۳)

و بدانیم که تو [در ادعای نبوت] به ما راست گفته ای، و ما از گواهان بر صدق رسالت باشیم (۱۱۳)

قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ **اللَّهُمَّ** رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ

عیسی بن مریم گفت: خداوند! ای پروردگار ما! برای ما سفره‌ای [پر نعمت] از آسمان نازل کن.

تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَبِيرٌ

تا عیدی باشد برای اهل زمان ما و نسل آینده ما و نشانه‌ای باشد از جانب تو [بر قدرت بی‌نهایت]، و به ما روزی عطا کن که تو بهترین

الرَّازِقِينَ ﴿١١٤﴾ قَالَ **اللَّهُ** إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ

روزی دهنده‌گانی (۱۱۴) خداوند فرمود: یقیناً من آن را برای شما می‌فرستم، چنانچه کسی از شما بعد از آن [که سفره‌ای پر نعمت فرستاده شد] منکر [این عنایت خاص و نیکوت

فَإِنِّي آعَذُّ بِهٖ عَذَابًا لَّا أَعَذُّ بِهٖ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿١١٥﴾ وَإِذْ قَالَ **اللَّهُ**

مسح [اشود] یقیناً آوراد چار عذابی خواهیم کرد که هیچ‌یک از جهانیان را آن گونه عذاب نکنم (۱۱۵) [عرصه هول‌انگیز قیامت را به یاد آرید؛ هنگامی که خداوند می‌گوید:

يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ءَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي إِلَهَيْنِ مِنْ

ای عیسی بن مریم! آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را به عنوان دو معبود به جای خداوند

دُونِ **اللَّهُ** قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ

انتخاب کنیدی؟! [عیسی] پاسخ می‌دهد: تو [از هر عیب و نقصی] پاک و منزهی، سزاوار من نیست که آنچه را برایم حق نمی‌باشد

كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ

[به مردم] بگویم؟! اگر گفته باشم مسلماً تو آن را می‌دانی، تو از آنچه در باطن من است آگاهی، و من از آنچه در ذات توست نا آگاهی.

إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ﴿١١٦﴾ مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ أَعْبُدُوا

زیرا تو بر همه نهان‌ها آگاهی [کامل و جامع] داری (۱۱۶) من به آنان جز آنچه که به من فرمان دادی نگفتم، [سخنم به همه مردم این بود]

اللَّهُ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي

که خداوند یکتایی را بر سرستید که پروردگار من و شماست. تا زمانی که بین آنان قرار داشتم شاهد [و مراقب عقاید و اعمال] آنان بودم [که به انحراف آلوده نشوند]، چون مرا

كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿١١٧﴾ إِنْ

از بین آنان به سوی خود برگرفتی، تو خود نگاهبانشان بودی، و تو بر همه چیز شاهدی (۱۱۷)

تَعَذَّبْتَهُمْ فَإِنَّهُمْ عَبَادُكَ وَإِنْ تُغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١١٨﴾

اگر آنان را [به سبب انتخاب من و مادر من] از نبودن مایه عنوان دو معبود، عذاب کنی بندگان تو، و اگر آنان را بیاموزی [حق توست و جای اعتراض نیست؛ زیرا] انوی که توانای

قَالَ **اللَّهُ** هَذَا يَوْمُ نَفْعِ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

شکست‌ناپذیر و حکیمی (۱۱۸) خداوند [در عرصه گاه قیامت] می‌گوید: این روزی است که صدق‌صادقان سودشان دهد، برای آنان بهشت‌هایی است که از زیر [درختان آن]

الْأَنْهَارِ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ **اللَّهُ** عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١١٩﴾

نهرها جاری است، همواره در آن جاودانه اند، خداوند از آنان خشنود، و آنان هم از خداوند خشنودند، این [خشنودی طرفینی] [استگاری بزرگ] است (۱۱۹)

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٢٠﴾

مالکیت و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه در آن‌هاست فقط در سیطره خداوند است، و او بر هر کاری تواناست (۱۲۰)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ

همة ستایش ها ویژه خداوندی است که آسمان ها و زمین را آفرید، و تاریکی ها و روشنی را پدید آورد.

وَالنُّورِ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ﴿١﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ

ابا این نشانه ها که شاهد بر یکتایی و ربوبیت اوست [باز کافران برای پروردگارشان [معبودهای باطل و بت های بی هویت را] شریک و همکار می دهند (۱) اوست که

طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ ﴿٢﴾ وَ

شمار از گلی ناچیز آفرید. آن گاه [برای زندگی شما در زمین] مدتی معین مقرر کرد، و مدت غیر قابل تغییر نزد اوست، [شگفتا که] باز شما [در یکتایی و ربوبیت او] اشک می کنید! (۲) اوست

هُوَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا

که در آسمان ها و زمین معبود یکتاست، نهان و آشکار شما را می داند،

تَكْسِبُونَ ﴿٣﴾ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا

و به آنچه [از خیر و شر] به دست می آورید داناست (۳) هیچ آیه و معجزه ای از آیات و معجزات پروردگارشان برای آنان نیامد مگر آن که

مُعْرِضِينَ ﴿٤﴾ فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا

از آن روی گردانند (۴) آنان حق را هنگامی که به سوی شان آمد منکر شدند، پس به زودی [آپهور و تحقق]

كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٥﴾ أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ

اخباری که همواره به مسخره می گرفتند به آنان می رسد (۵) آیا ندانسته اند که پیش از اینان چه بسیار از امت ها را

مَكَّنَّا فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمْكِنْ لَهُمْ لَكَرُومًا وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا

ناپدید کردیم، [امت هایی که] به آنان در پهنه زمین نعمت ها و امکاناتی دادیم که به شان داده ایم، و باران های بی دریغی و بریزش برای آنان فرستادیم،

وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَا هُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ

و نهلهایی از زیر پایشان جاری ساختیم، [اولی شدیداً ناسپاسی کردند،] در نتیجه همه را به کیفر گناهانشان نابود کردیم،

بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ﴿٦﴾ وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ كِتَابٍ فِي قُرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ

و پس از آنان امت های دیگری را پدید آوردیم (۶) اگر مانوشته ای را بر صفحه ای [برای هدایت اینان] بر تونازل می کردیم که آن را بادست های خود لمس می کردند

بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٧﴾ وَقَالُوا أَلْوَلَا

باز کافران [متکبر لجاج] می گفتند: این جز سحری آشکار نیست (۷) گفتند: چرا فرشته ای [که ما او را با چشم خود بینیم]

أَنْزَلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَلَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكَ لَقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنْظَرُونَ ﴿٨﴾

بر او نازل نشده است؟ اگر فرشته ای [که او را ببینند] می فرستادیم کار [ناپودی این بهانه جوانان] اتمام می شد، و لحظه ای [برای توبه و اصلاح] مهلتشان نمی دادند (۸)

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَّجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبِسُونَ ﴿٩﴾

اگر میخواستیم از او فرشته گردانیم یا اگر او را فرشته قرار می دادیم بلباس به صورت مردی در می آوردیم و باز هم مسئله نبوت را که همواره (بر مردم) مشکلی

وَلَقَدْ اسْتَهْزِئُ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَخَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ

می سازند و به کینه و لعنتشان از خود آنان مشتبه می ساختیم (زبان هدایت دست نیافتد) (۱۰) بلباس پیامبران پیش از تو هم سخره شدند در نتیجه کسانی که پیامبران را سخره می کردند

مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿١٠﴾ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ

عذابی که همواره مورد استهزاء ایشان بود فرایشان گرفت (۱۰) بگو: در زمین گردش کنید، آن گاه

انظروا كيف كان عاقبة المكذبين ﴿١١﴾ قُلْ لِمَنْ مَا فِي

با دقت بنگرید که فرجام منکران چگونه بود؟ (۱۱) بگو: [مالکیت] آنچه

السموات والأرض قل لله كتب على نفسه الرحمة ليجمعنكم

در آسمانها و زمین است و بزرگ چیست؟ بگو: [مالکیت] فقط ویژه خداست؛ [خدایی] که رحمت را بر خود لازم و مقور داشته،

إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ

قطعاً همه شما را در روز قیامت که هیچ شکی در آن نیست جمع خواهد کرد، تنها کسانی که [سرمایه های وجودی]

لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٢﴾ وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي الْبِلَادِ وَالنَّهَارِ وَ

خود را تنهاده کرده اند [به خدا و قیامت و پیامبران] ایمان نمی آورند (۱۲) آنچه در [ظرف] شب و روز آرام و قرار دارد در سیطره مالکیت خداست

هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٣﴾ قُلْ أَغْبِرَ اللَّهُ اتَّخِذْ وَلِيًّا فَاطِرَ السَّمَوَاتِ

و او شنوای صدای همه موجودات، و دانای همه امور آنان است (۱۳) بگو: آیا جز خدا را که پدیدآورنده آسمانها

وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعَمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أَمَرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ

وزمین است سرپرست و بار خود انتخاب کنم؟! اوست که روزی می دهد، و خود بی نیاز از روزی است؛ بگو: من مأمورم که [در بین شما] نخستین کسی باشم که

مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٤﴾ قُلْ إِنِّي أَخَافُ أَنْ

تسلیم بودن [به خداوند] را گردن نهد، و [دستور یافته ام که:] هرگز از مشرکان نباشم (۱۴) بگو: مسلماً اگر

عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥﴾ مَنْ يُصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ

بروردگارم را [در مسئله توحید] نافرمانی کنم از [دچار شدن به] عذاب روزی بزرگ می ترسم (۱۵) در آن روز عذاب را از هرکس دور کنند

فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ﴿١٦﴾ وَإِنْ يَمْسَسَكَ اللَّهُ بِضُرٍّ

مسلماً مورد رحمت خداوند قرار گرفته، و آن کامیابی آشکاری است (۱۶) اگر خداوند به تو آسیبی رساند

فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسَكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

کسی جز او برطرف کننده آن نیست، و اگر خیری به تو رساند [کسی نمی تواند مانع رسیدنش به تو شود؛ زیرا] فقط اوست که بر هر کاری

قَدِيرٌ ﴿١٧﴾ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿١٨﴾

تواناست (۱۷) و اوست که بر بندگانش مسلط و چیره است، و او حکیم و آگاه است (۱۸)

قُلْ أَتَى شَيْءٌ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا

ایه کافران و مشرکان که در صفت نبوت با تو نزاع دارند بگو: گواهی چه کسی بر صفت نبوت من برترین گواهی است؟ بگو: خداوند بین من و شما گواه است [که گواهی او مطمئن ترین و برترین گواهی است]

الْقُرْآنُ لَأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ إِلَهَةً

است [این قرآن] [که گواهی خدا بر صفت نبوت من است] به من وحی شده تا به وسیله آن شما و هر که را این قرآن به او می رسد از عاقبت شوم کفر و شرک [هشدار دهم، ای ایمنان] اینک به من دلیل استوار

أُخْرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ اللَّهُ وَاحِدٌ وَإِنِّي بِرَبِّكُمْ مُشْرِكُونَ ﴿١٩﴾

دیگری می دهید که با خداوند، معبودهای دیگری [به عنوان شریک] هست؟ بگو: [چون هیچ دلیلی وجود ندارد] من گواهی نمی دهم، بگو: معبود یگانه و یکتا فقط اوست، و من از معبودهایی

الَّذِينَ اتَّخَذْتَهُمُ الْكِتَابَ بُعْرُفُونَ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوا

که شریک او اند کارگرانی جهان [قرار می دهید به شدت بیزارم] (۱۹) کسانی که کتاب [اسمانی تورات و انجیل] را به آنان عطا کردیم [بر پایه اوصافی که در کتاب هایشان بیان شده] بیایم را

أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ

می شناسند همان گونه که بسزانشان را می شناسند، تنها کسانی که [سرمايه های وجودی] خود را تباه کرده اند [به بیایم اسلام] ایمان نمی آورند (۲۰) [شماره] (۲۰) کسی که بر خداوند دروغ بسته،

كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿٢١﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ

بایات او را منکر شده کیست؟ به یقین ستمکاران [در هیچ کاری] پیروز نمی شوند (۲۱) [به یاد آرید] روزی که همه مشرکان را در غرضه قیامت جمع می کنیم،

لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَاءُكُمْ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُزْعَمُونَ ﴿٢٢﴾ ثُمَّ لَمْ تَكُنْ

بسبب کسانی که [برای خدا] شریک قرار دادند می گوئیم: شریکانتان که می پنداشتید [شریک خدایند] [کجا] [تا شمار از عذاب امروز نجات دهند]؟! (۲۲) [سبب] بیانه

فَإِنَّهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ ﴿٢٣﴾ أَنْظِرْ كَيْفَ كَذَبُوا

و پاسخ آنان جز این نیست که می گویند: به خداوند یکتا پروردگارمان سوگند که ما [در دنیا] برای خداوند [شریکی] قائل نبودیم! (۲۳) [بادقت بنگر که چگونه

عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٤﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ

بر خود دروغ می بینند، و آنچه را به دروغ [به عنوان شریک خدا] انتخاب کرده بودند از دستشان رفت (۲۴) [از آنان] کسانی هستند که به سخنان [که محصول وحی است]

وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كَلًّا

گوش می دهند، و ما [به کفر] لجاجت و کبرشان [بر دل هایشان حجاب هایی قرار داده ایم که آن را نمی فهمند، و در گوششان سنگینی نهاده ایم] [که نمی شنوند]، اگر

آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ

هر آیه و معجزه ای را ببینند [باز هم] به آن ایمان نمی آورند، تا آن جاکه وقتی نزدت می آیند با تو وارد گفت و گوی نادرست و بی دلیل می شوند، کافران می گویند:

هَذَا إِلَّا آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٢٥﴾ وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ وَإِنْ

این قرآن جز افسانه های پیشینیان نیست (۲۵) آنان [مردم را] از روی آوردن به قرآن باز می دارند، و خود نیز از آن دوری می کنند،

يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٦﴾ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ

این تاریک دلان [بجوج] جز خود را به هلاکت نمی اندازند، و [این عاقبت شوم را] درک نمی کنند (۲۶) اگر هنگامی که آنان را بر آتش دوزخ نگاه داشته اند ببینی، [در

فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نَكْذِبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٧﴾

حالتی ذلت بار و هول انگیزی می بینی، می گویند: ای کاش ما را [به دنیا] باز می گردانند، و [در آن جا] آیات پروردگارمان را انکار نمی کردیم، و از مؤمنان می شدیم (۲۷)

بَلْ بَدَّ لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ

اولی از ایشان مراد فایده نیست، بلکه آنچه پیش از آن از خفاست خود و عباد و نبوت، در باطن خود اینها می داشتند، و حاضر نبودند به آن اقرار کنند برای آنان روشن شده (که چنین از روی برگشت

وَأَنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٢٨﴾ وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ

به دنیا می کنند، و اگر این دنیا را برگزیده شوند بقیه آن به آنچه از کفر و شرک که از آن نمی شنیدند باز می گردند، مسلماً آنان دروغگویند (۲۸) از مانی که در دنیا بودند می گفتند جز این زندگی دنیا

بِمَبْعُوثِينَ ﴿٢٩﴾ وَلَوْ تَرَى إِذْ وَقَفُوا عَلَىٰ رَءْسِهِمُ قَالَ لَيْسَ هَذَا إِلَّا الْحَقُّ

مازندگی دیگری وجود ندارد، و پس از مرگ بر لگبخته نمی شویم (۲۹) اگر ببینی هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان بازداشت شده اند و وضعی شکفت انگیز می بینی! خداوند می فرماید:

قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٣٠﴾ قَدْ

باین امر لگبخته شدن! حق نیست می گویند: آری، سوگند به پروردگارمان حق است، خداوند می گوید: پس به کیفر این که همواره منکر (معاد) بودید این عذاب را چشید! (۳۰) کسانی که

خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِإِقْلَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا

لفای خدا را انکار کردند قطعاً به خسران واقعی دچار شدند تا آن گاه که قیامت غافل گیرانه به سراغشان آید، در آن حال می گویند:

يَا حَسْرَتُنَا عَلَىٰ مَا فَرَطْنَا فِيهَا وَهُمْ يُحْمَلُونَ أَوْ زَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ

ای دریغ و افسوس بر ما! که در دنیا از تکالیف خود کوتاهی کردیم، آنان بار سنگین گناهانشان را بر دوش می کشند،

الْأَسَاءَ مَا يَرْزُونَ ﴿٣١﴾ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَلَدَارُ

آگاه باشید! بد باری بر دوش می کشند! (۳۱) زندگی دنیا (بدون ایمان و عمل صالح) جز بازی و سرگرمی نیست، یقیناً

الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٣٢﴾ قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لِيَحْزُنَكَ

سرای آخرت برای آنان که همواره از خدا اطاعت کرده، و از محرماتش می پرهیزند بهتر است، آیا (در باره تفاوت اصولی بین دنیا و آخرت نمی اندیشید؟) (۳۲) آنچه را که کافران و مشرکان بر ضد تو

الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يَكْذِبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بَايَاتِ اللَّهِ

می گویند می دانیم که تو را غمگین می کند، [غمگین مباش؛ چون] تو را منکر نمی شوند؛ بلکه ستمکاران، آیات خدا را

يُحَادُّونَ ﴿٣٣﴾ وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبِرْ وَاعْلَمْ أَنَّكَ كَذِبٌ

انکار می کنند (۳۳) به یقین پیش از تو رسولانی در معرض انکار قرار گرفتند و بر انکار و آزاری که دیدند شکیبایی ورزیدند،

وَأَوْذُوا حَتَّىٰ أَنَّهُمْ نَصَرْنَا وَلَا مَبْدَل لِّكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ

تأبای مابه آنان رسید، [شکیبایی تو نیز عامل یاری ماست،] و روش های خداوند را تغییر دهنده ای نیست، همانا بخشی از سرگذشت پیامبران (در آیاتی که پیش از این نازل شده)

نَبِيِّ الْمُرْسَلِينَ ﴿٣٤﴾ وَإِنْ كَانَ كِبْرُكَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ

به تورسیده است (۳۴) چنانچه روگردانی آنان از قرآن و نبوت بر تو گران است اگر بتوانی زیر گذری در زمین بزنی، یا نردبانی برای راه یافتن به آسمان فراهم کنی تا از زیر گذر

أَنْ تَبْغِي تَفْقَافِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَلَوْ

زمین و دل آسمان معجزه ای دیگر، غیر قرآن برای آنان بیاوری [انجام ده] اولی این خود خواهان لجوج ایمان نمی آورند، اگر خداوند می خواست همه آنان را از روی جبر بر

شَاءَ اللَّهُ لَجَعَهُمْ عَلَىٰ الْهُدَىٰ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٣٥﴾

بلندای هدایت جمع می کرد، اولی هدایت اجباری برای انسان، فاقد ارزش است، پس هرگز اندر مورد و حیات و حالات آنان که خواهان هدایت نیستند از بی خبران مباش! (۳۵)

إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ
يَرْجَعُونَ ﴿٣٦﴾

فقط کسانی را دعوت را پاسخ می دهند که دارای گوش شنوا هستند، خداوند مردگان را از قیامت برمی انگیزد، آن گاه همه را برای حسابرسی به سوی او
برمی گرداند (۳۶) گفتند: چرا معجزه ای که مورد درخواست ماست از جانب پروردگارش بر او نازل نمی شود؟ بگو: قطعاً خداوند قدرت دارد

عَلَى أَنْ يُنْزَلَ آيَةٌ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٧﴾ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ

موجوده ای (مطابق درخواست آنان) نازل کند، ولی این گونه درخواست های نابه جا به سبب این است که ایشان را به شریک و موقعیت ها آگاه نیستند (۳۷) هیچ جنبیده ای

فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمٌّ أَمْثَالِكُمْ مَا فَرَطْنَا فِي

در زمین نیست و نه هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند مگر آن که گروه هایی چون شما، عا چیزی را

الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ ﴿٣٨﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا

در کتاب الوح محفوظ از نظر ثبت جریانات هستی و برنامه های آفرینش افروگذار نکرده ایم، سپس همه را به سوی پروردگارش جمع می کنند (۳۸) آنان که آیات ما را

بِآيَاتِنَا صُمُّ وَبَكْرٌ فِي الظُّلُمَاتِ مِنْ يَشَاءُ اللَّهُ يُضْلِلُهُ وَمَنْ يَشَأْ

تنگار کردند کرها و لال هایی فرورفته در تاریکی های جهل و گمراهی اند، خداوند هر که را بخواهد

يَجْعَلُهُ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٣٩﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ

به غیر تنگار آیتش آگمرامی کند، و هر که را بخواهد به پاداش تصدیق آیتش ابراه راست قرار می دهد (۳۹) بگو: اگر راستگو هستید به من خبر دهید چنانچه

أَوْاتَتْكُمْ السَّاعَةُ أَغْيَرَ اللَّهُ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٠﴾

عذاب خدا به شما برسد، یا قیامت به سراقتان آید کسی را جز خداوند ابرای یاری خویش می خوانید؟ (۴۰)

بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا

بله بلکه فقط خدا را می خوانید، و او هم اگر بخواهد عذابی را که به سبب آن او را برای فریاد رسی می خوانید برطرف می کند، آن زمان است که معبودهای بی هویتی را که شریک اومی پنداشتید

تُشْرِكُونَ ﴿٤١﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى آثِمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَآخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ

برایش می کنید (۴۱) بی تردید ما به سوی امت هایی که پیش از تو بودند پیامبرانی افرستادیم، پس چون پیامبران به مخالفت برخاستند به تنگدستی و سیه روزی دچارشان کردیم،

وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ ﴿٤٢﴾ فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَ

آری رفع آن به پیشگاه ما ذلت وزاری آرند، و در نتیجه از معبودهای ساختگی دست بردارند (۴۲) پس چرا هنگامی که از جانب ما تنگدستی و سیه روزی به آنان رسید به آستانه ما ذلت وزاری

لَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾

بلندند (در حالی که شایسته بود به ما روی آورند، ولی دل هایشان به خاطر فرورفتن در گناهان اسخت شد، و شیطان اعمال انانساند ای که همواره انجام می دادند در نظرشان راست (۴۳)

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا

پس زمانی که آنچه را ابرای عبرت گرفتنشان به آن یادآوری شده بودند به فراموشی سپردند درهای همه نعمت ها را به روی آنان گشودیم،

فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ ﴿٤٤﴾

آنانی که به نعمت های داده شده مغرورانه خوش حال گشتند آنان را به صورتی غافل گیرانه دچار عذاب کردیم، پس یکباره از نجات خود انومید و در مانده شدند (۴۴)

فَقُطِّعَ دَائِرَةُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٥﴾ قُلْ

نهایتاً ریشه کسانی که از آیت ها و به مردم هشتم کرد و کشته شد. همه ستایش ها و بزرگ خداوند مالک و مهربی جهانیان است (۲۵) [به آنان که]

أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلَهُ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ أَنْظِرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ

و به خدایان پیش از این خداوند بگویی که اگر داد و داد و بگویند به من خبر دهید اگر خداوند گوش و چشم هایتان را بگیرد، و بر دل هایتان مهر اعدام بکشد، کدام معبودی

يَصْدِفُونَ ﴿٢٦﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً

جز خداست که آن ها را به شما بدهد؟ یا دقت بشکر چگونه آیت خود را به صورت های گوناگون برای هدایت اینان ا بیان می کنیم، سپس

وَيُكَفِّرُونَ ﴿٢٧﴾ وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا

رویکردان می شوند (۲۶) بگو: به من خبر دهید اگر عذاب خداوند غافل گیرانه یا آشکارا به صورت تدریجی، مانند بیماری های مهلک، به سراغتان آید،

هَلْ يَهْدِيكُمْ إِلَّا الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٧﴾ وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا

ما جز ستمگران هلاک می شوند؟ (۲۷) پیامبران را جز

مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

مژده رسان و هشدار دهنده نمی فرستیم، پس کسانی که ایمان آورند و اصلاح خود را اصلاح کنند نه بیمی بر آنان است، و نه

يَحْزَنُونَ ﴿٢٨﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا بِمَسْئُومٍ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا

اندوختن می شوند (۲۸) و آنان که منکر آیت ما شدند به سبب تبهکاری و فرمان نبردیشان عذاب

يَفْسُقُونَ ﴿٢٩﴾ قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبِ

به آنان می رسد (۲۹) بگو: به شما نمی گویم که خزانه های خداوند نزد من است، و نمی گویم که غیب می دانم،

وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنْ مَلَكُ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي

و نمی گویم فرشته ام فقط از آنچه به من وحی شده پیروی می کنم، بگو: آیا

الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ ﴿٥٠﴾ وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ

کور و بینا یکسانند؟ چرا اندیشه نمی کنید؟ (۵۰) به وسیله این [قرآن] کسانی را که

أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ

از محسور شدن به سوی پروردگارشان می ترسند هشدار ده! [که در آن روز هول انگیز، آنان را در برابر خداوند، سرپرست و شفیع نخواهد بود؛ این هشدار ابرای این است] که

يَتَّقُونَ ﴿٥١﴾ وَلَا تَنْظُرِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ

[از خداوند اطاعت کرده، از محرماتش بپرهیزند] (۵۱) کسانی که باعدادان و شامگاهان به پیشگاه پروردگارشان نیایش خالصانه دارند در حالی که خشنودی او را می خواهند

يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ

از خود دور مکن! از حساب آنان چیزی بر عهده تو نیست، و از حساب تو هم

عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَطَرَدَهُمْ فَتَكُونُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٢﴾

چیزی بر عهده آنان نیست که دورشان کنی و [در نتیجه] از ستمگران شوی (۵۲)

وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِّيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ

ما این گونه توانگران را به مؤمنان نهیدست از مودیم تا پس از شکست در آزمایش با کفار ی تحقیر آمیز و سخنی در قالب استهزاء بگویند: آیا اینانند که خدا

مَنْ بَيْنَنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ ﴿٥٣﴾ وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ

از پس ما بر آن مانت نهاده، او با بخشیدن ایمان و عمل صالح بر مایه نوری و امتیازشان داده ۱۱۲ آیا خداوند به سپاس گزاران آگاه تر از هر کسی نیست (۵۳) هرگاه

يُؤْمِنُونَ يَا أَيُّهَا فُكُلٌ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ

باور کنندگان آیات ما نزد تو آیند، بگو: سلام بر شما، پروردگارتان رحمت را

الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ

بر خود مقرر داشته؛ بنابراین هر کس از شما از روی نادانی کار زشتی مرتکب شود، آن گاه

بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥٤﴾ وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ

بعد از آن روی به توبه آورد، اصلاح کند، مشمول آمرزش و رحمت خداوند می شود؛ زیرا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۵۴) ما این گونه آیات را

وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ ﴿٥٥﴾ قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ

به روشنی بیان می کنیم تا راه و رسم گنه پیشگان آشکار گردد (۵۵) بگو: من از پرستش معبودانی [چون بت ها و طاغوت ها] که شما

تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذْ أَوْمَأَ

به جای خداوند می پرستید نهی شده ام، بگو: من هرگز از خواسته های [و مشرعو] شما پیروی نمی کنم که در آن صورت به گمراهی افتاده،

أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ﴿٥٦﴾ قُلْ إِنِّي عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ

و از هدایت یافتگان نخواهم بود (۵۶) بگو: من بر دلیل روشنی از سوی پروردگارم [چون قرآن پایبند] هستم، در حالی که شما آن را از روی کبر و لجابت

مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَقْضُ

انکار کردید، عذابی که به آن شتاب دارید در اختیار من نیست، فرمان و حکومت [نسبت به هر چیزی] فقط در اختیار خداست، همواره

الْحَقُّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ ﴿٥٧﴾ قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ

حق را برای هدایت و رشد شما بیان می کند، و او بهترین جدا کنندگان [حق از باطل] است (۵۷) بگو: عذابی که به آن شتاب دارید، اومی خواهید آمدنش به خواست من را

بِهِ لَقَضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ ﴿٥٨﴾

دلیل صدق نبوتم قرار دهید اگر در اختیار من بود، قطعاً کار میان من و شما به سرعت پایان یافته بود، خداوند به ستمکاران داناتر است [که چه زمانی آنان را عذاب کند] (۵۸)

وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ

کلیدهای [خزائن] غیب فقط نزد اوست و کسی جز او آن ها را نمی داند، به آنچه

وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي

در خشکی و دریاست داناست، هیچ برگی نمی افتد مگر آن که آن را می داند، و هیچ دانه ای

ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٥٩﴾

در تاریکی های زمین، و هیچ تر و خشکی نیست مگر آن که در کتابی روشن [چون لوح محفوظ] ثبت است (۵۹)

وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٦٠﴾ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ

او کسی است که ششادگاه روح شما را از هنگام خواب می گیرد و به آنچه در روز از نیکی و بدی به دست آورده اید آگاه است و پس شما را به آنچه همواره انجام می دادید آگاه می کند (۶۰) او است که بر بندگانش مسلط و چیره است و همواره

عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفِرُّونَ ﴿٦١﴾ ثُمَّ رُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ ﴿٦٢﴾ قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ

فرستادگان را برای نگهداری و حفاظت شما از حوادث پیش آمدها می فرستد تا زمانی که مرگ به سراغ یکی از شما آید در این هنگام فرستادگان ما جانش را می گیرند و شما را به آنجا که می گنجد (۶۱) پس همه را به سوی خداوند سرپرست حقیقی شان باز می گردانند؛ آگاه باشید که (در آن روز) و همان امر مأموریت خود را کوناه می کنند (۶۲) پس هر که را به سوی خداوند سرپرست حقیقی شان باز می گردانند؛ آگاه باشید که (در آن روز)

فَرَمَوْا بِهِ وَحُكْمٌ مُّطْلَقٌ فَفَعَلْهُ وَأَوْسَرُ بَعْدَ تَرْجِيهِ حَسَابِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُضْيَةً لِّئَلَّا تُنْجِسَ الْفُجْرَاءُ مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿٦٣﴾ قُلْ

فرموده ای و حکومت مطلق فقط ویرا است و او سریع تر از هر دعا و درخواستی است (۶۲) بگو: چه کسی شما را از تاریکی های خشکی و دریای نجات می دهد؟ در حالی که (فقط) او را برای نجات خود از روی زاری و در پنهان ایه کمک می طلبید او قول قطعی می دهد که اگر ما را از این آتشنها و مهلکه ها نجات دهد

اللَّهُ يَنْجِيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ مُشْكُرُونَ ﴿٦٤﴾ قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ

بیش از سیاس گزاران خواهم بود (۶۳) بگو: خداوند شما را از بی زاری و دعا و پنهان از تاریکی های خشکی و دریای نجات می دهد و او را از سیاس گزاران خواهم بود (۶۴) بگو: او قدرت دارد که از بالای سرتان یا از زیر پایتان عذابی سخت بر شما بفرستد یا شما را

أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ

اصولهای بی هویت را از یک اورد قدرت و بر بوییت اقرار می دهد! (۶۴) بگو: او قدرت دارد که از بالای سرتان یا از زیر پایتان عذابی سخت بر شما بفرستد یا شما را شیعا و یذیق بعضکم باس بعض انظر كيف نصرف الايات لعلمهم

گروه گروه جان هم ندارد تا با پند آمدن اختلافات سنگین و کینه های بنیان بر اندازد اما در گیری شوید و نهایتاً طعم ناگوار در گیری و خونریزی را به هر گروهی از شما به وسیله یَفْقَهُونَ ﴿٦٥﴾ وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ﴿٦٦﴾

نموده دیگر بچشاند بدقت بنگر که چگونه ایت خود را به صورت های گوناگون بیان می کنیم تا بفهمند (۶۵) قوم تو قرآن را که حق است انکار کردند بگو: من کار گزار کیفر شما نیستم (۶۶) لِكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٦٧﴾ وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي

برای هر حادثه و عذابی ایه جهت وقوعش اقرار گاهی از زمان و مکان است، به زودی ظهور حادثه و عذاب را در قرار گاهش خواهد دانست (۶۷) هرگاه کسانی را ایا اینا فاعرض عنهم حتى يخوضوا في حديث غيره وإما ينسيتك

بدی که در ایت ما به قصد شبهه اندازی در گفتار یهود و سخن باز یگرانه فرو می روند از آنان روی برتاب و مجلسشان را ترک کن تا در سخنی دیگر در آیند چنانچه الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدُ بَعْدَ الذِّكْرِ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٦٨﴾

شیطان تو را (در مورد ترک مجلسشان) به فراموشی اندازد پس از به یاد آمدن، با آن قوم ستم پیشه منشین! (۶۸)

وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَٰكِنْ

چیزی از حساب ستمکاران بر عهده اهل تقوا نیست اگر برای تو جهل دادن آنان به خلافی دینی در مجلسشان قرار می گیرند، بلکه [وظیفه تو و پیشگان است که بیهوده گویان را]

ذِكْرِي لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٦٩﴾ وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ

بند دهند تا از خداوند اطاعت کرده، از محرماتش بپرهیزند (۶۹) آنان را که [به جای دین خدا، بازی با امور بیهوده و بی نتیجه،]

لِعِبَادٍ وَلَهُوْا وَغَرَّتُهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكِّرْ بِهِ أَن تُبْسَلَ

و سرگرمی [به مذایات] را به عنوان آیین خود انتخاب کرده اند، و زندگی دنیا ای پر زرق و برق [فریبشان داده و هاکن از پراده عورت را بی پاسخ می گذارند،]

نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ

و امر دهر را باقرآن انحرز ده که مبادا کسی [در قیامت] به کیفر گناهی که مرتکب شده [از رحمت محروم] و به هلاکت سپرده [شود، و او را در برابر خداوندیار و شفیع نباشد،]

تَعْدِلُ كُلُّ عَدْلٍ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا

و اگر ابرای نجاتش از عذاب [هرگونه عوضی بپردازد پذیرفته نشود، آنان مردمی هستند که به سبب آنچه از اعمال زشت]

كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا

مرتکب شده اند [از رحمت محروم مانده،] به هلاکت افتاده اند، [برای ایشان به سبب آن که همواره آیات خدا را [منکر می شدند و تشیعنی] اناگواری از آب جوشان]

يَكْفُرُونَ ﴿٧٠﴾ قُلْ أَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا

و عذابی دردناک است (۷۰) بگو: آیا به جای خداوند، معبودانی را پرستیم که قدرت رساندن سود و زیانی را به ما ندارند،]

وَنُرْدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْنَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ

و ما را پس از آن که خداوند هدایت کرد به [آیین جاهلیت] گذشته بازگردانند؟! مانند کسی که شیاطین]

فِي الْأَرْضِ حَيْرَانٌ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَىٰ ائْتِنَا قُلْ إِنْ

در زمین، غفلش را ر بوده، و دچار سرگردانی شده، در حالی که برای او [بر خلاف خواسته شیاطین] یارانی است که وی را به سوی هدایت دعوت می کنند [و می گویند:] به]

هُدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ وَأَمْرُنَا لِلَّهِ وَالْعَالَمِينَ ﴿٧١﴾ وَإِنْ

جانب ما یا [تا] خیر دنیا و آخرت تأمین شود، [بگو: مسلماً هدایت خدا [همان] هدایت [درست و واقعی] است، و ما ماوریم که تسلیم پروردگار جهاتیان باشیم (۷۱) و این]

اقِمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٧٢﴾ وَهُوَ

فرمان یافته ایم به [این که: نماز را [بشرايط و بیزه اش] بخوانید و از خدا [اطاعت کرده، از محرماتش بپرهیزید، و او کسی است که به سببش جمعتان می کنند (۷۲) اوست که]

الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ

آسمانها و زمین را به حق آفرید، و روزی که [اراده اش به آفریدن چیزی تعلق گیرد فقط به آن] می گویند: باش!

فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ

پس بی درنگ موجود می شود، کلامش حق است، روزی که [برای به باشند قیامت] در صور بدمند فرمانروایی و حاکمیت مطلق فقط و بیزه اوست،]

عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿٧٣﴾

دانی نهان و آشکار است، و او حکیم و آگاه است (۷۳)

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا الْهَيْمَةَ إِنِّي أَرِنَاكَ وَ

ابو داد (داد) هنگامی که ابراهیم به پدر (خوانده) خود از گفت: آیا بت‌هایی بی هویت و بدون اثر را به عنوان معبود انتخاب می‌کنی؟ من

قَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٧٢﴾ وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ

تو و قومت را در گمراهی آشکار می‌بینم (۷۲) حقیقت این است که ما فرمانروایی و مالکیت مطلقه خود را

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ ﴿٧٣﴾ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ

بر آسمان‌ها و زمین به ابراهیم نشان دادیم تا از یقین‌کنندگان شود آنان که دارای یقینی تام و کاملند (۷۳) چون اتاریکی شب

النَّيْلِ رَاكِبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْإِفْلِينَ ﴿٧٤﴾

اورا گرفت ستاره‌ای بسیار روشن دید (با نظاره به ستاره پرستی) گفت: این است پروردگار و مدبر من از مانی که ستاره غروب کرد، گفت: من

فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَأِنْ لَّمْ يَهْدِنِي

غروب کنندگان (که غروبشان نشانه مخلوق بودن آنان است) دوست ندارم (۷۴) هنگامی که ماه در حال طلوع دید (با نظاره به ماه پرستی) گفت: این است پروردگار

رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ ﴿٧٥﴾ فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ

و مدبر من (چون ماه غروب کرد، گفت: یقیناً اگر پروردگار من (که مالک و فرمانروای جهان هستی است) مرا هدایت نکند قطعاً از گروه گمراهان خواهم بود (۷۵) چون

بَازِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي

خورشید در حال طلوع دید (با نظاره به خورشید پرستی) گفت: این است پروردگار و مدبر من: زیر این بزرگتر (از ستاره و ماه) است هنگامی که غروب کرد، گفت: ای قوم

رَبِّيَ إِنِّي تَرَدِدُ إِلَهُيَ أَهْمَةً وَإِذَا بَعِثْتُ الْنَّاسَ ثُمَّ لِي بِهِمْ حَتَّى يُؤْخَذَ لِي بِهِمْ وَقَدِ بَدَأُوا شُرُكًا

من ای تردید (با همه وجودم) از آنچه (از بت‌ها و عناصر آسمانی) که شریک خدا (در قدرت و ربوبیت) قرار می‌دهید بیزارم (۷۸) (همه) وجودم را به سوی کسی

وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٧٩﴾ وَحَاجَّةُ

که آسمان‌ها و زمین را پدید آورد متوجه کردم، و از مشرکان نیستم (۷۹)

قَوْمُهُ قَالَ اتَّخَذُوكَ آلِهَةً بَدَلِ اللَّهِ قَدْ هَدَانِ وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ

فروش بالا به گفت و گوئی نادرست و بی دلیل برخاستند، (به آنان) گفت: ایاد باره خداوندی کتابا من سخن نادرست و بی دلیل می‌گویید در حالی که او مرا هدایت کرده، و من از

بِهِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا

آنچه (از بت‌ها و عناصر آسمانی) که شریک او قرار می‌دهید هیچ‌ترسی ندارم، مگر آن که پروردگارم چیزی (و حادثه‌تر سناکی) از ابرای من (بخواند، دانش پروردگارم همه چیز را

أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ﴿٨٠﴾ وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ

فرافرفته، آیا ابرای فهم توحید و آگاه شدن به حقایق هشیار نمی‌شوید؟ (۸۰) چگونه از بت‌هایی که شریک او قرار داده‌اید بترسم؟

أَنْتُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَهُ يَنْزِلُ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا

در حالی که خود شما از اینکه چیزی را شریک خدا قرار داده‌اید - که خداوند هیچ دلیلی بر حقانیت آن‌ها بر شما نازل نکرده است - نمی‌ترسید،

فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨١﴾

اگر دانای به حقایق هستید بگویید کدامیک از دو گروه (موحدان و مشرکان) به ایمنی (از عذاب دنیا و آخرت) سزاوارترند؟ (۸۱)

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ

مؤمنانی که ایمانشان را به ستمی آمیز نداشتند برای آنان ایمنی از هر عذابی است، ایشان

هُمْ مُتَّحِدُونَ ﴿٨٢﴾ وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ

هدایت یافتگانند (۸۲) این [مطالب استواری که گذشت] حجت و برهان ما بود که به ابراهیم در برابر قومش عطا کردیم،

رَفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَأٍ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿٨٣﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ

درجات هر که را بخواهیم بالا می‌بریم؛ زیرا پروردگارت حکیم و داناست (۸۳) و اسحاق

إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ وَمِن

و یعقوب را به ابراهیم بخشیده، هر یک را هدایت کردیم، و نوح را پیش از این، نعمت هدایت داده بودیم،

ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهَارُونَ

و از فرزندان او داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی

وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٤﴾ وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ

و هارون را در عرصه هدایت قرار دادیم، ما این گونه، نیکوکاران را پاداش می‌دهیم (۸۴) و زکریا و یحیی و عیسی

إِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿٨٥﴾ وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا

و الیاس [که از نسل اویندا] همه از شایستگانند (۸۵) و اسماعیل و الیسع و یونس و لوط

وَكَوَلَّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٨٦﴾ وَمِنَ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ

و لوط [را هدایت کرده]، همه را بر جهانیان برتری دادیم (۸۶) و [کسانی] از پدران

إِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٨٧﴾ ذَٰلِكَ

و فرزندان و برادرانشان [را به شرف هدایت اختصاص داده]، آنان را برگزیدیم، و به راهی مستقیم راهنمایی کردیم (۸۷)

هُدَى اللَّهِ بِهِدَى بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ

این هدایت خداست که هر کس از بندگانش را بخواهد به آن دلالت می‌کند، و اگر آنان برای خداوند شریک قرار داده بودند

مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٨٨﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ

مسلمانانچه [عمل شایسته] انجام می‌دادند تپاه و بی اثر می‌شد (۸۸) آنان [که در آیات گذشته نامشان برده شد] کسانی هستند که کتاب و منصب داوری

وَالنُّبُوَّةَ فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا

و نبوت عطایشان کردیم، پس اگر اینان [که اهل مکه اند و امثالشان] نافرمانی از کتب پیامبران و کتب اسمانی شوند یقیناً گروهی را می‌گماریم که نسبت به آنان و کتاب هایشان

بِكَافِرِينَ ﴿٨٩﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدِهِ قُلْ

منکر نخواهند بود (۸۹) [پیامبرانی که از آنان یاد شد] کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرد، پس به هدایت آنان اقتدا کن!

لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٩٠﴾

[و ایه مردم] بگو: در برابر این [ارسالت و کوششی که برای هدایت شما دارم] هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم، این [قرآن و رسالت] جز یادآور حقایق برای جهانیان نیست (۹۰)

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ بَشَرٍ مِنْ شَيْءٍ قُلْ

اینها را بدانید که خدا را چه قدر کم می‌دانند! چون گفتند: خداوند به سویی هیچ بشری چیزی نفرستاده است. بگو:

مَنْ أَنزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَىٰ نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ

کتابی را که موسی آورده چه کسی فرستاده؟ درحالی که روشنگر (حقیق) و هدایتگر (به سوی احکام) است، شما آن را

قِرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعُلِّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا

در صفحتی نمی‌کنید بخشنی از آنرا که دلخواه شماست برای مردم آشکار می‌کنید و بسیاری از آنرا که حاوی صفات پیامبر و گواه نبوت او و حقایق قرآن است پنهان می‌دارید

أَبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ ﴿٩١﴾ وَهَذَا كِتَابٌ

درحالی که پدر شما و پدرتان نمی‌دانستید اینها را از تعلیم گرفته‌اید بگو: فقط خدا سپس آنرا را هاکن نادر پیاده گوئی و باز یگری شان فروروند (۹۱) این قرآن کتابی است

أَنزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ

که ما آن را خجسته و بر خیر نازل کردیم، تصدیق کننده (حقیقت) کتاب‌های پیش از خود است، آن را فرستادیم تا مردم مکه

حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ

و کسانی را که پیرامون آن هستند هشدار دهی، آنان که آخرت را باور دارند به آن ایمان می‌آورند درحالی که همواره بر نمازشان

حَافِظُونَ ﴿٩٢﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ

مراقبت می‌کنند (۹۲) ستمکارتر از کسی که به خدا دروغ می‌بندد چه کسی است؟ یا (ستمکارتر از) آنکه بگوید: به من وحی شده،

لِيَ وَلَمْ يُوْحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنْزِلُ مِثْلَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَىٰ

درحالی که چیزی به او وحی نشده است، و نیز کسی که بگوید: من به زودی مانند آنچه را خدا نازل کرده، نازل می‌کنم!

إِذَا الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ

اگر ستمکاران این هنگامی که در سختی‌های مرگ فرو رفته اند ببینی (حادثه هول انگیزی را خواهی دید)، و آن این که فرشتگان دست‌های خود را به سوی آنان گشوده

أَخْرَجُوا أَنْفُسَكُمْ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ

انحراف می‌کنند! جان‌هايتان را بیرون کنید، امروز به سبب دروغ‌هایی که ظالمانه به خدا بستید

عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿٩٣﴾ وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا

و در برابر آیتش تکبر می‌کردید به عذاب خوار کننده‌ای مجازات می‌شوید (۹۳) (الحق و رود به جهان دیگر به آنان خطاب می‌شود: همان گونه که

فُرَادًى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرْكُتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ

شما را نخستین بار (در رحم مادر، تنها و دست خالی) آفریدیم اکنون هم تنها نزد ما آمدید، آنچه را (در دنیا) به شما داده بودیم

ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِيكُمْ

پشت سر گذارده (از دست دادید)، (امروز) شفاعتتان (از بت‌های جاندار و بی‌جان) که در تدبیر امورتان شریک (از بویبت خدا) می‌پنداشتید

شُرَكَاءُ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَحَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٩٤﴾

باشما نمی‌بینیم! یقیناً پیوندهای شما (با همه چیز) بریده و آنچه گمان می‌کردید (شیعان شمارای نجاتتان از هر خطری است) از دستتان رفته و گم شده است (۹۴)

إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ

همانا خداوند شکافنده دانه و هسته است، زنده را از مرده بیرون می آورد، و بیرون آوردنده

الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكُمْ اللَّهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ ﴿٩٥﴾ فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَ

مرد را از زنده است، این است خدای شما، پس چگونه شما را از توحید به سوی شرک منحرفان می کنند؟ (۹۵) شکافنده صبح از پرده تاریک شب است،

جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ

و شب را مایه آرامش، و خورشید و ماه را وسیله ای برای محاسبه و اندازه گیری قرار داد، این است اندازه گیری آن توانای شکستناپذیر

الْعَلِيمِ ﴿٩٦﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ

دانا (۹۶) او کسی است که ستارگان را برای شما پدید آورد تا به وسیله آنها در تاریکی های

الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٩٧﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ

خشکی و دریا (به سوی مقصد) راه یابید، مسلماً ما نشانه های مؤثر در زندگی را برای مردمی که دانایند بیان کردیم (۹۷) او کسی است که

مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ

شما را از یک تن آفرید، برای شما قرارگاهی (در زمین)، و ودیعتگاهی (در رحم) است، ما آیات (خود) را (برای) وضع انسان

يَفْقَهُونَ ﴿٩٨﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ

برای قومی که می فهمند بیان کردیم (۹۸) او کسی است که از آسمان آبی [فراوان و پربخت] فرستاد که به وسیله آن

كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَ

گیاهان گوناگونی از زمین بیرون آوردیم، و از آنها ساقه ها و شاخه های سبز خارج کردیم، از آن [ساقه ها و شاخه ها] دانه های

مِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ

مترکم درمی آوریم، از شکوفه درخت خرما خوشه های سر فروشته (به وجود می آوریم)، و باغ هایی از انگور

وَالزُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انْظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَبَنِعِهِ

وزیتون و انار شبیه به هم و بی شباهت بایکدیگر (در دسترس شما قرار می دهیم)، به میوه اش وقتی به بار می نشیند، و به رسیدنش باتامل و دقت بنگرید!

إِنَّ فِي ذَٰلِكُمْ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٩٩﴾ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ

مسلماً در این (تنوع گیاهان و میوه جات و رویدنی ها) برای مردمی که ایمان دارند نشانه هایی (بر توحید، ربوبیت و قدرت خدا) است (۹۹) [مشركان] برای خداوند

الْجِنِّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَ

شریکانی از جن قرار دادند در حالی که همه آنان آفریده خدا هستند، و برای خدا از روی نادانی (در دنیای خیالشان) پسران و دخترانی ساختند. خداوند منزّه

تَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ ﴿١٠٠﴾ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنَّى يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ

و برتر است از آنچه او را به آن وصف می کنند (۱۰۰) [خداوند] بدون نقشه و ابزار و مواد، پدیدآورنده آسمان ها و زمین است، چگونه

وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةً وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٠١﴾

او را فرزندی باشد در حالی که برای او همسری نبوده، او همه چیز را [در عین بی نیازی] آفریده، و او به همه چیز داناست (۱۰۱)

ذَٰلِكُمُ **اللَّهُ** رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿١٠٢﴾ لَا تَدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ

این است خداوند، پروردگار شما که جز او هیچ معبودی وجود ندارد، آفریننده همه چیز است.

الْأَبْصَارُ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ﴿١٠٣﴾ قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ

اینها این فقط! او را ببینید، و او کارساز و مدبر همه موجودات جهان هستی است (۱۰۲) چشمها او را در نمی یابند.

وَأُوْجُوهٌ أُنْزِلَتْ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَلْهَاهُ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ مَعَ رِجَالِهِ مَذْمُومًا ۚ فَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ

و او چشم هار از می یابد، او دقیق و ریز نگر و آگاه است (۱۰۳) برای شما از سوی پروردگارتان دلائلی روشن آمده، هر که اباتکبه بران دلائل به حقایق غیبی

وَأُوْجُوهٌ أُنْزِلَتْ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَلْهَاهُ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ مَعَ رِجَالِهِ مَذْمُومًا ۚ فَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ

و شهودی ایستاده به سود خود اوست، و هر که ابا جدار یستن از آن دلائل ادر کوردلی بماند به زیان خود اوست، من ادر هیچ کاری انگهبان شما نیستیم

وَأُوْجُوهٌ أُنْزِلَتْ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَلْهَاهُ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ مَعَ رِجَالِهِ مَذْمُومًا ۚ فَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ

و شقیه ام فقط رساندن پیام خداست (۱۰۴) امالین گونه، آیات را به صورت های گوناگون بیان می کنیم، اینگذار منکران، توراتهم کنند و بگویند: این آیات را از دیگران

وَأُوْجُوهٌ أُنْزِلَتْ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَلْهَاهُ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ مَعَ رِجَالِهِ مَذْمُومًا ۚ فَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ

فرافته ای او بین سان در گمراهی بمانند، ولی مای خواهیم آن را برای گروهی که داناتاندر روشن سازیم (۱۰۵) آنچه را از سوی پروردگارت به توحی شده پیروی کن

وَأُوْجُوهٌ أُنْزِلَتْ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَلْهَاهُ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ مَعَ رِجَالِهِ مَذْمُومًا ۚ فَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ

هیچ معبودی جز او نیست، و از مشرکان و دیگران باش! (۱۰۶) اگر خدای خواست آنان مشرک نمی شدند، [خواست حق، آزادی انسان در انتخاب است نه اجبار،]

وَأُوْجُوهٌ أُنْزِلَتْ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَلْهَاهُ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ مَعَ رِجَالِهِ مَذْمُومًا ۚ فَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ

ما تو را نه اختیاردار آنان قرار داده ایم و نه کارگزارشان [که به اجبار هدایتشان کنی] (۱۰۷) معبودانی را که

وَأُوْجُوهٌ أُنْزِلَتْ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَلْهَاهُ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ مَعَ رِجَالِهِ مَذْمُومًا ۚ فَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ

کافران به جای خداوند می پرستند دشنام دهید که آنان هم از روی دشمنی و نادانی، خدارا دشنام خواهند داد، مایلین گونه برای هر امتی عملشان را در نظرشان آراستیم، لذا

وَأُوْجُوهٌ أُنْزِلَتْ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَلْهَاهُ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ مَعَ رِجَالِهِ مَذْمُومًا ۚ فَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ

عقاید و اعمالشان را هر چند باطل باشد محترم می شمارد، و جاندار از طرف شما به معبودانشان دشنام بشنوند، اینها بازگشت [همه] آنان به سوی پروردگارتان خواهد

وَأُوْجُوهٌ أُنْزِلَتْ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَلْهَاهُ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ مَعَ رِجَالِهِ مَذْمُومًا ۚ فَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ

بود، و آنان را به اعمالی که همواره انجام می دادند آگاه می کند (۱۰۸) با شدیدترین سوگندهایشان به خداوند سوگند خوردند که اگر معجزه [دلخواهشان] برای آنان بیاید

وَأُوْجُوهٌ أُنْزِلَتْ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَلْهَاهُ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ مَعَ رِجَالِهِ مَذْمُومًا ۚ فَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ

مسلمابه آن مؤمن می شوند، بگو: معجزات فقط در اختیار خداست، [نه به دلخواه شما، ای مؤمنان!] شما چه می دانید [مطلب چیست؟] مطلب این است

وَأُوْجُوهٌ أُنْزِلَتْ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَلْهَاهُ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ مَعَ رِجَالِهِ مَذْمُومًا ۚ فَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ

که اگر [معجزه] دلخواهشان هم بیاید ایمان نمی آورند! (۱۰۹) دل ها و دیدگانشان را [که ابراز درک و فهم است به کفر عنادشان] و از گون می کنیم [تا با آمدن

وَأُوْجُوهٌ أُنْزِلَتْ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَلْهَاهُ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ مَعَ رِجَالِهِ مَذْمُومًا ۚ فَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ

معجزه] دلخواهشان هم ایمان نیآورند، همان گونه که نخستین بار به قرآن ایمان نیآورند، و در تجاوزشان رهاشان می کنیم که پیوسته سرگردان بمانند (۱۱۰)

﴿۱۱۰﴾ وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَاهُ إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَخَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَئِنْ أَكْثَرُهُمْ

مکروه کرده و بر ایشان جمع می کردیم بر آن نبودند که ایه خدا و پیامبر ایمان آورند، مگر این که خداوند ایمان آوردن ایشان را از روی جبر بخواهد، ولی بیشترشان

يَجْهَلُونَ ﴿۱۱۱﴾ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَ

ایه وضع خود که با هیچ معجزه ای ایمان نمی آورند! ناگاهند (۱۱۱) این گونه برای هر پیامبری دشمنانی از شیاطین انس

الْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ

و جن قرار دادیم که برای فریب مردم همواره گفتاری باطل و به ظاهر آراسته به یکدیگر القا می کنند، و اگر

رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿۱۱۲﴾ وَلِتَصْغَى إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ

پروردگارت می خواست چنین نمی کردند پس آنان و آنچه را به دروغ به هم می یافتند هاکن (۱۱۲) مابرای از آرایش بندگان از گفتار باطل شیاطین به یکدیگر مانع نشدیم [تادل های آنان

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِبَرِضُوهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ ﴿۱۱۳﴾

که به آخرت ایمان ندارند به آن گفته های باطل و القائنات بیهوده متمایل شود و آن را بپسندد، و برای رسیدن به منتهای شقاوت که کفر عناد آنان با

أَفْخِرُ اللَّهُ أَبْنَى حَكْمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا

حق است! هر گناهی که باید انجام می دادند انجام دهند (۱۱۳) آیا جز خدا را در امورم به حکمیت و داوری بخواهم؟ در حالی که اوست که قرآن را که

وَالَّذِينَ آمَنُوا هُمْ أَلْبَنَى حَكْمًا وَهُمْ أَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ

اهم معارف و احکام در آن! به تفصیل بیان شده به سوی شما نازل کرده است، و اهل کتاب می دانند که قرآن از سوی پروردگارت

فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْتَرِينَ ﴿۱۱۴﴾ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ حَسْبًا وَ

بر اساس حق نازل شده پس در این که معجزه خواهی مشرکان و روبرویی اهل کتاب با تو برای حقیقت یابی نیست! از تردید کنندگان مباحث (۱۱۴) کلمات پروردگارت [قرآن مجید]

عَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۱۵﴾ وَإِنْ تُطِعْ

در حالی که عین صدق و عدل است به تمامیت و کمال رسید آنان! چاکه برای هدایت مردم تأقیامت بس است، [تغییر دهنده ای برای کلمات خداوند نیست، او شنوا و داناست (۱۱۵) اگر

أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ

از بیشتر مردم روی زمین اکه دچار هوا و هوس هستند! اطاعت کنی تو را از راه خداوند گمراه می کنند، آنان

إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿۱۱۶﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ

فقط از گمان اکه پایه علمی ندارد! پیروی می کنند، و به دروغ و تخمین تکیه می زنند (۱۱۶) قطعاً پروردگارت

يَصِلُ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿۱۱۷﴾ فَكُلُوا مِمَّا

به کسی که از راه او گمراه می شود، و نیز به هدایت یافتگان دانتر است (۱۱۷)

ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۱۸﴾

اگر به آیات خدا اکه بیانگر حلال و حرام است ایمان دارید از آنچه از گوشت حیوان حلال گوشتی اکه وقت ذبح شدن، اناام خدا بر آورده شده بخورید (۱۱۸)

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ

شما را چه شده که از این باطل گویی مشرکان! از گوشت ذبح شده‌ای که نام خدا بر آن برده شده نمی‌خورید؟ در حالی که او آنچه را

مَحَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرُّتُمُ إِلَيْهِ وَإِنْ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَاءِهِمْ

بر شما حرام کرده - جز گوشت حرامی که برای حفظ جان یا به خوردنش ناچار شوید - برای شما بیان کرده است، مسلماً بسیاری از پنداندنشان ادبگران

بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ ﴿١١٩﴾ وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ

را به سبب خواسته‌های نامشروعشان از روی نادانی گمراه می‌کنند، یقیناً پروردگارت به تجاوز کاران از حدود حق آدانتر است (۱۱۹) گناهان آشکار

وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا

و پنهان را رها کنید! همانا آنان که مرتکب گناه می‌شوند به‌زودی به سبب آنچه همواره انجام می‌دادند

يَقْتَرُونَ ﴿١٢٠﴾ وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يَذْكُرْ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ

مجازات خواهند شد (۱۲۰) از ذبحه‌ای که نام خدا را بر آن نبرده‌اند نخورید! مسلماً خوردن آن گناه و نافرمانی از دستور خداست.

وَأَنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَى أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ

شیاطین! شبهات گمراه‌کننده‌ای را بر ضد احکام حق (به دوستانشان القامی کنند تا با شما) در باره آن احکام گفت و گوی نادرست و بی دلیل کنند، اگر

أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ ﴿١٢١﴾ أَوْ مَن كَانَ مِيتًا فَاحْيِنَاهُ وَجَعَلْنَا

از آنان پیروی کنید قطعاً شما هم مشرک خواهید بود (۱۲۱) آیا کسی که به سبب فقدان هدایت، (مرده‌ای بیش نبود و ما او را) به وسیله هدایت از تنده گردیم.

لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنُ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ

و نوری برایش قرار دادیم که به کمک آن در بین مردم (با درستی و عمل صالح) زندگی می‌کند مانند کسی است که در تاریکی‌ها ای گمراهی و نادانی است.

مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢٢﴾ وَ

و از آن بیرون شدنی نیست! این چنین برای کافران (به علت عنادشان با حق)، آنچه همواره انجام می‌دادند آراسته شد تا گمان کنند اعمالشان درست است (۱۲۲)

كَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَابِرَ مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا

این گونه (که در مکه می‌بینی) در هر شهری سرمدارانی گنه‌پیشه قرار دادیم تا در آن (برای گمراه کردن مردم) نیرنگ بزنند.

فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿١٢٣﴾ وَإِذَا جَاءَتْهُمْ

ولی جز به خودشان نیرنگ نمی‌زنند، و آثار زبان‌بار نیرنگ بر ضد خود را درک نمی‌کنند (۱۲۳) چون

آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ ۗ اللَّهُ

معجزه‌ای (برای هدایتشان) به سوی آنان آید، می‌گویند: هرگز مؤمن نمی‌شویم تا مانند آنچه به پیامبران خدا داده شد به ما هم بدهند.

أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا

خدا دانتر است که (منصب) رسالتش را کجا قرار دهد، به‌زودی به آنان که مرتکب گناه شدند

صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ ۗ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ ﴿١٢٤﴾

به کیفر نیرنگی که همواره (برای گمراه کردن مردم) می‌زدند، از سوی خداوند خوار و عذاب سختی خواهد رسید (۱۲۴)

فَنُيِّرُهَا بِرُوحٍ أَن يَهْدِيَهُ يَشْرَحُ صَدْرَهُ لِإِسْلَامٍ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ

کسی را که خداوند بخواند هدایت کند سینه‌اش را برای پذیرفتن اسلام می‌گشاید، و کسی را که اینه سبب کبر و عنادش بخواند

يُضِلَّهُ بِجَعَلِ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ

همراه سازد سینه‌اش را آن چنان دچار تنگی می‌کند که گویی می‌خواهد به دشواری به آسمان بالا برود،

كَذَلِكَ بِجَعَلِ اللَّهُ الرَّجَسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٢٥﴾

خداوند به این صورت پلیدی را بر کسانی که ایمان نمی‌آورند قرار می‌دهد (۱۲۵)

وَهَذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٢٦﴾

این گشایش سینه برای هدایت خواهان، و تنگی آن در برابر حق‌پذیری، آیه مستقیم است و سبب درست پروردگار نوشت، مآیات را برای مردمی که پندپذیرند بیان کردیم (۱۲۶)

لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢٧﴾

برای آنان نزد پروردگارشان سرای سلامت و امن است، و خداوند به پاداش کارهای ا پسندیده که همواره انجام می‌دادند سرپرست و یاور آنان است (۱۲۷)

وَبَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدْ اسْتَكْثَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَ

روزی را به یاد آرید که همه جن و انس را جمع می‌کنیم، ای جنیان می‌گوییم: ای گروه جن! شما بسیاری از انسان‌ها را به دنبال خود کشیدید تا گمراهشان کنید.

قَالَ أَوْلِيَاءُ لَهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْنَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا

دوستان شیاطین جنی از بین انسان‌های می‌گویند: پروردگارا! هر یک از ما دو گروه پیشوایان و پیروان از یکدیگر در عرصه گمراهی ابردهای ناعشروع اگر قسم

أَجَلْنَا الَّذِي أَجَلْتَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ

تا به پایان عمری که برای ما مقرر کرده بودی رسیدیم. خداوند می‌گوید: آتش جایگاه همه شما جنیان و انسان‌های گمراه است، در آن جاودانه اید مگر آنچه

إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿١٢٨﴾ وَكَذَلِكَ نُؤَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا

خدا! برای نجات شما! بخواند؛ همانا پروردگارت حکیم و داناست (۱۲۸) بدین صورت برخی ستمکاران را بر بعضی دیگر به کیفر گناهانی که

بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٢٩﴾ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ

همواره مرتکب می‌شدند مسلط و چیره می‌کنیم (۱۲۹) در قیامت خطاب می‌شود: ای گروه جن و انس! آیا برای شما

رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقْصُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ

از اجنس! خودتان پیامبرانی نیامدند که همواره آیاتم را بر شما می‌خواندند، و به شما درباره ملاقات

يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَغَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا

امروزتان هشدار می‌دادند؟ می‌گویند: ما به زبان خود گواهی می‌دهیم که آمدند ولی آنان را انکار کردیم. ازرق و برق زندگی دنیا آنان را فریفت،

وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ﴿١٣٠﴾ ذَلِكَ أَنْ

و اکنون برضد خود گواهی می‌دهند که در دنیا همواره منکر همه حقایق بودند (۱۳۰) این افرستادن پیامبران

لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ ﴿١٣١﴾

برای این است که پروردگارت بر آن نبوده که مردم شهرها را درحالی که بی‌خبر از حقایق بودند برخلاف عدالت هلاک کند (۱۳۱)

وَلِكُلِّ دَرَجَاتٌ مِّمَّا عَمِلُوا وَ مَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا

اگر قیامت برای هر کدام از گروه جن و انس به سزای آنچه انجام می دادند در جانی از پاداش و عذاب است، و پروردگارت از آنچه انجام می دهند

يَعْمَلُونَ ﴿١٣٢﴾ وَ رَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَاءُ يُهْبِكُمْ

بی خبر نیست (۱۳۲) پروردگارت بی نیاز و دارای رحمت است، اگر بخواهد همه شما را نابود می کند.

وَيَسْتَخْلِفُ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ

و پس از شما هر چه بخواهد جایگزین شما می سازد، چنان که شما را

ذُرِّيَّةٍ قَوْمٍ آخَرِينَ ﴿١٣٣﴾ إِنْ مَا تُوعِدُونَ لِآتٍ وَمَا

از نسل گروهی دیگر پدید آورد (۱۳۳) بی تردید آنچه درباره قیامت و پاداش و کیفر به شما وعده می دهند آمدنی است.

أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿١٣٤﴾ قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ

و شما عاجز کننده خدا نیستید (۱۳۴) ای قوم من اتاجایی که امکانات و قدرت دارید، بر ضد من و دینم ایستاد.

إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ

من هم ادر انجام وظایفم می کوشم، به زودی خواهید دانست فرجام [نیک] سرای آخرت برای کیست.

إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿١٣٥﴾ وَ جَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنْ

یقیناً ستمکاران ادر هیچ زمینه ای پیروز نمی شوند (۱۳۵) [مشرکان] برای خداوند از زراعت

الْخَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ

و چهاربایانی که [خودش] آفریده سهمی قرار دادند، او برای بت هایشان سهمی، و [به خیال باطلشان] گفتند: این سهم خدا.

وَهَذَا لِلشُّرَكَائِ إِنَّا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ

و این سهم بت های ما و [عقیده داشتند] آنچه برای بت هایشان باشد

إِلَى اللَّهِ وَ مَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ

به خدا نمی رسد، و آنچه برای خدا مقرر است ادر صورت کمبود سهم بت ها، به بت ها می رسد.

سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿١٣٦﴾ وَ كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُثِيرٍ

آنچه را در این زمینه حکم می کنند بد است (۱۳۶) چنین ارسوخ عشق بت ها در دل مشرکان سبب شد که

مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَائِهِمْ

بت ها کشتن فرزندان شان را در نظر بسیاری از آنان آراستند

لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ

تا ابا این ضربه سنگین به هلاکشان اندازند، و دین باطل اشان را ادر ضمیرشان حق جلوه دهند.

اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿١٣٧﴾

اگر خداوند [به مقتضای جبر] می خواست، آن اگر زشت را مرتکب نمی شدند؛ پس آنان را با آنچه به دروغ به هم می بافتند رها کن! (۱۳۷)

وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْتُ حِجْرًا لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ

به همان این اساس! خود گفتند: این چهارپایان و زراعتی که سهم خدا و بیت هاست! خوردنش جز برای کسی که

بِزَعِيمِهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ

ما ازار و دهیم معنوع است این ها چهارپایانی است که حتی اسوار شدن بر آن ها حرام است و اینها چهارپایانی اندر اختیارشان بود که اعدا هنگام ذبح انام خدا را بر آن ها نمی بردند

عَلَيْهَا افْتِرَاءٌ عَلَيْهِ سَيَجْزِيَنَّهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿١٣٨﴾

در حالی که این احکام ناروا را به دروغ به خداوند نسبت می دادند، به زودی خداوند آنان را به سبب دروغ هایی که به هم می یافتند مجازات خواهد کرد (۱۳۸)

وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَ

و اینها به خیال باطلشان! گفتند: آنچه در شکم این چهارپایان است! در صورت زنده بیرون آمدن! و بیوه مردان عاست

حُرِّمٌ عَلَىٰ أَزْوَاجِنَا وَإِنْ يَكُنْ مَيِّتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ

و بر همسرانمان حرام است، و اگر مرده باشد مرد و زن در آن شریکند،

سَيَجْزِيَنَّهُمْ وَصَفَهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿١٣٩﴾ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ

به زودی خداوند آنان را برای این توصیف باطلشان کیفر خواهد داد؛ زیرا او حکیم و داناست (۱۳۹) قطعاً کسانی که

قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ

فرزندان خود را به سبب ابلهگی و بی دانشی خود کشته اند، و آنچه را خداوند از حلال روزی آنان

افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿١٤٠﴾

کرده بود بر پایه دروغ بستن به خدا حرام شمردند، زیان [واقعی] کردند، به راستی که گمراه شدند و هدایت نیافتند (۱۴۰)

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرِ مَعْرُوشَاتٍ

خداوند کسی است که باغ هایی برافراشته بر داربست [چون درختان انگور] و باغ هایی بدون داربست [چون درختان ایستاده بر تنه و ساقه]،

وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُمُ وَالنَّارِثُونَ وَالرُّمَّانَ

و درخت خرما، و کشت و زرع با محصولات گوناگون، و زیتون، و انار

مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ

شبهه به هم و بی شباهت به هم پدید آورده است، از میوه های آن ها چون میوه داد بخورید!

يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿١٤١﴾

و حق اشروعی آن روز چیدنش! به مستحقان بپردازید! و از زیاده روی در هزینه کردن و خوردن بپرهیزید! زیرا خداوند اهل زیاده روی را دوست ندارد (۱۴۱)

وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةٌ وَفَرُّ شَاكِلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ

و اینها از دام ها حیواناتی باربر، و دارنده پشم و کرک! بفرید، از آنچه خداوند روزی شما کرده بخورید،

وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿١٤٢﴾

و از گام های شیطان پیروی نکنید! که یقیناً او دشمن آشکار شماست (۱۴۲)

ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِنَ الصَّانِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْرِ اثْنَيْنِ وَقُلْ

از حیوانات قابل بهره‌وری شما هشت جفت (افرید)، از میش دو تا و از بز دو تا، و

الذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ

ایا خداوند نرهای آنها را یا ماده‌هایشان را، یا آنچه را که رجم میش و بز ماده در بر گرفته

الْأُنثَيَيْنِ نَبِّئُونِي بِعِلْمٍ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٤٣﴾ وَمِنَ

حرام کرده است؟ اگر (درباره این حرمت) راستگو هستید از روی دلیل علمی به من خبر دهید (۱۴۳) و

الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ الذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ

شتر دو تا و از گاو دو تا، بگو: ای خداوند نرهای آنها را،

أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ أَمْ كُنْتُمْ

یا ماده‌هایشان را یا آنچه که رجم ماده‌شتر و گاو در بر گرفته حرام کرده است؟ یا زعلی

شُهِدَاءٌ إِذْ وَصَّيْكُمْ اللَّهُ بِهَذَا فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى

خداوند شما را به این (تحریم) سفارش کرد (در محضرش) حاضر بودید، پس ستمکارتر از کسی که

عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي

به خدا دروغ بیند تا مردم را از روی بی‌دانشی گمراه کند کیست؟ مسلماً خداوند

الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٤﴾ قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوْحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى

ستمکاران را هدایت نمی‌کند (۱۴۴) بگو: در احکامی که به من وحی شده (غذای) حرامی را

طَاعِمٍ بَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ

بر خورنده‌ای که آن را می‌خورد نمی‌یابم مگر مُردار، یا خون ریخته‌شده،

خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ

با گوشت خوک که یقیناً آن‌ها پلیدند، یا آن (حیوانی) که هنگام ذبح بر اساس گناه (و نافرمانی از دستور خداوند) نام غیر خدا را بر آن برده‌اند، پس

غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٤٥﴾ وَعَلَى الَّذِينَ

کسی که (برای نجات جان) به خوردن آن‌ها ناچار شود در صورتی که خواهان لذت نباشد و از حد لازم تجاوز نکند (گناهی بر او

هَادُوا وَحَرِّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرِّمْنَا

نیست؛) مسلماً پروردگارت بسیار آمرزنده و مهربان است (۱۴۵) هر حیوان ناخن‌دار، و بیه گاو و گوسفند را بر یهودیان حرام کردیم،

عَلَيْهِمْ شُحُومُهُمَا إِلَّا مَا حَلَّتْ ظُهُورُهُمَا أَوِ الْحَوَايَا أَوْ

مگر چربی‌هایی که بر پشت یا روده آن‌هاست،

مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿١٤٦﴾

یا آنچه با استخوان آمیخته است، این (تحریم) را به سبب ستم کردنشان به آنان کیفر دادیم، ما (در اعلام این تحریم) یقیناً راستگوییم (۱۴۶)

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ

اگر تو را انکار کردند، بگو: پروردگارتان دارای رحمتی گسترده است، اما عذاب او را هم

عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ ﴿١٢٧﴾ سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ

از گروه گنه پیشگان بر نمی گردانند (۱۲۷) کسانی که [برای خداوند] شریک قرار داده اند فاطمانه می گویند: اگر خدا می خواست

مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ

نه ما مشرک می شدیم و نه پدرانمان، و نه چیزی را از پیش خود حرام می کردیم، پس همه این امور جبری است. کسانی که

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ

پیش از ایشان بودند نیز بر پایه همین اعتقاد، ایامیران را انکار کردند تا این که عذاب شدید ما را چشیدند، بگو: آیا نزد شما [در مورد عقیده ای که دارید] دلیل

عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا

علمی هست که آن را به ما ارائه دهید؟ شما فقط از گمان بی پایه پیروی می کنید، و جز به دروغ

تَخْرُصُونَ ﴿١٢٨﴾ قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ

و گمان تکیه ندارید (۱۲۸) بگو: دلیل رسا [که شکی در آن راه ندارد] فقط در اختیار خداوند است، خداوند اگر می خواست حتما همه شما را

أَجْمَعِينَ ﴿١٢٩﴾ قُلْ هَلْ شُهِدَ آءَكُمُ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ

از روی جبر ا هدایت می کرد (۱۲۹) [به مدعیان تحریم ها] بگو: گواهان خود را که گواهی می دهند خداوند این [اموری را] که شما می گوید حرام کرده یا ورید!

هَذَا فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدُ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ

پس اگر [گواهان هم به نفع دوستانشان] گواهی دادند تو با آنان گواهی مده! و از خواسته های [نامشروع] کسانی که

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ

آیات ما را منکر شدند، و آنان که به آخرت ایمان ندارند، و برای پروردگارشان شریک قرار می دهند

يَعْدِلُونَ ﴿١٣٠﴾ قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ

پیروی مکن (۱۳۰) بگو: بیاید تا آنچه را پروردگارتان حرام کرده بر شما بخوانم،

أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ

و آن این که: چیزی را شریک او نگیرید، و به پدر و مادر نیکی کنید و فرزندان را به سبب [سخت ترین شرایط]

مِنْ أَمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ

تنگدستی نکشید! ما شما و آنان را روزی می بخشیم، و به کارهای زشت

مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ

چه آشکار و چه پنهانش نزدیک نشوید! و کسی را که خدا کشتنش را

إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١٣١﴾

حرام کرده جز به حق [که قصاص و قتال با دشمن است] نکشید! این است آنچه او به شما سفارش کرده تا بیندیشید (۱۳۱)

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ

به مال یتیم جز به نیکوترین روش نزدیک نشوید تا به رشد عقلی خود نرسد

وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا

بیمانه و وزن را بر اساس عدالت، بیز و کامل بدهید هیچ کس را جز به اندازه طاقتش تکلیف نمی کنید

وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا أَوْ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَٰلِكُمْ

هر گاه سخن بگویند عدالت ادر گفتار ارا رعایت کنید هر چند درباره خویشان باشد به عهد خدا که نبوت و قرآن و امامت است وفا کنید

وَصَّكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٢﴾ وَأَنَّ هَٰذَا صِرَاطِي

این است آنچه او به شما سفارش کرده تا پند گیرید (۱۵۲) و یقیناً این مقررات استواری که پیامبر از جانب من به شما اعلام کرد را

مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ

مستقیم من است بنابرین از آن پیروی کنید و پیرو راهها ای دیگران نباشید که شما را از راه خدا پراکنده می کند

ذَٰلِكُمْ وَصَّكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٥٣﴾ ثُمَّ اتَيْنَا مُوسَىٰ

این است آنچه او به شما سفارش کرده تا از خدا اطاعت نموده از محرماتش بپرهیزید (۱۵۳) ما شریعت خود را به وسیله پیامبران گذشته به امت هارا نه دادیم پس به موسی

الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَىٰ الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى

کتاب عطا کردیم تا انعمت معنوی قوانین و احکام خود را بر کسانی که نیکی کردند تمام کنیم و همه معارف امور دنیای مردم را توضیح دهیم

وَرَحْمَةً لِّعَلَّاهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿١٥٤﴾ وَهَٰذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ

و اینکه هدایت کنند به سوی حلال و حرام او مایه رحمت باشد تا مردم به ملاقات پروردگارشان ادر سایه این سرمایه عظیم معنوی مؤمن شوند (۱۵۴) این قرآن که حاوی همه علوم

مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٥٥﴾ أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ

و احکام کتاب های آسمانی است کتابی است که ما آن را خجسته و پر خیر نازل کردیم اگر می خواهید از برکاتش بهره مند شوید از آن پیروی کنید و از مخالفت با آن بپرهیزید

الْكِتَابُ عَلَىٰ طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ

تا بود رحمت فرار گیرید (۱۵۵) قرآن را نازل کردیم تا شما نگویید کتاب آسمانی فقر پر دو گروه پیش از ما ایهود و نصاری انازل شد و چون به لغت مان بود از تعلیم گرفتارشان

لَغَافِلِينَ ﴿١٥٦﴾ أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أَنْزَلْنَا لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

بی خبر ماندم (۱۵۶) یا نگویید اگر کتاب آسمانی را بر خود ما نازل می شد قطعاً از یهود و نصاری

مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ فَمَنْ

راه یافتند بودیم اینک نرہانی روشن و هدایت و رحمتی ویژه از سوی پروردگارتان برای شما آمد بنابرین

أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ بَايَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ

ستمکارتر از کسی که منکر آیات خدا شود و از آن رویگردان شود کیست؟ به زودی

يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ ﴿١٥٧﴾

انان که از آیات ما روی گردان شوند به سبب ا همین روی گرداندنشان به عذاب سختی مجازات خواهیم کرد (۱۵۷)

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ

الامرای ایمان آوردن به قرآن اجز این مسائل را به عنوان محرک ایمان آوردن انتظار دارند که فرشتگان به سوشان آیند یا پروردگارت آشکارا انجلی کند یا تو خشی از نشانه های پروردگارت اعانند

آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ

ایمانت هم اکنون انحقق یابد! معلوم است که بایهانه کردن این خواسته های خواهند از ایمان به قرآن همواره و دیگران باشند از روزی که برخی از نشانه های پروردگارت (چون قیامت و انارش)

أَمِنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَبْرًا قُلْ أَنْتَظِرُوا إِنَّ

ظاهر شود ایمان آوردن کسی که پیش از آن ایمان نیاورده یا در حال ایمان داشتن عمل شایسته ای انجام نداده سودی نخواهد داشت بگو ای این بهانه تراشی ها! منتظر [عذاب] باشید ما هم

مُنْتَظِرُونَ ﴿١٥٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ فَسَقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتُ مِنْهُمْ فِي

منتظریم (که به عذاب دچار شوید) (۱۵۸) بی تردید کسانی که دینشان را بخش بخش کردند (تا به بخشی که مطابق عملشان باشد عمل کنند و بخش دیگر را

شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿١٥٩﴾ مَنْ جَاءَ

و انذارند) و در نتیجه گروه گروه شدند تو را هیچ پیوند و کاری با آنان نیست (ازیر امت توبه حساب نمی آیند) اگر آنان فقط با خداست آن گاه به اعمالی که همواره

بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يَجْزِي إِلَّا أَمْثَلُهَا

انجام می دادند آگاهشان می کند (۱۵۹) هر کس کار نیکو (به پیشگاه ما) بیاورد پاداشش ده برابر است و آنان که کار بد بیاورند جز به مانند آن معجزات نشوند

وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦٠﴾ قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا

و مورد ستم قرار نمی گیرند (۱۶۰) بگو: مسلماً پروردگارم مرا به سوی راه مستقیم هدایت کرده: [راه مستقیمی] که دین ثابت و استوار است

قِيَمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٦١﴾ قُلْ إِنْ صَلَاتِي

همان دین ابراهیم یکتاپرست که از مشرکان نبود (۱۶۱) بگو: نماز من

وَنُسُكِي وَحَيَاتِي وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٢﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ

عبادت من زندگی ام و مرگم فقط برای خداوند یکتا پروردگار جهانیان است (۱۶۲) او را شریکی نیست به این ایگانه دانستن او

أَمَرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٦٣﴾ قُلْ أَغْبِرُ اللَّهَ أَبْغَى رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ

ماورم و نخستین کسی از بین شما هستم که تسلیم [خداوند] هستم (۱۶۳) بگو: آیا جز خدای یکتا پروردگار و مدبری بطلبم؟ در حالی که او پروردگار و مدبر همه امور است

وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَىٰ

و هیچ کس جز به زیان خود عمل زشتی مرتکب نمی شود و هیچ سنگین باری بار گناه دیگری را (به دوش خود) بر نمی دارد سپس

رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿١٦٤﴾ وَهُوَ الَّذِي

بازگشت همه شما به سوی پروردگار تان خواهد بود نهایتاً شمارا به [حقانیت] آنچه درباره آن اختلاف می کردید آگاه می کند (۱۶۴) او کسی است که

جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَبْلُوَكُمْ

شما را در زمین جانشین [نسل های گذشته] قرار داد و [مرتبه معنوی و مادی] برخی از شما را بر بعضی دیگر به درجاتی بالا برد

فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٦٥﴾

تا شما را در آنچه عطايتان کرده بیازماید مسلماً پروردگارت زودکیفر و یقیناً بسیار آمرزنده و مهربان است (۱۶۵)

سُورَةُ الْأَعْرَافِ

آیاتها
۲۰۶مکه
آیاتها
۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشه

الْمَصِّ ۱ كِتَابٌ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِنْهُ

الف، لام، میم، صاد (۱) این کتابی [با عظمت] است که به سوی تو فرستاده شده تا به وسیله آن [مردم گنهکار را] هشدار دهی، و یادآورنده ای [در باره حقایق]

لِنُنْذِرَ بِهِ وَذِكْرَى لِّلْمُؤْمِنِينَ ۲ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ

برای مؤمنان باشد؛ بنابراین نباید برای [تبلیغ] آن [دلالت] شود (۲) آنچه را از سوی پروردگارتان به سوی شما فرستاده شده پیروی کنید؛

وَلَا تَتَّبِعُوا مَن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ۳ وَكَمْ مِنْ قَرْيَةٍ

و از معبودانی جز او که [سبب تیره بختی شما در دنیا و آخرتند] اطاعت نکنید؛ [اولی] اندکی پند می گیرید (۳) چه بسیار شهرهای

أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ ۴ فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ

که [اهلش را به سبب گناهانشان] هلاک کردیم، و عذاب ما در حالی که در خواب شبانه یا خواب نیمروز بودند به آنان رسید (۴) وقتی عذاب ما

إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا إِلَّا أَن قَالُوا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ۵ فَلَنَسْأَلَنَّ

به سببشان آمد اعترافشان جز این نبود که گفتند: یقیناً ما ستمکار بودیم (۵) [در قیامت] از کسانی که

الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ ۶ فَلَنَقْصُرَنَّ

پیامبران به سببشان فرستاده شدند [در باره برخوردشان با آنان]، و از پیامبران [در مورد تبلیغ دین] قطعاً پرسش خواهیم کرد (۶) مسلماً [در آن روز]

عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ ۷ وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَن ثَقُلَتْ

برای آنان [ظاهر و باطن عقاید و اعمال و اخلاقتان را] بر اساس دانشی [دقیق و فراگیر] بیان خواهیم کرد؛ [از بر] ماهیچ گاه [در خلوت و جلوت] از آنان غایب نبوده ایم (۷) میزان

مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۸ وَمَن خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ

[سنجش] در آن روز حق است، پس کسانی که اعمال سنجیده شده آنان سنگین باشد تنها اینانند که [بر موانع راه نجات] پیروزند (۸) و کسانی که اعمال سنجیده شده آنان سبک

الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ ۹ وَ

باشد، به سبب آن که همواره به آیات ما ستمروای داشتند [می یابند که همه سر مایه وجودی] خود را تباه کرده اند، [و راه نجات به رویشان مسدود است] (۹)

لَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُم فِيهَا مَعَالِشَ قَلِيلًا مَا

ما شما را در زمین جای دادیم و در آن برای بهره وری شما وسایل و ابزار زندگی فراهم آوردیم، [اولی] اندکی از شما

تَشْكُرُونَ ۱۰ وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ

سپاس گزاری می کنید (۱۰) همانا ما شما را آفریدیم، آن گاه صورتگری کردیم، سپس به فرشتگان گفتیم:

اسْجُدُوا لِلْآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ ۱۱

بر آدم سجده کنید! بی درنگ همه سجده کردند مگر ابلیس که از سجده کنندگان نبود (۱۱)

قَالَ مَا مَنَعَكَ اَلَّا تَسْجُدَ اِذْ اَمَرْتُكَ قَالَ اَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ

ايداد و نده او افرمود: زمامی که تو را ايه سجده افرمان دادم چه چيز تو را از سجده کردن باز داشت؟ گفت: من از او بهترم؛ مرا از آتش پديد آوردی و او را

خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ ﴿١٢﴾ قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَاَيْكُونُ لَكَ اَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ

از گل آفریدی (۱۲) ايداد و نده افرمود: از اين جا بگاه ارفيع بالرش که عرصه تسليم و فروتنی است افرودای چون تو را نرسد که در اين جا بگاه بزرگ عنشی کسی پس بيرون رو

اِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ ﴿١٣﴾ قَالَ اَنْظِرْنِي اِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ ﴿١٤﴾ قَالَ اِنَّكَ مِنَ

که مسلماً از خوار شدگان (۱۳) گفت: مرا تا روزی که همه مردگان برانگيخته می شوند مهلت ده (۱۴) ايداد و نده افرمود: همانا تو از

الْمُنْظَرِينَ ﴿١٥﴾ قَالَ فَمَا آغْوَيْتَنِي لَأَفْعُذَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١٦﴾

مهلت يافتگانی (۱۵) ابليس گفت: برای اين که مرا ابرای سجده نکردن بر آدم از فيض و رحمت انا کام و سرگردان کردی، يقيناً بر سر راه مستقيمت اگاه و هروايش

ثُمَّ لَا نُنِيتُ لَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا

رايه بهشت می رساند! در کمين انسان ها خواهم نشست (۱۶) آن گاه از پيش رو و پشت سر، و از طرف راست و چپشان در ايم انا به گمراهی دچارشان سازم؛

تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ﴿١٧﴾ قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَدْحُورًا لَمَنْ نَبَعَكَ

آنگونه که بيشترشان را سياس گزاز انعمت های مادی و معنوی انخواهی يافت (۱۷) ايداد و نده گفت: از اين جا بگاه ارفيع بالرش ادر حالی که سزاوار نکوهش

مِنْهُمْ لَا مَلَائِنَ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٨﴾ وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ

و طرد شدن هستی بيرون و يقيناً هر يك از ایشان که از تو پيروی کنند هر آينه دوزخ را از اوجودات و آنان پر خواهيم كرد (۱۸) ای آدم اتوو همسرت در اين باغ

الْجَنَّةِ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ

ساکن شوید و از هر جای آن که خواستيد بخوريد! و به اين درخت نزديک نشويد

الظَّالِمِينَ ﴿١٩﴾ فَوَسَّسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا

که از ستمکاران ابر خود اخواهيد شد (۱۹) شيطان آن دورا ابرای تسليم شدنشان به خواسته هایش با چهرای خير خواهانه اوسوسه كرد، تا آنچه از شر مگاه بدنشان

مِنْ سَوَائِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا

بر آنان پوشيده بود آشکار کند، اوسوسه اش اين بود که گفت: پروردگارتان شمارا از ا خوردن ميوه اين درخت نهی نکرده مگر برای اين که مبادا

مَلَائِكُنَ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ ﴿٢٠﴾ وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا مَلِكٌ

هر دو تبديل به فرشته شوید، يا به عمر جاويدان دست يابيد (۲۰) و برای هر دو سوگند خورد که يقيناً من

النَّاصِحِينَ ﴿٢١﴾ فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوَائُهُمَا

نسبت به شمارا خير خواهانم (۲۱) پس آن دورا با فريب کاری از مرتبه اطاعت از حق افرود آورد، او برای خوردن از آن درخت آماده كرد، چون از آن درخت

وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا

چشيدند شر مگاهشان برای هر دو نمايان شد، و دست به کار قرار دادن برگ ادرخت آن اباغ به خود شدند، پروردگارتان بر آن دوبانگ زد: ايا من شمارا

عَنْ يَلِكُمَا الشَّجَرَةَ وَاقُلْ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٢٢﴾

از اين درخت نهی نکردم؟ و به شما نگفتم قطعاً شيطان دشمن آشکار شما است (۲۲)

قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٢٣﴾

هر دو ابا کمال ادب و فروتنی گفتند: پروردگارا! ما به خود ستم کردیم، اگر ما را نپایزی و به ما رحم نکنی مسلماً

از نپایه کنندگان احمق سر ما به جودی خود خواهیم بود (۲۳) خداوند گفت: از این جایگاه فرود آید در حالی که دشمن یکدیگر دید و شمارا در زمین

مُسْتَقَرٍّ وَمَتَاعٍ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٢٤﴾ قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَ مِنْهَا تُخْرَجُونَ ﴿٢٥﴾ يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوَاتِكُمْ وَ

تا مدتی قرارگاه و مایه بهره‌مندی است (۲۴) او نیز به آنان گفت: در زمین زندگی می‌کنید، و در آن می‌میرید، و در فصاحت

از آن بیرون می‌آورند (۲۵) ای فرزندان آدم! ما به شما لباسی که شرمگاهتان را می‌پوشاند، و نیز مایه زینت و جمال است

رِبَاشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ

عطا کردیم، و لباس پرهیزگاری (که انسان را به اطاعت از خدا و ترک محرماتش وامی‌دارد) بهتر است، این لباس معنوی که مایه سعادت ابدی است از نشانه‌های

یَذْكُرُونَ ﴿٢٦﴾ يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ

الطّف و احسان خداوند است، باشد که فرزندان آدم به نعمت‌های مادی و معنوی خدا توجه کنند (۲۶) ای فرزندان آدم! مباد شیطان شمارا بفریبد چنان که

أَبَوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ

پدر و مادران را ابا فریب‌کاری‌اش از آن باغ (پرنعمت) بیرون کرد، لباسشان را از تن آنان بیرون آورد تا شرمگاهشان را به آنان نشان دهد،

بَرَنكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ

او و گروهش شما را از جایی می‌بینند که آنان را نمی‌بینید، ما شیاطین را بر کسانی ولایت او حاکمیت دادیم

لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٧﴾ وَإِذْ أَفْعَلُوا فَأْجَنَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا

که ایمان نمی‌آورند (۲۷) چون کار زشتی مرتکب می‌شوند می‌گویند: پدرانمان را بر آن اکارا

وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ اتَّقُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا

بافتیم، و خداوند ما را به آن فرمان داده! بگو: قطعاً خداوند به انجام کار زشت فرمان نمی‌دهد، آیا چیزی را که نمی‌دانید

لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾ قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ

به خداوند نسبت می‌دهید؟! (۲۸) بگو: پروردگارم به میانه‌روی ادر همه امور فرمان داده، و این که ادر هر عبادتگاهی روی ادر خود را آن گونه ا به سوی خدا کنید (که از هر چیزی

كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ ﴿٢٩﴾

جز از منقطع شود) و خدا را بخوانید ادر حالی که عبادت را برای او ا شرک ا خالص می‌کنید، همان گونه که شمارا افرید ا پس از مرگ زنده می‌شوید و به سوی او ا باز می‌گردید (۲۹)

فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ

گروهی را ا به سبب نشان دادن لیاقت ا هدایت کرد، و گروهی همراهی بر آنان قطعی شد؛ زیرا شیاطین را

أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنََّّهُم مُّهْتَدُونَ ﴿٣٠﴾

به جای خدای یکتا حاکم و سرپرست خود گرفتند، و گمان می‌کنند که ره یافته ا به سوی سعادت ا اند (۳۰)

يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا

ای فرزندان آدم! در هر عبادتگاهی زینت [ماذی و معنوی خود را متناسب با مکان عبادت و خود عبادت] همراه خود بردارید، و بخورید و بنوشید

لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي

زیاده روی نکنید! زیرا خداوند اهل زیاده روی را دوست ندارد (۳۱) بگو: چه کسی او بر پایه چه دلیل و دانشی زینت های خدا را

أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ

[که] مجموعه وسایل و لوازم و مایه های زیبایی انسان و زندگی او، و پوشاننده نواقص وی است، و روزی های دلپذیر ای که برای بندگانش پدید آورده [حرام کرده است] بگو: آن ها در زندگی

الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفْصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٣٢﴾

دنیا برای مؤمنان است؛ اگر چه غیر مؤمنان هم از آن بهره مندند [ولی در قیامت فقط ویژه مؤمنان است. این گونه، آیات [خود] را برای مردمی که دانایند بیان می کنیم (۳۲)]

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ

بگو: پروردگارم کارهای زشت را چه آشکارش باشد و چه پنهانش، و گناه و تجاوز ظالمانه را،

الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا

و این که چیزی را که بر حقانیتش دلیلی نفرستاده شریک او قرار دهید، و این که اموری را جاهلان به خدا نسبت دهید

لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٣﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً

حرام کرده است (۳۳) برای [زندگی و حیات] هر امتی زمانی است، چون زمانشان سرآید نه لحظه ای پس می مانند،

وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿٣٤﴾ يَا بَنِي آدَمَ إِنَّمَا يَنْتِظَكُمُ رُسُلٌ مِنْكُمْ يُقِصُّونَ

و نه لحظه ای پیش می افتند (۳۴) ای فرزندان آدم! چون پیامبرانی از خودتان به سویتان آیند که آیات را

عَلَيْكُمْ آيَاتِي مَنِ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٣٥﴾

بر شما بخوانند [به آنان ایمان بیاورید و به آیات عمل کنید] کسانی که [از انکار آن ها] بپرهیزند و [مفاسد خود را] اصلاح کنند [بهیمنی بر آنان است، و نه اندوهگین شوند] (۳۵)

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا

آنان که منکر آیات ما شدند و از [پذیرفتن] آن تکبر کردند اهل آتشند،

خَالِدُونَ ﴿٣٦﴾ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ

و در آن جاودانه اند (۳۶) ستمکارتر از کسانی که بر خداوند دروغ بستند، یا آیتش را

بِآيَاتِهِ أُولَٰئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكِتَابِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ

منکر شدند کیست؟ سهمشان از آنچه از نعمت های مادی [مقرر شده به آنان می رسد، تا آن گاه که

رُسُلُنَا يَتَوَقَّوْنَهُمْ قَالُوا أَإِنَّ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

فرستادگان ما برای گرفتن جان شان به سوی شان آیند، می گویند: معبودهایی که [چون بت ها و طاغوت ها] به جای خدا می پرستیدید کجایند [تا

قَالُوا صَلُّوا عَلَيْنَا وَشْهِدُوا عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ﴿٣٧﴾

شمار از سختی های مرگ و خطرات پس از آن بر هانند؟ [آنان] پاسخ می دهند: از دست ما رفتند، و بر ضد خود گواهی می دهند که کافر بوده اند (۳۷)

قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي

اخذاونند به این کافران می فرماید: شما هم در بین امت هایی از جن و انس که پیش از شما در گذشتند و دوزخی شدند در آتش دوزخ [در آید]

النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْهَا حَتَّىٰ إِذَا دَارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا

هرگاه گروهی وارد شوند [گروه] هم مسلک خود را لعنت کنند تا همگی [با خواری] در آتش به هم پیوندند، پیروان درباره پیشوایان

قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأُولَئِهِمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَصْلُ نَوَارِكُمْ عَذَابًا ضِعْفًا

می گویند: پروردگارا! اینان ما را به گمراهی کشیدند، پس عذابشان را از آتش [دوزخ] دوچندان کن

مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٌ وَلَٰكِنْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٨﴾ وَقَالَتْ أُولَئِهِمْ

اخذاونند می گویند: برای هر کدام از شما پیروان و پیشوایان دوچندان هست ولی خبر ندارید (۳۸) پیشوایان به پیروانشان می گویند

لَاخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ فذُقُوا الْعَذَابَ بِمَا

شما را بر ما هیچ برتری و امتیازی نیست [که عذابتان کمتر باشد] پس به کیفر اعمال زشتی که همواره مرتکب می شدید

كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٣٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا

عذاب را بخشید (۳۹) بی تردید کسانی که آیات ما را انکار کردند و در برابر آن ها تکبر ورزیدند

لَا تُفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ الْجَمَلُ

درهای آسمان [برای نزول رحمت] بر آنان گشوده نمی شود، و وارد بهشت هم نمی شوند مگر این که شتر

فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ ﴿٤٠﴾ لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ

در سوراخ سوزن درآید گنه پیشگان را این گونه مجازات می کنیم (۴۰) برای آنان بستری

بِمَآذٍ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾

از دوزخ، و بر فرازشان پوشش هایی [از آتش] است، و ستمکاران را به این صورت کیفر می دهیم (۴۱)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا

آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند اهل بهشتند

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٤٢﴾ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ

و در آن جاودانه اند، ما هیچ کس را جز به اندازه طاقتش تکلیف نمی کنیم (۴۲) آنچه از کینه

مِنْ غُلٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا

در سینه هایشان هست بر می کنیم، از زیر [آب]های آنان نهرها جاری است، می گویند: همه ستایشها ویژه خداست

لِهَٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنَّ هَدَانَا اللَّهُ ﴿٤٣﴾ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا

که ما را به این سعادت ابدی هدایت کرد، و اگر خداوند ما را هدایت نمی کرد راه را نمی یافتیم، مسلم است که فرستادگان پروردگارمان

بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنَّ إِلَهُكُمُ الْجَنَّةُ أَوْ رُشِّمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾

حق را برای هدایت انسان آوردند. [در آن وقت] اندایشان می دهند: به یادش اعمال شایسته ای که همواره انجام می دادید این بهشت را [رمزگفتان داده اند] (۴۳)

وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنِ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ

بهشتیان، دوزخیان را ندا می دهند که: ما آنچه را پروردگارمان به ما وعده داده بود درست و یقینی یافتیم، آیا شما هم آنچه

وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَإِنَّ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنَّ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَىٰ

را پروردگارتان وعده داده بود درست و یقینی یافتید؟ گویند: آری. پس آواز دهنده ای در بین آنان آواز دهد که: ستمکاران از رحمت خدا

الظَّالِمِينَ ﴿٤٤﴾ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ

دور باشند (۴۴) هم آنان که پیوسته مردم را از راه خدا باز می دارند و می خواهند آبا و سوسه و اغواگری آن را کج نشان دهند، در حالی که به آخرت هم

بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ ﴿٤٥﴾ وَبَيْنَهُمَا جَبَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ

کافرند (۴۵) و میان بهشتیان و دوزخیان حایلی است، و بر بلندای آن مردانی ایستاده اند و بر گوارند که هر کدام از دو گروه بهشتی و دوزخی را

كُلًّا بِسْمَاهُمْ وَنَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنُ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ

به نشانه هایشان می شناسند، و بهشتیان را که وارد بهشت نشده اند ولی ورود به آن را امید دارند ندا می دهند:

يَطْمَعُونَ ﴿٤٦﴾ وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا

سلام بر شما باد! (۴۶) چون چشمانشان را به سوی دوزخیان برگردانند می گویند: پروردگارا!

لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤٧﴾ وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ

ما را با گروه ستمکار قرار مده! (۴۷) و قرار گرفته گان بر بلندای حایل میان بهشت و دوزخ مردانی را که از نشانه هایشان می شناسند

بِسْمَاهُمْ قَالُوا مَا آغْنِي عَنْكُمْ جَعَلَكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿٤٨﴾

ندادند، می گویند: دیدید که جمعیت [خواهانان و فرزندان] شما و گردن کشی [وزیر گویی] بی دربی آنان عذاب و از شمار طرف نکرد! (۴۸)

أَهْؤْلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ

ای دوزخیان! [ایا اینانند] کسانی که [در دنیا] سوگند یاد می کردید که خدا آنان را به رحمتی نمی رساند؟ [پس به مؤمنان گویند:] وارد دبهشت شوید که نه بیمی

عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٤٩﴾ وَنَادَىٰ أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ

بر شماست، و نه اندوهگین می شوید (۴۹) دوزخیان بهشتیان را ندا می دهند که:

أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ

ندکی از [آب، یا از آنچه خدا روزی شما کرده به ما] [هم] بدهید! [بهشتیان] می گویند:

حَرَّمَ مَا عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٥٠﴾ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا

خدایان آب و نعمت های بهشتی را بر کافران حرام کرده است (۵۰) هم آنان که [به جای دین خدا]

وَلَعِبًا وَغَرَّتُهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسُهُمْ كَمَا نَسُوا

سرگرمی [به مادیات] و بازیگری را به عنوان این خود انتخاب کردند، و زندگی دنیا ای پر زرق و برق افریشان داد. ما امروز به آنان بی توجهی می کنیم چنان که

لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿٥١﴾

اینان به لقاء امروزشان بی توجهی کردند، و همواره آیات ما را انکار می کردند (۵۱)

وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ

برای آنان کتابی اعظم و بالرش آوردیم که احقاقیق آن را بر اساس دانشی اذقیق و فراگیر انوضیح دادیم، در حالی که همه آیتانش برای مؤمنان هدایتگر

بُؤْهِنُونَ ﴿٥٢﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ

و رحمت است (۵۲) آیا منتظران قرآن برای ایمان آوردن به آن، در انتظار تحقق تهدیدهای آن هستند؟ البته! روزی که تهدیدهای ایمان شده در آن آشکارا به سوشان ایدگشتی

نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفْعَاءَ

که از پیش، ایمان به آن را ترک کرده بودند می گویند: قطعاً فرستادگان پروردگارمان حق را آوردند و اولی ما آن را انکار کردیم، آیا در چنین روز هول انگیزی برای ما شفاعت کنندگانی

فَيُشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ

هستند که ما را شفاعت کنند؟ یا امکان است ما را به دنیا بازگردانند تا غیر آنچه انجام می دادیم انجام دهیم؟! ابراستی! آنان اسرمایه های وجودی خود را تباه کردند.

وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٥٣﴾ إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ

و آنچه را از بت ها و طاغوت ها به دروغ شریکان خدا می دانستند از دستشان رفت (۵۳) همانا پروردگار شما خداوند یکتاست

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى

که آسمان ها و زمین را در شش دوره آفرید، سپس بر تخت افرمانروایی و تدبیر امور آفرینش چیره شد.

الَّيْلِ النَّهَارِ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَالنُّجُومِ مُسَخَّرَاتٍ

شب را درحالی که شتابان روز را می جوید بر روز می پوشاند، و خورشید و ماه و ستارگان را که مطیع

بِأَمْرِ إِلَهِ الْخَلْقِ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٥٤﴾ أَدْعُوا

فرمان اویند ایدید آورد، آگاه باشید که آفریدن و فرمان انافذ در مورد همه موجودات اویژه اوست، خجسته و بر خیر است پروردگار جهانیان (۵۴) پروردگار تان را

رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿٥٥﴾ وَلَا

با فروتنی و زاری و در بنهان بخوانید! او از شریط و ادب دعا تجاوز نکند؛ زیرا خداوند متجاوزان را دوست ندارد (۵۵) در زمین

نُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا

پس از آبادی و عمرانش (به وسیله بندگان شایسته ام،) به تخریب و فتنه گری برنخیزید! و خدا را از روی بیم از عذابش او امید به رحمتش بخوانید!

إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٦﴾ وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ

زیرا رحمت خداوند به نیکوکاران نزدیک است (۵۶) اوست که

الرِّيحَ بُشْرًا لِّبَنِي يَدَي رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا رِّشْقًا لَا

بادها را پیشاپیش اباران رحمتش مژده دهنده به ریزش باران می فرستد تا ابرهای سنگین بار را بردارند

سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَاهُ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ

مالن ها را به سوی سرزمینی مرده می انیم، و به وسیله آن هاب اثمر بخش افرو می آوریم، و بان آب همه نوع میوه و محصول بدیدی می آوریم، به همین صورت مردگان را در

الْثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٥٧﴾

قیامت از لایه های خاک های گور با حیاتی دوباره بیرون می آوریم، ایمان این مسائل حیرت انگیز طبیعی برای این است که انا به قدرت بی نهایت خداوند توجه کنید (۵۷)

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَتْ لَا يَخْرُجُ

زمین پاک و پاکیزه است که گیاه [برسود] آن به خواست پروردگارش می‌روید، و [زمینی که ناباک] او خالی از شرایط کشت است جز

إِلَّا تَنْكِدًا كَذَلِكَ نَضْرِبُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ ﴿٥٨﴾ لَقَدْ

مگر ای [بلد پاک] بی‌خبر از آن [بیرون نمی‌آید، این گونه، آیات خود را برای مردمی که سپاس گزارند به صورت‌های گوناگون توضیح می‌دهیم] (۵۸) همانا

أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ

نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس [به آنان] گفت: ای قوم من! خدای یکتا را بپرستید که شما را جز او

غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٥٩﴾ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ

معبودی نیست، [چنانچه بر پرستش بت‌ها و معبودهای بی‌هویت با فشاری کنید] من قطعاً از عذاب روزی بزرگ بر شما می‌ترسم (۵۹) سران [متکبر] قومش گفتند:

قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرِيكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٦٠﴾ قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي

مسلمانا ما تو را در گمراهی آشکاری می‌بینیم (۶۰) گفت: ای قوم من! هیچ‌گونه

ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦١﴾ أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ

گمراهی در من نیست، بلکه من فرستاده‌ای از سوی پروردگار جهانیانم (۶۱) پیام‌های پروردگارم را

رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٢﴾ أَوْ عَجِبْتُمْ

[قاطعانه] به شما می‌رسانم، و خیرخواه شما هستم، و از خداوند حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید (۶۲) آیا شگفت زده‌اید

أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنْذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَ

که بر مردی از خودتان حقایقی بیدار کننده از سوی پروردگارتان آمده تا شما را [از عذاب دنیا و آخرت] هشدار دهد، برای این که [خدا را از بركت این هشدار اطاعت کرده،

لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٦٣﴾ فَكَذَّبُوهُ فَانْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلِ

[از بحر مانش] بپر هیزید، و قطعاً مورد رحمت قرارتان دهد؟ (۶۳) [در عین بیان این مسائل] اورا انکار کردند، ما هم او و کسانی که در کشتی همراهش بودند نجات دادیم،

وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ ﴿٦٤﴾ وَإِلَىٰ

و [انکار کنندگان] آیاتمان را غرق کردیم؛ زیرا آنان گروهی کوردل بودند (۶۴)

عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ

و به سوی قوم عاد، برادرشان هود را [فرستادیم]، گفت: ای قوم من! خدای یکتا را بپرستید که شما را جز او معبودی نیست،

أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٦٥﴾ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرِيكَ

ایا [از بت پرستی و فرمانبرداری از طاغوت‌ها] پرهیز نمی‌کنید؟ (۶۵) سران [متکبر] قومش گفتند: ما تو را

فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٦٦﴾ قَالَ يَا قَوْمِ

در [ابهلی] [اشدیدی] می‌بینیم، و از [دروغ‌گویان] می‌دانیم، (۶۶) گفت: ای قوم من!

لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٧﴾

مرا هیچ‌گونه [ابهلی] نیست، بلکه من فرستاده‌ای از سوی پروردگار جهانیانم (۶۷)

أَبْلَغَكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَآتَاكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ﴿٦٨﴾ أَوْ عَجِبْتُمْ

پیام‌های پروردگارم را [قاطعه] به شما می‌رسانم و برای شما خیرخواهی امینم (۶۸) آیا شگفت (ده) دارید

أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرُكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ

که بر مردی از خودتان حقایق از سوی پروردگارتان آمده تا شما را [از عذاب دنیا و آخرت] هشدار دهد

وَإِذْ كُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَمَرًا خَلَقَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي

توجه کنید که خداوند شما را [با لطف و احسان] پس از [هلاکت] قوم نوح، جانشین آنان قرار داد، و در افزایش شما

الْخَلْقِ بَصِطَةً فَادْكُرُوا الْآلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٦٩﴾ قَالُوا أَاجْتُنَّا

بر تنوعی [ندمان] افزود پس نعمت‌های [گوناگون] خداوند را یاد کرده، [قلب‌مورد] توجه قرار دهید تا [بر همه موانع راه سعادت] پیروز شوید (۶۹) گفتند

لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَإِنَّا بِمَا نَعْبُدُنَا

ایا به سوی ما آمده‌ای که فقط خدای یکتا را بپرستیم، و آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند رها کنیم؟! اگر

إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٧٠﴾ قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ

از راستگویی غذایی را که به آن تهدیدمان می‌کنی برای ما بیاور (۷۰) گفت: یقیناً از سوی

رَبِّكُمْ رَجْسٌ وَغَضَبٌ أَتُجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءٍ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ

پروردگارتان عذاب و خشمی شدید بر شما حتمی شده، آیا درباره نام‌هایی [بی‌اثر و بدون معنا] که

وَأَبَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهِمَا مِنْ سُلْطَانٍ فَأَنْظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ

خود و پدرانتان [به روی معبودهای خیالی] نهاده‌اید، و خداوند هیچ دلیلی بر حقانیت آن‌ها نازل نکرده بامن گفت و گوی نادرست و بی دلیل می‌کنید؟ پس منتظر

مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿٧١﴾ فَانْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا

[عذاب خدا] باشید و من هم با شما از منتظران [آمدن عذاب] هستم (۷۱) نهایتاً [به وقت آمدن عذاب] او و کسانی را که همراهش بودند

وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٧٢﴾

با رحمتی ویژه از جانب خود نجات دادیم، و ریشه کسانی که آیات ما را انکار کردند

وَالِإِثْمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا

و مؤمن نبودند بپرستیدم (۷۲) و به سوی قوم ثمود، برادرشان صالح را [فرستادیم]، گفت: ای قوم من! خدای یکتا را

لَكُمْ مِنْ إِلَهِ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ

بپرستید، شما را معبودی جز او نیست، برای شما معجزه‌ای آشکار از جانب

هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي

پروردگارتان آمده است، این ماده شتر خداست که معجزه‌ای ویژه برای شماست، [تا به صدق رسالت‌م ایمان آورید]، آن را آزاد بگذارید

أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوها بِسَوْءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ آلِيمٍ ﴿٧٣﴾

در زمین خداوند بچردا هیچ آزاری به او نرسانید که عذاب دردناکی شما را خواهد گرفت (۷۳)

وَاذْكُرُوا اِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْاَرْضِ

به یاد آرید زمانی که خداوند شما را ابا خلف و اخسانش پس از اهلکات قوم عاد جانشین آنان کرد، و در این

تَتَّخِذُونَ مِنْ سَهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا

آباد جایان داد که از مناطق هموارش برای خود قصرها بنا می کنید، و از کوه هایش خانه ها

فَاذْكُرُوا الْاِثْمَ الَّذِي كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ وَلَا تَعْتَوُوا فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٧٢﴾

می فرمایید، پس نعمت های [گوناگون] خدا را یاد کرده، [قلباً مورد توجه قرار دهید، و در زمین تباه کاری و فتنه انگیزی نکنید] که کاری بسیار زشت و ناپسند است [۷۴]

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوْا

سران [استکبر] قومش به مستضعفان قوم که ایمان آورده بودند گفتند:

لِمَنْ اٰمَنَ مِنْهُمْ اَتَعْلَمُونَ اَنْ صَالِحًا مَّرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ

ایا شما یقین دارید که صالح از سوی پروردگارش فرستاده شده؟

قَالُوا اِنَّا بِمَا اُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ ﴿٧٥﴾ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا

گفتند: یقیناً ما به آیینی که او به آن فرستاده شده مؤمنیم [۷۵] مستکبران گفتند:

اِنَّا بِالَّذِي اٰمَنَّا بِهِ كَافِرُونَ ﴿٧٦﴾ فَعَقَرُوا النَّاقَةَ

ما آیینی که شما به آن مؤمن هستید باور نداریم [۷۶] نهایتاً دست و پای عاده شتر را

وَعَتَوْا عَنْ اَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يَا صَالِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا

قطع کردند، و از فرمان پروردگارشان روی گردانند، و گفتند: ای صالح! اگر

اِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٧٧﴾ فَاخَذَتْهُمْ الرِّجْفَةُ

از پیامبران هستی، عذابی که ما را به آن تهدید می کنی بیاور! [۷۷] پس زلزله ای بسیار شدید آنان را فراگرفت،

فَاَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿٧٨﴾ فَنَوَّلُوا عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ

ویران آن در خانه هایشان [به رو افتاده]، جسمی بی جان شدند [۷۸] صالح [پس از آن که آمدن عذاب قطعی شد] از آنان روی بر تافت و گفت: ای قوم من!

اَبَلَيْتُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ

ایام پروردگارم را به شما رساندم، و برایتان خیرخواهی کردم، ولی شما خیرخواهان را

النَّاصِحِينَ ﴿٧٩﴾ وَلَوْ طَآ اِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اَتَاتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ

دوست ندارید [۷۹] ولو ط! اذ! قال! لِقَوْمِهِ! اَتَاتُونَ! الْفَاحِشَةَ! مَا سَبَقَكُمْ

بِمَا مِنْ اَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿٨٠﴾ اِنَّكُمْ لَتَاَتُونَ الرِّجَالَ

که هیچ یک از جهانیان آن را پیش از شما مرتکب نشدند تن می دهید! [۸۰] شما [فقط] به سبب شهوت [بسیار شدید]

شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ اَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ﴿٨١﴾

همواره به جای زنان با مردان می آمیزید! و با این کار حقوق زنان و مسئله تولید نسل را باطل می کنید، وای که شما! در زمینه شهوت جنسی [مردمی زیاده خواه] و منحرف [هستید] [۸۱]

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ

بایست که قومش جز این نبود که گفتند: لوط و اهلش را از شهرتان
إِنَّهُمْ أَنْاسٌ يَنْطَهُرُونَ ﴿٨٢﴾ فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا

بسیرون کنند؛ زیرا اینان مردمی هستند که به شدت گرایش به باکی دارند (۸۲) نهان او و اهلش را
أَمْرَاتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٨٣﴾ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا

همسرش را که از باقیماندگان ادر بین کافران بود نجات دادیم (۸۳) و بر آنان بارانی اشدید از سنگ‌های آتشین بارانند
فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ﴿٨٤﴾ وَإِلَىٰ مَدْيَنَ

پس با دقت بنگر که فرجام گنه‌پیشگان چگونه بود (۸۴) و به سوی مردم مدین
أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ

برادرشان شعیب را فرستادیم، گفت: ای قوم من! خدای یکتا را بپرستید که شما را معبودان
غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ فَافُوْا الْكَيْلَ

جز او نیست، همان‌باری شما دلیلی روشن از سوی پروردگارتان [یعنی بر سرگذشت زبان‌بار گذشتگان و دچار شدنشان به عذاب اعدا بنابر این بیانه
وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَفْسِدُوا

و ترازو را نیز و کامل بدهید، و از اجناس او اموال و حقوق مردم ادر معاملات مکهید
فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ

و در زمین پس از آبادی و عمرانش [به وسیله بندگان شایسته‌ام] به تخریب و فتنه‌گری برنخیزید! این برای شما بهتر است
كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٨٥﴾ وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ

اگر مؤمن باشید (۸۵) و بر سر هر راهی ننشینید که [مردم را به مصادره اموال و باج‌خواهی و شکنجه] تهدید کنید
وَتَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا

و مؤمنان را از راه خدا بازدارید، و بخواهید آن را ابا و سوسه و اغواگری کج نشان دهید
وَإِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرَكُمْ وَانْظُرُوا كَيْفَ

و به یاد آرید زمانی که [جمعیت] الذکی بودید، پس خداوند [جمعیت] شما را افزود، و با دقت بنگرید
كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨٦﴾ وَإِنْ كَانَ طَائِفَةٌ

که فرجام تبه‌کاران فتنه‌انگیز چگونه بود (۸۶) و اگر گروهی
مِنْكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَائِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوا

از شما به اینی که مرا به آن فرستاده‌اند ایمان آوردند ولی گروهی ایمان نیاوردند
فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿٨٧﴾

[شما مؤمنان! شکیبایی کنید تا خداوند بین ما [دو گروه] داوری کند؛ که او بهترین داوران است (۸۷)]

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ

سران امتکبرا قومش گفتند: ای شعیب! ما یقیناً تو و آنان را که به تو ایمان آورده‌اند از شهرمان بیرون می‌کنیم.

آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قُرْبَتِنَا أَوْ لَتَعُودَنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا

ما این‌که بی‌چون و چرا به این ما بازگردید. گفت: [اشکفتا] آیا ما را می‌خواهید بازگردانید! گرچه از اینان!

كَارِهِينَ ۝۸۸ قَدْ افْتَرَبْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنَّ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ

منظور باشیم؟ (۸۸) اگر پس از آن‌که خداوند از ابتدا ما را از گرویدن به این شرک‌الود شما

إِذْ نَجَّيْنَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا

در آن نجات‌دهنده به آن بازگردیم! و یگوئیم خدا دارای شریک است! مسلماً به خدای یکتا دروغ بسته‌ایم برای ما ممکن نیست به این شما بازگردیم مگر این‌که خداوند پروردگار ما بخواهد.

وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبُّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا

که او هم ابداً مشرک شدن کسی را نمی‌خواهد! دانش پروردگار ما همه چیز را فرا گرفته است، فقط بر خدا توکل کردیم، پروردگارا! بین ما

بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ ۝۸۹ وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ

و قوم ما به حق داور کن، که تو بهترین داورانی (۸۹) سران امتکبرا قومش [به مردم] گفتند: [سوگند می‌خوریم که]

لَئِنْ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا إِنَّكُمْ إِذًا لَخَاسِرُونَ ۝۹۰ فَآخَذَتْهُمْ الرِّجْفَةُ

اگر از شعیب پیروی کنید قطعاً از زیان‌کاران خواهید بود! (۹۰) پس زلزله‌ای سخت آنان را فراگرفت

فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ ۝۹۱ الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَانُوا لَمْ

و در خانه‌هایشان [به رو در افتاده] جسمی بی‌جان شدند (۹۱) آنان که شعیب را تکذیب کردند [به گونه‌ای نابود شدند که] گویا

يَغْتَوُ فِيهَا الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَانُوا لَهُمُ الْخَاسِرِينَ ۝۹۲

در آن شهر سکونت نداشتند، البته منکران شعیب از تباہ‌کنندگان [همه سرمایه وجودی خود] بودند (۹۲)

فَنَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ

اشعیب پس از آن‌که آمدن عذاب قطعی شد! از آنان روی برتافت و گفت: ای قوم من! پیام پروردگارم را به شما رساندم، و برای شما

لَكُمْ فَكَيْفَ أَتَى عَلَى قَوْمٍ كَافِرِينَ ۝۹۳ وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ

خیرخواهی کردم! اولی قبول نکردید! با این حال چگونه بر مردمی که کافرنند انده‌گین باشیم (۹۳) هیچ پیامبری را در

إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ ۝۹۴

شهری نفرستادیم مگر آن‌که اهلش را پس از مخالفت با آن پیامبر [به تنگدستی و سیه‌روزی دچار کردیم تا از غفلت درآمده، [بازاری] به پیشگاه ما [آیند] (۹۴) بعد از آن [که] تنگدستی و

ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَّوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ

سیه‌روزی [سبب بیداری آنان نشد،] به جای آن آسایش و فراوانی نعمت را جایگزین کردیم تا آن‌که [از نظر ثروت و جمعیت] افزونی یافتند، و گفتند: به پدران ما هم [به‌طور طبیعی]

أَبَاءُنَا الضَّرَّاءَ وَالسَّرَّاءَ فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۝۹۵

تنگدستی و سیه‌روزی رسید! اوربطی با مخالفتشان با پیامبران نداشت. پس به ناگاه آنان را غافل گیرانه در حالی که نمی‌فهمیدند [به عذابی سخت و نابودکننده] عذاب کردیم (۹۵)

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ

اگر اهل شهرهای نابودشده، ایمان آورده بودند و از خداوند اطاعت کرده، از محرومانش برهیز داشتند، درهای بركات [هراوان]

مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا

آسمان و زمین را بر آنان می گشودیم، ولی [آیات ما و پیامبران را] انکار کردند، ما هم آنان را به کیفر گناهانی که همواره مرتکب می شدند [به عذابی سخت]

يَكْسِبُونَ ﴿٩٦﴾ أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ

مجاورات گردید (۹۶) آیا اهل شهرها [که آلوده به هر گناهی هستند] ایمنند از این که عذاب ما هنگام شب در حالی که [غرق در خوابند]

نَائِمُونَ ﴿٩٧﴾ وَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ

به سرعشان آید (۹۷) آیا اهل شهرها [که در فتنه گری و شرارتند] ایمنند از این که عذاب ما هنگام روز در حالی که سرگرم

يَلْعَبُونَ ﴿٩٨﴾ أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ

بهمازی [در امور مادی] اندر آنان در آید (۹۸) آیا خود را [با این همه فتنه و شرارت] از عذاب خدا ایمن دانسته اند؟ در حالی که جز زیان کاران خود را

الْخَاسِرُونَ ﴿٩٩﴾ أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ

از عذاب الهی ایمن نمی دانند (۹۹) آیا [سرگذشت عبرت آموز گذشتگان] برای کسانی که زمین را پس از [هلاک شدن] اهلیش

أَهْلِهَا أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَصَبْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ

به ارث می برند، این حقیقت را روشن نساخته که اگر ما بخواهیم آنان را به کیفر گناهانشان عذاب می کنیم.

فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿١٠٠﴾ تِلْكَ الْقُرَىٰ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِهَا

ویر دل هایشان مهر [عدم درک حقایق] می زنیم، در نتیجه دعوت حق را [به گوش قبول نمی شنوند]؟ (۱۰۰) این است شهرهای نابودشده قوم نوح و لوط و عاد و ثمود که

وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا

بخش از اخبارش را برای تو بیان می کنیم، همانا پیامبران برای آنان [جهت هدایتشان] دلایل روشن آوردند، ولی آنان بر آن نبودند که به دلایلی که قبلاً آن ها را انکار کرده بودند

مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْكَافِرِينَ ﴿١٠١﴾

ایمان می آورند، خداوند این گونه بر دل کافران [به کیفر لجابت و عنادشان] مهر [عدم درک حقایق] می زند (۱۰۱)

وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَإِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ

برای بیشتر آنان هیچ گونه پابندی و تعهدی [در برابر خدا و پیامبران و کتب آسمانی] نیافتیم، و قطعاً بیشتر آنان را

لَفَاسِقِينَ ﴿١٠٢﴾ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُّوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ

منحرف و فاسقان یافتیم (۱۰۲) آن گاه بعد از پیامبران گذشته، موسی را با معجزاتمان به سوی فرعون

مَلَائِهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٠٣﴾

و سران [متکبران] قومش فرستادیم، ولی آنان [همه] معجزات را انکار کردند، پس با دقت بنگر که فرجام گنهکاران فتنه انگیز چگونه بود (۱۰۳)

وَقَالَ مُوسَىٰ يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠٤﴾

موسی گفت: ای فرعون! بی تردید من فرستاده ای از سوی پروردگار جهانیانم (۱۰۴)

حَقِيقٌ عَلَىٰ أَن لَّا أَقُولُ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقُّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ

سزاوار است درباره خداوند جز حق نگویم، همانا من برای شما از سوی پروردگارتان معجزه‌ای روشن آورم، صدق رسانم

مِّن رَّبِّكُمْ فَارْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَءِيلَ ﴿١٠٥﴾ قَالَ إِن كُنْتَ جِئْتَ

آوردنم، اکنون که سخن استوار مرا شنیدی از این بنی اسرائیل دست بردار و آنان را برای کوچ کردن از این سرزمین بیاور و آنه کن (۱۰۵) فرعون گفت اگر ادعای پیامبری است

بِآيَةٍ فَاتِ بِهَا إِن كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿١٠٦﴾ فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا

از راست گویانی چنانچه معجزه‌ای آورده‌ای آن را ارائه کن (۱۰۶) پس موسی عصایش را انداخت تا گهان

هِيَ تُعْبَأُ مُبِينٌ ﴿١٠٧﴾ وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ ﴿١٠٨﴾ قَالَ

از دایه آشکاری به صورت واقعی شد (۱۰۷) و دستش را از گریانش بیرون کشید تا گاه برای بینندگان به صورتی سپید و درخشان نمایان شد (۱۰۸) همان [مجتبر]

الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا السَّاحِرُ عَلِيمٌ ﴿١٠٩﴾ يُرِيدُ أَن يُخْرِجَكُمْ

قوم فرعون به درباریان گفتند: قطعاً این جادوگری از بردست و داناست (۱۰۹) می‌خواهد [با جادوگری اش] شما را از سرزمینتان

مِّنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ﴿١١٠﴾ قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي

بیرون کند، اینک [برای پیش گیری از خطر او] چه دستوری می‌دهید؟ (۱۱۰) همه به فرعون گفتند: [کار او و برادرش را به تأخیر انداز و نیروهای گردآورنده را

الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿١١١﴾ يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ﴿١١٢﴾ وَجَاءَ

به شهرها روانه کن (۱۱۱) تا هر جادوگر از بدست دانایی را نزد تو آورند! (۱۱۲)

السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ﴿١١٣﴾

جادوگران نزد فرعون آمده، گفتند: پادشاه! آیا اگر ما پیروز شویم پادشاه [فرعون و با ارزشی] خواهیم داشت؟ (۱۱۳)

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿١١٤﴾ قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقَىٰ

گفت: آری، و مسلماً علاوه بر آن از نزدیکان من خواهید بود (۱۱۴) ساحران ایس از رویارویی با موسی گفتند: ای عوسی!

وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ ﴿١١٥﴾ قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا

تو اول چوب‌دستی‌ات را می‌اندازی، یا ما بیندازیم؟ (۱۱۵) [موسی] گفت: شما [ابزار جادویتان را] بیندازید! هنگامی که انداختند

أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرِ عَظِيمٍ ﴿١١٦﴾

مردم را چشم‌پندی کردند تا خلاف واقع را ببینند، و مردم را [با سحرشان] به شدت ترسانند؛ زیرا

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَن أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا

جادویی بزرگ آوردند (۱۱۶) به موسی وحی کردیم: عصایت را بینداز! چون عصا را انداخت از دایه‌های بزرگ شد، ناگهان آنچه را جادوگران به جادو ساخته [و به نمایش گذاشته] بودند

يَافِكُونَ ﴿١١٧﴾ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١١٨﴾ فَغُلِبُوا

[به سرعت] بلعد (۱۱۷) نهایتاً حق ثابت [و روشن] شد و آنچه را همواره جادوگران [با تردستی] انجام می‌دادند باطل گشت (۱۱۸) پس در آن جا [فرعونیان بر اثر ترس] ملاشتن ترسند ساحران

هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاعِرِينَ ﴿١١٩﴾ وَأَلْقَى السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ ﴿١٢٠﴾

شکست خوردند، و با خواری [از میدان مبارزه] باز گشتند (۱۱۹) و جادوگران [با دیدن آن معجزه بزرگ و برادر فتن سحرشان، و بی بردن به قدرت بی‌نهایت خداوند] به سجده افتادند (۱۲۰)

قَالُوا اٰمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٢١﴾ رَبِّ مُوسٰى وَهَارُونَ ﴿١٢٢﴾ قَالَ فِرْعَوْنُ

ايمه از روی صديق و درستی گفتند: ما به پروردگار جهانيان ايمان آورديم (۱۲۱) پروردگار موسى و هارون (۱۲۲) فرعون گفت:

اَمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ اَنْ اُذِنَ لَكُمْ اِنَّ هَذَا الْمَكْرُ مَكْرٌ تُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ

آيا پيش از آن كه من به شما اجازه دهم به او ايمان آورديد؟ بى ترديد اين نيرنگى است كه شما و موسى در اين شهر دست به كار آن شده ايد.

لِيُخْرِجُوا مِنْهَا اَهْلَهَا فَاَسَوْفَ نَعْلَمُونَ ﴿١٢٣﴾ لَا قُطْعَنَ اَيْدِيكُمْ وَاَنْتُمْ

تا مردمش را از آن بيرون كنيد او خود به حاكميت بر سيدا، ولى به زودى خواهيد دانست (۱۲۳) يقيناً دست ها و پاهايتان را بر عكس اينكديگر يعنى دست راست و پاى چپ،

اَرَجُلًاكُمْ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَا صَلْبَنَكُمْ اَجْمَعِينَ ﴿١٢٤﴾ قَالُوا اِنَّا اِلَىٰ رَبِّنَا

يادست چپ و پاى راست قطع مى كنيم، سپس همه شمارا به دار مى كشيم (۱۲۴) گفتند: [عملی شدن تهديد هاى تو براى ما مهم نيست، اما] با كشته شدنمان به دست تو،

صُنْقَلِيُونَ ﴿١٢٥﴾ وَمَا نُنْقِمُ مِنْكَ اِلَّا اَنْ اٰمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَنَا

به سوى پروردگارمان باز مى گرديم (۱۲۵) تو ما را مجازات نمى كنى مگر به سبب اين كه ما به آيات پروردگارمان چون

رَبِّنَا اَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَقَّنَا مُسْلِمِينَ ﴿١٢٦﴾ وَقَالَ الْمَلَأَمِنْ قَوْمِ

به سوى ما آمد ايمان آورديم، [اين مجازات در پيشگاه حق افتخارى براى ماست، سپس دست به دعا برداشته، گفتند: پروردگار! بر ما صبرى فراوان فرو ريز، و ما را در حالى كه

فِرْعَوْنُ اَنْذَرُ مُوسٰى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِى الْاَرْضِ وَيَذَرَكَ وَ

تسلیم [تو] باشيم بميران (۱۲۶) سران [متكبر] قوم فرعون گفتند: [يادشاه! آيا موسى و قومش را از آدمى گذارى تا در اين سرزمين به تبهكارى و فتنه انگيزى مشغول باشند؟

الْهَتَاكَ قَالَ سَنَقْتِلُ اِبْنَاءَهُمْ وَنَسْحِبُ نِسَاءَهُمْ وَاِنَّا فَوْقَهُمْ

و تو و معبودانت را و اگذارده گفت: به زودى به كشتار گسترده پسرانشان اقدام مى كنيم، و زنانشان را [براى بيگارى گرفتن] زنده مى گذارم، مسلماً

قَاهِرُونَ ﴿١٢٧﴾ قَالَ مُوسٰى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللّٰهِ وَاصْبِرُوا اِنَّ الْاَرْضَ

ما بر آنان چيرده ايم (۱۲۷) موسى به قومش گفت: [در برابر اين تهديد ها و مشكلات پيش آمده] از خداوند [قادر] يارى بخواهيد و شكيبايى كنيد، بى ترديد

لِلّٰهِ بُرُئُهَا مِنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٢٨﴾ قَالُوا

زمين در سيطره مالكيت خداست، آن را به هر كس از پندگانش بخواهيم بخشد، و فرجام [ايك] براى كسانى است كه خدا را [اطاعت] كرده، از محرماتش بپرهيزند (۱۲۸)

اَوْذَيْنَا مِنْ قَبْلُ اَنْ تَاْتِيَنَا وَ مِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسٰى

گفتند: پيش از آن كه نزد ما آيى و بعد از آنكه به سوى ما آمدى شكنجه و آزار ديديم، [موسى] گفت: اميد است

رَبُّكُمْ اَنْ يُّهْلِكَ عَدُوُّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِى الْاَرْضِ

پروردگارِتان دشمنانتان را نابود كند، و شما را در اين سرزمين جانشين آنان قرار دهد، و نهايتاً

فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿١٢٩﴾ وَلَقَدْ اَخَذْنَا اِلَ فِرْعَوْنَ

بنگرد كه شما پس از اين ستمكاران چگونه عمل خواهيد كرد (۱۲۹) ما فرعونيان را

بِالسِّنِينَ وَنَقَصَ مِنَ الشَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٣٠﴾

به خشك سالى هاى متعدد و كمبود [شديد] محصولات دچار ساختيم تا پند گيرند (۱۳۰)

فَإِذَا جَاءَهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا

اولی از این حادثه ها که مجاری الهی بودند نگر گفتند: چون نعمت و رفاه برای آنان می آمد، می گفتند: این به سبب ایالت است خود ما سست و هنگامی که گردند و آسیب به آنان می رسید،

يُمُوسِي وَمَنْ مَعَهُ إِلَّا إِنَّمَا ظَلَمُوا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ

به موسی و همراهانش فال بد می زدند و می گفتند: این آسیب هاله از شومی موسی و همراهان او است. آگاه باشید! سر رشته شومی فرعونیان (که بازتاب گناهان آنان است)

لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٣١﴾ وَقَالُوا آمَهْمَاتُنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِّتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا لَخُنُّ

نزد خداست، ولی بیشترشان ایه جایگاه اراده خداوند در دچار کردن گنه پیشگان به مشکلات و عذاب نا آگاهند (۱۳۱) فرعونیان گفتند: ای موسی! هر معجزه ای

لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿١٣٢﴾ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ

برای ما بیابوری تا با آن ما را جادو کنی به تو ایمان نمی آوریم (۱۳۲) پس ما توفان را، و [هجوم] ملخ و شپش

وَالضَّفَادِعَ وَالْدَّمَ آيَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا

و فروریا غر، و [جوشیدن] خون [در آب های مورد] آشامیدنشان را که معجزات جدا جدا بود به سویشان فرستادیم، باز هم تکبر کردند، آنان مردمی

مُجْرِمِينَ ﴿١٣٣﴾ وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا

گنه پیشه بودند (۱۳۳) و هنگامی که عذاب بر آنان فرود آمد، گفتند: ای موسی!

رَبِّكَ بِمَا عٰهَدَ عِنْدَكَ لَنُنْزِلَنَّكَ لَنُنْزِلَنَّكَ لَنُنْزِلَنَّكَ لَنُنْزِلَنَّكَ لَنُنْزِلَنَّكَ

پروردگارت را به آن عهده ای که نزد تو دارد و آن استجابت دعای توست [برای ما بخوان، که اگر این عذاب را از ما برطرف کنی حتماً به تو ایمان آورده،

لَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَءٰئِيلَ ﴿١٣٤﴾ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ إِلَى

و بی تردید بنی اسرائیل را با تو روانه می کنیم (۱۳۴) چون عذاب را تا سرآمد معینی

أَجَلٍ هُمْ بِالْغَوَةِ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ ﴿١٣٥﴾ فَانْقَمْنَا مِنْهُمْ فَاغْرَقْنَاهُمْ

که باید همه آنان به [بیان] مهلت آن می رسیدند، از فرعونیان برطرف کردیم، [به دور از انتظار،] پیمانشان را [ادبیر بر ایمان آوردن به موسی] شکستند (۱۳۵) پس [از راه]

فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ﴿١٣٦﴾

معجزات گوناگون [به سبب این که معجزات ما را منکر شدند و متکبران به آن هایی توجه بودند از آنان انتقام گرفته، در دریا غرقشان کردیم (۱۳۶)]

وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْضَعَفُونَ مَشَارِقَ

و به آن قومی که همواره زیورشان شمرند شرق و غرب سرزمینی را

الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ

که در آن حاصل خیزی و خیر فراوانی قرار داده بودیم و وعده نیک ما [مبنی بر هلاکت فرعونیان، و حاکمیت مستضعفان]

الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَءٰئِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ

بر بنی اسرائیل به پاداش صبری که کردند به طور کامل تحقق یافت،

يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ ﴿١٣٧﴾

و آنچه را که فرعون و قومش از کاخ های مجلل می ساختند و سایبان های خوش نشین که می افراشتند در هم کوبیدیم (۱۳۷)

وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَءِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكِفُونَ عَلَى آصْنَامٍ

و بنی اسرائیل را در راهی که فرعونیان برادران شرقی گویدیم عبور دادیم پس بر مردمی گذر کردند که به شدت بت پرستش بت هایشان مشغول بودند.

لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا آلِهًا كَمَا لَهُم آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ

گفتند ای موسی! همان گونه که اینان معبودانی [قابل دیدن] دارند تو هم برای ما معبودی قرار ده! [موسی] گفت: به راستی شما قومی

تَجْهَلُونَ ﴿١٣٨﴾ إِنَّ هَؤُلَاءِ مُتَّبِعُوا مَا هُمْ فِيهِ وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا

هستید که [چنین در خواستی ناشی از] جهالت [گسترده] دارید (۱۳۸) مسلمانینی که اینان در آن قرار دارند تباها و فاسد، و آنچه همواره [از عبادت بت ها]

يَعْمَلُونَ ﴿١٣٩﴾ قَالَ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِيكُمْ إِلِهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ

برجامی دهند ماطل است (۱۳۹) موسی بایک دنیا شکنی از در خواست بنی اسرائیل پس از دیدن آن همه معجزات گفت: آیا غیر خدا را که ابدان باشند بت پرست نیست [به عنوان]

عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿١٤٠﴾ وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ

معبود برای شما بخوانم! در حالی که خداوند یکتا شمارا [با اختصاص دادن نعمت های ویژه و عطا کردن معجزات، بر جهانیان از روزگارتان] برتری داد (۱۴۰) [به یاد آرید] از زمانی که

يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُقْتِلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ

شمارا [به وسیله موسی از] جنگال ظالمانه [فرعونیان نجات دادیم؛ آنان که شمارا در معرض شدیدترین شکنجه قرار می دادند، و به صورتی گسترده پسرانتان را می کشتند، و زنانتان

نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿١٤١﴾ وَوَعَدْنَا

را [برای یگیری] زنده می گذاشتند، برای شما در این [پیش آمد ها] آزمایش بزرگی از سوی پروردگارتان بود (۱۴۱)

مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ

و ما با موسی [برای عبادتی ویژه] سی شب وعده گذاشتیم، و آن را با افزودن ده شب کامل کردیم، در نتیجه میعادگاه پروردگارش

لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَ

در چهل شب پایان گرفت، موسی [زمانی که به میعادگاه می رفت] به برادرش هارون گفت: در میان قوم من جانشینم باش.

لَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٤٢﴾ وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ

و به اصلاح [مورشان] بپرداز، و از روش او آرای [تبهکاران فتنه انگیز پیروی مکن] (۱۴۲) چون موسی

رَبُّهُ قَالَ رَبِّ ارْنِي أَنْظُرُ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَنِي وَلَٰكِنْ انْظُرْ

به میعادگاه ما آمد و پروردگارش بالوسخن گفت: عرضه داشت: پروردگارا! [جمال با کمال ذات] خود را به [قلب من] بنمای تا تو را [به چشم باطن] ببینم! [خداوند] فرمود:

إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَنِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ

هرگز مرا نخواهی دید، ولی به [این] کوه بنگر! چنانچه [با تجلی من] بر جایش ثابت ماند مرا خواهی دید!

لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ

لجبله ای که پروردگارش بر کوه تجلی کرد آن را به شدت در هم کوبید و موسی بیهوش به خاک افتاد، چون به هوش آمد گفت: پروردگارا! تو را از این که در دنیا هم

سُبْحَانَكَ ثُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٤٣﴾

با چشم باطن دیده شوی [منزهی، به سویت بازگشتم، و من [در این روزگار،] نخستین باور کننده [این حقیقت] هستم] که تو هرگز دیده نمی شوی! (۱۴۳)

قَالَ يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَبِكَلَامِي

اخذ او ندا گفت: ای موسی! من تو را با پیام‌هایم و سخن‌گفتم‌ها (با تو)، بر همه مردم برگزیدم، پس

فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿١٢٢﴾ وَكُنْتُمُ الْآلُوحَ

لجه را (به عنوان تورات) به تو دادم دریافت کن، او به کار ببند، و از سپاسگزاران باش (۱۴۴) و برای او در صفحات [تورات]

مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ

(هر چیزی بپندی برای بند آموزی) و توضیحی برای هر مسئله [اعتقادی و عملی و اخلاقی] انوشنیم پس (به او) گفتیم: [آن را با قوت فراگیر، او با قدرت عمل کن] و نیز به قوم خود فرمان

وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ ﴿١٢٥﴾

ده از (به بهترین روش تعلیم گرفته) او به نیکوترین صورت عمل کنند، [مغالطان با تورات فرجامشان دوزخ است، (به زودی جایگاه منحرفان نافرمان را به شما نشان می‌دهیم) (۱۴۵)]

سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ

مسلمانی را که در زمین ظالمانه در برابر حق تکبر می‌کنند او نمی‌خواهند حق را بپذیرند [از فهم] آیاتم باز می‌دارم،

إِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ

اینان [آلودگی باطنشان تا جایی است که] اگر هر آیه‌ای مشاهده کنند به آن ایمان نمی‌آورند، و چون راه روشن هدایت را ببینند

لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ

آن را به عنوان راه [و رسم زندگی] انتخاب نمی‌کنند، و اگر به طریق گمراهی نظر کنند آن را به عنوان راه [و فرهنگ زندگی] بگیرند، این

بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ﴿١٢٦﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا

ایستاری مفلک تکبر و خودبزرگ‌بینی (به سبب آن است که آیات ما را [که شفاى امراض باطنی است] انکار کردند، و نسبت به آن‌ها همواره بی‌توجه بودند) (۱۴۶) کسانی که آیات ما

بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ الْآمَّا

و [لقای آخرت را منکر شدند اعمالشان تباه شد، آیا جزا به آنچه که همواره انجام می‌دادند

كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢٧﴾ وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَى مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ

جواهرشان خواهند داد؟ (۱۴۷) قوم موسی بعد از [رفتن] او (به کوه طور) از زیوراتشان

عَجَلًا جَسَدَ اللَّهِ خُوارًا لِّمَن يَرَوْنَهُ أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ

مجسمه گوساله‌ای ساختند که صدای گاو داشت، آیا نمی‌دیدند که آن مجسمه با آنان سخن نمی‌گوید، و به راهی

سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ ﴿١٢٨﴾ وَلَمَّا سَقَطَ

هدایتشان نمی‌کند؟! [اولی نابخردانه] آن را (به عنوان معبود) انتخاب کردند و [در این انتخاب] از استمکاران (به آیین توحید و به خود) بودند (۱۴۸) چون به شدت

فِي آيِدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِنْ لَمْ يَرْحَمْنَا

پشیمان شدند و دانستند قطعاً گمراه شده‌اند گفتند: چنانچه پروردگارمان

رَبُّنَا وَيَغْفِرَ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿١٢٩﴾

به ما رحم نکند و ما را نیامرزد یقیناً از تباه‌کنندگان [همه سرمایه وجودی خود] خواهیم بود (۱۴۹)

وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ

هنگامی که موسی (ع) از آن مردمان بسیار رشت (خشمگین و بسیار اندوهناک به سوی قومش بازگشت گفت: پس از من بد جانشینانی برای من بودند.)

بَعْدِي أَتَجَلَّتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَالْقَى الْأُلُوحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ

شعاعی که پروردگارتان (به سبب اعتراض منی شب به جهل شب) شنیدارانه اظهار نظر کردید (و گفتند باید این وعده گاه باسی شب پایان می گرفت، یا خیال کردید من)

بَحْرَهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي

(از دنیا بفرستد) که وایا منم به گوساله پرستی روی آوردید (این جا بود که الواح را نداشت، و سر برادرش را گرفته، (به حال خشم) به سوی خود می کشید، (هارون)

فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿١٥٠﴾

گفت: ای فرزندانم! این گروه را نتوان شمرند و نزدیک بود مرا بکشند، پس مرا با ما اخذ کردند دشمن شادمان، و (مساوی) با این مردم ستمکار قرار دهم (۱۵۰)

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلَاخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ

اموسی دست به دعا برداشته گفت: پروردگارا! من و برادرم را بیامرز، و ما را در رحمت درآور، که تو مهربان ترین

الرَّاحِمِينَ ﴿١٥١﴾ إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِنْ

مهربانانی (۱۵۱) قطعاً کسانی که گوساله را به پرستش انتخاب کردند به زودی عذابی شدید از سوی پروردگارتان

رَبِّهِمْ وَذَلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ ﴿١٥٢﴾ وَالَّذِينَ

و خوار و طاعت فرسائی در زندگی دنیا به آنان خواهد رسید. این گونه همه دروغ بافان را (که معبودهای باطل را به عنوان شریک خدا قلمداد می کنند) مجازات می کنیم (۱۵۲) و آنان که

عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَآمَنُوا أَنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا

مرتکب بدی ها شدند سپس بعد از آن توبه کردند و به ایمان واقعی آراسته شدند، (امیدوار باشند که) پروردگارت پس از توبه و ایمان آورجن.

لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٥٣﴾ وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ الْأُلُوحَ

(به آنان) بسیار آمرزنده و مهربان است (۱۵۳) چون خشم موسی فرونشست الواح (تورات) را

وَفِي نُسْخَهِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ ﴿١٥٤﴾

برگرفت درحالی که در نوشته هایش برای کسانی که خدا ترسند (سراسر) هدایت و رحمت بود (۱۵۴)

وَاخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا مِمَّنْ قَالُوا آمَنَّا أَخَذَتُهُمُ الرِّجْفَةُ

موسی از میان قومش هفتاد مرد را (برای مبعادگاه) در طور انتخاب کرد (تا کلام خدا را بشنوند، ولی آنان پس از شنیدن کلام خدا تقاضای دیدن خدا را با چشم سر کردند) هنگامی

قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِيَّايَ أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ

که (به سبب درخواست ناروایشان) از تو نابود کننده ای آنان را (اگر می خواستی اینان و مرا (به هلاکت رسانی) پیش از این (که به مبعادگاه بیاییم)

السُّفَهَاءُ مِنَّا إِنَّ هِيَ الْأَفْنَتْكَ تَصِلْ بِهَا مِنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ

به هلاکت می رسانی (تو) امن از طرف بنی اسرائیل متهم به توطئه بر ضد آن ها نشوم، آیا ما را به کفر در خواست نابجایی که اهلان از (قوم) ما داشتند هلاک می کنی؟ این (حادثة) جز

تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيْنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ ﴿١٥٥﴾

(از ما) تو نیست، هر که را بخواهی به آن به بیراهه می اندازی، و هر که را بخواهی هدایت می کنی، تو سر پرست و یار مایی، پس ما را بیامرز (و به ما رحم کن) که تو بهترین آمرزندگان (۱۵۵)

وَاَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ اِنَّا هُدْنَا

و برای ما در این دنیا و در آخرت [همه] نعمت‌های مادی و معنوی را مقرر کنایا

إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ

ما به‌سوی تو بازگشته‌ایم. [خداوند] فرمود: عذابم را به هرکس بخواهم می‌رسانم، و رحمتم همه‌چیز را

شَيْءٍ فَسَاكُتُهَا الَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ

فر گرفته، قطعاً آن را برای کسانی که از خدا اطاعت کرده، از محرماتش بپرهیزند، و زکات بپردازند.

بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٥٦﴾ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي

و مؤمن به آیاتم شوند مقرر می‌دارم (۱۵۶) هم آنان که از این فرستاده [خدا]، پیامبر درس نخوانده

بَجَدُّ وَنَهْ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ

که او را نزد خود [با همه] اوصافش در تورات و انجیل ثبت‌شده می‌یابند پیروی می‌کنند؛

بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ

[پیامبری که] آنان را به کارهای شایسته فرمان می‌دهد، و از زشتی‌ها باز می‌دارد، و چیزهای دلپذیر را

وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ

بر آنان حلال، و چیزهای لاپاک او مورد نفرت طبع سلیم را بر آنان حرام می‌کند، و بارهای [تکالیف] سنگین

الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ

و زنجیرهای [بی‌جهل و بدعت‌ها] را که بر [دوش عقل و روان] آنان بود از ایشان بر می‌دارد، آنان که به او مؤمن شدند و از او [در همه] حوادث و در برابر دشمنان

وَاتَّبَعُوا النَّوْرَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٥٧﴾

حمایت کردند و به یاری‌اش برخاستند، و از نور نازل‌شده بر او پیروی داشتند [بر همه] موانع راه سعادت]

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ

پیروزند (۱۵۷) بگو: ای مردم! بی‌تردید من فرستاده [خداوند] به‌سوی

مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ

همه شما؛ خدایی که مالکیت و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط در سیطره اوست، جز او معبودی نیست، زنده می‌کند

فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ

و می‌میراند، پس به خداوند و فرستاده‌اش پیامبر درس نخوانده که

بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥٨﴾

به خداوند و همه کلماتش [چه کلمات تکوینی و چه تشریعی] مؤمن است ایمان بیاورید، و از او [در همه] امورتان پیروی کنید تا هدایت یابید (۱۵۸)

وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴿١٥٩﴾

از قوم موسی گروهی هستند که [مردم را] بر اساس حق هدایت می‌کنند، و بر پایه حق [در داور]ی‌هایشان عدالت می‌ورزند (۱۵۹)

وَقَطَعْنَا لَهُمْ آسَنَ عَشْرَةِ أَسْبَاطٍ أَمْثَلِ الْإِبْرَةِ وَوَحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ

ما بنی اسرائیل را به دروازه قبیلہ تقسیم کردیم درحالی که هر قبیلہ ای امتی بود، و به موسی چون فرمود:

اسْتَسْقِهِ قَوْمَهُ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ

از او درخواست آب کردند وحی فرستادیم: عصایت را بر آن سنگ بزن! پس

مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرِبَهُمْ وَظَلَّلْنَا

دوازده چشمه از آن جاری شد که هر گروهی آبشخور ویژه خود را شناخت،

عَلَيْهِمُ الْغَمَامُ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَىٰ كُلُوا

و بر او را ابری دفع تابش سوزنده آفتاب بر سرشان سایبان قرار دادیم، و برای آنان انگبین و مرغ «سلوی» فرستادیم، او گفتیم:

مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا

از نعمت های دلپذیری که روزی شما کردیم بخورید. اما آنان [اتوانستند به ناسپاسی روی آوردند، در این ناسپاسی] به ما ستم نکردند بلکه پیوسته

أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١٦٠﴾ وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَ

به خود ستم روا می داشتند (۱۶۰) [به یاد آرید] هنگامی که به بنی اسرائیل گفته شد: در این شهر [بیت المقدس] سکونت گزینید

كُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ

و از نعمت هایش از هر جای آن که خواستید بخورید و بگوئید: [پروردگارا! درخواست ما] آموزش [همه گناهان ماست].

سُجَّدًا أَنْغَفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٦١﴾

و سجدگنان از دروازه شهر درآید تا [با این تغییر روش] گناهانتان را بیامرزیم، و ما قطعاً بر [پاداش] نیکوکاران می افزاییم (۱۶۱)

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ

ولی ستمکاران از آن قوم، سخنی را که [بیرون دروازه شهر] به آنان گفته شده بود [پس از ورود به شهر] به سخنی دیگر [که سخن

فَارْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا

از امور مادی و مسائل نیست بود] تغییر دادند، ما هم بر آنان به سبب ستمی که همواره مرتکب می شدند عذابی سخت از آسمان

يَظْلِمُونَ ﴿١٦٢﴾ وَسَأَلَهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ

فرستادیم (۱۶۲) از یهودیان درباره شهری که در ساحل دریا بود

حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ

بپرس! وقتی که در مورد روز شنبه تجاوز می کردند؛

حَيْثُ تَأْتِيهِمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَعًا وَبُيُوتًا لَا يَسْبِتُونَ

شنبه ای که [به سبب وجوب تعطیل هر نوع فعالیت] ماهیانشان از اعماق آب به سویشان می آمدند و در غیر تعطیل

لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٦٣﴾

نمی آمدند، ما آنان را با آنچه [از حکم حرمت صید ماهی در روز شنبه] که همواره از آن نافرمانی می کردند آزمایش کردیم (۱۶۳)

وَاِذْ قَالَتْ اُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا لَّهُمْ مَهْلِكُهُمْ اَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا

گروهی از اینی تفاوت‌های اینی اسرائیل به گروه دیگری که اهل بند داند به نالان بودند گفتند چرا گروهی را که خداوند هلاک کننده آنان، با عذاب کننده آنان به عذاب

شدید آقاوا معذرة الى ربكم ولعلمهم يتقون ﴿١٦٢﴾ فَلَمَّا نَسُوا مَا

سخت است پند می دهند؟! گفتند برای این که در پیشگاه پروردگارتان در مورد رفع مسئولیت خود معذور باشیم، به سبب این که آنان از حیدهای در روز شنبه که کاری

ذِكْرُوا بِهِ اَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَاَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا

خلاف حکم خداست بپرهیزند (۱۶۴) چون پندی که به آنان داده شد به فراموشی سپردند، هنگام نزول عذاب، انهی کنندگان از منکرات و انجات دادیم و ستمکاران را

بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٦٥﴾ فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ

به عذاب آن که همواره منحرف و نافرمان بودند به عذابی سخت دچار گردیدیم (۱۶۵) چون از آنچه

قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿١٦٦﴾ وَاِذْ تَاَذَنَ رَبُّكَ لِيَبْعَثَ

نهی شدیم پیوسته سرکشی کردند به آنان گفتیم: بوزینگانی رانده شده باشید! (۱۶۶) به یاد آر هنگامی که پروردگارت ابا سوگند

عَلَيْهِمْ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ اِنَّ رَبَّكَ

اعلام کرد که حتما تا روز قیامت کسانی را بر ضد یهود سرکش تحریک خواهد کرد که همواره شکنجه سختی بر آنان تحمیل کنند. قطعا

لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَاِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٦٧﴾ وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْاَرْضِ

پروردگارت زودکیفر، و بی تردید ادرباره مؤمنان بسیار آمرزنده و مهربان است (۱۶۷) آنان

اِمَمَّا مِنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ

را در زمین به صورت گروه گروه درحالی که هر گروهی امتی بود تقسیم کرده، ابرکنده ساختیم،

وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿١٦٨﴾ فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ

گروهی از آنان مردمی درستکار و گروهی بدکردارند، بدکاران را به خوشی ها و رنج ها آزمودیم تا به راه حق و هدایت برگردند (۱۶۸) پس نسلی

وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْاَدْنٰى وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ

بعد از آنان جانشینان شدند که کتاب انوارات را ابا انشایی به حقایق و معارف آن به ارث بردند، درحالی که متاع نیست و ناپایدار دنیا را از هر راه نامشروعی به جنگ می زنند

لَنَا وَاِنْ يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِثْلُهُ يَأْخُذُوهُ اَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ

و می گویند: به زودی مورد آموزش قرار می گیریم! و اگر متاع نامشروع دیگری مانند متاع اول به آنان برسد باز هم آن را می گیرند! آیا پیمان

الْكِتَابِ اَنْ لَا يَقُولُوا عَلٰى اللّٰهِ اِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوْا مَا فِيْهِ وَالذَّارُ

این کتاب اسمانی را که: درباره خداوند جز حق نگویند، از آنان گرفته نشده؟ درحالی که ابائی را که در آن است اکر خوانده و فهمیده اند، پس چرا آموزش بدون توبه از

الْاٰخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِيْنَ يَتَّقُونَ اَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٦٩﴾ وَالَّذِيْنَ يَمْسِكُونَ

حرام خواری را به خدا نسبت می دهند؟! اسرای آخرت برای کسانی که همواره از مال حرام، و نسبت دادن دروغ به خداوند می پرهیزند بهتر است، آیا نمی اندیشید؟! (۱۶۹) آنان که

بِالْكِتَابِ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ اِنَّا لَا نُضِيعُ اَجْرَ الْمُصْلِحِيْنَ ﴿١٧٠﴾

به کتاب اسمانی، با ایمان به آن و عمل به آیاتش پای بندند، و نماز را با شرایط و ویژه اش می خوانند ادرای یاداشند! مسلما ما با داند درست کاران را تبهانه نمی کنیم (۱۷۰)



وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا

اینه را از خداوندی که کوه را از جای برکنید. او آیدان که گویی صلابت است بالای سرشان قرار دادیم. در حالی که ایه سبب ضعف ایمان اینها شدند بر سرشان سقوط می کند

مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٧١﴾ وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ

این همان وصفت به ایمان گفتیم آنچه از کتاب و شریعت به شما عطا کرده ایم با قدرت فراگیرید او با قوت عمل کنید. و آنچه را در آن است به خاطر داشته. اقبلاً مورد توجه قرار دهید

مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ

تازه روحیه اطاعت از خدا و بر هر از محرماتش / اسنه شوید (۱۷۱) هنگامی که پروردگار از صلب بنی آدم نسلشان را بدید آورد. و آنان را از طریق طغوت در ارتباط با پروردگاری انبی

بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنَّا نَقُولُ أَيْوَمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا

بر خودشان شاهد گرفت او گفت: آیا من پروردگار و مدبر امور شما نیستم؟ انسان ها بر پایه طغوتشان با توجه به وابستگی وجودشان و وجود همه موجودات به پروردگار گفتند

غَافِلِينَ ﴿١٧٢﴾ أَوْ نَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةَ

از من این غفلت شاهدیم این اقرار را گرفتیم تا روز قیامت نگویید ما از پروردگاری ات بی خبر بودیم (۱۷۲) یا نگویید: چون پیش از این پدر اتان برای خدا شریک قائل بودند

مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَهُلِكَ نَمَّا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ ﴿١٧٣﴾ وَكَذَلِكَ نَقُصُّ

و ماسلی بعد از آن بودیم که چاره ای جز تقلیدشان نداشتیم. با این حساب آیا ما را به سبب آنچه باطل گر ایمان بر اساس فرهنگ شرک انجام می دادند عذاب می کنی؟! (۱۷۳) و

الْآيَاتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿١٧٤﴾ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ

این گونه. آیات اقران را توضیح می دهیم تا مشرکان، از شرک، به توحید بازگردند (۱۷۴) سرگذشت کسی که آیات خود را به او عطا کردیم

آيَاتِنَا فَانْسَلَخْ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ ﴿١٧٥﴾

و او از آن ها جدا شد. و راه انکار و بی اعتنائی به آن آیات را پیش گرفت برای یهودیان بخوان پس شیطان او را دنبال کرد تا به دامش انداخت. در نتیجه

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ

از کمر اهان شد (۱۷۵) اگر می خواستیم منزلت او را به وسیله آن آیات ابلا می بردیم. ولی او به امور مادی و لذات دنیا ایی زد و گذر اگر ایش اشدید پیدا کرد

هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ نَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ

و پیرو خواسته های انا مشروع خود شد. خصلت او ادرستی و خواری چون خصلت سگ است. چنانچه به سگ هجوم ببری زبان از کام بیرون آورده. الهه می زند

تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

و اگر به حال خودش رهائش کنی باز هم زبان بیرون آورده. الهه می زند. این است خصلت مردمی که آیات ما را انکار کردند

فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١٧٦﴾ سَاءَ مَثَلًا لِّلْقَوْمِ

پس این داستان را حکایت کن تا این مورد امور و عاقبت خویشا اندیشه کنند (۱۷۶) خصلت بدی است

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَانْفُسَهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ ﴿١٧٧﴾ مَن يَهْدِ اللَّهُ

خصلت مردمی که آیات ما را تکذیب کردند. و ابا این تکذیب همواره به خود ستم روا داشتند (۱۷۷) گسائی که خداوند

فَهُوَ الْمُهْتَدِی وَمَن يُضِلِلْ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿١٧٨﴾

هدایتشان کند راه یافته واقعی اند. و گسائی را که ایه سبب کبر و عنادشان ایه کمر اهی اندازد تباه کنندگان ایه سرمایه وجودی خویش اند (۱۷۸)

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا الْجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ

بیماری از جنیان و آدمیان را که می دانیم همواره به اختیار خودشان کفر را بر ایمان ترجیح داده و لیافت بهشتی شدن را از دست می دهند برای دوزخ افریدیم از برای آنان

لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ أُذُنٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا

دل های دارند که اندر فهم معارف سعادت بخش اسلام به کار نمی گیرند و چشم هایی دارند که به سبب دل مشغولی های فراوان به امور مادی، آثار و نشانه های حق را با آن

أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْخَافِلُونَ ﴿١٧٩﴾ وَلِلَّهِ

نمی بینند و گوش هایی دارند که اسخن حق را با آن نمی شنوند، اینان مانند چهار پایانند، بلکه گمراه تر، اینان از معارف و حقایق الهی ایی خبرند (۱۷۹) البگویند این نام ها

الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ

به لحاظ معنای واقعی و اثر گذاری در همه امور هستی ایزده خداست پس بآن وجه به آن نام ها که دلیل بر کمالات و جلال و ذات بی نهایت اوست از او در خواست حاجت کنید و آنان که

سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٨٠﴾ وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ

در نام های خداوند به بحر افر می گریند، او از آن ذات بی نهایت با تو سل به نام هایی که نشان دهنده نقص و عیب است در خواست می کنند اراها کنید به زودی به آنچه همواره انجام می دادند

وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴿١٨١﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ

جوابشان خواهند داد (۱۸۰) از میان کسانی که افریدیم گروهی هستند که ا مردم را بر اساس حق هدایت می کنند و بر پایه حق ا در داری هایشان ا عدالت می ورزند (۱۸۱) و کسانی که

حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٢﴾ وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿١٨٣﴾ أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا

ایات ما را انکار کردند به تدریج از جایی که نمی فهمند به ورطه هلاکت می کشانیم انا مستحق دوزخ شون (۱۸۲) و به آنان مهلت می دهیم ا از ا دسترس مایورین رفتی نیستند ا سلما

مَا بِصَاحِبِهِمْ مِنْ جَنَّةٍ إِنَّ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿١٨٤﴾ أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي

تفسیر من استوار است (۱۸۳) آیا اندیشه نکردند که در همنشین آنان ا پیامبر اسلام هیچ نوع جنونی نیست ا فقط هشدار دهنده ای آشکار است به فرجام بدکاران است (۱۸۴) آیا

مَلَكَوَتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَىٰ

به مالکیت و فرمانروایی مطلق خداوند بر آسمان ها و زمین و آنچه خداوند یکتا افریده،

أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ﴿١٨٥﴾

و این که ممکن است پایان عمرشان نزدیک باشد با دقت نظر نکردند ا اگر به قرآن که سخن خداست ایمان نیاورند ا بعد از آن به کدام سخن ایمان می آورند (۱۸۵)

مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١٨٦﴾ يَسْأَلُونَكَ

کسانی که خداوند ا به سبب کبر و عنادشان ا گمراه کند هدایت کننده ای نخواهند داشت و آنان را در تجاوزشان ا هادی کند تا همواره سرگردان بمانند (۱۸۶) پیوسته از تو می پرسند

عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسِمُهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَفُئِهَا الْآهُوُ

و وقوع ا استقرار ا قیامت در چه زمانی است ا بگو: دانش آن فقط نزد پروردگار من است، احدی جز او آن را در زمان معینش پدیدار نمی کند،

ثَقُلْتُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ الْبَغْثَةُ يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ

انحفل این حادثه عظیم ا بر آسمان ها و زمین سنگین است، جز به صورت غافل گیرانه به سویتان نمی آید، آن گونه از تو می پرسند که گویا از

حَفِيٍّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٧﴾

از مان وقوع و استقرار آن ا به طور کامل اگاهی، بگو: دانش آن فقط نزد خداست، ولی بیشتر مردم نمی دانند ا که این دانش فقط ویژه اوست (۱۸۷)

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمَ

مگر من اختیار هیچ سود و زیانی را برای خود ندارم جز آنچه را خداوند بخواهد، و اگر ای صورت مستقل را

الْغَيْبِ لَا سَتَكُنْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسْنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ

به غیب بودم همانا منافع فراوانی را به دست می آوردم، و هیچ آسیبی به من نمی رسید، من جز هشداردهنده

وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿١٨٨﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ

و مژدمرسانی برای گروه مؤمنان نیستم (۱۸۸) اوست کسی که همه شما را از یک تن آفرید،

وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا

و جفتش را از اجنبا او پدید آورد تا در کنارش آرامش گیرد، چون مرد با زن آمیزش کرد، زن به حملی

خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْنَا صَالِحًا

سنگین بار شد از ندگی را بان بار سنگین ادامه داد، چون سنگین بار شد پدر و مادر دست دعا به پیشگاه خداوند یکتا بردگارش برداشتند که: اگر به ما فرزندی تندرست

لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿١٨٩﴾ فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ

عطا کنی قطعاً از سپاس گزاران خواهیم بود (۱۸۹) چون به هر دو فرزندی تندرست داد، برای خدا در اعطای این فرزند

فِيمَا آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٩٠﴾ أَيْشُرْكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ

شریکانی قرار دادند! خداوند یکتا برتر از آن است که شریکانی برای او بگیرند (۱۹۰) آیا موجوداتی را شریک او قرار می دهند

شَيْئًا وَهُمْ يُخْلِقُونَ ﴿١٩١﴾ وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرٌ وَلَا أَنْفُسُهُمْ

که قدرت آفریدن چیزی را ندارند، و خود آفریده می شوند! (۱۹۱) نه می توانند پرستش کنندگان خود را یاری دهند، و نه خود را

يَنْصُرُونَ ﴿١٩٢﴾ وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ

یاری کنند (۱۹۲) اگر از شما که شریکان خدای ندارند درخواست راهنمایی کنید از شما پیروی نمی کنند؛ چون هیچ نقشی و اثری در امورشان ندارند، برای شما یکسان است

أَدْعُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَامِتُونَ ﴿١٩٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ

که از آنها درخواست کنید یا چیزی نخواهید و ساکت باشید (۱۹۳) یقیناً از آن هایی که به جای خداوند یکتا

اللَّهِ عِبَادُ امْتَالِكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلَيْسَ جِيبُوا لَكُمْ إِنْ

درخواست می کنید مملوگانی مانند شما نیستند، اگر در اعتقاد به مؤثر بودن آن ها در زندگی خود اراستگ شوید، نیازمندی های خود را از آن ها بخواهید،

كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٩٤﴾ أَلَمْ يَأْرَاجِلْ بِمَشُونِ بِهَا أَمْ لَهُمْ آيْدٌ

پس باید در این خواستن شما را اجابت کنند! (۱۹۴) آیا آن ها چون موجودات زنده باهایی دارند که با آن راه روند، یا دست هایی دارند

يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ

که با آن اشیا را بگیرند، یا چشم هایی دارند که با آن ببینند، یا گوش هایی دارند که با آن بشنوند! بگو: نت های خود را که شریکان خدای ندارند، بر ضد من بخواهید، سپس

يَسْمَعُونَ بِهَا قُلْ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُوا فَلَا تُنْظَرُونَ ﴿١٩٥﴾

اگر این رنگ را که دارید به کار بگیرید، و ابرای نابودی ام لحظه ای مهلت ندهید تا برای شما ثابت شود که اختیار هیچ کاری در هیچ زمینه ای برای غیر خدا نیست (۱۹۵)

إِنَّ وَلِيَیَ اللّٰهُ الَّذِیْ نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ یَتَوَلَّى الصَّالِحِیْنَ ﴿۱۹۶﴾

می ترسد سرپرست و یارم خداوند یکتایی است که قرآن را نازل کرده، و او همواره درست کاران را سرپرستی و یاری می کند (۱۹۶) کسانی را که

وَالَّذِیْنَ تَدْعُوْنَ مِنْ دُونِهِ لَا یَسْتَطِیْعُوْنَ نَصْرَكَ وَلَا أَنْفُسَهُمْ
و به جای خداوند می خوانید، نه قدرت دارند شما را یاری دهند، و نه خود را

یَنْصُرُوْنَ ﴿۱۹۷﴾ وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا یَسْمَعُوا وَتَرَاهُمْ یَنْظُرُونَ

یاری کنند (۱۹۷) اگر از آنان درخواست راهنمایی کنید نمی شنوند، آن هارا می بینی که چشم های ساخته شده از یخشان به گونه ای است که گویی آب تو

إِلَیْكَ وَهُمْ لَا یُبْصِرُونَ ﴿۱۹۸﴾ خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ

نگاه می کنی، در حالی که نمی بینند (۱۹۸) گذشت از اشتباه کاران را پیش خود ساز، و به کارهای پسندیده فرمان بده، و از نادانان

عَنِ الْجَاهِلِیْنَ ﴿۱۹۹﴾ وَإِمَّا یَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّیْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ

روگردان باش (۱۹۹) اگر وسوسه ای از سوی شیطان تو را برای نافرمانی از دستورهای حق تحریک کند به خداوند

بِاللّٰهِ إِنَّهُ سَمِیْعٌ عَلِیْمٌ ﴿۲۰۰﴾ إِنَّ الَّذِیْنَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ

پناه بپر از برای او شنوای ناله پناه خواهان، و دانای به امور آنان است (۲۰۰) مسلماً هرگاه وسوسه ای از سوی شیطان به تقواییشان رسد

الشَّیْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ ﴿۲۰۱﴾ وَإِخْوَانُهُمْ مَّمْدُودُهُمْ

به فرمان های خدا و محاکمات قیامت توجه قلبی کنند، و بی درنگ به وسوسه دشمن اینی می شوند، در نتیجه از افتادن در دام وسوسه در امان مانند (۲۰۱) برادران

فِی الْغَىِّ ثُمَّ لَا یُقْصِرُونَ ﴿۲۰۲﴾ وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بِآیَةٍ قَالُوا

مشرکان (که شیاطین وسوسه گرد) همواره آنان را به عمق گمراهی می کشانند، و سپس از کارشان کوتاهی نکرد، از وسوسه گری باز نمی ایستند (۲۰۲) هرگاه به سبب

لَوْلَا اجْتَبَيْنَاهَا قُلْ إِنَّمَا اتَّبِعُ مَا یُوحَىٰ إِلَىٰ مِنْ رَبِّ هَذَا بَصَائِرُ

تأخیر وحی الیهای برای مشرکان نیاوردی به گمان باطلشان که قرآن را از نزد خود می سازی می گویند: چرا آیه ای از پیش خود انتخاب نکردی (تا بر ما بخواهی)؟ بگو: من فقط آنچه

مِّنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ یُّؤْمِنُونَ ﴿۲۰۳﴾ وَإِذَا قُرِئَ

از سوی پروردگار به من وحی می شود پیروی می کنم، این قرآن دلالی روشن از سوی پروردگار شماست، و اسرار آیتش برای مؤمنان هدایتگر و رحمت است (۲۰۳) چون

الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿۲۰۴﴾ وَاذْكُرْ

قرآن بخوانند به گوش قبول بشنوید، و در برابر آن اسکوت کنید! و در کنارش از پیش خود قانون و حکمی نسازید، (تا مورد رحمت قرار گیرید) (۲۰۴)

رَبِّكَ فِی نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِیفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ

پروردگارت را با مودادان و شامگاهان در دل خود بدون بانگ برداشتن

وَالْأَصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِیْنَ ﴿۲۰۵﴾ إِنَّ الَّذِیْنَ عِنْدَ رَبِّكَ

از روی زاری و بیم یاد کن، و در باره یاد خدا از بی خبران مباش (۲۰۵) قطعاً مقربان درگاه خداوند

لَا یَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَیُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ یَسْجُدُونَ ﴿۲۰۶﴾

هیچ گاه از عبادت و بندگی اش تکبر نمی ورزند، و همواره او را به پاک بودن از هر عیب و نقصی می ستایند، و پیوسته برای او سجده می کنند (۲۰۶)



سُورَةُ الْاِنْفَالِ

آیاتها
۷۵مدنیّه
رویا
۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْاِنْفَالِ قُلِ الْاِنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ

از توبه بار غنائم (که مالک معینی ندارد) می پرسند (که مالکیش با کیست؟ و چگونه باید تقسیم شود؟) بگو: (مالکیت) غنائم ویژه خدا و پیامبر است؛ بنابراین این (مالک)

اَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَاَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ اِنْ كُنْتُمْ

مؤمن هستید (در مبارزه) از خدا پروا کنید و از اعدای خود را در مورد آن اصلاح کرده، و به اطاعت از خدا و پیامبرش (در خصوص احکام غنائم و اموال بی مالک)

مُؤْمِنِينَ ۱ اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ اِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَاِذَا

گردن نهید (۱) مؤمنان فقط کسانی هستند که چون یاد خدا شود دل هایشان از عظمت او به هول و هراس افتد.

تُليَتْ عَلَيْهِمْ اَيَاتُهُ زَادَتْهُمْ اِيْمَانًا وَعَلَىٰ رِجْلِهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ۲

و هنگامی که آیتش را بر آنان می خوانند به ایمانشان می افزاید، و فقط بر پروردگارشان توکل می کنند (۲)

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ۳ اُولَٰئِكَ

هم آنان که نماز را (با شرایط ویژه اش) می خوانند، و بخشی از آنچه را به آنان روزی داده ایم (برای حل مشکلات مردم) هزینه می کنند (۳) مؤمنان

هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ

حقیقی فقط اینانند، برای آنان نزد پروردگارشان درجاتی اولا و غیر قابل توصیف، و آمرزش و رزق

كَرِيمٌ ۴ كَمَا اَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْنِكَ بِالْحَقِّ وَاِنْ فَرِيقًا مِنَ

بالرزی است (۴) همان گونه که پروردگارت به حکم اخود، که حکمی حق بود (تو را از خانه ات) بسوی جنگ بدر ابرو برد، در حالی که گروهی از مؤمنان ناخشنود از شرکت

الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ ۵ مُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَاَنَّمَا

در جنگ بودند، (حکم پروردگارت نیز در باره غنائم که گروهی از آنان در مورد آن ناراضی بودند حکمی حق بود) (۵) بابت و باره رفتن به جهاد، بعد از آن که حق بودنش روشن شد.

يُسَاقُونَ اِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ ۶ وَاذِيعِدْكُمْ اللَّهُ اِحْدَى

گفت و گوی نادریست و بی دلیل می کنند، (هنوز به جنگ نرفته چنان ترسیده اند که گویی آنان را بسوی مرگ می رانند، و اطمینان و آثارش را با چشم خود می بینند) (۶) (به یاد آرید)

الطَّائِفَتَيْنِ اَنَّهُمَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ اَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَةِ تَكُونُ

هنگامی که خداوند به شما وعده داد (پروزی بر یکی از دو گروه) (اسپاد دشمن، با کاروان نجارتی فریض انصیبتان شود، و شما دوست داشتید کاروان (تجاری) فریض که مسلح نبودند برای

لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ اَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ

شما باشد، ولی خداوند می خواست (با رویارویی شما با دشمن مسلح،) (فرمانش را که احقاق حق در پرتوان صورت می گیرد جلوه گر سازد، و ریشه کافران را

الْكَافِرِينَ ۷ لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ۸

از بیخ و بن بکنند (۷) تا حق را استوار، و باطل را نابود سازد؛ هر چند گنه پیشگان خوش نداشته باشند (۸)

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنْ

ایمیدار باد از هائی را که بادیستن دشمنان [نارندادن مسلح] خواهان باری پروردگار تان شدید و او خواسته شما را اجابت کرد [و وعده داد] که: مسلحان شما را با هزار

الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ ۝۹ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ

فرشته بی دربی باری می دهم (۹) خداوند این وعده را جز مژده ای برای ایپروزی شما قرار نداد،

قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝۱۰

و برای اینکه دل هایتان با این مژده آرامش یابد، و گونه پیروزی فقط از سوی خداست، [نه از جانب فرشتگان و اسباب و ابزار مادی] زیرا خداوند توانای

إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسُ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنْزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً

شکست ناپذیر و حکیم است (۱۰) [به یاد آرید] هنگامی که خداوند برای این که آرامش یابید خواب سبکی را بر شما جیره کرد، و آبی از آسمان برایتان فرستاد

لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ

تا شما را به وسیله آن [از آلودگی ها] پاک کند، و وسوسه شیطان را [که از بدترین ناپاکی هاست] از شما برطرف،

قُلُوبُكُمْ وَبُثِّتَ بِهِ الْأَقْدَامُ ۝۱۱ إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ

و دل هایتان را به آن نیرو بخشد، و گام هایتان را از برکت آن استوار سازد (۱۱) و [به یاد آر] زمانی که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد

أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا

که من [در این عرصه] پشتیبان شمایم، پس مؤمنان را [از نظر روحیه] استواری و ثبات دهید [و از سوی من به ارتش اسلام پیغام دهید که] به زودی در دل کافران

الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ ۝۱۲

ترسی [روحیه شکن] می اندازم، پس [ای فرشتگان] سرهایشان را در هم کوبید، و همه انگشتانشان را قطع کنید! (۱۲)

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

این [کیفر سخت] به سبب این است که آنان با خدا و رسولش دشمنی کردند، و هر که با خدا و رسولش دشمنی کند [بداند که]

فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝۱۳ ذَٰلِكُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ

بی تردید خداوند سخت کیفر است (۱۳) این [مجازات دنیایی شماست، آن را بجشیدا و برای

لِلْكَافِرِينَ عَذَابُ النَّارِ ۝۱۴ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا الْقِيَمَةُ

کافران در قیامت عذاب آتش است (۱۴) ای مؤمنان! زمانی که با کافران در حالی که

الَّذِينَ كَفَرُوا وَازْهَبُوا فَلَ تُولَوْهُمْ الْآدِبَارَ ۝۱۵ وَمَنْ يُؤَلِّهِمْ

بر ضد شما لشکر کشی می کنند روبرو می شوید فرار نکنید! (۱۵) کسی که

يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ

در آن موقعیت [از عرصه نبرد] فرار کند به خشم خداوند [که مستحق آن است] دچار می شود، و جایگاهش دوزخ است، و دوزخ عاقبت بدی است،

بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَا أُولَٰئِكَ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝۱۶

مگر این که فرارش برای [انتخاب محلی بهتر برای ادامه] نبرد، یا پیوستن به گروهی [از مجاهدان تازه نفس و آماده برای جنگ] باشد! (۱۶)

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَٰكِنَّ

اوه كشتي دشمن ميماهند وگنبد. اشعائان را از كشتيد، بلكه خداوند آنان را كشت، و انواي پيامبر را چون ادر ميدان جنگ فشتي سنگر يژه به سوى

اللَّهُ رَمِي وَلِيْلِي الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ

دشمن ابر را بگرفت، تو بر راب نكر دي. بلكه خداوند بر راب گرفت و اناز مينه شكست آنان كرد، و مؤمنان را از سوى خود به جهاد ي نيكويار مايد، زيرا

عَلَيْكُمْ ۱۷ ذَلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ الْكَافِرِينَ ۱۸

خداوند دشمنان و كافران است (۱۷) اين ابرو احسان خداوند درباره شما، و قطعاً خداوند سست کننده كيد كافران است (۱۸)

تَسْتَفِيحُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ وَإِنْ تَنْتَهُوا فهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ

اشعائى مشركان اگر ايش را شروع جنگ به گمان اين كه بر حق هستيد از خدا پيروى مي خواستيد، اينك پيروى مؤمنان كه دليلي بر حقانيت آنان است به سويان

وَأَنْ تَعُودُوا وَانْعُدُوا وَلَنْ تَغْنِي عَنْكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ

اعدا اگر از دشمنى با خدا و پيامبر دست برداريد براى شما بهتر است، و اگر ابر پايه دشمنى با خدا و پيامبر به جنگ بازگرديد ما نيز ابر ضد شما باز مي گرديم، و هرگز

وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ۱۹ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ

نيروهاى شما هر چند زياد باشد چيزي از زمينه هاى شكست را از شما بر طرف نمي كند؛ زيرا خداوند با مؤمنان است (۱۹) اي مؤمنان! از خدا و پيامبرش اطاعت كنيد،

وَلَا تَوَلَّوْا عَنَّهُ وَانْتُمْ تَسْمَعُونَ ۲۰ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ

و در حالي كه دستورهاي پيامبر را در مورد مبارزه با دشمنان امي شنويد از اونا فراماني نكنيد از اير پيروى در گرو اطاعت از اوست (۲۰) و مانند كسانى نباشيد

قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ۲۱ إِنَّ شَرَّ الدِّينِ

كه استفاقانه گفتند شنيديم در حالي كه ايا گوش قبول ويراى اطاعت انمي شنوند (۲۱) بي ترديد بدترين جنبندگان نزد خداوند كران و لالان هستند، هم آنان كه ادعوت خدا

عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْرُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ۲۲ وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ

ويا پيرانشنيدمى گيرند و از بازگرددن حق امتناع مي ورزند، و در معارف الهى انديشه نمي كنند، (۲۲) اگر خداوند شايستگي ايديرش هدايت را در آنان خبر داشت حتما

خَيْرًا لَّا سَمِعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ ۲۳

آنان را شنواي دعوت حق امي كرد، و اگر ايا كبر و عنادي كه فعلا دارند آنان را شنوا كند باز هم ايه حالت اعتراض به دعوت حق ا پشت كرده، به ان بي اعتنايي مي كنند (۲۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا

اي مؤمنان! زماني كه خداوند و پيامبر، شما را به حقايق دعوت مي كنند كه حيات امعنوي و زندگي واقعي به شما مي بخشد

بِحُكْمِهِ وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ

اجابتشان كنند! و بدانيد كه خداوند بين آدمي و دلش حائل مي شود انا حق را باطل، و باطل را حق نپندارد، و مسلماً

إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۲۴ وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا

همه شما را به سوى او جمع مي كنند (۲۴) از فتنه هاى كه اچون آتش شعله ور شود فقط به ستمكاران از شما نمي رسد

مِنْكُمْ خَاصَّةً وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۲۵

ا بلكه به تاركان امر به معروف و نهى از منكر و بي تفاوت هاى از شما نيز مي رسد، بپرهيزد! و بدانيد كه خداوند سخت كيقر است (۲۵)

وَاذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ

از زمانی یاد کنید که شما نفراتی اندک بودید، و در سرزمین [مکه] ناتوان شمرده می‌شدید، همواره می‌ترسیدید که

يَخْطَفَكُمُ النَّاسُ فَاوْنَكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُمْ مِنْ

مردم [مشرك]، شما را بزرگوار داشتند [از ازارتان داده، یا بکشدند] پس خداوند شما را [در مدینه] جای داد، و با یاری اش نیرومندتان ساخت، و شما را

الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٢٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا

از نعمت‌های دلپذیر روزی بخشید تا سپاس‌گزاری کنید (۲۶) ای مؤمنان! ابا نافرمانی از خدا و پیامبر و فاش کردن اسرار به نفع دشمن،

اللَّهِ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٧﴾ وَاعْلَمُوا

به خدا و پیامبر و امانات خود خیانت نکنید! درحالی که می‌دانید [خیانت گناه بزرگی است] (۲۷)

أَنَّ أَمْوَالَكُمْ وَأَوْلَادَكُمْ فَتَنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٢٨﴾

بدانید که اموال و فرزندان از مایشی برای شماست، [نباید برای گردآوری مال و اداره امور فرزندان متوسل به خیانت و امور حرام شوید]، و خداست که [برای

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَ

کارهای درست و عادلانه شما] پاداشی بزرگ نزد اوست (۲۸) ای مؤمنان! اگر خدا را [اطاعت کنید، از محرماتش] بپرهیزید بصیرتی ویژه

يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢٩﴾

جهت تشخیص [حق از باطل] برای شما قرار می‌دهد، و گناهانتان را محو می‌کند، و شما را می‌آموزد، خداوند دارای احسانی

وَإِذِمْ كُفْرُ بَكَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَالْيَهُودُ أَوْ يَكْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ

بزرگ است (۲۹) [به یاد آرا] آن‌گاه که کافران درباره تو نیرنگ می‌زدند تا تو را به زندان اندازند یا بکشند، یا

وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ ﴿٣٠﴾ وَإِذَا

[از وطن] بیرون رفت کنند، و [همواره هم] نیرنگ می‌زنند، خداوند کیفر نیرنگشان را می‌دهد، و خداوند بهترین کیفر دهنده به نیرنگ‌زنان است (۳۰)

تُثَلَّىٰ عَلَيْهِمْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ

چون آیات ما را بر آنان بخوانند می‌گویند: البته شنیدیم، [ولی این آیات مطلب فوق العاده‌ای به نظر نمی‌رسد]، ما هم اگر بخواهیم نمونه آن را

هَذَا إِلَّا آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٣١﴾ وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِنْ كُنَّا

می‌گوییم، این آیات جز افسانه پیشینیان نیست! (۳۱) [یاد کن] هنگامی که گفتند: خداوند!

هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَابًا مِنَ السَّمَاءِ

اگر این [قرآن] همان حق نازل شده از نزد توست از آسمان بر ما سنگ بباران،

أَوْ أَتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣٢﴾ وَمَا كَانَ لِلَّهِ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ

با عذابی دردناک [برای ما] بی‌اور! (۳۲) خداوند بر آن نیست که آن‌ها را

فِيهِمْ وَمَا كَانَ لِلَّهِ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴿٣٣﴾

درحالی که تو در بینشان هستی عذاب کنی، و بر آن نیست درحالی که روحیه درخواست آمرزش داشته باشند عذاب کننده آن‌ها باشد (۳۳)

وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ

چرا خداوند [در آخرت] عذابشان نکند؟ در حالی که [مردم مؤمن را] از ورود به [مسجد الحرام] برای انجام عبادت و مناسک حج

وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَائُوهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ

بالین که متولیان آن نیستند برای دارند، متولیان [شایسته و حقیقی] [مسجد الحرام] جز آنان که [از خداوند اطاعت کرده و از محرماتش] می پرهیزند نیستند، ولی بیشتر

لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٢﴾ وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً

آن نمی دانند که حق توحید با تقوا پیشگان، و عذاب برای باز دارندگان مردم از ورود به مسجد الحرام است [۳۴] نماز این کافران در کنار خانه [خدا] چیزی جز سوت کشیدن

وَتَصَدِيَةٌ فَذُقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٣٥﴾ إِنْ

و کفرزدن نیست، پس به سبب کفری که همواره به آن اوده بودید عذاب [دنیا و آخرت] را بچشید! [۳۵] همانا

الَّذِينَ كَفَرُوا وَيُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

کافران برای این که [مردم را] از راه خدا بازدارند اموالشان را هزینه می کنند،

فَسَيَنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ

و به زودی هم برای این کار هزینه بسیاری خواهند پرداخت، آن گاه این [هزینه] بسیار برای آنان مایه حسرتشان خواهد شد؛ ازیرا خواهند دیدش و تشنه بربادرفته،

كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ ﴿٣٦﴾ لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ

و اسلام هم گسترش یافته است، سپس به شکست [سختی] دچار می شوند، [در نهایت] کافران به سوی دوزخ محشور می شوند [۳۶] تا خداوند [با فرستادن

الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا

کافران حسرت زده به دوزخ، ناپاکان را از ناپاکان جدا کند، و ناپاکان را روی یکدیگر گذاشته، همه را انباشته سازد و یکجا

فَيَجْعَلَهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٣٧﴾ قُلْ لِلَّذِينَ

در دوزخ قرار دهد، این کافرانند که [همه] سرمایه وجودی خود را [تباه کرده اند] [۳۷] به کافران بگو

كَفَرُوا إِنْ يَنْظُرُوا يُخَفَّرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا

اگر [از] کفرشان بازایستند گناهان گذشته آنان بخشیده خواهد شد، و اگر

فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتِ الْأَوَّلِينَ ﴿٣٨﴾ وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ

به گناهان گذشته [بازگردند] همان [روش] خدا که در مورد مردم کوبیدن [پیشینیان] جاری شد [بر آنان هم جاری می شود] [۳۸] با آنان بجنگید

فِتْنَةً وَيَكُونا الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ

تا هیچ نوع نا امنی و قتل و فساد در میان نباشد، و حاکمیت همه دین [و عبادت در سراسر گیتی] ویژه خدا شود، و اگر

اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٣٩﴾ وَإِنْ تَوَلَّوْا فاعْلَمُوا

[از ادامه فتنه گری و جنایاتشان] باز ایستادند [با آنان نجنگید] [مسلمانان] خداوند به آنچه انجام می دهند بیناست [۳۹] و اگر [از باز ایستادن] اروی بر نداشتند

إِنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ ﴿٤٠﴾

[از جنگ با آنان باک نداشته باشید] بطور یقین بدانید که خداوند سرپرست شماست، و نیکو سرپرست و نیکو یاری است [۴۰]

وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ خُسَّهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي

الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ أَمْنَةً

بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّلَاقِ الْجُمُعَاتِ

وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۴۱) إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدُوِّ الدُّنْيَا

وَهُمْ بِالْعُدُوِّ الْقُصْوَىٰ وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ

تَوَاعَدْتُمْ لَا خُتَفْتُمْ فِي الْمِيعَادِ وَلَكِنْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ

مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ

بَيِّنَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ (۴۲) إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي

مَنَامِكُمْ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَادَكُمُ كَثِيرًا لَفْشَلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ

فِي الْأُمُورِ لَكِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۴۳) إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي

مَنَامِكُمْ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَادَكُمُ كَثِيرًا لَفْشَلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ

فِي الْأُمُورِ لَكِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۴۴) إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي

مَنَامِكُمْ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَادَكُمُ كَثِيرًا لَفْشَلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ

فِي الْأُمُورِ لَكِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۴۵) إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي

مَنَامِكُمْ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَادَكُمُ كَثِيرًا لَفْشَلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ

فِي الْأُمُورِ لَكِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۴۶) إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي

مَنَامِكُمْ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَادَكُمُ كَثِيرًا لَفْشَلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ

فِي الْأُمُورِ لَكِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۴۷) إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي

مَنَامِكُمْ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَادَكُمُ كَثِيرًا لَفْشَلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ

فِي الْأُمُورِ لَكِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۴۸) إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي

مَنَامِكُمْ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَادَكُمُ كَثِيرًا لَفْشَلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ

فِي الْأُمُورِ لَكِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۴۹) إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي

مَنَامِكُمْ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَادَكُمُ كَثِيرًا لَفْشَلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ

فِي الْأُمُورِ لَكِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۵۰) إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي

مَنَامِكُمْ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَادَكُمُ كَثِيرًا لَفْشَلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ

فِي الْأُمُورِ لَكِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۵۱) إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي

مَنَامِكُمْ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَادَكُمُ كَثِيرًا لَفْشَلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ

فِي الْأُمُورِ لَكِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۵۲) إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي

مَنَامِكُمْ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَادَكُمُ كَثِيرًا لَفْشَلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ

فِي الْأُمُورِ لَكِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۵۳) إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي

مَنَامِكُمْ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَادَكُمُ كَثِيرًا لَفْشَلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ

فِي الْأُمُورِ لَكِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۵۴) إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي

مَنَامِكُمْ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَادَكُمُ كَثِيرًا لَفْشَلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ

فِي الْأُمُورِ لَكِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۵۵) إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي

مَنَامِكُمْ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَادَكُمُ كَثِيرًا لَفْشَلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ

فِي الْأُمُورِ لَكِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۵۶) إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي

مَنَامِكُمْ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَادَكُمُ كَثِيرًا لَفْشَلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ

فِي الْأُمُورِ لَكِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۵۷) إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي

مَنَامِكُمْ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَادَكُمُ كَثِيرًا لَفْشَلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ

فِي الْأُمُورِ لَكِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۵۸) إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي

مَنَامِكُمْ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَادَكُمُ كَثِيرًا لَفْشَلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ

وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ

از خداوند و پیامبرش اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید که از پی آن است شویید و قدر ثبات از بین برود و ادر برابر حوادث به آیه جنگ با دشمنان

وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٢٦﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا

شکیبایی کنید زیرا خداوند با شکیبایان است (۲۶) و مانند مردمی نباشید که از سوز و غمشان

مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

از راه جنگ با شما با غرور و سرمستی و برای خودنمایی بیرون آمدند و همواره مردم را از راه خدا بازمی دارند

وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿٢٧﴾ وَادْزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ

خداوند به آنچه انجام می دهند احاطه همه جانبه دارد (۲۷) آنچه که شیطان اعمالشان را که در مسیر دشمنی با خدا و پیامبر بود در نظرشان آراست و

وَقَالَ لِأَغْلِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَّكُمْ فَلَمَّا

ا در ستان داد به این صورت که به آنان گفت: امروز ابا این نفرات و ساز و برگ جنگی فراوانتان، کسی از مردم بر شما پیروز نخواهد شد، و من یاورتان هستم

تَرَأَيْتِ الْفِتْنَةَ إِن نَّكَصَ عَلَى عَقْبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ

ولی زمانی که دو گروه با هم روبرو شدند به آنان پشت کرده ایا به فرار گذاشت، و ادر حال فرار گفت: من از شما بیزارم

إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ

من چیزی اجون نزول فرشتگان را می بینم که شما نمی بینید، همانا من از خداوند می ترسم؛ زیرا خداوند سخت

﴿٢٨﴾ إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ غَرَّرَ

کیفر است (۲۸) ادر هر صورت منافقان و آنان که در دلشان بیماری اتردید در مورد حقایق است می گفتند:

هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ

مین مؤمنان آنان افریفت، ادر نتیجه با این نفرات که به جنگ ازش نادانان مسلح قریش رفتند، آنان باور نداشتند که اهرکس ابر اساس ایمان واقعی ابر خداوند توکل کند

حَكِيمٌ ﴿٢٩﴾ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ

ای اتردید پیروز می شود؛ زیرا خداوند توانای شکست ناپذیر و حکیم است (۲۹) اگر ببینی زمانی که فرشتگان جان کافران را می گیرند

يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿٥٠﴾

چگونه بر چهره و پشتشان اضرابت سنگینی می کوبند و انهیشان می زنند که: عذاب سوزان

ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ آيْدِيَكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿٥١﴾

را بچشد (۵۰) این عذاب به کیفر گناهی است که مرتکب شده اند، وگرنه خداوند به بندگانش

كَذَّابٌ إِلَّا فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنَ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ

ستمکار نیست (۵۱) اروش ابنان چون روش فرعونیان و پیشینیان آنان است که به آیات خداوند کافر شدند، خداوند هم آنان را

فَاخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٥٢﴾

به سبب گناهانشان ابه عذابی سخت مجازات کرد؛ زیرا خداوند نیرومند و سخت کیفر است (۵۲)

ذَلِكَ بَأْنِ اللَّهِ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُ وَأَمَّا

این آیه که فرموده است که خداوند بر آن نیست که نعمتی را که به مردمی عطا کرده [به عذاب] تغییر دهد، مگر این که آنان آنچه را [از حقایق ایمانی]

بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۵۳﴾ كَذَّابٌ أَلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ

و عمل صالح و اخلاقی حسنه [در خود دارند] به کفر و عصیان و فسق و فجور [تغییر دهند، یعنی خداوند شنوا و داناست (۵۳)] [روش کافران در برخورد با]

مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكَ كُنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْ

نوحید و نبوت و قرآن، [چون روش فرعونیان و پیشینیان آنان] است [که آیات پروردگارشان را انکار کردند، در نتیجه آنان را به سبب گناهانشان هلاک کردیم،]

أَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَكُلُّ كَانُوا ظَالِمِينَ ﴿۵۴﴾ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ

و فرعونیان را به عذاب غرق شدن دچار ساختیم، همه از پی هم ستمکار بودند (۵۴) بی تردید بدترین جنبندهگان

عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَأَفْهَمُ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۵۵﴾ الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ

نزد خداوند کافرانند، که [به سبب کبر و عنادشان] ایمان نمی آورند (۵۵) هم آنان که [بآنها] با آنان پیمان بستیم،

ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ﴿۵۶﴾ فَاِمَّا

ولی هر بار پیمانشان را می شکنند، و [از خدا در این پیمان شکنی و خیانت] پروا نمی کنند (۵۶) پس اگر

تَثَقَّفَتْهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرُّ دِبَابٍ مِنْ خَلْفِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَذْكُرُونَ ﴿۵۷﴾

در میدان نبرد بر آنان دست یافتی [بآنها] دیگر کسانی را که پشت سر آنان [از هر قوم و طایفه ای] هستند بترسان، [و آن ها را به شدت بترسانند]

وَأَمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ

ساز [تا عبرت گیرند] (۵۷) و اگر از پیمان شکنی مردمی [که با آنان هم پیمان هستی] بیم داری، از راهی درست و عادلانه به آنان خبر ده که پیمانشان لغوشده است: زیرا خداوند

الْخَائِنِينَ ﴿۵۸﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَسْبَقُوا أَنْهُمْ

خائنان را دوست ندارد (۵۸) کافران گمان نکنند که [با پیمان شکنی و ستیزه جویی با حق بر قدرت خدا] پیشی گرفته اند، اینان

لَا يُعْجِزُونَ ﴿۵۹﴾ وَاعِدُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطٍ

هرگز نمی توانند [ما را] در مانده کنند [تا از دسترس حکومت ما خارج شوند] (۵۹) برای [رویا رویی با] کافران، هر چه از نیرو [انفرا] و ساز و برگ

الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَالْآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ

جنگی [و اسبان کار آمد] را به آماده کنید [تا به وسیله آن ها دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنانی غیر ایشان را که نمی شناسید ولی خدا آنان را]

لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

می شناسد بترسانید، و هر چه در راه خدا [برای بنیه دفاعی] هزینه کنید [پاداشش به طور کامل]

يُوفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ﴿۶۰﴾ وَإِنْ جَحَوْا لِلسَّلَامِ

به شما داده می شود، و [در این زمینه] مورد ستم قرار نمی گیرید (۶۰) اگر دشمنان

فَاجْتَنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۶۱﴾

تقابل به صلح داشتند تو هم به صلح رغبت نشان بده، و بر خدا توکل کن؛ یقیناً خداوند شنوا و داناست (۶۱)

وَأَنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوا فَرَأَى حَسْبُكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِبَصَرِهِ

و اگر بخواهند ایا اظهار تعامل به صلاح تو را بفرستند، بی تردید خداوند تو را بی استی، اوست که تو را با باری اش و به وسیله

وَبِالْمُؤْمِنِينَ ۶۲ وَالْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ

مؤمنان نیرومند ساختن (۶۲) اینرومند ساختن تو به وسیله مؤمنان بر این اساس بود که در دل هایشان الفت و محبت برقرار کرد، در حالی که

جَمِيعًا مَا آتَاكَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ آتَاكَ بِبَيْنِهِمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ

اگر همه آنچه را در زمین است هزینه می کردی قدرت نداشتی میان دل هایشان الفت ایجاد کنی، ولی خداوند بین آنان الفت انداخت زیرا او

حَكِيمٌ ۶۳ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

توانای شکست ناپذیر و حکیم است (۶۳) ای پیامبر! خدا و مؤمنانی که از تو پیروی می کنند از نظر حمایت و پشتیبانی برای تو

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ

کافی هستند (۶۴) ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ ایا دشمنان ترغیب کن

عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ

اگر از شما مردم مؤمن بیست نفر شکستنا باشند بر دویست نفر پیروز می شوند، و اگر

مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ۶۵

از شما صد نفر (شکستنا) باشند بر هزار نفر از کافران غلبه می کنند؛ زیرا آنان گروهی هستند که [قدرت ایمان و شکستنا در راه خدا را]

الْآن خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ

نمی فهمند (۶۵) اکنون خداوند [تکلیف پایداری یک نفر در برابر ده نفر را] به شما تخفیف داد، و معلوم داشت که در شما ضعف [ایمان و اراده] وجود دارد؛

مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ

بنابر این اگر از شما صد نفر شکستنا و رزند بر دویست نفر چیره می شوند، و اگر از شما

يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ۶۶ مَا كَانَ لِنَبِيٍّ

هزار نفر (شکستنا) باشند به خواست خدا بر دو هزار نفر پیروز می شوند، و خداوند با شکستنا است (۶۶) برای

أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يَتُخَنَّ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا

هیچ پیامبری شایسته نیست که پیش از آن که دشمن را به وسیله جنگ اسیر کند اسیرانی بگیرد، ای مسلمانان! شما متاع ناچیز دنیا را

وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۶۷ لَوْ لَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ

که عوض مالی در برابر آزادی اسیران است می خواهید، و خداوند برای شما خواهان آخرت است، خداوند توانای شکست ناپذیر و حکیم است (۶۷) اگر حکم پیشین خداوند بر

سَبَقَ لِمَسْكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۶۸ فَكُلُوا مِمَّا

این نبود که تا حکمی را بر روشنی برای بندگان بیان نکرده آنان را دچار عذاب نکند، به شما به سبب اسیرانی که پیش از شروع جنگ اگر تنید عذاب بزرگی می رسید (۶۸) آنچه

غَنِمْتُمْ حَلَالٌ طَيِّبٌ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۶۹

از غنیمت [در عرصه نبرد] گرفته اید حلال و لذیذ هزینه زندگی کنید، و از خداوند اطاعت کرده، از محرماتش بپرهیزید، همانا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۶۹)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَى إِنَّ يَعْلَمَ اللَّهُ فِي

ای پیامبر! به اسیرانی که در دست شماست بگو: اگر خداوند در دل های شما خبری اجون حالت تسلیم به حق، رغبت به ایمان

قُلُوبِكُمْ خَيْرٌ أَيْوَتِكُمْ خَيْرًا مَّا أَخَذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرَ لَكُمْ وَاللَّهُ

و نیت مثبت! ببیند، بهتر از مالی که برای آزادشدنشان از شما گرفته اند به شما می بخشد، و گناهانان را می آمرزد، خداوند

غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٧٠﴾ وَإِنْ يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ

بسیار آمرزنده و مهربان است (۷۰) و اگر بخواهند پس از آزاد شدن به تو خیانت کنند کار نازای نیست! آنان پیش از این هم با لشکر کشی بی دلیل به خداوند خیانت کردند،

فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٧١﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا

نهایتاً خداوند نورابر ایمان مسلط کرد، خداوند دانا و حکیم است (۷۱) مسلمان کسانی که مؤمن شدند و از دیار کفر به منطقه اسلامی هجرت کردند

وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا

و با اموال و جانهایشان به جهاد در راه خدا برخاستند، و آنان که [به مهاجران] پناه دادند و [ایشان را]

أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا أَمَّا لَكُمْ

حمایت کردند، همگی دوست و یاور یکدیگرند، و کسانی که ایمان آوردند و هجرت نکردند

مِنْ وَلَا يَنْبَغُ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَإِنْ اسْتَنْصَرُواكَ فِي الدِّينِ

در مورد آنان هیچ گونه تعهد دوستی و یاری رساندن ندارید تا زمانی که هجرت کنند، اگر در امر دین از شما برای دفع دشمن

فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ الْأَعْلَى قَوْمَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا

یاری خواستند بر شماست که [آنان را] یاری دهید، مگر این که [یاری دادن شما] به زبان گروهی [باشد] که میان شما و آنان پیمان

تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٧٢﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ

امتار که جنگ یا پیمان دیگری بسته شده باشد، خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست (۷۲) کافران دوستان و یاران یکدیگرند، اگر

تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ ﴿٧٣﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا

شما فرمان اوجب قطع رابطه با کافران را اجرا نکنید در زمین فتنه و فساد بزرگ رخ خواهد داد (۷۳) مؤمنانی که

وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمْ

هجرت کردند و در راه خدا به جهاد برخاستند، و آنان که [مهاجران را] پناه دادند، و [ایشان را] حمایت کردند،

الْمُؤْمِنُونَ حَتَّى آتَاهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٧٤﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ

اینان مؤمنان راستین و واقعی اند، برای آنان آمرزش و رزق با ارزشی است (۷۴) آنان که

بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ

بعد از نخستین مؤمنان مهاجر، ایمان آوردند و هجرت کردند و همراه شما به جهاد آمدند از شمایند، اینا بر آنچه در خصوص مسائل ارث

بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٧٥﴾

در کتاب خدا [مقرر شده] برخی از خویشان بر گروهی دیگر از آنان، در ارث بردن [سزاوارترند] بی تردید خداوند به همه چیز داناست (۷۵)

سُورَةُ التَّوْبَةِ

آياتها ۱۲۹

مآثرها ۹

بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۝۱

این اعلام لغو پیمان از سوی خدا و رسولش به مشرکانی است که با آنان پیمان بسته‌اید، اولی آنان خانانان پیمان شکنند (۱)

فَسَبِّحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ ۝۲

پس اشعاری پیمان شکنان را چهار ماه احرار را ابا ازادی و امنیت ادر زمین بگردید، بدانید عاجز کننده خدا نیستند [تا بتوانید از دسترس قدرتش بیرون روید]

وَأَنَّ اللَّهَ يُخْزِي الْكَافِرِينَ ۝۳ وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ

بفصحا خداوند خوار کننده کافران است (۲) لازم است از سوی خدا و رسولش به همه مشرکان

يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ

در روز حج اکبر اعلام شود که قطعاً خدا و پیامبرش از مشرکان بیزارند، او هیچ تعلدی در مورد آنان ندارند. ای مشرکان! اگر

تُبْتُمْ فَلَهُ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ ۝۴

اگر پیمان شکنی و خیانت اتوبه کنید [و از شرک به توحید باز گردید] برای شما بهتر است، و چنانچه از دعوت خدا و پیامبر اسیریچی کنید بدانید عاجز کننده

وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝۵ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ

خدا نیستید [تا بتوانید از دسترس قدرتش بیرون روید]. و کافران را به عذاب دردناکی خبر ده (۳) مگر مشرکانی که

الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوا شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا

با آنان پیمان بسته‌اید، سپس چیزی از شرایط پیمان را از شما نکاستند، و هیچ کس را بر ضد شما یاری ندادند

فَأَتَمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ۝۶

بنابراین به پیمانشان تا پایان مدتشان پایبند باشید! زیرا خداوند پرهیز کنندگان از پیمان شکنی را دوست دارد (۴) پس هنگامی که

انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ

ماه‌های حرام به پایان رسید، مشرکان را هر کجا یافتید بکشید، و اسیر کنید

وَخُذُوهُمْ وَأَحْصُرُوهُمْ وَقَعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِنْ تَابُوا وَ

و به محاصره درآورید، و در هر کمین گاهی به گمین آنان بنشینید چنانچه توبه کردند

أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ

و نماز را ابا شرایط ویژه اش خواندند و زکات پرداختند از ایشان گذارید! زیرا خداوند بسیار آمرزنده

رَحِيمٌ ۝۷ وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ

و مهربان است (۵) اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست، پناهش بده تا سخن خدا را بشنود [انگاه او را به جایگاه امنش برسان، این فرمان پناه دهی]

كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ ۝۸

به سبب آن است که مشرکان مردمی جاهل ا به حقایق اند، [باشد که از برکت این پناه دهی و شنیدن سخن خدا از شرک به توحید باز گردند] (۶)

كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ

مشرکان ایمان شکنان نزد خداوند و رسولش تعهدی در پای بندی به ایمان باشد؟

إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَإِذَا اسْتَقَامُوا إِلَيْكُمْ

که کسانی که با آنان در کنار مسجد الحرام پیمان بسته اید پس تا زمانی که

فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ﴿٧﴾ كَيْفَ وَإِنْ

باشما ایسر پیمان آپایند باشند شما هم به پیمانتان با آنان پایبند باشید از بر خداوند برهیز کنندگان از ایمان شکنی از دوست دارد (۷) چگونه

يُظْهِرُ وَأَعْلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ

ای توان به پیمان آنان اعتماد کرد؟ در صورتی که اگر بر شما چیره شوند نه [پیوند] خویشی را در حق شما رعایت می کنند، و نه پیمانی [دیگر] را، شمارا

بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٨﴾ أَشْتَرُوا

با زبانان خشنود می کنند، ولی دل هایشان از خشنود کردن شما امتناع دارد، بیشترشان منحرف و نافرمانند (۸) آیات خدا را

بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا

با بهایی اندک فروختند، و مردم را از راه خدا بازداشتند، همانا بد است آنچه را

كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩﴾ لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً وَ

همواره انجام می دادند (۹) در حق هیچ مؤمنی نه [پیوند] خویشی را رعایت می کنند، و نه پیمانی [دیگر] را،

أُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ ﴿١٠﴾ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا

اینان متجاوزند (۱۰) چنانچه از تجاوز و پیمان شکنی و دیگر گناهان بازگردند و نماز را با شرایط ویژه اش بخوانند

الزَّكَاةَ فَآخُونَ أَنْكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ

و زکات بپردازند برادران دینی شمایند، ما آیات خود را برای مردم دانا به صورت صریح و روشن

يَعْلَمُونَ ﴿١١﴾ وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي

بیان می کنیم (۱۱) اگر پیمان هایشان را پس از تعهدشان شکستند

دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ

و در دینتان زبان به ناسزاگویی گشودند، پس بر شماست که با پیشوایان کفر که هیچ تعهدی ندارند بجنگید تا از پیمان شکنی و ناسزاگویی

يَنْتَهُوْنَ ﴿١٢﴾ أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا

بازایستند (۱۲) چرا با گروهی که پیمان هایشان را شکستند و عزمشان را

بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدْعُكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ اتَّخَشُونَهُمْ

بر اخراج پیامبر از وطنش جزم کردند، و نخستین بار از طرف آنان جنگ بر شما تحمیل شد

فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٣﴾

لنی جنگید؟ آیا از آنان می ترسید؟ با این که اگر مؤمن هستید خداوند شایسته تر است که از او بترسید (۱۳)

قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ **اللَّهُ** بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ

با آنان بجنگید! تا خدا به دست شما عذابشان کند و رسوایشان سازد، و بر آنان

وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٤﴾ وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَ

پیروزتان گرداند، و سینه [جریحه دار و غمناک] مردم مؤمن را درمان بخشد (۱۴) و خشم دل‌هایشان را

يَتُوبُ **اللَّهُ** عَلَى مَنْ يَشَاءُ **وَاللَّهُ** عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٥﴾ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ

از بین ببرد. خداوند توبه هرکس را بخواهد می‌پذیرد، و خداوند دانا و حکیم است (۱۵)

تُتْرَكُوا أُولَئِكَ يَعْلَمُ **اللَّهُ** الَّذِينَ جَاهَدُوا أَمِنُكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ

ایا گمان کرده‌اید که شما را بدون امتحان! رها می‌کنند؟! درحالی‌که خداوند [هنوز] کسانی از شما را که جهاد کردند

دُونِ **اللَّهُ** وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَنَّةٍ **وَاللَّهُ** خَبِيرٌ بِمَا

و جز خدا و رسولش و مؤمنان محرم اسراری برنگزیده‌اند مشخص نکرده است، مسلماً خداوند

تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾ مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ **اللَّهُ** شَاهِدِينَ

به آنچه انجام می‌دهید آگاه است (۱۶) مشرکان درحالی‌که آشکارا بر کافریانشان

عَلَى أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِهِمْ

گواهی می‌دهند شایستگی آبادکردن مساجد خدا را ندارند، اینان اعمالشان تباه و بی‌اثر است.

خَالِدُونَ ﴿١٧﴾ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ **اللَّهُ** مَنْ آمَنَ **بِاللَّهِ** وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

و در آتش جاودانه‌اند (۱۷) آبادکردن مساجد شایسته کسانی است که

وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا **اللَّهُ** فَعَسَىٰ أُولَئِكَ

به خدا و روز قیامت مؤمنند، و نماز را [با شرایط ویژه‌اش] خوانده، و زکات پرداخته، و از کسی

أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ﴿١٨﴾ أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ

جز خدا نترسیده‌اند، پس به راستی اینان از هدایت‌یافتگانند (۱۸)

عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ **بِاللَّهِ** وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهِدُوا فِي

ایا آباددن به حاجیان، و آبادکردن مسجدالحرام را [از نظر ارزش] مانند [عمل] کسی قرار داده‌اید که به خداوند

سَبِيلِ **اللَّهُ** لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ **اللَّهُ** **وَاللَّهُ** لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

و روز قیامت ایمان دارد، و در راه خدا جهاد کرده است؟ ارزش این دوا نزد خداوند یکسان نیست؛ خداوند

﴿١٩﴾ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ **اللَّهُ** بِأَمْوَالِهِمْ

مردم ستمکار را هدایت نمی‌کند (۱۹) آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جان‌هایشان

وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ **اللَّهُ** وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿٢٠﴾

در راه خدا به جهاد برخاستند مقامشان در پیشگاه خداوند والاتر است، و اینان کامیابند (۲۰)

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ

بروردگارشان آنان را از نزد خود به رحمتی ویژه و خشنودی و بهشت‌هایی که در آنها نعمت‌های فراوان و ابدی است

مُقِيمٌ ﴿٢١﴾ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٢٢﴾

میزده می‌دهد (۲۱) در آنجا همواره جاودانه‌اند، همانا خداست که پاداشی بزرگ نزد اوست (۲۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ

ای مؤمنان! اگر پدران و برادرانان کفر را بر ایمان ترجیح می‌دهند

إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَاُولَٰئِكَ

آنان را به دوستی و سرپرستی انتخاب نکنید از شما کسانی که آنان را به دوستی و سرپرستی خود برگزینند

هُمْ الظَّالِمُونَ ﴿٢٣﴾ قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ

ستمکارند (۲۳) بگو: اگر پدران، فرزندان،

أَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ

برادران، همسران و خویشانان، و اموالی که به دست آورده‌اید، و تجارتی که

تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ

از کسادیش بیم دارید و خانه‌هایی که به آن دل خوش کرده‌اید نزد شما از

وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ

خدا و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب‌ترند، پس منتظر باشید تا خداوند عذاب [دنیا و آخرت] خود را بیاورد،

وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٤﴾ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي

خداوند گروه منحرف نافرمان را هدایت نمی‌کند (۲۴) همانا خداوند شما را

مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَبَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ

در بسیاری از عرصه‌های جنگا یاری داد، به‌ویژه روز انبرد خنین که فزونی

فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَصَاقَتْ عَلَيْكُمْ الْأَرْضُ بِمَا

افرادتان شما را مغرور و شگفت‌زده کرد، ولی فزونی افراد، چیزی از خطرا را از شما برطرف نکرد، و زمین با همه فراخی‌اش

رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ ﴿٢٥﴾ ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ

بر شما تنگ شد، آن‌گاه پشت‌گنان از عرصه نبرد گریختید (۲۵) سپس خداوند

عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودَ الْأَمْرِ تَرَوْهَا وَ

[نعمت] آرامش خود را بر پیامبرش و مؤمنان نازل کرد، و لشکریانی که آنان را نمی‌دیدید

عَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَٰلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ﴿٢٦﴾

ابری یاری شما فرستاد، و کافران را ابه دست شما به عذاب سختی مجازات کرد، این است کیفر کافران (۲۶)

ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ

از گناه خداوند بعد از این [گناه] قرار از چپه‌ها، توبه هرکس را بخواهد می‌پذیرد، خداوند بسیار آمرزنده

رَحِيمٌ ﴿٢٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ

و مهربان است (۲۷) ای مؤمنان! این نیست که مشرکان نجسند

فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ

پس نباید بعد از امسال به مسجد الحرام نزدیک شوند، اگر [به سبب ممنوعیت رفت و آمد مشرکان به مسجد الحرام، و مختل شدن داد و ستد] از نزدیک شدن

عِيَلَةٍ فَسَوْفَ يُغْنِيكُمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ

می‌ترسید، [این ترس] واهی است، [خداوند] اگر بخواهد شما را به زودی از احساس این سبب تعطیلی خرید و فروش با آنان ای نیاز می‌کند؛ زیرا خداوند

عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢٨﴾ قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا

دانا و حکیم است (۲۸) با اهل کتاب که ابر اساس قرآن به خدا

بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ

و روز قیامت مؤمن نمی‌شوند، و آنچه را خداوند و پیامبرش حرام کرده‌اند حرام نمی‌شمارند.

دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ

و دین حق را نمی‌پذیرند بچنگید! تا با دست خود با نهایت فروتنی

عَنْ يَدَيْهِمْ صَاغِرُونَ ﴿٢٩﴾ وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ

جزیه بپردازند (۲۹) یهودیان گفتند: عُزَیر پسر خداست

وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ

و مسیحیان گفتند: مسیح پسر خداست، این است گفتار [ابی دلیل] آنان که

يَأْفُوا هِهِمْ يُضَاهَوْنَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ

بر زبانشان [جاری] است، [درحالی که] این شبیه به گفتار [یهود] کسانی است که پیش از این کافر بودند

قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ ﴿٣٠﴾ اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ

خداوند مرگشان دهد! چگونه [از حق] به باطل! منحرفشان می‌کنند؟ (۳۰) [اهل کتاب] دانشمندان

وَرُهبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ

و راهبان را، و مسیح پسر مریم را در برابر

مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا

مالک و مدیر خود انتخاب کردند [تا بی‌چون و چرا از آنان اطاعت کنند]، درحالی که مأمور بودند فقط معبود یگانه را

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٣١﴾

که جز او هیچ معبودی نیست بپرستند، خداوند از آنچه شریک او قرار می‌دهند منزّه و پاک است (۳۱)

يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ

همواره می خواهند نور خدا را با سخنان ابی دلیل و تبلیغات بی اساس خود خاموش کنند، ولی خداوند جز این که

يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿٣٢﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ

نور خود را کامل کند چیزی نمی خواهد؛ هر چند کافران خوش نداشته باشند (۳۲) او کسی است که

رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ

پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند؛ هر چند

وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿٣٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن

مورد پسند مشرکان نباشد (۳۳) ای مؤمنان! همانا

كثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ

بسیاری از عالمان یهود و راهبان اموال مردم را

النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ

به ناحق و از طریق نامشروع می خورند، و آنان را با تبلیغات سوء از راه خداوند باز می دارند، و کسانی که

يَكْزِبُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

طلا و نقره می اندوزند و آن را در راه خداوند هزینه نمی کنند

فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣٤﴾ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ

به عذابی دردناک خبر ده (۳۴) روزی که در آتش دوزخ آن طلاها و نقره ها را حرارت شدید داده،

فَتَكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ

و پشانی و پهلو و پشت آنان را با آن [فلزات گداخته شده] داغ می کنند، [و نهیبشان می زنند که:] این [ثروتی] است که برای خود

لَا تَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كَنْتُمْ تَكْنِزُونَ ﴿٣٥﴾ إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ

اندوختید، پس [کیفر] زراندوزی خویش را بچشید (۳۵) مسلماً شماره ماهها

عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ

نزد خداوند از روزی که آسمانها و زمین را آفریده در کتاب [علم] الهی

وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا

دوازده ماه است، از آنها چهار ماهش حرام است، این آیینی پابرجاست؛ بنابراین

فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا

در این چهار ماه [با جنگ و خونریزی] به خود ستم نکنید و لی با همه مشرکان [در صورتی که حرمت این چهار ماه را رعایت نکردند] بجنگید!

يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿٣٦﴾

همان گونه که آنان با همه شما می جنگند، و بدانید که خداوند با اهل طاعت و دوری کننده از محرمات است (۳۶)



إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا أُجِلُّوهُمْ

هم از توبه و آخر انداختن امداد های حرام به دیگر امداد های افرونی در کفر است، این بدعتی است که سرمداران کفر، کافران (در مورد خرمیت ماه های حرام)

عَامًّا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًّا لِيُؤْاطُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيُحِلُّوا مَا

کفر آدمی شوند. یک سال ماه حرام را حلال می شعارند و در دیگر سال آن را حرام اعلام می کنند تا با شماره ماه های که خداوند حرام کرده مطابق سازند، (در

حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

ضالین را خدا حرام کرده از پیش خود حلال می کنند، از شنی کارهایشان در نظرشان راسته و درست آمده، خداوند مردم کافر را هدایت نمی کند. (۳۷)

الْكَافِرِينَ ﴿٣٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ

ای مؤمنان! شما را چه شده، هنگامی که به شما می گویند: شتابان ابرای نبرد!

لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّا قَلَّيْنَا إِلَى الْأَرْضِ أَنْ نَرْضَىٰ عَنْكُمْ

در راه خدا کوچ کنید، میل به ماندن در شهر و دیار بر شما حاکم می شود؟

بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

با به زندگی از دگر دنیا به جای آخرت دلخوش شده اید؟ کالای زندگی دنیا

فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ ﴿٣٨﴾ إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبُكُمْ عَذَابًا

در برابر آخرت جز کالایی اندک نیست (۳۸) اگر شتابان به سوی جهاد بیرون نروید خداوند به عذابی

أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَنْصُرُوهُ شَيْئًا

دردناک کیفرتان می دهد، و گروه دیگری را به جای شما می آورد، و شما را نرفتن به جهاد هیچ زبانی به خداوند نمی رسانید، خداوند

وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٣٩﴾ إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ

بر هر کاری تواناست (۳۹) اگر پیامبر را یاری ندهید ای یار نخواهد ماند؛ زیرا

نَصَرَهُ اللَّهُ إِذَا أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا

خداوند او را زمانی که کافران از مکه بیرونش کردند در حالی که یکی از دو تن بود او یآوری نداشت یاری داد،

فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّا

زمانی که هر دو در غار بودند، همان وقت که به همراهش گفت: اندوه به خود راه مده، خداوند

مَعَنَا فَاَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ

با ماست! پس خدا انعام آرامش خود را بر پیامبر نازل کرد و او را با لشکریانی که

لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ

شما نمی دیدید نیرومند ساخت، و شعار کافران را پست کرد

وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٤٠﴾

و شعار خداست که برترین و والاترین است، خداوند توانای شکست ناپذیر و حکیم است (۴۰)

أَنْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ

با تجهیزات سبک و سنگین شتابان (به سوی میدان نبرد) حرکت کنید، و با اموال و جان همتان

فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢١﴾ لَوْ كَانَتْ

در راه خدا به جهاد برخیزید! این برای شما بهتر است اگر دانای بی آثار سودمند جهاد باشد (۲۱) چنانچه

عَرَضْنَا قُرْبَىٰ وَسَفَرًا قَاصِدًا لَا تَتَّبِعُوا وَلَكِنْ بَعْدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ

(برای مسلمانان راحت طلب) غنیمتی در دسترس قرار داشت و راه سفر آسان بود مسلمانان پی نمی آمدند، ولی پیروی راه طولانی بر مشقت به نظرشان طاقت فرساست،

وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا الْخُرُوجَ مَعَكُمْ يُمْهِلُونَ

به زودی ای پی از بازگشت پیروزمندانه شما به خدا سوگند می خورند که: اگر قدرت داشتیم حتماً با شما بیرون می آمدیم.

أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٢٢﴾ عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ

آنان خود را (با سوگند دروغشان) به هلاکت می اندازند، خداوند می داند که آنان بی تردید دروغگویند (۲۲) عفو الله عنک چرا ایستای (اوستای)

لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ ﴿٢٣﴾

راست گویان برای تو مشخص شود و دروغ گویان را بشناسی به آنان اجازه (ترک جنگ) دادی؟ (۲۳)

لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ

آنان که به خدا و قیامت مؤمن هستند از تو برای باز ایستادن

يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ﴿٢٤﴾ إِنَّمَا

از جهاد با اموال و جان هایشان اجازه نمی گیرند، بلکه مشتاقانه به جهاد می شتابند، خداوند به پرهیزگاران داناست (۲۴) فقط کسانی

يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ

از تو اجازه (ترک جهاد) می خواهند که به خدا و روز قیامت مؤمن نیستند،

قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ ﴿٢٥﴾ وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ

و دل هایشان (در انجام دستورهای حق) دچار تردید است، و پیوسته در تردیدشان سرگردانند (۲۵) اگر برای بیرون رفتن (به سوی جنگ)

لَا عُدَّةَ وَالَهُ عُدَّةٌ وَلَكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انْبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَ

عزم جدی داشتند قطعاً برای آن تجهیزات آماده می کردند، ولی خداوند برانگیختن (اجباری) آنان را (به سوی جهاد) خوش نداشت، به این علت

قِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ ﴿٢٦﴾ لَوْ خَرَجُوا فِئَكُمْ مَا زَادُوكُمْ

آنان را (از حرکت) بازداشت، و گفته شد: با کوتاهی کنندگان (از خدمت به اسلام، در خانه ها) بنشینید! (۲۶) اگر (هم) با شما بیرون می آمدند

إِلَّا خَبَالًا وَلَا وُضِعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَ

جز فساد و تباهی به شما نمی افزودند، و شتابان بین شما نفوذ کرده،

فِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٢٧﴾

فتنه جوئی می کردند، برای آنان بین شما جاسوسانی است (که به نفع آنان و به زیان شما خبر چینی می کنند)، و خداوند به (وضع حال) استمکاران داناست (۲۷)

لَقَدْ ابْتَغُوا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ

همان پیش از این هر فتنه خواهی می کردند و کارها را و خیل های خود را بر ای تو وارونه جلوه می دادند [تا همه امور مختل شود و اسلام را پیشرفت و تلف گردد] انزال

الْحَقِّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ ﴿٢٨﴾ وَ مِنْهُمْ مَنْ

حق [که حمایت و یاری خداست به سبوت] آمد و دین خدا پیروز شد در حالی که فتنه گران خوش نداشتند (۲۸) برخی از منافقان

يَقُولُ ائْذَنْ لِي وَلَا تَفْتِنِّي الْاِ فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ

آن شروع جنگ می گویند به ما اجازه [از ترک جهاد] ده و ما را دچار فتنه [مشکلات و مصائب جنگ] ممکن [آگاه باش که آنان در فتنه] انفاق و امیال مادی اسقوط کرده اند و بپایند

جَهَنَّمَ لَمْ حِطَّةٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿٢٩﴾ اِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ

دوزخ هر کافران احاطه دارد (۲۹) اگر پیروزی و غنیمتی به تو رسد

تَسُوهُمْ وَإِنْ تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا

غلبه شان می کند و اگر شکست و زبانی به تو رسد می گویند

مِنْ قَبْلُ وَيَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ ﴿٥٠﴾ قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا

ما پیش از این علوه شدن [آن] جنگ جانب احتیاط را گرفته بودیم نهایتاً با خوش حالی آمیخته به غرور باز می گردند (۵۰) بگو: هرگز

الْا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ

به ما جز آنچه خداوند مقرر کرده نخواهد رسید، او سرپرست و یار ماست، مؤمنان فقط باید

الْمُؤْمِنُونَ ﴿٥١﴾ قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا اِلَّا اِحْدَى الْحُسْنَيْنِ

بر خدا توکل کنند (۵۱) بگو: آیا درباره ما جز یکی از دو نیکی را [که پیروزی یا شهادت است] انتظار می برید؟

وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ اَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ

در حالی که ما درباره شما انتظار می بریم که خداوند از سوی خود یا به دست ما عذابی [سخت]

اَوْ يَأْتِيَنَّافِتْرَبَّصُوا اِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ ﴿٥٢﴾ قُلْ اَنْفِقُوا

به شما بپردازد، پس انتظار برید که ما هم با شما منتظریم (۵۲) [به آنان] بگو:

طَوْعًا اَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ اِنَّكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا

چه از روی رغبت، چه از روی بی میلی انفاق کنید هرگز از شما نمی پذیرند؛ همانا شما

فَاسِقِينَ ﴿٥٣﴾ وَمَا مَنَعَهُمْ اَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ

همواره مردمی منحرف و نافرمان هستید (۵۳) چیزی مانع پذیرفته شدن انفاق هایشان نشد

اِلَّا اَنْهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ

جز این که به خدا و رسول او کافرنند، و نماز

اِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا يُنْفِقُونَ اِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ ﴿٥٤﴾

را جز از روی کسالت و بی حالی به جا نمی آورند، و جز از روی بی رغبتی انفاق نمی کنند (۵۴)

فَلَا تُجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا

فرزندانشان شگفت زده است نکند! خداوند می خواهد آنان را در دنیا به سبب اهل مشغولای شدیدشان به اموال و اولاد عذاب کند، و درحالی که کافران جانشان درآید (۵۵) به خداوند سوگند

فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ ﴿٥٥﴾ وَبَخِلْفُونَ

اولاد عذاب کند، و درحالی که کافران جانشان درآید (۵۵) به خداوند سوگند

إِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرَقُونَ ﴿٥٦﴾

آن خورند که از شما نیستند، بلکه اینان گروهی هستند که به علت نهی بودن درونشان از ایمان، او حشت زده و ترسیند (۵۶) می خورند که از شما نیستند، بلکه اینان گروهی هستند که به علت نهی بودن درونشان از ایمان، او حشت زده و ترسیند (۵۶)

لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأً أَوْ مَخَارِجَ أَوْ مَدَّ خَلًّا لَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ

اگر برای فرار از جنگ و تن دادن به فرمان های خدا و پیامبر، امانی یا غارهایی یا پناهگاهی می یافتند، چون اسب جموش ایشانان به سوی

بِخُحُونَ ﴿٥٧﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا

می تاختند (۵۷) برخی از منافقان درباره تقسیم انواع زکات بر تو عیب می گیرند، اگر از زکاتها به آنان بپردازند

رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ ﴿٥٨﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ

خشنود می شوند و اگر نپردازند ناگهان به خشم می آیند (۵۸) اگر به آنچه خدا

رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ

و رسولش به آنان عطا کرده اند خشنود می شدند برای آنان بهتر بود، و ایه همه می گفتند: خداوند ما را بس است، و ما یقین داریم که

مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ ﴿٥٩﴾ إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ

خدا و پیامبرش به زودی از احسان خود به ما می بخشند، و ما فقط به سوی خداوند رغبت داریم (۵۹) زکات اموال

لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ

فقط به این موارد اختصاص دارد: نیازمندان، بیچارگان، کارگزاران آن، کسانی که

وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ

اگر فتنش اهل هایشان ایه اسلام و مسلمانان الفت می پذیرد، ازادی بردگان، پرداخت دیون ابد هکاران، و انجام هر کار خیری در راه خدا و در راه ماندنی زاد و توشه،

فَرِيضَةٍ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٦٠﴾ وَمِنْهُمْ الَّذِينَ

ازکات فریضه ای است، و خداوند دانای و حکیم است (۶۰) برخی از منافقان

يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَذُنٌ قُلْ أَذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ

همواره پیامبر را آزار می دهند و می گویند: او در برابر همه سراپا گوش است، و هر سخنی را باور می کند! بگو: او در جهت مصلحت شما گوش خوبی است،

يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا

به اکلان خداوند و مؤمنان واقعی اعتماد دارد، و برای کسانی از شما که ایمان آورده اند

مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦١﴾

رحمت است، و آنان که همواره رسول خدا را آزار می دهند برایشان عذاب دردناکی است (۶۱)

يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيَرْضَوْكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضَوْهُ إِنَّ كَانُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٦٢﴾ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ

آن برای شما به دلیل معذور نشان دادن خود به سبب خلاف کاری هایشان به خداوند سوگند می خورند تا شما را بخشنود سازند، در صورتی که اگر مؤمن بودند

شاید بهتر این است که خدا و رسولش را بخشنود کنند (۶۲) آیا ندانسته اند که هر کس

يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَلِكَ

با خدا و رسولش دشمنی کند قطعاً آتش دوزخ برای اوست و در آن جاودانه است؟ این است

الْخِزْيُ الْعَظِيمُ ﴿٦٣﴾ يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ

رسوایی بزرگ (۶۳) منافقان از این می ترسند که سوره ای بر ضدشان نازل شود

سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ اسْتَهْزَءُوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجُ مَا

که آنان را از آنچه از حالات شیطانی و نیت های شومی که در دل هایشان دارند خبر دهد، بگو: مسخره کنید! خداوند آنچه را از آن می ترسید

تَحْذَرُونَ ﴿٦٤﴾ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ

اشکار خواهد کرد (۶۴) اگر از آنان بپرسی اجرا آیات قرآن و نبوت را به مسخره گرفتید؟! مسلماً می گویند: ما فقط

وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ ﴿٦٥﴾

به شوخی و بازی مطلبی را می گفتیم، بگو: آیا [شما نیستید که] خدا و آیات او و رسولش را مسخره می کردید؟! (۶۵)

لَا تَعْتَدُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعْفُ عَنْ طَائِفَةٍ

بگو: برای گفتار و اعمال خائنانه خود! عذرخواهی نکنید! [این روش شما نشان می دهد که] حتماً پس از ایمانتان کافر شدید، اگر از گروهی از شما [که به

مِنْكُمْ نَعَذِّبُ طَائِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿٦٦﴾ الْمُنَافِقُونَ

نفاقشان ادامه ندادند! گذشت کنیم گروه دیگر را [که دست از نفاقشان برند] باشند! بدان جهت که همواره گنه پیشه بودند به شدت عذاب می کنیم (۶۶) مردان

وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ

و زنان منافق همه با هم و از یکدیگرند، [برای ترویج زشتی ها] امر به منکر می کنند، و [برای محقق نشدن نیکی ها]

وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ

از کارهای پسندیده باز می دارند، از هزینه کردن [مال در امور خیرا] امتناع دارند، خدا را وا گذاشتند،

فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٦٧﴾ وَعَدَ اللَّهُ

خدا هم آنان را [افسارگسیخته] وا گذاشت، همانا منافقان منحرف و نافرمانند (۶۷) خداوند

الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتُ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ

آتش دوزخ را به مردان و زنان منافق و کافران وعده قطعی داده که در آن جاودانه اند،

فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ ﴿٦٨﴾

همان برای آنان بس است، خداوند آنان را از رحمتش طرد کرده، و برای آنان عذابی پایدار است (۶۸)

كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَآكَثَرُ أَمْوَالًا وَ

اشما منافقان در گفتار و کردار خائنانه خود مانند پیشینیان خود هستند، آنان از شما نیرومندتر و اموال

أَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلَاْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلَاْقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ

اولادشان بیشتر بود، نهایتاً از سهم [مادی] خود [در دنیا] بهره بردند، شما هم همان گونه که

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلَاْقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا

انان بهره بردند از سهم خود بهره مند شدید، و [در مآذبات و لجنزار شهوات] فرورفتید

أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ

به گونه ای که آنان فرورفتند، آنان اعمالشان در دنیا و آخرت تباه و بی اثر شد، و آنانند که

هُمْ الْخَاسِرُونَ ﴿٦٩﴾ أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ

نابودکنندگان [همه سرمایه های وجودی خود] هستند (۶۹) آیا خبر گذشتگان به اینان نرسیده [تا عبرت گیرند]؟

نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمَ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَ

قوم نوح، عاد، ثمود، قوم ابراهیم، اصحاب مدین و شهرهای زیر و رو شده [قوم لوط]

الْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ

که پیامبرانشان برای آنان دلایل روشن آوردند [اولی] نپذیرفتند،

لِيُظْلَمَهُمْ وَلَٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٧٠﴾ وَالْمُؤْمِنُونَ

خداوند بر آن نبود که به آنان ستم کند، ولی آنان بودند که همواره به خود ستم می ورزیدند (۷۰) مردان

وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ

و زنان باایمان دوست و یار یکدیگرند، [مردم را برای ترویج نیکی ها] به کارهای شایسته فرمان می دهند، و [برای برچیده شدن فساد و فتنه]

عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ

از کارهای زشت باز می دارند، نماز را [با شرایط ویژه اش] می خوانند و زکات می پردازند و مطیع

وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٧١﴾

خدا و رسولش هستند، یقیناً خداوند آنان را مورد رحمت قرار می دهد؛ زیرا خدا توانای شکستناپذیر و حکیم است (۷۱)

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

خداوند به مردان و زنان باایمان بهشت هایی را وعده قطعی داده که از زیر درختان آن

الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ

نهرها جاری است درحالی که در آن جاودانه اند، و [برای آنان] در بهشت های جاویدان مسکن های دلپذیر است،

وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٧٢﴾

و نیز رضایتی ویژه از سوی خداوند که [از همه آن نعمت ها] برتر است، این همان کامیابی بزرگ است (۷۲)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ

ای پیامبر! با کفار و منافقان جهاد کن! و با آنان که لیاقت توخیم ندارند! با خشونت رفتار کن!

وَمَا أُولَئِكَ بِجَنَّتُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٧٣﴾ يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا

جایگاهشان دور است، و [دروغ] عاقبت بدی است! [منافقان] همواره سوگند می‌خورند که [بر ضد پیامبر سخنان ناروا] نگفته‌اند

وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا وَابْعَدُوا سُلَايِمَهُمْ وَهُمْ أُولَئِكَ

در صورتی که سخنان کفرآمیز گفته‌اند، و بعد از اسلامشان کافر شدند و تصمیم خطوناکي [بر ضد پیامبر]

يَنَالُوا وَمَا تَقْصُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ

گرفتند که به آن دست نیافتند، و زبان به عیب جویی بر پیامبر نگشودند مگر پس از آن که خداوند و پیامبرش آنان را از احسان خود توانگر ساختند، [آنها]

يَتُوبُوا إِلَيْكَ خَيْرَ الْهَمِّ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي

شدت نمکبه حرامی کردند! پس اگر توبه کنند برای آنان بهتر است، و اگر از خدا و رسولش رویگردان شوند خداوند آنان را در

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٧٤﴾

دنیا و آخرت به عذاب دردناکی مجازات خواهد کرد، و آنان را در زمین هیچ دوست و یاروری [که از عذاب نابودکننده نجاتشان دهد] نخواهد بود! (۷۴)

وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَنْ اتُّبَّخُوا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَ

بعضی از منافقان با خداوند پیمان بستند که اگر از احسانش به ما عطا کند قطعاً زکات خواهیم داد،

لَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٧٥﴾ فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ

و یقیناً از نیکوکاران خواهیم شد! (۷۵) چون خداوند از احسانش به آنان عطا کرد از پرداخت زکات بخل ورزیدند

وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿٧٦﴾ فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ

و از پیمانشان برگشته، از وفای به آن روی گردانند! (۷۶) پس به سبب این که به وعده‌هایشان با خداوند وفا نکردند،

يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ﴿٧٧﴾

و همواره دروغ می‌گفتند نفاقى ریشه‌دار و مزمن در دل‌هایشان جای داد تا روزی که به لقای خدا برسند! (۷۷)

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ

ایا ندانستند که خداوند اسرار و گفته‌های محرمانه آنان را می‌داند؟ یقیناً خداوند دانای

الْغُيُوبِ ﴿٧٨﴾ الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

به همه نهان‌هاست! (۷۸) آنان که از مؤمنان توانگر که با رغبت زکات می‌پردازند

فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ

عیب جویی می‌کنند، و کسانی را که جز به اندازه توانشان چیزی [برای زکات دادن] نمی‌یابند

فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٩﴾

به مسخره می‌گیرند، خدا کيفر مسخره‌کردنشان را می‌دهد، و عذاب دردناکی خواهند داشت! (۷۹)

اَسْتَغْفِرْ لَهُمْ اَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ اِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ

برای آنان چه آمرزش بخواهی چه نخواهی، احنایا اگر هفتاد بار برای آنان آمرزش بخواهی

يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي

هرگز خداوند آنان را نمی‌آمرزد؛ زیرا این گروه به خدا و پیامبرش کافر شدند، و خداوند

الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٨٠﴾ فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ

منحرفان نافرمان را هدایت نمی‌کند (۸۰) رویگردانان از جنگ با سبب خانه‌نشینی خود که بر خلاف

وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا

رسول خدا بود خوش حال شدند، خوش نداشتند که با اموال و جان‌هایشان در راه خدا جهاد کنند،

لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ ﴿٨١﴾

وایه دیگران که مشتاقانه آماده رفتن بودند گفتند: در این اگر ما ای سخت تابستان! کوچ نکنید! بگو: اگر می‌فهمیدند آتش جهنم از نظر گرمایی بسیار شدیدتر است (۸۱)

فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨٢﴾ فَإِنْ

پس به کفر و تخلفاتی که همواره از دستورهای خدا و پیامبر مرتکب شدند باید کمتر بخندند و بسیار بگریند (۸۲) چون

رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَأْذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ

خداوند تو را از عرصه نبرد به سوی گروهی از آنان به مدینه بازگردانید، و آنان برای بیرون آمدن به سوی جنگی دیگر از تو اجازه خواستند، [باز توجه به روحیه

تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ

تخلفشان و دل پُر نفاقشان به آنان بگو: هرگز با من بیرون نمی‌آید، و با هیچ دشمنی نمی‌جنگید؛ زیرا شما نخستین بار

أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ ﴿٨٣﴾ وَلَا تَصِلْ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ

به نشستن در خانه، [و ماندن در مدینه] خوش حال شدید، اکنون هم با معاف شدگان [از جنگ] در خانه بنشینید (۸۳) هیچ گاه بر فردی از آنان

مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ

نماز [امت] نخوان، و بر گورش [برای دعا] نایست؛ زیرا آنان به خدا و رسولش کافر شدند، و در حالی که منحرف و نافرمان بودند

فَاسِقُونَ ﴿٨٤﴾ وَلَا تَعْجَبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ

به کام مرگ افتادند (۸۴) اموال و فرزندانیشان شگفت زده ات نکند، خداوند می‌خواهد آنان را

يُعَذِّبَهُمْ بِمَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ ﴿٨٥﴾

در دنیا [به سبب دل‌مشغولی شدیدشان] به اموال و اولاد عذاب کند، و در حالی که کافرانند جانشان درآید (۸۵)

وَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمِنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ

چون سوره‌ای نازل شود او در آن از آنان خواسته شود که به خداوند مؤمن شوید و همراه پیامبرش به جهاد بروید،

أُولَئِ الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذُرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ ﴿٨٦﴾

توان‌مندان [منافق کیش] از تو اجازه می‌خواهند [که در جنگ شرکت نکنند] و می‌گویند: بگذار ما با خانه‌نشینان [معذور از جهاد] باشیم (۸۶)

رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ

راضی شده اند با خانه نشینان [معاف از جهاد] باشند بر دل هایشان مهر [عدم فهم حقایق] زده شده، بدین سبب [منافع دنیایی و آخرتی جهاد]

لَا يَفْقَهُونَ ﴿٨٧﴾ لَكِنَّ الرَّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا

نمی فهمند (۸۷) ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آورده اند با اعمال

بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ

و جان هایشان جهاد کردند، اینانند که همه خیرات دنیا و آخرت برای آنان است، و اینانند که

الْمُفْلِحُونَ ﴿٨٨﴾ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

بر همه موانع راه سعادت پیروزند (۸۸) خداوند برای آنان بهشت هایی آماده کرده که از زیر درختان آن نهرا

خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٨٩﴾ وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ

جاری است، در آن جا جاودانه اند، این است کامیابی بزرگ (۸۹) عذرتویشان بادیه نشین

الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ

ازد تو آمدند تا به آنان اجازه [ترک جنگ] داده شود، و کسانی که [معذوریت خود را] به خدا و رسولش دروغ گفتند در خانه نشینند

الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٩٠﴾ لَبَسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ

بمزودی به کسانی از آنان که کافرنند عذاب دردناکی خواهد رسید (۹۰) بر ناتوانان

وَالْأَعْلَى الْمَرْضَى وَالْأَعْلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ حَرَجٌ

و بیماران و آنان که چیزی برای هزینه کردن [در راه جهاد] نمی یابند در صورتی که [در پشت جبهه با گفتار و اعمالشان]

إِذَا نَصَحُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ

خبرخواه خدا و رسولش باشند باکی نیست [که به میدان جنگ نیایند، آری] بر نیکوکاران [معذور] هیچ راه [مؤاخذه ای] نیست، خداوند

غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٩١﴾ وَالْأَعْلَى الَّذِينَ إِذَا مَا اتَّوَكَّلْتَ لِيُحْمِلَهُمْ قُلْتَ

بسیار آمرزنده و مهربان است، (۹۱) و نیز بر کسانی که چون نزد تو آمدند تا به آنان مرکبی دهی، گفتی:

لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ

مرکبی ندارم [تا شما را به جهاد ببرم]. باکی نیست [که به جهاد نیایند، آنان] از نزد تو بازگشتند در حالی که به سبب اندوه شدید

الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يَنْفِقُونَ ﴿٩٢﴾ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى

از دیدگان شان اشک می ریخت که چرا چیزی نمی یابند تا [در راه جهاد] هزینه کنند (۹۲) راه [مؤاخذه] فقط

الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا

به روی کسانی باز است که در عین توانگری، [برای نرفتن به جهاد] از تو اجازه می خواهند، آنان راضی شدند

مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٩٣﴾

که با معاف شدگان [از جنگ] در خانه بنشینند، خدا بر دل هایشان مهر [عدم فهم حقایق] زده، بدین سبب [به منافع دنیایی و آخرتی جهاد] آگاه نیستند (۹۳)

يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذْ أَرْجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا لَنْ تُؤْمِنَ

چون به سوی آنان بازگردید از شما [به سبب ترک جهاد] عذر خواهی می کنند، بگو: عذر خواهی نکنید! ما هرگز شما را در معذور بودنشان

لَكُمْ قَدْ تَبَيَّنَا اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَسَبَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ

ما را از اخبار [خیانت های] شما آگاه ساخت، به یقین خدا

وَرَسُولُهُ ثُمَّ تَرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيَنْبِئُكُمْ

و رسولش اعمال شمار می بینند، سپس شما را پس از پایان مهلتی که در دنیا دارید [به سوی دانای جهان و آشکار بازگردانده می شود]، و پروردگار شما را

بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٢﴾ سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ

به خیانت هایی که همواره مرتکب می شدید آگاه خواهد کرد (۹۲) [زمانی که به سوی شما بازگردید برای شما جهت معذور نشان دادن خود اقطاعه سوگند یاد می کنند

لِنُعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رَجِسٌ وَمَا وَهُمْ بِحُكْمٍ

تا از آنان چشم پوشی کنید، ولی از آنان روی برگردانید زیرا آن ها پلیدند و جایگاهشان

جَزَاءُ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٩٣﴾ يَحْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا

به کفر خیانت هایی که همواره مرتکب می شدند دوزخ است (۹۳) سوگندی که برای شما می خورند

عَنْهُمْ فَإِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ

برای این است که از آنان راضی شوید، اگر شما از آنان راضی شوید مسلماً خداوند از مردم

الْفَاسِقِينَ ﴿٩٤﴾ الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا

منحرفان را راضی نمی شود (۹۴) [باده نشینان عرب] [به سبب دوری از دانش و فرهنگ و صفات انسانی،] [کفر و نفاقشان شدیدتر، و به جاهل بودن

حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٩٥﴾ وَمِنْ

به حدود احکام و معارفی که خداوند بر رسولش نازل کرده سزاوارترند، خداوند دانا و حکیم است (۹۵) گروهی

الْأَعْرَابُ مَنْ يَتَّخِذْ مَا يُبْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُّ بِكُمُ الدَّوَائِرَ

از باده نشینان آنچه را اتفاق می کنند خسارت مالی و باج دهی به حساب می آورند، و برای شما پیش آمدهای بدی را

عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٩٦﴾ وَمِنْ

انتظار می کنند، پیش آمدهای بد بر خودشان بادا خداوند شنوا و داناست (۹۶) گروهی

الْأَعْرَابُ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتَبَخَّضُوا

از باده نشینان به خدا و روز قیامت ایمان دارند و آنچه را [در راه خدا]

يُفْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ إِلَّا إِنَّهَا قُرْبَةٌ

هزینه می کنند مایه قرب به خدا و دعا های پیامبر می دانند، آگاه باشید! هزینه کردنشان برای آنان وسیله تقرب است،

لَهُمْ سَيِّدٌ خَلَهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٩٧﴾

بزرودی خداوند آنان را در رحمتش درآورد؛ زیرا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۹۷)

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ

خداوند از همه پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار و کسانی که

اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ

به نیکی و درستی از آنان پیروی کردند خوشنود است، و آنان هم از خداوند خوشنودند، برای ایشان

جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ

بهشت‌هایی آماده کرده که (از) زیر درختان آن نهرها جاری است، در آنجا همواره جاودانه‌اند، این است کامیابی

الْعَظِيمُ ﴿١٠٠﴾ وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ

بزرگ (۱۰۰) گروهی از بادیه‌نشینانی که پیرامونتان هستند منافقند، و نیز گروهی

الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنَعَذِّبُهُمْ

از اهل مدینه به شدت با نفاق خو گرفته‌اند، تو آنان را نمی‌شناسی، ما آنان را می‌شناسیم، به‌زودی آنان را

مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ ﴿١٠١﴾ وَالْآخَرُونَ اعْتَرَفُوا

دو بار عذاب می‌کنیم، یکبار در دنیا و دیگر بار در برزخ، سپس آنان را به‌سوی عذابی بزرگ باز می‌گردانند (۱۰۱) دیگری نیز هستند

بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَسَيِّئًا عَسَىٰ اللَّهُ أَن يَتُوبَ عَلَيْهِمْ

که به گناهانشان (در پیشگاه حق) اعتراف کردند، (و) اعمال خوب را با بد درآمیختند، امید است خداوند توبه آنان را بپذیرد

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٠٢﴾ خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيَهُمْ

زیرا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۱۰۲) از اموالشان زکات دریافت کن! تا بدین وسیله آنان را از آلودگی بخل پاک کنی، و

بِمَا وَصَّلَ عَلَيْهِمْ أَن صَلَواتِكَ سَكُنْ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٠٣﴾

(تقوی) آنان را رشد و تکامل بخشی، (به هنگام دریافت زکات،) آنان را دعا کن که دعای تو مایه آرامش آنان است، و خداوند شنوا و داناست (۱۰۳)

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ

آیا ندانسته‌اند که فقط خداست که از بندگانش توبه را می‌پذیرد، و زکات (اموال) را می‌ستاند،

وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٠٤﴾ وَقُلْ اْعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ

یقیناً خداست که بسیار توبه‌پذیر و مهربان است (۱۰۴) بگو: عمل کنید! مسلماً خدا و پیامبرش،

وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

و مؤمنان (که) امامان معصوم هستند (اعمال شما را می‌بینند، و به‌زودی به‌سوی دنای نهای و آشکار بازگردانده می‌شوید،

فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٠٥﴾ وَالْآخَرُونَ مُرْجُونَ لَأَمْرِ اللَّهِ

و او به آنچه همواره انجام می‌دادید آگاهتان می‌کند (۱۰۵) و گروهی دیگر کارشان متوقف به مشیت

إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٠٦﴾

خداست، یا آنان را عذاب می‌کند، یا توبه آنان را می‌پذیرد، خداوند دانا و حکیم است (۱۰۶)

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَلَفَرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ

و گروهی از منافقان مسجدی ساختند برای ضرر زدن به اسلام و برای [تقویت و ترویج] کفر و تفرقه افکنی بین مؤمنان

وَارْصَادًا لِّلْمَن حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا

و همین گاهی برای کسی که پیش از این با خدا و رسولش به جنگ برخاسته بود ، سوگند سخت می خورند

إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿١٠٧﴾ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا

که ما [با ساختن آن] جز نیکی او خدمت [قصدی نداشتیم] ولی خداوند گواهی می دهد که اینان بی تردید [در همه ادعاهایشان] دروغگویند (۱۰۷) هرگز

لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ

در آن مسجد [برای عبادت] نیست قطعاً مسجدی که از نخستین روز بر پایه تقوا بنا شده شایسته تر است که در آن [به عبادت] بایستی

فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ ﴿١٠٨﴾

در آن مردانی هستند که خواهان پاکی اجسم و جان و اندیشه اند و خداوند پاکی خواهان را

أَفَمَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ

دوست دارد (۱۰۸) آیا کسی که بنای [کارش] را بر پایه مستحکم تقوا و رضای الهی

أَمْ مَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانُهَا رِبْعَهُ فِي

نهاده بهتر است یا کسی که بنای [کارش] را بر لب سرایشی تند نهاده که [زیرش] سست و فرو ریختنی است و بنا و بنا کننده اش

نَارٍ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠٩﴾ لَا يَزَالُ

در دوزخ سقوط کرده؟ خداوند مردم ستمکار را هدایت نمی کند (۱۰۹)

بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ

همواره ساختمانی که بنا کرده اند در دل هایشان مایه شک و تردید است تا زمانی که دل هایشان [به سبب مرگ]

وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١١٠﴾ إِنْ اللَّهُ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

پاره پاره شود خداوند دانا و حکیم است (۱۱۰) مسلماً خداوند از مؤمنان

أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

جانها و اموالشان را به بهای این که بهشت برای آنان باشد خریده [مؤمنانی که] همواره

فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ

در راه خدا نبرد می کنند [دشمن را] می کشند و [خود] کشته می شوند خداوند برعهده خود در تورات و انجیل و قرآن

وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا

به آنان وعده بهشت داده وعده ای ثابت و درست چه کسی به عهدش از خدا وفادارتر است؟ پس ای مؤمنان!

بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١١١﴾

به [این] دادوستدی که با خداوند داشته اید خوش حال باشید این است کامیابی بزرگ (۱۱۱)

الَّتَائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ

مؤمنان همان توبه کنندگان، عبادت کنندگان، ستایش گران، روزه داران، رکوع کنندگان

السَّاجِدُونَ الْأَمِيرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ

سجده کنندگان، امران، به معروف، ناهیان

الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ ۚ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٢﴾

منکر و پاسداران حدود خداونداندا، و مؤمنان را اینه مغفرت و رحمت و بهشت و رضوانا مؤده ده (۱۱۲)

مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ

شایسته پیامبر و مؤمنان نیست که برای مشرکان

وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّ اللَّهَ أَحْصَابُ

پس از آن که معلوم او مسلم شد اهل دوزخند درخواست آمرزش کنند؛ هر چند

الْبَحِيمِ ﴿١١٣﴾ وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ

از خویشان باشد (۱۱۳) آمرزش خواهی ابراهیم برای پدرخوانده اش جز به سبب

مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ

وعدهای که به او داده بود صورت نگرفت، ولی هنگامی که برای او معلوم او مسلم شد که وی دشمن خداست از او بیزارى جست، بی تردید

إِبْرَاهِيمَ لَا وَاهٍ حَلِيمٌ ﴿١١٤﴾ وَمَا كَانَ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ

ابراهیم بسیار مهربان و بردبار بود (۱۱۴) خداوند بر آن نیست که قومی را پس از آن که

إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١١٥﴾

هدایت کرد گمراه سازد، مگر بعد از بیان اموری که باید از آن بپرهیزند او آنان سرپیچی کنند، یقیناً خداوند به همه چیز داناست (۱۱۵)

إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِحَمِيٍّ وَبِطِئٍ وَمَا لَكُمْ

یقیناً خداست که مالکیت و فرمانروایی آسمانها و زمین در سیطره اوست، زنده می کند و می میراند، و شما را

مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١١٦﴾ لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ

جز خدا هیچ سرپرست و یاری نیست (۱۱۶) بی تردید خداوند رحمت ویژه اش را

وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ

بر پیامبر و مهاجران و انصار که در زمان اکمبود تدارکات و سختی مسیر جنگ تبوک از او پیروی کردند ارزانی داشت،

الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِنْهُمْ

پس از آن که نزدیک بود دل های گروهی از آنان از ادامه حرکت به سوی جنگ منحرف شود او به مدینه بازگردند،

ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿١١٧﴾

انگاه خداوند توبه آنان را از گناه تصمیم به بازگشت پذیرفت؛ زیرا خداوند به آنان بسیار مهربور و مهربان است (۱۱۷)

وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا

و این توفیق توبه را به آن سه نفری که منافقان با وسوسه و فریب از جنگ بازمانده بودند، از آنانی که از جنگ بازگشته و فرمان را به آنان به جایی

رَحِبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمُ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ

رسید که زمین با همه فراخی اش بر آنان تنگ شد، و از شدت اندوه و مشکل تنهایی، در نشان در مضیقه و عذاب و جدان اقرار گرفت، و یقین کردند که هیچ پناهی از خدا

إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١١٨﴾

جزیه سوی او نیست، پس خداوند بار رحمتش به آنان توجه کرد تا به عرصه توبه راه یابند، و نهایتاً توبه قابل پذیرش نصیبشان شد؛ زیرا خداوند بسیار توبه پذیر و مهربان است (۱۱۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ﴿١١٩﴾ مَا

ای اهل ایمان از خداوند اطاعت کرده، و از محرماتش بپرهیزید، و با صادقان که انبیاء و اهل بیت الهی و اولیای خاص خداوند همراه باشید (۱۱۹)

كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَخْلَفُوا

شایسته نیست که اهل مدینه و باده نشینان و پیرامون آن

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا

از رسول خدا تخلف کنند، و [سزاوار نیست که] به سبب [دل مشغولی به] خود، از [حفظ جان] او [در برابر حوادث] دریغ ورزند؛ زیرا

يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا

در راه خدا هیچ تشنگی و رنج و گرسنگی به آنان نمی رسد،

يَطَّوُّونَ مَوَاطِئَ يَغِيزُ الْكَفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيلًا

و در هیچ مکانی که کافران را به خشم می اندازد وارد نمی شوند، و از هیچ دشمنی کشته و اسیر نمی گیرند

إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ

مگر آن که به پاداش [هر کدام از] آن ها عمل صالحی برای آنان [در پرونده اعمالشان] ثبت می شود، یقیناً خداوند پاداش نیکوکاران را

الْمُحْسِنِينَ ﴿١٢٠﴾ وَلَا يَنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَ

تباه نمی کنند (۱۲۰) و هیچ مال اندک و یا فراوانی را [در راه حق] هزینه نمی کنند،

لَا يَقْطَعُونَ وَادِيًّا إِلَّا أَكُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا

و هیچ سرزمینی را [برای نبرد با دشمن یا انجام کاری پسندیده] نمی پیمایند مگر آن که برای آنان [در پرونده اعمالشان] نوشته می شود، تا خداوند [با معیار] قرار دادن [بهترین

كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢١﴾ وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً

عملی که همواره انجام می دادند پاداششان دهد (۱۲۱) شایسته نیست همه مؤمنان [به سوی نبرد با دشمن]

فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ

کوچ کنند، [مبادان که دیگر امور متوقف شود] چرا از هر جمعیتی گروهی [به سوی پیامبر و امامان و عالمان ربانی] و ارسته [کوچ نمی کنند تا دین و احکام و معارف را بشناسند،

وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ﴿١٢٢﴾

و قوم خود را هنگامی که به سوی آنان باز می گردند هشدار دهند تا [از مخالفت با خدا و پیامبر و فرجام شوم گناه] بپرهیزند (۱۲۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ

ای مؤمنان! با کافران که همجوار شما هستند بجنگید.

وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غُلُظَةً وَاَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿١٢٣﴾

و آنان باید در شما سرسختی و صلابت احساس کنند. بدانند که خداوند با تقوایبشگان است (۱۲۳) هنگامی که آنزالت سوره فیتهم من یقول ایکم زادتة هذة ایمانا فامما

الَّذِينَ آمَنُوا فَرَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿١٢٤﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ

این سوره بر ایمان مؤمنان می افزاید و ابدین سبب احساس شادمانی می کنند (۱۲۴) اما کسانی که

فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَرَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا

در دل هایشان بیماری [شدید نفاق] است پلیدی بر پلیدی هایشان می افزاید و درحالی که

وَهُمْ كَافِرُونَ ﴿١٢٥﴾ أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي

کافران به کام مرگ می افتند (۱۲۵) آیا نمی بینند که در هر سال

كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ

یکبار یا دوبار [با جهاد و بیش آمدهای دیگر] آزمایش می شوند؟ سپس نه [از رویگردانی از تکالیف] توبه می کنند، و نه [از آثار حوادث]

يَذْكُرُونَ ﴿١٢٦﴾ وَإِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى

بندمی گیرند (۱۲۶) چون سوره های نازل شود برخی از منافقان به برخی دیگر نگاه [مرموزانه] می کنند، [و به سبب نگرانی از بر ملا شدن نفاقشان که به بطور]

بَعْضُ هَلْ يَرِيكُمْ مِنْ أَحَدٍ ثُمَّ انْصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهِ

عام در سوره نازل شده مطرح است می گویند: [آیا کسی از مؤمنان، خروج مخفیانه [شمارا] از جمع] می بیند؟ سپس [از نزد پیامبر] باز می گردند، خداوند

قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ﴿١٢٧﴾ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ

دل هایشان را [از حق] منحرف می کند؛ زیرا آنان گروهی هستند که [حقایق را] نمی فهمند (۱۲۷) یقیناً پیامبری

مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ

از جنس خودتان به سویتان آمد که آنچه از رنج ها و ناملایمات به شما می رسد بر او سخت است، اشتیاق شدیدی به [هدایت] شما دارد.

بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿١٢٨﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ

و به مؤمنان بسیار مهربان و مهربان است (۱۲۸) پس اگر منافقان از حق روی گردانند، بگو:

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿١٢٩﴾

خداوند مرا [در همه امور] بس است، هیچ معبودی جز او نیست، فقط بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است (۱۲۹)

آیاتها ۱۰۹

سورة توبه

مکة
توبه
۱۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

الرَّ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ۱ أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ

الف، لام، راه. این آیات ابا عظمت کتاب استوار است (۱) آیا برای مردم شگفتا و است که

أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ

بر مردی از خودشان وحی فرستادیم که: مردم را از عواقب شوم کفر و شرک هشدار ده و به مؤمنان مژده ده که آنان را

قَدْ مَصَدَّقَ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا السَّاحِرُ مُبِينٌ ۲

مزد پروردگارشان پیشینه ای نیک او جایگاهی با ارزش است، کافران [جوج و متکبرا] گفتند: همانا این مرد جادوگری آشکار است (۲)

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ

بی تردید پروردگار شما خداوند یکتاست که آسمان ها و زمین را طی شش دوره پدید آورد، آن گاه

عَلَى الْعَرْشِ يُدِيرُ الْأُمُورَ مَنْ شَفِيعٌ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ

بر تخت افراتر وایی بر جهان چیره شد، همواره امور [جهان] را ابا قوانینی منظم و استوار تدبیر می کند، [کار] هیچ واسطه ای [در به جریان انداختن امور] جز پس از خواست او

رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۳ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا

نیست، این است خداوند یکتا پروردگار شما؛ بنابراین فقط او را بپرستید، آیا تذکر [توحید و اوصاف خداوند] و این که تنها او فرمانروای جهان است نمی شوید؟ (۳) باز گشت همه شما

وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا

فقط به سوی اوست، وعده خداوند [در مورد بازگشتن به سوی او] حتمی و تغلف ناپذیر است، اوست که آفرینش را آغاز می کند، سپس آن را [بعد از فروپاشی و نابودی] باز می گرداند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ

تا مؤمنانی را که کارهای شایسته انجام داده اند به عدالت پاداش دهد، برای کافران به کیفر کفرشان

حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ۴ هُوَ الَّذِي جَعَلَ

شرابی از آب بسیار جوشان و عذابی دردناک است (۴) اوست که

الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرُ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ

خورشید را درخشان و ماه را تابان قرار داد، و برای ماه منازلی [چون هلال، تربیع، بدر و محاق] مقدر نمود تا شمار

وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَٰلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ

سال ها و حساب [دیگر اوقات زندگی، و تنظیم برنامه های معاش] را ابدانید، خداوند آن ها را جز به درستی نیافریده، او نشانه های [توحید و ربوبیت]

يَعْلَمُونَ ۵ إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ

را برای مردم دانا روشن و واضح بیان می کند (۵) یقیناً در رفت و آمد شب و روز، و آنچه

فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۶

خداوند در آسمان ها و زمین پدید آورده برای تقوایندگان نشانه هایی [بر توحید و قدرت بی نهایت خداوند] است (۶)

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا

قطعاً کسانی که به لقاء ما امید ندارند و فقط به زندگی دنیا دلخوشند و به آن آرامش یافته اند

بِمَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ ﴿٧﴾ أُولَٰئِكَ مَا لَهُمْ مِنَ النَّارِ عَمَّا

آنان که از آیات ما بی خبرند (۷) همه و همه به [کیفر] گناهانی که همواره مرتکب می شدند

كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

جاریگانشان است (۸) بدون شک مؤمنانی که کارهای شایسته انجام داده اند

يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ

پروردگارشان آنان را به سبب ایمانشان به بهشت های نرنعت که از زیر درختان آن نهرها جاری است

النَّعِيمِ ﴿٩﴾ دَعَوْهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ

راهنمایی می کند (۹) آغاز آیدایش آن هادران جاین است که: خداوند! از هر عیب و نقصی پاک و منزهی. و در آن جاد رودشان [به یکدیگر] سلام است

وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠﴾ وَلَوْ

و پایان بخش نیایششان این است که: همه ستایش ها ویژه خدا پروردگار جهانیان است (۱۰) اگر

يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتَعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَقُضِيَ إِلَيْهِمْ

خداوند در رساندن عذاب به کافران شتاب می کرد، همان گونه که رفا و خوشی را به شتاب می خواستند، مسلماً مدت عمرشان

أَجَلُهُمْ فَتَذَرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١١﴾

[با نزول عذاب] پایان می گرفت، پس کسانی را که به لقاء ما امید ندارند رها می کنیم تا همواره در تجاوزشان به شدت سرگردان بمانند (۱۱)

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا

چون به انسان آسیب او سیه روزی رسد، ما را به حال خوابیده و نشسته و ایستاده به یاری می خواند

كَشَفْنَا عَنْهُ غُصْرَهُ وَوَجَدَ إِلَىٰ صُلْبِهِ مُنْقَلَبًا ﴿١٢﴾ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ

ولی زمانی که آسیب او سیه روزی [ش را] بر طرف کنیم، چنان [به راه] ناسپاسی و گردن کشی می رود که گویی هرگز ما را برای [بر طرف کردن] آسیب و سیه روزی که

زَيْنَ الْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٣﴾ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ

به دور سیده بود [به یاری] نخوانده این گونه برای متجاوزان اعمالی که همواره انجام می دادند زیرا جلوه داده شده [که زشتی آن را نمی فهمند] (۱۳) قطعاً اقوام

مِنْ قَبْلِكُمْ لِمَ ظَلَمُوا وَجَاءَهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا

پیش از شما را هنگامی که [به آیات ما و به خود و دیگران] استم و زیدند هلاک کردیم، در حالی که پیامبران ایشان برای آنان [جهت تأمین سعادتشان]

لِبُؤْمِنِهِمْ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ﴿١٤﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ

دلایل روشن آوردند، ولی آنان بر آن نبودند که ایمان آورند، ما این گونه مردم گنده پیشه را کیفر می دهیم (۱۴) سپس شما را

خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿١٥﴾

پس از آنان در زمین جانشین قرار دادیم تا [بر پایه] سنت آزمایش [بنگریم] چگونه عمل می کنید؟ (۱۵)

وَإِذِ اتَّخَذُوا عَلَيْهِمْ أَيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا

فرمانی که آیات روشن ما را بر آنان می خوانند کسانی که لقای ما را امید ندارند از روی عناد و حاجت به پیامبر می گویند:

أَنْتَ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدِّلْهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَبَدِّلَهُ مِنْ

فرمانی غیر این بیآور یا آن را ابد صورتی که خوشایند ماست تغییر ده! بگو: مرا نرسد که آن را

تغییر کنم. جز آنچه را به من وحی می شود پیروی نمی کنم. اگر از پیرو دگم نافرمانی کنم

رَبِّي عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥﴾ قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ

ایر این نافرمانی! از عذاب روزی بزرگ می ترسم (۱۵) بگو: اگر خداوند می خواست آن را بر شما نمی خواندم.

وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِنْ قَبْلِهِ أَفَلَا

و او هم شمار ایه آن آگاه نمی کرد، همانا مدت های پیش از انزال قرآن در بین شما بودم و اوداعای پیامبری نداشتم، اکنون صدق نبوت را با قرآن اثبات می کنم، آیا

تَعْقِلُونَ ﴿١٦﴾ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ

نمی اندیشید؟ (۱۶) بنابراین ستمکارتر از کسی که بر خداوند دروغ بگوید،

كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ ﴿١٧﴾ وَبَعْبُدُونَ

یا آیاتش را انکار کند کیست؟ مسلماً گنه پیشگان در هیچ کاری پیروز نمی شوند (۱۷) آنان به جای خداوند

مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ

چیزهایی را می پرستند که نه زبانی به آنان می رسانند، و نه سودی به آنان می دهند، می گویند: اینان

شُفَعَاءُ وَنَاعِدِ اللَّهِ قُلْ أَتَنْتَبِهُونَ ﴿١٨﴾ بَمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ

شفیعان مانزد خداوند، بگو: آیا خدا را به شفیعانی خبر می دهید که او در آسمان ها و زمین خبری از وجود آنان ندارد؟ چون اگر وجود داشتند علم

وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٩﴾

بی نهایت اوبه آنان هم مانند دیگر موجودات تعلق می گرفت، و او از آنچه که به نام شفیع و شریک در کار گردانی اقرار می دهند، عزه و برتر است (۱۸)

وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْ لَا

مردم در شروع زندگی از امت واحدی ابر محور توحید نبودند، ولی در باره آن دچار اختلاف شدند، اگر واهی موخدا مانده، و دسته ای مشرک شدند، و اگر

كَلِمَةٍ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ

از سوی پروردگار فرمانی اجمینی بر تأخیر عذاب سبقت نیافته بود، مسلماً در آنچه از توحید و شرک اختلاف کردند بینشان داوری می شد.

يَخْتَلِفُونَ ﴿٢٠﴾ وَيَقُولُونَ لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ

ا پس مشرکان اختلاف انداز به دنبال آن داوری ناپدید می شدند (۱۹) می گویند: چرا از سوی پروردگارش معجزه ای ابر اساس دلخواه ما نازل نشده؟ بگو: [معجزه از ناحیه]

إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْظُرُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿٢١﴾

غیب است که اویزه خداست اینه به دلخواه شما، پس به سبب روی گرداندن از قرآن که آن را معجزه غیبی نمی دانید منتظر [عذاب] باشید، که من هم باشما از منتظرانم (۲۰)

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا

برای آنان که [در سایه ایمانشان] عمل نیکو انجام دادند بهترین [پاداش] او افزونی [غیر قابل وصف] است، غبار پستی و خواری چهره‌های آنان را

ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٦﴾ وَالَّذِينَ كَسَبُوا

نسی، پوشانند، آنان اهل بهشتند او در آن جاودانه‌اند (۲۶) کسانی که مرکب

السَّيِّئَاتِ جزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَّا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ

بدی‌ها شدند، کیفر بدی، مانند همان بدی است، آنان را ذلتی [افوق تصور] فرامی‌گیرد، برای آنان هیچ نگهدارنده‌ای از [عذاب] خدا نیست،

كَأَنَّمَا أَغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ

گویا چهره‌هایشان از شدت سیاهی با پاره‌هایی از شب تار پوشیده شده، آنان اهل

هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٧﴾ وَبَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا

اتشند و در آن جاودانه‌اند (۲۷) [به یاد آرید] روزی که همه آنان را جمع می‌کنیم، سپس به مشرکان می‌گوییم:

مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَاءُكُمْ فَرَيْدُنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَاءُهُمْ مَا كُنْتُمْ

شما و معبودهایتان در جای خود [برای حسابرسی] ایستید! پس بین آنان و معبودانشان جدایی می‌اندازیم، معبودانشان [به آنان] می‌گویند: شما در دنیا ما را نمی‌پرستیدید،

إِنَّا نَاتَعْبُدُونَ ﴿٢٨﴾ فَكُفِّ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ

اجون ما شریکان خدا نبودیم؛ زیرا خداوند شریک نداشت. (۲۸) کافی است که خداوند بین ما و شما گواه باشد

عِبَادَتِكُمْ لَغَافِلِينَ ﴿٢٩﴾ هُنَالِكَ تَبْلُوا كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوْا

به این‌که ما قطعاً از پرستش شما [نسبت به خود] بی‌خبر بودیم (۲۹) آن‌جاست که هرکس آنچه را از پیش فرستاده

إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقُّ وَصَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٣٠﴾

[از نظر ارزش داشتن یا نداشتن] می‌آزماید، و همه را به سوی خداوند سرپرست حقیقی خود باز می‌گردانند، و آنچه را همواره به دروغ [شریک خدا] انگاشته بودند

قُلْ مَنْ بَرَزُوكُم مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ بِمَلِكِ السَّمْعِ وَالْأَبْصَارِ

از دستشان می‌رود (۳۰) بگو: چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟ یا چه کسی

وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدْبِرُ

مالک گوش و چشم‌هاست؟ و چه کسی زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می‌آورد؟

الْأَمْرِ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٣١﴾ فَذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ

و چه کسی همواره امور [جهان و نظام هستی] را تدبیر می‌کند؟ مسلماً خواهند گفت: خدا. پس بگو: آیا از پرستش غیر او، هر چه و هر که هست [پرہیز نمی‌کنید؟] (۳۱) این است

الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ ﴿٣٢﴾ كَذَلِكِ

خداوند یکتا پروردگار حقیقی شما؛ بنابراین آیا بعد از حق جز گمراهی است؟ پس چگونه شما را [از حق] روگردان می‌کنند؟ (۳۲) این گونه،

حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٣﴾

و عده قطعی پروردگارت بر منحرفان نافرمان جریان یافته که ایمان نمی‌آورند (۳۳)

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدُو الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ اللَّهُ يَبْدُو الْخَلْقَ

بگو: ایاز معبودان کسی هست که آفرینش را آغاز کند، سپس آن را از بعد از فرود آمدنش بازگرداند؟ بگو: فقط خداست که آفرینش را بپایان می‌آورد.

ثُمَّ يُعِيدُهُ فَإِنِّي تَوَفَّاكُونَ ﴿٣٢﴾ قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ

سپس آن را زنده قیامت را می‌گرداند. ایانوحه به بی اثر بودن معبودان. چگونه شمارا از حق به باطل منحرف می‌کنند؟ (۳۲) بگو: ایاز معبودان کسی هست که بسوی

اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا

حق هدایت کند؟ بگو: فقط خداست که بسوی حق هدایت می‌کند. بنابراین کسی که به سوی حق هدایت می‌کند برای پیروی شدن شایسته‌تر است. با کسی که هدایت نمی‌دهد.

أَنْ يَهْدِي فَالْكَرْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿٣٥﴾ وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ

مگر آن که هدایتش کنند؟ شمارا چه شده، چگونه داوری می‌کنید؟ (۳۵) بیشترشان در اعتقادشان جز از گمان (بی‌بایه) پیروی نمی‌کنند.

الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾ وَمَا كَانَ هَذَا

مسئله گمان (بی‌بایه) هیچ صورت (انسان را) از دانش استوار بی‌نیاز نمی‌کند، مسلماً خداوند به آنچه انجام می‌دهند آگاه است (۳۶) چنین نیست که

الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَى مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ

این قرآن (که سرسروش حکمت و دلش و در نهایت فصاحت و بلاغت است) ساخته شده کسی غیر خداوند باشد، بلکه تصدیق کننده (حقانیت کتاب‌های پیش از خود،

الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٣٧﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ

و توضیح دهنده (آن کتاب) است، در این که از سوی پروردگار جهانیان است هیچ شکی نیست (۳۷) گرچه (این ابلهان کافر) می‌گویند:

فَاتُوا سُورَةٌ مِثْلَهُ وَادْعُوا مَنِ اسْتَنَاطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

(ایامیران را به دروغ (به خداوند) نسبت داده! بگو: اگر در ادعای خود استگوید سوره‌ای مانند آن بیاورید و هر که را می‌توانید در برابر خداوند

﴿٣٨﴾ بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَاوِيلُهُ كَذَلِكَ كَذَّبَ

برای این کار (دعوت کنید) (۳۸) ای، (جاهلانه) حقیقتی را تکذیب کردند که به معارف و مفاهیمش احاطه نداشتند، و هنوز تفسیر (عینی آیات)

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿٣٩﴾ وَ

آن (که در قیامت ظهور می‌کند) برای آنان نیامده، گذشتگانسان نیز (آیات الهی را) به همین صورت تکذیب کردند، پس با دقت بنگر که فرجام

مِنْهُمْ مَنْ يَبُوءُ مِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ

ستمکاران چگونه بود؟ (۳۹) گروهی از مردم (که اهل دانش و انصافند) به قرآن ایمان می‌آورند، و جمعی (هم) ایمان نمی‌آورند،

﴿٤٠﴾ وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلٌ وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ

پروردگارت به تبهکاران فتنه‌گر داناتر است (۴۰) چنانچه تو انکار کردی (تا جایی که از مؤمن شدنشان ناامید شدی) بگو: عمل من برای من، و عمل شما

بِرَبِّئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٤١﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ

برای شماست، شما از آنچه من انجام می‌دهم بیزارید، من هم از آنچه شما مرتکب می‌شوید بیزارم (۴۱) برخی از آنان

بَسْمَعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَسْمَعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ ﴿٤٢﴾

به تو گوش می‌دهند، اولی نه به گوش قبول! آیا تو می‌توانی کران را هر چند خود را از تعقل محروم کرده‌اند بشنوانی؟ (۴۲)

وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْى وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ

کرمی از آنان نگاهت می کنند، [با این همه نشانه های نبوت منکرت می شوند،] آیا تو می توانی نابینایان را هر چند [با چشم دلشان] بینند هدایت کنی؟

﴿٢٣﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ

(۲۳) قطعاً خداوند هیچ ستمی بر مردم روا نمی دارد، این مردمند که به خود

﴿٢٤﴾ وَبِئْسَ مَا يَحْشُرُهُمْ كَانُوا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ

ستم می ورزند (۲۴) [به یاد آرید] روزی که خداوند آنان را محشور می کند، در حالی که گویی [در زندگی دنیا و در برزخ] جز ساعتی از روز

بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِإِلْقَاءِ اللَّهِ ﴿٢٥﴾ وَمَا

فرگ نکرده اند، [محشور شدنشان به کیفیتی است که] یکدیگر را می شناسند، مسلماً کسانی که لغای خدا را منکر شدند [همه سرمایه های وجودی خود را] تباه کردند، و از

نُزِيلِكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتُوفِّيكَ فَالْيَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ

هدایت یافتگان نبودند (۲۵) [اگر باره ای از عذاب هایی که آنان را به آن تهدید می کنیم به تو نشان دهیم،] می بینی که عذابی در دناک است، [آیا اگر تو را قبض روح کنیم] در قیامت عذابشان

شَهِيدٌ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ ﴿٢٦﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ

راخواهی ندید، [نهایتاً بازگشت آنان به سوی ماست، و خداوند بر آنچه انجام می دهند گواه است (۲۶)] برای هر امتی پیامبری است، هنگامی که پیامبرشان [با پیام های الهی و معجزات]

قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ

به سوی آنان آمد [و اورا منکر شدند] این آنان و پیامبرشان به عدالت داری خواهد شد، [به این صورت که پیامبر را نجات داده و منکران را دچار عذاب می کنیم، و] او [این زمینه] مورد ستم

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٨﴾ قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ

قرار نخواهند گرفت (۲۷) [به بیانی تمسخر آمیز] می گویند: اگر [تو و پیروانت] راست گوید این وعده [آمدن عذاب] چه زمانی است؟ (۲۸) [بگو:] من برای خودم اختیار سود و زیانی را

لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ

جز آنچه خدا بخواهد ندارم [و وظیفه من ابلاغ وحی است]، برای هر امتی زمانی معین است، هنگامی که به پایان برسد نه [لحظه ای] پس می ماند،

﴿٢٩﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ

و نه لحظه ای پیش می افتند (۲۹) [بگو:] به من خبر دهید اگر عذاب خدا شب هنگام یا در روز به سويتان آید، [که قطعاً می آید، چه قدرتی بر دفع آن دارد]؟ گنهیشگان چه چیزی از

الْمُجْرِمُونَ ﴿٣٠﴾ أَثُمَّ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنْتُمْ بِهِ آلَا الْآنَ وَقَدْ كُنْتُمْ بِهِ

عذاب را اشتبا می خواهند؟! (۳۰) سپس آیا وقتی که [عذاب] برسد، حق بودنش را باور می کنید؟ [الحظه رسیدن عذاب که اعلام ایمان می کنید به شماعی گویند: اکنون [و ایمان]؟!]

تَسْتَعْجِلُونَ ﴿٣١﴾ ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ

در حالی که همواره به رسیدن شتاب داشتید (۳۱) سپس به کسانی که [به آیات خدا و مردم] ستم کردند می گویند: عذاب

تُجْزَوْنَ الْإِبْطَاءَ كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٣٢﴾ وَيَسْتَنْبِئُونَكَ

جاوداندر [بچشید] آیا جز به گناهی که همواره مرتکب می شدید کیفرتان می دهند؟ (۳۲) از تو خبر می گیرند که [آیا عذاب] جاودانه ای که به آن تهدید می شویم

أَحَقُّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٣٣﴾

حتمی و ثابت است؟ بگو: آری، سوگند به پروردگارم حتمی و ثابت است، و شما عاجز کننده [خدا] نیستید [تا بتوانید از دسترس قدرتش بیرون روید] (۳۳)

وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرُوا

اگر برای هرکسی که ایه آیات حق استیم کرده همه ثروت زمین فراهم باشد بقیه آن را به عوض انجات خود می پردازد، زمانی که

النَّدَامَةُ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

عذاب را بینند پیشعانی خود را از ترس رسوایی پنهان می کنند، بین آنان به عدالت داوری می شود، و اندر زمین کفرا مورد

﴿٥٤﴾ الْآلِ الْآنَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْآنَ وَعَدَ اللَّهُ حَقَّ

ستم فرا نمی گیرند (۵۴) آگاه باشید آنچه در آسمان ها و زمین است فقط در سبطه مالکیت و فرمانروایی خداست، هشمار باشید که بی تردید

وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٥﴾ هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَاللَّهُ

وعدۀ خدا حق است، ولی بیشتر مردم ایه حق بودن وعدۀ خدا معرفت ندارند (۵۵) او زنده می کند، و می میراند، و شما را

تَرْجِعُونَ ﴿٥٦﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ

فقط به سوی او باز می گردانند (۵۶) ای مردم! بی تردید برای شما از سوی پروردگارتان پند و موعظه ای (چون قرآن) آمده است،

لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾ قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ

درمان کننده آنچه از بیماری های اعتقادی و اخلاقی که درون شماست، و اسرار هدایت، و رحمت برای مؤمنان است (۵۷) بگو: [مؤمنان] باید به احسان

بِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٥٨﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ

و رحمت خداوند (که قرآن است) شاد شوند، قرآن برای آنان از همه آنچه از ثروت دنیایی که [دیگران] جمع می کنند بهتر است (۵۸) بگو:

مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا

به من خبر دهید آنچه خداوند از رزق و روزی برای شما پدید آورده، و شما بخشی از آن را حرام و بخشی را حلال کرده اید

قُلْ اللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ ﴿٥٩﴾ وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ

ایا خداوند به شما اجازه تقسیم آن را به حلال و حرام داده، یا بر خداوند دروغ می بینید؟ (۵۹) کسانی که بر خدا

يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى

دروغ می بندند گمانشان به روز قیامت چیست؟ بی تردید خداوند به همه مردم

النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٦٠﴾ وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا

دارای احسان است، ولی بیشترشان سپاسگزار نیستند (۶۰) ای پیامبر! در هیچ کاری نیستی،

مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ

و از سوی خدا هیچ بخشی از قرآن را تلاوت نمی کنی، و [شما] ای مردم! هیچ کاری را انجام نمی دهید مگر وقتی که وارد آن می شوید ما بر شما گواهییم،

نُفِيسُونَ فِيهِ وَمَا يُعْزَبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَ

چیزی به اندازه وزن ذره ای در زمین و آسمان از پروردگارت پوشیده نیست،

لَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٦١﴾

نه کوچکتر از آن، و نه بزرگتر از آن، چیزی نیست مگر آن که در کتابی روشن (چون لوح محفوظ، ثبت) است (۶۱)

الْآيَاتِ أُولِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾

باشید! اولیای خداست، و نه اندوختن می شوند (۶۲)

الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ

آنان که به ایمان ایستاده اند، و همواره از خدا اطاعت کرده، از محرماتش می پرهیزند (۶۳) در زندگی دنیا و آخرت

الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ

مردۀ الهی برای آنان است، در دنیا به وسیله وحی، و در آخرت با خطاب خداوند و فرشتگان، در بشارت ها و وعده های خداوند هیچ تغییری را ندارد، این است کامیابی

الْعَظِيمُ ﴿٦٤﴾ وَلَا يَحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ

بزرگ (۶۴) گفتار انا درست و بی دلیل! مخالفان تو را غمگین نسازد! زیرا همه قدرت غیر قابل شکست و بزرگ خداست، او

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦٥﴾ الْآيَاتِ اللَّهِ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي

شنوا داناست (۶۵) آگاه باشید! هر که در آسمان ها و زمین است

الْأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ

در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، آنان که به جای خداوند، بت های جاندار و بی جان را می پرستند

إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿٦٦﴾ هُوَ الَّذِي

از علم یقینی پیروی نمی کنند! آنان فقط پیرو گمانند، و جز به دروغ سازی مشغول نیستند (۶۶) اوست

جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي

که شب را برای شما پدید آورد تا در آن آرام بگیرید، و روز را نورافشان اقرار داد تا در آن به کسب و کار بپردازید!

ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٦٧﴾ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا

یقیناً این امانت شب و روز برای مردمی که احقاقق را با گوش قبول! بشنوند نشانه هایی از توحید و ربوبیت خدا است (۶۷) [مشرکان بر پایه پندارهای بی اساس خود گفتند:

سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

خداوند برای خود فرزند انتخاب کرده! شگفتا، او از داشتن فرزند! منزّه است، او بی نیاز مطلق است، آنچه در آسمان ها و زمین است در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست،

إِنْ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بِهَذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا

نزد شما بر این ادعای بوج! هیچ دلیلی نیست، آیا جاهلانه چیزی را به خداوند

لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٨﴾ قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ

نسبت می دهید؟ (۶۸) بگو: کسانی که بر خداوند دروغ می بندند قطعاً! در هیچ کاری

لَا يُفْلِحُونَ ﴿٦٩﴾ مَتَاعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ

پیروز نمی شوند (۶۹) [برای آنان! بهره ای اندک از دنیا است! آن گاه پس از پایان زندگی! بازگشتشان به سوی ماست، سپس

نُذِيقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿٧٠﴾

آنان را به سبب کفر و زنی شان عذابی سخت می چشانیم (۷۰)

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِن كَانَ كِبَرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي

سرگذشت ایند آموزا نوح را برای آنان بخوان! هنگامی که به قومش گفت: ای قوم من! اگر جایگاه و شأن من

وَتَذَكِيرِي بآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَ

ویند و اندرزم به وسیله آیات خداوند بر شما سخت است، از هیچ کاری بر ضد من دریغ نکنید، من بر خداوند توکل کردم، پس تصمیم خود

شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَ

و اقدرت! بت هایتان را که چشم یاری از آن هادارید اروی هم نهید، ناآشنا شدن بر ضد من بر شما پوشیده نباشد، سپس! به زندگی من! اختامه دهید

لَا تُنْظِرُونِ ﴿٧١﴾ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرْتُمُونِ

و امر! الحظای مهلت ندهید! (۷۱) اگر از قبول دعوت من! سرپیچی کنید! خود زیان کرده اید، من از شما! در برابر ابلاغ پیام های خداوند! هیچ پاداشی نمی خواهم، پاداش من

عَلَى اللَّهِ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٧٢﴾ فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيْنَاهُ

فقط بر خداست، و مأمورم که از تسلیم شدگان! به! او! باشم (۷۲) ولی او را انکار کردند،

وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَغْرُقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بآيَاتِنَا

ماهم او و کسانی را که در کشتی همراهش بودند! از آن توفان! مهلک! نجات دادیم، و آنان را جانشینان! اتبه کاران! اقرار داده، و انکار کنندگان! آیاتمان را

فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ ﴿٧٣﴾ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا إِلَى

غرق کردیم، پس بادقت بنگر که فرجام آنان که! به عذاب! هشدارشان دادند! ولی نپذیرفتند! چگونه بود؟ (۷۳) آن گاه پس از نوح پیامبرانی را

قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ

به سوی قومشان فرستادیم که برای آنان آیات و معجزات روشن آورند، ولی قومشان بر آن نبودند که به آنچه قبلاً آن را منکر شده بودند ایمان بیاورند،

كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ ﴿٧٤﴾ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمُ مُوسَى

این گونه، دل های متجاوزان را مهر! عدم فهم! حقایق! می زنیم (۷۴) سپس بعد از آنان

وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا

موسی و هارون را با آیات و معجزات خود به سوی فرعون و سران! متکبرا قومش فرستادیم، ولی آنان تکبر کردند؛

مُجْرِمِينَ ﴿٧٥﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا السِّحْرُ

زیرا گروهی گنه پیشه بودند (۷۵) هرگاه معجزه ای! که در حق بودنش شکی نبود! از نزد ما به سویشان آمد، گفتند: مسلماً این جادویی است

مُبِينٌ ﴿٧٦﴾ قَالَ مُوسَى أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرُ هَذَا وَ

اشکار! (۷۶) موسی گفت: آیا درباره این معجزه که حق است چون به سویتان آمد می گوئید: این جادوست!؟

لَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ ﴿٧٧﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَكَ وَنَعْبُدَ آبَاءَنَا

ای این جادو است! در حالی که جادوگران که پیروز نمی شوند (۷۷) گفتند: آیا به سوی ما آمده ای تا ما را از آیینی که پدرانمان را! اباینند! بر آن یافتیم برگردانی؟

وَتَكُونَ لَكُمُ الْكِبَرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمْ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٧٨﴾

و! اب! نابود کردنمان! حکومت در این! سرزمین برای شما باشد؟ یقیناً ما به شما دو نفر ایمان نمی آوریم (۷۸)

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ائْتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ﴿٧٩﴾ فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ

فرعون گفت: ای برای شکست دادن این دو نفر هر جادوگر دانا و زبردستی را نزد من آورید! (۷۹) چون جادوگران آمدند، موسی به آنان گفت:

لَهُمْ مُوسَى الْقَوْمَ اَمَّا اَنْتُمْ مُلَقُونَ ﴿٨٠﴾ فَلَمَّا آلَقُوا قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ

آنچه را بر افکندن آن مصمم هستید بیفکنید! (۸۰) چون افکندند، موسی گفت:

بِهَ السَّحَرِ اِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ اِنَّ اللَّهَ لَا يَصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨١﴾

آنچه را! در این صحنه! آوردید جادوست، به زودی خداوند آن را باطل می کند، یقیناً خداوند کار تباهکاران فتنه انگیز را به سرانجامی شایسته

وَيُحَقِّقُ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿٨٢﴾ فَمَا آمَنَ

نهی رساند! (۸۱) خداوند، حق را با دلایل و معجزاتش پایجا و ثابت می کند، گرچه کینه پشیمان خوش نداشته باشند! (۸۲)

لِمُوسَى اِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَائِهِمْ اَنْ

در ابتدای کار کسی به موسی مؤمن نشد مگر تعدادی اندک از فرزندان قومش، آن هم با ترسی [شدید] از فرعون و سران [متکبر] ابنی اسرائیل که عبادا

يَفْتِنَهُمْ وَاِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْاَرْضِ وَاِنَّهٗ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿٨٣﴾ وَ

آنان را شکنجه سخت دهند، مسلماً فرعون در زمین برتری جو، و در ظلم و گناه از اسراف کاران بود! (۸۳)

قَالَ مُوسَى يَا قَوْمِ اِنْ كُنْتُمْ اٰمِنُ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا اِنْ كُنْتُمْ

موسی گفت: ای قوم من! اگر به خداوند ایمان آورده اید، چنانچه از تسلیم شدگان هستید پس بر او

مُسْلِمِينَ ﴿٨٤﴾ فَقَالُوا عَلٰى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ

توکل کنید! (۸۴) گفتند: ما فقط بر خدا توکل کردیم، پروردگارا! ما را دست خوش شکنجه ستمکاران

الظَّالِمِينَ ﴿٨٥﴾ وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٨٦﴾ وَاَوْحَيْنَا

قرار مده! (۸۵) و ما را به رحمت از کافران رهایی بخش! (۸۶)

اِلٰى مُوسٰى وَاَخِيهِ اَنْ تَبَوَّءَ الْقَوْمَ مَكٰمًا يَمْصُرُ بِبُوتًا وَاَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ

به موسی و برادرش وحی کردیم که: خانه هایی را در مصر برای قومتان فراهم کنید، و آن ها را

قِبْلَةً وَاَقِمُوا الصَّلٰوةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٧﴾ وَقَالَ مُوسٰى رَبَّنَا

روبه روی هم قرار دهید، و نماز را ابا شرایط ویژه اش بخوانید، و مؤمنان را ایه رهایی از جنگال فرعونیان! بشارت ده! (۸۷)

اِنَّكَ اَتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَآءَهُ زِينَةً وَاَمْوَالًا فِى الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا

موسی گفت: پروردگارا! فرعون و اشراف [متکبر]ا قومش را در زندگی دنیا زینت او زیور بسیار

رَبَّنَا لِیُصْلَحَ اَعْنَ سَبِيْلِكَ رَبَّنَا طَهِّرْ عَلٰى اَمْوَالِهِمْ وَاَشْدُدْ

و مال فراوان داده ای [نتیجه اش این شد] که مردم را از راه تو منحرف می کنند، پروردگارا! اموالشان را نابود کن!

عَلٰى قُلُوْبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوْا حَتّٰی يَرُوْا الْعَذَابَ الْاَلِيمَ ﴿٨٨﴾

و ایه کیفر جنایاتشان! دل هایشان را از پذیرش حق! سخت گردان که ایمان نیاورند تا عذاب دردناک را ببینند! (۸۸)

قَالَ قَدْ أُجِيبْتُ دَعْوَانُكُمْ مَا فَاَسْتَقِيمُوا وَلَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيلَ الَّذِينَ

خطاب رسید: دعای شما دون این بر ضد دشمنان لجوج و سرسختان استجاب شد؛ بنابراین [در ادامه دادن کارتان] استوار باشید، و از روش جاهلان

لَا يَعْلَمُونَ ﴿٨٩﴾ وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ

پیروی نکنید (۸۹) بنی اسرائیل را [در کمال امنیت] از دریا عبور دادیم، پس فرعون و لشکرانش آنان را

وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّى إِذَا أَذْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ

از روی ستم و تجاوز دنبال کردند تا زمانی که [عذاب] غرق شدن به او رسید، [در حال غرق شدن] گفت: ایه این حقیقت! ایمان آوردم

إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٩٠﴾

که هیچ معبودی جز همان که بنی اسرائیل به او مؤمنند وجود ندارد، و من از تسلیم شدگان ایه آن معبودا هستم (۹۰)

الْآن وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٩١﴾ فَالْيَوْمَ

اِه او نمفته شد! اکنون او ایمان!؟ درحالی که پیش از این عصیان ورزیدی، و از تبهکاران و فتنه انگیزان بودی (۹۱) پس امروز

نُنَجِّكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَ آيَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ

بدن بی جانست را از دریا بیرون می اندازیم، تا برای آیندگان عبرت باشی؛ یقیناً بسیاری از مردم

عَنْ آيَاتِنَا الْغَافِلُونَ ﴿٩٢﴾ وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مَبَوَّأَ صِدْقٍ وَ

از نشانه های اقرار [مابی خبرند. (۹۲) قطعاً ما بنی اسرائیل را پس از فرعونیان [در جایگاهی نیکو] و هوا و منطقه ای سرشار از نعمت [جای دادیم]

رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ بِقَضَى

و انواع روزی های دلپذیر به آنان عطا کردیم، آنان [در دین خدا و نبوت موسی] دچار اختلاف نشدند مگر پس از آن که آگاهی ایه آیات الهی برای آنان آمد، یقیناً پروردگارت

بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٩٣﴾ فَإِنْ كُنْتَ فِي شكٍ

روز قیامت بین آنان در آنچه ایه [اختلاف کردند] آوری خواهد کرد (۹۳) [ای پیامبر] انودارای ایمان شهودی و یقینی هستی، و هیچ تردیدی به ایمان تو راه ندارد، خطاب به تو هشدار

مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِينَ يُقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ

به امت است، که [اگر در مورد آنچه بر تو نازل کردیم در تردیدی، از عالمانی که پیش از تو کتاب آسمانی را می خوانند] [و حقایق نزول قرآن را از سوی خدا در آیتش می یافتند] بپرس

جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُتَكِبِينَ ﴿٩٤﴾ وَلَا تَكُونَنَّ

اِنا بدیقین روشن شود که حق از سوی پروردگارت برایت آمده؛ بنابراین از تردیدکنندگان مباش! (۹۴) و هرگز

مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٩٥﴾

از کسانی مباش که منکر آیات ما شدند؛ زیرا از زیانکاران [واقعی] خواهی شد (۹۵)

إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٩٦﴾

قطعاً کسانی که ایه سبب کبرشان، وعده عذاب پروردگارت نسبت به آنان حتمی و ثابت شده ایمان نمی آورند (۹۶)

وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٩٧﴾

مگر چه همه آیات و معجزات برای آنان بیاید، ایمان نمی آورند [تا لحظه ای که عذاب دردناک را ببینند] که ایمان در آن لحظه هیچ سودی ندارد. (۹۷)

فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمٌ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا

چرا هیچ شهر و دباری پیش از نزول عذاب، ایمان نیاورد تا ایمانشان به آنان سود دهد، مگر قوم یونس؟ که وقتی ایمان آوردند

كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٩٨﴾

عذاب رسواکننده را در زندگی دنیا از آنان برطرف کردیم، و تا پایان عمر از نعمت‌های سرشار خود بهره‌مندشان ساختیم (۹۸)

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرَهُ

اگر پروردگارت می‌خواست همه اهل زمین از روی جبرای ایمان می‌آوردند، اولی ایمان جبری سودمند نیست، آیا تو می‌خواهی

النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٩٩﴾ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَوْفَّيَ مِنَ

مردم را مجبور کنی تا ایمان بیاورند؟ (۹۹) هیچ‌کس قدرت ندارد

الْأَيَّامِ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۚ وَبَجَعَلُ الرِّجْسِ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٠٠﴾

جز به خواست خداوند ایمان بیاورد، خداوند پلیدی گمراهی را پس از بیان حقایق بر کسانی قرار می‌دهد که اهل اندیشه نیستند (۱۰۰)

قُلْ اَنْظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ

بگو: بادقت بنگرید که در آسمان‌ها و زمین از شگفتی‌های خلقت چه چیزهایی وجود دارد؟ ولی نشانه‌های قدرت و ربوبیت حق، و هشدارها

عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠١﴾ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ

به حال گروهی که ایمان نمی‌آورند سودبخش نیست (۱۰۱) آیا جز مانند روزهای این از عذاب کسانی را که

خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ قُلْ فَانْظُرُوا إِلَىٰ مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿١٠٢﴾

پیش از آنان درگذشتند انتظار می‌برند؟ بگو: پس به انتظار آنگاه روزهایی باشید که من [هم] با شما از منتظرانم (۱۰۲)

ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنْجِ

آن‌گاه پیامبرانمان و مؤمنان را [در روز نزول عذاب] نجات می‌دهیم، این‌گونه، مؤمنان را نجات می‌بخشیم که این حق لازم

الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ

بر عهده‌امست (۱۰۳) بگو: ای مردم! اگر شما در [حقانیت] دین من تردید دارید [من در بطلان آیین شما شکی ندارم،

الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ وَأُمِرْتُ

من بت‌هایی را که به جای خداوند می‌پرستید نمی‌پرستم، بلکه خداوندی را می‌پرستم که جان [همه] شما را می‌گیرد،

أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٤﴾ وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا

و من مأمورم که از مؤمنان باشم (۱۰۴) و [فرمان یافته‌ام به] این‌که: به سوی دین توحیدی روی آور،

وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٥﴾ وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا

و هرگز از مشرکان مباش (۱۰۵) و [دستورم داده‌اند که:] به جای خداوند

يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنْ الظَّالِمِينَ ﴿١٠٦﴾

چیزی که به تو سود و زیانی نمی‌رساند نپرست! که اگر پرستی یقیناً از ستمکاران خواهی بود (۱۰۶)

وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِصُفْرٍ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ

اگر خداوند آسمی به تو رساند جز او برطرف کننده آن نیست و اگر

يُرِدَّكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ

برای تو خیری بخواند کسی قدرت دفع احسان او را ندارد، خیرش را به هرکه از بندگانش بخواهد می‌رساند.

هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿١٠٧﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ

او بسیار آمرزنده و مهربان است (۱۰۷) بگو: ای مردم! حقا

مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ

از سوی پروردگارتان حقی اچون قرآن برای شما آمد، پس هرکه هدایت یابد فقط به سود خود هدایت می‌یابد، و هرکه

فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ﴿١٠٨﴾ وَاتَّبِعْ مَا

گمراه گردد به زبان خود گمراه می‌شود، من کارگزار ایمان و کفر شما نیستم (۱۰۸) از آنچه

يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ ۚ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿١٠٩﴾

به سویت وحی می‌شود بی‌روی کن! و در برابر مخالفت دشمنان! شکیبایی باش! تا خدا این تو و آنان را داور کند؛ زیرا او بهترین داوران است (۱۰۹)

سُورَةُ هُودٍ ۙ آيَاتُهَا ۱۲۳ مَكَّةَ ۙ تَبَيَّنَ ۙ ۱۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

الرَّكِيبُ أَحْكَمْتُ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ ﴿١﴾ أَلَا نَعْبُدُ إِلَّا

الف، لام، واو، این کتابی را عظمی است که آیتش از سوی خداوند حکیم و آگاه، استوار و متقن شده، سپس در جهت فهم همگان توضیح داده شده است (۱) [باین فرمان سعادت بخش است که:]

اللَّهُ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ ﴿٢﴾ وَإِنِ اسْتَغْفَرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ يُمَنِّعْكُمْ

جز خداوند یکتا را نپرستید. [و باین پیام پر خیر که:] یقیناً من برای شما از سوی او بیم دهنده از عذاب دنیا و آخرت، و مرزده دهنده [به بهشت و رضوان الهی هستم] (۲) [و ابلاغ این مطلب]

مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَتُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي

سازنده] که: از پروردگارتان آرزو می‌خواهم، و از پرستش بت‌ها به سوی او بازگردید تا شمار آتا پایان زندگی از بهره نیکی بر خوردار کند، و به هرکه بهره‌اش از صفات پسندیده و اعمال شایسته‌اش را

أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ ﴿٣﴾ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

بیشتر است پاداشی زیاده‌تری عطا کند، چنانچه از حق سرپیچی کنید من از عذاب روزی بزرگ بر شما می‌ترسم (۳) بازگشت شما فقط به سوی خداست، او بر هر کاری تواناست (۴) آگاه باشید!

قَدِيرٌ ﴿٤﴾ أَلَا إِنَّهُمْ يَشْتُونَ صُدُورَهُمْ لَيْسَتْ خُفُوفًا إِنَّهُ الْأَحِينُ يَسْتَخْشُونَ

[مشرکان] سر در گریبان فرومی‌برند [و در چنین حالی بر ضد اسلام و پیامبر توطئه می‌کنند] و [به گمان باطلشان] خود را از خداوند پنهان می‌دارند، بدانید هنگامی که جلسات مخفیانه شبانه

ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٥﴾

تشکیل می‌دهند [تا طرح توطئه بریزند، این تبهکاری سودی به حالشان ندارد] خداوند آنچه را پنهان می‌دارند و آنچه را آشکار می‌کنند می‌داند؛ زیرا او به اسرار و نیات باطن‌ها آگاه است (۵)

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا

وهم جنبند ای در زمین نیست مگر آن که رزقش فقط بر عهده خداست، و قرارگاه دائم

وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٦﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ

و موقت او را می داند، همه در کتابی روشن [چون لوح محفوظ، ثبت است] (۶) اوست که آسمانها

وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ

زمین را در شش دوره آفرید، و پیش از آن عرش حکومت و فرمانروایی او بر آب

إِيَّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ

فرار داشت، آسمانها و زمین را آفرید تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید، اگر به مردم بگویید شما قطعاً

الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٧﴾ وَلَئِنْ

پس از مردن برانگیخته می شوید، کافران می گویند: این [مطلب] جز جادویی آشکار نیست! (۷)

آخَرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ لَيَقُولَنَّ مَا يَجْبِسُهُ إِلَّا

اگر عذاب را از آنان تا مدتی اندک به تأخیر اندازیم قطعاً [از روی استهزاء] خواهند گفت: چه چیزی آن را [از آمدن] باز می دارد؟

يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ

آگاه باشید! روزی که عذاب به آنان رسد از آنان برگردانده نخواهد شد، و عذابی را که همواره مسخره می کردند آنان را

يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٨﴾ وَلَئِنْ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ

فراخواهد گرفت (۸) اگر از سوی خود نعمتی به انسان بچشانیم، سپس آن را [به سببی]

إِنَّهُ لَيَكْفُرُ كَفُورًا ﴿٩﴾ وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُ

از او بگیریم بسیار نا امید و به شدت ناسپاس خواهد شد (۹) اگر پس از آسبی که به او رسیده رفاه و خوشی به او بچشانیم

لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتِ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ ﴿١٠﴾ إِلَّا الَّذِينَ

قطعاً خواهد گفت: همه آسبها از من برطرف شد، [و دیگر آسبی نمی بینم، در آن حال که غافل از حوادث آینده است،] مغرورانه شاد و خودستاست (۱۰)

صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ

مگر کسانی که [در آسب و رفاه] شکیبایی داشتند، و کارهای شایسته انجام دادند، برای ایشان آمرزشی ویژه،

كَبِيرٌ ﴿١١﴾ فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ

و پاداشی بزرگ است (۱۱) پس درباره تو این احتمال هست بخاطر اینکه نگویند:

بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا أَلَمْ أَنْزِلْ عَلَيْهِ كَنْزًا وَأَوْجَاءَ مَعَهُ

چرا [مگن] که برای او فرستاده نشده یا فرشته ای

مَلَكٌ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ ﴿١٢﴾ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿١٣﴾

همراهش نیامده؟ برخی از آنجه را به تو وحی می شود ابلاغ نکنی در حالی که سینه ات از ترک ابلاغ به تنگ می آید، خداوند بر هر چیزی حافظ و نگهبان است (۱۲)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَيْنَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنْ

بلکه از شماست که خواسته های ناراجبشان، گفتارشان بر خدا قرآن است که می گویند: او این کتاب را خود ساخته و به دروغ به خدا نسبت می دهد! اگر در ادعای

اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٣﴾ فَإِلَّا يَسْتَجِيبُوا

خود است گویند شما هم ده سوره مانند قرآن [ساختگی] که به خداوند نسبت دهید بیاورید، و هر کس را در برابر خدا می توانید به باری خود بخوانید! (۱۳) چنانچه

لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنْزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ

ادعوت [شمار] به آوردن ده سوره مانند قرآن [اجابت نکردند،] که [اجابت نمی کنند،] بدانید آنچه نازل شده به علم خداست، و هیچ معبودی جز او نیست پس آیا

مُسْلِمُونَ ﴿١٤﴾ مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهِمْ

تسلیم [قرآن] می شوید؟ (۱۴) آنان که زندگی دنیا و زینت و زیورش را بخواهند

أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ ﴿١٥﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ

ثمره تلاششان را در همین دنیا به صورتی کامل می دهیم، و در این جا چیزی از آنان کاسته نخواهد شد (۱۵) برای آنان در آخرت

فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَخَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا

سهمی جز آتش نیست، و آنچه [تلاش مثبت] در دنیا داشتند در آخرت تباه می شود، و اعمالی که همواره انجام می دادند

يَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾ أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ

باطل می شود، و در آن صحنه هول انگیز جز تهیدستی برای آنان نماند! (۱۶) آیا کسانی که از سوی پروردگارشان بر دلیل روشنی [چون بصیرت] امتکی هستند و شاهدهی

وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ

از سوی پروردگارشان [چون قرآن] تابیدشان می کند و پیش از آن شاهد، کتاب موسی در حالی که پیشوا و رحمت است مؤید آن شاهد است [مانند کسانی هستند که]

يَكْفُرُ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالْنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ

بی بصیرت اند؟! آنان که دارای بصیرت اند [به قرآن ایمان دارند، و کسانی از گروهها] چه مشرکان و چه یهود و نصاری که کافر به قرآنند و عده گاهش آتش دوزخ است،

إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٧﴾ وَمَنْ

پس ای انسان! درباره قرآن که کتابی راست و درست از سوی پروردگار توست در تردید مباش، ولی بیشتر مردم ایمان نمی آورند (۱۷)

أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَٰئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ

و ستمکارتر از کسانی که به خداوند دروغ بستند چه کسانی هستند؟ آنان را [در قیامت] بر پروردگارشان

رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ

عرضه می کنند، و گواهان [اعمال] می گویند: اینانند که بر پروردگارشان دروغ بستند، آگاه باشید!

الْأَلْعَنَةُ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿١٨﴾ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ

لعنت خدا بر ستمکاران باد! (۱۸) هم آنان که [مردم را] از راه خدا [که اسلام است]

سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿١٩﴾

باز می دارند، و می خواهند ابا و سوسه و اغواگری آن را کج نشان دهند، و به آخرت کافرند (۱۹)

أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ دُونِ

اینان در زمین عاجز کننده [خدا] نیستند [تا بتوانند از دسترس قدرتش بیرون روند] و در برابر خداوند

اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ يُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَ

باوری [نجات دهنده] برای آنان نیست، عذابشان [در قیامت] دوچندان است زیرا تاب شنیدن [قرآن را] نداشتند،

مَا كَانُوا يُبْصِرُونَ ﴿٢٠﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ

[حقایق آن را از روی بصیرت] نمی دیدند (۲۰) اینانند که [همه سرمایه های وجودی خود را تباه کردند] و آنچه را همواره به دروغ

مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢١﴾ لَا جَزَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْآخَسَرُونَ

ابه عنوان شریکان [خدا] ساخته بودند از دستشان رفت (۲۱) بی گمان در آخرت از همه

﴿٢٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآخَبْتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ

زیانکارترند (۲۲) مسلمانا مؤمنانی که کارهای شایسته انجام دادند و در برابر

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٣﴾ مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ

پروردگارشان فروتن بودند اهل بهشتند، و در آن جاودانه اند (۲۳)

كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصَمِّ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ

وصف این دو گروه [کافر و مؤمن] همچون نابینا و کر، و بینا و شنواست، آیا

مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٢٤﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ

وصفشان مساوی است؟ پس چرا متوجه نمی شوید؟ (۲۴) همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم [تا به آنان اعلام کند] که من برای شما

نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٢٥﴾ أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ

هشدار دهنده ای روشن گرم (۲۵) که جز خدا را نپرستید! همانا من بر شما

يَوْمٍ أَلِيمٍ ﴿٢٦﴾ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا تَأْتِيكَ

از عذاب روزی دردناک می ترسم (۲۶) سران [متکبر و کفریشت] قومش گفتند: ما تو را جز

إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا تَأْتِيكَ أَتَّبِعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا أَنْ

بشری مانند خود نمی بینیم، و جز فروما یگانی که بدون اندیشه

بَادِيَ الرَّأْيِ وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ

و نسنجیده از تو پیروی می کنند کسی را مشاهده نمی کنیم، و هیچ برتری برای جمع شما نسبت به خود نمی یابیم، بلکه شما را

كَاذِبِينَ ﴿٢٧﴾ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَآتَانِي

دروغگو می دانیم (۲۷) نوح گفت: ای قوم من! امر اخبر دهید، اگر بر دلیل روشنی از طرف پروردگارم متکی باشم، و مرا از نزد خود در حمتی که بر شما مخفی مانده

رَحْمَةً مِنْ عِنْدِهِ فَعَمِيتَ عَلَيْكُمْ أَنْزَلَكُمْ مُكُوهًا وَآتَاكُمْ لَهَا كَارِهُونَ ﴿٢٨﴾

عطا کرده باشد [باز هم نبوت مرا انکار می کنید]؟ آیا من و اهل ایمان می توانیم شمار ایه پذیرش آن دلیل روشن، در حالی که آن را خوش ندارید مجبور کنیم؟ (۲۸)

وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا

ای قوم من! در برابر ابلاغ رسالت من هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم، پاداش من فقط بر عهده خداست، من برای خوشنودی شما

بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا

مؤمنان را از خود نمی‌رانم؛ زیرا آنان ملاقات‌کننده پروردگارشان هستند، و من شما را قومی می‌بینم که [در امور] آنان

تَجْهَلُونَ ﴿٢٩﴾ وَيَا قَوْمِ مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتُهُمْ أَفَلَا

نادانی می‌کنید (۲۹) ای قوم من! اگر آنان را [از خود] برانم چه کسی مرا در برابر [عذاب] خدا یاری می‌دهد؟

تَذَكَّرُونَ ﴿٣٠﴾ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبِ

ایا متذکر [این حقایق] نمی‌شوید؟ (۳۰) من به شما نمی‌گویم که گنجینه‌های خداوند نزد من است، و ادعا نمی‌کنم که آگاه به غیب،

وَلَا أَقُولُ لِي مَلِكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ

و نمی‌گویم فرشته‌ام، و درباره آنان که دیدگانتان خوارشان می‌بیند نمی‌گویم که خداوند هرگز خبری

اللَّهُ خَيْرٌ أَلَمْ يَعْلَم بِمِافِي أَنْفُسِهِمْ إِيَّاكَ إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٣١﴾ قَالُوا

به آنان عطا نمی‌کند، خداوند به آنچه در باطن آنان است داناست، در این صورت [که ادعای این امور را داشته باشم] از ستمکاران خواهم بود (۳۱) گفتند:

يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْنَاكَ كَثْرَتَ جِدَالِنَا فَأْتِنَا بِمَا نَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ

ای نوح! با ما گفت‌وگوی نادرست کردی، بسیار هم گفت‌وگو کردی، نهایتاً اگر از راست‌گویانی آن عذابی که ما را به آن تهدید می‌کنی

مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيَكُمْ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ وَمَا أَنَا بِمُعْجِزٍ

برای ما بیاور! (۳۲) [نوح] گفت: جز این نیست که اگر خداوند بخواهد آن را برای شما می‌آورد.

بِمُعْجِزِينَ ﴿٣٣﴾ وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ

عاجز کننده [خدا] نیستید [تا بتوانید از دسترس قدرت من بیرون روید] (۳۳) چنانچه بخواهم برای شما خبر بخواهی کنم، در صورتی که خدا بخواهد شما را [بر اثر کفر و عصیان] از

يُرِيدُ أَنْ يُغَوِّبَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٣٤﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ

در محرابی و گذارد، خبر خواهی من برای شما سودمند نیست، او پروردگار شماست، و شما را به سویش باز می‌گردانند (۳۴) [اینها قوم نوح، حقایق را دروغ انگاشتند، بلکه [مشرکان]

قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَىٰ إِجْرَامِي وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تُجْرِمُونَ ﴿٣٥﴾

هم می‌گویند: [ایمیر این] قرآن را از نزد خود ساخته، ایگو: اگر من این قرآن را ساخته باشم و به دروغ [به خدا] نسبت داده باشم، گناه من فقط بر عهده من است، و من از گناهانی که

وَأَوْحَىٰ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ

شما را تکب می‌شوید، [و زشت‌ترین دروغ انگاشتن قرآن است] به شدت بیزارم (۳۵) به نوح وحی شد: از قوم تو جز کسانی که اکنون ایمان آورده‌اند هرگز کسی ایمان نخواهد آورد

فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾ وَاصْنَعِ الْفُلَ بِأَعْيُنِنَا

بنابر این از اعمالی که همواره [بر ضد تو] انجام می‌دهند اندوهگین مباش! (۳۶) با نظارت ما و بر اساس وحی ما

وَوَحَيْنَا وَلَا تَخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ ﴿٣٧﴾

آن کشتی را بساز! و با من درباره [نجات] کسانی که ستم کرده‌اند سخن مگو؛ زیرا آنان یقیناً غرق‌شدنی هستند (۳۷)

وَيَصْنَعُ الْفُلَكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ

او کشتی را می ساخت، هرگاه سواران [مکتبرا] قومی بر او می گذشتند مسخره اش می کردند،

إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ ﴿٣٨﴾ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

[نوح] گفت: اگر ما را مسخره می کنید قطعاً ما هم [به هنگام توفان] خاندان بر انداز [شمار] مسخره خواهیم کرد همان گونه که ما را مسخره می کنید (۳۸) پس به زودی

مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ ﴿٣٩﴾ حَتَّى إِذَا

خواهد دانست به چه کسی [در دنیا] عذابی خوارکننده و [در آخرت] عذابی بایدار وارد می شود (۳۹)

جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ مِّنَ الثَّانِي

[اجدال و مبارزه قوم نوح با او ادامه داشت] تا این که فرمان ما رسید، و [آب از] تنور به شدت جوشید، گفتیم: از هر نوع حیوانی یک جفت،

وَاهْلَكَ الْآمَنُ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ

و نیز خاندانت را در کشتی سوار کن مگر کسی که پیش تر فرمان [غرق شدنش] بر او حتمی شده است و همچنین آنان را که ایمان آورده اند [به همراه یابور]،

الْأَقْلِيلُ ﴿٤٠﴾ وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِبُهَا وَمُرْسَاهَا

و جز اندکی همراه او مؤمن نشدند (۴۰) [نوح] گفت: در آن سوار شوید! که حرکت کردن و لنگر انداختنش فقط به نام خداست،

إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٤١﴾ وَهِيَ تَجْرِي بِأَمْرِ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى

یقیناً پروردگارم بسیار آمرزنده و مهربان است (۴۱) کشتی، آنان را در میان امواجی کوه‌آسا حرکت می داد،

نُوحُ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ

نوح فرزندش را که در کناری بود بانگ زد: پسر من! همراه ما سوار شو،

الْكَافِرِينَ ﴿٤٢﴾ قَالَ سَاوِي إِلَى جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ

و با کافران مباش! (۴۲) گفت: یقیناً به کوهی که مرا از غرق شدن در آب نگه دارد پناه می برم، [نوح] گفت:

الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ

امروز هیچ نگهدارنده‌ای در برابر عذاب خدا نیست، جز کسی که [خداوند] به او رحم کند. نهایتاً موج میان آن دو حایل شد،

مِنَ الْمَغْرَقِينَ ﴿٤٣﴾ وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَّمَاءُ اقْلَعِي

و [پسرها] از غرق شدن گردید (۴۳) [پس از] هلاکت کافران گفته شد: ای زمین! آب خود را فرو بر، و ای آسمان!

وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا

از ریختن باران سیل آسا! خودداری کن! آب فرو نشست و کار به پایان رسید، و [کشتی] بر کوه «جودی» پهلو گرفت، و گفته شد:

لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤٤﴾ وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ

دوری از رحمت خدا بر ستمکاران باد! (۴۴) نوح [در شروع توفان] پروردگارش را ندا داد و گفت: پروردگارا! همانا

أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ ﴿٤٥﴾

پسر من از خاندان من است، و مسلماً وعده تو [مبنی بر نجات خاندان] حق است، و تو بهترین داورانی (۴۵)

قَالَ يَانُوحُ إِنَّهُ لَأَبْسٌ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ

بِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ بِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ بِكَ

لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعْظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٢٦﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي

به آن آگاه نیستمی از من میخواهد البته تو را اندرز می دهم که مبادا از نا آگاهان باشی (۲۶) انوح گفت: پروردگارا!

أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي

از این که چیزی را که به آن آگاهی ندارم از تو بخواهم به تو پناه می برم، چنانچه مرا ندامت دهی و به من رحم کنی

أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٢٧﴾ قِيلَ يَانُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ

از زمان کاران خواهیم بود (۲۷) گفته شد: ای نوح! با امنیت و سلامت و برکتی از سوی ما بر تو و امت هایی که همراه تو اند

عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَمٍ مِمَّنْ مَعَكَ وَأُمَمٌ سَمِعُوا مُرَّةَ حِمْلٍ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنْهَا عَذَابٌ

از کشتی فرود ای و امت هایی از نسل جمع شما به وجود می آیند که آنان را از نعمت های خود بهره مند می کنیم، سپس آنان را از سوی ما به سبب کاران نعمت ها

أَلِيمٌ ﴿٢٨﴾ نِلَّكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا

عذایی دردناک خواهد رسید (۲۸) این داستان ها و حوادث از خبرهای غیبی است که آن را از طریق وحی برایت بازگو می کنیم

أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٢٩﴾

پیش از وحی ما، نه تو آن ها را می دانستی و نه قوم تو، پس ادر ابلاغ پیام ما! شکیبایی کن! یقیناً فرجام نیک برای کسانی است که

وَالِإِلَى عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ

از خداوند اطاعت کرده، از محرماتش بپرهیزند (۲۹) و به سوی قوم عاد، برادرشان هود را فرستادیم، گفت: ای قوم من! خداوند یکتا را بپرستید

إِلَهِ غَيْرُهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ ﴿٣٠﴾ يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ

که شما را جز او هیچ معبودی نیست، شما ابا روی کردن به بت ها به عنوان شریکان خدا! جز مردمی دروغ پرداز نیستید (۳۰) ای قوم من!

أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٣١﴾

در برابر رساندن پیام های خدا هیچ پاداشی از شما نمی خواهم، پاداشم فقط بر عهده کسی است که مرا پدید آورده، آیا

وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ

اندیشه نمی کنید؟ (۳۱) ای قوم من! از پروردگارتان آمرزش بخواهید، و ایت ها را رها کرده، به سوی او بازگردید،

عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا

تا از ابرهای آسمان برای شما باران فراوان و پی در پی فرستد، و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید، ای مردم! مجرمانه

مُجْرِمِينَ ﴿٣٢﴾ قَالُوا يَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي

روی از حق! برنگردانید! (۳۲) گفتند: ای هود! معجزه روشنی که دلخواه ما باشد! برای ما نیاوردی،

الْهِتَانَا عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٣٣﴾

و ما معبودهایمان را به خاطر گفته تو رها نمی کنیم، و هرگز به تو ایمان نمی آوریم (۳۳)

إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْمُرْكَ بِعُضِّ الْهَيْتَانِ سُبُوحٌ قَالَتْ إِيَّا أَشْهَدُ اللَّهَ

جز این را هم نمی گوئیم که بعضی از معبودان مابه نواسیب از وانی ازده اند، ایه همین علت سخنان جنون آمیز و نادرست می گوئی، [هود] گفت: من خدایا گواهی گیرم

وَ أَشْهَدُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ ﴿٥٢﴾ مِنْ دُونِهِ فَكَيْدُ وَنِي جَمِيعًا

و شما هم گواهی باشید که قطعاً از آنچه شرک است [او] می پندارید و می زارم (۵۴) [آری از هر معبودی غیر او می زارم] پس همه شما [با توست] به لب هایتان در خد من اینک بپزید،

لَمْ يَلَا تُنْظِرُونَ ﴿٥٥﴾ إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا

سپس مهلتی ندهید! (۵۵) قطعاً من بر خداوند یکتا که پروردگار من و شماست توکل کردم، هیچ جنبنده ای نیست مگر

هُوَ أَخَذَ بِنَاصِيحَتِنَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٥٦﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ

آن که خداوند مهارش را [در دست عدالت و قدرت] گرفته؛ زیرا پروردگارم بر راهی مستقیم است (۵۶) چنانچه روی از حق برگردانید

أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا

از پیش برای خود شماست، آنچه مرا برای آن به سوی شما فرستاده اند به شما ابلاغ کردم، [اگر نپذیرید] هلاک می شوید، [و پروردگارم گروهی غیر شما را جایگزین

نَصُرُونَهُ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيزٌ ﴿٥٧﴾ وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا

خواهد کرد، [آگاه باشید که] هرگز نمی توانید هیچ زبانی به او بزنید؛ زیرا پروردگارم بر هر چیزی نگهبان است (۵۷) هنگامی که فرمان ما [بر نابودی قوم عاد] رسید

هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَاهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿٥٨﴾

هود و کسانی را که با او ایمان آورده بودند با رحمتی از سوی خود نجات دادیم، و آنان را از عذابی سخت رهایی بخشیدیم (۵۸)

وَبَيْنَكَ عَادٌ لِمُحَمَّدٍ وَآيَاتٍ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ

اینان [قوم] عاد بودند که آیات پروردگارشان را منکر شدند، و از پیامبران نافرمانی کردند، و از هر سرکش

جَبَّارٍ عَنِيدٍ ﴿٥٩﴾ وَاتَّبَعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا إِنْ عَادَا

ستیزجویی فرمان بردند (۵۹) و در این دنیا و روز قیامت دچار لعنت شدند، آگاه باشید! [قوم] عاد

كَفَرُوا وَارْتَبَّ لَهُمُ الْآبَعْدُ الْعَادِ قَوْمٌ هُودٍ ﴿٦٠﴾ وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ

منکر پروردگارشان شدند، هشدار که دوری از رحمت خدا بر عادیان، قوم هود باد! (۶۰) و به سوی [قوم] ثمود، برادرشان

صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنْ

صالح را [فرستادیم]، گفت: ای قوم من! خدای یکتا را پرستید، شما را

الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوا لَهُ ثُمَّ تَوَبُّوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ

جز او هیچ معبودی نیست، او شما را از زمین پدید آورد، و از شما خواست در آن آبادانی کنید، از او امرزش بخواهید [و بت هارا رها کرده،] به سوی او بازگردید [و پروردگارم نزدیک،

جُحِبٌ ﴿٦١﴾ قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَنْ

و اجابت کننده [دعا] است (۶۱) گفتند: ای صالح! پیش از این در بین ما [به عنوان خردمندی باوقار] مورد امید بودی، آیا ما را

نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّ آفَاءَ شِكِّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٌ ﴿٦٢﴾

از پرستش آنچه پدرانمان می پرستیدند باز می داری؟ یقیناً ما درباره تعلیمی که به آن دعوتمان می کنی در تردیدی سخت هستیم (۶۲)

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَأَتَانِي مِنْهُ

[صالح] گفت: ای قوم من! امرای غیر دهنده چنانچه بر [معجزه و] دلیلی روشن از سوی پروردگارم [منگی] باشم، و او از جانب خود رحمتی به من عطا کرده باشد، اگر

رَحْمَةً فَمَنْ يَبْصُرُ فِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ فَمَا زَيْدٌ وَنَنِي غَيْرَ تَخْشَى

[فرمان] خدا [در مورد ابلاغ دین] بافرمانی کنم چه کسی مرا از [عذاب] و نجات می دهد؟ [انها] بناشما [در صورتی] که فرمانبرداران باشم [جز خسارتی] به من نمی افزایند [۶۳]

﴿٦٣﴾ وَيَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذُرُّوهَا تَأْكُلُ فِي أَرْضِ

ای قوم من! این ناقة خداست [که برای شما در اثبات صدق نبوتی معجزه‌ای فوق العاده است]، او را آزاد بگذارید در زمین خدا بچرد.

اللَّهُ وَلَا تَمْسُوْهَا بِسَوْءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ ﴿٦٤﴾ فَعَقَرُوْهَا

و هیچ آسیبی به او نرسانید! که عذابی زود هنگام شما را خواهد گرفت [۶۴] پس آن ناقة را [بدون جدی گرفتن] تهدید صالح [پی] کردند.

فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ

[صالح] گفت: [فقط] سه روز [فرصت دارید] در خانه‌هایتان از زندگی برخوردار باشید، این وعده‌ای است

مَكْذُوبٍ ﴿٦٥﴾ فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ

که دروغی در آن نیست [۶۵] چون فرمان ما [بر عذاب آنان] رسید صالح و آنان را که

بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَمِنْ خِزْيٍ يُؤْمِرُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ﴿٦٦﴾

با او ایمان آورده بودند با رحمتی از سوی خود نجات دادیم، و از رسوایی و هلاکت آن روز [برهائی] بخشیدیم، همانا پروردگارت نیرومند

وَآخِذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿٦٧﴾

و توانای شکست‌ناپذیر است [۶۶] آن فریاد مرگبار، ستمکاران را فراگرفت، پس در خانه‌هایشان به رو درافتاده،

كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا إِلَّا أَنْ تَمُودًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا بَعْدًا

جسمی بی جان شدند [۶۷] گویی هرگز در آنجا اقامت نداشتند، آگاه باشید! [قوم] ثمود منکر پروردگارشان شدند،

لِثَمُودَ ﴿٦٨﴾ وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا

هان! دوری [از رحمت خدا] بر قوم ثمود باد! [۶۸] به راستی فرستادگان ما برای ابراهیم مژده آورده،

قَالَ سَلَامٌ فَلَمَّا بَشَّرْنَا أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيدٍ ﴿٦٩﴾ فَلَمَّا رَأَوْا

سلامش دادند، [او نیز] گفت: سلام [بر شما]! و بی درنگ گوساله‌ای بریان آورد [۶۹] چون

أَيَّدِيهِمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكَرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا

دید دست‌هایشان به سوی غذا دراز نمی‌شود آنان را ناشناس یافت، و از آنان احساس ترس کرد،

لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمِ لُوطٍ ﴿٧٠﴾ وَامْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ

گفتند: [ترس] ما را به جانب قوم لوط فرستاده‌اند [۷۰] همسرش که ایستاده بود

فَضْحِكَتْ فَبَشَّرْنَاَهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ ﴿٧١﴾

[از] گفت و شنید آنان با ابراهیم خندید، پس او را به اسحاق، و بعد از اسحاق به یعقوب مژده دادیم [۷۱]

قَالَتْ يَا وَيْلَتَىٰ أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ

اهمسر ابراهیم گفت ای وای! آیا درحالی که پیرزنم، و همسرم که سالخورده است [فرزند] می‌زایم، همانا این مسئله بسیار

عَجِيبٌ ﴿٧٢﴾ قَالُوا أَنْعَجِبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

عجیب است (۷۲) گفتند: آیا از کار خداوند به شگفت می‌آیی؟ [مگر نه این است که] رحمت خداوند و برکاتش

عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَيِّدٌ بِحَيْدٍ ﴿٧٣﴾ فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ

برای شما خاندان مقرر است؛ زیرا او ستوده و بزرگوار است (۷۳) زمانی که ترس و دلهره از ابراهیم

الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَىٰ يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ ﴿٧٤﴾ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ

بر طرف شد، و مزده [فرزند] دار شدن [به او رسید] با مادر باره قوم لوط [به قصد معاف شدنشان از عذاب] [ابا] فشاری به گفت و گو پرداخت (۷۴) همانا ابراهیم بسیار بردبار

مُنِيبٌ ﴿٧٥﴾ يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ

ودلسوز، و روی آورنده [به پیشگاه خدا] با توجه و اخلاص [بود] (۷۵) ای ابراهیم! از [شفاعت] درباره قوم لوط درگن [زیرا فرمان پروردگار] [بر عذاب آن قوم] [رسیده]، و بی تردید

أَنَّهُمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ ﴿٧٦﴾ وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَ

آنان را عذابی بدون بازگشت خواهد بود (۷۶) هنگامی که فرستادگان ما نزد لوط آمدند،

ضَاقَ بِهِمْ ذُرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ ﴿٧٧﴾ وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ

به سبب [آمدن] آنان [اندوهگین] شد، و خود را از یاری آنان ناتوان دید، و گفت: این روز بسیار دشواری است (۷۷) و قومی که بیش [از آمدن] فرستادگان [به سبب]

إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي

همواره کارهای زشت مرتکب می‌شدند [بنات] به سویش آمدند، [لوط با اشاره به دخترانش] گفت: ای قوم من!

هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَخْزُونِ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ

اینان دختران من هستند که [از نظر ازدواج] برای شما پاکیزه‌ترند، از خدا [نسبت به عمل بسیار زشتان] بپرهیزید و مرا در بین مهمانانم رسوا نکنید! آیا عیان شما

رَجُلٌ رَشِيدٌ ﴿٧٨﴾ قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَنَعْلَمُ

مرد خداترس با غیرتی نیست؟! (۷۸) گفتند: به یقین دانسته‌ای که ما را به دخترانت هیچ رغبتی نیست، و خوب می‌دانی که

مَا نُرِيدُ ﴿٧٩﴾ قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ ﴿٨٠﴾

ما چه می‌خواهیم! (۷۹) گفت: ای کاش برای دفع شما نیرویی شدید داشتم، یا به پناهگاه استواری ماوا می‌گرفتم! (۸۰)

قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنَ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ

[فرستادگان] گفتند: ای لوط! ما فرستادگان پروردگار توایم، آنان هرگز به تو دسترسی پیدا نمی‌کنند، پس خانواده‌ات را

مِنَ اللَّيْلِ وَلَا يَلْزِمُكَ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا امْرَأَتَكَ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا

در پاره‌ای از شب حرکت بده! و نباید هیچ یک از شما [به سوی شهر] بازگردد، ولی همسرت را با خود ببر! زیرا عذابی که به تبهاران می‌رسد

أَصَابَهُمْ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ ﴿٨١﴾

به او نیز خواهد رسید، یقیناً وعده‌گاهشان [برای نزول] عذاب [صبح] است، آیا صبح نزدیک نیست؟! (۸۱)

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِنْ

چون عذاب ما فرسید آن شهر آوده را زبرو کردیم و بر آن بارانی بباریدیم

سِجِّيلٍ مَّنْضُودٍ ﴿٨٢﴾ مُسَوَّمَةٌ عِنْدَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ

از سنگ گل پخته فروریخته (۸۲) [سنگ‌هایی که نزد پروردگارت دارای علامت بود، و آن شهر برای عبرت گرفتن، از ستمکاران

ببَعِيدٍ ﴿٨٣﴾ وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ

دور نیست (۸۳) و به سوی مردم مدین، برادرشان شعیب را [فرستادیم، گفت: ای قوم من! خداوند یکتا را بپرستید

مَالَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ

که شما را جز او هیچ معبودی نیست، از پیمانه و ترازو نکاهید

إِنِّي آتِيكُمْ بِخَبَرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ

زیرا شما را توانگر می‌بینم، و بر شما از عذاب روزی فراگیر

مُحِيطٍ ﴿٨٤﴾ وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ

می‌ترسم (۸۴) ای قوم من! پیمانه و ترازو را براساس عدالت پر و کامل کنید

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ

و از اجناس مردم نکاهید! و در زمین دست به تبهکاری

مُفْسِدِينَ ﴿٨٥﴾ بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا

و فسادنرند! [که بسیار زشت و ناپسند است] (۸۵) آنچه خداوند از کسب و کارتان سود باقی می‌گذارد اگر مؤمن هستید برای شما بهتر است

أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِظٍ ﴿٨٦﴾ قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصْلَوْتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ

من بر شما مسلط و نگهبان نیستم (۸۶) گفتند: ای شعیب! آیا نمازت به تو فرمان می‌دهد

نَتْرَكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ

که ما آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند رها کنیم؟ یا از تصرف در اموالمان مطابق دلخواهمان دست برداریم

لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ ﴿٨٧﴾ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنْتُ

تو که شخصی با درایت و رشداخته‌ای (۸۷) گفت: ای قوم من! مرا خبر دهید اگر

عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ

بر دلیل [و معجزه] روشنی از سوی پروردگارم [منکی] باشم، و از جانب او رزق با ارزشی [چون منصب نبوت] نصیبم شده باشد،

أُخَالِفَكُمْ إِلَى مَا أَنْتُمْ عَنْهُ إِن أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ

[باز هم مرا باور نمی‌کنید؟] من نمی‌خواهم آنچه شما را از آن باز می‌دارم خود مرتکب شوم، [تا جایی که توان دارم جز اصلاح [امور شما] را

مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ﴿٨٨﴾

نمی‌خواهم، موفقیتم فقط در گرو [یاری] خداست، بر او توکل کردم، و [با توجه و اخلاص] به او بازمی‌گردم (۸۸)

وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ
 نُوْحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِنْكُمْ بِبَعِيدٍ ۝۸۹

ای قوم من! دشمنی با من شما را برای مصیبت از عذاب به جایی نمی‌رساند، مسلماً همانند عذابی که به قوم
 نوح یا قوم هود یا قوم صالح رسید به شما هم می‌رسد، و قوم لوط چندان از جهت زمان و مکان از شما دور نیستند (۸۹)

وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ ۝۹۰

از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس [بنت‌ها را رها کرده،] به سوی او روی کنید از پروردگارتان، و بسیار دوستدار [مؤمنان] است (۹۰)

قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا إِمَّا نَقُولُ وَإِنَّا لَنَرِيكَ فِينَا ضَعِيفًا
 وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بَعِيزٌ ۝۹۱

گفتند: ای شعیب! بسیاری از مطالبی که می‌گویی نمی‌فهمیم، به راستی تو را در مقایسه با خود ناتوان می‌بینیم.
 اگر عشیره‌ات نبودند بدون شک سنگسارت می‌کردیم! و تو هرگز نزد ما ارجمند نیستی (۹۱) گفت: ای قوم من!

أَرْهَطِي أَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظَهْرِيًّا إِنَّ
 رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ۝۹۲

ایا عشیره‌ام نزد شما از خداوند ارجمندتر است که از او غفلت کرده و مورد بی‌اعتنایی قرارش داده‌اید؟ همانا
 پروردگارتان به آنچه انجام می‌دهید احاطه دارد (۹۲) ای قوم من! ای که در توان شماست بکوشید!

إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ نَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ
 كَاذِبٌ وَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ ۝۹۳

من اهم در ادای وظیفه خود می‌کوشم، به زودی آگاه خواهید شد چه کسی را عذاب رسواکننده خواهد آمد،
 و دروغگو کیست؟ منتظر بمانید من هم با شما منتظرم (۹۳) هنگامی که

نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَآخَذَتِ الَّذِينَ
 ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ ۝۹۴

عذاب ما رسید شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده بودند به رحمتی از سوی خود نجات دادیم،
 و ستمکاران را فریاد مرگبار فراگرفت، نهایتاً در خانه‌هایشان به رو درافتاده، جسی بی‌جان شدند (۹۴)

لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا إِلَّا بُعْدًا مَدِينٍ كَمَا بَعْدَتْ ثَمُودُ ۝۹۵

گویا هرگز در آنجا اقامت نداشتند، آگاه باشید! مدین از رحمت خدا دور باد! همان گونه که ثمودیان دور شدند (۹۵)

أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ ۝۹۶

همانا موسی را با معجزات خود و دلیلی روشن فرستادیم (۹۶) به سوی فرعون

وَمَلَأِيهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ ۝۹۷

و سران [متکبر] اقوامش، ولی آنان [برای حفظ مقام و مال و منال خود] از فرمان فرعون پیروی کردند، در حالی که فرمان فرعون راهنمای [به سوی سعادت] نبود (۹۷)

يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوِشْدُ

روز قیامت پیشاپیش قومش حرکت می‌کند و آنان را بدسوی آتش هدایت می‌کند، بد مقصودی است [انشی] که در آن

المُرُورُودُ ٩٨) وَاتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ بئسَ الْمَرْفُودُ

وارد می‌شوند (۹۸) در این [دنیا] و روز قیامت دچار لعنت شدند، [لعنت] هدیه بدی است

المَرْفُودُ ٩٩) ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْقُرَى نَقُصُّهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ

که به آنان می‌رسد (۹۹) این از اخبار شهرهاست که برای تو حکایت می‌کنیم، برخی از آنها برباستند

وَحَصِيدٌ ١٠٠) وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ

و برخی [همانند خاشاک] بر باد رفته‌اند (۱۰۰) ما بر آنان ستم نکردیم، بلکه آنان بر خود ستم کردند، چون عذاب پروردگارت

الْهِتُمْ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ عَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ

فراسید بت‌هایی که به جای خدا می‌پرستیدند چیزی [از عذاب] را از آنان دفع نکردند

وَمَا زَادَهُمْ غَيْرَ تَنْبِيٍّ ١٠١) وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَى

و جز خسارت و هلاکت به آنان نیفزودند (۱۰۱) چنین است مجازات پروردگارت که اهل

وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ ١٠٢) إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِمَنْ

آبادی‌ها را در حالی که ستمکارند مجازات می‌کند، بی‌تردید مجازاتش بسیار دردناک و سخت است (۱۰۲) یقیناً در آن [عجازات‌ها] برای کسی که

خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ

از عذاب آخرت می‌ترسد عبرتی [سازنده] است، آخرت روزی است که مردم را [برای پاداش اعمال خوب و بدشان] جمع خواهند کرد، آن روز [همه صحنه‌ها و وقایعش]

مَشْهُودٌ ١٠٣) وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مُعْدُودٍ ١٠٤) يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ

مورد مشاهده است (۱۰۳) ما آن را جز برای مدتی اندک به تأخیر نمی‌اندازیم (۱۰۴) آن روز چون فرارسد

نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ ١٠٥) فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُّوا

هیچ‌کس جز به خواست او سخن نمی‌گوید، پس گروهی تیره‌بخت، و جمعی نیک‌بختند (۱۰۵) اما تیره‌بختان

فِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ ١٠٦) خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ

[که خود سبب تیره‌بختی خود بودند] در آتشند، آنان در آن جانال‌های حسرت‌بار و فریادهای شدیدی دارند (۱۰۶) تا آسمان‌ها و زمین [قیامت]

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ ١٠٧)

پایرجاست در آن [آتش] جاودانه‌اند، مگر آنچه پروردگارت بخواهد، مسلماً پروردگارت هرچه بخواهد انجام می‌دهد (۱۰۷)

وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَمِنْهُمْ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ

اما نیک‌بختان [که با توفیق خداوند نیک‌بخت شده‌اند] تا آسمان‌ها و زمین [قیامت] پایرجاست در بهشتند

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُودٍ ١٠٨)

و در آن جاودانه‌اند، مگر آنچه را که پروردگارت بخواهد، [بهشت] عطایی قطع‌نشدنی و بی‌پایان است (۱۰۸)

فَلَا تَكُ فِي مَرْبَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤُهُمْ

شک نداشته باش آن معبودانی که مشرکان می پرستند باطل می اندازند، او هیچ توانی برای دفع عذاب را از آنان ندارند، اینان جز

مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَمَوْفُوهُمْ نَصِيبُهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ ﴿١٠٩﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا

آنچه را پدرانشان در گذشته می پرستیدند نمی پرستند، ما سهمشان را از عذاب کامل و بدون کم و کاست خواهیم داد (۱۰۹) همانا

مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ

به موسی کتاب دادیم پس در آن اختلاف شد، اگر وی به آن مؤمن ماندند و گروهی مشرک شدند، و اگر از سوی پروردگارت فرمانی [یعنی بر آزادی انسان در انتخاب راه درست و نادرست] پیشی

لَقَضَىٰ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ ﴿١١٠﴾ وَإِنَّ كَلَامَنَا

را قطع بود و این که در دنیا پیش از پایان یافتن عمرشان عذابشان نکند، یقیناً میان مشرکان [به عذاب] داوری شده بود، پس اختلاف اندازان به دنبال آن داوری هلاک می شدند، اختلاف اندازان

لَبُوفَيْنَهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١١١﴾ فَاسْتَقِمْ كَمَا

در باره قرآن در نزدی بسیار شدیدند (۱۱۰) یقیناً پروردگارت [عین اعمالشان را] به صورت دوزخ و به طور کامل به آنان خواهد داد، زیرا او به آنچه انجام می دهند بیناست (۱۱۱) پس همان گونه که

أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٢﴾

فرمان یافته ای ایستادی کن و نیز آنان که همراهت [به سوی خدا] روی آورده اند [در برابر حوادث] بایستند، ای امت! سرکشی نکنید که خداوند به آنچه انجام می دهید

وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَسْكُمُ النَّارُ وَمَالُكُمْ مِنْ دُونِ

یستاست! (۱۱۲) و به ستمکاران میل [قلبی و عملی] نداشته باشید! که آتش [دوزخ] به شما خواهد رسید،

اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنْصَرُونَ ﴿١١٣﴾ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي

و [در آن حال] شما را در برابر خداوند هیچ سرپرستی [برای نجاتشان] نخواهد بود، و یاری هم نمی شوید (۱۱۳) و نماز را

النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبُنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ

با شرایط ویژه اش! در دو طرف روز، و ساعات نخستین شب بخوان! که یقیناً نیکی ها، بدی ها را

ذِكْرِي لِلَّذِينَ كَرِهَ ﴿١١٤﴾ وَأَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

از بین می برد، این احقایی! موعظه ای است برای پندپذیران (۱۱۴) و شکیبایی کن! یقیناً خداوند پاداش

﴿١١٥﴾ فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةَ يَنَهُونَ

نیکوکاران را تباه نمی کند (۱۱۵) پس چرا در میان امت هایی که پیش از شما بودند

عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ

مصلحانی دلسوز و چون داشت که [مردم را] از تباهی کاری و فتنه انگیزی در زمین باز دارند؟ جز اندکی که [به سبب امر به معروف و نهی از منکر] نجاتشان دادیم.

الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أَتَرُفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿١١٦﴾ وَمَا كَانَ

ستمکاران دنبال اموری [چون زیور و زینت و خوش گذرانی] بودند که به سبب آن به سرکشی و سرمستی افتادند، آنان گنه پیشه بودند (۱۱۶)

رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ ﴿١١٧﴾

پروردگارت هرگز بر آن نبوده که شهرها را در حالی که مردمش مصلح باشند از روی ستم نابود کند (۱۱۷)

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ ﴿١١٨﴾

چنانچه پروردگار میخواست هر کس را که میخواست از روی اختیار در مسیر هدایت الهی واحدی قرار می داد، اولی از آنان در انتخاب راه سبب اختیار نکرد، به این سبب همواره ایدم بارخیزانم

إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَا مَلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ

اختلاف اند ۱۱۸) اگر کسی را که پروردگار میخواست از روی اختیار در مسیر هدایت الهی واحدی قرار می داد، اولی از آنان در انتخاب راه سبب اختیار نکرد، به این سبب همواره ایدم بارخیزانم

الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ اجْمَعِينَ ﴿١١٩﴾ وَكَلَّا نَقْصُصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا

کاملاً تعقیق یافت که: همواره در رخ راه حق و این که سرکش و طامع اند و دستنی نوری در اختلاف اندازی دارند! (۱۱۹) هر سرگذشتی از سرگذشت های پیامبران را که داشت

نُشِيتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٠﴾

به آن استوار کنیم بر این می خوانیم، در این سرگذشت ها حق و درستی (که میزبان از بابی همه امور است) برایت آمده، و نیز این سرگذشت ها ایند و تذکری برای مؤمنان است

وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ ﴿١٢١﴾

(۱۲۰) به کسانی که ایمان نمی آورند بگو: به اندازه ای که قدرت دارید بتازید، ما هم بی تردید (به تکالیف خود) عمل می کنیم (۱۲۱)

وَانْظُرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ ﴿١٢٢﴾ وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ

در انتظار (عذاب) باشید، که ما هم منتظریم (به شما عذاب برسد) (۱۲۲) غیب آسمان ها و زمین فقط در اختیار خداست، و همه کارها

كُلُّهُ فَاَعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٢٣﴾

به او بازگردانده می شود، پس او را بندگی کن! و بر او توکل داشته باش! و بدان که پروردگار از آنچه انجام می دهید بی خبر نیست (۱۲۳)

به او بازگردانده می شود، پس او را بندگی کن! و بر او توکل داشته باش! و بدان که پروردگار از آنچه انجام می دهید بی خبر نیست (۱۲۳)

سُورَةُ يُوسُفَ ﴿١٢٣﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

الرَّيُّكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿١﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا

الف، لام، راء، این است آیات کتاب روشننگر (۱) ما آن را به زبان عربی (که زبانی روشن و گویاست) فرستادیم

لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢﴾ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا

تا شما (معانی و معارف را در پرتو این زبان) بفهمید (۲) ما با این قرآنی که به تو وحی کردیم بهترین سرگذشت را

أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ

برایت بیان می کنیم، درحالی که تو پیش از وحی کردن ما ادر باره این سرگذشت

الْغَافِلِينَ ﴿٣﴾ إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ

از بی خبران بودی (۳) آن سرگذشت این است! که یوسف به پدرش گفت: ای پدر! من در خواب دیدم

كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ ﴿٤﴾

بازده ستاره و خورشید و ماه برابم سجده می کنند (۴)

قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا

پدرش گفت: پسرک من! خوابت را برای برادرانت بیان مکن که بر ضد تو نقشه‌ای خطرناک به کار خواهند گرفت!

إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٥﴾ وَكَذَلِكَ يَجْنِبُكَ رَبُّكَ

مسئلاً شیطان دشمن آشکار انسان است (۵) پروردگارت این گونه (که در خواب دیدی) تو را برمی‌گزیند،

وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ

و تعبیر بخشی از خواب‌ها او حقایق را به تو می‌آموزد، و نعمتش را بر تو و

يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَى أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ

بر آل یعقوب کامل می‌کند، چنان‌که پیش از این بر پدرانت ابراهیم و اسحاق کامل کرد، همانا پروردگارت دانا

حَكِيمٌ ﴿٦﴾ لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِلْسَّائِلِينَ ﴿٧﴾

و حکیم است (۶) یقیناً در [داستان] یوسف و برادرانش نشانه‌هایی از ربوبیت و حکمت و لطف خدا برای مردم کنجگاو و پرسشگر است (۷)

قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِمَّا نَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي

هنگامی که [برادران] گفتند: با این که ما گروهی کارآمد و نیرومندیم یوسف و برادرش نزد پدرمان از ما محبوب‌ترند، بی‌تردید پدرمان

ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٨﴾ أَقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ طَرْحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُهُ

در انحراف و اشتباهی آشکار است (۸) اکثرشان گفتند: یوسف را بکشید، یا او را به سرزمینی [نامعلوم و دور دست] تبعید کنید! تا توجّه

أَبْيَكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ ﴿٩﴾ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ

و [میل قلبی] پدرتان فقط به‌سوی شما باشد، و بعد از این [گناه] مردمی شایسته و درست‌کار شوید (۹) یکی از آنان گفت: یوسف

لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَالْقُوَّةُ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ يَلْقَاهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ

را نکشید، اگر بنای کاری ابر ضد او دارید وی را در مخفی‌گاه فلان چاه عمیق اندازید که برخی از کاروانیان

إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ﴿١٠﴾ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا

او را برگرفته، همراه خود به جای دوری ببرند (۱۰) گفتند: ای پدر! تو را چه شده که ما را نسبت به یوسف اطمینان نمی‌دانی،

لَهُ لَنَا صِحُونٌ ﴿١١﴾ أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعْ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ

با این که یقیناً ما خیرخواه او هستیم (۱۱) فردا او را با ما روانه کن تا خوش بگذراند و بازی کند، حتماً ما از او

﴿١٢﴾ قَالَ إِنِّي لِيَحْزُنُنِي أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ

نگهداری خواهیم کرد (۱۲) پدر! گفت: یقیناً بردنش مرا اندوهگین می‌کند، و می‌ترسم

الذِّئْبُ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ ﴿١٣﴾ قَالُوا لَئِنْ أَكَلَهُ

درحالی که نسبت به او بی‌توجه شوید گری او را بخورد (۱۳) گفتند:

الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذَا الْخَاسِرُونَ ﴿١٤﴾

اگر با بودن ما گروه نیرومند، گری او را بخورد در این صورت زیانکار و نیستیم (۱۴)



فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَاجْمَعُوا أَن يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ

چون یوسف را بردند و تصمیمشان بر آن شد که در مخفی گاه آن چاه قرارش دهند، و تصمیم خود را به اجرا گذاشتند، به او وحی کردیم که:

لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٥﴾ وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً

می‌تردید تو در آینده آنان را از این کارشان آگاه خواهی کرد، درحالی که نمی‌فهمند [تو همان یوسفی] (۱۵) شبانگاه گریه‌کنان

يَبْكُونَ ﴿١٦﴾ قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ

نزد پدر آمدند (۱۶) گفتند: ای پدر! ما یوسف را نزد کالای خود گذاردیم و برای مسابقه رفتیم،

عِنْدَ مَتَاعِنَا فَكَذَّبَ عَلَيْنَا الَّذِي أَوَّعْتُنَا إِنَّهُ مَعَنَا وَإِنَّا لَمُخْلِونَ

ولی مگر او را خورد، و تو [سخن] ما را هرچند راستگو باشیم [در باره این پیش‌آمد]

صَادِقِينَ ﴿١٧﴾ وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ

باور نخواهی کرد (۱۷) و برای باور آندادن مطلب به یعقوب، [خونی دروغین را بر پیراهن یوسف [به پدر] ارائه دادند، گفت: [چنین نیست که می‌گویید، بلکه]

أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ ﴿١٨﴾ وَ

هوا و هوس سرکش شما کاری از شست [و برایتان زیبا جلوه داد] تا انجامش آسان شود، [در این حال صبری نیکو که کمترین شکایتی از این حادثه در آن نیست پیش می‌گیرم،]

جَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ

و خداوند است که بر آنچه [از وضع یوسف] شرح می‌دهید از او یاری خواسته می‌شود (۱۸) کاروانی [به محدوده چاه] رسید [و منزل گرفت،] آب‌آوران را [برای آوردن آب]

وَأَسْرُوهُ بِنَاعَةٍ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾ وَشَرُّهُ بِشْمَنِ

فرستادند، او دلوش را [به چاه] انداخت [چون آن را بالا کشید و چشمش به نوجوانی در آن افتاد،] گفت: مزه‌باد! این پسری است نوجوان! او را به عنوان کالای تجاری پنهان

بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ ﴿٢٠﴾ وَ

کردند، و خداوند به آنچه می‌خواستند انجام دهند دانا بود (۱۹) او را به بهایی ناچیز [یعنی درهمی چند فروختند، درحالی که در مورد [نگهداشتن] او بی‌ رغبت بودند] (۲۰) و

قَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لَا مُرَانَةَ لَكَ بِهِ وَهُوَ الْعَسَىٰ

از اهل مصر کسی که یوسف را خرید به همسرش گفت: جایگاه او را گرامی دارا امید است [در آینده]

أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ

از او سود فراوانی به ما برسد، یا وی را به فرزندی انتخاب کنیم. این گونه یوسف را در

وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَلَٰكِنَّ

سرزمین [مصر] قرب و منزلت دادیم، تا تعبیر بخشی از خواب‌ها و حقایق را به او بیاموزیم، و خداوند بر کار خود

أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢١﴾ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ

چیره است، ولی بیشتر مردم داناای به این حقیقت! نیستند (۲۱) هنگامی که یوسف

اتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٢٢﴾

به توانایی [اجسمی و عقلی] رسید به او حکمت و دانش عطا کردیم، ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم (۲۲)

وَرَأَوْتَهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْنِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ

آن زنی که یوسف در خانه اش بود یعنی زلیخا از او بانوی می و مهر وانی خواستار کام جویی شد، و در فرصتی مناسب اهدای کاغذی را بخواست و آن را بست و آن را گفت:

هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَاكِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ

پیش بردا که من در اختیار تو هستم! یوسف گفت: بپناه بر خدا! او مالک و مربی من است! او من به مالکم خیانت نمی کند! جایگاهم را در همه امور زندگی اینکو قرار داد! او ارتکاب فجیسا

الظَّالِمُونَ ﴿٢٣﴾ وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ

وایم را یعنی از نعت و ستم است! یقیناً ستمکاران! در هیچ کاری! پیروز نمی شوند! (۲۳) ابانوی کاغ، چون خود را در کام جویی اش شکست خورده دید، خشم او ده انگشت یوسف کرد

رَبِّهِ كَذَلِكَ لَتَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا

ابانوی غیر و زور از او کام بگیرد! یوسف هم اگر برهان پروردگارش (که مالکیت و ربوبیت و احسان های بی دریغی اوست) را ندیده بود! به قصد دفاع از پاکی اش به شدت انگشت او می کرد،

الْمُخْلِصِينَ ﴿٢٤﴾ وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ

در آن حال با پیش آمدن زدن و خوردی سخت و مجروح شدن بانوی کاغ، راه اتهام به روی یوسف باز می شد، و او محکوم و بانوی کاغ حاکم می گشت! اما این گونه یوسف را باری دادیم! تا

الْفَيَّاسِيَدَ هَالِكًا الْبَابَ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا

زدن و خوردن! که سبب اتهام به او می شد! و این انجام! عمل زشت آن بانو را از او برطرف کنیم! زیرا او از بندگان فغلیس مایود! که شیطان به آنان دسترسی ندارد! (۲۴) هر دو شتابان

إِلَّا أَنْ يُسَجَّنَ أَوْ عَذَابُ الْيَمِّ ﴿٢٥﴾ قَالَ هِيَ رَأَوْتَنِي عَنْ نَفْسِي

بمسوی در اخروجی کاغ! دویند، بانو ابرای جلوگیری از فرار یوسف! پیراهن او را از پشت کشیده، و آن را از بالا به پایین! چاک زد، در استیقه در به شوهر وی بر خورد کردند، ابانوی

وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ

گفت: کسی که نسبت به اهل تو قصد زشتی داشته باشد آیا کیفرش جز زندان یا شکنجه در ناک است! (۲۵) یوسف گفت: او از من بدون این که من بخواهم! درخواست کام جویی

فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٢٦﴾ وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ

کرد و شاهده از خاندان بانو چنین گواهی داد: اگر پیراهن یوسف از پیش رو چاک خورده، بانو راست می گوید و یوسف دروغگوست! (۲۶) ولی اگر پیراهنش از پشت دریده شده،

فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٢٧﴾ فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ

بانو دروغ می گوید و یوسف راستگوست! (۲۷) همسر بانو! چون دید پیراهن یوسف از پشت چاک خورده،

قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِ كُنَّ إِنَّ كَيْدَ كُنَّ عَظِيمٌ ﴿٢٨﴾ يُوسُفُ أَعْرَضُ

گفت: این افتنه و فساد! از نیرنگ شما! زنان! است، بی تردید نیرنگتان بزرگ است! (۲۸) یوسف! این! پیش آمد! را

عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ ﴿٢٩﴾

ندیده بگیر! و تو ای زن! از گناهت استغفار کن! زیرا تو در این مسئله! از خطاکاران! بوده ای! (۲۹)

وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ

در شهر، تعدادی از زنان شایعه انداختند که: همسر عزیز درحالی که عشق آن غلام زرخوید در

نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٣٠﴾

درون قلبش نفوذ کرده از او درخواست کام جویی کرده، ما او را! بان مقامی که دارد! بدیدل بستنش به غلامی زرخوید، در تحراف و گمراهی! لشکری می بینیم! (۳۰)

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَكَنًا وَآتَتْ

هرگانی که بانوی کاخ مودی گریزان را که توطئه ای می شنیدند. کسی را به سویشان فرستاد و آن را به بهانه دعوت کرد و برای آنان جهت تکیه دادن بالش های ابرسان آماده

كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَاَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَ

کرد و برای او خورن منو به هر کدامشان کاردی داد و آن به یوسف گفت: به [مجلس] آنان در ای چون او دیدند از هر جهت بیزگش یافتند و اباشگانی از جمالش اعتبار از دست دادند. به جای منو

فَطَعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ ﴿٣١﴾

جای دست های خود را بردند و گفتند: خداوند عزری از اثر بدن چنین موجود کامل و زیبایی ندارد. ابرم انسی که این [مخلوق] به بشر نمی ماند. این جز فرشته ای بزرگوار نیست (۳۱)

قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاودْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ

[بانوی کاخ] گفت: این همان کسی است که مرا در باره [دل بستگی و عشق] به او سرزنش کردید. این من بودم که از او درخواست کامجویی کردم.

وَلَئِنْ لَمْ يَفْعَلْ مَا أَمَرُهُ لَيْسَ جَنًّا وَلَيَكُونًا مِنَ الصَّاغِرِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ

ولی او خود را حفظ [و به شدت با خواسته من مخالفت] کرد، چنانچه تسلیم خواسته ام نشود و مسلمان به زندان خواهد افتاد و خوار و بی مقدار خواهد شد (۳۲) [یوسف] گفت:

رَبِّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا نَصْرَفُ عَنْكَ كَيْدَهُنَّ

پروردگار! زندان نزد من از کار زشتی که [بانوی کاخ و دیگر زنان] مرا به آن دعوت می کنند محبوب تر است، چنانچه [با یاری خود] انبیر نگشان را از من برطرف کنی

أَصْبِ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٣٣﴾ فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ

به سویشان رغبت می کنم، و از زمره جاهلان خواهم شد (۳۳) پروردگارش خواسته اش را اجابت کرد، و نیونگ زنان را

كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٤﴾ ثُمَّ بَدَأَ الْمُرُّ مِنْ بَعْدِ مَا رَأَوْا

از او بازداشت؛ زیرا او شنوا و داناست (۳۴) [از آن درباری] بعد از آن که نشانه های فراوانی بر پاکدامنی و تقوایش

الْآيَاتِ لَيْسَ جُنَّةً حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٣٥﴾ وَدَخَلَ مَعَهُ السَّجْنُ فْتَيَاتٍ

دیدند عزمشان بر این جزم شد که تا مدتی او را زندانی کنند (۳۵) دو جوان از خدمتکاران شاه با یوسف وارد زندان شدند

قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَرْبِي أَعْرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ

یکی از آن دو نفر گفت: من پی در پی خواب می بینم که [برای] شراب، انگورا می فشارم. و دیگری گفت: من خواب می بینم

فَوْقَ رَأْسِي خُبْزًا تَأْكُلُ الطُّيُورُ مِنْهُ نَبَأُ بَيْتَا أُوتِيَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ

که روی سرم نان حمل می کنم و پرندگان از آن می خورند. از تعبیرش ما را خبر ده! چون برای ما مسلم است

الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٦﴾ قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِيهِ إِلَّا نَبَأُكُمْ مَا

که تو از نیکوکارانی (۳۶) [یوسف] گفت: هیچ جیره غذایی که سهم شماست به دستتان نمی رسد مگر آن که پیش از رسیدن

بِنَا أُوتِيَهُ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ

از ماهیت و ویژگی و مال آن آگاهتان می کنم، [تعبیر و غیب گویی من درباره این دو خواب] از جمله دانشی است که پروردگارم به من آموخته، من

مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يَبُوءُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿٣٧﴾

این مردمی را که به خداوند یکتا ایمان ندارند و به آخرت کافرند رها کرده ام، او به شدت به آن بی اعتنائم (۳۷)

وَاتَّبَعَتْ مِثْلَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانُوا لَنَا أَنْ

من از دین پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب پیروی کرده‌ام برای ما شایسته نیست

نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَ

که [مانند شما] چیزی [چون بت‌ها] را شریک خدای یکتا قرار دهیم، این [مقام نبوت و توحید] از احسان خداوند بر ما و مردم است،

لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٨﴾ يَا صَاحِبِي السِّجْنِ

ولی بیشتر مردم ابا توسل به شرک نسبت به خداوند [ناسپاسند] (۳۸) ای صاحبی زندان!

ءَ أَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمْ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٣٩﴾ مَا نَعْبُدُونَ

ایا معبودان گوناگون بهترند یا خداوند یگانه مقتدر؟ (۳۹) شما

مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءُ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ

به جای خدای یکتا نام‌هایی ابی اثر وبدون معنا را که خود و پدرانتان ابروی معبودهای خیالی انهاده اید می پرستید، که خداوند هیچ دلیلی بر حقانیت آنان

بِهَآ مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ

نازل نکرده است، فرمانروایی او تدبیر امور هستی! فقط ویژه خداست که فرمان داده جز او را نپرستید، این است

الَّذِينَ الْقِيَمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٠﴾ يَا صَاحِبِي

این استوار، ولی بیشتر مردم [به این حقیقت] نادانند (۴۰) [یوسف پس از ارشاد آن دوبه‌سوی آیین توحیدی، در مقام تعبیر خوابشان برآمده، گفت: ای دوبار زندان!

السِّجْنِ أَمَّا أَحَدُكُمْ فَتَبْسُقِي رَبَّهُ خُرًّا وَأَمَّا الْآخَرُ فَيُصْلَبُ

اما یکی از شما آزاد می‌شود و با به سرور خود شراب می‌نوشاند، و آن دیگر را به دار می‌کشند

فَنَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ ﴿٤١﴾

و پرندگان از سرش خواهند خورد، تعبیر خوابی که از من جویا شدید وقوعش حتمی شده است [و برگشتی در آن نیست] (۴۱)

وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ

[یوسف] به یکی از آن دو نفر که می‌دانست آزاد می‌شود گفت: مرا نزد سرور خود یاد کن! [که بی‌گناه به زندان افتاده‌ام.]

فَأَنسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ

ولی شیطان یاد یوسف را نزد سرورش از حافظه او بُرد، در نتیجه چند سالی

سِنِينَ ﴿٤٢﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ

در زندان ماند (۴۲) پادشاه مصر [به بارگاه‌نشینانش] گفت: من پی‌درپی در خواب می‌بینم که هفت گاو لاغر،

سَبْعُ عِجَافٍ وَسَبْعُ سُنْبُلَاتٍ خَضَرٍ وَأُخْرَى يُاسَاتٍ يَأْكُلْنَ

هفت گاو چاق را می‌خورند، و [نیز در عالم خواب] هفت خوشه سبز و هفت خوشه خشک [را مشاهده می‌کنم،]

الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُءْيَايَ إِنْ كُنْتُ لِلرُّءْيَى بِعَابِرُونَ ﴿٤٣﴾

شما ای بزرگان [ابراهم!] اگر عالمانه تعبیر خواب می‌کنید نظر خود را درباره خوابم بیان کنید! (۴۳)

قَالُوا أَصْغَاتُ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالَمِينَ ﴿٢٢﴾ وَقَالَ

گفتند: [این ها] خواب های آشفته و خیالی است، [اگر چه تعبیر دارد، ولی] ما به تعبیر این خواب ها دانا نیستیم (۲۲) از آن دو [زندانی]

الَّذِي نَجَّامْنَاهَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنْتَبِئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ ﴿٢٣﴾

آن که [آدم شده بود پس از مدتی] درخواست یوسف را [به یاد آورد، گفت: همانا من شمار از تعبیر آن خبر می دهم، پس مرا به زندان نزد کسی که به تعبیر خواب آگاه است [بفرستد] (۲۳)

يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ

اچون او را به زندان فرستادند، گفت: [یوسف! ای در اوج راست گویی! درباره هفت گاو چاق که هفت گاو لاغر آن ها را می خورند،

سَبْعُ عِجَافٍ وَسَبْعُ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخْرَىٰ يُسَالِتُ لَعَلِّي أَرْجِعُ

و هفت خوشه سبز و هفت خوشه خشک، نظرت را برای ما بیان کن تا به سوی مردم بازگردم

إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٢٤﴾ قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابَأَ فَمَا

او به آنان خبر دهم! امید است [که به صداقت و دانش فراوانت] آگاه شوند (۲۴) [یوسف] گفت: باید هفت سال با تلاش بیگیر

حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ الْأَقْلِيلَ مِمَّا تَأْكُلُونَ ﴿٢٥﴾ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ

به کار کاشتن ببردازید، پس آنچه را درو کردید جز اندکی که خوراک ضروری شماست در خوشه اش باقی گذارید! (۲۵) آن گاه پس از آن

بَعْدَ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ الْأَقْلِيلَ مِمَّا تُحْصِنُونَ ﴿٢٦﴾

[هفت سال فراوانی،] هفت سال سخت [پیش می آید که مردم آنچه را برای آن [سال های سخت] ذخیره کرده اید مصرف کنند مگر اندکی که برای بذرتانگه می دارید] (۲۶)

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ ﴿٢٧﴾ وَقَالَ

سپس بعد از آن [دوره قحطی]، سالی می آید که در آن باران [فراوانی] به مردم داده می شود، و در آن [سال، از محصولات انبوه] عصاره می گیرند (۲۷)

الْمَلِكُ اتُّوْنِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَىٰ رَبِّكَ فَسْأَلْهُ

پادشاه [مصر پس از آگاهی از تعبیر خوابش] گفت: آن [معتبر و ورزیده] را نزد من آورید، چون فرستاده [شاه] نزد یوسف آمد [تا او را ببرد، یوسف] گفت: نزد سرور

مَا بَالُ النِّسْوَةِ الَّتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ

بازگرد و از او بپرس: داستان زنانی که دست های خود را بریدند چه بود؟ [اگر چه] پروردگارم به نیرنگشان

عَلِيمٌ ﴿٢٨﴾ قَالَ مَا خَطْبُكِنَّ إِذْ رَأَوْتَنَّ يُوسُفَ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ

آگاه است (۲۸) [پادشاه به زنان] گفت: داستان شما هنگامی که از یوسف درخواست کام جویی کردید چه بود؟ گفتند:

لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ الْأَنْ حَصْحَصَ

خدایوند منزه است، [اشکفتناز با کداعنی بنده اش] عا در او هیچ بدی سراغ نداریم، همسر عزیز گفت: اکنون حق، [پس از آن که سال ها من پنهانش کرده بودم] آشکار شد،

الْحَقُّ أَنَا رَأَوْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٢٩﴾ ذَلِكَ

این من بودم که [با حرص و ولع] از او درخواست کام جویی کردم، یقیناً یوسف [در ادعای بی گناهی اش] از راست گویان است (۲۹) [این که من به پای او و مجرم بودن خود

لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ ﴿٣٠﴾

[اعتراف می کنم] برای این است که [یوسف] بداند من در نبود او [در این مجلس دادرسی] به او خیانت نکردم؛ زیرا خداوند نیرنگ خائنه را به نتیجه نمی رساند (۳۰)

وَمَا أَتَّبِرُ إِلَّا نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥٣﴾

من خود را [از مجرم بودن] تبرئه نمی کنم؛ زیرا نفس [اطمینانگر] شدیداً به بدی فرمان می دهد، مگر زمانی که پروردگارم رحم کند، یقیناً پروردگارم بسیار آمرزنده و مهربان است. (۵۳) پادشاه گفت: اکنون آن [پادشاه] دانایان از من آورید؛ [در اداره امور دولت و کشور] و [از کارگران و مشاوران] و [از خود قماربازان]

قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ ﴿٥٤﴾ قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي خَشِيتُ الْمَنَاقِبَ إِنَّهُنَّ لَأَرْثِينَ قُلُوبَنَا وَنَحْنُ شَاكِرُونَ ﴿٥٥﴾

چون [پادشاه] سخن گفت به او اعلام کرد: تو امروز نزد ما دارای مقام و منزلت و [در همه امور] امین هستی. (۵۴) [یوسف] گفت: مرا به سرپرستی [و ریاست] خزینها [و انبارها] [و] [از] زمین [و] [از] سرزمین بگمارا زیرا من نگرانی دانایم. (۵۵) این گونه در آن سرزمین به یوسف مقام و منزلت دادیم

بَنَوْنَا لَهَا ذِي قُرْبَىٰ وَكَانَ الْبَنَىٰ الْأُخْرَىٰ يُسُوفُ فِي الْأَرْضِ بِسَبْعِينَ أَلْفًا مِّنْ ذِي قُرْبَىٰ وَكَانَ الْبَنَى الْأُخْرَىٰ يُسُوفُ فِي الْأَرْضِ بِسَبْعِينَ أَلْفًا مِّنْ ذِي قُرْبَىٰ وَكَانَ الْبَنَى الْأُخْرَىٰ

تا هر جای آن بخواهد قدرت حکیمانه اش را برای تدبیر امور به کار گیرد، هر کس را بخواهیم به رحمت خود می رسانیم، و پاداش [و] [از] سرزمین بگمارا زیرا من نگرانی دانایم. (۵۵) این گونه در آن سرزمین به یوسف مقام و منزلت دادیم

بَنَوْنَا لَهَا ذِي قُرْبَىٰ وَكَانَ الْبَنَى الْأُخْرَىٰ يُسُوفُ فِي الْأَرْضِ بِسَبْعِينَ أَلْفًا مِّنْ ذِي قُرْبَىٰ وَكَانَ الْبَنَى الْأُخْرَىٰ

بَنَوْنَا لَهَا ذِي قُرْبَىٰ وَكَانَ الْبَنَى الْأُخْرَىٰ يُسُوفُ فِي الْأَرْضِ بِسَبْعِينَ أَلْفًا مِّنْ ذِي قُرْبَىٰ وَكَانَ الْبَنَى الْأُخْرَىٰ

بَنَوْنَا لَهَا ذِي قُرْبَىٰ وَكَانَ الْبَنَى الْأُخْرَىٰ يُسُوفُ فِي الْأَرْضِ بِسَبْعِينَ أَلْفًا مِّنْ ذِي قُرْبَىٰ وَكَانَ الْبَنَى الْأُخْرَىٰ

بَنَوْنَا لَهَا ذِي قُرْبَىٰ وَكَانَ الْبَنَى الْأُخْرَىٰ يُسُوفُ فِي الْأَرْضِ بِسَبْعِينَ أَلْفًا مِّنْ ذِي قُرْبَىٰ وَكَانَ الْبَنَى الْأُخْرَىٰ

بَنَوْنَا لَهَا ذِي قُرْبَىٰ وَكَانَ الْبَنَى الْأُخْرَىٰ يُسُوفُ فِي الْأَرْضِ بِسَبْعِينَ أَلْفًا مِّنْ ذِي قُرْبَىٰ وَكَانَ الْبَنَى الْأُخْرَىٰ

بَنَوْنَا لَهَا ذِي قُرْبَىٰ وَكَانَ الْبَنَى الْأُخْرَىٰ يُسُوفُ فِي الْأَرْضِ بِسَبْعِينَ أَلْفًا مِّنْ ذِي قُرْبَىٰ وَكَانَ الْبَنَى الْأُخْرَىٰ

بَنَوْنَا لَهَا ذِي قُرْبَىٰ وَكَانَ الْبَنَى الْأُخْرَىٰ يُسُوفُ فِي الْأَرْضِ بِسَبْعِينَ أَلْفًا مِّنْ ذِي قُرْبَىٰ وَكَانَ الْبَنَى الْأُخْرَىٰ

بَنَوْنَا لَهَا ذِي قُرْبَىٰ وَكَانَ الْبَنَى الْأُخْرَىٰ يُسُوفُ فِي الْأَرْضِ بِسَبْعِينَ أَلْفًا مِّنْ ذِي قُرْبَىٰ وَكَانَ الْبَنَى الْأُخْرَىٰ

قَالَ هَلْ آمَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا آمَنُتُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ فَاللَّهُ

پندرا گفت: آیا همان گونه که شما را در گذشته امین برادرش دانستم [دوباره] درباره او هم امین بدانم؟! به درستی که خداوند

خَبْرٌ حَافِظٌ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿٦٢﴾ وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ

بهترین نگاهبان و مهربان ترین مهربانان است (۶۲) چون بارهای خود را گشودند

وَجَدُوا بِضَاعَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبْغِي هَذِهِ بِضَاعَتُنَا

دیدند کالاهای [برداختی] آنان را به آنان بازگردانده اند، گفتند: ای پدر! بهتر از این چه می خواهیم؟ این کالای

رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ

ماست که به ما بازگردانده اند، [دوباره] با همین کالاهای برای خانواده خود اذوقه تهیه می کنیم، و برادرمان را از خطر آنکه می داریم، و [باز] بدن برادر را

ذَلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ ﴿٦٣﴾ قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّىٰ تُؤْتُونِ مَوْثِقًا

بارشتری [اضافه] بر بارمان [می افزایم] که آن باری اندک است، [و عزیز مصر از عطا کردنش دریغ نمی کند] (۶۳) [یعقوب] گفت: هرگز او را با شما نمی فرستم تا این که [باسو گندبه خدا] یعنی

مِنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَنِي بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ

الهی یامن یستدعی که حتماً او را به من بازگردانید، مگر این که [به سبب بسته شدن همشراه های چاره ز زمین گیر شوید و] نتوانید [او را بازگردانید]، چون یحسان استوارشان را به پدر سپردند

قَالَ اللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿٦٤﴾ وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ

گفت: [پسرانم!] خداوند بر آنچه من و شما می گوییم وکیل و مراقب است (۶۴) و گفت: پسرانم! [در این سفر] از یک دروازه وارد نشوید

وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُنْفَرِقَةٍ وَمَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ

بلکه از دروازه های گوناگون درآید، البته من [با این تدبیر] نمی توانم هیچ حادثه ای را که از سوی خداوند برای شما رقم خورده بر طرف کنم

إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿٦٥﴾

حاکمیت و فرمانروایی ویژه خداست، فقط بر او توکل کردم و همه توکل کنندگان باید بر او توکل کنند (۶۵)

وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُم مَّا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ

هنگامی که برادران آن گونه که پدرشان دستور داده بود از دروازه های گوناگونی وارد شدند، [تدبیر یعقوب] نتوانست هیچ حادثه ای را که

مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَاهَا وَإِنَّهُ

از سوی خداوند رقم خورده بود، از آنان باز دارد، جز خواسته درونی یعقوب [امینی بر سلامت فرزندان]ش، و به انجام رساندن وظایفی که بر عهده داشتند

لَذُو عِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾

که خداوند آن را به انجام رسانید، یعقوب به سبب تعلیم ماز دانشی ویژه بر خوردار بود [که در سایه توکل بر خداوند نبوت، تدبیرهای درست داشت]، ولی بیشتر مردم [از حاکمیت و]

وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ أَوَىٰ إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ

کارسازی خداوند! نا آگاهند (۶۸) چون [برادران] بر یوسف وارد شدند او برادرش را کنار خویش جای داد، او پنهانی به او گفت:

إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٦٩﴾

همانا من برادرت هستم! پس از تو می خواهم که [بر آنچه آنان در گذشته [در مورد من] انجام دادند، اندوهگین مباش] (۶۹)

فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ السَّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ

یوسف چون بار آنان را آماده کرد جام اویزه آبخوری [شاه] را ایشان از دید دیگران در میان بار برادرش گذاشت، سپس ندا کنندهای

مُؤَذِّنٌ آيَنَهَا الْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ ﴿٧٠﴾ قَالُوا وَقَبَلُوا عَلَيْهِمْ مَاذَا

جندین بار اعلام کرد: ای کاروانیان! مسلماً شما دزد هستید (۷۰) [کاروانیان] روی به گماشتگان کردند و گفتند:

نَفَقِدُونَ ﴿٧١﴾ قَالُوا نَفَقِدُ صُوعًا مَلِكٍ وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ

چه چیزی گم کرده‌اید؟ (۷۱) گفتند: جام اویزه آبخوری شاه را گم کرده‌ایم، برای هرکس که آن را بیاورد [در این اوضاع خشک‌سالی]

بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ ﴿٧٢﴾ قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ

بار شتری [جایزه] است، و [نداکننده گفت:] من ضامن پرداخت آن هستم (۷۲) گفتند: به خدا سوگند ما برای تبه‌کاری و فتنه‌انگیزی

فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ ﴿٧٣﴾ قَالُوا فَمَا جَزَاءُوهُ إِنْ كُنْتُمْ

در این سرزمین نیامده‌ایم، و دزد هم نبوده‌ایم، و شما [این حقیقت را در این دوسفری که به مصر داشتیم به روشنی] دانستید (۷۳) [گماشتگان] گفتند: اگر شهادت و غوغا باشید،

كَاذِبِينَ ﴿٧٤﴾ قَالُوا جَزَاءُوهُ مَنْ وَجَدَ فِي رَحْلِهِ فَمُوجَزَّاءُوهُ كَذَلِكَ

[اوسارق در بین شما باشد] کیفرش چیست؟ (۷۴) گفتند: کسی که [جام اویزه شاه] در بارش پیدا شود، کیفرش خود اوست، و آن این که به بردگی صاحب جام گرفته شود،

يَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٧٥﴾ فَبَدَأَ بِأَوْعِيَنِمْ قَبْلَ وَعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ

ما [بر اساس این نعمان] از دزدان را این گونه کیفر می‌دهیم (۷۵) پس [یوسف] پیش از [بررسی] آبار برادرش، به [بررسی] آبار دیگر برادران پرداخت، آن گاه

اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وَعَاءِ أَخِيهِ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ

جام اویزه شاه را از بار برادرش بیرون آورد، ما [از طریق الهام] این گونه برای یوسف چاره‌اندیشی کردیم؛ زیرا

لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ

اوستی توانست بر اساس قوانین شاه، برادرش را بازداشت کند، جز به مشیت خدا [که با تکیه بر آن توانست مطابق قوانین کنعانیان برادرش را نزد خود نگاه دارد،]

مَنْ نَشَاءُ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ ﴿٧٦﴾ قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ

ما هر که را بخواهیم [به] رتبه‌ها و مقاماتی بالا می‌بریم، و برتر از هر صاحب علمی، عالمی [چون خدا] است (۷۶) [برادران] گفتند: اگر [این شخص] از دزدی می‌کند

فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَاسْتَرَاهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَ

[خلاف انتظار نیست؛ زیرا] برادر [مادری] او هم پیش از این دزدی کرده بود، یوسف [به مقتضای کرامت و جوانمردی،] این [تهمت به خود] را در دل خود پنهان داشت،

لَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا

و برای آنان آشکار نداشت، اولی در پاسخ آنان گفت: شما بدترین جایگاه [او سیرت] را [در سرقت] دارید، و خداوند به آنچه [در باره]

تَصِفُونَ ﴿٧٧﴾ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا

برادرش [بیان می‌کنید] دانایتر است (۷۷) گفتند: عزیزا! او را پدری پیر و سالخورده است [که مسلماً تحمل دوری وی را ندارد،]

فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٧٨﴾

پس یکی از ما را به جای او بازداشت کن! ما تو را بی‌گمان از نیکوکاران می‌پاییم (۷۸)

قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَن وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِندَهُ إِنَّا إِذًا

ابوسفاف گفت: بپناه خدا! که ما کسی جز آن را که متاع خود را نزد او یافته ایم بازداشت کنیم، که چنانچه کسی غیر او را بازداشت کنیم! در این صورت بیگنا

لَظَالِمُونَ ﴿٧٩﴾ فَلَمَّا اسْتَيْسَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ كَبِيرُهُمْ

ستمکار خواهند بود (۷۹) چون از خواب غفلت غریز مایوس شدند کناری رفتند، ایرانی حل مشکل پیش آمده به گفت و گوی محرمانه پرداختند، بزرگشان گفت:

أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ آبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوَثِقًا مِنَ اللَّهِ وَمِنْ قَبْلُ

ایا ندانستید که پدرتان از شما پیمان محکم خدایی گرفت که برادر را برگردانید، و پیش از هم

مَا فَرَطْتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنُ أَبْرِحَ الْأَرْضَ حَتَّى يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ

در باره یوسف کوتاهی کردید! تا پدر به فرات سختی مبتلا شد، با این وضع، من هرگز این سرزمین را ترک نمی کنم تا پدرم به من اجازه دهد.

اللَّهُ لِي وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿٨٠﴾ ارْجِعُوا إِلَى آبَائِكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا

یا خداوند در باره من داوری کند که او بهترین داوران است (۸۰) [شما] به سوی پدرتان بازگردید و [به او] بگویند: پدر!

إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلَّمَنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ

بی تردید پسر دزدی کرد، و ما جز به آنچه دانستیم گواهی ندادیم، و مراقب نهان هم نیویم

حَافِظِينَ ﴿٨١﴾ وَسَأَلَ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِيرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا

[که چه اتفاقی افتاده] (۸۱) [پدر برای اطمنان بیشتر ماجرا را از اهل شهری که در آن بودیم] و دزدی پسر در آن شایع شده، و از کاروانی که مادر من آن را به سوی شما آمدیم بپرس

فِيهَا وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٨٢﴾ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا

ما یستار است گوئیم (۸۲) [پارسیدن به کنعان و گفتن ماجرا یعقوب گفت: این چنین است که می گویند، بلکه هوا و هوس [سرکش] شما کاری ازشت را برایتان زیبا جلوه داد

فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ

تا انجاش آسان شود، در این حال [صبری نیکو] که در آن کمترین شکایتی از این حادثه نیست پیش می گیرم، امید است خداوند همه آنان را نزد من آورد؛ زیرا او

الْحَكِيمُ ﴿٨٣﴾ وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ

دانا و حکیم است (۸۳) و از آنان روی گرداند و گفت: ای تاشف! [حسرت]

وَأَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ ﴿٨٤﴾ قَالَُوا

بر یوسف! و در حالی که خشمش را [در درون خود] پنهان می داشت دو چشمش از [شدت] اندوه نابینا شد (۸۴)

تَاللَّهِ تَفْتَوُا تَذَكَّرُ يُوْسُفَ حَتَّىٰ تَكُونَ حَرَضًا

گفتند: به خدا سوگند! تو همواره از یوسف به گونه ای یاد می کنی تا دچار بیماری فزاینده شوی

أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ ﴿٨٥﴾ قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بَثِّي

یا جانم را از دست بدهی (۸۵) گفت: من از اندوه شدید و غصام

وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَاعْلَمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨٦﴾

فقط به خداوند شکایت می کنم، و از سوی خداوند [در باره این دو حادثه] سنگین، و فرجام نیکویش [حقایق] را می دانم که شما نمی دانید (۸۶)

يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوْسُفَ وَآخِيهِ وَلَا تَأْيِسُوا مِنْ

پسرانم! به مصر بروید و در جستجوی یوسف و برادرش برانید! از رحمت خدا مأیوس نشوید!

رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْتِيَنَّكَ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ ﴿٨٧﴾ فَلَمَّا

روح خدا! که آیا یائش من روح خداوند! مگر کافران! از رحمت خداوند! مأیوس نمی شوند! (۸۷) هنگامی که

دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَبَتَانَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَمَلْنَا الضُّرَّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ

بر یوسف وارد شدند گفتند: عزیز ما! بر ما و خانواده ما [سیه روزی و اسخنی رسیده،] برای خرید اذوقه [بهای ناچیزی آورده ایم،]

مُرْجَةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي

بیمانه ما را کامل کن و به ما صدقه بخش زیرا خداوند

الْمُتَصَدِّقِينَ ﴿٨٨﴾ قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَآخِيهِ إِذْ

صدقه دهندگان را! پاداش می دهد! (۸۸) یوسف گفت: آیا زمانی که در جهالت به سر می بردید فهمیدید با یوسف

أَنْتُمْ جَاهِلُونَ ﴿٨٩﴾ قَالُوا أَإِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ

و برادرش چه کردید؟! (۸۹) برادران گفتند: آیا به راستی تو خود یوسفی؟! گفت: [آری] من یوسفم!

وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ

و این برادر من است، همانا خداوند به ما نعمت بالارزشی داده، بی تردید هر کس از خداوند اطاعت کند و از محرماتش بپرهیزد، و همواره در برابر حوادث [صبر کند]

لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٩٠﴾ قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ اشْرَكْنَا

پاداش شایسته می یابد: زیرا خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند! (۹۰) گفتند: به خدا سوگند که یقیناً خدا تو را از هر جهت

عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ ﴿٩١﴾ قَالَ لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمْ

بر ما برتری بخشیده، و مسلماً ما خطاکار بودیم! (۹۱) [یوسف] گفت: امروز

الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿٩٢﴾

بر شما سزرنشی نیست، خداوند شما را می آمرزد؛ زیرا او مهربان ترین مهربانان است! (۹۲)

اِذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَالْقُوهُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا

اکنون! این پیراهن را ببرید! و روی صورت پدرم بیندازید که بینا می شود،

وَأَتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩٣﴾ وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ

و همه خاندانتان را نزد من آورید! (۹۳) زمانی که

قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْ لَا أَنْ

کاروان! از سوزمین مصر! خارج شد، پدرشان [به کسانی از اهلس که نزد او بودند] گفت: اگر مرا بیری سست اندیشه به حساب نیاورید به طور یقین [می گویم:] بوی یوسف را

تُفِيدُونِ ﴿٩٤﴾ قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالٍ الْقَدِيمِ ﴿٩٥﴾

احساس می کنیم! (۹۴) گفتند: به خدا قسم قطعاً تو در همان خطا و بیراهه بودن دیرینه هستی! (۹۵)

فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَى وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا قَالَ أَلَمْ

چون مژدمرسان آمد آن پیروان را بر صورت بغلوب افکند به ناگاه بینایی اش بازگشت! گفت:

أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٩٦﴾ قَالُوا يَا أَبَانَا

به شما نگفتم که من از سوی خداوند حقایقی می دانم که شما نمی دانید! (۹۶) گفتند: ای پسر!

اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ ﴿٩٧﴾ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ

آمرزش گناهانمان را بخواه! زیرا ما خطاکار بوده ایم (۹۷) گفت: به زودی از پروردگارم

رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٩٨﴾ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ أَوَى

برای شما در خواست آمرزش خواهم کرد که او بسیار آمرزنده و مهربان است (۹۸) زمانی که [پس از رسیدن به حدود مصر] بر یوسف وارد شدند.

إِلَيْهِ أَبُوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ ﴿٩٩﴾ وَرَفَعَ

پدر و مادرش را به بلوی خود جای داد و گفت: همگی به خواست خدا در حال امنیت به مصر وارد شوید! (۹۹)

أَبُوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوْا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ

[پس از ورود خاندانش به بارگاه، پدر و مادرش را [با احترامی ویژه] بر تخت [حکومتی خود] نشانند، و همه برای او به سجده افتادند، گفت: ای پدر!

رُءْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي

این تعبیر خواب پیشین من است که پروردگارم آن را تحقق بخشید، همانا به من احسان کرد که از زندان

مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي

نجاتم داد، و شما را پس از آن که شیطان بین من و برادرانم فتنه انداخت

وَبَيْنَ إِخْوَتِي إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿١٠٠﴾

از آن صحرانشینی نزد من آورد، پروردگارم در مورد آنچه بخواهد یا مهرورزی و نرمی برخورد می کند؛ زیرا او دانا و حکیم است (۱۰۰)

رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ ﴿١٠١﴾

[یوسف بعد از این دست به دعا برداشت و گفت: پروردگارا! بخشی از فرمانروایی را به من عطا کردی، و بعضی از تعبیر خواب ها را به من آموختی،

فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِى الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي

ای پدیدآورنده آسمان ها و زمین! تو در دنیا و آخرت سرپرست و یار منی، مرا در حالی که

مُسْلِمًا وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴿١٠٢﴾ ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ

با همه وجود! تسلیم [تو] باشم بمیران، و به شایستگان ملحقم کن! (۱۰۲) این از سرگذشت های [پرفایده] غیبی است

نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ

که آن را به تو وحی می کنیم، و تو هنگامی که [برادران یوسف] در کارشان تصمیم می گرفتند و برای انجامش [نقشه می کشیدند] ندان نبودی، [به این علت از آن]

بَمَكْرُونِ ﴿١٠٣﴾ وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾

خبر نداشتی، و این وحی الهی بود که تو از آن آگاه ساخت! (۱۰۳) بیشتر مردم هر چند رغبت شدیدی [به ایمان آوردن] داشته باشی، ایمان نمی آورند! (۱۰۳)



وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿١٠٢﴾

و تو برای [تبلیغ] قرآن هیچ پاداشی از آنان نمی خواهی [آن را بهانه پذیرفتن و می الهی قرار دهند،] قرآن جز یادآور [حقایق] برای جهانیان نیست (۱۰۲)

وَكَايْنِ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ

در آسمان ها و زمین چه بسیار نشانه ها برای هدایت انسان ها است که [بدون تأمل در دلالتشان بر وجود خداوند،] بر آن ها می گذرند

عَنْهَا مُعْرَضُونَ ﴿١٠٥﴾ وَمَا يُوْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ

و از آن روی گردانند (۱۰۵) و بیشترشان به خداوند ایمان نمی آورند مگر این که [در همان حال برای او]

مُشْرِكُونَ ﴿١٠٦﴾ أَفَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمْ

شریک قرار می دهند (۱۰۶) آیا ایمنند از این که عذابی فراگیر از سوی خدا به آنان برسد، یا به ناگاه

السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٠٧﴾ قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى

قیامت درحالی که بی توجهند به سویشان آید (۱۰۷) بگو: این است راه من

اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ

که من و پیروانم بر پایه دلیل و برهان روشن به سوی خدا دعوت می کنیم، خداوند از هر عیب و نقصی پاک و منزّه است، و من

الْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٨﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ مِنْ

از مشرکان نیستم (۱۰۸) و [انیزا] پیش از تو جز مردانی از اهل آبادی ها را

أَهْلَ الْقُرَىٰ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ

که به آنان وحی می کردیم نفرستادیم، آیا [مخالفتان نبوت] در زمین گردش نکرده اند تا با دقت بنگرند

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا

که عاقبت کسانی که پیش از آنان بودند [و متکبران] به سبب با حق برخاستند چه بود؟ [مسلمانان] برای آخرت برای آنان که [از خداوند اطاعت کرده، و از محرماتش] پرهیز

نَعْقِلُونَ ﴿١٠٩﴾ حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا

داشتند بهتر است، آیا نمی اندیشید؟ (۱۰۹) [آن پیامبران زمانی طولانی مردم را به قبول ایمان دعوت کردند، و متکبران هم به انکارشان ادامه دادند] تا جایی که

جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ

پیامبران [از مؤمن شدن اکثر مردم] مأیوس شدند، و [کفر پیشگان] گمان کردند به آنان [در وعده یاری و حمایت] دروغ گفته شده [که نهایتاً] یاری ما به سوی پیامبران

الْمُجْرِمِينَ ﴿١١٠﴾ لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ

آمد، پس کسانی را که خواستیم رهایی یافتند، و عذاب ما از گنه پیشگان باز گردانده نمی شود (۱۱۰) [به راستی در سرگذشت آنان عبرتی برای خردمندان است،

مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ

قرآن] سخنی نیست که به دروغ بافته باشند، بلکه تصدیق کننده [حقانیت] کتاب های آسمانی پیش از خود،

وَنَفْصِلَ كُلَّ شَيْءٍ وَهْدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿١١١﴾

و توضیح دهنده هر چیزی است، و برای مردم مؤمن [سراسر] آیتش [هدایت و رحمت است] (۱۱۱)

سُورَةُ الرَّعْدِ

آیاتها
۴۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

الْمُرْسَلَاتُ أَلْيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ

الف، لام، میم، راه. این آیات ابا عظمت کتاب الهی است، و آنچه از سوی پروردگارت به سویت فرستاده شده سراسر حق و درستی است، ولی

أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يُوْمِنُونَ ﴿١﴾ اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا

بیشتر مردم ابه حق بودنش ایمان نمی آورند (۱) خدای یکتاست که آسمان ها را بدون پایه هایی که آن ها را ببینید بخواهشت

ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ

آن گاه به فرمانروایی ابر جهان هستی چیره شد، و خورشید و ماه را ابه سود شما به کار گرفت، همه برای مدت معینی ادر مدار هایشان

مُسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بَلَاءٌ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ ﴿٢﴾

روانند، امور اجهان و جهانیان را تدبیر می کند، نشانه های قدرت و ربوبیت و حکمتش را ابر و شنی توضیح می دهد تا شما به لقای پروردگارتان یقین کنید (۲)

وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ

و اوست که زمین را گسترانید، و در آن کوه هایی استوار و نه رهایی پدید آورد، و انیزا در آن همه محصولات

جَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ اثْنَيْنِ يُغْشَى اللَّيْلُ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ

مبوه ها، جفت دوتایی قرار داد همواره ابر دفتار یک ایشب ابر اچهر فروشن اروز می پوشاند ایتا با تعادل گر ما سر ما خیمه حیات پابر جا بماند، ابی گمان در این امور برای اندیشمندان

يَتَفَكَّرُونَ ﴿٣﴾ وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَ

نشانه هایی ابر ربوبیت و قدرت و حکمت خداوند است (۳) در زمین قطعه هایی گوناگون کنار یکدیگر است، و باغ هایی از انگور

زُرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنَوَانٌ وَغَيْرُ صِنَوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفَصِّلُ

و رویدنی ها و درختان خرما اکه برخی از آن ها با هم بر یک ریشه، و ابعضی جدای از هم بر غیر یک ریشه امی رویند،

بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ

مابرخ ا از آن ها ادر مبوه و محصول بالان که از یک نوع آب سیر ایشان می کنند بر برخی دیگر برتری می دهیم. بی تردید در این احقاق گوناگون و شگفت انگیز جهان طبیعت ا

يَعْقِلُونَ ﴿٤﴾ وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ إِذْ أَكُنَّا ثُرَابًا نَاثِرًا

برای مردمی که می فهمند نشانه هایی ابر توحید، ربوبیت و قدرت خداوند است (۴) اگر اهل شگفتی هستی، شگفت آور گفتار منکران امنتکبر لجوج است که ابدون

خَلَقَ جَدِيدًا أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ الْأَغْلَالُ

توجه به قدرت خداوند که آثارش در جهان طبیعت مقابل چشم و عقل آنان است، اظهار می دارند: ایا ما هنگامی که ايس از مرگ ا خاک شدیم به راستی در آفرینش جدیدی

فِي أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٥﴾

فرار خواهیم گرفت؟! ایتان به پروردگارشان کافرند، و در گردنشان بندهایی از گمراهی در دنیا، اوزنجیر هایی از عذاب در آخرت است، اهل آتشند و در آن جاودانه اند (۵)

وَبَسَّعْجَلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمُ

از پیش از در خواست آسایش او خبر دنیا و آخرت از روی مسخره انقضای شباب در آمدن عذاب دارند، تصورشان این است که عذاب الهی واقعی ندارد، انانی که پیش از آنان

الْمَثَلَاتُ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ وَإِنَّ رَبَّكَ

عذاب ها و عقوبت های عسرت آموز ابر کافران و مشرکان ابر و دآمده، یقیناً پروردگار نسبت به مردم با وجود ستیز و بدشان ایه ابات خدا صاحب ابرش است، و مسلمانان پروردگار است

لَشَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٦﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ

سخت کفر است (۶) کافران می گویند: چرا از سوی پروردگارش معجزه ای ابر غیر قرآن

مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ﴿٧﴾ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ

پروردگار ندیده است! تو فقط هشدار دهنده ای، اینه معجزه گر دائمی که هر وقت هر کسی معجزه دخواهش ابر و هدایای او برای هر ملتی هدایتگری است، (۷) خداوند احوالات

كُلُّ أَنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزِدُّهُ مِنْ شَيْءٍ عِنْدَهُ

وصفات و زمان ولادت جنین هایی که هر انسان و حیوان ماده ای ابرستن است، و آنچه را ارحام از مدت ولادت می گاهند، و آنچه را ابر مدت ولادت می افزایند می دانند، هر چیزی نر و ماده

بِمَقْدَارٍ ﴿٨﴾ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ ﴿٩﴾

دارای اندازه است (۸) دانای نهان و آشکار، و بزرگ و بلند مرتبه است (۹)

سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسَرَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخَفٌّ بِاللَّيْلِ

ایرای او یکسان است که کسی از شما سخن اگفتنش را پنهان بدارد یا آشکار کند، و کسی در شب

وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ ﴿١٠﴾ لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ

مخفیانه حرکت کند یا روز راهی را بپیماید (۱۰) برای انسان از پیش رو و پشت سر

يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا

نگه دانی است که او را به فرمان خداوند از آسیب ها ابر می دارند، قطعاً خداوند سرنوشت هیچ ملتی را به سوی خوش بختی یا تیر بختی ابر تغییر نمی دهد تا آن که

بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَالَهُمْ مِنْ دُونِهِ

آنان آنچه را از خوبی های ابدی ها ابر وجود خود دارند تغییر دهند، چون خداوند برای ملتی عذاب بخواهد هیچ راه بازگشتی برای آن نیست، و برای آنان در برابر خداوند

مِنْ وَالٍ ﴿١١﴾ هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَ

هیچ یاری وجود ندارد (۱۱) اوست که برق اجهنده را از میان قطعه های ابر در حالی که مایه ترس و امید است به شما نشان می دهد،

يُنَشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ ﴿١٢﴾ وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَ

و ابرهای سنگین بار را پدید می آورد (۱۲) رعد همراه با ستایش، خداوند را با تسبیح گفتن از هر عیب و نقصی منزّه می دارد،

الْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا

و فرشتگان نیز با حالت بیم از او اهورا به تسبیح خدا مشغولند، و صاعقه ها را می فرستد، و به وسیله آن ها به هر کس بخواهد آسیب می رساند، در حالی که

مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ ﴿١٣﴾

کافران و مشرکان ابر مشاهده این همه آثار قدرت و ربوبیت ابر هم در باره خداوند گفت و گوی بی منطق می کنند، در صورتی که خداوند سخت کفر است (۱۳)

لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْمَعُونَ لَهُمْ شَيْءٌ

دعایی که حق و درست است او مستجاب شدنش مایه حل مشکلات است فقط دعا به پیشگاه خداست، معبودهایی که [مشرکان] به جای خدا [در برابرشان] ادعای کنند چیزی

إِلَّا كَبَاسِطٌ كَفِيهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغٍ إِلَيْهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ

از خود استندایشان از ابرایشان پاسخ نمی دهند، [دعایشان در پی پاسخ مایه نیست] مگر مانند کسی است که دودشش را به سوی آبی [که بان فاصله زیادی دارد] می کشاند

إِلَّا فِي ضَلَالٍ ۝۱۲ وَاللَّهُ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا

آن [آب] به دهانش برسد، در حالی که هرگز نخواهد رسید، دعا و درخواست کافران [از غیر خدا] جز در گمراهی و تباهی نیست (۱۲) کسانی که در آسمان ها و زمین ها و ناخواه،

وَضِلَالٍ لَهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْأَصَالِ ۝۱۵ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ

و نیز سایه هایشان در بامداد و شامگاه فقط برای خداوند سجده می کنند (۱۵) به مشرکان [بگو: پروردگار آسمان ها و زمین کیست؟] خودت بی درنگ که اهل بصیرت و فهمی [بگو]

قُلْ أَفَاتَخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ أَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ

خداوند یکتا است، بگو: آیا ای دلیل [معبودانی] را به جای او انتخاب کرده اید که اختیار هیچ سود و زنی را برای خود ندارند، [چه رسد برای شما؟] چه انتخاب

هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ

رشت و بی مایی؟ [بگو: آیا کور دل و دارای بصیرت یکسانند؟ آیا تاریکی ها و نور برابرند؟] آیا

شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ

شریکانی برای خدا قرار داده اند که مانند مخلوقات او [مخلوقاتی] آفریده اند، آن گاه آفریده خدا و آفریده شریکان [در خیالشان] مشبه شده [که به پرستش معبودانی به عنوان شریک خدا]

الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ۝۱۶ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ

آفرینش روی آورده اند؟ [بگو: آفریننده همه چیز فقط خداست، و تنها او یکتای پرور است (۱۶)] [خداوند] از آسمان آبی فرستاد که در دره ها و آب ها [سیلابی] به اندازه گنجایش آن هاجری شد،

السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ

و سیلاب ها به روی خود کفی پف کرده را حمل کردند، و [نیز] از فلزاتی که برای به دست آوردن زینت و زیور و یا ابزار و کالا بر آن آتش می افروزند،

زَبَدٌ مِثْلُهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ

کفی [پف کرده] چون آن [کف سیلاب] بر می آید، خداوند این گونه حق و باطل را [به امور محسوس] مثل می زند، اما آن کف [پف کرد روی سیلاب و روی فلز] گداخته شده، چون هیچ اثر

جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ

و سودی در آن نیست [کناری رفته، به صورتی] بر آکنده تلاشی شده [از بین می رود، و اما آنچه] [چون آب و زیور زینت] به مردم سود می رساند در زمین می ماند، خداوند به این صورت

الْأَمْثَالِ ۝۱۷ لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ الْخُسْنَى وَالَّذِينَ لَمْ

مثل های گوناگون [بیان می کند] آن مردم در همه امور، حق و باطل را [بشناسند] (۱۷) برای آنان که [دعوت] پروردگارشان [به سوی هدایت] را اجابت کردند بهترین

يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا

فرجام است، و آنان که [دعوت] او را [بی پاسخ] گذاشتند، اگر دو برابر همه آنچه را روی زمین است مالک باشند، بی تردید آن ها را برای نجات [خود از عذاب] خواهند داد،

بِهِ أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ۝۱۸

آنان را حساب سختی است، و جایگاهشان دوزخ است که بد بستری است (۱۸)



﴿۱۸﴾ أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَنْذِرُكَ

آن کسی که از آنکه به پرورش و دانایی اش امر می دهد آنچه از سوی پروردگار تو نازل شده حق است و درست، مانند کسی است که کور است [است ۱۸]

أُولَٰئِكَ الْأَلْبَابُ ﴿۱۹﴾ الَّذِينَ يُوَفُّونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ ﴿۲۰﴾

و آنها این می مانند اینها را که وعده را وفا می دهند و عهد خدا را ادا می کنند و پیمان شکن نیستند [است ۲۰] و به آنچه

وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ

و آنها را که به پیوند خود رسیده بآن فرمان داده [چون پیامبر و اهل بیتش] و خوششان و تکالیف و مسئولیت ها را می بینند و همواره از عظمت و جلال پروردگارشان در هر استی و از سختی

سُوءِ الْحِسَابِ ﴿۲۱﴾ وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

حساب [در آخرت] می مانند [است ۲۱] و برای به دست آوردن خشنودی پروردگارشان در برابر ترک گناهان و انجام فرائض و در پیش آمده های ناگوار صبر کردند و نماز را با اشتراط و نیاز انجام دادند

وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَٰئِكَ

و بخشی از آنچه را به آنان عطا کردیم در نهان و آشکار انفاق کردند و همواره با نیکی کردن [و اخلاق خوش] زشتی [و خطای دیگران] را دفع می کنند

لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ ﴿۲۲﴾ جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ﴿۲۳﴾ سَلَامٌ

در آن سرای، فرجام نیک و ویژه آنان [است ۲۲] بهشت های جاویدانی که آنان و پدران

مُحْسِنُونَ وَفَرَزِدَانِ نِيكُو كَارِشَانِ دَرِ اَن اَوَارِدِ مِي شُونَد، وَ فَرَشْتِگَانِ اَزِ هَرِ سَوِيَرِ اَنَانِ دَرِ اَنِيْدَن (۲۳) اَوِ گُوِيْنَدَن اَمْنِيْتِ اِهْمِه جَانِبِه ا

عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ ﴿۲۴﴾ وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ

به پاس استقامتی که [در دنیا] داشتید بر شما باد، فرجام این سرا نیکوست [است ۲۴] آنان که عهد خدا را

بَعْدَ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ

پس از استوار بودنش می شکنند و پیوند هایی را که خداوند به برقراری آن ها فرمان داده می گسلند و همواره در زمین به تباهی کاری و فتنه انگیزی مشغولند

أُولَٰئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ﴿۲۵﴾ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ

لعنت و فرجام شوم برای آنان است [است ۲۵] خداوند روزی را برای هر کس که بخواهد وسعت می دهد، و [برای هر که بخواهد]

وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ

تنگ می گیرد، آنان که از حیات جاویدان آخرت و برکاتش بی خبرند [به زندگی دنیا مغرورانه] دلخوشند، در حالی که زندگی دنیا نسبت به آخرت جز کالایی ناچیز نیست [است ۲۶]

﴿۲۶﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا أَلَمْ نَأْتِ اللَّهَ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّا

کافران می گویند: چرا معجزه ای [غیر قرآن] از سوی پروردگارش بر او نازل نشده؟! بگو: قطعاً خداوند

يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَ ﴿۲۷﴾ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ

هر کس را بخواهد [پس از اتمام حجت و ارائه دلایل روشنگر] در گمراهی واهی می نهد، و هر کس را که [به توبه و اخلاص] از غیر خدا [به سوی خدا] بازگرداند هدایت می کند [است ۲۷] [هدایت یافتگان]

قُلُوبُهُمْ يَذْكُرُ اللَّهُ الْآيَاتِ كُرِ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴿۲۸﴾

انان اندا که مؤمنند، و دل هایشان به یاد خداوند آرامش می یابد، آگاه باشید! دل ها فقط به یاد خدا آرامش می گیرد [است ۲۸]

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ

مؤمنانی که کارهای شایسته انجام دادند پاک‌ترین و بهترین زندگی و بازگشتی نیک (به سوی خدا)

﴿۲۹﴾ كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لِّتَسْتَلُوا

برای آنان است (۲۹) آن گونه که پیامبران گذشته را فرستادیم تو را نیز در بین امتی که پیش از آن امت‌هایی درگذشتند فرستادیم

عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا

تا آنچه را به تو وحی کردیم بر آنان بخوانی، در حالی که آنان اباروی گردانیدن از وحی (به خداوند رحمان کفر می‌ورزند، بگو: فقط او پروردگار من است)

إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابٌ ﴿۳۰﴾ وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ

معبودی جز او نیست، تنها بر او توکل کردم، و بازگشتم فقط به سوی اوست (۳۰) اگر قرآنی بود که گویا به وسیله آن

بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَةٌ بِهِ الْمَوْتُ بَلْ لِّلَّهِ الْأَمْرُ

به حرکت می‌آمدند یا زمین پاره‌پاره می‌گشت، یا با کمک آن بامردگان سخن گفته می‌شد یا از هم این معاندان لجباز و متکبران زشت باطن ایمان نمی‌آوردند (آری همه تکرر حافظ

جَمِيعًا أَفَلَمْ يَأْتِئْسَ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهْدَى النَّاسَ

در اختیار خداست، پس آیا آنان که ایمان آورده‌اند ندانسته‌اند که اگر خداوند می‌خواست همه مردم را

جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا أَتُصِيبُهُمُ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُ

(به اجبار) هدایت می‌کرد؟ (اولی هدایت اجباری فاقد ارزش است، همواره به کافران به کیفر آنچه انجام داده‌اند حادثه‌ای کوبنده می‌رسد یا آلسیما

قَرِيبًا مِنْ دَارِهِمْ حَتَّى يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿۳۱﴾

نزدیک خانه‌هایشان فرود می‌آید تا نهایتاً وعده خداوند (مبنی بر شکست حتمی کافران و عذابشان در آخرت) افراسد، یقیناً خداوند از وعده تخلف نمی‌کند (۳۱)

وَلَقَدْ اسْتَهْزَأُ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَامْلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ

انتها تو را در معرض مسخره قرار نمی‌دهند، (پیامبرانی که پیش از تو بودند نیز مسخره شدند، نهایتاً به کافران مهلت دادم، سپس آنان را (به عذابی سخت) مجازات کردم

فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ﴿۳۲﴾ أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ

پس عذاب (من) چگونه بود؟! (۳۲) آیا کسی که بر همه نفوس جهانیان با آنچه به دست آورده‌اند حاکم و مراقب است، (و همه تحولات و جودشان را تا رساندنشان به مقصود در اختیار دارد

وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُلْ سَمُّوهُمْ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ

مانند کسی است که فاقد این قدرت و دانش است؟! (با این همه) آنان برای خدا (در رویتش) شریکانی قرار داده‌اند (بگو: ویژگی‌های آن شریکان را بیان کنید) تا روشن شود که آیا ناباست

أَمْ يَظَاهِرُونَ الْقَوْلَ بَلْ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَامْكُرُهُمْ وَصُدُّوا

شریک خدا بودن هستند؟! (آیا خداوند از چیزی در روی زمین که آن‌ها را (شریک خود) نمی‌شناسد خبر می‌دهید؟ یا سخنی بوج و واهی است (که بر زبان می‌رانند)؟! (این نیست که

عَنِ السَّبِيلِ وَمَنْ يَضِلِّ اللَّهُ فَالَهُ مِنْ هَادٍ ﴿۳۳﴾ لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَبْوَةِ

می‌گویند، بلکه برای کافران نیرنگ (و دروغ)‌شان زیبا جلوه داده شده (که به آن بایستند)، و آن‌ها را از راه خداوند باز داشته‌اند، هر که را خداوند (به کیفر عقاید و اعمال) باطلش (در گمراهی

الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ وَمَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ ﴿۳۴﴾

و انهد او را هیچ هدایت کننده‌ای نیست (۳۳) برای آنان در زندگی دنیا عذابی است، و مسلماً عذاب آخرت سخت‌تر است، و برای آنان هیچ نگهدارنده‌ای از (عذاب) خدا نیست (۳۴)

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكُلُهَا

وصف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده‌اند این است که از زیر درختان آن نهرها جاری است.

دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ

سودها و سایه‌هایش همیشگی است، این فرجام کسانی است که از خدا اطاعت کرده، از مجزائش پرهیز داشتند، و عاقبت کافران.

وَالَّذِينَ آمَنُوا هُمْ أَكْثَرُ النَّاسِ هَلْ يَأْتِيهِمْ الْيَقِينُ ۝ (۳۵)

آنست (۳۵) احقّ جویان از اهل کتاب از آنچه بر تو نازل شده شادمانند، و برخی از گروه‌های اهل کتاب.

الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ

بخشی از آن را منکرند، بگو: من مأمورم که خداوند یکتا را بپرستم، و شریکی برای او قرار ندهم.

بِهِ إِلَهٍ أَدْعُوا وَإِلَيْهِ مَابِ ۝ (۳۶) وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا

فقط به سوی او دعوت می‌کنم، و باز گشتم تنه‌ها به پیشگاه اوست (۳۶) همان گونه که پیش از این کتاب‌های آسمانی را برای هدایت مردم نازل کردیم [قرآن را حکمت آموز و گویا]

وَلَئِنْ أَتَيْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ

فرستادیم، اگر از خواسته‌های آنان شروع کنی پس از دانشی که [چون قرآن] برایت آمده پیروی کنی، در برابر خداوند به نفع تو

وَلِيٍّ وَلَا وَاكِ ۝ (۳۷) وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ

هیچ یاور و نگهدارنده‌ای [از عذاب] نیست (۳۷) همانا پیش از تو پیامبرانی را فرستادیم، و برای آنان

أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ

همسران و فرزندان قرار دادیم، شایسته هیچ پیامبری نیست که جز به خواست خداوند معجزه‌ای بیاورد.

أَجَلٍ كِتَابٍ ۝ (۳۸) يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ

برای هر زمانی بر نامه مقدر شده‌ای [ثبت] است (۳۸) خداوند هر چه را بخواهد محو می‌کند، و هر چه را بخواهد پایدار می‌سازد، و «امم کتاب»

۝ (۳۹) وَإِنْ مَأْتِ رَبُّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتُوفِّيَنَّكَ فَاِنَّمَا

نزد اوست (۳۹) اگر یارهای از عذاب‌هایی که منکران را به آن تهدید می‌کنیم به تو نشان دهیم [می‌بینی] بسیار سخت و دردناک است، آیا چنانچه ایشان از آن اتورا قبض روح

عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ ۝ (۴۰) أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ

کنیم [در قیامت عذابشان را خواهی دید]، وظیفه تو فقط ابلاغ است، و حساب‌رسی بر عهده ماست (۴۰) آیا کافران و مشرکان نمی‌دانند که عاصمواره به زمین می‌پردازیم.

نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لِمُعْتَبِرٍ وَهُوَ سَرِيعٌ

و از نواحی آن املت‌ها و تمدن‌ها و دانشمندان را می‌گشاید؟ خداوند فرمان می‌دهد و هیچ بازدارنده‌ای در برابر فرمانش نیست، و او حساب‌رسی سریع است (۴۱) کسانی که پیش از اینان

الْحِسَابِ ۝ (۴۱) وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا يَعْلَمُ

در برابر فرمان خداوند [نیرنگ] زدند، و نقشه‌ها بر ضد آن کار گرفتند موفق به اهدا شدن نشدند از این همه نقشه‌ها و تدبیرها در اختیار خداست؛ و او هر مکر و نقشه‌ای را که هر کس [بر]

مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسَيَعْلَمُ الْكُفَّارُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ ۝ (۴۲)

ضد فرمان حق [به کار می‌گیرد] می‌داند، و پیش از به نتیجه رسیدن خنثی می‌کند، [نیرنگ] باز آن به زودی خواهند دانست که فرجام [خوش و ناخوش] اسرای دیگر برای کیست (۴۲)

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا أَلَسَتْ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا

کافران می‌گویند: تو فرستاده خدا نیستی! بگو: کافی است که خداوند [با قرآن حکمانه‌اش]

بَيِّنِي وَبَيِّنَ كُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ ﴿٢٣﴾

و کسی [چون] امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام که همه دانش کتاب نزد اوست [بر صدق رسالت] بین من و شما گواه باشند. (۲۳)

سُورَةُ اِبْرَاهِيمَ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی‌اش همیشگی

الرَّكِتَابِ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى

الف، لام، راه. [این] کتابی است که آن را به سوی فرستادیم تا مردم را به خواست پروردگارشان از تاریکی‌های جهل، فساد، گمراهی و تفرقه

النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٢٤﴾ اللّٰهُ الَّذِي لَهُ

به سوی نور درآوری، به سوی آن نور که همان راه [خدای] توانای شکست‌ناپذیر و ستوده است. (۲۴) خداوند یکتایی که

مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَوَيْلٌ لِّلْكَافِرِیْنَ مِنْ

آنچه در آسمان‌ها و زمین است در سبطه و مالکیت و فرمانروایی اوست، و وای بر کافران

عَذَابٍ شَدِیْدٍ ﴿٢٥﴾ الَّذِیْنَ یَسْتَحِبُّوْنَ الْحَیٰوةَ الدُّنْیَا عَلٰی الْاٰخِرَةِ

از عذابی سخت! (۲۵) آنان که زندگی ازودگذر و فانی‌شدنی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند،

وَيَصُدُّوْنَ عَنْ سَبِیْلِ اللّٰهِ وَیَبْغُوْنَهَا عَوْجًا اُولٰٓئِكَ فِی ضَلٰلٍ

و [مردم را] از حرکت در راه خدا باز می‌دارند، و می‌خواهند آن را [با وسوسه و اغواگری] کج‌نشان دهند، در گمراهی بسیار دوری [که هرگز در آن دسترسی به

بَعِیْدٍ ﴿٢٦﴾ وَمَا اَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُوْلٍ اِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمٍ لِّیُبَیِّنَ

هدایت‌ندارند] هستند. (۲۶) ما هیچ پیامبری را جز به زبان قوم همگانی است حقایق و معارف الهی را برای آنان بیان کند،

لَهُمْ فِیْضِلُ اللّٰهُ مَنْ یَّشَآءُ وَیَهْدِیْ مَنْ یَّشَآءُ وَهُوَ الْعَزِیْزُ

پس خداوند هر کس را که بخواهد [به کیفر تکبرش در برابر حق] در گمراهی و امی‌نهد، و هر کس را که بخواهد هدایت می‌کند، او توانای شکست‌ناپذیر

الْحَكِیْمُ ﴿٢٧﴾ وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا مُوْسٰی بِآیٰتِنَا اَنْ اَخْرِجْ

و حکیم است. (۲۷) همانا موسی را با معجزات خود فرستادیم، او از او خواستیم که: قوم خود را

قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ وَذَكِّرْهُمْ بِآیٰمِ اللّٰهِ

از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آر و روزهای خدا را که روزهای پیروزی مؤمنان و شکست کافران است [به آنان یادآوری کن]

اِنَّ فِیْ ذٰلِكَ لَاٰیٰتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُوْرٍ ﴿٢٨﴾

بی‌گمان در این [روزهای خدا] برای هر شکیبای سپاس‌گزاری نشانه‌هایی [از قدرت، ربوبیت، احسان و انتقام خدا] است. (۲۸)

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِذْ كُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ

چون موسی به قومش گفت: نعمت‌های خداوند در حق خودتان را به یاد آورده [قلباً مورد توجه قرار دهید]

أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَبُذِّجُونَ

از راه که شما را از [حکومت ظالمانه] فرعونیان نجات داد، [هم آنان که] همواره شما را شکنجه سخت می‌دادند، و فرزندانان را

أَبْنَاءَكُمْ وَبَسَّجُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ

سر می‌بردند، و زنانان را [برای بیگاری] زنده می‌گذاشتند! در این [پیش‌آمدها] آزمائش بزرگی

رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿٦﴾ وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ

[ر سبوی پروردگار برای شما بود، (۶) و اینز گفت: پروردگارتان مؤکداً اعلام کرد: چنانچه [نعمت‌هایم را] سپاس‌گزار باشید [آن را]

وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ﴿٧﴾ وَقَالَ مُوسَى إِنْ تَكْفُرُوا

بر شمایم افزایم، و در صورتی که دچار ناسپاسی شوید، [اگر رفتار عذاب محرومیت از نعمتم خواهید شد،] ایقیناً عذاب من سخت‌است! (۷) موسی [به قومش] گفت: اگر

أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٨﴾ الْمَرِياتِكُمْ

شما و همه مردم روی زمین [نسبت به نعمت‌های مادی و معنوی حق، غرق ناسپاسی شوید [هیچ زبانی به خدا نمی‌رسد: زیرا] خداوند بی‌نیاز مطلق، ستوده و خصال‌است! (۸) ای

نَبِیُّ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ

ناسپاسان ملت‌ها! آیا خبر [عبرت‌آموز] اقوامی که پیش از شما بودند به شما نرسیده؟ قوم نوح، عاد، ثمود

مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ ﴿٩﴾ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ

و نیز اقوامی که پس از ایشان بودند که از [وضع] آنان کسی غیر خدا آگاه نیست، [همه و همه اقوامی بودند که] پیامبران‌شان

فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ

برای آنان دلائل روشن آوردند، ولی آنان [به نشانه انکار حق، و رد دعوت پیامبران] دست‌هایشان را در دهان گذارده، سپس گفتند: قطعاً ما به آن اهدافی که شما را

بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٌ ﴿١٠﴾ قَالَتْ رُسُلُهُمْ

برای آن فرستاده‌اند کافریم، و به آنچه ما را به سوی آن می‌خوانید در تردیدی بسیار شدید هستیم! (۱۰)

إِنِّي لِلَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ

پیامبران‌شان گفتند: آیا در وجود خداوند یکتا که پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین است شکی هست؟ او شما را

لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَبَوِّخَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى

[به توحید و آخرت و معارف سعادت بخش] دعوت می‌کند تا [با مؤمن شدن به آن‌ها] بخشی از گناهاتان را بیاورزد، و شما را [اسرا] مدن عمر طبیعی و از زمان مقرر شده

قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونا عَمَّا

مهلت دهد او جوان‌مرگتان نکنند، [در پاسخ پیامبران] گفتند: شما چون ما جز بشری [عادی و معمولی] نیستند

كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأَتُونَا بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿١١﴾

که می‌خواهید ما را از معبودانی که پدرانمان می‌پرستیدند بازدارید، شما برای اثبات صدق رسالت خود [معجزه و دلیل روشنی] که مورد پستند ما باشد [بیاورید!] (۱۱)



قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ بَعَثَ لَنَا رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِنَا

پیامبر ایشان به آنان گفتند: این سخنی است در سنت که ما از نظر طبع خلقت، جز بشری مانند شما نیستیم، ولی این هم واقعیست حتی است که خدا

عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ

به هرکس از بندگانش بخواهد نعمت انبوت و رسالت عطا می کند، و برای ما شایسته نیست

إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١١﴾ وَمَا لَنَا

که جز به خواست خداوند معجزه ای برای شما بیاوریم، باید مؤمنان فقط بر خداوند توکل کنند (۱۱) برای ما

أَلَّا نَتَّوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنْصِبرَ عَلَى مَا

چه عجز و بهانه ای است که بر خدا توکل نکنیم؟ در حالی که ما را به همه راه های سعادت امان راهنمایی کرده، یقیناً با توکل به خداوند، بر آزارهایی که

أَذِيقُمْوُنَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿١٢﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا

برای نجات دادنتان از کفر و شرک به ما و امانی دارید صبر می کنیم، پس باید توکل کنندگان فقط بر خدا توکل کنند (۱۲) کافران به پیامبر ایشان گفتند:

لِرُسُلِهِمْ لَنْخُرْجَنَكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَنَعُودَنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَى

مسلمانان ما شما را از سرزمین خود بیرون می کنیم مگر این که همکیش ما شوید

إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنْهْلِكَنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٣﴾ وَلَنْسُكِّنَنَّكُمْ

پروردگارشان به آنان وحی کرد: ما قطعاً ستمکاران را نابود خواهیم کرد (۱۳) و بی تردید شما را پس از آنان در همان سرزمین

الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ ﴿١٤﴾

سکونت خواهیم داد، این [الطف و محبت من] و بزرگوار کسی است که از [ایستادن در پیشگاه عدالت من] برای حسابرسی [بترسد، و از تهدید [به عذاب] ایستناک باشد] (۱۴)

وَاسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ﴿١٥﴾ مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَ

[پیامبران از خدا] درخواست پیروزی و گشایش کردند، و هر سرکش منحرفی [از رسیدن به اهداف شومش] نا امید شد (۱۵) دوزخ پیش روی

يُسْقَى مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ ﴿١٦﴾ يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِغُهُ

هر سرکش منحرف است، او را [در آن جا] از آبی چرکین و متعفن می نوشانند (۱۶) آن را جرعه جرعه [به سختی] می نوشد

وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ

در حالی که هرگز حاضر نیست آن را [به میل خود] بپاشد، مرگ از همه طرف به او روی می آورد، ولی مردنی نیست

وَرَأْيِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ ﴿١٧﴾ مِثْلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ

و عذاب سخت پیش روی اوست (۱۷) مثل اعمال کسانی که به پروردگارشان کافر شدند

أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ

مانند خاکستری است که تندبادی شدید در یک روز توفانی به آن وزیده، و چنان آن را در فضا پراکنده کرده که هرگز قابل جمع کردن نباشد، [آنان نمی توانند]

مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ ﴿١٨﴾

کمترین سودی از آنچه انجام داده اند به دست آورند، این است همان گمراهی بسیار دور [که هرگز در آن دسترسی به هدایت ندارند] (۱۸)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ يَشَاءُ مِنْكُمْ

ای انسان! آیا ندانسته‌ای که خداوند آسمان‌ها و زمین را بر پایه حق و درستی او نظم و حساب آفرید؟ اگر بخواهد شما را از بین می‌برد

وَيَأْتِي بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ۝ ۱۹ وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ۝ ۲۰ وَبَرَزُوا لِلَّهِ

و آفریده‌هایی جدید می‌آورد (۱۹) و این [اگر] بر خداوند دشوار نیست (۲۰) [در عرصه قیامت] همه در پیشگاه خداوند

جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ نَبَعًا

ظاهر می‌شوئیم، سست‌اندیشان ای که کورگورانه مقلد مستکبران گمراه بودند [به مستکبران می‌گویند: ما] در دنیا بدون درخواست دلیل [پیر و شمع] بودیم،

فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنْكُمْ عَذَابَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا أَلَوْ هَدَّ سَنَا اللَّهُ

ای [امروز] چیزی از عذاب خدا را از ما برطرف می‌کنید؟ می‌گویند: اگر خداوند [در صورت نشان دادن لیاقت،] ما را هدایت کرده بود

لَهَدَيْنَاكُمْ سُوءًا عَلَيْنَا أَجْزَعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَحْصِنٍ ۝ ۲۱

ما هم هر آینه شما را هدایت می‌کردیم، اکنون چه بیتاب باشیم و چه صبر کنیم برای ما یکسان است؛ زیرا ما هیچ راه گریزی [از عذاب خدا]

وَقَالَ الشَّيْطَانُ لِمَ أَقِضَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ

ناریم (۲۱) [شیطان، این دشمن سوگند خورده، هنگام پایان پذیرفتن کار [محاسبه اهل محشر به پیر و دانش] می‌گوید: یقیناً خداوند به شما [در مورد برپا شدن قیامت و پاداش]

وَوَعَدُنَاكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ

و کفر [و وعده حق و درست داد، و من به شما وعده [پروا و واهی] دادم، و از آن [هم] تخلف کردم، من بر شما هیچ تسلطی نداشتم [که شما را به زور به شرک و کفر و گناهان آلوده کنم،]

إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تُلُومُونِي وَلَوْ مَوْأَ أَنْفُسَكُمْ

فقط [به آن] امور ضد حق [دعوتتان کردم، و شما] هم بدون اندیشه و درخواست دلیل [دعوت مرا پذیرفتید؛ بنابراین سرزنش نمی‌کنید، بلکه خود را سرزنش کنید،]

مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِي إِنْ كَفَرْتُمْ بِمَا

نه من فریادرس شمایم، و نه شما فریادرس من، بی‌تردید از این که مرا در دنیا [در اطاعت کردن]

أَشْرَكْتُمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ ۲۲

شریک خدا قرار دادید بیزارم، یقیناً برای ستمکاران عذاب دردناکی است (۲۲)

أَدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ

مؤمنانی را که کارهای شایسته انجام دادند به بهشت‌هایی درآورد که

تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا

از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، در آن جا به خواست پروردگارش جاودانه‌اند، و درود [خدا] بر آنان در آن بهشت‌ها، اعلام

سَلَامٌ ۝ ۲۳ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً

امنیت همه جانبه آن‌هاست (۲۳) آیا ندانسته‌ای که خداوند چگونه کلمه پاک [یعنی توحید و اسلام] را

كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ۝ ۲۴

تشبیه به درخت پاک کرده است که ریشه‌اش استوار، و شاخه‌اش در آسمان است؟ (۲۴)

نُوتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ يَأْذِنَ رَبُّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ

ایترختی که [میوه‌اش را به خواست پروردگارش در هر زمانی می‌دهد، خداوند برای مردم مثلها می‌زند]

لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٥﴾ وَمِثْلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ

تا متذکر احقابق شوند (۲۵) و کلمه ناپاک (که عقاید باطل و می‌داده و آثار زشت آن است) شبیه درخت ناپاک است

اجْتُمَعَتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ ﴿٢٦﴾ يُشَبِّثُ اللَّهُ الذِّهْنَ

که از زمین و آسمان شده، هیچ قرار و ثباتی ندارد (۲۶) خداوند مؤمنان

أَمْنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُصِلُ

در زندگی دنیا و آخرت، بر اعتقادات درست و صحیح ثابت قدم و نزلزل‌ناپذیر می‌دارد.

اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ﴿٢٧﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا

و خداستعزاز را از ابراهیم و یسوع و عیسی و غیره با یسوع و عیسی و غیره و خداوند هر چه را خواهد ایراسان حکمتش انجام می‌دهد (۲۷) آیا (وضع) استی که

نِعِمَّتَ اللَّهُ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ ﴿٢٨﴾ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا

از روی نعمت آگاهی انعمت خدا را که می‌توانستند در سایه نیکویش به سعادت دنیا و آخرت برسند به ناسپاسی تغییر دادند، ندانستهای که قومشان را به دوزخ می‌برد

وَبِئْسَ الْقَرَارُ ﴿٢٩﴾ وَجَعَلُوا اللَّهَ أَدَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ

هلاکت‌آورند (۲۸) همان انورخی که در آن وارد می‌شوند و بدقرارگاهی است (۲۹) تغییر نعمتی که مرتکب شدند این بود که برای خداوند از نیت هاشم یک قرار دادند

تَمَتَّعُوا فَإِن مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ ﴿٣٠﴾ قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ

تا ایام هر گنجینه برستی هر دهر از راه او منحرف کنند بگو: [چند روزی از در آمد اندکی که از ناحیه آیین بت پرستی و خالی کردن جیب و پیر و تان دار بدایر خود دار شوید]

أَمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا زُقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً

که یقیناً بازگشت شما به سوی تش است (۳۰) به بندگان مؤمنم بگو: نماز را با شربط و یزهاش بخوانند، و از آنچه از نعمت‌های مادی و معنوی روزی آنان کردیم در میان

مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خِلَالَ ﴿٣١﴾ اللَّهُ الَّذِي

و آشکار اتفاق کنند، پیش از آن که روزی فرارسد که در آن نه دادوستدی است، و نه بیوند دوستی (۳۱) خداوند یکسات

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ

که آسمانها و زمین را آفرید، و از آسمان باران اسودمندی فرستاد، و برای شما

بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ

به وسیله آن رزقی [مناسب] از میوه‌های گوناگون پدید آورد، و کشتی‌ها را برای شما به کار حرکت

فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْآنِهَارَ ﴿٣٢﴾ وَسَخَّرَ لَكُمُ

تا به فرمان او در دریا روان شوند، و نیز نه‌ها را برای ابهره‌وری شما به خدمت گرفت (۳۲) و خورشید

الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ﴿٣٣﴾

و ماه که ابا برنامه منظم و حساب‌شده‌ای درکارند، و نیز شب و روز را برای ابهره‌وری شما مسخر کرد (۳۳)

وَاتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ

در هر چیزی که [به سبب نیازهای مادی، معنوی، فردی و اجتماعی] از او خواستید عطا بمان کرد، و اگر [به خواهید] نعمت‌های خداوند را بشمارید

لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ ﴿٣٢﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ

هرگز نمی‌توانید آن‌ها را به شماره آرید، حقا که انسان [با این همه لطیفی که به او شده] بسیار ستمکار، و [در کیفیت و کمیت هزینه کردن نعمت‌ها]

رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ

بسیار ناسپاس است (۳۴) [به یاد آرید] هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگارا! این شهر [مکه] را امن قرار ده و من و فرزندانم را از پرستش

الْأَصْنَامَ ﴿٣٥﴾ رَبِّ إِنَّهُمْ أَصْلَحْنِ كَثِيرًا مِنْ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعْنِي

بنت‌ها و پسرانم (۳۵) پروردگارا! آن [بنت‌ها] و متولیان‌شان [بسیاری از مردم را منحرف کردند پس هر که از من [که پابنده توحید خالصم] پیروی کند حتما

فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣٦﴾ رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ

از من است، و هر که از من نافرمانی کند [کارش به خود تو واگذار است که] تو بسیار آمرزنده و مهربانی (۳۶) پروردگارا! برخی

مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زُرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ

از فرزندانم را در دژه‌ای فاقد کشت و زرع، کنار خانه محترم ساکن کردم، پروردگارا! برای اینکه نماز را [با شرایط ویژه‌اش] بخوانند،

فَجَعَلْ أَفْعِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقُهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ

پس دل‌های گروهی از مردم را هواخواه و عاشق آنان کن! و از انواع میوه‌ها به آنان روزی بخش

لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ ﴿٣٧﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَى

تا شکرگزاری کنند (۳۷) پروردگارا! هر آنچه را پنهان می‌داریم و هر آنچه را آشکار می‌کنیم می‌دانی، هیچ چیز

عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴿٣٨﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

در آسمان و زمین بر خداوند پنهان نیست (۳۸) همه ستایش‌ها ویژه خداوندی است

وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ ﴿٣٩﴾

که اسماعیل و اسحاق را در سن سالخوردگی به من بخشید، یقیناً پروردگارم شنونده دعاست (۳۹)

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ

پروردگارا! مرا و فرزندانم را برپاکنندگان نماز قرار ده پروردگارا! دعایم را [درباره من و فرزندانم]

دُعَاءِ ﴿٤٠﴾ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ

مستجاب کن (۴۰) پروردگارا! روزی که [قیامت برای] محاسبه اعمال بندگان برپا می‌شود مرا و پدر و مادر و مؤمنان را

الْحِسَابِ ﴿٤١﴾ وَلَا تَحْصِبَنِي اللَّهُ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ

بیمار (۴۱) و خدا را از آنچه ستمکاران انجام می‌دهند

الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ ﴿٤٢﴾

پی‌خبر میندازد! مسلماً [کیفر] آنان را برای روزی که چشم‌ها در آن خیره می‌شود به تأخیر می‌اندازد (۴۲)

مُطِيعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفِيدَ شُهُمٌ

[در حالی که با نرسیده میخسته با غواری به سوی دادگاه های قیامت] شنایانند، سرهایشان را بالا گرفته، بلکه های چشمشان به هم نمی خورد، و دل هایشان

هَوَاءٌ ﴿٢٣﴾ وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا

خالی از امید! و نهی از چاره جویی است (۲۳) مردم را از روزی که عذاب به سوبیشان آید هشدار ده! پس ستمکاران می گویند:

رَبَّنَا أَخْرِنَا إِلَى آجَلٍ قَرِيبٍ نَجِبْ دَعْوَتَكَ وَتَتَّبِعِ الرَّسُولَ

پروردگارا! ما را تا سرآمدی نزدیک مهلت ده، تا دعوت را اجابت، و از پیامبران پیروی کنیم! [به آنان گویند:] یا

أَوَلَمْ تَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِنْ قَبْلِ مَا لَكُمْ مِنْ زَوَالٍ ﴿٢٤﴾

شما نبودید که پیشتر از آمدن این عذاب سوگند می خوردید که هرگز برای شما زوال و فتنای نخواهد بود؟ (۲۴)

وَسَكَنتُمْ فِي مَسَاكِينِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ

و در مسکن های ستمکاران برخود [که به عذاب دچار شدند] سکونت گرفتید، در حالی که

لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمْ الْأَمْثَالَ ﴿٢٥﴾ وَقَدْ

برای شمار و شن بود که ما با آنان [به سبب ستمشان] چگونه برخورد کردیم، و برای شما داستان های پند آموز گذشتگان را [که به عذاب ناپوشدند] بیان

مَكَرُوا وَمَكَرَهُمُ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ

کردیم، [ولی عبرت نمی گیرید!] آنان نیز نگشان را [تا جایی که در توان داشتند بر ضد حق] به کار گرفتند، ولی قدرت خداوند به نیرنگشان احاطه دارد

لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ ﴿٢٦﴾ فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ

هر چند کوه ها از قدرت نیرنگشان از جا کنده شود، [اما نیرنگشان در برابر قدرت حق هیچ اثری ندارد] (۲۶) هرگز مپندار که خداوند از وعده اش به پیامبران

إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ﴿٢٧﴾ يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ

[یعنی بر در هم کوبیدن ستمکاران نیرنگ باز] تخلف می کند؛ زیرا خداوند توانای شکست ناپذیر، و دارای انتقام است (۲۷) روزی که این زمین و آسمان ها

وَالسَّمَوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ﴿٢٨﴾ وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ

به زمین [و آسمان های] دیگری تبدیل گردند، و [همه] در پیشگاه خداوند یکتای پیروز ظاهر شوند (۲۸) آن روز گنه پیشگان

يَوْمَئِذٍ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ﴿٢٩﴾ سَرَابِيلُهُمْ مِنْ قَطَرَانٍ وَتَغْشَى

را می بینی که آنان را در زنجیرهایی به هم بسته اند (۲۹) پیراهن هایشان از قطران است؛ [اماده ای بسیار بدبو و قابل اشتعال] است،

وَجُوهَهُمُ النَّارُ ﴿٣٠﴾ لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ

و آتش چهره هایشان را می پوشاند (۳۰) تا خداوند [به این صورت] هرکس را به سبب گناهی که مرتکب شده کیفر دهد،

إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٣١﴾ هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنْذِرُوا بِهِ

بی گمان خداوند حسابرسی سریع است (۳۱) این [قرآن] پیامی رسا برای همه مردم است، تا به وسیله آن هشدارشان دهند،

وَلِيَعْلَمُوا أَنَّ مَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَلِيَذْكُرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ ﴿٣٢﴾

و [تا تدبیر در آیتش] آگاه شوند که او معبودی یکتاست، و خردمندان [از برکت آن] متذکر [حقایق] شوند (۳۲)

سُورَةُ الْحَجَرِ

آیاتها
۹۹مکة
۱۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

الرَّتِلَكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُبِينٍ ۝۱ رَبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ

الف، لام، راه، این است آیات ابا عظمت کتاب، و قرآن اوالامرتبه روشنگر (۱) چه بسا کافران که هنگام روبه روشن شدن با عذاب

كَفَرُوا وَالْوُكَانُوا مُسْلِمِينَ ۝۲ ذَرُهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَ

از زهر می کنند که کاش تسلیم اقرآن بودند (۲) و هایشان کن تا شکم چرانی کنند،

يُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۝۳ وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَ

و از امور روز گذر مادی بهره مند شوند و از روزها سرگرمشان سازد، به زودی ابد بختی و سیه روزی خود را خواهند فهمید (۳) هیچ شهری را نابود نکردیم مگر این که

لَهَا كِتَابٌ مَعْلُومٌ ۝۴ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ

ا به سبب فساد فراگیرش اسر نوشت معین اوقانون مندی ابرای آن بود (۴) هیچ ملتی از زمان معین خودش نه پیش می افتد، و نه پس می ماند (۵)

۝۵ وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ ۝۶ لَوْ مَا

ا کافران به پیامبر گفتند: ای آن که قرآن برایت نازل شده! به یقین که دیوانه ای! (۶) اگر ادر باره نبوت ا

تَأْتِينَا بِالْمَلَأِئِكَهَ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝۷ مَا نُنْزِلُ الْمَلَأِئِكَهَ

راست می گویی چرا فرشتگان را نزد ما نمی آوری؟ (۷) ما فرشتگان را

إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذًا مُنْظَرِينَ ۝۸ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ

جز به حق و درستی نازل نمی کنیم، و آن هنگام که نازل شوند این منکران لجوج از دچار شدن به عذاب مهلت نمی یابند (۸) همانا ما قرآن را فرستاده ایم و یقینا

لَمَّا فِظُّونَ ۝۹ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شِعَابِ الْأَوَّلِينَ ۝۱۰ وَ

از تحریف و زوال نگهبانش هستیم (۹) مسلما پیش از تو در امت های پیشین پیامبرانی فرستادیم (۱۰) و هیچ

مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ۝۱۱ كَذَلِكَ نَسْلُكُهُ

پیامبری به سویشان نمی آمد مگر اینکه او را مسخره می کردند (۱۱) ما همان گونه که حق را به گذشتگان فهماندیم ولی مسخره کردند، اقرآن را ابرای فهم

فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ۝۱۲ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ

حقایش ادر قلوب گنه پیشگان نفوذ می دهیم (۱۲) ادر حالی که به آن ایمان نمی آورند، اولیکه مسخره می کنند، البته روش پیشینان هم چنین بوده است (۱۳)

۝۱۳ وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ ۝۱۴

و اگر ابرای دریافت حقایق ادری از آسمان به روی آنان گشوده بودیم، و پیوسته روز روشن به سوی آن بالا می رفتند (۱۴)

لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَسْحُورُونَ ۝۱۵

هراینه گفتارشان این بود که: حتما چشم بندی شده ایم، بلکه فراتر از این! بلکه ما گروهی افسون شده ایم (۱۵)

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ ﴿١٦﴾ وَحَفِظْنَاهَا

بهراستی ما در آسمان برج‌هایی قرار داده‌ایم، و آن‌ها را برای بینندگان با شکل‌های متنوع [اراستیم] (۱۶) و آن‌ها

مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ﴿١٧﴾ إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ

را از هر شیطان رانده شده‌ای حفظ کردیم (۱۷) مگر آنکه بخواند دزدانه [خبرهای عالم بالا را] بشنود که شهابی روشن او را

مُبِينٌ ﴿١٨﴾ وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَالْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا

دنیال می‌کند (۱۸) و زمین را گسترانیدیم و در آن کوه‌های استوار افکندیم، و در آن از هر چیزی به اندازه و وزن معین روینداییم (۱۹) و در آن

مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ ﴿١٩﴾ وَجَعَلْنَا الْكُرْ فِيهَا مَعَالِيشَ وَمَنْ لَسْمُ لَهُ

برای شما و کسانی که روزی‌دهنده آنان نیستید و سایل معیشت

بِرَازِقِينَ ﴿٢٠﴾ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنْزِلُ إِلَّا بِقَدَرٍ

قرار دادیم (۲۰) هیچ چیزی نیست مگر آن که خزانه‌هایش نزد ماست، و آن را جز به اندازه معین

مَعْلُومٍ ﴿٢١﴾ وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ فَاَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً

فرود نمی‌آوریم (۲۱) بادها را [که] پیونددهنده [برها هستند برای مهیاشدن نزول رحمت] فرستادیم، و از آسمان، آبی فرود آوریم

فَأَسْقَيْنَا كُفُوهً وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ ﴿٢٢﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي

و شمار آب و سیله آن سیراب کردیم، در حالی که شما ذخیره‌کننده آن [در ابرها، و در دل کوه‌ها، و لایه‌های زمین و اعماق آن] نیستید (۲۲) یقیناً عاجات می‌بخشیم

وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ ﴿٢٣﴾ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَلَقَدْ

و می‌میرانیم، و وارث [جهان و جهانیان] هستیم (۲۳) بی‌تردید [حالات، اعمال، اخلاق و شمارا پیشینیان شما

عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ ﴿٢٤﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥﴾

و آیندگان را می‌دانیم (۲۴) مسلماً پروردگار توست که محشورشان می‌کند، همانا او حکیم و داناست (۲۵)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ﴿٢٦﴾ وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ

ما انسان را از گلی خشک برگرفته از لجنی بدبو و تیره‌رنگ آفریدیم (۲۶) و پیش از آن جن را

مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ ﴿٢٧﴾ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأِئِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ

از بادی سوزان پدید آوردم (۲۷) چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من

بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ﴿٢٨﴾ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ

از گل خشک برگرفته از لجنی بدبو و تیره‌رنگ بشری می‌آفرینم (۲۸) زمانی که [اندام] او را [متناسب و] موزون ساختم، و از روح خود

فِيهِ مِنْ رُوحِي فَفَعُولًا لَهُ سَاجِدِينَ ﴿٢٩﴾ فَسَجَدَ الْمَلَأِئِكَةُ كُلُّهُمْ

در آن دمیدم در برابرش به سجده افتید (۲۹) همه فرشتگان یکسر

أَجْمَعُونَ ﴿٣٠﴾ إِلَّا ابْلَيسَ ابْنِ آدَمَ يَكُونُ مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿٣١﴾

سجده کردند (۳۰) مگر ابلیس که نپذیرفت با سجده‌کنان باشد (۳۱)

قَالَ يَا ابْلِيسُ مَا لَكَ اَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ لَمَّا اَكُنْ

خداوند! فرمود: ای ابلیس! تو را چه شده که با سجده‌کنان نیستی؟ (۳۲) گفت: من شخصی نیستم

لَا سَجْدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمِإٍ مَسْنُونٍ ﴿٣٣﴾ قَالَ فَاخْرُجْ

که برای بشری که او را گلی خشک و برگرفته از اجنسی بدبو و نیرنگ آفریدی سجده کنم! (۳۳) خداوند! فرمود: پس از این جایگاه [والا که مقام مقربان است] بیرون شو،

مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿٣٤﴾ وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ﴿٣٥﴾ قَالَ

راندۀ شده‌ای! (۳۴) و مسلماً تا روز قیامت بر تو لعنت است! (۳۵) گفت:

رَبِّ فَانْظُرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿٣٦﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿٣٧﴾

گفت: پروردگارا! پس مرا تاروژی که [همگان] به صحرای محشر فراخوانده می‌شوند مهلت ده! (۳۶) خداوند! فرمود: تو از مهلت‌یافتگانی! (۳۷)

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿٣٨﴾ قَالَ رَبِّ إِنَّمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ

تا روز آن [زمان معین] (۳۸) ابلیس گفت: پروردگارا! برای این که مرا [به سبب سرپیچی از خواسته‌ات در سجده بر آدم] از احسان و رحمت [ات] کام کردی مسلماً من [هم کارهای زشت را]

فِي الْأَرْضِ وَلَا أَغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٣٩﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴿٤٠﴾

در زمین [در چشم و دلشان] آرایش می‌دهم [تا ارتکابش بر آنان آسان شود] و بی‌تردید همه را گمراه خواهم کرد! (۳۹) مگر مخلصین از بندگانت [که از دسترس من بیرونند]! (۴۰)

قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ ﴿٤١﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ

خداوند! فرمود: این [مخلص بودن] راهی است مستقیم [که تحققش در وجود مخلصان] بر عهد من [است]! (۴۱) یقیناً تو را بر بندگانت هیچ تسلطی

سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ ﴿٤٢﴾ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ

ای برای گمراه‌کردنش! نیست مگر بر منحرفانی که از تو پیروی کنند! (۴۲) و بی‌تردید دوزخ وعده‌گاه

أَجْمَعِينَ ﴿٤٣﴾ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ ﴿٤٤﴾

همۀ آنان است! (۴۳) آن را هفت در است، و برای هر دری گروهی از پیروان ابلیس تقسیم شده‌اند! (۴۴)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٤٥﴾ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِينَ ﴿٤٦﴾

همانا آنان که [از خداوند اطاعت کرده، و از محرماتش] پرهیز داشتند در بهشت‌ها و چشمه‌سارهایند! (۴۵) [به آنان گویند:] با سلامت و امنیت وارد آن‌ها شوید! (۴۶)

وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ ﴿٤٧﴾

آنچه از دشمنی و کینه در سینه‌هایشان بوده برکنده‌ایم که برادرانه بر تخت‌هایی روبروی یکدیگرند! (۴۷)

لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ ﴿٤٨﴾

در آنجا خستگی و رنجی به آنان نمی‌رسد، و هیچ‌گاه از آنجا بیرونشان نمی‌کنند! (۴۸)

نَبِيُّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٤٩﴾ وَأَنَّ عَذَابِي

به بندگانت خبر ده! که: یقیناً من [نسبت به مؤمنان و توبه‌کنندگان] بسیار آمرزنده و مهربانم! (۴۹) و عذابم [برای گنه‌پیشگان]

هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ ﴿٥٠﴾ وَنَبِّئُهُمْ عَنْ صَيْفِ ابْرَاهِيمَ ﴿٥١﴾

همان عذاب دردناک است! (۵۰) و بنده‌ایم را از میهمانان ابراهیم خبر ده! (۵۱)

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ ﴿٥٢﴾ قَالُوا

چون بر او وارد شدند و سلام کردند، [ابراهیم] گفت: ما از شما در هول و هراسیم (۵۲) گفتند:

لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ ﴿٥٣﴾ قَالَ أَبَشِّرْهُنِي عَلَىٰ أَنْ مَسْنِي

هراسی نداشته باش! ما تو را به پسرى دانا مژده مى‌دهیم (۵۳) گفت: آيا درحالى كه به سالخوردگى رسیده‌ام

الْكِبَرُ فِيمَ تُبَشِّرُونَ ﴿٥٤﴾ قَالُوا أَبَشِّرْ نَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُنْ مِنَ

مژده‌ام مى‌دهید؟ ارستى! به چه مژده مى‌دهید؟ (۵۴) گفتند: به حق و درستى مژده مى‌دهیم! بنابراین

الْقَانِطِينَ ﴿٥٥﴾ قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ ﴿٥٦﴾

از ناامیدان! مباش! (۵۵) گفت: جز منحرفان چه كسانى از رحمت پروردگارشان نااميد مى‌شوند؟ (۵۶)

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٧﴾ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ

گفت: ای فرستادگان! چه كاری دارید؟ (۵۷) گفتند: ما را به‌سوى قومى گنجه‌شده

مُجْرِمِينَ ﴿٥٨﴾ إِلَّا آلَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجِّوهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥٩﴾

فرستاده‌اند [تا نابودشان كنیم] (۵۸) به جز خاندان [امؤمن] لوط كه يقينا همه آنان را نجات مى‌دهیم (۵۹) مگر

أُمَّرَأَتَهُ فَذَرْنَاهَا مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٦٠﴾ فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ

همسرش كه مقرر کرده‌ایم از بازماندگان [در شهر و اهل هلاکت] باشد (۶۰) چون فرستادگان نزد خاندان

الْمُرْسَلُونَ ﴿٦١﴾ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ﴿٦٢﴾ قَالُوا بَلْ جَعَلْنَاكَ

لوط آمدند (۶۱) لوط گفت: همانا شما گروهى ناشناخته‌اید (۶۲) گفتند: [ما ناشناخته نیستیم] با عذابى نزد تو آمده‌ایم

بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿٦٣﴾ وَأَنبَيْنَاكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٦٤﴾

كه همواره [قومت] در آمدش تردید داشتند (۶۳) [آرى] واقعيتى را [كه همان عذاب الهى است] براى نابودى قومت [به‌سوى تو آورده‌ایم]، و به‌یقین راستگویم (۶۴)

فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ

ای لوط! چون پاسى از شب گذشت، خاندانت را كوچ ده، و خودت دنبال آنان برو، و هیچ‌يك از شما

أَحَدٌ وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ ﴿٦٥﴾ وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَٰلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ

[به شهر] بازنگردد، و به آن‌جا كه مأمور هستید بروید (۶۵) ما [وقوع] این حادثه [بزرگ] را به او ابلاغ کردیم

دَابِرَهُمْ وَأَنَّا مَقْطُوعٌ مُّصْبِحِينَ ﴿٦٦﴾ وَجَاءَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ

كه چون گنجه‌شكان وارد صبح شوند بنیادشان كنده خواهد شد (۶۶) اهل شهر [با آگاه‌شدن از مهمانان لوط،

يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٦٧﴾ قَالَ إِنَّ هَٰؤُلَاءِ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُونِ ﴿٦٨﴾

شادى كنان [به سراغ آنان] آمدند (۶۷) [لوط] گفت: اینان مهمانان منند، آبروى مرا نبرید! (۶۸) از [محرمات] خداوند اجتناب كنید،

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَخْزَوْا ۚ قَالُوا أَوَلَمْ نُنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٧٠﴾

و مرا [نزد مهمانان] خوار و بی‌مقدار نسازید! (۶۹) گفتند: مگر ما تو را از [مهمان‌کردن] مردمان نهى نکردیم؟ (۷۰)

قَالَ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ﴿٧١﴾ لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ

الوطا گفت: اگر می خواهید کاری انجام دهید، اینان دختران منند که برای ازدواج مناسبند (۷۱) ای پیامبر! به جان تو سوگویم که آنان در مستی (و بی خبری) خود

بَعَثُوهُنَّ ﴿٧٢﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّبْحَةُ مُشْرِقِينَ ﴿٧٣﴾ فَجَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا

همواره سرگردان بودند (۷۲) پس هنگام طلوع آفتاب صدایی (مرگبار و غرضی) سهمگین آنان را فرا گرفت (۷۳) در نتیجه آن شهر را زبر و زبردیم،

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ ﴿٧٤﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ

بر آنان بارانی از سنگ گل پخته فرو ریختیم (۷۴) بهر آستی در این (سرگذشت عبرت آموز) نشانه هایی از قدرت خداوند، و رسوایی گنه پیشگان (برای

لِلْمُتَوَسِّمِينَ ﴿٧٥﴾ وَإِنَّمَا الْبَسْبِيلُ مُقِيمٌ ﴿٧٦﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

بر مشمندان کنجکاو و خوددار (۷۵) و آن (آثار و بقایای شهر لوط و سر راهی است که پابر جاست) (۷۶) مسلمانان (بقایای این) شهر ویران شده (نشانه ای

لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٧﴾ وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لَظَالِمِينَ ﴿٧٨﴾ فَانْتَقَمْنَا

برای مؤمنان (پند آموز) است (۷۷) بی تردید اهل «ایکه» (یعنی قوم شعیب) ستمکار بودند (۷۸) در نتیجه از آنان انتقام گرفتیم،

مِنْهُمْ وَإِنَّمَا الْيَمَامُ مُبِينٌ ﴿٧٩﴾ وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ

و (بقایای) هر دو (شهر) نابود شده قوم لوط و شعیب (بر سر راهی آشکار قرار دارد) (۷۹) همانا اهل (دیار) «حجر» (که سرزمینی بین مدینه و شام است) پیامبران را

الرُّسُلِينَ ﴿٨٠﴾ وَاتَّبَعُوا أَمْرًا غَالِيًا ﴿٨١﴾ وَكَانُوا

انکار کردند (۸۰) ما معجزات و نشانه های خود را به آنان نشان دادیم، ولی از آن ها روی گردان شده، (ایمان نیاوردند) (۸۱)

بَنَحْتُونَا مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ ﴿٨٢﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّبْحَةُ مُصْبِحِينَ

همواره از کوچه ها خانه های تراشیدند، در حالی که (به خیال خود) از حوادث کوبنده (در امان بودند) (۸۲) نهایتاً هنگامی که وارد صبح شدند صدایی (مرگبار و غرضی)

﴿٨٣﴾ فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨٤﴾ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

سهمگین آنان را (فرا گرفت) (۸۳) و آنچه (از ساختمان های بسیار محکمی که) ساخته بودند عذاب خدا را از آنان بر طرف نکرد (۸۴) و ما آسمان ها و زمین و آنچه را که

وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأَتِيَةٌ ﴿٨٥﴾ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ

میان دوتا است جز به حق و درستی نیافریدیم، به یقین قیامت آمدنی است، پس (در برابر ناهنجاری های مردم و بدی های آنان) گذشتی

الْجَمِيلَ ﴿٨٥﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿٨٦﴾ وَلَقَدْ أَنبَاكَ سَبْعًا مِنْ

نیکو داشته باش (۸۵) بی تردید پروردگارت همان آفریننده داناست (۸۶) همانا ما به تو (سوره حمد و قرآن با عظمت را عطا کردیم) (۸۷) (با توجه به این که سوره حمد

الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ ﴿٨٧﴾ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ

و نعمت عظیم قرآن در اختیار توست، به آنچه (از امکانات مادی) که اصنافی از کافران را از آن بهره مند ساخته ایم چشم ندوز!

أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَخَفَضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٨﴾

و بر آنان (به سبب این که حق را نمی پذیرند) اندوه مخور، و مؤمنان را مورد محبت و فروتنی قرار ده! (۸۸)

وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ ﴿٨٩﴾ كَمَا أَنزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ ﴿٩٠﴾

(به همه مردم) بگو: من هشدار دهنده ای روشن گرم (۸۹) (به سوی شما مخالفان عذاب می فرستم، مانند عذابی که بر تجزیه کنندگان فرستادیم) (۹۰)

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ ﴿١١﴾ فَوَرَّيْكَ لَنَسْتَأْتَنَّهُمْ

هم آنان که قرآن را اعطایق یا عواسته باطلشان آنجز به و بخش بخش کردند. [بخشی را که به سود خود می پنداشتند پذیرفتند، و از بخشی دیگر که همانک

أَجْمَعِينَ ﴿١٢﴾ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٣﴾ فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ

با هوس هایشان نبود و مگردان شدند [۹۱] به پروردگارت سوگند از همه آنان یقیناً باز خواست می کنم [۹۲] از اعمالی که همواره انجام می دادند [۹۳]

عَنِ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٤﴾ إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ ﴿١٥﴾ الَّذِينَ

پس آنچنان اهل ماموری اندر بین مردم آشکار کن، و از مشرکان روی برتاب [۹۴] پس نترسید ما دشو زبان استهزا کنندگان را از تو باز داشته ایم [۹۵] هم آنان که

يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿١٦﴾ وَلَقَدْ نَعْلَمُ

ما خدا معبود دیگری قرار می دهند، می گمان می رودی می فهمند [که مرتکب چه گناه بزرگی شده اند، و سزاوار چه عذابی هستند] [۹۶] ما می دانیم

أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ﴿١٧﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ

که تو از تنگیات سود مشرکان و اهل کتاب بر ضدین و گفتار آنان دلنگ می شوی [۹۷] پس برای رفع دلنگی ات [پروردگار خود را همراه با ستایش

مِنَ السَّاجِدِينَ ﴿١٨﴾ وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ﴿١٩﴾

مانسح گفتن از هر عیب و نقیصی [با کرم و متزهدان] و از سجده کنندگان باش [۹۸] و پروردگارت را تا زمانی که مرگ به سراغت آید بندگی کن [۹۹]

سُورَةُ النَّحْلِ ﴿١٦﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

إِنِّي أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١﴾ يُنَزِّلُ

فرمان منم خداوند اندر مورد شکست کافران و مشرکان، و عذاب آنان [فرارسیده است، پس خواهان شتاب در آن نباشید] خداوند از آنچه شریک

الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ

او فرار می دهند با کثرت و برتر است [۱] به قدرتش فرشتگان را با وحی، به سوی هر کس از بندگانش بخواهد می فرستد که [به مردم] هشدار دهد

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ ﴿٢﴾ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَى

معبودی جز من نیست، پس از من اطاعت کنید، و از محزمانم بهره یزید [۲] آسمان ها و زمین را به درستی و راستی آفرید،

عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٣﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ

از آنچه شریک او قرار می دهند برتر است [۳] انسان را از نطفه ای آبی آرزو آفرید، و اینک در برابر ما [با تکیه بر افکار باطلش] مشاخره کننده

مُبِينٌ ﴿٤﴾ وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا

آشکاری است [۴] چهارپایان را که در آن ها برای شما پوششی گرم کننده، و سودهاست پدید آورد، و از محصولات گوشتی و لبنی

تَأْكُلُونَ ﴿٥﴾ وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرْجَوْنَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ ﴿٦﴾

آن هاس خورید [۵] و برای شما در آن ها زیبایی [و شکوه] است، آن گاه که شایگانان از چراگاه بارشان می گردانید، و هنگامی که سبندگان به چراگاهشان می برید [۶]

وَتَحْمِلْ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِالْغَيْهِ إِلَّا يَشُقُّ إِلَّا نَفْسٍ

و بارهای سنگینان را به شهری می‌برد که جز با مشقت و سختی به آن نمی‌رسید،

إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَؤُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٧﴾ وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ

مسلمان پروردگارتان بسیار مهربور و مهربان است (۷) و اسبان و فاطران و خران را [آفرید]

لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨﴾ وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ

تاسوارشان شوید، وزینت و تجملی [برایتان] باشد، و چیزهایی [در آینده] به عنوان وسیله نقلیه [پدید می‌آورد] که شما به آن آگاه نیستید (۸) [و انذار راه راست]

السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهْدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩﴾ هُوَ الَّذِي

[که] انسان را به سعادت دنیا و آخرت می‌رساند [فقط بر عهده خداست، برخی از راه‌ها گمراه‌کننده و منحرف است] که حرکت در آن، شمار از خیر دنیا و آخرت محروم می‌کند [اگر خدا]

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ

می‌خواست همه شمارا [به] اجبار به راه راست [هدایت می‌کرد] (۹) اوست که برایتان از آسمان، آبی فرستاد که بخشی از آن آشامیدنی است، و از بخشی از آن درخت و گیاه که

تُسَيِّمُونَ ﴿١٠﴾ يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ

[دام‌هایتان را] در آن می‌چرانید [می‌روید] (۱۰) به وسیله آن [آب] برای شما بگشت و زراعت، زیتون، خرما،

وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ

تکور، و از همه میوه‌جات می‌رویاند، یقیناً در این امور شگفت‌انگیز طبیعی [برای اهل اندیشه]

يَتَفَكَّرُونَ ﴿١١﴾ وَسَخَّرَ لَكُمْ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ

نشانه‌ای [بر قدرت، ربوبیت و رحمت خدا] است (۱۱) شب و روز و خورشید

وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهٖ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ

و ماه را برای [بهره‌وری] شما به کار گرفت، و ستارگان هم به فرمانش [برای بهره‌وری] شما به کار گرفته شده‌اند، همانا در [این] امور پرمنفعت [نشانه‌هایی] [بر]

يَعْقِلُونَ ﴿١٢﴾ وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ

قدرت و ربوبیت و رحمت خدا [برای گروهی] است که می‌اندیشند (۱۲) آنچه که در زمین به رنگ‌های گوناگون برای شما آفرید [جهت بهره‌وری] شما به کار گرفت،

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٣﴾ وَهُوَ الَّذِي

همانا در این [موجودات زمینی] نشانه‌ای [بر قدرت و ربوبیت و رحمت خدا] برای گروهی است که پند می‌گیرند (۱۳) اوست که

سَخَّرَ الْبَحْرَ لِيَتَأْكَلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا

دریا را [برای بهره‌وری] شما به کار گرفت تا از آن گوشت تازه بخورید، و از آن زیور و زینتی که می‌پوشید استخراج کنید،

مِنْهُ حُلِيَةٌ تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاحِرَ فِيهِ

کشتی‌ها را در دریا می‌بینی که آب را برای جابه‌جا کردن کالا می‌شکافند،

وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٤﴾

[این همه] برای این [است] که جوای احسان و روزی او شوید و در مقام سپاسگزاری‌اش برآیند (۱۴)

وَالْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا لَعَلَّكُمْ

و در زمین کوههایی استوار افکند تا شما را [در حال گردش و وضعی و انتقالی] نلرزاند، و نهرها و راههایی را [پدید آورد] تا [به مقاصد] ان

تَهْتَدُونَ ﴿١٥﴾ وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ ﴿١٦﴾ أَفَمَنْ يَخْلُقُ

را [داند]؟ (۱۵) و برای این که در عبور از بیابان ها و کوه ها سرگردان نشوید [نشانه ها] را [داد]، و آنان به وسیله ستارگان راههایی می کنند (۱۶) [بر این اساس] آیا کسی که [بعد

كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٧﴾ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ

مخلوقات را [می آفریند مانند کسی است که هیچ چیز انمی آفریند، پس بخت پرستی شما بر پایه چه دلیلی است؟] آیا هشیار نمی شوید؟ (۱۷) اگر در مقام شمردن نعمت های خدا

لَا تُحْصَوْهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٨﴾ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ

برایند نمی توانید آن ها را بشمارید، بی گمان خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۱۸) خداوند آنچه را پنهان انجام می دهید،

وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿١٩﴾ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ

و آنچه را آشکارا عمل می کنید می داند (۱۹) معبودهایی را که به جای خداوند می خوانید [نه این که] چیزی را نمی آفرینند،

شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿٢٠﴾ أَمْوَالٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ

بلکه [خودشان] آفریده شده اند (۲۰) [آن ها] مردگانی بدون [سابقه روح] حیاتند، و نمی دانند [پرستندگانشان] چه زمانی

يُبْعَثُونَ ﴿٢١﴾ إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ

برانگیخته می شوند (۲۱) معبودتان معبودی یگانه است، پس کسانی که به آخرت ایمان ندارند دل هایشان

مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ﴿٢٢﴾ لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ

منکر [حق] است، و [مردمی] مستکبرند (۲۲) البته خداوند آنچه را پنهان انجام می دهند،

مَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ ﴿٢٣﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا

و آنچه را آشکارا عمل می کنند می داند، مسلماً خداوند مستکبران را دوست ندارد (۲۳) چون به آنان گویند:

أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٢٤﴾ لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ

بروردگارتان چه نازل کرده است؟ می گویند: [این قرآن] افسانه های دروغین پیشینیان [است] (۲۴) [نهایتاً] روز قیامت بار گناهانشان را

كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّوهُمْ بَغِيرُ

بدون کامل، و بخشی از بار گناهان کسانی که از روی جهل و بی دانی گمراهشان می کنند به دوش می کشند،

عِلْمِ الْأَسَاءِ مَا يَزِرُونَ ﴿٢٥﴾ قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

بدانید بد باری است که به دوش می کشند (۲۵) پیشینیان آن ها [به همین صورت] نیرنگ زدند

فَاتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ

آتا حق را نابود کنند، پس خداوند بنیانشان را از پایه و اساس برکند، و سقف خانه هایشان

مِنْ فَوْقِهِمْ وَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٦﴾

از بالای سرشان بر آنان فروریخت، و از جایی که نفهمیدند عذاب به سراغشان آمد (۲۶)

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِ الَّذِينَ كُنْتُمْ

مسیحی! خداوند این توطئه گران ضد دین را در روز قیامت رسوا و خوارشان می کند، و می گوید: (معبودانی که گمان کردید) شریکان من (در ربوبیتند، همانان! که شما به خاطر

تُشَاكُّونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ

انرا (با خداوند و پیامبران و مؤمنان دشمنی می کردید) گنجانید؟ (آنان پاسخی ندارند، ولی) کسانی که به آنان دانایی و بصیرت داده شده می گویند: امروز رسوائی و عذاب

عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٢٧﴾ الَّذِينَ تَتَوَفَّيْهُمْ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ

سپیم کافران است (۲۷) همان کسانی که وقتی فرشتگان جانیشان را می گیرند درحالی که ستمکار بر خود بوده اند،

فَالْقُوا السَّلَامَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَى إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ

اين را (موقعیت سخت) از در تسلیم و اطاعت در آمده، می گویند: ما هیچ کاری بدی انجام نمی دادیم. (به آنان گویند: اری) احتما انجام می دادید! می گمان خداوند به آنچه همواره

تَعْمَلُونَ ﴿٢٨﴾ فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَيْسَ مَثْوًى

از روی شرک! انجام می دادید داناست (۲۸) بنابراین از درهای دوزخ وارد شوید که در آن جاودانه اید، و به راستی چه بد است

الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٢٩﴾ وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرٌ

جانبگاه مستکبران! (۲۹) [هنگامی که] به پرهیزگاران گویند: پروردگارتان چه نازل کرده؟ گویند:

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ

خیر را، [که قرآن هدایتگر است.] برای آنان که نیکی کردند پاداش خوبی در این دنیا است، و سرای آخرت حتما بهتر است،

دَارُ الْمُتَّقِينَ ﴿٣٠﴾ جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُجْرُونَ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

و سرای پرهیزگاران چه نیکوست (۳۰) [همان] بهشت های جاودانی که در آن وارد می شوند که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است،

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ ﴿٣١﴾ الَّذِينَ

در آن جا هرچه بخواهند برای آنان [افراهم] است، خداوند این گونه، پرهیزگاران را پاداش می دهد (۳۱) هم آنان که

تَتَوَفَّيْهُمْ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ

فرشتگان جانیشان را در حالی می گیرند که از آلودگی های اعتقادی و عملی و اخلاقی پاکند، (و به ایشان) گویند: امنیت کامل بر شما باد! (اکنون) به پاداش آنچه

بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٢﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ

همواره انجام می دادید به بهشت وارد شوید (۳۲) آیا [مشرکان و کافران] جز این [مسائل را به عنوان محرک ایمان آوردن به و افعیات مرگ] انتظار دارند که فرشتگان

أَوْ يَأْتِيَ أَمْرُ رَبِّكَ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمَهُمْ

ایری قبض روحشان [به سویشان] آیند، یا فرمان پروردگارت [مبنی بر عذابشان] افراسد؟ پیشینیان اینان نیز چنین کردند [و در برابر حق ایستادند]، خداوند

اللَّهُ وَلَئِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٣٣﴾ فَاصَابَهُمُ

اين فرستادن عذاب! به آنان ستم نکرد، بلکه خودشان همواره [با ارتکاب گناه] به خویشتن ستم می کردند (۳۳) در نهایت

سَيِّئَاتٍ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٣٤﴾

کفر گناهانی که انجام می دادند، به آنان رسید، و عذابی که همواره مسخره می کردند آنان را احاطه کرد (۳۴)

وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ

مشركان گفتند: اگر خدا میخواست نه ما و نه پدرمان هیچ چیزی جز او را نمیپرستیدیم.

وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا آخَرُ مِنَّا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ

و هیچ چیزی را بدون فرمان او حرام نمی‌کردیم. پشیمانان آن‌ها هم ابا اعتقاد به مسلک جبر، این‌گونه عمل کردند.

قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿٣٥﴾ وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي

ایا بر عهده پیامبران جز رساندن آشکار ایام وحی و وظیفه‌ای هست؟ (۳۵) همانا در هر امتی

كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ

پیامبری فرستادیم انا اعلام کند که خدا را بپرستید، و از پرستش طاغوت بپرهیزید! خداوند

مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي

گروهی از آن امت را که شایستگی نشان دادند هدایت کرد، و گروهی [به سبب طغیانشان] گمراهی بر آنان مقرر شد، پس در زمین

الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٦﴾ إِنَّ

گردش کنید و با دقت بنگرید که سرانجام منکران [حقایق] چگونه بود! (۳۶) هر چند

تَحَرَّصَ عَلَى هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ وَمَا لَهُمْ مِنْ

بر هدایتشان حریص باشی [هدایت نمی‌یابند؛ زیرا] خداوند کسانی را که [به سبب عناد و طغیانشان] در گمراهی وانهد هدایت نخواهد کرد، و برای آنان

نَاصِرِينَ ﴿٣٧﴾ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَمْدًا يَمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِمْ

هیچ یابوری نیست [که از گمراهی نجاتشان دهد] (۳۷) با سوگندهای سختشان به خداوند سوگند یاد کردند که خداوند کسانی را که می‌میرند

بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٨﴾

زنده نمی‌کند. آری! مسلماً او مردگان را با قدرت بی‌نیایش زنده می‌کند، [این] وعده حق و درستی بر عهده اوست، ولی بیشتر مردم [از قدرت خداوند] ناآگاهند (۳۸)

لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلَفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ

آری مردگان را زنده می‌کند تا آنچه [از حقایق] که انبیاء آورده بودند، و در آن ابا ایشان اختلاف داشتند برای آنان روشن سازد، و کافران بدانند که [در گفتارشان]

كَانُوا كَاذِبِينَ ﴿٣٩﴾ إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ

در باره معاد [دروغ می‌گفتند] (۳۹) [زنده کردن مردگان بر مادیاتوار نیست،] فرمان ما به چیزی، چون به [وجود آمدن] آن را بخواهیم، فقط این است که به آن می‌گوییم:

كُنْ فَيَكُونُ ﴿٤٠﴾ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا

باش! پس بی‌درنگ موجود می‌شود (۴۰) آنان که بعد از ستم دیدنشان برای [به دست آوردن] خشنودی خدا هجرت کردند،

لَنُبَوِّئَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَآ جَزَا لْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا

مسلماً در این دنیا در جایگاه نیکی جایشان می‌دهیم، و اگر بفهمند پاداش آخرت

يَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٤٢﴾

بزرگ‌تر است (۴۱) [مهاجران] هم آنان اند [که در برابر حوادث و مشکلات و پابندی به دین] اشکیابی کردند، و تنها بر پروردگارشان توکل می‌کنند (۴۲)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجُلًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَسَئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ

پس آن نو انرا، جز مردانی که به آنان وحی می کردیم نفرستادیم، اشما ای منکران! اگر این واقعیت را نمی دانید

إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٤٣﴾ بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ

اگر دانش پیرسید! تا اوصاف پیامبران را بر ایشان توضیح دهند! (۴۳) آن پیامبران را با معجزات روشن و کتاب های آسمانی! و قرآن را به سوی تو فرستادیم

لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤٤﴾ أَفَأَمِنَ الَّذِينَ

تا برای مردم آنچه را برای هدایت آنان فرستاده شده بیان کنی، و ابرای این که ادر حقانیت نبوت و قرآن! پس ایشانند (۴۴) پس آیا

مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ

آنان که ابر ضد پیامبر و قرآن! نیرنگ های خائنانه به کار گرفتند، اینند از این که خداوند آنان را در زمین فرو برد، یا از جایی که نفهزند

حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٤٥﴾ أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقْلِبِهِمْ فَاهُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٤٦﴾

عذاب به سوشان آید؟ (۴۵) یا اینند از این که! آنان را وقتی ابرای امور دنیایشان! در رفت و آمدند به عذاب بگیرد؟ اینان

أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَى تَخَوُّفٍ فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿٤٧﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا

عاجزکننده! خدا! نیستند! تا بتوانند از دسترس قدرتش بیرون روند! (۴۶) یا اینند که! در حال ترس و بیم ابر عذاب! دچارشان سازد؟

إِلَىٰ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَنْفِيوْهُ أَظْلَلَهُ عَنِ الْبَهِيمِ وَالشَّمَائِلِ

یقیناً پروردگارتان بسیار مهروز و مهربان است! (۴۷) آیا به آنچه خداوند آفریده با دقت نظر نکردند، که سایه هایشان در حالی که فروتنانه

سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ ﴿٤٨﴾ وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي

برای خدا سجده می کنند، از راست و چپ بر می گردد؟ (۴۸) آنچه در آسمان ها و زمین

الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٤٩﴾ يَخَافُونَ

از جنبندگان و فرشتگان وجود دارد فقط برای خدا سجده می کنند، و سرکشی نمی ورزند! (۴۹)

رَبَّهُمْ مِنْ قُوَّهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿٥٠﴾ وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا

از پروردگارتان که! حاکمی قدرتمند ابر فراز آنان است بیم دارند، و آنچه را به آن مأمور می شوند انجام می دهند! (۵۰) این گفته برحق! خدا! است که! فرمود:

الْهَيْبِ أَشْتَبِئِنْمَاهُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ فَإِيَّايَ فَارْهَبُونَ ﴿٥١﴾ وَلَهُ مَا فِي

دو معبود انتخاب نکنید! این انتخابی خلاف عقل و فطرت است،! جز این نیست که معبود شما معبودی یگانه است، پس تنها از من بترسید! (۵۱)

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ وَاصْبَاً أَفْخِرَ اللَّهُ تَتَّقُونَ ﴿٥٢﴾ وَمَا

آنچه در آسمان ها و زمین است فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست، دین استوار و یژه اوست، آیا از غیر خداوند پروا دارید؟ (۵۲)

بِكُمْ مِنْ نِعْمَةِ فَمِنْ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْتَرُونَ ﴿٥٣﴾

آنچه از نعمت هادر اختیار شماست از خداست، سپس وقتی آسیبی! چون کمبود اقتصادی و رنج بدنی و روحی! به شما می رسد فریادتان را به تضرع و زاری به درگاه او بلند می کنید! (۵۳)

ثُمَّ إِذَا كُشِفَ الضُّرُّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ﴿٥٤﴾

چون آسیب را از شما برطرف کند گروهی از شما ابر خلاف انتظار! به پروردگارتان شرک می ورزند! (۵۴)

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ نَعْلَمُونَ ﴿٥٥﴾ وَيَجْعَلُونَ لِمَا

تأهیلان نسبت به آنچه از نعمت‌ها به آنان داده ایم ناسپاسی کنند، پس چند روزی از کالای دنیا بر خوردار شوید که به زودی (فرجام زشت خود را) می‌فهمید (۵۵) [مشرکان اسهلی]

لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَفْتَرُونَ ﴿٥٦﴾

از آنچه نصیبشان کرده ایم برای پستی‌هایی قرار می‌دهند که از همه چیز بی‌خبرند، و هیچ کاری از دستشان بر نمی‌آید، [به خداوند یکتا سوگند] آنچه همواره افترا می‌زنید، [که خدا]

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ ﴿٥٧﴾ وَإِذَا ابْشَرَ

دارای شریک است [بغیر از خود] خواست خواهید شد (۵۶) دختران را [به عنوان] فرزند [و بیوه خداوند قرار می‌دهند، او از توالد و تناسل منزه است، ولی برای خودشان آنچه را که از پسران]

أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿٥٨﴾ يَبْنُو أَرَاكِمًا مِّنَ الْقَوْمِ

تعالیل دارند [به عنوان] فرزند قرار می‌دهند (۵۷) چون یکی از آنان را به [تولد] دختر خبر دهند چهره‌اش از شدت خشم سیاه، و درونش البریز از خشم گردد (۵۸) از بدی خبری که

مِنْ سُوءٍ مَا بُشِّرَبِهِ أَيْمُسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا

به او داده‌اند خود را از قبيله‌اش پنهان می‌کند، او به تردید سختی دچار می‌شود؛ که آیا آن [دختر] را با خواری نگه دارد، یا زنده به گورش کند؟

سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٥٩﴾ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السُّوءِ وَلِلَّهِ

آگاه باشید! [در مورد] دختران! بد قضاوت می‌کنند (۵۹) برای کسانی که به آخرت ایمان ندارند صفات زشت [و سیرت بد] است،

الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦٠﴾ وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ

صفات برتر و والا و بیوه خداست، او توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است (۶۰) اگر خداوند [اراده داشت] که مردم را

بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّىٰ فَإِذَا

به سبب ستمشان [بی مهلت] مؤاخذه می‌کرد، هیچ جنبنده‌ای را از انسان و غیر او [در زمین] باقی نمی‌گذاشت، ولی آنان را تا مدتی معین مهلت می‌دهد، چون

جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِرُونَ ﴿٦١﴾ وَيَجْعَلُونَ

اجلشان به سر رسد، نه لحظه‌ای پس می‌مانند و نه [لحظه‌ای] پیش می‌افتند (۶۱)

لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكُذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَىٰ

آنچه [مشرکان] خوش ندارند [چون دختر]، [به عنوان] فرزند [و بیوه خدا قرار می‌دهند، زبان‌هایشان دروغ‌پردازی کرده، می‌گویند] که سرانجام نیکو برای آنان است.

لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُمْ مُّفْرَطُونَ ﴿٦٢﴾ تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ

به روشنی ثابت است که آتش برای آنان است، و مسلماً پیشگامان [به سوی] دوزخ [اند] (۶۲) به خداوند یکتا سوگند!

أَئِمٍّ مِّن قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ

پیامبرانی به سوی امت‌های پیش از تو فرستادیم، پس شیطان کارهای [اناروای] آنان را در نظرشان آراست [تا انجامش برای آنان آسان شود، امروز همان شیطان سرپرست و یار ایشان است،

وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٣﴾ وَمَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ

و برای آنان عذاب دردناکی [مقرر است] (۶۳) [این] کتاب [به سوی] نفرستادیم مگر برای این که آنچه را [در مورد] عقاید و معارف حق [در آن] اختلاف دارند، برایشان

لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٦٤﴾

توضیح دهی [تا آنان را از آرای باطلشان بازگرداند، و از اختلاف در دین حق دست بردارند، و این که این کتاب [برای] مردم مؤمن [مایه] هدایت و رحمت باشد] (۶۴)

وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

خداوند از آسمان، آبی فرستاد و زمین را به وسیله آن پس از مرده بودنش زنده کرد، یقیناً در این تغییر و تحول برای مردمی که شنوای حقایق هستند

لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٦٥﴾ وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ

نشانه‌ای برای قدرت، ربوبیت و رحمت خدا است (۶۵) بی‌تردید برای شما در چهارپایان عبرتی است که از درون شکم آن‌ها

مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ ﴿٦٦﴾ وَمِنْ ثَمَرَاتِ

از میان علف هضم شده و خون، شیر پاک و خالصی به شما می‌نوشانیم که برای نوشندگان گوار است (۶۶) و از میوه‌های

التَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ

درختان خمر و انگور، گاهی برای خلاف خواست خدا، نوشابه‌ای است کننده (و زبان بار)، و از مانی (خوراکی) پاکیزه و اینکه می‌گیرید، در این میوه‌ها برای گروهی که

لَايَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾ وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذْ مِنَ الْجِبَالِ

می‌اندیشند نشانه‌ای برای ربوبیت و رحمت و قدرت خدا است (۶۷) پروردگارت به زنبور عسل الهام کرد که: از کوه‌ها

بُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ﴿٦٨﴾ ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي

و درختان و آنچه از درخت‌ها که می‌افرازند (برای خود) خانه‌هایی بساز (۶۸) آن‌گاه از همه محصولات (و میوه‌ها) بخور، پس

سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ

در راه‌های پروردگارت که (به الهام او برایت) هموار شده بروا از شکم آن [شهدی] نوشیدنی با رنگ‌های گوناگون بیرون می‌آید

لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٦٩﴾ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ

که برای مردم مایه درمان است، مسلماً در این امور مربوط به زنبور عسل برای مردمی که تعقل می‌کنند نشانه‌ای برای قدرت، رحمت و ربوبیت خدا است (۶۹) خداوند شما را

يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لَكُمْ لَا يَعْلَمُ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا

فرید، پس می‌میراند، برخی از شما پیش از مردن (به سوی) پست‌ترین مرحله عمر (که سالخوردگی و فراموشی است) بازگردانده می‌شوند، تاجایی که پس از دانستن [تذکره]

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٧٠﴾ وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ

که داشتند (باز) دست دادن قوای فکری چیزی ندانند، همانا خداوند دانا و توانا است (۷۰) خداوند بعضی از شما را در رزق (و وسایل و ابزار زندگی) بر برخی فرزونی داده،

فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرِزْقٍ زَاهٍ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ

ولی آنان که فرزونی یافته‌اند حاضر نیستند از رزق او وسایل خود به اندازه‌ای به بردگانشان بپردازند که (در استفاده از آن)

سَوَاءٌ أَفْبِنِعْمَةِ اللَّهِ بِجَحْدُونَ ﴿٧١﴾ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ

با هم یکسان باشند، آیا (به جای شکر نعمت که سهم کردن دیگران در آن است) نعمت خدا را انکار می‌کنند؟ (۷۱) خداوند از [نوع] خودتان

أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرِزْقَكُمْ مِنْ

همسرانی برای شما قرار داد، و از همسرانتان فرزندان و نوادگانی پدید آورد، و از نعمت‌های دلپذیر

الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ ﴿٧٢﴾

به‌شمار روزی داد، (با این همه لطف و احسان خداوند، آیا به باطل (که جز فرهنگی ضد خدا نیست) ایمان می‌آورند، و نعمت‌های خدا را اناسی می‌کنند؟) (۷۲)

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِنَ السَّمَوَاتِ

و به جای خداوند بگنا معبودانی از قبیل بت‌ها و طاغوت‌ها را می‌پرستند که نه اختیار و نه قدرت رساندن هیچ رزقی را از آسمان

وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٧٣﴾ فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ

و زمین برای آنان ندارند (۷۳) بنابراین خداوند را به اوصافی مانند اوصاف غیر او تشبیه نکنید؛ یقیناً خداوند اکنه ذات و حقیقت اوصاف خود

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٧٤﴾ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا

را می‌داند، و شما به آن نادان هستید (۷۴) خداوند برای فهم شما نسبت به اوصافش و اوصاف غیر خود مثلی زده است؛ برده زر خریدی که

لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَمَنْ رَزَقْنَاهُ مِثَارَ زُقَا حَسَنًا فَهُوَ يَنْفِقُ مِنْهُ

بر هیچ کاری قدرت ندارد، و کسی که ما رزق نیکویی از سوی خود به او داده ایم و او در پنهان و آشکار از آن انفاق می‌کند، آیا این دو با هم برابرند؟ چگونه

سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا

بکسانند در حالی که یکی مملوک و فاقد هر قدرتی، و دیگری مالک و دارای اراده و قدرت است، همه ستایش‌ها ویژه خداست، ولی بیشتر مشرکان

يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ

نمی‌داند (که خداوند در ذات و صفات، مانند هیچ مخلوقی نیست) (۷۵) و خداوند در این زمینه مثلی دیگر زده است؛ دو مرد را که یکی از آنان لال مادر زاد

لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّهُهُ لَا يَأْتِ

[و نهایتاً ناشنوا] است که بر هیچ کاری توانایی ندارد، و [به این سبب] سر بار [و نان خور] سر پرست خود است، و او هر کجای فرستد هیچ سودی نمی‌آورد،

بِخَبْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ

آیا [چنین لال ناشنوا] بی‌قدرت و بی‌دانشی [با کسی که] آگویا و شنواست، و [به عدالت] نسبت به هر کاری فرمان می‌دهد، و [بر راهی مستقیم] است برابر است؟!

مُسْتَقِيمٌ ﴿٧٦﴾ وَاللَّهُ غِيبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ

ا پس چرا خداوند را که دارای اوصاف جمال و جلال است بابت‌های بی‌جان و بدون اثر بر ابر می‌دانید؟ (۷۶) غیب آسمان‌ها و زمین و ویژه خداست، و کار

إِلَّا كَلِمَةٍ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ا برآوردن قیامت، ا برای او جز مانند یک چشم برهم زدن یا نزدیک‌تر از آن نیست، مسلماً خداوند بر هر کاری

﴿٧٧﴾ وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ

تواناست (۷۷) خداوند شما را از شکم مادرانتان در حالی که چیزی نمی‌دانستید بیرون آورد،

شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ

و برای شما [ابزار شناخت چون] گوش و چشم و قلب قرار داد تا [با فراگیری دانش لازم و معرفت دینی، و عمل به آن]

تَشْكُرُونَ ﴿٧٨﴾ أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الظُّلُمِ مَسْخَرَاتٍ فِي جُودِ السَّمَاءِ

سپاس‌گزاری کنید (۷۸) آیا به پرندگان که در فضای آسمان مسخر [فرمان] خداوند اند نظر نکردید که آنان را

مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٧٩﴾

از سقوط به زمین کسی جز خداوند نگه نمی‌دارد؟ یقیناً در این [امرا] برای مردم مؤمن نشانه‌هایی [بر قدرت و ربوبیت خدا] است (۷۹)

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّن بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُم مِّن جُلُودِ

خداوند خانه‌هایی را برای شما عایه آرامش قرار داد، و برای شما از پوست

الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ

چهارپایان چون شتر و گاو و گوسفند، [خیمه‌هایی پدید آورد که آن را روز کوچ کردن و روز ماندن، در جابه جاکردن اسبک می‌بایند، و] به سود شما

أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارُهَا وَأَشْعَارُهَا أَثَاثًا وَمتاعًا إِلَى حِينٍ ﴿٨٠﴾ وَاللَّهُ

از پرشم و کرک و موی چهارپایان تا زمانی معین وسایل زندگی و کالای تجارت فراهم آورد (۸۰) خداوند

جَعَلَ لَكُم مِمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَجَعَلَ لَكُم مِّن الْجِبَالِ

برای شما از آنچه آفریده سایه‌هایی قرار داد، و از کوه‌ها

أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُم سُرَابِیلَ ثَقِیْمٍ الْحَرَّ وَسُرَابِیلَ

بناده‌گانه‌هایی ساخت، و جامه‌هایی برای شما پدید آورد که از گرما نگاهتان می‌دارد، و نیز پیراهن‌هایی [مقاوم] که شما را از آسیب

ثَقِیْمٍ بِأَسَکُمُ کَذَٰلِکَ یُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَیْکُمْ لَعَلَّکُمْ

جنگ حفظ می‌کند، [خداوند] این گونه، نعمت‌هایش را بر شما تمام می‌کند

تُسَلِّمُونَ ﴿٨١﴾ فَإِن تَوَلَّوْا فإِنَّمَا عَلَیْکَ الْبَلَاغُ الْمُبِیْنُ ﴿٨٢﴾

تا تسلیم [و] اوشوید (۸۱) پس اگر ابعاد از این همه لطف و رحمت، [روی از حق] گردانند اندوه مخور؛ زیرا [فقط رساندن آشکار ایمان و حق] بر عهده توست (۸۲)

بَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ بُنِیَکُمْ وَنَهَاوَا کَثُرُهُمُ الْکَافِرُونَ ﴿٨٣﴾

آنان نعمت‌های خدا را می‌شناسند، ولی از روی کبر و غرور آن را [عملاً] انکار می‌کنند، و بیشترشان کافرنند (۸۳)

وَبَوْمَ نَبْعَثُ مِّنْ کُلِّ أُمَّةٍ شَهِیدًا ثُمَّ لَا یُؤْذَنُ لِلَّذِینَ کَفَرُوا

روزی را یاد کن که از هر امتی گواهی از نیکان و صالحان‌شان را [برمی‌انگیزیم] آنگاه اعمال امت‌ها گواهی دهند، آن‌گاه به کافران نه اجازه [عذرخواهی] داده

وَلَا لَهُمْ یُسْتَعْنَبُونَ ﴿٨٤﴾ وَإِذَا رَأَوْا الَّذِینَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا

می‌شود، و نه از آنان می‌خواهند که برای جلب خشنودی [خداوند] کاری کنند (۸۴) چون ستمکاران عذاب را ببینند [در می‌یابند که راه گریزی از آن نیست، پس

یُخَفِّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ یُنْظَرُونَ ﴿٨٥﴾ وَإِذَا رَأَوْا الَّذِینَ أَشْرَكُوا

به سبب ستمشان [نه عذاب از آنان سبک می‌شود، و نه مهلتشان می‌دهند] (۸۵) و زمانی که مشرکان [در قیامت]

شُرَکَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَکَاؤُنَا الَّذِینَ کُنَّا نَدْعُوا

بت‌هایشان را [که شریکان خداوند در کارگردانی امورشان قرار داده بودند] ببینند، می‌گویند: پروردگارا! اینانند شریکانی که ما

مِن دُونِکَ فَالْقُوا إِلَیْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّکُمْ لَکَاذِبُونَ ﴿٨٦﴾ وَ

به جای نومی پرستیدیم، [و سبب گمراهی ما بودند،] اولی شریکان به آنان پاسخ می‌دهند: یقیناً شما دروغگو هستید! از پرستش گمراهی شما هوای نفس و تکبر خودتان

الْقُوا إِلَى اللَّهِ یَوْمَئِذٍ السَّلَامَ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا کَانُوا یَفْتَرُونَ ﴿٨٧﴾

بود (۸۶) در آن روز همه مشرکان [در برابر خداوند سر تسلیم فرو می‌آورند، و معبودانی که [به دروغ] به عنوان شریکان خدا بر خدا می‌یستند از دستشان می‌روند (۸۷)

الَّذِينَ كَفَرُوا وَاصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زُذُنَاهُمْ عَذَابٌ آفٍ

کافران که مردم را از راه خدا بازداشتند، به سبب نیکوکاری و فتنه انگیزی که همواره کارشان بود

الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ ﴿٨٨﴾ وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ

عذابی بر عذابشان می افزایم (۸۸) و روزی که در هر امتی

شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ

گواهی از خودشان بر آنان برمی انگیزیم، و تو را ای پیامبر! بر این امت گواه می آوریم.

وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً

و این کتاب را برایت فرستادیم که بیانگر هر چیزی، و [مایه] هدایت و [اعمال] رحمت

وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ ﴿٨٩﴾ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ

و بشارت دهنده [به] فرجام نیک [برای] مسلمانان [واقعی] است (۸۹) همانا خداوند به عدالت و نیکوکاری

وَأَيُّهَا ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ

و اتفاق به خویشاوندان فرمان می دهد، و از هر زشت کاری و ناپسندی، و [هرگونه] تجاوز از حدود خدا و حقوق مردم نهی می کند.

بِعِظْمِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٩٠﴾ وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ

شمارا اندرز می دهد تا متذکر [این مطلب] شوید [که] فرمان و نهی خدا به مصلحت دنیا و آخرت شماست (۹۰) به پیمانی که [در رابطه با]

وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ

انجام کاری، یا ترک عملی با خداوند می بندید وفا کنید! و سوگندها را پس از مُحکَم کردنشان [به وسیله قصد جدی] نشکنید! در حالی که

عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٩١﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِي

خداوند را بر خود [در مورد سوگندها] ضامن قرار داده اید، همانا خداوند آنچه را انجام می دهید می داند (۹۱) و مانند آن [زنی]

نَقَضَتْ غُرْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَخَذُونَ آيْمَانَكُمْ دَخْلًا

که رشته خود را پس از مُحکَم تابیدنش نخ به نخ از هم می گسست نباشید، که سوگندهایتان را بین خود به بهانه این که گروه مشرکان از گروه مؤمنان [از نظر]

بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ

امکانات [افزون ترند مایه] خیانت و فساد [نسبت به مؤمنان] قرار داده [از آنان قطع رابطه کرده و به مشرکان پیوندید]، جز این نیست که خداوند شمارا به این

اللَّهُ بِهِ وَلِيَبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

[که امکانات مؤمنان اندک و امکانات دشمنان بیشتر است] آزمایش می کند، و روز قیامت آنچه را [در باره حق و باطل] که همواره در آن دچار اختلاف بودید برای

﴿٩٢﴾ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ

شمارا روشن می کند (۹۲) اگر خداوند می خواست شمارا [به] اجبار بر محور هدایت، [یک امت قرار می داد]، ولی هدایت اجباری فاقد ارزش است، [اما هر کس را]

يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَتَسْعَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾

بخواهد [به سبب] لجابت و کبرش [در گمراهی و امی نهد]، و هر که را بخواهد هدایت می کند، مسلماً از آنچه همواره انجام می دادید باز پرسى خواهید شد (۹۳)



وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمُ بَعْدَ ثُبُوتِهَا

سوگندهایان را بین خود وسیله خیانت و نیرنگ قرار ندهید! تا قدمی پس از استواری اش بر راه حق بلغزد،

وَتَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ

و به سبب آن که از راه خدا بازداشتید [در این دنیا] سختی و بلا بچشید، و برای شما [در آخرت] عذاب

عَظِيمٌ ﴿٩٢﴾ وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ

بزرگی باشد (۹۲) [آن پیمان که با خدا [بسته‌اید] را به بهایی اندک نفروشید! زیرا آنچه از بهشت و رضوان نزد خداست

خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٩٣﴾ مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ

اگر بفهمید برای شما بهتر است، (۹۳) آنچه از ثروت و مال و مقام [از دشماست پایان پذیر و از دست رفتنی است، و آنچه از ثواب و رحمت [نزد خداست

بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّهُ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

ماندنی و ابدی است، مسلماً به آنان که [برای دینشان و عمل به آن] صبر کردند، پاداششان را بر پایه بهترین عملی که همواره انجام می دادند عطا می کنیم (۹۴)

﴿٩٤﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ

هرکس از مرد و زن کار شایسته انجام دهد درحالی که مؤمن باشد یقیناً او را به زندگی دلپذیر و باکی

حَيَوَةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٥﴾

زنده می داریم، و پاداش همه آنان را بر پایه بهترین عملی که همواره انجام می دادند خواهیم داد (۹۵)

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿٩٦﴾ إِنَّهُ

هنگامی که [می خواهی] قرآن بخوانی از شیطان رانده شده به خداوند پناه ببر! (۹۶) یقیناً

لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٩٧﴾

او بر مؤمنانی که همواره به پروردگارشان توکل می کنند تسلطی ندارد (۹۷)

إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ ﴿٩٨﴾

تسلطش فقط بر کسانی است که او را سرپرست [و همه کاره] خود گرفته اند، و نیز بر گروهی است که [با اغواگری او، برای خداوند شرک انتخاب می کنند] (۹۸)

﴿٩٩﴾ وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنْزِلُ

چون آیه ای را [که دارای حکم جدیدی است] جایگزین آیه دیگر کنیم، درحالی که خداوند به آنچه نازل می کند دانایتر است،

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٠٠﴾

می گویند: تو فقط دروغ باف هستی! [چنین نیست که می گویند، بلکه بیشترشان [اسرار جابه جایی آیات را] نمی فهمند] (۱۰۰)

﴿١٠١﴾ قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ

بگو: آن را روح القدس از سوی پروردگارت به حق و درستی نازل کرده

الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ﴿١٠٢﴾

تا مؤمنان را [در راه دین] ثابت قدم بدارد، و برای مسلمانان [واقعی مایه] هدایت و مژده باشد (۱۰۲)

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي

ما می دانیم که این مخالفان لجوج می گویند: مسلماً این قرآن را بشری (غیر عرب) به او می آموزد! چنین نیست که می گویند: زیرا از زبان آن (غیر عرب) که

يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَبِي وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ ﴿١٠٣﴾ إِنَّ

آموختن قرآن را به او نسبت می دهید مبهم و گنگ است، و این قرآن به [زبانی گویا و روشن است (۱۰۳)]

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ

یقیناً کسانی که ایه سبب کبر و لجاجتشان به آیات خداوند ایمان نمی آورند خدا هدایتشان نمی کند، و برای آنان عذاب

أَلِيمٌ ﴿١٠٤﴾ إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ

دردناکی است (۱۰۴) فقط کسانی ایه خداوند دروغ می بندند که به آیات خدا ایمان ندارند،

اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ ﴿١٠٥﴾ مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ

و دروغگویان واقعی اینانند (۱۰۵) کسی که پس از ایمان داشتنش، به خداوند کافر شود

إِيمَانِهِ إِلَّا مِنْ أَكْرَهٍ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ

[دچار عذاب می گردد] مگر کسی که [بافشار دشمن] مجبور [به اظهار کفر] شود ولی دلش به [باورهای مبتنی بر] ایمان آرام باشد، اما آنان که

شَرَحَ بِالْكَفْرِ صَدْرًا فَعَلَبَهُمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ

برای کفر سینه گشاده اند خشمی سخت از سوی خدا بر آنان است، و عذابی

عَظِيمٌ ﴿١٠٦﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى

بزرگ خواهند داشت (۱۰۶) این [خشم و عذاب بزرگ] به سبب آن است که زندگی [زودگذر و پایان یافتنی] دنیا را بر آخرت

الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿١٠٧﴾

ترجیح دادند، و یقیناً خداوند مردم کافر را هدایت نمی کند (۱۰۷)

أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعِهِمْ

اینان کسانی هستند که خدا بر دل و گوش و چشمان

وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ﴿١٠٨﴾ لَا جَرَمَ

مهر [عدم فهم حقایق] زده، و بی خبران واقعی اینانند (۱۰۸) اینان بی گمان

أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿١٠٩﴾ ثُمَّ إِنَّ

در آخرت زیانکار واقعی اند (۱۰۹) سپس

رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا

به کسانی که پس از شکنجه دیدن [طاقت فرسا از مشرکان، سرزمین شرک را رها کرده، به سرزمین اسلام] هجرت کردند، آن گاه به جهاد برخاسته

وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١١٠﴾

و [برای حفظ دینشان] صبر و شکیبایی ورزیدند، [آگاه باش] که مسلماً پروردگار نسبت به آنان پس از این [همه ابتلا و ادای تکالیف،] بسیار آمرزنده و مهربان است (۱۱۰)

يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا وَتُوْفَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ

روزی که هر کسی را به پیشگاه حق (ایدا) برای مصون ماندنش از عذاب بایهانه های واقعی از خود دفاع می کند، و هر کس هر عملی را در دنیا انجام داده (در آن روز عین اعمالش را) به طور کامل (به صورت بهشت یا دوزخ) به او خواهند داد، و در زمینه پاداش و کیفر، (استغنی به آنان نخواهد شد) (۱۱۱) خداوند برای عبودت مردم، در این قرآن (شهری را) عیناً زده است

وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١١١﴾ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً

که دارای امنیت و آرامش بود، و رزق (مردم) آن از همه جا به فراوانی به آن می رسید،

مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ

فَازَاقَمَهَا اللَّهُ لِبَاسِ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿١١٢﴾

پس در برابر نعمت های خدا ناسپاسی کردند، نهایتاً خداوند به کیفر اعمالی که همواره مرتکب می شدند بلای گرسنگی و ترس فراگیر را

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ

به آنان چنانچه (۱۱۲) همانا پیامبری از خودشان برای (هدایت) شان آمد، ولی او را انکار کردند،

ظَالِمُونَ ﴿١١٣﴾ فَكُلُوا مِنْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا

در نتیجه عذاب (خدا) همه آنان را درحالی که ستمکار بودند فراگرفت (۱۱۳) از نعمت هایی که خداوند به شما عطا کرده،

نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿١١٤﴾ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ

حلال و دلپذیر هزینه خود کنید، و اگر فقط او را می پرستید سپاس گزار نعمت هایش

الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ

باشید! (۱۱۴) خداوند فقط مردار، خون، گوشت خوک، و حیوانی را که وقت ذبح کردنش نام غیر خدا را بر او برده اند بر شما حرام کرده، اما کسی که

اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١١٥﴾ وَلَا تَقُولُوا

ای برای نجات جانش از خطر مرگ به خوردن این حرام ها (ناچار) شود، درحالی که خواهان لذت نباشد و از حد لازم تجاوز نکند (گاهی بر او نیست، زیرا)

لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ

خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۱۱۵) به سبب دروغی که به صورت عادت بر زبانتان جاری است (نگویید

لَيَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ

این حلال است، این حرام تا به خدا دروغ بینید (که این حلال و حرام حکم خداست.)

الْكُذِبَ لَا يَفْلِحُونَ ﴿١١٦﴾ مَتَاعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ

مسلمانان که به خداوند دروغ می بندند (در هیچ کاری) به پیروزی نمی رسند (۱۱۶) (با این حلال و حرام ساختگی، و دروغ بستن به خدا) بهره اندکی (در دنیا دارند)،

أَلِيمٌ ﴿١١٧﴾ وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِنْ

و در آخرت عذاب در دناکی و زده آنان است (۱۱۷) (علاوه بر حرمت آنچه در آیات قبل بیان کردیم، حلال هایی را که پیش تر (در سوره انعام) برای توبیان کردیم بر امت یهود

قَبْلُ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١١٨﴾

حرام ساختیم، ما به آنان ستم نروریدیم، بلکه خودشان همواره به خویشتن ستم می کردند (۱۱۸)

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ

سپس پروردگارت به آنان که بر اثر جهل اوهماقی، و عدم توجه به عاقبت شوم بدکاری امر تکب گناه شدند، و بعد از آن (بیدار گشته و) به توبه روی آوردند

ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١١٩﴾ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ

و (امقاسد خود را) اصلاح کردند (الطف ویژه دارد؛ زیرا) پروردگارت پس از آن بسیار آمرزنده و مهربان است (۱۱۹) بی تردید ابراهیم (به تنهایی)

كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٢٠﴾ شَاكِرًا

امتی فروتن و مطیع برای خدا، و یکتاپرست بود و از مشرکان نبود (۱۲۰) سپاس گزار

لِنِعْمِهِ أَجْنِبُهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٢١﴾ وَاتَيْنَاهُ فِي

نعمت های او بود، (خداوند) وی را برگزید و به راهی مستقیم هدایتش کرد (۱۲۱) در دنیا به او نیکی ها

الدُّنْيَا حَسَنَةً وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٢٢﴾ ثُمَّ أَوْحَيْنَا

او مواهب ویژه عطا کردیم، و بی تردید در آخرت از شایستگان است (۱۲۲) سپس به تو وحی کردیم

إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٢٣﴾

که از این آیین ابراهیم یکتاپرست که از مشرکان نبود پیروی کن! (۱۲۳) (تحریم های) روز شنبه

إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ

اوه عنوان کبفر، فقط ویژه کسانی (یهود) است که در مورد (حرمت و حلیت صید ماهی در آن روز) دچار اختلاف شدند، یقیناً پروردگارت

بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٢٤﴾ أَدْعُ إِلَى

روز قیامت درباره آنچه در آن اختلاف کردند داوری خواهد کرد (۱۲۴) (مردم را) با حکمت

سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي

و دانش، و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن! و با آنان به نیکوترین شیوه

هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ

به بحث و گفت و گو بپرداز! یقیناً پروردگارت به کسانی که از راه او گمراه شده اند، و نیز به هدایت یافتگان

بِالْمُهْتَدِينَ ﴿١٢٥﴾ وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ

داناتر است (۱۲۵) اگر (خواستید) ستمکار را مجازات کنید فقط به مانند ستمی که بر شما شده به مجازات برسانید!

وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ ﴿١٢٦﴾ وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ

و چنانچه (از مجازات) گذشت کنید این (گذشت، کاری است که) برای شکیبایان بهتر است (۱۲۶) و شکیبایی کن که شکیبایی تو

إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَبَقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ ﴿١٢٧﴾

جز به یاری خداوند نیست (و برای) (گمراهی) آنان (و کارهای ناروایی که می کنند) اندوهگین مباش (و از نیرنگی که همواره (بر ضد اسلام) به کار می گیرند) تلنگ مباش

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ ﴿١٢٨﴾

(از پر خداوند قهار در گمین آنان است) (۱۲۷) بی گمان خداوند با کسانی است که (از او اطاعت کردند، و از محرماتش) پرهیز داشتند، و نیز بانی کوران است (۱۲۸)

سُورَةُ الْاَنْعَامِ

آیاتها
۱۱۱مکیه
۱۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى

از هر عیب و نقصی پاک است آن خداوندی که شبی بنده اش [محمد ﷺ] را از مسجد الحرام

الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ

به مسجد الاقصی، که پیرامونش را خجسته و نیرخیز قرار داده ایم حرکت داد تا بخشی از نشانه های قدرت و عظمت خود را به او نشان دهیم، مسلماً خداوند

السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿١﴾ وَأَنْتِنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي

شنوا و داناست (۱) ما به موسی کتاب عطا کردیم و آن را وسیله هدایت

إِسْرَائِيلَ الْأَنْتَخِذُ وَأَمِنْ دُونِي وَكِيلًا ﴿٢﴾ ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا

بنی اسرائیل قرار دادیم، [کتاب موسی دارای این پیام سعادت بخش بود که: جز مرا که خداوند یکتا و قادرم [کارساز خود] انتخاب نکنید (۲)] ای انسل گشتی که

مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا ﴿٣﴾ وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي

همه آنان را با نوح [در کشتی] اسوار کردیم! همانا او همواره بنده ای بسیار شکرگزار بود، [شما هم با اطاعت از حق، در شمار شکرگزاران درآید!] (۳) عاشر تورات

الْكِتَابِ لِنُفْسِدَنَّ فِي الْأَرْضِ مَرْثَبَهُمْ وَلَنُعَلِّقَ عُلُوًّا كَبِيرًا ﴿٤﴾

به بنی اسرائیل اعلام کردیم که مسلماً دویار در زمین تبهکاری و فتنه انگیزی می کنید، و به [سرکشی و] ابرتری جویی سختی دچار خواهید گشت (۴)

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادََنَا أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ

چون [ازمان انجام] وعده [عذاب ما به] کفر [نخستین آن دو] تبهکاری و فتنه انگیزی شما [فرارسد،] بندگان به شدت جنگجو

فَجَاءُ سُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا ﴿٥﴾ ثُمَّ رَدَدْنَاهُمْ أَمْ

و نبرو و منند خود را بر ضد شما بر می انگیزیم که [برای دست یابی به شما و ثروت و اموال] آن [لای خانه ها را] به دقت [جست و جو می کنند، این

الْكُفْرَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاهُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاهُمْ أَكْثَرَ

و عده یقیناً انجام شدنی است (۵) آن گاه پیروزی بر آنان را به شما باز می گردانیم، و شما را به وسیله اموال و فرزندان مدد می رسانیم، و نفرتان را

نَفِيرًا ﴿٦﴾ إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا

ایر آنان! [فرونی می دهیم] (۶) اگر نیکی کنید به سود خود نیکی کرده اید، و اگر بدی کنید به [ازیان] خود ابدی کرده اید، چون ازمان انجام

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ

و عده یقیناً [برای عذاب کردن] آن که و عده دوم [فرارسد،] جنگ جوانی بسیار سخت گیر بر ضد شما بر می انگیزیم [و شما را] اباد چار کردن به آسیب های شدید اندوهگین کنند،

كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا ﴿٧﴾

و به مسجد [الاقصی] درآیند چنان که بار اول در آمدند تا به هر که و هر چه دست یابند، نابودش کنند (۷)

عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدتُّمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ

امید است پروردگار تان در صورتی که از ستمکاری های خود توبه کنید بر شما رحم کند، و اگر ایبه نه کاری و فتنه انگیزی ایا از گردیدمانیز ایبه عذاب داد انسان ایا بر می گردیم، و در آخر

حَصِيرًا ﴿٨﴾ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ

برای کافران، زندانی تنگ قرار داده ایم (۸) مسلماً این قرآن به استوارترین آیین هدایت می کند، و به مؤمنانی که

الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ﴿٩﴾ وَأَنَّ الَّذِينَ

کارهای شایسته انجام می دهند مزد می دهد که برای آنان پاداش بزرگی است (۹) و برای آنان که

لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٠﴾ وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ

به قیامت ایمان ندارند عذاب دردناکی آماده کرده ایم (۱۰) انسان همانگونه که [با شتاب] خواهان نیکی است، ایبه همان صورت و بدون توجه

بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا ﴿١١﴾ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ

به عواقب امور [خواهان بدی است، و انسان] به سبب نادانی اش به سود و زیان حقیقی خود [بسیار شتابزده است] (۱۱) ما شب و روز را

آيَتَيْنِ فَحَوَّنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا

دو نشانه [قدرت و حکمت خود] قرار دادیم، پس شب را تاریک، و روز را روشن ساختیم تا [در آن با کوشش و تلاش،] جویای احسان و روزی

مِنْ رَبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ

پروردگارتان شوید، و [نیز] شمار سال ها و حساب [اوقات و زمان و امورتان] را بدانید، و هر چیزی را [که برای دنیا و دین و

فَفَصَّلًا ﴿١٢﴾ وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ

آخرت آن به آن نیازمند هستید] به روشنی توضیح داده ایم (۱۲) عمل هر انسانی را برای همیشه ملازم او کرده ایم، و روز قیامت

الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا ﴿١٣﴾ اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ

نوشته ای را [که کتاب عمل اوست] برای او بیرون می آوریم که آن را پیش رویش گشوده می بیند (۱۳) ایبه اومی گویم: [کتاب] عمل [خود را] بخوان [اکافی است که امروز خودت

عَلَيْكَ حَسِيبًا ﴿١٤﴾ مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا

بر خود حسابگر باشی (۱۴) هرکس هدایت یافت جز این نیست که به سود خودش هدایت می یابد، و هرکس گمراه شد فقط

يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَ مَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ

به زبان خودش گمراه می شود، و هیچ کس بار گناه کسی را به دوش نمی گیرد، و ما بر آن نبودیم که پیش از فرستادن پیامبری،

رَسُولًا ﴿١٥﴾ وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا

امتی را عذاب کنیم (۱۵) چون بخواهیم شهری را نابود کنیم خوش گذرانان غرق در ناز و نعمت آن [فرمان] ایبه طاعت و تقوا می دهیم، هنگامی که روی برتابند و در آن به گناهکاری

فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا ﴿١٦﴾ وَكَرَّ أَهْلُكُنَّا مِنْ

و نافرمانی روی آرند، و عده عذاب بر آنان حتمی می شود، در نتیجه آنان را به شدت درهم می کوبیم (۱۶) چه بسیار

الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿١٧﴾

از ملت های پس از نوح [ایبه سبب تبهکاری و فتنه انگیزی] نابود کردیم، و برای نابودی این گونه ملت ها [بس است که پروردگار] تبه گناهان بندگانانش آگاه و بینا است (۱۷)

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا

هر کس دنیای زودگذر را بخواهد، هر اندازه از آن را که بخواهیم و برای هر کس اراده کنیم به زودی در همین دنیا به او عطا می کنیم، سپس

لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلُهَا مَذْمُومًا مَذْهُورًا ۱۸ وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ

دوزخ را که در آتشش می سوزد برای او قرار می دهیم در حالی که نگوئید و رانده شده از رحمت خدا است (۱۸) و آنان که آخرت را بخواهند

لَهَا سَعْيُهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا ۱۹

در حالی که مؤمن هستند و با تلاشی خالصانه برای ابدیت آوردن آن بکوشند به تلاششان پاداش مناسب داده خواهد شد (۱۹)

كُلًّا نُمِدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ

هر یک از دو گروه دنیا طلب و آخرت خواه را در این دنیا از عطای پروردگارت مدد می دهیم، و عطای پروردگارت را

مَحْظُورًا ۲۰ أَنْظِرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَلِلْآخِرَةِ الْكِبَرُ

هیچ گاه در این دنیا از کسی باز نمی دارند (۲۰) یادقت بنگر که چگونه برخی از آنان را بر برخی دیگر در امور مادی افزونی بخشیده ایم، و البته آخرت

دَرَجَاتٍ وَأكْبَرُ تَفْضِيلًا ۲۱ لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ

از نظر درجات (معنوی) برتر، و از جهت فزونی انعام بیشتر است (۲۱) یا خداوند معبودی دیگر قرار مده که از دمو خداوند امور دسرسزش قرار گرفته،

مَذْمُومًا مَخْذُومًا ۲۲ وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ

و در دنیا و آخرت بی یار و یاور می شوی (۲۲) پروردگارت فرمان حتمی داده که: جز او را نپرستید، و به پدر و مادر

إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا

نیکی کنید! هرگاه یکی از آنان یا هر دو در کنارت به پیری رسند، اگر تو را به علت بی حوصلگی و بهانه گیری شان به ستوه آوردند!

أَفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ۲۳ وَاخْفِضْ

به آنان آف مگوی، و نسبت به آنان پر خاشاک مباش، و سخنی شایسته به آنان بگو (۲۳) و در برابرشان

لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي

از روی رحمت و مهربانی فروتن باش! و در دعایت بگو: پروردگارا! آنان را به پاس آن که مرا در کودکی تربیت کردند مورد

صَغِيرًا ۲۴ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ

مهربور رحمت قرار ده! (۲۴) پروردگارتان به آنچه از نیت ها و حالاتی که در مورد پدر و مادر در دل های شماست از خود شما آگاه تر است، اگر انسان های شایسته ای باشید!

فَإِنَّهُ كَانَ لِلَّهِ وَأَبْنٍ غَفُورًا ۲۵ وَإِلَى الْقُرْبَىٰ حَقُّهُ وَ

چنانچه نسبت به حقوق پدر و مادر از شما افزونی سزند ولی توبه کنید توبه شما پذیرفته خواهد شد زیرا او نسبت به توبه کنندگان بسیار آمرزنده است (۲۵) حق خویشاوند

الْمُسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَلَا تُبْذِرْ رِبْدًا ۲۶ إِنَّ الْمُبْذِرِينَ

و نیازمند و در راه مانده بی زاد و توشه را ببرداز! و مال خود را در جایی که شایسته نیست هزینه نکن (۲۶) یقیناً اسراف کنندگان

كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ۲۷

اگر مال خود را در امور غیر مشروع تلف می کنند برادران شیاطین هستند، و شیطان همواره به پروردگارش بسیار ناسپاس است (۲۷)

وَأَمَّا تُعِزُّنَ عَنْهُمْ أَبْيَغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوها فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا

اگر این سبب نداشتن امکانات از آنان [که کمک به آن ها را فرمان یافته ای از روی حیا و روی بر تابی، او این کار را به انگیزه طلب رزق و گشایشی باشد] که [رسیدن آن را از

میسوراً] ۲۸) وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ

سوی پروردگارت امیدی، پس با آنان [تا فراموشی از آن ها را از روی حیا و روی بر تابی، او این کار را به انگیزه طلب رزق و گشایشی باشد] که [رسیدن آن را از

الْبَسِطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا] ۲۹) إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ

هم اتفاق بکنی که در نهایت، [از دست دادن آن کو عیب دهی، و از زندگی خود خسته و وامانده گردی] (۲۹) همانا پروردگارت رزق را برای هر کس که بخواهد گشایش می دهد،

وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا] ۳۰) وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً

و برای هر که اراده کند تنگ می گردی زیرا او به [وضع] بندگانش آگاه و بیناست (۳۰) فرزندان را از بیم نهمیستی

أَمْ لَكُمْ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنْ قَتَلْتُمْ كُنْتُمْ خَطَاءً كَبِيرًا] ۳۱) وَلَا

نکشید! ما به آنان و شما روزی می دهیم، بی تردید کشتن آنان گناهی بزرگ است (۳۱)

تَقْرَبُوا الزَّيْنَاءَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا] ۳۲) وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ

به زنا نزدیک نشوید! که کاری بسیار زشت و راهی بد است (۳۲) کسی را که خدا [کشتن را]

الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيٍّ

حرام کرده جز به حق نکشید! و هر کس مظلوم کشته شود برای وارثش تسلطی [بر قاتل جهت خون خواهی، یا دیه یا عفو]

سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا] ۳۳) وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ

فرار داده ایم، پس [وارث مقتول] نباید در کشتن زیاده روی کند؛ زیرا او [با قانون قصاص و دیه] مورد حمایت قرار گرفته است (۳۳) به مال یتیم

الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ

تا زمانی که به سن رشدش برسد جز به بهترین روش نزدیک نشوید و به پیمان [با خدا و مردم] وفا کنید! زیرا [در قیامت]

الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا] ۳۴) وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ

در باره پیمان سؤال خواهد شد (۳۴) [در دادوستدهای پیمانی] چون پیمانی می کنید پیمانه را پر و کامل بدهید، و [جناس و زنی را] با ترازوی [اسالم و درست وزن کنید]

الْمُسْتَقِيمَ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا] ۳۵) وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ

پن [برای شما] بهتر، و عاقبتش نیکوتر است (۳۵) از چیزی که به آن علم [یقینی] نداری،

عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا] ۳۶)

[بلکه برگرفته از شنیده هاست] پیروی نکن! زیرا گوش و چشم و دل [که ابزار شناخت هستند] مورد پرسش قرار خواهند گرفت (۳۶)

وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ

با غرور و سرمستی در زمین راه مرو که هرگز نمی توانی [با قدم هایت] زمین را بشکافی، و در بلندی [اقامت] نمی توانی

الْجِبَالَ طُولًا] ۳۷) كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا] ۳۸)

به گونه ها بررسی (۳۷) همه این مسائل [که در این آیات از آن ها نهی شده]، گناهش نزد پروردگارت منفور و ناپسند است (۳۸)

ذَلِكَ بِمَا آوَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ

این احکام و مسائل اسلامی از معارف استوار و سودمندی است که پروردگارت به تو وحی کرده است، و با خدای یکتا معبودی دیگر قرار ندهد

فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا ﴿٣٩﴾ أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ

که نگویند و ورانده شده در دوزخ افکنده شوی (۳۹) ای مشرکان! آیا پروردگارتان شمارا ابا برتری دادن بر خود، [به] داشتن پسران، برگزیده؟

مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَّا نَاثِقُونَ لَنَقُولَنَّ قَوْلًا عَظِيمًا ﴿٤٠﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا

و برای خود از فرشتگان، دخترانی انتخاب کرده ۴۰ یقیناً از روی دروغ و افترا سخنی بس بزرگ او ناروا می گویند (۴۰) همانا در این قرآن

الْقُرْآنِ لِيَذِّكِّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا ﴿٤١﴾ قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا

داستان ها، موعظه ها و حکمت های اگوناگون بیان کرده ایم تا متذکر و هشیار شوند، ولی جز به میدان آنان نمی افزاید (۴۱) بگو: اگر آن گونه که می گویند با خداوند،

يَقُولُونَ إِذَا أَلْبَسْنَاهُ إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا ﴿٤٢﴾ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ

خدا یابانی (دیگر) بود در آن صورت راهی به سوی صاحب عرش می جستند [تا قدرتش را تصاحب کنند] (۴۲) خداوند از آنچه می گویند پاک و منزّه،

عُلَّوْا كَبِيرًا ﴿٤٣﴾ تَسْبِيحُ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ

و بسی برتر و والاتر است (۴۳) آسمان های هفت گانه و زمین و هر کس در آن هاست او را تسبیح گفتن، [از هر عیب و نقیصی] پاک و عیسی دارند، و هیچ چیز

شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا

نیست مگر این که همراه با ستایش او تسبیح می گوید، ولی شما تسبیح آن ها را نمی فهمید، یقیناً او بردبار

غَفُورًا ﴿٤٤﴾ وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

و بسیار آمرزنده است (۴۴) هنگامی که قرآن بخوانی، بین تو و آنان که

بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا ﴿٤٥﴾ وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ

به آخرت ایمان ندارند پرده ای نامری قرار می دهیم [که حقایق را درک نکنند] (۴۵) و نیز بر دل هایشان پوشش هایی گذاشته ایم تا آن را نفهمند،

فِي إِذْ أُنزِلَتْ وَقُرْءَاوَا إِذْ ذُكِّرَتْ رَبِّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوْ أَعْلَىٰ أَدْبَارِهِمْ

و در گوش هایشان [نیز] سنگینی [نهاده ایم تا موفق به گوش دادن موثر نشوند]، چون پروردگارت را بر اساس آیات قرآن به یگانگی یاد کنی، با حالت رعیدگی از تو

نُفُورًا ﴿٤٦﴾ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰ

روگردان می شوند (۴۶) هنگامی که به قرآن خواندن گوش می دهند مابه [هدف و انگیزه] گوش دادنشان داناییم، و نیز زمانی که گفت و گوی پنهانی دارند

إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا ﴿٤٧﴾ أَنْظِرْ

به قصدشان آگاه تریم، آن زمان که ستمگران می گویند: شما جز از مردی جادوشده پیروی نمی کنید! (۴۷) با دقت بنگر

كَيْفَ صَرَّبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ﴿٤٨﴾

چگونه نورابه صفاتی [چون شاعر، کاهن و مجنون] توصیف می کنند، [با این تهمت هایی که به تو می زنند] گمراه شدند، و نمی توانند راهی [به سوی هدایت] بیابند (۴۸)

وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا إِنْنَا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿٤٩﴾

بدون توجه به دلایل استوار قرآن، درباره زنده شدن مردگان گفتند: چون ما استخوان هایی جدا از هم و پوسیده شدیم آیا به طور مسلم در آفرینشی جدید برانگیخته می شویم؟! (۴۹)



قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا ﴿٥٠﴾ أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي

بگو: [حیات دادن به استخوان پوسیده که آسان است، شما سنگ شوید یا آهن (۵۰) یا سخت ترین جسمی که در ذهنان [حیات] افکنش]

صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ

دشوار می آید [بار هم با اثر بخشی جدید بر انگیزنه می شوید]. بی درنگ خواهند گفت: چه کسی ما را [به حیات دوباره] بر می گرداند؟ بگو: همان کسی که نخستین بار

فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ

شما را پدید آورد. پس سرهای خود را از روی استهزا در برابر تو می جنبانند و می گویند: [زنده شدن دوباره] چه زمانی است؟ بگو: چه بسا

قَرِيبًا ﴿٥١﴾ يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثْتُمْ

نزدیک باشد (۵۱) روزی که شما را از میان گورها فرا می خواند، پس در حالی که او را ستایش می کنید [فرخواندنش را] اجابت می کنید، و گمان می برید که [در دنیا] بیدار

إِلَّا فُلُوكَ ۖ وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ بِنُزْغٍ

برزخ [جز مدت کمی درنگ نکرده] (۵۲) به بندگانه بگو سخنی را که نیکوتر است بگویند؛ زیرا شیطان [با وادار کردنشان به گفتن سخنان ناروا و زشت] این آنان فتنه انگیزی

بَبَنِيهِمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا ﴿٥٣﴾ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ

و فسادگری می کند؛ چرا که شیطان همواره دشمن آشکار انسان است (۵۳) پروردگارتان به [حالت ها و کردار] شما [از خود شما] آگاه تر است.

إِنْ يَشَأْ يُرْسِلْكُمْ أَوْ إِنْ يَشَأْ يُعَذِّبْكُمْ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا

اگر بخواهد شما را مورد رحمت قرار می دهد، و اگر بخواهد عذابتان می کند، و ما تو را بر آنان کارگر

﴿٥٤﴾ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ

نفر ستاده ایم (۵۴) و پروردگارت به هر که در آسمان ها و زمین است داناتر است. مسلماً برخی از

النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ وَأَنَّى نَادَاوُدَ زَبُورًا ﴿٥٥﴾ قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ

پیامبران را بر بعضی دیگر برتری داده ایم، و به داود زبور عطا کردیم (۵۵) بگو: آنان را که به جای خدا [معبودان خود] پنداشتید بخوانید

مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا ﴿٥٦﴾

[تا بفهمید که] نمی توانند آسیب و گزند را از شما دفع کنند، و نه [آن را به خوشی و رفاه] تغییر دهند (۵۶)

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَى رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ

کسانی از فرشتگان، پریان و ارواح [را که] به عنوان معبود به جای خدا می پرستند، [خود آنان] برای تقرب به پروردگارشان خواهان وسیله ای [چون ایسان و]

وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَ ۚ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا

[اخلاص و طاعت] هستند تا که دشمنان به او نزدیک تر باشند، [انان] به رحمت او امیدوارند و از عذابش می ترسند؛ زیرا عذاب پروردگارت در خور پرهیز است (۵۷)

﴿٥٧﴾ وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ

هیچ شهری از شهرهای مفسدان و گناه پیشگان نیست مگر این که آن را پیش از قیامت نابود می کنیم.

مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا ۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ﴿٥٨﴾

یا به عذابی سخت دچار می سازیم، [انجام] این [کار] در کتاب [الوح محفوظ] نگاشته شده است (۵۸)

وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوَّلُونَ وَإِنَّا

إِلهیچ چیز، اما از فرستادن معجزاتی که همواره مورد درخواست مشرکان و کافران است باز نداشت، جز این که گذشتگان، آن معجزات در خواستی خود را انکار کردند و بیهان

ثُمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا ﴿٥٩﴾

سبب هلاک شدند، ما به اقوام انمود از دل کوه نافه را دادیم که معجزه های روشن بود، ولی ابایی کردش بیهان ستم کردند و بیه عذاب مبتلا شدند، و ما معجزات را جز برای بیم دادن

وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّءْيَا الَّتِي آرَبْنَاكَ

ای مردم، و یستن راه هر غر و بهانه ای به روی ایشان نمی فرستیم (۵۹) به تو گفتیم: یقیناً پروردگارت از هر جهت به مردم احاطه کامل دارد، و آن خوابی را که به تو نشان دادیم،

الْأَفْتِنَةَ لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنَخَوْفُهُمْ فَمَا

و نیز در سخت نفرین شده در قرآن را که بنی امیه و دیگر طاغیانند، از آماج می ابراز کردیم، و ما آنان را از فرجام شرک و کفر ای ترسانیم،

يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا ﴿٦٠﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ

ولی بر آنان جز طغیانی بزرگ نمی افزاید (۶۰) ایاد کن! هنگامی که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید!

فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا ﴿٦١﴾ قَالَ

پس همه سجده کردند جز ابلیس که [متکبرانه] گفت: آیا برای کسی که [از] گل آفریدی سجده کنم؟ (۶۱) [آن گاه] گفت:

أَرَأَيْتَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَنْ أُوخِّرَ إِلَى يَوْمِ الْبَيَاةِ

به من خبر ده این است آنکه بر من برتری دادی؟ اگر تا قیامت مهلت دهی،

لَا حَتِّكَ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٦٢﴾ قَالَ أَذْهَبُ فَمَنْ نَبَعَكَ

بی تردید فرزندان را - جز اندکی - افسار می زنم [تا آن را به هر وادی هلاکتی که بخواهم بکشانم] (۶۲) [خداوند] فرمود: برو! که هر کس از آنان از تو پیروی کند

مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاءُ كَرُجَزَاءٍ مَوْفُورًا ﴿٦٣﴾ وَأَسْتَفِزُّ مَنِ

یقیناً کیفرتان دوزخ خواهد بود که کیفری است کامل و تمام (۶۳) از آنان هر که را

أَسْطَعَتْ مِنْهُمْ بِصَوْنِكَ وَأَجْلِبُ عَلَيْهِمْ بِخِيْلِكَ وَرَجُلِكَ وَشَارِكُهُمْ

توانستی با آواز تو [به سوی باطل] تحریک کن [و ابرای راندنشان به سوی طغیان و گناه] با کمک سواره ها و پیاده هایت [به شدت] بر سرشان فریاد زن!

فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدُهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا

و با آنان در [تولید ثروت های حرام]، و از مینه به وجود آمدن [فرزندان] نامشروع [و شریک شوایه آنان و عده های گوناگون] بده اشیطان جز از طریق دروغ و فریب

غُرُورًا ﴿٦٤﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَى

به آنان وعده نمی دهد (۶۴) اولی ای شیطان! آگاه باش! که یقیناً تو را بر بندگان هیچ تسلطی نیست، و بس است

بِرَبِّكَ وَكِيلًا ﴿٦٥﴾ رَبُّكُمُ الَّذِي يُرْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ فِي

که پروردگارت کار گزار و کار ساز [انان] باشد (۶۵) پروردگارتان کسی است که کشتی ها را

الْبَحْرِ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهٗ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴿٦٦﴾

برای شما در دریا روان می کند، تا [با رفتن از اقلیمی به اقلیم دیگر] جوای احسان و روزی او شوید؛ زیرا او همواره به شما مهربان است (۶۶)

وَإِذْ أَمْسَكُوا الصُّورَ فِي الْبَحْرِ صِلَ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ فَلَمَّا نَجَّيْنَاكُمْ

زمانی که در دریای سیاهی رسیده بودید و هر کس را جز خدا به کمک می طلبیدند و گوی می نمود و چون شمارا با سوطی دادند آنرا به خشکی رسانیدیم و انجات می دهیم (از او)

إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا ﴿٦٧﴾ أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ

روی بر می نایید انسان (با این که همواره الطاف خدا را در زندگی اش می بیند) بسیار ناسپاس است (۶۷) (با این حال) آیا ایمن هستید از این که شمارا

جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا أَلَكُمْ وَكِيلًا ﴿٦٨﴾

در ناحیه خشکی (به زمین) فرو ببرد؟ یا بر شما توفانی از سنگریزه ها فرستد، آن گاه برای خود حافظ و کارساز می نایید؟ (۶۸)

أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَى فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِّنْ

یا ایمن هستید از این که بار دیگر شما را به دریا برگرداند، و توفانی بسیار سخت و درهم کوبنده بر شما بفرستد.

الرَّيْحِ فَيُغْرِقَكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ نَبِيعًا ﴿٦٩﴾

و به سبب این که کفران نعمت کردید به بلای غرق شدن دچاران کند؟ آن گاه در برابر ما دفاع کننده و خون خواهی برای خود نایید؟ (۶۹)

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَا هُمْ فِي الْبَرِّ وَابْحُرْ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ

مسلمانان فرزندان آدم را (با عطا کردن همه امکانات) گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکب هایی که در اختیارشان نهادیم) اسوار کردیم، و به آنان

الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ﴿٧٠﴾ يَوْمَ

از نعمت های دلپذیر روزی دادیم، و آنان را بر همه آفریده های خود برتری کامل و ویژه ای بخشیدیم (۷۰)

نَدْعُوا كُلُّ أُنَاسٍ بِإِذَا مَرِمُمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

(به یاد آرید) روزی که هر گروهی از مردم را با پیشوایشان می خوانیم، پس کسانی که نامه اعمالشان را به دست راستشان دهند

فَأُولَٰئِكَ يَقرءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يَظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٧١﴾ وَ

نامه خود را (با خوش حالی) می خوانند، و به آنان در زمینه پاداش به اندازه رشتۀ میان هسته خرما ستم نمی شود (۷۱)

مَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٧٢﴾

کسی که در این دنیا کور (دل) باشد در آخرت نیز کور (دل) و گمراه تر است (۷۲)

وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا

نزدیک بود (کوردلان) تو را از آنچه به سوت وحی کردیم روی گردان کنند تا غیر آن را از روی افترا

غَيْرَهُ وَإِذَا لَا تَأْخُذُوكَ خَلِيلًا ﴿٧٣﴾ وَلَوْ لَا أَنْ تَبْتَئَكَ لَقَدْ كِدْتَ

به مانسبت دهی، در این صورت بود که تو را به عنوان دوست (خود) انتخاب می کردند (۷۳) و اگر تو را (در عمل به وحی) ثابت قدم نمی داشتیم

تَرْكُنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا ﴿٧٤﴾ إِذَا لَا ذَقْنَاكَ ضِعْفَ

البته نزدیک بود به سوی آنان کمی آگرایش پیدا کنی (۷۴) در آن صورت دو برابر

الْحَبْوَةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا ﴿٧٥﴾

در دنیا، و دو برابر در آخرت، عذاب به تو می جشانیم، آن گاه در برابر ما برای خود یابوری نمی یافتی (۷۵)

وَأِنْ كَادُوا لَيَسْتَفْرِزُوا مِنْكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذَا

رویک بود [مشرکان] تو را به ستوه آوردند تا از سرزمین [مکه] آوارهات کنند، در آن صورت پس از تو

لَا يَلْبَثُونَ خِلَافَكَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٧٦﴾ سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا

مردمی اندک درنگ نمی‌کردند، [چون به عذاب خدا هلاک می‌شدند] (۷۶) [هلاکت دشمنان] روشی است که همواره

قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا ﴿٧٧﴾ أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ

در باره [امت‌های] پیامبران پیش از تو جاری بوده است، و برای روش ما هیچ تغییری نخواهی یافت (۷۷) نماز را از ابتدای

الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ

تعالیل خورشید [به سوی مغرب، که شروع ظهر شرعی است] تا نهایت تاریکی شب [با شرایط ویژه‌اش] بخوان و نماز صبح

مَشْهُودًا ﴿٧٨﴾ وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ

را [ببخوان] که نماز صبح مورد گواهی [فرشتگان شب‌روز] است (۷۸) و پاسی از شب به بندگی و عبادت بیدار باش که [این افزون بر نمازهای واجب] ویژه‌توست، امید است

رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا ﴿٧٩﴾ وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي

پروردگارت تو را [به سبب این عبادت ویژه] به جایگاهی ستوده برانگیزد (۷۹) بگو: پروردگارا! مرا [در هر کار و شغلی] به نیکی

مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا ﴿٨٠﴾ وَقُلْ جَاءَ

وارد کن، و به نیکی بیرون آر، و برایم از نزد خود نیرویی یاری‌دهنده قرار ده! (۸۰) [به مشرکان و کافران] بگو:

الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴿٨١﴾ وَنُنَزِّلُ مِنَ

حقی آمد، و باطل نابود شد، بی‌تردید باطل نابود شدنی است (۸۱) ما از قرآن

الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا

نچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است نازل می‌کنیم، ولی ستمکاران را جز

خَسَارًا ﴿٨٢﴾ وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأِجَانِيهِ وَإِذَا مَسَّهُ

خسارت نمی‌افزاید (۸۲) زمانی که به انسان نعمت عطا می‌کنیم [از ما] رویگردان می‌شود و خود را مغرورانه [از ما] دور می‌کند، و هنگامی که آسیبی به او برسد

الشَّرْكَانَ يَتُوسَّأُ ﴿٨٣﴾ قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ

[به سبب بی‌ایمانی و غفلت، از رحمت ما] بسیار ناامید می‌گردد (۸۳) بگو: هر کس بر اساس نیت و عادات اکتسابی خود عمل می‌کند، و پروردگاران به کسی

هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا ﴿٨٤﴾ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ

که راه یافته‌تر است دانایانتر است (۸۴) از تو درباره روح می‌پرسند، بگو: روح از امر

رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٨٥﴾ وَلَتِنْ شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ

پروردگارت من است، و از دانش جز اندکی به شما داده نشده (۸۵) اگر بخواهیم

بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكَيْلًا ﴿٨٦﴾

تجّه را به تو وحی کرده‌ایم قطعاً [از یاد] می‌بریم، آن‌گاه در برابر ما [برای بازگرفتنش] کارسازی نخواهی یافت (۸۶)

الْأَرْحَمَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا ﴿٨٧﴾ قُلْ لَّيْنِ

اگر از یادت نمی‌رود، نیست مگر به سبب رحمتی از سوی پروردگار تو، مسلماً احسان او بر تو فراوان و بزرگ است (۸۷) بگو: اگر

اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ

جن و انس گرد آیند که مانند این قرآن را بیاورند قدرت آوردن مانندش را ندارند

بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا ﴿٨٨﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ

گرچه پشتیبان یکدیگر باشند (۸۸) همانا در این قرآن برای [هدایت] مردم

فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا ﴿٨٩﴾

از هر مثلی به روش‌های گوناگون آوردیم، ولی بیشتر مردم [در برابر این نعمت عظیم] جز انکار و ناسپاسی نخواستند (۸۹)

وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا ﴿٩٠﴾ أَوْ

امشترکان گفتند: ما به تو ایمان نمی‌آوریم مگر آن که از این سرزمین [خشک و سوزان مکه] چشمه‌ای بپزد روان سازی (۹۰) یا باغی

تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا

از درختان خرما و انگور برای فراهم باشد که از لابه‌لای آن نهرها

تَفْجُرُهَا ﴿٩١﴾ أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمَتِ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِي

جاری سازی (۹۱) یا آسمان را آن گونه که گمان کرده‌ای [محل نزول عذاب است]، قطعه قطعه بر [سر] ما بیفتد

بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا ﴿٩٢﴾ أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِنْ زُخْرٍ أَوْ

یا خدا و فرشتگان را روبه‌روی ما آوری (۹۲) یا خانه‌ای از طلای ناب در اختیار باشد، یا

تُرْقَى فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّىٰ تُنَزِّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُوهُ

در آسمان بالا روی، و بالا رفتنت را باور نمی‌کنیم مگر نوشته‌ای [از آنجا] برای ما فرود آوری که آن را بخوانیم، بگو:

قُلْ سُبْحَانَ رَبِّيَ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا ﴿٩٣﴾ وَمَا مَنَعَ النَّاسَ

پروردگارم از این که خواسته‌های نامعقول شمارا پاسخ دهد [منزه است، ایمن جز بشری هستم که برای هدایت شما فرستاده شده‌ام؟ (۹۳) و مردم زعانی که

أَنْ يُوْثِقُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا

هدایت به سوبشان آمد چیزی آنان را از ایمان آوردنشان باز نداشت جز این که [باشگفتی و استهزا] گفتند: آیا خداوند بشری را [که مانند خود ماست] به پیامبری برانگیخته است؟ (۹۴)

﴿٩٤﴾ قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا

بگو: اگر در زمین [به جای بشر] فرشتگانی بودند که با آرامی راه می‌رفتند یقیناً

عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ مَلَكَارَسُولًا ﴿٩٥﴾ قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ

فرشته‌ای را از آسمان برای آنان به پیامبری می‌فرستادیم، [چون هدایتگر هر گروهی باید از جنس خودشان باشد] (۹۵) بگو: بس است که خداوند

شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿٩٦﴾

بین من و شما [بر صدق نبوت] شاهد باشد؛ چون او به بندگانش آگاه و بیناست (۹۶)

وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ

هر که را خدا هدایت کند هدايت یافته است، و کسانی را که خداوند ابله کفر و عنادشان ادر گمراهی و انهد، هرگز به نفع آنان در برابر خداوند باورانی

دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمِيَآ وَبُكْمًا وَصُمًّا

نخواهی یافت، آنان را روز قیامت درحالی که به رو درافنده اند کور و لال و کر محسور می کنیم،

مَا أَوْهَمُهُمْ جَهَنَّمَ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا ﴿٩٧﴾ ذَلِكَ جَزَاءُ الَّذِينَ

جایگاهشان دوزخ است، هرگاه [شعله آتش] فرو نشیند شعله ای [دیگر] بر آنان می افزایم (۹۷) این کفر آنان است

بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا إِنْنا لَمَبْعُوثُونَ

به سبب این که به آیات ما کافر بودند، و گفتند: آیا ما وقتی استخوان [جدا از هم و ریز ریز گشته] و پوسیده شدیم با آفرینی جدید

خَلْقًا جَدِيدًا ﴿٩٨﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ

برانگیخته می شویم؟! (۹۸) آیا ندانستند خداوندی که آسمان ها و زمین را آفرید

وَالْأَرْضِ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَّا رَيْبَ فِيهِ

می تواند مانند آنان را پس از پوسیده شدن [بیافریند] و برای آنان مدتی بی تردید و قطعی قرار داده [تا قیامت فرارسد]،

فَأَبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا ﴿٩٩﴾ قُلْ لَوْ أَنَّكُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي

ولی ستمکاران جز انکار [قیامت] را نخواستند (۹۹) ابله این تنگ نظران کور دل بگو: اگر شما اختیاردار خزانه های

إِذَا لَمْ تَسْأَلْنَاهُمْ لَوْلَا فَتَنَّاكَ أَتَىٰ الْفِتْنَةَ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا ﴿١٠٠﴾ وَلَقَدْ

رحمت پروردگارم بودید در آن صورت از ترس [تبعات] اتفاق [همچون تهی دستی و فقر]، بخل می ورزیدید، انسان [بی ایمان] بسیار بخیل است (۱۰۰)

أَنبَيْنَا مُوسَىٰ تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَسَعَلَ بَنِي إِسْرَءِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ

همانا به موسی زمانی که نزد بنی اسرائیل آمد نه معجزه روشن دادیم، بنابراین از [آگاهان] بنی اسرائیل پرس [که آن معجزه ها چه بود]؟

فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَىٰ مَسْحُورًا ﴿١٠١﴾ قَالَ لَقَدْ

اما فرعون ابا دیدن آن معجزات به او گفت: ای موسی! به راستی من تو را سحرزده می دانم (۱۰۱) [موسی] گفت:

عَلِمْتُ مَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِصَائِرٍ وَإِنِّي

تو نیک می دانی که این معجزات بینش آور را جز پروردگار آسمان ها و زمین نفرستاده است،

لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَشْبُورًا ﴿١٠٢﴾ فَأَرَادَ أَنْ يَنْتَفِرَ مِنْ الْأَرْضِ

ای فرعون! من تو را نابود شدنی می دانم (۱۰۲) [فرعون] تصمیم گرفت موسی و مؤمنان همراه او را ابله ستوه آورد تا [از سرزمین مصر] الوده کند،

فَاغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعًا ﴿١٠٣﴾ وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَءِيلَ

ولی ما فرعون و همه کسانی را که با او بودند غرق کردیم (۱۰۳) پس از فرعون به بنی اسرائیل گفتیم:

اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا ﴿١٠٤﴾

در این سرزمین ساکن شوید، چون وعده آخرت فرارسد همه شما را دسته جمعی ابله صحرای قیامت می آوریم (۱۰۴)



وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿١٠٥﴾ وَقُرْآنًا

قرآن را از آسمان علم خود را به حق و درستی فرود آوردیم، و این پیامبر به وسیله امین و حق به حق و درستی نازل شده، و نوراً جز بشارت دهنده و هشدار دهنده

فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مَكِّكَ وَنَزَّلْنَاهُ نَزْوَيلًا ﴿١٠٦﴾ قُلْ اٰمِنُوْا بِهٖ

نفر ستادیم (۱۰۵) و قرآن را بخش بخش، آیه آیه قرار دادیم تا آن را با درنگ و تأمل بر مردم بخوانی، و آن را در جای آیه مناسبتهای و حوادث و وقایع انزال کردیم (۱۰۶) بگو: قُلْ اٰمِنُوْا بِهٖ

اَوْ لَا تُؤْمِنُوْنَ اِنَّ الَّذِیْنَ اٰتَوْا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهٖ اِذَا بُتِلَ عَلَيْهِمْ يَخْرُوْنَ لِلاَّذْقَانِ

خواه به آن ایمان بیاورید یا ایمان نیاورید! سود و زیانش متوجه خود شماست! همانا کسانی که پیش از انزال آن از دانش بهره مند شده اند هنگامی که بر آنان خوانده شود

سُجَّدًا ﴿١٠٧﴾ وَيَقُولُوْنَ سُبْحٰنَ رَبِّنَا اِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُوْلًا ﴿١٠٨﴾ وَيَخْرُوْنَ

سجده گنان به رو در افتند (۱۰۷) و می گویند: پروردگارمان از هر عیب و نقصی پاک و منزّه است، یقیناً وعده پروردگارمان [یعنی بر پاداش مؤمنان و

لِلَّذِقَانِ يَبْكَوْنَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوْعًا ﴿١٠٩﴾ قُلْ اَدْعُوا اللّٰهَ اَوْ اَدْعُوا الرَّحْمٰنَ

کافر کافران! انجام شدنی است (۱۰۸) و گریه گنان به رو در افتند، و آشنیدن قرآن [بر خشوعشان می افزاید (۱۰۹) بگو: چه [اورا] الله بخوانید یا رحمان

اَيَّامًا نَدْعُوْا فَلَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰی وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافُ بِهَا

هر کدام را بخوانید [فرقی نمی کند، اینکوترین نامها که این دو نام هم از آن هاست فقط ویژه اوست، نمازت را با صدای بلند، و نیز با صدای آهسته بخوان!

وَابْتَغِ بَيْنَ ذٰلِكَ سَبِيْلًا ﴿١١٠﴾ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ

بلکه میان این دو [صدای راهی [میان و معتدل] انتخاب کن (۱۱۰) بگو: همه ستایشها ویژه خداست که فرزندی برای خود نگرفته،

يَكُنْ لَهُ شَرِيْكٌ فِی الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِّنَ الدُّنْيَا وَكَبِّرُهُ تَكْبِیْرًا ﴿١١١﴾

و در فرمانروایی شریکی نداشته، و نه برای او به سبب ناتوانی سرپرست و یاری بوده است؛ بنابراین او را چنان که شایسته است بزرگ شمار! (۱۱۱)

سُورَةُ الْكَهْفِ ۝ آیتها ۱۱۰ مکیه ۱۸

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَنْزَلَ عَلٰی عَبْدِهٖ الْكِتٰبَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا ﴿١﴾

همه ستایشها ویژه خداست که این کتاب را بر بنده اش نازل کرد، و هیچ گونه انحرافی در آن قرار نداد (۱)

قِيَمًا لِّيُنْذِرَ بَاسًا شَدِيْدًا مِّنْ لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِيْنَ الَّذِیْنَ

در حالی که مستقیم [و سامان دهنده زندگی انسان است، [نزولش برای این است که از سوی خود، [کافران را از عذابی سخت بترساند، و به مؤمنانی که

يَعْمَلُوْنَ الصّٰلِحٰتِ اَنَّ لَهُمْ اَجْرًا حَسَنًا ﴿٢﴾ مَا كَثِيْنَ

کارهای شایسته انجام می دهند مژده دهد که [پاداشی نیکو برای آنان است (۲) در حالی که

فِيْهِ اَبَدًا ﴿٣﴾ وَيُنْذِرَ الَّذِیْنَ قَالُوْا اتَّخَذَ اللّٰهُ وَلَدًا ﴿٤﴾

در آن [پاداش نیکو جاودانه می مانند (۳) و [نیز کسانی را که گفتند خداوند برای خود فرزندی انتخاب کرده هشدار دهد (۴)

مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِإِبْرَاهِيمَ كِبَرٌ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ

نه آنان بر این ادعای بی اساس علم اویزمی ندارند، و نه پدر ایشان، ادا ایشان معلول نادانی و تقلید کور کورانه است. [اشکفا] چه سخن گزاف و بزرگی است

أَفْوَاهِهِمْ إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا ﴿٥﴾ فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى

که از دهانشان بیرون می آید! آنان جز دروغ نمی گویند (۵) بیم آن می رود، چنانچه

آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِرُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا ﴿٦﴾ إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى

به این سخن اکه وحی خداوند است ایمان نیاورند تو خود را از شدت اندوه هلاک کنی (۶) ما آنچه را از جهاد، نبات، حیوان، دریا و دیگر افریده ها

الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ﴿٧﴾ وَإِنَّا

روی زمین است زینت آن قرار دادیم تا مردم را آزمایش کنیم که کدامشان نیکوکارترند (۷) و بی تردید

كَبَّاءِ عَلَوْنَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا ﴿٨﴾ أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ

ما آنچه را روی زمین است خاک بی گیاه خواهیم کرد انا باتوجه به فناپذیری پدیده های مادی بر آن هادل نیندید، بلکه از آن هادر راه دست آوردن نیکوترین عمل بهره بگیرد (۸) با ايمان

الْكُهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا ﴿٩﴾ إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى

کردی که اصحاب كهف و رقيم از نشانه های شگفت انگیز ما بودند؟ چنین نیست؛ زیرا ما را نشانه های شگفت انگیز تو از آنان بسیار است (۹) [از روزگاری یاد کن] که آن جوانمردان

الْكُهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا

در غار پناه گرفتند و گفتند: پروردگارا! از پیشگاه خود رحمتی به ما عطا کن، و برای ما در کارمان زمین

رَشَدًا ﴿١٠﴾ فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكُهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ﴿١١﴾

هدایتی فراهم ساز! (۱۰) پس سالیانی چند در آن غار پرده بر گوش هایشان زدیم اکه به خوابی عمیق فرو رفتند

ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا ﴿١٢﴾ نَحْنُ

(۱۱) آن گاه آنان را [از خواب] برانگیختیم تا مشخص سازیم کدامیک از آن دو گروه مدت درنگشان [در خواب] را بهتر به شمار می آورند (۱۲)

نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاَهُمْ

ما داستان [عبرت آموز] آنان را به درستی و راستی برای تو حکایت می کنیم؛ آنان جوانمردانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند، و عابر هدایتشان

هُدًى ﴿١٣﴾ وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَوَاتِ

افزودیم (۱۳) و دل هایشان را [بایقین به حقایق] استوار ساختیم، آن گاه که [در برابر شرک و بت پرستی] اقیام کردند و گفتند: پروردگار ما پروردگار آسمان ها

وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُوَ مِنْ دُونِهَا إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذْ شَطَطًا ﴿١٤﴾

و زمین است، هرگز معبودی جز او را نمی خوانیم، که اگر بخوانیم! سخنی گزاف و دور از حق گفته ایم (۱۴)

هَؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ

اینان قوم [جاهل و بی دانش] ما هستند که به جای خداوند یکتا معبودانی انتخاب کرده اند، چرا بر [حقانیت] معبودانشان

بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ﴿١٥﴾

دلیلی روشن نمی آورند؟ پس ستمکارتر از کسی که بر خدا دروغ ببندد اکه خدا دارای شریک است! کیست؟ (۱۵)

وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْدَا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرُكُمْ

ایه یکدیگر گفتند! اکنون که از بت پرستان و آنچه جز خداوند می پرستند کناره گرفته اید، پس در این غار پناه بگیرید.

رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَبُهِتَى لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرْفَقًا ﴿١٦﴾ وَتَرَى

تا پروردگارتان از رحمتش بر شما بگسزاند، و در کارتان آسایش و راحتی فراهم آورد (۱۶) اگر در آن جا باشی! خورشید را

الشَّمْسُ إِذَا طَلَعَتْ تَوَارَعْنَ كُهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ

می بینی که به هنگام طلوع، از جهت راست غارشان متقابل می شود، و زمان غروب

نَقَرُ ضُهُمُ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَنْ

سخت چیشان را ترک می کند، درحالی که آنان در جای وسیعی از آن قرار دارند، این از نشانه های [قدرت] خداست.

يَهْدِي اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلُّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْسِدًا

خداوند هر که را هدایت کند راه یافته است، و هر که را در گمراهی وانهد، برای او یار هدایت کننده ای نخواهی یافت (۱۷)

﴿١٧﴾ وَتَحْسَبُهُمْ آيِقًا ظَاوَهُمْ رُقُودٌ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ

اچون به آنان بنگری گمان می کنی بیدارند درحالی که خوابند، آنان را به جانب راست و چپ

وَذَاتَ الشِّمَالِ وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعَتْ

می گردانیم، و سگشان دو دستش را در آستانه [غارا] گشوده است، اگر به سوی آنان سر می کشیدی

عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعبًا ﴿١٨﴾ وَكَذَلِكَ

روی برتافته و می گریختی، و از [دیدن] آنان پُر از ترس می شدی (۱۸) همان گونه که آنان را در به خواب بریم، از خواب

بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا

بیدارشان کردیم تا بین خود از یکدیگر [از آنچه اتفاق افتاده] بپرسند، گوینده ای از آنان گفت: چه اندازه [در خواب] مانده اید؟ [برخی] گفتند:

لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا

یک روز یا پاره ای از روز، [برخی] دیگر گفتند: پروردگارتان به مقداری که [در خواب] مانده اید داناتر است.

أَحَدَكُمْ يُوْرِقُكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرُوا أَيُّهَا أَزْكَى

پس یک نفرتان را با این سکه روانه شهر کنید و او باید با دقت بنگرد

طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ

کدام یک از فروشندگان شهر! غذایی را که بیشتر است، پس غذایی از آن برایتان بیاورد، و او باید [در رفت و برگشت و داد و ستد،] خوشرویی و نرمی نشان دهد، و هیچ کس را

بَكُمْ أَحَدًا ﴿١٩﴾ إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ

از اوضاع و حال! شما آگاه نکند (۱۹) زیرا اگر [این بت پرستان بی رحم] بر شما دست یابند سنگسارتان می کنند.

أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا ﴿٢٠﴾

یا شما را به آیین خود باز می گردانند، در آن صورت هرگز ابر موافق و مشکلات راه سعادت! پیروز نخواهید شد (۲۰)

وَكَذَلِكَ أَفْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ

واین گونه، امر دم شهر و آبادی سکه های چند نفر پیش که نماینده غار نشینان برای خرید غذا پرداخت، (از حال و وضع آنان آگاه گردیم تا بفهمانیم) که وعده خداوند ادر بر انگیزن مردگان در قیامت!

لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ

حق است، و امر ابر باشند از ستا خبر هیچ تردیدی وجود ندارد، آگاهی مردم شهر بر اصحاب كهف از نالی آید که بین خود در مورد آنان اوستند زنده شدن مردگان اذراع و اختلاف داشتند، به هر حال

بُنْيَانًا رُبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ

بنیان را قیامت! گفتند: ساخته می روی آنان بنا کنید (تا از دیده هائنهان بمانند). البته پروردگارشان به آنان دانایتر است، اولی امو خدائی که بر هدیشان ادر مورد اصحاب كهف ابروز شدند گفتند: بقیا

عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا ۝ (۲۱) سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ

مسجدی بر روی آنان بنا خواهیم کرد (۲۱) آیندگان ابر زودی خواهند گفت: اصحاب كهف سه نفر بودند چهارمین آنان سگشان بود، و می گویند:

خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ

پنج نفر بودند ششمین آنان سگشان بود، در حالی که این نظر دادن ها فقط حدس و گمان است، و می گویند: هفت نفر بودند هشتمین آنان

كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ

سگشان بود. بگو: پروردگارم به عدد آنان آگاه تر است، و جز شمار اندکی کسی اعداد آنان را نمی داند، پس

فِيهِمُ الْأُمَرَاءُ ظَاهِرًا وَلَا تَسْنِفُ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا ۝ (۲۲) وَلَا

در باره آنان جز به صورتی گذرا بحث و گفت و گو مکن، و در مورد آنان از هیچ کس نظر مخواه (۲۲) هرگز

نَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا ۝ (۲۳) إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ

در باره چیزی مگو که من آن را فردا انجام می دهم (۲۳) مگر این که بگوئی: «اِنْ شَاءَ اللَّهُ».

وَإِذْ كُرِّرَتْكَ إِذْ أَنْسَيْتَ وَقُلْ عَسَىٰ أَنْ يَهْدِيَنَّ رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ

و هرگاه اگفتن آن را از یاد بردی، پس از به یاد آمدن ابر پروردگارت توجه قلبی کن اوبگو: امید است پروردگارم مرا به چیزی که از این اوجه بعد از فراموشی

هَذَا ارْشَادًا ۝ (۲۴) وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا

به صواب نزدیک تر است اوان توجه دائمی است اراهنمایی کند (۲۴) اصحاب كهف سیصد سال در غارشان ابر حالت خواب ماندند و نه سال بر آن

تِسْعًا ۝ (۲۵) قُلْ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

افزودند (۲۵) بگو: خداوند به مدتی که ماندند دانایتر است! اذبرا آگاهی به غیب آسمان ها و زمین ویژه اوست،

أَبْصَرُ بِهِ وَأَسْمِعُ مَا لَمْ يَمْلِكْ مِنْ دُونِهِ مَنْ وَلِيٌّ وَلَا يُشْرِكُ

اوه که او چه بینا و شنواست! برای اهل آسمان ها و زمین سرپرست و یاری جز او نیست، و احدی را

فِي حُكْمِهِ أَحَدًا ۝ (۲۶) وَاتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ

در تدبیر و فرمانروایی اش ابر جهان هستی! شریک نمی گیرد (۲۶) آنچه از کتاب پروردگارت بر تو وحی شده

رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ۝ (۲۷)

فرانت کن! برای کلماتش هیچ تغییر دهنده ای نیست، و هرگز تکیه گاهی جز او نخواهی یافت (۲۷)

وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدُوفِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ

با کسانی که صبح و شام پروردگارشان را می خوانند در حالی که همواره خشنودی او را می طلبند بایستاد باشی

وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الدُّنْيَا وَلَا تُطِيعَ مَنْ

و نگاهت در طلب زینت و زیور زندگی دنیا از آنان ایه سوی ثروتمندان برنگردد، و از کسی که

أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا ۝ ۲۸ وَقُلْ

دلش را ایه کفر طغیانش از یاد خود غافل کرده ایم، و از خواسته های انا مشروع اخود پیروی کرده، و کارش اسراف و زیاده روی است اطاعت مکن (۲۸) بگو

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا

حق [که قرآن است] فقط از سوی پروردگار شماست، پس هر که خواست ایمان بیاورد و هر که خواست کافر شود، بقینا ما برای

لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهُمْ سُورَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ

ستمکاران آتشی آماده کرده ایم که سرپرده هایش بر آنان احاطه دارد، و اگر از شدت تشنگی درخواست کمک کنند

كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا ۝ ۲۹

چون می ذوب شده که چهره ها [یشان] را بریان می کند به آنان می نوشانند، بد آشامیدنی و بد جایگاهی است (۲۹)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ

مسلمانا مؤمنانی که کارهای شایسته انجام داده اند اباداششان را دریافت می کنند؛ زیرا ما پاداش

أَحْسَنَ عَمَلًا ۝ ۳۰ أُولَٰئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ

نیکوکاران را تبهه نمی کنیم (۳۰) برای آنان بهشت های جاودانی است که از زیر [درختان] آن

يُحَلَّلُونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ

نهرها جاری است، در آن جا با دست بندهایی زرین آراسته می شوند، و جامه هایی سبز از دیبای نازک و ستبر می پوشند

وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِعِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ

این در حالی است که در آن [جایگاه رفیع] بر تخت ها تکیه می زنند، چه خوب پاداشی و چه نیکی

مُرْتَفَقًا ۝ ۳۱ وَأَضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ

اسایشگاهی (۳۱) برای مشرکان [که از تأثیر گذاری معبودان باطل دم می زنند، و به دنیای فانی دل بسته اند] غفلتی بزن: دومردی که به یکی از آنان دویاغ

أَعْنَابٍ وَخَفَّفْنَاهُ بِالنَّخْلِ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زُرْعًا ۝ ۳۲ كُلَّتَا الْجَنَّتَيْنِ اثْمًا

انگور عطا کردیم، و گردا گردان دویاغ را بادرختان خرمایشان دیدیم، و [افاصله] میان آن دویاغ را اکشتزاری [سرسبز و خرم] اقرار دادیم (۳۲) هر یک از این دویاغ

أَكَلَهَا وَلَمْ يَظْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلَالَهَا نَهْرًا ۝ ۳۳ وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ

میوه اش را می داد، و ایه علت مصونیت از آفت، چیزی از آن کاسته نمی شد، میان دویاغ نهری [دل انگیز و آب جاری] کرده بودیم (۳۳) صاحب دویاغ

فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا ۝ ۳۴

که محصول [افراونی] داشت [مغرورانه] به رفیقش در حالی که با او گفت و گومی کرد، گفت: مال و ثروت من از تو بیشتر است، و از جهت نفرت از تو نفیر و عنودترم (۳۴)

وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَنْ تَبِيدَ هَذِهِ

در حالی که ایه سبب نافرمانی از خداوند استمکار بر خود بود وارد باغش شد، ادعا کرد که: گمان نمی‌کنم هرگز این باغ

آبدار (۳۵) وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُدِدْتُ إِلَى رَبِّي لَأَجِدَنَّ

نابود شود (۳۵) و خیال نمی‌کنم که قیامت برپا شود، اگر هم بر فرض مرا پس از مرگ به پروردگارم بازگردانند،

خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا (۳۶) قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي

جایگاهی بهتر از این خواهم یافت (۳۶) رفیقش در حال گفت‌وگوی با او به وی گفت: آیا به خداوندی که

خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّيَكَ رَجُلًا (۳۷) لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي

تو از خاک، سپس از نطفه به وجود آورده، و بعد از آن به صورت مردی معادل او را ساخته اند آورده کافر شده ای (۳۷) ولی این اعتراف بقبولی دارم که او خداوند بیکبار پروردگار من

وَلَا أَشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا (۳۸) وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ

است، و هیچ‌کس را اندر هیچ امری با پروردگارم شریک نمی‌گیرم (۳۸) چرا وقتی وارد باغ خود شدی نگفتی

لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (۳۹) إِنْ تَرَىٰ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا (۳۹) فَعَسَىٰ

آنچه خدا بخواهد انجام می‌گیرد، و هیچ نیرویی جز به وسیله خدا (کارگر) نیست، اگر مرا از جهت ثروت و فرزند کمتر از خودت می‌بینی (۳۹) امید است

رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ

پروردگارم بهتر از باغ تو را به من عطا کند، و از آسمان غذایی حساب‌شده بر باغ تو بفرستد

فَنُصَبِّحُ صَعِيدًا زَلَقًا (۴۰) أَوْ يُصْبِحُ مَاؤها غُورًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ

تا به صورت زمینی صاف و بی گیاه گردد (۴۰) یا آب آن (که باغ خود را با آن سیراب می‌کنی) در زمین فرو رود تا جایی که هرگز به آن دسترسی

طَلَبًا (۴۱) وَأُحِيطَ بِشَمْرِهِ فَاصْبَحْ يَقْلَبُ كَفِّهِ عَلَىٰ مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ

نداشته باشی (۴۱) اینها بتان مشرک معرور، دچار عذاب الهی شد و اتمام محصولانش از بین رفت، پس در حالی که همه داربست‌ها فرو ریخته و تاک‌های خشک روی آن

خَاوِبَةٌ عَلَىٰ غُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا (۴۲) وَلَمْ تَكُنْ

بود، و در احسرت ازین غرور وانی بود (که متحفل شده بود، و دوستش را زیر و رو می‌کرد، می‌گفت: ای کاش احدی را با پروردگارم شریک نگرفته بودم، و جز او را مؤثر در امورم

لَهُ فِئَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنْصَرًّا (۴۳) هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ

نمی‌دانستم (۴۳) و پراش گروهی که او را در برابر خدایاری دهند نبود، و خودش هم یا او را خود نبود و قدرت بر طرف کردن عذاب خدا را از خود نداشت (۴۳) در چنین زمان

لِللَّهِ الْحَقُّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا (۴۴) وَاصْرِبْ لَهُمْ مَثَلُ الْحَيَاةِ

که گرفتاری از هر سو انسان را احاطه کند، باری ساندن فقط در انحصار خداوند بر حق است، او از جهت پاداش دادن بهتر، و از نظر آسایش عاقبت برای مؤمنان اینکوتر

الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ

است (۴۴) برای آنان زندگی دنیا را در فناپذیری و از دست رفتن مثل بزن که مانند آبی است که از آسمان می‌فرستیم، پس گیاه زمین به صورتی آبیوه در هم پیچیده می‌روید،

هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا (۴۵)

سپس ابا گذشت زمانی کوتاه خشک و ریزیز گردد، که بادها آن را ایه هر سو پراکنده کنند، و خداوند بر هر کاری تواناست (۴۵)

الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ

ثروت و فرزندان، زینت زندگی دنیایند، ولی کارهای شایسته پابدار، پاداشش

عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا ﴿٢٦﴾ وَيَوْمَ نُسَيِّرُوا الْجِبَالُ وَتَرَى الْأَرْضَ

نزد پروردگار بهتر و از جهت ابدیتش این است (۲۶) به پادار آرزوی که گوهار از محل استقرارشان حرکت می دهیم و از بین می بریم، و همه از زمین

بَارِزَةً وَخَشَرْنَا لَهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿٢٧﴾ وَعَرَّضُوا عَلَى رَبِّكَ صَفًّا

اشکارا ایستاده هیچ پستی و بلندی ایستاد، و همه انسان ها را بر ای و روده به عرصه قیامت محصور کنیم، و احدی از آنان را انگذاریم (۲۷) آنان صف کشیده بر پروردگار

لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ

عرصه می شوند، به آنان می گوید: همانا شما این از مرگتان زنده گشته از دما امدید، چنانکه نخستین بار شما را از خاک مرده، موجودی زنده افریدیم، [شما در توان عبادی

مَوْعِدًا ﴿٢٨﴾ وَوَضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ

عادر مورد زنده کردن مردگان تردید داشتید، بلکه گمان می کردید برای محاسبه اعمال شما موعدی قرار نخواهیم داد (۲۸) کتاب اعمال هر کسی در برابرش نهاده

وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهذا الْكِتَابِ لَا يَغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً

می شود، پس گنه پیشگان را می بینی که از آنچه در آن ثبت است هر اسانند، می گویند: وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته

إِلَّا أَحْصَاهَا وَجَدُّوْا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ﴿٢٩﴾ وَ

مگر آن که آن را به حساب آورده است! آنان هر عملی را که در دنیا انجام داده اند حاضر می یابند، و پروردگار در زمین پاداش و کیفر به هیچ کس ستم نخواهد کرد (۲۹)

إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ

چون به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید! همه سجده کردند مگر ابلیس که از اجروه جن بود

فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ

او از فرمان پروردگار سرپیچی کرد، با این حال شما ای انسان ها! آیا او و نسلش را به جای من یار و سرپرست خود می گیرید!

لَكُمْ عَدُوٌّ بُئِيَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا ﴿٥٠﴾ مَا أَشْهَدُكُمْ خَلْقَ السَّمَوَاتِ

در حالی که همه آنان دشمن شما هستند، [آنان] بد جایگزینی به جای خدا برای ستمکاران هستند (۵۰) من ابلیس و نسلش را

وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُ مُنْخِذَ الْمُضِلِّينَ

در آفرینش آسمان ها و زمین، و در پدید آوردن خودشان شاهد نگر فتم [آنان] تدبیر نسبت به آفرینش یاری ام دهند، من هرگز بر آن نیستم که گمراه کنندگان را

عَصِدًا ﴿٥١﴾ وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ

به مددکاری ام! [انتخاب کنم] (۵۱) خداوند در قیامت به مشرکان اگوید: کسانی را که شریکان من [در قدرت و ربوبیت و تدبیر امور] می پنداشتید [برای

فَلَمْ يَسْتَجِبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا ﴿٥٢﴾ وَرَاءَ الْمُجْرِمُونَ

نجاتشان از عذاب [صدای] نید. پس آنان را صدای می زنند، ولی پاسخشان نمی دهند، و بین آنان و معبودانشان و رطبه هلاکتی قرار می دهیم [که هر نوع رابطه ای

النَّارِ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدْوا عَنْهَا مَصْرِفًا ﴿٥٣﴾

را بین آنان ناممکن خواهد ساخت (۵۲) گنه پیشگان آتش [دوزخ] را می بینند و یقین می کنند که در آن خواهند افتاد، و راه بازگشتی از آن نمی یابند (۵۳)

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ

همانا در این قرآن از هرگونه مثل ایندآموزی برای مردم بیان کرده ایم اولی از قبول آن اعتنا می کنند،

الْإِنْسَانُ أَكْثَرُ شَيْءٍ جَدَلًا ﴿٥٢﴾ وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ

و انسان از همه موجودات ابر خورش با حق از نظر گفتار خصمانه تر و استیزه جو یا نه اثر است (۵۲) وقتی هدایت به سوی مردم آمد، چیزی آنان را از مؤمن شدن

جَاءَهُمُ الْهُدَى وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةٌ أُولَىٰ أَوْ

و درخواست آمرزش از پروردگارشان باز نداشت جز این که منتظرند روش [مادر نازل کردن عذاب بر] گذشتگان [عجرب] به سراغشان آید،

يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا ﴿٥٥﴾ وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ

با این که عذاب رو بر ایشان فرارسد [تا ایمان بیاورند، در حالی که ایمان آوردن و مغفرت خواهی هنگام دیدن عذاب کاملای فایده است] (۵۵) مابین این را چه مؤذمرسان

مُنذِرِينَ وَيُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ

و هشدار دهنده نمی فرستیم، کافران با گفتار باطل [و اعمال ناپسند، ستیزه جویی می کنند تا به وسیله آن حق را تباه نمایند،

وَاتَّخِذُوا آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُوًا ﴿٥٦﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بآيَاتِ

آنان آیاتم و عذاب هایی که به آن بیمشان داده اند به مسخره گرفته اند (۵۶) ستمکارتر از کسی که به آیات

رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدْ مَتَّيَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ

پروردگارش پندش دهند و او از آن هارویگردان شود، و دستاور دیشین خود را که کفر و عصیان بوده فراموش کند کیست؟ ما بر دل هایشان پوشش های نهاده ایم

أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ نَدَعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ

تأقرآن را [به کفر کفرشان ان فهمند، و در گوش هایشان سنگینی گذارده ایم تا معارف را آن گونه که باید نشنوند]، اگر آنان را به هدایت دعوت کنی

يَهْتَدُوا وَإِذَا بَدَأَ ﴿٥٧﴾ وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا

هرگز هدایت نیابند (۵۷) پروردگارت بسیار آمرزنده و دارای رحمت است، اگر [اراده می کرد] آنان را

كَسَبُوا الْعَجَلَ لَهُمُ الْعَذَابُ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَنْ يَجْدُوا مِنْ دُونِهِ

به کفر گناهانی که مرتکب شده اند مجازات کند مسلماً در عذابشان شتاب می کرد اولی در عذاب گناه پیشگان شتاب در کارش نیست، بلکه [در عذاب برای آنان وعده گاهی است

مَوْثِلًا ﴿٥٨﴾ وَنِلِكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ

که هرگز در برابر آن [کمترین] پناهگاهی نخواهند یافت (۵۸) و آن شهرهایی که داستان هایش را برایت گفتیم، [هنگامی که] اهلش با کفر و عصیان به خود استمرواد شدند هلاکشان کردیم،

مَوْعِدًا ﴿٥٩﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ

و برای هلاکشان، وقت معینی فرار دادیم (۵۹) [یاد کن] هنگامی که موسی به جوان [خدمت گزار] خود گفت:

مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا ﴿٦٠﴾ فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ

دست از ادامه سفر بر نمی دارم تا به محل تلاقی آن دو دریا برسیم، [چه زود برسیم] یا مدتی طولانی به سفر ادامه دهم (۶۰) هنگامی که

بَيْنَهُمَا نِسِيًا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا ﴿٦١﴾

به محل تلاقی دودریا رسیدند [مواظبت از] ماهی خود را که برای خوردن فراهم کرده بودند از یاد بردند، ماهی [هم] را و خود را در درون دریای پیش گرفت (۶۱)

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ إِنِّي لَفِئِدٌ لِّقَبِيلٍ مِّنْ سَفَرٍ نَّهَذَا

چون از آن جا گذشتند [موسی] به جوان [خدمت کار] خود گفت: غذای صبحگاهی ما را بیاور که از این سفرمان

نَصَبًا ﴿٦٢﴾ قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوْهَبْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْخُبْرَ

خستگی [یاد دادم] (۶۲) [خدمت کار] گفت: آیا دیدی [چه حادثه ای پیش آمد]؟ چون کنار آن سنگ بزرگ پناه گرفتیم، من [مواظبت از] ماهی را [یاد دادم]

وَمَا أَنْسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَن أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ

و کسی جز شیطان از یادم نبرد، و [ماهی] به صورتی شکفت راه خود را در دریا پیش گرفت و رفت! او من از گفتن این مطلب به تو غفلت

عَجَبًا ﴿٦٣﴾ قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِ فَارْتَدَّ عَلَىٰ آثَارِهِمَا قَصَصًا ﴿٦٤﴾

کردم! (۶۳) [موسی] گفت: آن جا همان است که ما در جستجویش بودیم. پس با پی گیری جای پای خود [به آن محل] بازگشتند (۶۴)

فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا الْأَتْقِيَاءَ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَّدُنَّا

[آن جا] بنده ای از بندگان ما را یافتند که او را از پیشگاه خود رحمتی داده، و از نزد خویش دانسی اویزه

عِلْمًا ﴿٦٥﴾ قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَن تُعَلِّمَنِي مِمَّا عُلِّمْتَ

به او عطا کرده بودیم (۶۵) موسی به او گفت: آیا [اجازه دارم] همراه تو باشم که از آنچه به تو آموخته اند عاقل

رُشْدًا ﴿٦٦﴾ قَالَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٦٧﴾ وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ

رشدی به من بیاموزی؟ (۶۶) گفت: ای موسی! تو هرگز نمی توانی بر همراهی با من شکیبایی کنی (۶۷) چگونه می خواهی بر حقایقی که

مَا لَمْ يُحِطْ بِهِ خُبْرًا ﴿٦٨﴾ قَالَ سَنَجِدُبْنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا

به [شناختن] آن احاطه نداری شکیبا باشی؟ (۶۸) [موسی] گفت: [اگر] شاء الله مرا شکیبا خواهی یافت،

أَعْصِي لَكَ أَمْرًا ﴿٦٩﴾ قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ

و در هیچ کاری با تو مخالفت نخواهم کرد (۶۹) آن مرد گفت: ای موسی! اگر همراه من آمدی درباره هیچ چیز از من مپرس تا [خود]

أُحَدِّثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا ﴿٧٠﴾ فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا

درباره [حقیقت] آن با تو سخن آغاز کنم (۷۰) پس هر دو به راه افتادند تا زمانی که سوار کشتی شدند

قَالَ أَخَرَقْتُهَا لِنُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا أَمْرًا ﴿٧١﴾ قَالَ أَلَمْ

[آن مرد] شکافی در کشتی ایجاد کرد، [موسی] گفت: آیا آن را شکافتی تا سر نشینانش را غرق کنی؟ به راستی کار شکفت آوری کردی! (۷۱) آن مرد گفت:

أَقُلُّ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٧٢﴾ قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ

ای نگفتم تو هرگز توان نداری که همراه من شکیبایی کنی؟ (۷۲) [موسی] گفت: مرا بر آنچه

وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا ﴿٧٣﴾ فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا الْقَيَا عُلَٰمًا

از یاد بردم مؤاخذه مکن، و کار را بر من سخت نگیز (۷۳) پس هر دو ابعاد از پیاده شدن از کشتی به راه افتادند تا زمانی که به نوجوانی

فَقَتَلَهُ قَالَ أَقَتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا ﴿٧٤﴾

بر خور دند، [او] آن نوجوان را کشت، [موسی] گفت: آیا شخص بی گناهی را بی آن که کسی را کشته باشد کشتی؟ قطعاً کار بسیار ناپسندی مرتکب شدی! (۷۴)

قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٧٥﴾ قَالَ إِنْ سَأَلْتُكَ

آن مرد گفت ای موسی آیا نگفتم تو هرگز توان نداری که همراه من شکیبایی کنی (۷۵) گفت بعد از این اگر چیزی از تو پرسیدم

عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبْنِي فَمَا بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّي عُذْرًا ﴿٧٦﴾ فَأَنْطَلَقَا

با من همراهی مکن (۷۶) یقیناً درباره اجداشدن از من معذور خواهی بود پس هر دو به راه افتادند

حَتَّى إِذَا آتَيْنَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَّا أَهْلَهَا فَبَؤُوا أَنْ يُضَيِّقُوا هُمَا فَوَجَدَا

تا وقتی که به اهل شهری رسیدند از مردمش درخواست غذا کردند ولی آنان از مهمان کردن آن دو خودداری کردند

فِيهَا جِدَارٌ أَرْبُيْدُ أَنْ يُنْقَضَ فَاَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتُ لَنَخَذْتُ عَلَيْهِ

در آن شهر دیواری یافتند که در حال فرو ریختن بود، اینده ما آن را [به گونه ای] استوار کرد [که فرو نرزد] موسی گفت

أَجْرًا ﴿٧٧﴾ قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ سَأُنْتِيبُكَ بِتَاوِيلِ مَا لَمْ

آجل اگر می خواستی در برابر تعمیر دیوار مزدی بگیری [که برای خود غذایی فراهم کنیم] (۷۷) گفت ای موسی اکنون هنگام جدایی بین من و توست، به زودی

تَسْتَطِيعَ عَلَيْهِ صَبْرًا ﴿٧٨﴾ أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ

تو را به [حقیقت و] تفسیر آنچه نتوانستی بر آن شکیبایی کنی آگاه می کنم (۷۸) اما [آن] کشتی سمرایه ینویانی بود

فِي الْبَحْرِ فَارَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ

که [با آن] در دریا کار می کردند، در برابرشان پادشاهی بود که هر کشتی [بی عیبی] را غاصبانه به یغما می برد

غَصَبًا ﴿٧٩﴾ وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهِقَهُمَا

من خواستم معیوبش کنم [تا به دست آن ستمکار نیفتد] (۷۹) و اما [آن] نوجوان [را که کشتیم] پدر و مادرش مؤمن بودند ترسیدیم که

طُغْيَانًا وَكُفْرًا ﴿٨٠﴾ فَارَدْنَا أَنْ يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَ

آن دو را [در آینده] به طغیان و کفر بکشاند (۸۰) پس خواستیم پروردگارشان پاکتر

أَقْرَبَ رُحْمًا ﴿٨١﴾ وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ

و مهربان تر از او را به آنان عوض دهد (۸۱) اما [آن] دیوار مالکیتش از دو نوجوان یتیم در این شهر بود

وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزُ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ

و زیر آن گنجی متعلق به آن دو نفر بود و پدرشان مرد شایسته ای بود

يُبْلِغَهُمَا أَشَدَّهُمَا وَيُسَخِّرَهُمَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ وَمَا

پروردگارت خواست که آن دو [یتیم] به سن رشد برسند و گنجشان را به خاطر مهرای که پروردگارت [به آن دو داشت] بیرون آورند

فَعَلَتْهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ﴿٨٢﴾ وَ

و من آنچه را [در این سه حادثه] انجام دادم از پیش خود نکردم [بلکه همه به فرمان خداوند بود] این است حقیقت و تفسیر آنچه که نتوانستی بر آن شکیبایی کنی (۸۲)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْقَرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُوا عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا ﴿٨٣﴾

از تو درباره «ذوالقرنین» می پرسند، بگو: به زودی سرگذشت او را [به وسیله آيات قرآن] برای شما می خوانم (۸۳)

إِنَّا مَكْنُئَالُهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنِّيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبِيَا ۝۸۲ فَاتَّبِعْ سَبِيَا

ماور زمین به او قدرت و امکانات دادیم. و از هر چیزی که برای رسیدن به اهدافش لازم داشت [وسیله‌ای عطا کردیم (۸۲)] پس [بایه کارگیری وسایل] راهی را [برای رسیدن]

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ

به سوی غرب [دنبال کرد (۸۵)] تا زمانی که به محل غروب خورشید رسید، چنین احساس کرد که خورشید در چشمه‌ای سیاه و فام و لجن آلود غروب می‌کند، و قومی را در منطقه

عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّمَا أَنْتُ تُعَذِّبُ وَإِنَّمَا أَنْتُ تُخَذَفُ فِيهِمْ

غرب یافت [که مفسد و ستمکار بودند،] گفتیم: ای ذوالقرنین! ایاباید [این قوم را به کیفر فساد و ستمشان] مجازات کنی، بادر میانشان شیوه‌ای

حُسْنًا ۝۸۶ قَالَ إِنَّمَا مِنْ ظَلَمٍ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا

او خوش رفتاری را بر می‌گزینی (۸۶) ذوالقرنین گفت: اما هر که ستم کرده مجازاتش می‌کنیم، سپس او را به سوی پروردگارش بازمی‌گردانند، آن‌گاه [خداوند او را]

نُكَرًا ۝۸۷ وَإِنَّمَا مِنْ أَمْنٍ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ وَسَنَقُولُ لَهُ

عذاب سختی خواهد کرد (۸۷) و اما هر کس ایمان بیاورد و کار شایسته انجام دهد بهترین پاداش نصیب اوست، و ما از سوی خود

مِنْ أَمْرٍ نَائِسِرًا ۝۸۸ ثُمَّ اتَّبَعَ سَبِيَا ۝۸۹ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا

تکالیف آسان به او ارائه خواهیم کرد (۸۸) سپس [بایه کارگیری وسایل] راهی را [برای سفر به سوی شرق] دنبال کرد (۸۹) تا زمانی که به محل طلوع خورشید رسید،

نَظَّلَ عَلَىٰ قَوْمٍ لَّمْ يَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سِتْرًا ۝۹۰ كَذَلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا

در یافت که خورشید بر قومی [بیابان نشین] طلوع می‌کند که در برابر [تابش] خورشید برای آنان پوششی از لباس و مسکن [قرار نداده ایم (۹۰)] [سرگذشت ذوالقرنین و رفتار الهی را]

بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا ۝۹۱ ثُمَّ اتَّبَعَ سَبِيَا ۝۹۲ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ

باغریان و شرقیان [این گونه] بود که بیان شد، [و قطعاً ما به آنچه [از قدرت و امکانات] که نزد او بود احاطه کامل داشتیم (۹۲)] سپس [بایه کارگیری وسایل] راهی را [برای سفری دیگر] دنبال

مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا ۝۹۳ قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ

کرد (۹۳) تا زمانی که میان دو کوه رسید، در مجاورت آن دو [کوه] قومی را یافت که هیچ سخنی را به آسانی نمی‌فهمیدند [از بیرون خود را داشتند (۹۳)] [آنان بار می‌آوردند و]

إِنَّا يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا

تکلیمی ناقص [گفتند: ای ذوالقرنین! یا جوج و مأجوج اقبايل و حشی مغول و تاتار با کشتن و غارت و تخریب] در این [سرزمین تبهکاری و فتنه انگیزی می‌کنند، آیا غرضی از ما می‌بینی]

عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ۝۹۴ قَالَ مَا مَكْنِي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي

که بین ما و آنان سدی بسازی؟ (۹۴) گفت: پروردگارم آنچه [از قدرت و امکانات] به من عطا کرده [از فرزندان] بهتر است، پس مرا یاری کن [و من را یاری کنی]

بِقُوَّةِ أَجْعَلُ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ۝۹۵ أَتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ

تأبیین شما و آنان مانعی محکم [تر از سد مورد نظر شما] بسازم (۹۵) [برایم] قطعات بزرگ آهن بیاورید. از زمانی که آوردند آن‌ها را حساب شد روی هم قرار داد [تا میان آن] دو کوه را

بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ أَتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ

برای او همسطلح [کرد،] آن‌گاه [گفت: اکنون در کوره‌های آتشین کنار قطعات آهن] بدمید. تا جایی که آن‌ها را [چون آتش] سرخ شده [کرد،] گفت: [احالا] برای من گداخته شده

قَطْرًا ۝۹۶ فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا ۝۹۷

بیاورید تا روی آن بریزم (۹۶) [هنگامی که آن مانع بسیار محکم ساخته شد، یا جوج و مأجوج [نتوانستند] از آن بالا روند، و توان آن را نداشتند که در آن رخنه ایجاد کنند (۹۷)]

قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي

این امر پس از پایان کار شد گفت: این نعمتی است از پروردگار من [به سود مردمی که از فتنه با جوج و ماجوج رهایی یافتند، و این سندان مانی معین خواهد بود، چون وعده پروردگار من]

حَقًّا ۱۸ وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَعَلْنَاهُمْ

برای بر باد شدن قیامت [فرارسد آن را در هم کوبیده و با خاک یکسان خواهد کرد، و وعده پروردگار من و انجام شدنی است (۱۸) در آن روز آنان را رها می کنیم که موج وار در هم در]

جَعًا ۱۹ وَعَرَّضْنَاهُمْ يَوْمَئِذٍ لِلْكَافِرِينَ عَرَضًا ۲۰ الَّذِينَ كَانَتْ

آوردند آن گاه در صور می دمند، پس همه آنان را جمع می کنیم؛ جمعی بسیار گسترده (۱۹) و دوزخ را در آن روز برای کافران آشکار می کنیم؛ آشکار کردنی هول انگیز (۲۰) هم آنان که]

أَعْيَنُهُمْ فِي غَطَاةٍ عَنْ ذِكْرِهِمْ وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا ۲۱ أَفَحَسِبَ

چشمه نشان از [آیدن] آیات و نشانه های [وجود] من در پرده [غفلت] بود و نمی توانستند [سخنان حق را به گوش قبول] بشنوند (۲۱)

الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْجَهَنَّمَ

بر کافران [پنداشته اند] اگر [که بندگان را] که همه مملوک و نیاز مندند [به جای من سرپرست و کار ساز] بخیرند [در دنیا و آخرت سودی به حالشان دارد]؟! [چنین نیست]، مسلمانا]

لِلْكَافِرِينَ نَزُلًا ۲۲ قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ۲۳ الَّذِينَ ضَلَّ

دوزخ را برای پذیرایی کافران آماده کرده ایم (۲۲) بگو: آیا شما را از زیانکارترین مردم از نظر کوشش و تلاش آگاه کنیم؟ (۲۳) هم آنان که]

سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ۲۴ أُولَٰئِكَ

کوششان در زندگی دنیا تباه شده در حالی که می پندارند کوششی نیکو دارند (۲۴) اینانند که]

الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

آیات پروردگارشان و لقای او را منکر شدند، پس تلاششان تباه و بی اثر شد و روز قیامت]

وَزَنًّا ۲۵ ذَٰلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُوًا

میزانی برای آنان [به سبب تباه شدن تلاششان] [برای منی کنیم] (۲۵) این است [وضع و حال زیانکاران]، کیفرشان به سبب آن که کفر ورزیدند و آیات من و پیامبران را به مسخره گرفتند]

۱۰۶ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ

دوزخ است (۱۰۶) به یقین مؤمنانی که کارهای شایسته انجام داده اند بهشت های فردوس جای پذیرایی]

نَزُلًا ۱۰۷ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا ۱۰۸ قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا

از آنان است (۱۰۷) در آن جاودانه اند، و خواهان انتقال از آن [به جای دیگر] نیستند (۱۰۸) بگو: اگر دریا برای [نوشتن]

لِكَلِمَاتٍ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ نُنْفِذَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا

کلمات پروردگار من [که مخلوقات او هستند] مرکب شود، پیش از آن که کلمات پروردگار من باید قطعا دریاهای دیگر [امتداد] دریا را]

۱۰۹ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُ الْكَافِرِينَ ۱۱۰

به کمک بیاوریم (۱۰۹) بگو: جز این نیست که من بشری چون شما، [با این تفاوت که] [به من وحی می شود که: معبود شما فقط خداوند یکتاست،]

لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا ۱۱۱

پس کسی که به لقای پروردگارش امید دارد باید کار شایسته انجام دهد، و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نگیرد (۱۱۱)

سُورَةُ مَرْيَمَ

آیاتها
۹۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

كَمِيعَصَ ۝۱ ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَّرِيَّا ۝۲ اِذْ نَادَىٰ

کاف، هاء، یاء، غین، صاد (۱) این بخش از قرآن که بر تو خوانده می شود! بادی از رحمت پروردگارت بر بنده اش زکریاست (۲) آن گاه

رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا ۝۳ قَالَ رَبِّ اِنِّیْ وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّیْ

که پروردگارش را پنهانی ندا کرد (۳) گفت: پروردگارا! استخوانم سست شده.

وَاَشْتَعَلَ الرَّاسُ شَيْبًا وَلَمْ اَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا ۝۴

و گرد پیری روی سرم نشسته، پروردگارا! هرگز از [اجابت] دعا به پیشگاهت ناامید نبوده ام (۴)

وَ اِنِّیْ خِفْتُ الْمَوَالِیَ مِنْ وَّرَآئِیْ وَ كَانَتْ اُمْرَاتِیْ عَاقِرًا فَهَبْ

همانا من پس از خود از خویشاوندانم بیم دارم [که نتیجه تلاش هایم را در مورد امور دنیا و آخرت مردم بر باد دهند]، و همسرم از ابتداء نازا بوده.

لِیْ مِنْ لَّدُنْكَ وَلِیًّا ۝۵ هَرُثْنِیْ وَ یَرِثْ مِنْ اِلٰی یَعْقُوبَ

پس مرا از سوی خود فرزندی عطا کن (۵) که وارث من و خاندان یعقوب باشد.

وَ اجْعَلْهُ رَبِّ رَضِیًّا ۝۶ یَا زَکَرِیَّا اِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اِسْمُهُ

و او را ای پروردگارم! مورد رضایت [خود] قرار ده (۶) [خطاب آمد:] ای زکریا! ما تو را به پسرى که نامش «یحیی» است

بِیَحْیٰ لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِیًّا ۝۷ قَالَ رَبِّ اِنِّیْ یَكُوْنُ لِیْ

و در گذشته همنامی برای او قرار نداده ایم مژده می دهیم (۷) گفت: پروردگارا! چگونه برایم پسرى خواهد بود

غُلَامٌ وَ كَانَتْ اُمْرَاتِیْ عَاقِرًا وَ قَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا ۝۸

درحالی که همسرم نازاست، و خود نیز از کهن سالی به فروتنی رسیده ام (۸)

قَالَ كَذٰلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلٰی هَیْئٍ وَ قَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ وَ

[فرشته الهی] گفت: چنین است [که می گویی]، ولی! پروردگارت می گوید: این کار بر من آسان است، و من تو را پیش از این

لَمْ تَكُ شَیْئًا ۝۹ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِّیْ اٰیَةً ۚ قَالَ اٰیَتُكَ

درحالی که چیزی نبودى [فریدم (۹) از زکریا] گفت: پروردگارا! برایم نشانه ای [بر دانستن زمان آمادگی من و همسرم برای فرزنددار شدن] قرار ده! [خداوند] گفت: نشانه تو

اَلَّا نُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلٰثَ لَیَالٍ سَوِيًّا ۝۱۰ فَخَرَجَ عَلٰی

این است که سه شبانه روز درحالی که سالم هستی توان سخن گفتن با مردم را نخواهی داشت (۱۰) پس [به دنبال ناتوانی اش از سخن گفتن، از محل عبادت] خود!

قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَ اَوْحٰی اِلَیْهِمْ اَنْ سَبِّحُوْا بُكْرَةً وَ عَشِيًّا ۝۱۱

به سوسی قومش درآمد و به آنان اشاره کرد: صبح و شام [خدا را] تسبیح گوید! [خدایی که از هر عیب و نقصی منزّه است] (۱۱)

فَكُلِّي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَإِمَّا تَرَيَنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا ﴿٢٦﴾

امداد را از خرما بخور، و از آب نهرا بپاشام! و دل خوش دار، و اگر کسی از مردم را دیدی که درباره نوزادت بیپرستد بگو: من

برای خداوند مهربان روزه [سکوت] نذر کرده‌ام، و امروز با هیچ انسانی سخن نخواهم گفت (۲۶) پس [مريم] نوزاد را

قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا ﴿٢٧﴾ يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا ﴿٢٨﴾ فَاشَارَتْ

درحالی که در آغوشش گرفته بود نزد قومش آورد، گفتند: ای مريم! همانا کاری شگفت و بزرگ مرتکب شده‌ای (۲۷) ای خواهر

هارون! نه پدرت مرد بدی بود، و نه مادرت بدکاره [این کودک از کجاست؟] (۲۸) [مريم] به نوزاد اشاره کرد

إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نَكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا ﴿٢٩﴾ قَالَ إِنِّي

اگر از او بپرسیدم، گفتند: چگونه با کسی که نوزادی در گهواره است سخن بگوییم؟! (۲۹) [نوزاد] گفت:

عَبْدُ اللَّهِ اتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ﴿٣٠﴾ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا مِّنْ

بهراستی من بنده خداوند یکتایم، به من کتاب عطا کرده، و مرا پیامبر قرار داده است (۳۰) و مرا هرجا که باشم

مَا كُنْتُ وَآوَصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ﴿٣١﴾ وَبَرًّا

خجسته و پرخیر ساخته، و تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارش کرده (۳۱) و با عاشر

بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا ﴿٣٢﴾ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ

نیکیکار [او خوش رفتارم] گردانده، و خودخواه و تیره‌بخت قرارم نداده است (۳۲) سلام بر من! روزی که زاده شدم

وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا ﴿٣٣﴾ ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ

و روزی که می‌میرم، و روزی که زنده برانگیخته خواهم شد (۳۳) این است عیسی بن مريم

الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿٣٤﴾ مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ

کلمه خدا، که [بسیاری] درباره [بشربودن و بدون پدر آفریده شدن] او در تردیدند (۳۴) شایسته خداوند نیست که فرزندی [برای خود]

سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٣٥﴾ وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي

برگیرد، او از داشتن فرزند منزله است، چون [به وجود آمدن] چیزی را اراده کند، فقط به آن می‌گوید: باش! پس بی‌درنگ موجود می‌شود (۳۵) [عیسی گفت:] مسلماً خداوند بزرگوار

وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٣٦﴾ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ

پروردگار من و شماست، پس او را بپرستید [که] این راهی است مستقیم (۳۶) ولی گروه‌هایی

مِنْ بَيْنِهِمْ فَوْبِلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٣٧﴾ أَسْمِعْ بِهِمْ

از بین آنان [درباره عیسی] اختلاف کردند، اگر وی به او ایمان آورده و گروهی در باره او افراط کرده، فرزند خدایش خوانند، پس وای بر کافران از حضور در روزی بزرگ! (۳۷) [شگفتا!]

وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٣٨﴾

چه اندازه شنوا و بینايند روزی که به پیشگاه ما می‌آیند، ولی امروز ستمکاران [به حقایق] در گمراهی آشکاری هستند (۳۸)

وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٩﴾

انذار از روز حسرت که کار از کار گذشته باشد بترسان اینان اذ حال که فرستشان روبه پایان است هنوز اذ غفلتی اعماق ابرس می برند، و اینه معاد اینان نمی آورند (۳۹)

إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ﴿٤٠﴾ وَاذْكُرْ فِي

مایم که اینها نهایتاً نابود شدن مالکیت های اعتباری، از زمین و همه کسانی را که روی آن هستند به اوست می بریم، و همه به سوی ما بازگردانده می شوند (۴۰) اذ این

الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا ﴿٤١﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ

کتاب ا که به توحی کردیم ابراهیم را یاد کن، مسلماً او پیامبری بسیار راستگو و درست کردار ا بود (۴۱) ز عاالی که به پدر ا خوانده ا خود گفت: پدرم!

مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يَبْصُرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا ﴿٤٢﴾ يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي

چرا مجسمه های را می پرستی که نمی شنود و نمی بیند، و قدرت بر طرف کردن هیچ آسیبی را از تو ندارد؟ (۴۲) پدرم! همانا برای من

مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا ﴿٤٣﴾ يَا أَبَتِ لَا

از طریق وحی ا دانشی آمده که برای تو نیامده؛ بنابراین از من پیروی کن تا تو را به راهی معتدل و میانه هدایت کنم (۴۳) پدرم!

تَعْبُدَ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا ﴿٤٤﴾ يَا أَبَتِ إِنِّي

شیطان را نپرست؛ زیرا شیطان همواره در برابر خداوند سرکش و نافرمان است (۴۴) پدرم!

أَخَافُ أَنْ يَمْسَكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا ﴿٤٥﴾

می ترسم عذابی از سوی خدای رحمان به تو رسد، در نتیجه برای ابد همدم شیطان شوی (۴۵)

قَالَ أَرَأَيْتَ أَنْتَ عَنْ إِلَهِي يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِنْ لَمْ نَنْهَ لَا رَجْمَتَكَ

گفت: ای ابراهیم! آیا از معبودان من رویگردانی؟ اگر از مخالفت با معبوداتم باز نایستی سنگسار می کنم،

وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا ﴿٤٦﴾ قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُكَ رَبِّي إِنَّهُ

و ا تا از من آسیبی به تو نرسیده از منی طولانی از من دور شو! (۴۶) ابراهیم گفت: سلام ا فراق وجدایی ابر تو، به زودی برایت از پروردگارم درخواست آمرزش می کنم؛ زیرا او همواره

كَانَ بِي حَفِيًّا ﴿٤٧﴾ وَأَعِزَّنَا لَكُمْ وَمَا نَدُّعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَادْعُوا

به من بسیار مهربان و نیکوکار است (۴۷) من از شما و معبودانی که به جای خداوند می خوانید کناره می گیرم،

رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا ﴿٤٨﴾ فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا

و فقط پروردگارم را می خوانم، امید است در خواندن پروردگارم از اجابت ا بی بهره نباشم (۴۸) چون از آنان

يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا

و آنچه را در برابر خدا می پرستیدند کناره گرفت اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم، و هر یک را

نَبِيًّا ﴿٤٩﴾ وَهَبْنَا لَهُمُ مِنْ رَحْمِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمُ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا ﴿٥٠﴾

پیامبر قرار دادیم (۴۹) و از رحمت خود به آنان عطا کردیم، و برای آنان نام نیک بلندمرتبه برجا نهادیم (۵۰)

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ﴿٥١﴾

در این کتاب که به توحی کردیم ا سرگذشت ا موسی را یاد کن، بی تردید ا انسانی ا خالص شده از همه آلودگی ها، و فرستاده ای دارای مقام نبوت بود (۵۱)

وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا ۝٥٢ وَهَبْنَا لَهُ مِنْ

او را از جانب راست کوه طور ندا دادیم، و در حالی که با وی راز می گفتیم مغرب خود قرار دادیم (۵۲) و به رحمت خود

رَحْمِنًا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا ۝٥٣ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ

برادرش هارون را که پیامبر بود به او بخشیدیم (۵۳) و در این کتاب [که به تو وحی کردیم، سرگذشت] اسماعیل را یاد کن

صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ۝٥٤ وَكَانَ يَأْمُرُاهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ

که وفاکننده به عهد، و فرستاده‌ای دارای مقام نبوت بود (۵۴) همواره خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد.

وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ۝٥٥ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا

و نزد پروردگارش مورد رضایت بود (۵۵) و در این کتاب [که به تو وحی کردیم، سرگذشت] ادریس را یاد کن، که بسیار راستگو و درست کردار.

نَبِيًّا ۝٥٦ وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا ۝٥٧ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ

و دارای مقام نبوت بود (۵۶) و او را به جایگاه بلندی ارتقا دادیم (۵۷) اینان پیامبرانی بودند از نسل آدم و گروهی

النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ

از [نسل] کسانی که با نوح، سوار [کشتی] کردیم و از نسل ابراهیم و یعقوب

وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذِ اتَّخَذُوا عَلَيْهِمْ أَيَاتٍ السَّحَابِ خُذُوا سُبْحًا

و از کسانی که هدایت کرده و برگزیدیم، که خداوند به آنان نعمت [ایمان، عمل صالح و اخلاق حسنه] داد، چون آیات خداوند مهربان بر ایشان خوانده می شد سجد کنند

بُكْيَا ۝٥٨ فَخَلَفَ مِنْ بَعدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ

و گریان به رو به زمین می افتادند (۵۸) آن گاه بعد از آنان نسلی به جایشان آمدند که نماز را تباه کردند، و پیرو

فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا ۝٥٩ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ

خواسته های نامشروع شدند، پس بهزودی به گمراهی خواهند رسید [که نتیجه آن، دوزخ شدن است] (۵۹) مگر آنان که توبه کرده و مؤمن شدند، و کار شایسته انجام دادند

يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا ۝٦٠ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ

که آنان وارد بهشت می شوند، و [در مورد پاداششان] دوزخ می شنوند (۶۰) جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ

الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا ۝٦١ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا

خداوند مهربان به بندگانش [واقعی] خود در [جهان] غیب وعده داده، یقیناً وعده او آمدنی است (۶۱) در آن جا کلام بیهوده‌ای

إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ۝٦٢ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي

نمی شنوند، بلکه آنچه می شنوند فقط سلام و درود [است]، در آن جا صبح و شام رزقشان آماده است (۶۲) این است بهشتی که

نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا ۝٦٣ وَمَا نُنَزِّلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا

به هر کس از بندگانش خود که [امرا اطاعت کرده، و از محرمات] بپرهیزد به ارث می دهیم (۶۳) [المن] وحی به پیامبر اسلام گفت: [ما] [فرشتگان] جز به فرمان پروردگار نازل

بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفُنَا وَمَابَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا ۝٦٤

نمی شویم، [گاهی به] آنچه [مربوط به] آینده ما و آنچه [در مورد] گذشته ماست، و آنچه بین گذشته و آینده است فقط در اختیار اوست، و پروردگار هیچ گاه فراموش کار نیست (۶۴)



رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ

اوست پروردگار آسمانها و زمین و آنچه بین آن دو است، پس او را بپرست و بر پرستیدنش ثابت و شکیما باش! یا

تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا ﴿٦٥﴾ وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ إِذَا مَا مِيتٌ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا

همنامی برای او ادر بین همه موجودات که حاکی از تدبیر و مالکیت مطلق باشد! می شناسی؟ (۶۵) انسان اینی توجه به دلایل معاد! می گوید: ایاز مانی که بمیرم

أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكْ شَيْئًا ﴿٦٦﴾

به راستی در زمان آینده مرزنده از خاک بیرون می آورند!؟ (۶۶) آیا به این حقیقت توجه ندارد که ما او را پیش از این در حالی که چیزی نبود آفریدیم! (۶۶)

فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ

پس به پروردگارت سوگند، آنان را که منکر معادند! با شیاطین محصور می کنیم، سپس به زانو درآمده، گرداگرد دوزخ

جِثِيًّا ﴿٦٨﴾ ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَهْبَئًا أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عَيْنِيًّا ﴿٦٩﴾ ثُمَّ

حاضر می کنیم (۶۸) آن گاه از هر گروهی آن که بر خداوند رحمان سرکش تر بوده بیرون می کشیم (۶۹) ثُمَّ

لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أُولَىٰ بِهَا صِلِيًّا ﴿٧٠﴾ وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا

بعد از این جداسازی، یقیناً ما به کسانی که به جشیدن حرارت آتش دوزخ سزاوارترند داناییم (۷۰) هیچ کس از شما نیست مگر آن که حضور و اشراق پر دوزخ خواهد داشت

كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا ﴿٧١﴾ ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ

این بر پروردگارت اراده ای حتمی است (۷۱) آن گاه کسانی را که از خدا اطاعت کرده و از محرماتش پرهیز داشتند نجات می دهیم

الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا ﴿٧٢﴾ وَإِذْ أَتَىٰ عَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ الْبَيْتِ قَالَ الَّذِينَ

و ستمکاران را درحالی که به زانو در افتاده اند در دوزخ رها می کنیم (۷۲) چون آیات روشن ما را بر آنان می خوانند، کافران

كَفَرُوا وَالَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا ﴿٧٣﴾

به مؤمنان می گویند: کدامیک از [ما] دو گروه جایگاهش از نظر اقتصادی بهتر و مجلس آتشش از لحاظ سیاسی و اجتماعی

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَاثًا وَرِعْيًا ﴿٧٤﴾

نیکیوتر است!؟ (۷۳) چه بسیار اقوامی که پیش از آنان به [کیفر کفرشان] هلاک کردیم که لوازم زندگی بهتر و ظاهری خوش نماتر داشتند (۷۴)

قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا

بگو: آنان که در گمراهی هستند لازم است خداوند مهربان بر اساس روش حتمی اش به آنان مهلتی معین دهد! و در عذابشان شتاب نکند! تا زمانی که آنچه را

يُوعَدُونَ إِنَّمَا الْعَذَابُ وَإِنَّمَا السَّاعَةُ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ

به آنان وعده داده اند ببینند! یا در دنیا عذاب [بیچاره کننده]، یا در ا قیامت عذاب دائمی! و به زودی آگاه خواهند شد که چه کسی

مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا ﴿٧٥﴾ وَبَزِيدُ اللَّهِ الَّذِينَ اهْتَدَوْا وَهُدًى

جایگاهش بدتر، و سپاهش ناتوان تر است (۷۵) خداوند بر هدایت هدایت یافتگان می افزاید

وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدًّا ﴿٧٦﴾

و اعمال شایسته پابدار نزد پروردگارت دارای پاداشی بهتر، و خوش فرجام تر است (۷۶)

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَا أُؤْتِنُ مَا لَا وَدَّ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْغَنَاءَ وَالْغَنَاءَ لَا يَكُنْ لَكَ دُونِي أَعْتَدَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا ۝ ٧٧ ۝

ای کسی را که به آیات ما کافر شد و گفت: من را در این دنیا چیزی نیست که من بخواهم. خداوند غنای را برای کافران عذاب نازل خواهد کرد. (۷۷)

الْغَيْبِ أَمْ يَتَخَذُ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ۝ ٧٨ ۝

اما او با جنس برائی و نظری امر غیب آگاه شده یا به معنی ابر در یافت مال و اولاد بسیار از خدای رحمان گرفته است؟ (۷۸) جنس نیست (که او می گوید).

وَمَتَدُلُّهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا ۝ ٧٩ ۝ وَنَرِثُهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِنَا فَرْدًا ۝ ٨٠ ۝

ما بقیسا آنچه را ابر پایه خیال واهی می گوید ابر پرونده عملش می نویسیم و عذابش را ادامه می دهیم (۷۹) و آنچه از مال و فرزندان در باره آن

وَاتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ إِلَهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا ۝ ٨١ ۝

سخن بر آنی می کند ابا معرکش ابر لرت می بریم و او تنها از ما خواهد آمد (۸۰) و به جای خداوند معبودانی انتخاب کردند تا برای آنان عبادت باشد (۸۱)

سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِنَا وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ خِذًّا ۝ ٨٢ ۝

جنس نیست که همان کرده اند ابر و دی آن معبودان عبادت آن باطل گر این را ابر مورد خود انکار می کنند (که ما هرگز شایسته عبادت شدن نبودیم) بلکه به شدت مخالفان خواهند

أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَوَسُّوهُمْ أَوْ أَزًّا ۝ ٨٣ ۝ فَلَا تَعْبَلُ عَلَيْهِمْ

شد (۸۲) ابر و دی آن معبودان عبادت آن باطل گر این را ابر مورد خود انکار می کنند (که ما هرگز شایسته عبادت شدن نبودیم) بلکه به شدت مخالفان خواهند

إِنَّمَا نَعِدُّ لَهُمْ عَذَابًا ۝ ٨٤ ۝ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا ۝ ٨٥ ۝

نداشته باش اما دقیقاً لحظات عمرشان را ابر ایشان شعاره می کنیم (تا ما وعده عذابشان برسد) (۸۴) از روزی اید که تقوا پیشگان را به میهمانی خداوند مهربان جمع می کنیم (۸۵)

الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وَرْدًا ۝ ٨٦ ۝ لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ

و گنه پیشگان را تشنه به سوی دوزخ می رانیم (۸۶) ابر آن روز، شفیعان قدرت بر شفاعت ندارند مگر

عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ۝ ٨٧ ۝ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا ۝ ٨٨ ۝ لَقَدْ جِئْتُمْ

کسانی ابرون ابناء امامان و صالحان که از پیشگاه خداوند بیامنی ابر انجام شفاعت گرفته اند (۸۷) مشرکان گفتند: خدای رحمان برای خود فرزند انتخاب کرده (۸۸)

شَيْئًا إِذَا ۝ ٨٩ ۝ نَكَادُ السَّمَوَاتِ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ

می گمان چیزی نفرت انگیز و بسیار زشت ابر زبان آورده اید (۸۹) نزدیک است آسمان ها از این ادعای باطل پاره پاره شود.

الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا ۝ ٩٠ ۝ أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا ۝ ٩١ ۝

و زمین بشکافتد و کوه ها به شدت درهم فروریزند (۹۰) از این که برای خداوند مهربان

وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا ۝ ٩٢ ۝ إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ

فرزندی قرار داده اند (۹۱) شایسته خداوند مهربان نیست که فرزندی بگیرد (۹۲) هیچ کس

وَالْأَرْضِ إِلَّا إِلَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا ۝ ٩٣ ۝ لَقَدْ أَحْصَاهُمْ

در آسمان ها و زمین نیست مگر این که اذنا بنده او و مملوک به سوی خدای رحمان می آید. (۹۳) مسلماً قدرت او همه موجودات را احاطه کرده،

وَعَدَّهُمْ عَدًّا ۝ ٩٤ ۝ وَكُلَّهُمْ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا ۝ ٩٥ ۝

و همه را دقیق او درست به شمار آورده است (۹۴) و همه آنان روز قیامت تنها به پیشگاه او می آیند (۹۵)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ

پس همان خداوند مهربان برای مؤمنانی که کارهای شایسته انجام داده اند،

الرَّحْمَنُ وَذًا ۞ فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ

ای دل‌ها! محبت ویژه قرار خواهد داد (۹۶) جز این نیست که ما این قرآن را بر زبان تو آسان او همه فهمی ساختیم تا به وسیله آن

الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لَّدَا ۞ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ

کسانی را که از خدا اطاعت می کنند، و از محرماتش می پرهیزند مژده اباداش دهی، و مردم سرسخت و لجوج را از دوزخ ابدی (۹۷) پیش از اینان چه بسیار

قَرْنٍ هَلْ تَحْسُ مِنْهُمْ مِنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا ۞

انوامی که ایه سبب کفر و طغیانی که داشتند نابود کردیم، آیا کسی از آنان را می بینی یا صدایی آهسته از آنان می شنوی (۹۸)؟

سُورَةُ طه ۱۳۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

طه ۱ مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى ۞ إِلَّا تَذَكُّرٌ لِّمَن يَخْشَى ۞

طه، هاء (۱) ما قرآن را به سوی تو نفرستادیم تا خود را ابرای تبلیغ آن به زحمت طاقت فرسا اندازی (۲) و آن را نازل نکردیم مگر یادآور احقاف ابرای کسی که از

نَزِيلًا مِّمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ الْعُلَى ۞ الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ

عظمت خداوند اهراس دارد (۳) در حالی که به تدریج از سوی کسی نازل شده که زمین و آسمان های بلند را آفریده است (۴) همان خداوند مهربانی که بر فرمانروایی

أُسْتَوَى ۞ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ

او تدبیر امور جهان هستی مسلط است (۵) آنچه در آسمان ها و زمین و بین آن دو است، و آنچه زیر زمین است فقط

الشَّرِّ ۞ وَإِنْ تَجْهَرُ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى ۞ اللَّهُ لَا

در سيطرة مالکیت اوست (۶) اگر سخن را آشکار کنی یا پنهان بداری ابرای خدا یکسان است؛ زیرا او پنهان و پنهان تر از آن را انیز می داند (۷)

إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى ۞ وَهَلْ أُنْكَ حَدِيثُ مُوسَى ۞

خداوند یکتاست که جز او هیچ معبودی نیست، نیکوترین نام ها فقط ویژه اوست (۸) آیا سرگذشت موسی

إِذْ رَأَى النَّارَ فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا عَلَىٰ أُنْثَىٰ ۞

به تو رسیده است (۹) زمانی که آتشی دید، به خانواده اش گفت: درنگ کنید! یقیناً من آتشی دیدم، ای قوم! به امید این که

يَقْبَسَ أَوْ أَجِدُ عَلَى النَّارِ هُدًى ۞ فَلَمَّا أَنَّهُانُودِي يَا مُوسَى ۞

شعله ای از آن برایتان بیاورم، یا کنار آتش راهنمایی ابرای نشان دادن راه به سوی مصر ایابیم (۱۰) چون به آتش رسیدند داده شد: ای موسی!

إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ۞

(۱۱) منم پروردگار تو، کفش هایت را درآور زیرا تو در وادی مقدس طوی هستی (۱۲)

وَأَنَا اخْرَجْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ ﴿١٣﴾ إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا

من تو را ایه پیامبری انتخاب کردم، پس به آنچه وحی می شود گوش کن (۱۳) من خداوند یکتا، جز من معبودی نیست.

فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي ﴿١٤﴾ إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أَخْفِيهَا

فقط مرا پرست و نماز را ایستاده و برپا داشته برای توجیه قلبی به من برپا دار (۱۴) بی تردید قیامت که می خواهم از آن پدید شدن آن را پنهان بدارم، آمدنی است.

لِيُجْزِيَ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ ﴿١٥﴾ فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا

تا هر کس را در برابر کوششی که می کند پاداش دهند (۱۵) پس مبادا کسی که آن را باور ندارد

وَاتَّبِعْ هَوَاهُ فَتَرْدَىٰ ﴿١٦﴾ وَمَا نِلَكَ بِمِيسِكَ يَا مُوسَىٰ ﴿١٧﴾ قَالَ هِيَ

و از خواسته های انامشروع خود پیروی می کند تو را از آنچه به آن باز دارد که اینها را هلاک شوی (۱۶) ای موسی آنچه در دست راست توست چیست (۱۷) گفت:

عَصَايَ أَتَوَكَّوْا عَلَيْهَا وَاهْتَسَوْا بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي وَلِي فِيهَا مَنَازِلُ أُخْرَىٰ

این عصای من است، بر آن تکیه می زنم، و با آن برگ درختان را برای گوسفندانم می ریزم، و مرا به آن

﴿١٨﴾ قَالَ أَلْقِهَا يَا مُوسَىٰ ﴿١٩﴾ فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَىٰ ﴿٢٠﴾

نیازهای دیگری [هم] هست (۱۸) فرمود: ای موسی! آن را بینداز (۱۹) پس آن را انداخت، ناگهان ماری عظیم شد

قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَىٰ ﴿٢١﴾ وَاضْمُمْ

که می شنافت (۲۰) گفت: ای موسی! آن را بگیر و ترس! که بی درنگ آن را به حالت اولش برمی گردانیم (۲۱)

يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةٌ أُخْرَىٰ ﴿٢٢﴾

و دست را به زیر بغل خود ببر! تا بدون هیچ عیب و گزند (چون بیسی و برص)، سپید و درخشان بیرون آید [که این] معجزه دیگری است

لِنُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَىٰ ﴿٢٣﴾ أَذْهَبَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ﴿٢٤﴾

(۲۲) [این دو معجزه را به تو عطا کردیم] تا بعضی از بزرگترین معجزات خود را به تو نشان دهیم (۲۳) به سوی فرعون برو ازیرا او دچار سرکشی [در همه امور] شده است (۲۴)

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿٢٥﴾ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿٢٦﴾ وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ

[موسی] گفت: پروردگارا! سینه ام را [برای تحمل وظیفه سنگین] گشاده گردان (۲۵) و کارم را برآیم آسان ساز (۲۶) و گره از زبانی

لِسَانِي ﴿٢٧﴾ يَفْقَهُوا قَوْلِي ﴿٢٨﴾ وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي ﴿٢٩﴾ هَارُونَ

بگشای (۲۷) تا سخنم را بفهمند (۲۸) و از خانواده ام دستیاری برآیم قرار ده (۲۹) هارون

أَخِي ﴿٣٠﴾ أَشَدُّ دِينًا لِّيَ ﴿٣١﴾ وَأَشْرِكُ فِي أَمْرِي ﴿٣٢﴾ كَيْ نُسَبِّحَكَ

برادر مرا (۳۰) و به وسیله او نیرومندی امر را تقویت کن (۳۱) و او را در کارم شریک گردان (۳۲) تا تو را [در میان مشرکان از پندار شریک داشتن] به شدت

كَثِيرًا ﴿٣٣﴾ وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا ﴿٣٤﴾ إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا ﴿٣٥﴾ قَالَ قَدْ

پاک و میزا بدارم (۳۳) و بسیار یادت باشیم (۳۴) بی تردید تو به اوضاع و حال ما بینایی (۳۵) فرمود:

أُوتِيتَ سُلُوكَ يَا مُوسَىٰ ﴿٣٦﴾ وَلَقَدْ مَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَىٰ ﴿٣٧﴾

ای موسی! یقیناً خواسته ات به تو عطا شد (۳۶) و پیش از این یک بار دیگر نعمت با ارزش و بزرگی به تو دادیم (۳۷)

إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ ۖ (۳۸) أَنْ أَقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَآذِنِيهِ فِي

آن زمان که به مادرت آنچه را باید الهام می شد الهام کردیم (۳۸) که: او را در صندوق بگذار و به دریا افکن

الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِي وَعَدُوٌّ لَهُ ۚ وَالْقِتَّةُ عَلَيْكَ

پس دریا را با سواحل می اندازد تا کسی که دشمن من و دشمن اوست ویران ساحل را بگیرد و از سوی خود دشمنی دوست داشتنی به تو بخشدیم (که شدیداً محبوب دشمن

شوی) برای این که در پرتو مراقبت من پرورش یابی (۳۹) آن گاه پس از آن که با محبوبینی شدید در اغوش فرعون قرار گرفتی خواهی که به سوی کاخ او رفتی و گفتی: یا

أُولَٰئِكَ عَلَىٰ مَنْ يَكْفُلُهُ ۖ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۚ

شما را به کسی که این نوزاد را سرپرستی کند راهنمایی کنم؟ پس تو را به مادرت بازگردانیدیم تا دلشاد شود و اندوه به خود راه نهد.

قَالَتْ نَفْسًا فَجِئْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفُتْنَاكَ فُتُونًا فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ

و از فرعونیان مشرک (فردی) استعمار اگر اکتستی پس تو را از اندوه (آن حادثه) نجات دادیم و در موارد گوناگون (به گونه ای که شایسته بود) در معرض از عیش قرار دادیم پس سالمی در بین

مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتُ عَلَىٰ قَدَرٍ يَا مُوسَىٰ ۖ (۴۰) وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي ۖ (۴۱)

اهل مدین درنگ کردی، سپس ای موسی! در حالی که به مقدار لازم به لیاقت و کمال رسیدی (برای دریافت مقام نبوت به این جا) آمدی (۴۰) و تو را برای (تحقق) خواسته های (خودم) در راه

أَذْهَبَ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي ۖ (۴۲) أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ

هدایت مردم (به کار گرفتیم) (۴۱) خود و برادرت معجزات را (برای نجات مردم از گمراهی) بیاورید و در دعوت (آنان) به ایمان به (من) سستی نکنید (۴۲) هر دوی به سوی فرعون حرکت کنید

طَغَىٰ ۖ (۴۳) فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَّيْسَ لَكَ بِهِ ذِكْرٌ أَوْ بَخْسِي ۖ (۴۴) قَالَا رَبَّنَا إِنَّا

زیرا او دچار سرکشی شده (۴۳) پس با گفتاری نرم پیام مرا به او بگویند، باشد که هشمار گشته (آیین حق) بپذیرد یا (برای باز ایستادن از سرکشی) بترسد (۴۴) گفتند:

نَخَافُ أَنْ يُفْرِطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَىٰ ۖ (۴۵) قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ

پروردگارا! ما می ترسیم (پیش از فرصت) ابلاغ پیام تو با کشتن یا تبعیدمان (بر ما پیشی گیرد، بابر سرکشی خود بیفزاید) (۴۵) (فرمود: از واکنش و پر خوردا و اترسید کسی تردید

وَأَرَىٰ ۖ فَاتْيَاهُ فَقَوْلَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَٰئِيلَ

من باشما هستیم، (سخن) شمارا می شنوم و (اگر) تان را (می بینم) (۴۶) پس ای درنگ و بدون هیچ هراسی (بر او) در آید، و بگویند: عاقر ستاده پروردگار تو هستیم.

وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ اتَّبَعَ

بنی اسرائیل را (از راه) آورده، با ما (به نقطه امنی) روانه کن، و دست از شکنجه آنان بردار! همانا ما از سوی پروردگارت معجزه ای آورده ایم.

الْهُدَىٰ ۖ (۴۷) إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَنْ كَذَّبَ

در پرتو کسی که از هدایت (خداوند) پیروی کند (۴۷) (مسلمانه) ما وحی شده که: عذاب در خور کسی است که (آیات حق را) انکار کند، و از آن (روگردان) شود (۴۸) (فرعون گفت: ای موسی!

وَتَوَلَّىٰ ۖ (۴۸) قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَىٰ ۖ (۴۹) قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ

پروردگار شما دو نفر کیست؟ (۴۸) (موسی) پاسخ داد: پروردگار ما کسی است که به هر چیزی آفرینش ویژه آن را بخشید، سپس (به کمال مطلوبش) هدایت کرد (۵۰) (فرعون پیگیری

كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ ۖ (۵۰) قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَىٰ ۖ (۵۱)

بحث تو حیدر را (ها) کرده، به موسی گفت: حال امت های پیشین (که از آنان اثری نمانده، در پر خور و پروردگارت و کفر و پاداشی که از آن سخن می گوئی و من باور ندارم) چگونه بود؟ (۵۱)

قَالَ عَلَّمَهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسَى ﴿٥٢﴾ الَّذِي

موسی گفت: آگاهی را که به حال آن در کتابی است، چون لوح محفوظ نزد پروردگار من است، که پروردگارم ایامه آگاهی به همه جزئیات، در پاداش و کیفر دادن به اقوام مشرک

جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَوَسَّلَكَ لَكُمُ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

پیشین آنه اشتباه می کند، و نه دچار فراموشی می شود (۵۲) همان پروردگاری که زمین را برای شما بستری گسترده و آوار ام بخش افرازداد، و در آن برای بهره‌وری شما آوازهایی

مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْ نَبَاتٍ شَتَّى ﴿٥٣﴾ كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ

پدید آورد، و از آسمان، آبی اسودمند سوی زمین فرستاد، پس به وسیله آن انواع رویدنی های گوناگون پدید آوردیم (۵۳) از آن ها بخورید، و دام هایتان را در آن بچرانید،

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى ﴿٥٤﴾ مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَوَعْدًا

مسلمانان این امور انشانه هایی از ربوبیت، رحمت و قدرت خداوند برای صاحبان اندیشه است (۵۴) شمار از مجموعه ای از عناصر از زمین آفریدیم، و به زمین بازتان می گردانیم،

مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى ﴿٥٥﴾ وَلَقَدْ آرَبْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَ

و بار دیگر از آن بیرون تان می آوریم (۵۵) همانا ما همه معجزات خود را برای تأیید صدق نبوت موسی، به فرعون نشان دادیم، ولی آن هارا انکار شد و از پذیرفتنش

أَبَى ﴿٥٦﴾ قَالَ أَجِئْتَنَا لِنُخْرِجَنا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى ﴿٥٧﴾

سریچی کرد (۵۶) گفت: ای موسی! آیا به سوی ما آمده ای تا با سحر و افسونت ما را از سرزمینمان بیرون کنی؟ (۵۷)

فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِثْلِهِ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهُ

بی تردید ما سحر و افسونی مانند آن برای تو می آوریم، پس بین ما و خودت در جایی هموار وعده گاهی قرار ده

نَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سَوِيًّا ﴿٥٨﴾ قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْتُمْ

که نه ما از آن تخلف کنیم و نه تو (۵۸) موسی گفت: وعده گاه شما روز جشن باشد،

بُحْشَرِ النَّاسِ ضُحًى ﴿٥٩﴾ فَنَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى ﴿٦٠﴾

و اینکه همه مردم را پیش از ظهر گرد آورند (۵۹) فرعون از مجلس گفت و گو با موسی بازگشت، و همه نیروهایش را که جادوگران و ابزار جادویشان بود فراهم

قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ وَبَلَّكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَيَّ اللَّهُ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ

آورد، سپس (به وعده گاه) باز آمد (۶۰) موسی به فرعون و فرعونیان گفت: وای بر شما! بر خدا دروغ نبندید! که بت ها شریک خدا نیستند و این معجزات، جادوست!

بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى ﴿٦١﴾ فَتَنَّا زَعَوْا أَمْرَهُمْ بِبُنْهَهِمْ وَ

زیرا خداوند با عذاب [شدید] نابودتان می کند، یقیناً کسی که دروغ زن است از رحمت خدا محروم است (۶۱) نهایتاً فرعونیان [در کارشان

أَسْرُوا النَّجْوَى ﴿٦٢﴾ قَالُوا إِنَّ هَٰذَا لَسَاحِرُونَ يُرِيدُونَ أَنْ

بین خود دچار کشمکش شدند و اختلاف درون گروهی خود را [از مردم] پنهان داشتند (۶۲) گفتند: یقیناً این دو نفر جادوگرند، می خواهند

بُخْرِجَاكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقِكُمُ الْمُثْلَى ﴿٦٣﴾

با جادویشان شما را از سرزمینتان بیرون کنند، و راه و روش برتر شما را نابود سازند (۶۳)

فَاجْعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ اتُّوْا صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ اسْتَعْلَى ﴿٦٤﴾

پس تدبیر [و ابزار سحر] خود را [یکجا] جمع کنید، آن گاه صف کشیده [به صورتی متحد] ایستاد که یقیناً امروز پیروزی برای کسی است که [بر طرف مقابل] چیره شود (۶۴)

قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى ﴿٦٥﴾ قَالَ بَلْ أَلْقُوا

اسحران گفتند: ای موسی! تو اعصابت را می افکنی، یا ما نخستین کسی باشیم که [ابزار و وسایلش را] می افکنند (۶۵) گفت: بلکه

فَإِذَا جَاءَهُمْ وَعَصِبُهُمْ بِخَيْلٍ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَتَتْهَا تَسْعَى ﴿٦٦﴾ فَأَوْجَسَ

شعاعی گفتند: چون افکنند [ناگهان] ابر اثر جادویشان [رسمان ها و چوب دستی هایشان در خیال او چنان وانمود شد که با شتاب به حرکت افتاده اند (۶۶)]

فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى ﴿٦٧﴾ قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى ﴿٦٨﴾ وَ

موسی در دلش از فریفته شدن مردم در برابر سحر ساحران اثری احساس کرد (۶۷) گفتیم: نترس که بی تردید [بر پایه وعده های تخیلفناپذیر ما] توبیتری

أَلْقَ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفُ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ

(۶۸) آنچه را در دست راست داری بیفکن تا همه ساخته هایشان را بلعد، اینان آنچه را ساخته اند [حقیقت ندارد]، فقط نیرنگ جادوگری است،

السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى ﴿٦٩﴾ فَأَلْقَى السَّحَرَةُ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَ

جادوگر هر جادو آید پیروز نمی شود (۶۹) چون عصا همه ساخته های جادوگران را بلعد، [جادوگران] با در یافت این حقیقت که این کار جز معجزه نیست، [سجده کنان به

مُوسَى ﴿٧٠﴾ قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ أَدْنِ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي

روبر افتادند او گفتند: ما به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم (۷۰) فرعون گفت: آيا پيش از آن كه به شما اجازه دهيم به او ايمان آورديد؟ مسلماً او بزرگ و استاد شماست

عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَا قِطْعَنَ أَيْدِيكُمْ وَأَرْجُلُكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَا صَلْبَتَكُمْ

که به شما جادوگری آموخته، یقیناً دست و پای شما را بر عکس [یکدیگر؛ یعنی دست راست و پای چپ، یا دست چپ و پای راست] قطع می کنم،

فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَلَنَعْلَمَنَّ أَيُّنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى ﴿٧١﴾ قَالُوا لَنْ

و بر شاخه های درخت خرما در آن می زنم تا کاملاً بدانید عذاب کدامیک از ما سخت تر و باید اتر است، [عذاب من یا عذابی که موسی وعده داده] (۷۱)

نُؤْثِرَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ

گفتند: ما هرگز تو را بر دلایل روشنی که به سوی ما آمده، و بر کسی که ما را پدید آورده ترجیح نمی دهیم، هر کاری می خواهی

قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَبْوَةَ الدُّنْيَا ﴿٧٢﴾ إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِنَاْخْطِئَانَا

بر ضد ما انجام ده، تو فقط می توانی در مورد زندگی این دنیا تصمیم بگیری (۷۲) ما به پروردگارمان ایمان آوردیم تا گناهاتمان

وَمَا أَكْرَهْنَاهُ عَلَيْنَا مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿٧٣﴾ إِنَّهُ مِنْ يَدِ رَبِّهِ

و جادویی که ما را به آن وادار کردی بر ما ببخشد، خداوند بهتر و پایدارتر است (۷۳) مسلماً کسی که

مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ ﴿٧٤﴾ وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ

گناهکار به پیشگاه پروردگارش درآید، دوزخ برای اوست که در آن نه می میرد، و نه زندگی [مناسب و قابل قبولی] دارد (۷۴) و کسانی که

عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَىٰ ﴿٧٥﴾ جَنَّاتُ عَدْنٍ

مؤمن به محضرش آیند درحالی که کارهای شایسته انجام داده اند، برترین درجات ویژه آنان است (۷۵) او آن [بهشت های

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى ﴿٧٦﴾

بایداری است [که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، درحالی که در آن جاودانه اند، این است پاداش کسانی که [از برکت ایمان و عمل صالح از شرک و کفر پاک شوند] (۷۶)]

وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرُبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي

همانا به موسی وحی کردیم که بندگانم را شبانه از مصر حرکت بده، و برای آنان در دریا راهی خشک باز کن [که در آن موقعیت بانگه بر باری من]

الْبَحْرِ بِسَآئِلَ الْخَفَافِ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى ۝ (۷۷) فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ

نه از رسیدن [فرعونیان] خواهی ترسید، و نه از غرق شدن [به هراس افش] (۷۷) پس از حرکت موسی باینی اسرائیل، فرعون و لشکرانش آنان را دنبال کردند.

فَغَشَّيْهُمْ مِنَ اللَّيْلِ مَا غَشَّيَهُمْ ۝ (۷۸) وَأَصْلَ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَىٰ ۝ (۷۹)

پس آنچه از امواج هولناک دریا که باید ایشان را فرو می گرفت فرو گرفتشان (۷۸) فرعون قومش را به گمراهی انداخت و به سوی رشد و کمال [هدایت نکرد] (۷۹)

يَا بَنِي إِسْرَءِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكَ مِنْ عَدُوِّكَ وَوَعَدْنَاكَ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ

ای بنی اسرائیل! بفرستی شما را از دشمنان نجات دادیم و با شما در دامنه راست کوه طور وعده گذاشتیم.

وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَىٰ ۝ (۸۰) كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا

و برای [آمین] روزی! شما انگبین و مرغ سلوی فرستادیم (۸۰) از خوردنی‌های دلپذیر که روزی شما کرده‌ایم بخورید.

تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ

و در [خوردن] آن [از حدود حق] تجاوز نکنید که خشم من بر شما فرود آید، و کسی که خشمم بر او فرود آید حتما [در چاه تیرمختی و شقاوت]

هَوَىٰ ۝ (۸۱) وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ ۝ (۸۲)

سقوط می‌کند (۸۱) بیقینا من آمرزنده کسی هستم که توبه کرده، و ایمان آورده و کار شایسته انجام داده، سپس هدایت کامل یابد (۸۲)

وَمَا أَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَىٰ ۝ (۸۳) قَالَ هُمْ أَوْلَاءُ عَلَىٰ أَثَرِي وَعَ

ای موسی! چه سببی تو را بر آن داشت که از قوم خود [در آمدن به کوه طور] پیشی گرفتی؟ (۸۳) گفت: آنان به دنبال من

عَجَلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَىٰ ۝ (۸۴) قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ

در حال آمدن هستند، پروردگارا! من به سوی تو شتافتم تا خشنودیت را به دست آورم (۸۴) [خداوند] گفت: همانا قومت را

وَأَصْلَهُمُ السَّامِرِيُّ ۝ (۸۵) فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ

پس از [آمدن] تو [به کوه طور] آزمایش کردیم، و سامری [در عرصه آن آزمایش] آنان را به گمراهی انداخت (۸۵) پس موسی در حال خشم

يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعْدًا حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ

و اندوه به سوی قومش بازگشت، گفت: ای قوم من! آیا پروردگارتان [درباره نزول تورات] به شما وعده‌ای نیکو نداد؟ آیا زمان

أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ

و عده [خداوند] با من [در نظر شما طولانی آمد] که رشته امور را از هم گسستید؟ یا آنکه می‌خواستید خشمی از سوی پروردگارتان بر شما فرود آید.

مَوْعِدِي ۝ (۸۶) قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَلَكِنَّا حَمَلْنَا أَوْزَارًا

که با پیمان من [با خود] مبنی بر استقامت در راه تو حید و اطاعت از حق [مخالفت کردید] (۸۶) [قوم موسی برای توجیه خلاف کاری خود] گفتند: پیمان شکنی ما با توبه اختیار [و خواست]

مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَدْ فَتَنَّا هَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ ۝ (۸۷)

خودمان نبود، بلکه بارهایی از زیورات این قوم را به دوش ما گذاردند، و ما آن‌ها را [در آتش] انداختیم، و سامری هم به همین صورت [آنچه از زیورات داشت در آتش] انداخت (۸۷)

فَاخْرَجْ لَهُمُ عَجَلًا جَدًّا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَى

سامری برای آنان از زبور آیت گذاشته شده | مجسمه گوساله ای را که صدای گاو داشت پدید آورد پس او و دستیارانش گفتند این معبود شما و معبود موسی است

فَنَسِيَ ۞۸۸۰ أَفَلَا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا

که آن را فراموش کرده است (۸۸) آیا درک نمی کنند که اینک بی روح، هنگامی که آن را می خوانند باسخی به ایشان نمی دهد، و اختیار

وَلَا نَفْعًا ۞۸۹۰ وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ

هیچ سودوری برای آنان ندارد (۸۹) هارون پیش از این که موسی بازگردد به آنان گفته بود: ای قوم من! شما به وسیله این مجسمه بی جان و بی اثر مورد آزمایش قرار

بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي ۞۹۰ قَالُوا لَنْ

ترقیه اید، بی تردید پروردگار شما خداوند رحمان است، بر شماست که از من [که پیامبر و جانشین موسی هستم] پیروی کنید، و مطیع دستورم باشید (۹۰) گفتند:

نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى ۞۹۱۰ قَالَ يَا هَرُونَ مَا

ما هرگز پرستش گوساله را ترک نمی کنیم تا موسی به سویمان بازگردد! (۹۱) موسی پس از بازگشت از کوه طور! گفت: ای هارون!

مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا ۞۹۲۰ أَلَا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي ۞۹۳۰ قَالَ

هنگامی که دیدی اینان گمراه شدند چه چیز تو را بازداشت (۹۲) از این که از اروش [من] که حفظ مردم از گمراهی است [پیروی نکنی؟] آیا از فرمان من [که

يَبْنُوهُمْ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ

گنجم: اصلاحگر باش و راه مفسدان را دنبال نکن! [سرپیچی کردی؟] (۹۳) هارون گفت: ای پسر مادرم! نه ریش مرا بگیر و نه سرم را همانا من ترسیدم که بگویی

بَيْنَ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي ۞۹۴۰ قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ

میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی، و سفارشم را [در حفظ وحدت آنان] رعایت نکردی (۹۴) موسی گفت: ای سامری!

۞۹۵۰ قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ أَشْرِ

چه اتفاقی افتاده؟ (۹۵) گفت: من به حقایقی آگاه شدم که بنی اسرائیل بدان آگاه نشدند پس بخشی از آثار آن [فرستاده] خدا را بر گرفتیم، و آن را زبیری هواپرستی در طلاهای

الرَّسُولِ فَتَبَدُّثُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي ۞۹۶۰ قَالَ

گذاخته شده انداختیم، آن گاه آیین بت پرستی را انتخاب کردم، و این گونه نفس [افاره] من، [آن کار بسیار خطرناک را برای گمراه کردن بنی اسرائیل] در نظرم جلوه داد (۹۶)

فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ

موسی گفت: اکنون از مردم [دور شو] یقیناً به سبب بی اعتنائی به تعالیم رسالت و ساختن گوساله، [کیفر تو در زندگی این است که] دچار بیماری ویژه ای شوی که [بگویی:

مَوْعِدَ النَّاسِ يُخْلَفُهُ وَانْظُرْ إِلَى إِلَهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا

ای مردم! با من [اعتنا] نگیرید. و تو را وعده گاهی [از عذاب شدید قیامت] است که هرگز از آن تخلف نخواهد شد، و به معبود که همواره ملازمش بودی بنگر که حتماً آن را در آتش

لَنَحْرَقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا ۞۹۷۰ إِنَّمَا إِلَهُكُمُ

می سوزانیم، سپس [قطعات] ذوب شده [آن را در دریا می پاشیم] (۹۷) شما

اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ۞۹۸۰

فقط خداوند یکتاست، جز او معبودی نیست، دانش او همه چیز را فراگرفته است (۹۸)

كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا

به گونه ای که داستان عبرت آموز قوم موسی را برایت گفتیم بخشی از اخبار ایند آموز گذشته را برای نویسان می کنیم بی تردید کلامی چون قرآن را

ذِكْرًا ۱۹۱ مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا ۱۹۲ خَالِدِينَ

که یادآور حقایق است از نزد خود به تو عطا کردیم (۱۹۱) کسانی که از آن روی برتابند مسلماً روز قیامت بار کفری سنگین را بر دوش خواهند کشید (۱۹۲)

فِيهِ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا ۱۹۳ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ

در آن [کفیر سنگین] جاودانه اند، و روز قیامت بدباری برای آنان خواهد بود (۱۹۳) [قیامت] روزی [است] که در صور می دمند،

الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا ۱۹۴ يَخَافَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا

و گنه پیشگان را در آن روز به شکلی تیره و کبود رنگ محشور می کنیم (۱۹۴) در بین خودشان [از ترس عظمت خداوند] آهسته به یکدیگر می گویند: شما [در دنیا]

عَشْرًا ۱۹۵ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِنْ لَبِثْتُمْ

جز ده روز درنگ نکرده اید (۱۹۵) ما به آنچه می گویند داناتریم، آن گاه، مُنصف تر نشان می گوید: جز یک روز

إِلَّا يَوْمًا ۱۹۶ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا ۱۹۷

درنگ نکرده اید (۱۹۶) از تو درباره کوه ها می پرسند، بگو: پروردگارم آن ها را [در شروع قیامت] ریشه کن می کند،

فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا ۱۹۸ لَا تَبْقَى فِيهَا جَبَلًا وَلَا أَمْتًا ۱۹۹ يَوْمَئِذٍ

و کاملاً از هم می باشد (۱۹۷) پس همه را به صورت دشتی صاف و هموار بجا می گذارد (۱۹۸) که در آن هیچ کژی و پستی و بلندی

يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ

نمی بینی (۱۹۹) در آن روز همه انسان ها، دعوت کننده از جانب حق را که هیچ انحرافی ندارد [برای ورود به محشر] پیروی می کنند، و صداها

فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا ۲۰۰ يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ

در برابر خداوند رحمان فرومی نشیند، و جز صدای آهسته چیزی نمی شنوی (۲۰۰) آن روز شفاعت سودی ندهد، مگر [شفاعت]

لِلَّهِ الرَّحْمَنِ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا ۲۰۱ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ

کسی که خداوند رحمان به او اجازه دهد، و گفتارش را [در مورد شفاعت] بپسندد (۲۰۱) خداوند آنچه را از کفیر و مخلود در دوزخ پیش روی گنه پیشگان است، و آنچه از

وَلَا يَحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا ۲۰۲ وَعَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ

تجاوز و تبه کاری در دنیا پشت سر گذاشته اند می داند، ولی دانش آنان به خداوند احاطه ندارد (۲۰۲) همه چهره هادر برابر خداوند بنده جاوید و قائم به ذات فروتن می شود،

خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا ۲۰۳ وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ

و کسی که بار ستمی را [که مانع از رسیدن به سعادت ابدی است] با خود برداشت مسلماً [از رحمت و شفاعت شفیعان] محروم است (۲۰۳) و هر کس بخشی از کارهای شایسته

فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا ۲۰۴ وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَ

انجام دهد در حالی که مؤمن باشد، نه از ستمی [در مورد خود] هراس خواهد داشت، و نه از گاستی [در پاداشش] (۲۰۴) و بدین گونه آن را قرآنی به زبان روشن و گویا فرستادیم،

صَرَفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا ۲۰۵

و در آن تهدیدهای گوناگون آوردیم برای این که مردم، از عقاید بی پایه و گناه و طغیان بپرهیزند، یا برای آنان توجه [و هشجاری] بیاورد (۲۰۵)

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ

بازدر مرتبه است خداوند بگانه که فرمانروای مطلق هستی و حق محض است. پیش از این که

يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا ﴿١١٢﴾ وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَى

وحي شدن قرآن بر تو پایان گیرد در اخواندن آن شتاب نکن، و بگو: پروردگارا! دانش مرا بیفزای (۱۱۲) همانا پیش از این

آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا ﴿١١٥﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ

به آدم سفارش کردیم که به آن درخت نزدیک نشود، ولی ایه آن اتوجهی نکرد، و برای او عزمی (استوار) نیافتیم (۱۱۵) هنگامی که به فرشتگان گفتیم:

اسْجُدُوا لِلْآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى ﴿١١٦﴾ فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ

برای آدم سجده کنید! همه سجده کردند جز ابلیس که از فرمان ما روی برتافت (۱۱۶) [در پی سجده نکردن ابلیس به آدم،] گفتیم: ای آدم!

هَذَا عَدُوُّكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى ﴿١١٧﴾ إِنَّ

یقیناً این دشمن تو و همسرتوست، پس شما را از بهشت بیرون نکند که به زحمت خواهی افتاد (۱۱۷)

لَكَ الْأَتْجَوْعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى ﴿١١٨﴾ وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا

مسلماً برای تو در این مکان [این ویژگی] هست که نه گرسنه شوی، و نه برهنه گردی (۱۱۸) و نیز در آن تشنه،

نَضْحَى ﴿١١٩﴾ فَوَسَّوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ

و افتابزده نشوی (۱۱۹) پس شیطان او را وسوسه کرد، گفت: ای آدم! آیا تو را

عَلَى شَجَرَةٍ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَا يَبُلَى ﴿١٢٠﴾ فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا

به درختی راهنمایی کنم که [خوردن میوه اش] مایه جاودانگی [در این جا]، و [ارسیدن به] سلطنتی است که کهنه نمی شود؟ (۱۲۰) پس هر دو از آن درخت خوردند. در نتیجه

سَوَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى

شرم گاهشان بر آنان پدیدار شد، و شروع به چسباندن برگ های درخت بهشت بر خود کردند. آدم به خواسته پروردگارش توجه نکرد. در نتیجه از رسیدن به آنچه شیطان به او

آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى ﴿١٢١﴾ ثُمَّ اجْنَبْهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى ﴿١٢٢﴾ قَالَ

و عده داده بود [تا کام ماند] (۱۲۱) آن گاه پروردگارش او را [به سبب پشیمانی و] انابه اش [برگزید، و توبه اش را پذیرفت و] او را به سوی رشد و کمال هدایت کرد (۱۲۲) خداوند گفت:

اٰهْبِطْ مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَامَّا يَاتِيَنَّكُمْ

هر دو از بهشت ایه زمین! فرود آید که برخی از شما دشمن برخی دیگرند، چون از سوی من

مِنْ هُدًى فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى ﴿١٢٣﴾ وَمَنْ

هدایتی به شما رسید، هرکس از هدایت من پیروی کند نه دچار گمراهی می شود، و نه به سختی و زحمت می افتد (۱۲۳) و هرکس

اَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

از هدایت من [که مایه سعادت دنیا و آخرت است] روی برتابد برای او زندگی بسیار تنگ و سختی خواهد بود، و روز قیامت او را

اَعْمَى ﴿١٢٤﴾ قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِيْ اَعْمًى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا ﴿١٢٥﴾

نابینا محصور می کنیم (۱۲۴) می گوید: پروردگارا! به چه علت مرا نابینا محصور کردی در حالی که [در دنیا] بینا بودم؟ (۱۲۵)

قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى ۝ (۱۲۶) وَكَذَلِكَ نَجْزِي

می فرماید آن گونه که آیات ما برای تو آمد و تو به آن هائی توجه نمودی امروز به همان گونه به تو بی توجهی می شود (۱۲۶) آری کسی که از صراط مستقیم و حدود الهی

مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى ۝ (۱۲۷)

نجاوز کرده و به آیات پروردگارش ایمان نیاورد و این چنین گنهر می دهیم (در دنیا به سختی و جزا و محنت دچار می کنیم) و بی تردید عذاب آخرت شدیدتر و پابهارتر است (۱۲۷)

أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ

آیا (این واقعیت) سبب هدایتشان نشده است که چه بسیار امت ها را پیش از اینان هلاک کردیم که اکنون این گمراهان (در خانه های آنان رفت و آمد می کنند) آه

فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى ۝ (۱۲۸) وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ

در آن (حوادث) نشانه هائی (عبرت آموز) برای خردمندان است (۱۲۸) اگر سنت (مهلت دادن) از جانب پروردگارت (بر عذاب گناه پیشگان) سبقت نگرفته بود.

لِزَامًا وَآجَلٌ مُّسَمًّى ۝ (۱۲۹) فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ

و نیز اجل معینی (که برای بودنشان در دنیا مشخص شده است) نبوده یقین (عذاب خداوند بدون تأخیر بر آنان) ضروری بود (۱۲۹) پس در برابر آنچه (کافران) می گویند شکیبایی

قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ

و پیش از طلوع خورشید و قبل از غروب آن پروردگارت را همراه با ستایش (یا تسبیح) گفتن از هر عیب و نقصی (یا یک و منزه) بدار و نیز بخشی از ساعت های شب و اطراف

النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ ۝ (۱۳۰) وَلَا تُدْنِ عَيْنُكَ إِلَىٰ مَا مَنَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا

روز را به تسبیح (خداوند) مشغول باش تا (از بركت القای تسبیح به قلب) از سنت ها و مقدرات حق (راضی و خشنود شوی) (۱۳۰) هرگز به آنچه از امکانات و از یاسی

مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْسِنَا فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ۝ (۱۳۱)

زندگی دنیا که برخی از اصناف کافران را به آن بهره مند کرده ایم دل میند (این ثروت و امکانات) برای این (است) که آنان را در مورد آن از عیش کنیم و رزق پروردگارت

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلَكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ

(که به آن قناعت ورزی) بهتر و پایدارتر است (۱۳۱) و خانواده ات را به نماز فرمان بده و بر آن شکیبایی کن (از تو رزقی نمی خواهیم) بلکه ما به تو روزی می بخشیم.

وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ ۝ (۱۳۲) وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِنْ رَبِّهِ أَوَلَمْ تَأْتِهِم

عاقبت (نیک) برای تقوا (پیشگان) است (۱۳۲) (کافران) گفتند: چرا (ای پیامبر) معجزه ای از سوی پروردگارش برای ما نمی آورد؟ آیا (این قرآن که)

بَيِّنَةٌ مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ ۝ (۱۳۳) وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ

دلیلی روشن بر (معارف) کتاب های (آسمانی) پیشین است برای آنان نیامده؟ (۱۳۳) اگر آنان را پیش از این (که این دلیل روشن را بفرستیم) هلاک می کردیم

مِنْ قَبْلِهِمْ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ

بقینا می گفتند: پروردگارا! چرا (رسولی به سوی ما نفرستادی تا

قَبْلَ أَنْ نَذِلَّ وَنُخْزَىٰ ۝ (۱۳۴) قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبَّصُوا

پیش از آن که خوار و رسوا شویم آیات را پیروی کنیم؟ (۱۳۴) بگو هریک از ما و شما! در انتظار (آینده) هستیم.

فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَىٰ ۝ (۱۳۵)

پس منتظر باشید که به زودی خواهید دانست که رهروان راه راست و ره یافتگان (به سعادت دنیا و آخرت) چه کسانی هستند (۱۳۵)

سُورَةُ الْاَنْبِيَاءِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

اِقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ ﴿١﴾ مَا

حسابرسی مردم [در باره آنچه در همه عمرشان انجام داده اند] نزدیک شده، در حالی که بآوردن به غفلتی [شدید]، [از دلایل البت که کننده قیامت] رویگردانند (۱)

يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مَنْ رَزَّاهُمْ مَحْدَثٌ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ

هیچ پیام و آیه جدیدی از سوی پروردگارشان برای آنان نمی آید جز آن که آن را در حال بازیگری او بدون دقت و تأمل

يَلْعَبُونَ ﴿٢﴾ لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسَرُّوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ

شنیدند (۲) دل هایشان مشغول [امور واهی و بی نتیجه] است، ستمکاران گفته های محرمانه خود را [از دیگران] پنهان داشتند

هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السَّحَرَاءَ أَنْتُمْ تَبْصِرُونَ ﴿٣﴾ قَالَ

او گفتند: آیا این [شخص] جز بشری مانند شماست، آیا با چشم باز و آگاهی به سوی سحر می روید؟ (۳)

رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٤﴾

ای مایه به آنان گفت: پروردگارم هر سخنی را [که هر گوینده ای] در آسمان و زمین [گرچه مخفیانه بگوید] می داند، منحصر او شنوا و دانای مطلق است (۴)

بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلْ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا

گفتند: [قرآن] خیالاتی واهی است، [نه] بلکه آن را به دروغ [به خدا] نسبت داده، [نه] بلکه او شاعری [بی ربط] گو است، [اگر فرستاده خداست]

بآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْاَوَّلُونَ ﴿٥﴾ مَا آمَنْتُ قَبْلَهُمْ مِنْ قُرَيْبَةٍ

باید برای ما معجزه ای بیاورد چنانکه پیامبران پیشین [با معجزه] فرستاده شدند (۵) پیش از اینان [مردم] هر شهری را

اَهْلَكْنَاهَا اَفْهُمْ يَوْمُنُونَ ﴿٦﴾ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَجُلًا

که نابود کردیم [با اینکه معجزه دیدند] ایمان نیاوردند، پس آیا اینان [که در کفر و عناد چون گذشتگانند] ایمان می آورند؟ (۶) پیش از تو [برای هدایت مردم] جز مردانی که

نُوحِي إِلَيْهِمْ فَسَئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٧﴾ وَمَا

به آنان وحی می کردیم نفرستادیم، اگر نمی دانید از آگاهان [به کتاب های آسمانی] بپرسید، [که همه پیامبران از جنس بشر بودند] آنان را

جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ ﴿٨﴾ ثُمَّ

بدن هایی که غذا نخوردند نساختم، و جاودانه هم نبودند [که از دنیا نروند] (۸) سپس

صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ ﴿٩﴾

به وعده ای که به آنان داده بودیم [در مورد شکست دشمنان و پیروزی مؤمنان] وفا کردیم، و پیامبران و هر که را می خواستیم نجات دادیم، و متجاوزان را هلاک کردیم (۹)

لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٠﴾

بدرستی کتابی به سوی شما فرستادیم که مایه شرف و رشد شما در آن است، آیا اندیشه نمی کنید؟ (۱۰)

وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا

چند بسیار شهرهایی که [مردمش] ستمکار بودند، و ما آنان را درهم شکستیم، و بعد از آنان قومی دیگر

الْآخِرِينَ ﴿١١﴾ فَلَمَّا أَحْسَوْا بِأَسْنَانِ إِذَا هُمْ مِنْهَا بِرُكُضُونَ ﴿١٢﴾ لَا تَرْكُضُوا

پدید آورديم (۱۱) چون عذاب ما را احساس می کردند ناگهان از آن [شهر] می گرختند (۱۲) [از روی استهزا به آنان گفته می شد: اقرار نکنید، و

وَارْجِعُوا إِلَى مَا أَتَرْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِينَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَسْأَلُونَ ﴿١٣﴾

به سوی زندگی مرفهی که [مغروران] در آن بودید، [و نیز به خانه هائیکان برگردید تا شاید از طرف نیازمندان از شما درخواست کمک شود. (۱۳)

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿١٤﴾ فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّىٰ

ایا دیدن عذاب گفتند: وای بر ما که مسلماً ستمکار بودیم (۱۴) همواره گفتارشان از روی حسرت و اندوه همین بود، تا

جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ ﴿١٥﴾ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا

آنان را درو کرده، خاموش ساختیم (۱۵) ما آسمان و زمین و آنچه را بین آن هاست

بَيْنَهُمَا إِلَّا عَيْنِينَ ﴿١٦﴾ لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهُوَ إِلَّا تَخَذْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا إِنَّ

از روی بازیگری و سرگرمی اینا فریدیم (۱۶) اگر می خواستیم [بازیگری و سرگرمی کنیم، چنانچه کننده این کار بودیم، آن را از نزد ذات خود [برابر باشتان] انتخاب می کردیم

كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿١٧﴾ بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ

اینه از آسمان و زمین که مملوک ما هستند (۱۷) [بازیگری و سرگرمی هرگز در شأن ما نیست، بلکه به وسیله حق بر باطل می کوبیم تا آن را درهم شکنند، و بی درنگ باطل نابود شود

وَلَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ ﴿١٨﴾ وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ

سختی و عذاب بر شما باد به کیفر آنچه از اوصاف باطل که [خداوند را] به آن وصف می کنید (۱۸) هر که در آسمان ها و زمین است فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست

عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْضِرُونَ ﴿١٩﴾ يُسَبِّحُونَ

و کسانی [چون فرشتگان] که در پیشگاه [قرب] اویند از بندگی اش تکبر نمی کنند، و خسته و درمانده نمی شوند (۱۹) شبانه روز

الَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفُتُّونَ ﴿٢٠﴾ أَمْ اتَّخَذُوا إِلَهَةً مِنَ الْأَرْضِ هُمْ

بی آن که سست شوند او را به پاکی [از هر عیب و نقصی] می ستایند (۲۰) آیا معبودانی از اجنس عناصر زمین انتخاب کرده اند

يُنْشِرُونَ ﴿٢١﴾ لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلَهِةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ

که [بهر استی می توانند مردگان را زنده کنند. (۲۱) اگر در آسمان و زمین جز خداوند، معبودانی وجود داشت بی شک هر دو تباه می شدند، پس منزّه است خداوند

رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٢٢﴾ لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ ﴿٢٣﴾

صاحب کمرش از اوصاف باطلی که [اورا به آن] اوصاف می کنند (۲۲) [خداوند از آنچه انجام می دهد بازخواست نمی شود، این یاوه گویند که [در پیشگاه خدا] بازخواست خواهند شد (۲۳)

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلُوبًا بِرُءُوسِهِمْ هَذَا ذِكْرُ مَنْ مَعِيَ

اشکافا که باروشن بودن توحید، [ایا معبودانی به جای خدا انتخاب کرده اند؟] بگو: دلیل خود را [بر درست بودن این انتخاب] بیاورید، این [تو جعدادن به توحید و نفی شرک، پیام قرآن برای استمن

وَذِكْرُ مَنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿٢٤﴾

و پیام کتاب های آسمانی برای امت های پیش از من است، [حق نه این است که مشرکان بدون دلیل می گویند، بلکه بیشترشان حق را نمی شناسند، به این سبب [از آن] رو برگرداندند (۲۴)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

وَمَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي سُبْحَانَكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

أَنَا فَاعْبُدُونِ ﴿٢٥﴾ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ

مُكْرَمُونَ ﴿٢٦﴾ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ﴿٢٧﴾

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى

وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ ﴿٢٨﴾ وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ

مِنْ دُونِهِ فَذَلِكْ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٢٩﴾

أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا

فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٠﴾ وَ

جَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا

سُبُلًا لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿٣١﴾ وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا

وَهُمْ عَنْ آيَاتِنَا مُعْرِضُونَ ﴿٣٢﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ

وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٣٣﴾ وَمَا جَعَلْنَا لِلْبَشَرِ مِنْ

قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِنَّ مِتَّ فَهُمْ الْخَالِدُونَ ﴿٣٤﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ

الْمَوْتِ وَنَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿٣٥﴾

وَإِذَا رَأَوْا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ يَتَّخِذُونَكَ إِلهًا هُزُواً وَآهَذَا

کافران چون تو را ببینند جز به مسخرهات نمی گیرند، ایبه بُت پرستان می گویند: آیا این است

الَّذِي يَذْكُرُ الْهَيْتَكُمْ وَهُمْ يَدْعُونَ الرِّحْمَنَ لَهُمْ

کسی که از معبودان شما ایبه عنوان موجوداتی بی اثر و فاقد هرگونه خاصیت یاد می کند؟ درحالی که خود منکر ذکر خداوند رحمان هستند، ایبه نظر آنان اله است

كَافِرُونَ ﴿٣٦﴾ خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُورِيكُمْ آيَاتِي فَلَا

بی خاصیتی بُت ها شگفت آور است، ولی انکار ذکر خدا تعجب ندارد! (۳۶) انسان از امایه اشتاب و عجله آفریده شده که با نخوت و غرور، عذاب را به شما می خواهد

تَسْتَعْجِلُونَ ﴿٣٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ

بی گمان عذاب هایم را به شما نشان خواهم داد، پس آن را اشتابان از من نخواهید (۳۷) ایبه پیامبر و مؤمنان از روی تمسخر می گویند: اگر راستگو هستید این وعده

صَادِقِينَ ﴿٣٨﴾ لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونُ عَنْ

عذاب و کیامت کی خواهد بود؟ (۳۸) اگر کافران آگاهی به آن وقتی داشتند که قدرت ندارند

وَجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ﴿٣٩﴾

آتش را از چهره ها و پشتشان باز دارند و یاری هم نمی شوند، اباشتاب عذاب را نمی خواستند! (۳۹)

بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ

عذاب با خبررسانی پیش از آن فرامی رسد، بلکه ناگهان گریبان نشان را می گیرد، و آن گونه به شدت امبهوشان می کند که نه می توانند آن را بازگردانند

يُنْظَرُونَ ﴿٤٠﴾ وَلَقَدْ اسْتَهْزَأُ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ

و نه برای به تأخیر افتادنش مهلت می یابند (۴۰) همانا پیش از تو پیامبرانی مورد استهزا قرار گرفتند

بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٤١﴾ قُلْ مَنْ

نهایتاً عذابی که همواره مسخره می کردند، مسخره کنندگان شان را فراگرفت (۴۱) بگو: چه کسی شما را

يَكْلُوكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ

در شب و روز از عذاب خداوند رحمان حفظ می کنند؟ اگر حفاظت خود را از آنان دریغ کند بی سبب نیست بلکه

مُعْرِضُونَ ﴿٤٢﴾ أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِنْ دُونِنَا لَا

ایبه سبب این است که از یاد پروردگارشان رویگردانند (۴۲) آیا به جای ما معبودانی دارند که آنان را از عذاب ما حفظ کنند؟

يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنْفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِنْنَا يُصْحَبُونَ ﴿٤٣﴾ بَلْ مَتَّعْنَا

امبهودان شان نه می توانند خود را یاری دهند، و نه از سوی ما مورد حمایت قرار می گیرند (۴۳) بلکه

هُؤُلَاءِ وَاَبَاءُهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَا

اینان و پدرانشان را از انواع نعمت ها بهره مند ساختیم تا جایی که عمرشان طولانی شد، پس دچار غرور و غفلت شده، گمان کردند از عذاب و هلاکت مصون هستند، اباندانسته اند

نَاتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿٤٤﴾

که ما همواره به زمین می پردازیم، و از نواحی آن املت ها و تمدن ها و دانشمندان را می کاهیم، و این سنت بر اینان نیز جاری خواهد شد، ابایا باز هم ایروزی با آنان است؟ (۴۴)

قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا

بگو: من فقط شما را به وسیله وحی هشدار می‌دهم، ولی کران، [بلک] دعوت را هنگامی که هشدارشان دهند

يُنذِرُونَ ﴿٢٥﴾ وَلَئِنْ مَسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ

می‌شنوند (۲۵) اگر [سهم] اندکی از عذاب پروردگارت به آنان برسد مسلماً

يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٢٦﴾ وَنَصْعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ

خواهند گفت: وای بر ما که بی‌تردید ستمکار بودیم (۲۶) روز قیامت ترازوهای عدالت را

لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ

نفس می‌کنیم، پس به هیچ‌کس کمترین ستمی نخواهد شد،

خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ ﴿٢٧﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ

اگر [عمل انسان] هموزن دانه خردلی باشد آن را [برای سنجش به عرصه قیامت] می‌آوریم، پس است که ما حسابگر باشیم (۲۷) مسلماً به موسی و

هَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٢٨﴾ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ

هارون [وسیله] جداکننده [حق از باطل]، و نور، و مایه تذکر برای پرهیزگاران عطا کردیم (۲۸) هم آنان که

رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ ﴿٢٩﴾ وَهَذَا ذِكْرٌ

در پنهانی او [خلوت] از پروردگارشان می‌ترسند، و از قیامت در اضطراب و هراسند (۲۹)

مُبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ ﴿٥٠﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ

این [قرآنی] که نازل کرده‌ایم وسیله تذکر و خجسته و پُرخیر است، آیا باز هم شما [کافران] منکر آن هستید؟! (۵۰) همانا پیش از این

رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ ﴿٥١﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ

به ابراهیم رشد و هدایتی که سزاوارش بود عطا کردیم، و ما به [لیاقت و شایستگی] او دانا بودیم (۵۱) چون به پدر خوانده‌اش

مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ ﴿٥٢﴾ قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا

و به قومش گفت: این مجسمه‌هایی که شما مشغول پرستش آن‌ها شده‌اید چیست؟ (۵۲) گفتند:

لَهَا عَابِدِينَ ﴿٥٣﴾ قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ

پرستش آن‌ها را پرستندگان آن‌ها یافتیم، لذا از آنان پیروی می‌کنیم (۵۳) [ابراهیم] گفت: یقیناً شما و پدرانتان

﴿٥٤﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ ﴿٥٥﴾ قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ

در گمراهی آشکاری هستید (۵۴) گفتند: آیا حق را برای ما آورده‌ای، یا شوخی می‌کنی؟! (۵۵) گفت: هرگز شوخی نمی‌کنم، بلکه پروردگارتان [که مدبر همه]

رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ مِنَ

امور شماست همان پروردگار آسمان‌ها و زمین است، آن پروردگار توان‌مندی [که آن‌ها را پدید آورد، و من بر این حقیقت پایبندم، و از گواهی دهندگانم] (۵۶) [با]

الشَّاهِدِينَ ﴿٥٦﴾ وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُولُوا مُدْبِرِينَ ﴿٥٧﴾

خود گفت: [سوگند به خداوند] پس از آن که شما [به بت خانه] پشت کرده و [به خانه‌های ایدن]ال کارهایتان [بروید در باره بت‌هایتان] تدبیری به کار خواهم بست (۵۷)

فَجَعَلَهُمْ جُودًا إِذْ لَا كَبِيرَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ ﴿٥٨﴾

پس [به بت خانه آمد و] بتها را قطعه قطعه کرده، درهم شکست، مگر بت بزرگشان را که [برای درک ناتوانی بت ها] به آن روی آوردند (۵۸)

قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِإِلَهِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٩﴾ قَالُوا سَمِعْنَا

اچون به بت خانه باز گشتند یا شکستی گفتند: چه کسی این کار را با معبودانمان انجام داده است؟ هر آینه او از ستمکاران است (۵۹) گفتند:

فَقَدْ يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ ﴿٦٠﴾ قَالُوا فَاتُوا بِهِ عَلَى أَهْلِ النَّاسِ

شنیدو ایم جوانی، که به او ابراهیم می گویند، از بت هایمان [به عنوان موجوداتی بی اختیار و بی اثر] یاد می کرد (۶۰) گفتند: او را در برابر چشم مردم بیاورید

لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ ﴿٦١﴾ قَالُوا أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ

تا گواهی دهند [که او از بت ها به بدی یاد می کرد] (۶۱) گفتند: ای ابراهیم! آیا تو با معبودان

﴿٦٢﴾ قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا

چنین کردی؟ (۶۲) گفت: بلکه [سالم ماندن بزرگشان نشان می دهد که] این بزرگشان مرتکب چنین کاری شده پس اگر آن ها که شکسته شدند [سخن می گویند]

يَنْطِقُونَ ﴿٦٣﴾ فَارْجِعُوا إِلَى أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ

از [خود] آنان بپرسید! (۶۳) [این جا بت پرستان] به خود آمده، او به سرزنش یکدیگر پرداخته [و] [به همدیگر] گفتند: شما خودتان

﴿٦٤﴾ ثُمَّ نَكِسُوا عَلَى رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ ﴿٦٥﴾

اهل ستم بودید، [نه ابراهیم] (۶۴) آن گاه سرافکنده شده، [به ابراهیم گفتند:] مسلماً تو می دانی که این [بت ها] قدرت

قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا

سخن گفتن ندارند (۶۵) گفت: [با توجه به این واقعیت] آیا به جای خداوند چیزهایی را می پرستید

وَلَا يَضُرُّكُمْ ﴿٦٦﴾ أَفَلَا تَعْبُدُونَ مَنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا

که هیچ سود و زانی به شما نمی رسانند؟ (۶۶) [واقعاً] آف بر شما و بر آنچه به جای خداوند می پرستید! [با این حال]

نَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾ قَالُوا أَخْرِقُوهُ وَأُصْرُوا إِلَهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ

آباد نشده نمی کنید! (۶۷) [بت پرستان بی توجه به مطالب حکیمانۀ ابراهیم به یکدیگر گفتند:] اگر می خواهید کاری انجام دهید او را در آتش بسوزانید، و [با این کار] معبودان را

فَاعْلَمِينَ ﴿٦٨﴾ قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ ﴿٦٩﴾

باری دهید (۶۸) پس او را در آتش انداختند، گفتیم: ای آتش! بر ابراهیم سرد و بی آسیب باش! (۶۹)

وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ ﴿٧٠﴾ وَنَجَّيْنَاهُ

از آری بر ضد او نیرنگی [سنگین] به کار گرفتند، پس آنان را زیانکارترین مردم قرار دادیم (۷۰) و او و لوط را

وَلَوْطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ ﴿٧١﴾ وَوَهَبْنَا

از آن منطقه آلوده به شرک و فساد [نجات داده، به سوی سرزمینی که در آن برای جهانیان خیر فراوان نهاده ایم] بردیم (۷۱) و اسحاق

لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ ﴿٧٢﴾

و [این را] یعقوب را به عنوان [اعطایی] افزون به او بخشیدیم و همه را افرادی شایسته قرار دادیم (۷۲)

وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ

انان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما مردم را هدایت می کردند، و انجام دادن

الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا

کارهای نیک و برپاداشتن نماز، و پرداخت زکات را به انان وحی کردیم، و انان فقط

عَابِدِينَ ﴿٧٣﴾ وَلَوْ طَآئِفَةٌ مِنْكُمْ مِنْ الْقُرَيْيَةِ

مرا عبادت می کردند (۷۳) و به لوط درستی ادر کارا و دانش عطا کردیم، و او را از آن شهری که ادرعش

الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِينَ ﴿٧٤﴾

کارهای زشت انجام می دادند نجات دادیم، بی تردید انان قومی منحرف و نافرمان بودند (۷۴)

وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٧٥﴾ وَنُوحًا إِذْ نَادَىٰ

و او را در رحمت خود درآوردیم زیرا او از شایستگان بود (۷۵) و نوح را اینز نجات دادیم، آن زمان که

مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ

پیش از این ایامبران یاد شده ندا کرد: پروردگارا! مرا از این قوم تبهکار نجات ده! پس ندایش را پاسخ دادیم، و او و خانواده اش را از آن اندوه

الْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾ وَنَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ

بزرگ رهنانیم (۷۶) و در برابر گروهی که آیات ما را انکار کردند باری اش دادیم، همانا

كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٧٧﴾ وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ

گروه بدی بودند، در نتیجه همه انان را غرق کردیم (۷۷) و داود و سلیمان را ایاد کن، زمانی که

إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَمْرُ الْقَوْمِ وَكُنَّا

دربارۀ آن کشتزار که گوسفندان مردم شبانه بی چوپان در آن چریده بودند داوری می کردند،

لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ ﴿٧٨﴾ فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا

و ما گواه داوری انان بودیم (۷۸) پس ما داوری ان را به سلیمان فهمانیدیم، و هر یک را درستی ادر کارا

وَعِلْمًا وَنَحْنُ نَعْلَمُ مَا فِي الْقُلُوبِ وَنَحْنُ نَعْلَمُ مَا فِي الْقُلُوبِ وَنَحْنُ نَعْلَمُ مَا فِي الْقُلُوبِ

و دانش بخشیدیم، و کوه ها و پرندگان را به کار گرفتیم که همواره همراه داود تسبیح بگویند او خدا را از هر عیب و نقصی پاک و مبرا بدارند،

فَاعْلَمِينَ ﴿٧٩﴾ وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ

و ما انان دهنده این کار برای دیگر پیامبران پیش از داود بودیم (۷۹) و صنعت ساختن پوشش های دفاعی را به سود شما به او آموختیم تا شما را از آسیب

فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ ﴿٨٠﴾ وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ

جنگ هایتان محافظت کند، آیا شما ابا توجه به این نعمت ها! سپاس گزار هستید؟ (۸۰) و برای سلیمان تندباد را به کار گرفتیم،

إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ ﴿٨١﴾

که به فرمانش به سوی آن سرزمینی که در آن خیر فراوان نهادیم حرکت می کرد، و ما همواره به همه چیز داناییم (۸۱)

وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ

و از شیاطین کسانی را ایه نفع او به کار گرفتیم که برایش غواصی و کارهای

ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ ﴿٨٢﴾ وَيُوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي

غیر آن انجام می دادند، و ما نگهبان آنان بودیم (۸۲) و ایوب را ایاد کن، هنگامی که پروردگارش را

مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿٨٣﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا

ندا داد که: مرا رنج و آسیب رسیده، و تو مهربان ترین مهربانانی (۸۳) پس دعایش را مستجاب کردیم،

مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ

و آنچه از آسیب به او رسیده بود برداشتیم، و خانواده اش را [که از دستش رفته بودند] و همانندشان را همراه با آنان به او عطا کردیم،

عِنْدَنَا وَذَكَرَى لِلْعَابِدِينَ ﴿٨٤﴾ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَ

اگر همه و همه [رحمتی از سوی ما] بود، و مایه بند و بیدارباشی برای عبادت کنندگان (۸۴) و اسماعیل و ادريس

ذَا الْكِفْلِ كُلٍّ مِنَ الصَّابِرِينَ ﴿٨٥﴾ وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا

و ذوالکفل را ایاد کن، که همه از شکیبایان بودند (۸۵) و آنان را در رحمت خود درآوردیم،

إِنَّمُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٨٦﴾ وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ

زیرا از شایستگان بودند (۸۶) و صاحب ماهی ایونس را ایاد کن، هنگامی که خشمگین از بین قومش رفت،

أَنْ لَّنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

و گمان کرد که ما هرگز بر او تنگ نخواهیم گرفت، پس در تاریکی های شب، و عمق آب، و شکم ماهی ندا داد که: معبودی جز تو نیست،

سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٨٧﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ

تو! از هر عیب و نقصی [منزه] همانا من [به سبب کناره گیری از قومم بدون اذن تو] از ستمکاران بر خود هستم (۸۷) پس دعایش را مستجاب کردیم،

وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٨﴾

و از اندوه نجاتش دادیم، و مؤمنان را این گونه نجات می دهیم (۸۸)

وَذَكَرَ يَا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ

و ذکر یا ایاد کن، که پروردگارش را ندا داد: ای پروردگار! مرا تنها او بی فرزندا نگذار، که تو بهترین

الْوَارِثِينَ ﴿٨٩﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَ

وارثانی (۸۹) پس دعایش را مستجاب کردیم، و یحیی را به او بخشیدیم،

أَصْلَحْنَاهُ زَوْجَهُ إِنْهُمْ كَانَُوا إِسْرَاعُونَ فِي

و برای او همسرش را ادر عین نازا بودن [صلاحیت بارداری دادیم، آنان همواره

الْخَيْرَاتِ وَبَدَّ عَوْنًا رَغْبًا وَرَهْبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ ﴿٩٠﴾

در کارهای خیر می شتافتند، و ما را از روی امید و بیم می خواندند، و پیوسته در برابر ما فروتن بودند (۹۰)

وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَ

و آن ازین باکرامت را یاد کن! که دامنش را پاک نگاه داشت، پس ما از روح خود در او دمیدیم،

جَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴿٩١﴾ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ

و او و پسرش را معجزه و نشانه‌ای بزرگ از قدرت خود برای جهانیان قرار دادیم (۹۱) بی تردید این دین

أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ﴿٩٢﴾ وَتَقَطَّعُوا

و راه و روش شما [که از سوی خداست] دین و راه و روشی واحد و یگانه است، و من پروردگار شمایم، پس مرا بپرستید (۹۲) ولی آنان

أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلُّ إِلَهٍ لِّمَا رَاجِعُونَ ﴿٩٣﴾ فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ

در دینشان گروه گروه شدند، [هر یک نافع آیینی ضد توحید و ساختگی شدند]، همه آنان به سوی ما باز خواهند گشت [تا کفر گروه گروه شدند] و در دین

الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ

بیمبند (۹۳) پس کسی که بخشی از کارهای شایسته را انجام دهد در حالی که مؤمن باشد، نسبت به تلاش ناسپاسی نخواهد شد، و ما بی تردید برای او

كَاتِبُونَ ﴿٩٤﴾ وَحَرَامٌ عَلٰی قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا

[تلاش را برای رسیدن به پاداش، بدون کم و کاست در نامه عملش] ثبت می کنیم (۹۴) بی تردید ممکن نیست [مردم] شهری که ما [به کفر گناهانشان] اهلکشان کردیم [برای

بَرْجِعُونَ ﴿٩٥﴾ حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ

جبران گذشته خود به دنیا بازگردند]، قطعاً باز خواهند گشت (۹۵) [سنت الهی بر ثبت اعمال بندگان، و غیر ممکن بودن بازگشت هلاک شدگان به دنیا ادامه دارد]، آن زمانی که

كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ ﴿٩٦﴾ وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ

و از هر [طایفه] یا جوج و مأجوج گشوده شود، و آنان از همه سرزمین‌های مرتفع شتابان [به هر کجا] می‌تازند (۹۶) و آن وعده حق [و حتمی که قیامت است] نزدیک شود، پس ناگهان

شَاخِصَةٌ أَبْصَارِ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِنْ

چشم‌های کافران خیره گردد، او در آن حال گویند: وای بر ما! که به راستی ما از این [روز] در بی خبری [عمیقی]

هَذَا بَلٌ لَّكُم مَّا ظَلَمْتُمْ ﴿٩٧﴾ إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ

قرار داشتیم، بلکه ما ستمکار بودیم (۹۷) [به آنان گویند] همانا شما و معبودانی که

مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ ﴿٩٨﴾

به جای خداوند می‌پرستیدید هیزم دوزخید، و حتماً در آن وارد خواهید شد (۹۸)

لَوْ كَانَ هَؤُلَاءِ إِلَهًا مَا وَرَدُوهَا وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ

اگر این بت‌ها معبودان [برحق] بودند وارد دوزخ نمی‌شدند، در حالی که همگی [بت‌ها و بت پرستان] در آن

لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ ﴿٩٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ

جاودانه‌اند (۹۹) آنان در آنجا نعره‌های دردناکی دارند، و در آنجا [سخن] امیدوارکننده‌ای [نمی‌شنوند] (۱۰۰) بی تردید

سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ ﴿١٠١﴾

کسانی را که پیشتر از سوی ما به آنان وعده نیک داده شده از دوزخ دورشان می‌دارند (۱۰۱)

لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ

در حالی که کمترین صدای آن را نمی شنوند، و آنان در میان آنچه از نعمت های بهشتی دلشان بخواهد

خَالِدُونَ ﴿١٠٢﴾ لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَرَقُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ

جاودانه اند (۱۰۲) آن روزا آن وحشت بزرگتر اندو هگیشان نمی کند، و فرشتگان به استقبالشان آیند

هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿١٠٣﴾ يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ

و گویند این است روز [پاسعادت و پرخیر] شما که به آن وعده داده می شدید (۱۰۳) [قیامت] روزی [است] که آسمان ها را

كَطَيِّ السَّجِلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ

چون در هم پیچیدن طومار، در هم می پیچیم، همان گونه که نخستین بار آفریده ها را آفریدیم [دوباره پس از هلاک شدنشان] بازشان می گردانیم

وَعْدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿١٠٤﴾ وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ

وعده [داده شده] ای است [که انجامش] بر عهده ما [است]، یقیناً [آن را] انجام می دهیم (۱۰۴) البته ما پس از تورات در زبور نوشتیم

مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴿١٠٥﴾

که همه زمین را بندگان شایسته ما [با همه امکانش] به ارث می برند (۱۰۵)

إِنِّي فِي هَذَا الْبَلَاءِ غَافِلٌ عَابِدِينَ ﴿١٠٦﴾ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا

بی تردید در این [حقایق قرآنی] برای رسانیدن اهل عبادت [به اوج مطلوب] کفایت است (۱۰۶) ما تو را جز

رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴿١٠٧﴾ قُلْ إِنَّمَا يُوحِي إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ

کانون مهرورزی و مهربانی برای جهانیان نفرستادیم (۱۰۷) بگو: به من فقط وحی می شود که معبود شما

وَاحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٠٨﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ أَذْنُكُمْ

خدای یگانه است، پس آیا تسلیم [او] می شوید؟ (۱۰۸) چنانچه روی برتافتند بگو:

عَلَى سَوَاءٍ وَإِنْ أَذْرَبْ أَقْرَبُ أَمْ بَعِيدُ مَا تُوعَدُونَ ﴿١٠٩﴾

من به همه شما به طور یکسان هشدار و آگاهی دادم، و نمی دانم آیا آنچه از عذاب که شما را به آن وعده داده اند نزدیک است یا دور (۱۰۹)

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ ﴿١١٠﴾ وَإِنْ

بی تردید او سخن آشکار و آنچه را [در باطن خود] از حقد و حسد و کینه و بغل... [پنهان می کنید می داند] (۱۱۰) من نمی دانم، ممکن است این [تاخیر عذاب از مایه] بی

أَذْرَبْ لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿١١١﴾ قَالَ رَبِّ

برای شما بوده [که حجت خداوند در همه امور برایتان تمام شود] و بهره ای اندک [از امکانات فانی شدنی] تا فرارسیدن زمان [عذابتان] باشد (۱۱۱) [ایسا میرا]

أَحْكُمُ بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ﴿١١٢﴾

گفت: پروردگار! ایمان ما و مشرکان [به حق داور] کن و پروردگار ما بسیار مهربان است که در برابر آنچه [به ناحق] می گوئید از آواری خواسته می شود (۱۱۲)

سُورَةُ الْحَجِّ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ ﴿١﴾

ای مردم! خود را [با اطاعت از خدا و پرهیز از مجزئات، از عذاب] پروردگارتان حفظ کنید؛ زیرا زلزله هول انگیز قیامت حادثه بزرگی است (۱)

بَوْمَ تَرَوْهُمَا تَدْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ

روزی که چون آن را ببینید، [خواهید دید که] هر مادر شیر دهنده ای [که پستان در دهان کودکش دارد از شدت ترس، شیر خواره اش را] کاملاً از یاد می برد،

ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَارَىٰ وَ

و هر ماده بارداری بارش را سقط می کند، و مردم را مست می بینی در حالی که مست نیستند،

لَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ﴿٢﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي

بلکه عذاب خداوند بسیار سخت است (۲) از مردم کسی است که همواره درباره خداوند بکتا

اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ ﴿٣﴾ كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَن

بدون هیچ دانشی گفت و گوی نادرست و بی دلیل می کند، و پیرو هر شیطان سرکشی است (۳) بر شیطان مقرر شده که هرکس او را

تَوَلَّاهُ فَإِنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿٤﴾ يَا أَيُّهَا

به سرپرستی خود انتخاب کند حتماً به گمراهی اش کشانده، و به سوی آتش [شعله ور] و سوزان راهنمایی اش می کند (۴) ای مردم!

النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ

ایم درباره برانگیخته شدن [پس از مرگ] در تردید هستید پس [به این حقیقت توجه کنید که] ما شما را از خاک آفریدیم، سپس

مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ

از نطفه، آن گاه از غلقه، بعد از آن از پاره گوشتی شکل یافته و شکل نیافته به وجود آوردیم

لِنَبِّينَ لَكُمْ وَنَقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ

تا قدرت خود را بر هر کاری برای شما روشن کنیم، هر جنینی که خواست ما باشد تا مدتی معین در رحم ها مستقر می سازیم، سپس

نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لَتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّنْ

شما را به صورت کودک [از رحم مادر] بیرون می آوریم، و از مینه رشدتان را فراهم می سازیم [تا به نیر و مندی] جسمی و فکری [خود بر سید، برخی از شما

يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَّنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ

ایش از فوتی] قبض روح می شوید، و بعضی از شما را به پست ترین دوره عمر [که نهایت پیری است] می برند تا جایی که

مِّن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا

از دانشی که داشت هیچ نداند. [از نشانه های دیگر قدرت ما این است که] زمین را [در زمستان] خشک و بی گیاه می بینی، پس زمانی که

الْمَاءَ اهْتَرَتْ وَرَبَّتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ﴿٥﴾

آب [باران] را بر آن می فرستیم می جنبد و رشد می کند، و از هر نوع گیاه شاداب و زیبایی می رویاند (۵)

ذَٰلِكَ بَيِّنَ اللَّهُ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٥﴾

احمد این حقایق در باره قدرت و شجاعت و شکستنی های جهان هستی برای این است که [بدانید] فقط خداوند حق است، و جز او شایسته پرستش نیست، او این که او مردگان

وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ ﴿٦﴾

را زنده می کند، و اوست که بر هر کاری تواناست (۶) و این که قیامت که هیچ شک نیست در آن نیست آمدنی است، و این که خداوند کسانی را که در گور ها بیدار می کند (۶)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ

گروهی از مردمند که همواره بدون هیچ دانشی و هیچ هدایتی و هیچ کتاب روشنگری، درباره خداوند گفت و گوی نادراست

ثَانِي عَظِيمٍ لِّيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنَذِيرٌ ﴿٨﴾

و بی دلیل می کنند (۸) آن هم ابا حلتی متکبرانه و مغرورانه، تا [مردم را] از راه خداوند [به راه باطل] منحرف کنند، برای آنان در دنیا رسوائی است،

يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابُ الْحَرِيقِ ﴿٩﴾ ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ

و روز قیامت عذاب سوزان به آنان می چشانیم (۹) [به آنان] گویند: این [رسوائی و عذاب] به کیفر اعمالی است که از پیش فرستاده ای، [سبب این کیفر، عدالت خداوند

لَيْسَ بِظُلَامٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿١٠﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ

است، [و خداوند نسبت به بندگان، ستمکار نیست] (۱۰) گروهی از مردمند که خداوند را با دودلی و تزلزل در دین [بر پایه] به دست آوردن سود مادی می پرستند،

أَصَابَهُ خَيْرٌ أَوْ أَمَانٌ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ

پس اگر سود به آنان برسد به آن آرامش می یابند، و اگر زیان و خسارتی به آنان رسد [از پرستیدن خداوند] روی گردان شوند،

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ﴿١١﴾ يَدْعُوا مِنْ دُونِ

اینان دنیا و آخرت را از دست داده اند، و این همان خسارت آشکار است (۱۱) معبوداتی را

اللَّهُ مَا لَا يَنْصُرُهُ وَمَا لَا يَنْفَعُهُ ذَٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ ﴿١٢﴾

به جای خدا [برای عرض حاجت] می خوانند که نه زبانی به آنان می رسانند، و نه سودی به آنان می دهند، این است همان گمراهی

يَدْعُوا مَنْ حَزَنُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ لَبِئْسَ الْمَوْلَىٰ وَلَبِئْسَ

بسیار دور [که در آن دسترسی به هدایت ندارند] (۱۲) [آری] معبودهایی را [برای برآورده شدن حاجاتشان] می خوانند که زبانشان [به خوانندگان] از

الْعَشِيرُ ﴿١٣﴾ إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

سودشان نزدیکتر است، [معبودهای باطل] هر آینه بدسرپرست و قطعاً به همدمی هستند (۱۳) همانا خداوند مؤمنانی را که کارهای شایسته انجام داده اند

جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿١٤﴾ مَنْ

وارد بهشت هایی می کند که از زیر [درختان] آن نهرا جاری است، مسلماً خداوند هر کاری را که بخواهد انجام می دهد (۱۴) کسی که

كَانَ يَظُنُّ أَنَّ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمِدُّ ذِرَاعَيْهِ إِلَى

همواره گمانش این است که خداوند هرگز پیامبرش را در دنیا و آخرت یاری نخواهد داد [و اکنون] باید پادین یاری رساندن به او به شدت خشمگین است،

السَّمَاءِ ثُمَّ لِيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ ﴿١٥﴾

باید طنبایی از سقف بیاورد، آن گاه خود را حلق آویز کند و ببیند آیا حيله و نیرنگش مابه خشمش را از بین می برد؟ (۱۵)

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ ﴿١٦﴾

ما قرآن را به این صورت فرستادیم که [حاوی مجموعه‌ای از آیات روشنگر است، به راستی خداوند هر که را بخواهد هدایت می‌کند] (۱۶)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ

همانا مؤمنان و یهودیان و صابئی‌ها و نصاری و مجوسیان و مشرکان [که در مذاهب خود با یکدیگر اختلاف دارند، و هر گروهی خود را حق

وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى

می‌داند،] مسلماً روز قیامت خداوند بینشان داوری می‌کند [تا حق‌پیشگان به بهشت، و باطل‌گرایان به دوزخ درآیند،] بی‌تردید خداوند

كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿١٧﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ

بر همه چیز شهادت می‌دهد (۱۷) آیا ندانسته‌ای که هر که در آسمان‌ها

فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَ

و زمین است، و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان

الدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ

و جنبندگان، و بسیاری از مردم برای خداوند سجده می‌کنند؟ و بر بسیاری [هم که از سجده کردن روگردانند] عذاب قطعی شده است،

اللَّهُ فَمَالَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ﴿١٨﴾ هَذَانِ

و کسی که خداوند خوارش کند گرامی‌دارنده‌ای برای او نیست، بی‌گمان خداوند هر چه بخواهد انجام می‌دهد (۱۸)

خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ

این دو [گروه حق‌پیشه و باطل‌گرا] که دربارهٔ پروردگارش در جدال و مشاجره‌اند دشمن یکدیگرند، پس برای کافران

مِنْ نَارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ ﴿١٩﴾ يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي

لباس‌هایی از آتش [به اندازهٔ اندامشان] بریده شده، و از بالای سرشان مایع جوشان به رویشان ریخته می‌شود (۱۹) که آنچه

بُطُونُهُمْ وَالْجُلُودُ ﴿٢٠﴾ وَلَهُمْ مَقَامِعٌ مِنْ حَدِيدٍ ﴿٢١﴾ كُلَّمَا

در شکم‌هایشان است و نیز پوست‌هایشان [به وسیلهٔ آن گذاخته می‌شود] (۲۰) و برای آنان گرزهایی ویژه از آهن است [که بر سرشان می‌کوبند] (۲۱)

أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا

هرگاه بخواهند به سبب اندوه او غصهٔ گلوگیرا از دوزخ درآیند به آن بازشان می‌گردانند، و [به آنان می‌گویند:]

عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿٢٢﴾ إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

عذاب سوزان را [بچشید] (۲۲) به راستی خداوند مؤمنانی را که کارهای شایسته انجام داده‌اند

الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّونَ فِيهَا

در بهشت‌هایی وارد می‌کند که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است،

مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ﴿٢٣﴾

در آن جا با دست‌بندهایی از طلا و مروارید آرایش می‌شوند، و لباسشان در آن جایگاه [از ابریشم است] (۲۳)

وَهْدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهْدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ ﴿٢٢﴾

و به سخن پاک او پسندیده، و به راه خداوند ستوده راهنمایی می‌شوند (۲۲)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ

بِئْرَدِيدِ كَسَانِي كَه كَافِرُونَ وَ اِمْرَدَم رَا از راه خدا بازداشتند، و اِمْمَنَان رَا از اوردود به مسجد الحرام

الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ

كه آن را برای همه مردم چه مقیم چه مسافر، يكسان قرار داده ايم اَمْع كرده اند، كِبْرِي سخت دارند، و هر كه بخواند

بِالْحَادِ يَظْلَمُ نَفْسَهُ مِنْ عَذَابِ الْيَمِّ ﴿٢٥﴾ وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ

در آن جا با انحراف از حق آروى به ستم آورد عذابى دردناك به او مى چشانيم (۲۵) اِبه ياد اريد هنگامى كه جاگاه خانه ابراهيم را براى ابراهيم

مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكَ بِي شَيْئًا وَطَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ

آماده كرديم، او از او پيمان گرفتيم كه: هيچ چيز را شريك من قرار نده و خانه ام را براى طواف كنندگان

وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿٢٦﴾ وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ

و قيام كنندگان و ركوع كنندگان و سجد كنندگان از هر آلودگى ظاهرى و باطنى پاک بدار (۲۶) و در بين مردم براى حج باتك برون

يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ بَاتِنٍ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ﴿٢٧﴾

تا بياده و اسواره بر هر شتر چابك از هر راه دورى به سوى تو آيند (۲۷)

لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ

براى اين كه شاهد سودهاى از بركات اين سفر را براى خود باشند، و نام خداوند را در روزهاى معين اكه براى قربانى اعلام شده

عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعَمُوا

بر چهاربايان اچون گاو و گوسفند و شتر كه به آنان عطا كرده است ببرند، آن گاه از گوشت آن ها بخوريد

الْبَائِسَ الْفَقِيرَ ﴿٢٨﴾ ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا

و تهيدست درمنده را نيز بخورانيد (۲۸) سپس بايد آلودگى هاى خود را بزدانند

نُدُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿٢٩﴾ ذَلِكَ وَمَنْ

و نذر هايشان را ادا كرده، و بر گرد خانه كهن طواف كنند (۲۹) اين است امناسك حج

يُعَظَّمُ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ

و هر كس مقررات خدا را بزرگ بدارد اين ابراز داشتن راى او نزد پروردگارش بهتر است

لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُشْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا

و چهاربايان براى شما حلال گشته به جز آنچه ادر آيات ديگر خرمش را بر شما خوانده مى شود، پس بر شعامت

الرَّجْسِ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ ﴿٣٠﴾

كه از پليدى ها كه همان بُت هايند، و از گفتار باطل اچون دروغ، افترا، غيبت و شهادت ناحق ا دورى كنيد (۳۰)

خُفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ

در حالی که خالصانه گرایش به خداوند داشته باشید، و به او شرک نرورزید، و هرکس به خداوند شرک ورزد گویا از آسمان سقوط کرده،

فَتَخَطَّفَهُ الطُّيُورُ أَوْ نَهْوَىٰ بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ ﴿٣١﴾ ذَلِكَ وَ

و پرندگان شکاری او را می‌ربایند، یا باد وی را به جای دور دست می‌اندازد (۳۱) این است اِحدود و مقررات خداوند،

مَنْ يُعَظِّمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ ﴿٣٢﴾ لَكُمْ فِيهَا

و هرکس شعائر خدا را بزرگ بداند بدون تردید این اگر اناشی از تقوای دل هاست (۳۲) برای شمار دام‌های قربانی تا وقتی معین سودهایی اجون

مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ يَحْمِلُهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿٣٣﴾ وَلِكُلِّ

سواری گرفتن، تغذیه از شیر و خوردن گوشت آن‌ها است، سپس مکان اجرای گرفتن ایشان برای قربانی شدن، کنار کعبه آن خانه کهن است (۳۳)

أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِّذِكْرِ اللَّهِ وَاسْمِ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةٍ

برای هر امت (مؤمنی پیش از شما) عبادتی ویژه [که مشتمل بر قربانی است] قرار دادیم، تا بر آنچه از دام‌ها روزی آنان کردیم [به وقت قربانی]

الْأَنْعَامِ فَالِلَّهِمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلُمُكُمْ وَأَبْشَرُ الْمُخْبِتِينَ ﴿٣٤﴾

نام خدا را ذکر کنند، پس [بدانید که] معبود شما خداوند یکتاست؛ بنابراین فقط تسلیم او شوید، و فرمانبرداران فروتن را

الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا آصَابَهُمْ

اِبر حمت و جنت خداوند [مژده ده] (۳۴) هم آنان که وقتی خداوند یاد می‌شود، دل هایشان به هراس می‌افتد، و بر آنچه از حادثه و بلا به آنان می‌رسد

وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٣٥﴾ وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا

شکیبایند، و خوانندگان نماز [با شرایط ویژه اش] هستند، و از آنچه روزی آنان کرده ایم انفاق می‌کنند (۳۵) شتران قربانی را

لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ

برای شمار شعائر خداوند قرار دادیم، برای شمار آن‌ها [تا به محل قربانی برسند] منافعی است [چون سواری و تغذیه از شیر]، هنگام نحر کردن آن‌ها [در حالی که به صف ایستاده اند]

فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ

نام خدا بر آن هابیرید، و چون اِبی جان [به پهلود افتادند از آن هابخورید، و به تهیدستانی که اهل درخواست نیستند و فقیرانی که اهل درخواستند بخورانید،

سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٣٦﴾ لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَ

بدین گونه آن‌ها را برای شما به کار گرفتن تا سپاس‌گزاری کنید (۳۶) هرگز گوشت‌ها

لَا يَمَسُّهَا وَلَٰكِنْ يَنَالُهُ النَّقْوَىٰ مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ

و خون هایشان به خداوند نمی‌رسد، بلکه تقوای شماست که به او می‌رسد، این گونه آن‌ها را برای شما به کار گرفت

لِيُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاهُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٧﴾ إِنَّ اللَّهَ

تا خدا را به شکرانه این که هدایتان کرد به بزرگی یاد کنید، و نیکوکاران را [به رحمت و پاداش خداوند] مژده بده (۳۷) همانا

يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ ﴿٣٨﴾

خداوند همواره از مؤمنان دفاع می‌کند، یقیناً خداوند هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست ندارد (۳۸)

أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ﴿٣٩﴾

به کسانی که مورد هجوم و جنگ قرار می گیرند اجازه جنگ برای دفاع از خود داده شده؛ به این دلیل که مورد دستم قرار گرفته اند، و البته خداوند

الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا

باری دامن به آنان توانست (۳۹) هم آنان که ظالمانه از خانه هایشان بیرون رانده شدند فقط برای این که می گفتند: پروردگار ما خداوند است

دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ لَهْدٍ مَتٍ صَوَامِعُ وَبَيْعٌ وَ

و اگر خداوند استم و زبان رسانی برخی از مردم اجابت پیشه را به وسیله بعضی از مردم دفع نمی کرد هر آینه صومعه ها، کلیساها

صَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ

کثیسه ها و مساجدی که در آنها بسیار یاد خدا می شود و بران می شد، به یقین

اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٤٠﴾ الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي

خداوند به کسانی که ایدین او را باری می کنند، باری می دهد، بی تردید خداوند نیرومند و توانای شکست ناپذیر است (۴۰) هم آنان که

الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ

چون در زمین فرمانروایی عطا بشان می کنیم نماز را با شرایط ویزه اش می خوانند و زکات می پردازند، و مردم را به کارهای پسندیده و امری دارند

نَهَوُا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ﴿٤١﴾ وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ

و از کارهای زشت باز می دارند، و فرجام همه کارها فقط در اختیار خداست (۴۱) اگر تو را انکار می کنند

كَذَبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودُ ﴿٤٢﴾ وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ

انکار تازه ای نیست، پیش از اینان هم قوم نوح و عاد و ثمود پیامبرانشان را انکار کردند (۴۲) و اینها قوم ابراهیم

لُوطٍ ﴿٤٣﴾ وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكَذَّبَ مُوسَىٰ فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ

و قوم لوط اهل انکار بودند (۴۳) و همچنین اهل مدین منکر شعیب شدند، و موسی را هم انکار کردند، پس کافران را مهلت دادم

ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٤﴾ فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ

پس آنان را به عذابی سخت دچار کردم، اینگر که کیفر او انتقام من چگونه بود (۴۴) چه بسیار شهرها را

أَهْلَكْنَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبُئْرُ

در حالی که اهلی استمکار بودند نابود کردیم، پس به سبب نزول عذاب، سقف های خانه هایشان خراب شد، و دیوار هایشان بر سقف ها فرو ریخت

مُعْطَلَةٌ وَقَصْرٌ مَشِيدٌ ﴿٤٥﴾ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ

و چه بسیار چاه های انزباب متروک افتاده، و کاخ های برافراشته ای صاحب مانده است (۴۵) آیا در زمین به گردش و جست و جوی نبرد آخته اند

لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا

تا برای آنان دل های فهمی پیدا شود که با آن بیندیشند، یا گوش هایی که با آن اندر زها را بشنوند؟ حقیقت این است که فقط

لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ ﴿٤٦﴾

چشم ها که ابزار عبرت است از تماشای امور عبرت آموزا کور نمی شود، بلکه دل هایی هم که در سینه هاست کور می شود (۴۶)

وَبَسِّتَعَجِّلُوا نَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ

آن از تو آمدن عذاب را اشتباهانه می خواهند در حالی که خداوند از وعده اش هرگز تخلف نمی کند، همانا یک روز نزد پروردگارت چون هزار سال از سال هایی

رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ ﴿٢٧﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَمْلَيْتُ لَهَا

است که شما به حساب می آورید؛ از برای او فاصله زمانی وجود ندارد، فاصله زمانی فقط برای شما مطرح است؛ بنابراین عذاب به شما خواهد رسید، و فاصله

وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَالَّتِي الْمَصِيرُ ﴿٢٨﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ

طولانی بین آن و شما نزد خدا چون یک روز است (۲۷) چه بسا شهرهایی که به اهل آن ها در حالی که ستمکار بودند مهلت دادم، سپس آنان را به عذابی

إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٢٩﴾ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

سخت (دچار) کردم، و باز گشت همه فقط به سوی من است (۲۸) بگو: ای مردم! من برای شما فقط هشدار دهنده ای روشن گرم (۲۹) پس برای مؤمنانی که کارهای

لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٥٠﴾ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا

شایسته انجام داده اند آمرزش و رزق نیکویی است (۵۰) و کسانی که در راه تخریب و بی اثر نمودن

مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿٥١﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ

آیات ماکوشیده اند تا به گمان خود، ما را اعجاز کنند تا از دسترس قدرت ما بیرون روند آنان اهل آتش شعله ورنند (۵۱) پیش از تو هیچ رسول و پیامبری نفرستادیم

مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ

مگر این که هرگاه آرزوی کرد اهداف سعادت بخش خود را پیش ببرد، شیطان برای باز داشتن مردم از پذیرش حق ادر برابر آرزویش وسوسه و شبهه می انداخت،

فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكُمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ

ولی خداوند آنچه را شیطان از وسوسه و شبهه می اندازد از بین می برد، سپس آیاتش را استوار می سازد،

حَكِيمٌ ﴿٥٢﴾ لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ

و خداوند دانا و حکیم است (۵۲) سبب این ماجرا این است که خداوند شبهه اندازی شیطان را آزمایشی برای

مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ

بیماران و سنگدلان قرار می دهد تا به اوج شقاوتشان برسند؛ زیرا امیدی به ایمان آوردن آنان نیست، مسلماً ستمکاران در نهایت

بَعِيدٌ ﴿٥٣﴾ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا

مخالفت و ستیز با حق و حقیقت هستند (۵۳) و نیز سبب این ماجرا این است که دانش یافتگان بدانند این [محوشدن القائنات شیطان، و

بِهِ فَخُخِيتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى

استوار ماندن آیات از سوی پروردگارت حق است؛ در نتیجه به آن ایمان آورند و دل هایشان برای آن فروتن شود، بی تردید خداوند هدایت کننده مؤمنان

صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٥٤﴾ وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ حَتَّىٰ

بدسوی راهی مستقیم است (۵۴) کافران همواره نسبت به آیات خداوند در تردیدی سخت اند،

تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمَ عَقِيمٍ ﴿٥٥﴾

تا قیامت ناگهان بر آنان درسد، یا عذاب روزی که روز دیگری به دنبال ندارد به سراغشان آید (۵۵)

الْمَلِكُ يُوعِذُ **اللَّهُ** يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

آن روز حاکمیت و فرمانروایی ویژه خداست، او بین آنان داوری می‌کند، نهایتاً مؤمنانی که کارهای

الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٥٦﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا

شایسته انجام داده‌اند در بهشت‌های پُر نعمتند (۵۶) و کسانی که کافرد و آیات ما را

بِأَيِّنَّا فَاُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٥٧﴾ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا

انکار کرده‌اند برای آنان عذابی خوارکننده است (۵۷) آنان که در راه خدا

فِي سَبِيلِ **اللَّهُ** ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَبُرُّزُقَتَهُمْ **اللَّهُ** رِزْقًا

هجرت کرده، سپس کشته شده یا مرده‌اند مسلماً خداوند رزقی

حَسَنًا وَإِنَّ **اللَّهُ** لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٥٨﴾ لِيَدْخُلَنَّهُمْ

نیکی‌شان می‌دهد، همانا خدا بهترین روزی‌دهندگان است (۵۸) بی‌تردید [خداوند] ایشان

مُدْخَلًا بَرَضُونَهُ وَإِنَّ **اللَّهُ** لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ ﴿٥٩﴾ ذَلِكَ وَمَنْ

به جایگاهی که آن را می‌پسندند وارد می‌کند، مسلماً خداوند دانا و بردبار است (۵۹) [مطلب درباره مؤمن و کافر همان است که گفتیم]

عَاقِبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ **اللَّهُ** إِنَّ

و هرکس به مانند آنچه به او عقوبت شده [متجاوز را] عقوبت کند، آن‌گاه از سوی متجاوزا به او ستم شود

اللَّهُ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ ﴿٦٠﴾ ذَلِكَ يَأْتِ **اللَّهُ** يُوَلِّجُ الْبَلَّ فِي النَّهَارِ

قطعاً خداوند اورا یاری می‌دهد [تا انتقامش را از تجاوزکار بگیرد]، همانا خداوند با گذشت و بسیار آمرزنده است (۶۰) این [یاری دادن به ستم‌دیده] به سبب

وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي الْبَلِّ وَأَنَّ **اللَّهُ** سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿٦١﴾

این است که [خداوند دارای قدرت بی‌نهایت است، و گوشه‌ای از قدرتش این است که] همواره شب را در روز و روز را در شب درمی‌آورد، بی‌گمان خدا شنوا

ذَلِكَ يَأْتِ **اللَّهُ** هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ

و بیناست (۶۱) این [جابه‌جایی شب و روز] به سبب این است که فقط خداوند معبود حق است، و این که

هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ **اللَّهُ** هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ﴿٦٢﴾ أَلَمْ تَرَ

آنچه را جز او [برای روا شدن حاجاتتان] می‌خوانید باطل است، و این که فقط خداوند بلندمرتبه و بزرگ است (۶۲)

أَنَّ **اللَّهُ** أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً

ایا ندانسته‌ای که خداوند آبی [فراوان و پُر فایده] از آسمان نازل می‌کند، در نتیجه زمین

إِنَّ **اللَّهُ** لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿٦٣﴾ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي

سرسبز و خرم می‌شود؟ به راستی خداوند دقیق او ریزنگرا و آگاه است (۶۳) آنچه در آسمان‌ها

الْأَرْضِ وَإِنَّ **اللَّهُ** لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٦٤﴾

و در زمین است فقط در سيطرة مالکیت و فرمانروایی اوست، به یقین خداوند است که بی‌نیاز و ستوده است (۶۴)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلُكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ

ای انسان! آیا ندانسته‌ای که خداوند آنچه را در زمین است و کشتی‌هایی را که به فرمان او در دریا روانند

يَأْمُرُهُمْ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ

برای ابهره‌وری! شما به کار گرفته است، و آسمان را نگه می‌دارد که جز به فرمان او بر زمین نیفتد؟ همانا

بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿٦٥﴾ وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ

خداوند به [همه] مردم بسیار مهربور و مهربان است (۶۵) اوست که به شما حیات داد، سپس

يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ ﴿٦٦﴾ لِكُلِّ أُمَّةٍ

شما را می‌میراند، آن‌گاه ابرای ورود به قیامت! زنده‌تان می‌کند، همانا انسان بسیار ناسپاس است (۶۶) برای

جَعَلْنَا مَنَسَكَاهُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُكَ فِي الْأَمْرِ وَادْعُ

هر جامعه [مؤمنی] پیش از شما [عبادت ویژه‌ای] که مشتمل بر قربانی است [قرار داده‌ایم که بر اساس آن عمل می‌کنند، پس [مشرکان] نباید تا در موضوع [قربانی] انزاع کنند،

إِلَىٰ رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُّسْتَقِيمٌ ﴿٦٧﴾ وَإِنْ جَادَلُوكَ فَقُلْ

[آنان را] به سوی پروردگارت [برای انجام عبادت هماهنگ باین] او دعوت کن [که بی تردید تو بر راهی مستقیم قرار داری] (۶۷) و اگر با تو گفت‌وگوی نادرست و بی دلیل کنند،

اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا نَعْمَلُونَ ﴿٦٨﴾ اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا

بگو: خداوند به آنچه انجام می‌دهید داناست (۶۸) خداوند روز قیامت بین شما در آنچه بایکدیگر همواره در آن اختلاف می‌گردید داور می‌خواهد

كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٦٩﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ

کرد [تا مؤمنان] به بهشت در آیند، و مشرکان [وارد دوزخ شوند] (۶۹) آیا ندانسته‌ای که خداوند آنچه را در آسمان و زمین است می‌داند؟ مسلماً همه

وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٧٠﴾ وَ

[اعمال و نیات انسان‌ها] در کتابی [چون لوح محفوظ، ثبت] است، و بی تردید این [ثبت اعمال و نیات همه انسان‌ها در آن کتاب] بر خدا آسان است (۷۰) و

يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يَنْزِلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَالِ الْبَسَ لَهُمْ بِهِ

[مشرکان] به جای خداوند معبودانی را می‌پرستند که [خدا] هیچ دلیلی درباره [به حق بودن] آن‌ها نازل نکرده است، و معبودانی [را می‌پرستند] که هیچ دلتی

عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ ﴿٧١﴾ وَإِذْ اتَّخَذُوا عَلَيْهِمْ أَيْتَانًا

برای [استدلال بر ربوبیت] آن‌ها ندارند، و ستمکاران را هیچ یآوری [در برابر عذاب] نخواهد بود (۷۱) هنگامی که آیات روشن ما را

بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرُ يَكَادُونَ يَسْطُونَ

بر آنان می‌خوانند در چهره کسانی که کافرنند [آنها] انکار او ناخوش آیندی را می‌بینی، به گونه‌ای که

بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ أَفَأَنْتُمْ بِبَشَرٍ مِنْ

نزدیک است به تلاوت کنندگان آیات ما بر آنان بتازند، بگو: آیا شما را به بدتر از این

ذَلِكَمُ النَّارُ وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٧٢﴾

[اگر از شنیدن قرآن به شما دست می‌دهد] خبر دهم؟ آن [آتش] دوزخ است که خداوند آن را به کافران وعده داده، و [آتش] عاقبت بدی است! (۷۲)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضَرْبَ مَثَلٍ فَاستَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ

ای مردم! غلطی زده شده است پس بدان گوش فرادهید! یقیناً کسانی

دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ

به غیر خدا را که برای روآشیدن حاجاتشان می خوانید هرگز نمی توانند مگسی بیافرینند! گرچه برای آفرینش گردآیند، و اگر

الذُّبَابُ شَيْعًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ

مگس چیزی از آنان برباید نمی تواند آن را پس بگیرند، پرستش کنندگان و پرستش شوندگان هر دو ناتوانند

﴿٧٣﴾ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٧٣﴾

(۷۳) خداوند را آن گونه که شایسته قدرشناسی اوست قدرشناسی نکردند، بی تردید خداوند نیرومند و توانای شکست ناپذیر است (۷۴)

اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ

خداوند از بین فرشتگان و از بین مردم رسولانی بر می گزیند، فرشتگان را برای دریافت وحی و رساندن به پیامبران، و پیامبران را برای ابلاغ وحی به مردم، یقیناً

سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿٧٥﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ

خداوند شنوا و بیناست (۷۵) او همه اعمال و احوال گذشته فرشتگان و انبیاء و انسان ها، و همه اعمال و احوال آینده آنان را می داند،

تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٧٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا

و همه امور به خداوند بازگردانده می شود (۷۶) ای مؤمنان! رکوع و سجود کنید

وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٧٧﴾

و پروردگارتان را بپرستید، و کار نیک انجام دهید تا ابر همه موانع راه سعادت! پیروز شوید (۷۷)

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ

و در راه خداوند آن چنان که شایسته جهاد است جهاد کنید، او شما را انتخاب کرد

فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ

و در این دین بر شما فشار و تنگی قرار نداد، آسانی دین شما چون آسانی دین پدرتان ابراهیم است!

الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ

و شما را پیش از این مسلمان نامید، و در این آقرآن هم به همین نام خوانده شده! اید! تا پیامبر حجت و گواه

وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ

بر شما باشد و شما هم ادر اعمال و احوالتان! حجت و گواه بر مردم باشید، پس نماز بخوانید و زکات بپردازید

وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ ﴿٧٨﴾

و به خدا تمسک جوید، او سرپرست و یار شماست، و خوب سرپرست و نیکو یاری دهنده ای است (۷۸)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشه

فَدَاخِلَ الْمُؤْمِنُونَ ^(۱) الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ^(۲) وَالَّذِينَ

در استی مؤمنان [بر موانع راه سعادت] پیروز شدند (۱) هم آنان که در نمازشان [با حضور قلب و فروتنی اند] (۲) و از [هر گفتار و کردار] بیهوده

هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ^(۳) وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ ^(۴) وَالَّذِينَ

بی فایده ای [و] روگردانند (۳) و پرداخت کنند (۴) [و]

هُمْ لِفِرْوَجِهِمْ حَافِظُونَ ^(۵) إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ

نگهدارنده [و] دامنشان [از] آلودگی [جنسی اند] (۵) مگر [در] کامجویی [از] همسران

أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ^(۶) فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ

با کنیزانشان که [در این زمینه] مورد سرزنش نیستند (۶) پس کسانی که [در کامجویی جنسی] راهی غیر از همسران یا کنیزان جویند

هُمْ الْعَادُونَ ^(۷) وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ^(۸)

حتماً [از] حدود خدا [تجاوز کردند] (۷) و [مؤمنان] امانت‌ها و پیمان‌های خود را رعایت

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ^(۹) أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ

می‌کنند (۸) و همواره بر اوقات و شرایط ظاهری و باطنی [نمازهایشان] مراقبت دارند (۹) آنان تنها

الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ^(۱۰) وَلَقَدْ

وارثانند (۱۰) و ارفاقی که [از روی شایستگی] بهشت فردوس را به میراث می‌برند، و در آن جاودانه‌اند (۱۱)

خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ^(۱۲) ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ

همانا ما انسان را از چکیده‌ای از گل [آفریدیم] (۱۲) سپس آن را نطفه‌ای

مَكِينٍ ^(۱۳) ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً

در قرارگاهی استوار قرار دادیم (۱۳) آن‌گاه نطفه را به صورت خون بسته، و خون بسته را به صورت پاره گوشتی درآوردیم،

فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ

آن‌گاه از آن پاره گوشت استخوان‌هایی آفریدیم، پس بر استخوان‌ها گوشت پوشانیدیم، سپس او را با آفرینشی دیگر

خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ^(۱۴) ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ

بندید آوردیم، خجسته و پرخیر است خداوند که نیکوترین آفرینندگان است (۱۴) سپس همه شما

ذَٰلِكَ لَمَسَّيُوتَ ^(۱۵) ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ ^(۱۶) وَلَقَدْ

بعد از این می‌میرید (۱۵) آن‌گاه روز قیامت حتماً برانگیخته می‌شوید (۱۶) همانا

خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ ^(۱۷)

بالای سرتان هفت آسمان آفریدیم، و ما از آفرینش بی‌خبر نبوده و نیستیم (۱۷)

وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ

و از آسمان، آبی به اندازه فرستادیم، و آن را در زمین ادر انبارهای و بزه‌ای ساکن کردیم، و بی شک

بِهِ لِقَادِرُونَ ﴿١٨﴾ فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَكُمْ فِيهَا

به از بین بردن آن تواناییم (۱۸) پس برای شما به وسیله آن، باغ‌هایی از درختان خرما و انگور پدید آوردیم

فَوَاكِهَ كَثِيرَةٍ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿١٩﴾ وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ

که در آن هامیوه‌های فراوانی برای بهره‌وری اقتصادی اشماست، و نیز از آن‌ها می‌خورید (۱۹) و اهم چنین به وسیله باران ادرختی را که از طور سینا بیرون می‌آید

بِالدُّهْنِ وَصِبْغٍ لِلْكَالِينِ ﴿٢٠﴾ وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ

ابیدید آوردیم که برای خوردگان، روغن و نان خورش می‌رویاند (۲۰) همانا در چهارپایان درس ایداشناسی ا برای شماست،

مِمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٢١﴾ وَعَلَيْهَا

از شیری که در شکم آن‌هاست به شما می‌نوشانیم و در آن‌ها برای شما سودهای فراوانی است، و از گوشتشان [نیز] می‌خورید (۲۱)

وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا

و بر آن‌ها و بر کشتی‌ها حمل می‌شوید (۲۲) همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم،

قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٢٣﴾ فَقَالَ الْمَلَأُ

گفت: ای قوم من! خداوند را بپرستید که معبودی جز او برای شما نیست، آیا از آیین شرک نمی‌پرهیزید؟ (۲۳) سران کفریشت قومی گفتند:

الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ

این جز بشری مانند شما نیست که می‌خواهد بر شما برتری و سلطه جوید

عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا

اگر خدا می‌خواست ایامبری بفرستد قطعاً فرشتگانی را [به پیامبری] می‌فرستاد، ما این [سخنانی] را [که نوح می‌گوید] از پدران

الْأَوَّلِينَ ﴿٢٤﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جَنَّةٌ فْتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٢٥﴾

پیشین خودنسنیده‌ایم (۲۴) او جز مردی که نوعی دیوانگی در اوست نمی‌باشد؛ بنابراین تا مدتی نسبت به او منتظر بمانید [که از دیوانگی رهایی یابد، یا بمیرد] (۲۵)

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَبْتُ ﴿٢٦﴾ فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعْ

انوح گفت: پروردگارا! مرا در برابر انکار آنان یاری ده (۲۶) پس به او وحی کردیم که زیر نظر ما

الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحَيْنَا فَاذْجَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُورُ فَاسْلُكْ فِيهَا

و با پیام ما کشتی بساز! چون فرمان ما [به هلاکت آنان] بیاید و [آب] آن تنور فوران کند از هرگونه‌ای از حیوانات

مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ

یک جفت، و نیز خانواده‌ات را جز افرادی از آنان که حکم عذاب در موردشان قطعی شده

مِنْهُمْ وَلَا تَخْاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ ﴿٢٧﴾

در کشتی وارد کن! و درباره کسانی که [به سبب شرک] ستم ورزیده‌اند با من سخن مگوی؛ زیرا همه آنان مسلماً غرق شدنی هستند (۲۷)

فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلِكِ فَقُلِ الْهَدُ لِلَّهِ الَّذِي تَخْتَلُّونَ

چون تو و آنان که با تو هستند ادر کشتی را سوار شدید بگو: همه سنايش ها و بزرگ خداست که ما را

مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢٨﴾ وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَبِيرٌ

از این گروه ستمکار نجات داد (۲۸) و بگو: پروردگارا! مرا در جایگاهی نازل فرود آر که تو بهترین میزبانان هستی (۲۹) همانا در این [سرگذشت]

الْمُنْزَلِينَ ﴿٢٩﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ وَإِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ

نسلانی از رحمت و انتقام خداوند برای عبرت گیرندگان است، و یقیناً ما از عایش کننده [بندگان] هستیم [انباکان از ناباکان] مشخص شوند (۳۰) سپس

بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ﴿٣١﴾ فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ

بعد از آنان قومی دیگر را به وجود آوردیم (۳۱) و پیامبری از خودشان در بین آنان فرستادیم که [بگوید]: خداوند را بپرستید،

مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٣٢﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ

برای شما جز او معبودی نیست، آیا از آیین شرک نمی پرهیزید؟ (۳۲) سران کفریشت فوش که لقای آخرت را

كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا الْآخِرَةِ وَآتَرَفْنَا لَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا

انکار می کردند، درحالی که آنان را در زندگی دنیا از وسایل و ابزار مادی فراوانی [برخوردار کرده بودیم گفتند:

إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ ﴿٣٣﴾

این جز بشری مانند شما نیست؛ زیرا از آنچه شما می خورید می خورد و از آنچه شما می آشامید می آشامد (۳۳)

وَلَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذًا لَخَاسِرُونَ ﴿٣٤﴾ أَيْعِدُكُمْ أَنْتُمْ

بی تردید اگر از بشری مانند خود اطاعت کنید حتماً زیانکار خواهید بود (۳۴) آیا به شما وعده می دهد

إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنْتُمْ تُخْرَجُونَ ﴿٣٥﴾ هَبْهَاتَ هَبْهَاتَ

که وقتی از دنیا رفتید و خاک و استخوان [پوسیده] شدید از گور زنده [بیرون] می آورند؟ (۳۵) [از عقل] دور است، و بسیار دور است

لِمَا تُوعَدُونَ ﴿٣٦﴾ إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ

آنچه را به شما وعده می دهند! (۳۶) زندگی فقط زندگی دنیایی [و مادی] است، [همواره گروهی می میریم و گروهی دیگر] به دنیای آیم، و پس از مرگ

بِمَبْعُوثِينَ ﴿٣٧﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ

برانگیخته نمی شویم (۳۷) او نیست مگر مردی که به خداوند دروغ بسته! و ما

بِمُؤْمِنِينَ ﴿٣٨﴾ قَالَ رَبِّ انْصُرْنِي بِمَا كَذَبُونَ ﴿٣٩﴾ قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَيُصْبِحُنَّ

باور کننده او نیستیم (۳۸) [آن پیامبر] گفت: پروردگارا! مرا در برابر انکار آنان یاری ده (۳۹) [خداوند] فرمود: البته پس از اندک زمانی به شدت

نَادِمِينَ ﴿٤٠﴾ فَآخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَا لَهُمْ غُشَاءً فَبَعْدًا

پشیمان می شوند (۴۰) پس فریاد مرگبار [عذاب]، آنان را بر اساس حق فراگرفت، در نهایت چون خس و خاشاکشان قرار دادیم، پس دوری

لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾ ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ﴿٤٢﴾

از مغفرت و رحمت! بر ستمکاران باد! (۴۱) سپس بعد از آنان اقوامی دیگر را به وجود آوردیم (۴۲)

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجْلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ﴿٢٣﴾ ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا كُلًّا

هیچ امتی از وقت انقراض خود نه پیش می افتد و نه پس می ماند (۴۳) سپس رسولانمان را پی در پی فرستادیم، هر زمان

مَا جَاءَ أُمَّةٌ رَسُولُهَا كَذَّبُوهُ فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ

برای امتی رسولش می آمد و انکار می کردند، و ما این امت ها را به دنبال یکدیگر هلاک می کردیم، و آنان را برای عبرت دیگران، موضوع [سرگذشت ها] قرار دادیم،

فَبَعْدَ الْقَوْمِ لَيُؤْمِنُونَ ﴿٢٤﴾ ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَآخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا

پس ملتی که ایمان نمی آورند [از مغفرت و رحمت خداوند] دور باد! (۴۴) سپس موسی و برادرش هارون را با معجزات خود

سُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٢٥﴾ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا

و دلیلی روشنگر فرستادیم (۴۵) به سوی فرعون و سران [متکبرا] قومش، ولی تکبر ورزیدند، و آنان

عَالِينَ ﴿٢٦﴾ فَقَالُوا أَنْتُمْ مِنْ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ ﴿٢٧﴾

قومی برتری جو و سلطه گر بودند (۴۶) و [متکبران] گفتند: ایاه دو بشری که مانند خودمان هستند ایمان بیاوریم در حالی که قوم آن دو، بردگان ما هستند؟! (۴۷)

فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ ﴿٢٨﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ

نهایتاً هر دو را انکار کردند، و از هلاک شدگان شدند (۴۸) البته به موسی کتاب عطا کردیم

يَهْتَدُونَ ﴿٢٩﴾ وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَامَّةً آيَةً وَأَوَيْنَاهُمَا إِلَىٰ رَبْوَةٍ

تا فرعونیان هدایت یابند (۴۹) و پسر مریم و مادرش را نشانه [قدرت و رحمت خود] قرار دادیم، و آن دو را

ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ ﴿٣٠﴾ يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا

در سرزمینی بلند که [اداری] جایگاهی برای استقرار، و آبی روان بود جای دادیم (۵۰) ای پیامبران! از خوردنی های دلپذیر بخورید،

صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٣١﴾ وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ

و کار شایسته انجام دهید، یقیناً من به آنچه انجام می دهید دانایم (۵۱) بی تردید این دین و راه و روش شما [که از سوی خداست] دین و روشی واحد و یگانه است،

أَنَّا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ ﴿٣٢﴾ فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلٌّ حِزْبٌ

و من پروردگار شمایم، بنابر این از من [اطاعت کرده، از محز ماتم] بپرهیزید (۵۲) ولی آنان در دینشان گروه گروه شدند، [و هر یک تابع آیینی ضد توحید و ساختگی

لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴿٣٣﴾ فَذَرَهُمْ فِي غَمَرَاتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٣٤﴾ اِيْحَسِبُونَ

شدند، در حالی که [هر گروهی بدین خود ساختن] خویش [مغرورانه] شادمانند! (۵۳) پس آنان را در گرداب [طغیان] اشان تازمانی [که مرگشان فرارسد] و گذار! (۵۴)

أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَنِينَ ﴿٣٥﴾ نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا

ایگمان می کنند فراوانی [امکاناتی] که به وسیله مال و اولاد به آنان می دهیم (۵۵) [در حقیقت] می خواهیم در [عطا کردن] خیرات به آنان شتاب کنیم؟

يَشْعُرُونَ ﴿٣٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ﴿٣٧﴾ وَالَّذِينَ

[چه ارزیابی اشتباهی! چنین نیست که می بندارند،] بلکه نمی فهمند [که ما می خواهیم آنان را با این امکانات فریبنده به تدریج به سوی عذاب سوق

هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يَوْمِنُونَ ﴿٣٨﴾ وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ ﴿٣٩﴾

دهیم (۵۶) [به راستی آنان که از بیم [عذاب] پروردگارشان هراسان و نگرانند (۵۷) و به آیات پروردگارشان ایمان دارند (۵۸) و شریکی برای پروردگارشان نمی گیرند (۵۹)

وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ ﴿٦٠﴾

آنچه از زکات و نفقات می پردازند، در حالی می پردازند که دل هایشان از این که به سوی پروردگارشان [برای محاسبه دقیق ابار می گردند] هراسان است (۶۰)

أُولَٰئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ ﴿٦١﴾ وَلَا تَكْلِفُ نَفْسًا إِلَّا

اینانند که به سوی کارهای خیر می شتابند، و در انجام دادن آن از دیگران پیشی می گیرند (۶۱) هیچ کس را

وُسْعَهَا وَلَا تَنَالُكَ نَفْسًا إِلَّا بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٦٢﴾ بَلْ قُلُوبُهُمْ

حربه اندازد گنجایشش تکلیف نمی کنیم، و نزد ما کتابی است که [در باره همه احوال و اعمال] بندگان [به درستی] سخن می گوید، و آنان [در پاداش و کیفر] مورد ستم قرار نمی گیرند (۶۲)

فِي غَمَرَةٍ مِّنْ هَٰذَا وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِّنْ دُونِ ذَٰلِكَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ ﴿٦٣﴾ حَتَّىٰ

بلکه دل های کافران از این [حقایق و کارهای خیر] در پی عمیقی است، و برای آنان غیر از این [پی خبری]، اعمالی از پشت و ناپسند است که همواره آن ها را انجام می دهند (۶۳)

إِذَا أَخَذْنَا مِثْرَ فِتْنَةٍ بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يُجْبَرُونَ ﴿٦٤﴾ لَا تَجْعَلُوا الْيَوْمَ

تاری که خوش گذران غرق در ناز و نعمتشان را گرفتار عذاب کنیم، و بی درنگ ناله سر دهند [و به آوای بلند درخواست یاری کنند] (۶۴) [به آنان گفته شود:] امروز

إِنِّكُمْ مِنَّا لَا تُنْصَرُونَ ﴿٦٥﴾ قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُشَلِّ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰ

ناله و فریاد نزدیک؛ زیرا از سوی ما یاری نخواهید شد (۶۵) همانا آیات مرا بر شما می خواندند و شما [برای نشنیدنش]

أَعْقَابِكُمْ تَتَكَبَّرُونَ ﴿٦٦﴾ مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَامِرًا تَهْجُرُونَ ﴿٦٧﴾ أَفَلَمْ

به شدت عقب گرد می کردید (۶۶) [نه تنها] عقب گرد می کردید بلکه [نسبت به آن تکبر داشتید، و] در یزم [شبانه] خود در باره اش [بدگویی] داشتید (۶۷)

يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿٦٨﴾ أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا

ایاد این سخن [که وحی خداست] دقت نکردند، یا مگر [اول بار است که] کتابی برای آنان آمده که برای پدران پیشین آنان نیامده بود؟ (۶۸) یا مگر

رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ ﴿٦٩﴾ أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُمْ

پیامبرشان را [از لحاظ حسب، نسب، درستی، اخلاص و کرامت] نشناخته اند که او را انکار می کنند؟ (۶۹) آیا می گویند نوعی جنون در اوست، [چنین]

بِالْحَقِّ وَآكُثْرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ﴿٧٠﴾ وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ

نیست که این باطل گرایان می گویند، [بلکه او حق را برای آنان آورده است، و بیشترشان حق را خوش ندارند] (۷۰) اگر حق از خواسته های [نامشروع] آنان

لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ

پیروی می کرد مسلماً آسمان ها و زمین و هر که در آن هاست از هم می پاشید، [اینان باید دقت کنند که کتابی که شرف و سربلندی آنان است عطایشان کرده ایم،]

فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ ﴿٧١﴾ أَمْ تَسْأَلُهُمْ خُورَجًا فَخَرَّاجٌ رَبِّكَ

ولی آنان از مایه شرف و سربلندی خود رو بگردانند (۷۱) یا مگر [در عوض] سالت [از آنان] می خواهی [که بپذیرفتن دعوت برای آنان سخت است]؟ البته نزد پروردگارت

خَبِيرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٧٢﴾ وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٧٣﴾

بهرتر از هر چیزی است، و او بهترین عطاکنندگان است (۷۲) بدون شک تو آنان را به راهی مستقیم دعوت می کنی (۷۳)

وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَا كَبُونَ ﴿٧٤﴾

و هر آینه کسانی که به آخرت ایمان ندارند از این راه منحرف اند (۷۴)

وَلَوْ رَحُّنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلْجُوفُ فُطُغْيَانِهِمْ

اگر به آنان مهربانی کنیم و آسیبی را که دچارش هستند برطرف سازیم باز هم درحالی که سرگردانند در طغیانشان

يَعْمَهُونَ ﴿٧٥﴾ وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَ

بافشاری می‌کنند (۷۵) البته ما آنان را به بلاها [و مشکلات] دچار کردیم، ولی نه برای پروردگارشان فروتنی کردند،

مَا يَتَضَرَّعُونَ ﴿٧٦﴾ حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ

و نه [به پیشگاهش] زاری آوردند (۷۶) تا زمانی که دری از عذاب سخت به روی آنان بگشاییم

إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿٧٧﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ

تاگهان در آن حال [از همه چیز] ناامید می‌شوند (۷۷) اوست که برای شما گوش و دیده

وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿٧٨﴾ وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ

و دل پدید آورد، ولی اندکی سپاس‌گزارند (۷۸) اوست که شما را در زمین آفرید، و [انهایتاً] به‌سوی او

تُحْشَرُونَ ﴿٧٩﴾ وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ

محشور می‌شوید (۷۹) اوست که حیات می‌دهد و می‌میراند، و رفت و آمد شب و روز به خواست اوست، آیا اندیشه نمی‌کنید [که نظام جهان دلیلی است برای

وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٨٠﴾ بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ ﴿٨١﴾

شناخت [او]؟ (۸۰) [نه این که اندیشه نمی‌کنند، بلکه همان سخنان [نادرست] را [در باره خداوند و قیامت و نبوت] گفتند که پیشینیان می‌گفتند (۸۱)]

قَالُوا إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا إِنْ أُنْمِئْجُوثُونَ ﴿٨٢﴾ لَقَدْ وَعِدْنَا نَحْنُ

گفتند: آیا زمانی که بمیریم و خاک و استخوان [پوسیده] شویم حتماً برانگیخته خواهیم شد؟ (۸۲) همانا این [برانگیخته شدن] را

وَالْأَبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٨٣﴾ قُلْ

پیش از این به ما و پدرانمان وعده دادند [اما] این وعده جز افسانه خرافی پیشینیان نیست! (۸۳) بگو:

لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨٤﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ

اگر دانایی [و معرفت] دارید بگوئید زمین و هرکه در آن است از کیست؟ (۸۴) خواهند گفت:

قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٨٥﴾ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ

از خداست. بگو: پس چرا هشیار نمی‌شوید؟ (۸۵) بگو: مالک آسمان‌های هفت‌گانه و پروردگار

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿٨٦﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٨٧﴾ قُلْ

عرش بزرگ کیست؟ (۸۶) خواهند گفت: [آن‌ها هم] در سیطره مالکیت خداوند است. بگو: پس چرا [از پرستش غیر او] پرهیز نمی‌کنید؟ (۸۷)

مَنْ يَدِينُ مَلَائِكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ

بگو: اگر دانایی [و معرفت] دارید کیست که حاکمیت و فرمانروایی مطلق هر چیزی در سیطره اراده اوست، و اوست که امان می‌دهد، و بر خلاف خواسته او

إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨٨﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ ﴿٨٩﴾

به کسی امان داده نمی‌شود؟ (۸۸) خواهند گفت: [این ویژگی هافقط] برای خداست. بگو: پس چگونه [باز یجده نیرنگ و افسون‌تان می‌کنند؟] (۸۹)

بَلْ أَتَيْنَاهُم بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٩٠﴾ مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ
 و این نیست که می گویند، بلکه ما برای آنان حق را آوردیم، و بی تردید آنان دروغگویند (۹۰) خداوند هیچ فرزندی برای خود انتخاب نکرده است،

مَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذْ أَذْهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّ بَعْضُهُمْ
 و هیچ معبودی با او نیست، اگر بود در آن صورت هر معبودی برای آن که به تنهایی امور را تدبیر کند، آفریده های خود را با خود می برد و از تصرف دیگر معبودان خارج می گردد،

عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ ﴿٩١﴾ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
 و بر بعضی تدبیر امور را یکدیگر برتری می جستند، خداوند از همه اوصافی که [مشرکان و راهبان] می ستایند منزّه و پاک است (۹۱) [خداوند،] دانای نهان و آشکار است،

قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيْنِي مَا يُوعَدُونَ ﴿٩٢﴾
 و ای پادشاه! ایش به عنوان اشریک می گیرند برتری است (۹۲) بگو: پروردگارم! یا آن عذابی را که به آنان وعده داده شده به من می نمایانی [یا نه، اگر بنمایانی] (۹۲)

رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٩٣﴾ وَإِنَّا عَلَى أَنْ تُرِيكَ مَا
 و پروردگار! مرا به هنگام فرود آمدن عذاب در میان گروه ستمکاران قرار مده (۹۳) البته ما توانایی آن را داریم

نَعِدُكُمْ لِقَادِرُونَ ﴿٩٤﴾ أَدْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ
 که عذابی را که به آنان وعده می دهیم به تو نشان دهیم، (۹۴) بدی را با بهترین شیوه دفع کن! ما به آنچه [مشرکان ما را و تو را به ناحق]

بِمَا يَصِفُونَ ﴿٩٥﴾ وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ ﴿٩٦﴾
 و وصف می کنند داناتریم (۹۵) بگو: پروردگار! من از وسوسه های شیاطین به تو پناه می آورم (۹۶)

وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ ﴿٩٧﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ
 و پروردگار! به تو پناه می آورم از این که [شیاطین] نزد من حاضر شوند (۹۷) [کافران از دشمنی با حق باز نمی ایستند] تا وقتی که یکی از آنان را مرگ درسد،

قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ﴿٩٨﴾ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا
 و این لحظه! می گوید: پروردگار! مرا [به دنیا] بازگردان (۹۸) امید است در برابر آنچه از فرصت و مال و امکانات از دست داده ام کاری شایسته انجام دهم، [به او می گویند:] چنین نیست

إِنَّمَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿٩٩﴾
 [که می گوئی] بدون تردید این سخنی [بی فایده] است که او گوینده آن است، و پیش رویشان برزخی است تا روزی که برانگیخته می شوند (۹۹)

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ﴿١٠٠﴾
 چون در صور دمیده شود، در آن روز [هول انگیز] نه بینشان خویشاوندی وجود خواهد داشت، و نه از اوضاع و احوال یکدیگر می پرسند (۱۰۰)

فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠١﴾ وَمَنْ
 پس کسانی که اعمال وزن شده آنان سنگین او [بارزش] باشد فقط اینانند که [بر موانع راه رسیدن به بهشت] پیروزند (۱۰۱) و آنان که

خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ
 اعمال وزن شده آنان سبک او [بارزش] باشد قومی هستند که [سرمایه های وجودی] خود را تباه کرده، و در دوزخ

خَالِدُونَ ﴿١٠٢﴾ تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ﴿١٠٣﴾
 جاودانه اند (۱۰۲) [همواره] آتش صورت هایشان را می سوزاند، و در آنجا زشت رویانی بدمنظرند (۱۰۳)

أَلَمْ نَكُنْ أَيْتِي تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ فَكَنتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿١٠٥﴾ قَالُوا

خداوند به آنان می‌گویی: آیا مگر آیات من بر شما خوانده نمی‌شد، و شما همواره آن‌ها را انکار می‌کردید؟ (۱۰۵) می‌گویند:

رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ﴿١٠٦﴾ رَبَّنَا

پروردگارا! بدبختی بر ما چیره شد، و ما گروهی گمراه بودیم (۱۰۶) پروردگارا!

أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ ﴿١٠٧﴾ قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا

ما را از دوزخ بیرون آر! اگر ابراهیم گمراهی و زشتی بازگشتیم بی‌تردید مستکار خواهیم بود (۱۰۷) خداوند پاسخ می‌دهد: ای سگان! در دوزخ گم نشوید.

تُكَلِّمُونَ ﴿١٠٨﴾ إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا

و با من سخن می‌گویند (۱۰۸) ابراهیم یاد دارید که گروهی از بندگانش در دنیا می‌گفتند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم

فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿١٠٩﴾ فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِحْرًا حَتَّىٰ

پس ما را ببامرز! و بر ما رحمت‌آور که تو بهترین رحم‌کنندگانی (۱۰۹) ولی شما آنان را به مسخره گرفتید.

أَنْتُمْ ذِكْرٌ لَّكُمْ وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ ﴿١١٠﴾ إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ

تا اذل مشغولی شما به مسخره آنان یاد مرا از خاطرتان برد، و شما همواره از روی تحقیر به آنان می‌خندیدید (۱۱۰) من امروز آنان را

بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿١١١﴾ قَالَ كَلِ لَيْتُمْ فِي الْأَرْضِ

در برابر صبری که در برابر شما کردند پاداش دادم، اکنون فقط اینانند که به‌طور یقین ابراهیم مقصد و مراد خویش رسیدند (۱۱۱) خداوند به دوزخیان می‌گوید: به‌شمار سال‌ها چه مدت

عَدَدَ سِنِينَ ﴿١١٢﴾ قَالُوا لَيْتُنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسَعَلَ الْعَادِينَ ﴿١١٣﴾

در زمین به‌سر بردید؟ (۱۱۲) می‌گویند: ابراهیم مقایسه با این حیات آخرتی یک روز یا بخشی از یک روز به‌سر بردیم، ابراهیم دقیق نمی‌دانیم! از شماره گران! (شماره خود) بپرس (۱۱۳)

قَالَ إِنْ لَيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنْتُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١١٤﴾ أَفَحَسِبْتُمْ أَنْمَّا

خدا! می‌گوید: اگر معرفت می‌داشتید! می‌فهمیدید که جز اندکی به‌سر نبرده‌اید (۱۱۴) ای منکران حقایق! آیا پنداشته‌اید

خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْتُمْ آلَا تَرْجِعُونَ ﴿١١٥﴾ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ

که شما را بی‌هوده آفریدیم، و این که به‌سوی ما بازتان نمی‌گردانند؟ (۱۱۵) پس خداوند

الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿١١٦﴾ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ

آن فرمانروای به حق، برتر و بالاتر است! از این که بی‌هوده کار باشد! هیچ معبودی جز او نیست، پروردگار عرش با ارزش است (۱۱۶) کسی که

إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ

با خداوند معبود دیگری را ابرای رفع نیازها و حل مشکلاتش بخواند که هیچ دلیلی بر حقانیت آن ندارد، حساب او فقط نزد پروردگارش است.

الْكَافِرُونَ ﴿١١٧﴾ وَقَدْ رَّبَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿١١٨﴾

بی‌شک کافران! ابراهیم میدانی و بر هیچ چیزی ابرو نمی‌شوند (۱۱۷) بگو: پروردگارا! مرا ببامرز! و ابراهیم مهربانی کن که تو بهترین مهربانی (۱۱۸)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

سُورَةُ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿١﴾

این اسوره ای است که آن را از آسمان دانش خود افروود آورديم، و ايجاد كيري معارف و اجراي احكام آن را واجب ساختيم، و در آن آياتي روشن و قابل فهم [الزانية والزاني فاجلدوا كل واحد منهما مائة جلدة ولا تأخذكم بهما رأفة في دين الله ان كنتم تؤمنون بالله واليوم الآخر وليشهد عذابهما طائفة من المؤمنين] (۱) هريك از زن و مرد زناكار را صد تازانه بزنيد، و اگر به خداوند و روز قيامت مؤمن هستيد نبايد دلسوزي در باره آن دو، نازل كرديم تا متذكر احقايق [اشويد] (۱) هريك از زن و مرد زناكار را صد تازانه بزنيد، و اگر به خداوند و روز قيامت مؤمن هستيد نبايد دلسوزي در باره آن دو،

فِي دِينِ اللَّهِ أَنْ كُنْتُمْ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلِيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ

شما را از اجراي قانون الهی بازدارد، و بايد گروهی از مؤمنان شاهد

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢﴾ الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ

مجازاتشان باشند (۲) مرد زناكار نبايد جز با زن زناكار يا زن مشرك ازدواج كند، و زن زناكار

لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴿٣﴾ وَالَّذِينَ

نباید جز با مرد زناكار يا مرد مشرك عقد ازدواج ببندد، این ازدواج بر مؤمنان حرام شده است (۳) کسانی که

يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدْهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَ

زنان پاکدامن را متهم [به زنا] می کنند، سپس [برای ادعای خود] چهار شاهد نمی آورند به آنان هشتماد تازیانه بزنید،

لَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٤﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ

و هرگز شهادتی را از آنان نپذیرید، اینان همان منحرفان نافرمانند (۴) به جز کسانی که

بَعْدَ ذَلِكَ وَاصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥﴾ وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ

بعد از این [اگر زشت بازگردند و مفاسدشان را اصلاح کنند، در این صورت بازگشتشان قبول است زیرا] خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۵) کسانی که همسران خود را [به زنا]

وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ

متهم می کنند و برای آنان شاهدانی جز خودشان نباشد، پس هر کدام از آن شوهران و همسران [باید برای اثبات ادعایش] چهار بار شهادت دهد که: سوگند به خدا مسلماً [در این زمینه]

لَمِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٦﴾ وَالْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ

از راست گویان است (۶) و [مرتبه] پنجم آنکه [بگوید:] لعنت خدا بر او باد اگر [در این اتهام] راست گویان

وَيَدْرَأُ عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ

دروغگو باشد (۷) و مجازات از آن زن [که مورد اتهام قرار گرفته] برداشته می شود در صورتی که چهار بار [بدین گونه] شهادت دهد که: به خداوند سوگند

﴿٨﴾ وَالْخَامِسَةُ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٩﴾

آن مرد دروغگوست (۸) و [مرتبه] پنجم آنکه [بگوید:] خشم خداوند بر او باد اگر آن مرد [در این اتهام] راست گویان باشد

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ ﴿١٠﴾

(۹) چنانچه احسان و مهرورزی خداوند بر شما نبود، و این که خداوند بسیار توبه پذیر و حکیم است، [به بلاها و کیفرهای سختی دچار می شدید] (۱۰)

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ

مسلمان کسانی که آن تهمت بزرگ را در باره یکی از زنان مؤمنه شایسته که دارای جایگاه ویژه است به میان آوردند گروهی هستند و هم فکر از ایمان خود شما

خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ

بودند، آن را شری برای خود مینماید، بلکه برای شما خیر است، برای هر مردی از آنان کیفری است به اندازه گناهی که مرتکب شده، و برای آن که بخش عمده آن را

مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١١﴾ وَلَئِذَا سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ

بر عهده گرفته عذابی بزرگ است (۱۱) چرا مردان و زنان با ایمان هنگامی که آن تهمت بزرگ را شنیدند

بِأَنْفُسِهِمْ خَبَرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ ﴿١٢﴾ وَلَئِذَا جَاءُ وَعَلَيْهِ بِأَرْبَعَةٍ

انست به آن شخص یا کدمن که چون خود آنان اهل ایمان بود، در قلب و باطن خود نیک اندیشی نکردند و نگفتند: این تهمتی آشکار از سوی منافقان است (۱۲) چرا بر آن تهمت

شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشَّهْدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ ﴿١٣﴾

چهار شاهد نیاوردند؟ پس چون شاهدان را نیاوردند مسلمان خود آنان نزد خداوند محکوم

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ

به دروغ گویی اند (۱۳) اگر احسان و مهربانی خداوند در دنیا و آخرت بر شما نبود

فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٤﴾ إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِالسِّنَنِكُمْ وَ

مسلمان به سبب وارد شدنتان در آن تهمت بزرگ، عذاب سختی به شما می رسد (۱۴) در همان زمانی که آن تهمت را زبان به زبان از یکدیگر می گرفتید

تَقُولُونَ يَا أَهْلَهُمُ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ

و با دهان هایتان چیزی که هیچ علمی به آن نداشتید می گفتید، و آن را [کاری] سبک و ناچیز می پنداشتید در حالی که نزد خداوند

عَظِيمٌ ﴿١٥﴾ وَلَئِذَا سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا

امری بزرگ بود (۱۵) چرا وقتی آن را شنیدید نگفتید به هیچ وجه بر ما جایز نیست که به این تهمت بزرگ زبان بکشیم

سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ ﴿١٦﴾ يَعِظُكَ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا وَلِمِثْلِهِ

شگفتا این بهتانی بزرگ است (۱۶) خداوند شما را چنانچه مؤمن هستید اندرز می دهد

أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٧﴾ وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ

که هرگز مانند آن را در حق کسی تکرار نکند (۱۷) خداوند آیاتی را در این سوره که مشتمل بر احکام و قوانین است برای شما بیان می کند، و خدا دانای

حَكِيمٌ ﴿١٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ

حکیم است (۱۸) همانا کسانی که دوست دارند کارهای بسیار زشت در بین اهل ایمان شایع شود

عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٩﴾

عذاب دردناکی در دنیا و آخرت خواهند داشت، خداوند آثار و عاقبت چنین اعمال ناپسندی را می داند و شما نمی دانید (۱۹)

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿٢٠﴾

چنانچه احسان و رحمت خداوند بر شما نبود و این که خداوند بسیار مهربور و مهربان است، [به بلاها و کیفرهای سختی دچار می شدید] (۲۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ

مؤمنان! از شماهای شیطان پیروی نکنید، هرکس از گناههای شیطان

خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ

پیروی کند در دنیا و آخرت دچار خسارت می شود؛ زیرا شیطان به گناه آشکار و کارهای ناپسند فرمان می دهد، و اگر احسان و مهربانی خداوند

عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ

بر شما نبود هرگز احدی از شما از هیچ گناه آشکار و پنهان پاک نمی ماند او به رشد و صلاح نمی رسد، ولی خداوند هر که را بخواهد

وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢١﴾ وَلَا يَأْتِلُ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ

در صورتی که با شیطان مخالفت کند پاک می کند و خداوند شنوا و داناست (۲۱) از شما کسانی که دارنده ثروت و گشایش [در زندگی] هستند،

يُوتُوا أُولَى الْقُرْبَى وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِيَعْفُوا

نیاید سوگند یاد کنند که از اتفاق [مال] به خویشان و تهیدستان و مهاجران در راه خداوند [به سبب لغزش های گذشته] آنان [در بی وزنی و فقر] باید [به عنوان وظیفه الهی] لغزش های

وَلِيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٢﴾ إِنَّ

همه آنان را [عفو کرده، و گذشته کرمانه نمایند، آیا دوست ندارید خداوند شما را بامرزد؟] پس عفو و گذشت را انتخاب کنید [خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است] (۲۲)

الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَ

همانا کسانی که زنان پاکدامن را بایمان را که [در خود هیچ نوع آلودگی] احساس نمی کنند متهم [به زنا] کنند لعنت شده در دنیا و آخرت اند

الْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٢٣﴾ يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَ

و برای آنان عذابی بزرگ است (۲۳) [عذاب بزرگ در روزی که زبان ها و دست ها و پاهایشان بر ضد آنان به گناهای که

أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٤﴾ يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَ

همواره هر تکب می شدند گواهی می دهند (۲۴) در آن روز خداوند کیفری که بر اساس حق [و به دور از هر ستمی] است به طور کامل به آنان می دهد، و خواهند دانست

يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ﴿٢٥﴾ الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَ

که خداوند همان حق آشکار است (۲۵) زنان پلید برای مردان پلید، و مردان پلید

الْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

برای زنان پلیدند، و زنان پاک ویژه مردان بی گناه، و مردان پاک مخصوص زنان پاکند،

أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٢٦﴾

پاکان از سخنان ناروایی که تهمت زنندگان درباره آنان می گویند [بی گناه] و برکنارند، برای آنان آمرزش و رزق با ارزشی است (۲۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا

ای مؤمنان! به خانه هایی که خانه های شما نیست جز با اجازه و آشنایی دادن وارد نشوید، و [هنگام ورود]

وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٢٧﴾

بر اهل آن خانه ها سلام کنید، [رعایت این] امور اخلاقی [برای شما بهتر است تا همواره] [در مورد آداب اسلامی و انسانی] هشیار باشید (۲۷)

فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ بُؤَذِّنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ

چنانچه کسی را در آن خانه‌ها نیافتید وارد آن‌ها نشوید مگر این‌که به شما اجازه دهند، و اگر به شما بگویند

لَكُمْ أَرْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٢٨﴾

بازگردید! [الزم است] بازگردید که این [بازگشتن] برای شما [کاری] پاکیزه‌تر است، خداوند به آنچه انجام می‌دهید داناست (۲۸)

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ

بر شما گناهی نیست که به خانه‌های غیر مسکونی که در آن‌ها متاع او سودی دارید وارد شوید.

وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَبْذُرُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ﴿٢٩﴾ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوْا

خداوند آنچه را آشکارا انجام می‌دهید و آنچه را پنهان می‌دارید می‌داند (۲۹) به مردان مؤمن بگو

مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَبِحَفْظِ أَرْوَاحِهِمْ ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ

دیده [از نگاه به نامحرمان] فروبندند، و غریزه جنسی خود را پاک نگهدارند، این برای آنان پاکیزه‌تر است، مسلماً خداوند

بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿٣٠﴾ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ

به آنچه انجام می‌دهند آگاه است (۳۰) و به زنان باایمان بگو دیده [از نگاه به نامحرمان] فروبندند، و غریزه جنسی خود را پاک نگهدارند، و زینت‌های خود را [چون لباس‌های

بِحَفْظِ أَرْوَاحِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ

قابل توجه نامحرمان، و گردن بند و دست‌بند که زیر چادر و تن پوش هاست آشکار نکنند، مگر آنچه [به طور متعارف] آشکار است [مانند: گردی صورت، و دست‌ها تا

بِجُرْهَتٍ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ

مح، و روی باها، و اباید مقنعه‌های خود را [برای پوشیده ماندن گردن و سینه،] به روی گریبان‌هایشان ببندازند، و زینت‌های خود را آشکار نکنند مگر برای شوهرانشان

أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ

یا پدرانشان، یا پدران شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا

أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ

شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا

أَوْ مَمْلَكَتٍ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرَ أُولِي الْأَرْبَةِ

یا زنان [هم‌کیش‌شان، یا بردگان زرخیدشان، یا مردان خدمت‌کاری که

مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ

احساسی به مسائل جنسی ندارند، یا اطفالی که به هیجان غریزه جنسی و سن تمیز نرسیده‌اند

وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ

و [زنان] نباید باهایشان را [به وقت راه رفتن به گونه‌ای] به زمین بزنند که زینت‌هایی که پنهان می‌دارند [توسط نامحرمان] شناخته شود،

وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٣١﴾

ای مؤمنان! همگی به‌سوی خداوند بازگردید تا [بر همه موانع راه سعادت] پیروز شوید (۳۱)

وَأَنكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ ۚ إِنَّ

همسران از مرد و زنا و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید، اگر

يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٣٢﴾

بفقرست و نیازمند باشند خداوند از احسان خود آنان را بی نیاز می کند، خداوند بسیار عطا کننده و داناست (۳۲)

وَلَيْسَتُ عَفِيفَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ

کسانی که از میندا ازدواجی نمی یابند لازم است پاکدامنی پیشه کنند تا [زمانی که] خداوند از احسان خود آنان را توانگر سازد،

وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ

و کسانی از بردگانتان که درخواست باز خرید خود را [با دادن قیمتشان برای آزاد شدن] دارند، چنانچه در آنان شایستگی سراغ دارید

فِيهِمْ خَيْرًا وَأَتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تَكْرَهُوا

باز خریدشان کنید، و چیزی از مال خدا را که به شما عطا کرده است به آنان ندهید،

فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْتُمْ تَحْصُنَا لَتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ

و کنیزان خود را که می خواهند پاکدامن بمانند برای به دست آوردن متاع [ناچیز و] زودگذر زندگی دنیا مجبور به زنا نکنید،

مَنْ يُكْرِهْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِمْ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣٣﴾ وَلَقَدْ أَنزَلْنَا

و هر که آنان را مجبور [به زنا] کند یقیناً خداوند پس از مجبور شدنشان [نسبت به آنان] بسیار آمرزنده و مهربان است (۳۳) همانا آیاتی

الْيَكُمُ آيَاتٌ مُبَيِّنَاتٌ وَمَثَلًا لِّلَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً

روشنگر و سرگذشتی از آنان که پیش از شما درگذشتند، و پندی برای پرهیزگاران

لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٣٤﴾ اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكُوفٍ فِيهَا

به سوی شما فرستادیم (۳۴) خداوند نور آسمانها و زمین است، مثل شمع نورانی

مِصْبَاحٌ مِّمَّصْبَاحٍ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ

جراغدانی است که در آن چراغی پُر فروغ است، و آن [چراغ در میان قندیلی بلورین است که آن قندیل بلورین گویی ستاره درخشانی است، و آن چراغ با

شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ

روغنی [افروخته می شود که] از درخت پُر خیر و برکت [زیتونی] گرفته شده [که نه شرقی است و نه غربی، و او روغن آن از پاک و صافی نزدیک است و روشنی دهد

لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ

گرچه آتشی به آن نرسیده باشد، نوری است بر فراز نوری، خداوند هر کس را بخواهد به سوی نور هدایت می کند،

الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٣٥﴾ فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ

خداوند برای مردم مثلها می زند [تا حقایق را بفهمند]، و خداوند به همه چیز داناست (۳۵) [این نور] در خانه هایی است که خداوند [این] داده

تُرْفَعُ وَيُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ﴿٣٦﴾

آسان و منزلت آن ها را رفعت یابد، و نامش در آن ها یاد شود، در آن [خانه ها] همواره صبح و شام و از هر یک یک بودن از هر عیب و نقصی می ستایند (۳۶)

رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ

انسان هایی [شایسته] که تجارت و دادوستد از یاد خدا و خواندن نماز و پرداخت زکات بازشان نمی دارد.

الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ ﴿٣٧﴾ لِيَجْزِيَ اللَّهُ

پیوسته از روزی که دل ها و دیده ها در آن زبرورو می شود می ترسند (۳۷) [اعمال و احوالشان

أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا أَوْ يَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

همواره چنین است [تا خداوند آنان را بر پایه نیکوترین عملی که انجام داده اند پاداش دهد، و از احسانش بر آنان بیفزاید، و خداوند به هر که بخواهد

﴿٣٨﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً

بی حساب روزی می دهد (۳۸) دست آوردهای کافران مانند سرابی در کویر است که شخص تشنه

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ

آن را آب می بندارد، نهایتاً چون به آن رسد آن را چیزی نیابد، و خدا را در قیامت نزد آن [دست آوردهای سراب وار] حاضر خواهد یافت که کیفرش را به طور کامل خواهد داد.

سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٣٩﴾ أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ

خداوند حسابرسی سریع است (۳۹) یا مانند تاریکی هایی است در دریایی عمیق که همواره موجی آن را می پوشاند.

فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ

و بالای آن موجی دیگر است، و بر فراز آن موج ابری قرار گرفته است، تاریکی هایی است برخی بالای برخی دیگر.

يَدَهُ لَمْ يَكْدِبْهَا وَمَنْ لَمْ يُجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ ﴿٤٠﴾ أَلَمْ

[آن قدر تاریک که] هرگاه دستش را بیرون آورد ممکن نیست آن را ببیند، آری کسی که خداوند نوری برای او قرار نداده باشد هیچ نوری برای او نیست (۴۰)

تَرَانِ اللَّهُ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَاتٍ كُلِّ

[ای انسان!] آیا ندانسته ای که هر که در آسمان ها و زمین است، و نیز پرندگان بال گشوده، خدا را [با تسبیح گفتن از هر عیب و نقصی] پاک و مبرا می دارند؟

قَدْ عَلِمَ صَلَاتُهُ وَتَسْبِيحُهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٤١﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ

یقیناً هر یک به نماز و تسبیح خود آگاه است، و خداوند به آنچه انجام می دهند داناست (۴۱)

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴿٤٢﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ سَحَابًا

مالکیت و فرمانروایی آسمان ها و زمین فقط در سیطره خداوند است، و بازگشت همه به سوی خداست (۴۲) آیا ندانسته ای که خداوند

ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَّامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ

ابری را می راند، آن گاه بین [اجزای] آن پیوند برقرار می کند، سپس آن را متراکم می سازد؟ در نهایت می بینی که از لابه لای آن

و يُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ

باران بیرون می آید، و از آسمان از کوه هایی از بَر منجمد شده تگرگی فرو می ریزد.

وَيَصْرِفُهُ عَنِ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَابِرُهُ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ ﴿٤٣﴾

پس آسیب آن را به هر که بخواهد می رساند، و از هر که اراده کند بر طرف می سازد، نزدیک است درخشندگی برقش [بینایی] چشم را از بین ببرد (۴۳)

يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ ﴿٢٢﴾ وَاللَّهُ

مداوند شب و روز را جابه‌جا می‌کند، به یقین در این [کار] عبرتی است برای صاحبان بصیرت (۲۲) خداوند

خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى

هر جنبه‌ای را از آبی [چون نطفه] آفرید، پس گروهی از آنان [جاندارانی هستند که] بر شکمشان می‌خزند، و برخی از آنان بر روی

رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ

دو پا و بعضی بر روی چهار پا راه می‌روند، خداوند آنچه را بخواهد می‌آفریند، مسلماً خداوند بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٥﴾ لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى

کاری تواناست (۲۵) همانا آیاتی روشنگر نازل کردیم، و خدا هر که را بخواهد

صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٢٦﴾ وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ

به راه راست هدایت می‌کند (۲۶) [همواره منافقان] می‌گویند: ما به خداوند و پیامبر [اسلام] ایمان آورده و در مقام اطاعت برآمده‌ایم.

يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٧﴾ وَإِذَا

آن‌گاه گروهی از آنان بعد از این [اقرار] رویگردان می‌شوند، آنان از روی صدق و راستی مؤمن نیستند (۲۷)

دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿٢٨﴾

چون به‌سوی خداوند و رسولش دعوت شوند تا بینشان [در مورد آنچه اختلاف دارند] داوری کند، به ناگاه گروهی از آنان [از ائمن نزد پیامبر برای این که داوری عادلانه را به‌سود خود

وَأَنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ ﴿٢٩﴾ أَفِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا

نمی‌دانند] روی بر می‌تابند (۲۸) و اگر [داوری] به‌سود آنان باشد مطیعانه به‌سویش می‌آیند (۲۹) آیا در دل آنان بیماری [شدیدی از نفاق] است، یا [در حقانیت اسلام و پیامبر] دچار تردیدند،

أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحْجِفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٥٠﴾

یا می‌ترسند که خدا و رسولش به آنان [در داوری] ستم کنند؟ [چنین نیست] بلکه بقیلاً خود ستمکارند (۵۰)

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ

گفته مؤمنان هنگامی که به‌سوی خدا و رسولش دعوت شوند تا بینشان داوری کند [فقط]

أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥١﴾ وَمَنْ

این است که می‌گویند: [با گوش قبول] شنیدیم و اطاعت کردیم. و اینانند که [بر همه موانع راه سعادت] پیروزند (۵۱) آنان که

يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ

از خدا و رسولش اطاعت کنند، و از خدا [بترسند] و از محرماتش بپرهیزند کامیابند

﴿٥٢﴾ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُلْ

(۵۲) [با سخت‌ترین سوگند هایشان به خداوند سوگند خوردند که اگر به آنان [برای بیرون رفتن از خانه و اموالشان به‌سوی جهاد] فرمان دهی حتماً بیرون می‌روند، بگو:

لَا تُقْسِمُوا طَاعَةً مَعْرُوفَةً إِنَّ اللَّهَ يَخْبِرُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٥٣﴾

سوگند نخورید، [آنچه از شما توقع می‌رود] اطاعت پسندیده [است]، مسلماً خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است (۵۳)

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَ

مگو: از خدا و رسول اطاعت کنید، پس اگر روگردان شوید از بانی متوجه پیامبر نخواهد شد؛ زیرا [بر او فقط مسئولیت [تبلیغ و پیام های خدا است]

عَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ

که بر عهده اش نهاده شده، و بر شما [هم] مسئولیت [انجام تکالیفی است] که بر عهده ان گذارده اند، اگر از او اطاعت کنید هدایت می یابید.

الْمُبِينُ ﴿٥٤﴾ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

و بر عهده این پیامبر جز رساندن آشکار [پیام وحی] نیست (۵۴) خداوند به کسانی از شما که مؤمنند و کارهای شایسته انجام داده اند

لَيَسْخَرَنَّ مِنْهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

و عده داده که حتما آنان را در زمین جانشین [اقوام به هلاکت رسیده] کند، همان گونه که پیشینیان آنان را جانشین [دیگران] گردانید.

وَلَيُمْكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ

و بیقین، دینشان را که برای آنان پسندیده به سودشان استوار و پابرجا کند، و حتما ترس آنان را از دشمنان

أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ

به امنیت تغییر دهد، [این در حالی است که] مرا می پرستند، [و] چیزی را شریک من قرار نمی دهند، آنان که پس از این [نعمت های ویژه] اناسپاسی ورزند

هُمْ أَفَّاَسِقُونَ ﴿٥٥﴾ وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ

البته منحرف و نافرمانند (۵۵) نماز را [با شرایط ویژه اش] بخوانید و زکات بپردازید و از پیامبر

لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٥٦﴾ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ

اطاعت کنید تا مورد رحمت قرار گیرید (۵۶) هرگز گمان مکن که کافران می توانند

فِي الْأَرْضِ وَمَاؤُنَّ النَّارُ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٥٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

در زمین عاجز کننده [خدا] باشند [تا از دسترس قدرتش بیرون روند]، جایگاهشان آتش است و هراینه آتش عاقبت بدی است (۵۷) ای مؤمنان!

لَيْسَتْ أَدْنَىٰ لَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ

بردگانتان، و کسانی از شما که به بلوغ نرسیده اند باید در سه وقت از شما

ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ

ابرای ورود به اتاق ویژه خلوتتان اجازه بگیرند؛ پیش از نماز صبح، و هنگام نیمروز که لباس هایتان را در می آورید،

الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ

و بعد از نماز عشا، [این زمان ها] سه زمان خلوت شما است، در غیر این سه زمان بر شما

وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَ هُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ

و آنان باکی نیست که بی اجازه وارد شوند؛ زیرا آنان همواره نزد شما در رفت و آمدند، و با یکدیگر نشست و برخاست دارید،

كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٥٨﴾

این گونه، خداوند احکام [خود] را برای شما توضیح می دهد، و خداوند دانا و حکیم است (۵۸)

وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ

هنگامی که کودکان به بلوغ رسیدند باید برای ورود به اطاق ویزه و خلوتشان اجازه بگیرند، همان گونه که بزرگسالان پیش از آنان ادران شرایط خاص

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ

اجازه می گرفتند، خداوند بدین گونه احکامش را برای شما بیان می کند، خداوند دانا

عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٥٩﴾ وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ

حکیم است (۵۹) بر زنان سال خورده ای که امید ازدواج را از دست داده اند

نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ

باکی نیست که پوشش خود را در صورتی که با زیورشان قصد خوداری نداشته

غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ

باشند کنار بگذارند، البته پوشش و حجاب برای آنان بهتر است، خداوند شنوا و داناست (۶۰)

عَلِيمٌ ﴿٦٠﴾ لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ

بر نابینا و لنگ و بیمار و خود شما باکی نیست که بدون اجازه از غذاهای

وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا

خانه هایی که ذکر می شود بخورید: خانه های خودتان، یا پدرانتان،

مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ

یا مادرانتان، یا برادرانتان، یا خواهرانتان؛

بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ

یا عموهایتان، یا عمه هایتان، یا

أَوْ بُيُوتِ عَمَّانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَانِكُمْ

دایی هایتان، یا خاله هایتان؛ یا مکان های

أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مَفَاحَةً أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ

که کلید آنها در اختیار شماست، یا [خانه های] دوستان، بر شما باکی نیست که

أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا

دسته جمعی یا جدا جدا غذا بخورید. چون به خانه هایی که ذکر شد وارد شدید بر یکدیگر سلام کنید

عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ

که [درودی] است از سوی خداوند، درودی بخیر و پسندیده،

كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٦١﴾

خداوند احکام [خود] را این گونه برای شما بیان می کند تا بیندیشید (۶۱)

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى

جز این نیست که مؤمنان آناند که به خدا و پیامبرش ایمان دارند، و چون برای

أَمْرٍ جَامِعٍ لَمُيَدِّهِمْ وَأَخْتَىٰ يَسْتَازِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَازِنُونَكَ أُولَٰئِكَ

کار مهمی حضور پیامبر باشند بی اجازه او از نزدش نمی روند، به راستی کسانی که برای رفتن از تو اجازه می گیرند آنان

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَازَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ

به خدا و رسولش مؤمنند، هنگامی که برای برخی کارهایشان از تو اجازه می خواهند

فَإَذْنُ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ

به هرکدام که خواستی اجازه بده و برای آنان از خداوند آمرزش بخواه! که خداوند بسیار آمرزنده

رَحِيمٌ ﴿٦٢﴾ لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ

و مهربان است (۶۲) دعوت پیامبر را به خاطر حضورتان در محضرش برای کارهای مهم و امور اجتماعی مانند دعوت [خودتان] از یکدیگر

بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ

قرار ندهید: زیر پاسخ به دعوت او بر شما واجب است، خداوند کسانی از شمار آنکه با پنهان شدن سر دیگران، [از نزد پیامبر] بیرون می روند نمی شناسد پس باید کسی که

يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٣﴾

نسبت به فرمانش مخالفت می کنند از این که بلایی [در دنیا] یا عذابی دردناک [در آخرت] به آنان برسد برحذر باشند (۶۳)

الْآتِ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَ

آگاه باشید که آنچه در آسمان ها و زمین است فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، مسلماً آنچه را که شما از حالات، نیات و اعمال ایران هستی می دانید

يَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٦٤﴾

و به روزی که برای حسابرسی به سوی او بازشان می گردانند و آنان را به آنچه انجام داده اند خبر می دهد، آگاه است و خداوند به هر چیزی داناست (۶۴)

سُورَةُ الْفُرْقَانِ ﴿٧٧﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا ﴿١﴾

خجسته و بزرگوار است آن که تدریجاً فرقان را [که جدا کننده حق از باطل است] بر بنده اش نازل کرد تا برای جهانیان هشدار دهنده باشد (۱)

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ

اها! او که حاکمیت و فرمانروایی آسمان ها و زمین فقط در سیطره اوست، و برای خود فرزندی انتخاب نکرده است،

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا ﴿٢﴾

و در فرمانروایی شریکی ندارد، و هر چیزی را آفریده و برای آن اندازه قرار داده؛ اندازه ای درست و دقیق، (۲)

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ

[مشرکان] به جای او معبودانی انتخاب کرده اند که چیزی را نمی آفرینند، و خود آفریده می شوند.

وَلَا يَمْلِكُونَ أَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا

و برای خودشان مالک زیان و سودی نیستند، و برای دیگران اختیار مرگ و حیات و برانگیختن

حَيَوَةً وَلَا نُشُورًا ﴿٣﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا افْكٌ افْتَرَاهُ

[پس از مرگ] را ندارند (۳) کافران گفتند: این [قرآن] جز دروغی نیست که [پیامبر] آن را از نزد خود ساخته، و دیگران

وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُ ظُلْمًا وَزُورًا ﴿٤﴾ وَقَالُوا

او را بر ساختنش یاری داده اند! همانا [آنان] مرتکب ستمی سنگین و دروغی بزرگ شده اند (۴) و گفتند: افسانه های

أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٥﴾

مکتوب پیشینیان است که صبح و شام بر او دیکته می شود تا آن را به عنوان وحی آسمانی بر ما بخواند! (۵)

قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا

بگو: آن را کسی نازل کرده است که [همه] اسرار [پنهان در] آسمان ها و زمین را می داند، همانا او همواره بسیار

رَحِيمًا ﴿٦﴾ وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي

آمرزنده و مهربان است (۶) گفتند: این چه فرستاده ای است که غذا می خورد، و در بازارها

فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا ﴿٧﴾

راه می رود، چرا فرشته ای به سوی او فرستاده نشده که پابه پایش هشداردهنده باشد؟ (۷)

أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ

یا چرا گنجی [از آسمان] برای او نیفتاده، یا بوستانی ندارد که از [میوه های] آن بهره مند شود؟! یا

الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا ﴿٨﴾ أَنْظِرْ

ستمکاران گفتند: ای مردم! شما فقط از مردی سحرزده پیروی می کنید! (۸)

كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا

بنگر چگونه اوصافی برای تو بیان کردند، در نتیجه به سبب لجابت و کبرشان گمراه شدند و نمی توانند

﴿٩﴾ تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ

راهی [به سوی حق] بیابند (۹) همواره خجسته و بر خیر است آن که اگر بخواهد بهتر از آن را [در دنیا] برای تو قرار می دهد:

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَيَجْعَلُ لَكَ قُصُورًا ﴿١٠﴾ بَلْ

بوستان هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری باشد، و قصرهایی [مجلل] برایت فراهم می آورد (۱۰) [همه این خواسته های نامعقول بهانه

كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا ﴿١١﴾

است، بلکه آنان قیامت را انکار کرده اند، [به این علت نبوت را باور ندارند،] ما برای کسانی که قیامت را انکار کنند آتشی سوزان آماده کرده ایم (۱۱)

إِذَا رَأَوْهُمْ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهُمْ أَسْخَاوَةً زَفِيرًا ۝ وَإِذَا الْقَوَا

جون آن آتش سوزان | آنان را از فاصله ای دور پسند | نعره ای کشد و جهنمیان نعره | خشم و خروش | هولناک | آن را بشنوند (۱۲) هنگامی که آنان را

مِنْهُمْ مَكَانًا ضَيِّقًا مُقَرَّنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا ۝ لَا تَدْعُوا

بوسیله غل و زنجیر | دست به گردن | بسته در تنگنایی | از آن آتش | بیفکنند، در آن فریاد مرگ خواهی سر دهند (۱۳) | به آنان گویند |

الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَاذْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا ۝ قُلْ أَذَلِكَ خَيْرٌ

امروز یک بار درخواست مرگ نکنید، بلکه بسیار درخواست مرگ کنید (۱۴) بگو: آیا این آتش سوزان بهتر است

أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً

یا بهشت جاویدی که به پرهیزگاران وعده داده اند؟ که پاداش و عاقبت خوشی

وَمَصِيرًا ۝ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا

برای آنان است (۱۵) در آن جا هر چه بخواهند برای آنان فراهم است و در آن جاودانه اند، وعده ای است بر [عهده] پروردگارت

مَسْئُولًا ۝ وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ

او وعده ای [درخواست شده] و مورد انتظار مؤمنان از خداوند بخشنده کریم (۱۶) روزی را یاد کن [که آنان را با معبودانی که به جای خداوند می پرستیدند معشور می کند،

ءَأَنْتُمْ أَصْلَلْتُمْ عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ ۝ قَالُوا

پس ای معبودان! می گوید: آیا شما این بندگان مرا همراه کردید، یا خود همراه شدند؟ (۱۷)

سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ

باسخ می دهند: شگفتا! سزاوار ما نبود که بر ضد تو پیروانی [برای پرستش خود] بگیریم.

وَلَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا

ولی توانیان و پدرانشان را از نعمت ها بهره مند ساختی، آنان به جای سپاس گزاری غرق شهوات و فساد شدند [تا جایی که یاد از افراموش کردند، و مردمی فاسد و دچار

بُورًا ۝ فَقَدْ كَذَّبُوكُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا

تباهی بودند (۱۸) [خداوند می فرماید: معبودان! گفته شما را انکار کردند، اکنون نه می توانید [عذاب را از خود] دفع کنید

وَلَا نَصْرًا وَمَنْ يَظْلِمُ مِنْكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا ۝ وَ

و نه می توانید یاری بخواهید، و از شما هر کس [در این دنیا] ستم کند [در قیامت] عذابی بزرگ به او می چشانیم (۱۹)

مَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ

ما پیش از تو هیچ یک از پیامبران را نفرستادیم مگر آن که آنان [نیز]

الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ

غذا می خوردند و در بازارها راه می رفتند، ما برخی از شما را وسیله آزمایش برخی دیگر قرار دادیم، [امت را به پیامبر، توانگر را به تهیدست

لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا ۝

و مؤمن را به کافر، آیا [نسبت به انجام مسئولیت ها در حوزه آزمایش] شکیبایی می ورزید؟ پروردگارت همواره [به همه امور] بیناست (۲۰)

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَ نَالٍ وَلَا أَنْزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَىٰ

آنان که به لقای ما امید ندارند گفتند: چرا بر [خود] ما فرشتگانی نازل نشده؟ یا [چرا] پروردگاران را نمی بینیم؟

رَبَّنَا لَقَدْ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَتَوَعَّدُوا كَبِيرًا ۝۲۱ يَوْمَ يَرَوْنَ

ایستادگان خودشان را بسیار بزرگ شمردند و دچار سرکشی شدیدی شدند (۲۱) روزی که فرشتگان را

الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حَجْرًا مَّحْجُورًا ۝۲۲

می بینند آن روز برای گنه پیشگان [روز] خوشایندی نخواهد بود، [به فرشتگان] می گویند: [از شما] می خواهیم ما را [آمان دهیم] و [از گزند عذاب] مانع شوید (۲۲)

وَقَدْ مَنَّآ إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا ۝۲۳

ولی ما به [بررسی] هر کار و کوششی که انجام داده اند می پردازیم، در نهایت [همه] آن ها را غباری پراکنده می سازیم (۲۳)

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا ۝۲۴ وَيَوْمَ

بهشتیان در آن روز قرارگاهشان بهتر، و استراحتگاه [اینم] روزی [شان] نیکوتر است (۲۴) [به یاد آرد] روزی که

تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا ۝۲۵ الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ

آسمان با ابرها از هم می شکافد، و فرشتگان به صورتی ویژه فرستاده می شوند (۲۵) در آن روز، فرمانروایی

الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا ۝۲۶ وَيَوْمَ يَعْصُ

به حق، ویژه خداوند رحمان است، و برای کافران روزی است بسیار سخت (۲۶) روزی که

الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا ۝۲۷

ستمکار [از شدت حسرت] دست های خود را به دندان می گزد، [و] می گوید: ای کاش همراه این پیامبر را می [به سوی حق] انتخاب می کردم! (۲۷)

يَا وَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا ۝۲۸ لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ

وای بر من، کاش فلانی را [که سبب بدبختی من شد] به دوستی نمی گرفتم! (۲۸) همانا مرا از قرائن

بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا ۝۲۹ وَقَالَ

پس از آن که برایم آمد منحرف کرد، و شیطان انسان را [پس از] منحرف کردنش [رها می کند] (۲۹) پیامبر [اسلام در قیامت] می گوید:

الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا ۝۳۰

پروردگارا! قوم من این قرآن را متروک گذاشتند، [و] آن را در شئون زندگی خود به کار نگرفتند! (۳۰)

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا

این چنین برای هر پیامبری دشمنانی از گنه پیشگان قرار دادیم، اما همین بس که پروردگارت [برای تو]

وَنَصِيرًا ۝۳۱ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَلَوْلَا نُزْلُ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً

راهنما و یاری دهنده باشد (۳۱) کافران گفتند: چرا قرآن یکباره بر او نازل نشده؟

وَاحِدَةً ۚ كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا ۝۳۲

[ما] قرآن را [این گونه] به تدریج نازل می کنیم تا دلت را به آن استحکام [و اطمینان] بخشیم، و آن را با بهترین نظم و انسجام مرتب کردیم (۳۲)

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا ﴿٣٣﴾ الَّذِينَ

[دشمنان برای خدشه دار کردن شخصیت تو اسخنی را بر ضد تو نمی آورند مگر آن که ما حق را و نیکوترین تفسیر را برای خنثی کردن آن برای تو می آوریم (۳۳)]

يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ شَرُّ مَكَانًا وَأَصْلُ

بیهوده گویان! کسانی هستند که در قیامت بر روی چهره هایشان به سوی دوزخ گردآوری می شوند، آنان بدترین جایگاه را دارند.

سَبِيلًا ﴿٣٤﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ

و گمراه ترین مردمند (۳۴) مسلماً به موسی کتاب عطا کردیم، و هارون برادرش را

هَارُونَ وَزِيرًا ﴿٣٥﴾ فَقُلْنَا اذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا

ا همراه او دستیار او قرار دادیم (۳۵) پس گفتیم: هر دو به سوی قومی که منکر آیات ما شدند بروید.

فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا ﴿٣٦﴾ وَقَوْمُ نُوحٍ لَمَّا كَذَبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ

آن قوم در برابر حق تکبر ورزیدند، در نتیجه آنان را به شدت درهم کوبیدیم (۳۶) قوم نوح وقتی پیامبران را انکار کردند

وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٣٧﴾

غرقشان کردیم و آنان را برای مردم نشانه ای [عبرت آموز] قرار دادیم، و برای ستمکاران عذابی

وَعَادًا وَثُمُودًا وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا ﴿٣٨﴾

دردناک آماده کرده ایم (۳۷) و [نیز قوم] عاد و ثمود، و اهل «رِس» [که درخت پرست بودند] و اقوام بسیاری [که] در آن میان [میخند به

وَكُلًّا ضَرَبْنَاهُ الْأُمُثَالَ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا ﴿٣٩﴾ وَلَقَدْ

هلاکت رساندیم (۳۸) و برای هر یک [جهت هدایتشان] سرگذشت های عبرت آموز بیان کردیم، و [چون هدایت نیافتند] هر یک را به شدت درهم شکستیم (۳۹)

آتَوْنَا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أُمِطِرَتْ مَطَرَ السَّوْءِ أَفَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا

مسلماً [مشرکان مکه] بر شهری که [محل زندگی قوم لوط بود و] بر آن باران عذاب بارید گذر کرده اند، پس آیا آن جا را

بَلْ كَانُوا لَا يَتْرَجُونَ نُشُورًا ﴿٤٠﴾ وَإِذَا رَأَوْكَ إِتُّ

ندیده اند؟ [چرا دیده اند] ولی [چون] برانگیخته شدن [مردگان] را انتظار نمی برند [عبرت نگرفتند] (۴۰) چون تو را می بینند

يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُؤًا أَهْذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا ﴿٤١﴾ إِنَّ

جز به مسخرهات نمی گیرند او می گویند: آیا آن که خدا او را به پیامبری برانگیخته این است؟! (۴۱)

كَأَدَلِيضُنَّا عَنْ إِلَهِنَا لَوْلَا أَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَسَوْفَ

اگر ما بر اپرستش [بت هایمان] مقاومت نمی کردیم نزدیک بود ما را از اپرستش [انها] همراه کند.

يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَصْلُ سَبِيلًا ﴿٤٢﴾ أَرَأَيْتَ

ولی وقتی عذاب را می بینند خواهند دانست چه کسی در اوج گمراهی است (۴۲) آیا کسی که

مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا ﴿٤٣﴾

خواسته های [نامشروع] خود را معبود خود گرفته دیدی؟ آیا تو می توانی کارساز او باشی [که به اجبار به راه راست هدایتش کنی]؟! (۴۳)

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ

آیا گمان می‌کنی بیشتر آنان [در حقایق] می‌اندیشند؟ آنان جز مانند چهارپایان نیستند.

بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٢٤﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ

بلکه در آوج گمراهی اند (۲۴) آیا در قدرت و مشیت پروردگارت نیندیشیدی که چگونه سایه را گستراند و حرکت داد؟ اگر می‌خواست

لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسُ عَلَيْهِ دَلِيلًا ﴿٢٥﴾ ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا

آن را ساکن می‌کرد، آن‌گاه خورشید را دلیل آن قرار دادیم (۲۵) سپس آن را

قَبْضًا يَسِيرًا ﴿٢٦﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا

به تدریج به سوی خود باز می‌گیریم (۲۶) اوست که شب را برای شما پوشش و خواب را

وَجَعَلَ النَّهَارَ نَشُورًا ﴿٢٧﴾ وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ

امایه استراحت و آرامش، و روز را [ظرف] پراکنده شدن [جهت کوشش] قرار داد (۲۷) اوست که بادهای پیشانی ایشان را رحمتش

رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا ﴿٢٨﴾ لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا

مژده‌دهنده فرستاد، و از آسمان آبی پاک و پاکیزه‌کننده نازل کردیم (۲۸) تا به وسیله آن

وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرًا ﴿٢٩﴾ وَلَقَدْ صَرَفْنَاهُ

سرزمینی مرده را زنده کنیم، و آن را به چهارپایان و مردم بسیاری از آفریده‌های خود بنوشانیم (۲۹)

بَيْنَهُمْ لِيَذْكُرُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كَفُورًا ﴿٣٠﴾ وَلَوْ شِئْنَا

ما باریان را بین آنان [به اندازه‌های مختلف و منطقه به منطقه] به گردش در آورديم تا متذکر قدرت و رحمت من شوند، ولی بیشتر مردم جز به ناسپاسی تن ندارند (۳۰)

لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا ﴿٣١﴾ فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ

اگر می‌خواستیم البته در هر شهری [پیامبر] هشدار دهنده‌ای می‌فرستادیم [تا سنگینی مسئولیت رسالت کم شود] (۳۱) بنابراین از کافران

بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا ﴿٣٢﴾ وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ

اگر دوست دارند از ابلاغ وحی باز ایستی [اطاعت مکن او به وسیله این] [قرآن] با آنان جهاد کن؛ جهادی بزرگ (۳۲) اوست که دودر یارابه هم پیوست،

فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَحْجُورًا

این خوش طعم و گوارا و آن شور و تلخ است، و بین آن دو، حائل و حرمی

﴿٣٣﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا

نقودناپذیر قرار داد [که هرگز با هم مخلوط نمی‌شوند] (۳۳) اوست که از آب، بشری آفرید پس او را [اداری دو نوع پیوند] نسبی و سببی

وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا ﴿٣٤﴾ وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ

قرار داد، و پروردگارت همواره تواناست (۳۴) به جای خداوند چیزهایی را می‌پرستند

وَلَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ ظَهِيرًا ﴿٣٥﴾

که نه سودشان می‌دهد و نه زیانشان می‌رساند، و کافر همواره بر ضد پروردگارش پشتیبان [شیاطین و طاغوتیان] است (۳۵)

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٥٦﴾ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ

نو را جز بشارت رسان و هشدار دهنده نفرستادیم (۵۶) بگو من از شما برای تبلیغ (رسالت)

أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿٥٧﴾ وَتَوَكَّلْ عَلَىٰ الْحَيِّ

هیچ پاداشی نمی خواهم جز این که هر که بخواهد (می تواند) از پرگت نبوت من (راهی به سوی پروردگارش انتخاب کند) (۵۷) بر آن خدای زنده ای که

الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَيَّحُ بِحَمْدِهِ وَكَفَىٰ بِهِ يَذُنُوبَ عِبَادِهِ

هرگز نمی میرد توکل کن! و او را با ستایش و تسبیح گفتن (از هر عیب و نقیصه پاک و مبرا بدار) و کافی است که او به گناهان بندگانش

خَبِيرًا ﴿٥٨﴾ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ

آگاه باشد (۵۸) هم او که آسمان ها و زمین و آنچه را بین آن هاست در شش دوره (هفت روز)

أَيَّامٍ ثَمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَسْئَلُ بِهِ خَبِيرًا ﴿٥٩﴾ وَإِذَا

آن گاه بر (عرش) فراتر وایی (و تدبیر امور) فرینش (جبره شد) (و) ارجمان است پس (ای انسان) (در باره خدا) (و) فرینش جهان هستی (از کسی بهر پس که آگاه است) (۵۹)

قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنْسَجِدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَ

چون به بعضی از آنان گویند برای خداوند ارجمان سجده کنید می گویند خداوند ارجمان چیست؟ آیا برای چیزی که تو فرمان می دهی (و ما) (و) قبول نداریم (سجده کنیم)

زَادَهُمْ نُفُورًا ﴿٦٠﴾ تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ

و (دعوت) بر رمیدگی و نفرتشان می افزاید (۶۰) خجسته و پرخیز است آن که در آسمان ها برج هایی قرار داده

فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا ﴿٦١﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً

و در آن چراغی روشن و ماهی تابان پدید آورده است (۶۱) اوست که شب و روز را

لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا ﴿٦٢﴾ وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ

جانشین (یکدیگر) قرار داد تا کسی که بخواهد متذکر (قدرت و رحمت خداوند) شود، یا بخواهد سپاس گزاری کند (۶۲) بندگان (حقیقی) خداوند ارجمان

يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا

انانند که روی زمین با آرامی و فروتنی راه می روند، و هنگامی که مورد گفتار نادانان قرار می گیرند (در پاسخشان) می گویند:

سَلَامًا ﴿٦٣﴾ وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا ﴿٦٤﴾

(این ما و شما) جدایی است (۶۳) آنان شب را برای پروردگارشان با سجده و قیام به صبح می رسانند (۶۴)

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا

و می گویند: پروردگارا! عذاب دوزخ را از ما بگردان! که مسلماً عذاب آن سخت

كَانَ غَرَامًا ﴿٦٥﴾ إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٦٦﴾ وَالَّذِينَ إِذَا

و همیشه است (۶۵) دوزخ بد قرارگاه و بد اقامتگاهی است (۶۶) (انان) کسانی (هستند)

أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا ﴿٦٧﴾

که چون انفاق می کنند نه از حد (متعارف) می گذرند و نه (بخیلانه) سخت گیری می کنند، بلکه بین این و آن حد اعتدال را رعایت می کنند (۶۷)



وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي

آنان با خدا معبود دیگری را ابرای حل مشکلات و روشن شدن حاجاتشان نمی خوانند، و کسی را که خدا بخونش را

حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَأْقِ أَثَامًا ﴿٦٨﴾

حرام شمرده جز به حق نمی کشند، و زنا نمی کنند، کسی که این اعمال را مرتکب شود به کفر سختی خواهد رسید (۶۸)

يُضَاعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا ﴿٦٩﴾ إِلَّا مَنْ

امرتکب این اعمال عذابش در روز قیامت دوچندان شود، و در آن با سرشکستگی جاودانه خواهد بود (۶۹) مگر آنان که

تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ

نوبه کنند و مؤمن شوند و کار شایسته انجام دهند که [در این صورت] خداوند بدی هایشان را به خوبی ها

حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٧٠﴾ وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ

تبدیل می کند، و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۷۰) هرکس نوبه کند و کار

صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا ﴿٧١﴾ وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ

شایسته انجام دهد مسلماً به صورتی پسندیده به سوی خدا بازمی گردد (۷۱) آنان که بندگان حقیقی خداوندند تن به شهادت

وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا ﴿٧٢﴾ وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ

ناحق نمی دهند [و در مجالس باطل حاضر نمی شوند]، و هنگامی که بر [گفتار و کردار] یهوده [الشخص] می گذرند باین گواری و ستاقت می گذرند (۷۲) وقتی آنان را

رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا ﴿٧٣﴾ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ

به آیات پروردگارشان پند دهنده به حالت کوری و کوری به آن بی اعتنایی نمی کنند، بلکه با گوش شنوا و چشم بصیرت به آن دل می دهند (۷۳) و [در دعایشان]

رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا

می گویند: پروردگارا! ما را از سوی همسران و فرزندانمان خوشدلی و خوش حالی عنایت کن!

لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ﴿٧٤﴾ أُولَٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا

و پیشوای پرهیزگارانمان قرار ده! (۷۴) آنانند که برای استقامتی که [در برابر تکالیف دینی و حوادث روزگار] داشتند غرغه [بهشتی] را

و يُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا ﴿٧٥﴾ خَالِدِينَ فِيهَا

باداش می برند، و در آن با درود و تحیتی از سوی خدا و فرشتگان روبه رو می شوند (۷۵) در آن جا

حَسَنَاتٌ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٧٦﴾ قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي

جاودانه اند، و آن نیکو قرارگاه و اقامتگاهی است (۷۶) بگو اگر دعا هایتان نبود پروردگارم به شما

لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا ﴿٧٧﴾

اعتنائی کرد، [این اشما] مشرکان متکبر لجوج بودند که دعا و آرزو و آثارش را [منکر شدید، در نهایت] کفر این انکار [دامن گیران] خواهد شد (۷۷)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

حزب
۲

طسم (۱) تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (۲) لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا

طاه، سین، میم (۱) این است آیات ابا عظمت کتاب روشنگر (۲) بیم آن است که چون آنان

يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (۳) إِنْ نَشَأْ نُنْزِلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ

مؤمن نمی شوند جانت را از شدت اندوه و حسرت از دست بدهی (۳) اگر بخواهیم معجزه ای بزرگ برای آنان از آسمان می فرستیم

أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خاضعين (۴) وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنَ الرَّحْمَنِ مُحَدَّثٍ إِلَّا

که فروتنانه اوست بر او اختیار در برابرش گردن نهند (۴) هیچ سخن تازه ای بعد از نزول سخنان گذشته از سوی خداوند رحمان برای آنان نمی آید مگر

كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ (۵) فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ

آن که از آن اهم از او بگردانند (۵) همانا آیات ما را که شامل وعده ها و تهدیدهاست انکار کردند و آن ها را به مسخره گرفتند به زودی محقق شدن اخبارهای بسیار مهمی

يَسْتَهْزِئُونَ (۶) أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زوجٍ كَرِيمٍ (۷)

که مسخره می کردند به آنان می رسد (۶) آیا با تأمل به زمین نظر نکردند که در آن چه بسیار از انواع گیاهان و درختان با ارزش و مفید روینده ایم؟ (۷)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (۸) وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ

بهر آستی در این مسئله نشانه ای است از قدرت و رحمت و ربوبیت خداوند ولی بیشترشان به سبب رسوخ کبر و لجاجت در دلشان اهل ایمان آوردن

الرَّحِيمِ (۹) وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى أَنْ أُنْثِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۰) قَوْمَ

نبودند (۸) یقیناً پروردگارت همان خدای شکستناپذیر مهربان است (۹) چون پروردگارت به موسی ندا داد که: خود را به گروه ستمکار برسان (۱۰) به گروه

فِرْعَوْنَ لَا يَتَّقُونَ (۱۱) قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ (۱۲) وَيَضْحِكُوا

فرعونیان (که به آنان هشدار دهی: که آیا از فرجام شوم شرک و ستم و جنایت به مردم نمی پرهیزید؟ (۱۱) گفت: پروردگارا! می ترسم مرا انکار کنند (۱۲) و سینه ام از این وظیفه

صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَى هَرُونَ (۱۳) وَلَهُمْ عَلَى ذَنْبٍ

سنگین اتگی می کند و زبانم برای رساندن پیام وحی به اندازه لازم گویا و روان نیست پس هارون را بفرست (۱۳) و آنان را

فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ (۱۴) قَالَ كَلَّا فَادْهَبْ بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ

بر ضد من ادعای جرم و گناهی است که می ترسم مرا بکشند (۱۴) خداوند افرمود: چنین نیست (که فرعونیان بر شما پیروز شوند) شما معجزات ما را ببینید که

مُسْتَمْعُونَ (۱۵) فَاتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۶) أَمْ

ما یقیناً با شما ایم، او گفتارتان را می شنویم (۱۵) بنابراین خود را به فرعون اسر کرده ستمکاران را بفرستید و بگویید: همانا ما فرستاده پروردگار جهانیانیم (۱۶)

أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ (۱۷) قَالَ أَلَمْ تُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ

این فرمان که بنی اسرائیل را از جنگال ستم و جنایت آزاد کرده، با ما بزرگوار (۱۷) فرعون گفت: ایها منور! در کودکی ات در میان اغوش خود پرورش ندادم و سالیانی از

عُمُرِكَ سِنِينَ (۱۸) وَفَعَلْتَ فَعَلَتِكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ (۱۹)

عمرت را در میان ما نبودی؟ (۱۸) و سر انجام کاری که نباید می کردی و آن کشتن یکی از قبطیان بود انجام دادی در حالی که در مورد نعمت ها و رحمت ما از ناسپاسان بودی (۱۹)

قَالَ فَعَلْتُهَا إِذْ أَوْأَنَا مِنَ الصَّالِّينَ ﴿٢٠﴾ فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ

موسی گفت: آن زمان که آن کار انجام دادم به فکر من نمی رسید که با پشت زدنم در دفاع از مظلوم، ظالمی کشیده می شود (۲۰) چون از انتقام ظالمانه اشعار سیدم از دستتان گریختن

فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢١﴾ وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ

ابعد از گریختن و شکستایی در برابر حوادث، پروردگارم به من حکمت بخشید و مرا از پیامبران قرار داد (۲۱) باین که بنی اسرائیل را به بردگی گرفته ام ای نعمتی است که

أَنْ عَبَدْتَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٢٢﴾ قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٣﴾ قَالَ

منشی را بر من می گذاری؟ (۲۲) فرعون گفت: پروردگار جهانیان چیست که ما را به او دعوت می کنی؟ (۲۳) پاسخ داد:

رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ ﴿٢٤﴾ قَالَ لِمَنْ

اگر باور می کنید او مالک و مدبر آسمان ها و زمین و پدیده های میان آنها است (۲۴) [فرعون با لحنی تمسخرآمیز] به اطرافیانش گفت:

حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ ﴿٢٥﴾ قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿٢٦﴾ قَالَ إِنَّ

ایا نمی شنوید [چه می گوید]؟ (۲۵) [موسی] گفت: او مالک و مدبر شما و پدران پیشین شماست (۲۶) [فرعون] گفت: این پیامبر شما

رَسُولُكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ ﴿٢٧﴾ قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ

که به سویتان فرستاده اند قطعاً دیوانه است! (۲۷) [موسی] گفت: اگر اهل اندیشه هستید [او که مرا فرستاده] مالک و پروردگار مشرق و مغرب

وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢٨﴾ قَالَ لَئِنْ اتَّخَذَتِ الْإِثْمَانُ غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ

و همه موجوداتی است که میان آنهاست (۲۸) [فرعون] گفت: اگر معبودی جز من انتخاب کنی حتماً تو را

مِنَ الْمَسْجُونِينَ ﴿٢٩﴾ قَالَ أَوْلَوْجِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ ﴿٣٠﴾ قَالَ فَأْتِ بِهِ

از زندانیان قرار خواهم داد (۲۹) [موسی] گفت: گرچه معجزه آشکاری برایت آورده باشم؟ (۳۰) گفت: اگر راستگویی

إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٣١﴾ فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ

آن را ارانه کن (۳۱) [موسی] عصایش را انداخت، ناگهان به صورت اژدهایی واقعی نمایان شد (۳۲)

مُبِينٌ ﴿٣٢﴾ وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاصِرِينَ ﴿٣٣﴾ قَالَ لِلْمَلَأِ

و دستش را [از گریانش] بیرون آورد که [دور از انتظار] برای بینندگان درخشان بود (۳۳) فرعون به سران [متکبر] پیرامونش گفت: بی گمان

حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ﴿٣٤﴾ يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ

این جادوگری بسیار ماهر و کاردان است! (۳۴) می خواهد با جادوگری اش شما را از سرزمینتان بیرون کند، رأی شما [در این موضوع]

بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ﴿٣٥﴾ قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَابْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ

چیست؟ (۳۵) گفتند: [کار زندانی کردن] او و برادرش را به تأخیر انداز، و گردآورندگان را به شهرها روانه کن (۳۶)

حَاشِرِينَ ﴿٣٦﴾ يَا تَوَكَّلْ بِكُلِّ سَحَابٍ عَلِيمٍ ﴿٣٧﴾ فَجَمَعَ السَّحَرَةُ مَلِيقَاتٍ

تا هر جادوگر بسیار ماهر و کاردانی را نزد تو آورند (۳۷) پس [همه] جادوگران را در وعده گاه

يَوْمٍ مَعْلُومٍ ﴿٣٨﴾ وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ ﴿٣٩﴾

روزی مشخص جمع کردند (۳۸) و به مردم گفتند: آیا شما [هم در این وعده گاه] جمع خواهید شد؟ (۳۹)

لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِنَّ كَانُوا هُمْ الْغَالِبِينَ ﴿٢٠﴾ فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا

به این امید که اگر جادوگران پیروز شوند از افرنگ! آنان پیروی کنیم (۴۰) چون جادوگران آمدند به فرعون گفتند

لِفِرْعَوْنَ أَتَيْنَ لَنَا لَاجِرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ﴿٢١﴾ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ

آیا چنانچه ما پیروز شویم حتماً پاداش شایسته‌ای برای ما خواهد بود (۴۱) گفت: آری در آن صورت

إِذَا الْمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٢٢﴾ قَالَ لَهُمْ مُوسَى الْقَوَامَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ ﴿٢٣﴾ فَالْقُوا

بدون تردید از مقربان (اما) خواهید شد (۴۲) موسی به جادوگران گفت: بیفکنید آنچه را می‌خواهید بیفکنید! (۴۳) پس ریسمان‌ها

جِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ ﴿٢٤﴾

و عصاهایشان را افکندند و گفتند: سوگند به عزت فرعون که ما حتماً پیروزیم (۴۴)

فَالْقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿٢٥﴾ فَالْقَىٰ السَّحَرَةُ

موسی اسب از جادوی جادوگران! عصایش را افکند، بی‌درنگ آنچه را جادوگران بانیرنگ ساخته بودند بلعید (۴۵) پس جادوگران که در یافتن این کاری

سَاجِدِينَ ﴿٢٦﴾ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٧﴾ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿٢٨﴾

غیر سحر است، بدون درنگ! به سجده افتادند! (۴۶) [در حال سجده] گفتند: ما به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم (۴۷) پروردگار موسی و هارون (۴۸)

قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ أَدْنِ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ

فرعون! گفت: پیش از آن که به شما اجازه دهم به او مؤمن شدید؟ لابد او بزرگ شماست که [دانش] جادوگری را به شما آموخته،

فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَا قُطْعَنَ أَيْدِيكُمْ وَأَرْجُلُكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَا صَلْبَتَكُمْ

به زودی [نتیجه کارتان را] خواهید دانست: هر آینه دست و پای شمار ابرعکس [یکدیگر] یعنی دست راست و پای چپ، یادست چپ و پای راست [قطع خواهیم کرد، وی تردید

أَجْمَعِينَ ﴿٢٩﴾ قَالُوا لَا ضَرَرَ إِيَّاكَ إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ﴿٣٠﴾ إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ

همه شمار! به دار خواهیم آویخت (۴۹) گفتند: [در این شکنجه و عذابی که در راه ایمان می‌بینیم] ازانی [به ما] نخواهد رسید، همانا ما [پس از کشته شدن به دست تو] بپسوی

لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٣١﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ

پروردگار ما! باز می‌گردیم (۵۰) همانا ما امیدواریم که پروردگار ما خطاهای ما را بپارزد، از آن رو که نخستین ایمان‌آوردگان [از این قوم] بودیم (۵۱) به موسی وحی کردیم که:

بِعِبَادِي إِنَّكُمْ مُتَّبَعُونَ ﴿٣٢﴾ فَارْسِلْ فِرْعَوْنَ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿٣٣﴾

شبهانه بندگانه را کوچ ده! که حتماً [دشمنان] دنبال شما خواهند آمد (۵۲) پس فرعون [برای تأمین نیرو] گروهی گرد آورده را به شهرها فرستاد (۵۳)

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشُرٌّ مِمَّا قَلِيلُونَ ﴿٣٤﴾ وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ ﴿٣٥﴾ وَإِنَّا لَجَمِيعٌ

او گفت: [اینان] که بر ضد من هستند! گروهی اندکند (۵۴) که همواره ما را [با کارهایشان] آخسگین می‌کنند (۵۵) ما گروهی یکپارچه و متحد و آماده جنگیم (۵۶) پس فرعونیان

حَازِرُونَ ﴿٣٦﴾ فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٣٧﴾ وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ

را [به دنبال بنی اسرائیل] از بوستان‌ها و چشمه‌سارها [که نعمت‌های مادر سرزمین مصر بود] بیرون رانیدیم (۵۷) و [از] گنجینه‌های بزرگیت و قصرهای [مجلل و انبیا] محروم

﴿٣٨﴾ كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَءِيلَ ﴿٣٩﴾ فَاتَّبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ ﴿٤٠﴾

ساختیم! (۵۸) بدین گونه [نعمت‌ها را از آنان گرفته] و بنی اسرائیل را وارث [همه] آن‌ها کردیم (۵۹) پس [فرعونیان] هنگام طلوع آفتاب بنی اسرائیل را دنبال کردند (۶۰)

فَلَمَّا تَرَأَى الْجَمْعَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمَذْكُورُونَ ﴿٦١﴾ قَالَ كَلَّا إِنَّ

چون آن دو گروه یکدیگر را دیدند، باران موسی گفتند: بی شک ما به جنگ آنان خواهیم افتاد! (۶۱) موسی گفت: چنین نیست! (که می گوید: مسلماً

مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٦٢﴾ فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْجَرَّ

پروردگارم با من است و به زودی مرا ایبه امور بعد از این راهنمایی خواهد کرد (۶۲) به موسی وحی کردیم: عصایت را

فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ ﴿٦٣﴾ وَأَزْلَفْنَا ثَمَرَ

به این دریا بزن! موسی عصایش را به دریا زد و دریا از هم شکافت، و هر پاره اش چون کوهی بزرگ گردید (۶۳) در آنجا

الْآخِرِينَ ﴿٦٤﴾ وَأَنْجَيْنَا مُوسَى وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ ﴿٦٥﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا

آن گروه دیگر را (که برای دستگیری بنی اسرائیل آمده بودند به دریا) نزدیک کردیم (۶۴) موسی و هر که را همراه او بود از میان دریا نجات دادیم (۶۵) سپس آن گروه دیگر را

الْآخِرِينَ ﴿٦٦﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٦٧﴾ وَ

غرق کردیم (۶۶) مسلماً در این [سرگذشت] عبرت و درس بزرگی است، ولی بیشتر فرعونیان ايمان آور نبودند (۶۷) به یقین،

إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٦٨﴾ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ ﴿٦٩﴾ إِذْ قَالَ

پروردگار تو همان توانای شکست ناپذیر [و] مهربان است (۶۸) سرگذشت [مهم و درس آموز] ابراهیم را برای مردم بخوان (۶۹) هنگامی که به پدر [خواجه] اش

لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٧٠﴾ قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْظِلُ لَهَا

و قومش گفت: چه چیزی را می پرستید؟ (۷۰) گفتند: بت ها را می پرستیم، و همواره پایینند

عَاكِفِينَ ﴿٧١﴾ قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ ﴿٧٢﴾ أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ

پرستش آن ها میم (۷۱) گفت: آیا زمانی که آن ها را [برای حل مشکلات]تان ورواشدن حاجاتتان می خوانید، [خواندن] اشعار می شنوند؟ (۷۲) یا به شما سود

يَضُرُّونَ ﴿٧٣﴾ قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿٧٤﴾ قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ

و زبانی می رسانند؟ (۷۳) گفتند: [نه]، بلکه پدرانمان را [چنین] یافتیم که به این صورت عمل می کردند (۷۴) گفت: آیا تأمل کرده اید

مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿٧٥﴾ أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ ﴿٧٦﴾ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ

در مورد بت هایی که همواره می پرستید (۷۵) [همان بت هایی که] شما و پدران پیشینتان [آن ها را می پرستید] (۷۶) این [بت ها]

لِيَ الْإِلَهِ الْعَالَمِينَ ﴿٧٧﴾ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ﴿٧٨﴾ وَالَّذِي

دشمن من هستند! [چون پرستش آن ها مساوی با عذاب جاودان است]، مگر پروردگار جهانیان [که پرستیدنش مایه رشد و کمال و سعادت ابدی است] (۷۷)

هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ﴿٧٩﴾ وَإِذَا امْرَأَتِي فَهُوَ شَافِيْنِ ﴿٨٠﴾ وَالَّذِي

همان [پروردگاری] که مرا آفریده و راهنمایی ام می کند (۷۹) و طعام می دهد، و سیراب می سازد (۷۹) و چون بیمار می شوم شفایم می بخشد (۸۰)

يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ ﴿٨١﴾ وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ

و مرا می میراند، سپس حیات [دوباره] می دهد (۸۱) و امید دارم که روز جزا

الدِّينِ ﴿٨٢﴾ رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَالْخَيْرَ بِالصَّالِحِينَ ﴿٨٣﴾

خطایم را ببامزد (۸۲) پروردگارا! به من حکمت عطا کن! و به شایستگان ملحق ساز! (۸۳)

وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ ﴿٨٢﴾ وَأَجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ

و نام نیکی برایم در انسل های آینده قرار ده (۸۲) و مرا از وارثان بهشت

التَّعِيمِ ﴿٨٥﴾ وَاعْفُ رِيبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الصَّالِينَ ﴿٨٦﴾ وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ

بُزغمت گردان (۸۵) و پدر اخوانده من را بامرز که او از گمراهان بود (۸۶) و روزی که امردگان برانگیخته می شوند

يُبْعَثُونَ ﴿٨٧﴾ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

رسوایم مکن (۸۷) روزی که هیچ مال و اولادی سود نمی دهد (۸۸) مگر کسی که قلبی سالم از آلودگی ها به پیشگاه خداوند بیاورد

﴿٨٩﴾ وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٩٠﴾ وَبُرِزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ ﴿٩١﴾ وَقِيلَ

(۸۹) آن روز بهشت را برای آنان که از خدا اطاعت کردند و از محرماتش بپرهیز نمودند نزدیک آوردند (۹۰) و آتش برافروخته را برای گمراهان آشکار کنند (۹۱) و به آنان

لَهُمْ إِنْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿٩٢﴾ مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَ أَوْ يَنْصَرُونَ ﴿٩٣﴾

گویند: کجا بندگان چه را می پرستیدید؟ (۹۲) آن معبودانی که به جای خدا پرستیدید آیا شمارا برای نجات از آتش یاری می دهند، یا می توانند از خود دفاع کنند؟ (۹۳)

فَكُذِّبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ ﴿٩٤﴾ وَجُنُودُ ابْلِيسَ أَجْعُونَ ﴿٩٥﴾ قَالُوا وَهُمْ فِيهَا

پس آن بت ها و گمراهان، به رو در آتش افروخته می شوند (۹۴) با همه سپاهیان ابلیس (۹۵) در حالی که در آن آتش افروخته

يَخْتَصِمُونَ ﴿٩٦﴾ تَاللَّهِ إِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٩٧﴾ إِذْ نُسَوِّدُكُمْ

با هم جدال و مشاجره می کنند، او به بت ها می گویند: (۹۶) به خداوند سوگند که ما در گمراهی آشکاری بودیم (۹۷) زیرا شما را

بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٩٨﴾ وَمَا أَصْلَنَا إِلَّا الْمَجْرُمُونَ ﴿٩٩﴾ فَأَلْنَا مِنْ شَافِعِينَ ﴿١٠٠﴾

بپروندگان جهانیان برابر قرار دادیم (۹۸) و ما را جز گناه پیشگان (که سردمداران کفر و متولیان بتکده ها بودند) گمراه نکردند (۹۹) در نتیجه برای مانده شفاعتی است

وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ ﴿١٠١﴾ فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٢﴾ إِنَّ فِي

(۱۰۰) و نه دوستی صمیمی (۱۰۱) ای کاش برای ما [راه بازگشتی] به دنیا بود تا از مؤمنان می شدیم (۱۰۲) مسلما

ذَلِكَ لَآيَةٌ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

در این [سرگذشت] عبرت و درس بزرگی است، و [قوم ابراهیم] بیشترشان ایمان آور نبودند (۱۰۳) و به راستی پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر

﴿١٠٤﴾ كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٠٥﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا

[او] مهربان است (۱۰۴) قوم نوح پیامبران را انکار کردند (۱۰۵) هنگامی که برادرشان نوح به آنان گفت: آیا [از فرجام شوم شرک و ستم و جنایت به مردم]

تَتَّقُونَ ﴿١٠٦﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٠٧﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٠٨﴾ وَمَا

نمی پرهیزید؟ (۱۰۶) همانا من فرستاده ای امین برای شما (۱۰۷) بنابراین از خداوند اطاعت کرده، و از محرماتش بپرهیزید، و از من فرمان بپذیرید! (۱۰۸) من در برابر

أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرْتُكُمْ عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠٩﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ

این [بلاغ رسالت] هیچ پاداشی از شما نمی خواهم، پاداشم فقط بر عهده پروردگار جهانیان است (۱۰۹) بنابراین

وَأَطِيعُوا ﴿١١٠﴾ قَالُوا أَنْتُمْ مِنْ لَدُنْكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ ﴿١١١﴾

از خداوند اطاعت کرده، و از محرماتش بپرهیزید، و از من فرمان بپذیرید! (۱۱۰) گفتند: آیا ما به تو مؤمن شویم در حالی که فرومایگان از تو پیروی کرده اند؟! (۱۱۱)

قَالَ وَمَا عَلَّمِي مِمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١١٢﴾ إِنَّ حِسَابَهُمْ إِلَّا عَلَى رَبِّي لَوْ

انوح گفت: من به آنچه اینان در گذشته انجام می دادند آگاه نیستم (۱۱۲) حساب آن ها اگر اوافعا درک می کنید جز بر عهده

تَشْعُرُونَ ﴿١١٣﴾ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٤﴾ إِنَّ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿١١٥﴾

پروردگارم نیست (۱۱۳) من طردکننده مؤمنان نخواهم بود (۱۱۴) من جز هشداردهنده ای آشکار نیستم (۱۱۵)

قَالُوا لَئِنْ لَمْ نَنْتَهِ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ ﴿١١٦﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي

گفتند: ای نوح! اگر از ابلاغ آنچه وحی خدا می دانی بازناستی حتما سنگسار خواهی شد (۱۱۶) گفت: پروردگارا! همانا

قَوْمِي كَذَّبُونِ ﴿١١٧﴾ فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَخَاوَجْنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ

قوم من مرا انکار کردند (۱۱۷) پس بین من و آنان چنان که شایسته است داوری کن! و من و مؤمنانی را که با من هستند

الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٨﴾ فَأَنْجِنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ ﴿١١٩﴾ ثُمَّ اغْرَقْنَا

از شر آنان! نجات ده (۱۱۸) پس او و کسانی را که با او در آن کشتی نربار بودند نجات دادیم (۱۱۹) سپس همه باقی ماندگان را

بَعْدَ الْبَاقِينَ ﴿١٢٠﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٢١﴾

بعد از آن غرق کردیم (۱۲۰) بی گمان در این [سرگذشت] عبرت و درس بزرگی است، و [قوم نوح] بیشترشان ایمان آور نبودند، (۱۲۱)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٢٢﴾ كَذَّبَتْ عَادُ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٢٣﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ

و بفرستی پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر او! مهربان است (۱۲۲) [قوم] عاد پیامبران را انکار کردند (۱۲۳) هنگامی که برادرشان هود

أَخُوهُمْ هُودٌ أَلا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٢٥﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ

به آنان گفت: ای از فرجام شوم شرک و ستم و جنایت به مردم! نمی پرهیزید؟ (۱۲۴) بی تردید من فرستاده ای امین برای شمایم (۱۲۵) بنابراین از خداوند اطاعت

أَطِيعُوا ﴿١٢٦﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ

کرده، و از محرماتش! بپرهیزید و از من فرمان بپريد! (۱۲۶) من در برابر این [ابلاغ رسالت] هیچ پاداشی از شما نمی خواهم، پاداش من فقط بر عهده پروردگار

الْعَالَمِينَ ﴿١٢٧﴾ أَنْتَبُونَ بِكُلِّ رِيحٍ آيَةً تَعْبَثُونَ ﴿١٢٨﴾ وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ

جهانیان است (۱۲۷) آیا شما بر روی هر مکان بلندی از روی بیهوده کاری و بدون نیاز، برج عظیم می سازید؟ (۱۲۸) و کاخ ها و قصرهای استوار! احداث می کنید که شاید

لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ ﴿١٢٩﴾ وَإِذَا ابْطَشْتُمْ بَطِشْتُمْ جَبَّارِينَ ﴿١٣٠﴾ فَاتَّقُوا

جاویدان بمانید! (۱۲۹) و چون به صورت خشونت بار بر اساس قوانین ظالمانه ای که وضع کرده اید، برای کفر دادن به مردم وارد عمل می شوید زور مداراته وارد می شوید! (۱۳۰)

اللَّهِ وَاطِيعُوا ﴿١٣١﴾ وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ ﴿١٣٢﴾ أَمَدَّكُمْ

ایمانید! از خداوند اطاعت کرده، و از محرماتش! بپرهیزید و از من فرمان بپريد! (۱۳۱) و از کسی که شمارا به آنچه [از انواع نعمت ها] که خود می دانید یاری رسانده

بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ ﴿١٣٣﴾ وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٣٤﴾ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ

برو اکتید! (۱۳۳) آری! به وسیله چهار پایان و فرزندان به شما یاری داده است (۱۳۴) و [به وسیله] بوستان ها و چشمه سارها (۱۳۴) بی تردید من بر شما از عذاب

عَظِيمٍ ﴿١٣٥﴾ قَالُوا أَسَؤَاءَ عَلَيْنَا أَوْعَظْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ ﴿١٣٦﴾

روزی بزرگ می ترسم (۱۳۵) گفتند: چه ما را موعظه کنی چه نکنی بر ایمان یکسان است (۱۳۶)

إِنَّ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣٧﴾ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ ﴿١٣٨﴾ فَكَذَّبُوهُ

این اموعظه‌های نو چیزی جز شیوه پیشینان که اعتبار و ارزشی ندارد نیست (۱۳۷) و ما گرفتار این عذاب که به آن نهدیدمان می‌کنی انخواهیم شد (۱۳۸) نه بندگان

فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٣٩﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ

انکار کردند و ابعاد انکار اهلاکشان کردیم بی تردید در این سرگذشت عبرت و درس بزرگی است و اقوم هود بیشترشان ایمان آور نبودند (۱۳۹) و به راستی پروردگارت

لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٤٠﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٤١﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ

همان توانای شکست‌ناپذیر او! مهربان است (۱۴۰) اقوم ثمود پیامبران را انکار کردند (۱۴۱) هنگامی که برادرشان

صَالِحٌ آلَا تُتَّقُونَ ﴿١٤٢﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٤٣﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ

صالح به آنان گفت: آیا [از فرجام شوم شرک و ستم و جنایت به مردم] نمی‌پرهیزید؟ (۱۴۲) بی تردید من فرستاده‌ای امین برای شمایم (۱۴۳) بنابراین از خداوند

أَطِيعُونَ ﴿١٤٤﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ

اطاعت کرده و از محرماتش بپرهیزد و از من فرمان بپزید (۱۴۴) من در برابر این [ابلاغ رسالت] هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم پاداش من فقط پر عهده پروردگار

الْعَالَمِينَ ﴿١٤٥﴾ أَتُتْرَكُونَ فِي مَا هُمْ هُنَا آمِنِينَ ﴿١٤٦﴾ فِي جَنَّاتٍ وَ

جهانیان است (۱۴۵) آیا شمارا در آنچه از نعمت‌ها در این دنیا وجود دارد، ایمن از تغییر و زوال ارضایتان خواهند کرد؟ (۱۴۶) در بوستان‌ها

عُيُونٍ ﴿١٤٧﴾ وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ ﴿١٤٨﴾ وَتَنَجُّونَ مِنَ الْجِبَالِ

و چشمه‌سارها؟ (۱۴۷) در کشتزارها و نخلستان‌هایی که شکوفه‌هایشان با طراوت و لطیف است؟ (۱۴۸) عاجزانه

بُيُوتًا فَارِهِينَ ﴿١٤٩﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونَ ﴿١٥٠﴾ وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ

از کوه‌ها خانه‌هایی می‌تراشید [به امید این که از هر آسیبی حتی مرگ در امان بمانید]! (۱۴۹) [بپایید] از خداوند اطاعت کرده و از محرماتش بپرهیزد و از من فرمان

الْمُسْرِفِينَ ﴿١٥١﴾ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿١٥٢﴾ قَالُوا

بپزید! (۱۵۰) و از فرمان اهل اسراف پیروی نکنید! (۱۵۱) [هم] آنان که در زمین تبه‌کاری و فتنه‌انگیزی می‌کنند، و به اصلاح [امور] نمی‌پردازند (۱۵۲) گفتند:

إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ﴿١٥٣﴾ مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا فَأْتِ بِآيَةٍ إِنْ كُنْتَ

جز این نیست که تو از افسون‌شدگانی (۱۵۳) تو جز بشری مانند ما نیستی، اگر در ادعایت راستگویی

مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿١٥٤﴾ قَالَ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَهَا شَرْبٌ وَلَكُمْ شَرْبٌ يَوْمَ

معجزه‌ای بیاور! (۱۵۴) گفت: این ماده شتری است که از من خواستید و به اراده خداوند از دل کوه بیرون آمده، سهمی از آب [چشمه] برای او، و سهم روز معینی

مَعْلُومٍ ﴿١٥٥﴾ وَلَا تَمْسُوْهَا بِسَوْءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥٦﴾

برای شماست (۱۵۵) به او آسیبی نرسانید که عذاب روزی بزرگ شما را خواهد گرفت! (۱۵۶)

فَعَقَرُوهَا فَاصْبَحُوا نَارِ مِينَ ﴿١٥٧﴾ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

ولی ناقه را پی کردند، و از کار خود پشیمان شدند (۱۵۷) نهایتاً دچار عذاب شدند، بی تردید در این سرگذشت عبرت و درس بزرگی است،

وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٥٨﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٥٩﴾

و اقوم صالح بیشترشان ایمان آور نبودند (۱۵۸) و به راستی پروردگارت همان توانای شکست‌ناپذیر او! مهربان است (۱۵۹)

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٦٠﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٦١﴾

قوم لوط پیامبران را انکار کردند (۱۶۰) هنگامی که برادرشان لوط به آنان گفت: آیا از فرجام شوم شرک و ستم و جنایت به مردم نمی پرهیزید؟ (۱۶۱)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٦٢﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٦٣﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ

بی تردید من فرستاده ای امین برای شما (۱۶۲) بنابراین از خداوند اطاعت کرده، و از محرماتش بپرهیزید و از من فرمان بپذیرید! (۱۶۳) من از شما

عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنِ أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٤﴾ أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ

در برابر این [بلاغ رسالت] هیچ پاداشی نمی خواهم، پاداش من فقط بر عهده پروردگار جهانیان است (۱۶۴) آیا این است که از بین مردم جهان فقط شما هستید که

مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٥﴾ وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ

بامردان آمیزش می کنید؟ (۱۶۵) و همسرانتان را که پروردگارتان برای شما آفریده رها می کنید؟ این کار بسیار زشت دلیلی ندارید، بلکه شما

قَوْمٌ عَادُونَ ﴿١٦٦﴾ قَالُوا لَنْ لَمْ نَنْتَهَ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ ﴿١٦٧﴾

قومی متجاوز از حدود خدا! هستید (۱۶۶) گفتند: ای لوط! اگر از ابلاغ پیام هایت بازناستی حتما تبعید خواهی شد (۱۶۷)

قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ ﴿١٦٨﴾ رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٩﴾

[لوط] گفت: همانا من [متنفر و دشمن این کار شما] (۱۶۸) پروردگارا! مرا و خانواده ام را از آثار و زواریال آنچه مرتکب می شوند نجات بده! (۱۶۹)

فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿١٧٠﴾ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ﴿١٧١﴾ ثُمَّ دَمَرْنَا

پس او و همه خانواده اش را نجات دادیم (۱۷۰) مگر پیرهنی را که در میان باقی ماندگان [بود] (۱۷۱) سپس دیگوار را

الْآخَرِينَ ﴿١٧٢﴾ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءً مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ ﴿١٧٣﴾ إِنَّ فِي

تا بود کردیم (۱۷۲) و بارانی از سنگ! بر آنان فروریختیم، بد بود باران بیم داده شدگان! (۱۷۳) بی تردید

ذَلِكَ لَآيَةٌ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٧٤﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٧٥﴾

در این [سرگذشت] عبرت و درس بزرگی است، و اقوام لوط بیشترشان ایمان آور نبودند (۱۷۴) و به راستی پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر و اومهربان است (۱۷۵)

كَذَّبَ أَصْحَابُ لُيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٧٦﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾

مردم «ایکه» پیامبران را انکار کردند (۱۷۶) هنگامی که شعیب به آنان گفت: آیا از فرجام شوم شرک و ستم و جنایت به مردم نمی پرهیزید؟ (۱۷۷)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٧٨﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٧٩﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ

بی تردید من فرستاده ای امین برای شما (۱۷۸) بنابراین از خداوند اطاعت کرده، از محرماتش بپرهیزید و از من فرمان بپذیرید! (۱۷۹) من در برابر این [بلاغ رسالت]

عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنِ أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٨٠﴾ أَوْفُوا الْكَيْلَ

هیچ پاداشی از شما نمی خواهم، پاداش من فقط بر عهده پروردگار جهانیان است (۱۸۰) پیمانه را کامل کنید،

وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ ﴿١٨١﴾ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ أَسِ الْمُسْتَقِيمِ ﴿١٨٢﴾

و از کم فروشان نباشید! (۱۸۱) و کالای را با ترازوی درست وزن کنید! (۱۸۲)

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿١٨٣﴾

و از ارزش اشیا و اجناس مردم به هنگام خرید و فروش با حيله و ترفند انكاهید و در زمین تبهكاری و فتنه انگیزی نکنید [که بسیار زشت و ناپسند است] (۱۸۳)

وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِيلَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٨٢﴾ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ

و از آن که شما و امت های پیشین را آفرید پروا کنید (۱۸۴) گفتند: جز این نیست که تو

الْمُسَحَّرِينَ ﴿١٨٥﴾ وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَإِنْ نَظُنُّكَ لَمِيتٍ

از جادو شدگانی (۱۸۵) تو جز بشری مانند ما نیستی، بقینا ما تو را از

الْكَاذِبِينَ ﴿١٨٦﴾ فَاسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ

دروغ گویان می دانیم (۱۸۶) اگر اندر ادعایت راست گویی باره های از آسمان را

الصَّادِقِينَ ﴿١٨٧﴾ قَالَ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨٨﴾ فَكَذَّبُوهُ فَاخْذَهُمْ عَذَابُ

بر ما فروریز (۱۸۷) [شعیب] گفت: پروردگارم به آنچه انجام می دهید داناتر است (۱۸۸) پس او را انکار کردند.

يَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٨٩﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا

در نتیجه عذاب روز ابر آتش بار آنان را فرا گرفت، همانا آن عذاب روزی بزرگ بود (۱۸۹) بی تردید در این [سرگذشت عبرت و درس بزرگی است،

كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٩٠﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٩١﴾

و [قوم شعیب] بیشترشان ایمان آور نبودند (۱۹۰) به راستی پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر اوا مهربان است (۱۹۱)

وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٩٢﴾ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿١٩٣﴾ عَلَى قَلْبِكَ

مسلم این [قرآن] فرستاده شده پروردگار جهانیان است (۱۹۲) که روح الامین آن را نازل کرده است (۱۹۳) بر قلب تو.

لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿١٩٤﴾ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ ﴿١٩٥﴾ وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ

تا از هشدار دهندگان باشی (۱۹۴) به زبانی روشنگر و گویا (۱۹۵) بی تردید [خبر] این [قرآن] در کتاب های

الْأَوَّلِينَ ﴿١٩٦﴾ أَوْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٩٧﴾

پیشینان آمده است (۱۹۶) آیا این که دانشمندان بنی اسرائیل قرآن را [با تکیه بر توراتشان] می شناسند برای مشرکان و کافران دلیلی ابر صبق و حقایق آن نیست؟ (۱۹۷)

وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَى بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ ﴿١٩٨﴾ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ

اگر آن را [که مایه هدایت همگان است] بر بعضی از غیر عرب نازل کرده بودیم (۱۹۸) و او آن را بر عرب ها خوانده بود، [باز هم] به آن

مُؤْمِنِينَ ﴿١٩٩﴾ كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ﴿٢٠٠﴾ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ

ایمان نمی آورند (۱۹۹) این گونه [که به زبانی روشن و قابل فهم است] آن را در دل های گنه پیشگان وارد کرده ایم [که حق بودنش را بفهمند] (۲۰۰) اولی این متکبران [لجوج]

حَتَّىٰ يَبْرُوا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٢٠١﴾ فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٠٢﴾

به آن ایمان نمی آورند تا آن عذاب دردناک را ببینند (۲۰۱) که ناگهان در حالی که از آمدنش بی خبرند بر آنان درآید (۲۰۲)

فَيَقُولُوا أَهْلُ نَحْنُ مُنْظَرُونَ ﴿٢٠٣﴾ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿٢٠٤﴾

[در آن لحظه که فرصت از دست رفته] فریاد می زنند: ایامهلتمان می دهند [تا گذشته خود را جبران کنیم] (۲۰۳) آیا [باز هم] به [عذاب ما] اشتباه دارند؟ (۲۰۴)

أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ﴿٢٠٥﴾ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿٢٠٦﴾

پس مرا خبر ده که اگر ما سالیانی آنان را [از نعمت های مادی] بهره دهیم (۲۰۵) سپس عذابی که همواره به آن تهدید می شدند بر آنان درآید (۲۰۶)

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَعُونَ ﴿٢٠٧﴾ وَمَا أَهْلَكُنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا

آن نعمت‌هایی مادی که همواره از آن بهره‌مند بودند / عذاب را از آنان برطرف نمی‌کند (۲۰۷) هیچ شهری را هلاک نکردیم مگر آن که هشدار دهنده‌گانی داشت (۲۰۸) برای این که از

مُنذِرُونَ ﴿٢٠٨﴾ ذِكْرٌ وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٢٠٩﴾ وَمَا نَنْزَلُكَ بِهِ الشَّيَاطِينُ ﴿٢١٠﴾

عذاب غفلت / بیدار شوند، و ما هرگز ستمکار نبوده‌ایم (که مردمی را بدون فرستادن پیامبر هلاک کنیم) (۲۰۹) قرآن را آن گونه که خیال بافان منحرف و کافر می‌گویند / شیاطین نازل

وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٢١١﴾ إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعَزُولُونَ ﴿٢١٢﴾

نکرده‌اند (۲۱۰) و انزال قرآن اسرار آن نیست، و قدرت انزال کردن چنین کتابی را ندارند (۲۱۱) بی‌تردید آنان از شنیدن [وحی الهی و اخبار ملکوتی] برگزیده‌اند و محروم‌اند (۲۱۲)

نَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ ﴿٢١٣﴾ وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ

پس [اتوجه به نزول قرآن که بیان‌کننده توحید است،] با خداوند معبود دیگری را [به عنوان شریک در قدرت و کار ساز] مخوان (که [در این صورت] از عذاب‌شدگان خواهی

الْأَقْرَبِينَ ﴿٢١٤﴾ وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢١٥﴾

بود (۲۱۳) و خویشان نزدیک‌تر را [از فرجام شوم شرک و ستم و خیانت به مردم] هشدار ده (۲۱۴) و مؤمنانی را که از تو پیروی می‌کنند مورد محبت و فروتنی قرار ده (۲۱۵)

فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢١٦﴾ وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ

چنانچه از تو نافرمانی کردند بگو: من از آنچه انجام می‌دهید بیزارم (۲۱۶) و بر خدای توانای شکست‌ناپذیر

الرَّحِيمِ ﴿٢١٧﴾ الَّذِي بَرَكْتَ حِينَ تَقُومُ ﴿٢١٨﴾ وَتَقَلِّبُكَ فِي السَّاجِدِينَ ﴿٢١٩﴾

مهربان توکل کن! (۲۱۷) هم‌او که تو را چون [به عبادت] بر می‌خیزی می‌بیند (۲۱۸) و حرکت را در بین سجده‌کنندگان [شاهد است] (۲۱۹)

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٢٢٠﴾ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ ﴿٢٢١﴾

یقیناً او شنوا و داناست (۲۲۰) آیا به شما خبر دهم که شیاطین بر چه کسانی نازل می‌شوند؟ (۲۲۱)

تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ﴿٢٢٢﴾ يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ ﴿٢٢٣﴾

بر هر دروغ‌پرداز گنه‌پیشه‌ای نازل می‌گردند (۲۲۲) [که آنان هم] هر چه [از شیاطین] می‌شنوند [به دیگران] القامی‌کنند، و بیشترشان دروغ‌گویند (۲۲۳)

وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ ﴿٢٢٤﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ

و از شاعران [خیال‌پرداز و یاوه‌سرا،] منحرفان پیروی می‌کنند (۲۲۴) آیا ندانسته‌ای که آنان در هر وادی

يَمْجُمُونَ ﴿٢٢٥﴾ وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ ﴿٢٢٦﴾ إِلَّا الَّذِينَ

ابی‌حاصل و بی‌هدفی / سرگردانند؟ (۲۲۵) و مطالبی می‌گویند که خود به آن عمل نمی‌کنند؟ (۲۲۶) مگر شاعرانی که

أَمْنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ

ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده، و خدا را بسیار یاد نموده [و قلباً مورد توجه قرار دادند]، و پس از آن که [از طرف شاعران مشرک خیال‌پرداز] مورد [هجو و] استیم

بَعْدَ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ﴿٢٢٧﴾

قرار گرفتند، [با به نظم کشیدن معارف الهی] به دفاع [از خود] برخاستند، به‌زودی آنان که ستم کردند خواهند دانست به چه بازگشت‌گاهی باز خواهند گشت (۲۲۷)

سُورَةُ الشُّعَرَاءِ
آیاتها ۹۳
مکة
زینبا
۲۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ ۱ هُدًى وَبُشْرَى

طاء، سین. این آیات ابا عظمت قرآن و کتابی روشنگر است (۱) [سراسر آیتش] هدایت کننده انسان ها، و مرده دهنده ای است

لِلْمُؤْمِنِينَ ۲ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ

برای مؤمنان (۲) [هم] آنان که نماز را ایا شرایط ویژه اش می خوانند و زکات می پردازند، و به آخرت یقین دارند (۳) مسلما کسانی که به آخرت

هُمْ يُوقِنُونَ ۳ إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّبًا لَهُمْ أَعْمَالُهُمْ فَهُمْ

ایمان ندارند اعمال [زشت] آنان را در نظرشان آراستیم [تا مجذوب آن شوند] به این سبب همواره [در آن اعمال زشت]

بَعَثَهُمْ ۴ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ

سرگردانند (۴) اینانند که عذاب سختی خواهند داشت، و بی تردید در آخرت ایا تباه شدن همه سرمایه های وجودی شان]

الْآخُسِرُونَ ۵ وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ ۶ إِذْ قَالَ مُوسَىٰ

زبانکارترین [مردم]ند (۵) همانا تو قرآن را از نزد حکیمی دانا دریافت می کنی (۶) ایه یاد آرا هنگامی که موسی

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا أَنَسْتُ نَارًا سَأَلْتُكَ مِنْهَا خَبْرًا وَآتَيْتُكَ بِشَهَابٍ قَبَسٍ

به خانواده اش گفت: همانا آتشی [از دور] به نظرم رسید، به زودی خبری از آن برای شما می آورم، یا شعله ای از آن برگرفته به شما می رسانم

لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ۷ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ

تا خود را گرم کنید (۷) چون نزد آن آمد، ندا رسید: مبارکی و خیر یافت هرکه در آتش و هرکه

حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۸ يَا مُوسَىٰ إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ

بیرامون آن است، و پاک و معززه [از هر عیب و نقصی] است خداوندی که مالک و مدبّر جهانیان است (۸) ای موسی ایه یقین این منم خداوند توانای شکست ناپذیر

الْحَكِيمُ ۹ وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَأَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ

و حکیم [که بی واسطه با تو سخن می گویم] (۹) عصایت را ایفکن چون [الکند] آن را [از دھای] دید که بسیار سریع و شتابان حرکت می کند که گویا حرکتش مانند حرکت مار

بُعِثْتُ يَا مُوسَى لَا تَخَفْ إِنِّي لَا أَخَافُ لَدَى الْمُرْسَلُونَ ۱۰ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ

کوچک پرست و خیز بود، پشت کنان رو به فرار گذاشت و به عقب برگشت، [ندادادیم: ای موسی] انترس، که پیامبران نردمن نمی ترسند (۱۰) مگر کسی که ستم ورزد، سپس

ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ۱۱ وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ

بعد از بدی نیکی را جایگزین آن کند؛ که البته من [نسبت به او] بسیار آمرزنده و مهربانم (۱۱) و دستت را در گریبان کن

تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا

تا بدون هیچ عیبی سپید او درخشان بیرون آید ایا این دو معجزه در ضمن معجزات نه گانه، به سوی فرعون و قومش برو

قَوْمًا فَاسِقِينَ ۱۲ فَلَمَّا جَاءَهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ ۱۳

که همانا آنان گروهی منحرف و نافرمانند (۱۲) هنگامی که معجزات روشن و هدایت گر مابه سوی شان آمد، گفتند: این سحری آشکار است (۱۳)

وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلُمًا وَعُلُوًّا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَتْ

ان از روی ستم و خودبرتربینی معجزات را انکار کردند درحالی که باطنشان به الهی بودن آنها یقین داشت، پس با دقت بنظر

عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٤﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا

که سرانجام تباهکاران فتنه انگیز چگونه بود (۱۴) بی تردید ما به داود و سلیمان دانشی ویژه دادیم، آن دو گفتند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٥﴾ وَوَرِثَ

همه ستایشها ویژه خداوند است، اهم او! که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری داده است (۱۵) سلیمان

سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلِمْنَا مِنْ طَبْرِ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ

وارث داود شد، و گفت: ای مردم! آگاهی به نطق و گفتار پرندگان را به ما آموخته اند، و از هر چیزی از امکانات مادی و معنوی

شَيْءٍ إِنْ هَذَا الْهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ ﴿١٦﴾ وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنْ

به ما عطا کرده اند، به راستی این برتری آشکاری است (۱۶) و سپاهیان سلیمان از گروه

الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَمَا يُوزَعُونَ ﴿١٧﴾ حَتَّى إِذَا الْتَوَأَعُوا عَلَى وَادِ النَّمْلِ

جن و انس و پرندگان برایش گردآوری شدند، و آنان را از حرکت باز می داشتند تا گروه های دیگر به آنان ملحق شوند (۱۷) پس از حرکت اوقتی به وادی

قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ

مورچگان درآمدند مورچه ای گفت: ای مورچگان! به لانه هایتان وارد شوید تا سلیمان و سپاهیان

سُلَيْمَانَ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٨﴾ فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا

تا آگاهانه شما را پایمال نکنند (۱۸) سلیمان از گفته مورچه تبسم کنان خنده اش گرفت، و به سبب نعمت فهم نطق حیوانات

وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ

گفت: پروردگارا! کیفیت و روش شکرگزاری به پیشگاهت را! به من الهام کن تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم عطا کرده ای به جای آورم.

وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ

و کار شایسته ای که آن را بپسندی انجام دهم، و مرا به رحمت در زمره بندگان

الصَّالِحِينَ ﴿١٩﴾ وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدًى هَدَامَ

درست کارت وارد کن! (۱۹) سلیمان جوابی اوضاع پرندگان شد او هدهد را نیافت، گفت: چه شده که هدهد را نمی بینم، آیا در میان پرندگان است ولی من او را نمی بینم!

كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ ﴿٢٠﴾ لَا عَذَابَ لَهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوَلَا أَذْهَبَتْهُ

یا از غایبان است؟ (۲۰) بی گمان او را مجازاتی سخت خواهم کرد، یا سرش را از بدن جدا می کنم،

أُولَيَاتِي بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿٢١﴾ فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ

یا حتما باید برای غایب بودنش ادلیلی روشن برآیم بیاورد (۲۱) هدهد از مانی نه چندان دور در بیرون بارگاه سلیمان اد رنگ کرد، سپس بازگشت و گفت:

أَحْطْتُ بِمَا لَمْ تَحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ ﴿٢٢﴾

ای سلیمان! به چیزی دست یافته ام که تو به آن دست نیافته ای، من از کشور سبا خبری مهم و یقینی برایت آورده ام (۲۲)

إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ

همانا زنی را یافتیم که بر مردم آن سرزمین حکومت می‌کند، و از هر نوع امکاناتی [که برای حکومت لازم است] به او داده‌اند، و دارای تختی

عَظِيمٍ ﴿٢٣﴾ وَجَدْتُهُمَا وَقَوْمَهُمَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَاللَّهُ

بزرگ است (۲۳) او و قومش را این‌گونه یافتیم که به جای خداوند یکتا، برای خورشید سجده می‌کنند،

لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالُهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ ﴿٢٤﴾

و شیطان اعمال [ازشت] آنان را در نظرشان آراسته، در نتیجه از راه [حق] بازشان داشته، به این سبب هدایت نمی‌یابند (۲۴)

أَلَا يَسْجُدُ لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ

اِلهی، شیطان آنان را منحرف کرده تا برای خداوند سجده نکنند، [هم] او که نهان‌ها را در آسمان‌ها و زمین بیرون می‌آورد،

مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿٢٥﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

و آنچه را در پنهان انجام می‌دهید، و آنچه را آشکار می‌کنید می‌داند (۲۵) خداوند یکتا که معبودی جز او نیست، پروردگار عرش

﴿٢٦﴾ قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٢٧﴾ أَذْهَبُ

بزرگ است (۲۶) [سلیمان به هدهد] گفت: به زودی [در باره خبری که از سبامی دهی] بررسی می‌کنم که آیا راست گفته‌ای یا از دروغ گویانی؟ (۲۷)

بِكِتَابِي هَذَا فَاَلْقِهُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانْظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ ﴿٢٨﴾

این نامه‌ام را بیا، و به سوی آنان بینداز! سپس [به دور از دید آنان] کناری قرار بگیر، و با دقت نظر کن که چه پاسخی می‌دهند؟ (۲۸)

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْا إِلَى الْقِيِّ إِلَى كِتَابِ كَرِيمٍ ﴿٢٩﴾ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ

[ملکه سبا پس از آگاهی از نامه] گفت: ای سران و بزرگان! همانا نامه با ارزشی به سوی من انداخته‌اند (۲۹) این نامه از طرف سلیمان،

وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣٠﴾ أَلَّا تَعْلَمُوا عَلَيَّ وَأَتُونِي

و [سر آغاز] آن به نام خداوند رحمان و رحیم [است] (۳۰) [و مضمونش این است که:] نسبت به من سرکشی نکنید، و با حالت تسلیم

مُسْلِمِينَ ﴿٣١﴾ قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْا أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً

نزد من آید (۳۱) گفت: ای سران و بزرگان! به من در کارم نظر دهید؛ زیرا من کاری را فیصله نمی‌دهم

أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ ﴿٣٢﴾ قَالُوا نَحْنُ أَوْلُو الْقُوَّةِ وَأُولُوا بَأْسٍ شَدِيدٍ

تا شما [برای مشورت] نزد ما حاضر شوید (۳۲) گفتند: ما دارای نیرویی [عظیم] هستیم و [در جنگ] دارای دلاوری و شجاعتیم،

وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانْظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ ﴿٣٣﴾ قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا

نهایتا امر، امر توست، پس بنگر چه فرمان می‌دهی (۳۳) [ملکه سبا] گفت: البته پادشاهان هنگامی که [با ادوات جنگی و سپاهورزی] به شهری وارد شوند

قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿٣٤﴾

آن را تباه می‌کنند، و ساکنان عزتمندش را به خواری می‌نشانند، و [معمولا] رفتارشان این‌گونه است (۳۴)

وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ ﴿٣٥﴾

من به سوی آنان هدیه‌ای [بازار] و قابل توجه] می‌فرستم، پس منتظر می‌مانم که فرستادگان با چه پاسخی بازمی‌گردند (۳۵)

فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانُ قَالَ آمِنُ دُونَ بَمَالٍ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِّنَ

چون [فرستاده ملکه سبا] نزد سلیمان آمد، سلیمان به او [گفت: آیا با مالی] اندک [مرا کمک می دهی؟] آنچه خداوند [از انبار مادی و معنوی] به من عطا کرده از آنچه به

اتُّكِرُ بَلْ أَنْتُمْ يَهْدِيَّتُكُمْ تَفْرَحُونَ ﴿٣٦﴾ أَرْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَمَّا تَيَسَّنَّ مِنْ جُنُودِ

شما [از او] بهتر است، [هدیه شما شاد کننده من نیست، بلکه این شما هستید که با هدیه خود مغرورانه شادمانی می کنید] (۳۶) پس سوی آنان باز گرد، فلما عايناهم سبا هياي

لَا فَيْلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴿٣٧﴾ قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَأْمُورُونَ

که قدرت و باریابی بآن هار انداز ندیده سوشان خواهيم آمد، وباذلت و خوارى از آن جابر و نشان می كنيم (۳۷) آن گاه سلیمان، روبه بارگاه شبنامش گردید [و گفت: ای مأموران!]

أَيُّكُمْ يَا تَبْنِي بَعْرُ شَهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُوَنِي مُسْلِمِينَ ﴿٣٨﴾ قَالَ عَفْرَيْتُ مِنَ الْجِنِّ

کداميك از شما تخت ملکه سبا را پيش از آن که از در تسليم نزد من ايند براهيم می آورد (۳۸) کار دانی از جنیان گفت:

أَنَا أَتَيْتُكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ ﴿٣٩﴾ قَالَ

من آن را پيش از آن که از مسند خود برخيزی به نودت می آورم؛ زيرا بر اين کار توانا و امينم (۳۹) کسی که

الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ

دانشی از کتاب نزدش بود گفت: من آن را پيش از آن که پلک ديده ات به هم بخورد به نودت می آورم.

فَلَمَّا رَأَاهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي ءَأَشْكُرُ أَمْ

اوبی درنگ تخت را حاضر کرد، سلیمان اوقتی تخت را نزد خود برقرار دید گفت: اين از احسان پروردگار من است تا عايناهم مايد که آیا سپاس گوایم

أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ

بنا سپاسم؟ هر کس سپاس گزاري کند به سود خود سپاس گزاري می کند، و آن که ناسپاسی ورزد از يانی به خداوند نمی رسد؛ زيرا ابروردگار می نیاز

كَرِيمٌ ﴿٤٠﴾ قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرْ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ

و کریم است (۴۰) آن گاه سلیمان [گفت: تختش را [بازینت و آرایشی جدید] برایش نانشناس کنید تا ببینیم آیا [به شناختش] ایی می برد، یا از کسانی است

لَا يَهْتَدُونَ ﴿٤١﴾ فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكِ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوتِينَا

که بی نمی برد؟ (۴۱) چون [ملکه سبا] آمد گفتند: آیا تخت تو شبیه این است؟ گفت: گویا این همان است، و عايناهم از اين [معجزه، به حقانیت و قدرت سلیمان]

الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ ﴿٤٢﴾ وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ

آگاه کرده اند، و [همان زمان] تسليم شده بوديم (۴۲) چيزی را که [ملکه سبا] به جای خداوند می پرستید او را از خداپرستی باز داشته بود، زيرا

إِنَّمَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ كَافِرِينَ ﴿٤٣﴾ قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ

او از گروه کافران بود (۴۳) به او گفتند: به صحن قصر وارد شو، چون آنجا را دید پنداشت آبی فراوان است،

لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا قَالَتْ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ

پس [دامن جامه] از دوشافش برکشید [که وارد آب شود]، سلیمان [گفت: این محوطه ای است صاف و هموار از جنس شیشه، [ملکه سبا] گفت: پروردگار!]

إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٤﴾

براستی من به خود ستم کردم، اينک در کنار سلیمان تسليم خداوند يکتا پروردگار جهانيان شدم (۴۴)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ

همانا به سوی اقوام نمود برادرشان صالح را فرستادیم که [به آنان اعلام کند] خداوند را پرستید، ولی آنان [در برابر دعوت صالح] به دو گروه [مؤمن و کافر] تقسیم شدند

فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ ﴿٤٥﴾ قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ

و همواره با هم بحث و ستیز داشتند (۴۵) گفت: ای قوم من! چرا پیش از درخواست خیر و خوشی

قَبْلِ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٤٦﴾

به آمدن عذاب شتاب دارید؟ چرا از خداوند طلب آمرزش نمی کنید تا مورد مهر و رزق او [و اقرار بگيريد] و از مشکلات فراوانی که محصول تلخ گناه است نجات یابید (۴۶)

قَالُوا أَطِیرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ

گفتند: به تو و همراهانت فال بد زدیم [و شمار اسباب بروز همه مشکلات و بدبختی خود می دانیم] گفت: سبب بروز مشکلات و بدبختی شما [از تائب اعمالتان] نزد خداست.

تُفْتَنُونَ ﴿٤٧﴾ وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ

[این سخن خود شما نیست، بلکه] تلقینی شیطانی است که به آن [فریبتان داده اند] (۴۷) در شهر، نه گروه بودند که در [سراسر] آن تبهاری و فتنه انگیزی می کردند.

وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿٤٨﴾ قَالُوا أَتَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ

و دنبال اصلاح نبودند (۴۸) گفتند: با سوگند خوردن به خداوند هم سوگند شوید که شبانه برای نابودی صالح و خانواده اش شبیخون بزنیم، آن گاه

لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٤٩﴾

به خون خواهی می گوئیم: ما وقت نابود شدن خانواده اش حضور نداشتیم، و بی تردید راستگوئیم (۴۹)

وَمَكْرُؤٌ وَّامْكُرٌ وَّامْكُرُنَا مَكْرٌ أَوْ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٠﴾

آنان نیرنگ بزرگی به کار گرفتند، ما هم درحالی که بی خبر بودند با کفر سختی، آنان [و نیرنگشان] را از بین بردیم (۵۰)

فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَا دَمَرْنَاهُمْ وَاقْتُلْنَاهُمْ

پس با دقت بنگر که فرجام نیرنگشان چگونه بود؟ ما آنان و قومشان را به شدت درهم کوبیده

أَجْمَعِينَ ﴿٥١﴾ فَبَلَغْتَ لِقَابَهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا إِنَّا فِي

و نابود کردیم، (۵۱) این خانه های آنان است که به سبب ستمشان خالی مانده، یقیناً

ذَلِكَ لَآيَةٌ لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٥٢﴾ وَأَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا

در این [سرگذشت] برای داناتان عبرتی است (۵۲) و آنان را که

وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٥٣﴾ وَلَوْ طَا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ

مؤمن بودند و همواره [از گناهان] پرهیز داشتند نجات دادیم (۵۳) و لوط را [یاد کنید] زمانی که به قومش گفت:

الْفَاحِشَةُ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ ﴿٥٤﴾ أَيْنَكُمُ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ

ایا این عمل بسیار زشت را درحالی که [کاملاً به زشتی اش] بصیرت و آگاهی دارید مرتکب می شوید؟ (۵۴) آیا بر پایه شهوت

شَهْوَةٍ مِنْ دُونِ النَّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿٥٥﴾

به جای زنان با مردان آمیزش می کنید؟ [برای این کارتان هیچ دلیل قانع کننده ای ندارید، بلکه مردمی جهالت پیشه اید] (۵۵)

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ

ولی پاسخ قومش جز این نبود که گفتند: خاندان لوط را از شهرتان بیرون کنید!

مِنْ قَرَبَيْكُمْ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ ﴿٥٦﴾ فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ

زیرا مردمی هستند که به شدت تمیز به پاکی دارند (۵۶) پس او و خاندانش را نجات دادیم

إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَا هَا مِنْ الْغَائِبِينَ ﴿٥٧﴾ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا

به جز همسرش که او را از باقی ماندگان مقدر کرده بودیم (۵۷) و بارانی از سنگ گل پخته بر آنان فروباریدیم که احدی را زنده نگذاشت!

فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ ﴿٥٨﴾ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ

وید بود باران بیم داده شدگان (۵۸) بگو: همه ستایش ها ویژه خداوند است، و درود بر آن بندگان که به خاطر شایستگی ایمانی و عملی شان

اصْطَفَى اللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٥٩﴾ أَمِنْ خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَ

انتخابشان کرد، آیا خداوند که مدبر همه امور شماس است، یا آنچه شریک او اقرار می دهد؟ (۵۹) آیا معبودان شمار امور هستی مؤثرند، یا کسی که آسمان ها

الْأَرْضِ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ

و زمین را آفرید، و به سود شما از آسمان، آبی فرستاد که به وسیله آن باغ های

ذَاتِ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا ؕ إِنَّ مَعَ اللَّهِ بَلَدٌ

خرم و بهجت انگیز رویندیم که رویندن درختانش در قدرت شما نیست؟ آیا خداوند معبود دیگری هست که شریک در قدرت و ربوبیت او باشد؟ بلکه آنان

هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ ﴿٦٠﴾ أَمِنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا

مردمی منحرف از فطرت و عقل هستند که برای خداوند شریک گرفته اند! (۶۰) آیا معبودان شمار امور هستی مؤثرند یا آن که زمین را قرار و برای اهلیش ساخت، و در

أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِي وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا ؕ إِنَّ مَعَ اللَّهِ

شکاف هایش نهرهایی پدید آورد، و برای آن کوه هایی استوار برای جلوگیری از متلاشی شدنش اقرار داد، و بین دودریای شور و شیرین حاجلی گذاشت که باهم مخلوط نشوند! آیا

مَعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦١﴾ أَمِنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا

با خداوند معبود دیگری هست که شریک در قدرت و ربوبیت او باشد؟ بلکه بیشترشان دانای به حقایق نیستند (۶۱) آیا معبودان شمار امور هستی مؤثرند یا آن که وقتی در مانده ای

دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ؕ إِنَّ مَعَ اللَّهِ

برای حل مشکلاتش به پیشگاهش به دعا اوزار و نیاز ابر خیزد، مشکلات را بر طرف می کند؟ (کیست که) شمار ابر زمین مسلط می کند تا بتو اتید از نعمت های گوناگونش بهره مند شوید؟

مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَدَّكَّرُونَ ﴿٦٢﴾ أَمِنْ يَهْدِيكُمْ فِي

آیا خداوند معبود دیگری هست که شریک قدرت و ربوبیت او باشد؟ اندکی متذکر و هوشیار می شوند، (۶۲) آیا معبودان شمار امور هستی مؤثرند یا آن که شمارا

ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ

در تاریکی های خشکی و دریا به وسیله ستارگان به مقاصد گوناگونتان راهنمایی می کند؟ و کیست که پیشاپیش ابران رحمتش بادها را

رَحْمَتِهِ ؕ إِنَّ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٣﴾

مژده رسان می فرستد؟ آیا خداوند معبود دیگری هست که شریک در قدرت و ربوبیت او باشد؟ خداوند از آنچه برای او اشریک قرار می دهند برتر است (۶۳)

أَمْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُمْ يَرُوقُونَ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ

ایا معبودان شعاع نور هستی میزنند یا آن که آفرینش را آغاز می کنند سپس آنرا پس از فروپاشیدنش ابراز می گردانند؟ کیست آن که از آسمان و زمین به شعاع نوری می دهد؟

عَالِهِمْ اللَّهُ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٦٤﴾ قُلْ لَا يَعْلَمُ

با خداوند معبود دیگری هست [که شریک در قدرت و ربوبیت او باشد]؟ بگو: اگر راست گویند دلایلتان را بیاورید (۶۴) بگو:

مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبِ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ﴿٦٥﴾

در آسمان ها و زمین هیچ کس غیب نمی داند جز خداوند، [معبودان] درک نمی کنند که چه زمانی برانگیخته می شوند (۶۵)

بَلِ إِذَا رَأَى عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْهَا بَلْ هُمْ مِنْهَا

[ایا] اینان دانششان درباره آخرت جامع و کامل شده؟ نه، بلکه در مورد آخرت در تردیدند، بلکه از [درک] آن

عَمُونَ ﴿٦٦﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِذَا كُنَّا تُرَابًا وَآبَاءُنَا أَيْتَانَا

کور اهل اند (۶۶) کافران گفتند: آیا زمانی که ما و پدرانمان خاک شدیم به راستی [زنده] از آن

لَمُخْرَجُونَ ﴿٦٧﴾ لَقَدْ وُعِدْنَا هَذَا نَحْنُ وَآبَاءُنَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا

بیرونمان می آورند؟ (۶۷) پیش از این [هم] زنده بیرون آمدن از خاک را به ما و پدرانمان وعده دادند، اولی این [مطلب]

إِلَّا آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٦٨﴾ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ

جز افسانه پیشینیان نیست (۶۸) بگو: در زمین گردش کنید پس با دقت بنگرید

كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ﴿٦٩﴾ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ

که فرجام گناه پیشگان چگونه بود؟ (۶۹) بر آنان اندوه مخور، و از نیرنگی که همواره به کار می گیرند

مِمَّا يَمْكُرُونَ ﴿٧٠﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

دلالت می آید (۷۰) [از روی تمسخر] می گویند: اگر راست گویند این وعده [قیامت و عذاب] کی خواهد بود؟ (۷۱)

﴿٧١﴾ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ رَدِفَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ ﴿٧٢﴾

بگو: امید است بخشی از آن [عذابی] که رسیدنش را با شتاب می خواهید دنبال شما باشد (۷۲)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾

همانا پروردگارت بر مردم دارای احسانی بزرگ است ولی بیشترشان سپاس گزار نیستند (۷۳)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٤﴾ وَمَا مِنْ

مسلماً پروردگارت آنچه را سینه هایشان پنهان می دارد و آنچه را آشکار می کنند به خوبی می داند (۷۴) و هیچ

غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٧٥﴾ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ

پنهانی در آسمان و زمین نیست مگر آن که در کتابی روشن ثبت است (۷۵) بی گمان این

يَقُصُّ عَلَى بَنِي إِسْرَءِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٧٦﴾

قرآن بیشتر اموری را که بنی اسرائیل در آن اختلاف دارند برای آنان [جهت حل اختلاف] توضیح می دهد (۷۶)

وَاتَّخَذَ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٧﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ

براستی [اسرار آیات] قرآن برای مؤمنان هدایت و رحمت است (۷۷) بی تردید پروردگارت به حکم خود

يَحْكُمُهُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿٧٨﴾ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ

مستحق بنی اسرائیل داوری می کنی، و او توانای شکست ناپذیر و حکیم است (۷۸) پس بر خدا توکل کن؛ زیرا تو متکی بر حق

الْمُبِينِ ﴿٧٩﴾ إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى وَلَا تَسْمَعُ الصَّمَّةَ الدُّعَاءَ إِذَا أُولُوا

اشکاری (۷۹) یقیناً تو نمی توانی دعوت خود را به مردگان بشنوی، و نیز نمی توانی آن را به کران درحالی که پشت کنان روی از حق ابرمی تابند

مُدْبِرِينَ ﴿٨٠﴾ وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تَسْمَعُ إِلَّا

بشنوایی (۸۰) تو هدایتگر کوردلان از انحرافشان نیستی، و نمی توانی [دعوت را] جز به آنان که

مَنْ يُوْءِي مِنْ بَايَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ ﴿٨١﴾ وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا

به آیات ما ایمان دارند و تسلیم [خدا] هستند بشنوایی (۸۱) هنگامی که [در اوقات پایانی دنیا و عذاب] عذاب [ما] بر آنان حتمی و ثابت شود،

لَهُمْ دَابَّةٌ مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا

جنبنده ای را برای آنان از زمین بیرون می آوریم که با آنان سخن می گوید [تا به آیات ما یقین کنند؛ زیرا] مردم پیش از این به آیات ما

لَا يُوقِنُونَ ﴿٨٢﴾ وَيَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ

یقین نداشتند (۸۲) روزی را [به یاد آرید] که از هر امتی گروهی [از آنان] را که آیات ما را انکار می کنند محشور می کنیم، و آنان را [از حرکت] باز می دارند [تا گروه های دیگری به

يُوزَعُونَ ﴿٨٣﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُ وَقَالَ أَكْذَبْتُمْ بِآيَاتِي وَلَمْ تحِيطُوا بِهَا عِلْمًا

آنان ملحق شوند]. (۸۳) تا آن گاه که [به محل محاکمه و حسابرسی] آیند، [خداوند] می گوید: آیا آیات مرا درحالی که هیچ احاطه علمی به آن نداشتید [و بدون دلیل

أَمَّا ذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٨٤﴾ وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ

و تحقیق [انکار کردید، شما غیر از انکار] چه کار [دیگری] انجام می دادید؟ (۸۴) به سبب ستمی که [به آیات ما] روا داشتید عذاب بر آنان حتمی می شود، و [بایدین عذاب]

لَا يَنْطِقُونَ ﴿٨٥﴾ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ

از سخن گفتن باز می مانند (۸۵) آیا ندانسته اند که ما شب را قرار دادیم تا در آن آرامش یابند، و روز را روشن ساختیم [تا در آن برای امر معاش بکوشند]؟

مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٨٦﴾ وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي

براستی در این [مسئله شب و روز] برای مردم مؤمن نشانه هایی [بر ربوبیت و قدرت و رحمت خدا] است (۸۶) و [به یاد آر] روزی را که در صورت

الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ

می دمند، پس هر که در آسمان ها و زمین است دچار هراسی شدید می شود، مگر کسی که خدا بخواهد [از هراس ایمن باشد].

وَكُلُّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ ﴿٨٧﴾ وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ

و همه فروتنانه به پیشگاه او می آیند (۸۷) کوه ها را می بینی و آن ها را بی حرکت می پنداری درحالی که مانند ابر

مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ ﴿٨٨﴾

در حرکت اند، [در آفرینش خداوندی که] آفرینش [هر چیزی را] استوار کرده است [با دقت نظر کن] [مسئله] او به آنچه انجام می دهد آگاه است (۸۸)

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ ﴿٨٩﴾

کسانی که کارهای نیکو [به آخرت] بیاورند پاداشی بهتر از آن دارند، و در آن روز از هراسی شدید در امانند (۸۹)

وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا

و کسانی که کارهای زشت بیاورند [با] صورت‌هایشان در آتش افکنده می‌شود، [به آنان] گویند: آیا جز آنچه

مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٠﴾ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ

همواره انجام دادید پاداششان داده‌اند؟ (۹۰) من فقط مأمورم پروردگار این

الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ

شهر [مکه] را که به آن بسیار خرم نهاده‌ایم، آنکه همه چیز در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست، و فرمان یافته‌ام که از تسلیم‌شدگان [به او] باشم (۹۱) و [مأموریت

المُسْلِمِينَ ﴿٩١﴾ وَأَنْ أَتْلُوا الْقُرْآنَ فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي

دارم به] این که قرآن را [بر همه مردم] بخوانم، پس هر که هدایت باید به سود خود هدایت یافته، و هر که منحرف شود [آثار شوم انحراف متوجه خود اوست،] بگوید: من فقط از

لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنْذِرِينَ ﴿٩٢﴾ وَقُلِ الْحَمْدُ

شعار دهندگانم (۹۲) بگو: همه ستایش‌ها ویژه خداوند است، به زودی نشانه‌های خود را [که شکست شما و گرفتاری‌های سخت دنیایی و عذاب آخرت است] به شما [حق استیذان] از

لِلَّهِ سَبُّكُمْ إِلَيْهِ فَنَعْرِفُوهُمْ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾

نشان خواهد داد، پس آن‌ها را [به خوبی] خواهید شناخت [اولی در آن وقت، ایمان آوردن سودی برای شما ندارد،] و پروردگارت از آنچه انجام می‌دهید بی‌خبر نیست (۹۳)

سُورَةُ الْقَصَصِ ﴿٨٨﴾

مَكَّة
تَرْجُمَا
۲۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی‌اش همیشگی

طسّم ﴿١﴾ نَالِكَ آيَاتِ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿٢﴾ نَتْلُو عَلَيْكَ مِنْ نَبَأِ مُوسَىٰ

طاء، سین، میم (۱) این آیات [با عظمت] کتاب روشنگر است (۲) بخشی از سرگذشت [مهم] موسی

وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٣﴾ إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ

و فرعون را برای عبرت گرفتن [مردمی که ایمان دارند] به درستی و راستی بر تومی خوانیم (۳) مسلماً فرعون در سرزمین [مصر] تکبر و طغیان ورزید،

جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَّبِحُ أَبْنَاءَهُمْ وَ

و مردمش را به صورت گروه گروه [و ملزم به پیروی بی چون و چرای از خود] کرد، طایفه‌ای از آنان را به زبونی و در ماندگی کشاند، پسرانشان را سر می‌برد

يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٤﴾ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَىٰ

و دخترانشان را زنده می‌گذاشت، بی‌تردید او از تبهکاران فتنه‌انگیز بود (۴) ما می‌خواستیم به آنان که

الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴿٥﴾

در آن [سرزمین] به زبونی و در ماندگی سوزشان دادند نعمت [با ارزش] نجات از فرعونیان را [اعطا کنیم، و آنان را پیشوایان و وارثان اموال و سرزمین‌های ستمگران] اگر دانی (۵)

وَنُمَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيْ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا

و به آنان در آن سرزمین از همه نوع امکانات [مادی] عطا کنیم، و به فرعون و هامان و سپاهیانشان

مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ ﴿٦﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ

مذای را که همواره از آن هراس داشتند نشان دهیم (۶) به مادر موسی و حق گردیم (۶)

أَرْضِعِيْهِ فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ فَأَلْقِيْهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِيْ

به او شیر بده! و چون از ستم فرعونیان بر او بترسی به دریایش انداز و از غرق شدنش نترس و از فراقش محزون مشو!

إِنَّا رَأَوْنَاهُ إِذْ كَانَ كَالْبُتَّةِ يُرْسَلُ فِي سَفَرٍ فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ الْمَلَأَةِ الْكَافَّةِ

که ما حتماً او را به تو باز می گردانیم و از رسولان قرارش می دهیم (۷) چون به وحی پروردگار به دریایش انداخت، اخلاصان فرعون او را از میان آب برگرفتند

لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا

تا سرانجام دشمنشان و مایه اندوهشان شود، بی تردید فرعون و هامان و سپاهیانشان

كَانُوا خَاطِئِينَ ﴿٨﴾ وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْنِي لِي

گناهکار بودند (۸) همسر فرعون گفت: این نوزاد را برای من و تو سبب خوشی

لَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ

و شادمانی است، او را نکشید امید است به ما سود دهد، یا به فرزندی [خویش] انتخابش کنیم، درحالی که از اتفاقات آینده

لَا يَشْعُرُونَ ﴿٩﴾ وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِغًا إِنْ كَادَتْ

بی خبر بودند (۹) قلب مادر موسی از هر چیزی جز توجه به فرزندش [نهی] شد، اگر

لَتَبْدِيَ بِهِ لَوْ لَا أَنْ رَبَّنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

قلبش را استوار نکرده بودیم تا از باورکنندگان [وعدۀ ما نسبت به نوزادش] باشد هرآنکه نزدیک بود

﴿١٠﴾ وَقَالَتِ لِأُخْتِي قُصِّيهُ فَبَصَّرْتُ بِهٖ عَنْ جُنُبٍ وَهُمْ

آن را از ارافاش کند (۱۰) [مادر پس از انداختن نوزاد به دریا] به خواهر موسی گفت: [حال و وضع] او را بی گیری کن! [خواهر موسی به دنبال جریان آب به جایی

لَا يَشْعُرُونَ ﴿١١﴾ وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاصِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ

رسید که [موسی را دور دور در آغوش فرعونیان دید، درحالی که فرعونیان بی گیری او را نمی فهمیدند (۱۱) ما پیشاپیش ایشان را از او منع کردیم،

هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ

آید این سبب سینه هیچ دایه ای را نمی گرفت، [نهایتاً خواهرش] در جمع فرعونیان حاضر شد و گفت: آیا می خواهید [شماره خانواده ای را] معرفی

نَاصِحُونَ ﴿١٢﴾ فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَىٰ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَ

کنیم که سرپرستی او را برایتان به عهده گیرند، و خیر خواه او باشند (۱۲) پس او را به مادرش باز گردانیدیم تا سرور و شادمان شود و اندوه نخورد،

لِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٣﴾

و بدانند که حتماً وعده خداوند حق است، ولی بیشتر مردم [به حق بودن وعده خداوند] یقین ندارند (۱۳)

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي

چون [اموسی] به سن رشد و کمال جسمی و بلوغ عقلی رسید به او حکمت و دانش دادیم و نیکوکاران را این گونه

الْمُحْسِنِينَ ﴿١٤﴾ وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينٍ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ

پادشاه می‌دهیم (۱۴) [اموسی] درحالی که شهرنشینان از مسائل شهرها بی‌خبر بودند، وارد شهر شد،

فِيهَا رَجُلَيْنِ يَتَتَلَّانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ

دو مرد را دید که با یکدیگر به شدت می‌جنگیدند، یکی از پیروانش و آن دیگر از دشمنانش، آن که از پیروانش

الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَرَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ

بود بر ضد کسی که از دشمنانش بود از او درخواست باری کرد، موسی بی‌درنگ فحشی [محکم] به آن دشمن زد و او را کشت، و گفت: این [جنگ بین این دو نفر] از عمل شیطان است،

قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ ﴿١٥﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي

مسلمانا و دشمنی آشکار و گمراه کننده است (۱۵) گفت: پروردگارا! از این که با کشتن این ستمگر کافر برای خود از سوی دستگاه فرعون ایجاد مشکل و زحمت کردم [بر خویش

ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿١٦﴾ قَالَ رَبِّ

ستم روا داشتم، پس آثار و تبعات این حادثه را از من برطرف کن! خداوند آثار آن حادثه را که انتقام فرعونیان و شکنجه او بود از وی دفع کرد؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است (۱۶)

يَا أُنْعِمْتَ عَلَيَّ فَلَن أَكُونَ ظَهِيرًا لِّلْمُجْرِمِينَ ﴿١٧﴾ فَاصْبِرْ فِي الْمَدِينَةِ

گفت: پروردگارا! به پاس آنچه از تو توان جسمی و عقلی شدیدی [که به من عطا کردی] هرگز پشتیبان گناه پیشگان نخواهم بود (۱۷) [اموسی شب را] در آن شهر

خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ

با حالت ترس و نگرانی به صبح رساند و در انتظار [پیامد حادثه] بود، به ناگاه دید که آن دیروز از او درخواست کمک کرده بود [دوباره] وی را به کمک می‌خواند،

مُوسَىٰ إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُّبِينٌ ﴿١٨﴾ فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ

موسی [که او را مردی آشوب طلب و نزاع کننده با مردم دید] به او گفت: همانا تو گمراهی آشکار هستی (۱۸) هنگامی که خواست به کسی که هم دشمن خودش و هم

لَهُمَا قَالَا يَا مُوسَىٰ أَتُرِيدُ أَنْ نَقْتُلَكَ كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ

دشمن مرد اسرائیلی بود حمله قهرآمیز کند [آن مرد] فریاد برآورد: ای موسی! می‌خواهی مرا بکشی چنان که دیروز یک نفر را کشتی؟

إِنْ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ نَكُونَ مِنْ

تو در این سرزمین فقط می‌خواهی یاغی و سرکش باشی، و قصد نداری از

الْمُصْلِحِينَ ﴿١٩﴾ وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ يَسْعَىٰ قَالَ يَا مُوسَىٰ إِنَّ

مصلحان به شمار آیی (۱۹) مردی از دورترین [منطقه] شهر شتابان آمد [و] گفت: ای موسی!

الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ ﴿٢٠﴾

سران [قوم فرعون] درباره تو سرگرم مشورتند که تو را بکشند، بنابراین از شهر بیرون رو که من یقیناً از خیرخواهان توام (۲۰)

فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢١﴾

پس موسی ترسان و نگران درحالی که [پیامد ناگواری را] انتظار می‌کشید از شهر بیرون رفت، و در آن حال [گفت: پروردگارا! امر از این قوم ستمکار رهایی بخش (۲۱)]

وَمَا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ

هنگامی که به سوی مدین روی آورد گفت: امید است پروردگارم به راه راست [که رساننده به مطلوب است]

السَّبِيلِ ﴿٢٢﴾ وَمَا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِنَ النَّاسِ

هدایتهم کنند (۲۲) چون به آب مدین رسید گروهی از مردم را در آنجا دید که [چهارپایان را]

يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا

آب می دادند، و پشت سر آنان دوزن را مشاهده کرد که [گوسفندان را از رفتن به سوی آب باز]

قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ﴿٢٣﴾

می دارید؟ گفتند: ما [گوسفندان را] آب نمی دهیم تا چوپانان [دام هایشان را از کنار آب] برگردانند، و پدر ما مردی کهن سال است [که نمی تواند به این کار بپردازد] (۲۳)

فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ

موسی برای [کمک به] آنان [دام هایشان را] آب داد، آن گاه به سوی سایه بازگشت و گفت: پروردگارا! من به هر چیزی که

خَيْرٍ فَقِيرٌ ﴿٢٤﴾ فَجَاءَتْهُ أَحَدُهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي

به سویم بفروستی نیازمندم (۲۴) پس یکی از آن دو زن - درحالی که با حالت حیا گام برمی داشت - نزد او آمد [و] گفت: همانا

يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ

پدرم تو را دعوت می کند تا در برابر این که برای ما [گوسفندان را] آب دادی پاداش دهد. چون نزد او آمد و سرگذشتش را

الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢٥﴾ قَالَتْ

شرح داد، [پدر دختران] گفت: [دیگرا بیم و هراس نداشته باش؛ چون] از آن قوم ستمکار نجات یافتی (۲۵) قَالَتْ

أَحَدُهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ

یکی از آن دو [زن] گفت: ای پدر! او را استخدام کن! زیرا بهترین کسی که استخدام می کنی آن است که نیرومند

الْأَمِينُ ﴿٢٦﴾ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ

و امین باشد، او این جوان چنین است [۲۶] پدر گفت: می خواهم یکی از این دو دخترم را به همسریت درآورم

هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حَجَاجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ

به شرط آن که هشت سال در استخدام من باشی، و اگر [خواستی خدمت را] به ده سال برسانی آزادی،

عِنْدَكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَسُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنْ

من قصد سخت گیری به تو را ندارم، ان شاء الله مرا از درست کاران

الصَّالِحِينَ ﴿٢٧﴾ قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ

خواهی یافت (۲۷) [موسی] گفت: این [پیشهاد] آزادا بین من و تو باشد، هر کدام

قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿٢٨﴾

از این دو مدت [هشت یا ده سال] را به پایان برسانم ستمی بر من نیست [و نباید مرا بر خلاف خواسته ام مجبور کنی]، خداوند بر آنچه می گوئیم شاهد است (۲۸)

فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ النَّاسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ

چون موسی آن مدت را به پایان رسانید، و با خانواده‌اش رهسپار امصرا شد از جانب طور آتشی دید،

نَارًا قَالِ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا عَلَيَّ اتِيكُمْ مِنْهَا بَخْبَرٍ

به خانواده‌اش گفت: درنگ کنید که من آتشی دیدم، [به سراغش می‌روم] به امید این که از [کنار] آتش، گزارشی [برای یافتن راه مصر]،

أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿٢٩﴾ فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ

یا پاره‌ای آتش براینان بیاورم تا خود را ابا آن گرم کنید (۲۹) چون نزد آتش آمد،

مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ

از راست آن وادی در آن قطعه از زمین خجسته و پرخیر، از درخت ندا آمد که:

أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٣٠﴾ وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ

ای موسی! به راستی این منم خداوند، پروردگار جهانیان (۳۰) اکنون عصایت را بیفکن! چون [پس از افکندن عصا، آن را از دهایی] دید که

فَلَمَّا رَأَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى

بسیار سریع و شتابان حرکت می‌کند که گویا حرکتش مانند حرکت مار کوچک پر جست و خیز بود، پشت‌کنان رو به فرار گذاشت و به عقب برنگشت،

أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ ﴿٣١﴾ أَسْلَكَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ

اندا دادیم! ای موسی! پیش بیا و ترس که از گزندش در امانی! (۳۱) و دست را

تَخْرُجُ بِيضًا مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَاضْمُمُ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ

در گرمیانت بیرون هیچ عیبی، سپید [و در خشان] بیرون آید، و [برای رهایی از این] ترس [که دچارش شده‌ای، چون پرندۀ آرام یافته] دوبار ویت را به خود

فَإِنَّكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا

بجسان، این دو معجزه از ناحیه پروردگارت به سوی فرعون و سران [متکبران] قوم،

قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ

اوست که همواره مردمی منحرف و نافرمانند (۳۲) گفت: پروردگارا! من یک نفر از آنان را کشته‌ام،

يَقْتُلُونِ ﴿٣٣﴾ وَآخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ

می‌ترسم مرا بکشند (۳۳) برادرم هارون زبانش از من گویاتر است،

مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ ﴿٣٤﴾ قَالَ سَنَشُدُّ

او را با من روانه کن که دستیارم باشد، و [حقانیت] مرا [در همه امور] تصدیق کند؛ زیرا از این که انکارم کنند بیم دارم (۳۴)

عَصْدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِيلُونَ

[خداوند] فرمود: همانا تو را به وسیله برادرت نیرویی افزون عطا می‌کنیم، و برای شما [بر ضد آنان] به سبب معجزاتمان

إِلَيْكُمْ بِآيَاتِنَا أَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمْ كَمَا الظَّالِمُونَ ﴿٣٥﴾

اقتداری قرار می‌دهم که به [نابود] کردن شما دست نیابند، و شما و کسانی که از شما پیروی کنند [بر آنان] پیروزید (۳۵)

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُفْتَرَى

چون موسی معجزات روشن ما را برای آنان آورد، گفتند: این‌ها جز جادویی

وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ ﴿٣٦﴾ وَقَالَ مُوسَى رَبِّي

ساختگی نیست، و نشنیده‌ایم که این ادعای نبوت و ارائه معجزات در [امیان] پدران گذشته ما بوده باشد (۳۶) موسی گفت:

أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ مِنْ عِنْدِهِ وَمَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ

پروردگارم به کسی که از نزد او هدایت آورده، و به کسی که فرجام نیک برای اوست دانایتر است،

إِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿٣٧﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأَ مَا

بی‌تردید ستمکاران [در هیچ کاری] پیروز نمی‌شوند (۳۷) فرعون گفت: ای سران [کشورم]!

عِلِمْتُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانَ عَلَى الطِّينِ

من جز خودم هیچ معبودی برای شما نمی‌شناسم، پس ای هامان! برایم بر گل [آتش] بپزور!

فاجْعَلْ لِي صَرْحًا عَلَىٰ أَطْلَعُ إِلَى اللَّهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ

و [با] آجرهای محکم به دست آمده از آن [برجی بلند بساز] به امید این که بر معبود [آسمانی] موسی آگاه شوم؛ گرچه من او را [در باره این که جهان هستی]

الْكَاذِبِينَ ﴿٣٨﴾ وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ

معبود یکتایی دارد از دروغ‌گویان می‌دانم (۳۸) فرعون و سپاهیان در زمین ظالمانه [در برابر حق]

وظَنُّوا أَنَّهُم إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ ﴿٣٩﴾ فَأَخَذْنَا هُوَ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ

مگردن‌کشی کردند، و پنداشتند به سوی ما [برای محاکمه عادلانه] بازشان نمی‌گردانند (۳۹) پس و

فِي الْيَمِّ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿٤٠﴾ وَ

و سپاهیان را [با دست قدرت خود] گرفته و به دریا افکندیم؛ بنابراین با دقت بنگر که سرانجام

جَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ

ستمگران چگونه بود (۴۰) و آنان را [به کیفر گردن‌کشی و طغیان‌شان] پیشوایانی قرار دادیم که همواره مردم را دعوت به آتش [دوزخ] می‌کنند،

لَا يُنصَرُونَ ﴿٤١﴾ وَاتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَ

و روز قیامت از طرف احدی یاری نخواهند شد (۴۱) آنان را در این دنیا

يَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ ﴿٤٢﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا

با لعنت پی‌درپی بدرقه کردیم، و روز قیامت [هم] از زشت‌رویانند (۴۲) پس

مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَىٰ

از آن‌که اقوام پیشین [چون قوم نوح، هود، صالح و لوط] را [به سبب فسق و فجورشان] به هلاکت رساندیم،

بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٤٣﴾

به موسی کتابی که برای مردم وسیله روشن‌گری و هدایت و رحمت بود عطا کردیم تا متذکر [حقایق] شوند (۴۳)

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَصَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ الْأَمْرَ وَمَا كُنْتَ

تو ای رسول من! در جانب اسیبای غربی نبودی، هنگامی که ما مقام نبوت را بر موسی مقرر کردیم، و از

مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٢٤﴾ وَلَكِنَّا أَنشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ

حاضران! در آن حادثه مهم نبودی (۲۴) ولی ما ملت‌هایی را پدید آوردیم، پس روزگاری طولانی بر آنان گذشت [تا جایی که سرگذشتشان فراموش شد، اینک آن‌ها را

وَمَا كُنْتَ ثَاوِيًا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَلَكِنَّا

بر تو وحی می‌کنیم تا برای مردم بیان کنی، و تو در بین مردم مدین ساکن نبودی تا آیات ما را [که در بردارنده داستان موسی و شعیب است] بر مردم مکه قرائت کنی، ولی

كُنَّا مُرْسِلِينَ ﴿٢٥﴾ وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِن

ما بودیم که [تو را به سوی قوم] فرستادیم [تا آیاتی را که بر تو نازل کردیم برای متذکر شدنشان بر آنان بخوانی] (۲۵) از مانی که ما [موسی را] اندادادیم تو در ناحیه طور نبودی، ولی

رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ

این که سرگذشت موسی و شعیب را برایت بیان می‌کنیم [رحمتی از سوی پروردگار توست، تا مردمی را که پیش از تو برای آنان هشدار دهنده‌ای نیامده بوده هشدار دهی

لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٦﴾ وَلَوْ لَا أَن تَصِيبَهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ

که متذکر [حقایق] شوند (۲۶) و اگر چنین نبود که هرگاه [پیش از فرستادن پیامبری] کفر سختی بر اثر گناهشان به آنان رسد

أَيُّدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَ

بگویند: خدایا! چرا پیامبری برای ما نفرستادی تا از آیات پیروی کنیم و از مؤمنان باشیم، [بی تردید در عذاب گردنشان درنگ نمی‌کردیم،

نَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٧﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا

ولی با فرستادن پیامبر، حجت را بر آنان تمام کردیم تا مستحق عذاب شوند] (۲۷) پس هنگامی که حق [چون قرآن] از سوی ما برای آنان آمد،

لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوْ لَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ

[به جای آن که تسلیم آن شوند] گفتند: چرا مانند آنچه [از کتاب و معجزات] که به موسی دادند به او نداده‌اند؟ آیا آنان در گذشته

مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرُونَ

تورات و معجزاتی را که به موسی داده شد انکار نکردند؟ گفتند: [این تورات و قرآن] دو جادویند که پشتیبان یکدیگرند و [با تعصب] گفتند: ما منکر

﴿٢٨﴾ قُلْ فَاتُوا بِي كِتَابٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ

هر دو هستیم (۲۸) بگو: اگر [در ادعای خود که تورات و قرآن از جانب خدا نیست] راستگو هستید، کتابی از نزد خدا بیاورید که هدایت‌کننده‌تر از این دو [کتاب] باشد

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٩﴾ فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ

باشد تا از آن پیروی کنم (۲۹) چنانچه به [پیشنهاد] تو پاسخ ندادند

أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ

بدان که فقط از خواسته‌های [نامشروع] خود پیروی می‌کنند، و کیست گمراه‌تر از آن که

بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٣٠﴾

بدون [جراغ] هدایتی از سوی خداوند، از خواسته‌های [نامشروع] خود پیروی کند؟ بی‌گمان خدا مردم ستمکار را هدایت نمی‌کند (۳۰)

طَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ

هَمْ آيَاتِنَا وَلَكِنَّا

طُورٍ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ

نَذِيرٌ مِنْ قَبْلِكَ

صِبَّةٌ بِمَا قَدَّمَتْ

فَوَلَا فَنَتَّبِعْ آيَاتِكَ وَ

فَمِنْ عِنْدَنَا قَالُوا

وَأَيُّهَا أُوتِي مُوسَى

اننا لَكَا كَافِرُونَ

ان یکدیگرند! و ایا تعصب افگفتند: ما منکر

ایمانورید که هدایت گنندمتر این دو کتاب

ا	نو	پاسخ	ندادند
۱	۲	۳	۴

ست همراهتر از این که

ظالمین
ستمکار را هدایت نمی‌کند (۵۰)

وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥١﴾ الَّذِينَ

الَّذِينَ هُمْ عَنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾ وَإِذَا أُتْلِيَ عَلَيْهِمْ

قَالُوا اٰمَنَّا بِهِ اِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا اِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ ﴿٥٣﴾

لَكَ يُونُونَ أَجْرٌ مِّمَّا صَبَرُوا وَادْرَأْهُ بِالْحَسَنَةِ

السَّيِّئَةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٥٤﴾ وَإِذْ أَسْمِعُوا لِلنَّوَّاعِرِ صَوَاعِنَهُ

فَالْوَالِدَا أَغْمَانَا وَالْأَرْوَاحُ أَعْمَانَا

می گویند: اعمال ما برای ما و اعمال شما برای شماست، بین ما و شما جدایی است ما خواندن احادیث را نادانان نیستیم (۵۵)

۵۶ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ وَقَالَهُ إِنَّ تَلْبِعَ الْمُهْدَى مَعَكَ

بَخْطَفُ مِمَّنْ أَرْضَنَّا وَلَا مُمْكِنُ لَهُمْ حَمًّا مِّنَّا يُجْعَلُ النَّهْمُ أَتُ

کَلَّا شِعْرًا قَامُوا إِلَيْنَا أَلَكُمُ الْكُرْهُ لَكُمْ وَاللَّهُ يَتَذَكَّرُ أُولَئِكَ

سوی ماست به آنجا عمل شده و گردآوری می‌شود؟ اما بیشترشان معرفت ایه حافیا ندارند (۵۷) چه‌بهار

[illegible]

سَنَنْ بَعْدَهُمْ إِلَّا قَلِيلًا وَلَنُفَصِّلَنَّ الْوَارِثِينَ وَمَا كَانَ
يُؤْتِي الْأَنْبِيَاءَ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ شَيْئًا قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأَنَّا لَمُبْصِرُونَ

ربك هلك المرى حتى يبعث في ايجار سوره يتلوا عليهم آيات

وَمَا أَوْتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا وَمَا عِنْدَ

آنچه به شما عطا شده کالای زندگی دنیا و زینت و آرایش آن است، و آنچه از ثواب و پاداش ابدی نزد خداست

اللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٠﴾ أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ

بهتر و پایدارتر است، آیا اندیشه نمی کنید؟ (۶۰) آیا کسی که او را وعده نیک [مغفرت و بهشت] داده ایم

لَأَقْبِيهِ كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ

و حتماً به آن می رسد، مانند کسی است که او را [فقط] از کالا و ابزار زندگی [زودگذر] دنیا بهره مند کرده ایم، آن گاه در روز قیامت از جمله

الْمُخْضَرِّينَ ﴿٦١﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ

احضار شدگان [برای عذاب] است؟ (۶۱) به یاد آر روزی که خداوند آنان را ندای دهد و می گوید: معبودانی که می پنداشتید [در ربوبیت] شریک من هستید

تَزْعُمُونَ ﴿٦٢﴾ قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا

تجانبند؟ (۶۲) کسانی که [وعده] عذاب بر آنان حتمی شده، [هم آنان که خود را با حيله و ترفند به عنوان معبود به مردم تحمیل کرده بودند] می گویند: پروردگار! اینانند [ایران ما] که

أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ ﴿٦٣﴾ وَ

گمراهشان کردیم، [آری] همان گونه که [خود ما به اختیار خودمان] گمراه شدیم آنان را نیز [با اختیار و انتخاب خودشان] گمراه کردیم، [اینک] در پیشگاه تو [از آنان] انیزاری می جویم، در

قِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ

حقیقت ما را نمی پرستیدند [بلکه پرستنده خواسته های نامشروع خود بودند] (۶۳) [به پیروان معبودان باطل] گفته می شود: معبودان را [برای نجات خود از عذاب] بخوانید، پس آنان را

لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ ﴿٦٤﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ

می خوانند ولی آنان پاسخشان نمی دهند، در آن حال عذاب را می بینند [و از روی گنبد] ای کاش هدایت می شدند! (۶۴) [یاد کن] روزی که [خداوند] به آنان ندای دهد و می گوید: چه پاسخی

الْمُرْسَلِينَ ﴿٦٥﴾ فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ ﴿٦٦﴾

به پیامبران [در زمینه دعوتشان به هدایت] دادید؟ (۶۵) پس در آن روز [به سبب در حجاب بودن دل هایشان] همه اخباری که بیانگر وضع اسفبار آنان است،

فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ

و اخباری که مایه شادی و آرامش است [بر آنان پوشیده می ماند، و] چون همه راه ها به رویشان بسته است [از یکدیگر پرسش [هم] نمی کنند؛ از برای عینه ای برای

﴿٦٧﴾ وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ

پرسش جهت روشن شدن وضعیتشان ندارند] (۶۶) اما کسی که [از شرک و گناه] توبه کرده و مؤمن شده، و کار شایسته انجام دهد به راستی که [بر همه موانع راه

اللَّهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٨﴾ وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ

سعادت] پیروز و از رستگاران [شود] (۶۷) پروردگارت آنچه را بخواهد می آفریند و انتخاب می کند، برای انسان ها [در برابر اراده او در قلمرو تکوین و تشريع] اختیاری

وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٦٩﴾ وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي

نیست، خداوند منزّه و برتر است از آنچه شریک او قرار می دهند (۶۸) پروردگارت آنچه را سینه هایشان پنهان می دارد، و آنچه را آشکار می کنند می داند (۶۹) اوست

الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةُ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٧٠﴾

خداوند یکتایی که جز او معبودی نیست، همه ستایش ها در دنیا و آخرت ویژه اوست، و فرمانروایی [نیز] فقط برای اوست، و به سوی او بازتان می گردانند (۷۰)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

بگو: به من خبر دهید اگر خداوند شب را تا روز قیامت بر شما بکسره و پابنده کند

مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بَضِيَاءٌ أَفَلَا تَسْمَعُونَ ﴿٧١﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ

کدام معبودی در برابر خداست که برای شما روشنایی بیاورد، آیا گوش شنوای حقایق را ندارید [تا بفهمید که معبودی جز خداوند بگمان نیست] (۷۱) بگو:

إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

به من خبر دهید اگر خداوند روز را بر شما تا روز قیامت بکسره

مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بَلِيلٌ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٧٢﴾

و پابنده سازد، کدام معبودی در برابر خداست که شبی را برای شما بیاورد تا در آن آرامش یابید؟ آیا

وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ

[تا قدرت او را با چشم سر و دل نمی بینید؟] (۷۲) از [ناحیه] رحمتش شب و روز را برای شما قرار داد برای اینکه

لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ

در شب آرامش یافته، و [در روز] جویای احسان و روزی او شوید، تا سپاس گزاری کنید (۷۳) [از] روزی [یاد کن]

فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٧٤﴾ وَتَزْعُمَانِ

که خدا ناسپاسان را ندا می دهد و می گوید: معبودانی که می پنداشتید [در ربوبیت] شریک من هستند کجایند؟ (۷۴) در قیامت

كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدٌ أَفْقَلُنَاهَا تَوَابُرْهَا نَكُرُ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَ

[از هر امتی گواهی [بر اعمالشان] را احضار می کنیم، و [در حضور گواه به امت] می گوئیم: دلیل خود را [بر درستی فرهنگ شرک] بیاورید، [چون دلیلی ندارند] آنچه [به]

صَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٧٥﴾ إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ

عنوان شریک [به دروغ] [به خدا] نسبت داده بودند از بین می رود، پس برای آنان [این معنا] یقینی می شود که حق [الوهِیت و معبودیت] ویژه خداست (۷۵) همانا قارون

مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءَ

از قوم موسی بود که بر آنان برتری جویی و طغیان روا داشت، از گنجینه ها آن قدر به او عطا کردیم که حمل کلیدهای صندوق های

بِالْعَصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ

بر گروهی نیرومند سخت کمرشکن بود، [در چنان موقعیتی که داشت] قومش به او گفتند: مغرورانه دلخوش و شاد مباش که خداوند

الْفَرِحِينَ ﴿٧٦﴾ وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ

کسانی را که مغرورانه شادمانند دوست ندارد (۷۶) با ثروت فراوانی که خدا به تو عطا کرده خواهان سرای آخرت باش!

نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ

[البته] سهم لازم خود را از دنیا فراموش مکن! و همان گونه که خداوند به تو نیکی کرده [با هزینه کردن ثروت، به مردم] نیکی کن!

لَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿٧٧﴾

و در زمین خواهان تبهکاری و فتنه انگیزی مباش! بی تردید خداوند تبهکاران فتنه انگیز را دوست ندارد (۷۷)

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي ۖ أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ

گفت: جز این نیست که این ثروت و مال انبوه بر پایه دانشی که نزد من است فراهم شده، [نه از سوی خداوند]! آیا نمی دانست که خداوند

قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ أَكْثَرُ جَعًا وَلَا يُسْئَلُ

پیش از او اقوامی را نابود کرده که از او نیرومندتر و ثروت اندوزتر بودند؟ و [هنگام آمدن عذاب] گناه پیشگان از گناهانشان

عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ ﴿٧٨﴾ فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ

[که برای خداوند معلوم و مشهود است] بازپرسی نمی شود (۷۸) [فارون] با [همه] زینت و زیورش به جانب قومش بیرون شد،

قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ

آنان که [به سبب جهل به آخرت و پاداش های عظیم آن] خواهان زندگی دنیا بودند گفتند: ای کاش مانند آنچه

إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿٧٩﴾ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيْلَكُمْ

برای قارون فراهم آمده برای ما! هم فراهم! بود، همانا او دارای بهره بزرگی است (۷۹) ولی آنان که آراسته به معرفت [و شناخت حقایق] بودند گفتند:

ثَوَابِ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلْقِيهَا إِلَّا

وای بر شما [دنیاطلبان]! پاداش خداوند برای مؤمنانی که کار شایسته انجام داده اند بهتر است، و این [حقیقت] را

الصَّابِرُونَ ﴿٨٠﴾ فَخَسَفْنَا بِهِ وَبَدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ

جز شکیبایان [بر حوادث تلخ و شیرین] دریافت نمی کنند (۸۰) پس او و خانه اش را [به کفر طغیان و بغل و اندیشه ناپسندش] در زمین فرو بردیم، و در برابر [قدرت و اراده] خداوند

يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ ۚ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِينَ ﴿٨١﴾ وَأَصْبَحَ

هیچ گروهی برای او نبود که وی را [برای رهایی از عذاب] یاری دهد، و خود نیز نتوانست از خود دفاع کند (۸۱)

الَّذِينَ تَمَتَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيُكَانَ اللَّهُ يَبْسُطُ

بامدادان آنان که دیروز جایگاه او را آرزو داشتند می گفتند: شگفتا! خداوند

الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْ لَا أَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا

رزق را برای هرکس از بندگانش بخواهد گشایش می دهد، و [برای هرکس بخواهد] تنگ می گیرد، اگر خداوند بر ما مَنّت نمی گذاشت

لَخَسَفَ بِنَا وَيُكَانَهُ لَا يَفْلَحُ الْكَافِرُونَ ﴿٨٢﴾ تِلْكَ الدَّارُ

ما را [اینجا] در زمین فرو برده بود، عجب! که کافران یقیناً [بر مشکلات و موانع راه زندگی] پیروز نمی شوند (۸۲) آن سرای [پروازش] را

الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا

آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در زمین نه در پی برتری جویی و سلطه اند، نه در پی تبهکاری و فتنه اندازی،

وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٨٣﴾ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَمَنْ جَاءَ

و سرانجام [نیک] برای کسانی است که از خدا اطاعت کرده، و از محرماتش می پرهیزند، (۸۳) هرکس [به پیشگاه خداوند] کار نیکی بیاورد پاداشی بهتر از آن برای اوست، و هرکس

بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٨٤﴾

کار بدی بیاورد [بداند که] بدکاران جز به گناهی که همواره مرتکب می شدند کیفر داده نمی شوند (۸۴)

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدُكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ

می‌تردید کسی که ابلاغ و عمل کردن به قرآن را بر تو واجب کرده، تو را [پرویز مندانه در حالی که دینت گسترش می‌یابد] به زادگاه [و وطن اصلی] ات مکه [باز می‌گرداند،

بالمُدَّةِ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٨٥﴾ وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكَ

مگر: پروردگارم به کسی که هدایت را آورده، و به کسی که در گمراهی آشکار است دانای است (۸۵) تو انتظار نداشتی که این کتاب [با عظمت] به تو عطا شود،

الْكِتَابِ الْأَرْحَمَ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهيرًا لِلْكَافِرِينَ ﴿٨٦﴾ وَ

اولی این نبود! مگر رحمتی از سوی پروردگارت، پس هرگز پشتیبان کافران مباش! (۸۶)

لَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بِعَدَاذِ أَنْزِلْتُ إِلَيْكَ وَأَدْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ وَلَا

مبادا! کافران لجوج! تو را از ابلاغ آیات خدا پس از آن که به سوی تو فرستاده شده بازدارند، به سوی پروردگارت دعوت کن!

تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٨٧﴾ وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

و هرگز از مشرکان مباش! (۸۷) با خداوند معبود دیگری را بخوان! جز او معبودی

كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٨﴾

وجود ندارد، هر چیزی جز ذات اوفانی و نابود است، فرمانروایی ابر ظاهر و باطن هستی فقط در اختیار اوست، و همه را به سوی او باز می‌گردانند! (۸۸)

سُورَةُ الْعَنْكَبُوتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱ أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ

الف، لام، میم (۱) آیا مردم پنداشته‌اند که چون بگویند مؤمن شده‌ایم رهایشان می‌کنند؟ و [به وسیله مال و مقام و اولاد و جانشان و حوادث]

۲ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا

استحان نمی‌شوند؟ (۲) بی‌تردید کسانی را که پیش از آنان بودند در بونه امتحان قرار دادیم، [احتمالاً اینان را نیز امتحان خواهیم کرد،] مسلماً خداوند آنان را که

۳ وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَافِرِينَ ۚ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ

اخر ادعای ایمان داشتن! راست گفته‌اند، و نیز دروغگویان [مدعی] را [به خوبی] می‌شناسد! (۳) آیا کسانی که مرتکب

السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٤﴾ مَنْ كَانَ يَرْجُوا

زشتی‌ها می‌شوند پنداشته‌اند می‌توانند بر [قدرت] ما چیره شوند [تا از کیفرمان در امان بمانند]؟ بد داوری می‌کنند! (۴) کسی که

لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٥﴾ وَمَنْ

به لقاء خداوند امید بسته [باید در طاعت و ترک گناه بکوشد] زیرا از زمان [معین شده از سوی] خداوند [که روز قیامت است] بدون تردید آمدنی است، و او شنوای گفتار شما!

۶ جَاهِدْ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٦﴾

و دناای به همه اعمالی است [که انجام می‌دهد] (۵) کسی که [برای] خدا و در راه خدا [بکوشد فقط به سود خودش می‌کوشد] زیرا خداوند از جهانیان بی‌نیاز است! (۶)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ

آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند یقیناً گناهانشان را از آنان می‌پوشانیم.

لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۷﴾ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ

و بر پایه بهترین عملی که همواره انجام می‌دادند پاداششان می‌دهیم (۷) ما به انسان درباره احسان

بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ

به پدر و مادرش ایه هر آینه که باشند اسفارش کردیم، چنانچه آن دو نفر بکوشند تا بر پایه جهالت (و امور بی دلیل و غیر علمی)، چیزی را شریک (در الوهیت) من قرار دهی

فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَىٰ مَرْجِعُكُمْ فَاَنْتَبِئْكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۸﴾

از آنان اطاعت مکن! بازگشت همه شما به سوی من است، نهایتاً شما را به آنچه همواره انجام می‌دادید آگاه می‌کنم (۸)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ ﴿۹﴾

کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند بی‌تردید آنان را در گروه شایستگان وارد می‌کنیم (۹)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةً

از مردم کسانی هستند که می‌گویند: به خداوند ایمان آوردیم. ولی زمانی که در راه خدا (از سوی دشمنان) شکنجه شوند، آزار مردم (نسبت به خود) را

النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ

مانند عذاب خدا (غیر قابل تحمل) می‌پندارند (و از بیم ادامه یافتنش از ایمان دست برمی‌دارند)، و چنانچه از سوی پروردگارت نصرتی (چون

أَوَّلَىٰ بِاللَّهِ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ ﴿۱۰﴾ وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ

بیروزی) بیاید بی‌گمان می‌گویند: ما از دیر باز با شما بودیم. آیا خداوند به آنچه در سینه‌های جهانیان است (از خود آنان) آگاه‌تر نیست؟ (۱۰) همانا

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ ﴿۱۱﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا

خداوند کسانی را که (از روی صِدق) ایمان آورده‌اند می‌شناسد، و بی‌تردید منافقان را (نیز) می‌شناسد (۱۱) کافران به مؤمنان گفتند:

لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ

از طریقه او (فرهنگ) ما پیروی کنید تا اگر آخرتی در کار باشد ما گناهانتان را بر عهده بگیریم.

مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿۱۲﴾ وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ

آنان چیزی از گناهان مؤمنان را به عهده نخواهند گرفت، کافران مسلماً (در وعده‌هایی که می‌دهند) دروغ‌گویند (۱۲) مسلماً آنان

وَأَثْقَالًا مَعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيُسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا

بارهای سنگین گناهان خود را به دوش می‌کشند، و بارهای سنگین دیگری را به انضمام بارهای خود نیز به دوش خواهند کشید، و روز قیامت از

يَفْتَرُونَ ﴿۱۳﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ

دروغ‌هایی که (به خدا و پیامبر و مؤمنان) می‌بستند حتماً باز پرسى خواهند شد (۱۳) به راستی نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس هزار سال

إِلَّا خَسِينَ عَامًا فَآخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ ﴿۱۴﴾

بنجاه سال کم‌در بین آنان زندگی کرد، (چون بیشتر مردم به او مؤمن نشدند) (سرانجام توفانی) (سهمگین) آنان را در حالی که ستمکار بودند فرا گرفت (۱۴)

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴿١٥﴾

پس او و اهل کشتی را به ساحل نجات رساندیم، و آن [حادثة] را عبرتی [بسیار مهم] برای جهانیان قرار دادیم (۱۵)

وَابْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ

و ابراهیم را [نیز فرستادیم]، آن زمان به قومش گفت: خداوند را بپرستید و از او [اطاعت کرده]، از محض مائش [بپرستید]، چنانچه مردم دانایی باشید

إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٦﴾ إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا

این ارا و روش را برای شما بهتر است (۱۶) جز این نیست که شما به جای خداوند بت‌هایی [بی‌اثر و بوج] را می‌پرستید،

وَتَخْلُقُونَ أَفْكَاءَ إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ

و [نام‌های] دروغین [چون الهه و شفیع و معبود، برای آن‌ها] می‌سازید، آن‌هایی که به جای خدا می‌پرستید اختیار هیچ رزقی را

لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ

برای شما ندارند، رزق را از پیشگاه خداوند بخواهید، و او را بپرستید و شکرگزار حضرتش باشید، [همه] شما را

تَرْجِعُونَ ﴿١٧﴾ وَإِنْ تُكَذِّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَا

به‌سوی او باز می‌گردانند (۱۷) اگر مرا انکار کنید [کار تازه‌ای نیست؛ زیرا] امت‌هایی [نیز] پیش از شما عنکر [ایمان‌بران] بودند،

عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿١٨﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ

بر عهده پیامبر جز رساندن اشکار [پیام وحی] نیست (۱۸) آیا ندانسته‌اند که خداوند

اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿١٩﴾ قُلْ سِيرُوا

چگونه آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را [پس از فروپاشیدنش] باز می‌گرداند، یقیناً این [کار] بر خداوند آسان است (۱۹) بگو:

فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ

در زمین گردش کنید، پس با دقت بنگرید که [خداوند] چگونه آفرینش را آغاز کرد، سپس خداوند

الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٠﴾ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ

جهان آخرت را ایجاد می‌کند؛ چون خداوند بر هر کاری تواناست (۲۰) هرکس را بخواهد [به سبب گناهانش] عذاب می‌کند،

مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ ﴿٢١﴾ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي

و هرکس را بخواهد [به سبب توبه‌اش] مورد رحمت قرار می‌دهد، و [همه] شما را به‌سوی او باز می‌گردانند (۲۱) شما نه در زمین

الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ

و نه در آسمان، عاجزکننده [خدا] نیستید [تا بتوانید از دسترس قدرت بیرون روید]، و شما را در برابر خداوند هیچ سرپرست

وَلَا نَصِيرٍ ﴿٢٢﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ

و [فریادرسی] نیست (۲۲) کافران به آیات خدا و لقای او از رحمت من

أُولَئِكَ يَكُونُ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٣﴾

[به سبب تاریکی باطنشان] مأیوسند، برای اینان عذابی دردناک خواهد بود (۲۳)

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجَاهُ اللَّهُ

نهایتاً واکنش قوم ابراهیم [در برابر مخالفتش با بت‌ها و دعوت به توحید] جز این نبود که اعلام کردند: او را بکشید یا بسوزانید!

مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٢٢﴾ وَقَالَ

ولی خداوند او را از آن آتش [که برای سوزاندنش فروخته بودند] نجات داد، مسلماً در این [حادثة] برای مردم مؤمن عبرت‌هاست (۲۴) [ابراهم پس از نجات از آتش به

إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ

قومش روی آورد] و گفت: اینک به جای خداوند بت‌هایی [بی اثر و بوج] را [به عنوان معبود] انتخاب کرده اید، سبب دوستی بین خودتان است؛ برای اینکه می خواهید

الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ

در سایه این محبت و عشق به فرهنگ بت پرستی، زندگی ازودگذر و فانی [دنیایی] خود را اداره کنید، سپس روز قیامت [که اینگونه پیوندها

بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ وَمَا وَكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ نَّاصِرِينَ ﴿٢٥﴾

از بین می رود] از یکدیگر بی‌زاری می جوید، و یکدیگر را لعنت می کنید، جایگاهتان آتش است، و هیچ فریادرسی برایتان نخواهد بود (۲۵)

فَأَمِّنْ لَهُ لَوْطُ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ

لوط [در همه زمینه های توحیدی و معنوی] به ابراهیم گروید، از آن جا که ابراهیم محیط خود را برای تبلیغ دین مناسب ندید به قوم لجوجش [گفت: البته من

الْحَكِيمُ ﴿٢٦﴾ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ

بسوی پروردگار مهاجرت می کنم که فقط او توانای شکست نابذیر و حکیم است (۲۶) و اسحاق و یعقوب را به او عطا کردیم، و پیاپی و کتاب [آسمانی] را در نسلش

التَّوْبَةِ وَالْكِتَابِ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ

قرار دادیم، و پاداشش را در دنیا به او دادیم، و مسلماً او در آخرت

لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٢٧﴾ وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ

در زمره شایستگان است (۲۷) و لوط را [نیز فرستادیم]، آن زمان به قومش گفت: شما

لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ

عمل بسیار زشتی را انجام می دهید که پیش از شما هیچ یک از جهانیان در این عمل

الْعَالَمِينَ ﴿٢٨﴾ أَيْتَكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ

بر شما پیشی نگرفته اند (۲۸) آیا شما [برای عمل زشتان] به سوی مردان می روید و راه [توالد و تناسل] را قطع می کنید،

وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمْ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ

و در محفل عمومی خود این کار بسیار زشت را [در برابر یکدیگر] انجام می دهید؟! ولی واکنش قومش

إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتِنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ

جز این نبود که گفتند: اگر تو [در ادعای نبوت] از راست گویانی عذاب خدا را

الصَّادِقِينَ ﴿٢٩﴾ قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ ﴿٣٠﴾

برای ما بیاور! (۲۹) لوط گفت: پروردگارا! مرا در برابر این قوم تبهار فتنه انگیز یاری کن (۳۰)

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا

چون فرستادگان ما یا مزده اولاد اسحاق نزد ابراهیم آمدند گفتند: البته ما اهل این شهر را

أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ إِنَّا أَهْلُهَا كَانُوا ظَالِمِينَ ﴿٣١﴾ قَالَ

اگر با لوط مخالفت کردند نابود می‌کنیم؛ زیرا اهلش ابر خود و دیگران همواره ستمکار بودند (۳۱)

إِن فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنَنْجِيَنَّهُ وَأَهْلَهُ

ابراهیم گفت: لوط در آن جاست. گفتند: ما به کسانی که در آن جا هستند و از دگر می‌کنند دانائیم، حتما

إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَائِبِينَ ﴿٣٢﴾ وَلَمَّا أَن جَاءَتْ

او و خانواده‌اش را نجات می‌دهیم مگر همسرش را که از باقی ماندگان [در بین کافران] خواهد بود (۳۲) چون

رُسُلُنَا لُوطًا سِئَاءَ يَوْمٍ وَحْنًا قَالُوا ذُرْعَا قَالُوا لَا تَخَفْ وَ

فرستادگان ما [به صورت انسان‌هایی آراسته] نزد لوط آمدند، به سبب [حضور] آنان لوط بدحال و بی‌طاقت شد، [به او] گفتند:

لَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنْجُونَكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ

مترس، و اندوهگین مباش! مسلماً ما نجات‌دهنده تو و خانواده‌ات هستیم به جز همسر

الْغَائِبِينَ ﴿٣٣﴾ إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَى أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا

که از باقی ماندگان [در بین کافران] است (۳۳) ما بر اهل این شهر به سبب کار بسیار زشتی که انجام می‌دهند

مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿٣٤﴾ وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً

عذاب سختی از آسمان فرود می‌آوریم (۳۴) آن شهر را با عذاب آسمانی درهم کوبیدیم، و از آن [منطقه عذاب‌زده] نشانه‌ای روشن

بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٣٥﴾ وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ

برای مردمی که اهل اندیشه‌اند بر جای گذاشتیم (۳۵) و [نیز] به سوی اهل مدین برادرشان شعیب را [فرستادیم]،

يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْتَوُوا فِي الْأَرْضِ

پس گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید و از روز قیامت بیم داشته باشید، و در زمین

مُفْسِدِينَ ﴿٣٦﴾ فَكَذَّبُوهُ فَآخَذْتَهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا

تبهکاری و فتنه‌انگیزی نکنید [که بسیار زشت است] (۳۶) پس او را انکار کردند، در نتیجه زلزله سختی آنان را فراگرفت، نهایتاً

فِي دَارِهِمْ جَائِمِينَ ﴿٣٧﴾ وَعَادًا وَثَمُودًا وَقَدْ تَبَيَّنَ

در خانه‌هایشان به رو درافتاده، جسمی بی‌جان شدند (۳۷) و [قوم] عاد و ثمود را [نیز] هلاک کردیم،

لَكُمْ مِنْ مَّسَاكِينِهِمْ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ

و [اسرنوشت] شومشان [از] مسکن‌های [خالی و خراب] آنان برای شما پیدا و نمایان است، شیطان اعمال [زشت] آنان را

أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّ هُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ ﴿٣٨﴾

[برای این که به آسانی مرتکب شوند] در نظرشان آراسته، در نتیجه از راه [خداوند] بازمان داشت، در حالی که [در تشخیص حق از باطل] آگاهی داشتند (۳۸)

وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَىٰ

قارون و فرعون و هامان را اینز هلاک کردیم، البته موسی برای آنان دلایل روشن آورد

بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ ﴿٣٩﴾

اما در زمین تکبر و سرکشی کردند، ولی پیشی گیرنده ابر اراده و قضا و قدر ما نبودند [تا بتوانند از عذاب ما بگریزند] (۳۹)

فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذُنُوبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ

پس همه را [این گونه] به گناهانشان کیفر دادیم [که]: بر برخی از آنان بادی شدید [که حامل سنگریزه و شن بود] فرستادیم،

مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ

بعضی را فریاد مرگبار فراگرفت، و برخی را به زمین فرو بردیم،

مَنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا

و عده ای را غرق کردیم، خداوند چنین نبود که بر آنان ستم ورزد، بلکه

أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٤٠﴾ مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ

آنان بودند که به خودشان ستم روا داشتند (۴۰) مثل کسانی که به جای خداوند

أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ

سرپرستی [برای کارسازی امورشان] انتخاب کرده اند چون عنکبوت است که خانه ای [بی پایه و اساس برای خود] ساخته، همانا

الْبُيُوتِ لَبَيْتٌ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ

سست ترین خانه ها خانه عنکبوت است، اگر [این حقیقت را] می فهمیدند [هرگز بُت های بی پایه و پوچ را سرپرست خود نمی گرفتند] (۴۱)

مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٤٢﴾

بهرستی خداوند می داند که [این بی خردان] چه چیزهایی را به جای خدا می خوانند، درحالی که توانای شکست ناپذیر

وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ ﴿٤٣﴾

و حکیم فقط اوست (۴۲) این مثل ها را [به خاطر توضیح حقایق و معارف] برای مردم می زنیم، و جز دانشوران

خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

در آنها اندیشه نمی کنند (۴۳) خداوند آسمان ها و زمین را به حق و درستی آفرید،

لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٤﴾ أَتُلُّ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ

بی گمان در این [آفرینش] برای مؤمنان نشانه ای ابر ربوبیت، قدرت و یکتایی خدا است (۴۴) آنچه را از این کتاب به تو وحی شده

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ

تلاوت کن! و نماز را [با شرایط ویژه اش] بخوان! بی تردید نماز بازدارنده از هر زشت کاری

وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿٤٥﴾

و ناپسندی است، همانا یاد خداوند [ثری] بزرگتر از دیگر آثار نماز است، و خدا آنچه را انجام می دهید می داند (۴۵)

وَلَا تَجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا

با اهل کتاب جز با نیکوترین شیوه، بحث ادبى و اعتقادی نکنید، مگر

الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ

با کسانی از آنان که [در بحث با شما] به صورتی لجوجانه برخورد کنند، [به آنان] بگویید: به آنچه به سوى ما و به سوى شما نازل شده ایمان داریم،

إِلَيْكُمْ وَالْهِنَا وَالْهَكْمُ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿٢٦﴾

معبود ما و شما یکی است او آن خداوند یگناست، و ما تسلیم او هستیم (۲۶)

كَذَلِكَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ

ایمان گونه که بر پیامبران گذشته کتاب نازل کردیم اینچنین این کتاب را به سوى تو فرستادیم، پس [برخی از] کسانی که اهل کتابند

يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا

به آن ایمان می آورند، و از اینان [که مشرکان اهل مکه اند] اندکی به آن مؤمن می شوند، و آیات ما را

إِلَّا الْكَافِرُونَ ﴿٢٧﴾ وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا

جز کافران انکار نمی کنند (۲۷) تو پیش از این [قرآن] [نه هیچ نوشته ای را می خواندی، و نه آن را بدست خود می نوشتی، و گرنه باطل گویان یاوه گو] و

تَخْطُهُ بِيَمِينِكَ إِذَا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ ﴿٢٨﴾ بَلْ هُوَ آيَاتُ بَيِّنَاتٍ

وحی بودن و حقانیت آن آشک می کردند (۲۸) بلکه اگر با سواد هم بودی ساختن چون قرآن هرگز برایت ممکن نبود، [این قرآن آیات روشنی است

فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ ﴿٢٩﴾

در سینه کسانی که به آنان معرفت عطا شده، و آیات ما را جز ستمکاران انکار نمی کنند (۲۹)

وَقَالُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ

[مشرکان مکه] گفتند: چرا از سوی پروردگارش معجزاتی [چون معجزات پیامبران گذشته] بر او نازل نمی شود؟ بگو: [اختیار فرستادن] معجزات

عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٥٠﴾ أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا

فقط در انحصار خداست، جز این نیست که من هشداردهنده ای روشنم (۵۰) آیا برای آنان این بس نبوده

عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَى عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَ

که ما این کتاب را که [همواره] بر آنان خوانده می شود بر تو نازل کردیم؟ همانا در این [کار] رحمتی است [ویژه]،

ذِكْرَى لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٥١﴾ قُلْ كَفَى بِاللَّهِ بَيِّنًا وَبَيْنًا كُمْ

و مایه پندی است برای مردمی که ایمان دارند (۵۱) بگو: بس است که خداوند [درباره حقانیت قرآن و نبوت] بین من و شما

شَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ آمَنُوا

شاهد باشد، او آنچه را در آسمان ها و زمین است می داند، آنان که

بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٥٢﴾

به باطل [چون بت و طاغوت] گرویده اند، و به خداوند کافر شده اند [زاینکاران] واقعی اند (۵۲)

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْ لَّا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَ

از تو خواهان شتاب [در آمدن] عذاب هستند، چنانچه مهلتی معین [برای آنان] مقرر نبود قطعاً عذاب [ای را که] خواهانش بودند [بر آنان] می آمد.

لَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٣﴾ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ

و حتماً پس از سر آمدن مهلت معین [در حالی که] از آمدنش [بی خبرند] ناگهان به سراغشان خواهد آمد (۵۳) از تو خواهان شتاب [در آمدن] عذاب هستند.

جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿٥٤﴾ يَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَ

بدون تردید [هم اکنون] دوزخ بر کافران احاطه دارد (۵۴) روزی را [به آنان] یادآوری کن که عذاب از بالای سرشان

مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٥٥﴾ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ

و از زیر پایشان [آنان را] می پوشاند، [خداوند] بفرشته الهی [می گوید]: آنچه را همواره انجام می دادید اکنون [به صورت سخت ترین عذاب] [بپوشید] (۵۵) ای بندگان

آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ

مؤمن من از منیم [پهنای] است، پس [با انتخاب جایی مناسب که از نظر دینی در مضیقه نباشید] فقط مرا عبادت کنید (۵۶) هر جاندار [اطعم]

ثُمَّ الْيَنَّا تُرْجَعُونَ ﴿٥٧﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ

مرگ را [می چشد]، سپس به سوی ما بازتان می گردانند (۵۷) بدون تردید مؤمنانی که کارهای شایسته انجام داده اند

مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ

در قصرهایی رفیع از بهشت که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است جای خواهیم داد، در آن جا جاودانه اند.

الْعَامِلِينَ ﴿٥٨﴾ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٥٩﴾

پاداش عمل کنندگان نیکوست (۵۸) هم آنان که [برای حفظ ایمانشان در برابر هر پشیمانی و شکست و ورزیدند، و همواره بر پروردگارشان توکل دارند] (۵۹)

وَكَايْنِ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ

چند بسیار جنبنده ای که قدرت به عهده گرفتن روزی خود را ندارند، خداوند است که به آنان و شما روزی می دهد.

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦٠﴾ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

او شنوای درخواست همه، و دانای به امور کل جنبندگان و شما [است] (۶۰) اگر از مشرکان بپرسی چه کسی آسمان ها و زمین را آفرید.

وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِيَقُولَنَّ اللَّهُ فَإِنِّي يَوْمَ فُكُونٍ ﴿٦١﴾ اللَّهُ يَبْسُطُ

و خورشید و ماه را به کار گرفت؟ به یقین خواهند گفت: خدا. پس چگونه [از اعتقاد به وحدانیت پروردگار] منحرفشان می کنند؟ (۶۱) خداوند

الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٦٢﴾

رزق و روزی را برای هر یک از بندگان بخواد و وسعت می دهد یا تنگ می گیرد، قطعاً خداوند بر هر کاری تواناست (۶۲)

وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ

اگر از آنان بپرسی چه کسی از آسمان، آبی فرستاد و زمین را به وسیله آن پس از مردنش زنده کرد؟

مَوْتِهَا لَيَقُولَنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٦٣﴾

بی شک خواهند گفت: خدا. بگو: همه ستایش ها ویژه خداست، بلکه بیشتر آنان [در گفتار و کردار خود] اندیشه نمی کنند (۶۳)

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ

این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازی نیست، بی تردید سرای آخرت همان زندگی ا واقعی است،

الْحَيَاةُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٦٤﴾ فَاذْكُرُوا فِي الْفُلْكِ دَعْوَا اللَّهِ

چنانچه [این بی خبران]، معرفت داشتند [دنیا را به جای آخرت انتخاب نمی کردند] (٦٤) [مشركان متعصب] چون سوار کشتی می شوند [و در میان دریا به توفان و امواج

مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ ﴿٦٥﴾

خطرناک بر خوردمی کنند]، خدارا در حالی که ایمان را از شرک، پاک و خالص کرده اند می خوانند، ولی زمانی که آنان را به خشکی می رساندند گمان به آیین شرک می گیرند (٦٥)

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَمْتَنِعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾ أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا

تا به آنچه [از نعمت نجات] که به آنان عطا کردیم ناسپاسی کنند و از زندگی شرک آلودشان [بر خوردار شوند] پس به زودی [نتیجه آیین ناسپاسی و زندگی شرک آلود را] خواهند

جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَبُخْطَفُ النَّاسِ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفِی الْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ

دانست (٦٦) آیا ندانسته اند که ما [شهر مکه را] حرم امنی قرار داده ایم [که در آن با آسایش زندگی می کنند]، در حالی که مردم پیرامونشان [که در بیرون مکه زندگی می کنند

وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ ﴿٦٧﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ

به وسیله زور مدران و دزدان عرب] بوده می شوند! پس آیا [با دارا بودن نعمت آسایش و امنیت] به باطل می گردند، و نعمت خدا را ناسپاسی می کنند؟ (٦٧) ستمکارتر

كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ﴿٦٨﴾

از کسی که دروغی به خدا بیندد [که خداوند دارای شریک است]، یا حق را زمانی که به سویش آمد انکار کند کیست؟ آیا در دوزخ جایگاهی برای کافران نیست؟ (٦٨)

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٦٩﴾

کسانی که برای ما کوشیدند حتماً آنان را به راه های خود [که صراط مستقیم، راه کمال، بهشت و مقام قرب است] هدایت می کنیم، به راستی که خداوند بانی کوران است (٦٩)

سُورَةُ الرُّومِ
آیاتها ۶۰
مکة
ترتیباً ۳۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

الْم ۝ غُلِبَتِ الرُّومُ ۝ ﴿٢﴾ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ

الف، لام، میم (۱) روم دچار شکست شد (۲) در نزدیکترین سرزمین [خود به منطقه فارس]، آنان پس از

غَلِبَهُمْ سَيَغْلِبُونَ ﴿٣﴾ فِي بَصْنِ سِنِينَ ۝ اللَّهُ ۝ الْأَمْرُ مِنْ

شکستشان به زودی پیروز می شوند، (۳) [البته این پیروزی] در ظرف چند سال [تحقق خواهد یافت]، [روشن است که] عاقبت و نتیجه کار،

قَبْلُ وَمِنْ بَعْدِ ۝ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ﴿٤﴾

پیش از شکست رومیان! پس از پیروزی رومیان [فقط در سيطرة ارا ده فرمان خداست، آن روز که رومیان پیروز شوند] مؤمنان خوش حال خواهند شد (۴)

بِنَصْرِ اللَّهِ ۝ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ ۝ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٥﴾

[این خوش حالی] به سبب یاری خدا [است]، [او] هر کس را بخواهد یاری می دهد، فقط خداست که توانای شکست ناپذیر و مهربان است (۵)

وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦﴾

ایها وعده خدا ایقین داشته باش! خدا از وعده‌اش تخلف نمی‌کند، ولی بیشتر مردم ایه این معنی را یقین ندارند (۶)

يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ ﴿٧﴾

فقط ظاهری (محسوس) از زندگی دنیا را می‌شناسند، و از آخرت (که سرای ابدی و دارای نعمت جاودانه است) بی‌خبرند (۷)

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا

اشگفتا که فقط به زندگی دنیای فانی معرفت دارند! ایبادر ایاطن! خود اندیشه! عمیق و رساننده به واقعیت! نکردند! که! خداوند آسمان ها و زمین و آنچه را میان آن ها است.

إِلَّا بِالْحَقِّ وَآجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَائِ رَبِّهِمْ

جز به حق و درستی و برای مدتی معین نیافریده است؟ همانا بسیاری از مردم به لقای پروردگارشان

لَكَافِرُونَ ﴿٨﴾ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ

کافران (۸) آیا در زمین به گردش نپرداخته‌اند تا با دقت بنگرند که فرجام

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَ

کسانی که پیش از این کافران می‌زیستند چگونه بود؟ آنان نیرومندتر از این ابی‌خبران بودند و زمین را [مشتاقانه] زیور و کردند

عَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا

و آن را بیش از آنچه اینان آباد کردند آبادش ساختند، پیامبران برای آنان دلایل روشن آوردند [ولی به سبب انکار آن‌ها هلاکشان کردیم].

كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٩﴾ ثُمَّ

خداوند چنین نبود که به آنان ستم کند، بلکه آنان بودند که به خودشان ستم ورزیدند (۹)

كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ اسَاءُوا السُّوْءَىٰ إِنَّ كَذِبُ آبَائِهِم بِأَلْفٍ مِّنْهَا

آن گاه فرجام کسانی که مرتکب زشتی‌ها شدند این بود که آیات ما را انکار کردند، و همواره

يَسْتَهْزِءُونَ ﴿١٠﴾ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ

آن‌ها را به مسخره می‌گرفتند (۱۰) خداوند آفریدن را آغاز می‌کند، سپس آن را پس از فروپاشیدنش باز می‌گرداند، آن گاه شما را به سوی او

تَرْجِعُونَ ﴿١١﴾ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ ﴿١٢﴾ وَلَمْ يَكُنْ

باز می‌گردانند (۱۱) روزی که قیامت برپا شود گنه‌پیشگان از شدت سختی و هولناکی آن از رحمت خداوند انا امید می‌شوند (۱۲) و از معبودانشان

لَهُمْ مِنْ شَرِّكَائِهِمْ شَفَعُوا وَكَانُوا بِشَرِّكَائِهِمْ كَافِرِينَ ﴿١٣﴾

اكد آن‌ها را کور کورانه می‌پرستیدند! شفعانی برای [نجات] آنان نخواهد بود، و ادر آن عرصه هراس انگیز! منکر معبودانشان خواهند شد (۱۳)

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُنْفِرُونَ ﴿١٤﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ

روزی که قیامت برپا شود، آن روز گروه مؤمنان از گروه کافران جدا می‌شوند (۱۴) اما مؤمنانی که

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْحَةٍ يُحْبَرُونَ ﴿١٥﴾

کارهای شایسته انجام داده‌اند در بوستانی اعظیم و بهجت‌انگیز! شادمانشان می‌دارند (۱۵)

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ فَأُولَٰئِكَ فِي

اما کافرانى که آيات ما و لقائى آخرت را انکار کرده اند

الْعَذَابِ مُخَضَّرُونَ ﴿١٦﴾ فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ

احضار شوندگان در عذابند (۱۶) خداوند را هنگامى که وارد شب مى شويد، و چون به صبح در مى آيد، ايه باکى از هر عيب و نقصى

تُصْبِحُونَ ﴿١٧﴾ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ

ستايش کنيد [تا پيوسته توجه قلبى به اين حقيقت داشته باشيد] (۱۷) همه ستايش ها در آسمان ها و زمين و بزمه اوست، و شب و هنگامى که

تُظْهِرُونَ ﴿١٨﴾ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ

وارد ظاهر مى شويد [نيز خداوند را با تسبيح گفتن از هر عيب و نقصى پاک و منزّه بداريد] (۱۸) [خداوندى که] زنده را از مرده، و مرده را از زنده پديد مى آورد،

يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ ﴿١٩﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ

وزمين را پس از مردنش حيات مى بخشد، و ايشمارا نيز اين گونه [از قبرها زنده] برون مى آورند (۱۹) از نشانه هاى [قدرت و ربوبيت] او اين است که

خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ ﴿٢٠﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ

شمار از خاكي [مرده و بى جان] آفريد، اکنون بشرهائى هستيد که [در جاى جاى زمين] پراکنده ايد (۲۰) و از ديگر نشانه هاى [قدرت و ربوبيت] او

أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ

اين است که براى شما از جنس خودتان همسرانى آفريد تا در کنارشان ارامش يابيد،

بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾

و در بين شما [در حالى که پيش از ازدواج با يكديگر بيگانه بوديد] محبت و مهرورزى قرار داد، يقيناً در اين [کار شگفت انگيز] نشانه هاى است براى مردمى که اهل تفكر باشند (۲۱)

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَ

و از نشانه هاى [قدرت و ربوبيت] او آفريش آسمان ها و زمين، و اختلاف زبان ها

أَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ ﴿٢٢﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ

و رنگ هاى شماست، بى ترديد در اين [امور] نشانه هاى است براى دانايان (۲۲) و از نشانه هاى [قدرت و ربوبيت] او خواب شما،

بِالْإِيلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ

و جست و جويتان از احسان و روزى خدا [براى تأمين زندگى] در شب و روز است، بى گمان در اين [حقايق]

لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٢٣﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ

نشانه هاى است براى مردمى که گوش شنوا دارند (۲۳) و از نشانه هاى [قدرت و ربوبيت] اوست

خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُخْرِجُ بِهِ الْأَرْضَ

که برق [جهنده از ابرها] را مایه ترس [از صاعقه]، و اميد [به آمدن باران] به شما نشان مى دهد، و از آسمان، آبى مى فرستد که به وسيله آن

بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٢٤﴾

زمين را پس از مردنش زنده مى کند، بى گمان در اين [شگفتى هاى آفريش] نشانه هاى است براى مردمى که تعقل مى کنند (۲۴)

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً

و از نشانه های قدرت و ربوبیت او این است که آسمان و زمین به فرمانش برپا هستند، سپس زمانی که شما را با یک دعوت

مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ ﴿٢٥﴾ وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

از زمین بخواند ناگهان ازنده از قبرها بیرون می آید (۲۵) هر که در آسمان ها و زمین است در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست.

كُلُّ لَهٗ قَانِتُونَ ﴿٢٦﴾ وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ

اوا همه برای او فروتن و مطیعند (۲۶) اوست که آفریدن را آغاز می کند، سپس آن را ابعاد از فروپاشیدنش باز می گرداند.

أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ

و این ابراز گرداندن برای او آسان تر است، برترین وصفها در آسمان و زمین ویژه اوست.

هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٧﴾ ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِنْ أَنْفُسِكُمْ هَلْ

و او خدای توانای شکستناپذیر و حکیم است (۲۷) خداوند از اوضاع و حال خودتان برای شما مثلی زده است که آیا از بردگانتان در آنچه به شما عطا کرده ایم

لَكُمْ مِنْ مَمْلَكَةٍ أَيْمَانُكُمْ مِنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ

شریکانی دارید که در آن با هم برابر باشید؟ و همان گونه که از یکدیگر می ترسید از بردگانتان نیز بترسید؟ ایی تردید در بین شما و بردگانتان شرکت و برابری

فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ كَذَلِكَ

وجود ندارد، و ترسی هم از آنان ندارید، چگونه ممکن است موجوداتی که مملوکان و بندگان خدا هستند در خالقیت و الوهیت و ربوبیت و دیگر صفات شریک او

نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٢٨﴾ بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا

باشند؟! اما آیات [خود] را این گونه برای مردمی که اندیشه می کنند توضیح می دهیم (۲۸) اما آنان که ابا اعتقاد به فرهنگ شرک ورزی اچار ستم ابر خود و دیگران ا

أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ

شده اند بر پایه نادانی، از خواسته های نامشروع خود پیروی کرده اند، نهایتاً کسانی را که خداوند ابره کفر پیروی از آیین شرک در گمراهی و اگذاشته چه کسی

نَاصِرِينَ ﴿٢٩﴾ فَأَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ

هدایت می کند؟ آنان هیچ باری کننده ای [که از عذاب نجاتشان دهد] نخواهند داشت (۲۹) پس ابا توجه به بوج بودن فرهنگ شرک، ابا همه وجودت و بدون هیچ

النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تُبْدِلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ

اتحرفی به دین یکتا پرستی روی آورد ابر ا فطرت الهی که مردم را بر اساس آن پدید آورده املازم و پایرجا باش ابرای آفرینش خداوند اکه انسان را بر پایه فطرت

لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَ

می آفریند ا هیچ گونه تغییری نخواهد بود، این است دین استوار، ولی بیشتر مردم ا این حقیقت را نمی دانند (۳۰) در حالی که ابا توجه و اخلاص ا بازگشت کنندگان

أَقِمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٣١﴾ مِنَ الَّذِينَ فَرَقُوا

به سوی او هستید ا بایند به فطرت الهی باشید ا و از او اطاعت کرده، از محرماتش بپرهیزید، و نماز را ابا شرایط ویژه اش بخوانید، و از مشرکان نباشید (۳۱)

دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴿٣٢﴾

مشرکانی که دینشان را بخش بخش کردند و اسراجام گروه گروه شدند، ا در حالی که ا هر گروهی به همان ابخشی که نزد آنان است مغرورانه شادمانند (۳۲)

وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا آذَاهُمْ مِنْهُ

چون به مردم سختی و آسیمی برسد، پروردگارشان را در حالی که [باتوجه و اخلاص] به او باز می گردند می خوانند، سپس [عالی] که رحمتی از جانب خود [چون نعمت و

رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ﴿٣٣﴾ لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ

ثروت و رفاه] به آنان [چنانکه] ناگهان گروهی از آنان به پروردگارشان شرک می ورزند (۳۳) تا [عاقبت به سبب شو می شرک،] در برابر آنچه به آنان داده ایم ناسپاسی کنند،

فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٣٤﴾ أَمْ أَنْزَلْنَاهُمْ سُلْطَانًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ

ای ناسپاسان از داده های من [بر خوردار شوید که به زودی خواهید دانست] [سرانجام ناسپاسی چیست؟] (۳۴) آیا دلیل استواری بر آنان نازل کرده ایم که آن دلیل

بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ ﴿٣٥﴾ وَإِذَا آذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا

در باره [حقانیت] [معبودانی که] [با پرستش آن ها] به خدا شرک می ورزند سخن می گوید؟ (۳۵) هرگاه به مردم رحمتی [چون نعمت، ثروت، امنیت و رفاه] [بخشاییم

وَإِنْ تُصِيبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذْ هُمْ يَقْنَطُونَ ﴿٣٦﴾ أَوْ لَمْ يَرَوْا

مغروانه به آن شادمان می شوند، و چون به خاطر گناهی که مرتکب شده اند [لذک] [آسیمی به آنان برسد] [به جای صبر و توبه] [ناگهان ناامیدی شوند] (۳۶) [آنان ندانسته اند

أَنَّ اللَّهَ يَبْطِطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ

که خداوند رزق را برای هر که بخواهد وسعت می بخشد، و [برای هر که بخواهد] [تنگ می گیرد، به راستی در این] [حقیقت] [نشانه هایی] [بر حکمت و تقدیر عالمانه]

يُؤْمِنُونَ ﴿٣٧﴾ فَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ

خداوند [برای مردمی است که ایمان دارند] (۳۷) پس [باتوجه به وسعت بخشی خدا در رزق،] حق خویشاوند و مسکین و درو اماندۀ بی زاد و توشه را بپرداز!

خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٣٨﴾ وَمَا

این [پرداخت] [برای آنان که خشنودی خداوند را می خواهند بهتر است، اینان] [که حقوق مالی را می پردازند بر همه موانع راه سعادت] [پیروزند] (۳۸)

اتَّيْتُمْ مِنْ رَبِّ الْبَرِّ بَوَافِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرُبُّوا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ

آنچه [از اموال و اجناس] که به ربا می دهید تا [بپهره شما] در اموال مردم فزونی یابد، نزد خداوند فزونی [و برکت] نمی یابد، و آنچه

مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ ﴿٣٩﴾

از زکات [به اهلش] می پردازید و به وسیله آن خشنودی خدا را می خواهید [امایه فزونی است]، پس این زکات دهندگان هستند که [مال و بهره خود را] [دو چندان می کنند] (۳۹)

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ

خداوند است که شما را آفرید، سپس به شما روزی بخشید، آن گاه شما را می میراند، پس از آن حیاتان می دهد، آیا

مِنْ شَرِّ كَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ ذَلِكَ كُمْ مِنْ شَيْءٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى

از معبودان شما کسی هست که چیزی از این کارها را انجام دهد؟ او منزّه و برتر است

عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٤٠﴾ ظَهَرَ الْفُسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ

از این که به او شرک ورزند (۴۰) در خشکی و دریا به سبب آنچه [از اعمال زشت] که مردم به دست خود مرتکب شدند

أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤١﴾

تباهی و فتنه آشکار شده است، در نتیجه خداوند [آثار تلخ و آزار دهنده] [برخی از گناهی] [که مرتکب شده اند] به آنان می چشاند تا [از تباهی و فتنه] [بازگردند] (۴۱)

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانُوا

بگو: در زمین گردش کنید، پس با دقت بنگرید که عاقبت آنان که در گذشته [می]یستند و [الوده به گناه] بودند چگونه بود؟

أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ ﴿٢٢﴾ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَدِيمِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ

بیشتر آنان مشرک بودند [که] چهار سرانجامی شوم شدند [۴۲] پس [پا]نوجه به باطل بودن فرهنگ شرک [با همه] وجودت به سوی این دین استوار روی کن [پیش از آن که]

يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ ۚ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ ﴿٢٣﴾ مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ

روزی از جانب خداوند فرارسد که راوبازگشتی برای آن نیست، آن روز [اصفوف] مؤمنان از غیر مؤمنان جدا و مشخص می شوند [۴۳] کافران کفرشان

كُفْرُهُ ۚ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا نَفْسٍ لَهُمْ بَمَهُدُونَ ﴿٢٤﴾ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ

به زیان خود آنان است، و آنان که کارهای شایسته انجام دهند بستر [امن و اقامتگاه] جاویدی [برای خود] فراهم می کنند [۴۴] تا [خداوند] به مؤمنانی که

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ ۚ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ﴿٢٥﴾ وَمِنْ

کارهای شایسته انجام داده اند از احسانش پاداش دهد، [و کافران را به دوزخ وارد کند؛ زیرا] خداوند اهل کفر را دوست ندارد [۴۵] و [از]

آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيَذِّقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِيَجْزِيَ الْفُلُكَ

نشانه های [قدرت و ربوبیت] او این است که بادهای ابشارت دهنده می فرستد تا بخشی از [باران] رحمتش را به شما بپاشد، و کشتی ها [به وسیله] بادهای

بِأَمْرِهِ وَلِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ ۚ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٢٦﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ

به فرمان او حرکت کنند، و شما جوای احسان و روزی او شوید و [انهایتاً] سپاس گزاری کنید [۴۶] به راستی پیش از تو

قَبْلِكَ رَسُولًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَاَنْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا ۚ

پیامبرانی را به سوی قومشان فرستادیم که برای آنان دلایل روشن آوردند، سپس ما از گنه پیشگان انتقام گرفتیم [و مؤمنان را یاری دادیم].

وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٧﴾ اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُشِيرُ

و [یاری مؤمنان حق] بر عهده ماست [۴۷] خداوند است که بادهای را می فرستد

سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ

تا ابری را برمی انگیزد، پس آن ابر را هرگونه که بخواهد در آسمان می گستراند و به صورت بخش بخش و پاره های گوناگون درمی آورد،

يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ

پس باران را می بینی که از لابه لای آن بیرون می آید، و آن گاه که آن را به هرکس از بندگانش بخواهد می رساند آنان ناگهان

يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٢٨﴾ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ

شادمان می شوند [۴۸] همانا پیش از آن که [باران] بر آنان فرستاده شود، [آری] پیش از آن

لَمُبْلِسِينَ ﴿٢٩﴾ فَانْظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ

نالامید بودند [۴۹] پس با دقت به آثار رحمت خداوند [چون باد و ابر و باران و نتایج آن ها] بنگر که چگونه زمین را

مَوْتَهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيٍ الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٥٠﴾

پس از مردنش زنده می کند، بی تردید این [خداوند] قدرتمند، زنده کننده مردگان است، و او بر هرکاری تواناست [۵۰]

وَلَيْنُ أَرْسَلْنَا رِجَافًا أَوْ هُمْصَةً أَوْ ظَلًّا أَوْ مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ ﴿٥١﴾

و اگر بادی ا مسموم و زبان بار ا بفر سلیم که ا در اثر آن ا ز راعت را ا ز ر د شده ببینند، هرا بنه پس از آن ا به جای جبران گناهان ا ناسپاس می شوند (۵۱)

فَإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى وَلَا تَسْمَعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ ﴿٥٢﴾

ا کافرانی که کفر همه و جودشان را گرفته چون مردگانند، ا نونمی توانی دعوت را به مردگان بشنوائی، و نمی توانی ا صدای هدایت بخت را ا به گران

وَمَا أَنْتَ بِمَهَادٍ الْعُمَى عَنْ صَلَاتِهِمْ إِنَّ تَسْمَعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا

و قتی پشت کنان روی بر می گردانند بر سانی (۵۲) تو هدایتگر کور د لان از گمراهی شان نیستی، فقط به کسانی می توانی بشنوائی که به آیات ما مؤمن

فَهُمْ مُسْلِمُونَ ﴿٥٣﴾ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ

و تسلیم ا حق ا هستند (۵۳) خداوند است که شما را از ا مرتبه ا ضعف و ناتوانی ا فرید، ا نگاه

مِنْ بَعْدٍ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ

بعد از ناتوانی نیرو داد، سپس بعد از نیرومندی ناتوانی و پیری بدید آورد،

مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ ﴿٥٤﴾ وَبَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ

هر چه بخواهد می افریند، اود انا و توانا است (۵۴) روزی که قیامت برپا می شود گنه پیشگان سوگند می خورند که ا فاصله بزرخ تا قیامت را ا جز ساعتی

الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ ﴿٥٥﴾ وَقَالَ

درنگ نکرده اند، این گونه ا که در قیامت دروغ می گویند در دنیا هم دروغ می گفتند، و ا همواره از حق به باطل ا برگردانده می شدند (۵۵) کسانی که

الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ

معرفت و ایمان عطایشان کرده اند ا در پاسخ گنه پیشگان ا می گویند: بی تردید شما بر اساس ا قضا و قدر ثبت شده در ا کتاب ا تکوین ا الهی از مرگ ا تا قیامت درنگ داشتید،

الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٥٦﴾ فَبُؤْسَ

و این روز قیامت است ولی شما ا به این که چنین روزی حق است ا معرفت نداشتید (۵۶)

لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعذَرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿٥٧﴾

پس در آن روز کسانی که ا به آیات ما و پیامبران ا استمرواد اشتند عذر خواهی شان سودشان ندهد، و نه ا آنان می خواهند که ا برای جلب رضایت خداوند ا عذر خواهی کنند (۵۷)

وَلَقَدْ خَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِنْ جِئْتَهُمْ

براستی در این قرآن برای ا هدایت ا مردم از هر مثلی زده ایم، و اگر برای آنان معجزه های ا که درخواست دارند ا بیاوری مسلما کافران خواهند گفت: شما جز باطل گرا

بِآيَةٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ ﴿٥٨﴾

نستید، ا و آورده شما نیز باطل و کاری بوج است ا (۵۸) خداوند این گونه بر دل های کسانی که ا لوده به نادانی هستند ا ونمی خواهند از دانش بهره مند گردند، به کیفر

كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٩﴾ فَاصْبِرْ

لج بازی و عنادشان ا مهر ا عدم فهم حقایق ا می زند (۵۹) پس ا برپاوه گویی این کور د لان ا شکیبایش که بقینا و عده خداوند ا در مورد یاری کردن و پیروزی ات بر کافران ا

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ ﴿٦٠﴾

حق است، و مباد ا آنان که یقین ا به حقایق ا ندارند ا با تبلیغات گسترده ا فرهنگ بوجشان، برای درهم شکستن روحیه شکیبایی ات ا تورا به خفت و خواری کشند (۶۰)

سُورَةُ لُقْمَانَ

آیاتها
۳۱مکة
۳۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

الْم ۱ نِلَكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ۲ هُدًى وَرَحْمَةً

الف، لام، میم (۱) این آیات [باعظمت] کتاب استوار است (۲) که [سراسرش] برای نیکوکاران هدایت

لِلْمُحْسِنِينَ ۳ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ

و رحمت است (۳) آنان که نماز را [با] شرایط و بزه اش می خوانند، و زکات می پردازند،

بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ۴ أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ

و به آخرت یقین دارند (۴) چنین مردمی از سوی پروردگارشان بر بلندای هدایتند، و [بر همه موانع راه سعادت]

الْمُفْلِحُونَ ۵ وَمَنْ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ

پیروزند، (۵) برخی از مردم خریدار سخنان باطل [و داستان های سرگرم کننده] اند تا بدون هیچ دانشی، [بلکه بر پایه جهالت و نادانی، مردم را]

سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ

از راه خداوند منحرف کنند، و آن را به استهزا بگیرند، برای آنان عذابی

مُهِينٌ ۶ وَإِذَا تُلِيَ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ

خوراکننده است (۶) چون آیات ما را بر او بخوانند متکبرانه روی برمی گرداند، گویی آن ها را نشنیده،

يَسْمَعُهَا كَأَن فِي أذُنَيْهِ وَقَرَّأَ فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۷ إِنَّ الَّذِينَ

انگار در گوش هایش نوعی سنگینی است، پس او را به عذابی دردناک خبر ده! (۷) مسلما

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ ۸ خَالِدِينَ فِيهَا

برای مؤمنانی که کارهای شایسته انجام داده اند بهشت های پُر نعمت خواهد بود (۸) درحالی که در آن جاودانه اند،

وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۹ خَلَقَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا

و عده خداوند حتمی و تخلف ناپذیر است، و او توانای شکست ناپذیر و حکیم است (۹) [خداوند] آسمان ها را بدون ستون هایی که آن ها را ببینند آفریده،

وَالْقَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنْزَلْنَا

و کوه هایی استوار در زمین افکنده تا زمین شما را نلرزاند، و در آن از هر جنبه ای پراکنده کرده است،

مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ ۱۰ هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي

و از آسمان آبی [سودمند] فرستادیم و از زمین به وسیله آن هر نوع گیاه سودمندی روانیدیم (۱۰) این است آفرینش خداوند،

مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۱۱

پس به من نشان دهید آن ها که غیر اویند [و مشابه عنوان معبود انتخابشان کرده اند] چه چیزی آفریده اند؟ بلکه این ستمکارانند که در گمراهی آشکاری هستند (۱۱)

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ

همانا ما به لقمان دانش استوار و سودمند عطا کردیم که: شکرگزار خداوند باش! و هر که شکر کند فقط

لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿١٢﴾ وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ

به سود خود شکر می کند، و هر که ناسپاسی ورزد به خداوند زیان نمی زند؛ زیرا خدا بی نیاز و ستوده خصال است (۱۲) ایادکن ازمانی که لقمان

وَهُوَ بَعْظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ﴿١٣﴾

پسرش را موعظه می کرد و می گفت: پسرکم! برای خداوند شریکی قرار نده! بی تردید شریک قرار دادن [برای او] ستمی

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَ

بزرگ است (۱۳) انسان را درباره پدر و مادرش [سفارش به نیکی کردیم؛ چرا که] مادرش به او باردار شد [درحالی که] سستی

فِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ ﴿١٤﴾ وَإِنْ

به روی سستی [به او دست می داد] زمان بازگرفتنش [از شیر] پس از دو سال است، [و سفارش کردیم] که سپاس گذار من و پدر و مادر باش [بازگشت همه] فقط به سوی من است (۱۴)

جَاهِدْكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا

اگر آن دو بکوشند تا چیزی را که هیچ دلیل و دانشی بر [درستی پرستش] آن نداری شریک من قرار دهی اطاعتشان مکن!

وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ

ولی با آنان در [امور] دنیا [بی وزندگی روزمره] به شیوه ای پسندیده معاشرت کن [و راه کسی را پیروی کن که] [باتوجه و اخلاص] [به من روی آورده] سپسی

مَرْجِعَكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٥﴾ يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ

بازگشت شما فقط به سوی من است، پس شما را به آنچه انجام می دادید آگاه می کنم (۱۵) پسرکم! اگر [عمل کسی]

مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ

هموزن دانه خردلی [باشد] و [در درون سنگی [نامعین]، یا در آسمان ها یا در

يَأْتِي بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿١٦﴾ يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ

درون زمین قرار گیرد خداوند آن را [در قیامت برای حسابرسی] می آورد، یقیناً خداوند بسیار ریزنگر و آگاه است (۱۶) پسرکم! نماز را [بشرایط ویژه اش] بخوان!

بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا آصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ

و [مردم را] به کار پسندیده وادار! و از کار زشت بازدار! و بر آنچه [از مشکلات و سختی ها و تکالیف که] به تو می رسد شکیبا باش!

مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿١٧﴾ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ

زیرا این ها از امور استوار است (۱۷) و متکبرانه روی از مردم بر مگردان! و در زمین

مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿١٨﴾ وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ

شادان و سرمست راه مرو! زیرا خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد (۱۸) در راه رفتنت میانه رو باش!

وَإِغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ ﴿١٩﴾

از صدایت بکاه که بی تردید ناپسندترین صداها صدای خران است (۱۹)

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَافِي السَّمَوَاتِ وَمَافِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ

ایا ندانسته اید که خداوند آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است به سود شما به کار گرفته.

عَلَيْكُمْ نِعْمَتُهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ

و نعمت های آشکار و نهانش را کامل و فراوان به شما عطا کرده ایا بادرست هزینه کردن آن ها کامل یافته، به مقامات معنوی برسید؟ یا برخی از مردم همواره بدون هیچ دلیل و دانشی

بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ ﴿٢٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ

و بدون هیچ هدایتی و هیچ کتاب و شناسگری درباره خداوند گفت و گوی نادرست و بی دلیل می کنند (۲۰) چون به آنان گویند: از آنچه خداوند نازل کرده پیروی کنید، می گویند:

اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ

ا پیروی نمی کنیم، بلکه پیرو آیینی هستیم که پدر انمان را پای بندیده آن یافته ایم. ایا ا کور کورانه و بدون تحقیق از پدرانشان پیروی می کنند، اگر چه

إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿٢١﴾ وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ

شیطان آنان را از طریق این پیروی ا به عذاب بر افروخته دعوت کند؟ (۲۱) هر کس همه وجودش را به سوی خدا تسلیم کند در حالی که نیکو کار باشد

فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ﴿٢٢﴾ وَمَنْ

بی تردید به محکم ترین دستگیره جنگ زده، و فرجام همه کارها فقط به سوی خداست (۲۲) کفر کافران

كَفَرَ فَلَا يَحْزُنُكَ كُفْرُهُ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ

تو را اندوهگین نکند، بازگشت آنان فقط به سوی ماست، پس آنان را به همه اعمالی که انجام داده اند آگاه می کنیم؛ زیرا خداوند

عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٢٣﴾ نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ

به اسرار و نیات باطن ها آگاه است (۲۳) ایا اندکی از نعمت های مادی ا بر خوردارشان می کنیم، سپس آنان را به اوار داشتن در عذاب سخت

غَلِيظٍ ﴿٢٤﴾ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ

ناچار خواهیم کرد (۲۴) اگر از آنان بپرسی چه کسی آسمان ها و زمین را آفریده است؟ قاطعانه می گویند:

اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٥﴾ مَافِي السَّمَوَاتِ

خدا. بگو: همه ستایش ها ویژه خداست ولی بیشترشان نمی فهمند (۲۵) آنچه در آسمان ها

وَالْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٢٦﴾ وَلَوْ أَنَّ مَافِي الْأَرْضِ

و زمین است فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، به راستی خداوند بی نیاز و ستوده خصال است (۲۶) اگر ا برای نوشتن کلمات خداوند که مخلوقات او هستند آنچه درخت

مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا

در زمین است قلم شود، و دریا امرب، و هفت دریای دیگر نیز آن دریا را پس از پایان گرفتنش ا مدد کنند

نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٧﴾ مَا خَلَقَكُمْ

کلمات خداوند پایان نمی یابد؛ زیرا او توانای شکست ناپذیر و حکیم است (۲۷) آفریدن شما

وَلَا بَعَثَكُمْ إِلَّا كُنُفُسٍ وَاحِدَةً إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿٢٨﴾

و برانگیختن ا برای ما جز مانند افریدن و برانگیختن ا یک تن نیست؛ یقیناً خداوند شنوا و بیناست (۲۸)

الَّذِينَ تَرَآ تَآلَافًا فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ

ندانسته ای که خداوند شب را در روز و روز را در شب فرو می نهد،

الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ كُلٌّ يَجْرِي إِلَى آجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ

و خورشید و ماه را به کار گرفته است که هر کدام تا مدتی معین روانند؟ مسلماً خداوند به آنچه انجام می دهید

خَبِيرٌ ﴿٢٩﴾ ذَلِكَ يَآئِنَ اللَّهُ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ وَ

آگاه است (۲۹) این آفریده های شگفت، و این تحولات منظم دلیل بر این است که خداوند حق محض است، و آنچه به جای او می خوانند باطل است؛

أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ﴿٣٠﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ

بی تردید خدا همان والا مرتبه و بزرگ است (۳۰) آیا ندانسته ای که کشتی ها به سبب نعمت خدا که فراهم آوردن اسباب و علل است در دریا روانند؟ [فراهم آوردن علل حرکت

بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ

کشتی هادر آب دریا و اقیانوس ها برای این است که خداوند برخی از نشانه های قدرت خود را به شما بنماید، بی تردید در این حقیقت برای هر شکیمی سپاس گزاری

شَكُورٍ ﴿٣١﴾ وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ

نشانه هایی از قدرت و ربوبیت و رحمت خدا است (۳۱) چون آنان را در دریا موجی [به دنبال موجی] مانند ابرهای سایه انداز فرو پوشد خدا را در حالی که ایمان را از

فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ

شری خالص کرده اند می خوانند، و چون نجاتشان دهد [و به خشکی ابرساند] برخی از آنان به راه راست پایبند می شوند، و گروهی یمان می شکنند؛ [و آیات ما را

خَتَّارٌ كَفُورٍ ﴿٣٢﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَآخَشُوا يَوْمَآ

جز هر دغلكار ناسپاسی انكار نمی كند (۳۲) ای مردم! از پروردگارتان اطاعت كنید، و از محز ماتش بپرهیزید، و از روزی بترسید

لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ

که هیچ پدری چیزی از عذاب را از فرزندش دفع نمی کند، و نه هیچ فرزندی بر طرف کننده چیزی از عذاب پدر خویش است، به یقین وعده

وَعَدَ اللَّهُ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ

خداوند حق است، پس زندگی دنیا شما را نفریبد، و مبادا [شیطان] شما را

بِاللَّهِ الْغُرُورُ ﴿٣٣﴾ إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ

در حالی که ایمان و عمل ندارد [به اکر م و رحمت خدا مغرور کند] (۳۳) همانا خداست که دانش از مان برپایی اقیامت منحصر به اوست، و انتها اوست که

الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا

باران را می فرستد، و اوضاع و احوال آنچه را در رحم هاست می داند، هیچ کس نمی داند فردا

وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿٣٤﴾

چه چیزی از خیر و شر به دست می آورد، و احدی نمی داند در چه سرزمینی می میرد؛ قطعاً خداوند [به همه این امور] دانا و آگاه است (۳۴)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

الَمْ ۱ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۲ أَمْ

الف، لام، میم (۱) این کتابی که در احقانیت و وحی بودن آن هیچ تردیدی نیست از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است (۲)

يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مِمَّا أَتَتْهُمْ مِنْ

بلکه [مشركان] لجاج می گویند: ایما بر آن را از نزد خود ساخته و به خداوند نسبت داده [انه، چنین نیست، بلکه آن کتاب] حق از سوی پروردگار نوست، تا مردمی را که

نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ۳ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ

هیچ هشدار دهنده ای پیش از تو او بعد از عروج عیسی برای آنان نیامده هشدار دهی برای اینکه هدایت شوند (۳) خداوند است که

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى

آسمان ها و زمین و آنچه را میان آن هاست در شش دوره آفرید، سپس به [امرا] حاکمیت او تدبیر بر همه امور آفرینش

الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ۴

چیره شد، برای شما در برابر او هیچ سرپرست و شفیع نیست، [با این حال] آیا [نسبت به توحید و یگانگی حق] امتذکر او هشیار نمی شوید؟ (۴)

يَذَكِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ

او [همواره همه] امور زمین را از عالم بالا اداره می کند، آن گاه در روزی که اندازه ازمانی آن

مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ ۵ ذَلِكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

با حسابگری شما هزار سال است آن [امور] به سوی او بازمی گردد (۵) این است [خدای] دانای نهای و آشکار

الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۶ الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ

[که] توانای شکست ناپذیر و مهربان [است] (۶) همان کسی که هر چه را آفرید نیکو و شایسته آفرید، و آفرینش

الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ۷ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ۸

انسان [نخستین] را از گل آغاز کرد (۷) سپس نسلش را از چکیده ای از آب ناچیز و پستی به وجود آورد (۸)

ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ

آن گاه [اندام] او را موزون و معتدل ساخت و از روح خود در او دمید، و برایتان گوش و چشم

وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ۹ وَقَالُوا أَإِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا

و قلب قرار داد، ولی اندک سپاس گزاری می کنید (۹) [کافران] گفتند: آیا زمانی که [پس از مرگمان بدنمان بوسید و در] [الابه لای خاک] زمین گم شدیم،

لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ ۱۰ قُلْ يَتَوَفَّاكُم

در آستنی در آفرینشی جدید قرار می گیریم؟ بلکه [بدر از این تعجب بر] بطشان [منکر] لقای پروردگارشان [یعنی قیامت] هستند [که مردگان را در آن زنده می کنیم] (۱۰) [به اینان]

مَلَكَ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ۱۱

بگو: فرشته مرگ که او را بر شما گماشته اند [جان] شما را به طور کامل دریافت می کند، آن گاه شما را به سوی پروردگارتان بازمی گردانند (۱۱)

وَلَوْ تَرَىٰ اِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُو رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا

چون گناه پیشگان را در پیشگاه پروردگار ت سرافکنده ببینی [صحنه سختی را خواهی دید، در آن حال با ناله ای آمیخته به اندوه و تأسف می گویند: پروردگارا! ایه حقایق

اَبْصَرْنَا وَ سَمِعْنَا فَأَرْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا اِنَّا مُوقِنُونَ ﴿۱۲﴾ وَلَوْ

مسئمی که منکرش بودیم [ببناشدیم، و] به دعوت حق [اشنو اگشتیم، پس ما را [به دنیا] بازگردان تا کار شایسته انجام دهیم، ما [امروز به همه و القیات] یقین پیدا کردیم (۱۲) اگر

شِئْنَا اِلَّا نَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدهَا وَلٰكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ

می خواستیم، هدایت هر کسی را [از روی اجبار] به او عطا می کردیم، اولی هدایت اجباری برای انسان، فاقد ارزش و بهره قیامتی است، [اما این وعده

جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿۱۳﴾ فَذُوقُوا مَا نَسِيتُمْ

از سوی من حتمی و حق است که: یقیناً دوزخ را از همه جنیان و آدمیانی [که منکر آیاتم شدند] پر خواهیم کرد (۱۳) پس [به آنان می گویم:] در برابر

لِقَاءِ يَوْمِكُمْ هَٰذَا اِنَّا نَسِيْنَاكُمْ وَ ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا

این که لقای امروزتان را [که روز قیامت است] بایی اعتنائی [و ا] گذاشتید، [عذاب دردآوری را] بچشید که ماهم شمار [محروم از رحمت خود] و ا می گذاریم، و به

كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۱۴﴾ اِنَّمَا يُوْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ اِذَا ذُكِّرُوا بِهَا

کیفر اعمالی که همواره انجام می دادید عذاب جاودانه را بچشید (۱۴) فقط کسانی به آیات ما ایمان دارند که چون به وسیله آن [آیات، حقایق را] به یادشان آرند

خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿۱۵﴾

سجده کنان به رو در افتند، و پروردگارش را در حالی که تکبر نمی ورزند همراه با ستایش، [از هر عیب و نقیصی] پاک و میزای می دارند (۱۵)

تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَمِمَّا

[السر بستر استراحت نیستند، مشتاقانه [از بستر خواب بر می خیزند [و روی به تهجد آورده، همواره پروردگارش را به خاطر ترس [از عذاب] و امید [به رحمت] می خوانند،

رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿۱۶﴾ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ

و از آنچه عطایشان کرده ایم انفاق می کنند (۱۶) قطعاً هیچ کس نمی داند چه چیزهایی [از نعمت ها و مقاماتی] که مایه شادمانی آنان است

اَعْيُنٍ جَزَاءٍ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۷﴾ اَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ

به پاداش اعمالشان [و عبادات و مناجات نیمه شب هایشان]، که همواره پای بندان بودند برای آنان پنهان داشته [و ذخیره کرده] اند (۱۷) [باتوجه به این حقیقت] آیا مؤمنان

فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ ﴿۱۸﴾ اَمَّا الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ

[اهل عبادت] مانند کسانی هستند که منحرف و نافرمانند؟ نه، هرگز این دو گروه [مسای نیستند (۱۸) اما برای کسانی که مؤمنند و کارهای شایسته انجام داده اند،

جَنَّاتُ الْمَأْوٰی نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۹﴾ وَاَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا

بهشت ها و اقامتگاه دائمی است که به آنان به پاداش اعمالی که همواره انجام می دادند پیشکش می شود (۱۹) ولی کسانی که

فَمَا لَهُمُ النَّارُ كُلَّمَا اَرَادُوا اَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا اُعِيدُوا فِيهَا وَ

به انحراف و نافرمانی گراییدند جایگاهشان آتش است، هرگاه بخواهند از آن درآیند به درون آن بازشان می گردانند،

قِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهٖ تُكَذِّبُونَ ﴿۲۰﴾

و به آنان می گویند: عذاب این آتش را که همواره دروغش می پنداشتید بچشید (۲۰)



وَلَنَذِقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ

بی گمان آنان را عذاب بزرگتر از عذاب نزدیکتر از عذاب دنیایی است [می چشاییم، باشد که] بیدار شده، از فسق و فجور به هدایت

يَرْجِعُونَ ﴿٢١﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا

بازگردند (۲۱) ستمکارتر از کسی که به وسیله آیات پروردگارش موعظه شود، آن گاه از آن ها روی برگردانده او نپذیرد کیست؟

إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ

بی تردید ما از گنه پیشگان انتقام می گیریم (۲۲) همانا به موسی کتاب دادیم

فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ ﴿٢٣﴾ وَ

پس تو در مورد دریافت آن کتاب به وسیله موسی هیچ تردیدی نداشته باش اما آن کتاب را برای بنی اسرائیل [امایه] هدایت قرار دادیم (۲۳)

جَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا

برخی از بنی اسرائیل را چون ادر برابر مشکلات و حادثه ها و انجام تکالیف صبر و استقامت داشتند، و همواره اهل یقین به آیات ما بودند پیشوایانی قرار دادیم

يُوقِنُونَ ﴿٢٤﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا

که به توفیق ما مردم را هدایت می کردند (۲۴) همانا پروردگارت در قیامت بین آنان در آنچه که همواره در آن اختلاف داشتند، [و نهایتاً گروه گروه می شدند]

فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٢٥﴾ أَوْ لَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ

داوری خواهد کرد (۲۵) آیا برای آنان روشن نشده که بسیاری از نسل های پیش از آنان را [به کیفر طغیانشان غافل گیرانه] هلاک کردیم

الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ أَفَلَا

و [اینان هم اکنون] در مساکن آن ها راه می روند [آیندیدند که سرانجامشان چه بود]؟ یقیناً در این [سرگذشت ها که بر آنان می خوانیم] عبرت هست، آیا

يَسْمَعُونَ ﴿٢٦﴾ أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ

آیه گوش دل! نمی شنوند؟ (۲۶) آیا ندانسته اند که ما آب را به سوی زمین خشک و بی گیاه می رانیم

فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعَاتًا كُلُّ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ ﴿٢٧﴾

و به وسیله آن، زراعتی [سر سبز و سودمند] پدید می آوریم که دام هایشان و خودشان از آن می خورند؟ آیا [اثار و نتایج رحمت خدا را] نمی بینند؟ (۲۷)

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٨﴾

از روی مسخره به مؤمنان می گویند: اگر راست گو هستید این پیروزی [که آمدنش ورد زبان شماست] کی خواهد بود؟ (۲۸)

قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ

بگو: روز پیروزی نه ایمان آوردن کافران سودشان دهد، و نه [برای جبران گذشته خسارت بارشان] مهلت یابند (۲۹)

﴿٢٩﴾ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْظِرْ إِنَّهُمْ مُنْتَظَرُونَ ﴿٣٠﴾

بنابر این از آنان روی بربتاب و به انتظار [رسیدن پیروزی] باش که آنان [هم به خیال خود] در انتظار [روز شکست شما] به سر می برند (۳۰)

بنابر این از آنان روی بربتاب و به انتظار [رسیدن پیروزی] باش که آنان [هم به خیال خود] در انتظار [روز شکست شما] به سر می برند (۳۰)

سُورَةُ الْأَنْعَامِ ٦١٧

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشه

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ

ای پیامبر! عظیم الشان! | در همه امور زندگی | از خداوند اطاعت کن | و تابع | خواسته های شیطان | کافران و منافقان مباش | یقیناً خداوند

كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝۱ وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ

| به ظاهر و باطن انسان و اعمال او | دانا است | و | در صدور احکامش | حکیم است | (۱) آنچه را از سوی پروردگارت وحی می شود پیروی کن |

إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۝۲ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ

یقیناً خداوند به | همه | اعمالی که | در نهان و آشکارا | انجام می دهید آگاه است | (۲) بر خداوند | کارساز | توکل کن | و بس است

بِاللَّهِ وَكَيْلًا ۝۳ مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبِهِنْ فِي جُوفِهِ وَمَا

که خداوند، | کارساز | همه امور | بندگان | باشد | (۳) خداوند برای هیچ کس در درونش دو قلب قرار نداده،

جَعَلَ أَزْوَاجَكُمْ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ

و همسرانتان را که همواره مورد اظهار قرار می دهید، | یعنی بانوی طلاق به رسم جاهلیت آنان را چون مادرانتان بر خود حرام می کنید | مادرانتان نگردانیده،

أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ

و پسر خواندگانتان را پسران | حقیقی | شما نشمرده، این سخن | باطل و باوه | شماست که | در باره همسران و پسر خواندگانتان | بر زبان جاری است، خداوند همواره

وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ ۝۴ أَدْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ

حق را می گوید و به راه | راست | هدایت می کند | (۴) پسر خواندگانتان را | به نام پدرانشان | بخوانید که این | گونه خواندن | نزد خداوند عادلانه تر است،

فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاُخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ

چنانچه پدرانشان را نمی شناسید | برادران دینی شما و | دوستان شما |

عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَ

بر شما در آنچه | از انتساب | حایی | که به خطا انجام داده اید گناهی نیست، ولی | در آنچه | از انتساب های بی جا | که دل هایتان تعمد | و قصد جدی | داشته باشد | جرم و گناه است |،

كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝۵ النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ

و خداوند همواره بسیار آمرزنده و مهربان است | (۵) پیامبر به مؤمنان از خودشان | در مورد ولایتی که در امورشان دارند |

وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي

سزاوارتر است | زیرا او از جانب خداوند دارای ولایت کامل و کلی است |، و همسرانش | در حرمت ازدواج با آنان چون | مادرانشان هستند،

كِتَابَ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ

و بر پایه کتاب خدا دارندگان قرابت نسبی | در ارث نری | از یکدیگر، از مؤمنان و مهاجران | که پیش از این حکم بر اساس ایمان و هجرت ارث می بردند | شایسته ترند، مگر این که

أَوْلِيَاءَكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ۝۶

| بخواهید در پرداخت بخشی از ارث خود، | به دوستانتان احسان کنید | این احکام ثبت شده در کتاب | خدا | است | (۶)

وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَنُوحٌ وَإِبْرَاهِيمُ وَمُوسَى

ایه یاد آرا زمانی را که از پیامبران ابرای ابلاغ وحی اسمانی محکم دریافت کردیم، و انبیا از نو و از نوح و ابراهیم و موسی

وَعِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا ۝۷ لَيْسَ سَأَلَ الصَّادِقِينَ

وعیسی بن مریم و اخلاصه از ائمه ائمان اسمانی سخت و استوار ابرو ساندن و حی به مردم اگر تقسیم (۷) تا خداوند از صادقان بخواهد که صدقشان را ادر گفتار

عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا ۝۸ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

و عمل ائمه ایانند، و نهایتا سزاوار پاداش اخروی شوند، و برای کافران اکه صدقی در گفتار و عمل نداشتند عذابی دردناک آماده کرده است (۸) ای مؤمنان ا

اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَ

تعمت خداوند را بر خود یاد کنید آن هنگامی که سپاهسانی ایه قصد از بین بردنتان ا به سوی شما آمدند، پس توفانی اعظیم ا

جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ۝۹ إِذْ جَاءُوكُمْ مِنْ

ولشکر بانی که آنان را نمی دیدید به سوی آن فرستادیم اکه آنان را در هم بگویند، و خداوند همواره به آنچه انجام می دهید بیناست (۹) این اوضاع از مانی ابود که

فَوْقَكُمْ وَمِنْ أَسْفَلٍ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ

از ناحیه بالا و پایین ا شهر ا شما ا مدینه ا به سویتان آمدند، و در آن حال چشمها از شدت ترس ا خیره شد

الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظَّنُونَا ۝۱۰ هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ

و جانها به گلو رسید، و به خداوند ادر مورد وعده هایش ا گمانها ای ناروا می بردید (۱۰) آنجا بود که

وَزُلْزِلُوا زُلُزْلًا شَدِيدًا ۝۱۱ وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ

مؤمنان ادر برابر هجوم احزاب متحد ا مورد آزمایش قرار گرفتند، و نهایتا به اضطرابی سخت دچار شدند (۱۱) ادر همان زمان ابود اکه منافقان

فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا ۝۱۲ وَإِذْ

و آنان که در دل هایشان بیماری ا ضعف اعتقاد و سستی اعتماد به خدا ا وجود داشت می گفتند: خدا و پیامبرش جز بر پایه فریب به ما وعده ا پیروزی ا نداده اند (۱۲)

قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ

ا در آن هنگامه ابود که گروهی از آنان گفتند: ای اهل مدینه ا میدان نبرد ا جای درنگ و ماندن شما نیست، پس ایه مدینه ا باز گردید ا

فَرِيقٌ مِنْهُمْ النَّبِيُّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن

و گروهی ا دیگر ا از پیامبر اجازه ا بازگشت به مدینه می خواستند، و بهانه آنان این بود که می گفتند: خانه های ما بدون حفاظ است ا به این سبب در معرض خطر قرار دارد ا

يُرِيدُونَ الْإِفْرَارَا ۝۱۳ وَلَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُوا

در حالی که بدون حفاظ نبود و آنان قصدی جز فرار از جبهه ا نداشتند (۱۳) اگر ا بر ارمون خانه هایشان به آنان حمله می شد و بازگشت ایه شرک و جنگ با مؤمنان ا را از آنان

الْفِتْنَةَ لَأَنْتَهُمَا وَمَا تَلَبَّثُوا فِيهَا إِلَّا يَسِيرًا ۝۱۴ وَلَقَدْ كَانُوا

می خواستند بی چون و چرا می پذیرفتند، و ابرای عملی شدن این درخواست ا جز مدت اندکی اکه به اندازه تجهیزشان بر ضد مؤمنان بود ا درنگ نمی کردند (۱۴) با این که

عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤْلُونَ الْأَذْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا ۝۱۵

پیش از این ادر معرکه ا خد با خداوند پیمان بسته بودند که از جنگ ا نگریزند، اکنون یقین داشته باشند که ا پیمان با خداوند همواره مورد باز خواست خواهد بود (۱۵)

قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ اِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ اَوِ الْقَتْلِ وَاِذَا لَا

بگو: اگر از مرگ یا کشته شدن بگریزید، [این] فرار سودی برایتان نخواهد داشت، و در این صورت [که] سودی دهد سودش تنها آن است که

تَمْتَعُونَ الْاَقْلِيلَ ﴿١٦﴾ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ اِنْ ارَادَ

جز اندکی از متاع دنیا بهره مند نخواهید شد (۱۶) اگر خداوند مرگ یا کشته شدن شما را خواسته باشد،

بِكُمْ سُوءًا اَوْ ارَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَاَلَا يَجِدُ وَنَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا

یا بخواد پیروزی و غنیمتی را نصیب شما کند کیست که شمارا در برابر اراده حتمی خداوند حفظ کند؟ همه امور به خواست اوست، و مردم در برابر خداوند هیچ سرپرست

نَصِيرًا ﴿١٧﴾ قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ

و یاوری نمی یابند (۱۷) همانا خداوند کسانی از شما را که بازدارندگان [مردم از جهاد]ند، و کسانی را که به برادران [ایمانی] خود می گویند

إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَاسَ الْاَقْلِيلَ ﴿١٨﴾ اَشْحَثَّ عَلَيْكُمْ فَاِذَا جَاءَ

به سوی ما [و دست از جنگ بردارید] می شناسد، و جز اندکی [که از ایمان یقینی برخوردارند] به جهاد نمی آیند (۱۸) [این] ادر حالی است [که این منافقان نابکار] نسبت

الْخَوْفُ رَأَيْتُمْ بِنَظَرُونَ إِلَيْكَ نَدُّو رَأْعَيْنَهُمْ كَالَّذِي يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ

به شما [برای هر نوع کمکی جهت اداره جنگ] بخیلند، چون [به سبب وقوع جنگ،] ترس [به سویشان] آید، آنان را می بینی که به سویی می نگرند به گونه ای که چشمتان

الْمَوْتِ فَاِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِالسِّنَةِ حِدَادٍ اَشْحَثَّ عَلَى

[بی اختیار در حلقه] می گردد، مانند کسی که بی هوشی مرگ بر سراسر وجودش چیره شده، و چون [از مینه] ترس بر طرف شود باز بان هایی تندوتیز به شما طعنه زده،

الْخَيْرِ اُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَاحْبَطَ اللَّهُ اَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ

ازارتان می دهند، در حالی که به غنیمتی [که به شما می رسد] به شدت حریصند، [در واقع] اینان ایمان نیاورده اند و به این سبب خداوند اعمالشان را تباہ کرده،

يَسِيرًا ﴿١٩﴾ يَحْسِبُونَ الْاَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَاِنْ يَأْتِ الْاَحْزَابُ يَوَدُّوْا

و این [کارا] بر خدا آسان است (۱۹) [این] بزدلان [می پندارند که] لشکر احزاب [با این که شکست خورده و عقب نشینی کرده اند هنوز از اطراف مدینه] نرفته اند،

لَوْ اَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ

و اگر احزاب [بار دیگر برای حمله] بازگردند [این منافقان سست بنیان] دوست دارند کاش در بین اعراب باده نشین بروند و [همان جا] از اخبار شما جویا شوند،

مَا قَاتَلُوا الْاَقْلِيلَ ﴿٢٠﴾ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ

اگر هم در بین شما بودند جز اندکی [که بود و نبودشان تأثیری نداشت] جنگ نمی کردند (۲۰) [بی تردید برای کسانی از شما

مَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْاٰخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ﴿٢١﴾

که همواره به خدا و روز قیامت امیدوارند و خدا را بسیار یاد می کنند، پیامبر [در ایمان و اخلاق و عمل] اسر مشق نیکویی است (۲۱) چون مؤمنان، احزاب [متحد] را [در

وَلَمَّا زَارَ الْمُؤْمِنُونَ الْاَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ

میدان جنگ خندق] دیدند گفتند: این همان [جنگی] است که خدا و پیامبرش به ما وعده دادند [که در صورت استقامت و پشت نکردن به آن، از پیروزی و ثواب عظیمش

وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا اِيْمَانًا وَتَسْلِيمًا ﴿٢٢﴾

بهره مند خواهیم شد، و خدا و پیامبرش [به ما] وعده راست و درست داده اند، و [دیدن احزاب متحد با هم] جز بر ایمان و تسلیمشان [نسبت به حق] نیفزود (۲۲)

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ

از مؤمنان مردانی هستند که به عهده‌ای که با خداوند ابرای ثبات قدم و دفاع از حق تائید جان بسته بودند وفا کردند، برخی از آنان عهد خود را تائید شدن به انجام رساندند.

نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا ﴿٢٣﴾ لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ

و برخی [شهادت را] انتظار می‌برند، و به هیچ‌وجه [عهدشان را] تغییر نداده‌اند (۲۳) برای اینکه خداوند

بصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ

وفاکنندگان [به عهد] را به خاطر وفایشان پاداش دهد، و منافقان را اگر بخواهد عذاب کند، یا اگر توبه کنند [توبه آنان را]

إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٢٤﴾ وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا

بمذیرد؛ زیرا خداوند همواره بسیار مهربان و آمرزنده است (۲۴) خداوند کافران [شرکت‌کننده در جنگ خندق] را

بَغْضًا لِّمَن لَّمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ

در حالی که به هیچ‌خیری از جمله پیروزی و غنیمت [دست نیافتند، با] درون آکنده از [خشمشان از] اطراف مدینه به مناطقی که ابرگرداند، و [سخنی]

قَوِيًّا غَزِيًّا ﴿٢٥﴾ وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوا مِنْهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ

و مشقت جنگ را از مؤمنان برداشت؛ خداوند همواره نیرومند و توانای شکست‌ناپذیر است (۲۵) و کسانی از یهودیان را که از احزاب پشتیبانی کردند از

صِيَاحِبِهِمْ وَقَدْ فِ قُلُوبِهِمُ الرُّعْبُ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ

قلعه‌های استوارشان پایین کشید [تا در دست‌رسان قرار گیرند]، و در دل هایشان ترسی شدید انداخت، [در نتیجه] گروهی را می‌کشتید و گروهی را

فَرِيقًا ﴿٢٦﴾ وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَّمْ تَطْغُوهَا وَ

اسیر می‌کردید (۲۶) و سرزمین و دیار و اموالشان را، و سرزمینی را که به آن قدم نگذاشته بودید به شما میراث داد،

كَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ﴿٢٧﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ

و خداوند بر هر کاری تواناست (۲۷) ای پیامبر! به همسرانت بگو:

إِنْ كُنْتُمْ تُرَدُّنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمْتِعْكُمْ

اگر زندگی دنیا و زینتش را می‌خواهید، [و از زندگی زاهدانه و قناعت‌پیشه‌ام ناراضی هستید] بیاید متاعی به شما پرداخت کرده،

وَأَسْرَحُكُمْ سَرَاحًا جَمِيلًا ﴿٢٨﴾ وَإِنْ كُنْتُمْ تُرَدُّنَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ

و با روشی پسندیده رهایتان سازم (۲۸) و اگر خدا و پیامبرش

وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾

و سرای [آباد و جاویدان] آخرت را می‌خواهید همانا خداوند برای نیکوکاران از شما پاداش بزرگی آماده کرده است (۲۹)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ

ای همسران پیامبر! هرکدام از شما کار زشت آشکاری را [چون نافرمانی از پیامبر، درخواست بی‌جا از او و آزار دادنش] مرتکب شود

لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿٣٠﴾

[بداند مصونیتی نخواهد داشت بلکه] عذابش دوچندان خواهد بود، و این [کار] بر خدا آسان است (۳۰)

وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا

هرکدامتان [مخلصانه] برای خداوند و پیامبرش فروتنانه اطاعت کند و کار شایسته انجام دهد،

أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا ﴿٣١﴾ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ

او را دو برابر پاداش می‌دهیم، و برایش رزقی با ارزش مهیا کرده‌ایم (۳۱) ای همسران پیامبر!

لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنْ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ

ایم اهل اطاعت از خدا و ترک محرماتش باشید، [در مقام و منزلت] مساوی با هیچ یک از زنان نیستید، پس در سخن گفتن دلبازی و ملذذی نداشته باشید

فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا ﴿٣٢﴾ وَقُرْنِ فِي

که [اگر چنین کنید] آنکه در دلش بیماری [شهوات] است [در شما] طمع می‌کند، و سخن پسندیده گوید (۳۲) و در خانه‌هایتان قرار و ثبات داشته باشید! و چون شیوه

بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ

خودرایی و خودنمایی [از زنان روزگار] جاهلیت پیشین، [در برابر نامحرمان] خودرایی و خودنمایی نکنید [نماز را] با شرایط ویژه‌اش [بخوانید و زکات بپردازید و از خدا و پیامبرش

وَاتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ

اطاعت کنید! جز این نیست که همواره خداوند [به اراده] حتمی‌اش [می‌خواهد هرگونه پلیدی] [در اعتقاد و اخلاق و عمل] را از شما اهل بیت [نبوت] که به روایات فراوان فریقین

عَنْكُمْ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴿٣٣﴾

خمس طیبه محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام هستند، پیش از آن که به شما برسد [برطرف کرده] [از بین ببرد]، و شما را آن گونه که باید پاک و پاکیزه بدارد (۳۳)

وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ

ای همسران پیامبر! آنچه را از آیات خدا، و دانش سودمند و استوار در خانه‌هایتان خوانده می‌شود به خاطر سپرده، مورد توجه قرار دهید،

إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ﴿٣٤﴾ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ

بهراستی خداوند ریزنگر و آگاه است (۳۴) بی‌تردید خداوند آمرزش و پاداشی بزرگ

وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ

آماده کرده است، [البته] برای: مردان و زنان تسلیم شده [به خداوند]، مردان و زنان مؤمن، مردان و زنان عبادت‌پیشه، مردان و زنان راستگو

وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ

و راست‌کردار، مردان و زنان شکمیا، مردان و زنان فروتن،

وَالْمُنْصِدِّقِينَ وَالْمُنْصِدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ

مردان و زنان زکات‌دهنده، مردان و زنان روزه‌دار،

وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ

مردان و زنان حافظ خویش از پلیدی جنسی، مردان و زنانی که

كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٣٥﴾

بسیار خدا را به یاد آورده، [قلباً] مورد توجه قرار می‌دهند (۳۵)

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُمْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ

شایسته هیچ مرد و زن مؤمنی نیست که چون خدا و پیامبرش کاری را فرمان دهند، از پیش خود او برخلاف فرمان خدا و رسول

الْخَبْرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا ﴿٣٦﴾

کاری دیگر را انتخاب کنند، هرکس از خداوند و پیامبرش نافرمانی کند قطعاً به صورتی آشکار گمراه و منحرف شده است (۳۶)

وَإِذْ نَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ

ایادکن اوقتی به آن شخصی [= زید بن حارثه] که خدا به او نعمت عطا کرد، و تو نیز بازادگر دانش و پذیرفتن او به عنوان پسر خوانده ات [به او احسان کردی، می گفتی

وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ

همسرت را برای خود نگه دار، و از خداوند پنهان کن و تو در باطنت چیزی را که خداوند پنهان می داشته است که خداوند آشکار کند آن بود.

أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى

و تو از مردم [برای به اجرا گذاردن این حکم] می ترسیدی در حالی که خداوند از این که از او ترسی شایسته تر بود، [نهایتاً] زمانی که زید نیاز از نکاحش را نسبت به همسرش به پایان

الْمُؤْمِنِينَ خَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ

برد او را و او را اطلاق داد. و ی را به همسری ات در آوردیم تا برای مؤمنان در باره از دواج با همسران پسر خوانده هایشان زمانی که نیازشان را از آنان به پایان برده و آن ها را اطلاق داده باشند

أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا ﴿٣٧﴾ مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ خَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ

مشقتی نباشد، البته فرمان خداوند انجام یافتنی است (۳۷) بر پیامبر در انجام آنچه خداوند

سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا ﴿٣٨﴾

بر او مقرر کرده مشقت و تنگنایی نیست، خداوند سنت و روش حکیمانه [اش را در باره پیامبران گذشته] نیز [معمول داشته است، همواره فرمان خداوند مناسب

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ

و سنجیده است (۳۸) آنان که همواره پیام های خداوند را [به مردم] می رسانند، و از [عظمت] او می ترسند و از احدی

وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا ﴿٣٩﴾ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ

جز او و اهمه ندارند، خداوند برای حسابرسی [کار با ارزششان] بس است (۳۹) محمد [ﷺ] پدر هیچ یک از

وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٤٠﴾

مردان شما نیست، بلکه فرستاده خداوند و خاتم پیامبران است، و خداوند به هر چیزی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ﴿٤١﴾ وَسَبِّحُوهُ

دانا است (۴۰) ای مؤمنان! خداوند را بسیار یاد کرده، [قلباً مورد توجه قرار دهید] (۴۱)

بِكُرَّةٍ وَآصِيلًا ﴿٤٢﴾ هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ

و صبح و شام او را با تسبیح گفتن، [از هر عیب و نقصی] پاک و منزه بدارد (۴۲) اوست که شمار امور در حمت [و بزرگواری] خود قرار می دهد و فرشتگانش نیز

لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا ﴿٤٣﴾

[به شما را و دوصلوات می فرستند، تا شما را از تاریکی ها [و فرهنگ های ابلیسی] به سوی نور [ایمان و اخلاق نیکو و عمل صالح] ببرد، و او همواره به مؤمنان مهربان است (۴۳)

تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا ﴿٢٢﴾ يَا أَيُّهَا

روزی که [مؤمنان] به لقای اومی رسند درود خدا بر آنان سلامت [و امنیت همه جانبه] است، [خداوند] برای آنان پاداشی با ارزش آماده کرده است (۲۲)

النَّبِيِّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٢٣﴾ وَدَاعِيًا إِلَى

ای پیامبر! به راستی ما تو را گواه [بر اعمال امت] و مژده رسان و هشدار دهنده [فرستادیم] (۲۳) و تو را

اللَّهِ بِأَذْنِهِ وَسِرًا مُنِيرًا ﴿٢٤﴾ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ

به فرمان خود دعوت کننده [مردم] به سوی الله، و چراغی روشنگر [برای هدایت جهانیان] قرار دادیم (۲۴) به مؤمنان این مژده را بپرسان که برای آنان

فَضْلًا كَبِيرًا ﴿٢٥﴾ وَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعُ أَزْهَمَ

از سوی خداوند احسان بزرگی خواهد بود (۲۵) و از کافران و منافقان پیروی مکن!

وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿٢٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

و آزارشان را نادیده بگیر! و بر خدای متعال توکل کن که [حمایت و] کارسازی خداوند پس است (۲۶) ای مؤمنان!

إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ

چون با زنان مؤمن عقد نکاح بستید، سپس پیش از آمیزش با آنان

فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَةٍ تَعْتَدُوْنَ وَهِيَ فَمَتَّعُوهُنَّ وَسَرَ حَوْهِنَّ

طلاقان دادید برای شما برعهده آنان عِدَّة [طلاق] نیست تا آن را به حساب آورید، پس [با پرداخت نصف مهریه] بهرمنشان سازید،

سَرًا حَسِيلًا ﴿٢٧﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي

و به صورتی پسندیده رهایشان کنید (۲۷) ای پیامبر! همسرانت را که مهرشان را به آنان پرداخته‌ای

أَنْتَ أَجُورُهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَ

برایت حلال کردیم، و نیز کنیزیانی که خداوند به تو غنیمت داد،

بَنَاتِ عَمِكَ وَبَنَاتِ عَمَاتِكَ وَبَنَاتِ خَالَكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ

و دختر عمه‌ها و دختر عموها و دختر دایی‌ها و دختر خاله‌ها

و اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ

که با تو مهاجرت کرده‌اند [ازدواج با آن‌ها برایت جایز است]، و [نیز] زن باایمانی که [بدون چشمداشت مهریه]، خود را به پیامبر بخشد،

أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ

چنانچه پیامبر، ازدواج با او را بخواهد [ازدواج با او بی‌مانع است]، [این حکم] ویژه توست نه مؤمنان، آنچه

عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ

در مورد زنان و کنیزانشان بر آنان مقرر کرده‌ایم [که چه کنیزی برای آنان حلال است] می‌دانیم [و این احکام ناشی از علم ما به مصالح آنان است،

لَكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٢٨﴾

و آنچه در مورد ازدواج و ویژه توست [برای این است که] در این راه، مشکل و مضیق‌ه‌ای برایت نباشد، خداوند همواره بسیار آمرزنده و مهربان است (۲۸)

تُرْجَىٰ مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتُؤَيَّ إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ وَمَنِ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ

انوبت| هر یک از زنان را که بخواهی به تأخیر انداز، و هر کدام را که میل داری نزد خود جای ده!

عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ تَقْرَءَ عَيْنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَ

و هر کدامشان را که از او کناره گرفته باشی گناهی بر تو نیست که [نزد خود] بطلبی، این [برنامه ریزی] به خوش حال کردنشان.

وَيُوصِيَنَّ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلَّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَ

و این که اندوهگین نگردند، و همگی به آنچه از تقدیم و تأخیر وقت به آنان داده ای خوشنود شوند نزدیکتر است، خداوند آنچه را از نیت ها و خواسته ها

كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا ﴿٥١﴾ لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ

در دل شمع است می داند، خداوند دانا و بردبار است (۵۱) [غیر از زنانی که گفته شد] از این پس نه [ازدواج با] زنان [دیگر]

تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ

برایت جایز است، و نه [این که حق داری زنانی را که در قید نکاح تو هستند طلاق دهی و] همسران دیگر جایگزینشان کنی هر چند زیبایی شان برایت خوشایند باشد، مگر

بِمِيتَةٍ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا ﴿٥٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

کنیزی که مالکش می شوی [که از این حکم مستثناست]، و خداوند حافظ و نگهبان همه چیز است (۵۲) ای مؤمنان!

لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرَ نَاظِرِينَ

به خانه های پیامبر وارد نشوید مگر این که برای خوردن غذا به شما اجازه دهند.

إِنَّهُ وَلَكِنَّ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا

نه اینکه [پیش از موعد مقرر بیایید که] منتظر آماده شدن غذا باشید، چون دعوت شدید [در وقت معین شده به خانه اش] در آید، و هنگامی که غذا خوردید

مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنْ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي

بی آن که سرگرم گفت و گو و بحث شوید پراکنده شوید، این [نشستن و گفت و گو کردن]، پیامبر را آزار می دهد، او از شما

مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا

حیامی کند [که بیرون تن کند] ولی برای خداوند جهت [بیان] حق پروایی نیست، چون از همسران پیامبر، متاعی [از قبیل وسایل زندگی یا چیزی به عنوان امانت] خواستید

فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ

از پشت پرده بخواهید، که این برای دل های آنان و دل های آنها پاکیزه تر است،

وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنْكِحُوا

شایسته شما [مردم مؤمن] نیست که پیامبر خدا را بیازارید، و هرگز بر شما جایز نیست

أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا ﴿٥٣﴾

که بعد از او با همسرانش ازدواج کنید؛ زیرا این کار نزد خدا [گناهی] پس بزرگ است (۵۳)

إِنْ تُبَدُّوا شَيْعًا أَوْ تَخْفَوْهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٥٤﴾

اگر چیزی از اعمال و نیت خود را آشکار کنید، یا آن را پنهان بدارید [از خداوند پوشیده نیست؛ زیرا] خدا به هر چیزی داناست (۵۴)

لَا جُنَاحَ عَلَيْهِمْ فِي آبَائِهِمْ وَلَا أَبْنَائِهِمْ وَلَا إِخْوَانِهِمْ وَلَا أُمَّهَاتِهِمْ

همسران پسران پسرانشان پسرانشان پسرانشان پسرانشان پسرانشان پسرانشان

وَأَزْوَاجَهُمْ وَلَا أُولَادَهُمْ وَلَا إِخْوَانَهُمْ وَلَا أُمَّهَاتِهِمْ وَلَا أُمَّهَاتِهِمْ

خواهرانانشان زنان هم گیشانشان و برادرانشان ادر ترک حجاب

وَأَتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا ۝۵۵

گناهی نیست ای زنان پیامبر! از خدا پروا کنید؛ زیرا خداوند بر هر چیزی شاهد است (۵۵)

وَمَلَايِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا

همانا خداوند و فرشتگانش بر پیامبر رحمت و درود می فرستند، ای مؤمنان!

عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ۝۵۶

بر او درود بفرستید، و آن گونه که سزاوار است تسلیم [او] باشید (۵۶) بی تردید آنان که خدا

لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا ۝۵۷

و پیامبرش را می آزارند در دنیا و آخرت مورد لعنت خدایند، و عذابی خوارکننده برای آنان آماده کرده است (۵۷)

وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغْيًا مَّا اكْتَسَبُوا

کسانی که مردان و زنان باایمان را با [متهم کردن به] اعمالی که انجام نداده اند مورد آزار قرار می دهند

فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ۝۵۸

مسلمانان بهتان و گناه بزرگی به عهده می گیرند (۵۸) ای پیامبر! به همسرانت

وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ

و دخترانت و همسران مؤمنان بگو چادرهایشان را بر خود بپوشانند [تا گلو و سینه و زبور آلتشان در معرض دید نامحرمان قرار نگیرد]، این [پوشش]

أَذْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا بُؤْذَ لِهِنَّ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝۵۹

برای این که [به باکد امنی و عفت] شناخته شوند، و در نتیجه مورد آزار افراد هرزه و ولگرد قرار نگیرند نزدیک تر است، خداوند همواره بسیار آمرزنده و مهربان است (۵۹) اگر

يَنْتَهِي الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي

منافقان و کسانی که در دل هایشان بیماری [ضعف ایمان و سستی اراده] است، و آنان که در مدینه شایعات [و اخبار دروغ و دلپهره] و ابله می کنند [از]

الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا ۝۶۰

رفتار زشتشان [باز نایستند] و بر آنان [برای ریشه کن کردن یا تبعیدشان] مسلط می کنیم، آن گاه در این [شهر] جز اندکی در کنارت نخواهند ماند (۶۰)

مَلْعُونِينَ أَيْمًا تُقْفُوا أَخْذُوا وَقْتِكُمْ بِمَا كُنتُمْ فِي سُنَّةِ اللَّهِ فِي

[این چند گروه در حالی که] طردشدگان [از رحمت خداوند] هستند باید هر کجا یافت شوند دستگیر شده و به سختی کشته شوند (۶۱) خداوند

الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ۝۶۲

روش خود را در باره کسانی [مانند این خائنان] که پیش از این در گذشته همین گونه قرار داد، و برای روش خداوند هیچ تغییری نخواهی یافت (۶۲)

يَسْأَلُ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ

مردم درباره ازمان وقوع قیامت از تو می پرسند، بگو: دانش آن فقط نزد خداست، و تو چه می دانی

لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا ﴿٦٣﴾ إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ

شاید قیامت نزدیک باشد (۶۳) همانا خداوند کافران را از رحمت خود طرد کرده، و برای آنان آتشی افروخته آماده

سَعِيرًا ﴿٦٤﴾ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿٦٥﴾

کرده است (۶۴) درحالی که همواره در آن جاودانند، و سرپرست و یاری [که آنان را نجات دهد] نیابند (۶۵)

تَقَلَّبَ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا

روزی که صورت هایشان را در آتش از سویی به سویی می گردانند، [و آنان در آن وضع سخت] می گویند: ای کاش ما از زمانی که در دنیا بودیم از خدا

الرَّسُولَ ﴿٦٦﴾ وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُفَرَاءَنَا فَاصْلُوْنَا

و پیامبر اطاعت می کردیم! (۶۶) و [انیز] می گویند: پروردگارا! البته ما [به اختیار و انتخاب خودمان] از فرمانروایان و بزرگان [بی دین] خود اطاعت کردیم، در نتیجه ما را

السَّبِيلَ ﴿٦٧﴾ رَبَّنَا إِنِّمْ ضَعُفْنَا مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَاهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا ﴿٦٨﴾

متحرف کردند (۶۷) پروردگارا! [سهم] آنان را از عذاب دوچندان ده! و کاملاً [از رحمت] ما

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ أَذَوْا مُوسَىٰ فَبَرَّاهُ اللَّهُ

دورشان ساز! (۶۸) ای مؤمنان! درباره پیامبرتان [مانند کسانی نباشید که موسی را [با تهمت و سرپیچی از او] آزار دادند،

فَمَا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا ﴿٦٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ

خداوند اور از آنچه [در باره] او می گفتند تبرئه کرد، و او نزد خدا ابرو مند بود (۶۹) ای مؤمنان! از خداوند اطاعت کرده، و از محرماتش بپرهیزید،

وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ

و سخن استوار و درست بگوئید (۷۰) تا [خداوند] اعمالتان را [برایتان] از برکت اطاعت از خدا و پرهیز از محرمات] اصلاح کند، و گناهاتتان را

ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾

بیارزد، و هر که از خدا و رسولش اطاعت کند یقیناً به کامیابی بزرگی دست یافته است (۷۱) ما

عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا

امانت را [که تکالیف و مسئولیت های اختیاری شرعی است] بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کردیم، و آن ها از به عهده گرفتنش [به علت نداشتن استعداد]

وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ﴿٧٢﴾ لِيُعَذِّبَ

سر باز زدن و از پذیرفتن آن ترسیدند، و انسان آن را به عهده گرفت، بی تردید او [به خاطر ادا نکردن امانت] بسیار ستمکار، و [نسبت به سرانجام]

اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَبَشُوبَ اللَّهِ

خیانت در امانت، [بسیار نادان است] (۷۲) تا نهایتاً خداوند مردان و زنان منافق، و مردان و زنان مشرک را [به سبب ادا نکردن امانت] عذاب

عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٧٣﴾

کند، و مردان و زنان مؤمن را [به علت ادای امانت] مورد رحمت و آمرزش قرار دهد، و خداوند همواره بسیار آمرزنده و مهربان است (۷۳)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي

همه ستایش ها و بزرگ خداوند است که آنچه در آسمان ها و زمین است در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست، و نیز همه ستایش ها در

الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿١﴾ يَعْلَمُ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا

آخرت مخصوص اوست، و او حکیم و آگاه است (۱) آنچه در زمین فرومی رود و آنچه از آن بیرون می آید، و آنچه

يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ

از آسمان فرود می آید و آنچه در آن بالا می رود همه و همه در احاطه دانش اوست و او بسیار مهربان

الْغَفُورُ ﴿٢﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي

و امروزنده است (۲) کافران گفتند: قیامت بر ما نخواهد آمد. بگو: آری، سوگند به پروردگارم

لَتَأْتِيَٰنَا السَّاعَةُ غَیْبٌ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَ

که دانای غیب است یقیناً بر شما خواهد آمد، هموزن ذره ای در آسمان ها

لَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابِ

و زمین از او پوشیده نیست، [چیزی] کوچکتر از آن و بزرگتر از آن نیست مگر آن که در کتابی

مُبِینٍ ﴿٣﴾ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ

روشن [ثبت] است (۳) [بی تردید قیامت فرامی رسد] تا [خداوند] مؤمنانی را که کارهای شایسته انجام داده اند پاداش دهد، برای آنان

مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٤﴾ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ

اعزیز و رزق ارزشمندی خواهد بود (۴) و آنان که در آیه تخریب و بی اثر نمودن آیات ما کوشیده اند تا [به گمان خود، ما را] عاجز کنند

أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزٍ أَلِيمٍ ﴿٥﴾ وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ

تا از دسترس قدرت ما بیرون روند عذاب دردناکی از سخت ترین عذاب ها برای آنان است (۵) آنان که از معرفت

الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَبَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطِ

بهره یافته اند [این مطلب را] می دانند که آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده حق است، و به راه خدای

الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٦﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَهْلُ نَدُوكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ

توانای شکست ناپذیر و ستوده خصال هدایت می کند (۶) کافران [به مردم] گفتند: آیا شما را به

يُنْتَبِئُكُمْ إِذَا مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمَزِّقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿٧﴾

مردی راهنمایی کنیم که خبری شگفت آور [به شما می دهد]؟ او این که [وقتی] در خاک گور [به طور کامل] متلاشی شدید [دوباره] در آفرینشی جدید پدید خواهد شد! (۷)

أَفْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ

ایا این خیر دهنده بر خدا دروغ بسته، یا دچار جنون است؟! نه، چنین نیست که می گویند، بلکه آنان که به آخرت ایمان ندارند

فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ ﴿٨﴾ أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا

در عذاب و گمراهی دوری هستند که هرگز در آن دسترسی به هدایت ندارند (۸) آیا به آنچه از آسمان و زمین که پیش رو و پشت سر آنان است

خَلْفَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ نَاشِئُكُمْ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ

نگاهی دقیق آن کردند تا بفهمند خدایی که آسمان و زمین را آفریده بر زنده کردن مردگان تواناست؟! ما اگر بخواهیم آنان را در زمین فرو می بریم،

نُسْقِطُ عَلَيْهِمْ كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ

با پاره هایی از آسمان را بر سر آنان می اندازیم تا خود و خانه و زندگی شان را نابود کند، مسلماً در این آفرینش شکفت، نشانه ای

مُنِيبٌ ﴿٩﴾ وَلَقَدْ أَتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ

ای قدرت آفریدگار ابرای هر بنده ای است که همواره با توجه و اخلاص بازگشت کننده (به حق) است (۹) همانا از سوی خود احسانی بزرگ به داود عطا کردیم، او فرمان

وَالطَّيِّرُ وَالنَّالَةَ الْحَدِيدَ ﴿١٠﴾ أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرُ فِي السَّرْدِ

دانیم: ای کوه ها و ای پرندگان! در تکرار تسبیح خدا با او همصدا شوید. و آهن را برای او نرم کردیم (۱۰) (به او گفتیم) که زره های فراخ و کامل بساز! و ایافت آن را! یا

وَأَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١﴾ وَإِسْلِيمَانَ الرَّيْحِ

ندازد گیری حلقه های کنواخت کن! و اتوو خاندانت و قومت! کار شایسته انجام دهید، به راستی من به آنچه انجام می دهید بینا می (۱۱) و باد را ویزه سلیمان (به کار گرفتیم)

عُدُّوْهَا شَهْرٌ وَرَوَّاحُهَا شَهْرٌ وَأَسْلُنَا لَهُ عِبْنَ الْقُطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ

که صبح تا ظهر (مسیر) یک ماه، و از ظهر تا شب (نیز مسیر) یک ماه را می پیمود، و برایش چشمه مس مذاب را روان کردیم، و گروهی از جن

مَنْ يَعْمَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَنْ يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نَذْرُهُ

به اذن پروردگارش پیش روی او کار می کردند، و هریک از آنان که از فرمان ما سربیزی می کرد

مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿١٢﴾ يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَمَتَائِيلَ وَ

از عذاب سوزان به او می چساندیم (۱۲) آنان برای او هرچه می خواست می ساختند از قبیل: معبدها، مجسمه ها،

جِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ أَعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ

و ظروفی (در بزرگی) مانند حوض ها و دیگ هایی ثابت (و غیر قابل انتقال) ای خاندان داود ابرای (تحقق) سپاس گزاری (به پیشگاه حق)، عمل (شایسته) انجام دهید!

مِنْ عِبَادِي الشَّاكِرِينَ ﴿١٣﴾ فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ

و از بندگانی اندکی اهل سپاسند (۱۳) ابا این شکوه و عظمت سلیمان! چون مرگ را بر او مقرر کردیم جنیان را

مَوْتَهُ إِلَّا دَابَّةَ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَاتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ

از مرگش جز موربانه ای که عصبایش را می خورد آگاه نکرد، هنگامی که ابر زمین افتاد جنیان

أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبِ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿١٤﴾

اگر می دانستند در کارهای بسیار سخت و طاقت فرسا باقی نمی ماندند (۱۴)

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا

مسلمانا برای قوم سبا در محل سکونتشان نشانه ای از قدرت و رحمت خداوند! وجود داشت، دو باغ آباد و پر نعمت از جانب راست و چپ،

مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبُّ غَفُورٌ ﴿١٥﴾

گفتیم: از رزق پروردگاران بهره مند شوید، و شکرش را به جای آرید [که] شهری [است] خوش و دلپذیر، و پروردگاری بسیار بخشنده (۱۵)

فَاعْرَضُوا فَاَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْنِ

ولی مردم شهر از شکر پروردگارا روی برنافتند، در نتیجه سیل ویرانگر «عرم» را بر ضد آنان جاری کردیم، و آن دو باغ پر نعمتشان را

ذَوَاتِیْ اَكْلَ خُطٍ وَاَثَلٍ وَشِیْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ ﴿١٦﴾ ذَٰلِكَ جَزَآؤُنَا لَهُمْ

به دو باغی که میوه تلخ و درخت شوره گز و اندکی درخت سدر حاصلش شد تبدیل کردیم (۱۶) این اسیل ویران کننده، و نابودی دو باغشان را

بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِيْ اِلَّا الْكَفُوْرَ ﴿١٧﴾ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ

را در برابر ناسپاسی و کفرانشان به آنان کیفر دادیم، آیا جز کفران کننده را کیفر می دهیم؟ (۱۷) بین مردم سبا

الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيْهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيْهَا السَّيْرَ

و شهرهایی که در آن ها نعمت و خیر فراوان نهاده بودیم آبادی هایی به هم پیوسته و نمایان قرار دادیم، و سیروسفر در آن ها را [از لحاظ مسافت] به اندازه (و متناسب) مقبر

سِيرُوا فِيْهَا لَيَالِيَ وَاَيَّامًا اَمْنِيْنَ ﴿١٨﴾ فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ

کردیم [و گفتیم: شب ها و روزها با ایمنی در آن ها سفر کنید (۱۸) پس این ناسپاسان مغرور در ضمن درخواستی جاهلانه گفتند: پروردگار! بین [ما و] سفرهایمان [با ایجاد

اَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ اَحَادِيْثَ وَمَرْقَنًا كُلُّ مُمْزَقٍ

سروزمین های بی آب و گیاه و کویری [فاصله انداز! تا تهدیدستان بی زاد و توشه که مناسب شان ما نیستند تنویر با ما هم سفر شوند. باین غرور و ناسپاسی بر خود ستم ورزیدند،

اِنَّ فِيْ ذَٰلِكَ لَاٰيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُوْرٍ ﴿١٩﴾ وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ

ما هم آنان را موضوع داستان ها [بی برای مجالس مردم] قرار دادیم، و کاملاً متلاشی و تار و مارشان کردیم، به راستی در این سرگذشت ها برای هر شخص صبور و شکرگزاری

اِبْلِیْسَ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوْهُ اِلَّا فَرِیْقًا مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٢٠﴾ وَمَا كَانَ لَهُ

عبرت هاست (۱۹) مسلمانا ابلیس پندارش را [که] اعلام کرده بودند نسل آدم را گمراه می کنم، [نسبت به آنان تحقق داد، که همه جز گروهی از مؤمنان پیرو او شدند (۲۰) برای ابلیس

عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطٰنٍ اِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ یُّؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا

هیچ گونه تسلطی بر آنان نبود [جز از راه وسوسه، آن هم برای این بود] که [می خواستیم] کسانی را که به آخرت ایمان [واقعی] می آورند از کسانی که در باره آن شک دارند

فِيْ شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلٰی كُلِّ شِیْءٍ حَفِيْظٌ ﴿٢١﴾ قُلِ ادْعُوا الَّذِیْنَ

مشخص کنیم، و پروردگارت بر هر چیزی نگهبان است (۲۱) بگو: کسانی را که به جای خداوند [شایسته] پرستیدن [ا]

زَعَمْتُمْ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ لَا یَمْلِكُوْنَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِی السَّمٰوٰتِ وَلَا

پنداشتید بخوانید [تا در امورتان به شما پاسخ دهند، ولی هیچ خواسته ای را از شما پاسخ نمی دهند: زیرا] در آسمان ها

فِی الْاَرْضِ وَمَالَهُمْ فِیْهَا مِنْ شَرْکٍ وَمَالَهُ مِنْ ظٰهِرٍ ﴿٢٢﴾

وزمین هموزن دزدای را مالک نیستند، و برای آنان در آن دو اعرصه [هیچ سهم و شرکتی نیست، و از آنان هیچ پشتیبانی برای خداوند وجود ندارد (۲۲)]



وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُزِّعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ

در پیشگاه خداوند شفاعتی جز برای کسانی که به آن ها اذن [شفاعت] دهد سودی ندارد، [آن روز] شافعان و آنان که امید شفاعت شدند دارند در اضطراب و دلهره اند، [تا زمانی که اید]

قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ﴿٢٣﴾ قُلْ

صدور اذن [شفاعت] اضطراب از دل هایشان بر طرف گردد، [منتظران شفاعت به شافعان] بگویند: پروردگارتان چه گفت؟ می گویند: حق [گفت]، او بلند مرتبه و بزرگ است (۲۳)

مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ

ایه مشرکان! بگو: چه کسی از آسمان ها و زمین به شما روزی می بخشد؟ بگو: خداوند، و بی تردید

إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٤﴾ قُلْ لَا تَسْأَلُونَ عَمَّا

ما یا شما بر هدایت یا در گمراهی آشکار هستیم (۲۴) بگو: شما از گناه ما بازخواست نخواهید شد،

أَجْرُمنَا وَلَا تَسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢٥﴾ قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبَّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ

و ما هم از آنچه شما مرتکب می شوید بازخواست نخواهیم شد (۲۵) بگو: پروردگاران ما و شما را [در قیامت] جمع خواهد کرد، سپس

بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ ﴿٢٦﴾ قُلْ أَرُونِي الذِّهْنَ الَّتِي كُفِّتُمْ

بین ما و شما به حق داور می کند: او داور دانایی است (۲۶) بگو: کسانی را که به عنوان شریکان به او ملحق کرده اید به من نشان دهید [تا ببینیم آیا

بِهِ شُرَكَاءٌ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٧﴾ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا

صفتی که در خداوند هست در آن ها وجود دارد؟ یقیناً! چنین نیست؛ بلکه فقط خداوند است که توانای شکست ناپذیر و حکیم است (۲۷) عاتورا

كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَئِنْ أَكْثَرَ النَّاسِ

برای همه مردم جز بشارت دهنده و بیم رسان نفرستادیم، ولی بیشتر

لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ

مردم [به این حقیقت] معرفت ندارند (۲۸) [از روی تمسخر] می گویند: اگر راستگوید این وعده [قیامت و عذاب]

صَادِقِينَ ﴿٢٩﴾ قُلْ لَكُمْ مِيعَادٌ يَوْمٍ لَا تَسْتَخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً

کی خواهد بود؟ (۲۹) بگو: وعده گاه شما روزی است که نه لحظه ای از آن پس می مانید،

وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ ﴿٣٠﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا

و نه [از آن] پیش می افتید (۳۰) کافران گفتند: ما به این قرآن

الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ

و آنچه [از کتاب های آسمانی] که پیش از آن بوده هرگز ایمان نمی آوریم. اگر ستمکاران را

عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ

زمانی که در پیشگاه پروردگارشان [برای محاکمه] بازداشت کرده اند ببینی، در حالی که هریک گناه خود را برعهده دیگری می اندازد

اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ ﴿٣١﴾

[حقیقتی] شگفت را می بینی، مستضعفان به مستکبران می گویند: اگر شما نبودید بی شک ما مؤمن بودیم (۳۱)

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا أَنَحْنُ صَدَدْنَا كُمْ عَنِ

مستکبران به مستضعفان می گویند: آیا ما شما را از هدایت الهی بعد از آن که به شما رسید بازداشتیم؟

الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ ﴿٣٢﴾ وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا

انه، باور نداریم، بلکه خودتان اکه در پذیرفتن هدایت ازاد بودید یا پذیرفتن فرهنگ ما به اختیار و انتخابتان اگنه پیشه بودید (۳۲) مستضعفان

لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ

به مستکبران می گویند: بلکه نیرنگ و حیلۀ شب و روزتان!

نَكْفُرُ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَندَادًا وَأَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ

که به ما فرمان می دادید به [وحدانیت] خداوند کافر شویم، و همتایانی برای او قرار دهیم [ما را به گمراهی انداخته]

وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا

و چون عذاب را ببینند پشیمانی [خود را] از ترس آبروریزی اینهان می دارند، ولی مادر گردن کافران [چه مستکبر و چه مستضعف، چه پنهان کننده پشیمانی چه]

كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٣٣﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا

اظهار کننده آن [زنجیرهای می نهیم، آیا جز آنچه را همواره انجام می دادند جزا داده می شوند؟ (۳۳) در هیچ شهری هیچ هشدار دهنده ای نفرستادیم مگر این که]

إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿٣٤﴾ وَقَالُوا أَنَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا

خوش گذرانان غرق در ناز و نعمتشان گفتند: ما به آنچه شما را به آن فرستاده اند کافریم (۳۴) و گفتند: اموال

وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿٣٥﴾ قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ

و فرزندان ما [از شما] بیشتر است، و این دلیل توجه ویژه خداوند به ماست، از این رو [ما را] عذاب نخواهند کرد (۳۵) بگو: بی گمان پروردگار رزق را برای هر کس بخواهد

يَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾ وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ

وسعت می دهد یا تنگ می گیرد، ولی بیشتر مردم [به مصلحت خواهی خداوند] معرفت ندارند (۳۶) اموال و فرزندان

بِالَّتِي تَقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنِ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَاُولَٰئِكَ لَهُمْ

عواملی نیستند که شما را به پیشگاه ما مقرب سازند، [مقربان نیستند] مگر مؤمنانی که کارهای شایسته انجام داده اند، آنان

جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ ﴿٣٧﴾ وَالَّذِينَ

در برابر اعمالشان دو چندان پاداش دارند، و در غرفه ها [ی بهشتی از هر آسیبی] آسوده خاطرنند (۳۷) کسانی که

يَسْعَوْنَ فِي الْأَيِّنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ﴿٣٨﴾

همواره در راه تخریب و بی اثر نمودن آیات ما می کوشند تا [به گمان خود، ما را] عاجز کنند [تا از دسترس قدرت ما بیرون روند]، اینان احضار شدگان در عذاب خواهند بود (۳۸)

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا

بگو: مسلماً پروردگارم رزق را برای هر کس از بندگانش بخواهد وسعت می دهد یا تنگ می گیرد،

أَنفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٣٩﴾

و هر چه را انفاق می کنید [کم یا زیاد] خداوند جایگزینی برای آن قرار می دهد، و فقط او بهترین روزی دهندگان است (۳۹)

وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا

روزی را ایاد کن که خداوند همه مشرکان را جمع می کند، آن گاه به فرشتگان می گوید: آیا اینان شمارا به عنوان معبود می پرستیدند؟ (۴۰) فرشتگان می گویند: تو

يَعْبُدُونَ ﴿٤٠﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيِّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ

از این که در پرستیدن شریک و همنا داشته باشی! منزه می، اما این مشرکان هیچ ارتباط و پیوندی نبود، اسیر پرست ما! فقط انوسی نه آنان، هر چند به ظاهر ما را

الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ يَوْمَ مُؤْمِنُونَ ﴿٤١﴾ فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ

می پرستیدند ولی حقیقت چنین نبود بلکه پرستیدن او پیروی ایشان از شیاطین! جن بود، او بیشترشان به آن ها ایمان داشتند (۴۱) پس ای مشرکان! امروز

نَفْعًا وَلَا ضَرًّا أَوْ نَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ

برای یکدیگر اختیار هیچ سود و زیانی را ندارید، و به آنان که ایه و حدانیت حق با گرفتن شریک استمرواداشتند می گوئیم: عذاب و شکنجه آتشی را

بِمَا تَكْذِبُونَ ﴿٤٢﴾ وَإِذْ اتَّكَلَى عَلَيْهِمْ إِيَّاْنَا بَيْنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ

که منکر بودید بجشید (۴۲) چون آیات روشن او قابل فهم! ما را بر آنان می خوانند می گویند: این [خواننده]

يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانِ يَعْبُدُ آبَاؤُكُمْ وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا افْكٌ مِفْتَرًى

جز مردی [معمولی] نیست که می خواهد شما را از معبودانی که پدرانتان می پرستیدند بازدارد. و می گویند: این [قرآن] جز

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٤٣﴾ وَ

دروغی ساختگی نیست. کافران درباره حق [که قرآن مجید است] چون به سویشان آمد گفتند: این جز سحری

مَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ

اشکار نیست! (۴۳) [این در حالی است که] هیچ کتابی به آنان نداده ایم که آن را بخوانند [تا بتائیکه بر آن دلیلی بر ساختگی بودن قرآن اقامه کنند، اویش از توهیح هشدار دهنده ای]

نَذِيرٍ ﴿٤٤﴾ وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَّغُوا مَعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ

به سویشان نفرستادیم [تا با اعتماد به گفتار او نبوت را منکر شوند] (۴۴) کسانی که پیش از اینان بودند [پیش از اینان] ابیات ما و پیامبران را [تکذیب کردند، که اینان] با همه کبر و غرورشان]

فَكَذَّبُوا رَسُولِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٥﴾ قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ

به یکدم آنچه [از قدرت و ثروت] که به آنان داده بودیم نرسیده اند، پس [چون] به انکار پی در پی پیامبرانم پرداختند [به انتقام سختی دچارشان کردم] در نتیجه [یاد دقت]

أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْنًى وَفَرَادًى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ

بنگر که! عذاب من [در مورد آنان] چگونه بود؟ (۴۵) بگو: من شما را [فقط] به یک [حقیقت] اندرز می دهم او آن [که: دونفر دونفر و یکی یکی برای خدا قیام کنید، سپس]

إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿٤٦﴾ قُلْ مَا

در باره محمد ﷺ که عمری با راسته بودن به کمالات در بین شما زندگی کرده [بیندیشید] تا به این نتیجه برسید که: [همدمتان] محمد ﷺ [هیچ گونه جنون] او اختلال

سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرِ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ

روحی و فکری [ندارد، او برای شما جز هشدار دهنده ای نسبت به عذاب سختی که پیش رویتان قرار دارد نیست] (۴۶) بگو: هر گونه پاداشی که از شما خواستم، آن [پاداش] به

شَيْءٍ شَهِدْتُ ﴿٤٧﴾ قُلْ إِنَّ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَآمُ الْغُيُوبِ ﴿٤٨﴾

سود خود شما است، پاداش من فقط بر عهده خداست، و او بر همه چیز گواه است (۴۷) بگو: همانا پروردگارم حق را [بر دل پیامبران] می افکند و ادانای همه نهان هاست (۴۸)

قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِيُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ ﴿٢٩﴾ قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا

میگویم حق آمد و باطل آنچه آن را می پرستید نه می تواند آغاز کند، و نه آن را پس از فروپاشیدنش بازگرداند (۲۹) بگو: اگر من گمراه شده باشم فقط به زبان خود گمراه

أَحِلَّ عَلَيَّ نَفْسِي وَإِنْ اهْتَدَيْتُ فِيمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ ﴿٥٠﴾

شده ام، و اگر هدایت شده باشم به سبب آن است که پروردگارم به من وحی می کند؛ زیرا او شنوایی نزدیک است (۵۰) اگر [مشرکان را] زمانی که ابا ظهور قیامت و حشر زده

وَلَوْ تَرَى إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَاتَّخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ ﴿٥١﴾ وَقَالُوا

می شوند ببینی [می بینی که توانایی اگر بر از عذاب برای آنان نیست، و از جایی نزدیک که موقوف قیامت است] باز داشت می شوند (۵۱) [در آن موقعیت بسیار سخت] می گویند:

أَمْتَابِهِ وَإِنَّا لَهُمُ الشَّانُوْنَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٥٢﴾ وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ

به حق ایمان آوردیم و ولی کجا او چگونه می توانند از فاصله بسیار دور [که از آخرت تا دنیا است] به ایمان که جای تحصیلش در دنیا است [دستور می پیدا کنند]؟! (۵۲) [اینان] بیش از

مِنْ قَبْلُ وَيَقْدِرُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٥٣﴾ وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ

قیامت به حق کافر شدند و از مکان دور [از قیامت، که دنیا است] درباره قیامت سخن ناروا و باطل می گفتند [که قیامت نخواهد آمد] (۵۳) در نتیجه میان آنان و همه خواسته هایشان

مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فَعَلَ بِأَشْيَاءِ عِمْرَمَ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ ﴿٥٤﴾

[به وسیله مرگ] جدایی انداخته شد، چنان که پیش از این با همفکران و همکیشان آنان [به همین صورت] رفتار شد؛ زیرا آنان [در مورد حقایق] به شدت در شک بودند (۵۴)

سُورَةُ فَاطِرٍ آیات ۲۹ تا ۵۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنَحَةٍ

همه ستایش ها ویژه خداوند است که آفریننده آسمان ها و زمین است، فرشتگان را که

مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

دارای بال های دو گانه و سه گانه و چهار گانه اندر سولانی [برای انجام امور تکوینی و تشریعی] اقرار داد، آنچه بخواهد در آفرینش می افزاید، مسلماً خداوند

قَدِيرٌ ﴿١﴾ مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ

بر هر کاری تواناست (۱) هر نوع رحمتی که خداوند برای مردم بفرستد کسی نمی تواند از [رسیدن] آن [به مردم] جلوگیری کند،

فَلَا مُمْسِكٌ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ

و هر چه را از کسی باز دارد بعد از او هیچ فرستنده ای برای آن نخواهد بود، فقط او توانای شکست ناپذیر است (۲) ای مردم!

اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ

نعمت های خدا را بر خود به یاد آورده، [قلباً] مورد توجه قرار دهید، آیا جز خداوند آفریننده ای هست که شما را

مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَإِنِ تُوفَكُونَ ﴿٣﴾

از آسمان و زمین روزی دهد؟ هیچ معبودی جز او نیست، پس چگونه شمارا [از حق که امری بسیار روشن است به سوی باطل] باز می گردانند؟ (۳)

وَأَنْ يَكْذِبُوا فَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ وَالِى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿۲﴾

اگر تو را انکار می کنند [اندوه مخور] همانا پیش از تو هم پیامبرانی را انکار کردند، همه امور به خداوند بازگردانده می شود (۲)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا

ای مردم! بی تردید وعده خداوند [در باره قیامت] حق است، پس این زندگی دنیا ای زودگذر و فانی! شما را مغرور نکند،

بَغُرَّتْكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ ﴿۵﴾ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا

و [شیطان] افریب کار، شمارا [با وسوسه به زرق و برق زندگی] نسبت به خداوند نفریند (۵) یقیناً شیطان دشمن شماست، پس او را [نسبت به خود و همه امورتان]

يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿۶﴾ الَّذِينَ كَفَرُوا وَالْهُمْ

دشمن [احتمی] به حساب آورید، جز این نیست که او گروهش را [به انواع گناهان] افرامی خواندند اهل آتش سوزان [دوزخ] شوند (۶) برای کسانی که به کفر گرویدند

عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ

عذاب سختی خواهد بود، و برای مؤمنانی که کارهای شایسته انجام دادند آمرزش و پاداشی

كَبِيرٌ ﴿۷﴾ أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَاهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ

بزرگ است (۷) آیا کسی که عمل زشتش را برای او زیبا جلوه داده اند، به این سبب آن را خوب و درست می بیند [مانند کسی است که در پر تو هدایت، خوب و بد را تشخیص

وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ

می دهد]! همانا خداوند هر که را بخواهد [به کفر گناهانش] گمراه می سازد، و هر که را بخواهد هدایت می کند؛ بنابراین مبادا جانت برای اندوه زیادی که بر [گمراهی] آنان

بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿۸﴾ وَالَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى

داری از دست برود بی تردید خداوند به [همه] اعمالی که انجام می دهند داناست (۸) خداوند فرستنده بادهاست تا برای رابر انگیزند، [این] ما [هستیم] که آن را به سوی

بَلَدٍ مَيِّتٍ فَاحْيَيْنَاهُ بِالْأَرْضِ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ ﴿۹﴾ مَنْ كَانَ

سرزمین مرد مرده را زنده می سازد، و زمین را به وسیله آن پس از مردنش زنده کردیم؛ زنده شدن [مردگان] هم این گونه است (۹) کسی که خواهان عزت است [باید آن را از خدا

بُرِيدُ الْعِزَّةِ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ

بخواهد؛ چون [همه] عزت نزد خداوند است، حقایق پاک [چون عقاید درست و اندیشه های صحیح و سخنان استوار] به سوی خداوند بالا می رود، و [این] عمل

الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ

شایسته [است که آن] را بالا می برد، و آنان که نیرنگ های زشت [بر ضد اسلام و مؤمنان] به کار می گیرند عذابی سخت خواهند داشت،

مَكْرُؤُ لَيْكَ هُوَ يَبُورُ ﴿۱۰﴾ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ

یقیناً آنان در تباهی و نابودی است (۱۰) خداوند شما را از خاکی [مرده]، سپس از نطفه آفرید، آن گاه

جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ

شما را زوج هایی [از] او را قرار داد، هیچ ماده ای باردار نمی شود و بارش را نمی نهد جز به علم او، و [حدی

مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿۱۱﴾

عمر طولانی نمی کند و از عمرش کاسته نمی شود مگر این که در کتابی [چون لوح محفوظ، ثبت است، یقیناً] همه [این امور] بر خداوند آسان است (۱۱)

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ

دریا مساوی نیستند این یکی گوارا و شیرین و نوشیدنی لذتبخش و آن دیگری

اُجَاجٌ وَمِنْ كُلِّ تَاكُلُونَ لِحَاطِرٍ يَا وَتَسْتَخْرِجُونَ حَلِيبَةً

بسیار شور و متمایل به تلخی است از هر یک گوشتی نازه می‌خورید و (زبوری) چون لؤلؤ و مرجان که آن را می‌پوشید

تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاجِرَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ

پیرون می‌آورید و کشتی‌ها را در آن می‌بینی که آب را می‌شکافند و حرکت می‌کنند تا شما را بارفتن به مناطق مختلف جوای احسان و روزی اوشوید

تَشْكُرُونَ ﴿١٢﴾ يُولِجُ اللَّيْلُ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارُ فِي اللَّيْلِ وَ

این نعمت‌ها برای این است که شکرگزاری کنید (۱۲) شب را در روز و روز را در شب فرو می‌برد

تَسَخَّرَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَلِكُمُ اللَّهُ

و خورشید و ماه را به کار گرفته که هر کدام تا سرآمد معینی روانند

رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ

این است خدای یکتا پروردگار شما که مخلوقات آسمانی و زمینی را آفریده است فرمانروایی ویژه اوست معبودهایی را که به جای او می‌خوانید

قُطْمِيرٍ ﴿١٣﴾ اِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا

مالک پوست هسته خرمایی هم نیستند (۱۳) اگر آن‌ها را برای برآورده شدن حاجات یا حل مشکلاتان بخوانید خواندنشان را نمی‌شنوند

مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بَشْرِكُمْ

چنانچه بشنوند پاسختان را نمی‌دهند و روز قیامت شرک‌ورزی شما را

وَلَا يَنْبِيْكَ مِثْلُ خَبِيرٍ ﴿١٤﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى

ایه خداوند انکار می‌کنند و هیچ‌کس مانند خداوند آگاه تو را از حقایق باخبر نمی‌کند (۱۴) ای مردم! شما

اللَّهُ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿١٥﴾ اِنْ يَشَاءْ يُدْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ

که همه‌جانبه نیازمند به خداوند هستید و فقط خداست که بی‌نیاز و ستوده صفات است (۱۵) اگر بخواهد شما را نابود می‌کند

جَدِيدٍ ﴿١٦﴾ وَمَا ذَلِكُ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ﴿١٧﴾ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ

و آفریدگان جدیدی ای به جای شما می‌آورد (۱۶) و این اگر بر خداوند دشوار نیست (۱۷) هیچ گناه‌کاری

أُخْرَىٰ وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ جِلْهَا لَا يَحْمِلُ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ

بار گناه دیگری را بر نمی‌دارد و اگر سنگین‌باری درخواست کند که از بارش بردارند چیزی از بار گناهش را بر نمی‌دارند هر چند

ذَاقُرْبَىٰ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

درخواست‌شونده خوشاوند باشد تو فقط به کسانی می‌توانی هشدار دهی که در نهان از پروردگارشان می‌ترسند

وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴿١٨﴾

و نماز را با شرایط ویژه‌اش می‌خوانند و هر کس از آلودگی‌های کفر و گناه پاک شود به سود خودش پاک می‌شود بازگشت همه فقط به سوی خداست (۱۸)

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ ﴿١٩﴾ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ ﴿٢٠﴾

انسان کور ادا و بینای به حقایق، در هیچ چیزی با هم یکسان نیستند (۱۹) و نه تاریکی‌ها، و روشنایی (۲۰)

وَالظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ ﴿٢١﴾ وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ

و نه سایه اخگر، و باد گرم (۲۱) و زندگان و مردگان نیز با هم یکسان نیستند، بی تردید خداوند

يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ ﴿٢٢﴾ إِنَّ أَنْتَ إِلَّا

ادعوتش را به هرکس بخواهد می شنوای، و تو نمی توانی ادعوت را به کسانی که در قبرها هستند بشنوائی (۲۲) تو فقط

نَذِيرٌ ﴿٢٣﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا

هشدار دهنده ای (۲۳) بفرستای ما تو را در حالی که بشارت آور و هشدار دهنده هستی بر پایه حق و درستی فرستادیم، و هیچ امتی نبوده مگر آن که در بین آنان

فِيهَا نَذِيرٌ ﴿٢٤﴾ وَإِنْ يَكْذِبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ

هشدار دهنده ای بوده است (۲۴) اگر تو را انکار می کنند غم مخور، همانا کسانی که پیش از اینان بودند پیامبران را انکار کردند،

رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالزُّبُرِ وَبِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ﴿٢٥﴾ ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ

در حالی که [پیامبران نشان معجزه های روشن و نوشته های مشتمل بر پند و موعظه] و کتاب روشنگر برای آنان آوردند (۲۵) سپس

كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٢٦﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً

کافران را [به سبب کفرشان به عذابی سخت] دچار کردم، پس کیفر من چگونه بود؟ (۲۶) ای انسان! آیا ندانسته ای که خداوند

فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيَضٌ وَ

از آسمان، آبی [فراوان با ریزی مناسب] فرستاده، پس به وسیله آن میوه هایی که رنگ هایش گوناگون است پدید آوردیم، و در برخی کوهها

حُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ ﴿٢٧﴾ وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ

رنگهائی است به رنگ های متنوع، سپید، سرخ و سیاه پُررنگ (۲۷) و نیز

وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ

از انسان ها و جنبندگان و چهارپایان رنگ های گوناگونی [وجود دارد]، از بندگانش

الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ ﴿٢٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ

خدا فقط اهل معرفت، از [عظمت] او بیم دارند؛ مسلماً خداوند توانای شکست ناپذیر و بسیار آمرزنده است (۲۸) به راستی کسانی که

وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآَنَفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً

همواره کتاب خدا را تلاوت می کنند و نماز را [با شرایط ویژه اش] می خوانند، و از آنچه روزی آنان کرده ایم

يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ ﴿٢٩﴾ لِيُؤْفِقَهُمْ أَجُورَهُمْ

در نهان و آشکار انفاق می کنند تجارتی را امید دارند که هرگز کساد و نابود نمی شود (۲۹) [این کارهای سودمند و مثبت را انجام می دهند]

وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٣٠﴾

تا [خداوند] پاداششان را به طور کامل عطا کند، و از احسانش بر آنان بیفزاید، بی گمان او بسیار آمرزنده، و عطا کننده پاداش فراوان در برابر عمل اندک است (۳۰)

وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ ﴿٣١﴾

همه آنچه را از این کتاب به تو وحی کردیم حق او کامل و بی کم و کاست است، تصدیق کننده [حقیقت] کتابهای

پیش از خود است، بی تردید خداوند به بندگانش آگاه و بیناست (۳۱) سپس این کتاب را

اصطفاً مِن عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ

به آن بندگانشان که ابر دیگر امتها برگزیدیم به او دادیم پس برخی از آنان ابا نیک عمل به آن

سابق بِالْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ﴿٣٢﴾

بر خویش ستم می کنند، و بعضی از آنان [در عمل به آن] میانه رو هستند، و برخی به توفیق خداوند در کارهای خیر پیشنازند، این [پیشنازی] احسان

جَنَاتٍ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ

احسان بزرگ است (۳۲) [آن احسان بزرگ] بهشت های جاودانه ای است که پیشنازان در آن ها درآیند، در آن جا

وَلَوْلُؤَا وِلِبَاسُ مُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ﴿٣٣﴾ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ

با دست بندهایی از طلا و مروارید آراسته می شوند، و لباسشان در آن جا ابریشم است (۳۳) می گویند:

عَنَّا الْحُزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٣٤﴾ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ

همه ستایش هاویژه خداست که اندوه را از ما برطرف کرد، بی تردید پروردگارمان بسیار آمرزنده، و عطا کننده پاداش فراوان در برابر عمل اندک است (۳۴)

مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ ﴿٣٥﴾

هم او که به سبب احسانش ما را در این سرای جاویدان جای داد که در آن هیچ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَ

رنج و ملالی به ما نمی رسد (۳۵) برای کافران آتش دوزخ خواهد بود، نه فرمان

لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَفُورٍ ﴿٣٦﴾

مرگشان صادر می شود که بمیرند، و نه از عذاب آنان سبک می گردد، این گونه هر ناسیسی را

وَهُمْ يَصْطَرِّخُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي

کیفر می دهیم (۳۶) در آن جا شیون می زنند که: پروردگارا! از دوزخ بیرونمان آر تا کار شایسته

كُنَّا نَعْمَلْ أَوْ لَمْ نَعْمَلْ مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَ

غیر آنچه انجام دادیم انجام دهیم. [پاسخ می دهیم: آيا شمارا چندان عمر ندادیم که هر کس می خواست در آن مقدار عمر امتزگ [حقایق] شود،

جَاءَكُمْ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ ﴿٣٧﴾ إِنَّ اللَّهَ

متذکر می شد، و آيا هشدار دهنده ای [که شمارا از این عذاب هشدار دهد] به سبب آن نیامد؟ پس [عذاب را] بجشید که برای ستمکاران هیچ یاری نخواهد بود (۳۷) مسلماً

عَالِمُ غَيْبِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٣٨﴾

خداوند دانای به غیب آسمان ها و زمین است، و بی تردید به اسرار و نیت باطن ها آگاه است (۳۸)

هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ

اوست آن که شما را در زمین جانشینان گذاشتگان؛ فرار داد، پس کسی که کافر شود کفرش به زبان خود اوست،

الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ

و کفر کافران نزد پروردگارشان جز خشم و نفرت شدید به آنان نمی افزاید، و نیز کفر کافران

إِلَّا خَسَارًا ﴿٣٩﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

جز خسارت [سنگین] به آنان نخواهد افزود (۳۹) بگو: مرا از [قدرت و تدبیر] معبوداننان که به جای

أَرْوِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ أَمْ أَنْزَلْنَاهُمْ

خدایم؟ خواهید خبر دهید، [براستی] به من نشان دهید که چه چیزی از [موجودات] زمین [آفریده اند؟] یا مگر در [آفرینش] آسمان ها [با خداوند] شریکی داشته اند؟

كُنَّا آبًا فَمُمْ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْهُ بَلْ إِنَّ يَعْدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا

با به آنان کتابی داده ایم که از آن بر ادعای خود دلیلی دارند؟! [چنین نیست] بلکه ستمکاران [در مورد معبودانشان]

الْأَغْرُورًا ﴿٤٠﴾ إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا

جز از روی فریب به یکدیگر وعده نمی دهند (۴۰) همانا خداوند آسمان ها و زمین را از این که [از مدارهایشان]

وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

منحرف شوند [و فرویزند] باز می دارد، چنانچه منحرف گردند احدی بعد از خدا نمی تواند نگاهشان دارد، قطعاً خداوند همواره بردبار و بسیار

﴿٤١﴾ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَمْدًا يَمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَيَكُونُنَّ أَهْدَى

آمرزنده است (۴۱) [مشركان] با سخت ترین سوگندهایشان به خدا سوگند خوردند که اگر هشدار دهنده ای به سویشان آید هر آینه از هر یک امت ها ای مدعی

مِنْ أَحَدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا ﴿٤٢﴾

هدایت؛ چون یهود و نصاری [هدایت یافته تر خواهند بود، ولی چون هشدار دهنده ای به سویشان آمد [دعوتش] جز رمیدن [و گریز از هدایت] بر آنان نیفزود (۴۲)

أَسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ

این رمیدن و گریز به سبب گردن کشی [آنان] در زمین و نیرنگ زشتشان [بود]، و نیرنگ زشت جز اهلش را فرو نمی گیرد،

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ

آیا جز روش [جاری شده بر] پیشینیان را انتظار می برند [که عذاب خداوند بود، آری] هرگز برای روش خداوند تغییری نمی یابی، و هرگز برای

تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا ﴿٤٣﴾ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ

روش خدا دگرگونی نخواهی یافت (۴۳) آیا در زمین گردش نکردند تا با دقت بنگرند

عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ لِلَّهِ لِيُعْجِزَهُ

که سرانجام کسانی که پیش از آنان بودند، و قدرتش از ایشان بیشتر بود چگونه بود؟ هیچ چیز

مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا ﴿٤٤﴾

در آسمان ها و زمین نیست که بتواند از دسترس قدرت خداوند بیرون رود؛ زیرا او همواره دانا و تواناست (۴۴)

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظُهُرِهَا

اگر خداوند مردم را به کفر گناهانشان در معرض مجازات قرار می داد

مِنْ دَابَّةٍ وَلَٰكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ آجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا

هیچ جنبنده ای را روی زمین باقی نمی گذاشت، ولی آنان را تا سرآمدی معین مهلت می دهد،

جَاءَ آجَلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا ﴿٢٥﴾

هنگامی که مهلتشان سرآید ابه مجازات برزخی و قیامتی دچار می شوند، به راستی خداوند به احوال و امور بندگانش بیناست (۲۵)

آیاتها ۸۳
سُورَةُ يَسٍ
مَكَّةَ ۳۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

يَسٍ ﴿١﴾ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ ﴿٢﴾ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٣﴾ عَلَىٰ صِرَاطٍ

یاء، سین (۱) سوگند به قرآن حکمت آموز استوار (۲) که یقیناً تو از فرستادگانی (۳) [در حالی که] بر راهی

مُسْتَقِيمٍ ﴿٤﴾ تَنْزِيلِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿٥﴾ لِيُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ

مستقیم [قرار داری] (۴) [قرآن] از سوی خداوند توانای شکست ناپذیر و مهربان فرستاده شده است (۵) تا مردمی را هشدار دهی که پیش از اینان ایدرانشان را

فَهُمْ غَافِلُونَ ﴿٦﴾ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٧﴾

هشدار نداده اند، به این سبب بی خبر از حقایق مانده اند (۶) یقیناً [و عده] عذاب بر بیشتر مردم حتمی و ثابت شده است، به این خاطر ایمان نمی آورند (۷)

إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْيُنِهِمْ أَغْلًا ﴿٨﴾ لَّا فِيهِ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُّقْمَحُونَ ﴿٩﴾

[گویا] غل هایی بر گردن هایشان نهاده ایم که تازی چانه هایشان قرار گرفته، و در نتیجه سر هایشان بالا مانده [آن گونه که از دیدن هر چیزی و فهم هر حقیقتی محروم و عاجزند] (۸)

وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ

ابه کفر لجابت و کبرشان از پیش روی ادل و روح اشان، و از پشت سر جان و وجود اشان حایل و تاریک را قرار داده ایم، و ایدیدگان آنان را به صورتی فراگیر پوشانده ایم

لَا يُبْصِرُونَ ﴿٩﴾ وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا

که نور هدایت را نمی بینند (۹) برای آنان یکسان است که آنان را از عواقب خطرناک اعمالشان بترسانی یا نترسانی،

يُؤْمِنُونَ ﴿١٠﴾ إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ

ایمان نمی آورند (۱۰) فقط کسی را می توانی بترسانی که [جدا] می خواهد از قرآن پیروی کند، و از خدا در نهان بترسد،

فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ ﴿١١﴾ إِنَّا نَحْنُ خَيْرُ الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ

پس او را به آمرزش و پاداشی ارزنده بشارت ده (۱۱) ما مردگان را یقیناً زنده می کنیم،

مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ ﴿١٢﴾

و آنچه را پیش فرستاده اند، و آثار ابه جامانده پس از مرگ آنان را ثبت می کنیم، و همه چیز را در کتابی روشن [که لوح محفوظ است] بر شمرده [و نوشته] ایم (۱۲)

وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿١٣﴾ إِذْ

برای آنان که با حق بر خور و خصمانه و متکبرانه دارند اهل آن شهر را ابرای عبرت گرفتند نشان اغفل بزن آن گاه که رسولان مابه سوی مردم آن شهر آمدند (۱۳)

أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَهُكُمُ

چون دو رسول مابه سویشان فرستادیم آن دو را انکار کردند پس با ابراستادن رسول سوم آن دو را نیرومند ساختیم نهایتاً هر سه گفتند ما را ابرای ناسخ

مُرْسَلُونَ ﴿١٤﴾ قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ

سعادت دنیا و آخرت آن مابه سوی شما فرستاده اند (۱۴) اهل شهر بالجنس متکبرانه پاسخ دادند: شما جز بشرهایی معمولی مانندمان نیستید و خدای رحمان

شَيْءٌ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ ﴿١٥﴾ قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَهُكُمُ

چیزی مابه عنوان وحی بر شما نازل نکرده است، شما فقط دروغ می گوید (۱۵) گفتند: پروردگارمان می داند که ما بی تردید مابه سوی شما

لَمُرْسَلُونَ ﴿١٦﴾ وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿١٧﴾ قَالُوا إِنَّا تَطَهَّرْنَا

فرستاده شده ایم (۱۶) و بر عهده ما جز رساندن آشکار ایام وحی نیست (۱۷) گفتند: ما به شما فال بد زده ایم او شما را سبب بروز مشکلات

بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَهْمَسِّنَّكُمْ مِمَّا عَذَابُ الْيَمِّ ﴿١٨﴾

می دانیم! چنانچه از دعوت مابه سوی دینتان باز نایستید مسلماً شما را سنگسار کرده و از سوی ما شکنجه دردناکی به شما خواهد رسید (۱۸)

قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ أَئِنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ﴿١٩﴾ وَ

رسولان گفتند: فال بد و شومی! شما با خود شماست آیا اگر به شما پند دهند یا نند دهند را شوم می دانید؟! این نیست که می گوید، بلکه شما سر دمی

جَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا

متجاوز از حد اعتدال هستد (۱۹) از دورترین نقطه شهر مردی بزرگ و با ایمان اشتابان مابه میان مردم آمد و گفت: ای قوم من! از این رسولان الهی

الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٠﴾ اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْئَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُّهْتَدُونَ ﴿٢١﴾

پیروی کنید (۲۰) پیروی کنید از کسانی که پاداشی از شما نمی خواهند و خود راه یافته اند (۲۱)

وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٢﴾ ءَأَتَّخِذُ مِنْ

به چه سبب کسی که مرا پدید آورده نپرستم و نهایتاً به سوی او بازتان می گردانند؟ (۲۲) آیا به جای

دُونِي إِلَهَةً إِنَّ بُرْدِنَ الرَّحْمَنِ بَصُرًا لَا تَغْنِي عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ

او معبودانی را انتخاب کنم که اگر خداوند رحمان آسیبی برای من بخواهد، نه شفاعتشان هیچ آسیبی را از من برطرف می کند.

شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونِ ﴿٢٣﴾ إِنِّي إِذْ أَفَى ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٤﴾ إِنِّي آمَنْتُ

و نه ا فقرت دارند! مرا نجات دهند؟ (۲۳) در این صورت که روی به معبودان باطل کنم اهرابند در گمراهی آشکاری خواهم بود (۲۴) ای رسولان الهی! ای تردید

بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ ﴿٢٥﴾ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ

من به پروردگارم ایمان آورده ام، بنابراین اقرار مرا به ایمان بشنوید! بنا بر آن در پیشگاه خداوند شهادت دهید! (۲۵) آن مرد سرانجام به دست

قَوْمِي يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ﴿٢٧﴾

مشركان شهید شد، به او گفته شد: به بهشت در آی گفت: ای گاش قومم! گاه می شدند (۲۶) که پروردگارم مرا عزیزد، و از کرامت یافتگانم قرار داد (۲۷)

وَمَا أَنْزَلْنَاهُ عَلَى قَوْمٍ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا

پس از [شهادت] او هیچ سپاهی را [هلاک کردن] قومش از آسمان نفرستادیم، و بر آن هم نبودیم که بفرستیم (۲۸) آنان چیزی نبودند که بر

مُنْزِلِينَ (۲۸) إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَحَّهً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ (۲۹)

ضدشان سپاهی نفرستیم، [کفرشان جز] در گرو [یک بانگ سهمناک نبود] که بر آنان زده شد [که بی درنگ] مردند و خاموش به جامانند (۲۹)

يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۳۰)

افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری برای [هدایت] آنان نیامد مگر این که او را مسخره می کردند! (۳۰)

الْمُرِيرُوا كَرِهَ أَهْلَكُنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ (۳۱)

ایا [مشرکان] ندانسته اند که چه بسیار اقوام پیش از آنان را [به سبب شرک و طغیانشان] هلاک کردیم؟ [اقوامی] که بقیه با سوی اینان باز نمی گردند (۳۱)

وَأَنْ كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ (۳۲) وَإِيَّةُ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ

جز این نیست که همه آنان دسته جمعی به پیشگاه ما احضار خواهند شد (۳۲) برای آنان نشانه ای [بزرگ بر زنده کردن مردگان، از زمین مرده است

أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ (۳۳) وَجَعَلْنَا فِيهَا

که آن را زنده کردیم، و نیز دانه ای که می خورند از آن بیرون آوردیم، (۳۳) و در آن

جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ (۳۴)

باغ هایی از درختان خرما و [انواع] انگورها پدید آوردیم، و چشمه ها در آن روان ساختیم (۳۴)

لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ (۳۵)

تا از محصولات [و منافع] آن بهره مند شوند در حالی که دست هایشان [در پیدایش هیچ کدام از آن ها] نقشی نداشته است، آیا [در برابر این همه نعمت ها] شکرگزار می کنند؟ (۳۵)

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَ

پاک و منزّه از هر عیب و نقصی است آن که همه زوجها را [به صورت نر و ماده] آفرید، از آنچه زمین می رویند،

مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ (۳۶) وَإِيَّةُ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ

و از نوع خودشان، و از موجوداتی که نزد آنان شناخته نیست (۳۶) و شب برای آنان نشانه ای از قدرت و ربوبیت و رحمت ما است

مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ (۳۷) وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا

که روز از آن بر می کنیم، پس ناگاه آنان در تاریکی فرو می روند (۳۷) خورشید [نیز برای آنان نشانه ای است] که همواره به سوی قرارگاهی که ویژه آن است

ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۳۸) وَالْقَمَرَ قَدَرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ

حرکت می کند، این تقدیر او تدبیرا توانای شکست ناپذیر و داناست (۳۸) برای ماه نیز به تدبیر خود منازل هایی قرار داده ایم،

عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ (۳۹) لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ

تا این که افس از طی منازل معینش [به صورت شاخه کهنه خوشه خرما، به صورت اول] باز می گردد (۳۹) نه خورشید را سزاوار است

الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (۴۰)

که به ماه برسد، و نه شب بر روز پیشی گیرد، [خورشید و ماه و کواکب] همگی در مداری [مخصوص به خودشان] شناورند (۴۰)

وَاٰیةٌ لَهُمْ اَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ ﴿٢١﴾ وَخَلَقْنَا لَهُمْ

برای آنان نشانه ای دیگر از قدرت ما این است که فرزندان شان را در کشتی پر از اجناس و وسایل بر سطح دریاها (۲۱) و چیزهای دیگر مانند آن برای آنان (چون اسب،

مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ﴿٢٢﴾ وَاِنْ نَّشَاءُ نُفَرِّقَنَّكُمْ فَلاَ صَرِيخَ لَهُمْ وَاِلَهُهُمْ

قاطر و شتر از فریده ایم که بر آن ها سوار می شوند (۲۲) اسلامت کشتی نشینان بر روی مایع سیالی چون آب، در گرواراده ماست، اگر بخواهیم غرقشان می کنیم، آن جاست که

يُنْقَذُونَ ﴿٢٣﴾ اِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا اِلَىٰ حِينٍ ﴿٢٤﴾ وَاِذَا قِيلَ لَهُمْ

هیچ فریادرسی ندارند، و از غرق شدن نجات هم نیابند (۲۳) مگر این که از رحمتی از سوی ما (نجاتشان بخشد، و تا مدتی از زندگی بهره مند شوند) (۲۴) چون به آنان گویند:

اَتَقُوا مَا بَيْنَ اَيْدِيكُمْ وَاَمَّا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٢٥﴾ وَمَا تَأْتِيهِمْ

از آنچه از عذاب های دنیایی که پیش روی شماست، و آنچه از عذاب های آخرتی که دنبال شماست خود را حفظ کنید تا مورد رحمت قرار گیرید، (توجهی

مِنْ اٰیَةٍ مِنْ اٰیَاتِ رَبِّهِمْ اِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٢٦﴾ وَاِذَا قِيلَ لَهُمْ

به این اخطار مهم نمی کنند (۲۵) هیچ آیه ای از آیات پروردگارشان برای آنان نمی آید مگر آن که از آن رویگردان می شوند (۲۶) چون به آنان گویند:

اَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمْ اللّٰهُ قَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اَنْطَعِمُ

از آنچه خداوند به شما عطا کرده اتفاق کنید. کافران از روی تمسخر به مؤمنان می گویند: آیا کسانی را اطعام کنیم که اگر خدای خواست به آنان اطعام

مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللّٰهُ اَطْعَمَهُ اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا فِي ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿٢٧﴾

می کرد؟ ای فخر و گرسنگی آنان خواست خداست! شما ای مؤمنان بی خبر از خواست خدا! از نظر فکر و اندیشه جز در گمراهی آشکار نیستید! (۲۷)

وَيَقُولُوْنَ مَتٰى هٰذَا الْوَعْدُ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿٢٨﴾ مَا يَنْظُرُوْنَ اِلَّا

از روی تمسخر می گویند: اگر راستگوئید این وعده (قیامت و عذاب) کی خواهد بود؟ (۲۸) ایشان جز

صَبْحَةً وَّاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُوْنَ ﴿٢٩﴾ فَلَا يَسْتَطِيعُوْنَ

یک فریاد مرگبار را انتظار نمی کشند، که آنان را در کوچه و بازار در حالی که سرگرم جدال و مشاجره (در امور مادی) هستند فرو خواهد گرفت (۲۹) که نه می توانند

نُوصِيَّةً وَلَا اِلٰى اٰهْلِهِمْ يَرْجِعُوْنَ ﴿٣٠﴾ وَنُفِخَ فِي الصُّوْرِ فَاِذَا هُمْ

وصیتی کنند، و نه اگر بیرون خانه هستند می توانند به (آغوش) خانواده خود بازگردند (۳۰) پس از مرگ همه انسان ها در صور دمیده شود، و بی درنگ

مِنَ الْاَجْدَاثِ اِلٰى رَبِّهِمْ يَنْسِلُوْنَ ﴿٣١﴾ قَالُوْا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ

همه آنان از قبرها بدسوی پروردگارشان می شتابند (۳۱) می گویند: وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاهمان

مَرْقَدِنَا هٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمٰنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُوْنَ ﴿٣٢﴾ اِنْ كَانَتْ

برانگیخت؟ این (صحنه) همان (واقعیتی) است که خداوند رحمان وعده داده بود، و پیامبران (واقع شدنش را) راست گفتند (۳۲) (دمیدن در صور در شروع قیامت)

اِلَّا صَبِيْحَةٌ وَّاحِدَةٌ فَاِذَا هُمْ جَمِيْعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُوْنَ ﴿٣٣﴾ فَالْيَوْمَ

جز یک فریاد عظیم و سهمناک نیست، که ناگهان همه انسان ها را به پیشگاه ما (برای حسابرسی) حاضر می کنند (۳۳) پس در آن روز

لَا نُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا يُجْزَوْنَ اِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿٣٤﴾

به هیچ کس ذره ای ستم روا نمی دارند، و ای انسان ها! جز آنچه را انجام می دادید پاداش و کیفرتان نمی دهند (۳۴)



إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاكِهُونَ ﴿٥٥﴾ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي

بی تردید بهشتیان در آن روز در سرگرمی اوصاف لذت‌بری | شهربین گامند (۵۵) آنان و همسرانشان

ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِثُونَ ﴿٥٦﴾ لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا

در زیر سایه‌هایی آرام‌بخش، بر تخت‌هایی ارسته | تکیه می‌زنند (۵۶) برای آنان در آن جا میوه‌های مطبوع و دلپذیر، و [نیز] هر چه

يَدْعُونَ ﴿٥٧﴾ سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ ﴿٥٨﴾ وَامْتَاذُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا

بخوانند فراهم است (۵۷) | با | سلام او درودی عظیم، که گفتاری از پروردگار مهربان است (۵۸) | آن روز ندا آید: ای گنجه‌ی شگفتا!

الْمُجْرِمُونَ ﴿٥٩﴾ أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا

امروز از صف مؤمنان | جدا شوید (۵۹) ای فرزندان آدم! آیا به شما سفارش نکردم که شیطان را

الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٦٠﴾ وَإِنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ

نیروستید؛ زیرا او دشمن آشکاری برای شماست؟ (۶۰) و [آیا] سفارش نکردم که مرا پرستید، که این راهی است

مُسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾ وَلَقَدْ أَصَلَّ مِنْكُمْ جِبَلٌ كَثِيرٌ أَفَلَمْ تَكُونُوا

مستقیم؟ (۶۱) همانا | شیطان | گروه بسیاری از شما | فرزندان آدم | را همراه کرد، آیا اندیشه نمی‌کردید [که پیروانش به چه سرنوشت‌های شومی

نَعْقِلُونَ ﴿٦٢﴾ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٦٣﴾ أَصَلَوْهَا الْيَوْمَ

دچار شدند؟ (۶۲) | اکنون | این | همان | دوزخی است که به شما | به سبب کفرتان | وعده می‌دادند (۶۳) امروز به کیفر گفتمی که همواره [در دنیا]

بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٦٤﴾ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ

پیشه کردید در آن در آید (۶۴) امروز بر دهان‌هایشان مهر | سکوت | می‌نهم، و [به جای زبان‌شان که همواره دروغ می‌گفت | دست‌هایشان با عاقل می‌گویند،

وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٦٥﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَى

و پا‌هایشان به کارهای زشتی که همواره مرتکب می‌شدند شهادت می‌دهند (۶۵) اگر بخواهیم [در همین دنیا] چشم‌انشان را [به طور کامل] از بین می‌بریم تا [برای حرکت] اثر

أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ ﴿٦٦﴾ وَلَوْ نَشَاءُ

راه | معمولی | کور کورانه | از یکدیگر پیشی گیرند، اما کجای می‌توانند ببینند، پس چگونه می‌توانند [با ندانستن نور بصیرت راه مستقیم را] بیابند؟ (۶۶) و [نیز] اگر بخواهیم

لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ

آنان را در جای خود مسخ کرده، | چون مجسمه بی‌روح شوند | که نه بتوانند بروند

﴿٦٧﴾ وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ ﴿٦٨﴾ وَمَا

و نه باز گردند، (۶۷) به هر که عمر طولانی دهیم نیروهای جسمی او را [در روزگار پیری] به ضعف و کاستی | باز می‌گردانیم، آیا [در باره تکامل قوا و حرکت نزولی آن] اندیشه نمی‌کنند

عَلَّمْنَاهُ الشَّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ ﴿٦٩﴾

[که این هر دو کار خداست؟] (۶۸) ما به پیامبر، شعر [که محصول تخیلات واهی است] نیاموختیم، و [شعر گوئی] آشایسته او نیست، این [کتاب] جز یادآور [حقایق]، و قرآنی

لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧٠﴾

روشنگر نیست (۶۹) تا آنان را که [به عقل و هوش و بصیرت] زنده‌اند هشدار دهد، و [وعده] عذاب بر کافران حتمی و ثابت گردد (۷۰)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا

آیا ندانسته‌اند که ما از آنچه به قدرت خود برای آنان آفریده‌ایم دام‌هایی اجون شتر و گاو و گوسفند است

مَالِكُونَ ﴿٧١﴾ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ ﴿٧٢﴾ وَ

که مالکشان هستند (۷۱) آن‌ها را به سودشان رام کردیم که برخی شان مرکب [سواری] آنانند، و [گوشت] بعضی از آن‌ها را می‌خورند (۷۲) در چهار پاهای برای

لَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ

انسان ها سودهایی [چون بشم و کرک و پوست، و نوشیدنی‌هایی مانند شیر و فرآورده‌های آن] است، آیا شکر این نعمت‌ها را [به جانی] آورند؟ (۷۳) به جای خداوند

اللَّهِ إِلَهَةً لَعَلَّهُمْ يَنْصَرُونَ ﴿٧٤﴾ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ

[که این همه نعمت عطا بشان کرده،] معبودانی را به امید این که [به وسیله آن‌ها] باری شوند انتخاب کرده‌اند (۷۴) در حالی که این معبودان پوشالی و فاقد اثر، [قدرت باری] دادن به آنان را

جُنْدٌ مُّحْضَرُونَ ﴿٧٥﴾ فَلَا يَخْزِيكَ قَوْلُهُمْ إِنَّآ نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا

ندارند، و مشرکان سپاهی احضار شده [از سوی شیطان] برای آن معبودانند [از روی جهالت، عمر و مالشان را هزینه آن‌ها کنند و تهدیدست و اردو قیامت شوند] (۷۵) پس گفتار [ناجاست]

يُعْلِنُونَ ﴿٧٦﴾ أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ

آنان تور اغمگین نکند، بی تردید ما آنچه را پنهان می‌دارند، و آنچه را آشکار می‌کنند می‌دانیم (۷۶) آیا انسان ندانسته که ما او را از نطفه‌ای ایست و ناچیز آفریده‌ایم، و اینک [در برابر ما]

مُبِينٌ ﴿٧٧﴾ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ حُجِيَ الْعِظَامُ

جدال کننده آشکاری [با سخنان و مطالبی باطل] است؟ (۷۷) در حالی که آفرینش [نخستین] خود را که از خاک مرده بود [فراموش کرده، برای ما غشلی زد و گفت: چه کسی]

وَهُی رَمِيمٌ ﴿٧٨﴾ قُلْ بِحُجَّتِهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ

این استخوان‌ها را در حالی که پوسیده‌اند زنده می‌کند؟ (۷۸) بگو: همان کسی که نخستین بار آن‌ها را آفریده، [و به صورت انسانی کامل در آورد] زنده‌اش می‌کند

خَلْقٍ عَلِيمٌ ﴿٧٩﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا

و او به هر آفریدنی داناست (۷۹) همان کسی که برای شما از درخت سبز،

فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ ﴿٨٠﴾ أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

آتش‌زنه آفرید که اکنون شما از آن آتش می‌افروزید (۸۰) آیا کسی که آسمان‌ها و زمین را

بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿٨١﴾

آفرید قدرت ندارد که پس از مرگ انسان‌ها [مانندشان را] آبی کم و زیاد بیافریند؟ چرا، [قدرت دارد؛] زیرا او آفریننده بسیار داناست (۸۱)

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٨٢﴾

جز این نیست که کارش چون ایجاد چیزی را بخواهد این است که به آن می‌گوید: باش! پس بی‌درنگ موجود می‌شود (۸۲)

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾

بنابر این از هر عیب و نقصی پاک و منزّه است خداوندی که مالکیت و فرمانروایی همه چیز به دست [قدرت] اوست، و شمارا به سوی او باز می‌گردانند (۸۳)

سُورَةُ الصَّافَّاتِ

مَكَّةَ
رَبِّهَا
٢٧

آیاتها
١٨٢

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

وَالصَّافَّاتِ صَفًّا ۝۱ فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا ۝۲ فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا ۝۳

سوگند به فرشتگان ایبا مؤمنان آماده نماز جماعت و جهادگران میدان حق که صف کشیده اند؛ صفی منظم و استوار (۱) و به بازدارندگانی که انسان را از پلیدی ها، و دشمن را از تجاوز به اسلام و

إِلَهُكُمْ لَوْ أَحَدٌ ۝۴ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ

مسلمانان (به شدت باز می دارند) (۲) و به تلاوت کنندگان قرآن (۳) که بی تردید معبود شما یگانه است (۴) همان پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه بین آن هاست، و پروردگار مشرق ها (۵) و نزدیک ترین

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ ۝۵ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ

آسمان (به زمین) را به (صورتی شگفت انگیز با خوش نمایی و) زیبایی ستارگان (۶) و آن را از (نفوذ) هر شیطان سرکشی حفظ کردیم (۷) [آنان] نمی توانند به سخنان فرشتگان و الامقام و

شَيْطَانٍ مَارِدٍ ۝۷ لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيُقَذَّفُونَ مِنْ كُلِّ

شریف (که جزء اخبار غیبی آسمانی است) گوش فرادهند، و (در صورت صعود به سوی عالم بالا) از هر سو مورد هدف قرار می گیرند (۸) [آنها] خفت و خواری را ندانند شوند، برای آنان (که در زبان اخبار

جَانِبٍ ۝۸ دُخُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ ۝۹ إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ

عالم بالا هستند) عذابی همیشگی است (۹) مگر آن که شیطانی خبری (ناچیز) را با سرعت بر باید که (در آن صورت) گلوله ای آتشین و شکافنده او را تعقیب می کند (۱۰) [از مشرکان] (مگر معاد)

فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ۝۱۰ فَاسْتَفْتِهِمْ أَهْمُ اشْدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا إِنَّا

پیرس آیا آفرینش آنان سخت تر است یا آنچه را (مانند فرشتگان و آسمان ها و زمین و موجودات دیگر) آفریده ایم؟ ما آنان را از گلی چسبنده آفریدیم، او به آسانی پس از مردنشان به حیات دوباره

خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ ۝۱۱ بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ ۝۱۲ وَإِذَا ذُكِّرُوا

بازشان می گردانیم (۱۱) تو [از انکارشان] شگفت زده می شوی، و آنان (قدرت خداوند و معاد را) مسخره می کنند (۱۲) چون به آنان (برای بینا شدنشان به حقایق) پند دهند، متذکر نمی شوند او

لَا يَذْكُرُونَ ۝۱۳ وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخَرُونَ ۝۱۴ وَقَالُوا إِن هَذَا إِلَّا سِحْرٌ

از پذیرفتنش امتناع می کنند (۱۳) هنگامی که معجزه های را می بینند به شدت به مسخره می گیرند (۱۴) و می گویند: این جز جادویی آشکار نیست! (۱۵) [آنها] تکبر فریاد می زنند! آیا زمانی که به

مُبِينٌ ۝۱۵ عَزَّازُ مَنَاوَكُنَّا تَرَابًا وَعِظًا مَاءً إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ۝۱۶ أَوَابَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ

کام مرگ افتادیم و خاک و استخوان (پوسیده) شدیم، آیا حتماً برانگیخته می شویم؟ (۱۶) آیا پدران نخستین ما (که حتی ذره ای از استخوان هایشان باقی نمانده زنده می شوند)؟! (۱۷) بگوید: لری

قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ ۝۱۸ فَاِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ

[زنده می شوید] در حالی که (به سبب انکار معاد در زمان زنده شدنشان) خواری و ذلیل خواهید بود (۱۸) [و انواع قیامت بر ما کار دشواری نیست]، جز این نیست که (برپا شدن) آن فقط [با] یک فریاد

وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ ۝۲۰ هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ

سهمناک است که ناگهان (بهت زده، عرصه قیامت را) مشاهده می کنند (۱۹) می گویند: وای بر ما، این است روز جزا (۲۰) [به آنان] گویند: آری این همان روز جداسازی (بین حق و باطل) است

تُكَذِّبُونَ ۝۲۱ أَحْشَرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَوَّازُوا جَهَنَّمَ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ ۝۲۲

که همواره منکر آن بودند (۲۱) [آن گاه ندا می رسد:] ستمکاران (به آیات ما)، و هر دیفان آن ها (چون شیاطین جنی و انسی)، و معبودهایی را که آنان پیوسته (بدون دلیل) می پرستیدند یکجا جمع

مِنْ دُونِ اللَّهِ ۝۲۳ فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ ۝۲۴ وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ ۝۲۵

کنید (۲۲) [همان معبودانی که] به جای خداوند (می پرستیدند) همه و همه را به راه دوزخ راهنمایی کنید (۲۳) [و بر سر راه دوزخ] نگاهشان دارید که مسلماً مورد بازپرسی قرار خواهند گرفت (۲۴)

مَالِكُمْ لَا تَنَاصِرُونَ ﴿٢٥﴾ بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ ﴿٢٦﴾ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ

ایه آنان گفته شود: شما را چه شده که یکدیگر را برای نجات از عذاب یاری نمی دهید؟ (۲۵) این که نمی توانند یکدیگر را یاری دهند، بلکه به طور کامل تسلیم (قدرت

بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٢٧﴾ قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْهَمِينِ ﴿٢٨﴾ قَالُوا بَلْ لَمْ

حق اند، از زمینه ای برای تکبر و گردن کشی در برابر خدا ندارند! (۲۷) اینها بنا به یکدیگر روی آورده، از هم می پرسند: این چه وضعی است؟! (۲۸) آن گاه پیروان گمراه شدند،

تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٢٩﴾ وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا

به پیشوایان گمراه کننده می گویند: همانا شما از راه خیر خواهی به سراغ ما آمدید، اولی با نیرنگ و حيله ما را منحرف کردید! (۲۹) پاسخ می دهند: [ما در این مسئله نقشی

طَائِفِينَ ﴿٣٠﴾ فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَائِقُونَ ﴿٣١﴾ فَأَغْوَيْنَاكُمْ إِنَّا كُنَّا

نداشتیم، بلکه شما [به اختیار خودتان] ایمان نیاوردید! (۳۰) ما هیچ تسلطی بر شما نداشتیم [که بتوانیم منحرفتان کنیم]، بلکه شما مردمی سرکش، و نسبت به حق طاعی

غَاوِينَ ﴿٣٢﴾ فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿٣٣﴾ إِنَّا كَذَّبْنَاكَ بِفَعَلٍ

و باغی بودید! (۳۰) به این علت وعده عذاب و کیفر پروردگارمان در حق ما حتمی و ثابت شده، [و] همه ما چشندگان عذاب [خواهیم بود]! (۳۱) [طاعی بودن شما برای ما

بِالْمُجْرِمِينَ ﴿٣٤﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٣٥﴾

زمینه ای بود که] گمراهتان کردیم؛ زیرا خود [ما هم] گمراه بودیم! (۳۲) بی تردید همه آنان در آن روز در عذاب [دوزخ یا یکدیگر] شریکند! (۳۳) ما این گونه با گنجهایان رفتار

وَيَقُولُونَ إِنَّا لَنَارِكُوا إِلَهَ تِنَا لِشَاعِرٍ مَجْنُونٍ ﴿٣٦﴾ بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَ

می کنیم! (۳۴) زیرا هر زمان به آنان گفته می شد: معبودی جز خداوند یکتا نیست، به شدت [در برابر توحید] تکبر می کردند! (۳۵) و [همواره این سخن باوه را] می گفتند که:

صَدَقَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٣٧﴾ إِنَّكُمْ لَذَائِقُوا الْعَذَابِ الْأَلِيمِ ﴿٣٨﴾ وَمَا تُحْزَنُونَ

ایا ما باید به نفع شاعری دیوانه معبودانمان را رها کنیم؟! (۳۶) [این نیست که با کمال بی شرمی درباره او می گویند]، بلکه او حق را آورده، و [حقانیت] پیامبران را تصدیق

إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٩﴾ الْإِعْبَادَ لِلَّهِ الْمُخْلِصِينَ ﴿٤٠﴾ أُولَٰئِكَ لَهُمْ

کرده است! (۳۷) مسلماً شما [کور دلان] عذاب دردناک را خواهید چشید! (۳۸) و جز آنچه را همواره انجام می دادید! (۳۹) اینها [با داشتن نمی دهند]! (۴۰) مگر بندگان خالص شده خداوند

رِزْقٌ مَّعْلُومٌ ﴿٤١﴾ فَوَاكِهُ وَهُمْ مُكْرَمُونَ ﴿٤٢﴾ فِي جَنَّاتٍ النَّعِيمِ ﴿٤٣﴾

[که از هر کیفری در امانند]! (۴۰) آنان را رزق معین و ممتازی است! (۴۱) میوه هایی [متنوع]، در حالی که مورد احترامند! (۴۲) در بهشت هایی پر نعمت [بهره مندند]! (۴۳)

سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ ﴿٤٤﴾ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ ﴿٤٥﴾ بِيضَاءَ لَذَّةٍ

بر تخت هایی روبه روی یکدیگر [نیکو زده اند]! (۴۴) جامی از نوشیدنی زلال و پاک گرداگردشان می گردانند! (۴۵) [که رنگش] اسپید، و برای نوشندگان لذت بخش [است]! (۴۶)

لِلشَّارِبِينَ ﴿٤٦﴾ لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ ﴿٤٧﴾ وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ

نه در آن مایه فساد [عقل و جسم] است، و نه از آن مست می شوند! (۴۷) در کنارشان همسرانی چشم درشت و زیباوند که فقط به شوهرانشان عشق می ورزند، و جز به آنان نظر

الطَّرْفِ عَيْنٌ ﴿٤٨﴾ كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَكْنُونٌ ﴿٤٩﴾ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ

ندارند! (۴۸) گویی [از شدت سبیدی و لطافت] چون تخم شتر مرغی نهفته [در زیر بال و پر اند]! (۴۹) پس به یکدیگر روی کرده، [از خاطرات شیرین دنیا، برزخ، و ورود به بهشت و

بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٥٠﴾ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ ﴿٥١﴾

نعمت ها] از هم می پرسند! (۵۰) [انگهان یکی از آنان] ایاه یاد آوردن خاطرات روزگار گذشته اش روبه دوستان بهشتی کرده! می گوید: من [در دنیا] همنشینی داشتم! (۵۱)

يَقُولُ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ ﴿٥٢﴾ إِذِ امْتَنَّا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا إِنََّّا

اگر همواره به من می گفت: آیا تو به طور حتم از باورکنندگان راستخیز و زنده شدن مردگان هستی؟! (۵۲) آیا هنگامی که ما به کام مرگ افتادیم، و خاک و استخوان

لَمَدِينُونَ ﴿٥٣﴾ قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُطَّلِعُونَ ﴿٥٤﴾ فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءٍ

اوپسیده شدیم یقیناً از زنده می شویم، و! پادشمان می دهند؟! (۵۳) سپس به دوستان بهشتی اش می گوید: آیا همراه من به دوزخ! سر می کشید انا خبری از او

الْجَحِيمِ ﴿٥٥﴾ قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كِدْتُ لَتُرْدِينَ ﴿٥٦﴾ وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ

بگیریم؟! (۵۴) در آن حال سر می کشد، و همنشینش را در وسط دوزخ می بیند (۵۵) ایا او می گوید: به خدا سوگند نزدیک بود مرا ایا نیرنگ و وسوسه ها! به هلاکت

مِنَ الْمُحْضَرِّينَ ﴿٥٧﴾ أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ ﴿٥٨﴾ إِلَّا مَوْتُنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ

اندازی (۵۶) چنانچه رحمت پروردگار نبود او به فریادم نمی رسید! مسلماً از احضارشدگان [در دوزخ] بودم (۵۷) انا گاه با شگفتی که ناشی از شدت خوش حالی

بِمَعْدَبَيْنَ ﴿٥٩﴾ إِنَّ هَذَا هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٦٠﴾ لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ

است به دوستان بهشتی اش می گوید: آیا اما جاودانه در بهشتیم، و! مرگی برای ما نخواهد بود؟! (۵۸) جز همان مرگ نخستین نعمان! که در دنیا سراغمان آمد، و هرگز

الْعَامِلُونَ ﴿٦١﴾ أَذَلِكَ خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ ﴿٦٢﴾ إِنَّا جَعَلْنَاهَا

عذاب نخواهیم شد؟! عجا چه لطفی از سوی خداوند مهربان به ما شده؟! (۵۹) بی تردید این همان کامیابی بزرگ است! (۶۰) پس باید برای همانند این! چنین پاداش

فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ ﴿٦٣﴾ إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ ﴿٦٤﴾

و منزلتی! عمل کنندگان عمل کنند (۶۱) آیا این! بهشت جاودانه! نعمتی! برای پذیرایی بهتر است، یا درخت زقوم! که دارای برگی ریز و بدبوست، و شیرش به محض

طَلَعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ ﴿٦٥﴾ فَإِنَّهُمْ لَا يَكُونُ مِنْهَا فَمَا لِيُونِ مِنْهَا

خورده شدن بدن را دچار و رمی غیر قابل تحمل می کند! (۶۲) ما آن را برای ستمکاران مایه عذاب و شکنجه قرار داده ایم (۶۳) درختی است که در قعر جهنم می روید (۶۴)

الْبُطُونِ ﴿٦٦﴾ ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِنْ حَمِيمٍ ﴿٦٧﴾ ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ

شکوفه هایش! [در زشتی و بدنمایی! مانند سرهای شیاطین است! (۶۵) منکران! [الجوج] حتماً از آن می خورند، و شکم هایشان را از آن پر می کنند! (۶۶)

لِأَلَى الْجَحِيمِ ﴿٦٨﴾ إِنَّهُمْ أَفْوَءُ آبَاءِهِمْ ضَالِّينَ ﴿٦٩﴾ فَهُمْ عَلَىٰ آثَارِهِمْ

سپس روی آن مخلوطی از آب بسیار داغ و متعفن برای آنان خواهد بود! که از نوشیدنش چاره ای ندارند! (۶۷) آن گاه باز گشتشان بدون تردید به سوی دوزخ

بُحْرَعُونَ ﴿٧٠﴾ وَلَقَدْ صَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٧١﴾ وَلَقَدْ

است! (۶۸) این همه عذاب برای این است که! این منکران! [الجوج] پدران شان را همراه یافتند! (۶۹) بدون اندیشه! شتابان از پی آنان می رفتند! (۷۰) البته

أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ ﴿٧٢﴾ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ

پیش از اینان بیشتر پیشینیان همراه شدند! (۷۱) و حال آن که ما در بین آنان هشداردهندگانی فرستادیم! (۷۲) پس با دقت بنگر که سرانجام هشدار یافتگان

﴿٧٣﴾ الْإِعْبَادَ لِلَّهِ الْمُخْلِصِينَ ﴿٧٤﴾ وَلَقَدْ نَادَيْنَا نُوْحًا فَلْنِعْمَ

چگونه بود؟! (۷۳) همه دچار عذاب شدند! مگر بندگان خالص شده خداوند! نوح ما را! به کمک خواهی! ندا کرد، اندیش را به نیکوترین صورت اجابت

الْمُجِيبُونَ ﴿٧٥﴾ وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾

کردیم! زیرا ما! چه نیکو اجابت کننده ای! هستیم! (۷۵) او و خاندانش را از آن اندوه بزرگ! که محصول آزار و اذیت و تمسخر بود! نجات دادیم! (۷۶)

وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ ﴿٧٧﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿٧٨﴾ سَلَامٌ عَلَى

و فقط نسل او را باقی گذاشتیم (۷۷) و برای او در بین آیندگان نام نیک برجا نهادیم (۷۸) سلام و درود بر

نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ ﴿٧٩﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٠﴾ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا

نوح در میان جهانیان (۷۹) ما نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم (۸۰) مسلماً او از بندگان مؤمن

الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨١﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخِرِينَ ﴿٨٢﴾ وَإِنْ مِنْ شَيْعَتِهِ لَأِبْرَاهِيمَ

ما بود (۸۱) سپس دیگران را غرق کردیم (۸۲) یقیناً ابراهیم

﴿٨٣﴾ إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٤﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا

از پیروان نوح بود (۸۳) که بادلای پاک و سالم از آفت های اعتقادی و اخلاقی ایدسوی پروردگارش آمد (۸۴) و آن زمانی که به پدر و خواننده و قومش گفت:

تَعْبُدُونَ ﴿٨٥﴾ أَفَكَا إِلَهَةٌ دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ ﴿٨٦﴾ فَاظُنُّكُمْ بَرِبَ

چه چیزی را می پرستید که نه حیاتی دارد و نه اثری؟! (۸۵) آیا به جای خداوند معبودان دروغین را برای پرستش می خواهید؟! (۸۶) پس گمانتان درباره پروردگار جهانیان

الْعَالَمِينَ ﴿٨٧﴾ فَظَرَّ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ ﴿٨٨﴾ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ ﴿٨٩﴾ فَتَوَلَّوْا

جست (که به معبودان دروغین روی آورده اید؟! (۸۷) چون از او خواستند شبانه در مراسم عیدشان شرکت کند، طبق رسوم آن مردم [نگاهی به ستارگان افکند (۸۸)

عَنْهُ مُدْبِرِينَ ﴿٩٠﴾ فَرَاغَ إِلَى إِلَهَتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿٩١﴾ مَا لَكُمْ لَا

و گفت: همانا من بیمارم (۸۹) عذرش را پذیرفته، و پشت کنان روی از او برگردانند [و به محل مراسم عیدشان رفتند] (۹۰) [او هم] مخفیانه نزد معبودانشان رفت و

تَنْطِقُونَ ﴿٩٢﴾ فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْأَيْمَنِ ﴿٩٣﴾ فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزْفُونَ ﴿٩٤﴾

از روی ریشخند گفت: آیا [غذا] نمی خورید؟! (۹۱) شما را چه شده که سخن نمی گوید؟! (۹۲) پس [با حالتی خشم آلود] به آن ها روی آورد، و با دست راست ضربه ای

قَالَ اتَّعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ ﴿٩٥﴾ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾ قَالُوا

[کاری] بر آن ها کوبیده، [خردشان کرد] (۹۳) مردم شتابان به سوبش آمدند [و به شدت به او اعتراض کردند] (۹۴) [به آنان] گفت: آیا آنچه را [با دست خود] می تراشید

ابْنُوآلِهٖ بَنِيَانًا فَاَلْقَوْهُ فِي الْجَحِيمِ ﴿٩٧﴾ فَاَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمْ

می پرستید؟! (۹۵) در صورتی که خداوند شما و [مواد اولیه] آنچه را می سازید آفریده است (۹۶) گفتند: برایش بنایی بسازید [که گنجایش آتش فراوانی داشته باشد]

الْأَسْفَلِينَ ﴿٩٨﴾ وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَمْعَدِينَ ﴿٩٩﴾ رَبِّ هَبْ لِي

پس او را در آتش شعله ور بیندازید (۹۷) خواستند به او نیرنگی بزنند، ولی ما آنان را نیست و مغلوب کردیم (۹۸) [وقتی از آن مهلکه نجات یافت به قومش] اعلام کرد:

مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٠٠﴾ فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ ﴿١٠١﴾ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ

همانا من بدسوی پروردگارم هجرت می کنم، او حتماً مرا راهنمایی خواهد کرد (۹۹) [آن گاه گفت:] پروردگارا! مرا فرزندی عطا کن که از شبستانگان باشد! (۱۰۰) ما [هم]

قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَا

او را به پسر بر دبار مزده دادیم (۱۰۱) هنگامی که فرزند [به دنیا آمد و به حد رشد و بلوغ رسید] و همراه پدر در عرصه کار و تلاش قرار گرفت، [ابراهیم] گفت: پسرکم!

أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ ﴿١٠٢﴾

همانا در خواب دیدم تو را ذبح می کنم، با تأمل بنگر رای تو چیست؟ گفت: پدرم! آنچه را به آن مأمور شده ای انجام ده، ان شاء الله مرا از شکیبایان خواهی یافت (۱۰۲)

قُلْنَا اسْلُمَا وَلَهُ الْجَبِينُ ﴿١٠٣﴾ وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا اِبْرَاهِيمُ ﴿١٠٢﴾ قَدْ صَدَّقْتَ

چون هر دو تسلیم فرمان خداوند شدند، و ابراهیم! پیشانی او را به زمین نهاد [ادبش کند] ﴿١٠٣﴾ و او ندا داد ابراهیم که: ای ابراهیم! ﴿١٠٢﴾ همانا سرعاً یا انا کذلک نجزی المحسنین ﴿١٠٥﴾ اِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ

خوب است! حقیقی بخشدی! او فرمان پروردگارت را به اجر اگذازدی، مابینت حالت را به جای عمل پذیرفتیم و سزاوارداشت قرار دادیم! مابین کارگران و این گونه پاداش

﴿١٠٦﴾ وَ قَدْ يَنْبَاهُ بِذِجٍ عَظِيمٍ ﴿١٠٧﴾ وَ تَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿١٠٨﴾

می دهیم! ﴿١٠٥﴾ یقیناً این همان آرامش روشن بود که پیروزی ابراهیم در آن سبب بهر منفعتش از پاداش نیکوکاران شد! ﴿١٠٦﴾ ما هیچ عظیمی را در عوض [ذبح]

سَلَامٌ عَلَى اِبْرَاهِيمَ ﴿١٠٩﴾ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١١٠﴾ اِنَّكَ مِنْ عِبَادِنَا

اسماعیل قرار دادیم! ﴿١٠٧﴾ و برای ابراهیم در بین ایندگان نام یکی به جا گذاشتیم! ﴿١٠٨﴾ سلام و درود بر ابراهیم! ﴿١٠٩﴾ مابین کارگران و این گونه پاداش می دهیم! ﴿١١٠﴾

الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١١﴾ وَ بَشِّرْ نَاهُ بِاسْحَقَ نَبِيًّا مِنْ الصَّالِحِينَ ﴿١١٢﴾ وَ بَارَكْنَا

بی تردید او از بندگان مؤمن ما بود! ﴿١١١﴾ وی را به اسحاق که پیامبری از شایستگان بود مژده دادیم! ﴿١١٢﴾ و باریکنا

عَلَيْهِ وَعَلَى اسْحَقَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ مُبِينٌ ﴿١١٣﴾

و به او و اسحاق خیر فراوانی عطا کردیم، از دودمان آن دو برخی نیکوکارند، و بعضی لشکارا بر خود شکارند! ﴿١١٣﴾

وَلَقَدْ مَنَّا عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ ﴿١١٤﴾ وَ نَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنْ الْكُرْبِ

به راستی به موسی و هارون نعمت [پیامبری] بخشیدیم! ﴿١١٤﴾ و آن دو و قومشان را از اندوه بزرگ [که فرعونیان بر آنان]

الْعَظِيمِ ﴿١١٥﴾ وَ نَصَرْنَاهُمْ فَاَنْوَاهُمْ الْغَالِبِينَ ﴿١١٦﴾ وَ اَنْبَايْنَاهُمَا الْكِتَابَ

تحمیل می کردند! نجات دادیم! ﴿١١٥﴾ و به آنان یاری رساندیم؛ در نتیجه پیروز شدند! ﴿١١٦﴾ و به هر دو کتاب بسیار

الْمُسْتَبِينَ ﴿١١٧﴾ وَ هَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١١٨﴾ وَ تَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي

روشنگر دادیم! ﴿١١٧﴾ و به راه مستقیم هدایتشان کردیم! ﴿١١٨﴾ و در بین ایندگان

الْآخِرِينَ ﴿١١٩﴾ سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ ﴿١٢٠﴾ اِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي

برای هر دو نام نیک به جا گذاشتیم! ﴿١١٩﴾ سلام و درود بر موسی و هارون! ﴿١٢٠﴾ ما نیکوکاران را این گونه

الْمُحْسِنِينَ ﴿١٢١﴾ اِنَّمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٢﴾ وَ اِنْ الْيَاسَ لَمِنْ

پاداش می دهیم! ﴿١٢١﴾ بی تردید هر دو از بندگان مؤمن ما بودند! ﴿١٢٢﴾ مسلماً یاس

الرَّسُولِينَ ﴿١٢٣﴾ اِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾ اَنْدَعُونَ بَعْلًا وَاَنْذَرُونَ

از پیامبران بود! ﴿١٢٣﴾ به یاد آر هنگامی که به قومش گفت: آیا از شرک و طغیان نمی پرهیزید؟! ﴿١٢٤﴾ آیا [بنت] هتبل را

اَحْسَنَ الْخَالِقِينَ ﴿١٢٥﴾ رَبُّكُمْ وَ رَبَّ الْبَاقِيَةِ ﴿١٢٦﴾

می پرستید، و بهترین خالق و سازنده را رها می کنید؟! ﴿١٢٥﴾ خداوندی را که پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شماست؟! ﴿١٢٦﴾

فَكَذَّبُوهُ فَانْتَهُمْ لَمْ تُحِضُوا لِرَبِّ الْاَعْيَادِ ﴿١٢٧﴾ اَللّٰهُ الْمَخْلَصِينَ ﴿١٢٨﴾

پس او را انکار کردند، همانا انکار کنندگانش از! احضار شدگان ادر دوزخ! خواهند بود! ﴿١٢٧﴾ مگر بندگان خالص شده خداوند! ﴿١٢٨﴾

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿١٢٩﴾ سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ ﴿١٣٠﴾ إِنَّا كَذَلِكْ

و در بین آیندگان برای او نام نیک به جا گذاشتیم (۱۲۹) سلام و درود بر آل یاسین (۱۳۰) ما نیکوکاران را

نَجَّرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣١﴾ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٣٢﴾ وَإِنَّ لَوْطًا لَّمِنَ

این گونه پادشاه می دهیم (۱۳۱) یقیناً او از بندگان مؤمن ما بود (۱۳۲) بی تردید لوط

الْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٣﴾ إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَآهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿١٣٤﴾ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ﴿١٣٥﴾

از پیامبران بود (۱۳۳) (به پادار هنگامی را که او و همه خاندانش را نجات دادیم (۱۳۴) مگر پیرزنی را که در میان باقیماندهگان ادر شهر بود (۱۳۵)

ثُمَّ دَمَرْنَا الْآخِرِينَ ﴿١٣٦﴾ وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ ﴿١٣٧﴾ وَبِالْبَيْلِ

سپس دیگران را نابود کردیم (۱۳۶) و شما همواره (در مسیر سفر هایتان) به هنگام صبح از کنار ویرانه های شهر آنان عبور می کنید (۱۳۷) و (از) شبانگاهان

أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٣٨﴾ وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٩﴾ إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلِ

آیا (در باره) سرنوشت شما [اندیشه نمی کنید] تا برایتان عبرت گردد؟ (۱۳۸) یقیناً یونس از پیامبران بود (۱۳۹) (به پادار از مانی را که به سوی آن کشتی نر از جمعیت و انباشته

الْمَشْحُونِ ﴿١٤٠﴾ فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ ﴿١٤١﴾ فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ

از بار آلودگی (۱۴۰) پس در قریه کشی [آنان] شرکت کرد، و از مغلوب شدگان [گشته، محکوم به انداخته شدن در دریا] شد (۱۴۱) پس [از افکنده شدن در دریا] آن ماهی بزرگ

وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿١٤٢﴾ فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ ﴿١٤٣﴾ لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ

او را بلعید در حالی که در خور سرزنش بود (۱۴۲) چنانچه [در شکم ماهی] از تسبیح کنندگان نبود (۱۴۳) بی تردید

إِلَىٰ يَوْمٍ يُبْعَثُونَ ﴿١٤٤﴾ ﴿١٤٥﴾ فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ﴿١٤٦﴾ وَأَنْبَتْنَا

تا روزی که مردم بر انگیزخته می شوند [در شکم ماهی] می ماند (۱۴۴) پس او را در حالی که بیمار بود به آن زمین خشک و بی گیاه افکندیم (۱۴۵)

عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّنْ يَقْطِينٍ ﴿١٤٦﴾ وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ

و بر بالای [اسرا] او بوته کدویی رو باندیم (۱۴۶) و او را [پس از نجات از بیماری] به سوی [قومی] یکصد هزار نفر یا بیشتر فرستادیم (۱۴۷) پس [آن قوم] مؤمن [و افعی] شدند

﴿١٤٧﴾ فَأَمِنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ﴿١٤٨﴾ فَاسْتَفْتِمُ الرِّبَّكَ الْبَنَاتُ

و آنان را [از برکت ایمانشان] تا مدتی [از مواهب و نعمت های خود] بهره مند کردیم (۱۴۸) از آن مشرکان [که می گویند فرشتگان دختران خداوند] بپرس آیا دختران [که]

وَلَهُمُ الْبَنُونَ ﴿١٤٩﴾ أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ

شما مردم باطل گر از آنان عار دارید، و از داشتنشان متنفردید و ویژه پروردگار تو، و پسران، مخصوص ایشانند؟ (۱۴۹) آیا آنان شاهد [و ناظر] بودند که ما فرشتگان را دختر

﴿١٥٠﴾ إِلَّا أَنَّهُمْ مِنْ أَفْكَهٍ مُّ لَيَقُولُونَ ﴿١٥١﴾ وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ

آفریدیم؟ (۱۵۰) آگاه باش! آنان هر آینه به سبب اندیشه های باطل و ارو حیه دروغ بافشان می گویند که: (۱۵۱) خداوند فرزند آورد، ولی بی تردید آنان دروغ گوینان [حرفهای]

لَكَازِبُونَ ﴿١٥٢﴾ أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ ﴿١٥٣﴾ مَا لَكُمْ كَيْفَ

هستند (۱۵۲) آیا [خداوند به پندار باطل شما که دختر را نیست می دانید] دختران را بر پسران ترجیح داده؟ [و به این سبب انتخاب شما از خدا بهتر است؟] (۱۵۳) شما را

تَحْكُمُونَ ﴿١٥٤﴾ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٥﴾ أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُّبِينٌ ﴿١٥٦﴾

چه شده، چگونه داور می کنید؟ (۱۵۴) آیا [از تذکرات پروردگار] هشیار [و بیدار] نمی شوید؟ (۱۵۵) آیا بر این ادعای خود دلیل روشنی دارید؟ (۱۵۶)



قَاتُوا يَكْتُمُونَ إِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٥٧﴾ وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ

أَمْرًا وَسَكَنُوا هَسْتِدْ كِتَابِ [آسمانی] خود را که را نیکه بر آن این ادعا دارند یا میدارند (۱۵۷) و آنان ادعا بدین این که این خدا و جنیان نسبت و خویش قرار دادند او

نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٥٨﴾ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا

مُشَبَّهَاتِهِ: خداوند از بین جنیان همسر گرفته، و حاصل این ازدواج، فرشتگان هستند، [در صورتی که خود جنیان آنکه بندگان مکلف به تلاوت یافتند به خویشی می مانند که

يَصِفُونَ ﴿١٥٩﴾ الْأَعْيَادَ لِلَّهِ الْمُخْلِصِينَ ﴿١٦٠﴾ فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ ﴿١٦١﴾

اروز قیامت برای محاسبه] احضار خواهند شد (۱۵۸) خداوند از همه اوصافی که مشرکان او را به آن توصیف می کنند منزله و پاک است (۱۵۹) مگر بندگان خاص شده

مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَائِزِينَ ﴿١٦٢﴾ الْأَمْرُ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ ﴿١٦٣﴾ وَمَا مِمَّا آتَا

خداوند آنکه توصیفشان درباره خدای متعال شایسته و لایق مقام قدس اوست (۱۶۰) بی تردید شما و آنچه می پرستید (۱۶۱) نمی توانید ابرم را را بخند خداوند

لَهُ مَقَامٌ مَعْلُومٌ ﴿١٦٤﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ ﴿١٦٥﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسِيحُونَ ﴿١٦٦﴾

منحرف کنید (۱۶۲) مگر آنان که با نیروی از شمال و روزه به [آتش] دوزخ را به اختیار خود انتخاب کنند (۱۶۳) هیچ کدام از ما [فرشتگان] نیست مگر این که برای

وَأَن كَانُوا يَقُولُونَ ﴿١٦٧﴾ لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنْ آلِ إِبْرَاهِيمَ ﴿١٦٨﴾ لَكُنَّا عِبَادَ

اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ﴿١٦٩﴾ فَكَفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿١٧٠﴾ وَلَقَدْ سَبَقَتْ

اِیْش از بعضی پیامبر می گفتند (۱۶۷) اگر کتابی چون کتاب های [آسمانی] پیشین نزد ما بود (۱۶۸) هرگز از بندگان خالص شده خداوند می شنید (۱۶۹) و ولی

كَلِمَتَا الْعِبَادِ وَالْمُؤَسَّلِينَ ﴿١٧١﴾ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنصُورُونَ ﴿١٧٢﴾ وَإِن جُنْدَنَا

اهنگامی که قرآن برای هدایتشان آمد به آن کافر شدند، به زودی اکیفر کفرشان را خواهند دانست (۱۷۰) به یقین وعده ما درباره بندگان که به رسالت فرستاده

لَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿١٧٣﴾ فَقَوْلَ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ ﴿١٧٤﴾ وَأَبْصِرْ هُمْ فَسَوْفَ

شوند از پیش حتمی و ثابت گشته (۱۷۱) که بی تردید [در همه زمینه ها] یاری خواهند شد (۱۷۲) بی شک سپاه ما که جبهه حق است [پرویزند] (۱۷۳) پس تا مدتی از

يُبْصِرُونَ ﴿١٧٥﴾ أَفَتَعَذِّبُنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿١٧٦﴾ فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحِنِهِمُ

مشرکان روی برتاب (۱۷۴) و آنان را با دست و پا زدن در کفرشان [بناگر، که به زودی [فرجام شومشان را] خواهند دید (۱۷۵) آیا عذاب ما را به شتاب می خواهند (۱۷۶) و

فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ ﴿١٧٧﴾ وَقَوْلَ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ ﴿١٧٨﴾ وَأَبْصِرْ

هنگامی که [عذابان] در استانه خانه هایشان فرود آید، همدار داده شدگان روزگار اسفبار و بدی خواهند داشت (۱۷۷) پس تا مدتی از آنان روی برتاب (۱۷۸) و

فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿١٧٩﴾ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿١٨٠﴾

اِنَّ را با دست و پا زدن در کفرشان [بناگر، که به زودی [فرجام شومشان را] خواهند دید (۱۷۹) پروردگارت که دارای قدرت شکست ناپذیر است از همه اوصافی که

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ﴿١٨١﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٨٢﴾

مشرکان او را به آن توصیف می کنند منزله و پاک است (۱۸۰) سلام و درود بر همه رسولان (۱۸۱) همه ستایش ها ویژه خداوند، پروردگار جهانیان است (۱۸۲)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ ۝۱ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ ۝۲

صاد به قرآن که مشتمل بر یادآوری اعارف الهی و احکام حلال و حرام است سوگند (که تو از پیامبرانی) (۱) ولی کافران (در مورد پذیرش قرآن و رسالت تو) در تکبر ای شدید! و مخالفتی

كَرْهُهُمْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَ وَأُولَاتٍ حِينَ مَنَاصٍ ۝۳ وَعَجَبُوا ۝۴

بسیار سختند (۲) چه بسیار اقوام را که پیش از آنان هلاک کردیم، که برای نجات خود! فریاد (کمک خواهی) سردادند، ولی راهی برای گریز او یافتن نپاهاگه! وجود نداشت. (۳) از این که

أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ ۝۵ أَجَعَلَ

هشدار دهنده ای از (جس) خودشان به سوشان آمده تعجب کرده اند، این کفریستان (به مردم) گفتند: این جادوگری بسیار دروغ گو است (۴) آیا او (برای ما) به جای معبودان متعدد، معبودی

الْأِلَهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ ۝۶ وَأَنْطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنْ

یگانه را قرار داده! همانا این (معبود واحدی را به جای چند معبود قرار دادن) مطلبی بسیار شگفت انگیز است (۵) بزرگان و سرکردگان شان به راه افتادند (و به مردم گفتند) که بروید و بر (احفظ و

أَمْشُوا وَأَصْبِرْ وَأَعْلَى الْإِلَهِيَّةِ أَنْ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ ۝۷ مَا سَمِعْنَا بِهَذَا

پرستش! معبودان استادی کنید، زیرا (در پشت پرده این دعوت، نقشه حکومت و) آقایی بر شما طرح ریزی شده است! (۶) ما این (دعوت به معبود یگانه را) در آخرین آیین (که آیین تبلیغ

فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَافٌ ۝۸ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا

مسحیت است! نشنیده ایم، این (دعوت به توحید)، جز (ادعایی) دروغ و (سخنی) ساختگی نیست! (۷) آیا از بین ما (که در ثروت و مقام ممتازیم) قرآن فقط بر او (که فقیر و بیتمی بیش نیست)

بَلْ لَهُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرٍ بَلْ لَمَّا يَدُوقُوا عَذَابَ ۝۹ أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ

نازل شده!! البته سبب انکارشان این بهانه های واهی نیست، بلکه اینان در (اصل نزول) قرآن من در تردیدند، و هنوز عذاب را نچشیده اند (تا از تردید درآیند، زبان از جملات و سخنان

رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ ۝۱۰ أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا

بینند! (۸) مگر خزانه های رحمت پروردگارت که توانای شکستناپذیر و بسیار بخشنده است، نزد آنان است (که منصب نبوت را به هر که بخواهند ببخشند)؟! (۹) یا مگر مالکیت و قلمروانی بر

بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ ۝۱۱ جُنْدٌ مَا هُنَا لِكَ مَهْزُومٌ مِنَ الْأَحْزَابِ

آسمان ها و زمین و آنچه بین آن دو است در سیطره و اختیار آنان است!! (اگر چنین است) پس از راه های آسمان ها! بالا روند (و ورشته همه امور از جمله اعطای منصب نبوت را به دست گیرند تا به

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ ۝۱۲ وَثَمُودُ

هرکس بخواهند بدهند! (۱۰) (اینان) سپاهی اندک و ناچیز از احزاب (گرفتند) که در آنجا (که محل رویارویی حق و باطل است) محکوم به شکست قطعی اند! (پیش از اینان (هم) قوم نوح، عاد

وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ لُيْكَةِ الْأَحْزَابِ ۝۱۳ إِنَّ كُلَّ الْأَكْذَابِ

و فرعون که از همه امکانات حاکمیت و قدرت بر خوردار بودند (پیامبران و کتاب هایشان را) انکار کردند! (۱۲) و (قوم) ثمود، قوم لوط و اصحاب ایکه (تیز منکر انبیاء بودند)، اینان همان احزاب او

الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابٌ ۝۱۴ وَمَا يَنْظُرُ هُوَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَالِهَا

گروه های کافر! هستند (۱۳) هیچ یک از این گروه ها! نبودند مگر این که به انکار پیامبران برخاستند، در نتیجه عذاب و عقوبت بر آنان حتمی شد! (۱۴) اینان (که قرآن و نبوت تو را انکار می کنند)

مِنْ فَوَاقٍ ۝۱۵ وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا فِطْنًا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ ۝۱۶

جز یک فریاد مریبار را که هیچ بازگشتی در آن نیست انتظار نمی کشند! (۱۵) اگر چه از روی تمسخر! گفتند: پروردگارا! پیش از روز حساب، هر چه زودتر سهم ما را از عذاب بر سر ما! فرود بیاور! (۱۶)

أَصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَادْكُرْ عَبْدَ نَادٍ وَالْأَيْدِ إِنَّهُ آتَابُ ۝ إِنَّا سَخَّرْنَا

۱۱۲
۱۱۳
۱۱۴
۱۱۵
۱۱۶
۱۱۷
۱۱۸
۱۱۹
۱۲۰
۱۲۱
۱۲۲
۱۲۳
۱۲۴
۱۲۵
۱۲۶
۱۲۷
۱۲۸
۱۲۹
۱۳۰
۱۳۱
۱۳۲
۱۳۳
۱۳۴
۱۳۵
۱۳۶
۱۳۷
۱۳۸
۱۳۹
۱۴۰
۱۴۱
۱۴۲
۱۴۳
۱۴۴
۱۴۵
۱۴۶
۱۴۷
۱۴۸
۱۴۹
۱۵۰
۱۵۱
۱۵۲
۱۵۳
۱۵۴
۱۵۵
۱۵۶
۱۵۷
۱۵۸
۱۵۹
۱۶۰
۱۶۱
۱۶۲
۱۶۳
۱۶۴
۱۶۵
۱۶۶
۱۶۷
۱۶۸
۱۶۹
۱۷۰
۱۷۱
۱۷۲
۱۷۳
۱۷۴
۱۷۵
۱۷۶
۱۷۷
۱۷۸
۱۷۹
۱۸۰
۱۸۱
۱۸۲
۱۸۳
۱۸۴
۱۸۵
۱۸۶
۱۸۷
۱۸۸
۱۸۹
۱۹۰
۱۹۱
۱۹۲
۱۹۳
۱۹۴
۱۹۵
۱۹۶
۱۹۷
۱۹۸
۱۹۹
۲۰۰
۲۰۱
۲۰۲
۲۰۳
۲۰۴
۲۰۵
۲۰۶
۲۰۷
۲۰۸
۲۰۹
۲۱۰
۲۱۱
۲۱۲
۲۱۳
۲۱۴
۲۱۵
۲۱۶
۲۱۷
۲۱۸
۲۱۹
۲۲۰
۲۲۱
۲۲۲
۲۲۳
۲۲۴
۲۲۵
۲۲۶
۲۲۷
۲۲۸
۲۲۹
۲۳۰
۲۳۱
۲۳۲
۲۳۳
۲۳۴
۲۳۵
۲۳۶
۲۳۷
۲۳۸
۲۳۹
۲۴۰
۲۴۱
۲۴۲
۲۴۳
۲۴۴
۲۴۵
۲۴۶
۲۴۷
۲۴۸
۲۴۹
۲۵۰
۲۵۱
۲۵۲
۲۵۳
۲۵۴
۲۵۵
۲۵۶
۲۵۷
۲۵۸
۲۵۹
۲۶۰
۲۶۱
۲۶۲
۲۶۳
۲۶۴
۲۶۵
۲۶۶
۲۶۷
۲۶۸
۲۶۹
۲۷۰
۲۷۱
۲۷۲
۲۷۳
۲۷۴
۲۷۵
۲۷۶
۲۷۷
۲۷۸
۲۷۹
۲۸۰
۲۸۱
۲۸۲
۲۸۳
۲۸۴
۲۸۵
۲۸۶
۲۸۷
۲۸۸
۲۸۹
۲۹۰
۲۹۱
۲۹۲
۲۹۳
۲۹۴
۲۹۵
۲۹۶
۲۹۷
۲۹۸
۲۹۹
۳۰۰
۳۰۱
۳۰۲
۳۰۳
۳۰۴
۳۰۵
۳۰۶
۳۰۷
۳۰۸
۳۰۹
۳۱۰
۳۱۱
۳۱۲
۳۱۳
۳۱۴
۳۱۵
۳۱۶
۳۱۷
۳۱۸
۳۱۹
۳۲۰
۳۲۱
۳۲۲
۳۲۳
۳۲۴
۳۲۵
۳۲۶
۳۲۷
۳۲۸
۳۲۹
۳۳۰
۳۳۱
۳۳۲
۳۳۳
۳۳۴
۳۳۵
۳۳۶
۳۳۷
۳۳۸
۳۳۹
۳۴۰
۳۴۱
۳۴۲
۳۴۳
۳۴۴
۳۴۵
۳۴۶
۳۴۷
۳۴۸
۳۴۹
۳۵۰
۳۵۱
۳۵۲
۳۵۳
۳۵۴
۳۵۵
۳۵۶
۳۵۷
۳۵۸
۳۵۹
۳۶۰
۳۶۱
۳۶۲
۳۶۳
۳۶۴
۳۶۵
۳۶۶
۳۶۷
۳۶۸
۳۶۹
۳۷۰
۳۷۱
۳۷۲
۳۷۳
۳۷۴
۳۷۵
۳۷۶
۳۷۷
۳۷۸
۳۷۹
۳۸۰
۳۸۱
۳۸۲
۳۸۳
۳۸۴
۳۸۵
۳۸۶
۳۸۷
۳۸۸
۳۸۹
۳۹۰
۳۹۱
۳۹۲
۳۹۳
۳۹۴
۳۹۵
۳۹۶
۳۹۷
۳۹۸
۳۹۹
۴۰۰
۴۰۱
۴۰۲
۴۰۳
۴۰۴
۴۰۵
۴۰۶
۴۰۷
۴۰۸
۴۰۹
۴۱۰
۴۱۱
۴۱۲
۴۱۳
۴۱۴
۴۱۵
۴۱۶
۴۱۷
۴۱۸
۴۱۹
۴۲۰
۴۲۱
۴۲۲
۴۲۳
۴۲۴
۴۲۵
۴۲۶
۴۲۷
۴۲۸
۴۲۹
۴۳۰
۴۳۱
۴۳۲
۴۳۳
۴۳۴
۴۳۵
۴۳۶
۴۳۷
۴۳۸
۴۳۹
۴۴۰
۴۴۱
۴۴۲
۴۴۳
۴۴۴
۴۴۵
۴۴۶
۴۴۷
۴۴۸
۴۴۹
۴۵۰
۴۵۱
۴۵۲
۴۵۳
۴۵۴
۴۵۵
۴۵۶
۴۵۷
۴۵۸
۴۵۹
۴۶۰
۴۶۱
۴۶۲
۴۶۳
۴۶۴
۴۶۵
۴۶۶
۴۶۷
۴۶۸
۴۶۹
۴۷۰
۴۷۱
۴۷۲
۴۷۳
۴۷۴
۴۷۵
۴۷۶
۴۷۷
۴۷۸
۴۷۹
۴۸۰
۴۸۱
۴۸۲
۴۸۳
۴۸۴
۴۸۵
۴۸۶
۴۸۷
۴۸۸
۴۸۹
۴۹۰
۴۹۱
۴۹۲
۴۹۳
۴۹۴
۴۹۵
۴۹۶
۴۹۷
۴۹۸
۴۹۹
۵۰۰
۵۰۱
۵۰۲
۵۰۳
۵۰۴
۵۰۵
۵۰۶
۵۰۷
۵۰۸
۵۰۹
۵۱۰
۵۱۱
۵۱۲
۵۱۳
۵۱۴
۵۱۵
۵۱۶
۵۱۷
۵۱۸
۵۱۹
۵۲۰
۵۲۱
۵۲۲
۵۲۳
۵۲۴
۵۲۵
۵۲۶
۵۲۷
۵۲۸
۵۲۹
۵۳۰
۵۳۱
۵۳۲
۵۳۳
۵۳۴
۵۳۵
۵۳۶
۵۳۷
۵۳۸
۵۳۹
۵۴۰
۵۴۱
۵۴۲
۵۴۳
۵۴۴
۵۴۵
۵۴۶
۵۴۷
۵۴۸
۵۴۹
۵۵۰
۵۵۱
۵۵۲
۵۵۳
۵۵۴
۵۵۵
۵۵۶
۵۵۷
۵۵۸
۵۵۹
۵۶۰
۵۶۱
۵۶۲
۵۶۳
۵۶۴
۵۶۵
۵۶۶
۵۶۷
۵۶۸
۵۶۹
۵۷۰
۵۷۱
۵۷۲
۵۷۳
۵۷۴
۵۷۵
۵۷۶
۵۷۷
۵۷۸
۵۷۹
۵۸۰
۵۸۱
۵۸۲
۵۸۳
۵۸۴
۵۸۵
۵۸۶
۵۸۷
۵۸۸
۵۸۹
۵۹۰
۵۹۱
۵۹۲
۵۹۳
۵۹۴
۵۹۵
۵۹۶
۵۹۷
۵۹۸
۵۹۹
۶۰۰
۶۰۱
۶۰۲
۶۰۳
۶۰۴
۶۰۵
۶۰۶
۶۰۷
۶۰۸
۶۰۹
۶۱۰
۶۱۱
۶۱۲
۶۱۳
۶۱۴
۶۱۵
۶۱۶
۶۱۷
۶۱۸
۶۱۹
۶۲۰
۶۲۱
۶۲۲
۶۲۳

الجبّال معهُ يسبحون بالعشي والإشراق ﴿١٨﴾ وَالطُّبَر مَحْشُورَةٌ كُلُّ

۱۰- در باره کارکردهای فنیسم که با یاد و شباهتگاه، و زمان بر مبدان العباد خیار ابا سنجیح کلشن از هر عیب و نقصی منزه و پاک بداند (۱۸) بزرگان (الشیخ) ادبسته جمعی به کارکردهای فنیسم که آمده

لَهُ آوَابٌ ۝۱۹ وَشَدَّ دَنَاوَالِكُهُ وَآيَنَاهُ الْحَكْمَةُ وَفَضْلُ الْبَحْثِ ۝۲۰

آنکه تسبیح خدا را بگشت کننده به داود آوردند (۱) حکومت داود استوار گردید، و بهاء عارف استوار شود خدند و منصب داد و ریای بیطلان دان عالم از به خود و سوا ایشان آید.

وَهَلْ أَتَاكَ نَبُوءُ الْخَصْمِ إِذْ تَسُوْرُ الْمِحْرَابِ ﴿٢١﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلٰى

۲۰) اخیراً پدرم را داد خان به تو رسیده است آن گاه که از دیوار بلند جایگاه مخصوص ادا و ابالات کنند ۲۱) از مانی که اخلاف گیر و بدین اخلاف

وَأَوْفَرَ مِنْهُمْ قَالُوا الْاِخْفُ خَصَائِنِ بَغِي بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُمَ

داد و در شدند، و از و در دشان هر اسان شد، گفتند: ترس، اما دگر و ه متخاصم اشکی و داد خواهیم که ایکی از عابر دیگری ستم روا داشته،

يَتَنَبَّأُ الْحَقُّ وَلَا تَسْطِطُ وَاهِدُنَا إِلَى سَوَاءٍ الصِّرَاطِ ۝٢٢ إِنَّ هَذَا

میان ما به حق و عدالت داری کن، و [در حکم کردن] ستم روا مدار، و به راه راست که خاتمه دهنده نزاع باشد هدایتان کن (۴۳) این

اِنْ لَّهُ سَعَةٌ وَتَسْعُونَ نَجَّةً وَاِنْ لَّهُ نَجَّةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ اَكْفِلْنِيهَا

برادر من است که مالک نبود و نه میش اندام که می گوید آن را [هم] به من واگذار کرد.

وَعَزَّيْنِي فِي الْمَخْطَابِ ﴿٢٣﴾ قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْمِكَ إِلَىٰ إِعْجَابِهِ ۖ

و در گفت و گو این باب من | مرا مغلوب ساخته (۲۳) | داد | گفت: مسلمانان را با خود خواست افزودن میشی تو به میش هایش بر تو ستم روا داشته،

إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخَاطِئِينَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ لَاَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

والبته بسياری از شریکان به یکدیگر ستمکارند مگر مؤمنانی که اهل کارهای شایسته اند آنان هم بسیار اندکند. داود آنست که عا و او را بر این

الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ

پیش آمد از امایش کرده ایم، او از این که به دفاع متهم نکرده و شتاب در داوری داشت، از بهروردگارش در خواست امرزش کرد، و ابی در رنگ

وَالْكَافِرِينَ الْآثَابُ
۲۴
فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَلَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ عَنِ الْفَوَاحِشِ وَحَسُنَ مَا يَمِيزُ

بحالتی خاضعانه به رود افتاد، و ابانوجه و اخلاص به خداوند ایا گرفت. (۲۶) اورا در خصوص ان اداری امر زیدیم، اونزادعاداری منزلی ویترو

يَا أَوْدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ

سرانجامی	ایکویسٹ (۲۵)	ماہو	در زمین	جاسین	احود	فرار	دادیم	پسر
۲	۲	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۲

بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ

بین مردم به حق او عدالت داری کن و از خواسته های نامسروح بپروی کن، نه بوزار اراده خود، منحرف می شوی، بی تردید سستی

عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ لِمَا فُتِنُوا فِي الْحِسَابِ (٢٦)

۴۸۴

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا

ما آسمان و زمین و آنچه را میان آن دوناست بیهوده نیافریده ایم، این بیهوده افریده شدن! پندار اوامی! کافران است، پس وای

قَوْلُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ النَّارِ ﴿٢٧﴾ أَمْ يَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا أَوْعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

بر کافران از آتش [دوزخ]! (۲۷) آیا مؤمنانی را که کارهای شایسته انجام داده اند،

كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ يَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ ﴿٢٨﴾ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ

مانند تبهاران فتنه انگیز در زمین قرار می دهیم؟ یا برهیزکاران را چون بدکاران به حساب می آوریم؟ (۲۸) این کتاب

إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ ﴿٢٩﴾ وَوَهَبْنَا

خجسته و بزرگتری است که آن را بر تو نازل کرده ایم تا در آیاتش به نیکی اندیشه کنند، و خردمندان [در پرتو آن] متذکر [حقایق] شوند! (۲۹) سلیمان را

لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿٣٠﴾ إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعَشيِّ

به داود بخشیدیم، نیکو بنده ای [بود]، به راستی بسیار بازگشت کننده [به خداوند] بود! (۳۰) در پایان آن روز که اسب های چابک و تیز رو را بر او عرضه کردند! (۳۱)

الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ ﴿٣١﴾ فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَبَرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي

گفت: من برای یاد خدا به شدت به اسب ها محبت می ورزم!؛ زیرا می خواهم در جهاد با دشمن برای اعلای کلمه حق از آن ها استفاده کنم. و همواره تماشای

حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ﴿٣٢﴾ رُدُّوْهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَ

آن ها بود! تا از دیده اش [پنهان] شدند! (۳۲) [پس از مراسم تماشای اسب ها گفت: آن ها را به من بازگردانید. و [برای نوازش آن ها] به دست کشیدن به ساق ها

الْأَعْنَاقِ ﴿٣٣﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَالْقَيْنَ عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ

و گردن ها [یشان] [پرداخت] (۳۳) همانا سلیمان را [بافرزدنش] آزمودیم، و [آزمون این بود که] جسدی [بی جان از فرزندش] را بر تختش انداختیم، او [در

أَنَابَ ﴿٣٤﴾ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ

این حادثه با توجه و اخلاص به خداوند [روی آورد] (۳۴) گفت: پروردگارا! مرا بیامرز، و حکومتی به من ببخش که پس از من سزاوار هیچ کس نباشد، یقیناً

أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿٣٥﴾ فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ ﴿٣٦﴾

تو بسیار بخشنده ای! (۳۵) [با اجابت دعایش،] [باد را برای او به کار گرفتیم که هر جایی خواست به فرمانش با ملایمت و آرامی جریان می یافت] (۳۶)

وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَغَوَّاصٍ ﴿٣٧﴾ وَالْآخِرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ﴿٣٨﴾

و هر بنا و غواصی از شیاطین را [از ارام او ساختیم] (۳۷) و دیگر شیاطین متمرّد را که در قید و بندها بسته بودند [مسخر فرمائش کردیم تا به اهدافش خدمت کنند] (۳۸)

هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٩﴾ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ

این [او گفتیم: این] [حکومت بی نظیر] [عطای ماست،] [به هر کس می خواهی] [بخشش کن او] [از هر کس لازم می دانی] [در پی غرض، که] [در این زمینه] [حسابی] [بر تو نیست] (۳۹) [و نزد ما

مَابٍ ﴿٤٠﴾ وَادْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ

دلاری منزلی و بزرگوار و سرانجامی نیکوست! (۴۰) [بندد ما] [یوب را به یاد آر، زمانی که پروردگارش را ندا داد که: شیطان به من رنج و شکنجه رسانده و برای این که از رحمت و لطف تو دلبردم

بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ﴿٤١﴾ ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ﴿٤٢﴾

کندمر او سوسه و علامت می کند! (۴۱) [به او گفتیم:] [پای ترا] [به زمین] [بگوب] [تا بی پدید آید، چون پدید آمد گفتیم: این] [بی برای شست و شوشت] [و اسر] [دو نوشیدنی است] (۴۲)

وَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَى لَآوَلِي الْأَلْبَابِ ﴿٢٣﴾

خداوند او را و مانند ایشان را با آنان به او بخشیدیم انا را رحمتی را سوی ما ایاه او و تذکری برای خردمندان باشد، که ما با هر صاحب ایمن و صبری این گونه رفتار می کنیم (۲۳)

وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُثْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ

الایوب به خاطر کم صبری همسرش در برابر آزار مایش حق، سوگند خورده بود او را تنبیه کند، خداوند برای عذابت به همسرش، خطاب کرد: ایاب دستنه ترکه چوب خشک و تر ایا

إِنَّهُ آوَابٌ ﴿٢٤﴾ وَادْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِيَ الْأَيْدِي

دستگیر و بان همسر ت ایه صورتی نرم و بدون آزار ایزن، و سوگندت را مشکن، همانا ما را و اشکیبا باقیم، نیکو بنده ای اید، به راستی بسیار بازگشت کننده ایه خداوند

وَالْأَبْصَارِ ﴿٢٥﴾ إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ ﴿٢٦﴾ وَإِنَّهُمْ

بود (۲۴) و بندگان ما ابراهیم، اسحاق و یعقوب را به یاد آر، که دارای قدرت و ینش بودند (۲۵) ما آنان را با خالصت آخرت اندیشی از هر شائبه و عیبی اخلاص ساختیم (۲۶)

عِنْدَنَا لِمَنِ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ ﴿٢٧﴾ وَادْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ

مسلمانان آنان در پیشگاه ما از برگزیدگان و نیکانند (۲۷) و اسماعیل و یسع و ذوالکفل

وَكُلٌّ مِّنَ الْأَخْيَارِ ﴿٢٨﴾ هَذَا ذِكْرٌ وَإِلِلْمُنْقِبِينَ لِحُسْنِ مَّآبٍ ﴿٢٩﴾

و «ذوالکفل» را به یاد آر که همه از خوبانند (۲۸) این [سرگذشت ها] مایه تذکر و پند است، و بی تردید برای پرهیزگاران فرجایی نیک

جَنَّاتٍ عَدْنٍ مَّفْصَّحَةٍ لَهُمُ الْأَبْوَابُ ﴿٥٠﴾ مُتَكِبِينَ فِيهَا يُدْعَوْنَ فِيهَا

خواهد بود (۴۹) آن فرجام نیک [بهشت های جاویدانی] است که در هایش را به روی آنان گشوده اند (۵۰) در حالی که در آن ها ابر تخت ها تکیه می زنند،

بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ ﴿٥١﴾ وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَتْرَابٌ ﴿٥٢﴾

و میوه های فراوان و نوشیدنی دل خواهشان را در آن [محل امن] خواهند می شوند (۵۱) کنارشان همسرانی هستند که فقط به شوهرانشان

هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِبَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٥٣﴾ إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ

عشق می ورزند، و [با شوهرانشان] همسن و سال هستند (۵۲) ای پرهیزگاران! این است آنچه برای روز قیامت به شما وعده می دادند (۵۳) [آری] این است عطای ما که بیایانی

نَفَادٍ ﴿٥٤﴾ هَذَا وَإِنَّ لِلظَّالِمِينَ لَشَرَّ مَّآبٍ ﴿٥٥﴾ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ

برایش نیست (۵۴) این [پاداش پرهیزگاران] است، و قطعاً برای ظالمین گران فرجام شوم و ناگواری است (۵۵) و آن فرجام شوم [دوزخ] است که در آن وارد می شوند،

الْمِهَادُ ﴿٥٦﴾ هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ ﴿٥٧﴾ وَآخِرُ مِنْ شَكْلِهِ

و بدبستری است (۵۶) این آب جوشان و خونا به چرکین متعلق است که الزاماً باید آن را بچشند (۵۷) و انواع دیگری از همین گونه عذاب برای آنان خواهد

أَزْوَاجٍ ﴿٥٨﴾ هَذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُوا

بود (۵۸) ایه طاغیان می گویند: اینان گروهی از پیروان شما هستند که با فشار و سختی همراه شما وارد [دوزخ] می شوند، [طاغیان می گویند: ایشان را

النَّارِ ﴿٥٩﴾ قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَأَمْرَحِبًا بِكُمْ أَنْتُمْ قَدْ مَتُّوهُ لَنَا فَبِئْسَ الْقَرَارُ

خوش آمد مباد! مسلمانان آتش خواهند سوخت (۵۹) [پیروان] می گویند: بلکه بر خود شما خوش آمد مباد! شما این [عذاب] را از پیش برای ما فراهم کردید،

﴿٦٠﴾ قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَرَدُّهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ ﴿٦١﴾

و بد قرارگاهی است (۶۰) [آن گاه] می گویند: پروردگارا! هر کس این [عذاب] را از پیش برای ما فراهم کرده عذابش را در آتش [دوزخ] دوچندان کن (۶۱)

وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ ﴿٦٢﴾ أَتَّخَذْنَا هُمْ

و می گویند: ما را چه شده که انسان هایی [مؤمن] را که از اشرار می شمردیم نمی بینیم؟! (۶۲) آیا [به ناحق] تمسخرشان می کردیم

سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ ﴿٦٣﴾ إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُّمُ أَهْلِ

او اکنون در بهشتند؟! یا [در دوزخ اند] چشمان [ما] به آنان نمی افتد؟! (۶۳) همانا این جدال و مشاجره دوزخیان [که خود نوعی عذاب روحی است] حتمی

النَّارِ ﴿٦٤﴾ قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٦٥﴾ رَبُّ

و واقع شدنی است (۶۴) بگو: من فقط هشدار دهنده ام، و هیچ معبودی جز خدای یگانه قهار نیست (۶۵) [اوست] پروردگار

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ﴿٦٦﴾ قُلْ هُوَ نَبَوُّ عَظِيمٌ ﴿٦٧﴾

آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دو است، توانای شکست ناپذیر و بسیار آمرزنده است (۶۶) بگو: این [پیام توحیدی من] خبری بزرگ است (۶۷)

أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ ﴿٦٨﴾ مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَأِ الْأَعْلَى إِذْ يَخْتَصِمُونَ

که شما از آن روی می گردانید (۶۸) [بگو:] من از فرشتگان [جهان بالا] وقتی [در باره] آفرینش آدم [گفت و گوی می کردند]، از راه های عادی [هیچ خبری نداشتم] (۶۹)

﴿٦٩﴾ إِنَّ بُرُوحِي إِلَى إِلَّا إِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٧٠﴾ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأِ نِكَهْ إِنِّي

فقط به این سبب به من وحی می شود که من هشدار دهنده ای روشن گرم (۷۰) [و اکنون ای پیامبر] به داستان آدم از طریق وحی توجه کن، از علنی که

خَالِقُ بَشَرٍ مِنْ طِينٍ ﴿٧١﴾ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ

پروردگارت به فرشتگان گفت: من بشری از گل به وجود می آورم (۷۱) چون [اندام] او را معتدل [و متناسب] ساختم و از روح خود در او دمیدم برایش

سَاجِدِينَ ﴿٧٢﴾ فَسَجَدَ الْمَلَأِ نِكَهْ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿٧٣﴾ إِلَّا ابْلِيسَ اسْتَكْبَرَ

به سجده افتید (۷۲) فرشتگان همگی سجده کردند (۷۳) مگر ابلیس که [در برابر فرمان] عا [تکبر کرد،

وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٧٤﴾ قَالَ يَا ابْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ

و از کافران شد (۷۴) [خداوند] فرمود: ای ابلیس! تو را چه چیز از سجده کردن بر موجودی که با دستان [قدرت] خودم آفریدم بازداشت؟

بِيَدَيَّ اسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ ﴿٧٥﴾ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ

ایدا چار خود بزرگ بینی بودی، یا از عالی رتبه گانی [که فرمان سجده بر آدم را در شان خود ندیدی]؟! (۷۵) گفت: من از او بهترم؛ زیرا [امر از آتش و نوره ای آفریدی

نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ ﴿٧٦﴾ قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿٧٧﴾ وَإِنَّ

و او را از گل ساختی! (۷۶) [خداوند] فرمود: از اینجا [که مقام فرشتگان مطیع است] بیرون رو، که تو رانده شده ای (۷۷) و تا قیامت

عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ﴿٧٨﴾ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ ﴿٧٩﴾

لعنتم بر تو باد! (۷۸) [ابلیس] گفت: پروردگارا! مرا تا روزی که [مردم] برانگیخته می شوند مهلت ده (۷۹) [خداوند] فرمود:

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿٨٠﴾ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿٨١﴾ قَالَ

تو از مهلت یافتگان (۸۰) تا روزی که آن [وقت معلوم] که لحظه پایان این جهان است برسد! (۸۱) گفت:

فَبِعِزَّتِكَ لَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٨٢﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلَصِينَ ﴿٨٣﴾

پس به عزت تو سوگند که همه آدمیان را گمراه نخواهم کرد (۸۲) مگر آن گروه از بندگان خالص شده ات (۸۳)

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقَّ أَقُولُ ﴿٨٤﴾ لَا مَلَكَيْنِ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ نُبِعَكَ مِنْهُمْ

خداوند! فرمود: سوگند به حق، و من فقط حق را می گویم (۸۴) که یقیناً دوزخ را از تو و همه کسانی از آنان که پیر و توانمندتر خواهیم کرد (۸۵) ای پیامبر! بگو: من برای این

اجمعین ﴿٨٥﴾ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ

ایلاغ دین هیچ پاداشی از شما نمی خواهم، و از کسانی نیستم که از پیش خود مطلبی را می سازند! و به عنوان حقیقتی آسمانی بر عهده گرفته، نظاهر به مأموریت از جانب

﴿٨٦﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٨٧﴾ وَلَنَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ ﴿٨٨﴾

خدا می کنند! (۸۶) قرآن جز یادآور احقاق ابرای جهانیان نیست (۸۷) بی تردید پس از مدتی ادرست بودن و عین واقعیت بودن اخبارهای آن را خواهید دانست (۸۸)

سُورَةُ الزُّمَرِ
آیاتها ۷۵
مکة ۳۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

نَزَّلَ الْكِتَابَ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ الْكِتَابَ

این کتابی است که از سوی خداوند توانای شکست ناپذیر و حکیم نازل شده است (۱) بی تردید ما این کتاب را

بِالْحَقِّ فَأَعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿٢﴾ أَلِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ

به حق بر تو نازل کردیم، خدا را در حالی پرست که اعتقاد و عبادت را برای او از هرگونه شرکی خالص می کنی (۲) آگاه باشید! که عبادت خالص فقط برای خداست

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ

او غیر خالص به پیشگاهش راه ندارد، و کسانی که به جای خداوند معبودانی انتخاب کرده اند ادعایشان این است که: امان هارا نمی پرستیم جز برای این که

زُلْفَى إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ

ما را آن گونه که شایسته است به خدا نزدیک کنند، مسلماً خداوند بین بت پرستان و خداپرستان در روشی که در آن اختلاف دارند داوری خواهد کرد بی تردید خداوند

لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ ﴿٣﴾ لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا

کسی را که دروغ گو و بسیار ناسپاس است هدایت نمی کند (۳) اگر ابر فرض محال! خداوند می خواست

لَا صُطْفَى مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

فرزندی انتخاب کند، آنچه را خودش می خواست از بین آفریده هایش انتخاب می کرد، ولی او از این که فرزندی برایش باشد منزّه است (۴) زیرا الوهیت

﴿٤﴾ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى

و رویتش از داشتن فرزند امتناع دارد، او خداوند یگانه و قهار است، اودر تدبیر امور به احدی نیاز ندارد (۴) آسمان ها و زمین را به حق آفرید، شب را

النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

به روز می پیچد، و روز را به شب می پیچاند، خورشید و ماه را

كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ﴿٥﴾

اجهت سودرسانی به انسان و دیگر موجودات! به کار گرفت، هر کدام تا زمانی معین در حرکتند، آگاه باشید! او توانای شکست ناپذیر و بسیار آمرزنده است (۵)

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَانَزَلَ لَكُمْ مِنَ

شما را از یک تن آفرید، پس از آن همسرش را از همان جنس به وجود آورد، و به سود شما

الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ

از چهار پایانِ اشتهر و گاو و گوسفند و بز هشت زوج پدید آورد، شما انسان ها را در شکم مادرانتان آفرینشی پس از آفرینشی در میان تاریکی های

خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

سه گانه اشکم، و چه بچه دان می آفریند، این است خدا که مالک و مدبر امور اشماست، فرمانروایی مطلق ابر همه هستی و پوزة اوست، هیچ معبودی

فَإِنِّي تُصْرِفُونَ ﴿٦﴾ إِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَبْرُضِي

جز او نیست، پس چگونه از راه حق منحرفان می کنند؟ (۶) اگر انعمت آفرینش خود و همه نعمت ها را اناسپاسی کنید از یانی به خدانمی رسد: زیرا خدا از همه

لِعِبَادِهِ الْكُفْرُ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ

شما بی نیاز است، و اناسپاسی را برای بندگانش رضایت نمی دهد، چنانچه سپاس گزار باشید به سود شما به آن رضایت می دهد، هیچ گنه کاری بار آگاه دیگر را

ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ

به دوش نمی کشد، پس از سپری شدن زندگیتان در دنیا، بازگشتان به سوی پروردگارتان خواهد بود، و شما را به آنچه همواره انجام می دادید آگاه می کند،

بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٧﴾ وَإِذَا امْسَسَ الْإِنْسَانُ حُزْرًا غَارِبًا مُنِيبًا إِلَيْهِ

زیرا او به اسرار و نیت باطن ها آگاه است (۷) چون به انسان آسیبی رسد پروردگارش را در حالی که ایا توجه و اخلاص

ثُمَّ إِذَا خَوْلَا نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ

به او روی می آورد، ابرای بر طرف شدن آسایش می خواند، سپس وقتی خداوند از جانب خود به او نعمت آسودگی و رفع مشکلات عطا می کند، آن آسیر را

لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ

که قبل برای ابر طرف شدن آن دعای کرده فراموشی می سپارد، و دیگر بار برای خداوند یکتا متیانی قرار می دهد تا به وسیله فرهنگ شرک، مردم را از راه خدا

أَصْحَابِ النَّارِ ﴿٨﴾ أَمَنْ هُوَ قَانِتٌ أَنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ

منحرف کند، بگو: ای انسان! اندک زمانی از کفر و ناسپاسی ات بر خوردار باش، که تو اهل آتش ادوزخ هستی (۸) آیا چنین کفران کننده ناسپاسی بهتر است!

الْآخِرَةِ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ

یا کسی که در ساعت های شب، در حال سجده و قیام به عبادت خالصانه مشغول است، و از آخرت بیمناک است، و بهر حمت پروردگارش امید دارد؟ بگو: آیا کسانی که

لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَٰؤَ الْأَلْبَابِ ﴿٩﴾ قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا

معرفت ایه حقایق دارند با کسانی که تهی از معرفتند یکسانند؟ فقط خردمندان [حق جو] پند پذیرند (۹) بگو: ای بندگان

اتَّقُوا رَبَّكُمُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَارْضُ اللَّهُ

مؤمنم از پروردگارتان اطاعت کنید، و از محرماتش ابر هیزید، برای آنان که در این دنیا نیکی کرده اند پاداش نیکی است، اگر برای نیکی کردن به هر دلیلی در تنگنا

وَأَسِعَةً إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرُهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿١٠﴾

و مضیق بودید به سرز مینی دیگر مهاجرت کنید: زیرا از مین خدا گسترده و پهن آور است، جز این نیست که پاداش شکیبایان را کامل و بی حساب خواهند داد (۱۰)

قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ۚ وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ

من ماموم که خداوند را با اعتقادی خالص و پاک پیروشم (۱۱) و ماموم که ادر این اسیرا

أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٢﴾ قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٣﴾

فَاذْكُوا وَشَارِبُوا مِنْ ثَمَرِهِمْ لَا يَسْرِفُونَ
فَإِذَا كَانُوا فِي أَهْوَالٍ شَدِيدَةٍ
أَتَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ
فَأَعْتَبُوا وَاصْتَفَىٰ خَلْقًا

وختین بنده تسلیم به خداوند انعام (۱۲) بگو؛ چنانچه پروردگار مرا از اهل عالمی کند از نتیجه شوم آن، که عذاب روزی بدرب است ای ترسو! (۱۳)

من الله احبنا حبصا له في الدنيا والآخرة

الخاسرين الذين خسروا أنفسهم وأهليهم يوم القيامة لا ذلك هو
بأن كان إراني او افعي كسانى هستند كه در قيامت ايستند سر مايه هاى وجودى ا خود و اهلى و ارحام و اهلش را از بهر سبب و سببى غيبر خدا انباء كرده اند، اگاه باشيد

الْخُسْرَانِ الْمُبِينِ ﴿١٥﴾ لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَ مِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ

[illegible]

از آن می ترسند، ای بندگانم! خود را از این که نسبت به من نافرمان باشید حفظ کنید (۱۶) کسانی که از پرستش و اطاعت او غیوت یعنی سرمداران کفر و شرک،

ان یعبُدوها وَاَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبَشَرُ فَبَشِّرْ عِبَادِ ﴿١٧﴾ الَّذِينَ يَسْمِعُونَ سُرُكْمًا زَوْرًا، استعمارگرانِ خائن و خواسته های نامشروع خود، با همه وجود ادوری کردند و به درگاه خدا ایستادند، بَرِ اَبَرِ مَهْیَسْتَ | عَزَّوَجَلَّ، پس بندگانم

الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ ۚ وَاللَّهُ هُوَ أَعْلَمُ

۱۸
اَلَا اِنَّكَ تَقْضُ حَقَّكَ

راغزده ده (۱۷) هم آنان که سخن را می شنوند، و این بهتر نیست آنکه آنان را در سایه عمل به این حق می رساند؛ پیروی می کنند. اینند که خداوند هدیایشان کرده.

واین صاحبان خردمند (۱۸) آن کسی که ابر اثر تعصبش به کفر و شرک، او عده عذاب بر او حتمی و ثابت شده می توانی اهدایت کنی؟ و از آتش اودوزخ که خود دیر اثر

کتابخانه‌اش برای خود فراهم آورد [اجتناب دهی]؟ ولی برای کسانی که از پروردگارشان اطاعت کرده، و از معجزه‌های او آفرینش داشتند غرض‌هایی در بهشت

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ الْمِيثَاقَ ۚ

وَأَنذَرْتُكُمْ السَّاعَةَ مَاءً فَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ رَمَدًا

ایا ندانسته‌ای که خداوند از آسمان، ابی فرستاد و آن را به‌صورت چشمه‌ایی در زمین نفوذ داد.

بخارج به زرعاً مختلفاً الوانہ لم یحیی و**لم یصرف** اتم
سپس به وسیله آنرا عتی پدید می آورد که رنگ هایش متنوع است، سپس آنرا از اعتدال پس از مدتی خشک می شود و زاریات آن را از ریشه جدا می بینی.

بَجَعَلَهُ حُطْلًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٢١﴾

۴۶۰

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ

ایا کسی که خداوند سینه اش را برای تسلیم ادر برابر قرآن، حلال و حرام و معارف دینی گنجایش داده، و از سوی پروردگارش بر خوردار از نور ایمان و معرفت است، امانند

لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٢٢﴾ اللَّهُ

کسی است که دچار سنگدلی است، و به این خاطر از قبول اسلام امتناع می ورزد پس وای بر سنگدلان از ذکر خدا که قلبشان متغیر می شود، امانند که در گمراهی

نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ

اشکاری هستند (۲۲) خداوند نیکوترین سخن را برای هدایت مردم فرستاده، کتابی که آیتش در نظم و محتوا و فصاحت و بلاغت شبیه ایکدیگر است، و بسیاری از اواخر

الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلَيْنِ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ

و نواحی، داستان های پندآموز و مطالب استوارش به مناسبت های گوناگون تکرار شده، پوست بدن کسانی که از پروردگارشان می هراسند از شنیدن و اثرپذیری از آیات آن

ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَتَالَهُ مِنْ

به لریزه می افتد، سپس پوست و دلشان در بر تو یاد خداوند آرامش می یابد، این قرآن هدایت خداست که هر که را بخواهد به وسیله آن هدایت می کند، و هر که را خداوند ایه کفر

هَادٍ ﴿٢٣﴾ أَفَمَنْ يَبْقَىٰ بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ

لجاعت و عنادش اغمراه کند هیچ هدایت کننده ای برای او نخواهد بود (۲۳) آیا کسی که روز قیامت ایه علت اوج ناتوانی و بسته بودن دست هایش می خواهد با اسیر قرآن دادن

ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٢٤﴾ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَاَتْهُمْ

صورتش آسیب عذاب را از خود دفع کند، امانند کسی است که از عذاب ایمن است؟ ایه ستمکاران ایه آیات حق گفته می شود: آن اعمال ابدی را که همواره مرتکب

الْعَذَابِ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٥﴾ فَآذَاهُمْ اللَّهُ الْخِزْيَ فِي الْحَبُوفِ

می شدید او اکنون به صورت عذاب رخ نشان می دهد! بچشید (۲۴) کسانی که پیش از ایمان بودند او همین گونه آیات خدا را ا منکر شدند از جایی که گمان نمی کردند عذاب

الدُّنْيَا وَالْعَذَابِ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا

به سویشان آمد (۲۵) پس خداوند عذاب خوار را در دنیا به آنان چشاند، و قطعاً عذاب آخرت دردناکتر و سخت تر است، اگر می فهمیدند (۲۶) ما در این قرآن برای هدایت

لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٧﴾

مردم! هر گونه مثلی زده ایم که از خواب غفلت بیدار شوند (۲۷) قرآنی است گویا و رسا، و بدون هر گونه کژی و انحراف، برای این که همگان ادر سایه تعالیمش، از شرک و عصیان

قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٢٨﴾ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا

و تبهکاری و فساد! بپرهیزند (۲۸) خداوند برای فهماندن وضع موخدان و مشرکان ا مثلی زده است: مردی که اربابانی ناسازگار و سخت گیر در مالکیت او شریک باشند او

فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا

فرمان های مختلف و طاقت فرسا به او دهند، و مردی که فقط ا مملوک یک نفر است او تنها از او فرمان بگیرد، آیا این دو نفر ادر خصوصیات و حالات زندگی یکسانند؟ همه

الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٩﴾ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ

ستایش ها ویژه خداست اکه تنها فرمانروای هستی است، و موخدان فقط از او دستور می گیرند، ولی بیشتر مردم ایه آثار و منافع بندگی خدای یگانه ناگاهند (۲۹) بی تردید

مَيِّتُونَ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ ﴿٣١﴾

نو ا پس از پایان یافتن مهلت معینت می میری، و آنان اکه کافر و مشرکند نیز می میرند (۳۰) سپس همه شمار روز قیامت در پیشگاه پروردگارتان، بحث و گفتگو خواهید کرد (۳۱)

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ

ستمکارتر از کسی که بر خداوند دروغ بست، و این سخن راست و درست یعنی قرآن را چون به سببش آمد

الَّذِينَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ۝۳۲ وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ

انکار کرد کیست؟ آیا برای کافران جایگاهی در دوزخ نیست؟ (۳۲) کسانی اکنون پیامبران را که

وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ۝۳۳ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ

سخن راست و درست را از جانب خداوند آورده اند، و آنان که حقانیت آن را تصدیق کرده اند همه آنان تقوایبشگانه اند (۳۳) برای آن

عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ۝۳۴ لِيَكْفِرَ اللَّهُ عَنْهُمْ

تقوایبشگان نزد پروردگارشان هرچه بخواهند فراهم است، این است پاداش نیکوکاران (۳۴) چنین پاداشی را

أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا

به آنان وعده حتمی داده است خداوند از برکت این وعده، از شست ترین اعمالی را که انجام داده اند از پرونده آنان محو کند، و بر پایه بهترین عملی که

بَعَلُّونَ ۝۳۵ أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ

همواره انجام می دادند پاداششان دهد (۳۵) آیا خداوند برای بنده اش در همه امور ابرس نیست؟ ولی مخالفت بی توجه به ایمان و پایداری ات در مقام ترسافتند

دُونِهِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ۝۳۶ وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا

از غیر خدا هستند، اینان در چه گمراهی و خیال باطلی غرقند! خداوند هر که را به کفر عناد و کفرش در گمراهی و اتهد هیچ هدایت کننده ای برای او نخواهد بود (۳۶)

لَهُ مِنْ مُضِلِّ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ ۝۳۷ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ

و هر که را خداوند هدایت کند هیچ گمراه کننده ای برای او وجود نخواهد داشت، آیا خداوند توانای شکست ناپذیر و انتقام گیرنده نیست؟ (۳۷)

مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ ۝۳۸ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا

اگر از آنان بپرسی آسمان ها و زمین را چه کسی آفریده؟ قاطعانه می گویند: خداوند بگو:

تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ

در باره معبودانی غیر خداوند که برای حل مشکلاتان و روان شدن حاجاتان از آنان کمک می خواهید به من خبر دهید، که اگر خداوند گزند و آسیبی برای من بخواهد آیا آنان

ضَرِّهِ أَوْ أَرَادَنِيَ بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ

برطرف کننده گزند و آسیب او از من هستند؟ یا اگر نعمت و رفاهی برای من بخواهد آیا بازدارنده نعمت

حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ ۝۳۹ قُلْ يَا قَوْمِ

و رفاهش از من هستند؟ بگو: خداوند در همه امور مرا بس است، و توکل کنندگان فقط بر او توکل می کنند (۳۹) بگو: ای قوم من!

اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝۴۰

شما بر اساس آنچه از قدرت و نیرویی که دارید بکوشید، من هم بر پایه ایمان و اخلاص می کوشم، به زودی خواهید دانست (۴۰)

مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ۝۴۱

چه کسی را در دنیا عذابی می رسد که خوار و رسوایش کند، و در آخرت عذابی جاودانه بر او فرود می آید (۴۱)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ

ما این کتاب را برای [هدایت] مردم به درستی و راستی به سوی تو فرستادیم، پس هر که [به وسیله آن] هدایت یافت

فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ

به سود خود [هدایت یافته]، و هر که [با رویگردانی از آن] گمراه شد فقط به زیان خود گمراه می‌شود، و تو کارگردار

بِوَكِيلٍ ﴿٤١﴾ اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ

آنان نیستی [که بتوانی به اجبار هدایتشان کنی] (۴۱) فقط [خداوند است که جان مردم را به هنگام مرگشان می‌گیرد، و [جان] آنان را که

فِي مَنَامِهَا فِيمُسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ

نمرده‌اند به هنگام خوابشان [قبض می‌کند]، پس [جان] کسانی که مرگ را بر آنان قطعی کرده نگه می‌دارد [و به بدن باز نمی‌گرداند]،

إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾

و [روح دیگر] را تا مهلت معینی [که از عمرشان باقی است به بدنشان] می‌فرستد، به یقین برای اندیشمندان در این [مرگ و حیات، و خواب و بیداری] نشانه‌هایی

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلْ أَوَلَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ

[از قدرت خدا] است (۴۲) [مشرکان نه تنها در بار قدرت خداوند اندیشه نمی‌کنند، بلکه به جای خداوند شفیعیانی [از بت‌های رای خود] انتخاب کرده‌اند بگو: [واقعاً از آنان امید]

شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ ﴿٤٣﴾ قُلْ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لِلَّهِ الْمَلِكُ السَّمُوتِ

شفاعت دارید! هر چند اختیار چیزی را [در این جهان] نداشته باشند، و چیزی را [انفهمند] تا جایی که احدی از شمار آن‌که به آنان دل بسته‌اند شناسند؟! (۴۳) بگو: همه شفاعت

وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٤٤﴾ وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ

[به هر اندازه و به هر کیفیت] در اختیار خداست، مالکیت و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین در سیطره اوست، همه شمار [پس از مرگشان] به سوی او باز می‌گردانند (۴۴) هنگامی که

أَشْمَازَتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ

خداوند به تنهایی یاد شود، دل‌های کسانی که به آخرت ایمان ندارند متغیر می‌شود،

الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٤٥﴾ قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ

ولی چون از معبودانی غیر خداوندیادی به میان آید بی‌درنگ خوش حال می‌گردند (۴۵) [چون از ایمان آوردنشان ناامید شوی روی به پیشگاه خداوند کن و بگو: خداوند!]

السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ

ای افریننده آسمان‌ها و زمین ای دانای نهان و آشکارا تویی که

عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٤٦﴾ وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا

در بین بندگانت بر سر آنچه [از توحید و شرک] همواره در اختلافند داوری خواهی کرد (۴۶) اگر ستمگران [به توحید و به آیات خداوند]،

مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِمْ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ

همه آنچه را در زمین است و مانندش را توأم با آن مالک باشند، [آماده‌اند] آن را در برابر اربابی خود از

يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ ﴿٤٧﴾

عذاب سخت روز قیامت پیردازند، ولی از جانب خداوند آنچه را [از عذاب و نتیجه اعمال زشتشان] گمان نمی‌کردند برای آنان آشکار می‌شود (۴۷)

وَبَدَأْ لَهُمْ سَيِّئَاتٍ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ

آن روز همه ابدی هایی که در دنیا مرتکب شدند ادر برابر چشمانشان پدیدار می شود، و عذابی که همواره به مسخره می گرفتند همه وجودشان را احاطه خواهد کرد (۴۸) چون

بَسْتَهُمْ زُرُونَ ﴿٤٨﴾ فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثَمَّ إِذَا خَوْلَانَهُ نِعْمَةً

به انسان مصیبت و گزند می رسد ما را ابرای برطرف شدنش به کمک می طلبد، و هنگامی که از جانب خود نعمت او مایه آسایشی به او عنایت کنیم، می گوید: جز این نیست که آن

مِنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَٰكِنَّا أَكْثَرُهُمْ لَا

را بر بایه دانش او کار دانی ام به دست آورده ام! چنین نیست که می گوید، بلکه این آسب ها و نعمت ها وسیله آزمایش است انا سیاسی گزاران از ناسپاسان مشخص شوند، ولی

يَعْلَمُونَ ﴿٤٩﴾ قَدْ قَالُوا الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا

بیشتر مردم اینه این حقیقت معرفت ندارند (۴۹) همین سخن باطل را کسانی که پیش از ایشان بودند گفتند، و توجه نکردند که هر کاری به اراده حق انجام می گیرد، اینها تا آنچه این

يَكْسِبُونَ ﴿٥٠﴾ فَاصْبِرْ لَهُمْ سَيِّئَاتٍ مَا كَسَبُوا وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِن

پاوه گویان از ثروت و دیگر امکانات به دست می آورند هیچ چیزی از عذاب و آسب را از آنان برطرف نساخت (۵۰) در نتیجه، کفر اعمال زشتی که مرتکب شده بودند به آنان رسید، و

هُوَ إِلَّا سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَمَا لَهُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٥١﴾

کسانی از این مردم که اینه آیات حق استعمارند به زودی عذاب اعمال بدی که انجام دادند به آنان می رسد، و عاجز کننده خدا نیستند انا بتوانند از دسترس قدرتش بیرون روند (۵۱)

أَوَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنُ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ

آیا ا مردم اندانسته اند که خداوند رزق و روزی را برای هر که بخواهد وسعت می دهد و ایا تنگ می گیرد، بی تردید در این اندازه گیری روزی ا

لَا يَاتِ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾ قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ

برای مردمی که ایمان دارند نشانه هایی از بصیرت و حکمت و مصلحت خواهی خداوند است (۵۲) بگو: ای بندگانم که به زیان خود

لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ

ادر ارتکاب گناه زیاده روی کرده اید! از رحمت خدا ناامید نشوید، همانا خداوند همه گناهان ا شما را می آمرزد؛

الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٥٣﴾ وَأَنبِئُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلُمُوا لَهُ مِنْ

زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است (۵۳) ا مشروط بر این که با توبه و اخلاص به سوی پروردگارتان بازگردید و تسلیم او شوید،

قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ﴿٥٤﴾ وَاتَّبِعُوا

پیش از آنکه عذاب به سراغتان آید و ادر برابرش یاری نشوید (۵۴) و از اقران ا بهترین

أَحْسَنَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ

کتابی که از جانب پروردگارتان ابرای تأمین خیر دنیا و آخرتان به سوی شما فرستاده شده پیروی کنید، پیش از آن که ناگهان

الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿٥٥﴾ أَن تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَىٰ

و درحالی که در بی خبری به سرمی برید عذاب به شما برسد (۵۵) تا ا مبادا کسی ا به هنگام محاصره شدن در عذاب ا بگوید: افسوس

عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جُنُبِ اللَّهِ وَإِن كُنتُ لَمِنَ السَّٰخِرِينَ ﴿٥٦﴾

که در حق خداوند او اطاعت از او کوتاهی و تقصیر کردم، و همانا از مسخره کنندگان ایشا بودم (۵۶)

أَوْ نَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٥٧﴾

یا بگویند: اگر خداوند هدایت من می کرد یقیناً از پرهیزگاران بودم (۵۷)

نَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ

یا چون عذاب را ببیند بگوید: ای کاش برایم راه بازگشتی [به دنیا] بود تا

الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٨﴾ بَلَىٰ قَدْ جَاءَ نَكَالًا فَاذْكُرْبُهَا وَاسْتَكْبَرْتَ

از نیکوکاران می شدم! [به او گفته می شود: آری! این سخن تو مردود است! زیرا آیات و معجزات من از مانی که در دنیا بودی [به سویت آمد، ولی منکر همه آن ها شدی،

وَكَنتَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٥٩﴾ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ

و [از پذیرفتنش] تکبر کرده و [در مورد آن ها] از کافران گشتی (۵۹) در قیامت

كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وَجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى

چهره کسانی را که بر خدا دروغ بستند [که قرآن وحی خدا نیست] سیاه می بینی، آیا برای متکبران [در برابر وحی]

لِلْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٦٠﴾ وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمْ

جایگاهی در دوزخ نیست؟ (۶۰) خداوند تقوای پیشگان را بآبادست یافتنشان [به هدف که ایمان و عمل صالح است] نجات می دهد، نه عذابی به آنان

السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦١﴾ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ

می رسد، و نه غمگین می شوند (۶۱) خدای یگانه آفریننده و نگهدار

شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿٦٢﴾ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

هر چیزی است (۶۲) کلیدهای آسمان ها و زمین [که در حقیقت تسلط و تدبیرش بر همه آن هاست] فقط در دست [قدرت] اوست، و کافران

بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٦٣﴾ قُلْ أَغْبِرَ اللَّهُ تَأْمُرُونَنِي

به آیات خداوند همان زبان کاران [واقعاً] هستند (۶۳) بگو: ای جاهلان!

أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ ﴿٦٤﴾ وَلَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ

آیا به من فرمان می دهید که غیر خدا را [که همه کاره جهان هستی است] بپرستم؟ (۶۴) مسلماً به تو و کسانی از پیامبران که

فَبِكَ لَئِنْ أَشْرَكَتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٦٥﴾

پیش از تو بودند وحی شده که: چنانچه [برای خدا] شریک قائل شوی یقیناً همه اعمال تبه و بی اثر می شود، و از زبان کاران خواهی بود (۶۵)

بَلَىٰ اللَّهُ فَاَعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿٦٦﴾ وَمَا فَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ

[هرگز شرک نوز، بلکه فقط خداوند یگانه را پرست] و [در مورد نعمت های معنوی و مادی و به ویژه نعمت پرستش خدای یکتا] از سپاس گزاران باش! (۶۶) خداوند آن گونه که

وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ

شایسته قدر شناسی اوست قدر شناسی نکردند [تا معتقد به یکتایی و قدرت بی نهایت او شوند، و بدانند که] از من در قیامت یکسر در قبضه قدرت اوست، و [همه] آسمان ها

بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٧﴾

درهم پیچیده در دست [اراده] اوست، منزّه و برتر است از معبودانی [باطل و پوچ] که شریک او قرار می دهند (۶۷)

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ

در صور دمیده می شود، پس هرکس در آسمان ها و زمین است می میرد مگر کسی که

شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ ﴿٦٨﴾

خدا بخواهد ازنده بماند، سپس بار دیگر در صور دمیده می شود نگاه همه به پامی خیزند و امانت و مبهوت انتظار می کشند [که سرانجام کارشان چه خواهد شد] (۶۸)

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ

زمین به نور پروردگارش روشن می شود، و کتاب اعمال همه انسان ها را [به دست آنان] می دهند، و پیامبران و گواهان را برای شهادت دادن

وَالشُّهَدَاءُ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٦٩﴾ وَوُفِّيَتْ

در باره اعمال امت ها به عرصه محشر می آورند، و بین مردم بر اساس قسط و عدل داوری می شود و مورد ستم قرار نمی گیرند (۶۹)

كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٧٠﴾ وَسِيقَ الَّذِينَ

و به هرکس آنچه را انجام داده به طور کامل [به صورت بهشت یا دوزخ] می دهند، خداوند به اعمالی که انجام می دهند دانایتر است [که چگونه در حقشان

كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ۚ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ

داوری شود، و چه پاداش یا کیفری دریافت کنند] (۷۰) کافران را گروه گروه به سوی دوزخ می رانند، چون به دوزخ رسند درهایش گشوده می شود

خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ

و نگهبانانش به آنان می گویند: آیا پیامبرانی از [جنس] خودتان به سویتان نیامدند که آیات

وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَٰكِنْ حَقَّتْ

پروردگارتان را بر شما بخوانند، و شما را از دیدن امروزان هشدار دهند؟ گویند: آری [آمدند]، ولی [فعلاً چه کنیم که]

كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧١﴾ قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ

و عده عذاب بر کافران حتمی و ثابت شده است؟ (۷۱) [به آنان] گویند: از درهای دوزخ وارد شوید

خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٢﴾ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا

که در آن جاودانه خواهید بود، پس بد جایگاهی است جایگاه آنان که [در برابر حق و آیتش] متکبرند، و در برابر پیامبران خود بزرگ بینند! (۷۲) ولی آنان که از پروردگارشان

رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا ۚ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ

[اطاعت کرده، و از محرماتش ابریز داشتند] همه را گروه گروه به بهشت می برند، تا چون به آن رسند در حالی که درهایش از پیش گشوده شده، نگهبانانش به آنان

خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ ﴿٧٣﴾

گویند: سلام [و امنیت همه جانبه] بر شما باد! ای پاک سیرتان پاکیزه و جود! این بهشت های پر نعمت الهی [بر شما گوار باد! پس وارد آن شوید که در آن جاودانه اید] (۷۳)

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ

و [چون آنان وارد بهشت شوند] می گویند: همه ستایش ها ویژه خداوند است که به وعده اش درباره ما وفا کرد، و این سرزمین

نَتَبَّوْا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿٧٤﴾

[جاویدان] بهشت را به ما میراث داد که در هرکجای آن بخواهیم منزل می گیریم، [آری] پاداش عمل کنندگان نیکوست! (۷۴)

وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ

در آن روز فرشتگان را می بینی که پیرامون عرش حلقه زده اند در حالی که پروردگارش را همراه ستایش، ابا تسبیح گفتن از هر عیب و نقصی

رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٧٥﴾

یاک و میرا می دارند، در بین اهل محشر به حق و عدالت داوری می شود، و گفته می شود: همه ستایش ها و بزرگواران خداوند پروردگار جهانیان است (۷۵)

سُورَةُ غَافِرٍ
آیاتها ۸۵
مکة
رَبِّهَا ۴۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

حَمَّ ﴿١﴾ نَزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٢﴾ غَافِرِ الذَّنْبِ

حاء، میم (۱) این کتابی است که از سوی خداوند توانای شکست ناپذیر و دانا نازل شده است (۲) غافر الذنب که آمرزنده

وَقَائِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ

گناه، پذیرنده توبه، سخت کیفر و دارای عطایای فراوان است، هیچ معبودی جز او نیست، بازگشت همه فقط

الْمَصِيرُ ﴿٣﴾ مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرُكَ

به سوی اوست (۳) جز کافران کسی درباره آیات خداوند گفت و گوی نادرست و بی دلیل نمی کند، اینان را هیچ ارزش و شانی نیست، بنابراین رفت و آمدشان

نَقَلَبُهُمْ فِي الْبِلَادِ ﴿٤﴾ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ

در شهرها برای امور اقتصادی، و قدرت نمایی اتور انفرید (که در تبلیغ پیام های حق سستی کنی) (۴) پیش از اینان، قوم نوح و دیگر گروه هایی که

بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ

بعد از آنان بودند پیامبران را انکار کردند، و هر امتی به قصد دستگیر کردن او کشتن یا مبرشان به حرکت آمدند، و با توسل به حربه باطل گویی او فرهنگ ابلیسی برای

لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ﴿٥﴾ وَكَذَلِكَ

تا بد کردن حق به گفت و گوی نادرست و بی دلیل برخاستند، همه آنان را به عقوبتی سخت و کیفری بیچاره کننده گرفتار کردم پس اینگر که عذاب من چگونه بود؟! (۵) همان گونه

حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ﴿٦﴾ الَّذِينَ

که گروه های کافر گذشته دچار عقوبت شدند، و عذاب پروردگار در باره همه کافران (جوج و ضد دین)، حتمی و ثابت شد که آنان اهل دوزخ اند (۶)

يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ

فرشتگانی که حمل کننده عرشند و فرشتگان پیرامون آن، پروردگارش را همراه با ستایش، تسبیح می گویند و به او ایمان دارند،

وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا

و برای مؤمنان درخواست آمرزش می کنند او می گویند: پروردگارا! رحمت و دانشت همه چیز را فرا گرفته،

فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿٧﴾

پس آنان را که توبه کرده اند، و راه تو را (که اسلام است) دنبال کردند بپامروا و از عذاب دوزخ نگاهشان دارا (۷)

رَبَّنَا وَادْخُلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ

پروردگارا! آنان را و هرکس از پدران و همسران و فرزندان ایشان که درست کارند به بهشت های

وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٨﴾ وَقِهِمُ

جاویدانی که وعده شان داده ای درآور؛ زیرا تو توانای شکست ناپذیر و حکیمی (۸)

السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ

ایمه! آنان را از سختی ها و نارا حتی های روز قیامت حفظ کن که هرکس را در آن روز از سختی ها و نارا حتی ها حفظ کنی مسلماً او را مورد رحمت قرار داده ای

الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادُونَ لَمَقْتُ اللَّهُ أَكْبَرُ

و این همان کامیابی بزرگ است (۹) کافران را در قیامت! ندا می دهند:

مِنْ مَقْبَلِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ

بی تردید دشمنی و خشم خداوند به شما از دشمنی و خشم خودتان درباره خودتان بیشتر است؛ زیرا

﴿١٠﴾ قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا أَثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا أَثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا

به ایمان دعوت می شدید ولی کفر می ورزیدید، و این کفر ورزی دشمنی با خودتان بود! (۱۰) می گویند: پروردگارا! دوبار ما را امیر اندی، و دوبار ما را احیاء بخشیدی،

بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ ﴿١١﴾ ذَلِكَ كُمْ بَآنُهُ إِذْ أَدْعَى

اکنون به گناهانمان اقرار داریم، آیا بعد از این اقرارا راهی برای بیرون آمدن از دوزخ هست؟ (۱۱)

اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ

به آنان گویند: [این عذاب دوزخ] به سبب این است که چون خدا را به یگانه بودن می خواندند شما ایگانه بودنش را انکار می شدید، و اگر برای او شریک قرار می دادند

الْكَبِيرِ ﴿١٢﴾ هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ

بآور می کردید، [اکنون] دآوری در عرصه قیامت و بزرگ خداوند و الامر تبیه بزرگ است (۱۲) اوست که [همواره] نشانه های خود را

السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ ﴿١٣﴾ فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ

ا برای آن که او را بشناسید] به شما نشان می دهد، و از آسمان به سود شما رزقی [با ارزش و مناسب] می فرستد، ولی جز کسی که

لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿١٤﴾ رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ

بابتوجه و اخلاص به خدا [باز می گردد] هشیار نمی شود (۱۳) پس خداوند را در حالی که ایمان به او را از شرک خالص کرده اید بپرستید، هر چند خوشایند کافران نباشد

ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

(۱۴) [خدایی که] بالابرنده درجات، و دارای سیطره کامل ابر جهان هستی و فرمانروای مطلق است،

لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ ﴿١٥﴾ يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَىٰ

وحی را به مشیتش به هرکس از بندگاناش بخواهد می فرستد، تا [مردم را به وسیله آن از روز قیامت هشدار دهد] (۱۵) روزی که همه انسان ها حاضر می شوند [و اعمال و

اللَّهُ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ﴿١٦﴾

اسرارشان آشکار می گردد، چیزی از آنان بر خدا پوشیده نمی ماند، [و نداید: امروز فرمانروایی مطلق ویژه کیست؟ ویژه خداوند یگانه قاهر و جبره بر همه امور است] (۱۶)

الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ

امروز هر کس را در برابر آنچه انجام داده است پاداش می دهند، امروز هیچ ستمی وجود ندارد، همانا خداوند

سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٧﴾ وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْأَزْفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ

حسابرسی سریع است (۱۷) آنان را از روز نزدیک [روز قیامت] هشدار ده! آن گاه که جانها از شدت ترس

كَاطْمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حِمِيمٍ وَلَا شَفِيعٌ يُطَاعُ ﴿١٨﴾ يَعْلَمُ

به لب می رسد، در حالی که همه وجودشان بر از اندوه است، برای ستمکاران [به آیات خدا و پیامبران] نه دوست مهربانی خواهد بود و نه شفیع که شفاعتش پذیرفته شود (۱۸)

خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ ﴿١٩﴾ وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ

خداوند خیانت چشمها، و آنچه را سینهها پنهان می دارند (۱۹) خداوند به حق

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ شَيْءًا إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ

وعدالت داور می کند، و معبودانی که [مشرکان برای حل مشکلاتشان و روا شدن حاجاتشان] به جای خدای خوانند هیچ گونه داورى نمی کنند، همانا خداوند است

الْبَصِيرُ ﴿٢٠﴾ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ

که شنوای دعا و بینای به همه امورا است (۲۰) آیا در زمین گردش نکردند تا بادقت بنگرند که

عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَآثَارًا

سرانجام کسانی که پیش از اینان بودند چگونه بود؟ آنان که از ایشان نیرومندتر بودند، و در سرزمینشان اثری برتر از ایشان چون قلعه ها، خانه های

فِي الْأَرْضِ فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ

استوار، کاخ های سربه فلک کشیده، و ابزار و آلات صنعتی [داشتند]، ولی خداوند آنان را به کیفر گناهانشان به عذابی سخت دچار کرد، و در برابر خداوند

وَإِذْ ذَٰلِكَ بَايَعْتُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا

هیچ حمایتگری نداشتند (۲۱) این [کیفر دردناک] برای این بود که پیامبرانشان همواره برای [هدایت] آنان دلایل روشن می آوردند،

فَآخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا

و آنان از روی کبر و عناد انکار می کردند، خداوند هم آنان را [به عذابی سخت] گرفتار کرد؛ زیرا او توانا و سخت کیفر است (۲۲) همانا

مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿٢٣﴾ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ

موسی را با معجزات خود و دلیلی روشنگر فرستادیم (۲۳) به سوی فرعون

وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ ﴿٢٤﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ

و هامان و قارون، ولی آنان گفتند: اوی [جادوگری بسیار دروغ گوست] (۲۴) چون از جانب ما

مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا

حق را [که معجزات و پیام های ما بود] برای آنان آورد، گفتند: پسران کسانی را که به او ایمان آورده اند بکشید،

نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ﴿٢٥﴾

و زنانشان را [برای بیگاری و خدمت] زنده بگذارید، ولی نقشه کافران جز در تباهی و پوچی نیست، [و مسلماً به فرجام نمی رسد] (۲۵)

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ

فرعون گفت: بگذارید تا من موسی را بکشم، و او از پروردگارش بخواهد تا از گشته شدن حفطش کند! من می ترسم

أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ ﴿٢٦﴾

این شما را تغییر دهد، یا در [سراسر این] سرزمین تبهکاری و فتنه انگیزی کند [و نظم عمومی را مختل سازد] (۲۶)

وَقَالَ مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ

موسی گفت: من از هر متکبر سرکشی که ایمان به روز حسابرسی ندارد به پروردگارم و پروردگار شما [که اراده اش در مورد من و شما نافذ است]

بِیَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٢٧﴾ وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ

پناه می برم (۲۷) مردی مؤمن از خاندان فرعون که ایمانش را پنهان می داشت گفت:

اِنْقُتِلُوا رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ

ایا تصمیم دارید مردی را برای این که می گوید پروردگار من الله است بکشید؟ درحالی که او

رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا

از سوی پروردگارتان برای شما دلایل روشنی [بر اثبات توحید و نبوتش] آورده، چنانچه دروغ گو باشد دروغش به زیان خود اوست، و اگر راست بگوید

يُصِيبُكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ

برخی از عذاب هایی که به شما وعده می دهد دامن گیرتان خواهد شد، به راستی خداوند اسراف کننده بسیار دروغ گو را

كَذَّابٌ ﴿٢٨﴾ يَا قَوْمِ لَكُمْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ

هدایت نمی کند (۲۸) ای قوم من! امروز حکومت و فرمانروایی فقط در دست شماست، و بر این کشور مسلط هستید،

فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنَ بَاسِ اللَّهِ إِنَّ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا

چنانچه عذاب خداوند به سوی ما آید چه کسی ما را [برای برطرف کردنش] یاری خواهد داد؟ فرعون گفت: من جز آنچه را [با فکر و اندیشه ام]

مَا أَرَى وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ ﴿٢٩﴾ وَقَالَ الَّذِي آمَنَ

تشخیص می دهم به شما ارائه نمی دهم، و جز به راه راست هدایتان نمی کنم! (۲۹) آن [مرد] مؤمن گفت:

يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ ﴿٣٠﴾ مِثْلَ دَابِ قَوْمِ

ای قوم من! بی تردید من از روزی همچون روز [دچار شدن] گروه ها [به عذاب الهی] بر شما می ترسم (۳۰) مانند روش قوم نوح، عاد، ثمود و کسانی که بعد از آنان بودند

نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ بِرِيدٍ ظَلِمًا لِلْعِبَادِ ﴿٣١﴾

[که با فشاری بر کفر و تکذیب حقایق، داشتند و نهایتاً دچار عذاب شدند] خداوند خواهان هیچ ستمی بر بندگان نیست! (۳۱) ای قوم من! بی گمان من از روزی که مردم

وَيَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ ﴿٣٢﴾ يَوْمَ تُكَلِّمُونَ مَذْمُورِينَ

بکلیگر را [برای رهایی از عذاب] صدا می زنند بر شما بیمناکم (۳۲) روزی که پشت کنان درحالی که روی از عذاب [بر می گردانید،] به این سو و آن سو فرار می کنید،

مَالِكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٣٣﴾

اولی [برای شما در برابر خدا هیچ نگهدارنده ای از عذاب] نیست، و هر که را خداوند [به کفر تکبرش] در گمراهی وانهد، هیچ هدایت کننده ای برایش نخواهد بود (۳۳)

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ بُرْسُفٌ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا

یوسف نیز پیش از این، دلائل روشنی برای شما آورد، ولی شما همواره در مورد دلایلی که آورده بود در تردید بودید

جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّىٰ إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنُبْعَثَ ٱللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ

تا زمانی که درگذشت، پس از مرگ او گفتید: خداوند هرگز بعد از او پیامبری را مبعوث

رَسُولًا كَذَلِكَ يَضِلُّ ٱللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُّرْتَابٌ ۝۳۴ ٱلَّذِينَ

نخواهد کرد! اینگونه، خداوند هر اسرافکار شکاکی را در گمراهی وامی‌نهد (۳۴)

يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ ٱللَّهُ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَنَّهُمْ كِبَرُ مَقْتًا

کسانی که درباره آیات خدا بدون آن که دلیلی برای آنان آمده باشد گفت‌وگوی نادرست و بی‌دلیل می‌کنند، [این کار زشتشان]

عِنْدَ ٱللَّهِ وَعِنْدَ ٱلَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبٍ

نزد خداوند و مؤمنان موجب خشم بسیار است، اینگونه، خداوند بر دل هر گردن‌کش زورگویی مهر [عدم فهم حقایق]

مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ ۝۳۵ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَٰمَانُ ابْنِ لِی صَرْحًا لَّعَلِّي أَبْلُغُ

می‌زند. (۳۵) پس از این مطالب حکیمانه مؤمن آل فرعون که حجتی بر آنان بود، فرعون [متکبر و مغرور] گفت: ای هامان! برای من برجی بسیار بلند بساز شاید

ٱلْأَسْبَابَ ۝۳۶ أَسْبَابَ السَّمَوَاتِ فَٱطَّلَعَ إِلَىٰ ٱللَّهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي

براهه‌ایی که مقصد و هدفم را تأمین کند [برسم] (۳۶) راه‌های [بالا رفتن به] آسمان‌ها، تا از معبود موسی آگاه شوم [که کیست و در کجای آسمان‌هاست؟]

لَا ظَنُّهُ كَازِبًا وَكَذَلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءُ عَمَلِهِ وَصُدَّ

هرچند موسی را [در گفتارش درباره خدا] دروغ‌گو می‌دانم. اینگونه برای فرعون زشتی کارش را جلوه دادند،

عَنِ السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ ۝۳۷ وَقَالَ

و [این مسئله] او را از راه هدایت بازداشت، و نقشه فرعون جز در [راه] خسران و هلاکت [او و پیروانش] نبود (۳۷)

ٱلَّذِي آمَنَ يَأْقُومِ اتَّبِعُونِ أَهْدِيكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ ۝۳۸

آن [مرد] مؤمن گفت: ای قوم من! از من پیروی کنید تا شما را به راه راست

يَأْقُومِ إِنَّمَا هَٰذِهِ ٱلْحَيَوَةُ ٱلدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ ٱلْآخِرَةَ هِيَ

هدایت‌کنم (۳۸) ای قوم من! این زندگی دنیا فقط متاعی [اندک و زودگذر] است، یقیناً

دَارُ ٱلْقَرَارِ ۝۳۹ مَن عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا

آخرت [سرای پایداری] است (۳۹) هر که بدی کند جز به مانند

وَمَن عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنشَأَ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ

آن کسیر نیابد، و از مردان و زنان کسانی که مؤمن باشند و کار شایسته انجام دهند

يَدْخُلُونَ ٱلْجَنَّةَ بِرُزْقٍ فِيهَا بَٰغٌ حِسَابٍ ۝۴۰

در بهشت درآیند، و در آن، روزی و نعمت بی‌حسابشان [دهند] (۴۰)

وَيَا قَوْمِ مَالِيَ أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجْوَىٰ وَنَدُّعُونَنِي إِلَى

ای قوم من! چه شده که من شمارا به سوی نجات [از خسران دنیا و آخرت] می خوانم، اما شما مرا به آتش دوزخ [که محصول کفر و شرک است]

النَّارِ ۴۱ نَدْعُونَنِي لَا كُفْرًا بِاللَّهِ وَأَشْرَكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ

می خوانید؟! (۴۱) مرا می خوانید که به خداوند یکتا کافر شوم، و چیزی را که

عِلْمٌ وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ ۴۲ لَا جَرَمَ أَنَّمَا

هیچ علم و دلیلی بر [حقانیت] آن ندارم شریک او قرار دهم، در حالی که من شمارا به سوی توانای شکست ناپذیر و بسیار آمرزنده دعوت می کنم (۴۲) بی گمان

نَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنْ

آن معبودی که [به عنوان شریک خدا] مرا به سویش می خوانید در دنیا و آخرت هیچ دعوتی [به سوی حقایق و سعادت و نجات] ندارد، یقیناً

مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنْ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ۴۳

بازگشت [همه] ما به سوی خداست [که مستجاب کننده دعا در دنیا و آخرت است]، مسلماً اسراف کاران اهل آتشند (۴۳)

فَسَتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأَفَؤُصُّ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنْ

پس به زودی [درستی] آنچه را [امروز در باره عذاب اسراف کاران] به شما می گویم [و شما باور نمی کنید] متوجه خواهید شد، من کار مرا به خداوند وامی گذارم؛ زیرا

اللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ۴۴ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ سَيِّئَاتٍ مَّا مَكْرُوا وَحَاقَ

خداوند به بندگان بیناست (۴۴) پس [در نتیجه] و آذاری کارش به خداوند [خداوند او را از نقشه های شوم آنان] که می خواستند بر ضدوی به کار گیرند [حفظ کرد،

بِالْفِرْعَوْنَ سَوْءُ الْعَذَابِ ۴۵ النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَ

و نهایتاً عذاب سختی فرعونیان را احاطه کرد (۴۵) [غذایشان] آتشی [است] که ایشان را صبح و شام [برخ] از

عَشِيًّا وَبَوْمَ نَقُومُ السَّاعَةِ ادْخُلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ ۴۶

در معرض آن قرار می دهند، و روزی که قیامت برپا شود، [ندا آید:] فرعونیان را در سخت ترین عذاب درآورید (۴۶)

وَإِذْ يَتَحَاكَّجُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا

در آتش با یکدیگر به بحث و گفت و گو می پردازند، پس ضعیفان به مستکبران می گویند:

إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِّنَ

ما [در دنیا] پیرو شما بودیم، آیا می توانید بخشی از این آتش را از ما

النَّارِ ۴۷ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنْ لَّا

برطرف کنید؟! (۴۷) مستکبران می گویند: هم اکنون همه ما در آتش هستیم، بی تردید

حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ ۴۸ وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ

خداوند بین بندگان [به عدالت] داوری کرده است (۴۸) کسانی که در آتشند به نگهبانان

ادْعُوا رَبَّكُمْ يَخَفُّ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ ۴۹

دوزخ می گویند: از پروردگارتان بخواید [فقط] یک روز از عذاب ما را تخفیف دهد (۴۹)

قَالُوا أَوَلَمْ نَكُ تَأْتِيكُمُ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَىٰ قَالُوا

انگهبانان! می‌گویند: آیا پیامبران دلائلی روشن برای شما نیاوردند؟ می‌گویند: چرا آوردند!

فَادْعُوا وَمَادُّعَاؤُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ﴿٥٠﴾ إِنَّا لَنَنْصُرُ

می‌گویند: پس! حاجت بر شما تمام بوده، اکنون هر اندازه که می‌خواهید خدا را برای کافران بخوانید، ولی در خواست کافران جز در خواستی بی‌فایده و نیاورد نیست (۵۰)

رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ ﴿٥١﴾

مسلمانان ما و ایمان خود و مؤمنان را در زندگی دنیا، و نیز روزی که شاهدان برای شهادت دادن به پا خیزند

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ

باری می‌دهیم (۵۱) همان روزی که عذرخواهی ستمکاران هیچ سودی به حالشان ندارد، و برای آنان لعنت

سُوءِ الدَّارِ ﴿٥٢﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَىٰ وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ

و سرای بدی (چون دوزخ) است (۵۲) همانا ما به موسی هدایت را (که همه وسایل سعادت‌ساز در آن بود) عطا کردیم،

الْكِتَابَ ﴿٥٣﴾ هُدًى وَذِكْرٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٥٤﴾

و به بنی اسرائیل کتاب (تورات) را به میراث دادیم (۵۳) [کتابی] که [آیاتش] برای خردمندان مایه هدایت و و یادآور [حقایق] بود (۵۴)

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ

پس ای پیامبر! در مسیر تبلیغ دین اشکیبای باش که بی تردید وعده خداوند (مبنی بر یاری پیامبران و مؤمنان) حق است، و از بین رفتن آنچه از مشکلات و

رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ﴿٥٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي

توطئه‌های دشمنان (که دنباله رسالت تو پیش آمده را از خداوند بخواه! و پروردگارت را شب و صبح همراه با ستایش، با تسبیح گفتن از هر عیب

آيَاتِ اللَّهِ يَغْبِرُ سُلْطَانُ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ

و نفی ای پاک و مبرابر! (۵۵) بی تردید کسانی که درباره آیات خداوندی آن کبر هانی به آنان رسیده باشد بحث و گفت و گومی کنند، و در سینه هایشان

مَا لَهُمْ بِالْغَيْبِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿٥٦﴾

جز [صفت ناپسند] خود بزرگ بینی نیست، به آن [عزت و ریاستی که آرزو دارند] نخواهند رسید، پس به خداوند پناه ببر، که او شنوا

لَخَلَقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ

و بیناست (۵۶) بدیقین آفرینش آسمان‌ها و زمین از آفرینش

وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٧﴾ وَمَا يَسْتَوِي

انسان با عظمت‌تر (و مهم‌تر) است، پس دوباره حیات بخشیدن به انسان پس از مرگش برای خداوند دشوار و سخت نیست، ولی بیشتر مردم [حقایق را] نمی‌دانند (۵۷)

الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

انسان [کور اذل] و با بصیرت یکسان نبوده، و مؤمنانی که

الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿٥٨﴾

کارهای شایسته انجام داده‌اند با مردم بدکار برابر نیستند، اندکی پند و عبرت می‌گیرند! (۵۸)

إِنَّ السَّاعَةَ لَأَيُّتَةٌ لَّارَبِّ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ

بهراستی قیامت که هیچ تردیدی در آن نیست آمدنی است، ولی بیشتر مردم ابا وجود دلایل و شواهد استوار

لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٥٩﴾ وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ

ندارند (۵۹) پروردگاران سفارش کرده که: مرا بخوانید تا [خواسته] شما را اجابت کنم،

إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ

کسانی که از عبادت من [که یک بخش آن دعاست] تکبر کنند بهزودی با خواری و رسوائی وارد

دَاخِرِينَ ﴿٦٠﴾ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْيَلَّ لَتَسْكُنُوا

دوزخ می‌شوند (۶۰) خداوند است که شب را به سود شما پدید آورد تا در آن بیاورید،

فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ

و روز را روشنی بخش قرار داد [تا در آن به تلاش و کار بپردازید] یقیناً خداوند به مردم احسان دارد، ولی

أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٦١﴾ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ

بیشتر مردم شکر [نعمت‌های او را] به جا نمی‌آورند (۶۱) این است خداوند، پروردگار شما که آفریننده

كُلِّ شَيْءٍ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتِي تَوْفَكُونَ ﴿٦٢﴾ كَذَلِكَ يُؤْفَكُ

هر چیزی است، هیچ معبودی جز او نیست، پس چگونه [از پرستش او که کارگزار همه هستی و شماست] منحرفتان می‌کنند؟ (۶۲) نظیر اینان،

الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ﴿٦٣﴾ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ

به انحراف کشیده شدن کسانی [از امت‌های گذشته] است که [بر اثر کبر و لجابت] همواره آیات خدا را [در عین وضوح و روشنی] انکار می‌کردند (۶۳) خداوند است

لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ

که زمین را برای شما جایگاهی امن و قابل سکونت آفرید، و آسمان را [چون قبه‌ای] برافراشته [بالای سرتان قرار داد]، و شمارا صورتگری کرد و صورت‌هایتان را

صَوَّرَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ

نیکیو ساخت، و شما را از نعمت‌های پاک و دلپذیر روزی داد، این است خداوند پروردگار شما،

فَنَبَارِكُ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٤﴾ هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

خجسته و بر خیر است خداوند که پروردگار جهانیان است (۶۴) زنده [بی‌زوال] اوست، هیچ معبودی جز او نیست،

فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٥﴾

پس او را درحالی که ایمان به او را [از شرک] خالص کرده‌اید بپرستید، همه ستایش‌ها ویژه خداوند پروردگار جهانیان است (۶۵)

قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا

بگو: با وجود دلایل روشنی که [بر حقانیت توحید] از سوی پروردگارم به من رسیده از پرستش معبودانی که شما به جای خدا می‌پرستید

جَاءَنِي الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأَمْرٌ أَنْ أُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٦﴾

[مؤکدا] نهی شده‌ام، من مأمورم که [فقط] تسلیم پروردگار جهانیان باشم (۶۶)

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ ابْنَكُمْ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ

اوست آن که شما را از خاک، بعد از آن از نطفه، سپس از علقه آفرید، آن گاه به صورت طفلی از رحم مادران بیرون می آورد، سپس اندر راه رشد قرارتان می دهد

طِفْلًا ثُمَّ لَتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لَتَكُونُوا أَشْيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ

تابه اوج نیروی جسمانی و عقلانی خود برسید، آن گاه از ندگی و حیانتان را اندام می بخشد تا سالمند شوید، برخی از شما پیش تر از رسیدن به مرحله سالمندی

يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلُ وَلَتَبْلُغُوا أَجَلَ مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٤٧﴾

قبض روح می گردید، و برخی زنده می مانید تا به مدتی که مقرر است برسید، این تحولات و تطورات وجودی شما که در برابر دیدگانتان قرار دارد برای این است

هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قُضِيَ أَمْرُ فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ

که در باره مبداء و معاد اندیشه کنید (۴۷) اوست که حیات عطا می کند و می میراند، زمانی که به وجود آمدن چیزی را اراده کند، فقط به آن می گوید:

فَيَكُونُ ﴿٤٨﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنَّى

باش! پس بی درنگ موجود می شود (۴۸) آیا کسانی که درباره آیات خدا بحث و گفت و گوی بی دلیل می کنند ندیده اید، که چگونه آنان را از

يُصْرَفُونَ ﴿٤٩﴾ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَمَا أُرْسِلْنَا بِهِ رُسُلَنَا

پرستش خدا به سوی پرستش معبودان باطل منصرفشان می کنند؟ (۴۹) هم آنان که قرآن و آنچه پیامبران خود را با آن فرستادیم انکار کردند.

فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٥٠﴾ إِذَا الْأَغْلالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّالِسِلُ

پس به زودی [به نتیجه انکارشان] پی خواهند برد (۵۰) و آن زمانی است که غلها و زنجیرهای آتشین

يُسْحَبُونَ ﴿٥١﴾ فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ ﴿٥٢﴾ ثُمَّ قِيلَ

در گردن هایشان قرار دارد، در حالی که [به خواری و ذلت] می کشندشان (۵۱) [آن هم] در میان آب بسیار جوشان، سپس در آتش [افروخته] می سوزانندشان (۵۲)

لَهُمْ أَهْنٌ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ ﴿٥٣﴾ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا

آن گاه به آنان گویند: معبودانی که [در الوهیت و ربوبیت] شریک [خدا] قرار داده بودید، [و آنان را] منجی خود می دانستید [کجاست؟! (۵۳)] همان معبودانی که [به جای

عَنَابِلُ لَمْ تَكُنْ نَدْعُوا مِنْ قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ

خدا [می پرستیدید و از آن ها در خواست حاجت می کردید]. می گویند: از [نظر] ما ناپدید و گم شدند، ولی [چنان که به یاد داریم] ما پیش از این چیزی را [به جای خداوند]

الْكَافِرِينَ ﴿٥٤﴾ ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ

پرستش نمی کردیم! خداوند کافران [دروغ پردازان] را این گونه در گمراهی و امی گذارد (۵۴) این [عذابها] برای آن است که شما ظالمانه در زمین شادمانی و سرمستی

وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ ﴿٥٥﴾ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا

داشتید، و مغرورانه به بازیگوشی و خوش حالی می پرداختید (۵۵) از درهای دوزخ وارد شوید که در آن جاودانه اید، بد است اقامتگاه متکبران (۷۶) نهایتا [بر آزار این قوم

فَبِئْسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٥٦﴾ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَاِمَّا

کافرا] شکستناک! بی تردید وعده خداوند [در مورد یاری پیامبران و مؤمنان] حق و حتمی است، پس اگر بخشی از عذاب هایی که همواره به آن تهدیدشان می کنیم

رُبَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيْكَ فَالْيَا يَرْجِعُونَ ﴿٥٧﴾

به تو نشان دهیم، یا تو را [بیش از عملی شدن تهدیدمان] از دنیا ببریم [تفاوتی ندارد، در هر دو صورت] آنان را [برای چشیدن عذاب] به سوی ما باز می گردانند (۵۷)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَ

همانا پیش از تو پیامبرانی فرستادیم که سرگذشت بعضی از آنان را بر تو خوانده‌ایم،

مِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا

و سرگذشت برخی را برایت نگفته‌ایم، شایسته هیچ پیامبری نیست که جز به اذن خداوند معجزه‌ای بنماید؛ [بنابر این آوردن عذاب به صورت

بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ

مستقل کار تو نیست، اما زمانی که فرمان خدا [جهت عذاب کافران] صادر شود بر اساس حق و عدالت داور می‌خواهد شد، آن جاست که باطل گریان

الْمُبْطِلُونَ ﴿٧٨﴾ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَ

زبان خواهند دید (۷۸) خداوند است که چهارپایان را برای شما آفرید تا بر بعضی از آنها سوار شوید،

مِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٧٩﴾ وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً

و از [گوشت و فراورده‌های شیری] برخی از آنها تغذیه کنید (۷۹) و به نفع شما در آنها سودهایی [چون پشم و کرک و پوست] است،

فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ﴿٨٠﴾ وَبُرُوكُمْ آيَاتِهِ

و برای این که [باسوار شدن] بر آنها [و حمل بار هایتان] به مقصدی که در دل‌های شماست برسید، و بر آنها و بر کشتی‌ها حمل و نقل می‌شود (۸۰)

فَأَمَّا آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ ﴿٨١﴾ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا

و [همواره] نشانه‌های [ربوبیت و قدرت] خود را به شما نشان می‌دهد، پس کدام نشانه‌های خدا را انکار می‌کنید؟ (۸۱) آیا در زمین

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرُ مِنْهُمْ

مردش نکردند تا بادقت بنگرند که سرانجام کسانی که پیش از آنان بودند [و سرکشی و تکبر داشتند] چگونه بود؟

وَأَشَدُّ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا آغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا

آنان [نفراشان] از اینان بیشتر، و قدرت و آثارشان در زمین [چون قلعه‌ها، خانه‌های استوار، کاخ‌های سر به فلک کشیده و ابزار و آلات صنعتی] برتر بود،

يَكْسِبُونَ ﴿٨٢﴾ فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا

ولی آنچه را همواره به دست می‌آوردند چیزی از عذاب خدا را از آنان برطرف نکرد (۸۲) چون پیامبران‌شان دلایلی روشن به سوی‌شان آوردند

عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٨٣﴾ فَلَمَّا

به اندک دانشی که نزدشان بود مغرورانه خوش حالی می‌کردند، [و فرهنگ الهی پیامبران را به حساب نمی‌آوردند،] و نهایتاً عذابی که همواره به‌عسخره می‌گرفتند

رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ

آنان را احاطه کرد (۸۳) چون عذاب ما را دیدند گفتند: به خداوند یکتا ایمان آوردیم،

مُشْرِكِينَ ﴿٨٤﴾ فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ

و به معبودانی که شریک او قرار می‌دادیم کافر شدیم (۸۴) ولی هنگامی که عذاب ما را دیدند ایمانشان سودی به آنان نداد،

اللَّهُ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ ﴿٨٥﴾

[این] سنت [تغییرناپذیر] خداوند [است] که از دیرباز در بین بندگان جاری شده است، آن جاست که کافران زیان دیدند (۸۵)

سُورَةُ فَصَّلَاتٍ

آیاتها
۵۱مکیه
۱۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

حَمْدٌ ۱ نَزِيلٌ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۲ كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ

حاء، میم (۱) [این کتابی است که] از سوی خداوند رحمان و رحیم فرستاده شده [است] (۲) کتابی است که آیاتش به روشنی بیان شده.

قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۳ بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ

و برای مردمی که دانایند به زبانی گویا و روشن است (۳) در حالی که بشارت رسان و هشدار دهنده است، ولی بیشتر مردم [که در غفلت انداز این دریای معارف]

فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ۴ وَقَالُوا أَأُفْلِحُ بِنَايَ أَكِنَّةٍ مِمَّا نَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي

رویکرد دانند، و از این رو با گوش قبول نمی شنوند (۴) گفتند: دل های ما از [درک] حقایقی که ما را به آن دعوت می کنی در حجاب های سختی است.

إِذَا نَادَيْنَا وَفَرُّوْا مِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَأَعْمَلُوا إِنَّا عَامِلُونَ ۵

و در گوش هایمان سنگینی است، و میان ما و تو حائلی در کار است، پس توبه کار خود پیرداز، ما هم به کار خود می پردازیم [تا معلوم شود پیر روزی نصیب کیست]! (۵)

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحِي إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُ الْكَوْكَبِ وَالْوَاحِدُ فَاسْتَقِيمُوا

بگو: من [از نظر ظاهر] آفرینش [بشری مانند شما میم،] [نه از جنس دیگر که آیات کتابم و سخنم را درک نکنید،] [به من وحی می شود که: معبود شما فقط خداوند یکتا است،

إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ ۶ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ

پس مستقیم [و بدون انحراف] به سوی او روی آورید! و از وی آمرزش بخواهید! وای بر مشرکان [از عذاب دنیا و آخرت]! (۶) هم آنان که

الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ۷ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

[به نیازمندان و بیچارگان] زکات نمی دهند، و منکر آخرتند (۷) یقیناً مؤمنانی که

الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ۸ قُلْ أَيْنَكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي

کارهای شایسته انجام داده اند، برای آنان پاداشی پایان ناپذیر است (۸) بگو: آیا شما

خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ إِندَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ

به کسی که زمین را در دو روز آفرید کفر می ورزید، و برای او همتیانی [که اختیار چیزی را ندارند] قرار می دهید؟! (۹)

وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَامًا

[فقط] پروردگار جهانیان [آفریننده زمین] است (۹) روی زمین کوه هایی استوار [و لنگراسا] پدید آورد و در آن خیر فراوانی قرار داد،

فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِلنَّاسِ أَيْلِينَ ۱۰ ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ

و مواد خوراکي آن را [برای روزی] به مدت چهار فصل اندازه گیری کرد که برای [همه] خواهندگان [برابر] بانیان شان [یکسان است] (۱۰) آن گاه به [آفریدن] آسمان پرداخت

دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ ۱۱

در حالی که [ماذولیه اش] به صورت [توده هایی از] آلود بود، پس به آن و به زمین فرمان داد: خواه یا ناخواه [به وجود] آید! آن دو گفتند: مطیعانه [به سوی عرصه وجود آمدیم] (۱۱)

فَقَضَاهُمْ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا

پس آن‌ها را در دو دوره به صورت هفت آسمان به انجام رسانید، و به هر آسمانی نظام مربوط به آن را وحی کرد، و نزدیکترین آسمان ابراهیم را با وزین آسمان السماء الدنیا به مصابیح و حفظ آنک نقد پسر العزیز العظیم

چراغ هادی چون ستارگان را استیمن، و از هر نوع اسمی محفوظ داشتیم، این نظام گفت‌گویی که فریضه الهی را به گوی و خداوند توانای شکست‌ناپذیر

﴿۱۲﴾ فَإِنَّ أَمْرَ صَوَائِقُ أَقْلَ أَنْزَلْنَا كُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَ

و دانست (۱۲) پس اگر از نشانه‌های توحید و ربوبیت آیات روشن را و بگردان شدند، بگو: من شمارا از صاعقه‌ای [موجب] امانتد، صاعقه [در هم] کوبنده [و دانست]

﴿۱۳﴾ إِذْ جَاءَتْهُمْ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا

آمد و نمود هشدار می‌دهم (۱۳) چون پیامبران از هر سو با این پیام به پیشان آمدند که:

تَعْبُدُوا إِلَٰهَ اللَّهِ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَأَنَآءَمَا أَرْسَلْنَا بِهِ

چرخد از پرستید، گفتند: اگر پروردگار ما را اراده داشت که ما هدایت شویم [روشنگاری] می فرستاد آنه کسی از جنس خودمان! اینها را به آنچه شمارا امانتد

كُلُّوْنَ ﴿۱۴﴾ فَأَمَّا عَادُ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا

کافریم (۱۴) اما [قوم] عاد ظالمانه در آن سرزمین که بودند تکبر کرده،

مَنْ أَشَدُّ مَنَاوِقَةً أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ

گفتند: نیرومندتر از ما کیست؟ آیا ندانستند خداوندی که آنان را آفرید از آنان

قُوَّةٌ وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿۱۵﴾ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا

نیرومندتر است؟ آن قوم همواره آیات ما را انکار می‌کردند (۱۵) سرانجام تبدیادی سخت

صَرَصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ لِنَبِّيْهِمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

و سرد در روزهای نامیمون بر آنان فرستادیم تا در زندگی دنیا عذاب خوارکننده را به آنان بچشانیم،

وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿۱۶﴾ وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ

و مسلماً عذاب آخرت خوارکننده‌تر است، و ادر آن روزا یاری نخواهند شد (۱۶) و اما ثمودیان را هدایت کردیم،

فَاسْتَجَبُوا أَعْمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمْ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا

ولی آنان کورلی را بر هدایت ترجیح دادند، نهایتاً به کفر آنچه همواره مرتکب می‌شدند فریاد [مربکرا] عذاب خفت‌بار

كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۱۷﴾ وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْ كَلَامِ الثَّاغُوتِ ﴿۱۸﴾ وَيَوْمَ

انان را فرو گرفت (۱۷) و مؤمنانی را که همواره از خداوند اطاعت داشته، و از محرماتش ابرهیز کردند نجات دادیم (۱۸) روزی [می‌رسد] که

يَحْشُرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿۱۹﴾ حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ

دشمنان خدا را در هر کجا و هر زمانی باشند [به سوی] آتش جمع می‌کنند، و از ابر کند شدند و فرار کردن [از ایشان] می‌دارند (۱۹) تا چون به [کثرت] آواز رخ‌رسند،

عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۲۰﴾

گوش و چشم‌ها و پوست‌هایشان به آنچه همواره انجام می‌دادند بر ضدشان شهادت دهند (۲۰)

وَقَالُوا الْجُلُودُ لَهُمْ لَمْ يَشْهَدُوا عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ

به پوستشان می‌گویند؛ چرا بر ضد ما شهادت دادید؟ می‌گویند: همان خداوندی که هر چیزی را گویا نمود

شَيْءٌ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تَرْجَعُونَ ﴿٢١﴾ وَمَا كُنْتُمْ

ما را به سخن واداشت! او نخستین بار شما را آفرید، و [فقط] به سوی او بازتان می‌گردانند (۲۱) پنهان شدن شما [هنگام گناه]

تَسْتَرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَ

از آنس [این نبود که مباد گوش و چشم ها و پوست هایتان بر ضد شما گواهی دهند، بلکه گمان می‌کردید که خداوند بسیاری از اعمالی که [در خلوت]

لَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢٢﴾ وَذَلِكَ ظَنُّكُمْ

مرتب می‌شدید خبر نداردا [و غافل از این حقیقت بودید که خداوند و اعضایتان ناظر بر اعمال خلوت و جلوت شماست] (۲۲) این بود گمان [باطلی] که

الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرَدْتُمْ كُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٢٣﴾

به پروردگارتان داشتید، و [همان] شما را به هلاکت انداخت، در نتیجه از کسانی شدید که [همه سرمایه‌های وجودی خود را] تباه کردند (۲۳)

فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ وَإِنْ يَسْتَعْتِبُوا فَمَا لَهُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ

اگر [در این عرصه گناه قیامت برای نجات از دوزخ] استکبابی به خرج دهند [یا ندهند] اثر است؛ زیرا [جایگاهشان به طور حتم دوزخ است، و اگر برای جلب خشنودی]

﴿٢٤﴾ وَفِيضْنَا لَهُمْ قُرْنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ

حق [عذر خواهی کنند] عذرشان مورد پذیرش نخواهد بود (۲۴) [به علت عناد و کبرشان نسبت به حق،] بر آنان همنشینانی [مفسد و تبه‌کار و شیطان سیرت] گماشتیم

وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ

که از هر سوهمة زشتی‌ها را در نظرشان [با وسوسه و ترغیب] زیبا جلوه دادند، [تا انجامش برای آنان آسان شود] و وعده [عذاب] بر آنان [نیز] همچون گروه‌هایی [کافرا]

وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ ﴿٢٥﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا

از جن و انس که پیش از آنان درگذشتند حتمی و ثابت شد، آنان بدون شک [همه سرمایه‌های وجودی خود را] تباه کردند (۲۵) کافران [به مردم] گفتند:

لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَخْلِبُونَ ﴿٢٦﴾ فَلَنْذِيقَنَّ الَّذِينَ

به این قرآن گوش ندهید، و [هنگام قرائتش به وسیله پیامبر و مؤمنان،] سخنان بی‌هوده [و صداهای بی‌معنی و جنجال آفرین] در آن بیندازید تا [بر او و یارانش]

كَفَرُوا وَعَدَّا بَشَدِيدًا وَلَنْ جُزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٧﴾

پیروز شوید! (۲۶) همانا به کافران عذابی سخت می‌چشانیم، و یقیناً آنان را [با] معیار گرفتن [بدترین عملی که همواره مرتکب می‌شدند] کیفر می‌دهیم (۲۷)

ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا

این است کیفر دشمنان خدا، [همان] آتشی که در آن جایگاهی جاودان خواهند داشت، کیفری [سخت است] برای این که همواره آیات ما را

يُجْحَدُونَ ﴿٢٨﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا آرِنَا الَّذِينَ أَصْلَلْنَا مِنْ

انکار می‌کردند (۲۸) کافران [در دوزخ] می‌گویند: پروردگارا! از [دو گروه] جن و انس

الْجِنَّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلْهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ ﴿٢٩﴾

آنان که ما را همراه کردند به ما نشان بده تا آن‌ها را زیر قدم‌هایمان اندازیم که از پست‌ترین‌ها گردند (۲۹)

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ

مقامات آن که گفتند: پروردگار ما فقط الله است، سپس ادر میدان تبلیغ تو خد و عمل به خواسته های خداوند | استادگی کردند | او هر حادثه و رنجی را در این راه به جان

الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي

خریدند | فرشتگان | هنگام مرگشان | بر آنان نازل می شوند | او می گویند | که | از سرنوشت آینده خود | نترسید و اندوه گین نباشید، شمارا بشارت باد به بهشتی که

كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٣٠﴾ نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

همواره به شما وعده می دادند (۳۰) ما در زندگی دنیا یاران و دوستان

وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ

شما بودیم، و در آخرت | هم هستیم | آنچه در بهشت دلخواهتان باشد برایتان | آماده | است، بلکه هر چه را در آن جا درخواست کنید

فِيهَا مَا نَدَّعُونَ ﴿٣١﴾ نَزَّلًا مِنْ غُفُورٍ رَحِيمٍ ﴿٣٢﴾ وَمَنْ أَحْسَنُ

برای شما خواهد بود (۳۱) درحالی که پیش کشی | آماده | از سوی خداوند | آمرزنده | مهربان | است (۳۲) کیست نیکوگفتارتر

قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ

از کسی که به سوی خداوند دعوت کند، و کار شایسته انجام دهد، و بگوید من

الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٣﴾ وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ

از تسلیم شدگانم؟ (۳۳) نیکی و بدی یکسان نیستند، بدی را با بهترین شیوه | که نیک رفتاری است | دفع کن!

أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿٣٤﴾

که ناگاه کسی که بین تو و او دشمنی است چنان شود که گویی دوست صمیمی است (۳۴) این | شیوه | را جز کسانی که | در زمینه خودسازی و

وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿٣٥﴾

راستن خویش به ارزش های اخلاقی | پایداری کردند دریافت نمی کنند، و جز کسانی که بهره بزرگی | از تقوا و کمالات روحی | دارند نمی پذیرند (۳۵)

وَمَا يَنْزَعُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ

اگر وسوسه ای از سوی شیطان تحریک کند | که به این شیوه روی نیآوری | به خداوند پناه ببر! مسلماً او شنوای هر دعا

الْعَلِيمُ ﴿٣٦﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ

و دانای به همه امورا | است (۳۶) از نشانه های اربوبیت و قدرت | او شب و روز و خورشید و ماه است،

لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ

نه برای خورشید به سجده افتید، نه برای ماه، بلکه برای خداوندی که آن ها را آفریده سجده کنید

إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿٣٧﴾ فَإِنْ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ

اگر خواهان پرستش او هستید (۳۷) اگر | از قبول این فرمان | تکبر کردند | چه باک | کسانی | از فرشتگان بی شماری | که

عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ ﴿٣٨﴾

در پیشگاه پروردگار هستند و او را در شبانه روز همواره با تسبیح گفتن، | از هر عیب و نقصی | منزه و پاک میدانند، و | از این عبادت ویژه | خسته نمی شوند (۳۸)



وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ

و از نشانه های اربوبیت و قدرت او این است که زمین را خشک و بی گیاه می بینی، چون باران بر آن بباریم به جنبش آید

وَرَبَّتْ إِنَّ اللَّهَ آخِئُهَا الْمَحْيِ الْمَوْتِ إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٣٩﴾

و رشد کند، بقیناً کسی که زمین [مرده] را حیات می دهد مردگان را نیز زنده می کند؛ زیرا او بر هر کاری تواناست (۳۹)

إِنَّ الَّذِينَ يُدْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ

بی تردید کسانی که در آیات ما وسوسه می اندازند، او به تحریف مفاهیم آن ها اقدام می کنند تا مردم را از خداوند و قرآنش غافل کنند؛ بر ما پوشیده نیستند، آیا کسی که

خَبْرًا مَنْ يَأْتِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

ا به سبب خیانتش به نشانه ها و آیات ما در آتش [دوزخ] افکنده می شود بهتر است، یا کسی که روز قیامت ایمن [از عذاب] می آید؟ [شعای ملحدان و تحریف گران]

بَصِيرٌ ﴿٤٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ

هر چه می خواهید انجام دهید، بدون شک او به آنچه انجام می دهید بیناست (۴۰) یقیناً کسانی که به این قرآن، وقتی به سوبشان آمد کافر شدند [دچار عذاب سختی

﴿٤١﴾ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ

خواهند شد، قرآن به طور یقین کتابی است شکست ناپذیر (۴۱) که هیچ باطلی از هیچ سو او به هیچ صورت برای تحریف آیتش [به سوبش نخواهد آمد، از سوی خداوند]

حَمِيدٌ ﴿٤٢﴾ مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ

حکیم ستوده خصال نازل شده است، و تا ابد در پناه حفظ اوست (۴۲) به توجز آنچه [از سخنان ناروا چون ساحر، مجنون و دروغ گو] به پیامبران پیش از تو گفته اند نمی گویند،

لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ ﴿٤٣﴾ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَجَبِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا

پروردگارت صاحب آموزش برای حق گرایان و دارنده عذابی دردناک برای دشمنان حق است (۴۳) چنانچه آن را قرآنی غیر عربی قرار می دادیم هر آینه [این مشرکان لجاج

فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَعْجَبِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ

عنادیسه می گفتند: چرا آیتش به روشنی بیان نشده؟ آیا قرآنی غیر عربی ولی مخاطبانش [عرب زبان]؟ بگو: این [کتاب] برای مؤمنان [به خدا و قیامت سراسر آیتش] هدایت

وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقُرْ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَٰئِكَ

و درمان کننده است، کسانی که [هرگز] ایمان نمی آورند در گوششان سنگینی است، و برای آنان [مایه] کوردلی است،

يُنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٤٤﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ

ا گوئی! اینان را از جایی دور ندا می کنند ا که ندا را نمی شنوند، و از یافتن حقیقت محرومند (۴۴) یقیناً ما به موسی

فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ

کتاب عطا کردیم، پس درباره پذیرش و رد آن، او وحی بودنش [اختلاف شد، چنانچه از سوی پروردگارت فرمانی] ابر مهلت یافتنشان [صادر نشده بود

وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ ﴿٤٥﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا

بی تردید بینشان حکم [به هلاکت] می شد، اینان [نیز چون قوم موسی] درباره قرآن [که آیا وحی است یا نه] ا در تردیدی سخت هستند (۴۵) کسی که کار شایسته انجام دهد

فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ﴿٤٦﴾

به سود خود اوست، و آن که [خود را به هر] کار زشتی [الوده] کند به زیان خود اوست، پروردگارت به بندگان ستمکار نیست (۴۶)

إِلَيْهِ يُرْدُّعِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ أَكْثَامِهَا وَمَا

علم به قیامت را که چه زمانی برپا می شود و چه خواهد شد فقط باید به خداوند ارجاع داد (از برای کسی برای زمان برپایی اش و کیفیت امورش پاسخی ندارد) هیچ یک از

تَحْمِلُ مِنْ أَنْثَى وَلَا نَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ إِبْنُ شَرَكَائِهِمْ قَالُوا أَوْ

میوه ها از غلاف هایشان بیرون نمی آیند، و هیچ ماده ای حامله نمی شود و حملش را به زمین نمی گذارد مگر به دانش او، (مشرکانی که منکر قیامتند) روزی که قیامت برپا

إِذْ نَاكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ ﴿٤٧﴾ وَحَدَّثَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ

شود از سوی خداوند (به آنان ندا می رسد) آن اشریکان (که برای آن ساخته بودند) کجایند؟ می گویند: به یقین اعلام می کنیم هیچ کدام از ما (بر شریک داشتنش) گواهی

مِنْ قَبْلُ وَظَنُّوا مَا لَهُمْ مِنْ حِصَصٍ ﴿٤٨﴾ لَا يُسْأَلُ الْإِنْسَانُ مِنْ

نمی دهد (۴۷) البته آنچه را قبلاً (معبودان خود) می خواندند از نظرشان ناپدید می شود، و باور می کنند که هیچ راه گریزی برای آنان از عذاب نیست (۴۸) انسان از درخواست

دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَئُوسٌ قَنُوطٌ ﴿٤٩﴾ وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ

نعمت و رفاه خسته نمی شود، و چون آسیب و بلایی به او رسد به شدت مأیوس و ناامید می گردد (۴۹) هرگاه

رَحْمَةً مِنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا إِلَى وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ

پس از آسیب و بلایی که به او رسیده، نعمت و رفاهی از سوی خود به او بچشانیم قطعاً می گوید: این فقط (به خاطر) ایاق است خودم بوده، و گمان نمی کنم

قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِعْتُ إِلَى رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لَلْحُسْنَى فَلَنُنَبِّئَنَّ

قیامتی در کار باشد، (به فرض بودن قیامت) اگر به سوی پروردگارم بازگردانند برایم نزد او پاداش های نیکوتری است!

الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿٥٠﴾ وَ

ما کافران را به اعمالی که (بر پایه اندیشه های نادرستشان) انجام داده اند آگاه خواهیم کرد، و یقیناً از عذابی سخت به آنان

إِذَا أُنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأِجِبَانِيهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ

می چشانیم (۵۰) چون به انسان نعمت عطا کنیم (از ما به علت غرور و مستی) روی می گرداند، و (متکبران) دور می شود، و هنگامی که

فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ ﴿٥١﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثَمَرٌ

آسیب و بلایی به او برسد (برای برطرف شدنش) به دعای پهن در پی روی می آورد (۵۱) بگو: به من خبر دهید اگر (قرآن) از سوی

كَفَرْتُمْ بِهِ مِنْ أَحَدٍ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿٥٢﴾ سَنُرِيهِمْ

خدا باشد، آن گاه شما منکر آن شوید چه کسی همراهتر از کسی خواهد بود که در مخالفت و ستیزی شدید قرار دارد؟ (۵۲)

أَيَّانَنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنََّّهُ الْحَقُّ

بدوئی نشانه های (قدرت و ربوبیت) خود را در کرانه های جهان هستی، و در وجود خودشان به آن هانشان خواهیم داد تا برای آنان روشن شود که بی تردید خداوند

أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٥٣﴾ إِلَّا إِنَّهُمْ

حق است، آیا بس نیست که پروردگارت (از جهت وجود و ربوبیت و قدرتش) برای هر چیزی مشهود است؟ (هر چند گروهی بی خبر، مشهود بودنش را درک نکنند و از شناختنش در

فِي مَرِيَّةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ إِلَّا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُخِيطٌ ﴿٥٤﴾

غفلت بمانند) (۵۳) آگاه باش که آنان در مورد ملاقات پروردگارشان دچار تردیدی سختند، و آگاه باش (که یقیناً) به هر چیزی (آبادنش بی نهایت و قدرت مطلقه اش) احاطه دارد (۵۴)

سُورَةُ الشُّورَى

آیاتها
۵۳مکیه
۱۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشه

حَمْدٌ ۱ عَسَقٌ ۲ كَذَلِكَ بُوحِىَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ

حام، ميم (۱) غین، سین، قاف (۲) اوحی سنت دیرینه حق برای هدایت انسان هاست، این گونه خداوند توانای شکستناپذیر حکیم به سویی تو و پیامبرانی که پیش از تو بودند وحی

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۳ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ

می کند (۳) آنچه در آسمان ها و زمین است فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست، و او بلندمرتبه و بزرگ است (۴) نزدیک است آسمان ها از فرازشان اینه سبب عظمت وحی و اثر

الْعَظِيمُ ۴ تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَّقَطْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ

شگفت انگیزش بشکافتند، فرشتگان ایا توجه به وحی و آثارش در نظام هستی و زندگی انسان ها همواره پروردگارشان را همراه با ستایش ایا تسبیح گفتن از هر عیب و نقصی منزه

يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا إِيَّاكَ اللَّهُ هُوَ

ویاک می دارند، و برای کسانی که در زمین هستند ایا با تکیه به وحی زندگی خود را سامان می دهند طلب آموزش می کنند، آگاه باشید! که یقینا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان

الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۵ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ خَفِظَ عَلَيْهِمْ

است (۵) اولایت و سرپرستی بر همه هستی و همه انسان ها فقط و فقط مخصوص خداست، کسانی که به جای خداوند، معبودان اباطل را ایه عنوان سرپرستان خود انتخاب

وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ۶ وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا

کرده اند، خداوند مراقب همه نیات و عقاید و اعمال آنان است ایا به حسابشان برسد، و تو کارگزارشان نیستی اکه بتوانی آنان را مجبور به قبول هدایت کنی، وظایف و رسالتن پیام

لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجُمُعِ لِأَرْبَابٍ فِيهِ فَرِيقٌ

خدا به مردم است (۶) به این صورت اکه می بینی قرآنی شیوا و رسا به تو وحی کردیم تا ادر این ابتدای کار، مردم مکه و کسانی را که پیرامونش هستند هشدار دهی، و آنان را از روز

فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ ۷ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً

اجتماع همه انسان ها در صحرای محشر اکه در اوقع ایا هیچ تردیدی نیست برترسانی، اروزی که گروهی در بهشتند و گروهی در آتش سوزان (۷) اگر خداوند می خواست همه

وَلَاكِنْ يَدْخُلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا

انسان ها را از روی جبر بر محور دین است واحدی قرار می داد، ولی اهدایت اجباری فاقد ارزش است، هر که را که بخواهد ایا به آیات حق ستم نکرده باشد در رحمت خود درآورد، و

نَصِيرٍ ۸ أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي

ستمکاران را هیچ دوست و مددکاری اکه از عذاب نجاتشان دهد نیست (۸) ایا به جای او اولیا و سرپرستانی ابرای خود انتخاب کرده اند؟ در حالی که ولی و سرپرست واقعی فقط

الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۹ وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ

خداست، و تنها اوست که مردگان را زنده می کند، فقط اوست که بر هر کاری تواناست (۹) هر آنچه از موضوعات و مسائل اکه در آن دچار اختلاف شدید داوریش ابرای رفع اختلاف

فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ۱۰

با خداست ا! خدایی که بر شما ولایت دارد، ای پیامبر ا به مردم اعلام کن: این است خداوند، مالک و مدبّر امور من، بر او توکل کردم، و ایا توجه و اخلاص ا به او روی می آورم (۱۰)

فَاطِرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ

الفرینده آسمانها و زمین بدون سابقه و الگوست، جفت‌هایی از جنس خودتان برانید و از

الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ

چهارپایان اینرا جفت‌هایی ایدید آورد، شما را از طریق جفت‌بودن تکثیر می‌کند، چیزی مانند او نیست، و او

الْبَصِيرُ ﴿١١﴾ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ

شنوا و بیناست (۱۱) کلیدهای آسمانها و زمین فقط در اختیار اوست،

يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٢﴾ شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ

برای هرکس که بخواهد رزق و روزی را وسعت می‌دهد و ایا تنگ می‌گیرد، او به همه چیز داناست (۱۲)

مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ

اینی را به سود شما وضع کرد که نوح را نسبت به آن توصیه داشت، آنچه را به سوی تو وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این است که دین

إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ

التخلف شده خدا را بر پا دارید، او به همه احکامش پای بند باشید، و از بخش‌بخش کردن آن، [که بخشی را بر اساس دلخواهتان ببندید و بخشی را واگذارید]

عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ **اللَّهُ** يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ

بیریزد، دینی که مشرکان را به آن دعوت می‌کنی بر آنان سنگین اودشوار است، خداوند هر که را بخواهد [در صورت داشتن لیاقت، برای قبول دین بر می‌گزیند،

يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ ﴿١٣﴾ وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمْ

و هر که را [باتوجه و اخلاص به جانب خدا] بازگردد به سوی آن هدایت می‌کند (۱۳) [جوامع دینی در طول تاریخ] گروه گروه نشدند مگر پس از [تحصیل]

الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى

آگاهی [به حقانیت همه معارف و احکام دین، این گروه‌گرایی] به سبب حسد و خوی تجاوزگری بین آنان [بود]، اگر از سوی پروردگارت فرمانی [بر مهلت یافتنشان]

لَقَضَىٰ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ

تا زمانی معین صادر نشده بود بی‌تردید بینشان حکم [به هلاکت] می‌شد، کسانی که پس از آنان، کتاب [آسمانی] را به ارث بردند

مِنْهُ مُرِيبٌ ﴿١٤﴾ فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ

ابه سبب تأثیر سوء گروه‌گرایی گذشتگان، نسبت به آن در تردیدی سخت هستند (۱۴) پس بدین جهت [آنان را به سوی اینی که به تو وحی شده و حقانیتش]

أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ **اللَّهُ** مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ

منکی به دلایل استوار است [دعوت کن] و چنان که ماموری [بر این دعوت] شکیبایی کن [و از خواسته‌های [نامشروع] گروه‌گرایان اهل کتاب پیروی نکن] بگو:

بَيْنَكُمْ **اللَّهُ** رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ

به [هر] کتابی که خداوند فرستاده ایمان دارم، و فرمانم داده‌اند که در بین شما مجری عدالت باشیم، خداوند پروردگار ما و شماست، اعمال ما برای ما و اعمال شما

لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ **اللَّهُ** يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿١٥﴾

برای شماست، بین ما و شما جای هیچ گفتگو و جدالی نیست، خداوند است که ما و شما را [در عرصه محشر] جمع می‌کند، بازگشت همه فقط به سوی اوست (۱۵)

وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ

کسانی که در باره خداوند ایه و برهان می‌بोधند، پس از آن که دعوتش از سوی خردورزان بانگ برافروخته شد، گفت و گوی نادریست و بی دلیل می‌کنند.

دَاحِضَةً عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ﴿۱۶﴾

چون وجه ایشان نزد پروردگارشان [که آیه‌نش استوار بر دلایل محکم است] باطل و زایل شدنی است، بر آنان خشمی سخت، و عذابی شدید است (۱۶)

اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ

خداست که کتاب و میزان [سنجش حق از باطل] را نازل کرد؛ [میزانی که همه انسان‌ها در قیامت با آن سنجیده می‌شوند]، نواز از مان و وقوع اقیامت

السَّاعَةِ قَرِيبٌ ﴿۱۷﴾ يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ

چه می‌دانی؟ امید است نزدیک باشد (۱۷) کسانی که به آن ایمان ندارند از روی تمسخر! شتاب در آمدنشان را خواهند،

آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ إِلَّا الَّذِينَ يُمارُونَ

و باورکنندگان آن از آن در هراسند، و می‌دانند که قیامت [حادثه‌ای] حق و حتمی است، آگاه باشید! کسانی که همواره

فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ﴿۱۸﴾ اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ

در باره قیامت گفتاری تردید آور دارند در گمراهی دوری هستند [که هرگز در آن دسترسی به هدایت ندارند] (۱۸) خداوند به [همه امور] بندگانش دقیق است، هر که را خواهد

يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ﴿۱۹﴾ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ

روزی عطا می‌کند، او نیرومند و توانای شکست‌ناپذیر است (۱۹) کسی که خواهان محصولات آخرتی است

نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ

بر محصولانش می‌افزایم، و آن که طالب محصولات دنیایی است بخشی از آن را به او می‌بخشیم.

فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ ﴿۲۰﴾ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ أَشْرَعُوا لَهُمْ مَنْ

ولی در آخرت برای او هیچ بهره‌ای نخواهد بود (۲۰) آیا غیر مؤمنان از هر طایفه و ملت، معبودانی دارند

الَّذِينَ مَالٌ يَازُنُ بِهِ اللَّهُ وَلَوْ لَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ

که بی‌این خداوند آیینی را برای آنان پایه‌گذاری کرده‌اند؟ [در حالی که کلیددار هستی خداست، و حق تشریع و ارائه‌دین فقط ویژه اوست]، اگر فرمان خداوند

وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۲۱﴾ تَرَى الظَّالِمِينَ

ای مهلتشان تا سرآمدن اجل معینشان نبود، بینشان حکم [به هلاکت و نابودی] می‌شد، یقیناً برای ستمکاران عذاب دردناکی خواهد بود (۲۱) [در قیامت]

مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ آمَنُوا

ستمکاران را می‌بینی که از آنچه انجام داده‌اند در هراسند، و همان [را که مرتکب شده‌اند به صورت عذاب] گریبانگیرشان خواهد شد،

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْحَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا

و مؤمنانی که کارهای شایسته انجام داده‌اند در باغ‌های بهشتند،

يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ﴿۲۲﴾

برای آنان هر چه بخواهند نزد پروردگارشان [افراهم] است، این همان احسان بزرگی است (۲۲)

ذَٰلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ **اللَّهَ** عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا

این پاداشی است که خداوند بندگان را که بر خوردار از ایمانند و کارهای شایسته انجام داده اند به آن مژده می دهد، بگو: از شما در برابر رسالتم هیچ پاداشی جز موهبت

أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمُوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ

به نزدیکانم [که بنابر روایات فراوان و صحیح سنن و شیعه، اهل بیت پیامبر علیهم السلام هستند] در خواست ندارم، هر کس کار نیکی [که عشق ورزی به اهل بیت علیهم السلام و پیروی از

لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ **اللَّهَ** عَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٢٣﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى **اللَّهِ** كَذِبًا

آنان است [انجام دهد بر نیکی اش می افزایم، به راستی خداوند بسیار آمرزنده، و عطا کننده پاداش فراوان در برابر عمل اندک است] (۲۳) [نه این که ایمان نمی آورند] بلکه

فَإِنْ يَشَأْ **اللَّهُ** بِخَتَمِ عَلَىٰ قَلْبِكَ وَيَمْحُ **اللَّهُ** الْبَاطِلَ وَيُحَقِّقُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ

می گویند: [این قرآن وحی نیست، کتابی است که] بر خدا دروغ بسته، چنانچه خداوند بخواهد [در صورت کمترین دروغ بستن به خدا] قلبت را مهر آزرده و از دریافت

إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٢٤﴾ وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَ

وحی محروم می کند، [تو اهل دروغ بستن نیستی، این تهمتی است که کوردلان به تو می زنند،] خداوند باطل را محو می کند، و حق را با الاهی استوار می سازد، بی تردید

يَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٢٥﴾ وَبَسَّجِبُ الَّذِينَ آمَنُوا

لویه اسرار و نیات باطن ها آگاه است (۲۴) اوست که توبه بندگان را می پذیرد، و از بدی ها گذشت می کند، و هر عملی را که انجام می دهی می داند (۲۵) و دعای مؤمنانی را

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ

که کارهای شایسته انجام داده اند مستجاب می کند و از احسانش بر آنان می افزاید، و برای کافران عذاب سختی

شَدِيدٌ ﴿٢٦﴾ وَلَوْ بَسَطَ **اللَّهُ** الرِّزْقَ لَعِبَادِهِ لَبْغَوْنَا فِي الْأَرْضِ وَلَٰكِن

خواهد بود (۲۶) اگر خداوند رزق را بر بندگان وسعت دهد هرآینه در زمین به طغیان و فساد روی می آورند،

يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ ﴿٢٧﴾ وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ

ولی آنچه را بخواهد به اندازه نازل می کند، قطعاً او به بندگان او همه امورشان آگاه و بیناست (۲۷) اوست که

الْغَيْثَ مَن بَعْدَ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٢٨﴾

باران [سودمند] را پس از آن که [مردم از آمدن] ناامید شدند نازل می کند، و رحمتش را می گستراند، و او سرپرست [واقعی]

وَمِنَ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَتْ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ وَ

و ستوده خصال است (۲۸) از نشانه های [ربوبیت و قدرت] او آفرینش آسمان ها و زمین و جنیندگانی است که بین آن ها

هُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذْ يَشَاءُ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾ وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ

پراکنده ساخته، و او بر جمع کردنشان هرگاه بخواهد تواناست (۲۹) هر مشکل و آسیبی

فِيمَا كَسَبَتْ آيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ ﴿٣٠﴾ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

به شما بر سبب اعمالی است که مرتکب شده اید، و [خداوند] از بسیاری از بدی هایتان هم گذشت می کند (۳۰) شما در زمین عاجز کننده [خدا] نیستید

فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ **اللَّهِ** مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٣١﴾

[تا] نتوانید از دسترس قدرتش بیرون روید، و [برای حل مشکلات و برطرف کردن آسیب ها] جز خداوند هیچ سرپرست و یابری برای شما وجود ندارد (۳۱)

وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ﴿٣٢﴾ إِنَّ يَسَاءُ يُسْكِنَ الرِّيحَ

از نشانه های قدرت و ربوبیت او کشتی های کوه پیکری است که در دریا ایه کمک باد در حرکتند (۳۲) اگر بخواهد باد را ساکن می کند.

فَيُظِلُّنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٣٣﴾

در نتیجه کشتی ها روی آب بی حرکت می مانند، در این مسئله برای هر شکیبای سپاس گزاری نشانه هایی از ربوبیت و قدرت خدا است (۳۳)

أَوْ يُوقِظُھُنَّ بِمَا كَسَبُوْا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ ﴿٣٤﴾ وَبَعَلَّمَ الذِّیْنَ یُجَادِلُوْنَ فِی

با اگر بخواهد کشتی ها را آسودگی بخشد یا به کیفر گناهانی که مرتکب شده اند غرق می کند، و ایا از بسیاری از گناهانشان چشم پوشی می کند و آن ها را نجات

آیَاتِنَا مَا لَهُمْ مِنْ حَیْصٍ ﴿٣٥﴾ فَمَا أُوتِیْتُمْ مِنْ شَیْءٍ فِتْنًا عَالِیَ الدُّنْیَا

می دهد (۳۴) تا ایا قدرت تمامی خداوند گسانی که در باره آیت ما سخن نادرست و بی دلیل به میان می آورند، بدانند که برای آنان هیچ گریزگاهی از عرجه قدرت

وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ خَبْرٌ وَابْقِیَ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَعَلٰی رَبِّهِمْ یَتَوَكَّلُوْنَ ﴿٣٦﴾ وَالَّذِیْنَ

ما نیست (۳۵) در نهایت آنچه از کالا و وسایل و ابزار مادی به شما داده اند مایه بهر دوری اندک و زود گذر زندگی دنیا است، و آنچه از بهره و پاداش نزد خداست

یَجْتَنِبُوْنَ كَبَائِرَ الْاَلْثَمِ وَالْفَوَاحِشَ وَاِذَا مَا غَضِبُوْهُمْ یَغْفِرُوْنَ ﴿٣٧﴾

برای مؤمنانی که در همه حوادث و امور بر خدا توکل می کنند بهتر و پایدارتر است (۳۶) هم آنان که از گناهان بزرگ و از کارهای بسیار زشت دوری می کنند، و چون

وَالَّذِیْنَ اسْتَجَابُوْا لِرَبِّهِمْ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاَمْرُهُمْ شُورٰی بَیْنَهُمْ وَمِمَّا

به چشم آیند چشم پوشی و گذشت را به کار می گیرند (۳۷) و آنان که دعوت پروردگارشان را ایه انجام نکالیف، مشتاقانه اجابت کرده، نماز را ایا سرایت می دهند

رَزَقْنَاهُمْ یُنْفِقُوْنَ ﴿٣٨﴾ وَالَّذِیْنَ اِذَا اَصَابَهُمُ الْبَغْیُ هُمْ یَنْصُرُوْنَ ﴿٣٩﴾ وَجَزَاؤُا

خوالتند، و کارشان در بین خودشان بر پایه مشورت است، و همواره از آنچه روزی آنان کرده ایم انفاق می کنند (۳۸) و آنان که هرگاه مورد ستم قرار می گیرند از ستمکار

سَیِّئَةٍ سَیِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَاَصْلَحَ فَاجْرُءٌ عَلٰی اللّٰهِ اِنَّهٗ لَا یُحِبُّ

بر خود انتقام می گیرند (۳۹) پاداش بدی، چون قتل و زخم زدن و اتلاف مال، مانند همان بدی است، (که زیاده روی خروج از حد عدالت است، ولی هرکس از

الظَّالِمِیْنَ ﴿٤٠﴾ وَلَمَنْ اَنْصَرَ بَعْدَ ظُلْمٍ فَاُولٰٓئِكَ مَا عَلَیْهِمْ مِنْ سَبِیْلِ

بدی طرف مقابلش بگذرد، و ازشت کاری او را با نیکی و امر به معروف و اصلاح کند پاداشش بر عهده خداست، یقیناً خدا متجاوزان از عدالت را دوست ندارد (۴۰)

اِنَّمَا السَّبِیْلُ عَلٰی الَّذِیْنَ یَظْلِمُوْنَ النَّاسَ وَیَبْغُوْنَ فِی الْاَرْضِ

کسانی که پس از ستم دیدنشان از ستمکار به خود انتقام می گیرند هیچ اعتراضی بر آنان نیست (۴۱) اعتراض فقط متوجه کسانی است که به مردم ستم روا

یَغْبِرُ الْحَقُّ اُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِیْمٌ ﴿٤٢﴾ وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ اِنَّ ذٰلِكَ لَمِنْ

می دارند، و ظالمانه در زمین سرکشی و طغیان می کنند که بی گمان برای آنان عذاب دردناکی خواهد بود (۴۲) کسی که ایا داشتن قدرت بر انتقام جویی، شکیبایی

عَزَمَ الْاُمُوْرَ ﴿٤٣﴾ وَمَنْ یُضِلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَّلِیٍّ مِنْۢ بَعْدِہٖ وَتَرٰکِ

ورزد و از خطای طرف مقابلش گذشت کند بهر استی این کارها از کارهای استوار است (۴۳) هر که را خداوند ایه کیفر ستمکاری اش در گمراهی وانهد، بعد از خدا

الظَّالِمِیْنَ لَمَّا رَاَوْا الْعَذَابَ یَقُوْلُوْنَ هَلْ اِلٰی مَرَدٍّ مِنْ سَبِیْلِ ﴿٤٤﴾

هیچ سرپرست و یاری نخواهد داشت، ستمکاران را در قیامت خواهی دید که چون عذاب را ببینند می گویند: ایا راه بازگشتی برای ما به دنیا وجود دارد (۴۴)

وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذَّلِيلِ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ

آنان را مشاهده می کنی که در معرض آتش قرارشان می دهند، در حالی که از شدت خواری سرافکنده اند، وزیر چشمی نگاهی اترس الود می کنند،

خَفِيَ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ

در آن حال مؤمنان می گویند: همانا زیان کاران کسانی هستند که همه سرمایه های وجودی

وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا إِنَّا الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُقِيمٍ ﴿٤٥﴾

خود و کسانشان را در قیامت تباه کرده اند، آگاه باشید! مسلماً ستمکاران در عذابی

وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءَ يَنْصُرُونَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ

پایدار خواهند بود (۴۵) و دوستان و یاورانی نخواهند داشت که آنان را در برابر خداوند او انتقام او یاری دهند،

يُضِلِلُ اللَّهُ فَتَالَهُ مِنْ سَبِيلٍ ﴿٤٦﴾ اسْتَجِبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ

وهر کس را خداوند به کیفر ستمکاری اش در گمراهی و انهد برای او هیچ راهی به سوی هدایت و سعادت نیست (۴۶) دعوت پروردگار تان را بپذیرید پیش از آن که

يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُمُ مِنْ مَلْجَأٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمُ

روزی فرارسد که خداوند هیچ راه بازگشتی برای آن به سوی دنیا قرار نداده، آن روز برای شما هیچ پناه گاهی وجود ندارد،

مِنْ نَكِيرٍ ﴿٤٧﴾ فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِنَّ

و برای شما هیچ راه انکاری نسبت به زشتی هایی که مرتکب شده اید نخواهد بود (۴۷) چنانچه از دعوت او برگردان شدند [اندوه مخور] اما تو را امر اقبال آنان نرسانده ایم

عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرَحَّ

[که به اجبار هدایتشان کنی]، برعهده تو جز رساندن پیام وحی نیست، هنگامی که ما از سوی خود رحمتی [چون سلامت، امنیت، ثروت] به انسان بچشاییم

بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ

مغرورانه به آن شادمی شود، و اگر به کیفر گناهانی که مرتکب شده اند آسیب و مصیبتی به آنان برسد [به جزع و فزع روی می آورند]، مسلماً انسان بسیار

﴿٤٨﴾ اللَّهُ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ

ناسپاس است (۴۸) مالکیت و فرمانروایی آسمان ها و زمین فقط در سیطره خداست، هر چه را بخواهد می آفریند،

يَشَاءُ إِنَّا تُؤْتِيهِمْ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ ﴿٤٩﴾ أَوْ بُزُوجَهُمْ ذُكْرًا نَاثًا

به هر کس بخواهد دختر عطا می کند، و به هر که بخواهد پسر می بخشد (۴۹) یا پسران

وَإِنَّا نَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٥٠﴾ وَمَا كَانَ

و دخترانی با هم به آنان عنایت می کند، و هر که را بخواهد نازا قرار می دهد، به راستی او دانا و تواناست (۵۰)

لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَائِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ

شایسته هیچ بشری نیست که خداوند با او سخن گوید جز از راه وحی، یا از پشت حجاب، یا

رَسُولًا فَيُوحِي بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ ﴿٥١﴾

فرستادن فرشته، پس فرشته به اذن خداوند هر چه را خدا خواسته وحی می کند، همانا او بلند مرتبه و حکیم است (۵۱)

وَكَذَٰلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ

آن گونه که بپایامبر آن پیشین و وحی کردیم به همان صورت، روحی که در آن حساب بخش است از امر خود به تو وحی کردیم، در حالی که پیش از وحی انبیاء جانشینی قرار

وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا وَنَهَدْنَاهُ بِمَنْ نَسَاءُ مِنْ عِبَادِنَا

و ایمان چیست؟ ولی قرآن را نوری قرار دادیم که حرکتی از بلندگایمان را بخوابیم به وسیله آن هدایت می کنیم،

وَأَنَّكَ لَنَهْدَيْكَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٥٢﴾ صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا

تو یقیناً امدوم را به راهی راست هدایت می کنی (۵۲) به راه خداوندی که

فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ الْآلَآءُ إِلَى اللَّهِ تَصٰبِرُ الْأُمُورِ ﴿٥٣﴾

آنچه در آسمان ها و زمین است فقط در سبطه مالکیت و فرمانروایی اوست، آگاه باشیدا اهدام امور به سوی خداوند باری گردد (۵۳)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

حَمَّ ۚ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿١﴾ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ

حاء، هم (۱) سوگند به این کتاب روشنگر (۲) که ما آن را فصیح و شیوا او بدون ابهام قرار دادیم تا شما

تَعْقِلُونَ ﴿٢﴾ وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا عَلَى حَكِيمٍ ﴿٣﴾

ادر آن اندیشه کنید (۳) بپرستی این قرآن روشنگر در «أم الكتاب» که لوح محفوظ است! نزد ما بلندمرتبه و حکیم است (۴)

أَفَنَضْرِبُ عَنْكَ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتَ قَوْمًا مُسْرِفِينَ ﴿٥﴾

آیا به سبب این که شما ادر مخالفت با وحی ادر اوج زاده روی ادر یاوه گوئی هستی این را منبج ایجاد کردند و از شما باری گیریم؟ آنکه در حمت ما چنین اقتضای

وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيٍّ فِي الْأَوَّلِينَ ﴿٦﴾ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيٍّ

ندارد (۵) چه بسیار پیامبرانی را که برای اهدایت پیشینان فرستادیم، او به سبب زیاده روی در مخالفتشان از ارسال پیامبر دریغ نکردیم (۶) هیچ پیامبری

إِلَّا كَانُوا إِلَيْهِ يُسْرِفُونَ ﴿٧﴾ فَهَلْ كُنَّا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَنَحْنُ

به سوشان نیامد مگر این که او را همواره مسخره می کردیم! (۷) ما نیرومندتر از مخالفان زمان تو را هلاک کردیم،

مَثَلُ الْأَوَّلِينَ ﴿٨﴾ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ

و سرگذشت پیشینان ادر سوره های قبل گذشت (۸) اگر از این مشرکان بپرسی افریننده آسمان ها

لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿٩﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ

و زمین کیست؟ البته خواهند گفت: آن ها را توانای شکستناپذیر دانا الویده است (۹) همان کسی که

مَهْدًا أَوْ جَعَلَ لَكَ فِيهَا سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٠﴾

زمین را بستر اراضی شما قرار داد، و راه های به سودتان در آن پدید آورد تا ایه مناطق مختلفا راه یابید (۱۰)

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً يَقْدِرُ فَأَنْشَرْنَاهُ بَلَدَةً مَّيِّتًا كَذَلِكَ
تُخْرِجُونَ ^(۱۱) وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُمُ مِنَ الْفَلَak
وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ ^(۱۲) لَيْسَتِهُ أَعْلَىٰ ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُونَهُ وَأَنْعَمَتِ
سُورَةُ سِوَارٍ مِی شود نعمت پروردگار را آن ها را انداشتم ^(۱۲) و هر آینه ما به سوی پروردگار مان باز می گردیم ^(۱۳) و انما الی ربنا الی رجعنا و جعلنا من
كُنَاهُ مَقَرًّا لِّمَنْ يَنْتَبِذُ ^(۱۳) وَانَّا الی رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ ^(۱۴) وَجَعَلَ اللَّهُ مِنْ
عِبَادِهِ جُزْءًا اِكًا الْإِنْسَانَ أَكْفُورًا مَبِينًا ^(۱۵) اَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ
بَنَاتٍ وَأَصْفَحَ كُـم بِالْبَنِينَ ^(۱۶) وَإِذَا بَشِيرٌ أَحَدُهُمْ بِمَا حَزَبَ
لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ^(۱۷) أَوْ مِنْ يَتَشَوَّرُ
عِی شست، و دوش پر از خشم و آلوده می شد، با این وصف در تقسیم پسر و دختر می گویند: دختر ویژه خدا و پسر مخصوصی است ^(۱۷) آیا پسر سهم آنان است و دختر
فِي الْحَالِيَةِ وَهُوَ فِي الْإِخْصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ ^(۱۸) وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ
الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ أَنْثَىٰ أَشْهَدُ وَأَخْلَقَهُمْ سِتًّا وَكَيْتًا
رَاكَ بَنَاتًا أَوْ مَسْكُوكًا خَدَّوْنِ وَحَمَلْنَهُ دَخْتَرًا بِنْدَانِشْنَه، آیا شاهد آفرینش آنان بودند که این گونه نظر می دهند؟ کی گمان ادعای انثا درست؟ آنان اندر ناعصا نشان
سِتِّهَا دَنَهْمُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ^(۱۹) وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ
لَنَبْتِئَنَّا بِهِ أَلَمْ يَلِدْهُمْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ يَنْتَبِئُونَ ^(۲۰) اَمْ أَنْتُمْ نَارُهَا
مَالَهُمْ بَذَلِكَ مِنْ عَلَمٍ إِنَّ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ^(۲۱) اَمْ أَنْتُمْ نَارُهُمْ
كُنَّا يَا مِیَن قَبْلَهُ فَهَمْ بِهِ مُسْتَقْسِمُونَ ^(۲۱) بَلْ قَالُوا اتَّخَذَ
وَجَدْنَا الْآيَاتِ الْآلَاءِ نَاعِلًا أَمَّتَهُ وَإِنَّا عَلَى الْآلَاءِ مُكْتَدِرُونَ ^(۲۲)

وَكَذَٰلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَوْمٍ مَّتْرُوهُمْ إِلَّا تَالِ مَا تَرَوْهُمُ مَا تَرَوْهُمُ

اِسْرَوی کورانه ویرانستان نیست، اِهه همین گوییدیش از تود هیچ شهری همدار همدای بغیر ستادیم مگر آن که خوش گذرانان غرق در تار و نعمتش گفتند

وَجَدْنَا الْآبَاءَ نَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ الْآثَارِهِم مُّقْتَدُونَ ﴿٢٣﴾ قَالُوا أَأَوَّلَ

ما پدرانمان را بر اینی بالقیم که حتما به آثار اگرمی و اعتمادی امان القما می کنیم (۲۳) اِهمدار همدار گفتند

جُنتِكُمْ بَاهْدِي مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءُكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ

آیا هر چند من اینی هدایت کنندور از اینی که پدرانتان را بر آن یافته اید بریشان آورده باشیم؟ گفتند: ما مگر اینی هستیم که

كَافِرُونَ ﴿٢٤﴾ فَانْقَسَبْنَا مِنْهُمْ فَأَنْظِرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿٢٥﴾

اِهمه اِشمار امد عیان نبوت از ابر آن فرستاده اند (۲۴) در نهایت از آنان انتقام گرفتیم، پس بادقت بنگر سو انجام منکران ایات و نبوت اچگونه بود؟

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ ﴿٢٦﴾ إِلَّا الَّذِي

(۲۵) اِباد کنا هنگامی که ابراهیم به پدر اخوانداش و قومش گفت: همانا من از آنچه می پرستید بیزارم (۲۶)

فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيِّئٌ مَذِينٌ ﴿٢٧﴾ وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ

فقط کسی از می پرستما که مرا بدید آورده، بی تردید او مرا هدایت می کند (۲۷) ابراهیم بکنای پرستی را در نسل های پس از خود

يَرْجِعُونَ ﴿٢٨﴾ بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ

حقیقی ماند مگر از داد تا آنان از شرک به توحید خالص ابارگی دند (۲۸) اهل مکه بی بهره از نعمت های من نبودند بلکه ایشان و پدرانشان را از انواع نعمت ها

وَرَسُولٌ مُّبِينٌ ﴿٢٩﴾ وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ

بهر معذمت استماتان که قوتی که سر اسر حق است و فرستاده ای روشنگر ابعدهند (۲۹) اِهه سوشان امد چون قرآن به سوشان امد گفتند این سحر است

كَافِرُونَ ﴿٣٠﴾ وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِنَ الْقَرْيَتَيْنِ

و ما منکر آن هستیم (۳۰) و گفتند: چرا این قرآن را بر مردی بزرگ از این دو شهر اِمکه و طائفه فرستاد نشد؟ (۳۱) آیا

عَظِيمٍ ﴿٣١﴾ أَهَمُّ يَقْسِمُونَ رَحْمَتِ رَبِّكَ إِنَّهُمْ يَكْتُمُونَ عَنْكَ سِرَّهُمْ

اِمان هستند که رحمت پروردگارت اچون قرآن و نبوت را تقسیم می کنند انا وحی و نبوت را به هر که بخوانند بپخشند (۳۱)

فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ

ما معیشت آنان را در زندگی دنیا اکه هر که مایه امتیاز نیست این آنان تقسیم کرده ایم و برخی را از جهت درجات امان ای ابر برخی برتری داده ایم

بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرَ بِنَا وَرَحْمَتِ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَحْجَمُونَ ﴿٣٢﴾ وَ

تا یکدیگر را ابرای امور معیشت اِهه کار گیرند از بین خود تعاون اچنان کنند ااور رحمت پروردگارت اکه مقام نبوت و وحی است از آنچه آنان جمع می کنند ابرای تواضع است

لَوْلَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالْإِسْئِمْ

(۳۲) اِهمه اِهمه معیشتی کالان از انواع نعمت ها اسباب می شد که همه مردم اِهه طمع ثروت نبوت بر محور کفر اِشمار واحد شوند، ما برای کافران به خدا اوتد

لِيُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ سَفَافًا مِنْ فِضَّةٍ وَمَحَابٍ عَلَيْهَا يُظْهِرُونَ ﴿٣٣﴾

رحمان سقفا های از نظره کامل به جای چوب و گل قرار می دادیم ااور دبان های که اِهه وسیله ان ابر طبقات افسر های دارای سقفا نظر می اار ابر وند (۳۳)

وَلْيَبْيُخِّرْهُمُ أَبَوَا بَابٍ وَسِرًّا عَلَيْهِمْ يَتَكَلَّمُونَ ﴿٣٣﴾ وَزُخْرُفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ
وَأَبَوَا بَابٍ كَانَ عَلَيْهِمَا نِدَاءٌ أَكْبَرُ مَا كَانَ عَلَيْهِ زَنْدَادٌ ﴿٣٤﴾ وَالْوَالِدَ الْأَوَّلَ وَبِئْسَ الْأَخِيرُ إِذْ أُخْبِرَ بِشَيْءٍ مِنْهُمَا كَمَا لَمْ يَكُنْ فِيهِمْ شَيْءٌ مِنْهُمَا
لَسَاءَ مَتَاعُ الْحَيَوةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٣٥﴾ وَمَنْ
يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نَقِيضٌ لَهُ شَيْطَانًا فَأَقْهَمَ لَهُ قَرِينًا ﴿٣٦﴾ وَإِنَّهُمْ
لَيَصْدُقُ وَفَاءُ عَنْ السَّبِيلِ وَيَكْسِبُونَ أَنَّهُمْ مُكْتَدُونَ ﴿٣٧﴾ حَتَّى إِذَا
جَاءَنَا فَالْطَّالِبَاتِ بَيْتِي وَبَيْتَكَ بَعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ
تَا زَمَانِي كَمَا إِذَا قِيَامَتِ نَزْدَ مَا أَتَيْدُ، أَمْرُكَ بِهَ شَيْطَانٍ خُودَا مِي كُودِي: اِي كَاشِ بَيْنَ مِنْ وَتَوَ ابَهْ أَتَدَارُفَا دُورِي مَشْرِقٍ وَ مَغْرِبٍ يَوْفُ، بَيْسَ بَدِ
﴿٣٨﴾ وَلَنْ يَنْفَعَكَ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتَهُ أَنتَ لَمْ تَكُنْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ
هَمَشِيَنِي، يَوْفِي ﴿٣٨﴾ اِبَهْ أَتَانِ كُودِي: اَمْرُوزِ الْأَرْوَى دُورِي اَزْ شَيْطَانٍ چُونِ فَاصِلَةُ مَشْرِقٍ وَ مَغْرِبِ اِسْوَدِي بِرَأْيِ شَمَا نَدَارِدَه زَبْرًا اِدرِ دُنْيَا بِه
﴿٣٩﴾ أَفَأَنْتَ تَسْمِعُ الصَّمْرَ أَتَهْدِي الْعُمَى وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ
وَ حِي وَ نَبُوتِ اِسْتَمِعْ كَرِيدًا، وَ اَنْتُونِ اِبَاهِمَا اِدرِ عَذَابِ شَرِيكَ هَسْتِيدِ ﴿٣٩﴾ اِيَا تُو مِي تُو اِي اِدْعُوْتِ رَا اِبَهْ كَرَانِ بَشْتُو اَنِي، يَا كُودِي لَانِ وَ كَسَاتِي رَا كِه
﴿٤٠﴾ فَأَمَّا أَنْ هَبَّتْ بَاكَ فَانَا صَنَعْنَاهُمْ مِنْقَحُونَ ﴿٤١﴾ أَوْنُرَيْتَكَ
دُرْ كَمْرَاهِي اَشْكَارُنْدَ هَدَايَتِ كُنِي ﴿٤٠﴾ چُونِ تُو رَا اَزْ دُنْيَا بِيرَمِي، بِهَقِينِ اَزْ اِيْتَانِ اِبَا عَذَابِ بِبِجَارَه كُنْدَه اِي اِشْتِقَامِ خُو اِهْمِ كُوفَتِ ﴿٤١﴾
الَّذِي وَعَدْنَا لَهُمْ فَأَنَّا عَلَيْهِمْ مُّقْتَدِرُونَ ﴿٤٢﴾ فَاسْتَسْيَلْ بِالذِّكْرِ الْوَحْيَ
بَا اَلْكَ اَزْ دُنْيَا نَبْرَمِي، اَلْجَهْ اَزْ عَذَابِ اِبَهْ أَتَانِ وَعَدَه دَاوَدِ اِيْمِ بِه تُو نَشَانِ خُو اِهْمِ دَاوَد، چُونِ مَا بِرِ اِهْلَاكِ كَرْدَنِ اَتَانِ قُصْرَتِ دَارِمِ ﴿٤٢﴾ بَيْسَ بِه اَلْجَهْ
اَلْيَاكَ اِنَّكَ اَنْتَ اَعْلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٤٣﴾ وَإِنَّكَ لَذِكْرُكَ وَلِقَوْمِكَ
بِه تُو حِي شُدِه چُنْكَ اَزْ اِبَه اِسْتِي تُو اِبَرَه اِهْمِ سَتَقِيمِي قُرَارِ دَارِي ﴿٤٣﴾ سَلَامًا اَيْنِ اَلْقُرْآنِ اِبْرَأْيِ تُو وَ اَمْتَمْتِ مَا بِه بِسْرِ بَلَدِي وَ عَزْتِ اِسْتِ، وَ بِه تُو حِي، اَتُو
وَسَوْفَ تُسْعَلُونَ ﴿٤٤﴾ وَسَعَلَ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا
بِرَأْيِ وَ طَلِيقَه دَاشْتَنِ دُرِ اِبْلَاغِشِ، وَ اَمْتِ بِرَأْيِ هَسْتُو لَبِشِشِ دُرِ اِبْرَأْيِ اَنْ اِبَارِ خُو اِسْتِ خُو اِهْمِ شُدِ ﴿٤٤﴾ اَزْ بِيَا سِرِ اَسْمَانِ كِه بِيَشِ اَزْ تُو فُرِسْتَاوَه اِيْمِ بِيرَمِي،
أَجْعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِلَهًا يُعْبَدُونَ ﴿٤٥﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا
اِيَا بِه جَايِ خُدَاوَلِدِ رَحْمَانِ مَعْبُودَانِي كِه مَوْدِ بَرِسْتِشِ وَاقِعِ شُونْدِ قُرَارِ دَاوَدِ اِهْمِ اِي ﴿٤٥﴾ هَمَلْنَا
مُوسَى بِأَيَّانِنَا اِلَى فِرْعَوْنَ وَحَلَاةٍ فَفَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ
مَا مُوسَى رَا بَا مَعْجِرَاتِ خُودِ بِه سُوِي فِرْعَوْنِ وَ سِرَانِ اِمْتَكَنَرَا قُومِشِ فُرِسْتَاوَه اِيْمِ، اِبَا رُوِيه وَ شُدْنِ بَا اَتَانِ اِ كُفْتِ: بَيْسَ تَرَدِيدِ مِنْ فُرِسْتَاوَه
الْعَالَمِينَ ﴿٤٦﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِأَيَّانِنَا إِذْ هُمْ مِنْهَا يَصْخَرُونَ ﴿٤٧﴾

وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَا لَهُمْ بِالْعَذَابِ

ما هیچ معجزه‌ای را به آنان ارائه نمی‌کردیم مگر این که از مشابهش مهم‌تر و کوبنده‌تر او برای اثبات رسالت موسی حقیقتی مستقل بود، آنان را اینه عکس انکار معجزات و

لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤٨﴾ وَقَالُوا يَا آيَةُ السَّاحِرِ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا

تمسخر آن‌ها! دچار عذاب احمطی و خشک‌سالی و مصائب دیگر! گردیم، برای این که از باطل به حق بازگردند (۴۸) چون گرفتار بلا شدند گفتند: ای جادوگر! در پیشگاه

عَمَدٍ عِنْدَكَ إِنَّا لَمُهْتَدُونَ ﴿٤٩﴾ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ

بروردگارت بر اساس پیمانی که با تو دارد که اگر مؤمن شویم عذاب را از ما برمی‌دارد! برای ما دعا کن، که ما راه یافته شویم (۴۹) چون عذاب را از آنان برطرف می‌کردیم ناگهان

بَنَكُوتٍ ﴿٥٠﴾ وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ

بیمان شکنی می‌کردند (۵۰) فرعون ابرای نظر خواهی از قوم ستمگرش! بین قومش ندا کرد: ای ملت من! آیا حکومت مصر ویژه من نیست، و این نه‌رها اینه فرمان من! از

مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٥١﴾ أَمْ

زیر آتاک‌های من روان نیستند، آیا عظمت و جاه و جلال مرا نمی‌بینید؟! (۵۱) مگر نه این است که من از این شخصی که خوار و بی‌مقدار است، و زبان گویایی برای بیان

أَنَا خَيْرٌ مِنْ هَذَا الذِّبِّ هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يَبِينُ ﴿٥٢﴾

اقتضودش ندارد بهترم؟! (۵۲) اگر او عزت و شخصیت داشت! پس چرا دستبندهای طلا و زرین بر او آویخته نشده است، یا چرا فرشتگانی همراه او نیامده‌اند؟! از تو را رسم

فَلَوْلَا أَلْقَى عَلَيْهِ آسُورَةٌ مِنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَأُيْكَةُ

اگر نه یک نزد پادشاهان با جمعی از همراهان است! (۵۳) فرعون! ملتش را! این نیرنگ و تبلیغات ناروا! به سبک مغزی و حماقت کشاند، آنان هم ابا باور کردن عطا‌بش! از

مُقْتَرِنِينَ ﴿٥٣﴾ فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ

او اطاعت کردند؛ زیرا ملتی منحرف و نافرمان بودند (۵۴) چون از مینه! خشم ما را ابر ضد خود! فراهم آوردند از آنان انتقام گرفتیم، و نهایتاً همه را ادر آب خروشان دریا!

﴿٥٤﴾ فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥٥﴾

غرق کردیم (۵۵) و آنان را پیشگامان اورد در عذاب!، و عبرتی آموزنده! برای آیندگان قرار دادیم (۵۶) چون ادر این قرآن! به عیسی! فرزند مریم از جهت عبادات و اوصاف

فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِلْآخِرِينَ ﴿٥٦﴾ وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ

بندگی خالص! مثل زده شد، تا گاهان قوم تو به دنبال آن! از روی تمسخر! به اخذیدن! و هیاو برداختند! که: اگر عیسی که نصاری او را معبود می‌دانند همه پرستندگانی

مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ ﴿٥٧﴾ وَقَالُوا أَلَيْسَ الْهَتْنَا خَيْرٌ أَمْ

به دوزخ می‌روند، پس بگذار ما هم با معبودانمان به دوزخ برویم! (۵۷) و گفتند: آیا معبودان ما که فرشتگان زب انواع بُت‌های ما هستند! بهترند یا پسر مریم که موجودی

هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ الْأَجْدَلَا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خِصْمُونَ ﴿٥٨﴾ إِنَّ

زمینی است و معبود نصاری؟! آنان این! مقایسه بین معبودان خود و پسر مریم! را برای تو مثل نزدند جز از روی بحث بی‌دلیل و ستیزه‌جویی، بلکه اینان گروهی لجوج

هُوَ الْأَعْبَدُ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٥٩﴾

در خصوص اقدس (۵۸) پسر مریم جز بنده‌ای که به او نعمت! عبادت و نبوت و معجزات را! عطا کردیم نبود، و او را سر مشقی ایزدگار! برای بنی اسرائیل قرار دادیم انا به وسیله

وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ مِنْكُمْ مَلَأُيْكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلَفُونَ ﴿٦٠﴾

او حقایق را بفهمند! (۵۹) ما اگر بخواهیم به جای شما! متکبران و حی‌ستیز! فرشتگانی اوحی پذیر! در روی زمین قرار می‌دهیم انا مشتاقانه ما را عبادت کنند! (۶۰)

وَأَنَّهُ لَعَلَّهُ لَسَاعَةً فَلَا تَمْتَرُونَ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطًا

به راستی فرزند مردم که اولادش معجزه‌های عظیم از قدرتمندی خدا بود، اسباب آگاهی اولین به قیامت است، بنابراین در اوقع آن تردید نکنید و پیرومن باشید که این راه

مستقیم ^(۶۱) وَلَا يَصْدُرُ عَنْكَ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكَ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ^(۶۲)

مستقیم است ^(۶۱) شیطان شما را ابا و سوسه‌هایش از پذیرفتن حقایق باز ندارد، مسلماً او دشمن آشکار شما است ^(۶۲)

وَلَسَّاجِدًا عِيسَىٰ بِالْبَيْتِ نَاتٍ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ
هنگامی که عیسی امعجزات و دلایل روشن آورد گفت: همانا من برای شما معارف استوار و سودمند آورده‌ام

لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلَفُونَ فِيهِ فَإِنِ قَالُوا **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** ^(۶۳) إِنَّا اللَّهُ

تا برخی از امور دینی و غیر دینی را که در آن اختلاف دارید برای شما توضیح دهم انا رفع اختلاف شود؛ بنابراین از خداوند بزرگسب و پیرومن باشید ^(۶۳) می‌ترسید

هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ^(۶۴) فَاخْتَلَفَ

الله پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را بپرستید که این راه مستقیم است ^(۶۴) از عیان است

الْأَحْزَابِ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الدِّمْرِ ^(۶۵)

عیسی گروه‌هایی را در مورد او و آیینش دچار اختلاف شدند و به گمراهی افتادند پس وی را پرستکاران اینه دین حق از عذاب روزی در دناک ^(۶۵)

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

آیا جز قیامت را انتظار می‌کشند که ناگهان در حالی که نمی‌فهمند به سراغشان آید!

يَا **الْأَخِلَاءُ** بَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ ^(۶۶)

^(۶۶) ای دوستان، [که دوستی‌شان بر محور مآذیات بود، دشمن یکدیگر گردند، مگر آنان که از خداوند اطاعت می‌کردند، و از معجزاتش ابرهیز داشتند ^(۶۷)

عِبَادِ لَا خَوْفَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ^(۶۸) الَّذِينَ آمَنُوا

ا خداوند در آن روز به آنان خطاب می‌کند: ای بندگانم! امروز نه بیمی بر شماست، و نه اندوه‌گین خواهید شد ^(۶۸) هم آنان که

بِأَيِّدِنَا وَكَانُوا أَحْسِبَ لِمَنِ ^(۶۹) ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ

به آیات ما ایمان داشتند، و تسلیم [ما] بودند ^(۶۹) ا به آنان گفته می‌شود: شما و همسرانتان که آراسته به تقوا بودید!

تُخَبَّرُونَ ^(۷۰) يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَ

در حالی که اباالطاف و فضل خداوند ا شادمانتان می‌کنند به بهشت و از دشوید ^(۷۰) ظرف‌هایی از طلا ایز از خوردنی و جام‌هایی از زین‌بر از شراب طهورا

فِيهَا مَا نَشْتَهِيهِ الْأَنفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا

کرآ کر دشان می‌گردانند، در آن جا آنچه دلخواهشان باشد و چشم‌هایشان از آن غرق لذت شود برای آنان فراهم است، شما ای اهل تقوا!

خَالِدُونَ ^(۷۱) وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ

در آن جاودانه‌اید ^(۷۱) این بهشتی است که در برابر اعمالی که همواره برای خدا

تَعْمَلُونَ ^(۷۲) لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ ^(۷۳)

انجام می‌دادید میراثتان داده‌اند ^(۷۲) در این جا میوه‌های فراوانی برای شماست که از آن‌ها می‌خورید ^(۷۳)

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّهِمٍّ خَالِدُونَ ﴿٧٢﴾ لَا يُفْتَرَعْنَاهُمْ وَهُمْ فِيهِ

گناه‌پیشگان [اکافر و مشرک] در عذاب دوزخ جاودانه‌اند (۷۲) [عذاب را] از آنان سبک و کم نمی‌کنند.

مُبْلِسُونَ ﴿٧٥﴾ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ ﴿٧٦﴾ وَنَادَوْا يَا

و در آن جا [به شدت غمناک و از نجات خود] ناامیدند (۷۵) ما به آنان [در معذب‌شدنشان] ستم نکردیم، بلکه خودشان به خود ستم ورزیدند (۷۶) [اعتسافانه] فریاد

مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَا اكْتُمُونَ ﴿٧٧﴾ لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ

می‌زنند ای مالک [ای نگهبان دوزخ] [به] پروردگارت [بگو] جان ما را بگیرد [تا از این عذاب آسوده شویم]. می‌گویید: بی‌تردید شما [برای همیشه] ماندنی هستید (۷۷)

وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ﴿٧٨﴾ أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ

همانا ما حق را [در دنیا] برای شما آوردیم، ولی بیشترتان حق را خوش نداشتند (۷۸) بلکه کار [توطئه و نیرنگ خود] را [بر ضد حق] محکم کردند، پس ما هم [انقضای عجزات

﴿٧٩﴾ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَهُمْ

و عذابشان را] محکم می‌کنیم (۷۹) یا گمان می‌کنند ما [از توطئه‌های] سزای آنان [بی‌خبریم] و سخنان مخفیانه آنان را نمی‌شنویم، چرا، [از توطئه‌هایشان] آگاهیم و

يَكْتُبُونَ ﴿٨٠﴾ قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ ﴿٨١﴾ سُبْحَانَ

شنوای سخنان مخفیانه آن‌ها [بیم]، [فرستادگان ما] که فرشتگان نویسنده اعمالند [نزد آنان] حاضرند و توطئه‌ها و سخنان مخفیانه آنان را [می‌نویسند] (۸۰) [به مشرکان]

رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٨٢﴾ فَذَرَهُمْ مَخَصُومًا

بگو: اگر برای خداوند رحمان فرزندی بود من [در این زمان] نخستین کسی بودم که [از او] اطاعت می‌کردم، [و او را] گرامی می‌داشتیم (۸۱) [پروردگار آسمان‌ها و زمین که

وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي بُوْعِدُوا ﴿٨٣﴾ وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ

صاحب حکومت [و تدبیر بر همه جهان هستی] است [از آنچه] [او را] به آن [وصف می‌کنند پاک و منزّه است] (۸۲) [اکنون که حق را نمی‌پذیرند] آنان را [از] [اگر] باوه‌گوئی

إِلَهُ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهُ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ﴿٨٤﴾ وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ

فروروند، و سرگرم بازیگری باشند تا قیامتشان را که به آن تهدید می‌شوند دیدار کنند (۸۳) اوست که در آسمان‌ها و زمین معبود واقعی است، و او حکیم و داناست (۸۴)

مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ

[همیشه] خجسته و بترخیز است کسی که مالکیت و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن دو است فقط در سیطره اوست، و آگاهی از [وقوع] قیامت فقط نزد اوست.

تَرْجِعُونَ ﴿٨٥﴾ وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا

و شما را به‌سوی او باز می‌گردانند (۸۵) کسانی را که به جای خدا [برای حل مشکلاتشان] می‌خوانند، اختیاردار شفاعت نیستند، [اختیار شفاعت نیست] مگر [با]

مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٨٦﴾ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ

کسانی که به حق و حقیقت اعتراف داشتند، و می‌دانند [چه کسانی استحقاق شفاعت شدن دارند] (۸۶) اگر از مشرکان بپرسی چه کسی آنان را آفریده، البته می‌گویند:

لَيَقُولَنَّ اللَّهُ فَإِنِّي بُوْءُ فَكُونُ ﴿٨٧﴾ وَقِيلَ يَا رَبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ

الله، پس چگونه [از حق به‌سوی باطل] منحرفشان می‌کنند؟! (۸۷) [خداوند از سخن پیامبر] کاملاً آگاه است که [می‌گوید: پروردگار! اینان گروهی هستند که ایمان

لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٨٩﴾

نمی‌آورند (۸۸) [اکنون که از هدایتشان] مأیوسی [از آنان روی برتاب، و بگو: این‌ها و شما] جدایی [است]. به‌زودی [از نتیجه شقاوت و عنادشان با حق] آگاه می‌شوند (۸۹)

سُورَةُ الدُّخَانِ

آیاتها
۵۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

حَمْدٌ ۱) وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ۲) اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُّبَارَكَةٍ اِنَّا

حام، میم (۱) سوگند به این کتاب روشنگر (۲) که آن را در شبی خجسته و یخیز نازل کردیم؛

كُنَّا مُنذِرِينَ ۳) فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ اَمْرٍ حَكِيمٍ ۴) اَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا اِنَّا

زیرا همواره هشدار دهنده بودیم (۳) در آن شب هر امر استواری مشخص و متمایز می شود (۴) [نزل قرآن آکاری است که از نزد ما (صورت پذیرفته]،

كُنَّا مُرْسِلِينَ ۵) رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ اِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۶)

مسلمانا همواره فرستنده (و وحی و ارسال کننده پیامبران بوده ایم (۵) [همه این امور به سبب رحمتی از جانب پروردگار تو است، به راستی او شنوا و داناست (۶)]

رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا اِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ ۷)

همان پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه بین آن دو تا است، اگر اهل یقین باشید (۷)]

لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ الْاَبَائِكُمُ الْاَوَّلِينَ ۸) بَلْ

هیچ معبودی جز او نیست، حیات می بخشد و می میراند، پروردگار شما و پدران پیشین شما [است] (۸)]

هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ ۹) فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ

[نه این که یقین ندارند، بلکه در حالی که باز یگرند او واقعیات هستی را جدی نمی گیرند در تردیدی سختند (۹) پس منتظر روزی باش که آسمان دودی

۱۰) يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ اَلِيمٌ ۱۱) رَبَّنَا كُفِّسْ عَنَّا

آشکار بیاورد، (۱۰) [دودی که همه مردم [کافر و مشرک] را از هر طرف [حاطه می کند، این دود، عذابی دردناک است (۱۱) امی گویند: پروردگار!]

الْعَذَابِ اِنَّا مُؤْمِنُونَ ۱۲) اِنِّیْ لَهُمُ الذِّكْرُیْ وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُوْلٌ

[این عذاب را از ما بر طرف کن که [هم اکنون به همه حقایق و معارف ایمان می آوریم (۱۲) هشیار شدن و آوازی از ایمان آوردن چگونه برای آنان سودمند است در حالی که

مُبِیْنٌ ۱۳) ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوْا مُعَلَّمٌ مَّجْنُوْنٌ ۱۴) اِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ

ایش از این عذاب [پیامبری روشنگر به سوی شما آمد؟ (۱۳) آنگاه [نه این که ایمان نیاوردند، بلکه از او روی گردانند و گفتند: تعلیم یافته ای دیوانه است! (۱۴) ما

فَلْيَلَا اِنَّكُمْ عَائِدُونَ ۱۵) يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرٰی اِنَّا

بر فرض [مدتی اندک] آن عذاب را بر طرف کنیم یقینا شما [به همان عقایدی پایه و اعمال زشتان] باز می گردید (۱۵) [قیامت] روزی [است که] [کنیم] ایشان

مُنْقِمُونَ ۱۶) وَلَقَدْ فَتَنَّا فَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُوْلٌ

[و] با قدرتی بسیار شدید [به انتقامی مهیب] دچار کنیم؛ زیرا ما انتقام گیرنده ایم (۱۶) به راستی پیش از اینان فرعونیان را آزمودیم، و پیامبر بزرگواری

كَرِیْمٌ ۱۷) اَنْ اَدُّوْا اِلَیَّ عِبَادَ اللَّهِ اِنِّیْ لَكُمْ رَسُوْلٌ اٰمِیْنٌ ۱۸)

برای آنان آمد (۱۷) [به آنان گفت] که بندگان خدا را [که مورد شکنجه شما هستند] به من بسپارید، من برای شما پیامبری امینم (۱۸)]

وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿١٩﴾ وَإِنِّي عَذْتُ

در برابر خداوند بر تری جویی و سرکشی نکنید، من برای شما [جهت باور کردن نبوت] معجزه‌های روشن آورده‌ام (۱۹) من از اینکه طردم کنید به پروردگارم و پروردگار

بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُحُونَ ﴿٢٠﴾ وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاغْنِ لُونِ ﴿٢١﴾ فَدَعَا

شما پناه می‌برم (۲۰) اگر [به من] ایمان نمی‌آورید از من کناره‌گیری کنید [و رهایم سازید تا از ادانه پیام وحی را به مردم برسانم] (۲۱) [از آزار و محدود کردنش دست

رَبِّهِ أَنْ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ مُجْرِمُونَ ﴿٢٢﴾ فَاسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُتَّبَعُونَ ﴿٢٣﴾

برنداشتند، او هم [به پیشگاه پروردگار] عرضه داشت: اینان مردمی گناه‌پیشه‌اند (۲۲) [مادعا] عایش را اجابت کرده، گفتیم: [بندگان] را شبانه کوچ ده که حتما مورد تعقیب

وَاتْرِكِ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُغْرَقُونَ ﴿٢٤﴾ كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَ

افرونیان [قرار خواهید گرفت (۲۳) دریا را [پس از بیرون آمدن] آرام و گذار [نا فرعونیان در آن وارد شوند، [زیرا] سپاهی غرق شدند هستند (۲۴) چه بسیار باغ‌ها و

عُيُونٍ ﴿٢٥﴾ وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٢٦﴾ وَنَعْمَةً كَانُوا فِيهَا فَانْكَبِينَ ﴿٢٧﴾

چشمه‌سارهایی که [پس از نابود شدن] نشان [بر جای گذاشتند (۲۵) و نیز کشتزارها و جایگاهی با ارزش (۲۶) و نعمت‌هایی که در آن‌ها عایشی و خوش گذرانی می‌کردند (۲۷)

كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ ﴿٢٨﴾ فَمَا بَكَتُ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ

[آری عاقبتشان [چنین] بود، و ما همه [آنچه در اختیار داشتند] را به قومی دیگر انتقال دادیم (۲۸) [پس از غرق شدن فرعونیان] آن آسمان بر آنان گریست

وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ ﴿٢٩﴾ وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ

و نه زمین، و نه [برای] جبران جنایاتشان [مهلت یافتند (۲۹) همانا بنی اسرائیل را از آن شکنجه خفت‌پذیر

﴿٣٠﴾ مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾ وَلَقَدْ أَخْرَنَاهُمْ

نجات دادیم (۳۰) از چنگ فرعون که فردی گردن‌کش از زمره اسراف‌کاران [در ظلم و جنایت] بود (۳۱)

عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٣٢﴾ وَأَنبَيْنَاهُمْ مِنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاؤٌ

و بنی اسرائیل را بر پایه آگاهی و علمی [که به استحقاقشان داشتیم] [بر جهانیان] آروزگار خودشان [بر تری دادیم (۳۲) و از معجزات آنچه را که در آن

مُبِينٌ ﴿٣٣﴾ إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ ﴿٣٤﴾ إِنَّ هِيَ إِلَّا مَوْنَتُنَا الْأُولَىٰ وَ

از مایشی آشکار بود عطایشان کردیم (۳۳) این مشرکان [الجوج با این که دلایل استواری به آنان ارائه شده، به پیامبر و مؤمنان] می‌گویند: (۳۴) [بایان کار ما] جز

مَا نَحْنُ بِمُنْشَرِينَ ﴿٣٥﴾ فَاتُوا يَا بَائِسًا إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٦﴾ أَهْمُ

همان مرگ اولی [که با تمام شدن عمر به سراغمان می‌آید] نیست، و هرگز [بار دیگر] زنده نخواهیم شد (۳۵) اگر شما [در این زمینه]

خَبَرًا مَّ قَوْمٌ تَبِعَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا

راستگو هستند پدران ما را [که مرده‌اند زنده کنید و نزد ما] بیاورید (۳۶) آیا اینان در قدرت و شوکت برترند یا قوم «تبع» و کسانی از مشرکان [که پیش از آنان بودند]

مُجْرِمِينَ ﴿٣٧﴾ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا عِبِينَ

ما [همه] آنان را [به کفر] انکار معاد [هلاک کردیم؛ زیرا] به علت عدم ایمان به قیامت [مردمی گناه‌پیشه بودند (۳۷) ما آسمان و زمین و آنچه را بین آن دو تاسست

﴿٣٨﴾ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾

به بازی نیافریده‌ایم (۳۸) ما آن دو را جز بر پایه حق و درستی به وجود نیاورده‌ایم، ولی بیشترشان [به حقایق] معرفت ندارند (۳۹)

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٠﴾ يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى

بی تردید روز جداسازی [حق از باطل، و مؤمن از کافر] وعده گاه همه آنان است (۴۰) [همان] روزی که هیچ دوستی چیزی از عذاب را از

شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤١﴾ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ

دوستش برطرف نمی کند، و نیز یاری نخواهند شد (۴۱) جز کسی که خداوند او را مورد رحمت قرار دهد؛ زیرا او توانای شکستناپذیر

الرَّحِيمُ ﴿٤٢﴾ إِنَّ شَجَرَتَ الرَّقُومِ ﴿٤٣﴾ طَعَامُ الْأَثِيمِ ﴿٤٤﴾

و مهربان است (۴۲) مسلماً درخت «رقوم» (۴۳) خوراک شخص گناه کار است [که تا پایان عمر بر گناه پیشگی اصرار داشت] (۴۴)

كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ ﴿٤٥﴾ كَغَلَى الْحَمِيمِ ﴿٤٦﴾ خُذُوهُ

[از رقوم] چون مسی ذوب شده در شکم ها می جوشد (۴۵) مانند جوشیدن آب بسیار جوشان (۴۶) [خطاب می شود: این] گناه پیشه را بگیرد

فَاعْتَلُوهُ إِلَىٰ سَوَاءِ الْجَحِيمِ ﴿٤٧﴾ ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ

و او را با قهر و خشونت به وسط دوزخ بکشانید (۴۷) سپس از آب جوشان که مایه عذابی سخت است

الْحَمِيمِ ﴿٤٨﴾ ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ﴿٤٩﴾ إِنَّ هَذَا مَا

بر سرش فرو ریزید (۴۸) [و او را به شدت تحقیر کرده، بگویند: ایچش] که تو را به خیال خود همان قدر تمند و بزرگواری! (۴۹) [این] قیامت و دوزخ همان است که

كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ ﴿٥٠﴾ إِنَّ الْمُنَاقِبِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ ﴿٥١﴾ فِي جَنَّاتٍ

همواره در مورد آن تردید داشتید (۵۰) یقیناً آنان که از خداوند اطاعت می کردند، و از محرماتش پرهیز داشتند در جایگاه امنی خواهند بود (۵۱)

وَعُيُونٍ ﴿٥٢﴾ يَلْبَسُونَ مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُنْقَابِلِينَ ﴿٥٣﴾

در بوستان ها و چشمه سارها (۵۲) [لباس هایی] از ابریشم نازک و ستبر می پوشند،

كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ﴿٥٤﴾ يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ

[و] در برابر یکدیگر می نشینند (۵۳) [موقعیت عالی بهشتیان] چنین است، و علاوه بر آن نعمت ها [حوری درشت چشم را به همسری آنان در آوریم] (۵۴) در آن جا

فَاكِهَةٍ آمِنِينَ ﴿٥٥﴾ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ

هرگونه میوه ای خواهند در کمال آسودگی خاطر می طلبند و از آن می خورند (۵۵) در آن بوستان ها مرگ را

الْأُولَىٰ وَوَقَّعَهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿٥٦﴾ فَضَلًا مِنْ رَبِّكَ

نمی چشند، [مرگی برایشان نیست] مگر همان [مرگ نخستین] که در پایان عمرشان در دنیا چشیدند، خداوند آنان را از عذاب دوزخ نکه میدارد (۵۶) [این] احسانی است از

ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٥٧﴾ فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ

سوی پروردگارت، این همان کامیابی بزرگ است! (۵۷) جز این نیست که ما [فهم] قرآن را بازبان تو [که بسیار فصیح و گویاست] آسان ساختیم تا آنان هشیار و پندپذیر شوند (۵۸)

لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥٨﴾ فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُرْتَقِبُونَ ﴿٥٩﴾

بس [چنانچه] هشیاری و پندپذیری را نخواستند، برای تغییر اوضاع [به انتظار انصرت خداوند] باش، که آنان هم منتظر [به کرسی نشستن خیالات خود] هستند! (۵۹).



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

حَمِّ ۱ نَزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۲ إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ وَ

حاء، میم (۱) این کتابی است که از سوی خداوند توانای شکست ناپذیر و حکیم نازل شده است (۲) یقیناً در آسمان‌ها

الْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ ۳ وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُتُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ

وزمین برای مؤمنان نشانه‌هایی [بر قدرت، ربوبیت و حکمت خدا] است (۳) و در آفرینش شما و همه جنبندگان که پراکنده می‌کند انبیا [نشانه‌هایی

يُوفُونَ ۴ وَخِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ

برای اهل یقین است (۴) و در رفت و آمد شب و روز، و آنچه خداوند از رزق [چون باران و برف] از آسمان فرستاده

فَاحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۵

و به وسیله آن زمین را پس از مردنش زنده ساخته، و در تغییر بادها [از سویی به سوی دیگر] برای مردمی که [در حقایق] اندیشه می‌کنند نشانه‌هایی است (۵)

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ

این‌ها آیات خداست، [آیاتی که بی‌انگیز نشانه‌های قدرت و ربوبیت و یگانگی او در جهان هستی است] که بر پایه حق و درستی او به دور از هر باطلی [بر تو می‌خوانیم،

يُؤْمِنُونَ ۶ وَيُلْ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ۷ بِسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُنْثَلِ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ

پس اگر به این آیات و مصداق و مفاهیم ایمان نیاورند] به کدام سخن بعد از [سخن] خدا و نشانه‌هایش [که در این آیات مطرح است] ایمان می‌آورند؟! (۷) وای بر هر

مُسْتَكْبِرًا كَانَ لَمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۸ وَإِذْ عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا

دروغ گوی گناهپیشه! (۸) که آیات خدا را چون بر او می‌خوانند می‌شنود، آن گاه متکبرانه [بر کفر و عنادش] با فشاری می‌کند که گویی هرگز آن‌ها را نشنیده است، پس او را

شَيْئًا اتَّخَذَ هَاهُنَا وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ۹ مِنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَ

به عذابی دردناک خبر ده (۹) چون به اندکی از آیات ما آگاه می‌شود آن را به مسخره می‌گیرد، یقیناً برای آنان عذابی خواهد بود (۹) بیش رویشان دوزخ است،

لَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ

و آنچه از ثروت و مقام و یاور [به دست آورده‌اند، و آنچه را به جای خداوند به عنوان] معبود و اسیر پرست خود انتخاب کرده‌اند چیزی [از عذاب را] از آنان برطرف

عَذَابٌ عَظِيمٌ ۱۰ هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ

نمی‌کند، مسلماً برای آنان عذابی بزرگ است (۱۰) [سر اسرار آیات] این [قرآن] اهدایت‌گر است، و برای منکران به آیات پروردگارشان عذابی است از نوع عذابی

رِجْزٍ أَلِيمٍ ۱۱ اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لَتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَ

بسیار سخت و دردناک (۱۱) خداوند است که دریا را به سود شما به کار گرفت تا کشتی‌ها به فرمانش در پهنه آن حرکت کنند،

لَتَبْنَعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۱۲ وَتَسَخَّرَ لَكُمْ مِمَّا فِي السَّمَوَاتِ وَ

برای اینکه جوای احسان و روزی او شوید و شکر [انعمت‌هایش را] به جا آورید (۱۲) [همه] آنچه را در آسمان‌ها و زمین است

مِمَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۱۳

از جانب خودش به سود شما به کار گرفته است، بی تردید در این [امور] برای مردمی که اندیشه می‌کنند نشانه‌هایی [بر قدرت و ربوبیت و لطف خدا] است (۱۳)

قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بَغْفِرٌ وَالَّذِينَ لَا يُورِثُونَ آيَاتَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا
 بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٢﴾ مَن عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَن أَسَاءَ
 فَعَلَهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمُ تُرْجَعُونَ ﴿١٣﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ الْكِتَابَ
 وَالتَّوْرَةَ وَالنَّبِيَّةَ وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ
 ﴿١٤﴾ وَأَنبَيْنَاهُم بُيُوتَ مَنَ الْأَمْوَافِ اخْتَلَفُوا الْأَمِينَ بَعْدَ مَا جَاءَهُم
 الْعِلْمُ بِغَيْرِ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكَ يَقْضَىٰ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا
 فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٥﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْوَافِ تَتَّبِعُهَا
 وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٦﴾ أَنهَمْ لَن يَغْنُوا عَنكَ مِّنَ
 اللَّهِ شَيْئًا وَآتَ الظَّالِمِينَ بَعْضَهُم بِأُولِيَاءٍ بَعْضُهُمْ وَاللَّهُ وَلِيُّ
 الْمُتَّقِينَ ﴿١٧﴾ هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ
 ﴿١٨﴾ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَن نَّجْعَلَهُم كَالَّذِينَ
 آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً حَيَاتُهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا
 يَحْكُمُونَ ﴿١٩﴾ وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ
 لِيُجْزِيَ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٠﴾

تا هر کسی ابرایه عده اتی که در همه نظام افرینش حاکم است ادر برابر آنچه انجام داد ما دایم باشد و انسان ها ادر مورد ادا انشان امور دستم قرار نمی گیرند (۲۲)

بد داوری می کنند (۲۱) خداوند آسان ها و زمین را به راستی و درستی افرید

ما اتان را مانند مؤمنانی که کارهای شایسته انجام داده اند فرار می دهیم که زندگی و مرگشان برابر باشد؟

برای اهل یقین است (۲۰) آیا کسانی که مرکب گناهان شده اند، همانسان این است که

و خداوند سرپرست و یاور پر هیزگان است (۱۹) این قرآن برای مردم مایه بینش و روشنگری است، و اسرار آیتش هدایت و رحمت

نمی توانند در برابر [اراده] خداوند چیزی از بلاها و گرفتاری های دنیا و آخرت را از تو بر طرف کنند، همانا مستحکمان یار و یاور یکدیگرند،

از امر ادرین اقرار دادیم؛ بنابراین سالک آن راه باش و از خواسته های انامشروع ابی دانشان پیروی کن (۱۸) ادر صورتی که به این نشان روی آوری اتان

قیامت در باره آنچه همواره آن اختلاف می کردند داوری خواهد کرد، اتان آن که باید مجازات اختلاف را بچشد به دوزخ روند (۱۷) سپس تو را بر وی ابرویا

بعد از آن که ابر حقیقت آگاه شده بودند، [اختلافشان] به سبب روحیه تجاوزگری و حسد بین خودشان ابود، یقیناً پروردگارت روز

بر چه اتیان اروزگار خودشان ابرتری دادیم (۱۶) و دلایل روشنی از امر نبوت و دین ادر اختیارشان قرار دادیم، پس ادر باره دین [اختلاف کن کردند مگر

کتاب و حکومت و نبوت عطا کردیم، و از روی های دلپذیر به اتان بخشیدیم، و اتان را

مرکب زشتی شود به زیان خود اوست، سپس به سوی پروردگارتان بازگردانده می شود (۱۵) ما به بنی اسرائیل

هر قومی را اچه مؤمن چه کافر ادر برابر آنچه انجام داده اند جزا دهم (۱۴) هرکس کار شایسته کند به سود خود اوست، و هرکس

بما کانونا یکسببون (۱۲) مَن عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَن أَسَاءَ

فَعَلَهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمُ تُرْجَعُونَ (۱۳) وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ الْكِتَابَ

والتَّوْرَةَ وَالنَّبِيَّةَ وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ (۱۴)

أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَصْلَهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَ

به من خبر ده، آیا کسی که [در عین آگاهی به این که معبود حقیقی خداوند است] خواسته های [نامشروع] خود را معبود خویش قرار داده، و خداوند [به گنجه این کار

جَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٢٣﴾ وَقَالُوا

ظالمانه] او را از روی علم و آگاهی [خود که می داند هدایت نمی شود] در گمراهی وا گذاشته، و بر گوش و دلش مهر [عدم درک حقایق] نهاده، و بر چشم [بصیرت] او

مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ

برده ای قرار داده است، بعد از خدا چه کسی او را هدایت می کند؟ آیا هشیار و متذکر نمی شوید؟ (۲۳) [گمراهان] گفتند: زندگی جز همین زندگی دنیای ما نیست،

مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ ﴿٢٤﴾ وَإِذْ أَنْتَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَا كَانَ

[گروهی] می میریم و [گروهی] زندگی می یابیم، سبب هلاکت ما فقط [همین طبیعت و] روزگار است. آنان را در مورد این [گفتمان] هیچ دانش [و دلیلی] نیست،

جُجَنَّهُمُ إِلَّا أَنْ قَالُوا اتَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٥﴾ قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ

اینان جز خیال پردازی [سبک سر] نیستند (۲۴) چون آیات روشن ما را [در باره معاد و زنده شدن مردگان] بر آنان می خوانند دلیلی جز این ندارند که می گویند اگر

ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ

[در زمینه زنده شدن مردگان] را استغوا هستید پدران ما را [که مرده اند زنده نزد ما] حاضر کنید (۲۵) بگو: خداوند شما را [از لابه لای عناصر مرده، برای زندگی در دنیا]

لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَوْمَ نَقُومُ السَّاعَةَ يَوْمَئِذٍ

حیات می دهد، سپس می میراند، آن گاه همه شما را در روز قیامت که هیچ تردیدی در آن نیست جمع می کند، ولی بیشتر مردم [به این حقایق] نادانند (۲۶) مالکیت و

بَخْسُ الْمُبْطِلُونَ ﴿٢٧﴾ وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا

فرمانروایی آسمان ها و زمین فقط در سیطره خداوند است، و روزی که قیامت برپا شود آن روز باطل گرایان زیان خواهند دید (۲۷) [در آن روز] هر امتی را به زانو در افتاده

الْيَوْمَ يُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٨﴾ هَذَا كِتَابُنَا يُنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا

می بینی، [و در آن عرصه عظیم] هر امتی را به سوی نامه اعمالشان می خوانند [و به آنان می گویند: امروز [همه] آنچه را که همواره انجام می دادید به شما پاداش

كُنَّا نَسْنِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٩﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

می دهند (۲۸) این نوشته [منظم و دقیق] ماست که بر اساس حق و درستی بر ضد شما سخن می گوید، ما آنچه را شما همواره [در دنیا] انجام می دادید می نوشتم (۲۹)

فَيَدْخُلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ﴿٣٠﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ

پس کسانی که مؤمن بودند و کارهای شایسته انجام دادند پروردگارشان آنان را در رحمت خود درآورد، این همان کامیابی آشکار است (۳۰) اما [خداوند به]

كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا

کافران [می گوید: مگر آیاتم را همواره بر شما نمی خوانند؟ ولی شما از پذیرش آن] تکبر می کردید،

مُجْرِمِينَ ﴿٣١﴾ وَإِذْ أُقِيلَ إِنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ

و مردمی گناه پیشه بودید (۳۱) چون [به شما] می گفتند: به یقین وعده خداوند حق است، و در [وقوع] قیامت هیچ تردیدی نیست، می گفتید:

مَا نَذَرُ مَا السَّاعَةُ إِنْ نُنْظَرُ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسنِقِينَ ﴿٣٢﴾

ما نمی فهمیم قیامت چیست، و [وقوعش را] گمان نمی بریم جز گمانی [ضعیف و غیرقابل اعتماد]، و [به آن] یقین نداریم (۳۲)

وَبَدَّالَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٣٣﴾ وَقِيلَ الْيَوْمَ

این روز همه اعمال زشتی که مرتکب شده اند برای آنان آشکار می شود، و عذابی که همواره به مسخره می گرفتند (و خود آنان را احاطه می کند) (۳۳) و گفته می شود: امروز

نَفْسَكُمْ كَمَا نَفْسَيْتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَا وَنَكُمْ النَّارُ وَمَالَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٣٤﴾

به شما توجه نمی کنیم چنان که شما به دیدار امروزتان بی توجه بودید، جایگاهتان آتش است و برایتان هیچ یابوری نخواهد بود (۳۴)

ذَلِكُمْ بِأَنكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَغَرَّتْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يَخْرُجُونَ

این عذاب ابرای آن است که شما آیات خدا را به مسخره گرفتید، و زندگی دنیا او دلبستگی به آن (شعار افریفت. پس امروز نه از آتش بیرونشان می آورند،

مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿٣٥﴾ فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ

و نه از آنان می خواهند ابرای جلب رضایت خداوند (عذر خواهی کنند) (۳۵) پس همه ستایش ها ویژه خداست که پروردگار آسمان ها و زمین (او پروردگار

الْعَالَمِينَ ﴿٣٦﴾ وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٣٧﴾

جهانیان است، (۳۶) و کبریایی او بزرگی در آسمان ها و زمین مخصوص اوست، و او توانای شکست ناپذیر و حکیم است (۳۷)

سُورَةُ الْاَحْقَافِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

حَمْدٌ ۝۱ نَزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۝۲ مَا خَلَقْنَا

حاء، میم (۱) [این] کتابی است که از سوی خداوند توانای شکست ناپذیر و حکیم نازل شده است (۲) ما آسمان ها

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى ۝۳ وَالَّذِينَ

و زمین و آنچه را میان آن دو تا است جز به حق و درستی، و تا سرآمدی معین نیافریدیم، ولی کافران

كَفَرُوا وَعَمَّا أُنذِرُوا مُّعْرِضُونَ ۝۴ قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ

از آنچه به آن همدارشان داده اند رویگردانند (۴) ایها آنان! بگو: مرا خبر دهید معبودانی که

اللَّهُ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ ۝۵ فِي السَّمَوَاتِ

به جای خداوند ابرای امورتان می خوانید و متوسل بدان ها هستید (نشانم دهید چه چیزی را از زمین آفریده اند؟ یا مگر آن ها را در آفرینش آسمان ها مشارکتی است؟

أَتُنُونِي بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ

اگر راستگو هستید (که معبودانتان کارسازند) کتابی پیش از این (قرآن)، یا دلیل علمی استواری (که ادعایتان را تصدیق کند)

صَادِقِينَ ۝۶ وَمَنْ أَحْضَلُ مِنْ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ۝۷

برای من بیاورید (۶) گمراه تر از کسانی که به جای خداوند معبودانی را می خوانند

لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ ۝۸

که تا روز قیامت پاسخشان را نمی دهند، و از خوانده شدنشان هم بی خبرند چه کسانی هستند؟ (۸)

وَإِذَا الْحُشْرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءُ وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ ﴿٦﴾ وَإِذَا انشَلَى

چون مردم را [در قیامت] جمع کنند معبودانشان دشمن آنانند، و عبادتشان را انکار می کنند (۶) زمانی که

عَلَيْهِمْ إِيَّاَنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ

آیات روشن ما را بر آنان بخوانند کافران درباره حق که به سویشان آمده می گویند: این جادویی است آشکارا (۷) بلکه می گویند: [دروغی]

مُبِينٌ ﴿٧﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ

ساختگی است که [آن را] به خدا نسبت داده، بگو: اگر آن را ساخته و به خدا نسبت داده باشم [دچار عذابی سخت خواهم بود]، و شما نمی توانید

شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفْقِضُونَ فِيهِ كَفَى بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ

چیزی از [عذاب] خدا را اگر بنا باشد به من برسد از من دفع کنید، خداوند به سخنان باطلی که [در باره حق] که آمده قرآن می گوید دانایتر است، خدا پس است که بین من و

الرَّحِيمِ ﴿٨﴾ قُلْ مَا كُنْتُ بِدُعَاءِ مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا

شما گواه باشم، او بسیار آمرزنده و مهربان است (۸) بگو: من از بین فرستادگان [خداوند، پدیده ای] نوظهور نیستم، [این که سر نوشت همه چیز را از من می خواهید در

بِكُمْ إِنْ أَتَيْتُ إِلَّا مَا يُوْحَى إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٩﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ

حیظرفر سالتن نیست، [تنی] دائم با من و شما [در آینده] چه خواهند کرد، من تنها از قرآنی که به سوی من وحی شده پیروی می کنم، و جز هشدار دهنده ای آشکار نیستم (۹) بگو:

كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ عَلَى

به من خبر دهید چنانچه [این قرآن] از نزد خدا باشد و شما آن را انکار کنید در حالی که شاهی از بنی اسرائیل به مثل آن، [که تورات است]، شهادت داده باشد

مِثْلِهِ فَأَمِنْ وَاسْتَكْبَرْتُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠﴾ وَ

[که] تورات وحی خداست پس قرآن هم وحی خداست، [در نتیجه] به قرآن ایمان آورده باشد و شما [از مؤمن شدن به آن] تکبر کنید [آیا ستمکار نیستید؟] یقیناً

قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ

خداوند مردم ستمکار را هدایت نمی کند (۱۰) کافران درباره مؤمنان گفتند: اگر [آیین محمد ﷺ] طریقه ای خوب بود [این محرومان] باینه در شتافتن

يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا أَفْكٌ قَدِيمٌ ﴿١١﴾ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ

به سوی آن [و پذیرفتنش] بر ما پیشی نمی گرفتند! [اندیشه باطلشان این است که رد کردن و پذیرفتن آنان مایاک حقانیت است]، اینان چون [به سبب عناد و

مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً وَهَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِسَانِ عَرَبِيٍّ لِيُنْذِرَ

تکبرشان] به وسیله قرآن هدایت نیافته اند پیوسته می گویند: این دروغی قدیمی است [که نمونه اش در همه امت ها بوده] (۱۱) چگونه آن را دروغ می پندارید؟

الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَى لِلْمُحْسِنِينَ ﴿١٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ

در حالی که پیش از این کتاب موسی پیشوا و رحمت بود، و این [قرآن نیز] کتابی است تصدیق کننده [حقانیت] آن به زبانی روشن و گویا تا ستمکاران را [از عواقب

ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٣﴾ أُولَئِكَ

کارشان] هشدار دهد، و برای نیکوکاران مژده باشد (۱۲) به راستی کسانی که گفتند پروردگار ما الله است، سپس [در میدان اعتقاد و عمل بر آن] استقامت

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾

کردند، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند (۱۳) اینان اهل بهشتند، و در آن به سبب اعمال شایسته ای که همواره انجام می دادند جاودانه اند (۱۴)

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ
 إِنْسَانًا رَافِعًا بِدَرٍ وَمَدْرَشٍ بِهِ نِئْكَىٰ كُودُنِ سَفَارَشِ كُودِيمِ، مَادْرَشِ أَوْ رَا إِتْحَفًا | سختی باردار شد، و با مشقت او را زانید،
 حَمَلَهُ وَفَضَّلَهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ اَشْدَدُ وَبَلَغَ اَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ
 ادْوَرَان | بارداری و بازگرفتنش | از شیر | سسی ماه است، تا زمانی که به رشد فکری و جسمی | خود دست یابد و به چهل سالگی برسد
 رَبِّ اَوْزَعْنِیْ اَنْ اَشْكُرُ نِعْمَتَكَ الَّتِیْ اَنْعَمْتَ عَلَیَّ وَعَلَی الْوَالِدَیْنِ وَاَنْ
 می گوید: پروردگارا | توفیق شکر نعمت را که به من و پدر و مادرم ارزانی داشتی عطا کن،
 اَعْمَلْ صَالِحًا تَوْضِعُهُ وَاَصْلِحْ لِيْ فِیْ ذُرِّیَّتِیْ اِنِّیْ تَتَّبِعُ الْمَیْکَ وَاِنِّیْ مِنْ
 و این که کار شایسته‌ای که مورد پسند توست انجام دهم، و تسلم را برابم شایسته گردان، من بهسویت بازگشتم،
 الْمُسْلِمِیْنَ ۝ (۱۵) اُولَئِكَ الَّذِیْنَ نَنْقِبُ عَنْهُمْ اَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ
 و از تسلیم‌شدگان هستیم (۱۵) اینانند که در بین بهشتیان نیکوترین اعمالشان را به عنوان معیار پاداش همه اعمالشان | می‌پذیریم،
 عَنْ سَیِّئَاتِهِمْ فِیْ اَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعَدَ الصِّدِّیْقُ الَّذِیْ کَانُوا یُوْعَدُونَ
 و از گناهانشان گذشت می‌کنیم، | این | وعدۀ تخلف‌ناپذیری | است | که همواره آنان را به آن | وعده می‌دادند (۱۶) | پدر بر این | انسان | والا | آن | فرزندی | است | که به
 ۝ (۱۶) وَالَّذِیْ قَالَ لِرَبِّهِ الدَّیُّ اِفْ لَکُمَا نَعْدُ اِنِّیْ اَنْ اُخْرِجَ وَقَدْ خَلْتُ
 پدر و مادرش می‌گوید: آفر شما! آیا وعده‌ام می‌دهید که این | مرگ | زنده‌شده | از قبر | خارج | خواهم شد | در حالی که پیش از من | قیام | بسیاری | از دنیا | رفتند | و هیچ
 الْقُرْءَانُ مِنْ قَبْلِیْ وَهَمَّا یَسْتَنْفِثَانِ اللّٰهَ وَبَلَکَ اِمِنْ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ
 کدامشان زنده‌نشدند | آن دو | از عمق جان | به درگاه خداوند | استغاثه می‌کنند | اوبه | فرزندان | از روی نگرانی | و دلسوزی می‌گویند: | وای بر تو | ایه | بعد | ایمان | بیایور!
 فِیْقُولُ مَا هَذَا اِلَّا اَسَاطِیْرُ الْاَوَّلِیْنَ ۝ (۱۷) اُولَئِكَ الَّذِیْنَ حَقَّ عَلَیْهِمْ
 مسلماً وعدۀ خداوند | در باره | وقوع معاد | حق | و حتمی | است، ولی | این | ادب | اکی | گویند: | این | وعده‌ها | جز افسانه‌های پیشینیان | نیست | (۱۷) | اینان | کسانی | هستند که
 الْقَوْلُ فِیْ اَمِّمْ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِیْنِ وَالْاِنْسِ اَنْهَمُ کَانُوا
 در زمره گروه‌هایی | اکافرا | از جن و انس که پیش از آنان درگذشتند وعدۀ | عذاب | بر آنان حتمی و ثابت شد، آنان بدون شک
 خَاسِرِیْنَ ۝ (۱۸) وَلِکُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا وَلِیُوَفَّ بِهِمْ اَعْمَالُهُمْ وَهُمْ لَ
 تباه‌کنندگان | همه | سرمایه‌های و جودی خود | هستند (۱۸) | برای | هر یک | از دو گروه | مؤمن و کافر | ایه | پایه | اعمالی | که انجام داده‌اند | در جاتی | است | که به آن | می‌رسند | تا
 یُظْلَمُونَ ۝ (۱۹) وَیَوْمَ یَعْرَضُ الَّذِیْنَ کَفَرُوا عَلَی النَّارِ اِذْ هَبَّتْ طَیِّبَاتٌ مِّنْ فِی
 | خداوند | اعمالشان را | به طور کامل | به صورت بهشت | یاد بخ | به آنان | بدهد، و مورد ستم قرار نخواهند گرفت (۱۹) | روزی که کافران را در معرض آتش قرار دهند ایه
 حَیَاتِهِمُ الدُّنْیَا وَاسْتَمْتَعَتْ بِهَا قَالِیَوْمَ تَجْزَوْنَ عَجْرًا اَبَ الْعُذَابِ الْهُونِ یَمَا
 آنان گفته می‌شود: | نعمت‌های دلدیر خود را | که می‌توانست سبب آبادی آخرت آن | گردد | ادر زندگی دنیایی خود | معصرف | کرده، از آن | بهره‌مند | شدید، بنابراین | امروز
 کُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِی الْاَرْضِ بِغَیْرِ الْحَقِّ وَیَمَّا کُنْتُمْ تَقْسَعُونَ ۝ (۲۰)
 به علت این که ظالمانه در زمین | انبست به حق | انکبر | کردید، و | انبر | ایه | سبب این | که همواره | به انحراف و | نافرمانی | روی | آوردید | با عذاب | فلست | با | کفر | می‌شوید | (۲۰)

وَإِذْ كُنَّا خَاغِدًا إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَّتِ النَّذْرُ مِنْ بَيْنِ

ا[هود] ابرار عادیان را به یادار، زمانی که قومش را در ا[سوزمین] ا[احقاف] از عاقبت شرک و گناهانشان ا[هشدار داد]، یقیناً که هشدار دهندگانی پیش از او

يَدِيهِ وَمِنْ خَلْفِهِ إِلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ

و پس از او آمده بودند، ا[هشدارش این بود] که جز خدا را بپروستید! زیرا من بر شما از عذاب روزی

عَظِيمٍ ﴿٢١﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَأْفِكَنَّ عَنْ إِلَهِنَا فَاتِنًا لِنَعْبُدَنَّ إِنْ كُنْتَ مِنْ

بزرگ می ترسم (۲۱) گفتند: آیا آمده ای تا ما را از معبودانمان منحرف ا[ساخته]، و از آن ها جدا بمان ا[کنی]؟ اگر راستگویی عذابی که ما را

الصَّادِقِينَ ﴿٢٢﴾ قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي

به آن تهدید می کنی بیاور (۲۲) ا[هود] گفت: آگاهی ا[به زمان نزول عذاب] فقط نزد خداست، من آیینی را که برای آن فرستاده شده ام به شما ابلاغ می کنم،

أَرْبُكُمْ فَوْمًا تَجْهَلُونَ ﴿٢٣﴾ فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَّتِهِمْ قَالُوا

ولی من شما را ا[با روی برتافتن از حقایق]، مردمی ا[جهالت پیشه می بینم] (۲۳) چون عذاب را به صورت ابری گسترده دیدند که به سوی دره ها

هَذَا عَارِضٌ مُمْطِرُنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ

و آبگیر هایشان روی آورده ا[به خیال خامشان] گفتند: این ابری است باران زا برای ما ا[که به دنبال اینهمه چشم انتظار برای برطرف شدن خشک سالی به ما باران

أَلِيمٌ ﴿٢٤﴾ تَدْمِرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَاكِينُهُمْ

خواهد داد. هود گفت: نه، ا[بلکه این همان چیزی است که شتاب در آمدنش را می خواستید]، بادی است که در آن عذاب دزدناک است (۲۴) ا[این باد ویرانگری

كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ﴿٢٥﴾ وَلَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فِيمَا إِنْ

است که ا[همه چیز را به فرمان پروردگار] در هم می کوبد ا[و نابود می سازد]، پس چنان شدند که جز خانه هایشان دیده نمی شد، ما بدین گونه مردم گناه پیشه

مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَابْصَارًا وَافْئِدَةً فَمَا أَغْنَىٰ

را کفر می دهیم (۲۵) بی تردید ما به آنان در اموری قدرت داده بودیم که شمار ادر آن امور چنان قدرتی نداده ایم، برای آنان گوش و چشم و دل قرار داده بودیم،

عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا

ولی گوش و چشم و دلشان ا[که ابزار معرفت و تشخیص بود]، و آنان در راه خدا به کار نگرفتند ا[چیزی از آن عذاب] را از آنان برطرف نکرد

بِجَحْدُونَ بآيَاتِ اللَّهِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٢٦﴾

زیرا همواره آیات خدا را انکار می کردند، و ا[سرانجام] عذابی که پیوسته به مسخره می گرفتند آنان را احاطه کرد (۲۶)

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقُرَىٰ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ

مسلمانا ا[هل آبادی هایی را که پیرامون شما] مردم مکه ا[بودند] ا[به کفر طغیانشان] ا[هلاک کردیم]، ا[البته] آیات ا[خود] را به صورت های گوناگون ا[برای آنان] توضیح دادیم که

يَرْجِعُونَ ﴿٢٧﴾ فَلَوْلَا نَصْرُهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا

ا[از طغیانشان دست برداشته]، به حق ا[بر گردند]، ولی آن آیات را انپذیرفتند ا[۲۷] پس چرا معبودانی که به جای خدا انتخاب کردند ا[به گمان این که آنان را ا[به خدا] از دیک

إِلَهَةٍ بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَذَلِكَ أَفْكَهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٨﴾

می کنند ا[هنگام نزول عذاب] ا[کمکشان نکردند]؟ بلکه ا[از دستشان رفت و گم شدند]، این بود ا[عاقبت] ا[شرکشان] و آنچه که همواره بر پایه دروغ به خداوند نسبت می دادند (۲۸)

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ

ابه یاد آرا هنگامی که گروهی از جن را به سوی تو روانه کردیم تا قرآن را بشنوند، چون نزد [فرات] آن حاضر شدند [به یکدیگر]

قَالُوا أَنْصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ ﴿٢٩﴾ قَالُوا يَا قَوْمَنَا

گفتند: سکوت کنید [تا ماغایبش را بهتر بفهمید]! هنگامی که [فرات] پایان یافت، به سوی قومشان در حالی که هشدار دهنده بودند بازگشتند (۲۹) گفتند: ای قوم ما!

إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنْزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي

به راستی کتابی را شنیدیم که پس از موسی فرستاده شده، تصدیق کننده [احقاف] کتاب های پیش از خود است،

إِلَى الْحَقِّ وَالْإِلَىٰ طَرِيقِ مُسْتَقِيمٍ ﴿٣٠﴾ يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَ

هدایت کننده به سوی حق و راه مستقیم است (۳۰) ای قوم ما! دعوت کننده به سوی خدا را [که پیامبر اسلام است] اجابت کنید، و به او ایمان آورید

أَمِنُوا بِهِ يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣١﴾ وَمَنْ

تا خداوند بخشی از گناهانتان را ببامزد، و از عذابی دردناک پناهنان دهد (۳۱) آنان که دعوت کننده به سوی خدا را اجابت نکنند نمی توانند

لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ

در زمین، عاجز کننده [خدا] باشند [تا از دسترس قدرتش بیرون روند]، و در برابر خداوند یاورانی [برای دفع عذاب] نخواهند داشت،

أَوْلِيَاءُ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٣٢﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ

اینان در گمراهی آشکاری به سر می برند (۳۲) آیا ندانسته اند خداوندی که آسمان ها

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَغَيِّ يَخْلُقْهُنَّ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ بَلَىٰ

و زمین را آفرید، و از آفریدن آن ها خسته و درمانده نشده، بر زنده کردن مردگان تواناست؟ آری،

إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٣٣﴾ وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ

او یقیناً بر هر کاری تواناست (۳۳) روزی که کافران را در معرض آتش قرار می دهند [از آنان می پرسند:]

الْبَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا

آیا این حق [و درست] نیست؟ می گویند: آری، به پروردگارمان سوگند [که این حق و درست است]، [پرسش کننده] می گوید: پس [این] عذاب را به سبب این که

كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٣٤﴾ فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ

همواره کفر می ورزیدید بجشید! (۳۴) [در برابر آزار مشرکان و کافران] پایداری کن! همان گونه که پیامبران اولوالعزم پایداری کردند،

وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا

و برای آنان شتاب [در عذاب] را نخواه! [از برا] روزی که آنچه را [از عذاب] به آن تهدید می شوند ببینند، [به نظرشان می رسد که] انکار [یا وجود عمری شهوترانی و

سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٣٥﴾

لذت گرایی [فقط ساعتی از یک روز را] در دنیا دارند! [این قرآن] ایامی بیدار کننده [است برای] همگان! پس آیا جز مردم منحرف و نافرمان هلاک می شوند؟ (۳۵)

آیاتها ۲۸

سُورَةُ الْحَاقِّفَاتِ

مدنیة
زینبیا
۴۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

الَّذِينَ كَفَرُوا وَاصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۖ أَصْلَ أَعْمَالِهِمْ ۚ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

آنان که انکار احقاق را پیشه خود نمودند، و مردم را با وسوسه هایشان از راه خدا بازداشتند، [خداوند] اعمالشان را [پیش از رسیدن به نتیجه مطلوب] تباه و بی اثر

الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ

ساخت (۱) و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند و به آنچه بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شده، که از سوی پروردگارشان حق و درست است، [قلباً] مؤمن شده اند،

وَأَصْلَحَ بِالْحَقِّ ۚ ذَٰلِكَ بَانَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاتَّبَعُوا الْبَاطِلَ ۚ وَآتَ الَّذِينَ

[خداوند] گناهانشان را از آنان محو کرده، و حال و کارشان را [در دین و دنیا] اصلاح کرد (۲) این [تبااهی اعمال کافران، و ثمردهی کوشش مؤمنان] به سبب آن است که

آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ ۚ

کافران از باطل پیروی کردند و مؤمنان پیرو حقی شدند که از سوی پروردگارشان آمده، خداوند این گونه، حالات مردم را برایشان توصیف می کند (۳) چون [در میدان جنگ]

فَإِذَا الْقِيَمَةُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضْرَبَ الرِّقَابَ حَتَّىٰ إِذَا أَشْخَطْتُمُوهُمْ فَشَدُّوا الْوَتَاكُ

با کافران روبه رو شوید [با قاطعیت] گردن های ایشان را بزنید، [و فرستشان ندهید] تا آنجا که [توان جنگ کردن را از دست بدهند و کاملاً] زمین گیرشان کنید، پس [از آن]

فَإِذَا مَتَابَعَدُ وَاصْفَاءٌ حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَٰلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ

اسیرشان کنید و [بندها] ای اسیران را محکم ببندید، نهایتاً به آنان احسان کرده [آزادشان کنید]، یا [از آنان در برابر آزادکردنشان] عوض بگیرید، [و] تا جایی اگشتن و

لَا نُفَصِّرُ عَنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُوَ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ ۖ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

اسیر گرفتن را ادامه دهید که شعله های جنگ خاموش شود، این است [فرمان خدا]، و اگر خدا می خواست [خود] از آنان انتقام می گرفت، ولی [فرمان او به جهاد] برای

فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ ۚ سَبَّحُ لِلَّهِ ۚ وَيُضِلُّ بِالْحَقِّ ۚ وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ

این است تا شما [مؤمنان] را به کافران بیازماید، آنان که در راه خدا کشته شدند [خداوند] هرگز اعمالشان را تباه نمی کند (۴) بی تردید [خداوند] آنان را [به سر منزل کرامت]

عَرَفَهَا اللَّهُ ۚ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّا نَنْصُرُ وَاللَّهُ ۚ بَنَصْرُكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ

و سعادت [راهنمایی کرده، و حال و کارشان را [در دین و دنیا] اصلاح می کند (۵) و آنان را در بهشتی که [به وسیله وحی] به آنان شناسانده وارد می کند (۶) ای مؤمنان! اگر

وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَانْعَسَا اللَّهُ ۚ وَأَصْلَ أَعْمَالِهِمْ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا

دین خدا را [با جهاد خالصانه] باری کنید [خدا هم] شمارا یاری می کند، و گام هایتان را استوار می سازد (۷) هلاکت و نابودی بر کافران باد! [خداوند] اعمالشان را تباه و بی اثر

أَنْزَلَ اللَّهُ ۚ فَاحْبَطْ أَعْمَالَهُمْ ۚ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ

ساخت (۸) این برای آن است که آنچه را خداوند نازل کرده خویشاندهان نبود، پس [خدا هم] اعمالشان را بی اثر کرد، [لذا در برابرش هیچ تعری به دست نمی آورند] (۹)

كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ ۚ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا ۚ

ایا در زمین گردش نکردند تا با دقت بنگرند که سرانجام کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بود؟ خداوند آنان را خردم گوید، و برای کافران نمونه های چنین کیفرهایی

ذَٰلِكَ بَانَ الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَىٰ لَهُمْ ۚ

خواهد بود (۱۰) این [پیروزی مؤمنان و شکست و نابودی کافران] برای این است که خداوند سرپرست و یاور مؤمنان است، و کافران را هیچ سرپرست و یآوری نیست (۱۱)

إِنَّ اللَّهَ يَدُخُلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
 أَنْهَارٌ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَبِأَكْلُونِ كَأَنَّهُمْ فِي النَّارِ حَمُولٌ

الَّذِينَ هُمْ فِيهَا مُنَادُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَمْتَحِنُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَمْتَحِنُونَ ۚ

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ مِنْ ثَمَرَاتٍ كُلِّ شَيْءٍ وَهُمْ فِيهَا كَاظِمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
 يَمْتَحِنُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَمْتَحِنُونَ ۚ

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ مِنْ ثَمَرَاتٍ كُلِّ شَيْءٍ وَهُمْ فِيهَا كَاظِمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
 يَمْتَحِنُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَمْتَحِنُونَ ۚ

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ مِنْ ثَمَرَاتٍ كُلِّ شَيْءٍ وَهُمْ فِيهَا كَاظِمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
 يَمْتَحِنُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَمْتَحِنُونَ ۚ

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ مِنْ ثَمَرَاتٍ كُلِّ شَيْءٍ وَهُمْ فِيهَا كَاظِمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
 يَمْتَحِنُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَمْتَحِنُونَ ۚ

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ مِنْ ثَمَرَاتٍ كُلِّ شَيْءٍ وَهُمْ فِيهَا كَاظِمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
 يَمْتَحِنُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَمْتَحِنُونَ ۚ

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ مِنْ ثَمَرَاتٍ كُلِّ شَيْءٍ وَهُمْ فِيهَا كَاظِمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
 يَمْتَحِنُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَمْتَحِنُونَ ۚ

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ مِنْ ثَمَرَاتٍ كُلِّ شَيْءٍ وَهُمْ فِيهَا كَاظِمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
 يَمْتَحِنُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَمْتَحِنُونَ ۚ

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ مِنْ ثَمَرَاتٍ كُلِّ شَيْءٍ وَهُمْ فِيهَا كَاظِمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
 يَمْتَحِنُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَمْتَحِنُونَ ۚ

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ مِنْ ثَمَرَاتٍ كُلِّ شَيْءٍ وَهُمْ فِيهَا كَاظِمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
 يَمْتَحِنُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَمْتَحِنُونَ ۚ

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ مِنْ ثَمَرَاتٍ كُلِّ شَيْءٍ وَهُمْ فِيهَا كَاظِمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
 يَمْتَحِنُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَمْتَحِنُونَ ۚ

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ مِنْ ثَمَرَاتٍ كُلِّ شَيْءٍ وَهُمْ فِيهَا كَاظِمُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
 يَمْتَحِنُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَمْتَحِنُونَ ۚ

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَ

مؤمنان می‌گویند: چرا سوره‌ای ادر خصوصی فرمان نازل نمی‌شود؟ ولی هنگامی که سوره‌ای روشن

ذَكَرَ فِيهَا الْقِتَالَ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ

و صریح نازل می‌شود که در آن از جنگ سخنی به میان آمده، بیمار دلان را می‌بینی چون کسی که

الْمَغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ ۞ طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ

در بی‌هوشی مرگ افتاده به تو نگاه می‌کنند، [نگاهی بی‌ترس و وحشت، پس این حالت برای آنان سزاوارتر است (۲۰) فرمانبرداری از پیامبر، و سخن نیک و]

فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَبَرًا لَهُمُ ۞ فَهَلْ عَسَيْتُمْ

امیدبخش درباره جهاد برای آنان شایسته‌تر است، اگر هنگامی که فرمان جهاد قطعی شود از سر صِدق و راستی با خدا در آینده بی‌تردید برای آنان بهتر است (۲۱)

إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ ۞

اگر از قرآن و پیامبر و جهاد در راه خدا ابرویگردان شوید، آیا از شما جز این انتظار می‌رود که در زمین به تباهی‌کاری و فتنه‌انگیزی برخیزید، و ابا نابود شدن روحیه بهر و

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ ۞ فَاصْمَهُمْ وَأَعْمَى أَبْصَارَهُمْ ۞ أَفَلَا

عاطفه رشته خویشاوندی را برای مال و منال دنیا قطع کنید؟ (۲۲) اینان [بیمار دلان روی گردان شده از جهاد،] کسانی هستند که خداوند از رحمت خود دورشان

يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ ثُمَّ أُمُّ عَلَى قُلُوبِ أَقْفَالُهَا ۞ إِنَّ الَّذِينَ

کرده، و نهایتاً گوش آنان را [از شنیدن حقایق] کر، و چشم [بصیرت] آنان را کور ساخته است (۲۳) آیا در قرآن اندیشه نمی‌کنند [تا در پرتو آن حقایق را درک کنند]؟

ارْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا نَبَّيْنَاهُمْ لَهُمُ الْهُدَى الشَّيْطَانُ

بلکه بر دل هایشان قفل‌های ویژه‌ای است [که با کلیدی چون قرآن هم گشوده نمی‌شود] (۲۴) یقیناً کسانی که پس از آشکار شدن [راه] هدایت برای آنان، [از آن]

سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَى لَهُمْ ۞ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا

روی بر تافتند، شیطان [زشتی هایشان را] در نظرشان زیبا جلوه داد، و آنان را به آرزوهای دست‌نیافتنی دچار ساخت (۲۵) این بدان سبب است که آنان به کسانی که

مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ

نزل وحی را خوش نداشتند گفتند: ما در برخی امور [که بر ضد پیامبر و مؤمنان است] از شما اطاعت خواهیم کرد. در حالی که خداوند

إِسْرَارَهُمْ ۞ فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ

پنهان‌کاری آنان را می‌دانند (۲۶) پس [حال و وضعشان] آن زمان که فرشتگان جانشان را می‌گیرند، [آن‌ها] در حالی که

وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ ۞ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا آسَخَطَ

بر صورت و پشتشان [تا زیانۀ عذاب] می‌زنند چگونه خواهد بود؟ (۲۷) این [عذاب] برای آن است که آنان از آنچه خدا را

اللَّهُ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَاحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ۞ أَمْ حَسِبَ

به خشم آورده پیروی کردند، و خشنودی او را خوش نداشتند، در نتیجه اعمالشان را تباه و بی‌اثر کرد (۲۸) آیا کسانی که

الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَصْغَانَهُمْ ۞

در دل هایشان بیماری [انفاق] است گمان کردند خداوند کینه‌های شدیدشان را [به پیامبر و مؤمنان] آشکار نخواهد کرد؟ (۲۹)

وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرْبِنَا كَهُمْ فَلَعَزُ فَنَهُمُ بِسِجَاهِهِمْ وَلَعَزُ فَنَهُمُ فِي لَحْنِ
 الْكُفْرِ بِخَوَاهِيمِ الْبَنَةِ أَنَا رَبُّهُ نَشَانِ مِي دِهِمِ، تَا أَنَا رَا بَا نَسَانِه هَا بَشَانِ بَشَنَاسِي، مِي تَر دِيدِ أَنَا رَا زِ شِيوَه سَخَنِ مَغَنَشَنَانِ (که پُر از نیش و کتایه به
 الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ) (۳۰) وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ
 دین و نبوت و مؤمنان است! می شناسی، خداوند ار ریشه ها و اسرار و باطن و آکارهای شما را می داند (۳۰) بِمَقِينَا شَمَارِ الزَّامِشِ مِي كَنِيمِ تَا مَجَاهِدَانِ
 مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوهُنَّ أَخْبَارَكُمْ (۳۱) اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَصَدُّوا
 وَشَكِيْبَانِ از شمارِ مشخص سازیم، و اخبار شمار را (که اسرار و اعمال آنان می باشد) نبر از مایش می کنیم [تا خالص و صالح الحش را از غمشوش و فاسدش معلوم
 عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا نَبَّيْنَهُمْ لَهُمُ الْمُدَى لَنْ
 بداریم] (۳۱) كَمَا نِي كَسَانِي كَدِيسِ از روشن شدنِ [راه] هدایت بر آنان به کفر گر آیدند و [مردم را با اعمال زشت و سوسه های خود] از راه خدا بازداشتند،
 يَضْرِبُوا اللَّهَ شَيْعًا وَسَجِيْطًا أَعْمَالَهُمْ (۳۲) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا
 و بیا میامیز به شدت دشمنی کردند هرگز هیچ ربانی به خدا نمی رسانند، مسلمان! خداوند! اعمال شما را [تا آیه] الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا
 اللَّهُ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ (۳۳) اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوا
 و بیا میامیز اطاعت کنید، و اعمال آنان را [با تخلف از فرمان خدا و رسول، و نفاق و شرک] باطل نکنید (۳۳) اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوا
 وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَا تَوَّاهُمْ كُفْرًا فَكَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ (۳۴)
 زشت و سوسه هایشان از راه خدا منحرف کردند، آن گاه در حال کفر از دنیا رفتند خداوند هرگز آنان را نمی آموزد (۳۴) بِنَابِرِ اَيْنِ الزَّيْبِ دَا دِشْمَنِ
 فَلَا تَحْنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَ
 سست نشوید و آبا خفت، دشمنان را [به سازش دعوت نکنید؛ زیرا شما از هر جهت] ابر ترید و خداوند با شماست، و او هرگز از [آباداش] اعمالتان نمی کاهد
 لَنْ يَتْرَكَ أَعْمَالَكُمْ (۳۵) اِنَّمَا الْحَيَوةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَ
 (۳۵) جَزَائِنِ نیست که زندگی دنیا بدون ارتباط با خدا و عمل صالح [آزای و سرگرمی] است، اگر ایمان بیاورید و از خدا اطاعت کنید و از محرماتش ابریزید
 اِنْ تَوَّعْتُمْ وَتَتَّقُوا يُوْتِكُمْ أَجُورَكُمْ وَلَا يَسْأَلَكُمْ أَمْوَالَكُمْ (۳۶)
 پاداش هایتان را به شما عطا می کند، و [در برابر آن] اموالتان را نمی طلبد (۳۶) چنانچه اموالتان را بطلبید و بر شما اصرار بپورزد
 اِنْ يَسْأَلْكُمْ فَاذْفَحْفَكْمْ ذَبَحُوا وَيَخْرِجُ أَصْغَانَكُمْ (۳۷)
 بخل می ورزید، و [این تحمیل و فشار] آگینه هایتان را بیرون می برد، [در نتیجه به گمراهی و رویگردانی از خدا] چار می شوید (۳۷) كَا بَا شَيْدِ اَيْنِ شَمَاهِستِيدِ که
 هَا أَنْتُمْ هُوَ لَا تَدْعُونَ لِنَفْقَةٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَ
 برای انفاق در راه خدا دعوت می شود، نهایتاً برخی از شما بخل می ورزید و حرکت بخل ورزد
 مَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَنْ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ
 نسبت به [سعادت] خود بخل می ورزد، خداوند بی نیاز مطلق است و شما [سرابا و با همه وجود] نیازمند هستید، هرگاه
 تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ (۳۸)
 از فرمان های خدا سرپیچی کنید به جای شما گروه دیگری را جایگزین شما خواهد کرد، پس آنان مانند شما نخواهند بود (۳۸)

سُورَةُ الْفَتْحِ

آیاتها
۲۹مَدَنِيَّة
زینبیا
۴۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا ۝ (۱) لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ

بهر استی مای برای تو پیروزی نمایانی فراهم آوردیم (۱) تا خداوند آنچه را برای تو از توطئه ها و مشکلات در راه پیشرفت اسلام | در گذشته پیش آمده و

وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ۝ (۲) وَبَنَصْرَكَ اللَّهُ

در آینده پیش خواهد آمد از میان بردارد، و نعمتش را بر تو تمام کند، و به راهی مستقیم و راهنمایی ات کند (۲) و به پیروزی مقتدرانه و شکست ناپذیری

نَصْرًا عَزِيزًا ۝ (۳) هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُزْادُوا

یاری ات دهد (۳) اوست که | در آن شرایط سخت آرامش را در دل های مؤمنان نازل کرد تا ایمان بر ایمانشان بیفزاید،

إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ ۝ وَاللَّهُ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا

سپاهیان آسمان و زمین فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، خداوند همواره دانا و حکیم است (۴)

حَكِيمًا ۝ (۴) لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

تا مردان و زنان مؤمن را جاودانه در بهشت هایی وارد کند که از زیر | درختان آن نهرها جاری است،

الْأَنْهَارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبِكَفَرٍ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ ۝ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ

و گناهانشان را از آنان محو کند، این | افرجام نیک نزد خداوند کامیابی بزرگی است (۵)

فَوْزًا عَظِيمًا ۝ (۵) وَبُعِذَ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَ

و | نیز خدا خواست | مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را

الْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ ۝ بِاللَّهِ ظَنُّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ

که بدگمان به خداوند بودند عذاب کند، پیش آمد های | بد | ازمانه | بر خودشان بادا خداوند بر آنان

اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ۝ (۶) وَاللَّهُ

خشم گرفته، و | از رحمت خود | دورشان کرده، و دوزخ را برایشان آماده ساخته است، و | دوزخ | عاقبت بدی است (۶) سپاهیان

جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ۝ (۷) إِنَّا

آسمان و زمین فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، و خداوند همواره توانای شکست ناپذیر و حکیم است (۷)

أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ۝ (۸) لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

ما تو را شاهد و ناظر | بر اعمال امت |، و مزه رسان و هشدار دهنده فرستادیم (۸) تا شما | مردم | با توجه به این سه ویژگی | به خدا

وَتُعَزِّرُوهُ وَتُقِرُّوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ۝ (۹)

و پیامبرش مؤمن شوید و او را یاری دهید و بزرگش بشمارید، و خدا را با حمدان و شامگاهان به پاک بودن | از هر عیب و نقصی | ستایش کنید (۹)

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ

بی گمان آنان که با تو بیعت می کنند جز این نیست که با خداوند بیعت می کنند، دست [قدرت] خداوند فراتر از قدرت آن هاست، کسی که

نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْتَكِبُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَوْءُ بِيهِ

پیمان می شکند فقط به زیان خود می شکند، و آن که به پیمانی که با خدا بسته وفادار است،

أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٠﴾ سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا

بهزودی [خداوند] پاداشی بزرگ به او می دهد (۱۰) بهزودی بادیه نشینان متخلف از جهاد، از روی بهانه جویی به تو می گویند:

أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِالسِّنَةِ مَا لَيْسَ فِي

اموال و اهل بیتمان ما را به خود [مشغول کردند] به این سبب از جنگ باز ماندیم، پس برای ما آموزش بخواه، آنان چیزی را به زبان خود می گویند که

قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ

در دل هایشان نیست، بگو: چه کسی در برابر خداوند برای شما اختیار چیزی را دارد [که] اگر خداوند زبانی را

أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١١﴾ بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ

برای شما بخواهد [آن را دفع کند] یا اگر سودی را برایتان بخواهد [مانع از آن شود]؟ بلکه خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است (۱۱) [عذری که آوردید بوج و واهی

يُنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزَيْنَ ذَلِكَ فِي

است، [چون پنداشتید که پیامبر و مؤمنان هرگز از جبهه به سوی کسان خود باز نمی گردند، و این [پندار واهی] را برای آن که آن را باور کنید در دل هایتان آراستند،

قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ ظَنَ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا ﴿١٢﴾ وَمَنْ لَمْ يُوْثِقْ

و [به خداوند] گمان بد بردید [که او پیامبر و مؤمنان را یاری نمی دهد]! شما مردمی سزاوار هلاکت هستید (۱۲) آنان که

بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا ﴿١٣﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ

به خدا و پیامبرش ایمان نمی آورند [زبانی به خدا و پیامبر نمی رسانند]، ما برای کافران آتشی سوزان آماده کرده ایم (۱۳) مالکیت و فرمانروایی آسمان ها

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِغَفْرِ مَنْ يَشَاءُ وَبِعَذَابٍ مَنْ يَشَاءُ وَكَانَ

و زمین فقط در سیطره خداست، هر که را بخواهد می آمرزد و هر که را بخواهد عذاب می کند، خداوند همواره

اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٤﴾ سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَى

بسیار آمرزنده و مهربان است (۱۴) چون شما برای دست یافتن به غنایمی روانه [جنگ خیبر] شوید، متخلفان [از سفر خدیبه] خواهند گفت:

مَغَانِمَ لِنَتَّخِذُهَا ذُرُوءًا نَتَّبِعُكُمْ يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا

بگذارید ما هم به دنبال شما حرکت کنیم، [اینان] می خواهند فرمان خدا را [که قاطعانه از شرکتشان در جنگ خیبر نهی کرده]

كَلَامَ اللَّهِ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَابٌ لَكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ

تغییر دهند، بگو: هرگز دنبال ما نخواهید آمد، زیرا خداوند از پیش [ممنوعیت حضور شما را] اعلام کرده،

فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٥﴾

ولی [این متخلفان] ابله خواهند گفت: [علت، آن نیست که می گوید] بلکه شما به ما حسد می ورزید، [چنین نیست،] بلکه آنان جز اندکی درک نمی کنند، (۱۵)

قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعُونَ إِلَى قَوْمٍ بَأْسٍ شَدِيدٍ

به متخلفان بادیه نشین بگو: به زودی به سوی گروهی سرسخت و نیرومند دعوتتان می کنند

نُقَاتِلُوهُمْ أَوْ يُسْلِمُوا فَإِنْ تُطِيعُوا بُرْتِكُمْ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِنْ

که با آنان بجنگید یا آن که تسلیم [حق] شوند [و جنگی به میان نیاید] اگر اطاعت کرده، در جنگ شرکت [کنید خداوند پاداش نیکی به شما خواهد داد] و اگر

نَتَوَلَّوْا كَانُوا لَكُمْ مِنْ قَبْلِ يَعِذُّ بِكُمْ عَذَابُ الْإِيمَانِ ۝ ۱۶ لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى

سریچی گردید همان گونه که پیش از این سریچی گردید شما را به عذابی دردناک عذاب خواهد کرد (۱۶) بر نابینا

حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ

و لنگ و بیمار گناهی نیست که در جنگ شرکت نکنند کسی که از خدا

و رَسُولَهُ يَدْخُلْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّ يَعرِضْ

و پیامبرش اطاعت کند و راهی در بهشت هایی در آورد که از زیر درختان آن نهرها جاری است، و هر کس از اطاعت خدا و پیامبر او روی برباید و راه عذابی

عَذَابُ الْإِيمَانِ ۝ ۱۷ لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ

دردناک عذاب می کند (۱۷) به راستی خداوند از مؤمنان زعانی که

تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ

زیر آن درخت [در منطقه خدیبه] باتو بیعت کردند خشنود شد، خداوند آنچه [از باکی و خلوص نیت] در دل هایشان بود می دانست، پس آرامش را بر آنان نازل کرد

فَتْحًا قَرِيبًا ۝ ۱۸ وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا

و پیروزی نزدیکی را [که پیروزی خیبر بود] پاداششان داد (۱۸) و نیز غنائیم فراوانی که آن ها را [در آینده] به دست می آورند، خداوند همواره توانای شکست ناپذیر

حَكِيمًا ۝ ۱۹ وَعَدَكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَجَعَلَ لَكُمُ

و حکیم است (۱۹) خداوند غنیمت های فراوانی را که [در آینده] به دست می آورید به شما وعده داده است،

هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَ

این [غنائیم خیبر] از دست در اختیاران گذاشت، و دست های دشمنان را از [ضرر به زدن به] شما باز داشت تا برای مؤمنان نشانه ای [از حق بودن وعده خدا] باشد،

يَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ۝ ۲۰ وَآخِرُ لِمَ نَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ

و [نیز] شما را به راه مستقیم هدایت کند (۲۰) و [غنیمت های] دیگری [هست] که هنوز به آن ها دست نیافته اید،

أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ۝ ۲۱ وَلَوْ قَاتَلَكُمُ

خداوند بر آن ها احاطه دارد و می تواند به آسانی در دسترستان قرار دهد، خداوند همواره بر هر کاری تواناست (۲۱) اگر کافران

الَّذِينَ كَفَرُوا وَالْوَلَوُّ الْأَدْبَارُ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ۝ ۲۲

باشما جنگیده بودند بی تردید [از برکت رهبری پیامبر و ایماننان] عقبگرد کرده، می گریختند، سپس سرپرست و یابوری [که از آنان دفاع کند] نمی یافتند (۲۲)

سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ۝ ۲۳

[این] روش همیشگی خدا [است مبنی بر پیروزی مؤمنان و شکست کافران] که در [تاریخ امت های] گذشته جاری بوده، و هرگز تغییری در روش و قانون خدا نخواهی یافت (۲۳)



وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ

اوست آن که در درون شهر مکه پس از آن که شمارا ایدون جنگ و خونریزی ابر دشمن بیروز گرد دست های آنان را از آسیب زدن به شما و دست های شمارا

أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿٢٢﴾ هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا

از [گزندرساندن به] آن ها بازداشت، خداوند همواره به آنچه انجام می دهید بیناست (۲۲) آنانند که کفر ورزیدند

وَصَدُّكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهُدَىٰ مَعَكُمْ وَفَا أَنْ يَبْلُغَ حِلَّهُ وَ

و شمارا از [ورود به] مسجد الحرام بازداشتند و نگذاشتند قربانی ها به محل قربانگاه برسد، و اگر مردان و زنان مؤمنی که شما آنان را نمی شناختید [در مکه]

لَوْلَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ نَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوُّهُمْ

نبودند که امکان داشت [به سبب جنگ شما با اهل مکه، جان و حرمت] آنان را پایمال کنید، و از این روندانسته عار و ننگی از جانب آنان به شما برسد [شمارا]

فَنُصِيبُكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةً بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمِهِ مَنْ يَشَاءُ

از جنگ باز نمی داشتیم، ولی باز داشتیم [تا خداوند هر که را بخواهد] چه از شما و چه از مؤمنانی که در مکه برای شما ناشناخته اند [در رحمتش درآورد، اگر] [در]

لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٢٥﴾ اِذْ جَعَلَ

این موقعیت خاص [مؤمنان و کافران مکه] به صورت دو صف [جداگانه بودند به یقین کافرانشان را] [با ابزار جنگی شما] به عذابی دردناک عذاب می کردیم (۲۵)

الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةُ الْحَمِيَّةُ الْجَاهِلِيَّةُ فَأَنْزَلَ اللَّهُ

[منع کردن شما از ورود به مسجد الحرام] وقتی [بود] که کافران خشم شدید جاهلی خود را در دل هایشان جای داده بودند،

سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ

خداوند [برای این که جنگی پیش نیاید] آرامش را بر پیامبرش و مؤمنان نازل کرد، و آنان را

وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلُهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ

به روح تقوا [که حقیقت و مایه ایمان است] پای بند ساخت، و آنان به این [روحیه] سزاوارتر، و [به حق] شایسته آن بودند، خداوند همواره به هر چیزی

عَلِيمًا ﴿٢٦﴾ لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّسُلَ بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ

داناست (۲۶) بی تردید خداوند رؤیای [حکیمانه و هدفدار] پیامبرش را تحقق داد [که:] شما ان شاء الله به طور مسلم

الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ

در امنیتی کامل، درحالی که سرهایتان را تراشیده یا کوتاه کرده اید و ترسی ندارید وارد مسجد الحرام خواهید شد،

لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَالَهُ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا

[خداوند] آنچه را که شما نمی دانستید [و آن حادثه بابرکت صلح خدیبه و تأخیر عمره بود] می دانست، و پیش از فتح مکه،

قَرِيبًا ﴿٢٧﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ

بیروزی نزدیکی [که فتح خیبر است، برای شما] قرار داد (۲۷) اوست که پیامبرش را با [مشعل] هدایت، و دینی درست

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴿٢٨﴾

[و حکیمانه] فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز کند، و بس است که خداوند شاهد [جلوه گردن این حقیقت] باشد (۲۸)

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ

محمد [ص] فرستاده خداست، و کسانی که با اویند بر کافران سرسخت و در بین خودشان ابا یکدیگر مهربانند،

لَرَأَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيَاهُمْ فِي

آنان را راکع و ساجد می بینی، پیوسته خواهان احسان و بخشودی خدایند، نشانه ابرویه عبادت و بندگی آنان

وَجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ

در چهره هایشان از اثر سجده پیداست، این است وصفشان در تورات، اما وصفشان

فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطَآءً فَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى

در انجیل این است که: وجودشان چون زراعتی است که جوانه های خود را رویانده، پس تقویتش کرده تا جایی که پابرجا و استوار گشته،

عَلَى سَوْقِهِ يُعْجِبُ الزَّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهَاجِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ

و بر ساقه های خود ایستاده اند، ایه گونه ای که کشاورزان را از رشد و انبوهی خود به شگفتی می اندازد، خداوند مؤمنان را به این صورت تقویت می کند

أَمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾

تا به وسیله آنان کافران را به خشم اندازد، خداوند به آنان که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده اند و عده آموزش و پاداشی بزرگ داده است (۲۹)

سُورَةُ الْحُجُرَاتِ

مَدَنِيَّةٌ
زَيْتَا
٤٩

آيَاتُهَا
١٨

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقَدْ مُوَابِقِينَ يَدِي اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ

ای مؤمنان! ادر هیچ امری از امور دین و دنیا از خدا و پیامبرش پیش نیفتید، و از خداوند اطاعت کرده، از محرماتش بپرهیزید که خداوند

سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ

شنوا و داناست (۱) ای مؤمنان! هنگام سخن گفتن با پیامبر صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر نکنید،

وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ

و آن گونه که در برابر یکدیگر فریاد می زنید در پیشگاه او فریاد نزنید، مباد آن که ابر اثر این بی ادبی در حالی که آگاه نباشید

لَا تَشْعُرُونَ ﴿٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ

اعمالتان تباه و بی اثر گردد (۲) بی تردید کسانی که در محضر رسول خدا صدایشان را پایین می آورند او با نرمی سخن می گویند،

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَهُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٣﴾ قُلُوبُهُمْ لِلنَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ

هم آنانند که خداوند دل هایشان را برای ادراک روحیه پرهیزگاری آزموده است، به راستی که آموزش و پاداشی بزرگ ویژه آنان است،

﴿٤﴾ إِنَّ الَّذِينَ ينادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٤﴾

(۴) یقیناً کسانی که تو را ابا لحنی بی ادبانه از پشت اتاق ها صدا می کنند بیشترشان ایه عظمت و حرمت معرفت ندارند (۴)

وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ

اگر صبر می کردند تا به سویشان بیرون روی برای آنان بهتر بود، و خداوند بسیار آمرزنده

رَحِيمٌ ﴿٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن

و مهربان است (۵) ای مؤمنان! اگر منحرف نافرمانی خبر مهمی برایتان آورد ادبارة آن تحقیق کنید

تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَارٍ مِّنْ ﴿٦﴾ وَعَلِمُوا أَنَّ

که مبادا از روی ناداناهی به گروهی آسیب برسائید و از کار خود پشیمان شوید (۶) و بدانید

فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَبٌ

که پیامبر خدا بین شماست او بر شما واجب است از او اطاعت کنید، اگر او در بسیاری از امور از شما پیروی کند بقیان دچار رحمت و عسفت می شوید، ولی خداوند

إِلَيْكُمْ بِالْإِيمَانِ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَ

ایمان را محبوب شما ساخت و آن را در دل های تان آراست، و کفر و نافرمانی و گناه را مورد نفرت

الْعِصْيَانَ أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ ﴿٧﴾ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَنِعْمَةً وَاللَّهُ

شما قرار داد، آنان [که دارای این خصوصیات هستند] راه یافتگان [به صراط مستقیم] هستند (۷) [این محبت و نفرت قلبی] عطیه و نعمتی از سوی خداست،

عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٨﴾ وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا

و خداوند دانا و حکیم است (۸) چنانچه دو گروه از مؤمنان با یکدیگر وارد جنگ شدند بینشان آشتی

فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ

ایجاد کنید، پس اگر یکی از آن دو گروه بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز بجنگید

أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاتَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْضُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ

تابه فرمان های خداوند گردن نهد، چون گردن نهاد بینشان بر اساس عدالت آشتی برقرار کنید، ای مؤمنان! همواره عدالت پیشه باشید که خداوند

الْمُقْسِطِينَ ﴿٩﴾ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا

عدالت پیشگان را دوست دارد (۹) جز این نیست که همه مؤمنان با هم برادرند، پس بین برادرانتان در وقوع نزاع ها اختلافات سازش و صلح ایجاد کنید،

اللَّهُ لَعَلَّكُمْ تَرْحَمُونَ ﴿١٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ

و از خداوند اطاعت کرده، از محز ماتش بهره یزید تا مورد رحمت قرار گیرید (۱۰) ای مؤمنان! نباید گروهی از شما گروه دیگر را

عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا

مسخره کند، چه بسا آنان [که مسخره می شوند] از مسخره کنندگان بهتر باشند، و نباید زنانی زنان دیگر را مورد تمسخر قرار دهند،

مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ

امکان دارد آنان [که مسخره می شوند] از مسخره کنندگان بهتر باشند، به عیب جویی از یکدیگر نپردازید، و با لقب های بد و ناپسند یکدیگر را صدا نزنید، بد

الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿١١﴾

نشانه و علامتی است اینکه انسانی را پس از ایمان آوردنش، به گناهان نشانه گذاری کنید، آنان که [از این امور ناپسند و ضد ادب] توبه نکنند ستمکارند (۱۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْنُبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا

ای مؤمنان! از بسیاری از گمان‌ها دوری کنید؛ زیرا برخی از گمان‌ها گناه است، و از عیوب و نقایص درونی و اخلاقی مردم که بر ملاشدن موجب

وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَحَبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ

بر برادر فتن آبروی آنان است [نفعی و گنج‌گاو نکند، و از غیبت یکدیگر پرهیزید، آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟]

مَيِّئًا فَاكِرُهُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ ﴿١٢﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا

بی‌تردید از این اگر انصاف دارید، از خداوند اطاعت کرده، از محرماتش پرهیزید که خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است (۱۲) ای مردم! ما شما را

خَلَقْنَا كُرْمٍ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ

از مرد و زنی آدم و حوا را آفریدیم، و ملت‌ها و قبیله‌ها قراران دادیم تا یکدیگر را بشناسید، بهیقین

أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿١٣﴾ قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا

گرامی‌ترین شما در پیشگاه خداوند پرهیزگارترین شماست، به راستی خدا دانا و آگاه است (۱۳) بادیه‌نشینان گفتند:

قُلْ لَمْ نُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ

ما ایمان آورده‌ایم، بگو: ایمان نیاورده‌ایم، بلکه بگویید اسلام آورده‌ایم؛ زیرا هنوز ایمان

إِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ

در دل‌هایتان وارد نشده است، اگر از خدا و پیامبرش اطاعت کنید چیزی از اعمالتان را [که سزاوار پاداش است] کم نمی‌کند؛ زیرا خداوند

رَحِيمٌ ﴿١٤﴾ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا

بسیار آمرزنده و مهربان است (۱۴) مؤمنان فقط کسانی هستند که [از عمق قلب] به خدا و پیامبرش ایمان آورده، پس

وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ

[در حقانیت آنچه به آن ایمان آورده‌اند] دچار تردید نشدند، و با اموال و جان‌هایشان در راه خدا به جهاد برخاستند، اینان

الصَّادِقُونَ ﴿١٥﴾ قُلْ أَعْلَمُونَ اللَّهُ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ

[در ادعای مؤمن بودن] راست‌گویند (۱۵) بگو: آیا خدا را از ایمانتان به خیال این که از باطنتان خبر ندارد آگاه می‌کنید؟ در حالی که خداوند

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٦﴾ يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ

آنچه را در آسمان‌ها و زمین است می‌داند، خداوند به همه چیز داناست (۱۶)

أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ

از اسلام آوردنشان بر تو منت می‌گذارند! بگو: اگر راست‌گویند از اسلام آوردنتان بر من منت نگذارید، بلکه خداوند

أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَوْلَا إِيمَانُكُمْ لَكُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٧﴾ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ

بر شما منت دارد که شما را به ایمان راهنمایی کرده است (۱۷) مسلماً خداوند،

غَيْبَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

نهان آسمان‌ها و زمین را می‌داند و به آنچه انجام می‌دهید بیناست (۱۸)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ ۱ بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ

قاف. سوگند به قرآن باشکوه! که تو فرستاده مایی، و وقوع قیامت حتمی است! (۱) این که به تو و معارفی که تبلیغ می کنی ایمان نیاوردند، بلکه شکسته شده اند که هشدار دهنده ای

الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ ۲ إِذَا مِئْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذَلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ

از خودشان به سوی آنان آمده، به این سبب کافران گفتند: این چیز عجیبی است (۲) [و با شنیدن مسئله معاد گفتند: آیا هنگامی که به کام مرگ افتادیم و خاک شدیم [به حیات دوباره

۳ قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِندَنَا كِتَابٌ حَفِیظٌ ۴ بَلْ كَذَّبُوا

باز می گردیم؟! مسئله] این بازگشت دور از عقل است (۳) یقیناً ما آنچه که زمین از [اجساد] آنان می کاهد می داریم، و نزد ما کتابی است که ضبط کننده [همه اجزای آفرینش و حقیقتات

بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَرِیجٍ ۵ أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ

هستی است (۴) [انکار معاد به علت ناگاهی آن ها از قدرت و توان مندی پروردگار نیست، بلکه اینان حق را هنگامی که به سویشان آمد [به طور مطلق] منکر شدند، و [چون انکارشان

فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ ۶ وَالْأَرْضِ

مشی بر دلیل استواری نیست] در حالتی آشفته و سردرگم قرار دارند (۵) [اینان اگر در نظام آفرینش اندیشه می کردند دچار انکار حق نمی شدند، آیا با دقت به آسمان بالای سرشان نظر

مَدَدْنَاهَا وَالْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِیجٍ ۷

نکردند که چگونه آن را بنا کردیم؟ و آن را [به وسیله ستارگان] ازینت دادیم، و در آن هیچ رخنه و شکافی که سبب از هم پاشیدن آن شود نیست (۶) و زمین را گسترش دادیم و در آن کوههایی

نَبْصِرَةً وَذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِیْبٍ ۸ وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا

استوار افکندیم، و از هر گونه گیاه خوش منظر و دل انگیزی در آن رویتیم (۷) تا برای هر بنده ای که [با اندیشه در این نظام حکیمانه، از روی توجه و اخلاص] به سوی خدا بازی می گردد مایه

فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ ۹ وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ

بینایی و تذکر باشد (۸) و از آسمان، آبی پُر خیر و سودمند فرستادیم، و به وسیله آن باغ ها و دانه های پُر و گردنی رویتیم (۹) و درختان بلند قامت خرما که خوشه های روی هم چیده دارند

نَضِیدٌ ۱۰ رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَیْتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ ۱۱

پروراندیم (۱۰) [برای آن که] رزق مناسبی برای بندگان باشد، و [نیز] از ابرکت آن آب، زمین مرده را زنده کردیم، بیرون آمدن از قبرها با حیات دوباره نیز همین گونه است (۱۱) پیش از

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ ۱۲ وَعَادُ وَفِرْعَوْنُ وَ

اینان که نبوت و معاد را انکار می کنند [قوم نوح و اصحاب رس و ثمودیان [پیامبران] را] انکار کردند (۱۲) [قوم عاد و فرعون و برادران لوط [نیز چنین بودند] (۱۳) و اصحاب «ایکه»

إِخْوَانُ لُوطٍ ۱۳ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ ۱۴ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ

و قوم «تبع» همه و همه پیامبران را انکار کردند، پس تهدیدم [به عذاب برای آنان] عملی شد (۱۴) [اما از آفرینش نخستین بار عاجز و درمانده بودیم [تا از آفرینش دوباره انسان نتوان و

وَعِیدٌ ۱۴ أَفَعِیْنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِیدٍ ۱۵

درمانده باشیم؟! [نه، بلکه آنانند که در آفرینش جدید [با وجود این همه دلیل بر قدرت خدا] غرق در تردیدند، [در حالی که آفرینش بار نخستین و بار دوم برای خدا یکسان است] (۱۵)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلَهُمَّا تَوْسُوسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ اقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ

همانا انسان را آفریدیم و همواره آنچه را درونش را درباره توحید و معاد و دیگر حقایق به او و سوسه می‌کند می‌دانیم، و ما از رگ گردن به او نزدیک‌تریم (۱۶) [توجه کنید به] دو فرشته‌ای که

حَبْلِ الْوَرِيدِ ۱۶ اِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ۱۷ مَا

ايمواره از راست و چپ ملازم انسان هستند و اعمالش را دریافت او ضبط می‌کنند (۱۷) انسان هیچ سخنی را به زبان نمی‌آورد مگر این که حافظ و نگهبانی نزد آن حاضر است (۱۸)

يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَنِيدٌ ۱۸ وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ

اچون هنگام جان‌کندن و سختی مرگ که حقیقتی اجتنایی است فرارسد، ایه محض می‌گویند: این همان چیزی است که از آن گریزان بودی (۱۹) و در صورت دمیده می‌شود، آن روز زمان

ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ ۱۹ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ ۲۰ وَ

آنچه و ظهور تهدیدها ای خداوند به منکران است (۲۰) هر انسانی ایه عرصه محشر می‌آید و همراه او کسی است که به پیش می‌راندش و کسی است که گواه اعمال اوست (۲۱) ایه او

جَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ ۲۱ لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا

می‌گویند: آنرا این روز بزرگ و حقایقش در غفلتی عمیق بودی، پس مایه غفلت [تورا از تور طرف کردیم، در نتیجه امروز دیده‌ات بسیار تیزبین است [تاجایی که قدرت دیدن همه حقایق

فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ ۲۲ وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَيَّ

قیامت اداری (۲۲) [فرشته] همنشینش می‌گوید: [خداوند!] این است نامه اعمال او که ضبط شده و دقیق نزد من حاضر است (۲۳) ایه دو فرشته موقت بر اعمال خطاب می‌شوند: هر کافر

عَتِيدٌ ۲۳ الْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلٌّ كَفَّارٌ عَنِيدٌ ۲۴ مَتَاعٌ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُرِيبٌ ۲۵

معاند حق ستیز را به دوزخ اندازید (۲۴) همان که به شدت بازدارنده از خیر، متجاوز ایه حقوق خدا و خلق، و تردیدکننده [در حقایق]، ابله که تردیدانداز در دل‌های مردم بود (۲۵) همان که با

اللَّهُ جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ ۲۶ قَالَ قَرِينُهُ

خداوند معبود دیگری ایه عنوان شریک در قدرت و ربوبیت قرار داد، پس او را در عذاب سخت افکند (۲۶) شیطان همنشینش ایه انسی چه جنی می‌گوید: پروردگار! من او را به طغیان

رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتُهُ وَلَئِنْ كُنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ۲۷ قَالَ لَا تَخْصِمُوا

نکشیدم، او ایه اختیار خودش در گمراهی عمیقی بود (۲۷) خداوند می‌گوید: در محضر من بایکدیگر جدال و ستیز نکنید، بی‌تردید من تهدید ایه عذاب را [در دنیا از طریق کتاب‌های

لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ ۲۸ مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلَ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ

آسمانی و پیامبران به شما اعلام کرده بودم (۲۸) آن تهدید نزد من تغییر نمی‌یابد، شما به سبب عملکردتان مستحق این عذاب هستید؛ زیرا [من ستمکار به بندگان نیستم] (۲۹) ایه یاد را

لِلْعَبِيدِ ۲۹ يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ ۳۰ وَ

روزی را که به دوزخ می‌گوییم: آیا از آنچه در تو ریخته‌ایم پر شده‌ای؟ [دوزخ که سیری ناپذیر است] می‌گوید: آیا افزون ایه هست؟! (۳۰) و در آن روز ایه بهشت را به برهیزگان بی آن که

أَزْلَفْتِ الْجَنَّةَ لِلْمُنْتَظِبِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ ۳۱ هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ

فاصله از آنان داشته باشد نزدیک می‌کنند (۳۱) ایه آنان گویند: این همان است که شما را [در دنیا] به آن وعده می‌دادند، این جایگاه رفیع برای هر کسی است [است] که روی آورده ایه خدا،

حَافِظٍ ۳۲ مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغُيْبَ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ ۳۳ ادْخُلُوهَا

و حافظ [حدود الهی در زندگی‌اش و بین مردم] بود (۳۲) همان کسی که در نهان و خلوت از خدای رحمان می‌ترسید، و دلی [ادرای اخلاص و] بازگشت‌کننده ایه حق به پیشگاه پروردگار را

بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ ۳۴ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ۳۵

آورده است (۳۳) [گفته می‌شود: در کمال امنیت وارد بهشت شوید، این است روز جاودانگی (۳۴) در آن جا هر چه بخواهند برای آنان ایه است، و نزد ما افزون ایه آن نیز وجود دارد (۳۵)]

وَمَا أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ

چهارم بسیار اقوامی را که پیش از این حق ستیزان هلاک کردیم، اقوامی که از ایشان نیرومندتر بودند و ایشان شهرها را فتح کرده، از بر سلطه خود کشیدند،

هَلْ مِنْ مَّحِصٍ ۝۳۶ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى

ایا برای آنان هیچ اراه گریزی از عذاب وجود داشت؟ (۳۶) به راستی در این سرگذشت پیشینیان که دچار عذاب شدند مایه پند و هشاری

السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ ۝۳۷ وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا

برای کسی است که نیروی عقل و فهمش در کار است، یا با دقت و حضور قلب به این سرگذشت ها گوش می دهد (۳۷) همانا آسمان و زمین

بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ ۝۳۸ فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا

و آنچه را میان آن دو ناست در شش دوره آفریدیم، و هیچ رنج و خستگی به ما نرسید (۳۸) در برابر گفتار [انراوی] مخالفان

يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ ۝۳۹

شکیبای باش! و پیش از طلوع خورشید و قبل از غروب آن پروردگارت را همراه با ستایش با تسبیح گفتن از هر عیب و نقصی پاک و منزه بدار! (۳۹)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ ۝۴۰ وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ

و اینها در پاره ای از شب، و پس از سجده ها خدا را تسبیح گوی! (۴۰) و به انتظار روزی باش

مَكَانٍ قَرِيبٍ ۝۴۱ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ ۝۴۲

که نداد هنده از جایی نزدیک ندای دهد (۴۱) روزی که همگان آن صیحه حتمی و حق را می شنوند، آن روز ایدون تردید ایدون بیرون آمدن از قبرها است (۴۲)

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَالْيَنَّا الْمَصِيرُ ۝۴۳ يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ

همانا ما مییم که حیات می بخشیم و می میرانیم، و بازگشت همه به سوی ماست (۴۳) روزی که زمین از روی اجساد آنان

سِرَاعًا ذَلِكْ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ ۝۴۴ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا

بشکافد [و با حیات دوباره با سرعت به سوی زمین قیامت گردانند]، این گردآوری برای ما [کاری بسیار آسان است] (۴۴) ما به آنچه دشمنان لجوج بر ضد اسلام و توای گویند

أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ ۝۴۵

داناتریم، تو را بر آنان تسلطی نیست [که به قبول هدایت مجبورشان کنی] پس به وسیله قرآن کسانی را که از تهدید من [در مورد فرجام شوم بی دینی] می ترسند تذکر ده! (۴۵)

سُورَةُ الذَّارِيَاتِ

آیاتها ۶۰

مکة ۵۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

وَالذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا ۝۱ فَالْحَامِلَاتِ وُقُرَّةً ۝۲ فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا ۝۳

سوگند به پادها که ابرها و گرده های نرینه و مادینه گیاهان را [پر کننده می سازند] (۱) و به ابرهایی که بار سنگین باران را [به نواحی مختلف] حمل می کنند! (۲) و به

فَالْمُقْسِمَاتِ أَمْرًا ۝۴ إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ ۝۵ وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ ۝۶

کشتی هایی که به آسانی [در سطح دریاها] روانند! (۴) و به فرشتگانی که [به فرمان خداوند] کارها را [برای اداره شدن امور هستی بین خود] تقسیم می کنند! (۵)

کشتی هایی که به آسانی [در سطح دریاها] روانند! (۴) و به فرشتگانی که [به فرمان خداوند] کارها را [برای اداره شدن امور هستی بین خود] تقسیم می کنند! (۵)

کشتی هایی که به آسانی [در سطح دریاها] روانند! (۴) و به فرشتگانی که [به فرمان خداوند] کارها را [برای اداره شدن امور هستی بین خود] تقسیم می کنند! (۵)

کشتی هایی که به آسانی [در سطح دریاها] روانند! (۴) و به فرشتگانی که [به فرمان خداوند] کارها را [برای اداره شدن امور هستی بین خود] تقسیم می کنند! (۵)

کشتی هایی که به آسانی [در سطح دریاها] روانند! (۴) و به فرشتگانی که [به فرمان خداوند] کارها را [برای اداره شدن امور هستی بین خود] تقسیم می کنند! (۵)

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُوبِ ﴿٧﴾ إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ ﴿٨﴾ يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ

که آنچه به شما درباره قیامت و اوضاع آن وعده می دهند راست و تخلف ناپذیر است (۵) و یقیناً روز جزا تحقق می یابد (۶) و سوگند به آسمان که دارای راه های

أُفِكَ ﴿٩﴾ قِيلَ الْخُرَاصُونَ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ ﴿١١﴾ يَسْأَلُونَ

گوناگون او آراسته به زیبایی است (۷) که شما کافران درباره پیامبر و قرآن و قیامت در گفتاری متناقض و آشفته هستید (۸) کسی را از ایمان به قیامت

آيَاتِ يَوْمِ الدِّينِ ﴿١٢﴾ يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ ﴿١٣﴾ ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي

روگردان می کنند که با گفتار متناقض و منحرفش کرده باشند (۹) از رحمت خدا دور باشند دروغگو یان گمان پیشه (۱۰) هم آنان که در گردابی عمیق از جهالت

كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ﴿١٤﴾ إِنَّ الْمُنَاقِبِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٥﴾ اخْذِينَ مَا

فرورفته، و از حقایق هستی و معارف الهی بی خبرند (۱۱) همواره از روی تمسخر می پرسند: روز جزا چه زمانی است؟ (۱۲) آن روزی است که آنان را در آتش

أَنَّهُمْ رَبَّاهُمْ أَنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ ﴿١٦﴾ كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا

إبه شدت عذاب خواهند کرد (۱۲) او گفته می شود: عذابتان را بچشید! این همان است که از روی تمسخر شتاب در آمدنش را می خواستید (۱۴) به راستی

بِهَجَعُونَ ﴿١٧﴾ وَيَا لَأَسْحَارٍ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴿١٨﴾ وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ

آنان که از خدا اطاعت کرده و از محرماتش پرهیز داشتند در بهشت ها و چشمه سارها (۱۵) آنچه را پروردگارشان به آنان عطا کرده [با شوق و رغبت] می گیرند:

وَالْمَحْرُومِ ﴿١٩﴾ وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ ﴿٢٠﴾ وَفِي أَنفُسِكُمْ أَفَلَا

زیر همواره [در دنیا] نیکوکار بودند (۱۶) [نیکوکاری شان این بود که] اندکی از شب را می خوابیدند (۱۷) و سحرگاهان به استغفار می پرداختند (۱۸) و در اموالشان

نُبْصِرُونَ ﴿٢١﴾ وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا نُوعِدُونَ ﴿٢٢﴾ فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ

حق برای سائل و محروم بود [که با رعایت شرایط لازم می پرداختند] (۱۹) در زمین برای اهل یقین نشانه هایی [از قدرت و ربوبیت و حکمت خدا] است (۲۰)

إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ ﴿٢٣﴾ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ

و [بیز] در وجود خود شما [نشانه هایی است]، آیا [با چشم بصیرت] نظر نمی کنید؟ (۲۱) رزق شما و آنچه شما را به آن وعده داده اند در آسمان است (۲۲) پس

الْمُكْرَمِينَ ﴿٢٤﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ

سوگند به پروردگار آسمان و زمین! که این وعده حق است، همان گونه که سخن گفتن شما حق است و در آن تردیدی ندارید! (۲۳) آیا خبر مهمانان ارجمند

﴿٢٥﴾ فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ ﴿٢٦﴾ فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا

ابراهیم به تو رسیده است؟ (۲۴) چون بر او وارد شدند سلام گفتند، گفت: سلام [علیکم]، او زیر لب گفت: شما! مردمی ناشناسید! (۲۵) پس [پنهان و بی درنگ]

تَأْكُلُونَ ﴿٢٧﴾ فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ

به سوی خانواده اش رفت و گوساله ای فربه او بریان آورد (۲۶) و آن را نزدیک آنان برد و گفت: چرا نمی خورید؟! (۲۷) [چون دید نمی خورند] از آنان در دلش نوعی

عَلِيمٍ ﴿٢٨﴾ فَأَقْبَلَتْ امْرَأَتُهُ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ

ترس احساس کرد، گفتند: ترس! و او را به [ولادت] پسر بچه ای دانا مژده دادند (۲۸) همسرش [چون مژده را شنید، شگفت زده] فریادی کشید، و در حالی که

عَقِيمٌ ﴿٢٩﴾ قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ﴿٣٠﴾

[ضربه] به چهره اش زد [رو به جمع آورد و] گفت: پیرزنی نازا او فرزند؟! (۲۹) گفتند: پروردگارت چنین مژده ای داده، او به همه امور حکیم و داناست (۳۰)

قَالَ فَاصْطَبِرْ وَابْتَهِمَ الرُّسُلَوتَ (۳۱) قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ
 مُجْرِمِينَ (۳۲) لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ جُمُوعًا مِنْ طَلِبِينَ (۳۳) مَسْمُومَةً عِنْدَ رَبِّكَ
 وَمَا يَشْعُرُونَ (۳۴) تَابُوا لِنَا فِي كُلِّ سَنَةٍ بِرِشْرَاشٍ فَزُرُوا (۳۵) فَزُرُوا كَمَا زُرْتُمُوهُمْ
 لِيُصْطَفِيَ لِيَوْمِئِذٍ الَّذِينَ يُؤْتُونَ عَمَلُوهُمْ أَجْرًا (۳۶) وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ لَا يَكُنْ
 مِنَ الْمُنْجَرِفِينَ (۳۷) وَأَنْزَلْنَا مِنْهُمْ مِائِدَةً فَخَلَّوْا فِيهَا مِنَ الْأَشْيَاءِ الَّتِي يُكْفَرُونَ
 بِهَا وَلَهُمْ فِيهَا أَنْعَامٌ وَأَنْهَارٌ وَسُلُوكٌ فِيهَا خَالِدٌ (۳۸) فَتَوَلَّوْا الْبَحْرَ
 وَنَحْنُ نَحْمِلُ الْكَفَالَ (۳۹) وَأَنْزَلْنَا مِنْهُمْ لُقُومًا فَخَلَّوْا وَنَحْنُ نَحْمِلُ الْكَفَالَ (۴۰)
 وَأَنْزَلْنَا مِنْهُمْ لُقُومًا فَخَلَّوْا وَنَحْنُ نَحْمِلُ الْكَفَالَ (۴۱) وَأَنْزَلْنَا مِنْهُمْ لُقُومًا
 فَخَلَّوْا وَنَحْنُ نَحْمِلُ الْكَفَالَ (۴۲) وَأَنْزَلْنَا مِنْهُمْ لُقُومًا فَخَلَّوْا وَنَحْنُ
 نَحْمِلُ الْكَفَالَ (۴۳) وَأَنْزَلْنَا مِنْهُمْ لُقُومًا فَخَلَّوْا وَنَحْنُ نَحْمِلُ الْكَفَالَ (۴۴)
 وَأَنْزَلْنَا مِنْهُمْ لُقُومًا فَخَلَّوْا وَنَحْنُ نَحْمِلُ الْكَفَالَ (۴۵) وَأَنْزَلْنَا مِنْهُمْ
 لُقُومًا فَخَلَّوْا وَنَحْنُ نَحْمِلُ الْكَفَالَ (۴۶) وَأَنْزَلْنَا مِنْهُمْ لُقُومًا فَخَلَّوْا
 وَنَحْنُ نَحْمِلُ الْكَفَالَ (۴۷) وَأَنْزَلْنَا مِنْهُمْ لُقُومًا فَخَلَّوْا وَنَحْنُ
 نَحْمِلُ الْكَفَالَ (۴۸) وَأَنْزَلْنَا مِنْهُمْ لُقُومًا فَخَلَّوْا وَنَحْنُ نَحْمِلُ الْكَفَالَ
 (۴۹) وَأَنْزَلْنَا مِنْهُمْ لُقُومًا فَخَلَّوْا وَنَحْنُ نَحْمِلُ الْكَفَالَ (۵۰) وَأَنْزَلْنَا
 مِنْهُمْ لُقُومًا فَخَلَّوْا وَنَحْنُ نَحْمِلُ الْكَفَالَ (۵۱)

كَذَلِكَ مَا آتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مُجْنُونٌ ﴿٥٢﴾

شیوه کفر پیشگان همیشه چنین بوده است که هیچ پیامبری برایشان نیامد مگر این که گفتند: جادوگر یا دیوانه است! (۵۲)

اتُوا صَوَابِهِمْ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُوتٌ ﴿٥٣﴾ فَنُفِّلْ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٌ ﴿٥٤﴾

اشکفتا! آیا [اقوام در طول تاریخ] یکدیگر را به این گونه داورى در حق پیامبران [سفارش کرده بودند؟] نه، بلکه [همه] آنان [در همه زمان ها] مردمی سرکش و باغی

وَذِكْرُ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٥٥﴾ وَمَا خَلَقْتُ

بودند (۵۳) بنابراین این از این متکبران باغی روی برتاب که [در این زمینه] در خور سرزنش نیستی (۵۴) [همواره] پندیده: زیرا پندیده مؤمنان سودمی بخشد (۵۵) جن و انس را

الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا

جز برای این که مرا عبادت کنند نیافریدم (۵۶) از آنان هیچ رزقی نمی خواهم، و نمی خواهم که به من طعام دهند: [ازیرا من هیچ نیازی

أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُوا ۖ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ﴿٥٨﴾ فَإِنَّ

به آنان و عبادتشان ندارم، سود عبادت فقط برای خود آنان است! (۵۷) یقیناً خدا بسیار روزی دهنده، و دارای قدرتی استوار است (۵۸)

لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿٥٩﴾

بی گمان برای کسانی [از قوم تو] که [به آیات و بندگان من] ستم کردند سهمی [از عذاب شدید] مانند سهم هم مسلمانان [از امت های

قَوْلٍ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ ﴿٦٠﴾

پیشین] است، بنابراین شتاب در آمدنشان را نخواهند (۵۹) پس وای بر کافران از آن روز [در دناک] شان که همواره به آن تهدید می شوند (۶۰)

سُورَةُ الطُّورِ ﴿٤٩﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

وَالطُّورِ ﴿١﴾ وَكِتَابٍ مَسْطُورٍ ﴿٢﴾ فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ ﴿٣﴾ وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ﴿٤﴾

سوگند به [کوه] طور! (۱) و به کتاب [با عظمت] نوشته شده (۲) در صفحه ای باز و گسترده! (۳) و سوگند به این خانه آباد [کعبه مکه] (۴)!

وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ ﴿٥﴾ وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ ﴿٦﴾ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ ﴿٧﴾

و به آن سقف برافراشته شده (۵) و به آن دریای خروشان پُرباب! (۶) که بی تردید عذاب پروردگارت تحقق او ظهورش حتمی است (۷)

مَالَهُ مِنْ دَافِعٍ ﴿٨﴾ يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا ﴿٩﴾ وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا ﴿١٠﴾

برای آن هیچ بازدارنده ای نیست (۸) او آن دریا روزی [است] که آسمان به حرکتی پُرشتاب درآید (۹) و کوه ها به شدت روان شوند

قَوْلٍ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿١١﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ ﴿١٢﴾ يَوْمَ

(۱۰) پس در آن روز وای بر انکارکنندگان! (۱۱) هم آنان که با فرو رفتن [در باطل]، سرگرم بازیگری اند (۱۲) [رستخیزا روزی

يَدْعُونَ إِلَى نَارٍ جَهَنَّمَ دَعَاً ﴿١٣﴾ هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿١٤﴾

[است] که [انکارکنندگان را] با شدت به سوی آتش دوزخ می رانند (۱۳) [و به آنان گفته می شود: این همان آتشی است که همواره آن را انکار می کردید] (۱۴)

أَفَسِحْرُ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ﴿١٥﴾ أَصَلُّوْهَا فَاصْبِرْ وَلَا تَصِرْ وَ

ایا این آتش هم اسحر است آن گونه که پیامبران و کتاب های آسمانی را سحر می پنداشتند، یا آن را انمی بینید (به گونه ای که در دنیا حقایق را نمی دیدید) (۱۵) این آتش

سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُحْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾ إِنَّ الْمُنَاقِبِينَ فِي جَنَّاتٍ

شعله ور سوزان را ابراجشید! صبر کنید یا نکنید برایتان یکسان است، (در هر صورت باید بجشید،) جز این نیست که همان اعمالی را که همواره انجام می دادید جزایان

وَنَعِيمٌ ﴿١٧﴾ فَالْكٰهِنِينَ بِمَا أَنٰهُمْ رَبُّهُمْ وَقَوْمُهُمْ عَذَابُ الْمُجَحِّمِ

می دهند (۱۶) بهره استی آنان که از خداوند اطاعت کرده، و از محز ماتش ابرهیز داشتند در بهشت ها و نعمت فراوانند (۱۷) به آنچه پروردگارشان به آنان عطا کرده، و این که از

﴿١٨﴾ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾ مُتَّكِعِينَ

عذاب دوزخ نگاهشان داشته شادمانند (۱۸) [گفته می شود:] به پاداش اعمالی که همواره انجام می دادید [از این نعمت فراوان] بخورید و بیاشامید که گوارایان باد (۱۹)

عَلَىٰ سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِينٍ ﴿٢٠﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا

[این در حالی است که] بر تخت های چیده شده کنار هم تکیه می زنند، و حوریانی زیبا چشم را به همسری آنان در می آوریم (۲۰) مؤمنانی که

وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ

فرزندانشان در ایمان (به خدا و قیامت و قرآن و پیامبر) از آنان پیروی کرده اند آن فرزندان را به آنان ملحق می کنیم،

مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرَأٍ بِمَا كَسَبَ رَهِيْنٌ ﴿٢١﴾ وَامْدَدْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ

و هیچ چیز از اعمالشان را نمی گاهیم، هرکسی در گرو اعمال خویش است (۲۱) از هر نوع میوه و گوشتی که دلخواهشان باشد همواره در

بِمَا يَشْتَهُونَ ﴿٢٢﴾ يَنَازَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْتِيهِمْ ؕ وَ

اختیارشان می گذاریم (۲۲) در آن جا جام های پُر از شراب ظهور را که پیامدش نه بیهوده گویی است نه گناه، از دست یکدیگر می کشند (۲۳)

بَطُوفٌ عَلَيْهِمْ غُلَامَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ ﴿٢٤﴾ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ

نوجوانانی مخصوص (پذیرایی از) آنان پیرامونشان می گردند که گویی مرواریدی نهفته (در صدف اند) (۲۴) [بهشتیان] باروی کردن به هم (در باره گذشته و چگونگی

بَعْضٌ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٢٥﴾ قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ ﴿٢٦﴾ فَمَنْ

راهیافتنشان به بهشت از یکدیگر می پرسند (۲۵) (و در جواب می گویند: ما پیش تر که در دنیا بودیم [در میان کسان خود از عذاب امروز می ترسیدیم] (۲۶)

اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقْنَا عَذَابَ السَّمُورِ ﴿٢٧﴾ إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ

ولی خداوند بر ما منت نهاد، و ما را از عذاب باد آتشناک نگهداشت (۲۷) ما از پیش

نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ ﴿٢٨﴾ فَذَكِّرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ

به طور پیوسته به پیشگاهش دعا می کردیم، به راستی اوست که نیکوکار و مهربان است (۲۸) [کافران را] هشدارده! که تو

بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ ﴿٢٩﴾ أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِ رَبُّ

به لطف پروردگارت نه کاهنی نه دیوانه (۲۹) بلکه [این سبک مغزان اند که] می گویند: [او] شاعری است که حوادث تلخ روزگار را

الْمُنُونِ ﴿٣٠﴾ قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَرِبِينَ ﴿٣١﴾

برایش انتظار می کشیم (۳۰) بگو: [حوادث تلخ روزگار را بر ضد خود] به انتظار باشید: که من هم با شما از منتظرانم (۳۱)

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَاءُ مُنْهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ﴿٣٢﴾ أَمْ يَقُولُونَ نَقُولُهُ بَلْ

ایا این انهمت‌ها و گفتن مطالب یاوه را غفلشان به آنان فرمان می‌دهد، یا مردمی طغیانگرند؟ (۳۲) یا می‌گویند: قرآن را خود ساخته او به خداوند نسبت می‌دهد. چنین نیست که

لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٣﴾ فَلْيَأْنُوا بِحَدِيثِ مَثَلَةٍ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ﴿٣٤﴾ أَمْ خُلِقُوا

می‌گویند، بلکه قرآن وحی الهی است ولی اینان ایمان نمی‌آورند (۳۳) اگر ادعای خود در مورد قرآن راست گویند سخنی مانند آن بیاورید! (۳۴) آیا از هیچ آفریده شده‌اند، یا

مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ ﴿٣٥﴾ أَمْ خَلَقُوا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ

خود آفریننده [خود] هستند [که خود را ممتاز دانسته و چون دیگران نیازمند به وحی و پیامبر نمی‌دانند]؟! (۳۵) یا آسمان و زمین را [آنان] به وجود آورده‌اند؟ [نه چنین نیست،]

لَا يُوقِنُونَ ﴿٣٦﴾ أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُصِيطِرُونَ ﴿٣٧﴾ أَمْ لَهُمْ

بلکه [نه سبب کبر و لجبایشان] یقین نمی‌کنند! (۳۶) آیا خزانه‌های [علم و قدرت] پروردگارت نزد آنان است [که هرکس را بخواهند به مقام نبوت برگزینند]، یا بر [تدبیر امور]

سُلْطَانٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿٣٨﴾ أَمْ لَهُ

جهان [مسلطنت] که بتوانند این مقام را از تو بگیرند؟! (۳۷) آیا نردبانی دارند که از آن بالا رفته، وحی را بر بلندای آن [بشنوند]؟ اگر چنین است باید شنونده آنان دلیلی روشن [بر]

الْبَنَاتِ وَلَكُمُ الْبُنُونَ ﴿٣٩﴾ أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ﴿٤٠﴾

ادعایش [بیاورد] (۳۸) آیا سهم خدا دختران است و سهم شما پسران؟! [این اعتقادی است خرافی و واهی که چون سایر عقایدتان هیچ دلیلی بر آن ندارید] (۳۹) آیا از آنان برای ابلاغ

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ﴿٤١﴾ أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمْ

رسالت یا دانشی می‌خواهی که از خسارتش سنگین یارند، [و به این علت ایمان نمی‌آورند]؟! (۴۰) آیا [علم] غیب نزد آنان است که [ادعاهای خود را از روی آن] می‌نویسند؟! (۴۱) آیا

الْمُكِيدُونَ ﴿٤٢﴾ أَمْ لَهُمْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٤٣﴾ وَإِنْ

می‌خواهند [بر ضد حق] نیرنگی [کارساز] به کار گیرند؟ ولی کافران [بدانند که خود] اسیر نیرنگ [و سزاوار کفر] آن‌اند (۴۲) آیا برای آنان معبودی جز خدا هست؟ خداوند از آنچه

هَرَوُا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَرْكُومٌ ﴿٤٤﴾ فَذَرْهُمْ حَتَّى

شریک [و] اقرار می‌دهند پاک و منزّه است (۴۳) [این خیال بافان] اگر باره‌سنگی را در حال سقوط [بر سرشان] از آسمان ببینند می‌گویند: ابری متراکم و باران زاست! (۴۴) اکنون [که]

يُلَاقُوا بِوَمِهِمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ ﴿٤٥﴾ يَوْمَ لَا يَغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا

با هیچ دلیلی هدایت رانی پذیرند! و هایشان کن! تا روزی را ببینند که در آن [به وسیله عذابی سخت] هلاک می‌شوند (۴۵) روزی که نیرنگشان چیزی از عذاب را از آنان برطرف

وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤٦﴾ وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَٰكِنْ

نمی‌کنند، و باری هم نمی‌شوند (۴۶) بی شک برای آنان که [به آیات حق و به مردم] استم کردند غیر از عذاب آخرت عذابی دیگر [در دنیا و برزخ] خواهد بود، ولی بیشترشان [این]

أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٧﴾ وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ

واقعیات را! نمی‌دانند (۴۷) در کار [ابلاغ پیام‌ها و حکم پروردگارت] شکیب باش! یقیناً تو زیر نظر او حفاظت [ما هستی، هنگامی که [برای تبلیغ] به‌یامی خیزی پروردگارت را همراه]

بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ ﴿٤٨﴾ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ ﴿٤٩﴾

با ستایش با تسبیح گفتن [از هر عیب و نقیصی پاک و منزّه بدار] (۴۸) و [انیز] پاره‌ای از شب، و هنگام پنهان شدن ستارگان [که نقطه طلوع فجر است] خدا را تسبیح گوی! (۴۹).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

وَالنَّجْمُ إِذَا هَوَىٰ ۝۱ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ۝۲ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ

السَّوْدِ ۝۳ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ۝۴ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ۝۵ ذُو مِرَّةٍ

الْهَوَىٰ ۝۶ فَاسْتَوَىٰ ۝۷ وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ ۝۸ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ ۝۹ فَكَانَ قَابَ

قَوْسَيْنِ وَأَوْدَىٰ ۝۱۰ فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ ۝۱۱ مَا كَذَّابٌ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ ۝۱۲

وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ ۝۱۳ عِنْدَ سِدْرَةِ

الْمُنْهَىٰ ۝۱۴ عِنْدَ حَاجَتِهِ إِلَىٰ الْمَأْوَىٰ ۝۱۵ إِذْ بَغَشَّىٰ السِّدْرَةَ مَا بَغَشَّىٰ ۝۱۶ مَا

زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ ۝۱۷ لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ ۝۱۸ أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ

وَالْعُزَّىٰ ۝۱۹ وَهَفُوهَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ ۝۲۰ أَلَكُمُ الذَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ ۝۲۱

تِلْكَ إِذْ أَوَّيْتُنَا فِي لَحْنٍ مِّنْهُمْ ۝۲۲ إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءُ سَمِيَّةٌ مِّمَّا نَتَّبِعُ ۝۲۳

مَا نَنْزِلُ إِلَّا إِلَهُ ۝۲۴ مَا يَخْتَارُ ۝۲۵ أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝۲۶ فَلْيَلِهِ

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ ۝۲۷ أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝۲۸ فَلْيَلِهِ

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ ۝۲۹ أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝۳۰ فَلْيَلِهِ

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ ۝۳۱ أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝۳۲ فَلْيَلِهِ

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ ۝۳۳ أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝۳۴ فَلْيَلِهِ

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ ۝۳۵ أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝۳۶ فَلْيَلِهِ

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ ۝۳۷ أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝۳۸ فَلْيَلِهِ

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ ۝۳۹ أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝۴۰ فَلْيَلِهِ

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ ۝۴۱ أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝۴۲ فَلْيَلِهِ

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ ۝۴۳ أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝۴۴ فَلْيَلِهِ

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ ۝۴۵ أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝۴۶ فَلْيَلِهِ

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ ۝۴۷ أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝۴۸ فَلْيَلِهِ

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ ۝۴۹ أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝۵۰ فَلْيَلِهِ

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ ۝۵۱ أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝۵۲ فَلْيَلِهِ

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ ۝۵۳ أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝۵۴ فَلْيَلِهِ

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ ۝۵۵ أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝۵۶ فَلْيَلِهِ

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ ۝۵۷ أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝۵۸ فَلْيَلِهِ

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ ۝۵۹ أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝۶۰ فَلْيَلِهِ

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ ۝۶۱ أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝۶۲ فَلْيَلِهِ

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ ۝۶۳ أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝۶۴ فَلْيَلِهِ

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ ۝۶۵ أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝۶۶ فَلْيَلِهِ

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ ۝۶۷ أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝۶۸ فَلْيَلِهِ

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ ۝۶۹ أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝۷۰ فَلْيَلِهِ

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ ۝۷۱ أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝۷۲ فَلْيَلِهِ

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ ۝۷۳ أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝۷۴ فَلْيَلِهِ

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ ۝۷۵ أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝۷۶ فَلْيَلِهِ

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ ۝۷۷ أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝۷۸ فَلْيَلِهِ

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيُسَمُّونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةً الْأُنثَىٰ (۲۷) وَمَالَهُمْ

مسلمانان کلامه آخرت ایمان ندارند فرشتگان را به نام دختران خدا نام گذاری می کنند (۲۷) در حالی که در این زمینه منکبی به هیچ دانش و دلیلی

بِهِمْ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا (۲۸)

نیستند و جز از گمان [بی پایه] پیروی نمی کنند، مسلماً گمان [بی پایه] به هیچ صورت [انسان را] از یقین [علمی و دانش استوار] بی نیاز نمی کند (۲۸)

فَأَمْرٌ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۲۹) ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ

بنابر این از کسانی که از یاد ما روی گردانده اند و جز زندگی دنیا را نخواسته اند روی برتاب (۲۹) این [دنیاخواهی]

مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَىٰ

نهایت مرز آگاهی و دانش آنان است، همانا پروردگارت به کسی که از راه او منحرف شده دانایتر است، و به کسی که هدایت یافته

(۳۰) وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا

نیز آگاهتر است (۳۰) آنچه در آسمان ها و زمین است فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، تا آنان که مرتکب گناه شده اند

يَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَىٰ (۳۱) الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْأَثْمِ

[همان] گناهانشان را به آنان کیفر دهد، و کسانی که کار نیک انجام داده اند [همان] کار نیک [شان را] به آنان پاداش بخشد (۳۱) [نیکوکاران همان] کسانی هستند که

وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ

از گناهان کبیره و کارهای بسیار زشت به جز لغزش های [کوچک] که اتفاقی مرتکب می شوند [دوری می کنند، یقیناً] پرورش پروردگارت بسیار گسترده است، او از هنگامی که

مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجْتَهُ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوْا أَنْفُسَكُمْ

از زمین به وجودتان آورد و زمانی که در شکم مادرانتان جنین بودید به شما دانایتر است، پس خود را [بی دلیل] به پاکی و تقوا

هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَىٰ (۳۲) أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّىٰ (۳۳) وَأَعْطَىٰ قَلِيلًا وَأَكْدَىٰ

نستاید، او به کسی که تقوایش بوده آگاهتر است (۳۲) به من خبر ده آیا کسی که [از اتفاق مال در راه خدا] روی بر تافت (۳۳) [اندکی] [مال] [بخشید

(۳۴) أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرَىٰ (۳۵) أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَىٰ

[و] [بعد از آن] [بخل ورزید] (۳۴) آیا علم غیب نزد اوست که می بیند [اگر به انفاقش ادامه دهد فرجامش چه می شود؟] (۳۵) آیا او را به آنچه در صحیفه های موسی

وَأِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّىٰ (۳۷) إِلَّا نَزْرُ وَازِرَةٍ وَزَرَ آخِرَىٰ (۳۸) وَأَنْ لَّيْسَ

است خبر نداده اند؟ (۳۷) یا [به آنچه در صحیفه های] [ابراهیم، همان کسی که] [به پیمانش با خدا] وفا کرد [آگاه نکرده اند؟] (۳۸) [مطالب پندآموز آن صحیفه ها

لِلنَّاسِ إِلَّا مَا سَعَىٰ (۳۹) وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ (۴۰) ثُمَّ يُجْزَاهُ

این است] که: هیچ سنگین باری بار گناه دیگری را بر نمی دارد؛ پس نباید دلخوش باشد که اتفاق سبب افتادن گناه اتفاق کننده بر عهده اتفاق شونده است (۳۸)

الْجَزَاءِ الْأَوْفَىٰ (۴۱) وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنتَهَىٰ (۴۲) وَأَنَّهُ

و این که برای انسان جز آنچه تلاش کرده هیچ نصیبی نیست (۳۹) و تلاشش به زودی [در قیامت] دیده خواهد شد (۴۰) سپس پاداش تلاش را به طور کامل

هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَىٰ (۴۳) وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتٌ وَأَحْيَا (۴۴)

خواهند داد (۴۱) و اینکه پایان [همه امور] به سوی پروردگار توست (۴۲) و اوست که می خنداند و می گریاند (۴۳) و اوست که می میراند و حیات می بخشد (۴۴)

وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ (۴۵) مِن نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ (۴۶) وَأَنَّهُ عَلَيْهِ

و او دو نوع نر و ماده آفریده است (۴۵) از نطفه ای، که ادر رحم فرو ریخته می شود (۴۶) و ایدید آوردن جهان دیگر نیز ابر عهده اوست (۴۷) و اوست که شمارا توانگر می کند و سر مایه

النَّشَاةِ الْآخَرَىٰ (۴۷) وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَقْنَىٰ (۴۸) وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشَّعَرِ (۴۹) وَ

ماندگار می بخشد (۴۸) و او مالک و مدبّر استاره شعری است (۴۹) و اوست که نخستین نسل عادیان را ابره کیفر طغیانشان ا هلاک کرد (۵۰) و نیز قوم ا نمود را ا آن گونه ا که

أَنَّهُ أَهْلَكَ عَادَ الْأُولَىٰ (۵۰) وَثَمُودَ أَفْأَىٰ (۵۱) وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ

ا حدی از آنان را ا باقی نگذاشت (۵۰) و نیز ا قوم نوح را پیش تر از اینان ا به نابودی کشید ا زیر از آنان ستمکار تر و سرکش تر بودند (۵۱) و شهرهای زیور و شده ا اقوام دچار شده به

كَانُوا أَهْمُ الظَّالِمِ وَأَطْعَىٰ (۵۲) وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ (۵۳) فَغَشَّاهَا مَا غَشَّىٰ (۵۴)

عذاب ا از آباد بودن ا ساقط شدند ا فرو کوید (۵۲) پس بر آنان فرو بوشانید آنچه را ا از عذاب سخت ا فرو بوشانید (۵۳) پس ا ای انسان ا ا در کدامیک از نعمت های پروردگار ت ردید

فِي آيِ الْأَرْبَعِ تَمَارِي (۵۵) هَذَا نَذِيرٌ مِنَ النَّذْرِ الْأُولَىٰ (۵۶) أَزِفَتِ الْأَرْفَةُ

می کنی (۵۵) ا این ایامبر ا هشدار دهنده ای از گروه هشدار دهندگان پیشین است (۵۶) قیامت نزدیک شده است (۵۷) جز خداوند ا حدی بر طرف کننده ا سختی ها و هول و هراس ا

لَبَسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةً (۵۸) أَفَمِنَ هَذَا الْحَدِيثِ يَعْجَبُونَ (۵۹)

ا ن نیست (۵۸) آیا از این سخن ا که شمارا به بیداری و سعادت می خواند ا باشگفتی بر خورد می کنید (۵۹) ا با چنین وضع خطرناکی که دارید هنوز از روی استهزا ا می خندید و گریه

وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ (۶۰) وَأَنْتُمْ سَامِدُونَ (۶۱) فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا (۶۲)

نمی کنید (۶۰) و همواره غرق در غرور و سرکشی هستید (۶۱) ا حال که قیامت و عذاب های ا ن را پیش رو دارید برای محفوظ ماندن ا خدا را اسجده کنید ا و ا را ا برستید (۶۲)

سُورَةُ الْقَبْرِ (۵۵)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشه

أَقْرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ (۱) وَإِنْ بَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا

قیامت بسیار نزدیک شد و ماه ا به عنوان معجزه پیامبر به اذن خدا ا شکافت (۱) ا کافران ا چون معجزه ای ببینند ا متکبران ا روی برتابند

يَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ (۲) وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ

و گویند: این جادویی همیشگی است (۲) به انکار ا معجزات و آیات الهی ا روی آوردند و از خواسته های ا نامشروع ا خود پیروی کردند

وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقَرٌّ (۳) وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا

در حالی که هر کاری ا چون پیروزی مؤمنان و شکست کافران و پاداش نیکان و کیفر بدان ا قرارگاه ویژه ای دارد (۳) بی تردید از خبرهای مهم ا گذشتگان ا

فِيهِ مُزْدَجَرٌّ (۴) حِكْمَةٌ بِالْغَةِ فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ (۵)

ا چه مایه باز داشتن ا از کفر ا است به آنان رسیده است (۴) ا این اخبار و آیات الهی ا حکمتی کامل و راست ا لیکن به علت اسیر بودنشان در چنگال هوای نفس ا ن هار ا نمی پذیرند ا

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نَّكَرٍ (۶)

ا از این رو ا این هشدار ها سودی نمی دهد (۵) بنا بر این ا از آنان روی برتاب ا ا به ا روزی ا توجه کن ا که ا دعوت کننده ا آنان را ا به فرجامی بس هولناک و ناخوشایند دعوت می کند (۶)

خُشَعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ ﴿٧﴾

آنان چون ملخ‌های پراکنده درحالی‌که چشمانشان از سختی هراس قیامت! به زیر افقاده از قبرها بیرون می‌آیند (۷)

مُطِيعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمَ عَسْرٍ ﴿٨﴾ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ

با گردن‌های گشوده شنایان و سریع به‌سوی آن دعوت‌کننده می‌روند، کافران می‌گویند: امروز، روز بسیار سختی است! (۸) پیش از ایشان

قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا لَمَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ ﴿٩﴾ فَدَعَا رَبُّهُ إِنِّي مَغْلُوبٌ

قوم نوح! پیامبران را انکار کردند و به دنبال آن! بنده ما! نوح! را هم! انکار کردند و گفتند: [دیوانه و! مجنون است و! او را! از تبلیغش! بازداشتند! (۹) پس پروردگار! را

فَأَنْصَرُ ﴿١٠﴾ فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَرٍ ﴿١١﴾ وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ

خواند که: من مغلوب شده‌ام، بنابراین انتقام مرا! از این قوم بدکار! بگیر! (۱۰) [به دنبال نفرینش! درهای آسمان! را! بانی سبیل! آساوریزان! گشودیم! (۱۱) و چشمه‌های زمین! را

عَبُورًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ ﴿١٢﴾ وَحَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ الْأَوَاحِ وَ

جوشاندیم، در نتیجه آب! آسمان و زمین! بر پایه کاری که مقدر شده بود به هم پیوستند! (۱۲) او را بر! [کشتی! ساخته‌شده از تخته‌ها

دُسُرٍ ﴿١٣﴾ تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءً لِمَن كَانَ كُفِرَ ﴿١٤﴾ وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا آيَةً

و میخ‌ها سوار کردیم! (۱۳) که زیر نظر! و حفاظت! ما حرکت می‌کرد، برای این که پاداشی باشد برای کسی که مورد انکار قرار گرفته بود! (۱۴) [بی تردید! آن! حادثه! را

فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿١٥﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنَذِيرٍ ﴿١٦﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا

مایه پند گرفتن به جای گذاشتیم، آیا پندگیرنده‌ای هست؟ (۱۵) پس عذابیم و هشدارهایم چگونه بود؟ (۱۶) به‌راستی ما

الْقُرْآنَ لِلَّذِي كُفِرَ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿١٧﴾ كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَ

قرآن را برای پند گرفتن! همگان! آسان! و قابل فهم! قرار دادیم، آیا پندگیرنده‌ای هست؟ (۱۷) عادیان! پیامبران را! انکار کردند، پس عذابیم و هشدارهایم

نَذِيرٍ ﴿١٨﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمٍ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ ﴿١٩﴾ نَزْعٌ

چگونه بود؟ (۱۸) ما بادی بسیار شدید و سرد در مدتی! [بی دریی! نحس بر آنان فرستادیم! (۱۹) که مردم را! از جای! بر می‌کند، [و بعد از آن عذاب!، گویی تپه‌های نخل

النَّاسِ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعٍ ﴿٢٠﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنَذِيرٍ ﴿٢١﴾ وَلَقَدْ

ریشه‌کن شده‌اند، (۲۰) پس عذابیم و هشدارهایم چگونه بود؟ (۲۱) به‌راستی ما قرآن را برای پند گرفتن! همگان! آسان! و قابل فهم! قرار دادیم، آیا پندگیرنده‌ای هست؟ (۲۲)

يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلَّذِي كُفِرَ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿٢٢﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنَّذْرِ ﴿٢٣﴾ فَقَالُوا

[قوم! نمود هشدارها را! انکار کردند! (۲۳) گفتند: آیا بشری را از! جنس! خودمان که بکه و تنه‌است، [و افراد و ابزار و ثروت و حکومتی در اختیارش نیست! پیروی کنیم؟!]

أَبَشْرًا مِمَّا وَاحِدًا نَتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَالٌ وَسُعْرٌ ﴿٢٤﴾ أَلْقَى الذِّكْرُ

در این صورت در گمراهی و دیوانگی خواهیم بود! (۲۴) آیا از بین ما! که اشراف و اعیان قومیم! فقط وحی به او القا شده است؟ [نه چنین نیست!، بلکه او دروغگو و

عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌّ ﴿٢٥﴾ سَيَعْلَمُونَ غَدًا مِنَ الْكَذَّابِ

قدرت طلب است! (۲۵) [این متکبران مغرور! در فردای نزدیک! که روز داوری بین حق و باطل است! خواهند دانست که دروغگوی شیاد و متکبر سرکش کیست؟ (۲۶)]

الْأَشِرِّ ﴿٢٦﴾ إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةِ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَبِعْهُمْ وَاصْطَبِرْ ﴿٢٧﴾

[به صالح گفتیم: ما ناقه! [درخواستی! را که از مایشی برای آنان است می‌فرستیم، پس به انتظار! او! کنش! آنان باش، و [در برابر! آزارشان! شکیبایی پیشه کن! (۲۷)]

وَنَبِّئُهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شَرْبٍ مُّخْتَصِرٌ ﴿٢٨﴾ فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ

به آنان خبر ده که آب [اشامیدنی] این [ان] و نافه [سهیم بندی شده، بر سر هر سهیم آب [سهام دارش] حاضر شود (۲۸) ولی آنان [بی توجه به فرجام کار] ظالمانه خود را

فَنَعَاطَىٰ فَعَقَرَ ﴿٢٩﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿٣٠﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً

رفیقشان را خواستند، و او هم سلاح برداشت و بدون درنگ [نافه را بی کرد (۲۹) پس عذاب هایم و هشدار هایم چگونه بود؟ (۳۰) ما بر خدا [ان] فریاد و گریه

وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُخْتَطِرِ ﴿٣١﴾ وَلَقَدْ بَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ

فرستادیم، در نتیجه همه آنان [چون علف خشکی که ادر اغل چهار پایان [افراهم می آوردند و آمدند (۳۱) به راستی ما قرآن را برای پند گرفتن [همگان] آسان [و قابل

مُذَكِّرٍ ﴿٣٢﴾ كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذُرِ ﴿٣٣﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ

فهم [قرار دادیم، پس آیا پند گیرنده ای هست؟ (۳۲) قوم لوط هشدار ها را انکار کردند (۳۳) ما توفانی از شن و سنگریزه بر سر آنان فرود باریدیم [که همه را هلاک کرد،

نَجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ ﴿٣٤﴾ نِعْمَةٌ مِنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نُجْزِي مَنْ شَكَرَ ﴿٣٥﴾ وَلَقَدْ

جز خاندان لوط را که در سحرگاهان نجاتشان دادیم (۳۴) این نجات بخشی [نعمتی از سوی ما] بود، این گونه هر که را سپاس گزاری کرده باشد پاداش می دهیم (۳۵)

أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتْنَا فَتَارُوا بِالنُّذُرِ ﴿٣٦﴾ وَلَقَدْ رَاودُوهُ عَنْ صَيفِهِ فَطَمَسْنَا

همانا لوط آنان را به عقوبت سخت ما هشدار داده بود، ولی آنان [با او] مصرانه درباره هشدار ها به گفت و گوی نادرست و بی دلیل روی آوردند (۳۶) و از میهمانانش [که فرشتگان ما

أَعْيَنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿٣٧﴾ وَلَقَدْ صَبَّحَهُمْ بُكْرَةً عَذَابٌ مُّسْتَقَرٌّ

بودند] خواستار کام جویی شدند، در نتیجه چشمانشان را نابینا کردیم [و گفتیم: عذاب و هشدار های [محقق شده] ما بچشید! (۳۷) نهایتاً صبحگاهان در لحظات اول روز

﴿٣٨﴾ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿٣٩﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ

عذابی پایدار به آنان رسید (۳۸) [گفتیم: عذاب و هشدار های [محقق شده] ما بچشید! (۳۹) به راستی ما قرآن را برای پند گرفتن [همگان] آسان [و قابل فهم]

مُذَكِّرٍ ﴿٤٠﴾ وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرِ ﴿٤١﴾ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا

قرار دادیم، پس آیا پند گیرنده ای هست؟ (۴۰) همانا به فرعونیان هشدار ها رسید (۴۱) ولی همه [معجزات و آیات ما را] انکار کردند، به این سبب آنان را به عذابی

فَاخَذْنَاَهُمْ أَخْذَ عَزٍّ مُّقْتَدِرٍ ﴿٤٢﴾ أَكْفَارُكُمْ خَيْرٌ مِنْ أَوْلَائِكُمْ أَمْ لَكُمْ

سخت [و گرفتیم، گرفتن توانای شکست ناپذیر و نیرومند، (۴۲) آیا کافران شما [اهل مکه] از پیشینیان آنان [که هلاکشان کردیم] بهترند [که از عذاب مصون باشند]؟

بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ ﴿٤٣﴾ أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرٌ ﴿٤٤﴾ سَبِّهْنَاهُمُ الْجَمْعُ وَ

یا برای شمار کتاب های آسمانی امان نامه ای از عذاب [وجود دارد؟ (۴۳) بای می گویند: ما گروهی متحد [و قوی] و پیروزیم (۴۴) به زودی این گروه [در جنگ با مؤمنان]

يُؤَلُّونَ الذُّبُرَ ﴿٤٥﴾ بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَدْهَىٰ وَأَمَرُّ ﴿٤٦﴾

شکست می خورند، و پاره فرار می گذارند (۴۵) [پس از آن شکست کارشان تمام نمی شود] بلکه وعده گاهشان قیامت است، و قیامت هولناک تر و تلخ تر است! (۴۶)

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ ﴿٤٧﴾ يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ

یقیناً گناه پیشگان در گمراهی و در آتش افروخته اند (۴۷) روزی که به صورت در آتش کشانده می شوند،

وَجُوهِهِمْ ذُوقُوا أَمْسَ سَقَرٍ ﴿٤٨﴾ إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ﴿٤٩﴾

به آنان گویند: آنچه را دوزخ [با حرارت و عذاب هایش به شما] می رساند بچشید! (۴۸) به راستی ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم (۴۹)

وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ ﴿٥٠﴾ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا

فرمان ما برای موجود شدن چیزی جز یک فرمان نیست، اسرعت فرمان و تحقق آن چون یک چشم به هم زدن است (۵۰) ما هم مسلمانان

أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مَدَّ كِرٍ ﴿٥١﴾ وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ

شما اکافران مغرور را [به علت طغیانشان بی آن که مهلتی یابند] هلاک کردیم، آیا پندگیرنده ای هست (۵۱) هر عملی که انجام دادند

فِي الرَّبْرِ ﴿٥٢﴾ وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌّ ﴿٥٣﴾ إِنَّ الْمُنَاقِبَتِ فِي

در پرورنده ها ایشان ثبت است (۵۲) و هر کوچک و بزرگی از اعمالشان مکتوب است (۵۳) به راستی آنان که از خدا اطاعت کرده، و از محرماتش ابرهیز داشتند

جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ ﴿٥٤﴾ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ ﴿٥٥﴾

در بهشت ها و انکارا نهر هائیند (۵۴) در جایگاهی پسندیده و مورد رضایت، نزد فرمانروایی نیرومند (۵۵)

سُورَةُ الرَّحْمَنِ

آیاتها
۷۸

مدنیّه
تبیّه
۵۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

الرَّحْمَنُ ﴿١﴾ عَلَّمَ الْقُرْآنَ ﴿٢﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ﴿٣﴾ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ

خداوند رحمان (۱) قرآن را آموزش داد (۲) انسان را آفرید (۳) به او بیان

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ﴿٥﴾ وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ

آموخت (۴) خورشید و ماه براساس حسابی [دقیق] در جریانند (۵) گیاه و درخت همواره [به پیشگاه حق]

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ﴿٧﴾ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ

سجده می کنند (۶) آسمان را برافراشت، و [برای همه امور مادی و معنوی] میزان سنجش قرار داد (۷) برای اینکه

وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ﴿٩﴾ وَالْأَرْضَ

در ترازو [از حد لازم] تجاوز نکنید (۸) [در سنجیدن اشیاء] عدالت را رعایت کنید و [در دادوستد] از میزان نگاهید (۹)

وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ﴿١٠﴾ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ ﴿١١﴾

و زمین را برای بهره مندی مردمان نهاد (۱۰) که در آن انواع میوه ها و نخل ها با خوشه های غلاف دار است

وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ ﴿١٢﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿١٣﴾

(۱۱) و نیز در آن دانه های سبوس دار و گیاهان [رنگارنگ] خوشبوست (۱۲) پس ای جن و انس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ ﴿١٤﴾ وَخَلَقَ الْجَانَّ

(۱۳) انسان را از گلی خشکیده چون سفال آفرید (۱۴) و جن را از شعله های صاف

مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ ﴿١٥﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿١٦﴾

و بدون دود آتش به وجود آورد (۱۵) پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۱۶)

رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ﴿١٧﴾ فَيَا أَيُّهَا رَبِّكَ إِنَّا شَكَوْنَا إِلَيْكَ مَوْجَ
 بَرٍّ دَارٍ وَمَوْجَ فَوْقِ بَرٍّ دَارٍ وَمَوْجَ سَبْعِ بَرٍّ دَارٍ وَرَبِّكَ إِنَّا شَكَوْنَا إِلَيْكَ مَوْجَ
 الْبَحْرِ يَنْتَقِيانِ ﴿١٩﴾ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيانِ ﴿٢٠﴾ فَيَا أَيُّهَا رَبِّكَ إِنَّا
 دَرُ حَالِي كَمَا هُوَ أَرَبُهُ هَمَّ يَوْمَ تَدُورُ أَرْضُكَ فَتَبْطِنُ أَنَّ نَارًا فَتَكُونُ
 تَكْدِيانِ ﴿٢١﴾ تَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُ وَالْعُصْبَانُ ﴿٢٢﴾ فَيَا أَيُّهَا رَبِّكَ إِنَّا
 شَكَوْنَا إِلَيْكَ مَوْجَ بَرٍّ دَارٍ وَمَوْجَ فَوْقِ بَرٍّ دَارٍ وَمَوْجَ سَبْعِ بَرٍّ دَارٍ
 وَرَبِّكَ إِنَّا شَكَوْنَا إِلَيْكَ مَوْجَ الْبَحْرِ يَنْتَقِيانِ ﴿٢٣﴾ وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ﴿٢٤﴾ فَيَا
 أَيُّهَا رَبِّكَ إِنَّا شَكَوْنَا إِلَيْكَ مَوْجَ بَرٍّ دَارٍ وَمَوْجَ فَوْقِ بَرٍّ دَارٍ وَمَوْجَ سَبْعِ بَرٍّ دَارٍ
 وَرَبِّكَ إِنَّا شَكَوْنَا إِلَيْكَ مَوْجَ الْبَحْرِ يَنْتَقِيانِ ﴿٢٥﴾ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ﴿٢٦﴾ وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ
 يُدْجَى الْكَوْمِ وَهُمْ يُجُودُ ﴿٢٧﴾ وَإِلَى رَبِّكَ الْمُنَادُونَ ﴿٢٨﴾ وَإِلَى رَبِّكَ الْمُنَادُونَ ﴿٢٩﴾ وَإِلَى رَبِّكَ الْمُنَادُونَ ﴿٣٠﴾
 سَفَرٌ لَكُمْ آيَةٌ الْفُتُلَانِ ﴿٣١﴾ فَيَا أَيُّهَا رَبِّكَ إِنَّا شَكَوْنَا إِلَيْكَ مَوْجَ بَرٍّ دَارٍ
 وَرَبِّكَ إِنَّا شَكَوْنَا إِلَيْكَ مَوْجَ الْبَحْرِ يَنْتَقِيانِ ﴿٣٢﴾ وَرَبِّكَ إِنَّا شَكَوْنَا إِلَيْكَ مَوْجَ الْبَحْرِ
 يَنْتَقِيانِ ﴿٣٣﴾ وَرَبِّكَ إِنَّا شَكَوْنَا إِلَيْكَ مَوْجَ الْبَحْرِ يَنْتَقِيانِ ﴿٣٤﴾ وَرَبِّكَ إِنَّا شَكَوْنَا
 إِلَيْكَ مَوْجَ الْبَحْرِ يَنْتَقِيانِ ﴿٣٥﴾ وَرَبِّكَ إِنَّا شَكَوْنَا إِلَيْكَ مَوْجَ الْبَحْرِ يَنْتَقِيانِ ﴿٣٦﴾
 وَرَبِّكَ إِنَّا شَكَوْنَا إِلَيْكَ مَوْجَ الْبَحْرِ يَنْتَقِيانِ ﴿٣٧﴾ وَرَبِّكَ إِنَّا شَكَوْنَا إِلَيْكَ مَوْجَ الْبَحْرِ
 يَنْتَقِيانِ ﴿٣٨﴾ وَرَبِّكَ إِنَّا شَكَوْنَا إِلَيْكَ مَوْجَ الْبَحْرِ يَنْتَقِيانِ ﴿٣٩﴾ وَرَبِّكَ إِنَّا شَكَوْنَا
 إِلَيْكَ مَوْجَ الْبَحْرِ يَنْتَقِيانِ ﴿٤٠﴾

يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسْمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ ﴿٢١﴾ فَبِأَيِّ

گناه پیشگان را از نشانه هایشان می شناسند، پس موهای جلوی سر و پاهایشان را می گیرند [و به دوزخشان می اندازند] (۲۱) پس کدامیک از نعمت های

الْآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٢﴾ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ ﴿٢٣﴾

پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۲۲) این دوزخی است که گناه پیشگان منکر آن بودند (۲۳) میان آتش

يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ إِنِ الْآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٤﴾ وَلَمَنْ

و آبی بسیار داغ و سوزنده رفت و آمد می کنند (۲۴) پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۲۵) برای کسی که از ایستادن در پیشگاه

خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ ﴿٢٦﴾ فَبِأَيِّ الْآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٧﴾ ذَوَاتَا

پروردگار [جهت حسابرسی] بترسد دو بهشت است (۲۶) پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۲۷) [و بهشتی] که دارای درختانی

أَفْنَانٍ ﴿٢٨﴾ فَبِأَيِّ الْآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٩﴾ فِيهَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ ﴿٣٠﴾

بر شاخ و برگ و باطراوتند (۲۸) پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۲۹) در آن دو [بهشت] همیشه دو چشمه نواب جاری است (۳۰) پس

فَبِأَيِّ الْآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣١﴾ فِيهَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ ﴿٣٢﴾

کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۳۱) در آن [دو بهشت] از هر میوه ای دو گونه متفاوت وجود دارد (۳۲) پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را

فَبِأَيِّ الْآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٣﴾ مُتَكَبِّرِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ

انکار می کنید؟ (۳۳) [بهشتیان] بر بسترهایی که آستری آن ها از حریر درشت باف است تکیه می زنند، و میوه های رسیده آن دو بهشت [به آسانی]

إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ ﴿٣٤﴾ فَبِأَيِّ الْآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٥﴾

در دسترس است (۳۴) پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۳۵) در آن ها زنانی هستند که فقط

فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ﴿٣٦﴾

به شوهرانشان عشق می ورزند که پیش از آن شوهران، دست هیچ انس و جنی به آنان نرسیده است (۳۶) پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۳۷)

فَبِأَيِّ الْآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٧﴾ كَانَتْهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ ﴿٣٨﴾

آن زنان [در زیبایی و جذابیت] گویی یاقوت و مرجانند (۳۸) پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۳۹)

فَبِأَيِّ الْآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٩﴾ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ ﴿٤٠﴾

آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟ (۴۰) پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را

فَبِأَيِّ الْآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤١﴾ وَمِنْ دُونِهَا جَنَّاتٍ ﴿٤٢﴾ فَبِأَيِّ

انکار می کنید؟ (۴۱) به جز آن [دو بهشت]، دو بهشت [دیگر نیز برای آنان فراهم] است (۴۲) پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را

الْآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٣﴾ مُدْهَامَتَانِ ﴿٤٤﴾ فَبِأَيِّ الْآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٥﴾

انکار می کنید؟ (۴۳) [سر سبزی آن دو] بهشت دیگر و طراوت درختانش [به اوج زیبایی رسیده است] (۴۴) پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۴۵)

﴿٤٥﴾ فِيهَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ ﴿٤٦﴾ فَبِأَيِّ الْآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٧﴾

در آن دو [بهشت همیشه] دو چشمه جوشان او در حال فوران است (۴۶) پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۴۷)

فِيهَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ ﴿٦٨﴾ فَبَايَ الْأَئِمَّةَ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٩﴾

در آن دو بهشت انواع میوه‌ها و درخت خرما و انار است (۶۸) پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۶۹)

فِي هُنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ ﴿٧٠﴾ فَبَايَ الْأَئِمَّةَ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧١﴾

در آن‌ها زنانی نیکوسیرت و زیبا صورتند (۷۰) پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۷۱)

حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ ﴿٧٢﴾ فَبَايَ الْأَئِمَّةَ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٣﴾

حوربانی برده‌نشین که در خیمه‌هایند (۷۲) پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۷۳)

لَمْ يَطْمِئْنُوا أَنْفٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ ﴿٧٤﴾ فَبَايَ الْأَئِمَّةَ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٥﴾

پیش از شوهران بهشتی خود، دست هیچ انس و جنی به آنان نرسیده است (۷۴) پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۷۵)

مُتَّكِئِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ ﴿٧٦﴾ فَبَايَ الْأَئِمَّةَ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٧﴾

(۷۵) [بهشتیان] بر بالش‌های سبز و فرش‌های زیبا و فاخر تکیه می‌زنند (۷۶) پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۷۷)

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٨﴾ نَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿٧٩﴾

از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (۷۷) نام پروردگار پرشکوه و ارجمند [همیشه] خجسته و بخیل است (۷۸)

سُورَةُ الْوَاقِعَةِ ﴿٩٦﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی‌اندازه است و مهربانی‌اش همیشگی

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ﴿١﴾ لَئِنْ لَوْعْنُهَا كَاذِبَةٌ ﴿٢﴾ خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ ﴿٣﴾ إِذَا

هنگامی که حادثه [بسیار مهم] قیامت [رخ دهد] (۱) که در رخ دادنش هیچ دروغی در کار نیست (۲) نیست‌کننده [کافران] و بالا برنده [مؤمنان] است (۳) چون

رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا ﴿٤﴾ وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا ﴿٥﴾ فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا ﴿٦﴾

اهم! زمین را به شدت بلرزاند (۴) و کوه‌ها را درهم کوبیده و متلاشی کنند (۵) در نتیجه چون غباری پراکنده گردند

وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً ﴿٧﴾ فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ﴿٨﴾ وَ

(۶) شما [در آن روز] سه گروه خواهید بود (۷) سعادتمندان، چه بلندمرتبه‌اند سعادتمندان!

أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿٩﴾ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ﴿١٠﴾ أُولَئِكَ

(۸) نگون‌بختان، چه دون‌پایه‌اند نگون‌بختان! (۹) پیشتازان [به همه خیرات]، که پیشتازان [به پاداش] بی‌نیازند

الْمُقَرَّبُونَ ﴿١١﴾ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿١٢﴾ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾ وَقَلِيلٌ مِنَ

(۱۰) اینان مقربان [پیشگاه پروردگار]ند (۱۱) در بهشت‌های پُر از نعمت [جای دارند] (۱۲) گروهی بسیار از پیشینیان (۱۳)

الْآخِرِينَ ﴿١٤﴾ عَلَى سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ ﴿١٥﴾ مُتَّكِئِينَ عَلَيْهَا مُنْقَابِلِينَ ﴿١٦﴾

و اندکی از پسینیان (۱۴) بر تخت‌هایی جواهرنشان [قرار دارند] (۱۵) درحالی‌که روبه‌روی یکدیگر بر آن‌ها تکیه زده‌اند (۱۶)

بَطُوفٌ عَلَيْهِمْ وَلَدَانٌ خُلِدُونَ ﴿١٧﴾ بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ ﴿١٨﴾

پسرانی همیشه نوجوان همواره برای پذیرایی گرداگردشان می گردند (۱۷) با قدح ها و کوزه ها و جام هایی از باده روان و پاک (۱۸)

لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْزِفُونَ ﴿١٩﴾ وَفَاكِهَةٍ مِمَّا يَنْخَبِرونَ ﴿٢٠﴾ وَلَحْمِ طَيْرٍ

که از انوشیدن آن نه سردرد می گیرند، و نه مست و بی عقل می شوند (۱۹) با انواع میوه هایی که انتخاب کنند (۲۰) و گوشت

مِمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٢١﴾ وَحُورٌ عِينٌ ﴿٢٢﴾ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ ﴿٢٣﴾ جَزَاءُ مَا

برندگان از هرگونه ای که بخواهند (۲۱) و حوریانی زیبا چشم (۲۲) چون لؤلؤ نهفته در صدف (۲۳)

كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٤﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا الْغَوَاوَالَ تَأْتِيهِمْ ﴿٢٥﴾ إِلَّا قِيلًا سَلَامًا

پاداشی است از رزقشان در برابر اعمال نیکی که همواره انجام می دادند (۲۴) در آن خانه سخن ایبیهوده ای و نه نسبت های ناروا و دروغ می شنوند (۲۵) مگر

سَلَامًا ﴿٢٦﴾ وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ ﴿٢٧﴾ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ ﴿٢٨﴾ فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ

سخنی سلام و درود پی در پی است (۲۶) سعادتمندان، چه بلندمرتبه اند سعادتمندان (۲۷) گشت و گذارشان در میان درختان سدر

وَطَلْحٍ مَنْضُودٍ ﴿٢٩﴾ وَظِلٍّ مَمْدُودٍ ﴿٣٠﴾ وَمَاءٍ مَسْكُوبٍ ﴿٣١﴾ وَفَاكِهَةٍ

پی خار است (۲۸) و درختان موزی که میوه هایش خوشه خوشه روی هم چیده شده (۲۹) و سایه ای گسترده و پایدار (۳۰) و آبی همیشه ریزان (۳۱)

كَثِيرَةٍ ﴿٣٢﴾ لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ ﴿٣٣﴾ وَفُرُشٍ مَرْفُوعَةٍ ﴿٣٤﴾ إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ

و انواع میوه های فراوان (۳۲) که نه پایان می پذیرد، و نه ممنوع می شود (۳۳) [دارای] همسرانی بلندمرتبه اند (۳۴) که آنان را

إِنْشَاءً ﴿٣٥﴾ فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا ﴿٣٦﴾ عُرُبًا أَتْرَابًا ﴿٣٧﴾ لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٣٨﴾

به صورت آفرینشی ویژه و به وجود آورده ایم (۳۵) و همواره [دوشیزه] قرارشان داده ایم (۳۶) عشق و ورزانی [به شوهران] و [هم سن و سال] با آنان (۳۷)

ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ ﴿٣٩﴾ وَثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ ﴿٤٠﴾ وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا

[همه این نعمت ها] برای سعادتمندان است (۳۸) [که] گروهی بسیار از پیشینیان (۳۹) و گروهی بسیار از پسینیان [هستند] (۴۰) و نگون بختان،

أَصْحَابُ الشِّمَالِ ﴿٤١﴾ فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ ﴿٤٢﴾ وَظِلٍّ مِنْ بَحْمُومٍ ﴿٤٣﴾ لَا بَارِدٍ

چه دون پایه اندگون بختان (۴۱) [جایگاهشان] در میان باد سوزان [دوخ]، و آبی بسیار داغ است (۴۲) و سایه ای از دودهای متراکم سیاه (۴۳)

وَلَا كَرِيمٍ ﴿٤٤﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ ﴿٤٥﴾ وَكَانُوا يُصِرُّونَ

که نه خنک است و نه سودمند (۴۴) زیرا اینان پیش از این، خوش گذرانانی هوسران [و ستمگر به مردم] بودند (۴۵) و همواره پافشاری

عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ ﴿٤٦﴾ وَكَانُوا يَقُولُونَ إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا

بر گناهان بزرگ داشتند (۴۶) و پیوسته می گفتند: آیا زمانی که مردیم و خاک

عِظَامًا إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿٤٧﴾ أَوْ أَبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ﴿٤٨﴾ قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ

و استخوان شدیم حتماً برانگیخته می شویم (۴۷) آیا پدران گذشته ما نیز برانگیخته می شوند؟ (۴۸) بگو: مسلماً

وَالْآخِرِينَ ﴿٤٩﴾ لَمَجْمُوعُونَ إِلَى مِيقَاتٍ يَوْمٍ مَعْلُومٍ ﴿٥٠﴾

اولین و آخرین (۴۹) در وعده گاه روزی معین جمعشان خواهند کرد (۵۰)

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَنتُمُ الصَّالُونَ الْمُكَذِّبُونَ ﴿٥١﴾ لَا كَلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زَقُّومٍ ﴿٥٢﴾

میس شما ای منحرفان منکر احقاق (۵۱) حتما از درختی که از جنس زقوم است (و مایه بسیار داغ و بد مزه از آن بیرون می آید) می خوردید (۵۲) و شکم هارا

فَالْيُونُ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٥٣﴾ فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ﴿٥٤﴾ فَشَارِبُونَ شُرْبَ

از آن پُر می کنید (۵۳) و روی آن از آب بسیار داغ می نوشید (۵۴) چون نوشیدن

الْهِيمِ ﴿٥٥﴾ هَذَا نَزْلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ﴿٥٦﴾ نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا نَصِيحَةُ

شتران تشنه (۵۵) این است پذیرایی آنان در روز جزا (۵۶) ما شما را آفریدیم پس چرا (افرنش دوباره خود را پس از مرگ) باور نمی کنید؟! (۵۷)

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ﴿٥٨﴾ أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ ﴿٥٩﴾ نَحْنُ قَدَرْنَا

به من خبر دهید نطفه ای که (در رحم) می ریزید، چه نقشی در رشد و پرورش و تبدیل کردنش به انسانی معتدل و عاقل دارید؟! (۵۸) به راستی آفریننده اش شماست

بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ﴿٦٠﴾ عَلَى أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ

با ما آفریننده ایم؟! (۵۹) ما مرگ را میان شما مقدر کردیم، و ما (در جاری کردن مرگ بر شما) مغلوب (چیزی) نیستیم (۶۰) (تقدیر ما در مورد مرگ شما برای این

وَنُشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦١﴾ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا

است که امثال شما را جایگزین نشان کنیم، و شما را پس از مرگ) به کیفیتی که نمی دانید (در آفرینشی جدید) در آوریم (۶۱) مسلما شما آفرینش نخستین (خود را

نَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ﴿٦٣﴾ أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ

را شناختید، پس چرا (آفرینش خود را در جهان دیگر) دقت و توجه نمی کنید؟! (۶۲) مرا خبر دهید آنچه را می کارید (۶۳) آیا شما آن را (از دل خاک) می رویتانید، یا ما

الزَّارِعُونَ ﴿٦٤﴾ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ نَفَكًا هُونَ ﴿٦٥﴾ إِنَّا

رویاننده ایم؟! (۶۴) اگر بخواهیم آن را خش و خاشاک می کنیم، پس شما شگفت زده می شوید (۶۵) (از شدت اندوه می گوید: همانا ما

لَمُغْرَمُونَ ﴿٦٦﴾ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿٦٧﴾ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ﴿٦٨﴾

خسارت زده ایم (۶۶) بلکه از خوراک و خرید و فروش و تأمین نیازهایمان (دچار محرومیت شدیم (۶۷) به من خبر دهید این آبی که می نوشید (۶۸)

أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ ﴿٦٩﴾ لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا

آیا شما آن را از ابر باران را فرود آورده اید، یا ما فرود آورنده ایم؟! (۶۹) اگر اراده کنیم شور و تلخش می کنیم،

فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ ﴿٧٠﴾ أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ ﴿٧١﴾ أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ

پس چرا شکر (انعمت های بی شمار مرا) به جا نمی آورید؟! (۷۰) به من خبر دهید آتشی که می افروزید (۷۱) آیا درخت (آتش زنه) آن را

شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ ﴿٧٢﴾ نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذَكُّرًا وَرَمَاقًا

شما پدید آورده اید، یا ما پدید آورنده ایم؟! (۷۲) ما آن را مایه هشجاری شما (نسبت به قدرت و ربوبیت خود)، و وسیله استفاده مسافران

لِلْمُقْوِينَ ﴿٧٣﴾ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾ فَلَا أُقْسِمُ

و بیابانگردان (قرار داده ایم (۷۳) پس (با توجه به همه آن حقایق که شفه ای از ربوبیت و حکمت اوست،) به نام پروردگار بزرگ (و) اوست که پاک بودن

بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ ﴿٧٥﴾ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ ﴿٧٦﴾

از هر عیب و نقصی ستایش کن (۷۴) به جایگاه ستارگان سوگند می خورم (۷۵) که اگر بدانید مسلما آن سوگندی بس بزرگ است (۷۶)

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ﴿٧٧﴾ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ ﴿٧٨﴾ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ﴿٧٩﴾

براستی این قرآنی از جفند و گرانمایه است (۷۷) که در کتابی [مضمون از هر دگرگونی چون لوح محفوظ] جای دارد (۷۸) جز پاکان [که روح و عقل و قلبشان پیراسته]

تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨٠﴾ أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ ﴿٨١﴾

از هر آلودگی است [به احقاق و لطایف و اسرار] آن نمی رسند (۷۹) نازل شده از سوی پروردگار جهانیان است (۸۰) آیا این اوصافی که قرآن دارد! آیا شما این کلام

وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْتُمْ تُكذِّبُونَ ﴿٨٢﴾ فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْمُلُكُومَ ﴿٨٣﴾

جدید و بی سابقه را سبک شمرده، به استهزا می گیرید؟! (۸۱) و سهم خود را این قرار می دهید که به شدت آن را [انکار کنید؟! (۸۲)] اگر انکارتان درباره قیامت و

وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ ﴿٨٤﴾ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا

آیات خیر دهنده از آن ترست است، و مرگ را امری اتفاقی و خارج از اراده خدا می دانید پس چرا هنگامی که [جان] به گلو می رسد (۸۳) و شما در آن لحظه [هولناک]

تُبْصِرُونَ ﴿٨٥﴾ فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ ﴿٨٦﴾ تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

تماشاگر [جان کندن] محتضر [هستید] (۸۴) در حالی که ما از شما به او نزدیک تریم، ولی شما [این حقیقت را] نمی بینید (۸۵) اگر بنده نبودید [و از خود قدرت و سلطنتی]

﴿٨٧﴾ فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٨٨﴾ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتِ نَعِيمٌ ﴿٨٩﴾ وَأَمَّا

داشتید! (۸۶) چنانچه راست می گوید چرا [جان] را به بدن محتضر [بر نمی گردانید] تا عمرش پایان نیابد و به زندگی بازگردد؟! (۸۷) پس اگر [محتضر] از عزیزان

إِنْ كَانَ مِنَ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٩٠﴾ فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٩١﴾ وَ

باشد (۸۸) [برای او] راحتی و عطایی ویژه و بهشت پر نعمت است [است] (۸۹) و اگر از سعادتمندان باشد (۹۰) [به او] گویند: [بر تو از سوی سعادتمندان درود و سلام باد] (۹۱)

أَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ ﴿٩٢﴾ فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ ﴿٩٣﴾ وَتَصْلِيَةٌ

و اما اگر از انکارکنندگان منحرف باشد (۹۲) [پذیرایی از او] با آبی بسیار داغ (۹۳) و وارد شدن به دوزخ است (۹۴) بی تردید این [اموری که در آیات]

حَمِيمٍ ﴿٩٤﴾ إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ ﴿٩٥﴾ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٩٦﴾

این سوره بیان شد [واقعیتی یقینی] و غیر قابل تردید است (۹۵) پس به نام پروردگار بزرگت [او را به پاک بودن از هر عیب و نقصی استایش کن] (۹۶)

سُورَةُ الْحَدِيدِ ﴿٢٩﴾ آیاتها ۲۹

مَدَنِيَّةٌ ﴿٥٧﴾ زبده ۵۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١﴾ لَهُ مُلْكُ

آنچه در آسمان ها و زمین است خداوند را [به پاک بودن از هر عیب و نقصی] می ستاید، او توانای شکست ناپذیر و حکیم است (۱) مالکیت

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢﴾

و فرمانروایی آسمان ها و زمین فقط در سیطره اوست، زنده می کند و می میراند، او بر هر کاری تواناست (۲)

هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٣﴾

اول و آخر و ظاهر و باطن [تنها] اوست، و او به همه چیز داناست (۳)

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ
 اوست که آسمان‌ها و زمین را در شش دوره افروخت، آن‌گاه بر فرمانروایی او نندیدم امور افروشی را
 يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ
 چیره شد، آنچه در زمین فرو می‌رود و آنچه از آن بیرون می‌آید، و آنچه از آسمان فرو می‌آید و آنچه در بالا می‌رود
 فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَتَىٰ مَا كُنْتُمْ بِاللَّهِ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ۚ لَهُ مَلَكُوتُ السَّمَوَاتِ
 همه را می‌داند، او با شماست هر جا که باشید، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست (۴)، مالکیت
 وَالْأَرْضِ وَآلِ اللَّهِ ثُمَّ جَمَعَ الْأُمُورَ ۚ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ
 و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط در سيطرة اوست، همه امور به خدا بازگردانده می‌شود (۵)، شب را در روز درمی‌آورد،
 النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۚ اٰمِنُو بِاللّٰهِ وَذَرُوهُ لِهٖ
 و روز را در شب وارد می‌کند، و او به اسرار و نیت باطن‌ها آگاه است (۶)، به خداوند
 وَانْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ حُسْنًا خَلْفَيْهِ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَانْفَقُوا
 و پیامبرش ایمان آورد، و از اموالی که خداوند شما را در آن جانشین خود قرار داده اتفاق کنید، پس برای کسانی از شما که ایمان آورده،
 لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ۚ وَمَالَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِمُنَافِقَةٍ
 و اتفاق کرده‌اند پاداش بزرگی است (۷)، شما را چه شده که به خداوند ایمان نمی‌آورید؟ درحالی که پیامبر دعوتان می‌کند
 بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۚ هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَى
 تا به پروردگار تان ایمان آورید، همانا خداوند از طریق فطرت و عقل بر ایمان آوردن شما پیمان گرفته، اگر این حقیقت را باور دارید (۸)، اوست که
 عَبْدَهُ الْآيَاتِ بَيِّنَاتٍ لِّخُرُوجِكُمْ مِنَ الظَّالِمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ
 برنده‌اش آیات روشنی نازل می‌کند تا شمار از تاریکی‌های فرهنگ‌های ابلیسی به سوی نور ایمان و اخلاق نیکو و عمل صالح بیرون بیرون‌دستی خداوند
 لَرَءَوْفٌ رَّحِيمٌ ۚ وَمَالَكُمْ اَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ
 به شما بسیار مهرورز و مهربان است (۹)، شما را چه شده که در راه خدا اتفاق نمی‌کنید؟ درحالی که میراث
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَ
 آسمان‌ها و زمین ویژه خداست، او احدی مالک حقیقی چیزی نیست، کسانی از شما که پیش از فتح اتفاق و جنگ کردند
 قَاتِلٍ أَوْ يُنْفِقُ اعْظُمُ دَرَجَةٌ مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتِلُوا وَكَلَّا
 ابا اتفاق کنندگان و رزمندگان پس از فتح ابرابر نیستند، آنان از جهت امتزاج و درجه از کسانی که پس از فتح اتفاق و جنگ کردند بلند پایه‌ترند،
 وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۚ مَنْ ذَا الَّذِي
 خداوند به هریک از دو گروه وعده نیک داده، خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است (۱۰)، کیست که
 يَقْرَضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ ۚ

(۱۱) برای اجلب خشنودی خدا به نیازمندان وامی نیکو دهد تا خداوند آن را به سود او و دوچندان کند، و او را پاداشی با ارزش باشد؟ (۱۱)

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَانَهُمْ

در روزی که مردان و زنان مؤمن را می بینی که نورشان پیشاپیش آنان و از طرف راستشان به سرعت حرکت می کند، [آنان را بتوان به مقصدشان راه یابند،

الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

گفته می شود: امروز شمارابه بهشت هایی که از زیر درختان آن نهرها جاری است مژده باد، در آن ها جاودانه اید، این است آن کامیابی بزرگ (۱۲)

﴿١٢﴾ يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَنُوتُهُمْ بِسُورَةٍ لَهَا بَابٌ بَاطِنُهُ

روزی که مردان و زنان منافق به مؤمنان می گویند: به ما مهلت دهید تا پرتوی از نورتان برگیریم. [به آنان] گفته می شود: به پشت سرتان، [این]

بَارِغْرِيدٌ وَالزَّانُ جَانُورٌ يَبْهَتُهُمْ وَأُورَادُكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَنُوتُهُمْ بِسُورَةٍ لَهَا بَابٌ بَاطِنُهُ

بارگردید و از آن جانوری به دست آورید؛ از برای امروز فقط روز حساب و پاداش است. [پس میانشان حصارى بلند کشیده می شود که دارای دری است،

فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ ﴿١٣﴾ يُنَادُوا لَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا

در پیش رحمت و از ناحیه بیرونش عذاب است (۱۳) [این تیره بختان، مؤمنان را ندانند می دهند؛ مگر ما [در دنیا] باشما نبودیم؟ می گویند: آری [بودید]، ولی خود

بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ

را [به سبب نفاق، استهزای آیات، خدعه با مؤمنان و همدستی مخفیانه با دشمن] به هلاکت انداختید، شما به انتظار [خاموش شدن چراغ اسلام و شکست

حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّتْكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ ﴿١٤﴾ فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ

مؤمنان [نشستید، و انسبت به وحی] در تردید بودید، و آرزوها شمارا فریفت، تا فرمان خدا [که مرگتان بود] رسید، و [در هر صورت] شیطان فریبده شمارا دربارۀ

مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَا وَلَكُمْ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبُئْسَ

خدا فریفت [و گفت اور حیم و غفور است؛ پس از گناه پاک نداشته باشید] (۱۴) پس امروز نه از شما عوضی [در برابر نجات از عذاب] می گیرند، و نه از کسانی که

الْمَصِيرُ ﴿١٥﴾ أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَ

کافر شده اند، جایگاهتان آتش است، فقط آتش یار و سزاوار شماست، و [آتش] بدعاقتبی است (۱۵) آیا برای مؤمنان وقت آن نرسیده که دل هایشان به یاد خدا

مَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ

و [قرآن] حقی که نازل شده فروتن و نرم شود؟ و مانند کسانی نباشند که پیش از این کتاب آسمانی به آنان عطا شد، سپس روزگار [بی تفاوتی به کتاب آسمانی] اوسرا گرم بپوش

فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿١٦﴾

به دنیا و هوسرانی [بر آنان طولانی شد، در نتیجه قلب هایشان [در برابر حق] سخت [و غیر قابل انعطاف] گردید، و بسیاری از آنان منحرف و نافرمان بودند (۱۶)

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ

بدانید که خداوند زمین را پس از مردنش زنده می کند، همانا ما نشانه های قدرت و ربوبیت خود را برای شما بیان کردیم

لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١٧﴾ إِنَّ الْمُسْدِقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ

تا ببینید (۱۷) بی تردید مردان و زنانی که اتفاق کردند، و برای [جلب خشنودی] خداوند

قَرْضًا حَسَنًا يَضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿١٨﴾

[به نیازمندان] وامی نیکو دادند، [پاداش و امشان] به سود آنان دوچندان می شود، و آنان را پاداش با ارزشی است (۱۸)

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ

آنان که به خدا و رسولش ایمان آوردند نزد پروردگارشان همان صديقان و گواهان اعمال هستند.

رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

پاداششان و نورشان ویژه خود آنان است، کفرپشگانی که منکر آیات ما شدند

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿١٩﴾ اَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ

اهل دوزخند (۱۹) بدانید که زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی

وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ

و آرایش و زینت، و فخر فروشی به یکدیگر و فزون طلبی در اموال و اولاد نیست، [چنین دنیایی که دارنده اش فاقد ارتباط با خدا و قیامت است] مانند

غَيْثٍ آجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ

بارانی است که محصول [سرسبز و خوش منظره] آن کشاورزان را شگفت زده کند، سپس خشک شود به گونه ای که آن را زرد رنگ ببینی، آن گاه

حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا

[اریزیز و] خاشاک گردد! [چنین دنیایی برای بی دینان] عذاب سختی در آخرت است، و [برای مؤمنان] آمرزش و رضایتی از سوی خدا است.

الْحَيَاةُ الدُّنْيَا الْآمِتَاعُ الْغُرُورِ ﴿٢٠﴾ سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ

زندگی دنیا [بدون ایمان] جز کالای فریبنده نیست (۲۰) به سوی آمرزش ویژه

وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا

از ناحیه پروردگارتان، و بهشتی که وسعت و فراخی اش چون وسعت و فراخی آسمان و زمین است [بابه کار گرفتن تلاش و سرعتی مضاعف، از یکدیگر] پیشی گیرید.

بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ

[این بهشت] برای کسانی که به خدا و رسولانش ایمان آورده اند آماده شده است، این احسان خداست که آن را به هر کس بخواهد عطا می کند، و خداوند

الْعَظِيمِ ﴿٢١﴾ مَا أَصَابَ مِنْ مُّصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ

دارای احسان بزرگ است (۲۱) هیچ حادثه ناگواری نه در زمین [چون زلزله، سيل و فحطی] و نه

الْأَفِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّا ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ

در وجودتان [چون بیماری، نقص بدنی و جراحت] روی نمی دهد مگر پیش از آن که آن را به وجود آوریم در کتابی [چون لوح محفوظ، ثبت] است، به راستی [تحقق] این

يَسِيرٌ ﴿٢٢﴾ لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ

[حوادث] [بر خداوند آسان است (۲۲)] این امور تقدیر حکیمانه خداست [تا بر آنچه از دستتان رفته غمگین نشوید، و به آنچه به شما عطا کرده مغرورانه

وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿٢٣﴾ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ

شادمان نگردید، خداوند هیچ خودپسند فخر فروشی را دوست ندارد (۲۳) هم آنان که همواره بخل می ورزند

النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٢٤﴾

و مردم را به بخل فرمان می دهند، کسی که [از انفاق] رویگردان است [زیانی به خدا نمی زند؛ زیرا] خداوند بی نیاز و ستوده خصال است (۲۴)

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ

همانا ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنان کتاب و میزان [سنجش حق از باطلا] نازل کردیم

لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ

تا مردم [در همه امورشان] به عدالت برخیزند، و آهن را که در آن نیروی سخت

لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ

و سودهایی برای مردم است پدید آورده‌یم تا خدا مشخص کند چه کسی اورا که غایب است و رسولانش را در نبود آنان یاری می‌دهد، به راستی خداوند

عَزِيزٌ ﴿٢٥﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا

قوی و توانای شکست‌ناپذیر است (۲۵) همانا ما نوح و ابراهیم را فرستادیم و در نسل هر دو

النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَبِئْسَ مُتَحَدِّوْنَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٢٦﴾

نبوت و کتاب قرار دادیم، پس [همه مردم از نعمت عظیم کتاب و نبوت بهره‌نگرفتند،] برخی از آنان هدایت یافتند و بسیاری منحرف و نافرمان شدند (۲۶)

ثُمَّ فَضَّلْنَا عَلَىٰ آثَارِهِمْ بَرُسُلَنَا وَفَضَّلْنَا إِبْرَاهِيمَ ابْنَ مَرْيَمَ وَاتَّخَذْنَا

آن‌گاه در پی ایشان رسولان خود را [بر پایه آیین توحیدی، یکی پس از دیگری] فرستادیم، و پس از آنان عیسی پسر مریم را [به رسالت] برانگیختیم

الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَ

و به او انجیل دادیم، و در دل کسانی که [بر اساس حقیقت و درستی] از او پیروی کردند

رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ

مهرورزی و مهربانی نهادیم، و [البته] گوشه‌نشینی [و ترک دنیایی] که ابداع کردند ما بر آنان مقرر نکرده بودیم،

اللَّهِ فَمَارِعُوهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَإِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرُهُمْ

نیشان از ابداع آن تحصیل خشنودی خدا بود، ولی [حدود] آن را آن‌گونه که سزاوار بود رعایت نکردند، نهایتاً پاداش مؤمنان [واقعی]

وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٢٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا

آنان را عطا کردیم، و بسیاری از آنان منحرف و نافرمانند (۲۷) ای مؤمنان!

بِرِسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كَفْلًا مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ

از خداوند اطاعت کرده و از محرماتش بپرهیزید، و آن‌گونه که شایسته است [به رسولش ایمان بیاورید تا دوباره از رحمتش رانصیب شما کند،

بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٨﴾ لَعَلَّا يَعْلَمَ أَهْلُ

و برایتان نوری قرار دهد که به وسیله آن [مسیر زندگی را حتی در سخت‌ترین شرایط سالم و درست] طی کنید، و شما را آبرام‌زد، و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۲۸)

الْكِتَابِ إِلَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ

[این دوباره از رحمت و نیز نور و آمرزش را برای شما قرار دادیم] تا اهل کتاب بدانند که [با همه ادعایشان] بر چیزی از احسان خدا قدرت ندارند [تا آن‌را به

الْفَضْلِ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢٩﴾

دست آورند؛ زیرا [بدون تردید همه احسان به دست اراده و قدرت خداست،] آن‌را به هر که بخواهد عطا می‌کند، و خداوند دارای احسان بزرگ است (۲۹)

سورة المجادلة

آیاتها
۲۲مَدَنِيَّة
۵۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ

همانا خداوند در خواست آن زن را که در باره همسرش با تو بحث می کرد و به خداوند از حادثه پیش آمده شکایت داشت اجابت کرد، آری خداوند

تَحَاوَرَكَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ۱ الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ

گفت و گوی شمارا می شنود؛ زیرا خدا شنوا و بیناست (۱) از شما کسانی که با زنان خود «ظهار» می کنند، یعنی به رسم جاهلیت، زنانشان را نوعی طلاق

نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ

می دهند و آنان را چون مادرانشان بر خود حرام می کنند، بدانند که همسرانشان یقیناً در حکم مادرانشان نیستند، بلکه مادرانشان فقط زنانی هستند

لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ ۲ وَالَّذِينَ

که آنان را از آیدها اند، با خواندن چنین صیغه طلاق در حقیقت سخن زشت و باطلی می گویند، همانا خداوند بسیار با گذشت و بسیار آمرزنده است (۲)

يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَحَرْبٌ رَاقِبَةٌ ۳ مِنْ قَبْلِ

کسانی که با زنانشان ظهار می کنند، سپس از آنچه گفته اند پشیمان می شوند

أَنْ يَتَمَاسَّادَ لَكُمْ تُوَعِّظُونَ بِهِ ۴ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۵ فَمَنْ لَمْ

باید پیش از آمیزش با زنانشان، برده ای آزاد کنند، این قانونی است که شما به آن سفارش می شوید، خداوند بر آنچه انجام می دهید آگاه است (۳)

يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّادَ فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ

کسی که برده ای نیافت پیش از آمیزش دو ماه روزه پی در پی بر عهده اوست

فَاطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ

و هر که قدرت بر آن را ندارد باید شصت مسکین را طعام دهد، این احکام برای این است که به خداوند و رسولش آن گونه که سزاوار است مؤمن شوید

حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۶ إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَ

او با فرهنگ جاهلی قطع رابطه کنید، این ها حدود خداوند است، و برای کافران که از آن رویگردان هستند عذابی دردناک است (۴) مسلمان کسانی که

رَسُولُهُ كُتِبُوا كَاكِتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَ

با خداوند و رسولش دشمنی می کنند، خوار و سرنگون می شوند، همان گونه که دشمنان پیش از اینان خوار و سرنگون شدند، بی گمان ما برای

لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ ۵ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا

هدایت مردم آیت روشنی فرستادیم، و برای کفر پیشگان عذابی خوار کننده است (۵) آن عذاب در روزی است که خداوند همه آنان را بر می انگیزد

عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۶

و به اعمالی که انجام داده اند آگاهشان می کند؛ اعمالی که خداوند بشماره آن ها را محفوظ داشته، ولی آنان فراموش کرده اند خداوند بر هر چیزی ناظر و حاضر است (۶)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى

ای انسان! آیا ندانسته‌ای که خداوند آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است می‌داند، هیچ گفت‌وگویی

ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خُمْسَهُ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ

محرمانه‌ای میان سه نفر نیست مگر آن که او چهارمی آنان است، و نه میان پنج نفر مگر آن که او ششمی آنان است،

وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ إِنْ مَا كَانُوا ثُمَّ يَنْبِئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ

و نه کمتر از آن و نه بیشتر مگر آن که او هرجا که باشند با آنان است، سپس روز قیامت آنان را به اعمالی که انجام داده‌اند

إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٧﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ هَوُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ

آگاه می‌کند؛ زیرا خداوند به هر چیزی داناست (۷) آیا کسانی را که از گفت‌وگویی محرمانه نهی شده بودند ندیدی،

بَعُودُونَ لِمَا هُوَ أَعْنَاهُ وَيَتَنَاجَوْنَ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ

که باز به آنچه از آن نهی شده بودند بر می‌گردند! و با یکدیگر درباره ارتکاب گناه [چون شراب‌خواری، هوس‌بازی، شهوت‌رانی، تجاوز] به حقوق مردم [و سرپیچی

الرَّسُولِ وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ

از دستورهای پیامبر گفت‌وگویی محرمانه می‌کنند؟ چون نزد تو آیند آن گونه درودت می‌گویند که خداوند آن گونه به تو درود نگفته، و در دلشان می‌گویند:

لَوْلَا يَعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُكُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٨﴾

اگر خبری هست چرا خداوند ما را در برابر آنچه می‌گوییم عذاب نمی‌کند؟! دوزخ برای آنان بس است، در آن وارد می‌شوند [و می‌سوزند].

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَنَاجُوا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَ

و [دوزخ] عاقبت بدی است (۸) ای مؤمنان! هنگامی که با یکدیگر گفت‌وگویی محرمانه می‌کنید، برای [ارتکاب] گناه و تجاوز [به حقوق مردم]

مَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَتَنَاجُوا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ

و سرپیچی از دستورهای پیامبر گفت‌وگویی محرمانه نکنید؛ بلکه بر پایه [تشویق یکدیگر به] نیکی و سفارش به تقوا گفت‌وگویی محرمانه داشته باشید، و از خداوندی

تُحْشَرُونَ ﴿٩﴾ إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ

که به پیشگاه او محشور می‌شوید پروا کنید! (۹) جز این نیست که گفت‌وگویی محرمانه [درباره گناه و تجاوز و سرپیچی از دستورهای پیامبر] محصول [القائات]

بِضَارِهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٠﴾ يَا أَيُّهَا

شیطان است تا مؤمنان را ناراحت و اندوهگین کند، در حالی که جز به مشیت خدا نمی‌تواند هیچ زبانی به آنان برزند، پس مؤمنان فقط باید بر خدا توکل کنند (۱۰)

الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ

ای مؤمنان! هنگامی که به شما گویند در مجالس [برای حضور دیگر برادران] جا باز کنید، پس [با رغبت و شوق] جا باز کنید

لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انْشُرُوا فَانْشُرُوا هُزُّوا هُزًّا أَلَمْ يَكُنْ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ

تا خداوند به شما [در دنیا و آخرت] گشایش دهد، و چون به شما گویند برخیزید [و جای خود را به برادران مؤمنان واگذارید] بی‌درنگ برخیزید

وَالَّذِينَ آمَنُوا أَوْتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١١﴾

تا خداوند مؤمنان از شما را به درجه‌ای، و دانشمندان را به درجاتی رفعت دهد، خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است (۱۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ جُؤْشَمَكُمُ

صدق ذلك خبركم واحفظوا فان لم يتحدوا فان الله غفور رحيم (١٢)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ

از سیدین که از پیش از امر اکتفا معمر مائه غوثه ای میرداد از بدست شریف اکسون که این صفا دانان انجام دادند و خداوند از صفا دانان عاف

[illegible]

جبراً بما تعلمون ﴿١٣﴾ أيا كسائي كه گروه مورد عشم خداوند را به سرپرستی او حاکمیت انتخاب کرده اند لطیفی به آنچه انجام می دهد است ﴿١٤﴾

هم جنبه ولا ينهم ويخلقون على الكذب وهم يعلمون ﴿١٤﴾ اعد الله

لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۝ اَلَمْ يَسَاءَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿١٥﴾ اخذُوا بِمَا نَهَوْهُمُ

وَقَدْ فَضَّلْنَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَالْتَمَسْنَا أَعْرَاجَهُ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

أَمْوَالَهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا

خَالِدُونَ ﴿١٧﴾ يَوْمَ يُبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَنُحِيفُونَ لَهُ كَا كَا يُخَلِّفُونَ لَكُمُ

تَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ أَلَّا هُمْ الْكَافِرُونَ ﴿١٨﴾ أَسْخَوْا عَلَيْهِمْ

پہلی خداوند اہم سورگند [دروغ می خورد، و گمان می کنند] یا این سورگند [دروغ] بر تکیہ مقام استواری [امنگی] هستند! آگاہ باشید کہ اینبار

[illegible]

که حزب شیطان زبان کاران اولی الد (۱۹۰۹) می‌نویسد کسانی که با خدا و رسولش دشمنی می‌کنند

لا ادين الله عني انا ورسلي ان الله هو ربكم
خدا و انديز و ستر و تواناي شكمستاناير است (۲۲)

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ
 هِجَّ قَوْمِي رَا كِه از ايمان اريشه داري | به خدا و روز قيامت برخوردار باشند نمي يابي
 حَادِّ اللَّهِ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ

كِه با دشمنان خدا و پيامبرش دوستي ورزند | آنان پدرانشان يا فرزندان
 اِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ

يا برادرانشان يا خويشانان باشند | اينانند كه | ايمان را
 وَآتَيْنَهُمْ يُرُوحًا مِنْهُ وَيدُ خَلَطَهُمْ جَنَابَاتٍ تُجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

در دل هایشان پايدار کرده، و از جانب خود با حیاتی امعنوی | نیرومندشان ساخته، آنان را در بهشت هائی كه
 الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ

از زیر ادرخشان | آن نهرها جاری است وارد می کند كه در آن ها جاودانه اند، خدا از آنان خشنود است آنان هم از خدا خشنودند،
 أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٢٢﴾

اينان حزب خدايند، آگاه باشيد! كه فقط حزب خدا ابر همه موانع راه سعادت | پیروزند ﴿٢٢﴾

آياتها ۲۴
 سوره الحشر ۶۹
 مَدَنِيَّة
 تَبِيْعًا ۵۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا كه رحمتش بى اندازه است و مهربانى اش هميشگى

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١﴾ هُوَ الَّذِي

آنچه در آسمان ها و زمين است خداوند را | به پاكي بودن از هر عيب و نقصى | مى ستايند، و او تواناي شكستناپذير و حكيم است ﴿١﴾ و كسى است كه
 أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ

كافران از اهل كتاب را | در اولين كوچ | دسته جمعى | از ديارشان بيرون راند، شما | با قدرتي كه آنان داشتند | و نشان را | به اين صورت | احتمال
 بِخُرُوجِهِمْ لَظَنُوا أَنَّكُمْ مَا نَعْتَمُ حَصُونَهُمْ مِنْ اللَّهِ فَأَنَّهُمْ وَاللَّهُ مِنْ حَيْثُ

نسى داديد، | خودشان | گمان مى كردند در هاى استوارشان آنان را از عذاب | خدا مصون مى دارد، ولي | اخشم كوينده | خداوند از جايى كه
 لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَدْ فَنَى قُلُوبُهُمُ الرَّعْبُ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي

خيال نمى كردند به سراغشان آمد، و در دل هایشان | چنان | ترسى انداخت | كه | خانه هایشان را به دست خود و به دست
 الْمُؤْمِنِينَ فَاغْتَبَرُوا يَأْتُوا لِبِ الْأَبْصَارِ ﴿٢﴾ وَلَوْ لَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ

مؤمنان ويران كردند، پس اى صاحبان لاهم و بينش | عبرت بگيريد! ﴿٢﴾ اگر خداوند ترك وطن را
 الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٣﴾

بر آنان مقرر نكرده بود يقيناً در همين دنيا | با چنگى سخت كه همه را در كام مرگ اندازد | عذابشان مى كرد، البته براى آنان در آخرت عذاب آتش خواهد بود ﴿٣﴾

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ
 الْعِقَابِ ۝ (۲) مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لَيْنَةٍ أَوْ تَرَكْتُمْ هَا فَانْقَسَتْ عَنْ أَصُولِهَا
 سَخَتْ كَيْفَرُ اسْتِ (۴) هَر دَرخت خرمايی که از این دشمنان غدارا بُریدید، یا بر ریشه‌اش پایجا باقی گذاشتید
 فَيَاذِنْ اللَّهُ وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ ۝ (۵) وَمَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ
 بِهِ قُرْمَانِ خَدَاوند بود تا منحرفان نافرمان را خوار و رسوا کند، (۵) آنچه از اموال و زمین‌ها را که خداوند
 فَمَا آوَجِفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَا كَيْسٍ اللَّهِ يُسَلِّطُ رَسُولَهُ
 از آن شیطان صفنان اگر گرفت و به پیامبرش بازگرداند، شما برای ابد دست آوردن آن اسب و شتری نتوانید [که مالک آن شوید]، ولی خداوند
 عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ (۶) مَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ
 پیامبرانش را بر هرکه بخوهد چیره می‌کند، و خدا بر هر کاری تواناست، (۶) آنچه خداوند
 مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَاللَّسَّوْلِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ
 از اهل آبادی‌ها به پیامبرش بازگرداند و بپره خدا و پیامبر و اهل بیت [او] و یتیمان
 وَابْنِ السَّبِيلِ كَي لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا اتَّكُمُ
 و بیچارگان و در راه مانده بی زاد و توشه است تا میان ثروتمندان [مرفه] شما دست به دست نگردد،
 الرَّسُولُ فُخِّدُوهُ وَ مَا تَخْتَكُمُ عَنْهُ فَاَتَكُمُ هَؤُلَاءِ أَتَقْوُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ
 آنچه را پیامبر از اموال و احکام [در اختیارات] می‌گذارد [باید] ورغبت [در یافت] کنید، و آنچه شما اساع می‌کنید [از استیلا و مغلطای نکنید]، و از مخالفت با [خدا] بپرهیزید
 شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ (۷) لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ
 که خداوند سخت‌گیر است، (۷) از اموال بازگردانده شده به پیامبر، سهمی برای مهاجران [نیازمندی] است
 وَأَمْوَالِهِمْ يُبْنِغُونَ فُضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
 که از خانه‌ها و اموالشان بیرونشان انداختند، و [اکنون] در طلب رزق خدا و خشنودی اویند، و [در عین سختی و تنگدستی] خدا
 أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ۝ (۸) وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ
 و پیامبرش را یاری می‌کنند، ایشان [در ادعای ایمان] راست‌گویند، (۸) و [نیز برای] کسانی از انصار است [که پیش از مهاجران
 قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ
 در مدینه و در [حصن] ایمان جای داشتند، و مهاجران به سوی خود را دوست دارند، و در دل خود
 حَاجَةً مِمَّا آوَتْ وَ ابْؤُورُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ
 از آنچه به مهاجران داده شده نیاز و چشم‌داشتی احساس نمی‌کنند، و آنان را
 وَمَنْ يُوَقِّ شَحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ (۹)

بر خود ترجیح می‌دهند گرچه آنان را نیاز شدیدی باشد، و کسانی که از بخل و حرصشان مصون داشته‌اند [بر همه موانع راه سعادت] بپروزند، (۹)

وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ

و اینها برای کسانی است که پس از انصار و مهاجران آمده اند و مسلمانان می بینند و او خاصه آنان به پیشگاه حق عرضه می دارند: پروردگارا ما و برادرانمان را

سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا

که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند بیاور و در دل هایمان نسبت به مؤمنان کینه قرار ندهد

إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿۱۰﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمْ

پروردگارا! یقیناً تو بسیار مهربور و مهربانی (۱۰) آیا منافقان را ندیدی که

الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ

به برادران کافرشان از اهل کتاب می گویند: اگر از خانه و دیارتان اخراج شدید

وَلَا نَطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ

ما هم با شما خارج می شویم و هرگز بر ضد شما از احدی فرمان نمی بریم و اگر با شما جنگیدند

وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿۱۱﴾ لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ

حقاً شما را یاری می دهیم. خداوند شاهد است که آنان دروغ می گویند (۱۱) اگر کافران از اهل کتاب اخراج شوند با آنان خارج نمی شوند

وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُوهُمْ وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُولِيَنَّ الْأَدْبَارَ ثُمَّ

و اگر با آنان جنگ شود یاری شان نمی دهند و اگر به یاری آنان آیند در گرمای جنگ با به فرار می گذارند

لَا يَنْصُرُونَ ﴿۱۲﴾ لَأَنتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَٰلِكَ

در نهایت یاری نمی شوند (۱۲) همانا شما [مؤمنان] در دل های منافقان بیش از خدا مایه ترس و وحشت هستید

بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ﴿۱۳﴾ لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَىٰ

برای این که آنان مردمی هستند که قدرت و عظمت خداوند را نمی فهمند (۱۳) آنان به صورت دسته جمعی و متحد با شما نمی جنگند مگر در قریه هایی که دژهای

مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَبْنِهِمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ

مستحکمی دارد، یا از پشت دیوارهایی که بتوانند از آن سنگر بگیرند، دلاوری آنان میان خودشان شدید است [ولی در رویارویی با شما بزدلند]، آنان را متحد

جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ ﴿۱۴﴾ كَمْثَل

می پنداری در حالی که دل هایشان [نسبت به یکدیگر] دچار تفرقه و پراکندگی است، این پراکندگی دل و اعتمادشان به اتحاد ظاهری [نشانه آن است که اهل اندیشه

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

نیستند] (۱۴) [وضع و حال اینان در عهد شکنی، تفرقه دل ها و دلگرمی به وعده منافقان] مانند کسانی است که در زمانی نزدیک پیش از اینان [در مدینه] بودند

﴿۱۵﴾ كَمْثَل الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ

که پیامد تلخ و شوم کارشان را چشیدند و برای آنان عذاب دردناک است (۱۵) [داستان منافقانی که کافران اهل کتاب را با وعده دروغ فریفتند] چون داستان شیطان

قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۶﴾

[است]، که به انسان گفت: کافر شو و قتی کافر شد، [شیطان] گفت: من از تو بیزارم، او کفرت را بر عهده نمی گیرم؛ زیرا [من از خدا پروردگار جهانیان می ترسم] (۱۶)



فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدَيْنِ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ

سرانجام آن دو این شد که هر دو چادرانه در آتش اند، و این است کیفر

﴿۱۷﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّحَتْ لِعِبَادِ

ستمکاران (۱۷) ای مؤمنان! از خدا اطاعت کنید و از محوشتان بهره‌بردار، هرکسی باید با دقت بنگرد

وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۱۸﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ

که برای فردایش چه چیزی پیش فرستاده، از خداوند پروا کنید! هرآنچه خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است (۱۸) و مانند کسانی نباشید

نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿۱۹﴾

که خدا را فراموش کردند، پس او هم این‌ها را فراموش کرد، اینان منحرف و نافرمانند (۱۹)

لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ

دوزخیان و بهشتیان یکسان نیستند، بهشتیان

الْفَائِزُونَ ﴿۲۰﴾ لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا

کامیابند (۲۰) اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم مسلماً آن را

مُصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ

از ترس خدا فروتن و از هم‌پاشیده می‌دید، این مثل‌ها را برای مردم می‌زنیم

لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿۲۱﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ

تا ادر عظمت آیات قرآن و مفاهیمش [ببینیدند] (۲۱) اوست خدایی که جز او هیچ معبودی نیست، به هر نهان

الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿۲۲﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا

و آشکاری آگاه است، او را رحمان و رحیم است (۲۲) اوست خدایی که

هُوَ الْمَلِكُ الْقَدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ

هیچ معبودی جز او نیست، حاکم و فرمانروای مطلق، بسیار پاک، منزّه از زان‌رسان‌ی، ایمی‌بخش، چیره

الْجَبَّارُ الْمُنْكَرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۲۳﴾

و مسلط ابر هر چیز، شکست‌ناپذیر، دارای اراده نافذ ابر همه موجودات، صاحب کبریا و عظمت، و منزّه از آنچه شریک او قرار می‌دهند

هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ

(۲۳) اوست ذات دارای همه صفات کمال، آفریننده، نوافرین بدون ابزار و الگو، صورتگر، که نام‌های نیکوتر ویژه اوست،

لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۲۴﴾

آنچه در آسمان‌ها و زمین است خداوند را ابر پاک‌بودن از هر عیب و نقیصی می‌ستانند، و او توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است (۲۴)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ

ای مؤمنان! دشمنان من و دشمنان خود را به حاکمیت و دوستی انتخاب نکنید، شما به آنان

بِالْمُودَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ

از در دوستی و محبت برمی آید درحالی که آنان به قرآنی که به سوتنان آمده کافرند، پیامبر و شما را به خاطر

تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي

ایمانتان به خداوندی که پروردگارتان است از وطن بیرون می کنند، چنانچه برای جهاد در راه من و طلب خشنودی ام هجرت کرده اید

تُسْرُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمُودَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ

جرا پنهانی برای آنان پیام دوستی می فرستید؟ درحالی که من به آنچه پنهان داشتید و آنچه آشکار گردید آگاه ترم، از شما هرکس

مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ۝۱ إِنْ يَتَّقَوْكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَ

چنین کند! و بادشمن رابطه ولایت و دوستی برقرار کند! مسلماً از راه راست منحرف شده است (۱) چنانچه بر شما دست یابند حتماً دشمنان شما خواهند بود.

يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَالسِّنَنُ هُمْ بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ ۝۲ لَنْ

دست هایشان را برای کشتن و اسارت و آزارتان، و زبان هایشان را برای بدگویی و تحقیر شما خواهند گشود، و آرزوی می کنند که ای کاش شما هم کافر شوید! (۲)

نَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصَلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا

روز قیامت [که کیفر دوستی با دشمنان را می دهند] هرگز خویشان و فرزندان سودی به حال شما ندارند، [خداوند] بین شما و آنان جدایی می اندازد، و خداوند

تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝۳ قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ

به آنچه انجام می دهید بیناست (۳) همانا در [سرگذشت و حالات] ابراهیم و کسانی که با او بودند برای شما سرمشقی نیکوست،

مَعَهُ إِذْ قَالَ الْفُؤْمِمُ إِنَّا بَرَاءُؤُكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا

آنان به قومشان [که از دشمنان خدا و مؤمنان بودند] گفتند: ما از شما و آنچه به جای خدای پرستید بیزاریم، منکر [همفروش ها و این] شما هستیم،

بِكُمْ وَبَدَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ

و بین ما و شما دشمنی و کینه دائمی پدیدار است تا زمانی که به خداوند یکتا ایمان آورید. [آنان غیر از اعلام بیزاری سخنی با مشرکان نداشتند]

وَحَدَّةَ الْإِقْوَلِ إِبْرَاهِيمَ لَا يَبِيءُ لَا سْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ

جز وعده ابراهیم به پدر [خوانده] خود [که گفت:] من برایت درخواست آمرزش خواهم کرد، [آمرزش خواهی کاری است در طاقت من]

مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ۝۴ رَبَّنَا لَا

امادر برابر خداوند اختیار هیچ چیزی را به سود تو ندارم، پروردگارا! بر تو توکل کردیم، و [با توجه و اخلاص] به سوی تو بازگشتیم، و بازگشت فقط

تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفُ رَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝۵

به سوی توست (۴) پروردگارا! ما را در معرض سلطه و آزار کافران قرار مده! پروردگارا! ما را بیامرز! که یقیناً تو توانای شکست ناپذیر و حکیمی (۵)

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَن

بی تردید برای شما در اروش آنان سر مشقی نیکوست، این سر مشق نیکو! برای کسی است که به خدا و روز قیامت امیدوار است، و هر کس

يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٦﴾ عَسَى اللَّهُ أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ

از افتدای به آنان آروی برناید از یانی به خدا نمی رسد! زیرا خداوند بی نیاز و ستوده خصال است (۶) امید است خداوند بین شما و کافران که

عَادَيْتُم مِّنْهُمْ مَّوَدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٧﴾ لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ

با آنان دشمن هستید، ابا اسلام آوردنشان پیوند دوستی برقرار کند، خداوند تواناست، و خداوند بسیار آموزنده و مهربان است (۷) خداوند

الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوا فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ أَن تَكُونُوا لَهُمْ

شما را از نیکی کردن و عدالت ورزیدن با کسانی که بر سر دین با شما جنگیدند و از دیارتان بیرون نکردند

وَنَقُصُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿٨﴾ إِنَّمَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ

نهی نمی کند؛ زیرا خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد (۸) خداوند فقط شما را

قَاتَلُوا فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن

از دوستی او مسالمت با کسانی نهی می کند که با شما بر سر دین جنگیدند و از دیارتان بیرون کردند، و در بیرون راندن شما دست به دست هم داده

تَوَلَّوْهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَاُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا

به یکدیگر کمک کردند، کسانی که با آنان پیوند دوستی برقرار کنند [به دین خدا و مؤمنان] استمکارند (۹) ای مؤمنان! هنگامی که زنان یا ایمان هجرت کنان به سوی شما

جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُحَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ ۚ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِن

آیند آنان را از جهت ملاک های ظاهری ایمان بیازمایید، [البته] خداوند به ایمان [قلبی] آنان داناتر است، اگر تشخیص دادید که اگر حد لازم از ایمان برخوردارند آنان

عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَاهُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ

را به سوی کافران بازنگردانید؛ زیرا نه اینان بر کافران حلالند و نه کافران بر اینان، و مهریه ای که [همسران کافران] به آنان پرداخته اند به آن کافران پیردازد، بر شما

يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُمْ مَّا نَفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَن تَنكِحُوهُنَّ إِذَا

در ازدواج با آنان در صورتی که مهرشان را ابدید گناهی نیست، و به عقد نکاح زنان کافران که به کفار پیوسته اند پای بند نباشید [که آن عقد نکاح باطل شده و وظیفه

الَّتِي تَمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ وَسْأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلَبَسَ لَّوْا

شما را هر کس از آنان است، اگر به همسری کافران درآیند حق دارید مهریه پرداختی [به آنان] را از همسران کافران مطالبه کنید، چنان که آنان هم [حق دارند]

مَّا أَنْفَقُوا ذَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ بِحُكْمٍ وَيُنَازِلُكُمْ عَلَيْهِ حَكِيمٌ ﴿١٠﴾ وَإِن

مهریه پرداختی [به زنان خود] را [که مؤمن شده و به همسری شما درآمده اند از شما] بخواهند، این حکم خداست که بین شما [بر اساس آن] داوری می کند، خداوند

فَاتَكُمُ شَيْءٌ مِّنْ أَزْوَاجِكُم إِلَى الْكُفَّارِ فَعاقِبْتُمْ فَاتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ

دانا و حکیم است (۱۰) اگر کسی از همسران شما به کافران پیوست، و شما در جنگ با آنان غنیمتی به دست آوردید، به کسانی که همسرانشان را [به خاطر پیوستن

أَزْوَاجُهُمْ مِّثْلَ مَا أَنْفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ ﴿١١﴾

به کفار] از دست داده اند معادل مهریه ای که به آنان پرداخته اند [از غنایم] بپردازید، و از خداوندی که به او ایمان دارید [نسبت به ادای حقوق دیگران] پروا کنید (۱۱)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ

ای پیامبر! چون زنان باایمان نزد تو آیند تا بر پایه این شرایط با تو بیعت کنند که: چیزی را شریک خدا قرار ندهند.

شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ

دزدی نکنند، مرتکب زنا نشوند، فرزندانشان را نکشند، از نسبت دادن فرزندی که از طریق نامشروع

بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِبْنَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِبَنَّ فِي

حامله شده‌اند به شوهرانشان بپرهیزند، و در هیچ کار پسندیده‌ای از تو روی برنتابند، بیعتشان را بپذیرد

مَعْرُوفٍ فَبَايِعُهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٢﴾

و از خداوند برای آنان آمرزش بخواه؛ زیرا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ

(۱۲) ای مؤمنان! هرگز قومی را که خداوند بر آنان خشم گرفته به حکومت و دوستی انتخاب نکنید!

يَسُّوْا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَبُئْسَ الْكَفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ ﴿١٣﴾

همانا آنان به گونه‌ای از آخرت مایوسند که کافران از [بازگشت] خفتگان در قبر مایوسند (۱۳)

سُورَةُ الصَّفِّ ١٤ آیاتها

سُورَةُ الصَّفِّ

مدنیة
تیسینا
۶۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١﴾ يَا أَيُّهَا

آنچه در آسمان ها و زمین است خداوند را [به پاک بودن از هر عیب و نقصی] می ستایند و او توانای شکست ناپذیر و حکیم است (۱) ای مؤمنان!

الَّذِينَ آمَنُوا لَمْ يَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٢﴾ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ

چرا چیزی را می گوید که خود عمل نمی کنید؟! (۲) به شدت نزد خدا

نَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٣﴾ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي

مورد خشم است که چیزی را بگویند که خود انجام نمی دهید (۳) بی تردید خداوند کسانی را که در صفوفی [منظم]

سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ ﴿٤﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ

در راه او جهاد می کنند آن گونه که گویی بنایی پولادین و نفوذناپذیرند دوست دارد (۴) ایاد کنید از زمانی که موسی

يَا قَوْمِ لِمَ تَقُولُونَ لِمَ تَقُولُونَ لِمَ تَقُولُونَ لِمَ تَقُولُونَ لِمَ تَقُولُونَ

به قومش گفت: ای قوم من! چرا مرا آزار می دهید در حالی که یقین دارید من فرستاده خداوند به سوی شمایم؟! چون [به دنبال آزار مستمرشان]

زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٥﴾

نسبت به موسی [از راه مستقیم منحرف شدند خداوند هم دل هایشان را از حق منحرف کرد، خداوند مردم منحرف و نافرمان را هدایت نمی کند (۵)]

△△△

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ بَوْنِ الْجَمْعَةِ فَاسْعَوْا

إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ عَالِمِينَ

تَعْلَمُونَ ﴿١﴾ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا

مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٢﴾

وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفصوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا

عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِو وَمَنِ الْبَحَارَةِ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٣﴾

يَسُودُ الْمَلَأُ الْفُجُورِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهر بانی اش همیشه

إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا انْصَبْ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ

وَاللَّهُ يَسْمَعُ إِنْ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ ﴿١﴾ اخْتِذُوا إِلَهُائِهِمْ جَنَّةَ قُصْدٍ وَأَعِنُوا

سَبِيلَ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا

فَطَمَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَأَمَّا زَانِبُهُمْ فَجَبِلَ أَجْسَامُ الْأُمَمِ

وَأَنْ يَقُولُوا اقْسَمْ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشِبٌ حَسَنٌ هَٰؤُلَاءِ لَمْ يَحْشَبُوا كَلَّ

صَحْلِكَ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتِلْهُمْ اللَّهُ إِلَى يَوْمِ الْفُكُوتِ ﴿٣﴾

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا اسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّأُ أَرْوَاهُمْ وَ

چون به آنان گویند: بیاید تا رسول خدا برایتان آمرزش بخواهد، [مغرورانه] سرهایشان را برمی گردانند،

رَأْيَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ﴿٥﴾ سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفِرْتَ

و آنان را می بینی که متکبرانه از این خواسته به حق اعراض می کنند (۵) چه برای آنان آمرزش بخواهی

لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي

چه نخواهی برای آنان یکسان است، [چون سودی به حالشان ندارد] خدا هرگز آنان را نمی آمرزد، مسلماً خداوند

الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٦﴾ هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ

مردم منحرف و نافرمان را نمی آمرزد (۶) اینانند که می گویند: به کسانی که

رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يُنْفِضُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ

در کنار پیامبرند اتفاق نکنید تا از پیرامونش پراکنده شوند، و حال آن که خزانه های آسمان ها

لِكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ ﴿٧﴾ يَقُولُونَ لَنْ رَجَعْنَا إِلَى

وزمین در سیطره خداست ولی منافقان [این حقیقت را] نمی فهمند (۷) می گویند: اگر به مدینه بازگردیم یقیناً کسی که [از جهت امکانات] نیرومندتر

الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَ

است [عبداللّه بن ابی] آن را که خوارتر است [محمد ﷺ] از آن جا بیرون می کند! در حالی که نیرومندی و توانایی غیر قابل شکست برای خدا

لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

و پیامبرش و مؤمنان است، ولی منافقان [کور دل به این واقعیت] آگاه نیستند (۸)

آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ

ای مؤمنان! مبادا اموال و اولادتان شما را از یاد خدا غافل کند!

وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٩﴾ وَأَنْفِقُوا مِمَّا

آنان که غافل می شوند تباه کنندگان [سرمایه های وجودی خود] هستند (۹) از آنچه

رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي

روزی شما کرده ایم اتفاق کنید پیش از آن که هر یک از شما را مرگ دررسد و بگوید: پروردگار!

إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصْدَقَ وَآكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٠﴾ وَلَنْ

چرا تا مدتی کوتاه [مرگ] مرا به تأخیر نینداختی او مهلتم ندادی! تا اتفاق کنم و از درست کاران باشم؟ (۱۰)

يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١١﴾

خداوند [مرگ] کسی را چون پایان عمرش فرا رسد به تأخیر نمی اندازد، و خداوند به اعمالی که انجام می دهید آگاه است (۱۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشه

بِسْمِ اللَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ

آنچه در آسمان ها و زمین است خداوند ابراهیم پاک بودن از هر عیب و نقصی می ستانند، فرماترانی و ترانه اوست، همه ستایش ها برای اوست، او

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَكَ فَبَنَّاكَ كَافِرًا مِّنْ مَّوَدِّهِ

هر کاری تواناست (۱) اوست که شما را آزاد و مختارا آفرید، گروهی از شما کافرند و گروهی

وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢﴾ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ

مؤمن، و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست (۲) آسمان ها و زمین را به حق آفرید،

فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ ۖ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿٣﴾ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

و شما را صورت گری کرد و صورهاتان را نیکو ساخت، و بازگشت به سوی اوست (۳) آنچه را در آسمان ها

وَبَعَلَّمَ مَائِيسِرَ وَنَ وَهَانَ عِلْمُونَ ۖ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٤﴾ أَلَمْ

و زمین است می داند، و به آنچه که پنهان می دارید و آنچه که آشکار می سازید آگاه است، خداوند به اسرار و نیت باطن ها آگاه است (۴)

يَأْتِكُمْ نَبِيُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَبْلُ فَذُوقُوا بِالْأَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

آیا خبر کسانی که پیش از این کافر شدند و پیامد تلخ و سوز کارشان را چشیدند، و برای آنان در قیامت عذابی دردناک است به شما نرسیده است؟ (۵) آن عظیم

﴿٥﴾ ذَلِكَ يَأْتِيهِ كَانَتْ تَأْنِيهِمْ رَسُولُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا ابْشِرُوا هُدًى وَنَافِكُمْ وَ

دنیا و آخرتی برای آن است که پیامبر ایشان همواره دلایل روشن به سویشان آوردند، ولی آنان ها اهمیت ندادند و گفتند: آیا بشری ما را هدایت می کند؟! و

تَوَلَّوْا ۖ وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٦﴾ زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّا لَنُيَسِّرُهُنَّ

پس به کفر گراییدند و روی از حق ابرافتنند، در صورتی که خداوند از آنان می نواز است؛ بی نیازی ستوده خصال (۶) کافران عمتان این است

قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعِلْنَ ثُمَّ لَتُنَبُّوْنَ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٧﴾

که هرگز ایس از مرگ ابرانگیخته نخواهند شد، بگو آری، سوگند به پروردگارم که مسلماً برانگیخته خواهید شد، سپس به آنچه انجام داده اید آگاهتان

فَاهِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنَّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٨﴾

می کنند، این ابرانگیختن شما ابر خداوند آسان است (۷) پس به خدا و پیامبرش و نوری چون قرآن که فرستادیم ایمان بیاورید، خداوند به آنچه انجام می دهید

يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ۚ ذَٰلِكَ يَوْمُ النَّفَاثِينِ وَمَنْ يُّؤْمِنُ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ

آگاه است (۸) روزی می رسد که خداوند شمار آدمی را به یوم الجمع، اگر روز قیامت است جمع می کند، آن روز از ظهور خسارت است، آنان که مؤمن

وَبَعَثَ صَالِحًا يُكْفِرُ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلُهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي

به خداوند و کار شایسته انجام می دهند اخداوند گناهانشان را از آنان محو می کند، و به بهشت های که

مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۚ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٩﴾

از زیر ادرختان! آن نهرها جاری است درمی آورد در آن جا همواره جاودانه اند، این است ثانیایی بزرگ (۹)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٠﴾

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٠﴾

وَمَنْ يُوْءِصْ بِاللّٰهِ يَمْدُ قَلْبُهُ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١١﴾

وَمَنْ يُوْءِصْ بِاللّٰهِ يَمْدُ قَلْبُهُ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١١﴾

أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَنَا عَلَىٰ رَسُولِنَا

أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَنَا عَلَىٰ رَسُولِنَا

الْبَلَاغِ الْمُبِينِ ﴿١٢﴾

الْبَلَاغِ الْمُبِينِ ﴿١٢﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ

أَوْلَادَكُمْ وَعَدَّ الْأَكْمُرَ قَا حَذَرَهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا تَصَفَّحُوا

أَوْلَادَكُمْ وَعَدَّ الْأَكْمُرَ قَا حَذَرَهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا تَصَفَّحُوا

نَعْفِرْ وَإِنَّا لِلَّهِ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٤﴾

نَعْفِرْ وَإِنَّا لِلَّهِ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٤﴾

فَإِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٥﴾

فَإِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٥﴾

وَأَسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْتَقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُؤْفَ

وَأَسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْتَقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُؤْفَ

سَحَ نَفْسِهِ فَإِنَّ اللَّهَ لَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٦﴾

سَحَ نَفْسِهِ فَإِنَّ اللَّهَ لَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٦﴾

حَسَنًا يَصْنَعُهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ ﴿١٧﴾

حَسَنًا يَصْنَعُهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ ﴿١٧﴾

حَلِيمٌ ﴿١٨﴾

حَلِيمٌ ﴿١٨﴾

آیاتها ۱۲

سورة التغابن

مَدَنِيَّة ۷۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِ لَهُنَّ وَاحْصُوا الْعِدَّةَ

ای پیامبر اوی مسلمانان! چون!خواستید از آن! اطلاق دهید، هنگام پایان عدّه! یعنی پس از پاک شدن از عادت ماهانه و پیش از آمیزش با آنان! احصا کنید،

وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تَخْرُجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا تَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ

و حساب دقیق عدّه! اطلاق! را نگه دارید، و از خداوند که پروردگار شماست! امر مورد طلاق! همسر آنان و رعایت حقوقشان! بپروا کنید، آنان را زود ران عدّه! از

يَا نَبِيْنَ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُعَدِّدْ حُدُودَ اللَّهِ

خانه هایشان بیرون نکند و خودشان هم نباید از خانه! بیرون روند، مگر این که عمل بسیار زشت! آشکاری از آنان بسوزند! که در این صورت بیرون کردنشان می مانع

فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَنْدُرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا ۝۱

است! این! ها حدود خداست و هر کس از حدود خدا تجاوز کند! به خودش قسم کرده، تو نمی دانی، امید است خداوند پس از این! اطلاق و پیش از بیان عدّه! وضع جدیدی

فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ

پیش آورد تا زمینه صلح و ادامه زندگی هر دو فراهم آید! (۱) چون زنانتان به پایان زمان عدّه! طلاق! خود نزدیک شدند آنان را! با رجوع به مسئله رجوعیت! به صورتی

وَأَشْهَدُ وَأَذُوکُ عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَٰلِكُمْ

شایسته! که رعایت همه حقوق همسر داری است! نگاه دارید، یا با روشی پسندیده! که بر دایت همه حقوق شرعی است! از آنان جدا شوید و! هنگام اجرای صیغه طلاق!

يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ بَقِيَ اللَّهُ يَجْعَلْ

دو شاهد عادل از بین خودتان! ابر طلاق! گواه بگیرد، و! شما ای گواهان! برای خدا! او بدون ملاحظه هیچ مسئله ای! گواهی دهید، به وسیله! این! احتیاق! به کسی که

لَهُ خُرُوجًا ۝۲ وَبَرِّزْقِهِ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى

مؤمن به خداوند و روز قیامت است اندرز داده می شود، کسی که از خداوند! اطاعت کند و از محرماتش! بپرهیزد خداوند برای او راهی! جهت بیرون رفتن از مشکلات

اللَّهُ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا

و تنگناها! قرار می دهد! (۲) و او را از جایی که گمان نمی برد روزی می دهد، کسی که بر خدا توکل کند خداوند او را بس است، همانا خداوند! ایا قدرت بی نهایتش! کارش را

۝۳ وَاللَّيْلِ يَسْجُدُ مِنَ الْمَجْهِضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ رُبِّبْتُمْ فَعِدُّوهُنَّ

به انجام! می رساند، مسلمانان! برای هر چیزی! اندازهای قرار داده است! (۳) از زنان! اطلاق داده! شما آنان که از دیدن حیض! مایوسند چنانچه! امر بارداری یا رسیدنشان به

ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ وَاللَّيْلِ لَمْ يَحْضَنْ وَأُولَٰئِ الْأَحْصَالُ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ

سنتی که حیض در آن منتفی است! شک دارد! عدّه! آنان از لحظه طلاق! اسماء است، و! نیز از زانی که حیض! ندیده اند! اگر چه در سن حیض! دیدن باشند عدّه! طلاقشان

حَلَمْنَ وَمَنْ بَقِيَ اللَّهُ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا ۝۴ ذَٰلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ

سهامه است، و! پایان عدّه! زنان! باردار روزی است که وضع حمل کنند، کسی که از خداوند! اطاعت کند و از محرماتش! بپرهیزد خداوند در کارش برای او آسانی پدید

الْيَوْمِ وَمَنْ بَقِيَ اللَّهُ يَكْفُرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَبِعِظْمِ لَهُ أَجْرًا ۝۵

می آورد! (۴) این! ها احکام خداست که به سوی شما فرستاده، کسی که از خداوند! اطاعت کند و از محرماتش! بپرهیزد گناهانش را از او محو، و! پاداشش را بزرگ می کند! (۵)

أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِضَيِّقُوْنَ عَلَيْهِنَّ

زنان مطلقه را در حد توانایی خویش در خانه ای که خود سکونت دارید سکونت دهید، و ادر نفقه و مسکن و بر خورد ها ازارشان ندهید تا از زندگی رنج ببرند

وَأِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمِلٌ فَلْيَضْحَكُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ

آنان تنگ کنید [که مجبور به ترک خانه و نفقه شوند]، چنانچه حامله باشند هزینه آنان را تا زمانی که وضع حمل کنند بپردازید، اگر کودک شمارا

لَكُمْ فَاتَوْهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَأَمْرُهُمْ وَاتِّبَنُكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ نَعَّاسٌ ثُمَّ فَطْرُ ضِعْ

شیر دهند اجرت [شیر دادن]شان را بدهید، و ادر مورد شیر دادن به کودک و طریقه نگهداری اش با یکدیگر به صورتی پسندیده مشورت کنید، چنانچه کاربان به مشکل او

لَهُ الْآخِرَى ۝ لِيُنْفِقُ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُتَّقِ

عدم توانایی رسیدن دیگر [باز هزینه پدر]، کودک را شیر دهد (۶) بر توانگر است که [همسر مطلقه] بچه دارش را از توانگری اش هزینه [مناسب] دهد، و کسی که دچار تنگدستی

مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَبَّحَ لِلَّهِ بَعْدَ عُسْرِ

شده از آنچه خدا به او عطا کرده [هزینه] بپردازد، خداوند کسی را جز به [اندازه] رزقی که به او داده تکلیف نمی کند، همانا خداوند

يُسْرًا ۝ وَكَأَيِّنْ مِنْ قُرْيَةٍ عَنَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسِبُنَاهَا

پس از سختی آسانی قرار می دهد (۷) چه بسیار آبادی هایی که [اهلش] از فرمان پروردگار و رسولانش سرپیچی کردند،

حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نَكِرًا ۝ فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ

پس ما آنان را به حساب سختی محاسبه کردیم و به عذاب بسیار شدیدی دچار ساختیم (۸) آنان پیامد

عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا ۝ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي

تسخ و شوم کارشان را چشیدند، و عاقبت کارشان خسارت [سنگینی] بود (۹) خداوند برای آنان [در آخرت] عذابی سخت آماده کرده است، پس

الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا ۝ رَسُولًا يَنْبَلُوا عَلَيْهِمْ

ای خردمندان مؤمن! از خدا [اطاعت کنید و از محرماتش] بپرهیزید، بهر آستی خداوند [برای تأمین سعادت دنیا و آخرتتان] به سوی شما مبعوث گردانید

آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ

و بیداری فرستاده است (۱۰) و آن [پیامبری] است که آیات روشنگر خداوند را بر شما می خواند تا مؤمنانی را که کارهای شایسته انجام داده اند

إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي

از تاریکی ها به سوی نور ببرد، آری کسانی را که به خداوند ایمان بیاورند و کار شایسته انجام دهند در بهشت هایی که

مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا ۝ اللَّهُ الَّذِي

از زیر [درختان] آن نهرها جاری است وارد می کند، در حالی که در آن جا همواره جاودانه اند، همانا خداوند رزق [بهشت] را برای آنان نیکو قرار داده است (۱۱) خداست

خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِنَعْلَمَ مَا

که هفت آسمان را آفرید، و از زمین همانند آن ها را آید آورد، همواره فرمان او در میان آن ها نازل می شود تا بدانید که

أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا ۝

خداوند بر هر کاری تواناست، و این که علم خداوند بر هر چیزی احاطه دارد (۱۲)

مَدَنِيَّةٌ
دَلِيلًا

سُورَةُ التَّحْرِيمِ

آیاتها
۱۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشه

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تَحْرِمُ مَا حَلَّلَ اللَّهُ لَكَ لَبِغِي مَرُصَاتٍ أَزْوَاجَكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ

ای پیامبر! چرا آنچه را خداوند بر تو حلال کرده برای به دست آوردن خشنودی همسرانت بر خود حرام می کنی؟ خداوند بسیار آمرزنده

رَحِيمٌ ﴿١﴾ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ

و مهربان است (۱) همانا خداوند شکستن سوگندهایان را (که برای محرم کردن خود از کاری حلال خورده اند، با دادن کفار و ایهام دشمنان دانسته است، خداوند مولای

الْحَكِيمُ ﴿٢﴾ وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَأَ نَبَاتٌ بِهِ وَ

شماست و او دانای حکیم است (۲) زمانی پیامبر سخنی را به صورت محرمانه با یکی از همسرانش در میان گذاشت، و او آن سخن محرمانه را (بر خلاف سفارش پیامبر نزد زن

أَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضُهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَأَهَا بِهِ قَالَتْ

دیگر افاش کرد، خداوند پیامبر را از افشای آن خبر داد، پیامبر بخشی از آن مطلب افشاشده را (به زن آن گوشزد کرد و از گفتن بخشی دیگر چشم پوشید) زن گفت

مَنْ أَنْبَاكَ هَذَا قَالَ نَبَاتِي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ ﴿٣﴾ إِنْ تَوَيْبًا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ

چون کسی این [افشای مطلب محرمانه به وسیله من] را به تو خبر داد؟ پیامبر گفت: خدای دانای آگاه خیرم داد (۳) اگر شما دوزن به پیشگاه خداوند توبه کنید (به

صَغَتْ قُلُوبُكُمْ بِمَا كَانَ يُفْضِلُ عَلَيْكُمْ وَإِنْ تَضَاهَرُوا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرُ بِلٍ وَ

صلاح شماست؛ زیرا [ادل هایتان از حق] منحرف شده است، و اگر بر ضد پیامبر همدستی کنید (را به جایی نخواهید برد، و بدانید که) [بعضین خداوند پیامبر

صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةِ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ ﴿٤﴾ عَسَى رَبُّهُ إِنْ

و صالح مؤمنان (که بنا به روایات امیرالمؤمنین علی علیه السلام است) و فرشتگان نیز بعد از آنان پشتیبان او خواهند بود (۴) چنانچه پیامبر،

طَلَقَكُمْ أَنْ يَبْدُلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرٌ مِنْكُمْ فَسَلِّمُوا لِمُرُصَاتٍ قَانِتَاتٍ

شما را طلاق دهد امید است که پروردگارش همسرانی بهتر از شما که اهل تسلیم (به حق، مؤمن، فرمانبردار،

تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا ﴿٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا

توبه کننده، عبادت پیشه، روزدار، بیوه و یا دوشیزه باشند جایگزین شما کنند (۵) ای مؤمنان!

أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ

خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگ ها (بند حفظ کنید، بر آن فرشتگانی

غُلَظٌ شَدِيدٌ ﴿٦﴾ مَا أَمَرَهُمْ وَفَعَلُوا مَا بُوْءُ مَرُورٍ ﴿٦﴾

خشن و سخت گیر گمارده شده اند که از آنچه خداوند دستورشان داده سرپیچی نمی کنند، و آنچه را به آن مأمورند انجام می دهند (۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْبُدُوا الْيَوْمَ الْأَنْبِيَاءَ تَجْزُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٧﴾

ای کافران! امروز که روز کفر است! عذرخواهی نکنید، فقط به آنچه همواره انجام می دادید کفرتان می دهند (۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ

ای مؤمنان! به پیشگاه خداوند توبه کنید، توبه‌ای خالص! امید است پروردگارتان

أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمُ سَيِّئَاتِكُمْ وَبُدِّ خَلَائِكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ

گناهانتان را از شما محو کند و شما را به بهشت‌هایی درآورد که از زیر درختان آن

تَحْتُهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ

نهرها جاری است، در آن روزی که خداوند، پیامبر و کسانی را که با او ایمان آوردند خوار نمی‌کند، نورشان

بَسْعَىٰ بَيْنَ يَدَيْهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا آتِنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا

پیش رویشان و از جانب راستشان می‌شناید درحالی که می‌گویند: پروردگارا! نور ما را کامل کن و ما را بیاموز!

إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٨﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ

بی‌تردید تو بر هر کاری توانایی (۸) ای پیامبر! با کافران

الْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَا أُوْهُمْ جَاهِشْتَنَ دُوزَخَ عَاقِبَتُ بَدِيٍّ ﴿٩﴾

و منافقان بجنگ! و بر آنان سخت بگیر که جایگاهشان دوزخ است، و [دوزخ] عاقبت بدی است! (۹)

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا

خداوند برای کافران، همسر نوح و همسر لوط را قتل زده،

تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيا عَنْهُمَا

که آن دو در سرپرستی [و زوجیت] دو بنده شایسته از بندگان ما بودند، ولی [در امر دین و دینداری و رازنگاهداری] به آن دو خیانت کردند،

مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ ﴿١٠﴾ وَضَرَبَ

دو پیامبر ما [با وجودی که پیوند زوجیت با آنان داشتند] چیزی از [عذاب] خدا را از آن دوزخ دفع نکردند، [به هر دو] گفته شد: با وارد شوندگان

اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي

به آتش وارد شوید! (۱۰) و خداوند برای مؤمنان، همسر فرعون را

عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي

قتل زده است هنگامی که گفت: پروردگارا! برای من نزد خودت خانه‌ای در بهشت بنا کن!

مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿١١﴾ وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي

و مرا از فرعون و کردارش نجات ده! و از مردم ستمکار رهایی‌ام بخش! (۱۱) و انیسا مریم

أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُّوحِنَا وَصَدَّقَتْ

دختر عمران را [مثل زده]، که دامن خود را پاک نگاه داشت در نتیجه از روح خود در رحم [او] دمیدیم،

بِكَلِمَاتٍ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا إِتْقَانُ الْكِتَابِ وَذِكْرُ اللَّهِ عَالِمُ الْغُيُوبِ ﴿١٢﴾

او فرمان‌های پروردگارش و کتاب‌های او را تصدیق کرد، و از زمره اطاعت‌کنندگان [از خواسته‌های حق] بود! (۱۲)

مکة
۲۷

سورة الملك

آیاتها
۲۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

نَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمَلَكُوتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١﴾ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ
 وَالْحَيَاةَ لِيُبْلِغَكَ أَشْكَرُ أَحْسَنَ عَمَلٍ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ ﴿٢﴾ الَّذِي خَلَقَ
 وَحَيَاتِ رَا أَفْرِيدَ تَا شَمَا رَا بِيَا زَمَا يَدِ كَه كَدَامَتَانِ نِيكَو كَا تَرِيدِ، فَقَطْ اَو تَوَانَايِ شَكْسَتِ نَا بِيَدِ و بِسَارِ اَمُوزَنَدَه اَسْتِ (۲) هِم اَو كَه
 سَبْعَ سَمَوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ
 هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ﴿٣﴾ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ
 تَگَا هِي [عَمِيق] بِيَنَدَا زَا اَيَا هِي جِ خَلْقِي مَشَاهِدَه مِي كَنِي؟ (۳) بَا زِ هِم بِطُورِ مَكْرَرِ تَگَا هِي [عَمِيق] بِيَنَدَا زَا تَا [اِنْهَائِي] تَگَا هَتِ خَسْتَه
 خَالِسَةً وَهُوَ حَسِيرٌ ﴿٤﴾ وَلَقَدْ رَئَيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا
 وَ دَرَمَانَدَه اَزِ يَافَتِنِ خَلَلِ دَرِ اَفْرِيشِ حَقِّ بِه سَوِيَتِ بَا زِ كَرَدَدِ (۴) مَا نَزْدِيكَ تَرْتَرِيَنِ اَسْمَانِ رَا بَا جِرَا غِ هَا يِي [چُونِ سَتَاوَرَكَا نِ] اَرَا سَتِي هِم، وَ اَن هَا رَا
 رَجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ ﴿٥﴾ وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ
 وَ سِيْلُهُ اَنْدَنِ شِيْطَانِيْنَ قِرَارِ دَادِيْمِ [تَا تَوَانَدَن اَزِ عَالَمِ بِاَلَا خَبِرِ كِيَمِي رَنَدَن] وَ اَنْشِي اَفْرُو خَتَه بَرَايِ اَنَانِ اَمَادَه كَرَدَه اِيْمِ (۵) بَرَايِ كَسَا نِي كَه بِه بِرِ و دِ كَا رَشَا نِ كَا فَرِ شَدَنَدِ
 عَذَابٍ وَتَجَمَّعُوا بِسُورٍ لِلْمَصِيرِ ﴿٦﴾ اِذَا الْقَوُافِحُ سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ
 عَذَابِ دُورِخِ اَسْتِ، وَ [دُورِخِ] عَاقِبَتِ بَدِي اَسْتِ (۶) چُونِ دَرِ اَنِ اَفَكَنَدَه شُونَدِ دَرِ حَالِي كَه دَرِ فُورَانِ اَسْتِ صَدَا يِي هُونَا كِ
 نُفُورٌ ﴿٧﴾ تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلُّ الْاِقْبَانِ فِيهَا فَجٌّ سَعَاهُمْ خُزْنُهَا اَلَمْ
 اَزَانِ مِي شُونَدِ (۷) كَوِيَا نَزْدِيكَ اَسْتِ [دُورِخِ] اَزِ شَدَتِ خَسْمِ بَا رَه شُودِ، هِرْ زَمَانِ كَرُو هِي رَا دَرِ اَنِ بِيَنَدَا نَزْدِيكَ نَا نَشِ اَزِ اَنَانِ مِي بِرِ سَنَدِ: اَيَا بَرَايِ شَمَا
 يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ ﴿٨﴾ قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَارٌ يُوقَدُ مِنْهَا قَوْاسِمْ كَالْاَشْجَارِ أَذْهَبَتْ
 هَسْدَا رَه نَدَه اَيِ اِبَه اَيْنِ عَذَابِ دَرِ نَا كِ [اَيَا مَدِ؟] (۸) مِي كَوِيَنَدِ: اَرِي، اَلْبَنَه هَسْدَا رَه نَدَه اَمَدِ، وَلِي اَنْكَارِ كَرَدِيْمِ وَ كَفْتِيْمِ: خُدَا وَ نَدِ هِي جِ [حَكْمِ وَ مَوْعِظَتَايِ] اِنَا زِلِ نَكْرَدِ،
 شَيْءٌ اِنَّ اَنْتُمْ اِلَا فِي صَفَا لٍ كَبِيرٍ ﴿٩﴾ وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ اَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا
 شَمَا اَهْسَدَا رَه نَدَه اَيِ اِبَه اَيْنِ عَذَابِ دَرِ نَا كِ [اَيَا مَدِ؟] (۹) مِي كَوِيَنَدِ: اَكْرَا اَدْعُو تِ سَعَادَتِ بِخَشِ اَنْبِيَا رَه اَبَه كُوشِ قَبُولِ [اَشْنِيدَه مَوْعِظَتَايِ] اِنَا زِلِ نَكْرَدِ،
 فِي اَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿١٠﴾ فَاَعْرِضْ عَنْ يَذَنِّبِهِمْ فَصُحُّمًا لِاَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿١١﴾
 اَنْدِيْشَه مِي كَرَدِيْمِ دَرِ زَمَرَه اَهْلِ اَنْشِ سُوْرَانِ نَبُو دِيْمِ (۱۰) بِه اَيْنِ صُورَتِ بِه كُنَا هَسَا نِ اَعْتَرَا فِ مِي كُنَدِ، بِسِ دُورِي اَزِ رَحْمَتِ خُدَا اَبَرِ اَهْلِ اَنْشِ سُوْرَنَدَه بَا دِ (۱۱)
 اِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَاَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿١٢﴾
 بِي تَرِيدِ بَرَايِ كَسَا نِي كَه دَرِ بَنَهَانِ اَزِ بِرُو رِ كَا رَشَا نِ مِي تَرَسَنَدِ اَمُوزِشِ وَ بَا دَا شِ بَزَكِي اَسْتِ (۱۲)

وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١٣﴾ أَلَا يَعْلَمُ

گفتارشان را پنهان کنیدی آشکارا، ابرای خدا تفاوت نمی کند؛ زیرا او بی گمان به اسرار و نیت باطن ها آگاه است (۱۳) آیا کسی که

مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ﴿١٤﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا

آفریننده است [الوضاع و احوال آفریده خود را] نمی داند؟! و حال آنکه بسیار دقیق نگر و آگاه است (۱۴) اوست که زمین را به سود شما رام و مطیع [و قابل

فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ ﴿١٥﴾ أَمْ أَنْتُمْ مَنْ فِي

بهر برداری افرانید پس در اطراف و کنافش گام بردارید، و از رزق خداوند بخورید که برانگیزخته شدن به سوی اوست (۱۵) آیا از کسی که افران و باری و حاکمیتش را

السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ ﴿١٦﴾ أَمْ أَنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ

در عوالم بالا [حتی] است [چه رسد در زمین]، در امان هستید از این که با شکافتن زمین، در حالی که به شدت می لرزد شما را در آن فروبرد؟ (۱۶) آیا از کسی که افران و باری و

أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ ﴿١٧﴾ وَلَقَدْ كَذَّبَ

حاکمیتش [در عوالم بالا] مسلم است [چه رسد در زمین]، در امان هستید که توفانی از سنگریزه بر شما فرستد؟ به زودی خواهید دانست که هشدار من چگونه است؟! (۱۷) همانا

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿١٨﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ

کسانی که پیش از اینان بودند [آیات من و پیامبران را] انکار کردند، پس [بنگر که] مجازات من چگونه بود؟! (۱۸) آیا ندانسته اند که پرندگان

صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ

بالای سرشان را درحالی که بال و پر می گشایند فقط خداوند رحمان [از سقوط] نگه می دارد؟ به راستی او بر همه چیز

﴿١٩﴾ أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصَرُّكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنَّ

بیانست (۱۹) یا گروهی که بتوان سپاهی برای شما باشد تا شما را در برابر خداوند رحمان [به وقت نزول عذاب] یاری دهد کدام گروه است؟! (۱۹)

الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ ﴿٢٠﴾ أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ

کافران جز در غرور نیستند (۲۰) یا کیست آن که اگر [خداوند] روزی اش را از شما بازدارد به شما روزی دهد؟ این که به حقایق توجه ندارند، بلکه در تجاوز از حدود

بَلْ لَجُوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ ﴿٢١﴾ أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ

الهی و گریزانان از حق [افشاری و لجابت می ورزند]؟! (۲۱) آیا کسی که [در راهی لغزنده و نامنور] حرکت می کند و بی دربی به صورت در می افتد هدایت یافته تر است،

يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٢٢﴾ قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ

با آن که راست قامت به راهی مستقیم می رود؟ (۲۲) بگو: اوست که شما را پدید آورد، و برای شما

السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿٢٣﴾ قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ

مکوش و چشم و دل قرار داد، ولی اندکی سپاس گزار [نعمت های حق] هستید (۲۳) بگو: اوست که شما را

فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٤﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ

در زمین آفرید، و به سوی او محشورتان می کنند (۲۴) [کافران از روی تمسخر] می گویند: اگر راستگو بود این وعده [قیامت و عذاب]

صَادِقِينَ ﴿٢٥﴾ قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٢٦﴾

کی خواهد بود؟ (۲۵) بگو: دانش از آن زمان وقوع قیامت فقط نزد خداست، و من تنها هشداردهنده ای آشکارم (۲۶)

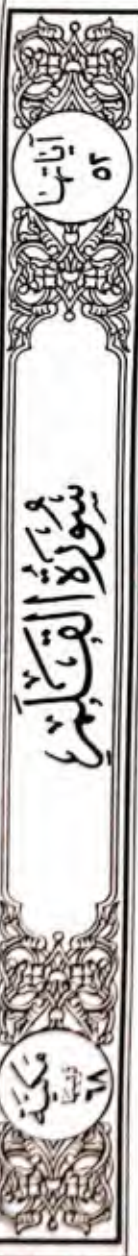
فَلَمَّا رَاوَهُ زُلْفَةً سَبَيْتُ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي
و چون آن اوعده برحق را نزدیک ببیند چهره کافران از شدت ناراحتی زشت و کوبه شود، اِه انا! گویند: این است
کنند به تدعون ﴿۲۷﴾ قُلْ آيَاتُهُمْ اِنْ اَهْلَكْنِي اللهُ وَمَنْ مَعِيَ اَوْ

آنچه همواره از روی تسخیر می خواستید (۲۷) بگو: به من خبر دهید چنانچه خداوند اِه خواست شما مرا و هر که را با من است هلاک کند
رَحْمَنًا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ الْبَیْرِ ﴿۲۸﴾ قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ

یا اِه مشیت خویش امور در حمت قرار مان دهد، پس چه کسی کافران را از عذاب در داک پناه خواهد داد؟ ﴿۲۸﴾ بگو: او خدا و رحمان است، به او ایمان آورده ایم
اَهْتَابِهْ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿۲۹﴾ قُلْ

و بر تو تکل کرده ایم، پس به زودی خواهید دانست چه کسی در گمراهی آشکار است! ﴿۲۹﴾ بگو: به من خبر دهید اگر آب های امیر دین به دوری! شما! چون
آيَاتُهُمْ اِنْ اَصْبَحَ مَا وَكَّرَ غُرًّا فَهُمْ يَنْتَبِهُكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ ﴿۳۰﴾

آب چشمه ها، رودها، سدها و چاه ها! در زمین فرو رود، اِه گونه ای که از دست رستان خارج شود! کیست که بتواند آب گوارا بر روان برانین بیاورد! ﴿۳۰﴾



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ ﴿۱﴾ مَا أَنْتَ بِنِعْمَةٍ رَّبِّكَ بِمَجْنُونٍ ﴿۲﴾ وَإِنَّ لَكَ

نون، سوگند به قلم، و آنچه اِه می نویسد! ﴿۱﴾ که تو به سبب نعمت پروردگارت عقل، نبوت، بصیرت، دانش، ایمان و سلام روح! مجنون نیستی! ﴿۲﴾ بگو: تو دید

لَا جُورَ لَكَ مِمَّنْ يَنْتُبُونَ ﴿۳﴾ وَإِنَّكَ لَعَلَّ خُلِقَ عَظِيمٍ ﴿۴﴾ فَسَبِّحْ رُبَّكَ بِبَصَرٍ وَ

برای تو پاداشی بزرگ و همیشگی است! ﴿۳﴾ به راستی تو بر بلندای سجایای اخلاقی عظیمی قرار داری! ﴿۴﴾ بنابراین به زودی می بینی

﴿۵﴾ بِأَيْسَرِ الْفُتُونِ ﴿۶﴾ إِنْ رَئَاكَ هُوَ اعْلَمَ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ

و دشمنان هم! می بینند! ﴿۵﴾ که کدامان دچار جنون است! ﴿۶﴾ بی تردید پروردگارت دانتر است که چه کسی از راهش منحرف شده،

اعْلَمَ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿۷﴾ فَلَا تَطِيعُ الْمَكِيدِينَ ﴿۸﴾ وَدَّ الْوَلَدُ هُونَ

و نیز به راهیان افتگان آگاه تر است! ﴿۷﴾ از منکران اقران و نبوت پیروی نکن! ﴿۸﴾ آنان دوست دارند که تو سازش و نرمی نشان دهی تا آن ها هم سازش

فَقَدْ هِنُونَ ﴿۹﴾ وَلَا تَطِيعُ كُلَّ حَلِافٍ مَهِينٍ ﴿۱۰﴾ هَمَّا زَمْشَاءَ يَنْمَسِمِ

و نرمی کنند! ﴿۹﴾ از هر سوگند خورده فرومایه و پست فرمان میر! ﴿۱۰﴾ این که بسیار عیب جو، و برای سخن چینی همواره در رفت و آمد است

﴿۱۱﴾ سَاعِ الْخَبْرِ مَعْنَى أَتَيْتُمْ ﴿۱۲﴾ عَتِلَ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ ﴿۱۳﴾ أَنْ كَانَ

﴿۱۱﴾ به شدت بازدارنده از اِکارا خیر، و متجاوز و گناه پیسه است! ﴿۱۲﴾ علاوه بر این ها درشت خوی و بی اصل و نسب است! ﴿۱۳﴾ این اوصاف زشت و

ذَالِهَا وَبَنِينَ ﴿۱۴﴾ إِذَا تَتَلَّى عَلَيْهِ الْإِنشَاءُ قَالَ آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿۱۵﴾

یاعی گری اش! محصول اِغفور و بود به! داشتن ثروت و فرزندان اتوان مند است! ﴿۱۴﴾ چون آیات مابر او خوانده شود می گوید: افسانه پیشینیان است! ﴿۱۵﴾

سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرُطُومِ ۝۱۶ إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا

بمزودی بر بینی اثر باد و خرطوم مانند اش داغ رسوبی و خوری می نهیم (۱۶) ما اینان را که در این شهر مکه با تو دشمنی می کنند با مال و اولادشان در معرض آزمایش قرار

لَيَصْرُمْنَهُمَا مَصْحِينٌ ۝۱۷ وَلَا يَسْتَنْوُونَ ۝۱۸ فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِنْ رَبِّكَ وَ

داده ایم، همان گونه که صاحبان آن باغ را در حومه یمن از مودیم، آن گاه که سوگند خوردند حتماً صبحگاهان [عبود] باغ را بچینند (۱۷) و [سهم نهیدستان را] جدا نکنند (۱۸) پس

هُمْ نَائِمُونَ ۝۱۹ فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ ۝۲۰ فَتَنَادُوا مُصْبِحِينَ ۝۲۱ أَنِ اغْدُوا عَلَيَّ

در حالی که صاحبان باغ خواب بودند غذایی از جانب پروردگارت ا همه محدودۀ باغ را دور زده، و آن را از بیخ و بن سوزاند (۱۹) پس مانند شب سیاه شد (۲۰) هنگام صبح یکدیگر را

حَرِّثُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝۲۲ فَانْطَلَقُوا وَهُمْ يَخْافُونَ ۝۲۳ أَن لَّا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ

صدازند (۲۱) که اگر قصد چیند [میوه] دارید در [همین] وقت صبح به باغ روید (۲۲) پس به راه افتادند در حالی که آهسته به یکدیگر می گفتند: (۲۳) امروز نباید نیاز مندی در این

عَلَيْكُمْ مُسْكِينٌ ۝۲۴ وَغَدُوا عَلَىٰ حَرٍِّ قَادِرِينَ ۝۲۵ فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُونَ ۝۲۶

باغ بر شعا وارد شود (۲۴) و باعدادان به قصد این که تهیدستان را محروم گذارند [به سوی باغ] روان شدند (۲۵) چون باغ را [ناپوشده] دیدند گفتند: می ترسید ما منحرف بودیم (۲۶)

بَلْ نَحْنُ مُحْرَمُونَ ۝۲۷ قَالُوا سَطَّهْمُ الْمَاقِلُ لَكُمْ لَوْلَا نُسَبِّحُونَ ۝۲۸ قَالُوا سُبْحَانَ

بلکه خود ما [هم] از همه محصولات باغ [محروم شده ایم] (۲۷) عاقل تر نشان گفت: آیا به شما نگفتم چرا [خداوند را به پاک بودن از هر عیب و نقیصی] ستایش نمی کنید؟ [ایا در فکر

رَبَّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ۝۲۹ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَلَوْمُونَ ۝۳۰ قَالُوا يَا وَهْلَنَا

خود، او را از انتقام گرفتن در مانده می دانستید؟! (۲۸) گفتند: پروردگار ما [از هر عیب و نقیصی] پاک و منزّه است، مسلماً ما ستمکار بودیم (۲۹) پس با و رو کردن به هم در حالی که

إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ۝۳۱ عَسَىٰ رَبُّنَا أَنْ يُبْدِلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ ۝۳۲ كَذَلِكَ

یکدیگر را سرزنش می کردند (۳۰) گفتند: وای بر ما که یقیناً ظالمین بودیم (۳۱) امید است پروردگار مان بهتر از آن را برای ما جایگزین کند که ما [از هر چیزی قطع امید کرده، به

الْعَذَابُ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝۳۳ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ

پروردگار مان دل می بندیم (۳۲) چنین است عذاب [دنیا]، و هر آینه عذاب آخرت اگر آگاه بودند بزرگ تر است (۳۳) برای آنان که [از خداوند اطاعت کرده و از محرماتش] پرهیز داشتند،

جَنَّاتٍ النَّعِيمِ ۝۳۴ أَفَجَعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ۝۳۵ مَا لَكُمْ كَيْفَ

نزد پروردگارشان بهشت های پر نعمت است (۳۴) آیا ما تسلیم شدگان [به فرمان های حق] را چون گنه پیشگان قرار می دهیم؟ (۳۵) اگر به فکر شما چنین است [شما را چه شده؟

تَحْكُمُونَ ۝۳۶ أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ نَدْرُسُونَ ۝۳۷ إِنْ لَكُمْ فِيهِ مَا تُخْبِرُونَ ۝۳۸

چگونه داوری می کنید؟ (۳۶) یا مگر شما کتابی [آسمانی] دارید که در آن می خوانید: (۳۷) که هر چه را [بدون ایمان و عمل] بخوانید و انخاب کنید برای شما خواهد بود؟! (۳۸) یا شما

أَمْ لَكُمْ إِيْمَانٌ عَلَيْنَا بِالْغَةِ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنْ لَكُمْ مَا تُحْكُمُونَ ۝۳۹ سَلِّمُوا هَهُنَّ

و [بر عهده ما تا روز قیامت پیمان های استواری است که هر چه [از به سود خود] حکم کنید و بیزه شما باشد [و ما هم بپذیریم]؟! (۳۹) از آنان پیرس کدامشان ضامن این [ادعا] است [که

بِذَلِكَ زَعِيمٌ ۝۴۰ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ۝۴۱

مسلمان و معجز نزد خدا یکسانند؟! (۴۰) یا شریکانی [از ربوبیت خداوند] دارند [که با شفاعتشان پاداش اینان و مسلمانان یکسان شود]؟! اگر راست می گویند شریکان خود را [برای

يَوْمَ يَكْشَفُ عَنْ سَائِقٍ وَيُدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ ۝۴۲

تحقق این ادعا بیاورند (۴۱) [یاد کن از روزی که گار بر مشرکان بسیار دشوار شود، آن روز که جای هیچ تکلیفی نیست] به سجده کردن دعوتشان کنند ولی از عهده بر نیایند (۴۲)

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ ﴿٢٣﴾
 فذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبْ يَحْذِلْهُ الْحَدِيثُ سَنَّسْتَهُمْ بِجَهَنَّمَ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٤﴾ وَأُمْلِي
 لَهُمْ إِنَّ كَيْدَ مَهِينٍ ﴿٢٥﴾ أَمْ نُسَخَّ لَهُمْ أَجْرُهُمْ مِنْ مَعْرَمٍ مَقْضُونٍ ﴿٢٦﴾ أَمْ عِنْدَهُمْ
 خِزْيٌ فَلَمْ يَكْنُيُونَ ﴿٢٧﴾ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُكِنُّ كَصَاحِبِ الْهَوَىٰ إِذْ نَادَىٰ
 وَلَهُمْ مَكْطُومٌ ﴿٢٨﴾ لَوْلَا أَنْ نَرَأَىٰ نُفُوسَهُ نَحْنُ بِرَبِّهِ لَنُبَيِّنَ بِالْعَرَاءِ وَهُمْ مَذْمُومٌ ﴿٢٩﴾
 فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّاخِبِينَ ﴿٥٠﴾ وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ
 لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ﴿٥١﴾ وَمَا لَهُمْ بِالذِّكْرِ الْعَالَمِينَ ﴿٥٢﴾

سُورَةُ الْحَاقَّةِ

آيَاتُهَا ٥٢

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

الْحَاقَّةُ ﴿١﴾ مَالِ الْيَوْمِ ﴿٢﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْيَوْمِ ﴿٣﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ
 بِطَغْوَاهِ إِذِ انبَعَثَ أَفْقُهُ ﴿٤﴾ فَأَتَاهُمُودُ فَأَهْلِكُوكُمْ بِطَاغِيَّتِهِ ﴿٥﴾ وَأَمَّا
 عَادٌ فَأَهْلِكُوكُمْ أَتْرَاجٍ ﴿٦﴾ صَرَصَرِ عَائِيَّتِهِ ﴿٧﴾ سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ
 عَادِيَّاتٍ أَنْ هَادِيَ كُوْبَيْدَهُ رَا انكار كردند(۴) اما ثموديان به وسیلهٔ صاعقه سرکش هلاک شدند(۵) اما
 عَادِيَّاتٍ با تندبادی بسیار سرد و طغیانگر از بین رفتند(۶) اخداوند! آن را
 لَيْلٍ وَتَمَانِيَةٍ آيَاتٍ حُسُومًا فَاتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَانَهُمْ
 أَعْجَازٌ مُنْخَلَّ خَاوِيَةٍ ﴿٧﴾ فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ ﴿٨﴾

گویا تندهای بوک و پوسیده درختان خرما هستند(۷) آیا از آنان هیچ بازمانده‌ای می‌بینی؟(۸)

وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ ۖ فَعَصَوُا رَسُولَ رَبِّهِمْ

فرعون و آنان که پیش از او بودند و مردم شهرهای زیور و روضه [قوم لوط] امر تکب گناهان بزرگ شدند (۹) فرستاده پروردگارشان را نافرمانی کردند،

فَاخَذَهُمْ أَخَذَةً رَابِيَةً ۖ إِنَّا لَمَّا طَغَا الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ ۖ لِنَجْعَلَهَا

خداوند هم آنان را به عذابی سخت گرفتار کرد (۱۰) ما [گذشتگان مؤمن] اشعارا وقتی آب طغیان کرد سوار در آن کشتی روان کردیم (۱۱) تا آن را

لَكُمْ نَذِيرَةً وَيُعِيَهَا أَذُنُ وَاعِيَةٍ ۖ فَإِذَا انْفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ ۖ

برای شما عاید تذکر او بیداری [قرار دهیم] و گوش های شنوایان را به عنوان مایه پند و عبرت [فراگیرند] (۱۲) چون در صور بدمند، یک دمیدن (۱۳)

وَحُلِيتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَذُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً ۖ فَبُومَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ

و زمین و کوه ها از جای خود برداشته شوند، و هر دوی آن ها را در هم کوبند، یک در هم کوبیدن (۱۴) در آن روز آن واقعه بزرگ

وَأَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ بَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ ۖ وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَ

واقع می شود (۱۵) و آسمان بشکافد، و در آن روز است که [نظام] آسمان سست [شده و متلاشی] می گردد (۱۶) و فرشتگان [برای انجام مأموریت ها]شان

يَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْفَهُمْ بَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ ۖ بَوْمَئِذٍ نَعْرَضُونَ لَا تَخْفَى

در نواحی و اطراف آن قرار می گیرند، در آن روز هشت فرشته، [نظام تدبیر و فرمانروایی پروردگار را] بر فراز همان ها حمل می کنند (۱۷) آن روز همه شمار [برای حسابرسی]

مِنْكُمْ خَافِيَةٌ ۖ فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ۖ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ أَقْرَبُ وَأَكْتَابِيَهُ

در معرض [پروردگار] آن قرار می دهند در حالی که هیچ [نیت و عمل] پنهان شما پوشیده نمی ماند (۱۸) اما کسی که پرونده اش را به دست راستش دهند [از]

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَهُ ۖ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ۖ فِي

خوش حالی [آزاد می زند] ای مردم! پرونده ام را بگیرید و بخوانید (۱۹) من یقین داشتم که با حسابرسی اعمالم روبه رو خواهم شد، [به این سبب اعمال را]

جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۖ قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ ۖ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ

همه انگ با احکام خدا انجام دادم و بدی هایم را اصلاح کردم (۲۰) پس او در زندگی خوش و پسندیده ای قرار خواهد گرفت (۲۱) در بهشتی برین (۲۲) که همه

فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ ۖ وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ ۖ فَيَقُولُ يَالَيْتَنِي

میوه هایش به آسانی در دسترس است (۲۳) [به آنان گویند:] به پاداش اعمالی که در گذشته انجام دادید بخورید و بیاشامید! [گوارا] بتان باد! (۲۴) و اما کسی که

لَمْ أُوْتِ كِتَابِيَهُ ۖ وَلَمْ أَدْرِمَا حِسَابِيَهُ ۖ يَالَيْتَنِي كَانَتْ الْقَاضِيَةَ ۖ

پرونده اعمالش را به دست چپش دهند، می گویند: ای کاش پرونده ام را به من نمی دادند! (۲۵) و نمی دانستم حساب من چیست (۲۶) ای کاش همان مرگ اول

مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَهُ ۖ هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَهُ ۖ خُدُّوهُ فَغُلُّوهُ ۖ

[که مرا از دنیا به آخرت انتقال داد] کارم را یکسره می کرد او در نیستی ابد قرار می داد. (۲۷) ثروتم [عذابم را] از من برطرف نکرد (۲۸) قدرتم از

ثُمَّ الْجَحِيمِ صَلَوُهُ ۖ ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ۖ

دستم رفت (۲۹) [فرمان رسد:] او را بگیرید و در غل و زنجیرش ببندید! (۳۰) سپس او را در آتش فروزان بسوزانید! (۳۱) آن گاه او را در زنجیری

إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ۖ وَلَا يَحْضُرُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمُسْكِينِ ۖ

که طولش هفتاد ذراع است ببندید! (۳۲) زیرا او به خدای بزرگ ایمان نمی آورد (۳۳) و [مردم را] بر طعام دادن نیازمندان تشویق نمی کرد (۳۴)

قَلْبَسَ لَهُ الْيَوْمَ هَهُنًا حَمِيمٌ ۝ ۳۵ وَلَا طَعَامَ إِلَّا مِنْ غُسْلَيْنِ ۝ ۳۶ لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِطُونَ ۝ ۳۷

پس امروز او را این چایار مهربان حدایگرایی بیست (۳۵) و نه طعامی مگر چرک و خورایدیدنهای اهل دورخ (۳۶) که آن را جز خطاکاران نمی خوردند (۳۷) پس سوگند

فَلَا أَقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ ۝ ۳۸ وَمَا لَا تُبْصِرُونَ ۝ ۳۹ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ۝ ۴۰

می خور و به آنچه از خصوصیات می بینید (۳۸) و آنچه از غیر خصوصیات نمی بینید (۳۹) پس تردید این قرآن که وحی خداست (۴۰) گفتار راستین (۴۱) و راستانهای پیر گو

وَمَا هُوَ يَقُولُ شَاعِرٌ قَلِيلًا مَا نُوْنُوْنَ ۝ ۴۱ وَلَا يَقُولُ ظَاهِرٌ قَلِيلًا مَا نَدْكُرُونَ ۝ ۴۲

ایرانی هدایت شما است (۴۰) مسلم گفتار یک شاعر نیست، اولی الدکی ایمان می آوردند (۴۱) و گفتار کاهننی هم نیست، اولی الدکی متذکر او بیدار می شودند (۴۲)

تَنْزِيلٍ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ ۴۳ وَلَا يَقُولُ عَلَيْهِمْ أَلَعْزَمُوا الْقَوَائِلَ ۝ ۴۴ لَا خَذَنَّا مِنْهُ

اینکه نازل شده از سوی پروردگار جهانیان است (۴۳) اگر این رسول بزرگوار پاره ای از گفته های ساختگی را به ما نسبت می داد (۴۴) یقیناً او را

بِالْبَيِّنِ ۝ ۴۵ ثُمَّ لَفْطَنَّا مِنْهُ الْوَيْثِينَ ۝ ۴۶ فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِيزِينَ ۝ ۴۷

با قیوت می گرفتیم (۴۵) سپس رب قلبش را قطع می کردیم (۴۶) در آن صورت هیچ کدام از شما مانع از شما عذاب او نبودید

وَأَنَّهُ لَذِكْرُكُمُ لِلصَّغِيرِ ۝ ۴۸ وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ ۝ ۴۹ وَأَنَّهُ لَحَسْرَةٌ ۝ ۵۰

(۴۷) بپرستی این قرآن و سبب تذکر او بیداری برای پرهیزکاران است (۴۸) ما یقیناً می دانیم که برخی از شما انکار کنندگان آن هستند (۴۹) پس تردید این انکار

عَلَى الْكَافِرِينَ ۝ ۵۱ وَأَنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ ۝ ۵۲ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ۝ ۵۳

برای منکران مایه افسوس است (۵۰) مسلم این قرآن احق یقینی است (۵۱) پس به نام پروردگار بزرگوار و راستین تسبیح گفتن از هر عیب و نقیصه پاک و منزه بدار (۵۲)

سُبُّورَةُ الْمُبْعَثِ ۝ ۵۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ۝ ۱ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ ۝ ۲ مِنَ اللَّهِ

درخواست کننده ای عذاب شدید واقع شدنی را در خواست کرد (۱) عذابی که ویژه کافران است، و آن را بازدارنده ای نیست (۲) این عذاب که کافر

ذِي الْمَعَارِجِ ۝ ۳ تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ

کفر کافران می باشد از سوی خداوند صاحب درجات است (۳) فرشتگان و روح در روزی که

كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ۝ ۴ فَأَصْبَحُ صَبْرًا جَمِيلًا ۝ ۵ أَنفُسُهُمْ

مقدارش پنجاه هزار سال است به سوی او بالا می روند (۴) پس ادر برابر آزار دشمنان صبر کن؛ صبوری نیکو (۵)

بَرُونَهُ بَعِيدًا ۝ ۶ وَنَوَيْتُ قَرِيبًا ۝ ۷ يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْهُلَّةِ ۝ ۸

کافران آن عذاب را دور می بینند (۶) و ما آن را نزدیک می بینیم (۷) روزی که آسمان چون فلز گداخته گردد (۸)

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعُيُونِ ۝ ۹ وَلَا يَسْأَلُ حِمِيمٌ حِمِيمًا ۝ ۱۰

و کوهها مانند چشم رنگین حلاجی شده گردد (۹) و هیچ خویشاوندی از احوال خویشاوند نپرسد (۱۰)

و کوهها مانند چشم رنگین حلاجی شده گردد (۹) و هیچ خویشاوندی از احوال خویشاوند نپرسد (۱۰)

[illegible]

فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَنَأْتِيَنَّكُمْ ۚ ﴿٢٠﴾ عَلَىٰ أَن نَّبْدِلَ خَيْرًا مِنْكُمْ وَ
بِهِ يَرْوَدُ ۚ ۝

مَا لَكُمْ بِمَسْبُوقِينَ ﴿٢١﴾ فَذَرُّهُمْ يَخْوضُوا وَتَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي
وَجِيءَ اِدر هیچ زمینه ای | مطلوب کننده مان نیست (۴۱) پس آنان را وادار که ادر سخنان باطلشان | غوطه ور شوند، و سرگرم بازیگری باشند تا آن

يُوعَدُونَ ﴿٢٢﴾ يَوْمَ يُخْرِجُونَ مِنَ الْجَذَابِ سِرَّاءَ كَانْتُمُ اِلَيْهِ نَصِبَ يَوْمَ فُضُونَ ﴿٢٣﴾
روزشان را که به آن تهدید شده اند دیدار کنند (۴۲) روزی که شنایان از گورها بیرون می آیند، گویی به سوی نشانه های نصیب شده می روند (۴۳)

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهُقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكِ الْيَوْمِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿٢٤﴾
در حالی که دیدگانشان از شدت ترس فرو افتاده، و خواری شکننده ای آنان را فرا می گیرد، این همان روزی است که همواره به آن تهدید می شدند (۴۴)

سُبُّوهُ لَا يَنْبُوحُ ﴿٢٥﴾
آیاتها ۲۸
مکینه ۷۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۚ
ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که قومت را پیش از آن که عذابی دردناک به آنان رسد

﴿١﴾ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٢﴾ إِنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا
هشدار ده: (۱) گفت: ای قوم من! قطعاً من برای شما هشدار دهنده ای آشکارم (۲) هشدار این است که: عباد این پرستید، و از او ترسید، و از کتاب محرمات بپا دارید!

﴿٣﴾ بِغَفْرِ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا
و مطیع من باشید که از من جز خیر شمارانمی خواهم! (۳) تا خداوند! گناهانتان را بپامرزد، و تا سرآمدی معین مهلتان دهد، بی تردید وقتی اجل

جَاءَ لَا يُؤَخِّرُ لَكُمْ وَكَتُمُ نَعْلَمُونَ ﴿٤﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لِيُتِلَّ وَ
مقرر شده خدا افراسد به تاخیر نخواهد افتاد، اگر ایه این حقایق | آگاه بودید | دست از طغیان می کشیدید! (۴) گفت: پروردگار! من قوم مرا تشب و روز

تَخَارًا ﴿٥﴾ فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا ﴿٦﴾ وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ
ا به آیین توحید | دعوت کردم (۵) ولی دعوتم جز بر گریزشان نیفزود! (۶) هرگاه دعوتشان کردم تا آنان را بپامرزی

جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَعْصَوْا بِآلِهَتِهِمْ وَاصْرَوْا وَاسْتَكْبَرُوا
انگشتان خود را در گوش هایشان نهادند و جامه هایشان را بر سر کشیدند، و ابر طغیانشان | با فشاری کرده و | نسبت به حق | به شدت

اسْتَكْبَرُوا ﴿٧﴾ ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جَهَارًا ﴿٨﴾ ثُمَّ إِنِّي أَعلنت لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ
تکبر و ریزند (۷) آن گاه آشکارا دعوتشان کردم (۸) سپس آشکار و پنهان احقاقی آیین توحید را |

لَهُمْ أَسْرَارًا ﴿٩﴾ فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبِّيَ كَمَا رَئَتْكُمْ إِتَّكَ غَفَارًا ﴿١٠﴾
برای آنان توضیح دادم (۹) پس از آن گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره بسیار آمرزنده است (۱۰)

يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ۝ وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلَ لَكُمُ
تَا بِرِ شَمَا بَارَن پسر دربی و پُوریش بطورستند (۱۱) و شما را با اموال و فرزندان یاری دهد تا از آن دو بهره کامل ببرید! و برایشان
جَنَاتٍ وَجَعَلَ لَكُمُ الْغُرَفَاتِ ۝ مَالَكُمُ لَا تَرْجُونَ لِلّٰهِ وَقَارًا ۝ وَقَدْ خَلَقَكُمْ
بَاغِهَا و نهروها پدید آورد (۱۲) شما را چه شده که عظمت خداوند را باور ندارید؟ (۱۳) درحالی که شما را
أَطْوَارًا ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُ كَيْفَ خَلَقَ اللّٰهُ سَبْعَ سَمَوَاتٍ طِبَاقًا ۝ وَجَعَلَ الْقَمَرَ
مِرْخَلَه به مرحله از خاک، نطفه، غلقه، مضغه، گوشت و استخوان (الزبد است) (۱۴) آید! ندانسته اید که خداوند هفت آسمان را چون پله پله برای یکدیگر آفرید؟ (۱۵) و ماه را
فِيهِ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا ۝ وَاللّٰهُ أَنْبَأَكُمْ مِنْ الْأَرْضِ نَبَاتًا
دُرِّ آن ها روشنی بخش، و خورشید را چراغ فروزان قرار داد (۱۶) و شما را به گونه ای تعجب آور از زمین
۱۷ ثَمَرًا يُعْبِدُ لَكُمْ فِيهَا مِنْ حَرْشٍ لَّكُمُ الْخُرَاجُ ۝ وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا
روانید! (۱۷) آن گاه شما را به آن بازمی گرداند، و ادر محشر! چنان که باید بیرون می آورد (۱۸) خداوند زمین را به نفع شما
۱۹ لَتَسْلُكُنَّ مِنْهَا سَبِيلًا خِجَالًا ۝ قَالَ نُوحٌ رَبِّ انِّمِ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا
مستورده و پنهانور قرار داد (۱۹) تا از راه ها و جاده های فراخ آن ابره هرجایش خواستید! بروید (۲۰) نوح [پس از اینهمه روشنگری و دلسواری] گفت:
مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ الْاُخْسَارَ ۝ وَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّبَعُوا كِبَارًا ۝ وَ
پروندگان! آن ها از من سربشی کردند و دنبال کسان می رفتند که مال و فرزندانشان جز خسارت بر آنان نیفزود (۲۱) و ابر ضامن و آئینم انیزنگی بسیار بزرگ
قَالُوا لَأَنْتَ ذَرْتَ الْهَتَكَ وَلَأَنْتَ ذَرْتَ وَذًا وَلَا سَوَاعًا وَلَا بَغُوثَ وَيَعُوقَ
که در توبه مردم اثرگذار بود! به کار گرفتند (۲۲) [به مردم] گفتند: هرگز معبوداتشان را رها نکنید، و دست از بت های «وُذَّ»، «سُوع»،
وَشَرًّا ۝ وَقَدْ أَصْلَحُوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ الْاَصْلَ ۝ ۲۴
«بَغُوث»، «یعوق» و «سُور» برنذارید (۲۳) و بیتی تردید بسیاری را ابا نیرنگ زدن! گمراه کردند، ابروردگاران! بر ستمکاران جز
مِمَّا خَطَبْتُمْ اِيَّاهُمْ اٰخِرُ قَوْلًا فَاذْكُرُوا أَنَا قَلَمٌ يَّجْدُ وَالْهَمُّ مِنْ دُونِ اللّٰهِ
گمراهی نیفزای! (۲۴) نهایتاً به سبب گناهانشان غرق شدند، و ابرس از مرگ ابربرزخ [به آتش] شکنند و ابردشان کردند که در برابر خدا برای [انجات]
أَنْصَارًا ۝ ۲۵ وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْاَرْضِ مِنْ الْكَافِرِينَ
آنان یاورانی نیافتند (۲۵) این ها پس از آن بود که نوح گفت: ابروردگاران! هیچ یک از این کافران را بر روی زمین
دِيَارًا ۝ ۲۶ اِنَّكَ اِنْ تَذَرْنِي وَّهُمْ يُصْلِحُوْا عِبَادًا ذَا وَلَا يَلِدُوْا اِلَّا فَاٰجِسًا
باقی مگذار (۲۶) که اگر باقی بمانداری بندگان را منحرف می کنند و جز نسلی بدکار
كَفَّارًا ۝ ۲۷ رَبِّ اغْفِرْ لِيْ وَلِوَالِدَيَّ وَلِلَّذِيْكَ وَلِصَنُ دَخَلَ بَيْتِيْ مُؤْمِنًا وَ
و ناسپاس نمی زایند (۲۷) ابروردگاران! مرا و پدر و مادرم، و هرکس را درحالی که مؤمن است به خاندام درآید،
لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ الْاَنْبَارًا ۝ ۲۸
و همه مردان و زنان مؤمن را ادر همه اعصار و زمان ها تا قیامت! بیامرز! و ستمکاران را جز هلاکت میفزای! (۲۸)

آیاتها
۲۸

سُورَةُ الْجِنِّ

مکیه
۷۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

قُلْ أَوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا ۝۱

بگو: به من وحی شده که گروهی از جنیان ایه قرآن خواندن من گوش داده و گفته اند: ما قرآن شگفتاوری شنیدیم (۱)

يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا ۝۲ وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ

که به سوی خیر و صلاح راهنمایی می کند، به این علت به آن مؤمن شدیم، و هرگز احدی را شریک پروردگارمان قرار نخواهیم داد (۲) و از روی یقین اعتراف

رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا ۝۳ وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ

می کنیم به این که: عظمت و جلال پروردگارمان والا و بلند است، نه همسری برای خود گرفته و نه فرزندی (۳) و این که سبک مغز مادر باره خداوند سخنی ناروا

شَطَطًا ۝۴ وَأَنَا ظَنَنَّا أَنَّ لَنْ نَقُولَ لِلنَّاسِ وَالْجِنِّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ۝۵ وَأَنَّهُ

و دور از حق، احمق، بر همسر و فرزند داشتن او می گفت (۴) و این که یقین داشتیم هرگز انس و جن بر خدا دروغ نمی بندند (۵) و ما

كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ۝۶

مردانی از آدمیان به مردانی از جن برای رفع مشکلاتشان پناه می بردند، ولی [مردان جن] بر طغیان و تباهی آنان افزودند! (۶) و مردانی

وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَاظِمَتُمْ أَن لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا ۝۷ وَأَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ

از آدمیان پنداشتند چنان که شما چنین پنداشتید که خداوند هرگز کسی را [به نبوت] مبعوث نمی کند (۷) و ما برای کسب خبر ایه آسمان نزدیک شدیم،

فَوَجَدْنَا هَاهُنَا مُلَيْتٌ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهَبًا ۝۸ وَأَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ

اما آن را [از نگهبان نیرومند و شهاب های دفع کننده] یافتیم (۸) و ما پیش از این در نشستگاه هایی در عالم بالا برای استراق سمع می نشستیم،

لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْمَعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شُهَابًا رَصَدًا ۝۹ وَأَنَا لَا نَدْرِي أَشَرُّ

اما اکنون هر که بخواد استراق سمع کند شهابی را در کمین خود می یابد (۹) و ما نمی دانیم آیا درباره کسانی که

أُرِيدَ بِهِمْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا ۝۱۰ وَأَنَا مِنَّا الصَّالِحُونَ

در زمینند شزی اراده شده، یا پروردگارشان برای آنان خیر و صلاح خواسته است (۱۰) و برخی از ما شایسته اند

وَمِنَادُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَأْتُكَ قَدَرًا ۝۱۱ وَأَنَا ظَنَنَّا أَنَّ لَنْ نَعْجِزَ اللَّهُ

و برخی غیر آنند، ما بر آیین های گوناگونی هستیم (۱۱) و ما یقین داریم که هرگز نمی توانیم

فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نَعْجِزَهُ هَرَبًا ۝۱۲ وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَى

در زمین خدایمان توان سازیم او در برابر خواست او بایستیم او هرگز قدرت نداریم از دسترس حاکمیت او بگریزیم (۱۲) و ما چون [هدایتگری] قرآن را شنیدیم

أَمَّنَّا بِهِ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا ۝۱۳

به آن مؤمن شدیم، و کسی که به پروردگارش ایمان آورد، نه از کاسته شدن [پاداشش] می ترسد، و نه از ستم دیدن [در مجازات خود] (۱۳)

وَأَنَّا مِنَ الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا

و یقیناً گروهی از ما تسلیم حق، و گروهی منحرفند، پس کسانی که تسلیم حقند در جستجوی

۱۴) وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ۝۱۵) وَالْوَسْنَقَامُ عَلَى

خسرو صلاحتند (۱۴) ولی منحرفان نهایتاً هیزم دوزخ اند (۱۵) ای پیامبر! بگو: به من وحی شده که اگر انیس و جن ابراه خدا که تنها این حق است

الطَّرِيقَةَ لَا سَقِينَا لَهُمْ مَاءٌ غَدَقًا ۝۱۶) لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ

پایداری کنند از نعمت فراوان و نیز خیری بهره مندشان کنیم (۱۶) تا در زمینه فراوانی انعمت امتحانشان کنیم، کسی که ابا غرق شدن در نعمت فراوان از یاد

ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكُهُ عَذَابًا صَعَدًا ۝۱۷) وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ

پروردگارش غفلت کند، او را در عذاب سخت و روز افزون وارد می کند (۱۷) و مسلماً مساجد جایگاه عبادت برای خداست، پس هیچ کس را با خدا

اللَّهِ أَحَدًا ۝۱۸) وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا

نبرستید (۱۸) و این که چون بنده خدا [محمد ﷺ] به عبادت پروردگار بر می خاست نزدیک بود [جنیان] مؤمن به خاطر جذابیت عبادتش ابر او از دحام کنند (۱۹) بگو:

۱۹) قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا ۝۲۰) قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ

من فقط پروردگارم را می پرستم، و هیچ کس را شریک او قرار نمی دهم (۲۰) بگو: من قدرت رساندن زبان و سود او هدایت و انحراف را

ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ۝۲۱) قُلْ إِنِّي لَنُحْجِرَنَّهُ مِنْ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنُاجِدَ مِنْ دُونِهِ

را به شما ندارم (۲۱) بگو: اگر از او روی بزنیم [هرگز احدی در برابر [عذاب] خدا به من پناه نمی دهد، و هرگز پناه گاهی جز او نمی یابیم

مُلْحَدًا ۝۲۲) إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالًا إِلَيْهِ وَمَنْ بَعْضُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ

(۲۲) [من مسئولیتی ندارم] جز تبلیغ [احکام و معارف] و رساندن پیام های الهی از جانب خدا، کسانی که از خدا و پیامبرش نافرمانی کنند حتماً آتش

فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا ۝۲۳) حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ

دوزخ سزاوار آنان است در حالی که در آن همواره جاودانه اند (۲۳) [کافران، شمار آنان توان و نفراتان را اندک می بینند] تا زمانی که آنچه را از عذاب [به آن]

فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضَعُفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا ۝۲۴) قُلْ إِنْ أَدْرِي

تهدید شده اند ببینند، به زودی آگاه می شوند که چه کسی یاورش ناتوان تر، و نفراتش کمتر است؟ (۲۴) بگو: نمی دانم آیا آنچه را به آن تهدید می شوید

أَقْرَبُ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا ۝۲۵) عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا

نزدیک است، یا پروردگارم برای واقع شدنش زمانی طولانی قرار خواهد داد؟ (۲۵) او دانای غیب است

يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا ۝۲۶) إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ

و احدی را بر غیب خود آگاه نمی کند (۲۶) مگر رسولانی را که [برای فرا گرفتن غیب] پسندیده است، پس نگهبانانی از فرشتگان برای حفاظت

مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا ۝۲۷) لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا

وحی، این دانش ویژه غیبی از دستبرد نامحرمان پیش رو و پشت سرشان می گمارد (۲۷) تا مشخص کند که پیام های پروردگارشان را به طور کامل

رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا ۝۲۸)

[به مردم] رسانده اند، و به آنچه از وحی [از آنان] است احاطه همه جانبه دارد، و همه چیز را در جهان هستی از جهت عدد شماره کرده است (۲۸)

سُورَةُ الْمَزْمَلِ

مكية
(۷۳)آیاتها
۲۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

يَا أَيُّهَا الْمَرْسُلُ ۝^۱ قِمِ الْيَلَّ الْأَفْلَاكُ ۝^۲ نِصْفَهُ أَوِ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا ۝^۳

ای جامه بر خود پندیده ۱) شب را جز اندک و قس از آن ابرای عبادت و بندگان را خبر ۲) نصف اصف ساعات اشبیر العبادت کن یا بالذکی از نصف کم کن ۳)

أَوْزِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا ۝^۴ إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا ۝^۵

یا مقدر ای ابر نصف بیفتد ۴) شب را از آرام و شمرده بخوان ۵) ایقینا ما سنخنی سنکین ۶) چون قرآن و همه معا همیش از به نوالقاء خواهم کرد ۵)

إِن نَّانِسَعَةَ الْيَلِّ هِيَ آسَافٌ وَطُغَاءٌ أَقْوَمُ قَبْلًا ۝^۶ إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا

از شب را به عبادت قیام کن ۶) مسلمان شب خیزی ابرای عبادت در پیشگاه حاضر نش استوار تر و از جهت سخن گفتن با خدای متعال باید از تر است ۶)

طَوِيلًا ۝^۷ وَاذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبْتَ لَإِيَّاهُ تَبْتِيلًا ۝^۸ رَبُّ الْمَشْرِقِيِّ وَ

همانا تو را در روز تلاشی طولانی تر است ۷) پس ساعات شب برای عبادت فرصتی بهتر است ۸) نام پروردگارت را همراه با توجه قلبی یاد کن و با انقطاع

الْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا ۝^۹ وَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ

کامل از دیگران ۹) همه وجودت را با عبادت خالصانه به سوی او بدار ۱۰) همان که پروردگار مشرق و مغرب است و هیچ معبودی جز او نیست پس او اگر ساز

وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَبِيلًا ۝^{۱۰} وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِيَ النَّعْمَةِ

خود انتخاب کن ۱۰) او بر ازار و گفتار مشرکان شکستناش و از آن به شیوه ای پسندیده دوری کن ۱۰) امر با منکران توانگر او را طلب و انکار و به آنان

وَيَخْلُدْهُمْ فَلْيَلَا ۝^{۱۱} إِنَّ لَدَيْنَا لَكُلَّ شَيْءٍ ذِكْرًا ۝^{۱۲} وَطَعَامًا ذَا غَصَّةٍ

اندکی مهلت ده ۱۱) که بی تردید نود ما به کفر اعمالشان از جنسهای گران و آتشی شعله ور است ۱۲) کو نیز غذائی علوگیر و غذائی در دلتا

وَعَذَابًا أَلِيمًا ۝^{۱۳} بَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا

۱۳) در روزی که زمین و کوهها به لرزه در آیند و کوهها به صورت توده های از شن روان گردند ۱۴)

مَهْبِلًا ۝^{۱۴} إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكَ رَسُولًا فَاتَّخِذْ كُتُبًا ۝^{۱۵} فَارْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ

پیامبری که گواه بر ا همه اعمال و حرکات شماست به سویان فرستادیم همان گونه که به سوی فرعون رسولی فرستادیم ۱۵)

رَسُولًا ۝^{۱۵} فَعَصَى فِرْعَوْنَ الرَّسُولَ فَاخَذْنَا مِنْهُ آتًا وَبَدَّلَ ۝^{۱۶} فَكَيْفَ تَقُولُ

ولی فرعون از آن رسول نافرمانی کرد در نتیجه او را به عذاب سخت و سنگین دچار کردیم ۱۶) اگر امروز انکار حقایق شوید پس چگونه

إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا ۝^{۱۷} السَّاعَةُ مِنْفِطِرَةٌ بِهَا يَحْكُمُ وَعْدُهُ

خود را از عذاب روی که کودکان را پیر می کند حفظ می کنید؟ ۱۷) آسمان به خاطر ا کویندگی آن روزا می شکافد همانا وعده خدا

مَفْعُولًا ۝^{۱۸} إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ ۝^{۱۹} فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ۝^{۲۰}

شدنی است ۱۸) بفرستای این قرآن مایه تذکر و پنداری است پس هر کس اسعادت دنیا و آخرت را بخواهد با عمل به قرآن از اهی به سوی پروردگارش برگزید ۱۹)

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَ

پروردگارت آگاه است که تو و گروهی از کسانی که در خط ایمان و عبادت همراه تو اند، نزدیک به دو سوم از شب، و گاهی انجمنی از آن، و از مانی یک سوم را

طَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصَوْهُ

ا برای نه بخند، برای می بخیزد، خداوند شب و روز را دقیق و منظم اندازه گیری می کند، و برای او مشخص است که شما نمی توانید به علت اختلاف ساعت های

فَنَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا نَیَّسَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضًى

شب و روز در طول فصول، به اندازه گیری دقیق، دو سوم و نصف و یک سوم، شب برسید، بنابراین، اندازه گیری دقیق را به شما بخشید، پس آنچه از

وَالْآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَالْآخَرُونَ يُقَالِلُونَ

قرآن برای شما میسر است بخوانید! او می داند که به زودی برخی از شما بیمار می شوند، و گروهی برای طلب روزی خدا در زمین سفر می کنند، و بعضی

فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا نَیَّسَ مِنْهُ وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَ

در راه خدا می جنگند، نهایتاً آنچه شما را به رحمت نمی اندازد از آن قرآن ا قرائت کنید! و نماز را با شرایط ویژه اش بخوانید، و زکات بپردازید!

أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ

و برای اجلب خشنودی! خدا به نیازمندان وامی نیکو دهد! و آنچه از عمل خیر برای خود پیش می فرستید

اللَّهُ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُ وَاللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۲۰﴾

آن را نزد خداوند نیکوتر و با پاداشی بزرگتر می یابید، از خداوند آمرزش بخواهید؛ زیرا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۲۰)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ﴿۱﴾ قُمْ فَأَنْذِرْ ﴿۲﴾ وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ ﴿۳﴾ وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ ﴿۴﴾ وَالرُّجُزَ فَاهْجُرْ ﴿۵﴾

ای جامه بر خود پیچیده! (۱) برخیز و هشدار ده! (۲) و پروردگارت را بزرگ بشمار! (۳) و جامه ات را پاکیزه بدار! (۴) و از ناپاکی [شرک] دوری کن!

وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ ﴿۶﴾ وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ﴿۷﴾ فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ ﴿۸﴾ فَذَلِكَ

(۵) بخششی به دیگران! مکن که توقع [عوض] بیشتر داشته باشی (۶) برای پروردگارت ابر مشکلات راه تبلیغ و آزار دشمنان! شکیبای باش! (۷) چون در

بَوْمِئِذٍ يَوْمَ عَسِيرٍ ﴿۹﴾ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ نَاسِرٍ ﴿۱۰﴾ ذُرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا

صور بدمند (۸) آن روز، روز بسیار سختی است (۹) هرگز ابر کافران آسان نیست (۱۰) مرا با کسی که او را تنها آفریدم و گذار! (۱۱) و برایش ثروتی همواره در

وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا ﴿۱۲﴾ وَبَنِينَ شُهُودًا ﴿۱۳﴾ وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا ﴿۱۴﴾

حال زیاد شدن قرار دادم (۱۲) و فرزندان که از دشمن حاضرند (۱۳) و چنان که باید امکانات فراوانی برایش آماده کردم (۱۴) باز هم حرص می زند که ابر آن!

لَمْ يَطْمَعْ أَنْ يَزِيدَ ﴿۱۵﴾ كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا ﴿۱۶﴾ سَأَرْهُقُهُ صُعُودًا ﴿۱۷﴾

بیشتر ابرم (۱۵) چنین نیست که به آرزوهایش برسد! او همواره دشمن آیات ما است (۱۶) به زودی او را به بالا رفتن از گردنه عذابی بسیار سخت مجبور می کنم (۱۷)

إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ۝۱۸ فَقِيلَ كَيْفَ قَدَّرَ ۝۱۹ ثُمَّ قِيلَ كَيْفَ قَدَّرَ ۝۲۰ ثُمَّ نَظَرَ ۝۲۱

زیرا او برای مبارزه و مخالفت با قرآن اندیشید و [طریقه مبارزه را] سنجید (۱۸) نهاناً از رحمت خدا دور باشد! به چه حسابی سنجید (۱۹) باز هم [از رحمت خدا]

ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ۝۲۲ ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ ۝۲۳ فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ ۝۲۴

دور باشد! با چه حسابی سنجید (۲۰) سپس [برای مبارزه با قرآن] دفت کرد (۲۱) آن گاه روی درهم کشید، و شتابان دست به کار شد (۲۲) نهاناً این آیات الهی پشت

إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ۝۲۵ سَأَصْلِيهِ سَقَرٌ ۝۲۶ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ ۝۲۷

کرد، و متکبرانه [از قبولش] خودداری کرد (۲۳) پس گفت: این [قرآن] چیزی جز سحری که [از ساحران پیشین] نقل شده نیست (۲۴) این [سخنی] بیش از سخن بشر

لَا يُبْقِي وَلَا يَنْذِرُ ۝۲۸ لَوْ أَحَاطَ لِلْبَشَرِ ۝۲۹ عَلَيْهَا نِصْعَةٌ عَشْرٌ ۝۳۰ وَمَا جَعَلْنَا

نیست (۲۵) به زودی او را در «سقر» وارد می کنیم (۲۶) تو چه می دانی سقر چیست؟ (۲۷) [آتش است که] نه در سوز آدن، چیزی از ظاهر و باطن را واهی نگذارد، و نه

أَصْحَابَ النَّارِ الْأَمْلاكِ ۝۳۱ وَمَا جَعَلْنَا عَدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَالْيَسْتَنِقِيزِينَ ۝۳۲

واهی کند (۲۸) پوست [بدن] را به شدت تغییر می دهد (۲۹) نوزده نفر بر آن [نگهبان اند] (۳۰) ما نگهبانان آتش را جز فرشتگان قرار نداده ایم، و تعداد آنان را جز عابد

الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَبَرُّوا الَّذِينَ آمَنُوا إِيْمَانًا وَلَا بُرْتَابَ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ ۝۳۳

از مایش برای کافران مقرر نکرده ایم [که آیا تمسخر می کنند یا تسلیم حق می شوند، و نیز اعلام این تعداد] برای این [است] که اهل کتاب [با توجه به هماهنگی قرآن با]

وَالْمُؤْمِنُونَ وَلَيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا ۝۳۴

تورات و انجیل، به اوضاع آخرت [یقین پیدا کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزایند، و پس از آن] اهل کتاب و مؤمنان دچار تردید نشوند، و نهاناً بیمار دلان و کافران [درویشان]

مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَهَدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ

را از پرده بیرون اندازند و [بگویند: خداوند از این [توصیف نگهبانان آتش به نوزده نفر] چه هدفی دارد؟ خداوند این گونه هر که را بخواهد [پس از بیان حقیقت] در

إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ ۝۳۱ كَلَّا وَالْقَمَرِ ۝۳۲ وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ ۝۳۳

گمراهی واهی نهد و هر که را بخواهد هدایت می کند، البته سپاهیان پروردگارت را جز خود او کسی نمی داند، این [قرآن] جز عاید تذکر و بیداری برای بشر نیست (۳۱)

وَالصُّبْحِ إِذَا أَصْفَرَ ۝۳۴ إِنَّهَا إِلَّا حُدَى الْكَبِيرِ ۝۳۵ نَذِيرٌ لِلْبَشَرِ ۝۳۶ لِمَن شَاءَ مِنْكُمْ

چنین نیست [که کافران درباره قرآن می پندارند که این سحر است]. سوگند به ماه! (۳۲) سوگند به شب! هنگامی که [برای رسیدن سحر] روی برمی تابد (۳۳)

أَنْ يَتَّقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ ۝۳۷ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ ۝۳۸ إِلَّا أَصْحَابَ الْإِيمَانِ ۝۳۹

سوگند به صبح! زمانی که [برای روشنی بخشیدن] نقاب از رخ برگردد (۳۴) که بی تردید آیات قرآن از بزرگ ترین پدیده هاست (۳۵) هشدار دهنده به بشر است (۳۶)

فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ ۝۴۰ عَنِ الْمُجْرِمِينَ ۝۴۱ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ ۝۴۲ قَالُوا

برای هر کس از شما هر که بخواهد [با عمل به آن] پیش افتد، یا [با تخلف از آن] پس ماند (۳۷) هر کسی در گرو دستاوردهای خود است (۳۸) جز سعادتمندان (۳۹)

لَمَنَّا مِنَ الْمُصَلِّينَ ۝۴۳ وَلَمَنَّا نِطْعِمُ الْمُسْكِينِ ۝۴۴ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ

که در بهشت ها از یکدیگر می پرسند (۴۰) از [وضع و حال] گنه پیشگان (۴۱) [که] چه چیز شما را به دوزخ کشانید؟ (۴۲) می گویند: ما از نمازگزاران نبودیم (۴۳)

الْحَائِضِينَ ۝۴۵ وَكُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ ۝۴۶ حَتَّى آتَانَا الْيَقِينَ ۝۴۷

و به بیچارگان طعام نمی دادیم (۴۴) و با فرورفتگان [در باطل] به باطل [فرومی رفتیم] (۴۵) و همواره روز جزا را انکار می کردیم (۴۶) تا آنکه مرگ به سراغ ما آمد (۴۷)

فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ ﴿٤٨﴾ فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرِ مُعْرِضِينَ

پس شفاعت شافعان سودی به آنان نمی دهد (۴۸) آنان را چه بلده که از تذکر و هشدار رویگردانند؟ (۴۹)

كَانَتْهُمْ حُرُوسُنْفِرَةٍ ﴿٥٠﴾ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ ﴿٥١﴾ بَلْ يُرِيدُ

گویی چون گورخرانی رمیده اند (۵۰) که از جنگال شیری زیان گریخته اند (۵۱) بلکه هر یک

كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُوْتَىٰ صُحُفًا مِّنْشَرَةٍ ﴿٥٢﴾ كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ

از آنان انتظار دارد نامه هایی سرگشاده از سوی خداوند به او بدهند (۵۲) [سبب فرارشان عدم دریافت نامه های سرگشاده نیست، بلکه از آخرت

الْآخِرَةِ ﴿٥٣﴾ كَلَّا إِنَّهُ تَذْكِرَةٌ ﴿٥٤﴾ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ ﴿٥٥﴾ وَمَا

نمی ترسند (۵۳) آن گونه که درباره قرآن نظر می دهند نیست، بلکه بهر استی این اقرآن امایه بند و هشدار برای تأمین سعادت همه جهانیان است (۵۴) پس هر که تمایل دارد از

يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ النَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ﴿٥٦﴾

آن بند بگیرد (۵۵) و الا آن ایند نمی گیرند مگر آن که خدا بخواهد، اوسراوار است که از او اطاعت کنند، و از محرماتش بپرهیزند، و شایسته است که به آموزش امید بینند (۵۶)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ ﴿١﴾ وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ ﴿٢﴾ أَيْ حَسْبُ

به قیامت سوگند (۱) و به نفس ملامتگر قسم! (که وقوع قیامت حتمی است) (۲) آیا انسان گمان می کند که هرگز استخوان هایش را جمع نخواهیم کرد؟ (۳) آری

الْإِنْسَانُ أَلَّنْ يَجْمَعَ عِظَامَهُ ﴿٣﴾ بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ ﴿٤﴾ بَلْ

جمع خواهیم کرد، در حالی که تواناییم سرانگشتانش را [به صورتی که در دنیا بود] درست و موزون [بازسازی] کنیم (۴) انسان در انکار قیامت هیچ دلیلی ندارد [

يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ ﴿٥﴾ يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ ﴿٦﴾ فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ

بلکه می خواهد [باقانع کردن خویش به وسیله انکارش] هر گونه فسق و فجوری را در آینده ادامه دهد (۵) [با تمسخر و حالتی ناباورانه] می پرسد: روز قیامت چه زمانی

﴿٧﴾ وَخَسَفَ الْقَمَرُ ﴿٨﴾ وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ﴿٩﴾ يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ

است؟ (۷) چون چشم ها از عظمت و هولناکی اش خیره شود (۸) و ماه بی نور گردد (۹) و خورشید و ماه یکجا جمع شوند (۹) آن روز انسان گوید: گریزگاه کجاست؟ (۱۰)

أَيْنَ الْمَفَرُّ ﴿١٠﴾ كَلَّا لَا وَزَرَ ﴿١١﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ ﴿١٢﴾ يُنَبِّئُ الْإِنْسَانُ

این گونه نیست؛ هیچ پناهگاهی [در آن روز] وجود ندارد (۱۱) آن روز قرارگاه فقط به سوی پروردگار توست (۱۲) آن روز انسان را از آنچه پیش فرستاده، و آثار خیر و شری

يَوْمَئِذٍ بِمَا فَعَلَ وَأَخَّرَ ﴿١٣﴾ بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ﴿١٤﴾ وَلَوْ أَلْقَىٰ

که! از او به جا مانده آگاه می کنند (۱۳) بلکه آگاه کردنش هم لازم نیست، زیرا انسان به [وضع] خویش بیناست (۱۴) هر چند [برای توجیه گناهانش] عذرهای خود

مَعَاذِيرَهُ ﴿١٥﴾ لَا تُحْرَكَ بِهِ لِسَانُكَ لِتَعْجَلَ بِهِ ﴿١٦﴾ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَ

بیانورد (۱۵) [پیش از پایان وحی به وسیله جبرئیل، زبانت و برای شتاب در خواندن آن حرکت مده] (۱۶) بی تردید تنظیم آیات و سوره های آن، و [چگونگی] اقرانش

قُرْآنَهُ ﴿١٧﴾ فَإِذَا قَرَأَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ ﴿١٨﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ ﴿١٩﴾

بر عهده ماست (۱۷) پس هنگامی که آن را [به طور کامل] خواندیم [به همان صورت] خواندنش را دنبال کن! (۱۸) سپس بیان و توضیحش نیز بر عهده ماست (۱۹)



كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ ﴿٢٠﴾ وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ ﴿٢١﴾ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ

اینکه می بیند اگر بدقیامت در کار نیست | چنین نیست بلکه شما عاشق این دنیا و زودگذر هستید (۲۰) و همواره آخرت را گذاشته | به فراموشی می سپارید (۲۱) آن روز چهره های

ناضرة ﴿٢٢﴾ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ ﴿٢٣﴾ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بِآسَرَةٍ ﴿٢٤﴾ نَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا

شادانند (۲۲) و به سوی پروردگار شان توجه کامل دارند (۲۳) و چهره های درهم کشیده اند (۲۴) از برای آنکه آنگاه که آنان را دچار عذاب کبر شکست | خواهند کرد (۲۵) چنین نیست | که عشق

فَافِرَةٌ ﴿٢٥﴾ كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ ﴿٢٦﴾ وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ ﴿٢٧﴾ وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ

به دنیا و راه کردن آخرت کار درستی باشد | زیرا | چون جان به گلوگاه رسد (۲۶) گفته شود: در مان کننده | این بیماری | کیست (۲۷) و این بیمار | مختصر | یقین کند که: مان جدایی | از معشوقانی

وَالنَّفْسِ السَّاقِطَةِ بِالسَّاقِ ﴿٢٨﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسَاقُ ﴿٢٩﴾ فَلَا صَدَقَ

چون دنیا و وزن و فرزند | فرار سیده است (۲۸) از سختی جان کندن | و احاطه شداید و ورود بی دریغ | آلام آخرتی | اساق های | با | آراه می یجد (۲۹) آن روز انسان | به سوی پروردگار |

وَلَا صَلَّىٰ ﴿٣٠﴾ وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿٣١﴾ ثُمَّ زَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ بِهَمٍّ مَّطْلَىٰ ﴿٣٢﴾ أُولَىٰ

ندیده می شود (۳۰) انسان | انکار کننده | قیامت | این آیات الهی را | تصدیق کرد | و نه نماز خواند (۳۱) بلکه انکار کرد | و روی بر تافت (۳۲) سپس | با تکبر و خرافان | به سوی خانوادش | رفت (۳۳)

لَكَ فَأُولَىٰ ﴿٣٤﴾ ثُمَّ أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ ﴿٣٥﴾ اِبْحَسَبَ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى ﴿٣٦﴾

سختی جان کندن | و عذاب | برای تو | که انکار می کنی | شایسته تر است | شایسته تر (۳۴) باز هم شایسته تر است | شایسته تر (۳۵) آیا انسان | انکار کننده | قیامت | گمان می کند | سپیده و

الْمَرْبِكُ نُطْفَةٍ مِنْ مَنِئٍ بِمُنَىٰ ﴿٣٧﴾ ثُمَّ كَانَ عِلْقَةً فُخَّاقٍ فَسُوًى ﴿٣٨﴾ فَجَعَلَ مِنْهُ

بی هدف | هایش می کنند | و هیچ تکلیف و مسئولیتی بر عهده اش نیست |؟! (۳۶) آیا قطره ای از منی نبود که | در رحم | ریخته شد؟! (۳۷) سپس | به صورت خون | بسته شد | آمد پس | خداوند او

الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ ﴿٣٩﴾ أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ ﴿٤٠﴾

را | آفرید | و | اندامش را | درست و موزون ساخت (۳۸) و از همین | قطره منی | دو جنس | یکی مرد و یکی زن | پدید آورد (۳۹) آیا این | چنین | آفریننده ای | اتوانایی | ندارد که مردگان را | زنده کند؟! (۴۰)

سُورَةُ الْإِنْسَانِ ﴿٣١﴾ مَدَنِيَّةٌ ﴿٧٦﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشه

هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكُورًا ﴿١﴾ إِنَّا خَلَقْنَا

آیا | جز این است که | روزگاری طولانی بر انسان گذشت که چیزی درخور ذکر نبود؟! (۱) ما انسان را

الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿٢﴾ إِنَّا هَدَيْنَاهُ

از نطفه ای آمیخته | از عناصر گوناگون | آفریدیم | و او را | در همه امور | در معرض آزمایش می گذاریم | و به این سبب او را | شنوا و بینا قرار دادیم (۲) به راستی

السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا ﴿٣﴾ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلًا وَ

ما راه را به او نشان دادیم | حال یا سپاس گزار است | یا بسیار کفران کننده (۳) همانا ما برای کفران کنندگان | زنجیرها

أَغْلًا لَا وَسْعَةَهَا ﴿٤﴾ إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ﴿٥﴾

و غل ها و آتشی فروزان آماده کرده ایم (۴) البته نیکان همواره از جامی می نوشند که | نوشیدنی اش | مخلوط به کافور | آن ماده سپید و معطر است (۵)

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ﴿٦﴾ يُوفُونَ بِالْإِذْرِ وَخَفَاؤُنَ

آن نوشیدنی از چشمه‌ای است که همواره بندگان خاص خداوند از آن می‌نوشند، و آن را به دلخواهشان هر گونه و هر جا که بخواهند جاری می‌سازند (۶) (هم

بَوْمًا كَانَ شَرْهُهُ مُسْتَطِيرًا ﴿٧﴾ وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا

آن که بی‌بسته به نذرشان وفا می‌کنند، و از روزی که اسبیش فراگیر است می‌ترسند (۷) و طعام را با این که جهت نیاز خود دوست دارند به بیچاره و یتیم و اسیر

أَسِيرًا ﴿٨﴾ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا ﴿٩﴾ إِنَّا نَخَافُ

می‌خورانند (۸) (او می‌گویند: ما شمارا فقط برای خشنودی خداوند اطعام می‌کنیم، نه هیچ پاداشی از شما می‌خواهیم، و نه سپاسی (۹) ما از پروردگارمان

مِنْ رَبِّنَا بِأَنَّا عَبَسْنَا فَطَرًا ﴿١٠﴾ فَوْقَهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً

روزی را که عبوس و بسیار هولناک است می‌ترسیم (۱۰) خداوند آنان را از اسب آن روز حفظ می‌کند، و زیبایی و جمال صورت، و قلبی سرشار از

سُرُورًا ﴿١١﴾ وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا أَجْتَةً وَخَيْرًا ﴿١٢﴾ مُتَكِبِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ

سرور و شادی عطایشان می‌کند (۱۱) و آنان را به خاطر صبری که در انجام تکالیف و پرهیز از گناهان و حوادث تلخ داشتند بهشتی ویژه و لباسی ابریشمین پاداش

لَا يَبْرُونَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا ﴿١٣﴾ وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلَّتْ قُطُوفُهَا

می‌دهد (۱۳) در آن بهشت بر تخت‌ها تکیه می‌زنند در حالی که در آن خانه آفتابی [سوزان] می‌بینند، و نه سرمای سخت (۱۳) سایه‌های درختانش بر فرازشان به آنان

نَذِيرًا ﴿١٤﴾ وَبُطَافٌ عَلَيْهِمْ بِأَنِّيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابُ كَانَتْ فَوَارٍ پَرًا ﴿١٥﴾

نزدیک، و میوه‌هایش به آسانی در دسترس است (۱۴) ظرف‌هایی نقره‌فام و تنگ‌هایی بلورین [که پر از غذای مطبوع و نوشیدنی است] پیرامونشان می‌گردانند (۱۵)

فَوَارٍ پَرًا مِنْ فِضَّةٍ قَدَرُوهَا نَقْدٍ پَرًا ﴿١٦﴾ وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَتْ مِزَاجُهَا

بلورهایی که [در زیبایی و صافی] چون نقره‌اند که آن‌ها را در اندازه‌های دقیق و متناسب اندازه‌گیری کرده‌اند (۱۶) در آن جا از جامی که [نوشیدنی‌اش]

زَنْجَبِيلًا ﴿١٧﴾ عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا ﴿١٨﴾ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ

مخلوط با زنجبیل است به آنان می‌نوشانند (۱۷) از چشمه‌ای در آنجا که سلسبیل نامیده شود (۱۸) پیرامونشان پسرانی همیشه جوان [برای پذیرایی]

إِذَا رَأَوْهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنُورًا ﴿١٩﴾ وَإِذَا رَأَتْ نَعِيمًا وَمِلْكًَا كَبِيرًا

می‌گردند که چون آنان را ببینی پنداری مرواریدی پراکنده‌اند (۱۹) چون آن جارا ببینی نعمتی فراوان، و حکمرانی و اقتدار بزرگی می‌بینی (۲۰) بر اندامشان

﴿٢٠﴾ عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُوءٌ آسَاوَرٌ مِنْ فِضَّةٍ وَ

جامه‌هایی از ابریشم نازک سبزرنگ و دیبای ستبر است، و با دستبندهایی از نقره آراسته شده‌اند، و پروردگارش

سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا ﴿٢١﴾ إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا

باده طهور به آنان می‌نوشاند (۲۱) [به آنان گویند: یقیناً این [نعمت‌ها] پاداش شماست، و تلاشتان را پذیرفته‌اند (۲۲) ما

﴿٢٢﴾ إِنَّا نَخْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا ﴿٢٣﴾ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا

قرآن را به تدریج بر تو نازل کردیم (۲۳) پس در برابر فرمان پروردگارت [نسبت به تبلیغ آن] شکبیا باش! و از آنان

تُطِيعُ مِنْهُمْ أَلِيمًا وَكُفُورًا ﴿٢٤﴾ وَاذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٢٥﴾

از هیچ گنهگار یا ناسپاسی اطاعت مکن (۲۴) و صبح و شام نام پروردگارت را یاد کن (۲۵)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا ﴿٢٦﴾ اِنَّ هٰؤُلَاءِ

پاره‌ای از شب را برای او سجده کن! و او را در شب طولانی با تسبیح گفتن از هر عیب و نقصی پاک و منزّه بدار! (۲۶) بی تردید اینان

يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَّرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا ﴿٢٧﴾ نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ

که گنجهکار و ناسپاسند! دنیای زودگذر را دوست دارند، و روز هولناک و سختی را که پیش رو دارند وامی‌گذارند! (۲۷) ما

وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَالَهُمْ تَبْدِيلًا ﴿٢٨﴾ اِنَّ

آنان را آفریدیم و ترکیب اندامشان را استوار نمودیم، و هرگاه بخواهیم مانندشان را چنان که شایسته است جایگزین آنان می‌کنیم! (۲۸)

هٰذِهِ نَذِيرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿٢٩﴾ وَمَا تَشَاءُونَ

براستی این اقرآن امایه تذکر و بیداری است، پس هرکس! سعادت دنیا و آخرت را بخواهد! باعمل به آن اراهی به‌سوی پروردگار خود پیش گیرد! (۲۹)

إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ اِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٣٠﴾ يُدْخِلُ

شما اراہ به‌سوی پروردگار را! نمی‌خواهید مگر این که خداوند [برایتان] بخواهد، همانا خداوند! همواره دانا و حکیم است! (۳۰)

مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٣١﴾

هرکس را بخواهد در رحمتش درآورد، و برای ستمکاران عذابی دردناک آماده کرده است! (۳۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا ﴿١﴾ فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا ﴿٢﴾ وَالتَّائِثَرَاتِ نَشْرًا ﴿٣﴾

سوگند به فرشتگانی که پی درپی [برای انجام مأموریت] فرستاده می‌شوند! (۱) و به فرشتگانی که [برای آوردن وحی] در سرعت حرکت چون تندبادند! (۲) و به

فَالْفَارِقَاتِ فَرَقًا ﴿٤﴾ فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا ﴿٥﴾ عَذْرًا أَوْ تَدْرًا ﴿٦﴾ إِنَّمَا نُوعِدُكُمْ

فرشتگانی که [صحیفه‌های وحی را] چنان که شایسته است می‌گشایند! (۳) و به فرشتگانی که جداکننده حق از باطلند! (۴) و به فرشتگانی که وحی را [به پیامبران]

لَوَاقِعُ ﴿٧﴾ فَإِذَا النَّجُومُ طُمِسَتْ ﴿٨﴾ وَإِذَا السَّمَاءُ فُرْجَتْ ﴿٩﴾ وَإِذَا الْجِبَالُ

القا می‌کنند! (۵) تا [برای مؤمنان] حجت و [برای کافران] هشدار باشد! (۶) آری به این حقایق سوگند! که آنچه [از قیامت و امورش] به شما وعده می‌دهند حتما

نُفِثَتْ ﴿١٠﴾ وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِنَّتْ ﴿١١﴾ لَا يَئِيَّ يَوْمُ أَجَلَتْ ﴿١٢﴾ لِيَوْمِ

واقع شدنی است! (۷) آن‌گاه که نور ستارگان از بین برود! (۸) و زمانی که آسمان بشکافد! (۹) و وقتی که کوه‌ها از بیخ و بن کنده شوند! (۱۰) و هنگامی که وقت [حضور]

الْفُصْلِ ﴿١٣﴾ وَمَا أَذْرِيكَ مَا يَوْمُ الْفُصْلِ ﴿١٤﴾ وَبَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

پیامبران [در عرصه محشر برای گواهی دادن بر اعمال امت‌ها] مشخص گردد! (۱۱) [این امور] برای چه روزی به تأخیر افتاده؟! (۱۲) برای روز داوری [بین مردم، و]

﴿١٥﴾ أَلَمْ تَهْلِكِ الْأَوَّلِينَ ﴿١٦﴾ ثُمَّ نَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ ﴿١٧﴾

جداسازی حق از باطل! (۱۳) توجه می‌دانی روز داوری چیست؟! (۱۴) در آن روز وای بر انکارکنندگان! (۱۵) آیا پیشینیان را [به خاطر انکارشان] هلاک نکردیم؟! (۱۶)

كَذٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ﴿١٨﴾ وَبَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٩﴾

سپس به دنبال آنان پسینیان را نیز [به سبب انکارشان] هلاک می‌کنیم! (۱۷) این گونه با گنجه‌شکاران رفتار می‌کنیم! (۱۸) آن روز وای بر انکارکنندگان! (۱۹)

أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَهِينٍ ﴿٢٠﴾ فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ﴿٢١﴾ إِلَىٰ قَدَرٍ

ایا شما را از آبی پست و بی ارزش نیافریدیم؟ (۲۰) پس آن را در جایگاهی استوار قرار دادیم (۲۱) تا زمانی

مَعْلُومٍ ﴿٢٢﴾ فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ ﴿٢٣﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٢٤﴾

معین (۲۲) آری توانا بودیم، و چه نیکو تواناایم (۲۳) آن روز وای بر انکارکنندگان!

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا ﴿٢٥﴾ أَحْيَاءً وَأَمْوَاتًا ﴿٢٦﴾ وَجَعَلْنَا فِيهَا

(۲۴) ایازمین را دربرگیرنده انسان ها و دیگر موجودات، و حافظ آنان از پرتاب شدن در فضا قرار دادیم؟ (۲۵) هم در حال حیاتشان و هم زمان مرگشان (۲۶) و در آن

رَوَاسِيَ شَاحِحَاتٍ وَأَسْفِينًا كَرُمَاءٍ فُرَاتًا ﴿٢٧﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٢٨﴾

کوه های استوار و بلند پدید آوردیم، و به شما آبی گوارا نوشاندیم (۲۷) در آن روز وای بر انکارکنندگان!

أَنْطَلِقُوا إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِ تَكْذِبُونَ ﴿٢٩﴾ أَنْطَلِقُوا إِلَىٰ ظِلٍّ ذِي ثَلَاثِ

(۲۸) آن روز به آنان می گویند: به سوی آنچه همواره انکارش می کردید بروید (۲۹) به سوی سایه ای از دود متراکم که دارای

شُعَبٍ ﴿٣٠﴾ لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ الْهَبِ ﴿٣١﴾ إِنَّمَا تَرْمِي بِشَرِّ كَالْفَصْرِ

سه شاخه است (۳۰) که نه خنک و آرام بخش است، و نه مانع از رسیدن شعله آتش [به شما] (۳۱) آن آتش شراره هایی چون ساختمانی بلند پرتاب می کند!

كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ ﴿٣٢﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٣﴾ هَذَا يَوْمُ لَا

(۳۲) گویی آن شراره ها مانند شتران زرد رنگند (۳۳) در آن روز وای بر انکارکنندگان! (۳۴) این روزی است که [منکران از شدت ترس در دفاع از خود] سخن نمی گویند (۳۵)

يَنْطِقُونَ ﴿٣٥﴾ وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْنِدُونَ ﴿٣٦﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٧﴾

و به آنان اجازه عذر خواهی نمی دهند (۳۶) در آن روز وای بر انکارکنندگان! (۳۷) امروز، روز داوری [و جداسازی بین سعادت مندان و شقاوت مندان] است، که شما و

هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمْعُنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ ﴿٣٨﴾ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِدُونِ

پیشینیان را [در آن] جمع کرده ایم (۳۸) پس اگر برای فرار از عذاب، تدبیر و چاره ای دارید به کار گیرید! (۳۹) در آن روز وای بر انکارکنندگان! (۴۰) یقیناً آنان که

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٠﴾ إِنَّ الْمُنَاقِبِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٌ ﴿٤١﴾ وَفُؤَاكِهِ

[از خداوند اطاعت کرده، از محرماتش پرهیز داشتند در زیر سایه ها و [کنار] چشمه سارهایند (۴۱) و [بهرمند از] میوه های فراوان از آنچه همواره بخواهند (۴۲)

مِمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٤٢﴾ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي

[به آنان] گویند: به پاداش اعمالی که پیوسته انجام می دادید بخورید و بیاشامید! گواراایتان باد! (۴۳) ما نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم (۴۴) در آن روز وای

الْمُحْسِنِينَ ﴿٤٤﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٥﴾ كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ

بر انکارکنندگان! (۴۵) ای منحرفان! در این دنیای زودگذر بخورید! و اندک زمانی [از امور مادی] برخوردار باشید که شما گناه پیشه اید [و در آخرت از خوردنی ها

جُزْمُونَ ﴿٤٦﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٧﴾ وَإِذَا فِيلٌ لَهُمُ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ

و نوشیدنی های بهشت محرومید! (۴۶) در آن روز وای بر انکارکنندگان! (۴۷) چون به آنان گویند: در برابر خداوند رکوع کنید، رکوع نمی کنند (۴۸) در آن روز وای بر

﴿٤٨﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٩﴾ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٠﴾

انکارکنندگان! (۴۹) [چنانچه به قرآن ایمان نیاورند، پس بعد از آن به کدام سخن] که مانند قرآن دارای استواری و استحکام معارف باشد! ایمان می آورند؟! (۵۰).

مکته
۷۸

سُورَةُ النَّبَاِ

آیاتها
۴۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ ﴿١﴾ عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ ﴿٢﴾ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ ﴿٣﴾ كَلَّا

اگر دم از باره چه چیز از یکدیگر می پرسند ﴿۱﴾ از آن خبر بزرگ امی پرسند ﴿۲﴾ همان خبری که درباره او قیام و وقوع آن با یکدیگر اختلاف دارند ﴿۳﴾ اختلافشان

سَيَعْلَمُونَ ﴿٤﴾ ثُمَّ كَلَّامُ سَيَعْلَمُونَ ﴿٥﴾ اَلَمْ يَجْعَلْ لِّلْاَرْضِ مِهَادًا ﴿٦﴾ وَالْجِبَالِ

بی مورد است، ایندروزی ایه حتمی بودن وقوعش آگاهی می شوند ﴿۴﴾ آری اختلافشان بی مورد است، ایندروزی ایه حتمی بودن وقوعش آگاهی می شوند ﴿۵﴾ آیا زمین را بستر را بستر را بستر

اَوْتَادًا ﴿٧﴾ وَخَلَقْنَا كُرَّاسًا وَزُجَاجًا ﴿٨﴾ وَجَعَلْنَا نُومَكُمْ سُبَاتًا ﴿٩﴾ وَجَعَلْنَا النِّيلَ

قرار نداده ایم؟ ﴿۷﴾ و کوه ها را امیخ های ای ای حفظان از متلاشی شدن ﴿۸﴾ و کوه ها را بصورت دوش و جنس امروزی از زمین ﴿۹﴾ و خولیتان را بصورت راحت و آرامش ساختیم ﴿۹﴾ و نوبسیرا

لِبَاسًا ﴿١٠﴾ وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ﴿١١﴾ وَبَنَدْنَاهُ فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ﴿١٢﴾ وَ

پوشش ﴿۱۰﴾ و روز را عرصه اندران گذران امور زندگی قرار دادیم ﴿۱۱﴾ و بر فرازتان هفت آسمان استوار بنا کردیم

جَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا ﴿١٣﴾ وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ﴿١٤﴾ لِنُخْرِجَ

﴿۱۳﴾ و چراغی فروزان و حرارت بخش پدید آوردیم ﴿۱۴﴾ و از ابرهای مترکم باران را آبی ریزان فرستادیم

بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا ﴿١٥﴾ وَجَنَّاتٍ آلْفَافًا ﴿١٦﴾ إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِيقَاتًا ﴿١٧﴾

﴿۱۵﴾ با به وسیله آن دانه و گیاه بر ویانیم ﴿۱۶﴾ و باغ های از درختان انبوه و به هم پیچیده ایرون آوردیم ﴿۱۷﴾ یقیناً روز جداسازی احق از باطل و عده گاه است

يَوْمَ يَنفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ﴿١٨﴾ وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ﴿١٩﴾

﴿۱۸﴾ و روزی که در صور دمیده شود، و شما گروه گروه ایه عرصه محشر امی آید ﴿۱۹﴾ و آسمان را می گشایند، پس برای عبور عرش صفاتی به سوی بهشت،

وَسَيُتْرِكُ الْجِبَالَ فُكَاكًا ﴿٢٠﴾ إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ﴿٢١﴾

به صورت درهائی ابازا می گردد ﴿۱۹﴾ و کوه ها را از جای خود می کنند، پس مانند سراب می شوند ﴿۲۰﴾ بی تردید دوزخ کمین گاه است

لِلظَّالِمِينَ مَا بَأْسًا ﴿٢٢﴾ لَا يَشْفِي فِيهَا آلُ أَحْقَابًا ﴿٢٣﴾ لَا يَذُرُّ فُوقَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا

﴿۲۲﴾ بازگشت گاهی است برای ظالمین گران ﴿۲۳﴾ سالیانی بی دریی و پایان ناپذیر در آن مانند گارند ﴿۲۴﴾ در آن خانه چیز خنکی می چشند،

سَرَابًا ﴿٢٤﴾ الْأَحْيَاءُ وَغَسَّاقًا ﴿٢٥﴾ جَزَاءُ وَفَاقًا ﴿٢٦﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا إِلَّا

و نه شامیدنی الذبت بخشی ﴿۲۴﴾ جز آب بسیار داغ، و چرکاب و خونابه ﴿۲۵﴾ کیفری است همه انگ ابعقاید و اخلاق و اعمالشان ﴿۲۶﴾ اینان انتظار هیچ

هَرَجُونَ حِسَابًا ﴿٢٧﴾ وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا ﴿٢٨﴾ وَكُلُّ شَيْءٍ

حسابی را ادر مورد خود نداشته اند ﴿۲۷﴾ و ابر این اساس آیات ما را به شدت انکار کردند ﴿۲۸﴾ ما همه چیز را

أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا ﴿٢٩﴾ فَذُوقُوا فَلَاحُ نَزِيدُكُمْ إِلَّا عَذَابًا ﴿٣٠﴾

بر شمرده و ضبط کرده ایم ﴿۲۹﴾ پس از حسابرسی اعمال ضبط شده به آنان گوئیم: به ناچار نتیجه اعمالتان را ابچشید که هر جز عذاب بر شما نافریم ﴿۳۰﴾

إِنَّ الْمُنْقِبِينَ مَهْزَالًا ۝۳۱ حَدَّ آثِقٍ وَأَعْدَابًا ۝۳۲ وَكَوَاعِبِ أَثْرَابًا ۝۳۳
 یقیناً برای کسانی که از خداوند اطاعت کرده، از محو مانده، بر هیچی دانشند کامیابی بزرگی است: (۳۱) باغ‌هایی و بوته‌ها، و تاختستان‌هایی مخصوص (۳۲) و حوریانی
كَأَسَدٍ حَائِقًا ۝۳۴ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِدًّا ۝۳۵ جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءٌ
 نورسید و همسال (۳۴) و جام‌هایی لب‌بر لب از بادیه ظهور (۳۵) از جانان اسخن، آیه‌ی‌ده‌ای می‌شنوند، و نه دروغی (۳۵) پاداشی است از سوی پروردگارت، و عطای
حِسَابًا ۝۳۶ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ
 کافی (که تأمین کننده همه خواسته‌های بهشتیان است) (۳۶) همان (پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن‌هاست، آن چه‌ی‌دانی که هیچ‌کس اختیار چون و چرا را
خَطَابًا ۝۳۷ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ
 از بار حق و قیامت و بهشتیان و دروز خیانت‌دار (۳۷) و روزی که روح و فرشتگان در یک صف، برای انجام مأموریت‌های استند، و سخن نمی‌گویند مگر کسی که
أُذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا ۝۳۸ ذَلِكَ لِيَوْمِ الْحَقِّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ
 خداوند مهر بان به او اجازه دهد، و هم این (سخن حق و درست خواهد گفت) (۳۸) آن روز، روزی (به تمام معنا) حق است: بنابراین هر که بخواهد
إِلَىٰ رَبِّهِ مَآبًا ۝۳۹ إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ
 راه‌ی‌آگشتی به سوی پروردگارش انتخاب کند، اتذر آن روز به خیر و سعادت برسد (۳۹) ما شمارا در مورد عذاب نزدیک نزدیکی هشدار دادیم، عذاب آن روزی که
مَا قَدَحَتْ يَدَاهُ وَبَقُولِ الْكَافِرِ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرَابًا ۝۴۰
 انسان آنچه را پیش فرستاده با دقت بنگرد، و کافر می‌گوید: ای کاش خاک بودم، او فریده نمی‌شدم تا این روز هولناک را ببینم! (۴۰)



وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا ۝۱ وَالنَّاشِطَاتِ نَفْطًا ۝۲ وَالسَّاجِدَاتِ سَجًّا ۝۳
 سوگند به فرشتگانی که ارواح بدکاران را از بدن‌هایشان به شدت برمی‌کنند (۱) و به فرشتگان پُرنشاطی که ارواح مؤمنان را به لرزه می‌رسانند (۲) و به فرشتگانی که برای
فَالسَّابِقَاتِ سَبَقًا ۝۴ قَالِدَاتٍ رَّائِبَاتٍ أَهْرًا ۝۵ يَوْمَ تَوَجَّفُ السَّاجِدَةُ ۝۶
 انجام مأموریت (به سرعت در حرکتند) (۴) و به فرشتگانی که با جنب و جوشی ویژه برای رسیدن به ارزش‌ها بر یکدیگر پیشی می‌گیرند (۵) و به فرشتگانی که (به فرمان خداوند)
تَبَعُهَا السَّادِقَةُ ۝۷ قُلُوبٌ بَوْمَعِدٍ وَاجِفَةٌ ۝۸ أَبْصَارُهَا خَالِشَةٌ ۝۹
 امور (الربوبی) را تدبیر می‌کنند (۷) (که همه شما برانگیخته می‌شوید) روزی که لرزاننده (همه چیز را بلرزاند) (۸) در حالی که (لرزاننده) دیگری به دنبال آن درآید (۹) در آن روز
يَقُولُونَ إِنَّ اللَّهَ دُودُونٌ فِي الْخَافِرِ ۝۱۰ إِذَا كُنتَ عِظَامًا
 دل‌هایی به شدت منتظرب گردند (۸) چشمان (ساجدان) آن دل‌ها از ترس اوضاع قیامت فرو می‌افتند (۹) (این منکران اکنون که در دنیا هستند) می‌گویند: آیا ما را ایس از
نَجْرَةٍ ۝۱۱ قَالُوا اتْلِكِ إِذَا كُنَّا كَخَالِصَةٍ ۝۱۲ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ
 مرگ (به همان حیاتی که در دنیا داشتیم) بازمی‌گردانند (۱۰) (اشکفتا) آیا وقتی استخوان‌های پوسیده و لرزان شدید (به حیاتی مجدد برمی‌گردیم) (۱۱) (از روی تمسخر)
وَاحِدَةٍ ۝۱۳ فَاذْهَبْ بِالسَّاهِرَةِ ۝۱۴ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ ۝۱۵
 می‌گویند: بازگشت دوباره در آن زمان بازگشتی زمان بار است (۱۳) (ای باران می‌گردانند، و آن بازگشت فقط با یک بانگ عظیم است او پس) (۱۴) ناگهان همه بر زمین صاف

إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ۝ اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ۝ فَقُلْ

وهدی [اصحرا] حاضر می شود (۱۴) آیا سر گذشت موسی به تو رسیده است (۱۵) هنگامی که پروردگارش او را در وادی مقدس و طوی به ندا داد (۱۶) ای موسی فرعون

هَلْ لَكَ الْآنَ أَنْ تَرْكَبَ ۝ وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْسَىٰ ۝ فَإِنَّهُ الْآيَةُ

برو آیا و طویان کرده، او با منی از خدا و قیامت ندارد (۱۷) پس ای موسی خواهی از آلودگی ها پاک و پاکیزه شوی (۱۸) من تو را به سوی پروردگارت راهنمایی می کنم

الْكَبْرَىٰ ۝ فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ ۝ ثُمَّ أَثْبَرَ يَسْعَىٰ ۝ فَخَسِرَ فَكَذَىٰ ۝ فَقَالَ

تا ای شناخت او، از عظمتش هراسان گردی او در نتیجه از طویان پاک شوی (۱۹) پس موسی برای گشودن راه هدایت به روی فرعون، بزرگترین معجزه خود را به او نشان

أَنَّا رَبُّكَ الْأَعْلَىٰ ۝ فَأَخَذَهُ اللَّهُ ۝ فَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ ۝ إِنَّ فِي ذَلِكَ

داد (۲۰) ولی آن معجزه را دروغ و بی پایه انگاشت و از دعوت موسی [روی بر تافت] (۲۱) سپس متکبرانه پشت ایبه حق کرد و برای نابودی موسی، دست به تلاشی همه جانبه

لِعِبَادِهِ لَمُنْ ۝ يَخْشَىٰ ۝ ءَانَتْ أَشْدُّ خَلْقًا أَمَّ السَّمَاءِ بَنَاهَا ۝ رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّيْنَاهَا

و زد (۲۲) آن گاه ابرم را جمع کرد و ندا داد (۲۳) او گفت: من بزرگترین پروردگار شما هستم (۲۴) خداوند همه ایبه کبر این ادعای نابه جا او را به عذاب دنیا و آخرت دچار کرد (۲۵)

۝ ۲۸ ۝ وَاغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا ۝ ۲۹ ۝ وَالْأَرْضُ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا ۝ ۳۰ ۝

یقیناً این اسر گذشت برای کسی که از عاقبت دنیا و آخرت [بترسد عبرتی بسیار آموزنده] است (۲۶) آیا آفرینش [دو بار] شما برای خدا دشوارتر است یا آسمانی که آن را

أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءً لَهَا وَمَرْعَاهَا ۝ ۳۱ ۝ وَالْجِبَالُ أَرْسَاهَا ۝ ۳۲ ۝ مَتَاعًا كَكُمُورٍ ۝

بنا کرد (۲۷) سقش را برافراشت، و آن را در دست و معتدل قرار داد (۲۸) شبش را تاریک، و روزش را روشن ساخت (۲۹) و زمین را بعد از آفرینش [آسمان گسترش داد] (۳۰) و تو

لَا تَعْمَاكُمْ ۝ ۳۳ ۝ فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَىٰ ۝ ۳۴ ۝ يَوْمَ يَبْدَأُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَىٰ ۝

این آب افروان و توارانی اش را بیرون آورد، و چراگاهش را رویند (۳۱) و کوهها را استوار ساخت (۳۲) تا وسیله نهر هندی شما و دامهایتان باشد (۳۳) چون آن بزرگترین حادثه

۝ ۳۵ ۝ وَبُورِزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ بُرِيَ ۝ ۳۶ ۝ فَأَطَاعُوا طُغْيٰ ۝ ۳۷ ۝ وَأَثَرُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

فرارسد (۳۴) در آن روز انسان آنچه تلاش کرده به می یاد (۳۵) و دورخ را برای هر بیننده آشکار کنند (۳۶) اما کسی که سر به طویان برداشت (۳۷) و زندگی زودنگر دنیا را

۝ ۳۸ ۝ فَإِنَّا لِلْجَحِيمِ هِيَ الْمَأْوَىٰ ۝ ۳۹ ۝ وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَهَى النَّفْسِ

این زندگی جاوید آخرت [ترجیح داد] (۳۸) تسلما تنها جایگاه او دوزخ است (۳۹) اما کسی که از ایستادن در پیشگاه پروردگارش برای محاسبه اعمالش [ترسید، و نفس خود را

عَنِ الْهَوَىٰ ۝ ۴۰ ۝ فَإِنَّا الْجَنَّةُ هِيَ الْمَأْوَىٰ ۝ ۴۱ ۝ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّاتٍ

از [پاسخ به] خواسته های نامشروعش [داد داشت] (۴۰) بی تردید جایگاهش فقط بهشت است (۴۱) همواره درباره قیامت از تو می پرسند که فرارسیدنش چه زمانی است (۴۲)

۝ ۴۲ ۝ مَرْسُهَا ۝ ۴۲ ۝ فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرُنَا ۝ ۴۳ ۝ إِلَىٰ رَبِّكَ مِنْهُمْ هَاجِرٌ ۝ ۴۴ ۝ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ

تو از بسیار یادگارش چه چیزی به دست می آوری (۴۲) نهایش به سوی پروردگار نیست او جز خدا کسی کیفیت برپاشدن و زمان وقوع و اوصافش را نمی داند (۴۳)

مَنْ يَخْشَىٰ ۝ ۴۵ ۝ كَانَتْ يَوْمَ يَوْمٍ بِرُوحِنَا أَوْ أَرْحَامِنَا ۝ ۴۶ ۝

وظیفه تو فقط هشدار دادن به کسانی است که همواره از آن می ترسند (۴۵) روزی که قیامت را ببینند گویند ابر دنیا جز شام گاهی یا صبح گاهی درنگ نداشتند (۴۶)

مَنْ يَخْشَىٰ ۝ ۴۵ ۝ كَانَتْ يَوْمَ يَوْمٍ بِرُوحِنَا أَوْ أَرْحَامِنَا ۝ ۴۶ ۝

و وظیفه تو فقط هشدار دادن به کسانی است که همواره از آن می ترسند (۴۵) روزی که قیامت را ببینند گویند ابر دنیا جز شام گاهی یا صبح گاهی درنگ نداشتند (۴۶)

آیاتها

۴۳

سُورَةُ نَازِعَاتٍ

نَزِيلًا

۸۰

مَكَّةَ

نَزِيلًا

۸۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

عَبَسَ وَتَوَلَّى ۱ اَنْ جَاءَهُ الْاَعْمَى ۲ وَهَآئِذْ يَرَى اَعْلَاهُ بُرْجًا ۳ وَبَدَّكَوْ

چهره و در هم کشید و روی برگرداند (۱) از این که آن نابینا نزد آمد (۲) و چه می دانی (۳) ایماست او ایستادند نفس را بیجا میداد (۳) میخواست که اعراف الهی را

فَنَنْقُصُ الذِّكْرَ ۴ اَسْأَمِنْ اِسْغْنٰی ۵ فَانْتَ لَهُ نَصْدٰی ۶ وَهَآءِ عَلَیْكَ

شود و تذکر سودش دهد (۴) اما کسی که خود را به سبب امکانات فراوان این نیاز می داند (۵) توبه شدت متوجه او شده ای (که هدایتش کنی) (۶) در حالی که اگر نخواهد

الْاَبْرٰی ۷ وَاَسْأَمِنْ جَآءَكَ یَسْعٰی ۸ وَهَوَّیْجُنِّی ۹ فَانْتَ عَنْهُ نَٰهٰی ۱۰

خود را از آلودگی های باطنی و روحی پاک کند (۷) و وظیفه ای برای هدایتش بر عهد تو نیست (۸) اما کسی که برای شنیدن حقایق الهی اشتیاق به زودت آمد (۸) در حالی که

كَلَامًا یَهْتَدٰی ۱۱ فَمِنْ شَآءَ ذَكَرْكَ ۱۲ فِیْ حُفْرِیْ مُكْرَمٰتِیْ ۱۳ مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ۱۴

از عظمت پروردگارش اهراس دارد (۹) از او غفلت کرده، به کاری دیگر می پردازی (۱۰) اینچنین بر خوردی شایسته نیست، یقیناً آیات قرآن مایه تذکر و پنداری است (۱۱)

۱۴ یَا یَدِیْ سَفَرٍ ۱۵ كِرَامٍ بَرَرَةٍ ۱۶ قَبْلِ الْاِنْسَانِ مَا الْاَكْرَمُ ۱۷ مِنْ اٰیِ سَمِیْ ۱۸

پس هر که مایل باشد با ایادگیری آن متذکر می شود (۱۲) این آیات در صحیفه هایی بر آورش (۱۳) که بلند مرتبه و پاکیزه از هر امر نازوا و باطنی است (۱۴) در دست

خَلَقَهُ ۱۸ مِنْ نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ ۱۹ ثُمَّ السَّبِیْلَ یَسِّرَهُ ۲۰ ثُمَّ اَنَّا نَزَّلْنَاهُ فَاَقْبَرَهُ ۲۱

ساخته ای (۱۵) از نطفه ای آفریده، و به او اجر جسم و جان و اندام اندازه دقیق عطا کرده است (۱۹) سپس راه اطاعت و سعادت را بر آورش آسان ساخت (۲۰) آن گاه او را

ثُمَّ اَنَّا اَنْشَاْ اَنْشَرَهُ ۲۲ كَلَامًا نَّآیْقِضُ مَا اَمَرَهُ ۲۳ فَلَنَنْظُرَ الْاِنْسَانُ اِلٰی ۲۴

آفریده است (۱۸) از نطفه ای آفریده، و به او اجر جسم و جان و اندام اندازه دقیق عطا کرده است (۱۹) سپس راه اطاعت و سعادت را بر آورش آسان ساخت (۲۰) آن گاه او را

طَاعِمَةٍ ۲۴ اَنَّا صَبَبْنَا الْمَآءَ صَبًّا ۲۵ ثُمَّ شَقَقْنَا الْاَرْضَ شَقًّا ۲۶ فَاَنْبَتْنَا فِیْهَا ۲۷

میراند و در گوش نهد (۲۱) پو دنگانی که بخواد او را زنده می کند (۲۲) شگفتا که این زمین را به آب و باران و وسایل هدایت، هنوز آنچه را به او فرمان داده اند انجام نداده (۲۳)

حَبًّا ۲۷ وَعَسَا وَقَضٰی ۲۸ وَزَيْتُونًا وَفَخْلًا ۲۹ وَحَدَیْقَ غُلًّا ۳۰ وَفَاكِهَةً ۳۱

انسان باید با دقت به امدت جوانب خوراکش بنگرند (۲۴) که ما از آسمان آب فرو رانی فرود ریختیم (۲۵) سپس زمین را به صورتی سودمند شکافتیم (۲۶) و در آن دانه های

اَبَا ۳۱ مَتَاعًا لَّكُمُ وِلَا تَعْلَمُوْنَ ۳۲ فَاِذَا جَآءَتِ الصَّآخَةُ ۳۳ یَوْمَ یَفْرُسُ الْمَرْءُ ۳۴

گویند و در حد بسیار زیاد رویندیم (۲۷) و نیز انگور و سبزیجات (۲۸) و درخت زیتون و خرما (۲۹) و باغ هایی بر آن درخت تناور (۳۰) و میوه های فراوان و چراگاه (۳۱) تا

مِنْ اَخِیْهِ ۳۴ وَاَقْبَهُ وَاَبِیْهِ ۳۵ وَصَلٰ حَبِیْبَهُ وَبَنِدَهُ ۳۶ لِكُلِّ اَمْرِیْ مِنْهُمْ یَوْمَئِذٍ ۳۷

وسیله بهره مندی شما و دام هایتان باشد (۳۲) دنگانی که آن صدای مهیب کرکننده در رسد (۳۳) روزی که آدمی از برادرش می گزید (۳۴) و از مادر و پدرش (۳۵) و از همسر

شَانِ یَغْنِیْهِ ۳۷ وَجُوْهُ یَوْمَئِذٍ مَّسْفِرَةٌ ۳۸ ضَالِّجَةٌ مَّسْنِيَةٌ ۳۹ وَوُجُوْهُ ۴۰

و فرزندانش (۳۷) در آن روز هر کس از آنان را گرفتاری و کاری است که برای او از اینکه نتواند به کار دیگر بپردازد پس است (۳۸) لبر آن روز چهره هایی در خشان و نورانی

یَوْمَئِذٍ عَلٰیهَا غَبْرَةٌ ۴۰ تَهْقِفُهَا قَتَرَةٌ ۴۱ اُولَٰئِكَ هُمُ الْكٰفِرَةُ الْفَجْرَةُ ۴۲

است (۳۸) خندان و خوش حال (۳۹) و چهره هایی در آن روز غبار اینورده خشی بر آن ها نشسته (۴۰) سیاهی زلفت باری آن ها را پوشانده (۴۱) آنان همان کافران بیدارند (۴۲)

سُورَةُ النَّازِعَاتِ

مکة
۸۱آیاتها
۲۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ۝^۱ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ۝^۲ وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ

هنگامی که خورشید را درهم پیچند (۱) و ستارگان تیره و بی‌نور شوند (۲) و کوه‌ها را از جا بکنند و به حرکت آرند

۳ وَإِذَا الْعِشَاءُ عُطِّلَتْ ۝^۴ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ۝^۵ وَإِذَا الْبِحَارُ

(۳) و اموال با ارزش رها و بی‌صاحب شود (۴) و حیوانات وحشی را گرد آورند (۵) و دریاها مشتعل

۶ سَجَرَتْ ۝^۷ وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ۝^۸ وَإِذَا الْمَاءُ دَسَّعَتْ ۝^۹ بِأَيِّ ذَنْبٍ

ویرافروخته گردند (۶) و هرکس با همسان خود جفت شود، خوب یا خوب، بد یا بد (۷) و از دختر زنده‌به‌گور شده پیروند (۸) که به کدام

وَنَلَيْتُ ۝^{۱۰} وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ ۝^{۱۱} وَإِذَا الْجَاذِبُ

گناه کشته شده است؟ (۹) آن زمان که نامه‌های اعمال را بکشایند (۱۰) و آسمان را بکنند و بپوشند (۱۱) و دوزخ

۱۲ سَعِرَتْ ۝^{۱۳} وَإِذَا الْجَنَّةُ أَزْلِفَتْ ۝^{۱۴} عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ ۝^{۱۵} فَلَا

افروخته شود (۱۲) و بهشت از نزدیک آرد (۱۳) در چنان هنگامه‌هایی هرکس به آنچه از عمل آماده کرده آگاه شود (۱۴) سوگند به ستارگانی که ایسی از غایب‌نشان در روز

۱۶ أَقْسَمُ بِالْخَنَسِ ۝^{۱۷} الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ۝^{۱۸} وَالْيَلِيلِ إِذَا عَسَّعَسَ ۝^{۱۹} وَالصَّبِيحِ إِذَا

به نقطه عیش در شب ابار می‌گردند (۱۵) ستارگانی که به سرعت می‌روند و پنهان می‌شوند (۱۶) سوگند به شب چون باسیاهی اش پشت کرده، روزه صبح می‌رود (۱۷)

نَفْسٍ ۝^{۲۰} إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ۝^{۲۱} ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ۝^{۲۲}

و سوگند به صبح هنگامی که می‌دمد (۱۸) که این (قرآن) کلام فرستاده‌ای ارجمند است (۱۹) نیرومندی که نزد صاحب عرش دارای مقامی بلند است (۲۰) (در عالم بالا)

مَطَائِعُ ثَمَرٍ أَمِينٍ ۝^{۲۳} وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ۝^{۲۴} وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأَفْ

مورد اطاعت فرشتگان، و امین است (۲۱) ای مردم مکه! در همنشین شما [محمد ﷺ] هیچ نوع دیوانگی نیست (۲۲) او بی تردید آن [فرستاده ارجمند] را در افق

۲۵ الْمُبِينِ ۝^{۲۶} وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ۝^{۲۷} وَمَا هُوَ يَقُولُ سَيُطَايِنُ رَحِيمٍ ۝^{۲۸}

روشن دیده است (۲۳) او در ابلاغ معارف قرآن [که از عالم غیب به او وحی شده] بخیل نیست (۲۴) قرآن [بر خلاف پندار برخی از شما] کلام شیطان [زنده شده نیست] (۲۵)

فَإِنَّ نَازِعَاتِ هُبُونٍ ۝^{۲۹} إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ۝^{۳۰} لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ

پس اباروی بر تافتن از قرآن [به کجای می‌رود]؟ (۲۶) قرآن فقط وسیله تذکر و بیداری برای جهانیان است (۲۷) هر کدام از شما که بخواهد [مستقیم] (۲۸) که

بَسْتَقِيمَ ۝^{۳۱} وَهَاتِئَاتُ أَفْوَانٍ ۝^{۳۲} إِنَّ آتَانَ يَتَشَاءُ اللَّهُ ۝^{۳۳} رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝^{۳۴}

راه اطاعت از خداوند و اجتناب از گناهان است [بپیماید] (۲۹) و شما ای مسعودان! بخواهید خواهیست مگر آن که برودگار جهانیان بخواهد (۳۰) (۳۱)

سُورَةُ الْاِنْفِطَارِ

مکة
۸۲آیاتها
۱۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ ۝^۱ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انشََّتْ ۝^۲ وَإِذَا الْبُحَارُ فُجِّرَتْ ۝^۳هنگامی که آسمان بشکافتد^(۱) و ستارگان پراکنده شوند^(۲) و دریاها به هم پیوندند
وَإِذَا الْغُبُورُ يُعْبَرَتْ ۝^۴ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ ۝^۵ يَا أَيُّهَا^(۳) و گورها زبر و گردند^(۴) هرکسی به آنچه از خبر و پیش فرستاده، و ایه آثاری که از خود باقی گذاشته آگاه می شود^(۵) ای انسان!الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَوْبَرِ ۝^۶ الذِّمَّةُ خَلَقَكَ فَسَوِّدَكَ فَبَعَدَ لَكَ ۝^۷چه چیز تو را به پروردگار بزرگوارت مغرور کرده است^(۶) همان کسی که تو را آفرید، و اندامت را درست و متناسب، و معتدل ساختهفِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ ۝^۸ كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالذِّينِ ۝^۹ وَإِنَّ عَلَيْكُمْ^(۷) و تو را در هر شکلی که خواست صورت بندی کرده^(۸) چنین نیست که برای ارتکاب گناه توجیه درستی داشته باشید، بلکه جزا ارتکاب می کنید و در نصایلَا أَفْظَنُ ۝^{۱۰} كِرَامًا كَانِبِينَ ۝^{۱۱} يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ۝^{۱۲} إِنَّ الْآبِرَارَانکار خود را از جام شوم گناه صوم می بندارند^(۹) بی تردید بر شما نگهبانانی گماشته اند^(۱۰) بزرگوارانی نویسنده^(۱۱) که آنچه را انجام می دهید می دانند و ثبتلَفِي نَعِيمٍ ۝^{۱۳} وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ ۝^{۱۴} يَصَلُّوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ ۝^{۱۵} وَمَا هُمْمی کنند^(۱۳) بدرستی نیکان در نعمت فراوانی قرار دارند^(۱۴) و بی گمان گناه کاران در دوزخند^(۱۵) که روز جزا ابارجی طاقت فرسا^(۱۶) در آن خواهند سوخت^(۱۷)عَنْهَا يُغَايِبِينَ ۝^{۱۶} وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ ۝^{۱۷} ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُو هرگز از آن بیرون نخواهند آمد^(۱۶) تو چه می دانی روز جزا چیست^(۱۷) باز هم تو چه می دانی روزالدِّينِ ۝^{۱۸} يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ ۝^{۱۹}جزا چیست^(۱۸) روزی که کسی از کسی چیزی از عذاب را دفع نمی کند، در آن روز حکومت و فرمانروایی ویژه خداست^(۱۹)

سُورَةُ الْاِنْفِطَارِ ۝

آیاتها
۳۶مکة
نبيها
۸۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

وَبَلِّغْ لِلْمُطَفِّفِينَ ۝^۱ الَّذِينَ إِذَا الْكُتَالُ أُعْلِيَ النَّاسُ يَسْتَوْفُونَ ۝^۲ وَإِذَاوای بر کم فروشان^(۱) آنان که چون از مردم کالایی را بالا پیمانه و وزن می ستانند، پُر و کامل می ستانند^(۲)كُلُوهُمْ أَوْ زَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ۝^۳ أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُونُونَو چون چیزی را به مردم با پیمانه و وزن می دهند کم می گذارند^(۳) آیا اینان یقین ندارند که حتمالَيَوْمٌ عَظِيمٌ ۝^۴ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۝^۵برانگیخته می شوند^(۴) برای روزی بزرگ^(۵) روزی که مردم در پیشگاه پروردگارشان ابرای محاسبه شدن^(۶) به پا می ایستند^(۷)

مکة
۸۵
آیاتها

سُورَةُ الْبُرُوجِ

آیاتها
۲۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ۱ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ ۲ وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ ۳
سوگنده آسمان که دارای برج هاست ۱ (سوگنده روزی که برای حسابرسی اعمال و وعده داده شده) ۲ (سوگنده به شاهد) ۳ (که بی‌شائبه است، و مورد مشاهده)
قِيلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ ۴ النَّارُ ذَاتِ الْوَقُودِ ۵ اِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ ۶
پس گفته شد: اصحاب آتش دوزخ ۴ آتش ذات الوقود ۵ اذ هم علیها قعود ۶
[که اعمال امت است] ۳ از رحمت خدا دور باشند اصحاب آتش دوزخ ۴ (سوگنده به شاهد) ۵ (که بی‌شائبه است، و مورد مشاهده)
وَهُمْ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ ۷ وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا ۸
و آنها بر آنچه می‌فعلند با مؤمنین شهود ۷ و آنچه از آنها نیکو نداشتند مگر این که
در کنارش نشسته بودند ۸ و اگر کمال بر حسی سوزانند مؤمنان را در خندق آتش نظاره گیر بودند ۷ و چیزی از مؤمنان ناپسندشان نبود مگر این که

بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ۸ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۹ وَاللَّهُ عَلَى
به خداوند توانای شکست‌ناپذیر ستوده ایمان داشتند ۸ خداوندی که مالکیت و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین در سیطره اوست،

كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۹ إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ شَرَّ لَرِ
همه چیز حاضر و شاهد است ۹ کسانی که مردان و زنان با ایمان را مورد شکنجه قرار دادند: شکنجه‌ای چون زنده زنده سوزاندن، سپس
يَبْؤُوبَ فَلَهُمْ عَذَابٌ تَحْتَهُ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ ۱۰ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ
توبه نکردند عذاب دوزخ و آتش سوزان برای آنان حتمی است ۱۰ بی تردید مؤمنانی که

عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۱۱ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ ۱۲
کارهای شایسته انجام داده‌اند، برای آنان بهشت‌هایی است که از زیر درختان آن نهرها جاری است، این است کامیابی

۱۱ إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ۱۲ إِنَّهُ هُوَ بَدِيٌّ وَبَعِيدٌ ۱۳ وَهُوَ الْغَفُورُ
بزرگ ۱۱ بی تردید کفر پروردگار بسیار شدید است ۱۲ اوست که [آفرینش را] آغاز می‌کند، و پس از فروپاشیدنش [باز می‌گرداند] ۱۳ و

الْوَدُودُ ۱۴ ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ ۱۵ فَعَالِمُ الْبُيُوتِ ۱۶ هَلْ أُنْكِرُ حَدِيثُ
بسیار امرونده و دوستدار مؤمنان است ۱۴ صاحب عرش و بلندمرتبه است ۱۵ آنچه را بخواهد انجام می‌دهد ۱۶ آیا خیر

الْجَنُودِ ۱۷ فِرْعَوْنُ وَثَمُودَ ۱۸ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ ۱۹ وَاللَّهُ
انسان‌هایان به تو رسیده است ۱۷ [اسپاهیان فرعون و ثمود] ۱۸ [قطعاً آنان انکار کننده نبوده‌اند، بلکه کافران] اوم تو امر انکاری سخت‌ترند ۱۹ البته خداوند از هر

مِنْ وَرَائِهِمْ خِيْطٌ ۲۰ بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ ۲۱ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ ۲۲
سویب آنان احاطه دارد ۲۰ [پندار کافران درباره قرآن پنداری یاهو و موهوم است، بلکه این قرآن پنداری بی‌فایده و بلندمرتبه است] ۲۱ (که در لوح محفوظ قرار دارد) ۲۲

مکة
۸۶
آیاتها

سُورَةُ الطَّارِقِ

آیاتها
۱۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ۝۱ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ۝۲ النَّجْمُ الثَّاقِبُ ۝۳ إِنَّ كُلَّ

سویکند به آسمان و پدیدار شونده در شب (۱) تو چه می دانی پدیدار شونده در شب چیست (۲) ستاره درخشانی است که ایروند تاریکی را می شکافد (۳) که هیچ کس نیست مگر

نَقِصٍ لِّمَا عَلَّمَهَا ۝۴ حَافِظًا ۝۵ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ۝۵ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ

لَئِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ ۝۶ إِنْسَانَ بَالِدًا بِدَقِّ يَتْرُكُ كَذَلِكَ جِيزَ الْوَيْدَةِ شَدِيدَ اسْتِ ۝۷ أَرَأَيْتُمْ جَهَنَّمَ الْوَيْدَةَ شَدِيدَ اسْتِ ۝۸ أَرَأَيْتُمْ جَهَنَّمَ الْوَيْدَةَ شَدِيدَ اسْتِ ۝۹ أَرَأَيْتُمْ جَهَنَّمَ الْوَيْدَةَ شَدِيدَ اسْتِ ۝۱۰

دَافِقٍ ۝۶ بَخْرَجَ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ۝۷ إِنَّكَ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ۝۸

می آید (۶) به بین خدایت که انسان را از بی جهمده می مقدار آورده، این باز در تاندن او به حیات دوباره پس از مرگش توانا است (۷) روزی که باطن ها آشکار شده، او مورد محاسبه قرار

يَوْمَ يُبْلَى السَّرِيرَةُ ۝۹ قَالَهُ مِنَ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِي ۝۱۰ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ۝۱۱

می گیرند (۹) پس انسان را برای دفع کفر آنه قدرتی است، و نه یاور (۱۰) سوگند به آسمان که دارای باران بی دریغی و تیریزش است (۱۱) و سوگند به زمین که دارای شکاف و شیار

وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ۝۱۲ إِنَّكَ لَقَوْلُ فَضْلٍ ۝۱۳ وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ ۝۱۴ إِنَّهُمْ

ابری جوشیدن چشمه سار ها و رویش گیاهان است (۱۲) بگر استی این قرآن سخنی است که مشخص کننده ا حق از باطل است (۱۳) و هرگز تسوخی نمی باشد نیست (۱۴) آنان برای

يَكِيدُونَ كَيْدًا ۝۱۵ وَكَيْدُهُمْ كَيْدًا ۝۱۶ فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَهْلُهُمْ رَوْبًا ۝۱۷

تا بوی حق انیرنگ می زنند (۱۵) و من نیز ابر بر این قرآن آن گونه که باید چاره و تدبیر می کنم (۱۶) پس کافران را عدتی اندک مهلت ده، ا تا در نهایت به کفر اعدا شان بر سند (۱۷)

يَسُ ۝۱۸ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝۱۹

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ۝۱ الذِّمَّةَ خَلَقَ فَسَوَّى ۝۲ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى ۝۳

نام پروردگار بلندمرتبه را به پاک بودن از هر عیب و نقصی استایش کن (۱) آن که آفرید و آفریده اش را درست و معتدل قرار داد (۲) و آن که به هر چیزی اقتداره دقیق داد،

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ۝۴ فَجَعَلَهُ شَعَثًا ۝۵ سَنَقَرْنَا لَكَ فَافْتَنَى ۝۶

و این مسیر مناسبتش هدایت کرد (۳) و آن که گیاهان را چراگاه را و پدید (۴) پس آن را خاشاک تیره رنگ ساخت (۵) ما قرآن را و هوس را بر زینت جاری می کنیم، و هرگز آن را

الْأَمَّا مِثْلَاءَ اللَّهِ ۝۷ إِنَّكَ لَعَلَّكَ أَتَىٰ بِالْجَهْرِ وَمَا يَخْفَى ۝۸ وَبَسِّرْكَ لِلْبَسْرِ ۝۹

فراموش نخواهی کرد (۶) جز آنچه را خدا بخواهد، که هر آینه او آنچه را آشکار و پنهان است می داند (۷) تو را بر اعمل و ابلاغ آسان ترین راه که شریعتش سخته و سهله است

فَذَكِّرْ ۝۱۰ نَفَعَتِ الذِّكْرَى ۝۱۱ سَيِّدُكَ وَمَنْ يَخْشَى ۝۱۲

توفیق می دهیم (۸) پس ابردم را اندر ده اگر اندر به حال اندر گیرنده سودمند باشد (۹) کسی که از خدا می ترسد بهر استی اندرز را می پذیرد (۱۰) و بدبخترین ابردم

بَنَجْنِبُهَا الْأَشْقَى ۝۱۱ الذِّمَّةَ يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى ۝۱۲ ثُمَّ لَا يَمُوتُ ۝۱۳

از آن کنار می گیرد (۱۱) همان کسی که در بزرگترین و سوزان ترین آتش جاودانه اگر فشار می شود (۱۲) آن گاه در آن جا نه می میرد، و نه حیات اقبال قبولی خواهد داشت (۱۳)

فِيهَا وَلَا يَحْيَى ۝۱۴ فَذَكِّرْ ۝۱۵

بسی گمان کسی که خود را از زشتی ها و عیوب باطنی پاکیزه کرد از مواضع راه سعادت ابروز است (۱۴) همان که نام پروردگار را با توحه قلبی به زبان آورد، و نثار خواند (۱۵)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝۱۹

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ۝۱ الذِّمَّةَ خَلَقَ فَسَوَّى ۝۲ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى ۝۳

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ۝۴ فَجَعَلَهُ شَعَثًا ۝۵ سَنَقَرْنَا لَكَ فَافْتَنَى ۝۶

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ۝۴ فَجَعَلَهُ شَعَثًا ۝۵ سَنَقَرْنَا لَكَ فَافْتَنَى ۝۶

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ۝۴ فَجَعَلَهُ شَعَثًا ۝۵ سَنَقَرْنَا لَكَ فَافْتَنَى ۝۶

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ۝۴ فَجَعَلَهُ شَعَثًا ۝۵ سَنَقَرْنَا لَكَ فَافْتَنَى ۝۶

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ۝۴ فَجَعَلَهُ شَعَثًا ۝۵ سَنَقَرْنَا لَكَ فَافْتَنَى ۝۶

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ۝۴ فَجَعَلَهُ شَعَثًا ۝۵ سَنَقَرْنَا لَكَ فَافْتَنَى ۝۶

بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَوَاتَ الدُّنْيَا ۱۶ وَالْآخِرَةَ خَيْرَ وَأَبْقَى ۱۷ إِنَّ
إِنَّمَا مَنكَرَانِ مَتَكَبِّرُونَ بِرُؤُوسِ يَأْكُلَانِ لَيْسَتُنَا بِلَكَّةٍ زُنُكِيٍّ (وَدَعَلَر دُنْيَا رَا اِبْرَ اُخْرَتَ نُرُوعَمَت جَاوِدَانِ ا نُرُجِج مِي دِهِيْد (۱۶) دَر حَالِي كِه
هَذَا إِنِّي الصُّحُفِ الْأُولَى ۱۸ صُحُفِ ابْرَاهِيمَ وَهَارُونَ ۱۹
اُخْرَتَ يَهَنُو وَبَايِنْدَه تَر اِسْت (۱۷) اَمِنْ ا حَقَائِقِ بِيَانِ شُدِه ا دَر كِتَابِ هَايِ اَسْمَائِي بِشَمِشِ نَبُو اَمْدَه اِسْت (۱۸) كِتَابِ هَايِ اِبْرَاهِيْم وَهَارُونِ (۱۹)

سُورَةُ الْجَاشِيَةِ

آیاتها
۲۶

مکته
۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ ۱ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَالِشَةٌ ۲ عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ ۳
اَيَا اَخْبَر اَنْ حَادَثَه هَوْلَانَا فَرَاكِبَر بَه تُو رَسِيْدَه اِسْت (۱) چِهْرَه هَايِي دَر اَنْ رُوْزِ شَكْسْتَه وَ خَوَارِنْد (۲) اَنَّا كِه اِدْر دُنْيَا تَلَاش
تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً ۴ تَسْقَى مِنْ عَيْنِ اِنِيَّةٍ ۵ لَبَسَ لَهُمْ طَعَامًا لِّاَمْنٍ ۶
نُرُوحَمَت دَاشْتَنْدَه وَ اَز اَنْ اِدْر قِيَامَت اِبْطَوْرَا كَمَل مِي يَهْرَوَا نْد (۳) دَر اَنْشِي سَوْرَانِ دَر اَيِنْدَه (۴) اَنَّا رَا ز چَشْمَه اِي بَسِيَار دَاغ مِي نُوْشَا نَنْد (۵) خَوْرَا كِي جُو
ضَرِيعٌ ۶ لَا يُسَمِّنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ ۷ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ ۸
خَارِ خَشَك وَ زَهْرَا كِي نَدَارِنْد (۶) كِه اَنْ اَنْ خَارِ خَشَك اَنَه فَرَبِه مِي كُنْدَه وَ نَه گَر سَنَكِي رَا بِر طَرَف مِي سَاَز (۷) دَر اَنْ رُوْزِ چِهْرَه هَايِي شَا دَا بِنْدَه (۸)
لَسَعِيْمًا رَاضِيَةً ۹ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۱۰ لَأَسْمَعُ فِيهَا الْاَغْنِيَةَ ۱۱ فِيهَا عِلْبَنٌ ۱۲
اَز تَلَا شَمْنِ رَا ضِي وَ خَشُونْدَنْد (۹) دَر بَهْشْتِي نَبَرِيْن جَايِ دَارِنْد (۱۰) دَر اَنْ جَا اِسْخَنِي بِيَهْرَه نَمِي شُونْدَنْد (۱۱) چَشْمَه اِي
جَارِبَةٍ ۱۲ فِيهَا سُرُورٌ مَرُوفٌ ۱۳ وَ اَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ ۱۴ وَ نَمَارِقٌ مَصْفُوفَةٌ ۱۵
رُوْنِ دَر اَنْ اِسْت (۱۲) تَخْتِ هَايِي بِالرُّؤُوسِ وَ بِرَا فَرَا شْتَه دَر اَنْ جَا سْت (۱۳) وَ اِدْر كَنَارِ چَشْمَه اِي جَامِ هَايِي نِهَادَه اَنْد (۱۴) وَ بِالرُّؤُوسِ هَايِي رَدِيْقَه مِي چِيْدَه اَنْد
وَزَرًا لِي مَبْنُوتَةٍ ۱۶ اَفَلَا تَنْظُرُونَ اِلَى الْاُيُلِ كَيْفَ خَلَقْتُ ۱۷ وَ اِلَى
(۱۵) وَ دَر اَنْ جَا فَرَشِ هَايِي زُرْ بَا قَت گَسْتَر ده اَنْد اِتَا بَهْشْتِي اَنْ اَز نَسْتَن رُوِي اَنْ هَا بَهْرَه مَنْدَه شُونْدَنْد (۱۶) اَيَا اِسْكَر اَنْ تُو حَيِدَه مَعَاد اِيَادَقَت بَه شَر نَظَر نَمِي كُنْدَه
السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ۱۸ وَ اِلَى الْاِلْبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ۱۹ وَ اِلَى الْاَرْضِ
كَيْفَ سَطَحَتْ ۲۰ فَذَكِّرْ اِنَّمَا اَنْتَ مُذَكَّرٌ ۲۱ اَسْتَ عَلَيْهِمْ
كِه چَكُونَه اَفْرِيْدَه شُدَه اِسْت (۱۷) وَ بَه اَسْمَانِ نَمِي نَكُرِنْدَه كِه چَكُونَه بَر اَفْرَا شْتَه شُدَه اِسْت (۱۸) وَ بَه كَوَهَا كِه چَكُونَه بَر يَادَا شْتَه شُدَه اَنْد (۱۹) وَ بَه زَمِيْنِ
بِمَصْبُورٍ ۲۲ الْاَمْرُنْ تَوَلَّى وَ كَفَرَ ۲۳ فَيَعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ
كِه چَكُونَه گَسْتَر ده شُدَه اِسْت (۲۰) بَئْسَ اَلْاَنْ رَا بَه اَيْنِ حَقَائِقِ اَنْدَكُر ده اَكِه تُو فَلَظَقْتَا دَكُر دَهْنْدَه اِي (۲۱) بَر اَلْاَنْ سَلَامَتِ نِيْسْتِي اَكِه بَه قَبُولِ تُو حَيِدَه مَعَاد مَجْبُور شَان
اَكْبَرُ ۲۴ اِنَّ اِلَيْنَا اِيَابَهُمْ ۲۵ ثُمَّ اِنَّ عَذَابَنَا جَسَابَهُمْ ۲۶
كُنِي (۲۲) اَوْتَا دَكُر بَر اِي هَمِه سُو دَهْنْدَه اِسْت ا مَكُر كَسِي كِه اِبْدَه اَز تَا دَكُر اِي بِي دَر بِي ا رُوِي بَر كُر دَا نْدَه وَ بَه كَفَر وَ رُوِي اَش ا دَا مَه دَهْد (۲۳) نَهَايَتَا خُدَاوَنْدَا وَ اَبَه عَذَابِ
اَلْاَكْبَرُ ۲۴ اِنَّ اِلَيْنَا اِيَابَهُمْ ۲۵ ثُمَّ اِنَّ عَذَابَنَا جَسَابَهُمْ ۲۶

بزرگتر عذاب می کند (۲۴) همانا بازگشت آنان به سوی ماست (۲۵) آن گاه حسابشان بر عهده ماست (۲۶)

سُورَةُ الْفَجْرِ

آیاتها
۲۰مکة
روسیا
۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشه

وَالْفَجْرِ ۱ وَلَيَالٍ عَشْرٍ ۲ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ۳ وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ ۴ هَلْ

سوگند به سپیده دم (۱) و به شب های ده گانه (۲) و به زوج و فرد (۳) و به شب هنگامی که می رود (۴)

فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرِ ۵ أَلَمْ تُرَكِّبْ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ۶ إِرْمَ ذَاتِ

آباد این سوگند ها سوگندی است از اوار و اطمینان بخش برای شخص خردمند هست (۵) آیا ندانسته ای که پروردگارت با عادیان چه کرد؟ (۶) [و یا شهر] ارم،

الْعِمَادِ ۷ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ ۸ وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا

که دارای ساختمان های بلند و مستحکم بود [چهار تنی داشت]؟ (۷) همان شهری که مانندش در سرزمین ها ساخته نشده بود (۸) و ابانیمودیان، که در سرزمینشان

الصَّخْرِ بِالْوَادِ ۹ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَارِ ۱۰ الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ ۱۱

تخته سنگ های سخت و بزرگ را برای ساختن ساختمان های مصون از زلزله و توفان می پریدند [چه کرد؟] (۹) و ابانیمودیان بسیار قدرتمند و شکنجه گر [چگونه رفتار نمود؟] (۱۰)

فَاكْثُرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ۱۲ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ۱۳ إِنَّ

همان عادیان و نمودیان و فرعونیان که در شهر ها طغیان کردند (۱۱) و در آن ها تبهکاری و فتنه زبانی به بار آوردند (۱۲) پس پروردگارت عذاب بیایی و شدیدی را بر آنان فرود آورد (۱۳)

رَبَّكَ لَبِئْسَ مَا لِرُحَادٍ ۱۴ فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ

بی تردید پروردگارت در کمین [همه انسان ها] است، [به این علت] راه فراری از عذاب او ندارند [۱۴] اما انسان، چون پروردگارش در جهت آزمایش او، با حفظ شخصیتش

فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ۱۵ وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ

سودی به او رساند، [و رفاه و راحتی نصیب او کند،] می گوید: پروردگارم [به خاطر] لیاقتم به من سود و رفاه بخشید، و [اما زمانی که در جهت

فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ ۱۶ كَلَّا بَلْ لَا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ ۱۷ وَلَا تَحَاضُّونَ

از مایش او رزش را بر او تنگ بگیرد، می گوید: پروردگارم مرا خوار کرده است! (۱۶) چنین نیست [که در باره کار خدا از زیبایی می کنند؛ بلکه] سبب خواری شما این است

عَلَىٰ طَعَامِ الْمُسْكِينِ ۱۸ وَتَأْكُلُونَ الثَّرَاثَ أَكُلًا مَّسًّا ۱۹

که [یتیم را] اکران نمی کنید (۱۷) و یکدیگر را بر طعام دادن به بیچارگان تشویق نمی کنید (۱۸) و میراث [دیگران] را [ضمیمه ثروت خود کرده،] [یکجای خورید] (۱۹)

وَيُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ۲۰ كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا

و بسیار عاشق و دلباخته ثروت هستند (۲۰) چنین نیست [که می گوید] مورد اهانت خدا قرار گرفته اید، هنگامی که زمین به شدت

دَكًّا ۲۱ وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ۲۲ وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ

در هم کوبیده شود (۲۱) و فرمان [پروردگارت] مبنی بر انجام امور قیامت [در رسد، و فرشتگان صف به صف] برای اجرای امور ایشان بیابند (۲۲)

بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّىٰ لَهُ الذِّكْرَىٰ ۲۳

در آن روز، [دوزخ را] در برابر دیدگان همه حاضر کنند، آن وقت است که [انسان متذکر] همه امور می شود، ولی این متذکر شدن چه سودی برای او دارد؟ (۲۳)

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ﴿٢٢﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابُهُ أَحَدًا ﴿٢٥﴾

می گوید: ای کاش از پیش برای این زندگی آخرتی [ام] عبادت و کار نیک و نوشته مناسب [فرستاده بودم] (۲۴) پس در آن روز هیچ کس چون عذاب خدا عذاب نمی کند (۲۵)

وَلَا يُؤْتِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ ﴿٢٦﴾ يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ ارْجِعِي إِلَىٰ

و احدی چون به بند کشیدن او به بند نمی کشد (۲۶) آن گاه خداوند به بندگان با ایمانش خطاب می کند: ای روح آرام یافته (۲۷) به سوی

رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ﴿٢٩﴾ وَادْخُلِي جَنَّاتٍ ﴿٣٠﴾

پروردگار تبارگرد ادر حالی که اتواز او [خشنودی و او هم از تو] خشنود است (۲۸) پس در بین بندگان راستینم در ای (۲۹) و در بهشت و نزهت وارد شو (۳۰)

سُورَةُ الْبَلَدِ ﴿٢٠﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ ﴿١﴾ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ ﴿٢﴾ وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ ﴿٣﴾ لَقَدْ

سوگند به این شهر مکه (۱) در حالی که تو در آن سکونت داری (۲) و سوگند به پدری [ارجمند] چون ابراهیم، و فرزندش که پدید آورده است [چون اسماعیل] (۳) همانا

خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ﴿٤﴾ اِنْحَسِبْ أَنَّ لَكَ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ﴿٥﴾ يَقُولُ

ما انسان را فرو رفته در رنج و سختی آفریدیم (۴) آیا می پندارد که هرگز کسی بر او دست نیابد؟ (۵) از روی گردنکشی و فخر فروشی می گوید:

أَهْلَكْتُ مَا لَا لَبَدًا ﴿٦﴾ اِنْحَسِبْ أَنَّ لَمِرَّةَ أَحَدٌ ﴿٧﴾ أَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ

ثروت فراوانی را [در کارهای بزرگی] هزینه کرده ام (۶) آیا [در این هزینه کردن مال] پندارش این است که احدی او را ندیده است [که آنچه را انجام داده

﴿٨﴾ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ﴿٩﴾ وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ﴿١٠﴾ فَلَا اقْطَمَ الْعُقَبَةَ ﴿١١﴾

نبت کند؟ (۷) آیا برای او دو چشم قرار ندادیم؟ (۸) و یک زبان و دو لب (۹) و او را به دو راه [خیر و شر] هدایت نکردیم [تا خیر را برگزیده، و از شر دوری

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعُقَبَةُ ﴿١٢﴾ فَكُ رَقَبَةٍ ﴿١٣﴾ أَوْ اطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ﴿١٤﴾

جوید؟ (۱۰) پس او در آن گردنه وارد نشد (۱۱) و توجه می دانی که آن گردنه چیست؟ (۱۲) از اذ کردن برده (۱۳) یا طعام دادن در روز گرسنگی و قحطی

بِتِمَّازٍ مَقْرَبَةٍ ﴿١٥﴾ أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ﴿١٦﴾ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا

(۱۴) به یتیمی خویشاوند (۱۵) یا بیچاره ای خاک نشین (۱۶) گذشته از این تکالیف، از کسانی باشند

وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَةِ ﴿١٧﴾ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْمُؤْمِنَةِ ﴿١٨﴾

که ایمان آورده، و یکدیگر را به صبر و مهر بانی توصیه کرده اند (۱۷) اینان [که دارندگان همه این ویژگی ها هستند] سعادت مندان دنیا و آخرتند (۱۸)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَةِ ﴿١٩﴾ عَلَيْهِمْ نَارُ مُؤَصَّدَةٍ ﴿٢٠﴾

و کسانی که آیات ما را انکار کردند شقاوت مندان [دوسرا] هستند (۱۹) که آتشی در بسته بر آنان احاطه دارد؛ آتشی که هیچ راه گریزی از آن ندارند (۲۰)

سُورَةُ الشُّعَرِ ﴿١٥﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

وَالشَّمْسُ وَحُجَّتْهَا ① وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّهَا ② وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّلَهَا ③ وَاللَّيْلُ

سوگند به خورشید، و نورش چون بتابد (۱) و به ماه چون به دنبالش برآید (۲) و به شب وقتی که تاریکی اش زمین را می پوشاند (۳) و به

إِذَا بَغَشَّهَا ④ وَالسَّمَاءُ وَمَا بَنَاهَا ⑤ وَالْأَرْضُ وَمَا لَحَّهَا ⑥ وَنَفْسٌ وَمَا

آسمان و کسی که آن را بنا کرد (۴) و به زمین و آنچه بر آن را گسترش داد (۵) و به نفس آدمی و کسی که آن را درست و معتدل ساخت (۶) پس زشت کاری و طریقه خوندگهاری

سَوَّيْنَاهَا ⑦ فَالْهَمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ⑧ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ⑨ وَقَدْ

از آن را به نفس شناساند (۷) بهر استی کسی که نفس را از زشت کاری پاک کرد (۸) تا به رشد لایقش برسد، ابر موانع راه سعادت پیروز شد (۹) و کسی که آن را به زشت کاری آلود

خَابَ مَنْ دَسَّهَا ⑩ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا ⑪ إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا ⑫

بی گمان از رشد و کمال و رحمت حق محروم شد (۱۰) ثمودیان به سبب طغیانشان ایامبرشان را انکار کردند (۱۱) زمانی که بدبختترین آن ها برای پی کردن ناقه تحریک

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ⑬ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا

شد (۱۲) پس فرستاده خداوند به آنان گفت: از حمله به ناقه خدا، و منع کردنش از خوردن آب بپرهیزید (۱۳) ولی او را انکار کردند، و ناقه را به هلاکت رساندند، در نتیجه پروردگارشان

فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّيْنَاهَا ⑭ وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ⑮

آنان را به کیفر گناهشان به عذابی فراگیر دچار ساخت، و همه ثمودیان و دیارشان را با خاک یکسان کرد (۱۴) و از سر انجام این امور برای هیچکس و هیچ ملتی ابروایی ندارد (۱۵)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

وَاللَّيْلُ إِذَا بَغَشَّيْ ① وَالنَّهَارُ إِذَا تَجَلَّى ② وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ③

سوگند به شب آن گاه که تاریکی اش زمین را می پوشاند (۱) و به روز هنگامی که جلوه گر می شود (۲) و به آن که جنس آن را ماده و آنرید (۳) که تلاشتان گوناگون است (۴) اما کسی

إِنْ سَعَيْكُمْ لَشَيْ ④ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى ⑤ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى ⑥

که از ثروتش در راه خدا بخشش کرد، و خود را از ثروت اندوزی و بخل انکه داشت (۵) و نیکوترین ایداش حق را تصدیق کرد (۶) پس او را برای حرکت در آسان ترین راه [که صراط

فَسُنْبِسِرُهُ لِلْبُسرِ ⑦ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى ⑧ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى ⑨

مستقیم است] آماده می کنیم (۷) اما کسی که از هزینه کردن ثروت بخل ورزید، و نسبت به نیکوترین ایداش حق احساس بی نیازی کرد (۸) و بلکه نیکوترین ایداش را انکار کرد (۹)

فَسُنْبِسِرُهُ لِلْعُسْرَى ⑩ وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى ⑪ إِنَّ عَلَيْنَا

پس او را برای راهی سخت [که مسیر دوزخ است] آماده می سازیم (۱۰) و چون در آید سقوط و هلاکت افتد ثروتش چیزی از عذاب را از او بر طرف نمی کند (۱۱) همانا هدایتگری ادر

لَلْهُدَى ⑫ وَإِنَّ لَنَا لِلْآخِرَةِ وَالْأُولَى ⑬ فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى ⑭

مورد خیر و شر، و فرجام هر دو فقط بر عهده ماست (۱۲) و هر آینه دنیا و آخرت نیز ادر سیطره مالکیت ماست (۱۳) در نتیجه شمار از آتشی که زیانه می کشد هشدار می دهیم (۱۴)

لَا يَصْلُهَا إِلَّا الْأَشْقَى ۝ (۱۵) الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى ۝ (۱۶) وَسَيُجَنَّبُهَا

که جز بدبختترین مردم اند آن نمی سوزند (۱۵) همان که [حقایق را] انکار کرد، و از آن ها آروزی بر نداشت (۱۶) البته به زودی با تقوایترین مردم از آن دور می دارند (۱۷) همان که از

الْآتِقَى ۝ (۱۷) الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى ۝ (۱۸) وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ

لرزش اتفاق می کند، و خواهان باکی اورش ندانست (۱۸) برای احدی نزد خداوند [حق] انعمی نیست که [بابت مالی که اتفاق کرده] پاداشش دهند (۱۹) [تقوایست مخلص]

تُجْزَى ۝ (۱۹) إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى ۝ (۲۰) وَلَسَوْفَ يَرْضَى ۝ (۲۱)

جز برای به دست آوردن خشنودی پروردگار بلند مرتبه اش [اتفاق نمی کند] (۲۰) او در آینده [با به دست آوردن رحمت و پاداش بی نهایت خداوند] خشنود خواهد شد (۲۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالضُّحَىٰ ۝ (۱) وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ ۝ (۲) مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ ۝ (۳)

ای پیامبر! سوگند به ابتدای روز (۱) و به شب آن گاه که آرام گیرد (۲) که پروردگارت تو را وانگذاشته، و [بر تو] خشم نگرفته (۳)

وَلَا أُخِرُ خَبْرُكَ مِنَ الْأُولَىٰ ۝ (۴) وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ

بی تردید آخرت برایت از دنیا بهتر است (۴) به زودی پروردگارت [به اندازه ای] عطایت می کند

فَتَرْضَىٰ ۝ (۵) أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ ۝ (۶) وَوَجَدَكَ ضَالًّا

تا خشنود شوی (۵) آیا یتیم نیافت، پس [تو را] پناه داد؟ (۶) و تو را گم گشته یافت پس [تو را]

فَهَدَىٰ ۝ (۷) وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ ۝ (۸) فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ۝ (۹)

راهنمایی کرد؟ (۷) و از مال دنیا [تنگدستت دید، و [تو را] بی نیاز کرد؟ (۸) پس بر یتیم سلطه مجوی! [که به حقارت و خواری دچار شود]

وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ۝ (۱۰) وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ۝ (۱۱)

(۹) و گدای درخواست کننده را با خشونت از خود مران! (۱۰) و نعمت های پروردگارت را [برای خانواده ات و مردم] بازگو کن! (۱۱)

سُورَةُ الشَّرْحِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ۝ (۱) وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ۝ (۲) الَّذِي أَتَقَضَّ

ای پیامبر! آیا سینه ات را برای تحفل و حی، و هر گونه حادثه ای در برابر ابلاغ آن [گشایش ندادیم؟ (۱) و بار گرانت را [که در ابتدای رسالت بر عهدت بود] فرو

ظَهَرَكَ ۝ (۳) وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ۝ (۴) فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۝ (۵) إِنَّ مَعَ

نهادیم؟ (۳) همان ابزاری که [برایت سخت بود و] پشت را شکست (۴) و آوازه ات را بلند نکردیم؟ (۵) پس به راستی با هر دشواری آسانی است (۵) آری بی شک

الْعُسْرِ يُسْرًا ۝ (۶) فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ۝ (۷) وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ۝ (۸)

با هر دشواری آسانی است (۶) هنگامی که [از تکالیف سنگین] آرامش یافتی باز خود را [به تکالیف مهم دیگری] وادار (۷) و مشتاقانه به سوی پروردگارت توجه کن! (۸)

سُورَةُ

آیاتها ۸

التین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْتِّينِ وَالزَّيْتُونِ ۝۱ وَطُورِ سِينِينَ ۝۲ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ۝۳

سوگند به انجیر و زیتون (۱) سوگند به طور سینا (۲) سوگند به مکه این شهر امن (۳)

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ۝۴ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ۝۵

که ما انسان را در نیکوترین نظم و اعتدال آفریدیم (۴) سپس او را به سبب گناهانش و اصرار بر آن ها به پست ترین پست ها بازگردانیم

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ۝۶

(۵) به جز مؤمنانی که کارهای شایسته انجام داده اند که آنان را پاداشی پایان ناپذیر و بی منت است (۶)

فَمَا يَكْذِبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ ۝۷ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ ۝۸

پس ای انسان! چه چیز تو را بعد از دلایل روشنگرایی به انکار دین و روز جزا وادار می کند؟ (۷) آیا خداوند در داوری بهترین داوران نیست؟ (۸)

آیاتها ۱۹

سُورَةُ الْعنْكَافِ

مَكَّة

آیاتها ۹۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۝۱ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ۝۲ اقْرَأْ وَرَبُّكَ

بخوان به نام پروردگارت که جهان و موجوداتش را آفرید (۱) انسان را از خون لخته به وجود آورد (۲) بخوان! در حالی که پروردگارت کریم ترین (کریمان است) همان که به وسیله قلم، آتش و ثبت کردن

الْأَكْرَمُ ۝۳ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ۝۴ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ۝۵ كَلَّا إِنَّ

را انبوهتر (۴) او به انسان آنچه را که نمی دانست آموخت (۵) چنین نیست که همه انسان ها اهل سیاست باشند، بلکه انسان در برابر نعمت آفریده شدن خود، قلم و دانش اطمینانگر است (۶) برای این که

الْإِنْسَانَ لَبِئْسَ أَفْئَةً ۝۶ أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَىٰ ۝۷ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ ۝۸ أَرَأَيْتَ الَّذِي

اینگونه بدخلوشی های واهی، خود را از عنایات خداوند بی نیاز می داند (۷) مسلماً بازگشت همه فقط به سوی پروردگار توست (۸) مرا خبر ده آن کس که باز می دارد (۹) بنده ای را چون نماز می خواند،

بَنَىٰ ۝۹ عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ ۝۱۰ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَىٰ الْهُدَىٰ ۝۱۱ أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ ۝۱۲

ایستاده و ایستاده (۱۰) مرا خبر ده که چه این بنده نمازگزار را بر هدایت باشد (۱۱) یا به اطاعت از خداوند و پرهیز از محرماتش فرمان دهد، (۱۲) مرا خبر ده

أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ۝۱۳ أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ ۝۱۴ كَلَّا لَئِنْ

چنانچه این بازدارنده حقایق را انکار کند، و از فرمان حق آری بر تابد، (۱۳) آیا در خور مجازات گوینده نیست؟ (۱۴) آیا ندانسته که مسلماً خداوند همه کارهایش را می بیند؟ (۱۵) چنین نیست که نمی بیند!

لَمْ يَنْتَهِ لِنَسْفَعَا بِالنَّاصِيَةِ ۝۱۵ نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ۝۱۶ فَلْيُعْ نَارِبَهُ

چنانچه از اعمال زشتش باز نایستد، موی جلوی سرش را به قهر می گیریم (و به دوزخش می کشانیم) (۱۵) همان موی جلوی سر و غگوی خطایش را (۱۶) آن جاست که ابداً اهل محفلش را به

سَنُذْخِرُ الزَّبَانِيَةَ ۝۱۸ كَلَّا لَا نَطْعُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ۝۱۹

باری (۱۷) ما نیز اسامع را سرسخت آتش را خواهیم خواند (۱۸) چنین نیست که بتواند برای نجات خود کاری کند از او هرگز اطاعت ممکن و سجده بجای آید (۱۹) و اقتراب جوی (۱۹)



الْقَلْبَانِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سُورَةُ
تَبَارَكَ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ۝

ههنا ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم (۱) و تو چه میدانی شب قدر چیست؟ (۲)

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَبْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ۝ تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالسُّورُ

شب قدر از هزار ماه بهتر است (۳) در آن شب فرشتگان و روح

فِيهَا يَأْذِنُ رَبُّهُمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ ۝ سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ ۝

به این پروردگارشان برای تنظیم و تقدیر هر کاری نازل می‌شوند (۴) آن شب تا برآمدن سپیده سحر از سلامت است (۵)

سُورَةُ الْبَيِّنَاتِ

آیاتها
۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی‌اش همیشگی

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِّينَ حَتَّىٰ

کافران از اهل کتاب و مشرکان بر این نبوده‌اند که [از آیینشان] جدا شوند، تا آن دلیل روشن برای آنان بیاید (۱) [دلیل روشن همانا فرستاده

تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ ۝ رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً ۝ فِيهَا

[باعظمت و بی نظیرا از سوی خدا [محمّد بن عبدالله ﷺ] است که صحیفه‌های پاک [و پیراسته از هر باطلی] را [بر مردم] می‌خواند (۲)

كُتِبَ قِيسَمَةٌ ۝ وَمَا نَفَرَقَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْحِكْمَ كِتَابَ الْإِيمَانِ بَعْدَ

در آن‌ها نوشته‌هایی استوار و بی شائبه است (۳) اهل کتاب [در هر عصر و زمانی] گروه گروه [و دارای عقاید و آیین‌های گوناگون] نشدند

مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ ۝ وَمَا آمُرُوا إِلَّا بِالْعِبَادَةِ وَاللَّهُ مُخْلِصِينَ

مگر پس از آن که دلیل روشن [الهی] برای آنان آمد (۴) در حالی که فرمان نیافته بودند جز آن که خدا را بپرستند، در حالی که

لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءُ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ

ایمان و عبادت و برای او [از شرک] خالص کرده، و حق را باشند، و نماز را با برابط و ویژه‌اش [بخوانند، و زکات بپردازند؛ این است دین مستقیم

الْقِيَمَةِ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي

و قوام بخش ایبه زندگی (۵) ههنا کافران از اهل کتاب و مشرکان

نَارِ نَحْمَسَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ

در آتش [دورخ] جاودانه‌اند، اینان بدترین مخلوقاتند (۶) بی تردید

أَمَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ۝

کسانی که مؤمنند و کارهای شایسته انجام داده‌اند بهترین مخلوقاتند (۷)

جَزَاءُ لَهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ﴿٨﴾

پاداششان نزد پروردگارشان بهشت‌های پاینده‌ای است که از زیر درختان آن نهرها جاری است، در آن همواره

فیمایشان را راضی است و راضی هستند از خداوند و خداوند از آنان خشنود است، آنان هم از خداوند خشنودند، این پاداش و پره کسی است که از پروردگارش هراسان است (۸)

جاودانه‌اند، خداوند از آنان خشنود است، آنان هم از خداوند خشنودند، این پاداش و پره کسی است که از پروردگارش هراسان است (۸)

آیاتها ۸
سورة الزلزلة
مدینه
توبه
۹۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی‌اش همیشگی

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ﴿١﴾ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ﴿٢﴾ وَقَالَ

چون زمین را با شدیدترین لرزشش بلرزانند (۱) و زمین بارهای گران‌اش را بیرون اندازد (۲) و انسان بگوید:

الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ﴿٣﴾ يَوْمَئِذٍ تُخْبِتُ أَخْبَارَهَا ﴿٤﴾ بَانَ رَبُّكَ أَوْحَىٰ لَهَا

زمین را چه شده است؟ (۳) آن روز زمین اخبارش را می‌گوید (۴) زیرا پروردگارت به او وحی کرده است

﴿٥﴾ يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ ﴿٦﴾ فَمَنْ يَعْمَلْ

(۵) در آن روز مردم گروه گروه باز می‌گردند تا اعمال [تجسم یافته] شان [به صورت نعمت بهشت یا عذاب دوزخ] به آن‌ها نشان داده شود (۶) پس هرکس

مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿٧﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿٨﴾

هموزن ذره‌ای نیکی کند، آن را می‌بیند (۷) و [نیزا] هرکس هموزن ذره‌ای بدی کند، آن را می‌بیند (۸)

آیاتها ۱۱
سورة العنكبوت
مکه
توبه
۱۰۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی‌اش همیشگی

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا ﴿١﴾ فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا ﴿٢﴾ فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا ﴿٣﴾

سوگند به اسبان دوندۀ ای که همه‌ه کنان [به سوی میدان جهاد] می‌تازند! (۱) و به اسبانی که با کوبیدن سمشان بر سنگ‌ها جرقه می‌جهانند! (۲) و به

فَاثِرْنَ بِهِ نَقْعًا ﴿٤﴾ فَوَسْطُونَ بِهِ جَمْعًا ﴿٥﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ

سواران مجاهدی که به وقت صبح غافل گیرانه [به دشمن] هجوم می‌برند! (۳) و با آن [هجوم] گرد و غبار فراوانی بر می‌انگیزند! (۴) پس [در آن هنگامه] در

لَكَفُورٍ ﴿٦﴾ وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ ﴿٧﴾ وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ

بین گروهی دشمن درآیند (۵) که همانا انسان به پروردگارش بسیار ناسپاس است (۶) و البته خودش بر این [ناسپاسی] آگاه است (۷) و همانا او به سبب

لَشَدِيدٍ ﴿٨﴾ أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ ﴿٩﴾

عشق و دلدادگی به ثروت، به شدت بخل می‌ورزد! (۸) آیا نمی‌داند وقتی آنچه را در گورهاست بیرون می‌ریزند! (۹)

وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ ۝۱۰ إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ ۝۱۱

و آنچه را در سینه هاست آشکار می کنند (۱۰) به راستی در آن روز پروردگارشان به آنان و احوال و اعمالشان به صورتی دقیق آگاه است (۱۱)

آیاتها ۱۱
سورة القارعة
مکة
زیبیا
۱۰۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

الْقَارِعَةُ ۝۱ مَا الْقَارِعَةُ ۝۲ وَمَا أَذْرُكَ مَا الْقَارِعَةُ ۝۳ يَوْمَ يَكُونُ

آن حادثه کوبنده (۱) چیست آن حادثه کوبنده؟ (۲) و تو چه می دانی آن حادثه کوبنده چیست؟ (۳) روزی که مردم

النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ۝۴ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ

در سراسیمگی چون پروانه های پراکنده اند (۴) و کوه ها مانند پشم رنگین

الْمُنْفُوشِ ۝۵ فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ۝۶ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ

حلاجی شده از هم باز می شوند (۵) اما کسی که اعمال وزن شده اش سنگین او با ارزش است (۶) در زندگی

رَاضِيَةٍ ۝۷ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ۝۸ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ ۝۹

خوش و پسندیده ای است (۷) و اما کسی که اعمال وزن شده اش سبک او بی ارزش است (۸) پناهگاهش «هاویه» است (۹)

وَمَا أَذْرُكَ مَا هِيَةٌ ۝۱۰ نَارُ حَامِيَةٍ ۝۱۱

تو چه می دانی هاویه چیست؟ (۱۰) آتشی است بسیار پُر حرارت و سوزان (۱۱)

آیاتها ۸
سورة التكاثر
مکة
زیبیا
۱۰۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

الْمَنَکُ التَّکَاثُرُ ۝۱ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ۝۲ کَلَّا سَوْفَ

فخر فروشی به یکدیگر در باره ثروت و نفرات، شمارا از خدا و قیامت و تکالیف مهم، به خود سرگرم کرده است (۱) تا جایی که از قبرها دیدار کرده، و به تعداد مردگان نیز

نَعْلَمُونَ ۝۳ ثُمَّ کَلَّا سَوْفَ نَعْلَمُونَ ۝۴ کَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ

به یکدیگر مباحثات کردید (۳) چنین نیست که این امور نشانه برتری باشد، به زودی به فرجام شوم این امور بوج آگاه خواهید شد (۴) آری چنین نیست، به زودی آگاه

عِلْمَ الْيَقِينِ ۝۵ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ۝۶ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا

خواهید شد (۵) از زندگی واقعی چنین نیست که می پندارید، بی تردید اگر علم یقینی داشتید (۶) با چشم دل و دیده بصیرت به طور حتمی دوزخ را می دیدید (۶) مسلماً

عَبَنَ الْيَقِينِ ۝۷ ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ۝۸

ایس از این دنیا با یقین محض آن را مشاهده خواهید کرد (۷) آن گاه در آن روز از همه نعمت های ظاهری و معنوی که در اختیارتان بود باز پرس و حسابرسی خواهید شد (۸)

سُورَةُ الْعَصْرِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْرِ ۱ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۲ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

سوگند به روزگار (۱) که بی تردید انسان غرق در خسران بزرگ و سنگینی است (۲) مگر آنان که مؤمنند، و کارهای

الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ۳

شایسته انجام داده اند، و یکدیگر را به حق سفارش داشتند، و به شکیبایی [در برابر حوادث، انجام عبادات، و ترک گناهان] توصیه کرده اند (۳)

سُورَةُ الْهُمَزَةِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

وَبَلُّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٌ ۱ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ۲ بِحُسْبٍ

وای بر هر طعنه زن عیب جوی! (۱) همان که ثروتی را به دست آورده، و [همواره] آن را شماره کرده (۲) گمان می کند

أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ۳ كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ۴ وَمَا أَدْرَاكَ مَا

ثروتش به او عمر جاودانه داده، او هیچ خطری متوجه او نیست (۳) چنین نیست [و گمان او واهی و بی دلیل است،] یقیناً او را در آن شکننده اندازند (۴) و تو چه می دانی

الْحُطَمَةُ ۵ نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ ۶ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْآفِئِدَةِ ۷

آن شکننده چیست؟ (۵) آتش برافروخته خداوند است (۶) که بر دلها برآید و چیره شود! (۷) آن آتش

إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَدَةٌ ۸ فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ ۹

بر دوزخیان سربسته است، [به گونه ای که هیچ راه گریزی از آن ندارند] (۸) در ستون هایی بسیار بلند و کشیده! (۹)

سُورَةُ الْفِيلِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ۱ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ

ای ندانستهای که پروردگارت با فیل سواران [که برای تخریب کعبه آمده بودند] چه کرد؟ (۱) آیا نیرنگشان را

فِي نُضْلٍ ۲ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ۳ تَرْمِيمُ بِحِجَارَةٍ

تباه و بی نتیجه ساخت؟ (۲) پرندگانی را گروه گروه بر ضد آنان فرستاد (۳) که پی در پی بر [سرا] آنان سنگ هایی

مِنْ سِجِّيلٍ ۴ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّا كُولٍ ۵

از نوع سنگ بل می افکندند (۴) سرانجام همه آنان را چون کاه خرد شده گردانید (۵)

سُورَةُ قُرَيْشٍ

آیاتها
۴مکة
قریش
۱۰۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

لَا يَلَا فِي قُرَيْشٍ ① اِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ ② فَلْيَعْبُدُوا

از ی خدا قبل سواران را نه بود کرد به خاطر همبستگی قریش از برادر صورت بیرون شدن قبل سواران نظام زندگی قریش متلاشی می شد (۱) همبستگی داشتنشان در سفرهای زمستانی و تابستانی (۲)

رَبِّ هَذَا الْبَيْتِ ③ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ ④

پس ای به شکرانه این نعمت باید پروردگار این خانه را بپرستند (۳) همان کسی که آنان را ایبا عطا کردن رزق از اگر سنگی نجات داد، و از ترس شدیدی که در شهر و در سفر هاداشند ایبا عطا ساخت (۴)

سُورَةُ الْمَاعُونِ

آیاتها
۷مکة
قریش
۱۰۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ ① فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ ②

ایا کسی را که همواره روز جزا را انکار می کند دیدی؟ (۱) همان که یتیم را با تند و خشونت می راند (۲)

وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ ③ فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ④ الَّذِينَ

و کسی را به اطعام مسکین تشویق نمی کند (۳) پس وای بر نمازگزاران! (۴) که از اهداف و محتوای

هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ⑤ الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ

نمازشان بی خبرند (۵) ایبه این علت همواره ریاکارند

وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ⑥

(۶) و از اعاریه دادن ابزار و وسایلی که مورد نیاز مردم به ویژه همسایگان است دریغ می کنند (۷)

سُورَةُ الْكَوْثَرِ

آیاتها
۳مکة
قریش
۱۰۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

إِنَّا آعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ① فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ②

بدرستی ما به تو خیر فراوان، که نسلی گسترده از طریق وجود فاطمه است عطا کردیم (۱) پس ایبه شکرانه این

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ③

نعمت، برای پروردگارت نماز بخوان! و قربانی کن! (۲) یقیناً دشمنت بی نسل، و بریده از همه خیرات است (۳)

سُورَةُ الْكَافِرُونَ

مکة
آیاتها
۱۰۹آیاتها
۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ۱ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ۲

بگو: ای کافران! (۱) من آنچه را شما می پرستید نمی پرستم (۲)

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ۳ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ ۴

و شما هم پرستنده آنچه من می پرستم نیستید (۳) نه من پرستنده آنچه شما پرستیده اید هستم (۴)

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ۵ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ۶

و نه شما پرستنده آنچه من می پرستم هستید (۵) دین شما برای خودتان، و دین من برای خودم (۶)

سُورَةُ النَّصْرِ

مدینه
آیاتها
۱۱۰آیاتها
۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ۱ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ

چون یاری خداوند و آن پیروزی [و وعده داده شده] فرارسد (۱) و ببینی مردم گروه گروه به دین خدا در آیند (۲) پس به شکرانه [این سه نعمت

أَفْوَاجًا ۲ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ۳

بزرگ [پروردگارت را همراه با سپاس، ایه پاک بودن از هر عیب و نقصی استایش کن و از او آمزش بخواه؛ زیرا او همواره بسیار توبه پذیر است (۳)

سُورَةُ الْمَسَدِ

مکة
آیاتها
۱۱۱آیاتها
۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

نَبَتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَ ۱ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ ۲

نابود باد قدرت و تلاش ابولهب! و نابود باد [خود او]! (۱) ثروت و آنچه از امکانات به دست آورده چیزی از [عذاب دنیا و

سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ۳ وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ۴

آخرت] او را برطرف نمی کند (۲) به زودی در آتشی شعله ور در آید (۳) و [نیز] همسرش که هیزم کش است [در آتش شعله ور در آید]

۴ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ ۵

(۴) بر گردنش طنابی از الیاف سخت به هم بافته شده خواهد بود (۵)

آیاتها
۴

سورة الاخلاص

مکة
نبیسا
۱۱۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۱ اللَّهُ الصَّمَدُ ۲ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

بگو: حقیقت این است که خداوند، یگانه بی همتاست (۱) خداوندی که [از همه موجودات] بی نیاز او مرجع و ملجأ همه نیازمندان

۳ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۴

جهان هستی است (۲) چیزی را نزاده، و زاییده نشده است (۳) و احدی [در ذات و صفات و افعال] همتا و مساوی او نبوده است (۴)

آیاتها
۵

سورة الفلق

مکة
نبیسا
۱۱۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ۱ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ۲ وَمِنْ شَرِّ

بگو: پناه می برم به پروردگار سپیده دم (۱) از زیان هر مخلوقی (۲) و از زیان شب، زمانی که [تاریکی اش] در آید و فراگیر شود (۳) و از زیان زنان افسون گری

غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ۳ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ

که [باز بانبازی و طنازی و حيله های گوناگون] در گره های زندگی مردم می دمند [و امور مردم را دچار مشکل کرده، و نظام حیاتشان را مختل می سازند]

۴ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ۵

(۴) و از زیان حسود، چون حسدش را به کار گیرد (۵)

آیاتها
۶

سورة الناس

مکة
نبیسا
۱۱۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ۱ مَلِكِ النَّاسِ ۲ إِلَهِ النَّاسِ ۳

بگو: پناه می برم به پروردگار مردم (۱) صاحب مردم (۲) معبود مردم (۳)

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ۴ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ

از زیان وسوسه گر کمین گرفته و پنهان (۴) آن که همواره در سینه های

النَّاسِ ۵ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ۶

مردم وسوسه می کند (۵) چه از جنیان باشد، چه از آدمیان (۶)

الدُّعَاءُ عِنْدَ الْفَرَاغِ مِنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ

عَنْ مَوْلَانَا الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

منقول از سرورمان امام صادق (علیه السلام)

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ قَدْ قَرَأْتُ مَا قَضَيْتَ مِنْ کِتَابِکَ، الَّذِیْ اَنْزَلْتَ فِیْهِ عَلٰی

بارخدايا! همانا من آنچه را که از کتابت بیان نموده‌ای، تلاوت کردم؛ همان کتابی که بر

نَبِیِّکَ الصَّادِقِ (صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ رَحْمَتُکَ)، فَلَکَ الْحَمْدُ رَبَّنَا؛

پیامبر راستگویت فرو فرستادی (که درود و رحمتت بر او باد)، پروردگارا! سپاس و ستایش، سزاوار توست.

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِیْ مِمَّنْ یُحِلُّ حَلَالَہٗ، وَ یُحَرِّمُ حَرَامَہٗ، وَ یُؤْمِنُ بِمُحْکِمِہٖ وَ

خداوند! مرا زمره کسانی قرار ده که حلال قرآن را، حلال و حرامش را، حرام شمرده و به محکم و

مُتَشَابِہِہٖ؛ وَ اجْعَلْہٗ لِیْ اُنْسًا فِی قَبْرِیْ، وَ اُنْسًا فِی حَشْرِیْ، وَ اجْعَلْنِیْ

متشابه آن، معتقد هستند و قرآن را در قبرم و هنگام حشر و زنده شدنم، انیس و مونس من ساز، و نیز مراجز و کسانی قرار ده که به سبب تلاوت

مِمَّنْ تُرْقِیْہٖ بِکُلِّ اٰیَۃٍ قَرَأَہَا، دَرَجَۃً فِیْ اَعْلٰی عِلِّیِّیْنَ اٰمِیْن رَبَّ الْعَالَمِیْنَ.

هر آیه‌ای، آن‌ها را به بالاترین مقامات (بهشتی) می‌رسانی و بر درجه آنان می‌افزایی. (درخواست مرا) اجابت فرمائی پروردگار جهانیان!

بحار الانوار، جلد ۸۹، صفحه ۲۰۶

بسمه تعالی

توفیق خدمتگزاری به قرآن کریم موهبتی است الهی، که بندگان خویش را از سر لطف و کرم، نصیبی می‌رساند و آنان را به این افتخار عزت می‌بخشد.

شکر این نعمت نیز خود نعمتی است مضاعف که با خدمتی افزون نسبت به آستان مقدس قرآن کریم حاصل می‌گردد.

در سایه لطف و توفیق حضرت حق، ترجمه حاضر که حاصل چهار سال تلاش مستمر می‌باشد، با مراجعه به منابع ارزشمندی چون: (مجمع‌البیان)،

(المیزان)، (کشاف)، (پسرالتفسیر)، (روض‌الجنان)، (صافی)، (التحقیق فی کلمات القرآن)، (اعراب القرآن)، (علوم العربیه)، (مفردات راغب)،

(معنی‌اللیب)، (المنجد)، (فروق اللغات)، (العین)، (مصباح‌العنبر)، (مجمع‌البحرین)، (فرهنگ معین)، نگارش گردید.

به خاطر احتیاط شدید، و احساس مسئولیت سنگینی که نسبت به کتاب الهی دارم این ترجمه پس از سه بار بازنویسی و دوبار بازخوانی، توسط دو

ویرایشگر دانشمند ویرایش گردیده و سپس به متخصصان (مرکز بررسی ترجمه قرآن کریم) در شهر مقدس قم سپرده شد.

آنان پس از چند تذکر عالمانه نظر خود را به شرح زیر طی نامه‌ای رسمی اعلام داشتند:

«ترجمه شما از قرآن مجید به وسیله کارشناسان (مؤسسه فرهنگی ترجمان وحی) مطالعه و بررسی شد، که حاصل دیدگاه و نقطه نظرات ایشان ذیلآ به اطلاع می‌رسد:

ترجمه از نظر نگارش، ساده و روان و قابل فهم همگان است، به ویژه که در موارد لازم توضیحاتی بر آن افزوده شده است. از ترجمه پیداست که در

کار آن دقت به عمل آمده و از بسیاری کاستی‌ها و لغزش‌هایی که برای مترجمان پیش آمده دور است.»

پس از اعلام نظر کارشناسان مؤسسه مذکور چاپ‌های متعددی از آن در چند صد هزار نسخه انجام گرفت که این توفیق از عنایت حضرت حق نسبت به

این ترجمه بود.

اخیراً سازمان دارالقرآن الکریم که متولی نظارت بر چاپ قرآن از نظر صحت کتابت کلمات است و ناشرین معتبر قرآن در نشستی صمیمی از این جانب

خواستند که از این ترجمه در چاپ قرآن مخصوص به آن سازمان و سایر ناشران استفاده شود، این درخواست سبب خیر عظیمی شد و باعث گردید یک

بار دیگر از ابتدا تا انتهای ترجمه را با مراجعه به کتب علمی بازبینی و بررسی کنم. نا آنجا که میسر بود با دقت بیشتر و تأمل دقیق‌تر ترجمه را بررسی و در

بعضی از لغات و کلمات و زیباسازی برخی از جملات تجدید نظر نمودم که به نظر می‌رسد به خواست خداوند مهربان با این بازنگری ترجمه‌ای مطلوب

و بیش از پیش استوارتر به دست آمده است. امیدوارم چاپ آن توسط سازمان دارالقرآن الکریم و ناشرین معتبر قرآنی به صورت ترجمه رو برو و

زیرنویس، مورد رضایت حق قرار گیرد و فارسی زبانان کشور اسلامی ایران و دیگر کشورها از آن بهره‌مند شوند.

توفیق همه امت اسلامی را در آشنایی بیشتر با مفاهیم قرآن و عمل به آن برای زنده کردن تمدن اسلامی و ایجاد زمینه برپایی حکومت عدل جهانی به

دست امام عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف از خداوند خواهانم.

حسین انصاریان ۸۹/۲/۱۵ شمسی

محل نزول	صفحه	نام سوره	آیات	محل نزول	صفحه	نام سوره	آیات
مکی	۴۰۴	روم	۳۰	مکی	۱	فاتحه	۱
مکی	۴۱۱	لقمان	۳۱	مدنی	۲	بقره	۲
مکی	۴۱۵	سجده	۳۲	مدنی	۵۰	آل عمران	۳
مدنی	۴۱۸	احزاب	۳۳	مدنی	۷۷	نساء	۴
مکی	۴۲۸	سبا	۳۴	مدنی	۱۰۶	مائده	۵
مکی	۴۳۴	فاطر	۳۵	مکی	۱۲۸	انعام	۶
مکی	۴۴۰	یس	۳۶	مکی	۱۵۱	اعراف	۷
مکی	۴۴۶	صافات	۳۷	مدنی	۱۷۷	انفال	۸
مکی	۴۵۳	ص	۳۸	مدنی	۱۸۷	توبه	۹
مکی	۴۵۸	زمر	۳۹	مکی	۲۰۸	یونس	۱۰
مکی	۴۶۷	غافر	۴۰	مکی	۲۲۱	هود	۱۱
مکی	۴۷۷	فصلت	۴۱	مکی	۲۳۵	یوسف	۱۲
مکی	۴۸۳	شوری	۴۲	مدنی	۲۴۹	رعد	۱۳
مکی	۴۸۹	زخرف	۴۳	مکی	۲۵۵	ابراهیم	۱۴
مکی	۴۹۶	دخان	۴۴	مکی	۲۶۲	حجر	۱۵
مکی	۴۹۹	جاثیه	۴۵	مکی	۲۶۷	نحل	۱۶
مکی	۵۰۲	احقاف	۴۶	مکی	۲۸۲	اسراء	۱۷
مدنی	۵۰۷	محمد	۴۷	مکی	۲۹۳	کهف	۱۸
مدنی	۵۱۱	فتح	۴۸	مکی	۳۰۵	مریم	۱۹
مدنی	۵۱۵	حجرات	۴۹	مکی	۳۱۲	طه	۲۰
مکی	۵۱۸	ق	۵۰	مکی	۳۲۲	انبیاء	۲۱
مکی	۵۲۰	ذاریات	۵۱	مدنی	۳۳۲	حج	۲۲
مکی	۵۲۳	طور	۵۲	مکی	۳۴۲	مؤمنون	۲۳
مکی	۵۲۶	نجم	۵۳	مدنی	۳۵۰	نور	۲۴
مکی	۵۲۸	قمر	۵۴	مکی	۳۵۹	فرقان	۲۵
مدنی	۵۳۱	رحمن	۵۵	مکی	۳۶۷	شعراء	۲۶
مکی	۵۳۴	واقعه	۵۶	مکی	۳۷۷	نمل	۲۷
مدنی	۵۳۷	حدید	۵۷	مکی	۳۸۵	قصص	۲۸
مدنی	۵۴۲	مجادله	۵۸	مکی	۳۹۶	عنکبوت	۲۹

نیز	نام سوره	صفحه	محل نزول	نیز	نام سوره	صفحه	محل نزول
۵۹	حشر	۵۴۵	مدنی	۸۷	اعلی	۵۹۱	مکی
۶۰	ممتحنه	۵۴۸	مدنی	۸۸	غاشیه	۵۹۲	مکی
۶۱	صف	۵۵۱	مدنی	۸۹	فجر	۵۹۳	مکی
۶۲	جمعه	۵۵۳	مدنی	۹۰	بلد	۵۹۴	مکی
۶۳	منافقون	۵۵۴	مدنی	۹۱	شمس	۵۹۵	مکی
۶۴	تغابن	۵۵۶	مدنی	۹۲	لیل	۵۹۵	مکی
۶۵	طلاق	۵۵۸	مدنی	۹۳	ضحی	۵۹۶	مکی
۶۶	تحریم	۵۶۰	مدنی	۹۴	شرح	۵۹۶	مکی
۶۷	ملک	۵۶۲	مکی	۹۵	تین	۵۹۷	مکی
۶۸	قلم	۵۶۴	مکی	۹۶	علق	۵۹۷	مکی
۶۹	حاقه	۵۶۶	مکی	۹۷	قدر	۵۹۸	مکی
۷۰	معارج	۵۶۸	مکی	۹۸	بینه	۵۹۸	مدنی
۷۱	نوح	۵۷۰	مکی	۹۹	زلزله	۵۹۹	مدنی
۷۲	جن	۵۷۲	مکی	۱۰۰	عادیات	۵۹۹	مکی
۷۳	مزمل	۵۷۴	مکی	۱۰۱	قارعه	۶۰۰	مکی
۷۴	مدثر	۵۷۵	مکی	۱۰۲	تکائر	۶۰۰	مکی
۷۵	قیامت	۵۷۷	مکی	۱۰۳	عصر	۶۰۱	مکی
۷۶	انسان	۵۷۸	مدنی	۱۰۴	همزه	۶۰۱	مکی
۷۷	مرسلات	۵۸۰	مکی	۱۰۵	فیل	۶۰۱	مکی
۷۸	نبا	۵۸۲	مکی	۱۰۶	قریش	۶۰۲	مکی
۷۹	نازعات	۵۸۳	مکی	۱۰۷	ماعون	۶۰۲	مکی
۸۰	عبس	۵۸۵	مکی	۱۰۸	کوثر	۶۰۲	مکی
۸۱	تکویر	۵۸۶	مکی	۱۰۹	کافرون	۶۰۳	مکی
۸۲	انفطار	۵۸۷	مکی	۱۱۰	نصر	۶۰۳	مدنی
۸۳	مطففین	۵۸۷	مکی	۱۱۱	مسد	۶۰۳	مکی
۸۴	انشقاق	۵۸۹	مکی	۱۱۲	اخلاص	۶۰۴	مکی
۸۵	بروج	۵۹۰	مکی	۱۱۳	فلق	۶۰۴	مکی
۸۶	طارق	۵۹۱	مکی	۱۱۴	ناس	۶۰۴	مکی

نام سوره	تجزیه	صفحه	محل نزول	نام سوره	تجزیه	صفحه	محل نزول
آل عمران	۳	۵۰	مدنی	حاقه	۶۹	۵۶۶	مکی
ابراهیم	۱۴	۲۵۵	مکی	حج	۲۲	۳۳۲	مدنی
احزاب	۳۳	۴۱۸	مدنی	حجر	۱۵	۲۶۲	مکی
احقاف	۴۶	۵۰۲	مکی	حجرات	۴۹	۵۱۵	مدنی
اخلاص	۱۱۲	۶۰۴	مکی	حدید	۵۷	۵۳۷	مدنی
اسراء	۱۷	۲۸۲	مکی	حشر	۵۹	۵۴۵	مدنی
اعراف	۷	۱۵۱	مکی	حمد	۱	۱	مکی
اعلی	۸۷	۵۹۱	مکی	حم سجده	۴۱	۴۷۷	مکی
انا انزلناه	۹۷	۵۹۸	مکی	دخان	۴۴	۴۹۶	مکی
انبیاء	۲۱	۳۲۲	مکی	دھر	۷۶	۵۷۸	مدنی
انسان	۷۶	۵۷۸	مدنی	ذاریات	۵۱	۵۲۰	مکی
انشراح	۹۴	۵۹۶	مکی	رحمان	۵۵	۵۳۱	مدنی
انشقاق	۸۴	۵۸۹	مکی	رعد	۱۳	۲۴۹	مدنی
انعام	۶	۱۲۸	مکی	روم	۳۰	۴۰۴	مکی
انفال	۸	۱۷۷	مدنی	زخرف	۴۳	۴۸۹	مکی
انفطار	۸۲	۵۸۷	مکی	زلزله	۹۹	۵۹۹	مدنی
برائت	۹	۱۸۷	مدنی	زمر	۳۹	۴۵۸	مکی
بروج	۸۵	۵۹۰	مکی	سبا	۳۴	۴۲۸	مکی
بقره	۲	۲	مدنی	سجده	۳۲	۴۱۵	مکی
بلد	۹۰	۵۹۴	مکی	شرح	۹۴	۵۹۶	مکی
بنی اسرائیل	۱۷	۲۸۲	مکی	شعراء	۲۶	۳۶۷	مکی
بینہ	۹۸	۵۹۸	مدنی	شمس	۹۱	۵۹۵	مکی
تبت	۱۱۱	۶۰۳	مکی	شوری	۴۲	۴۸۳	مکی
تحریم	۶۶	۵۶۰	مدنی	ص	۳۸	۴۵۳	مکی
تغابن	۶۴	۵۵۶	مدنی	صافات	۳۷	۴۴۶	مکی
تکائر	۱۰۲	۶۰۰	مکی	صف	۶۱	۵۵۱	مدنی
تکویر	۸۱	۵۸۶	مکی	ضحی	۹۳	۵۹۶	مکی
توبه	۹	۱۸۷	مدنی	طارق	۸۶	۵۹۱	مکی
توحید	۱۱۲	۶۰۴	مکی	طلاق	۶۵	۵۵۸	مدنی
تین	۹۵	۵۹۷	مکی	طه	۲۰	۳۱۲	مکی
جاثیه	۴۵	۴۹۹	مکی	طور	۵۲	۵۲۳	مکی
جمعه	۶۲	۵۵۳	مدنی	عادیات	۱۰۰	۵۹۹	مکی
جن	۷۲	۵۷۲	مکی	عبس	۸۰	۵۸۵	مکی

نام سوره	آیه	صفحه	محل نزول	نام سوره	آیه	صفحه	محل نزول
عصر	۱۰۳	۶۰۱	مکی	محمد	۴۷	۵۰۷	مدنی
علق	۹۶	۵۹۷	مکی	مذثر	۷۴	۵۷۵	مکی
عنکبوت	۲۹	۳۹۶	مکی	مرسلات	۷۷	۵۸۰	مکی
غاشیه	۸۸	۵۹۲	مکی	مریم	۱۹	۳۰۵	مکی
غافر	۴۰	۴۶۷	مکی	مزمل	۷۳	۵۷۴	مکی
فاتحه	۱	۱	مکی	مسد	۱۱۱	۶۰۳	مکی
فاطر	۳۵	۴۳۴	مکی	مطففین	۸۳	۵۸۷	مکی
فتح	۴۸	۵۱۱	مدنی	معارج	۷۰	۵۶۸	مکی
فجر	۸۹	۵۹۳	مکی	ملک	۶۷	۵۶۲	مکی
فرقان	۲۵	۳۵۹	مکی	ممتحنه	۶۰	۵۴۸	مدنی
فصلت	۴۱	۴۷۷	مکی	منافقون	۶۳	۵۵۴	مدنی
فلق	۱۱۳	۶۰۴	مکی	مؤمن	۴۰	۴۶۷	مکی
فیل	۱۰۵	۶۰۱	مکی	مؤمنون	۲۳	۳۴۲	مکی
ق	۵۰	۵۱۸	مکی	نازعات	۷۹	۵۸۳	مکی
قارعه	۱۰۱	۶۰۰	مکی	ناس	۱۱۴	۶۰۴	مکی
قدر	۹۷	۵۹۸	مکی	نبا	۷۸	۵۸۲	مکی
قریش	۱۰۶	۶۰۲	مکی	نجم	۵۳	۵۲۶	مکی
قصص	۲۸	۳۸۵	مکی	نحل	۱۶	۲۶۷	مکی
قلم	۶۸	۵۶۴	مکی	نساء	۴	۷۷	مدنی
قمر	۵۴	۵۲۸	مکی	نصر	۱۱۰	۶۰۳	مدنی
قیامت	۷۵	۵۷۷	مکی	نمل	۲۷	۳۷۷	مکی
کافرون	۱۰۹	۶۰۳	مکی	نوح	۷۱	۵۷۰	مکی
کوثر	۱۰۸	۶۰۲	مکی	نور	۲۴	۳۵۰	مدنی
کهف	۱۸	۲۹۳	مکی	واقعہ	۵۶	۵۳۴	مکی
لقمان	۳۱	۴۱۱	مکی	همزه	۱۰۴	۶۰۱	مکی
لیل	۹۲	۵۹۵	مکی	هود	۱۱	۲۲۱	مکی
مائده	۵	۱۰۶	مدنی	یس	۳۶	۴۴۰	مکی
ماعون	۱۰۷	۶۰۲	مکی	یوسف	۱۲	۲۳۵	مکی
مجادله	۵۸	۵۴۲	مدنی	یونس	۱۰	۲۰۸	مکی

شناسنامه:

چاپخانه: دانش - ۷-۶۶-۹۷ ۲۲ ۳۷ (۲۵)

نام کتاب: قرآن کریم

نوبت چاپ: سوم - ۱۳۹۵

ترجمه: استاد حسین انصاریان

تیراژ: ۱۰/۰۰۰ جلد

ناشر: آیین دانش - ۷-۲۶-۶۱ ۶۱ ۳۶ (۲۵)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۹۹-۶۵-۵

شماره: ۹۵۰۹/۱۳۳۱

تاریخ: ۱۳۹۵/۹/۲۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ

این مصحف شریف شامل: سی جزء کامل

و با مشخصات:

خطاط	: هادی اشرفی تبریزی
نوع خط	: نسخ
مترجم	: حسین انصاریان
نوع ترجمه	: زیر
زبان ترجمه	: فارسی
قطع	: وزیری (اندازه متن: ۲۱×۱۳)
تعداد سطور در هر صفحه	: چهارده
تعداد صفحات متن قرآن	: ۶۰۴ (تعداد صفحات قبل از متن: ۵- تعداد صفحات بعد از متن: ۷- مجموع صفحات: ۶۱۶)
نوبت چاپ	: سوم
محل چاپ و چاپخانه	: قم- دانش
تعداد	: ده هزار جلد

در تاریخ ۱۳۹۵/۹/۲۳ از جهت صحت کتابت، منطبق با قرائت عاصم به روایت حفص در معاونت نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم سازمان دارالقرآن الکریم بررسی و تصحیح گردید که مراتب در پرونده شماره: ۰۰۹۰۱۰۸۸۱۰۷۶۱۱۰۳۱۴۰۶۰۴۳۷ ثبت و چاپ آن توسط انتشارات آیین دانش با رعایت مقررات اعلام شده از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بلامانع می باشد.

بدیهی است انتشار این مصحف شریف پس از چاپ منوط به دریافت مجوز نشر (توزیع) و تجدید چاپ آن مشروط به تأیید مجدد و صدور مجوز کتبی معاونت نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم خواهد بود.

مهدی قره شیخلو
رئیس سازمان دارالقرآن الکریم



مرکز پخش: قم، بولوار شهید دل آذر، کوچه شماره ۲، پلاک ۱۴ (انتشارات آیین دانش)

تلفن: ۷ - ۲۶ ۶۱ ۶۱ ۳۶ (۰۲۵) و ۶۱ ۶۱ ۲۲ ۳۷ (۰۲۵)

همراه: ۹۵ ۱۴ ۱۵۳ ۰۹۱۲